www.takbook.com

بسم‌الله الرحمن الرحیم

کتاب حاضر که تحت عنوان اسناد لانه جاسوسی آمریکا در اختیار خوانندگان گرامی قرار می‌گیرد، حاوی افشاگریهایی است که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، تدریجاً و به صورت شش جزوه منتشر ساختند.

لازم به تذکر است که هر یک از جزوات ششگانه مزبور، دارای یک مقدمه به عنوان اطلاعیه می‌باشد که هریک در جای خود چاپ شده است.

در خاتمه تشکرات خالصانهٔ خود را از برادران، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام که موافقت نمودند این اسناد از جانب دفتر انتشارات جامعهٔ مدرسین به صورت یک جلد منتشر شود، اعلام نموده؛ ضمناً مجلدات بعدی این اسناد نیز در آیندهٔ نزدیکی در اختیار ملت شریف و مبارز ایران قرار خواهد گرفت. انشاءالله

**دفتر انتشارات اسلامی**
**وابسته به جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم**

## اطلاعیه افشاگری شمارهٔ ۱

**مردم مسلمان ایران:**

از آنجایی که اشغال سفارت آمریکا به اعتبار حرکت ضد امپریالیستی امام و مردم بوده است، ما دانشجویان مستقر در سفارت لازم می‌دانیم محتوای اسناد به دست آمده را مشخصاً ارائه نماییم و لازم به تذکر است که تمامی اسناد مهم در سفارت متمرکز و طبقه بندی شده بود و در حین اشغال سفارت کارکنان مزدور در سفارت توانستند طبق برنامهٔ از قبل تعیین شده با استفاده از دستگاههای برش و خرد کنندهٔ کاغذ، پرونده‌ها و حافظه‌ها و نوارهای کامپیوتری را از بین ببرند که بقایای غیرقابل استفاده آنها به صورت خرده کاغذ و کاغذ رشته رشته شده موجود است. تنها مقداری پرونده و اسناد موجود است که داری مشخصات زیر است:

۱ـ بعضی از اسناد مهم باقی مانده کاملاً سرّی بوده و با حروف رمز نوشته شده است.

۲ـ اسناد راجع به موضوعات پیچیده‌ای است که نمی‌توان بدون صرف چندین روز وقت اطلاعاتی کسب نمود.

۳ـ بسیاری از اسناد دنباله دار و سیستماتیک است و احتیاج به زمانی طولانی جهت کشف ارتباط بین آنها

www.takbook.com



دارد.

۴ـ بسیاری از اسناد احتیاج به تخصص‌های نظامی و اطلاعاتی دارد که از قدرت ما خارج است. لذا با توجه به نکات فوق کلاً برداشت کردن از اسناد و اطلاعات به دست آمده بعد از کوشش‌های فراوان توانسته است به نتیجهٔ مطلوب برسد. اما نتیجهٔ کوشش‌های ما اطلاعاتی است که عمدتاً خطوطی کلی و در بعضی از موارد خطوط مشخص سیاست، سیاسی ـ نظامی ـ اطلاعاتی جاسوس خانه آمریکا در ایران را روشن می‌نماید.

طبق اسناد به دست آمده در این سفارتخانه اطلاعات دقیقی راجع به شخصیت‌های مختلف انقلاب و سازمان‌های سیاسی ـ نظامی جمع آوری شده و به شکل پرونده‌های مفصلی نگهداری می‌شود.

اسناد به دست آمده حاکی از سیستمی است که اطلاعات لازم را از ارتش جمهوری اسلامی و نحوه عملکرد آن، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وضعیت وزارتخانه‌ها جمع‌آوری کرده و در اختیار مقامات آمریکایی قرار داده‌اند.

انواع و اقسام تحلیل‌ها از اوضاع ایران، جریانات کردستان، خوزستان و چگونگی حضور و عملکرد آنها در جریانات کردستان و خوزستان به دست آمده است که همگی بیانگر یک حرکت کامل اطلاعاتی در تمامی جریانات اخیر است.

منجمله حضور یک هیئت پنج نفری نظامی که با پاسپورت دیپلماتیک تمامی مسایل نظامی ایران را زیر نظر و تحلیل خود داشته‌اند و تقاضای یکی از قسمتهای سفارت از قسمتی دیگر مبنی برداشتن افرادی در دایره‌های سیاسی ـ اقتصادی و ایستگاه‌های پلیس جهت خبرگیری و کسب اطلاعات قابل توجه است همچنین مشخص گردیده است که پرسنل آمریکایی سفارت همگی در خدمت این واحد اطلاعاتی و جاسوسی بوده و در اسناد به نام دایرهٔ کلید نامیده می‌شده‌اند و از دولت آمریکا تقاضای تفنگدار دریایی جهت حفاظت سفارت نموده‌اند. همچنین از مرکز الکترونیک و کامپیوتری سفارت که در داخل یک گاوصندوق چند اتاقه قرار دارد می‌توانسته‌اند مستقیماً با دستگاههای بسیار قوی تلفن و تلکس و تلگراف با آمریکا تماس بگیرند و اطلاعات را در اسرع وقت رد و بدل کنند. در صورتی که می‌دانیم سفارتخانه‌ها فقط جنبهٔ دیپلماتیک داشته و حفاظت آن بر دولت میزبان است و حق دخالت در امور داخلی کشور را به هیچ وجه ندارد چه رسد به جاسوسی، طرح توطئه‌ها و استقرار یک سیستم اطلاعاتی در مملکت جهت خدمت به منافع کثیف امپریالیسم خونخوار آمریکا در ایران. کسب اطلاعات در یک سیستم سازمان یافته در خدمت سیا و دولت مستکبر آمریکاست و براساس آن طرح توطئه و به تبع، زمینه ایجاد کردن جهت نفوذ در ارگان‌های انقلابی و اجرایی و به انحراف کشیدن انقلابی که حاصل خون یکصد هزار شهید به خاک و خون غلتیدهٔ خلق مسلمان ایران است.

ما با تمام محدودیتهایی که در کشف اسناد ناقصِ به دست آمده داریم و با توجه به اینکه اسناد اصلی توسط مزدوران از بین رفته است کوشش فراوان داریم که جهت اطلاع دقیق و هر چه بیشتر مردم مسلمان با اطلاعیه‌های افشاگرانهٔ بعدی خود به طور مشخص محتویات اسناد به دست آمده را ارائه نماییم.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

www.takbook.com



**اطلاعیه افشاگری شمارهٔ ۲**

مردم ایران می‌دانند که اقامت شاه در آمریکا برای این کشور اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و بیماری او بهانه‌ای بیش نیست؛ زیرا سرمایه داری غرب و خصوصاً آمریکا، از یک سو با سرمایه شاه و وابستگانش (دستمایه رنجبران ایران) جان تازه‌ای می‌گیرد و از دیگر سو با حمایت از او بـقیهٔ دست‌نشـاندگان و مزدورانش را در سراسر جهان مطمئن به حامیِ باوفا می‌کند.

بدین قرار پس از فرار شاه معلوم بود که آمریکا سرانجام او را خواهد پذیرفت و مسلم بود که در این راه به کلیهٔ حیله‌ها و دسیسه‌ها متوسل خواهد شد تا زمینه را برای پذیرش فردی که در هر عرف و قانونی، دزد و جانی و خائن و آدمکش شناخته شده است آماده کند تا دو دشمن قسم خوردهٔ اسلام و مسلمین مانند قبل از انقلاب، بعد از آن هم در کنار یکدیگر به مبارزه و توطئه علیه مردم قهرمان ما ادامه دهند. اما ارادهٔ خلق کبیر ایران که در بازوان پرتوان فرزندان رزمنده و در اندیشهٔ بلند رهبر بزرگش، امام خمینی، تبلور یافته بود نقشهٔ پلید «شیاطین» را چونان همیشه نقش بر آب کرد.

مطابق اسناد مکشوفه از این جاسوسخانه در اوایل مرداد ماه امسال مکاتبات مهمی پیرامون پذیرفتن شاه از جانب آمریکا انجام شده است و دولت آمریکا مترصد یافتن بهترین موقعیت جهت تحقق این امر بوده است که در این باره عین سند به دست آمده ارائه می‌گردد.

**محرمانه. فقط چشمها** **دوم اوت ۱۹۷۹ (مطابق ۱۱ مرداد ۱۳۵۸)**

**محترماً**

**ال. بروس لین‌جن**

**مسئول امور**

**سفارت آمریکا ـ تهران**

**بروس عزیز:**

بالاخره موفق شدم تلگرام ارسالی شما را راجع بـه هـمان مـوضوعی کـه ضـمیمه است، بـبینم. اندیشه‌هایتان را بسیار پسندیدم و با آنها موافقم ـ البته با کمی اختلاف در جزئیات افکارمان مطابقت دارد. کاغذ من در مورد درخواست نیوسام و با دستورالعمل اکیدی که هیچ کس جز افراد مورد اعتماد و پیتر حق باز کردن ندارند، آماده شده بود. پس خواهش می‌کنم کاملاً مراقب من باش. ارادتمند

**هنری پرشت**

**راهنما**

**دفتر امور ایران**

**محرمانه. فقط چشمها**

**محرمانه . حساس**

نقشه برای آمدن شاه به آمریکا (ایالات متحده)

این ورقه شامل بعضی نکات مهم است که در طراحی برنامهٔ ما در مورد تمایل شاه به آمدن به ایالات متحده باید در نظر گرفته شود.

ما معتقدیم که سه سؤال جامع مطرح است:

www.takbook.com



چه اوضاع و احوال جدیدی می‌تواند تغییر سیاست دولت ایالات متحده را بجا معرفی کند.
چه شرایطی قبل از ورود شاه به اینجا از او خواسته شود.
چه ترتیباتی برای تأمین حفاظت پرسنل سفارتخانه داده شود.

**۱ـ اوضاع و احوال جدید**

دولت موقت ایران برنامه‌ای برای تعیین یک قانون اساسی جدید و انتخابات دولت بعدی ترتیب داده است. اگر این برنامه به طور معمولی دنبال شود ـ که احتمال آن نمی‌رود انتخابات مجلس خبرگان روز سوم اوت (مطابق با ۱۲ مرداد) انجام می‌شود. این مجلس کارش را ظرف یک ماه خاتمه خواهد داد. پیش‌نویس قانون اساسی، که خبرگان بررسی خواهند نمود، در شهریور به رفراندم عمومی گذاشته می‌شود و انتخابات رئیس جمهوری و مجلس تا اکتبر صورت می‌گیرد. به علت تقدمی که دولت فعلی برای به قدرت رساندن یک دولت مقتدر و قانونی است، ما معتقدیم که دولت موقت ایران و خمینی هر کوششی را جهت پیشرفت طرحهای فوق، مطابق برنامه خواهند نمود. حتی با تمام تأخیرات غیرقابل اجتناب، این برنامه تا پایان سال ۷۹ عملی خواهد شد.

وقتی که این کار انجام شد، ما به دولت جدید اطلاع خواهیم داد که مایلیم مواردی را که قبلاً نتیجه‌گیری شده، مورد بررسی دوباره قرار داده و تصفیه حساب کنیم. یکی از این موارد موقعیت شاه است. ما می‌توانیم به دولت اطلاع دهیم که در مقابل فشارهای شدید در مورد آمدن شاه به آمریکا مقاومت کرده‌ایم، چون نمی‌خواسته‌ایم مسایل بغرنج تازه‌ای برای دولت موقت ایران پیش بیاید یا تلاشهای ما در جهت ایجاد روابط نوینی دچار اشکال شود. حالا که دولت جدید و با ثباتی تشکیل شده و مورد تأیید قرار گرفته،

مقتضی است اجازهٔ ورود شاه به آمریکا داده شود. دولت ایران این را نخواهد پسندید ولی بهتر است که راجع به مسئله چندان سر و صدایی نشود. این بحث با دولت جدید ایران پس از ۲ ـ ۳ هفته که از تشکیل آن گذشت، یعنی چند روز قبل از ورود شاه به آمریکا انجام خواهد شد. در این میان ما باید شروع کنیم تا آمادگی لازم را به ایرانیها بدهیم که در مورد ورود شاه، ما تحت فشارهای شدید بوده‌ایم. فشارهایی که به رغم سیاست درهای بازمان تحمل کرده‌ایم. اگر کار قانون اساسی انجام نشود و تشنج در ایران افزایش یابد، و اگر هیچ دورنمایی که به سر و سامان گرفتن اوضاع بینجامد. به وجود نیاید، ممکن است جدالهایی برای پذیرفتن شاه که به هر حال گام غیرقابل اجتنابی در برابر ماست، به وجود آید. اما باید ابتدا میزان خطرات و موقعیت کاملاً مورد بررسی قرار گیرد.

در صورت تحقق هر یک از این حالات، ما باید سیاست خود را در مورد شاه قبل از ژانویه به جهت مثبتی تغییر دهیم. اگر این نقشه اجرا شود، احتمالاً عاقلانه به نظر نمی‌رسد که موضوع در یک دایرهٔ بسته (شاخهٔ عملیات) منتشر شود. شاید به بعضی اشخاص متنفذ بیرون این دایره لازم باشد اطلاع داده شود به نحوی که فشار حاصله از این تغییر کاهش یابد. همچنین در این مورد بحثی با اعضای کنگره خواهیم داشت تا نشان دهیم که ما سعی کرده‌ایم و امیدوار بوده‌ایم که مسئله را بطور موفقیت‌آمیز حل کنیم. این اقدامی است که فشارها را در جهت ـ برای مثال اعلام قطعنامه‌ای از جانب کنگره به دولت برای دادن اجازهٔ ورود به شاه ـ کاهش می‌دهد. به هر حال این عمل احتمال افشای مذاکراتی را که با دولت موقت ایران

www.takbook.com



خواهیم داشت، قبل از اینکه آماده باشیم، افزایش می‌دهد.

**۲ـ شرایط**

اساساً در توضیح موقعیت ما به ایرانیها، اگر شاه بخواهد از تاج و تخت شاهی خانواده‌اش صرف نظر کند کمک بسیار مؤثری خواهد بود. معتقدیم که احتمال انجام این امر بشدت کم است ولی این ایده را از طریق واسطه‌های قابل اطمینان می‌شود با او مطرح کرد و اگر شاه قبول نکرد دیگر هیچ بهانه‌ای برای متهم کردن دولت آمریکا در دست نخواهد داشت. اگر شاه از کناره‌گیری امتناع کند دیگر هیچ شکی برای انکار ایرانیان در رابطه با موضع خودمان باقی نخواهیم گذاشت باید این مسئله را برای اذهان عمومی کاملاً روشن کنیم که هر گونه ادعای خانواده وی نسبت به سلطنت بی اعتبار خواهد بود و بعد بطور خصوصی این مطلب را با شاه و دوستانش روشن خواهیم کرد که ما هیچ اقدام ضد انقلابی را که ناقض قوانین دولت آمریکا یا سیاست مرسوم در رابطه با فعالیتهای سیاسی و اشخاصی که ویزای موقت دریافت می‌کنند باشد، تحمل نمی‌کنیم.

**۳ـ امنیتی**

حدس می‌زنیم که پرسنل سفارت آمریکا نسبت به بهار امسال کمتر مورد تهدید قرار دارند. از قرار معلوم احتمال چنین تهدیداتی با نزدیک شدن به آخر سال کاهش می‌یابد. معهذا خطر گروگان‌گیری باقی می‌ماند. نباید هیچ حرکتی در جهت قبول شاه تا زمانی که نتوانسته‌ایم یک نیروی محافظ مؤثر و اساسی برای سفارت تهیه کنیم انجام دهیم. ثانیاً وقتی اجازهٔ ورود شاه صادر شود باید گارد امنیتی آمریکایی اضافی برای سفارت در نظر بگیریم تا پرسنل طراز اول (KEY) (اسم رمز) را از هر نوع خطر تا برطرف شدن دورهٔ مخاطره‌آمیز حفظ نماییم. قبل از هر گونه اقدام لازم است جزئیات بیشتری در مورد مناسبات قانونی و امنیتی کنگره در دست داشته باشیم.

این اسناد و ترجمهٔ آن را در فوق آوردیم تا قضاوت را در کم و کیف توطئهٔ «شیاطین» به عهده شما بگذاریم. لازم به تذکر است که کلیه تأکیدها (خط کشی) در اصل سند و به وسیلهٔ مسئولِ «دفتر امور ایران» در وزارت امور خارجه آمریکا (واشنگتن) صورت گرفته است.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

www.takbook.com



## اطلاعیه افشاگری شماره ۳

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

سالهاست که امپریالیسم جهانخوار آمریکا، این دشمن قسم خورده خلقهای مستضعف، شریانهای اقتصادی و حیاتی قسمت بزرگی از جهان و منجمله ایران را زیر سلطهٔ همه‌جانبهٔ خود قرار داده است. مدتهاست منابع اولیهٔ سرزمین زرخیز ایران که یکی از مناطق حساس اقتصادی جهان است، توسط آمریکای جنایتکار به تاراج رفته، کشاورزیش تخریب گشته و صنعت مونتاژ و بازار کالاهای ساخته شدهٔ غربی به او تحمیل شده است.

سالهاست که برنامه‌ریزان آمریکایی برای اقتصادمان برنامه ریخته‌اند و نکته آنکه در هر طرح اقتصادی دو هدف زیر اجباراً همیشه اصل و اساس بوده است:

۱ـ متلاشی کردن هرچه بیشتر اقتصاد بومی ایران و وابسته‌تر کردن روز افزون هر واحد اقتصادی به غرب به ویژه آمریکا ـ یعنی رشد سرمایه‌داری وابسته.

۲ـ کوشش جهت اجرای برنامه‌های اقتصادی طراحی شده در غرب که ماحصل آن بر باد رفتن منابع اولیه، ایجاد اقتصاد مصرفی و انحصاری شدن بازار فروش به وسیلهٔ کالاهای ساخته شده غربی است که منجر به پشتیبانی از سرمایه‌داری وابسته می‌گردد اما رشد انقلاب اسلامی ایران و قیام آگاهانه و هدفمند خلق رزمنده‌مان آخرین «دژ» امپریالیسم را در هم شکست و نه تنها توطئه‌ها را نقش بر آب کرد بلکه اسنادشان را در معرض دید همگان قرار داد تا برای خلقهای در بند، رهنمون آزادی گردد.

این اسناد به دست آمده از جاسوسخانهٔ آمریکا در تهران دلالت بر برنامه‌های اقتصادی آمریکاییان سفارت‌نشین برای اقتصاد فلج و وابستهٔ ما چقدر حساب شده و خطرناک بوده است.

امید آنکه ارائه آنها نشانگر آن باشد که تنها راه خروج از مدار وابستگی همه‌جانبه و کسب استقلال در پرتو مبارزات پر شور ضد امپریالیستی خلقها حاصل تواند شد.

«طرح بازرگانی ـ کشاورزی» زیر که FY 80 CAP FOR IRAN نامگذاری شده است، طرحی است که سیاستهای امپریالیستی آمریکا را برای سلطهٔ همه‌جانبه بر اقتصاد ایران در سال ۱۹۸۰ دقیقاً ترسیم می‌کند. لازم به یادآوری است که از قرار معلوم این پروژه برای دیگر کشورها هم در نظر گرفته شده است. ما در اینجا فقط مقدمهٔ آن را ترجمه کرده و رئوس مطالب را نیز می‌آوریم. متن انگلیسی طرح در اختیار جراید قرار می‌گیرد تا با ترجمهٔ کامل و شرح و تفسیر هر بخش آن قسمتی از دسیسه‌های شیطان بزرگ فاش گردد.

تاریخ: June, 1, 1979 (۱۳۵۸/۳/۱۳)

از : EB/OCA- LYNNE Lambert

به : NEA/RA -Rusty Graham
NEA/RA -Robert Day
NEA/IRN - Mark Johnson
NEA/IRN - Joseph Harray
BED/CAGNE - Micky SMITH
BED/CAGNE - DON RYAN
BED/OEPE - Charles Gendreau

www.takbook.com



**موضوع:** FY 80 CAPFOR IRAN

ابتدا در مورد پروژه گفته که:

۱ـ شرایط سیاسی ممکن است اجازه ندهد تمام پیشنهاداتی را که گفته است بتوان پیاده و عمل کرد.

۲ـ هدف CAP تهیه کردن خطوط راهنما برای تیمی است که در آینده وارد ایران می‌شود.

۳ـ در محل (تهران) می‌شود تغییراتی در پروژه داد؛ چون در واشنگتن که ما این طرح را ریخته‌ایم ممکن است اطلاعات ما محدود بوده باشد و تغییراتی پدید آید.

commerical Action program (CAP)

**قسمت اول: تحلیل و دوره‌ای از اوضاع**

ایران همیشه یکی از بزرگترین بازارهای مصرفی برای محصولات آمریکایی بوده است. در سال ۱۹۷۸ واردات غیر نظامی ایران از آمریکا رقم ۳/۶ میلیارد دلار را تشکیل می‌داده. مشکلات سیاسی ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ باعث سقوط منحنی واردات ایران و در نتیجه صادرات آمریکا می‌شود.

بحران سیاسی ایران باعث اعتصابات گستردهٔ کارگری، آسیب و زیانهای قابل ملاحظه به کارخانجات و املاک و فلج سرویس و خدمات زنده و متحرک کشور گردیده است. صادرات نفت که اصلی‌ترین منبع معاملات خارجی ایران می‌باشد در اکتبر ۱۹۷۸ سقوط کرد و در دسامبر همان سال کاملاً متوقف گردید و تا مارس ۱۹۷۹ از سر گرفته نشد. در این مدت ایران در حدود ۷ میلیارد دلار در آمد از دست داد.

منظره سال ۱۹۷۹ دیدگاه جالبی به دست نمی‌دهد. بیکاری و افزایش قیمتها به حد بحرانی رسیده است. برنامه‌ریزهای کشور احتیاج به اعتماد به نفس پیدا کردن دارند و دوباره منظم کردن اولویتها و پایه‌ریزی چارچوب رشد آینده اقتصادی که البته در شرایط سیاسی کنونی رسیدن به این اهداف مشکل به نظر می‌رسد.

با بررسی آینده، پس از این بحران امیدواری بیشتری پیش می‌آید. نفت کشور باعث درآمد قابل توجهی می‌باشد. در سطح کنونی قیمتهای نفت، ایران احتمالاً در حدود ۱۸ الی ۲۰ میلیارد دلار در سال مالی آینده درآمد خواهد داشت. علاوه بر آن ذخیره‌های ارزی، حدود ۱۰ میلیارد دلار دیگر را تأمین می‌کند. مهمترین عمل بازرگانی برای آمریکا در ایران کمک به مؤسسات آمریکایی برای دوباره‌سازی یک بازار قوی برای محصولات خود می‌باشد و دنبال کردن موقعیتهایی که انتظار می‌رود به خاطر پروژه Fy 80 پیش آید. هدف این سند اجرای یک برنامه و نقشهٔ مدیریت و اولویتها است که باعث یک بازگشت به وضعیت معمولی و نرمال سیاسی و اقتصادی بشود. در این برنامه رهنمودهایی به بازرگانهای آمریکایی که از ایران بازدید می‌کنند می‌دهد و گزارشهای آگاه‌کننده‌ای راجع به پروژه‌های بزرگ در اختیار آنها گذاشته می‌شود. این قسمتها توسط دولت (ایران) به عنوان مسایل با اولویتهای بالا شناخته شده است.برنامه فقط حول تصمیمات وزارت بازرگانی نمی‌گردد بلکه مشتق از تماسها و اطلاعات و اخبار گوناگون می‌باشد. همچنان که شرایط تغییر می‌کنند بازنگرش و تصمیم دوباره راجع به اهداف و اولویتها و اعمال ممکن است لازم باشد. این سند آغازگر یک چارچوب برای مذاکره راجع به طرح بازرگانی مذکور بین وزارت کشاورزی و بازرگانی و پست در آمریکا در فاصله‌های چهار ماهه می‌باشد. گزارش این مذاکرات یک زمینهٔ مناسب برای کار کارمندان دولت آمریکا در رابطه با زیاد کردن صادرات آمریکا به ایران و برای در

www.takbook.com



دست گرفتن کنترل بازار محصولات در حوادث آینده می‌باشد.

در پروژه راجع به مسایل زیر صحبت و برنامه‌ریزی زمان‌بندی شده و دقیق شده است.

۱ـ کشاورزی و بازرگانی کشاورزی (با اولویت سوم)

۲ـ سیستم‌های خانه‌سازی و صنایع وابسته (با اولویت چهارم)

و رهنمودهایی در رابطه با طرز رخنه در مسایل زیر داده است:

۱ـ سرویس‌های بازرگانی (اولویت اول)

۲ـ پروژه‌های بزرگ (اولویت دوم)

۳ـ محافظت و آماده کردن تسهیلات برای سرمایه‌گذاری (اولویت پنجم)

۴ـ لیست بازرگانان معامله کننده با خارج (اولویت ششم)

۵ـ گزارش موقعیت‌های معامله (اولویت هفتم)

۶ـ برنامه‌ریزی برای ارتقای پیش‌بینی حوادث تجارتی (اولویت هشتم).

ضمناً قابل توجه است این طرح، که در زمینه‌های اقتصادی مختلفی می‌باشد، هر سال برای ایران برنامه‌ریزی از قبل می‌شده است. به ترتیبی که برنامه Fy 81 CAP از هم اکنون در دست تهیه است ولی کامل نشده است و پروژه‌های FY 78 CAP و FY 79 CAP به دلیل انقلاب ایران کاملاً اعمال نشد (اینجاست که به اهمیت انقلاب اسلامی ایران به رهبری ابرمرد تاریخ، امام امت، خمینی کبیر، پی می‌بریم که با اعتلا و رشد هر روزه‌اش چگونه سلطه‌گران چپاولگر را به خاک ذلت نشانده است. باشد که افشای این اسناد صدای توفنده امام را در گذر پر تلاطم تاریخ ما یاری تواند بود، تا انقلاب اسلامی‌مان خلقهای در بند جهان را رهنمون زنجیر بریدن گردد).

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

www.takbook.com



**مورخ : ۵۸/۸/۱۸** **اطلاعیه افشاگری شماره ۴**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

همان طوری که در اطلاعیه شماره ۲ متذکر شدیم، رفتن شاه به آمریکا از مدتها پیش طرح ریزی شده بود. مؤید این سخن نامه‌ای است که سایروس ونس، وزیر امور خارجه آمریکا، به سفارت آمریکا در ایران نوشته است. ما این نامه را همراه با ترجمه و نسخهٔ اصلی آن در معرض قضاوت ملت قهرمان و بیدارمان گذاشته، تا بار دیگر ماهیت ضدخدایی و ضدخلقی امپریالیسم آمریکا در مورد حمایت از شاه خائن روشنتر گردد.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

ترجمهٔ نامهٔ مذکور :

**از : ایالت واشنگتن (پایتخت)** **۲۶ جولای ۱۹۷۹**

**به : سفارت آمریکا در تهران، فوری**

**موضوع : درخواستهای شاه جهت اقامت در آمریکا (ایالات متحده)**

ما در جستجوی این هستیم که به پرسشهای مکرر شاه و درخواست وی برای اقامت در آمریکا جوابگو باشیم. این موضوع از کانالهای مختلف جهت اقامت وی و شهبانو و بقیهٔ فامیلش در آمریکا دنبال می‌شود (او می‌تواند حداقل تا اکتبر در مکزیک اقامت داشته باشد).

من عقیدهٔ شخصی شما را در رابطه با این جا به جایی و اثر آن در مورد سلامت و ایمنی آمریکاییهای ساکن ایران (مخصوصاً کارمندان آمریکایی سفارت) و روابط فیمابین ما و دولت ایران احتیاج دارم اگر مسایل زیر عنوان شود آیا در پاسخ شما تغییری حاصل می‌شود یا نه :

۱ـ اگر شاه از ادعای خود بر تاج و تخت صرف نظر کند.

۲ـ شاه اعلام کند که هیچ گونه فعالیت سیاسی به هیچ عنوان نداشته باشد.

ما به این امر واقفیم که راه حداقل کردن مخالفتهای با این امر و یا خطرات احتمالی برای آمریکاییان و یا کدر شدن روابط دو کشور در دست بازرگان و دولت اوست.

چون این سؤال به طرز حادی در واشنگتن مطرح می‌باشد، متشکر خواهم شد اگر این مسئله را با هیچ کدام از کارمندان خود در میان نگذارید.

باتشکر فراوان
سایروس ونس

www.takbook.com



## اطلاعیه افشاگری شماره ۵

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**ملت مسلمان و قهرمان ایران**

در اطلاعیه‌های قبل سفارت سابق آمریکا را جاسوسخانه نامیده بودیم زیرا به هر گوشه‌ای که نظر افکندیم سندی از خبرگیری و جاسوسی یافتیم؛ به هر طرف که رفتیم مدرکی از خریدن افراد مشاهده کردیم؛ به هر که دست زدیم نقشه‌های حساب شده و اطلاعات فراوان از ارگانهای مختلف مملکتی دیدیم و بالاخره در پشت سر کلیهٔ توطئه‌ها، دست عوامل مستقیم و غیر مستقیم آمریکا مشهود بود. در انتقال ثروت ملی ایران به خارج توسط طاغوتیان نقش عوامل آمریکا کم نبوده و نیست، لذا برای نمونه سه سند ذیل را که نشانگر مدعای ماست به پیشگاه قضاوت امام و خلق ارائه می‌دهیم.

سند ۱ـ جعبه‌ای در کشوی میز سفیر کشف شده است که شامل هدایایی برای افراد ذیل می‌باشد:

الف ـ سرهنگ محبوبی، معاونت سابق اداره اقامت اتباع بیگانگان. آرم سفارت آمریکا که چاقوی مخصوص می‌باشد.

ب ـ سرهنگ خسرویانی، ریاست سابق پلیس مهرآباد. مدال مخصوص ایالات متحده که در ضمن نوعی چاقوی مخصوص می‌باشد.

ج ـ سرهنگ خوشخو، معاونت سابق ادارهٔ اقامت اتباع بیگانگان. فندک مخصوص همراه با آرم مخصوص سفارت آمریکا.

د ـ سرتیپ بیگلری. قیچی و چاقوی طلا.

هـ ـ سرهنگ ثقفی. مدال مخصوص ایالات متحدهٔ آمریکا و چاقوی مخصوص.

لازم به تذکر است که هدف از انتشار این سند نشان دادن سیاستهای خانمان برانداز آمریکا در رشوه دادن و خریدن افراد است. چون این هدایا هنوز ارسال نشده، چگونگی ارتباط و وابستگی افراد مذکور نامشخص می‌باشد.

سند ۲ـ که با کلمهٔ سرّی مشخص شده است تشکیلات سپاه پاسداران و شورای انقلاب و موقعیت امام خمینی را ثبت کرده است.

توضیح چارت سازمانی حکومت اسلامی ایران که در اسناد سفارت کشف شده و در صفحه بعد چاپ شده است.

**در مورد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

۱ـ این سپاه به عنوان چشم و گوش انقلاب اسلامی عمل می‌کند و به عنوان نیروی مخصوص امام جهت درهم کوبیدن هر نوع حرکت ضدانقلابی از هر طرف که بر علیه دولت اسلامی باشد وارد عمل می‌شود.

۲ـ به عنوان نیرویی به موازات ارتش عمل کرده تا اینکه از نظر نیرو هم سطح آنها شده، بتواند از هر نوع انحراف در میان ارتش جلوگیری کند.

۳ـ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر کلیهٔ وظایف کمیتهٔ امام نظارت داشته، تا اینکه مسئله‌ای غیرقابل حل نماند.

www.takbook.com



۴ـ سپاه پاسداران انقلاب به عنوان یک نیروی محافظ در داخل عمل کرده و همچنین به دیگر نیروهای قانونی داخلی کمک می‌کند، تا اینکه وظایفشان را به نحو احسن انجام دهند و با کوچکترین اخطار آماده حرکت به هر نقطه‌ای باشند.

۵ـ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان نگهبان سرسخت انقلاب اسلامی عمل می‌کند. این افراد را با شوق و ذوق میهن دوستی و روحیهٔ فداکاری اسلامی تعلیم می‌دهند.

**اطلاعات دیگر**

الف ـ سپاه پاسداران انقلاب در آینده نزدیک دارای ۳۰/۰۰۰ نیروی قوی خواهد شد که در مراحل مختلف کامل خواهد شد.

در حال حاضر (۱۶ اکتبر ۷۹) این سپاه ۱۰ تا ۱۵ هزار نیرو در سطح ایران دارد و طبق نقشه، هر شهری که دارای ۵/۰۰۰ جمعیت است قرار است یک واحد ۲۰۰ نفری از سپاه آنجا مستقر گردد.

ب ـ تمام ۲۱ بخشی که شامل شهرهای بزرگ می‌شود، هر کدام دارای ۱۰۰۰ نفر پاسدار قوی تحت عنوان کمیته محلی انقلاب خواهد داشت که آنها ممکن است با تغییر شرایط سیاسی مناطق مختلف، تغییر مکان دهند.

ج ـ بیست واحد از ۲۰۰ پاسدار قوی، که هرکدام به تازگی از کیفیت بالای آموزشی در سلطنت‌آباد برخوردارند، مأموریت دارند که امنیت شهر تهران را در شب با برجستگی خاص در دست داشته باشند.

د ـ سپاه پاسداران تحت کنترل اداری اجرایی هیچ یک از وزرای دولت نیست. بلکه تحت کنترل مستقیم امام، توسط کمیتهٔ مرکزی انقلاب اسلامی خواهد بود.

هـ ـ در حال حاضر هیچ نوع محدودیت سنی برای پاسداران نیست. آنها می‌توانند دارای سنین بین ۱۶ تا ۶۰ باشند.

و ـ واحدهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ایران به ۴۲ واحد رسیده است.

ز ـ هیچ کدام از مربیان تعلیم دیده در سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO) جهت تعلیم در اردوی علی‌آباد استخدام نشده‌اند. مربیان همه از ارتش می‌باشند.

این سند نشانگر آن است که دشمن با حساسیت تمام درصدد جمع‌آوری اطلاعات از این ارگان انقلابی کشور بوده است.

سند ۳ـ این سند ارتباط سفارت با سرمایه داران وابسته و سازماندهی خروج پول از ایران را بیان می‌دارد.

**موضوع : سازمان سرمایه‌گذاری ایرانی**

آقای ایرج کی‌نژاد مدیرعامل کمپانی سرمایه‌گذاری ایرانی، امروز راجع به یک ویزا تلفن کرد. او تخمین می‌زند که بخش صنعتی ایران، غیر از صنعت نفت با ظرفیت ۲۰٪ مشغول می‌باشد.

او انتظار ورشکستگی بسیاری از کمپانیها را در ماههای آینده دارد. او ۳۰ میلیون تومان پول سرمایه‌گذاری شده دارد که می‌خواهد به خارج منتقل کند. او متذکر شد که خیلی از کمپانیهای (Pars) نزدیک به ورشکستگی می‌باشد. کمپانی او وابسته به کنسرسیوم قدیمی می‌باشد که برای سرمایه‌گذاری به

www.takbook.com



میل دولت تأسیس شده بوده است. ایشان چندین بار توسط افراد نالایقی از کمیته‌ها دستگیر و بازجویی شدند ولی بالاخره شخص فهمیده‌ای از ایشان بازجویی کرد و اعلام کرد که گزارشات تجاری روزمره‌ای که او به لندن می‌فرستاده، کاری خلاف نبوده است.

نکتهٔ اساسی در این است که لابه لای خطوط نامهٔ فوق با خط نامرئی این جمله نوشته شده: «حالا زمانی است که انسانهای خوب برای کمک به کشورشان برگردند»!

در تاریخ سند توجه شود که حتی پس از انقلاب هم دست از توطئه برنمی‌داشته‌اند.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

**سرّی**

**تشکـــــیلات**

**سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

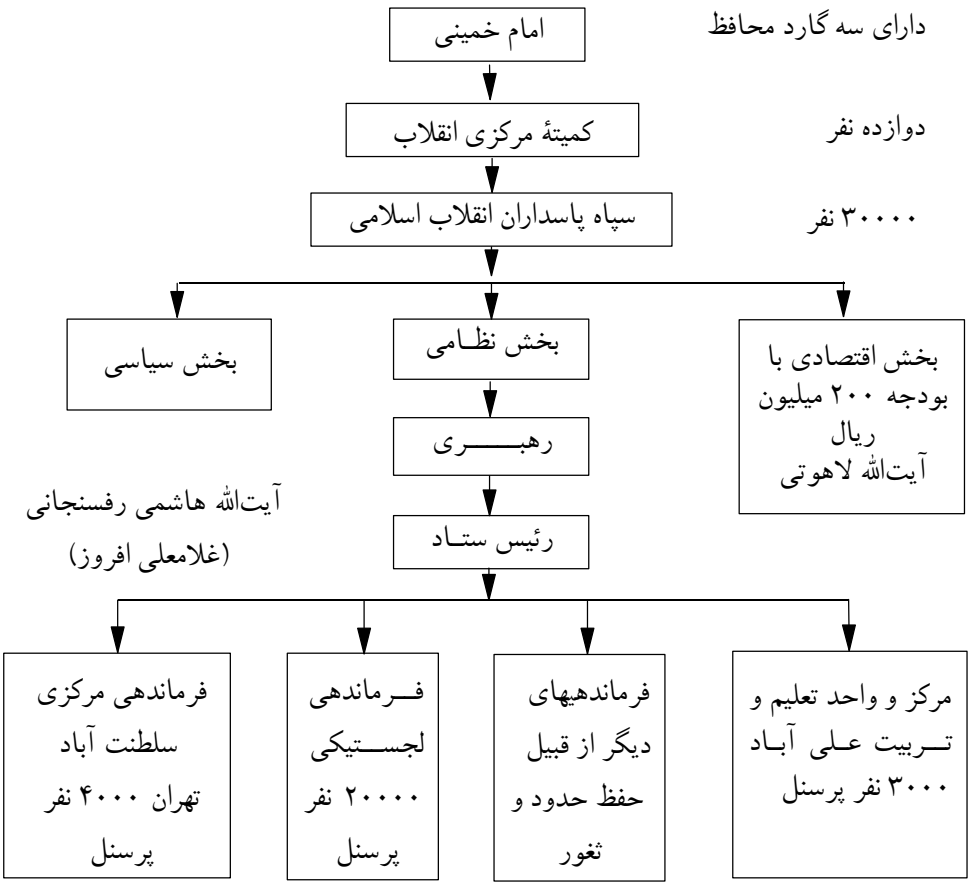

www.takbook.com



**مقدمه افشاگری شماره ۶**

ان‌الشیطان للانسان عدو مبین، .... ان کید الشیطان کان ضعیفاً. همانا شیطان دشمن آشکار و واضح انسان است ... لکن ... کیدها و حیله‌هایش ضعیف و سست است.

آمریکا، این حیله‌گر و روباه پیر مکار و دشمن انسانیت و اسلام و انقلاب، که به حق شیطان بزرگ نام گرفت، برای دستیابی به منافع بیشتر و حفظ اموال به غارت بردهٔ ملت‌ها و تداوم بخشیدن به سلطهٔ جابرانه و ظالمانهٔ خویش، همیشه در کید کردن و مرگ زدن بر ملت‌ها، از وجود نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران کهنه‌کار سود برده است. این تحلیل‌ها و نظریات از سوی این کارآزمودگان نقد شده و مرکزیتی جمع و بر اساس آنها تصمیم خواهند گرفت. لیکن از آنجا که سنت خدا تحقق یافتنی است و امر الهی برپا شدنی و انقلاب اسلامی مشیت خداوندی است، در این حیله‌گری مکر و حیله خواهد خورد که: و مکروا و مکرالله والله خیرالماکرین.

کتاب حاضر حاوی تحلیلها و نظراتی از این عوامل استعمار و مزدوران رژیم ظلم و سلطه‌گری است که قبل یا بعد از انقلاب تهیه شده است، به اطلاع مردم عزیز و بزرگوار خواهد رسید تا با شیوه‌های برخورد و طرق اندیشهٔ آنها نسبت به انقلاب و امام و راههای حیله‌گری و فتنه‌پردازی این دشمن آشکار، آشنایی یافته و از سیرت هزار چهرهٔ او آگاهی یابیم تا در قطع ریشه‌هایش در تفکر متمایل به آن در درون ملت، همت کنیم و به یاری خدا پیروزی نزدیک است.

لازم به ذکر است که این مطلب تحلیل‌ها و نظرات و شیوه‌های برخورد دشمن است که خالی و مبرای از اشتباه نمی‌تواند باشد؛ لیکن به خاطر امانت‌داری و آشنایی عموم از این نظریات، از هر گونه اظهار نظر کلی و تحلیلی در مورد آنها خودداری شده است که قضاوت با ملت عزیز و شرافتمند اسلامی باشد.

**والسلام علیکم و رحمةالله**

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

❊ ❊ ❊

در خاتمه تشکرات خالصانهٔ خود را از برادران، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام که موافقت نمودند این اسناد از جانب دفتر انتشارات جامعهٔ مدرسین به صورت یک جلد منتشر شود، اعلام نموده؛ ضمناً مجلدات بعدی این اسناد نیز در آیندهٔ نزدیکی در اختیار ملت شریف و مبارز ایران قرار خواهد گرفت. انشاءالله

**دفتر انتشارات اسلامی**

**وابسته به جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم**

**اطلاعیه افشاگری شماره ۶**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**ملت مسلمان ایران**

اکنون که انقلاب اسلامی ما به رهبری خمینی بزرگ اوج گرفته، اسناد به دست آمده از سفارت سابق آمریکا می‌تواند خطوط سیاست جاسوسی و دخالت در امور ایران را روشن‌تر کند.

آمریکا در کشورهای زیر سلطه و همچنین ایران از همهٔ امکانات سیاسی، نظامی، اقتصادی و انسانی در جهت حفظ منافع خود و دوام حکومت چپاولگر شاه خائن و کنترل منطقه به وسیلهٔ ایران و دولتهای

www.takbook.com



مرتجع عرب استفاده می‌نموده است.
طرح مورد بحث، طرح امنیتی است به نام IBEX (آی بکس) که به وسیلهٔ C.E.O ـ سازمان ارتباطات و الکترونیک ارتش آمریکا ـ در ایران طرح ریزی شده است. طرحی که با پول ایران و با سرمایهٔ ملی و نیروی انسانی ایران تهیه شده است. هدف آن کنترل الکترونیکی منطقه از فعل و انفعالات شوروی و حرکتهای انقلابی و حفظ امنیت داخلی ایران در جهت تحکیم قدرت شاه خائن و ادامهٔ چپاول امپریالیسم آمریکاست. در اینجا به خوبی می‌بینیم که آمریکا با سلطهٔ سیاسی اقتصادی خود در ایران توانسته است نیروهای نظامی، انسانی و اقتصادی مملکت را در جهت منافع خود به استخدام درآورد.
در مورد اصل طرح، اطلاعاتی را که به طور ناقص به دست آمده، در اختیار می‌گذاریم:
طرح IBEX در اوائل سال ۱۹۷۰ توسط C.E.O ـ سازمان ارتباطات و الکترونیک ارتش آمریکا ـ در ایران ارائه شد و هدف آن جمع آوری اطلاعات از برون مرزها، سیستم خبرگیری، سیستم جمع‌آوری و ارسال علائم، کنترل مرزها و کنترل و خبردهی سریع از تجاوز به مرزهاست، و بالاخره استفاده از تمامی مسایل اطلاعاتی که بشود به طریق الکترونیکی متمرکز نموده و در یک کانال اطلاعاتی مستقیم مورد بهره‌برداری قرار داد. در این طرح به وسیلهٔ پایگاههای اطلاعاتی الکترونیکی، دریایی، هوایی و زمینی و هواپیماهای «رادار پرنده» نظیر آواکس و هواپیماهای عکاس، اطلاعات رد و بدل می‌شود. طرح IBEX در چهار مرحله طرح‌ریزی شده است و هزینهٔ پروژه در بلند مدت که مقداری از آن ساخته شده است ۱/۳ بیلیون دلار است که رژیم ضد خلقی شاه رأساً از دسترنج رنجبران ملت ایران باید در حلقوم کثیف غول امپریالیسم می‌ریخت. اجرای طرح و همچنین هدایت و کنترل آن تماماً به وسیلهٔ مستشاران آمریکایی بوده است.
قسمتهایی از این طرح در دوران شاه خائن اجرا شده و پول آن نیز پرداخت گردیده ولی بخشهای دیگرش در آمریکا تأمین شده اما در زمان انقلاب طرح متوقف می‌گردد. دولت آمریکا به وسیلهٔ مزدورانش در ایران درصدد جلب نظر مقامات نظامی و سیاسی ایران برمی‌آیند تا بتوانند این طرح را دوباره بر ملت ما تحمیل کنند. همچنین تقاضای تصفیه حساب کرده‌اند که موفق به گرفتن پول نمی‌گردند.
مسئول این طرح در قبل از انقلاب ژنرال هوایی، گُست، است که از مزدوران خائن ارتش آمریکا در ایران و اجراکنندهٔ بسیاری از طرحهای امنیتی و ضد خلقی آمریکا در ایران و منطقه بوده است. این پروژه به وسیلهٔ چند کمپانی آمریکایی طرح و اجرا شده است که عبارتند از:
شرکتهای راک ول (Rockwell)، پان‌آم (PANAM)، فورد (Ford)، واکینگ تامسون (Walking-Tomson)، ای سیستم (E-System)، آی تک (ITeek)، سیلتچ (Syltech)، کوست (Quest)، تاچ راس (Touch - Russ). در این شرایط آنها تقاضای پرداخت بقیه صورتحسابهای خود و نیز تعیین تکلیف طرح را دارند و دولت آمریکا به وسیلهٔ ژنرال گُست بعد از انقلاب کوشیده است با مقامات ایرانی راجع به این طرح به توافق برسد که موفق نمی‌شود. بعد از انقلاب تهدیدهایی توسط سایروس ونس به دولت ایران می‌شود که در صورت عدم پرداخت هزینه‌ها و عدم تعیین تکلیف طرح، آمریکا دو هواپیمای خریداری شده ۷۰۷ و نیز سیستمهای کامپیوتری هواپیماهای ۷۰۷ را نخواهد داد. همچنین در ملاقاتهایی که با دولت ایران بعد از انقلاب از طرف وزارت دفاع آمریکا شده است، آمریکاییها پیش‌بینی نموده بودند که مقامات ایرانی حتماً خواهند پرسید که ارتباط IBEX با CIA چیست و به مستشاران گفته بودند: «شما

www.takbook.com



بگویید که هیچ ارتباطی ندارد.» گفتگوی فوق به خوبی رد CIA را در IBEX روشن می‌کند.

به احتمال قوی دو پایگاه الکترونیکی کبکان خراسان و پایگاه الکترونیکی بهشهر در ارتباط با این طرح است. این دو پایگاه که مستقیماً زیر نفوذ CIA و پنتاگون آمریکا بوده است همه نوع علائم و اطلاعات راجع به موشکهای شوروی و همچنین اطلاعاتی از فعل و انفعالات در منطقه را در نظر داشته است.

بعد از انقلاب یک هیئت پنج نفره به سرپرستی سرهنگ چارلز دبلیو اسکات به ایران می‌آیند که به عنوان هیئت مستشاری آمریکا در ایران فعالیت کنند. این پنج نفر ظاهراً مأمور دفتر دفاعی آمریکا که مسئول برآورد و تهیهٔ قطعات یدکی است بوده‌اند، ولی طبق نوشته‌های به دست آمده سرهنگ اسکات مسئول امنیتی و به احتمال قوی تعیین تکلیف و برآورد وضع IBEX بوده است. وی و چهار دستیار او اکنون جزو گروگانها هستند.

با توجه به اطلاعات فوق، واضح است که آمریکا ما را وسیلهٔ به کرسی نشاندن مقاصد خود در منطقه کرده و هزینهٔ این سیستم جاسوسی قوی را خلق محروم ما که زیر پنجه‌های خونین رژیم سفاک پهلوی جان می‌باخت پرداخته است و این در شرایطی بود که ملت مسلمان از ابتدایی‌ترین شرایطی زندگی محروم بوده‌اند.

نتیجتاً تنها در سایه مبارزهٔ استقلال‌طلبانه مردم مسلمان ایران است که می‌توان با پیروی از رهبری قاطع انقلابمان، خمینی رهبر، مستضعفین کشور را از اسارت ابرقدرتهای خونخوار و در رأس آن آمریکای جنایتکار نجات داد.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

www.takbook.com



**اطلاعیه افشاگری شماره ۷**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

ملت مبارز و شریف ایران، خلقهای مستضعف جهان

امام خمینی پرچمدار کبیر انقلاب ایران در آخرین سخنرانیهای خود آمریکا را شیطان بزرگ نام نهاده‌اند. براستی که امپریالیسم از مصادیق شیطان و آمریکا «شیطان بزرگ» است. هر چند که از یک طرف کلام را احتیاج به حجت و سند نیست و از دیگر سو عملکرد وحشیانهٔ آمریکا در ایران و پشتیبانی بی‌دریغ او از شاه خائن و همکاری همه‌جانبه‌اش در سرکوب و کشتار خلق قهرمان ما بر هر انسان آزاده‌ای روشن است، اسنادی به دست ما افتاده است که به سادگی خطوط شیطانی عملکرد دولت آمریکا و سفارت آن را در ایران روشن می‌کند. زبان اسناد بسی گویاست. سند زیر، حبیب‌اللهی یک افسر عالیرتبهٔ خائن ایرانی را رسوا می‌کند که ماهها بعد از انقلاب یعنی در تیرماه با پاسپورت جعلی از کشور فرار کرده است. از آن مهمتر اربابان آمریکاییش، خصوصاً آقای ونس، درصدد جلب او به آمریکا برآمده است. همین جاست که سخت هشدار می‌دهیم که باید هر چه زودتر جلو فرار این خائنان ضد انقلاب را گرفت تا نتوانند به آسودگی در بیرون مرزها به توطئه مشغول شوند.

**ترجمه سند مذکور:** **تاریخ: ۲۱ جولای ۱۹۷۹ (پنجشنبه ۵۸/۴/۳۱)**

**از: وزارت امور خارجه آمریکا به سفارت ایران**

**موضوع: متقاضی برای گذرنامه**

NIV: **دریاسالار کمال حبیب‌اللهی**

۱ـ (.C ـ متن داخلی)

۲ـ حبیب‌اللهی که فرماندهٔ دریایی ایران در طول دو سه سال آخر رژیم شاه بوده است اخیراً با استفاده از یک پاسپورت ایرانی با نام مستعار از کشور خارج شده و هم اکنون در فرانکفورت به سر می‌برد.

۳ـ اطلاع یافتیم که حبیب‌اللهی فرم درخواست ویزای NIV را در کنسول آمریکا با استفاده از نام مستعارش در پاسپورت پر کرده است (ادریس اصمدی گادجین Edriss - Asmdigadjin) و قصد دارد به خانواده‌اش در ویرجینیا بپیوندد و ترجیح می‌دهد که ویزا را با نام اصلی خود دریافت کند. به هر صورت از طریق یک دریاسالار نیروی دریایی ایالات متحده با او تماس گرفته‌ایم و از او خواسته‌ایم که در ملاقات آتی با کنسولگری آمریکا کاملاً مشخص کند که نام حقیقیش چیست و کدام نام را ترجیح می‌دهد.

۴ـ دریاسالار حبیب‌اللهی از جانب بسیاری از مقامات رسمی دولت ایالات متحده که در طول این چند سال با وی کار می‌کرده‌اند، به خوبی شناخته شده است و مورد علاقه است.

۵ـ اگر مسئله‌ای در مورد صدور ویزا و یا چگونگی مدارک مورد نیاز برای ویزا وجود دارد، به ما گزارش دهید. **ونس**

هدف از انتشار این سند نشان دادن دخالت مستقیم سفارت آمریکا در امور ایران و حمایت از ضد انقلابیون است. براستی مسئولیت ضدیت با انقلاب ایران، توطئه و جاسوسی را ملت آمریکا چگونه می‌پذیرد. **دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

www.takbook.com



**اطلاعیه افشاگری شماره ۸**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم** **۵۸/۸/۲۱**

سلطهٔ نظامی آمریکا بر کشورهای مستضعف جهان به عنوان پشتوانهٔ مستحکم امپریالیسم برای کنترل کشور و جلوگیری از انقلابات و حرکتهای آزادی‌بخش است. وابسته کردن ارتشها به اسلحه و جنگ‌افزار آمریکایی و استقرار سیستمی که فقط کارشناسان آمریکایی می‌توانند آن را اراده کنند و همچنین تطمیع ژنرالهای ارتش از ابتدایی‌ترین سیاستهای امپریالیسم در کشورهای در بند جهان سوم است.

در ایران نیز آمریکای جنایتکار چنین عمل کرده بود. شاه خائن توسط مستشاران نظامی آمریکایی ارتش را در جهت منافع آمریکا طرح‌ریزی نموده و اکثر امرای ارتش را تطمیع نموده و بسیاری از سیستمهای اطلاعاتی وسیع را در آن پیاده کرده بود. از آن خطرناکتر آنکه با ایجاد مستشاری، مستقیماً ارتش را زیر آموزش و کنترل خود داشته است. آمریکا در حقیقت ارتشی ساخته بود که به جای دفاع از منافع خلق مسلمان ایران و به جای دفاع از استقلال و اسلامیت ایران برای دفاع از منافع او در منطقه و در مقابل انقلابیون عمل می‌کرد.

در حقیقت ارتش ایران در زمان شاه خائن جزئی از نیروی آمریکا بود که مجهز به آخرین جنگ افزارهای آمریکایی مثل هواپیماهای F-14 و F-15 بود که حتی بعضی از آنها تنها در ارتش آمریکا یافت می‌شود. منطق حکم می‌کند که قدرت چپاولگری مثل آمریکا هرگز نمی‌تواند به فکر منافع ملت ایران باشد. اسلحه‌های آمریکایی، آموزش و استقرار سیستمهای اطلاعاتی وسیع در ارتش صرفاً در جهت منابع مستقیم آمریکا بوده است. اینک به جهت روشن‌تر کردن خطوطی که حکومت مستقیم آمریکا را در ارتش سابق ایران ثابت می‌کند به ارائهٔ اطلاعات و اسناد ذیل مبادرت می‌ورزیم.

۱ـ ایجاد مستشاری: در این باره دو سند ارائه می‌گردد.

سند الف: به نام مأموریت ارتش آمریکا و فعالیتهاست که در آن هدف آمریکا از ایجاد مستشاری را صریحاً حضور نظامی آمریکا در ایران برای دفاع از منافع آمریکا می‌خواند.

سند ب: یک مستشار نمونه را معرفی می‌کند که چگونه در سراسر انقلاب سعی در جاسوسی در ارتش، کنترل آن و بالاخره حمایت مستقیم و ماهرانه در مأموریت‌های نظامی تهران داشته است.

**سند الف: مأموریت ارتش آمریکا و فعالیتها**

مستشاری مهمترین حضور نظامی آمریکا در ایران است. هدفش بالا بردن کارآیی نیروهای نظامی ایران به منظور مقاومت در مقابل تجاوز و ادامه حفظ منافع آمریکا در ایران است.

این ارتش در ۱۹۴۱ به وجود آمد و در ۱۹۴۳ و ۱۹۴۷ تجدید سازمان یافت (قرارداد آمریکا و ارتش ایران). توافق اساسی بین حکومت آمریکا و دولت ایران این بود که نظارت و کمک ارتش آمریکا به ارتش ایران (زمینی، دریایی، هوایی) ادامه یابد. از ۱۹۵۰ قرار داد کمک دفاعی مشترک بین دولت ایران و دولت آمریکا در سه زمینه منعقد گردید.

این توافق که با توافق ارتشی ARMISH متفاوت بود، در زمینهٔ کمک اداری و سازماندهی بود.

در ۱۹۴۲ اولین کمک بزرگ به ارتش ایران تحویل گردید.

در ۱۹۵۸ نزدیکتر شدند ARMISH و MAAG.

www.takbook.com



در ۱۹۶۵ فروش نظامی خارجی و برنامه‌های اعتباری آغاز شد. موفقیت این برنامه موجب قطع کمکهای بلاعوض در ۱۹۷۲ بود. MAAG از Major - Gonra دستور می‌گیرد و هدف این مستشاری با مشاوره روزانه به بالاترین افراد ارتش ایران می‌باشد و این کار با در جریان گذاشتن شاه انجام می‌شود. کارمندان ARMISH - MAAG بر کار فرماندهان ستاد ارتش شاهنشاهی مشاوره کامل می‌نمایند.

هر عضو ایرانی که فرماندهٔ عملیات ـ اطلاعات تجسسی لجستیک (پشتیبانی) نقشه‌ها و برنامه‌هاست، یک نفر راهنمای خارجی دارد که معمولاً یک سرهنگ است.

مسئول مدرنیزه کردن ارتش شاهنشاهی ایران در رابطه با برنامه ۱۹۷۲ می‌باشد. ایران سفارش وسائل و خدمات به ارزش کمی بیش از ده میلیارد دلار که شامل خدمات است به آمریکا داده است.

**سند ب ـ مأموریت مستشاری دریایی**

ناخدا (کاپیتان) هالینگ ورث در طول دورهٔ منتهی به انقلاب، وابستهٔ دریایی سفارت آمریکا در تهران بوده است. وی در طول ماههایی که این انقلاب نضج می‌گرفت به دقت تغییرات رخ داده در نیروی دریایی ایران را گزارش می‌نمود. خوش‌مشربی و مهارت او در برقراری دوستی منتج به گزارشهای اطلاعاتی قابل اطمینان و بموقع می‌شده است. در کمتر از چند هفته با بسیاری از وابسته‌های خارجی تماسهای نزدیک گرفته و گفتگوهای تقریباً مفید متقابل ترتیب داده است. او کشش‌ها و شکافهایی را که در نیروی دریایی ایران خود شاهد بروزشان بود به طور بحرانی گزارش می‌نمود. او در آخرین هفته‌های قبل از انقلاب ایران با شرایط تحت فشار متعددی مواجه شد، عکس‌العمل او تقریباً در تمام این موارد که شامل اقدام به آدمکشی هم می‌شد (ممکن بود بشود) نمونه وار با آرامش، قاطعیت، و اندیشه منطقی همراه بود. هنگامی که موقعیت محلی بشدت وخیم گشته و به اخراج آمریکاییها کشید ناخدا هالینگ ورث، رل مؤثری در طرح نقشه به تناسب مراحل و فازهای عملیات این تخلیه (فرار) بزرگ به عهده داشت. خبرگی و درک مسئولیت و اقدام بموقع او، سلامتی و حرکت به موقع هزاران آمریکایی و خارجی دیگر را هنگام خروج از کشور تضمین نمود. کوششهای خستگی‌ناپذیر و بدون خودخواهی وی کمک بی‌حدی در چنین فرار موفقیت‌آمیزی نمود. بارها در غیبت وابستهٔ دفاع وظایف محوله را انجام داد. در این سطح، او هم اکنون مسئولیت و تأثیر بسزایی را به عنوان وابستهٔ نظامی قبول کرده است.

ناخدا هالینگ ورث افسری عالی‌دست در میان همقطارانش و یک حرفه‌ای واقعی و وابستهٔ (A.T.T) بسیار شایسته می‌باشد.

رفتار شخصی وی طبعاً با توجه به استاندارد تحمل، عملکرد و ادب و تواضعی که این افسر را برجسته می‌کند نمونه است.

حمایت مستقیم و ماهرانهٔ این افسر وی را در مأموریت‌های نظامی در تهران به طور قابل توجهی اثر کلی دفتر وابسته دفاع را افزایش داده است.

۲ـ ایجاد یک سیستم اطلاعاتی وسیع: در افشاگری شماره ۶ از طرح IBEX صحبت شد. در اینجا سندی ارائه می‌گردد که مستشاران آمریکایی بسیاری از اطلاعات دقیق را به ایرانیان نیز نمی‌داده‌اند. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که یک دولت خارجی چه اطلاعات سرّی و مهمی در کشور ما می‌تواند داشته باشد که دولت آن کشور صلاحیت داشتن آن را ندارد؟ به راستی چه کسی حکومت می‌کند؟

www.takbook.com



**سند: محرمانه**

**از: وزارت امور دفاعی ـ واشنگتن**

**به : ARMISH-MAAG تهران**

**موضوع: راهنما برای حد افشای اطلاعات در ایران**

راهنمای فعلی مصوب ۱۲/۱۹۷۹ مارچ به ترتیب زیر است: مطابق با ۲۱ اسفند

افشای اطلاعات محرمانه نظامی برای ایران

که به ترتیبی که در زیر گفته می‌شود تغییر می‌کند:

زمینه:

الف: بحران سیاسی و نظامی که در این تاریخ جریان دارد و انتظار می‌رود که برای مدتی ادامه داشته باشد سؤالی را برای ما در رابطه با توانایی دولت موقت ایران برای حفظ اسرار محرمانهٔ نظامی دولت آمریکا مطرح می‌کند.

ب: این احتمال می‌رود که اطلاعات محرمانهٔ نظامی که قبلاً برای دولت ایران آشکار بود مورد مخاطره قرار گرفته باشد. دولت ایالات متحده ادامهٔ این مخاطره را به هیچ وجه در زمان حاضر نمی‌تواند قبول کند.

ج: در موقعیت فعلی حداقل اطلاعات ممکنه می‌بایست به دولت ایران داده شود.

خطوط کلی راهنما برای افشای اسرار:

الف: هیچ‌گونه اسامی رمز جدیدی که باعث افشای اسرار به دولت ایران بشود بدون تأیید کمیتهٔ سیاست افشاگری مستقر در واشنگتن نباید استفاده کرد.

ب: مسایل زیر فوراً باید عمل شود:

قابلیت دولت ایران برای دریافت اطلاعات در موارد زیر مردود شناخته شد.

به طریقی که در ضمیمهٔ الف کتاب اول کمیتهٔ سیاست افشاگری نوشته شده است:

فصل اول: تشکیلات ـ تعلیم دهی ـ و کارمندان نیروهای انتظامی

فصل دوم: تدارکات و مهمات نظامی

فصل چهارم: تولید اطلاعات

فصل پنجم: عملیات نظامی مختلط ـ برنامه ریزی و آمادگی

فصل هشتم: اطلاعات نظامی

این ممنوعیت تا وقتی مؤثر باقی می‌ماند که یکی از موارد زیر پیش آید:

۱ـ کمیتهٔ ملی سیاست افشا کردنها بتواند تصمیم بگیرد که آیا دولت ایران به طور مناسبی قادر است که اسرار محرمانهٔ نظامی آمریکا را حفظ کند.

۲ـ دولت ایران ظاهراً توافق نامه بین دو کشور راجع به امنیت عمومی اطلاعات را که در تاریخ ۶ ژوئن ۷۴ بسته شده تحکیم کرده باشد.

این ممنوعیت فاش کردن اطلاعات بجز در مورد ج که در پایین ذکر می‌شود در همهٔ موارد ذکر شده می‌باید اعمال گردد. هم در مورد مسایل قبل هم در مواردی که در آینده پیش می‌آید.

این ممنوعیت شامل موارد زیر نمی‌شود:

برای افشای سمعی یا بصری مطالب برای کارمندان ایرانی که تعلیم می‌بینند مگر اینکه مقامات صلاح

www.takbook.com



ببینند که این گونه افشاگریها به صلاح آمریکا نباشد.

این راهنماییها شامل مطالب محرمانه‌ای که از طریق پیمان سنتو ممکن است به ایران برسد نیز می‌شود. خود این مطالب هم قابل افشا برای دولت ایران نمی‌باشد.

۳ـ وابسته کردن امرای بلندمرتبهٔ ارتش: در افشاگریهای قبل خصوصاً در سند افشاگری شماره ۷ نمونه‌هایی را ارائه دادیم.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

www.takbook.com



## اطلاعیه افشاگری شماره ۹

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

امپریالیسم آمریکا، این دیو خونخوار روبه صفت، با تمام قوا و حیله‌ها و امکانات خویش درصدد رخنه کردن در افکار و اندیشه‌هاست که منجر به وابستگی در کلیهٔ روابط و نهادهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ما می‌شود. این مار زخم خورده می‌کوشد تا از هر فرصتی برای ایجاد رابطه‌ای نزدیک‌تر استفاده کرده، موجودیت پلید و زهرآلودش را به ما تحمیل نماید.

نامهٔ زیر نشان می‌دهد که چگونه این توطئه‌گر پلید می‌خواست با برگزاری جشن «هجرت» احساسات پاک مسلمانان را در این حرکت به نفع خویش جذب نماید؛ شاید سرپوشی بر سر جنایات بی‌شمارش نهاده باشد، سرپوشی بر خون شهیدانمان، سرپوشی بر کوخهای ویران و سرپوشی بر آوارگی مستضعفان. این تصمیم بعد از دستور امام خمینی به دولت و شورای انقلاب در مورد برگزاری هر چه باشکوهتر آغاز پانزدهمین قرن هجرت اتخاذ می‌گردد.

متن نامه چنین است:

**از: سفارت آمریکا در تهران** **اکتبر ۷۹**

**به: کمیته داخل دولت آمریکا در آسیا، واشنگتن دی: سی**

**موضوع: جشن «هجرت» در ایالات متحده**

۱ـ آیت‌الله خمینی، امروز به شورای انقلاب و دولت موقت ایران دستور داد که با برنامه‌های انقلابی به استقبال آغاز پانزدهمین قرن هجرت بروند تا عظمت و فرخندگی این موقعیت را بنمایانند.

۲ـ فوراً اطلاعات مورد نیاز در زمینهٔ طرحهای ایالات متحده به منظور بزرگداشت «هجرت» را به نحوی که با جشنهای ایران مرتبط باشد، پست نمایید.

۳ـ اگر ایالات متحده در نظر دارد که جشنهای هجرت را با شرکت بعضی از ایرانیان برگزار نماید، جزئیات لازم را بفرستید.

لینگن
کاردار سفارت آمریکا در تهران

چرا سعی می‌کنند با طرح سادهٔ مسئله و شرکت در برگزاری جشن هجرت نظرات عمومی را نسبت به امپریالیسم آمریکا منحرف سازند؟

آیا این خود دلیل بر پیچیدگی حرکت منافقانهٔ آمریکا در رابطه با کشورهای زیر سلطه نیست؟ آمریکا چه محیط مساعدی را در ایران اسلامی برای پوشاندن ماهیت پلید خود می‌بینند که جرأت می‌کند جشن هجرت پیغمبر اسلام را برگزار کند.

آیا دیگر وقت آن نیست که ساده‌اندیشان ما به ماهیت کثیف و توطئه‌گر این شیطان بزرگ پی ببرند و با تمام نیرو با آن به مقابله برخیزند.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

www.takbook.com



**اطلاعیه افشاگری شماره ۱۰**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

دهمین بیانیه خویش را با سندی که قبالهٔ مرگ حتمی ایران دیروز در نظام شاهنشاهی بود شروع می‌کنیم. باشد تا انقلاب اسلامی و رشد شتابگیرش با برنامه‌های مشخص برای خنثی کردن طرحها و اهداف امپریالیسم جوانهٔ حیات ایران فردا در جمهوریت اسلام گردد. ۱۱ ژانویه ۷۸

**تلگرام**

**از : سفارت آمریکا در تهران ـ محرمانه ـ تهران**

**به : وزارت دفاع واشنگتن**

**موضوع: هدف و عملکرد سفارت آمریکا در ایران**

از اینکه آن وزارتخانه اهداف و محدودیتها را به صورتی ثابت و غیرقابل تغییر شناسایی نکرده است متشکریم. ما مسایل مورد بحث در تلگرام ب را با دقت مطالعه کردیم.

در کل، مطالب آن به نظر ما واقع‌گرایانه و قابل دسترسی و منطبق با اهداف ما در ایران می‌باشد. با وجود این ما متن این بیانیه را برای در نظر گرفتن تغییرات و پیشرفتهای اخیر برای منطبق شدن کامل با اهدافمان کمی تغییر داده‌ایم

در زیر، این بیانیهٔ جدید را به طور کامل می‌آوریم:

**ب ـ شروع مطلب:**

**۱ـ رابطهٔ سیاسی ـ اقتصادی** بر مبنای اعتماد، اطمینان و احترام متقابل شامل: بند... ابقا و تقویت رابطهٔ مبتنی بر اعتماد و اطمینانی که با شاه پیداکرده‌ایم... گسترش محدودهٔ تماسهای سفارتخانه با بخش‌های مهمی از جامعهٔ ایرانی و انتخاب گامهایی برای حداکثر کردن تماس با نیروها و گروههایی که در رابطه با مراکز مهم اثر در ایرانی که به سوی مدرنیزه شدن پیش می‌رود هستند. این عمل موقعیتهایی را نیز شامل می‌باشد که در اثر بعضی ساده‌نگری‌های دولت در مورد فعالیتهای سیاسی پیش می‌آیند. با در نظر گرفتن اینکه در بعضی از موارد ریسکهایی ممکن است پیش بیاید که می‌بایست آگاهانه انتخاب و یا رد شوند. ...تشویق کردن آموزگار (نخست وزیر) و کابینهٔ او برای ادامهٔ برنامه‌های دراز مدت اقتصادی در ایران و برنامه ریزی یک طرح مشخص برای رسیدن به جهشهای اقتصادی.

هنگامی که به ناچار منابع نفتی رو به اتمام می‌روند در این رابطه تشویق کردن و پشتیبانی مقامات ایرانی برای کمک گرفتن متخصصین خارجی و شنیدن توصیه‌های (IBRD) بانک توسعه بین‌المللی و منابع مناسب دیگر نیز قدمهای مؤثری است. ...جهت تحت تأثیر قرار دادن مقامات تصمیم گیرنده و نظریه پردازان ایرانی، از سیاستها و موضعگیری‌های آمریکا در روابط فیمابین، از حداکثر ظرفیت و امکانات دفتر اطلاعات آمریکا استفاده کنید.

**۲ـ رابطهٔ قوی بین ایران و آمریکا در زمینه‌های غیرنظامی**

... در ادامهٔ صادرات قابل توجه نفت به آمریکا و وابستگان نزدیکش سیاست معتدل قیمت‌گذاری برای

www.takbook.com



نفت را تنظیم و تشویق کنید.
سیاستها و برنامه‌های آمریکا را در مورد انرژی و احتیاج اقتصاد دنیا به نفت در سطوح قیمتهای قابل تحمل، توضیح دهید.
... ازدیاد سهم آمریکا در بازار تجاری ایران را آسان کنید و در این راه از قدرت دفتر سفیر نیز به عنوان پشتیبان استفاده کنید.
... اضافه کنید که چگونه می‌توانیم قدمهای کمیسیون ارتباط ایران و آمریکا را مؤثرتر کنیم، از جمله اینکه چطور بخش خصوصی آمریکا را بیشتر در بازار ایران تداخل دهیم.
... دکتر اعتماد و سازمان انرژی اتمی او را در رابطه با آخرین قرارداد اتمی بین ایران و آمریکا در جهت طرح عدم توسعهٔ پرزیدنت مد نظر داشته باشید.
... برای آمریکا امتیازی در ایران در مورد جمع کردن اطلاعات (جاسوسی) به دست آورید و پشتیبانی برای Pro Quo liasion (QUID) را در پاسخ به این امتیازات ادامه دهید. هر پیشنهاد را برای امتیازی جدید به دقت سبک سنگین کنید تا مطمئن شوید که باعث در خطر انداختن پیشرویهای موجود نشوند.
... سعی کنید که ایران را بیشتر در تلاشهای منطقه‌ای که برای کم کردن کشت مواد مخدر که در پاکستان و افغانستان صورت می‌گیرد شرکت دهید تا عبور یا ورود مواد مخدر قاچاق از ایران کم شود.
... با وزارت علوم دولت ایران همکاری کنید تا جوانان ایرانی بیشتری برای تحصیل در آمریکا آماده شوند و به عمل آیند.
... موقعیتهای محصلین ایرانی را که در پی تحصیل در آمریکا می‌باشند در موارد مناسب ارزیابی کرده و مشورت و تعلیم انگلیسی قبل از عزیمت را زیاد کنید.
... به وارد کردن فشار بر روی ایران در مورد پرداخت بدهیش که در اثر غفلت خودش پیش آمده ادامه دهید.

**۳ـ در مورد روابط نظامی**

از جمله برنامه تجهیزات نظامی با احتیاط کامل با ایران همکاری کنید.
... یک تماس دائم با شاه و مشاوران اصلی نظامی‌اش در مورد احتیاجات نظامی‌اش برقرار کنید تا درخواست برای فروش لوازم نظامی غیر لازم ننماید.
... خریدهای خارجی تجهیزات نظامی حال و آینده ایران را به دقت سرپرستی کنید.
... فعالیتهای نمایندگان تولید کنندگان اسلحه آمریکایی را به دقت دنبال کنید تا مطمئن شوید که آنها قوانین تازه فروش اضافی را در نظر می‌گیرند و دنبال راههایی می‌گردند تا تعداد آمریکایی‌ها را که در رابطه با کنتراتچی‌های دفاعی در ایران کار می‌کنند تقلیل دهند.
... تجهیزات نظامی ما را در رابطه با حصول این اطمینان که برای قوای مجاز نظامی ایران کافی باشند به دقت زیر نظر داشته باشید. البته این کار در چهارچوب راهنمای انتقال تجهیزات نظامی می‌باید عمل شود.
... همکاری نظامی ایران و آمریکا را دوباره امتحان کنید تا مطمئن شوید که در چهارچوب قانون عمومی

www.takbook.com



۹۲ ـ ۹۵ عمل می‌کنیم.

... دولت ایران را تشویق کنید تا بدون اینکه به هیچ وجه وابستگیش و احتیاجش به کمک و راهنمایی ارتش ایالات متحده آمریکا کم بشود، مسئولیت بیشتری در مورد تکنیکهای مدیریت و برنامه‌ریزی و تشکیلات‌دهی کارمندان نظامی به عهده گیرد.

... برای آمریکا امتیازاتی در مورد پرواز بیش از حد هواپیماها در خاک و لنگراندازی کشتیهای نیروی دریایی در بنادر ایران به دست آورید.

**۴ ـ به دست آوردن موضع تعدیل شده‌ای برای ایران در منطقه**

دولت ایران را برای ادامهٔ برخورد تعدیل شده با درگیریهای اعراب و اسرائیل و پشتیبانیش برای مذاکرات صلح ما در خاورمیانه تشویق کنید.

... به ایران دستیابی به یک رابطهٔ مثبت با اسرائیل از جمله صدور نفت به آن کشور را توصیه کنید.

... ایران باید با هر تغییر و تحول دوباره‌ای در پاکستان مخالفت کند.

از همکاری ایران با عربستان سعودی ـ عمان ـ و هر عرب دیگری در مورد امنیت خلیج فارس حمایت کنید و در جریان تحولات امنیتی که در عراق و دیگر کشورهای همسایه پیش می‌آید قرار داشته باشید.

... یک همکاری متعهدانه با افغانستان، پاکستان و هندوستان را در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی تشویق کنید.

... ایران را تشویق کنید تا از سیاستهای اصلی ما در آفریقا حمایت کند.

**۵ ـ پیشرفت در اجرای برنامهٔ حقوق بشر در ایران**

... با شاه و دیگر مسئولان در موقعیت مناسبی راجع به سیاست حقوق بشر آمریکا که روی بهبودی حقوق بشر متمرکز شده باشد (که قابل دستیابی است) صحبت کنید و بگویید که این امر مخالف تغییر در سیستم سیاسی می‌باشد (چون ممکن است باعث دخالت خارجی باشد و مثمرثمر نباشد). اینکه یک تصویر عمومی بدی از ایران در این مورد می‌تواند چه اثراتی روی موضع و موقعیت بین‌المللی ایران در آمریکا و مناطق دیگر داشته باشد را در نظر بگیرید.

***

نگاه دوباره به تاریخ تلگرام نشان می‌دهد که در آغازین روزهای انقلاب اسلامی ایران یعنی درست در هنگامهٔ قیام خونین قم این برنامهٔ ننگین در دستور کار سفارت آمریکا قرار داشته است. این سند وظایف سفارت آمریکا را بدین گونه شرح می‌دهد: سلطه بر بازار داخلی، چپاول نفت ارزان، تربیت مقامات تصمیم گیرنده به شکل آمریکایی، سرپرستی ارتش، گرفتن امتیاز جاسوسی و بالاخره حکومت کامل بر ایران.

در افشاگری شماره ۸ خطوط شیطانی سیاست آمریکا را در وابسته کردن ارتش کشورهای زیر سلطه نشان داده‌ایم. این سند نیز سیاست کلی آمریکا را در رابطه با سایر ارگانها ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد که رئوس کلی برنامه آمریکا برای ایران چیست. نکته آنکه برنامه فقط خاص ایران نیست بلکه در تمام کشورهای زیر سلطه همین خطوط دنبال می‌شود. از این رو گذران هر ماه و سال اقتصاد و ارتش و سیاست

www.takbook.com



و فرهنگ کشورهای زیر سلطه را بیشتر وابسته به غرب، خصوصاً آمریکا می‌کند. این سیر تا آنجا پیش می‌رود که مرگ همگانی فرا می‌رسد.

سند فوق با صراحت تمام حکومت انحصاری آمریکا بر بازار ایران سرپرستی ارتش ایران، سوق دادن اندیشهٔ ایرانیان در جهت سیاستهای آمریکاییان و بالاخره بر هدایت شاه خائن و دولت آموزگار در خط سیاست کاخ سفید تأکید می‌کند. خصوصاً قصد آن دارد که شاه و دولت او در صف متحدان نزدیکتر اسرائیل و آفریقای جنوبی در آیند. همچنین به عنوان یک برنامهٔ عمل مشخص و مفید بر تماس هر چه بیشتر با جناحهای میانه‌رو داخلی و مراکز مهم نیرو در ایرانی که به اصطلاح مدرنیزه می‌شود اصرار دارد و در جای دیگر بر جلب هر چه بیشتر دانشجویان ایرانی به آمریکا و کنترل و تربیت آنها به شیوهٔ آمریکایی تأکید می‌ورزد. خلاصه می‌کنیم:

این سند نشانهٔ آخرین کوششهای امپریالیسم برای دربند کشیدن همه جانبه ملت ماست.

این سند نشانگر حرص پایان‌ناپذیر امپریالیسم در چپاول خلقها و اربابی بر آنها است.

این سند که طلایه‌دار برنامه‌های تمدن بزرگ است، به سادگی حکومت همه‌جانبهٔ آمریکاییان را در این آب و خاک نشان می‌دهد آری آمریکا و نوکرانش حساب کرده بودند که با سلطه تمام عیار ملتی را در بند کشند و تا واپسین لحظات حیات بدوشند. اما کور خوانده بودند. خواست خدای مستضعفین، امامت خمینی بزرگ، ارادهٔ آهنین مردم و همت نسل جوان انقلابی همه نقشه‌هایشان را نقش بر آب کرد. از اینجاست که به عمق شعار عمومی انقلاب ایران (استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی) پی می‌بریم. این شعار که از متن توده‌ها بر می‌خواست به تمام برنامه‌های فوق جواب رد می‌داد. «نه» انقلابی امام انقلاب هم همهٔ محاسبات را به هم می‌ریخت. از این رو واشنگتن‌نشینان هر روز عقب‌تر رفتند و نوکرانشان فرار را بر قرار ترجیح دادند و بالاخره آخرین پایگاهشان به دست فرزندان مسلمان انقلابی خلق سقوط کرد. فرزندانی که به این جمع‌بندی نوین رسیده‌اند که پس از هر انقلاب آزادیبخش در جهان امروز اولین اقدام تسخیر جاسوسخانه امپریالیستها از جمله جاسوسخانهٔ آمریکاست. اینکه ایران امروز می‌رود تا فردای خویش را در خارج از مدار وابستگی و قیمومیت، فقط متکی بر خویشتن خویش بنا نهد. بگذار تا روشنفکران غربزده که تحت تأثیر سیاستهای آمریکا قرار گرفته‌اند برنامه‌های استقلال‌طلبانه و متکی بر پایه ابتکار و قدرت توده‌هایمان را به ریشخند بگیرند. بگذار تا جیره خواران امپریالیسم از سیر به نظام اسلامی وحشت کنند. بگذار تا کج‌اندیشان ذهنگرای دنیا و جامعه‌مان حتی پس از گذار از یک انقلاب، ثابت و تغییر نایافته بمانند. گویی همه در خواب بوده‌اند. بگذار تا فرصت‌طلبان و میوه‌چینان تاریخ، هر روز به نحوی تقلا نمایند که رسم همیشه‌اشان است. بگذار که بلندگوهای امپریالیسم و صهیونیسم ما را به هر تهمتی متهم کنند. بگذار تا در دادگاههای بین‌المللی ابر قدرتها مجرم شناخته شویم که جرمها در نزد ابر قدرتها دقیقاً اثبات پاکی و بی‌گناهیمان در پیشگاه خدا و خلق است و انقلاب اسلامیمان نیز علیرغم همهٔ تلاشهای مذبوحانه‌شان شتاب‌گیرتر به پیش خواهد رفت.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

www.takbook.com



بسم‌الله الرحمن الرحیم

## اطلاعیه افشاگری شماره ۱۱

در افشاگریهای قبل نوشتیم که تنها راه رهایی انقلابات آزادیبخش، خارج شدن از مدار روابط سلطه بین ابرقدرتها و خلق ستمدیده است. در همانجا یادآور شدیم که جاسوسخانهٔ امپریالیستها مرکز توطئه و سازمان‌دادن ضد انقلاب است و نظر خود را مبنی بر مشروعیت و قانونی بودن تسخیر اجتناب ناپذیر جاسوسخانه آمریکا عرضه کردیم. اینک مدارکی را در معرض افکار عمومی قرار می‌دهیم که حتی ساده‌اندیشان را یقین حاصل آید که جز با بستن بی‌چون و چرای سفارتخانه آمریکا راه دیگری برای جلوگیری از توطئه و فساد نیست:

در اتاقک پشت اتاق ۲۲۵ ساختمان مرکزی سفارت، باقیمانده وسایل نابود شده‌ای به دست آمد که یقین حاصل شد در این بخش به جعل اسناد و مهر می‌پرداخته‌اند. در میان اشیاء درهم پاشیده، پاکتی را حاوی دو مهر یافتیم. همان طور که از کلیشه و عکس برمی‌آید، دو مهر مذکور، مخصوص پاسپورت است؛ که در موقع ورود و خروج افراد از مرزهای کشور باید پاسپورتها ممهور به آن مهر باشند. بنا به ادعای مقامات مهرآباد این مهرها فقط در ادارهٔ به خصوصی در جنب فرودگاه موجود است و مهرهای موجود در سفارت یا دزدی یا جعلی است. در پاکت مهرها صفحه‌ای که شامل تمام ترکیبات اعداد برای تاریخ است نیز پیدا شد. از شکل ظاهری مهرها برمی‌آید که بارها از آنها استفاده شده است.

اما مسئله این است که این مهرها به چه کار می‌آیند؟ واضح است که هر مسافر ایرانی یا خارجی مجبور است پاسپورت خود را با این مهرها ممهور کند. هرگاه دزد یا قاچاقچی یا جاسوسی از مرز وارد شود در هر نقطه امکان گرفتاری او می‌رود ولی یک مهر ورودی مهرآباد پاسپورت او را قانونی می‌کند. همچنین ممنوع‌الخروجها می‌توانند با مهر خروجی از مرز بگریزند و در خارج با پاسپورت قانونی ایران مسافرت کنند و ... حال این سؤال پیش می‌آید که چرا این دو مهر در سفارت سابق آمریکا پیدا شده‌اند. جواب این سؤال با دولت و مردم آمریکاست. دولت آمریکا باید به این سؤال جواب دهد که چرا اجازه داده است سفرا و نمایندگان او در کشورهای دیگر دنیا دست به تقلب و جعل بزنند؟

۱ـ البته ممکن است بگوییم این مهرها از زمان رژیم سابق در اینجا بوده و تاکنون مانده است. ولی جواب این هم واضح است. اولاً: در رژیم سابق این کار لازم نبود چون نه تنها در فرودگاه بین‌المللی مهرآباد بلکه در تمام ارگانهای مهم مملکتی عمال آمریکایی از خود ایرانیان، مقدم‌تر و محترم‌تر به حساب می‌آمدند و از آن گذشته در آن زمان ایادی آمریکا و مزدوران سیا خود در رأس کارها بودند و احتیاج به چنین کاری نبود.

ثانیاً: اگر احتمال داده شود که مهر از آن وقت تا حال در سفارت موجود است، خلاف بسیار بزرگی است که از جانب این لانه جاسوسی سرزده است. زیرا که مردم، انقلاب کردند تا به حکومت این جاسوسان، قاتلان و توطئه گران بین‌المللی خاتمه دهند و این خود دهن‌کجی به انقلاب، مردم، و اسلام و طرح ادامهٔ توطئه و جاسوسی در بطن انقلاب اسلامی ایران را می‌رساند و بنابراین مسئولیت فرار افراد مزدور و خائنی چون حبیب‌اللهی (افشاگری شمارهٔ ۷) و دیگرانی که ممنوع‌الخروج بوده‌اند و مطابق اسناد مکشوفه همه با پاسپورت اقامت در آمریکا فرار کرده‌اند، با لانهٔ جاسوسی آمریکا در ایران است.

آیا ملت آمریکا همه مسئولیت ناشی از فرار هزاران دزد، خائن و آدمکش جانی را از کشور ما

www.takbook.com



می‌پذیرد؟ آیا مردم آمریکا شرکت در جرم ورود غیر قانونی هزاران قاچاقچی حرفه‌ای و ضد انقلاب و جاسوس را به کشور ما می‌پذیرد؟ ما مطمئن هستیم که ملت آمریکا اگر آگاه شود و گول تبلیغات دروغین خبرگزاریها و مطبوعات وابسته به سیا و موساد را نخورد مقابل این بی‌قانونیها و توطئه‌های ضد انسانی خواهد ایستاد. خلق مسلمان ما هرگز گناه نابخشودنی همکاری و یاری با خائنان، قاتلان، جاسوسان و ضد انقلابیون را نخواهد بخشید و مصمم است تا این ریشه‌های گندیده را از بن بر کند.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcement No . 11

In the previous exposures we explained that the only way liberation movements could be freed was out of the norms of dominance relations between the superpowers and the oppnessed peoples of the world and we noted that the embassy was the spy den of the imperialists , the center ot conspiracy and plots againts the Islamic Iranian Revolution and we presented the reasons which obliged us to occupy this den of espionage . Now we will present documents to the general opinion of the world, documents which prove that this place had to be closed so that plots end conspiracy would end. In the room behind room 225 in the main building of the embassy among the remaining material we found instruments which indicated that in this place illegalacts of forging documents and stamps took place and we found an envelope containing two stamps which are used when entering and leaving countries . The authorities of Mehrabad claim that these stamps should only be found in the airport office . A tablet containing all numbers for the dates was also found. Apparently the stamps hace been used before.

But the problem is what are these stamps used for smugglerss and spies used these stamps to enter the country and criminals wanted by the police use them to escape from the country. Now one must ask why these two stamps were found in the former U.S embassy . The American government and people must respond to this Question . The American government must answer why it allows diplomats and representetives to forge documents of other countries . Does the American people sands of thieves murderers and criminals from our

country? Do the American people accept participation, in the crimes of the illegal entry of thousands of proffessional smugglers and antirevolutionaries and spies to our country. We are sure that the American people if the become aware and understand the decieving nature of the propaganda of agencies depending on CIA and Moussad they will then protest to these illegual acts and in human plots. Our moslem nation will never forgive the crimes of the coopration of the traitors . crimnals spies and is determined to uproot these corrupted systems. Moslem students Following The Line of Imam

www.takbook.com



**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**اطلاعیهٔ افشاگری شماره ۱۲**

در افشاگریهای قبل تا آنجا که مدارک و اسناد نشان می‌داد کوشیدیم خطوط کلی نفوذ امپریالیسم را در وجوه مختلف اقتصادی، نظامی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران و کلاً کشورهای جهان سوم تبیین کنیم تا این مدارک و اسناد بسیار ناچیزی که باقی مانده است بتواند رهگشای ملتهای اسیر و زیر سلطهٔ ابرقدرتها به آزادی و استقلال گردد. با ارائهٔ این سند خط جدیدی را نمایان می‌کنیم که سالهاست به عنوان یکی از پایه‌های اصلی سیاست خانمان برانداز امپریالیسم آمریکا (و قبل از آن انگلستان) در ایران دنبال گردیده است.

❊ ❊ ❊

**تلگرام از : سفارت آمریکا در تهران**
**به : بخش واشنگتن ـ محرمانه**
**۱۶ نوامبر ۷۸ برابر با ۲۵ آبان ۱۳۵۷**

۱ـ چندی پیش چند شب پی در پی مشاور سیاسی با محمد درخشش، رئیس کانون معلمین و سناتور محمد علی مسعودی، طرفدار مشهور شریف امامی و حامی شاه ملاقات کرد. در این ملاقاتها تمام مسایل هفده سال گذشته مطرح شد. درخشش پس از شغل وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش)، دیگر پست دولتی نداشته و همان شغل را در کابینهٔ علم نیز نپذیرفته است. او یک هفته پیش، پس از دو هفته بستری بودن در یک بیمارستان نظامی که به دلیل فشار خون آنجا بود، مرخص شده است. (چون او به خاطر مخالفتش توسط حکومت نظامی دستگیر شده بود.) او رهبر کانونی است که ۴۰۰۰۰۰ معلم در سراسر کشور عضو آن هستند. درخشش از افراد نادری است که می‌تواند نوعی سازماندهی به وجود آورد. او اشاره کرده است که شدیداً علاقه‌مند است که خط سازشکارانه‌ای را راه بیندازد که اجازه می‌دهد شاه بماند و سلطنت کند نه حکومت. ولی دولت از تمام سعی‌های او و گروهش برای انتشار مطالب و فعالیتهای سیاسی جلوگیری کرده است.

۲ـ درخشش گروهی را که پیرو او هستند اکثریت معلمین می‌داند. اقلیتی را طرفدار گروههای کمونیستی و اقلیت بزرگتری را مذهبیهایی که به وسیله خمینی رهبری می‌شوند، می‌نامد. او افرادی را که شغلهایی در هفده سال گذشته در دولت داشته‌اند فاسد معرفی می‌کند و از تجربیات خودش مثال می‌زند. منجمله زمانی که حقوقش برای چند سال قطع شده بود و مجبور بوده با درآمد زنش زندگی کند. تمام این مسایل ظاهراً برای او زیاد ناگوار نبوده‌اند. آمادگی وی جهت دنبال کردن خط میانه‌ای که می‌تواند کشورش را از جهت‌گیری‌های افراطی‌ای که در حال حاضر به سوی آن رانده می‌شود، نجات دهد، مشاور سیاسی و آقای گریفین (مأمور بازرسی قسمت « ») را تحت تأثیر قرار داد.

۳ـ مسعودی که در جهت حمایت از نخست وزیری شریف امامی در پشت پرده فعال بوده است، اکنون هم با گروههای مخالف و هم با عناصر وفادار به فعالیتش ادامه می‌دهد. همچنین او نمایانگر وفاداری مداومی است که خیلی از ایرانیها نسبت به شاه دارند؛ با وجود اینکه تشخیص داده‌اند که او مرتکب اشتباهاتی هم شده است. مسعودی و دخترانش به تفصیل در مورد گناهان اطرافیان شاه که در دههٔ اخیر از

www.takbook.com



نقش خویش به عنوان واسطه‌ای میان شاه و مردم سود بسیار بردند صحبت نمودند. هویدا مورد انتقادات شدیدی قرار گرفت.

۴ـ ما این دو ملاقات را گزارش می‌دهیم تا پیچیدگی وضع داخلی ایران را نشان دهیم. گروههای مختلفی از مردم هستند که شدیداً خواستار یافتن یک راه حل سازشکارانه که ضامن ماندن شاه و جلوگیری از پیروزی کامل خمینی شود می‌باشند. بسیاری از افراد توسط ما متقاعد شده‌اند که کمونیستها تدریجاً امور دولت (آینده) را به دست خواهند گرفت؛ با وجود اینکه نقش نسبتاً کمی در مخالفتها و قیام فعلی دارند. دیگر مردم می‌خواهند که از آنچه که ارتجاع (کهنه پرستی) مذهبی خوانده می‌شود جلوگیری کنند. همه تشخیص داده‌اند تا زمانی که اوضاع بدین منوال پیش رود اجرای نقش اصلی ممکن است به عهدهٔ نیروهای مسلح باشد.

**سولیوان**

همان طور که دیدیم آنها به انواع دسایس، مردان متنفذ و روشنفکران از خود بیگانه جامعه را به دام می‌انداخته‌اند؛ سیاست خود را به عنوان محور اصلی کار آنها ارائه می‌داده‌اند و زمینه را برای خود فروختگان مهیا کرده و با برنامه‌های زمان‌بندی شده آنها را بر گرده مردم محروم ما سوار می‌نموده‌اند.

عمدهٔ این خود فروختگان، روشنفکران لیبرال و غربزده بوده‌اند که شدت خیانتشان از وابستگی کامل و عملهٔ فکری بودن و هماهنگی و روابط حسنه داشتن با نمایندگان امپریالیسم متفاوت بوده است؛ ولی نهایتاً همهٔ این روشنفکران غربزده علیرغم تفاوتهایشان، در خط امپریالیسم و به منظور پیاده شدن طرحهای او کار می‌کنند و در مقابل مردم خویش و خط حرکت آنها ایستاده و می‌ایستند. در جریان انقلاب پر شکوه ملت ما نیز که آمریکای جهانخوار با توطئه‌های خود سعی در به انحراف کشاندن مسیر اصلی انقلاب داشت درصدد برآمده بود تا خط میانی (بختیار) را مطرح کرده و رشد دهد تا به عنوان پایگاه سیاسی ـ اجتماعی جهت بقای خود و منافعش مورد استفاده قرار دهد. ولی حرکت انقلاب خلق قهرمان مجالی برای طرحهای جاسوسی آمریکا و دخالتش در خط امام نگذاشت. تنها چیزی که باقی ماند و پیروز شد خط امام بود.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcment No .12

In the former revealing of documents showed , the general lines through which imperialism penetrated in the different economic , military, political, social and cultural aspects of Iran ond generally thirdworld countries. so that these very few documents which remain could open the path of the enslaved and oppressed peoples towards freedom and independance. By exposing this document we clarify a new line which has for years been one of the basic pilars of the ruining policies of American (and before it English ) Imperialism.

Just as we will see in this document, they trap with different plots and conspiracies influential men and alienated intelactuals and present their own polivies as the main basis of these peoples work. Then they prepare the backfround for these agents so as to , in the

www.takbook.com



proper time, impose them upon our deprived mation.
country? DO the American people accept participation, in the crimes of the illegal entry of thousands of proffessional smugglers and antirevolutionaries and spies to our country . We are sure that the American people if they become aware and understand the decieving nature of the propanganda of agencies depending on CIA and moussad they will then protest to these illegual act in human plots.

Our moslem nation will never forgive the crimes of the cooperation of the traitors . Criminals spies and is determined to uproot these corrupted systems.

Moslem Students Following The Line of Imam

www.takbook.com



**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**اطلاعیه افشاگری شماره ۱۳**

ملت به پا خاستهٔ ایران، مردم آمریکا:

در افشاگریهای شمارهٔ ۲ و ۴ نشان دادیم که مقامات عالیرتبهٔ وزارت امور خارجه آمریکا خصوصاً، آقای ونس، از مدتها قبل نقشهٔ بردن محمدرضای فراری را به آمریکا طرح کرده بودند.

در سندی که ارائه می‌گردد می‌بینیم که چگونه تبهکاران آمریکایی، مریضی شاه را بهانه قرار داده تا شاید ملت ایران و افکار عمومی جهانیان را گول بزنند. باشد تا انتشار این مدرک نقشهٔ فریبکاران را نقش بر آب کند.

***

**سری** **سند** **سپتامبر ۷۹(۵۸/۷/۸)**

**از: کاردار**

**به: نیوسام (کد)**

**دربارهٔ شاه ایران**

۱ـ این موضوع کاملاً سری است.

۲ـ من تغییرات چندانی در اعمال مقامات رسمی و مردم ایران نسبت به آمدن شاه به ایالات متحده با آنچه (اطلاعاتی) که در اواخر ژوئیهٔ گذشته برایتان فرستادم مشاهده نکرده‌ام. قانون اساسی به تأخیر افتاده و احتمالاً دولت جدید تا اواخر امسال روی کار نخواهد آمد. روابط ما فقط به آرامی پیش می‌رود و تازه به آن اندازه نیست که بخواهد با وارد شدن شاه از بین برود.

۳ـ در حال حاضر روحانیون در قدرت هستند و من می‌ترسم که اگر ما اقدامی دربارهٔ شاه انجام دهیم جو عمومی بدتر شود؛ زیرا خمینی در هفتهٔ گذشته در مصاحبه‌اش با اوریانا فالاچی با لحن خیلی شدیدی شاه را به عنوان یک فرد خائن که ۵۰ سال جنایت کرده محکوم کرد و گفت باید به کشور برگردد.

۴ـ با جو به وجود آمده و تغییر شکل افکار عمومی به وسیلهٔ کسانی که نفوذ و کنترل افکار عمومی را در دست دارند من فکر می‌کنم که اگر شخص شاه به عنوان مریضی به آمریکا بیاید، آمدنش اثر چندانی در عکس‌العمل مردم ایران نخواهد داشت اگر ما او را به صرف برخورداری از حقوق بشر بپذیریم احتمال می‌رود موضع دفاعی ما هم بهتر شود.

۵ـ صرف نظر از گفته‌های بالا همان طور که شما یادآور شدید اگر ما قصد پذیرفتن شاه را حتی برای مدت کوتاهی هم داریم بایستی موضوع را به آرامی با دولت ایران فوراً در میان بگذاریم که این موضوع از اهمیت زیادی برخوردار است. اگر ما بخواهیم چنین کاری را انجام دهیم و اگر آمدن شاه به آمریکا فوری است بهترین وسیله برای جستجوی راه مذاکره با دولت ایران این است که سایروس ونس موضوع را با یزدی، زمانی که او را در سوم اکتبر می‌بیند در میان بگذارد.

(لینگن)

از کلیهٔ خلقهای آگاه دنیا خصوصاً آزادیخواهان جهان خواستاریم تا هیأت حاکمهٔ آمریکا، به ویژه کارتر را به علت توطئه علیه انقلاب و مردم ایران به محاکمه کشند.

www.takbook.com



از آنجا که شورای امنیت سازمان ملل متحد نمی‌تواند در مقابل خواست توده‌های به پا خاستهٔ ایران مبنی بر استرداد بی‌چون و چرای محمدرضای جنایتکار قاطعانه رسیدگی کرده و دولت آمریکا را به علت توطئهٔ مسلمش، بر اساس قوانین بین‌المللی محکوم نماید، ملت آمریکا نیز باید کارتر و هیأت حاکمهٔ واشنگتن‌نشین را به خاطر دروغگویی به همهٔ جهانیان زیر لوای گول زنندهٔ حقوق بشر رسوا کند.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcment No .13

Revolutionary people of Iran American people we have reveaxled in the previous exposures that high authorities of the American state Department specifically Vance had planned from long ago to take the fuaitive Mohammad Reza to the United States .

In the document which will be disclised we see hoe the American criminals give assylum to the shah under the pretext of sickness so to decieve the general opinion of the world we hope the exposure of this dicoment will unravel the plots of imperialism.

We demand from all enlightend nations of the world specifically the freedom seekers to put the ruling class of America and especially Carter on trial.

Since the Security Council of the United Nations cannot reply to the persistent demands of the masses of the Iranian people based on the excondemn U.S. government for its crimes according to international laws.

The American people must expose carter and the under his cover of humanrights.

www.takbook.com



بسم‌الله الرحمن الرحیم

**اطلاعیهٔ افشاگری شماره ۱۴**

سفارت آمریکای جنایتکار در خدمت چه کسانی بوده است؟ این جاسوسخانهٔ مجهز منافع چه اقشاری از جامعهٔ ما را تأمین می‌کرده است؟

حال که توطئه‌های کثیف آمریکا برای توده‌های به پا خاستهٔ ملت ما روشن گردیده، پاسخ روشن است. سفارت آمریکای جنایتکار در خدمت امپریالیسم خونخوار و منافع سرمایه‌داران مستکبر و آدمخوار آمریکایی و سازمان سیای آمریکا و ایادی مزدورش در ایران بوده است.

جای تعجب نخواهد بود که بعد از انقلاب اسلامی هم پایگاه امپریالیسم خونخوار آمریکا در ایران در بین سرسپردگان شاه خائن، افراد جنایت‌پیشهٔ ساواک و عناصری که عمر خود را در خدمت طاغوت در رژیم سرسپردهٔ شاه خائن گذرانده‌اند، باشد. اسناد زیر روابط کنسولگری آمریکا در ایران و دیگر کشورها را با فراریان تبهکار و مزدوران ساواک و وابستگان آمریکا و رژیم شاه سابق روشن می‌کند. این اسناد حاوی سفارشات و برنامه‌هایی است که حکومت‌گران خائن آمریکا در واشنگتن برای سفارت خانه‌های مزدور ایران و دیگر کشورها فرستاده‌اند و از آنها خواسته‌اند که برای عناصر خائن ساواک، فراریان تبهکار و وابستگان به آمریکا و رژیم خائن پهلوی ویزای مخصوص صادر نمایند تا کمکهایی به آنها در جهت ادامهٔ خیانت و فرار جنایتکارانه‌اشان باشد.

***

سند شمارهٔ یک

**تاریخ: ۲۶ سپتامبر ۷۹ مطابق با ۴ مهر ۵۸**

**از: سفارت آمریکا در ایران**

**به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی سی. فوری**

**قابل توجه سفارتخانه‌های آمریکا در رم و فرانکفورت**

**موضوع: دادن ویزا به عوامل رژیم سابق**

۱ـ این موضوع فقط می‌تواند در دسترس افراد ذیصلاح سفارت قرار گیرد.

۲ـ مراجع اطلاعاتی الف (A) و دال (D) دادن ویزای مشروط و یا ویزای پناهندگی به سیاستمداران رژیم سابق و اعضای ساواک تحت رهبری شاه را تقاضا دارند.

هدف از سند تلگرافی ب (B) این بود که به اطلاع ایرانیان مقیم فرانکفورت برساند که وزارت امور خارجه آمریکا ممکن است دادن ویزاهای مذکور را مورد بررسی و پذیرش قرار دهد. سند تلگرافی پ (P) حاکی از این است که همه گونه تقاضا از طریق مجاری خاص وزارت امور خارجه آمریکا انجام می‌شود.

۳ـ قبل از شروع ناآرامی‌ها که در اوایل سال مسیحی در تهران انجام گرفت، سفارت مجبور شد که پرونده‌ها را یا نابود کند و یا به واشنگتن بفرستد و لذا بررسی حقیقی آنها تنها با مراجعه به پرونده‌های وزارت امور خارجه در واشنگتن ممکن است. وزارت امور خارجه بخواهد فرصت را غنیمت شمرده و با ویزاهایی از این قبیل موافقت نماید؛

**لینگن (کاردار سفارت)**

www.takbook.com



## سند شمارهٔ ۲

**۷ آگوست ـ ۱۶ مرداد ۵۸**

**از: وزارت امور خارجه آمریکا**
**به: سفارت آمریکا در ایران**

**موضوع: ویزا برای علیرضا و مریم ایزدپناه**

ما مطلع شده‌ایم که علیرضا و مریم ایزدپناه برای تقاضای گذرنامهٔ غیر مهاجرتی در ۸ اوت قرار ملاقاتی داشته‌اند.

آنها باید همراه مادرشان ـ خانم عظیمهٔ کمیلی که فعلاً ویزا دارد ـ باشند. مریم و علیرضا فرزندان آقای ایزدپناه هستند که قبلاً معاون سازمان هواپیمایی کشوری بوده است. ایزدپناه تا ۱۸ فوریه مطابق با ۲۹ بهمن ۵۷ خیلی امیدوار بود که معاون قسمت هواپیمایی نیروی هوایی در تهران شود و او در نیروی هوایی مشهور بوده است و فعلاً در آمریکا است. هر نوع کمکی که می‌توانید انجام دهید باعث قدردانی خواهد شد. می‌بینیم که چگونه وزارت امور خارجهٔ آمریکا سعی در همکاری با یاران شاه خائن و مزدوران ساواک یا دیگرانی که به آمریکا پناه می‌بردند دارد.

بدین گونه است که ملت به پا خاستهٔ ایران می‌بایست با مبارزهٔ گستردهٔ ضد امپریالیستی خود به رهبری پیامبرانه امام خمینی بر منافع شیطان بزرگ یورش برد، که برده است و تا متلاشی کردن آن از پای نخواهد نشست.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcment No .14

Who has the criminal Embassy of the U. S. of America served? What portion of our society has been secured by this moblizied espionage house? Now that the dirty plots of the Ameican Government has been known for our raised people the answer is clear, the Embassy of United States has secured the imperialism, the CIA and its agents in Iran.

It would not be surprising that after the Islamic Revolution in Iran also we could see the bases of the Omperialism among the shah,s regime supporters that have spent their life in serving the shah,s regime. The following documents show the relation ship between the American consulate in Iran and other elements who spent their life serving the oppressors.

These are including the plot of the treacherous of American Government in Wash D. C . for the Embassy of U. S. in Iran and other countries , that has asked them to issue the special Visa for the Iranian criminals and traitors to the country, who have been working for SAVAK , to help them to continue their treacherous activities .

www.takbook.com



**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**اطلاعیه افشاگری شماره ۱۵**

به پاخیزید ای دریای بیکران انسانها (امام خمینی)

ملتهای جهان:

در طول تاریخ همواره ملتها قربانی یک اقلیت قدرتمند بودند. به عبارت دیگر تاریخ نمایانگر مبارزات ملل محروم برای به دست آوردن آزادیشان از چنگ قدرتهای سلطه‌گر است. همان طور که سال گذشته در ایران شاهد بودیم عزم و ایمان یک ملت در برابر عظیم‌ترین قدرتها مبارزه کرد و بالاخره پیروز شد.

در این سند می‌خواهیم از یکی از عملکردهای امپریالیسم در قبال ملل محروم پرده برداریم.

امپریالیسم برای تثبیت مواضع خود شبکه‌های جاسوسیش را در تمام جهان گسترش می‌دهد. در CIA پیچیده‌ترین این نهادهاست. هر کجا که سرکوبی بیرحمانهٔ ملل صورت می‌گیرد رد پای پیداست. CIA آنجا در شیلی در زمان دکتر آلنده، در ایران در زمان مصدق یعنی زمانی که شاه را در اعمال شکنجه و اختناق یاری کرد و حتی در طی انقلاب اسلامی ما به رهبری امام خمینی که با دادن بیش از شصت‌هزار شهید و صدهزار زخمی پیروز شدیم، آمریکا لحظه‌ای دست از حمایت این جنایتکار نکشید و بعد هم که در مسایل این عروسک با همّت ملت ایران از کار برکنار شد باز نقض آشکار CIA داخلی ما دخالت می‌کند و این همه حقوق بشر است.

و جالب اینجاست که هدایت و رهبری این عملیات توسط افرادی صورت گرفته که داعیهٔ حفظ حقوق بشر دارند. در این سند می‌بینیم که سیا برای پیاده کردن نقشه‌های شوم خود از سفارت استفاده می‌کند.

**سند شماره ۸۹۳۳**

**از: سفارت آمریکا در تهران** **تاریخ ۹ اگوست ۷۹**

**به: وزیر امور خارجه ـ واشنگتن دی ـ سی**

**گزارشگر**

**موضوع مأموریتهای اس. آر. اف**

۱ـ متن کامل

۲ـ من دربارهٔ مأموریت (مالکوم کالپ) و (ویلیام دارتی) آنچنان که در تلگرافهای قبلی تشریح شده بود، موافق هستم.

۳ـ با موقعیتی که در اختیار داریم، به این مضمون که ما با یک سابقهٔ روشن و پاک تحت پوشش SRF این مأموریت را آغاز می‌کنیم، اما با در نظر گرفتن حساسیت بسیار شدید محلی نسبت به هرگونه اشاره از فعالیت CIA انتخاب بهترین پوشش تا آنجایی که برای ما مقدور است از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بنابراین عنوانهای دبیر دوم و دبیر سوم برای این دو مقام مسئول جای هیچ گونه سؤال و ابهامی را باقی نمی‌گذارد. ما باید آن را داشته باشیم.

۴ـ من معتقدم که مأموریتهای ترتیبات پوششی تحت عنوان مأموریت داخل سفارت روی هم رفته متناسب با نمودار شغلی فعلی سفارت هست. هرحال برای آیندهٔ قابل پیش‌بینی، به همین تعداد چهار افسر

www.takbook.com



SRF بسنده نماییم و همچنین کارمندان کمکی را تا آنجائی که امکان دارد از هم جدا و متفرق نگه داریم تا اینکه ببینیم مسایل چگونه پیش می‌رود.

۵ـ ما کوشش می‌کنیم که اطلاعات نسبت به مأموریتهای SRF را به داخل سفارت محدود کنیم. این کوشش مشخصاً به DAUGHERTY مربوط است. متعاقب برنامهٔ جدیدی است که او DAUGHERTY حاصلی از آن است و دربارهٔ آنها به من اطلاع داده شده است.

۶ـ من تصور می‌کنم لزومی ندارد که به وزارت یادآوری نمایم که مسئله قدیمی و در ظاهر غیرقابل حل انتصاب کارمندان SRF ناگزیر پیچیده خواهد شد و تا حدودی سبب تضعیف کوششهای پوشش محلی ما خواهد شد و کوششهای ما در این مورد تأثیری نخواهد داشت. (هر چه کار کنیم این مشکلات خواهد بود) همان طور که سند نشان می‌دهد سیا مأمورهای مختلفی به عنوان کارمند سفارت داشت که برای هر کدام پوششی معین کرده بود تا ماهیت واقعیشان آشکار نگردد. این پوششها برای فریب ملتها و توجیه اعمال سیا به کار می‌رود. این مدارک هشداریست به تمام ملل ستمدیده و فریب خورده که به پا خیزند و در مورد ماهیت سفارتخانه‌های آمریکا در کشورشان به جستجو بپردازند.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcment No .15

In this document we will expose one of the acts of imperialism . afore the oppressed peoples.

To secure its untrests imperialism spreads spy networks in all of the world. The CIA is the most sophisticated of these. Any where there is a ruthless opression of the people footprints of the CIA are left behind in chilie at the time of Dr . Allendeh in Iran . at the time of Mossadegh when the CIA helped the shah in acts of oppression. Even during the Islamic revolution led by Imam khomeini which succeeded after 60 thousand matyrs were given and 100 thousand were handicapped the u. s. did not stop supporting this criminal fotr a moment and later when this puppet was overthrown with the will of the Iranian people the CIA continued its involvement in our internal affairs and this is all enidenvt violation of humanrights. And it is interesting to note that the these acts were led by people who see that the CIA uses the embassy for carrying out their dreadful plots.

Rise oh Infinite Ocean Of Humans.

«Imam khomeini»

Peoples of the world !

In the course of history, peoples have always been victims of a poverful minority.

In other words history reflects the struggles of deprived peoples , seeking to obtain the freedom from the claws of the dominating powers Just as we witnessed last year the will and faith of a nation struggle afore the strongest powers and succeeded finally.

www.takbook.com



بسم‌الله الرحمن الرحیم

**اطلاعیهٔ افشاگری شماره ۱۶**

آمریکای جنایتکار در ایران چه می‌کرده است؟ اطلاعات خود را از چه منابعی کسب می‌نموده است؟ این اطلاعات جاسوسی را در خدمت چه کسانی به کار می‌گرفته است؟

با افشاگریهایی که در طی انقلاب اسلامی ایران از ساواک جهنمی شاه خائن صورت گرفت، روشن شد که ساواک اطلاعات و خبرهای خود را از شبکهٔ منابع و خبرچینها و افرادش که در تمام قسمتهای مختلف مملکتی حضور داشتند دریافت می‌نموده است. از آنجایی که ساواک دست‌پروردهٔ سازمان CIA بوده است، پیداست که سفارت آمریکا ـ این مرکز جاسوسی سازمان سیا ـ با همکاری ساواک دارای شبکه‌های جاسوسی و افراد خودی و وابسته و خبرچین و انواع و اقسام منابع خبری بوده است که اطلاعات جاسوسی و خبرهای دست اول را در اسرع وقت به سفارت می‌رسانده‌اند. مزدوران خائنی که به طرق مختلف در خدمت بیگانه و بر علیه ملت مسلمان ایران فعالیت می‌کردند ولی پس از انقلاب در مقابل مشت گره کرده و ارادهٔ آهنین خلق رزمنده و انقلابی ما عقب نشسته‌اند؛ اما هنوز از بین نرفته‌اند. سند ذیل نشان‌دهنده سردی روابط بین شبکه‌ها و منابع جاسوسی با سفارت است.

**سند**

**محرمانه**

**از: سفارت آمریکا در تهران**

**به: واشنگتن**

**موضوع: از بین رفتن منابع اطلاعاتی سفارت**

۱ـ کل مطلب محرمانه است.

۲ـ خلاصه از نتایج تیره شدن روابط میان ایران و آمریکا مشکلات مربوط به تمایل ایرانیان به ملاقات با کارمندان سفارت آمریکا است. این مشکلات همان طور که در تلگرافهای قبلی گفته شده رو به افزایش است. اصرار در مورد منصوب کردن (کاتلر) به عنوان سفیر آمریکا و اتهامات مداومی که به آمریکا و سازمان سیا در مورد دخالت در امور ایران می‌زنند ترس ایرانیان را از دیده شدن یا صحبت کردن با کارمندان سفارت به حد زیادی افزایش داده است تا جایی که این موضوع به نابودی زحمات ما در جمع‌آوری اطلاعات می‌انجامد.

۳ـ عواقب نامطلوب تیره شدن روابط ایران و آمریکا خیلی از منابع اطلاعاتی خوب ما را از بین برده است و بی‌علاقه بودن عده‌ای از ایرانیان در برخورد و صحبت کردن با کارمندان سفارت آمریکا را افزایش داده است. این عکس‌العملها از زمان تصمیم ۱۷ ماه مه سنای آمریکا (محکوم کردن اعدامهای دادگاه انقلاب) شروع شد و سپس با تظاهرات در مقابل سفارت آمریکا در تاریخ ۲۴ و ۲۶ ماه مه و آنگاه نظرات یزدی دربارهٔ کاتلر در مطبوعات و حملهٔ شدید رسانه‌های گروهی اوج گرفت. این عمل موقعیت ما را به طور قابل ملاحظه‌ای متزلزل کرده است، حتی بدتر از اوایل انقلاب.

۴ـ یکی از کارمندان قسمت اقتصادی که چهار سال سابقهٔ تجربهٔ کاری دارد می‌گوید خیلی از ایرانیانی که قبلاً با او در اداره‌شان قرار ملاقات می‌گذاشتند و یا تلفنی به تقاضاهایش پاسخ می‌دادند حال حداکثر

www.takbook.com



می‌توانیم از ایشان تقاضای ملاقات خصوصی و یا مکالمهٔ تلفنی در شب بکنیم.

آنها عموماً از صحبت کردن دربارهٔ مسایلی که شش یا هشت ماه پیش آزادانه با ما در میان می‌گذاشتند اکراه دارند. اگر چه تعدادی از آنها به واسطهٔ روابط گرم با ما خجالت می‌کشند که قرار ملاقاتهای تجارتی و معمولی را رد کنند بنابراین مدام آن را به عقب می‌اندازند. یک کارمند فارسی زبان شرکت نفت که سه سال کارآموزی دیده عیناً مشکلات فوق را در مورد تماسهای زیادی که داشته گزارش می‌دهد. بعضیها دیگر دسترسی به منابع اطلاعاتی سابق را ندارند و تقریباً تمامی آنها از صحبت کردن با ما اکراه دارند.

۵ـ تمامی کارمندان قسمت سیاسی همین پدیده را مشاهده نموده‌اند. در خیلی از موارد منابع اطلاعاتی ما کشور را ترک کرده‌اند. حتی کسانی که مدت چهار سال دوستی نزدیک با کارمندان بخش سیاسی سفارت داشته‌اند علاقه‌ای به ملاقات با این کارمندان نشان نمی‌دهند؛ گر چه تعدادی از آنان به ملاقات خصوصی با کارمندان سفارت در منازل خود علاقه‌مندند. البته بعضی افراد هنوز مایل به ادامهٔ ملاقات با کارمندان بخش سیاسی هستند ولی آنها کافی نبوده مضافاً براینکه این افراد کسانی نیستند که ما علاقه‌مند به ملاقات آنان باشیم. کارمندانی هم که مدت زیادتری در تهران بوده‌اند این واکنش را حتی از دوستان قدیمی خود دیده‌اند.

۶ـ کاردار در مورد تعدادی از سفرای قبلی ایران که او سابقاً با آنها در تماس بوده و آنها را می‌شناخته، می‌گوید هیچ کدام از آنها بعد از برگشتن به ایران با ما تماس نگرفته‌اند. یک سفیر بازنشستهٔ خبره به کارمند ما گفته است که خیلی از همکارانش تماس با سفارت را یک کار خطرناک در جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌کنند. باید دید به جای کسانی که با ما همکاری داشته و در ماه آینده ایران را ترک خواهند کرد چه تعداد از ایرانیان با ما همکاری خواهند کرد.

۷ـ تجربیات گذشته در به دست آوردن اطلاعات از مسایل یهودیهای ایران یکی از بهترین موارد بوده است. ولی وقتی که ما به دنبال پیدا کردن چند منبع اطلاعاتی بودیم تا به ما کمک کنند، آنها همگی از عواقب ناشی از تماس با آمریکا که متوجه آنان خواهد بود نگران بودند.

۸ـ بعضی از منابع خبری در تهران اشاره کرده‌اند به اینکه سوءظن همکاران و دوستانشان نسبت به آنان رو به افزایش است. این حالت مخصوصاً در دانشگاهها به شکل حادّش بروز کرده است. جایی که افراطیون، روشنفکران را از مواضع ضد آمریکایی مورد حمله قرار می‌دهند. آن طور که یکی از منابع خبری گزارش می‌دهد حتی کسانی که بیشتر در جریان کار قرار دارند با این موج از بین می‌روند.

۹ـ شک نیست زمینه‌ای که در جریان این وقایع شکل می‌گیرد به دست آوردن اطلاعات مورد نیاز ما را بسیار مشکل می‌کند؛ گر چه هنوز شرایط به سطح بعضی از کشورهای جهان سوم که آنها روابط کارکنان سفارت و مردم محلی را شدیداً تحت کنترل دارند نرسیده است ولی فشارهای چند هفته اخیر، ایران را بسوی چنان موقعیتی سوق می‌دهد. ناس

با توجه به سند بالا که گوشه‌ای از روابط شبکه‌های جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا را در ایران مورد تأیید قرار می‌دهد آیا واشنگتن‌نشینان، خصوصاً آقای کارتر، هنوز نمی‌خواهند باور کنند که اینجا جاسوسخانه بوده است؟

www.takbook.com



IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcment No. 16

What Was the criminal American Government doing in Iran? How have they been gathering their information and how have they been using these Intelligence Reports . With revealing the Shah´s SAVAK during the revolution in Iran , it became clear that SAVAK has been recieveing his informatin from its sourses in all of the part of the country . As SAVAK was brougth up by CIA it is clear that the U. S. embassy, this den of Espionage of the CIA with cooperating with SAVAK has had spy network and all kind of information sources in Iran. Who have been delevering the Intelligence Reports and First _ hand information to them.

The traitors, who have been inserving the foreigner have been against the Moslem people of Iran. But after the revolution they were set back by the clenched fist and strong will of the militant and revolutionary Moslem Iraninan people , But they are not destroyed yet. The following documents show the relationship between their intelligence network and the American Embassy in Iran.

www.takbook.com



**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**اطلاعیه افشاگری شماره ۱۷**

امپریالیسم خونخوار آمریکا از همهٔ امکانات خود جهت رخنه در تار و پود ممالک زیر سلطه استفاده می‌نماید و این عملکرد را پس از انقلاب ملتها نیز ادامه می‌دهد تا بتواند به وسیلهٔ اطلاعات حاصل از جاسوسی در ارگانهای کشوری و لشکری سلطهٔ مجدد خود را بر اقتصاد و سیاست آنان برقرار سازد. در ایران نیز آمریکای جنایتکار بخش کنسولگری سفارتش که مسئولیت ویزا دادن به ایرانیان را داشته است، جهت مسافرت به آمریکا جهت اجیر کردن تعدادی از افراد فعال، آنها را به مهره‌های جاسوسی به نفع آمریکا تبدیل می‌کرده است. معمولاً کنسولگری‌ها بعد از بررسی مقدماتی مبادرت به صدور ویزا می‌کنند ولی کنسولگری آمریکا در ایران پس از انقلاب از این حربه استفاده نموده و درصدد گرفتن امتیاز در قبال صدور ویزا برآمده است.

یعنی بعضی از افرادی را که می‌توانند اطلاعات مفیدی به سفارت بدهند اجباراً منبع خبری نموده و به جمع‌آوری اطلاعات دست اول از ایران واداشته است. به عبارت دیگر ویزا به شخص مورد نظر با کسب اطلاعات دست اول و مفید معامله می‌گشته است.

بدین وسیله سفارت، افراد مورد نظر را تبدیل به مزدور خود کرده و از آنان قول همکاری با آمریکا و خیانت بر علیه انقلاب اسلامی ایران می‌گرفته است.

سند ذیل این عمل کثیف را نمایان می‌کند:

**سند شماره ۱**

**محرمانه ـ ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹ مطابق با ۵۸/۶/۲۷**

**از: سرهنگ شیفر وابستهٔ امور نظامی ـ دفاعی در نیروی هوایی آمریکا**

**به: تمامی وابسته‌های دفاعی آمریکا در تهران**

**موضوع: شرایط قبول توصیه برای صدور ویزا**

**عطف به: نامهٔ سرکنسول مورفیلد دربارهٔ همین موضوع ـ مورخهٔ ۱۹ آگوست ۱۹۷۹**

۱ـ این نامه شامل راهنماییهایی به وابسته‌های نظامی آمریکا می‌باشد تا در توصیه‌هایی که برای صدور ویزا می‌نماید آن را رعایت کنند.

۲ـ وابسته‌های نظامی آمریکا دربارهٔ فامیل درجه یک افراد زیر می‌توانند رأی صدور ویزا توصیه نمایند:

الف: افراد ارتش، ژاندارمری و شهربانی ایران که از سرگرد به بالا باشند.

ب: افراد هواپیمایی کشوری.

ج: افراد دیپلمات درجه یک ایرانی یا خارجی که با دفتر وابستگان نظامی آمریکا همکاری مستقیم داشته باشند.

دوستان افراد فوق‌الذکر از این قاعده مستثنی هستند.

توصیه برای صدور ویزا تنها برای افرادی پذیرفته می‌شود که اطلاعات جاسوسی مفیدی برای آمریکا داشته باشند. متقاضیانی که مشخصات بالا را نداشته باشند اما دارای موقعیتهای فوق‌العاده‌ای باشند

www.takbook.com



(مانند همافرهایی که اطلاعات باارزشی برای ما تهیه نموده‌اند) باید توسط سرهنگ شیفر تأیید شوند.

متقاضیانی که دارای شرایط ذکر شده در قسمت الف و ب و ج باشند باید قبل از مراجعه به ادارهٔ کنسولگری توسط وابستهٔ دفاعی یا معاون او مورد تأیید قرار گیرند.

۳ـ بخش صدور ویزا می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات جاسوسی مورد استفاده قرار گیرد؛ اطلاعاتی که معمولاً دسترسی به آن از راههای دیگر امکان‌پذیر نیست و باید توجه داشت که صدور ویزا مورد استفادهٔ شخصی افراد قرار نگیرد. افراد تنها وقتی برای ما مهم هستند که اطلاعات جاسوسی باارزشی فراهم نمایند و یا راهی برای رسیدن به این اطلاعات ارائه دهند.

من در این معاملهٔ پایاپای (گرفتن اطلاعات در مقابل صدور ویزا) انتظار دارم گزارشهای مفیدی به دست آید.

۴ـ دفتر وابستهٔ نظامی می‌باید توجه داشته باشد که در هفته بیش از ۵ توصیه برای صدور ویزا نداشته باشد. به افرادی که دارای شرایط مذکور در قسمت الف و ب و ج نبوده ولی از دوستان نزدیک وابستهٔ دفاعی آمریکا هستند می‌توان کارت مصاحبه با کنسول را به آنان داد. در هر حال نباید بیش از یک کارت در روز از طرف دفتر وابستهٔ دفاعی برای مصاحبه صادر شود.

**توماس شیفر**

## سند شماره ۲

**محرمانه ـ اکتبر ۷۹ (مهر ۵۸)**

**از: واشنگتن (وزارت امور خارجه)**

**به: سفارت آمریکا در تهران و سفارت در رم و فرانکفورت**

**تلگرامی است از آقای ونس وزیر امور خارجه آمریکا به سرکنسول در ایران.**

**ایشان در این تلگرام از سرکنسول خواسته‌اند تا در صدور ویزا برای اعضای رژیم سابق دقت بیشتری بخرج دهند تا شایسته‌ترین افراد انتخاب گردند.**

**موضوع: دقت در صدور ویزا برای اعضای سابق رژیم**

وزارت امور خارجه هنوز بر این عقیده است که اگر سرکنسول در حین مصاحبه با افراد رژیم سابق جهت صدور ویزا آنها را شایسته ندید، باید نظر مشاور امنیتی یا بررسی سابقه افراد به وسیلهٔ وزارت امور خارجه و یا منابع اطلاعاتی دیگر خواسته شود.

**ونس**

در این سند اشاراتی به بعضی از خائنین به ملت و انقلاب اسلامی ایران، از جمله گروهی از افراد ارتش رفته است که لازم به تذکر است نیروهای انقلابی در ارتش به ویژه برادران همافر در نیروی هوایی باید نقش بسزایی در شناسایی این افراد خودفروش و خیانت‌پیشه به عهده داشته باشند.

اینک بر مردم مسلمان ایران و همهٔ مردمان جهان به خصوص آمریکاست که قضاوت کنند که وادار کردن سرسپردگانی چند، به جاسوسی علیه انقلاب اسلامی ایران چه معنایی می‌دهد؟

این عمل، خیانت آشکار به ملتی است که برای کسب استقلال و آزادی به پا خاسته است. از این روست که مردم مسلمان ایران می‌دانند که فقط با قیام سراسری خود به رهبری قاطع امام خمینی علیه آمریکای جنایتکار است که می‌توانند همهٔ توطئه‌ها و خیانت‌های شیطان بزرگ را در هم کوبند.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

www.takbook.com



IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcment No. 17

The American Blood thirsty Imperialism has been using all its facilities to penetrate in all aspects of the dominated country and the have countinued after the revolution of the people, They have countinued their activities, to be able to govern the political and economical policy of these countries by getting the intelligence reports from their Agents. In Iran the criminal American government in its visa section in the U. S. Embassy in Tehran has been cooperationg with the shag,s regime Agents and has used them as the intelligence sources. Also they tried to get the information from the top Iranian officials in exchange of Visa The people who could give the helpful information to the American Embassy were forced to become a source of Information. They have been dealing the visa with Intelligence Reports. Through this way , the American Embassy changed cooperation with U. S. against the Islamic Iranian revolution. The following documents show these dirty activities

www.takbook.com



بسم‌الله الرحمن الرحیم

۷۸/۹/۱۵ اطلاعیهٔ افشاگری شماره ۱۸

**مردم آگاه جهان**

ما می‌خواهیم پرده از اعمال ننگین دولت آمریکا برداریم. ما می‌خواهیم بگوییم که آمریکا علیرغم ادعای حقوق بشر، نه تنها به حقوق بشر اعتنایی ندارد، بلکه حقوق همهٔ ملتها را زیر پا می‌گذارد. آمریکا به هیچ قانون مشخصی پای بند نیست او فقط درصدد حفظ منافع خویش است.

دستگاههای تبلیغاتی بزرگ عالم نیز که در اختیار سرمایه‌داران و نفت‌خواران بزرگ جهان قرار دارند، همواره حقایق را از چشمهای مردم دور نگه می‌دارند و در عوض سعی داشته‌اند و سعی دارند که با جعل اخبار و تحریف آن، حقایق را دگرگون جلوه دهند. در مورد حقی که ملت ایران یعنی ۳۵ میلیون انسان برای آن به پا خاسته‌اند، دولت آمریکا و دول متحد او و سازمانهای بین‌المللی که در دست آنهاست، دارند ملتهای جهان را فریب می‌دهند و عمل حق‌طلبانهٔ ما را نوعی آنارشیسم ـ تروریسم و نقض قوانین بین‌المللی تلقی می‌کنند و این بر مردم جهان است که حقیقت را از زبان ملتها بشنوند.

ما خواهان استرداد شخصی هستیم (شاه مخلوع) که بیش از سی و هفت سال به دستیاری آمریکا بر این مملکت جنایت کرد. در دو سال آخر انقلاب ایران بیش از شصت هزار نفر از مردم ایران را کشت. ما صدها هزار مجروح و علیل بازمانده از دوران انقلاب داریم. سیاه‌چال‌های رژیم او پر بود از جوانان ما. پاهای جوانان ما را اره کردند. در کدام مملکتی و کدامین دیکتاتور، کودکان چند ماهه را در آغوش مادرانشان به قتل رساندند؟ در منطق کدام دیکتاتور و کدامین خون آشام جواب مشتهای مردم را با گلوله‌ها و سلاح‌های آمریکایی پاسخ گفتند؟ آیا کارتر و طبقات حاکمه آمریکا شرم ندارند که دم از حقوق بشر می‌زنند؟

کارتر و دولت او که بزرگترین تبهکار تاریخ را در کشور خود پناه داده است، بهتر حقوق بشر می‌داند یا ۳۵ میلیون ایرانی که می‌خواهند قاتل فرزندان خویش را در یک دادگاه عدل محاکمه کنند تا بر همه مردم جهان روشن شود که دیکتاتورها و حامیان آمریکایی آنها چه به روز ملتها آوردند.

کارتر با راه دادن شاه به آمریکا، به حقوق همهٔ آمریکاییان توهین کرده است. کارتر باید با پس دادن شاه به مردم ایران، عملاً از مردم آمریکا به خاطر این توهین بزرگ که کشور آمریکا را مأمن جنایتکاران کرده است عذرخواهی کند. مگر شما جنایتکاران جنگ جهانی دوم را به محاکمه نکشیدید؟ حال ما به شما نشان می‌دهیم آنچه کارتر فریاد می‌زند حقوق بشر است و آنچه که عمل می‌کند اهانت به حقوق ملتهاست و حتی اهانت به سازمانهای بین‌المللی‌یی که اکنون دست خویش را به سوی آنها دراز کرده است.

**مردم جهان!**

محلی را که ما اشغال کرده‌ایم سفارت نبوده و افراد آن نیز دیپلمات نیستند و ما با افشای این سند به شما نشان می‌دهیم که دولت آمریکا سعی در فریب افکار عمومی همهٔ مردم جهان دارد. دولت آمریکا آزادیخواهانی را که برای رهایی انسان از قید ابرقدرتها تلاش می‌کنند تروریست می‌داند ولی تروریست‌تر خودش در پوشش قدرت جهنمی هر کس دیگر در جهان است. آمریکا با جعل پاسپورت و مهر مهم CIA از مملکتیِ بسیاری از کشورهای جهان به حق حاکمیت ملی آنها علناً تجاوز کرده است. کارتر با جعل

www.takbook.com



اسناد و مهرهای کشورهای اروپا و آسیا، جاسوس به خانهٔ ما فرستاده است.
با آرزوی آزادی همهٔ انسانها از ظلم و مبارزه به خاطر احقاق حق مردم.
اینک به افشای سند می‌پردازیم:

**«محرمانه»**

**ملاحظات در جلد (منظور پاسپورت است)**

بنابراین اطلاعات شخصی در پاسپورت شما، شما مجرد، متولد آنتورپ Antwwerp بلژیک، ۸ جولای ۱۹۳۴، رنگ چشم آبی، فاقد علامت مشخصه، قد تقریباً ۱/۸۸ متر، شغل نمایندهٔ بازرگانی و تجارتی هستید.

این غیر ممکن نیست که یک بلژیکی‌الاصل که به زبان فلمنگی Flemish صحبت می‌کند در قسمت فرانسوی زبان بلژیک زندگی بکند. مانند جه‌ته Jette تو می‌توانی بگویی که در آنتورپ به دنیا آمده‌ای؛ با یک کمپانی که اداره‌ای در آنتورپ داشته، کار کرده‌ای و بعداً به اداره اصلی در براسل منتقل شده‌ای علیرغم اینکه فاصلهٔ براسل و آنتورپ ۹۰ دقیقه رانندگی است، تو تصمیم گرفتی که در حومه براسل، جه‌ته، زندگی بکنی. این (مطالب)، صدور محلیِ مدارک شما را توجیه خواهد کرد. در حالی که در براسل کار می‌کردی به اروپا مسافرت تجاری کرده‌ای (که در پاسپورت تو نوشته شده است) و حالا به قسمت خاورمیانهٔ کمپانیت منتقل شده‌ای. آدرس تو در جه ته، به قرار زیر است:

174 - Aven de Jette

Jette, Belgium

**صفحهٔ دوم**

**«محرمانه»**

**دستورات برای پاسپورت فعال (یعنی پاسپورتی که مورد استفاده و در جریان است).**

پاسپورت بلژیکی شما صادره از (ظاهراً) جه ته، حومهٔ براسل Jette با شماره 745653 N# در ۱۶ مارس ۱۹۷۷ اعتبار دارد. برای معتبر کردن آن، سفرهای زیر در آن اضافه شده است، سفری به مادرید، اسپانیا در آوریل ۱۹۷۷، سفری به لیسبون، پرتغال در آگوست ۱۹۷۷؛ سفری به دهلی در ژانویه ۱۹۷۸؛ سفری به مادرید، اسپانیا در مارس ۱۹۷۸؛ سفری به هلسینکی و فنلاند در ژوئن ۱۹۷۸؛ سفری به آتن، یونان در نوامبر ۱۹۷۸.

برطبق مقررات جاری (آگوست ۱۹۷۹) یک بلژیکی احتیاجی به ویزا برای ورود به ایران ندارد؛ در عوض او می‌تواند ۹۰ روز در ایران بماند. برای فعال کردن این پاسپورت تو ظاهراً به ایران وارد و خارج شده‌ای و اثر مهر در پاسپورت تو وجود دارد. تو اول باید تحقیق کنی (مطمئن شوی) که چه نوع سیستم تاریخ در زمان ورود و یا خروج ظاهری تو استفاده می‌شده است. سه نوع از آن را مشاهده کرده است:

۱ـ استفاده از تاریخ ایرانی (شاهنشاهی).
۲ـ استفاده از تاریخ اسلامی، (اما فقط با دو رقم آخری سال آن (شمسی هجری).
۳ـ استفاده از تاریخ اسلامی با استفاده از ۴ رقم سال آن (شمسی هجری).

www.takbook.com



**صفحهٔ سوم**

**«محرمانه»**

اگر تاریخ ایرانی مورد استفاده است، مهر ورود و خروج که در روی قطعهٔ چوبی نقش دارد باید در رابطه با ریزه (قسمت ریز و جدا جدا از تاریخ ایرانی مورد استفاده قرار گیرد) تاریخ و روز صحیحی را انتخاب کنی. آن ریزه‌ها را در قسمت بریدهٔ مهرها جاگذاری کنید. بالشتک جوهر شمارهٔ 280 # برای ورودیها و بالشتک جوهر 295# برای خروجیها. به مهری که قسمت تاریخ روز در آن گذاشته شده است، جوهر بمالید و اثری از آن بر روی پاسپورت بیندازید.

برای تاریخ اسلامی شما اول قسمت تاریخ و بعد، از مهر ورودی یا خروجی که بر روی پلاستیک تمیزی نقش دارد، استفاده کنید.

اول، تاریخ صحیح به هم بسته شده (۲ رقمی از سال یا ۴ رقمی از سال) را انتخاب کرده و بعد در جوهر (ورودی 280 # و خروجی 295#) فرو کرده و بعد تاریخ را در پاسپورت وارد کنید. بعد مهر (خروجی یا ورودی) را از بالشتک صحیح آن، جوهری کرده و در روی پاسپورت، به طوری که تاریخ کم و بیش در وسط این اثر باقی مانده قرار بگیرد، بیندازید. از داخل پلاستیک، تاریخ را برابر و میزان بکنید تا مطمئن بشوید که به درستی جای گرفته است. لطفاً صفحه ۴ را برای نمونه‌های حقیقی و قلابی (مهر و تاریخها) ببینید. بهتر است شما به هر گونه تغییری توجه داشته باشید (چه در شکل و چه در رنگ جوهر).

رنگی را برای Eznova بفرست. با ضمیمه کردن اندازه و قطعهٔ رنگ در هر عکس (رنگ نمونه) بعداً Eznova مواد مورد احتیاج را دوباره تهیه و آنها را برایت می‌فرستد.

**صفحهٔ سوم / A**

**«محرمانه»**

چون مهرهای شما باید خیلی خوانا و روشن باشد سعی کنید که روی آن را چرکی نکنید. در کاغذهای ضمیمه، تمرین بکن تا احساس کنی قادر هستی در پاسپورت انجام دهی.

N.B تذکر:

چون که مهرهای ورودی و خروجی مهرآباد دارای شماره‌های بازرسی مختلف است و بندرت اتفاق می‌افتد که یک مسافر در سفرهای مختلف دارای شماره‌های یکسان باشد بنابراین مهرهای ضمیمه را بیش از یکبار در پاسپورت استفاده نکنید.

مهرهایی که احتیاج به خروجی، ورودی ایرانی بیشتر باشد باید از Eznova خواسته شود و یا مدارک به آنجا فرستاده شود تا به تاریخ روز درآید.

**صفحهٔ چهارم**

**«محرمانه»**

دو تصویر به شماره ۲۲ و ۲۳ هست

ویزا (توضیح برای شکل ۲۲)(توضیح برای شکل ۲۳)

نمونه

www.takbook.com



مهر ورودی با تاریخ ایرانی
مهر خروجی با تاریخ اسلامی (شاهنشاهی)
و استفاده از ۲ رقم آخر سال آن

**صفحهٔ پنجم**
**«محرمانه»**

(توضیح برای شکل ۱۹) (توضیح برای شکل ۱۸)
تقلیدی (جعلی)
مهرهای ورودی و خروجی با استفاده از چهار رقم با تاریخ اسلامی.

**صفحهٔ ششم**
**«محرمانه»**

تقلیدی (جعلی)
مهرهای ورودی و خروجی با تاریخ اسلامی و استفاده از ۲ رقم آخر سال

**صفحهٔ هفتم**
**«محرمانه»**
**دستورات برای مدرک بین‌المللی واکسیناسیون**

مهرهایی هم اکنون برای شما (ظاهراً برای واکسیناسیون، آبله، تب زرد، وبا زده شده است (یعنی در همان مدرک بین‌المللی واکسیناسیون). لطفاً اسمتان را در زیر هر تزریق بنویسید و امضاء کنید. تزریق واکسن آبله برای ۳ سال اعتبار دارد (یعنی) در جولای ۱۹۷۸ احتیاج به تمدید دارد. لطفاً با Eznova یا Wolok برای تمدید آن برای بعد از این تاریخ تماس بگیرید.

واکسن تب زرد برای ۱۰ سال اعتبار دارد. چیزی نمی‌خواهد که برای این واکسن انجام دهید. واکسن وبا فقط شش ماه معتبر است. مهر جدید ورودی باید در اوایل ژانویه ۱۹۸۰ ساخته شود. با توجه به برگ ضمیمهٔ قلابی (که در پشت برگ است) اسم Ossoms - Fi,Dr.R.COSSEMANS را با رنگ جوهر آبی استفاده بکنید. با استفاده از خودکار یا خودنویس یک تاریخ روز، ماه سال مناسب در ورقه وارد کنید (باید ماه آن به طریق رومی نوشته بشود) و در بالای مهر دکتر امضاء بکن. واکسن وبا را به هر تاریخ روز جدیدی که می‌خواهی هر شش ماه یک بار تبدیل بکن و از همان مهر و رنگ قبلی استفاده بکنید و پاسپورت شما نباید نشان بدهد که در تجدید تاریخ واکسن در تهران بوده‌اید.

**صفحهٔ هشتم**
**نمونه‌ای از ورقهٔ بین‌المللی واکسیناسیون وبا**
**تذکرات مترجم:**

ماه اگوست برابر است با ۱۰ مرداد تا ۱۰ شهریور. با توجه به اینکه در پاسپورت شخص مزبور

www.takbook.com



سفرهایی به کشورهای دیگر نوشته شده است، این سفارت باید مهرهای کشورهای دیگر را هم برای جعل داشته باشد که توهینی است به کشورهای یاد شده از قبیل هند، پرتغال، اسپانیا، فنلاند، یونان.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcment No. 18

We want to disclose the shameful activities lf the American government . We want to say the American government , Although it claims to defend humanrights, not only it doesnot conform to that. On the contrary it violates the rights of the nations. American government does not conform to any laws. To secure their own benefits. The great world propaganda systems which are in try to deep the truth away form the people of the world and try to forget and distorv the news. The American government and its ally govenments ans international organizations which cooperate with them are decieving the people of the world and call our just activities, Anarshism, Terorism and violation of interantional laws. We are asking for delivering of the shah who has been committing Iran. In the past two years of the Revolution, he has killed more that 60,000 people of Iran . We do have more than 100,000 injured and invalids from the revolution. His Dungeons were full of our youth , they have sawed the leg of our youth in which country and which dictatorship , has killed the small children in the arms of their mothers. In which logic of which dictatorship it he answer of the people fist, is with the American weapens and Bullets.

Aren't Carter and the American government ashamed to talk abuat the humanrights . Do carer and his government, that have given assylum to greatestthe criminal of the history know the humanrights, or the 35 million Iranians who want to try the murderer of their children in a court of Justice to clarify for all of the world that what these dictatorships and their supporters have done with the nations . Carter by giving as sylum to the shah , has insulted the American people.

carter with delivering the shah to Iran should apologize , in practice from the American people Because of this insult which made America an assylum for criminals. Did not you try the criminals of the second war? Now we will show you that what carter claims to do is following human rights, but what he does in reality is violating all the humanrights.

Oh ! people of the world

The place that we have occupied, has not been the embassy and its staff are not diplomats and we by disclosing these documents show you that the American government trys to decieve the public opinion of the peoples ot the world. The American government calls the freedom seekers who strives for freedom and independance as terrorists and anarchists. But it is itself the worst terrorist equipped with the deadly CIA network. The U. S. by forging passports and

www.takbook.com



stamps has violated the sovereingnity of the nations. carter by forging documents and stamps has sent spies to our home.

With the hope of the liberation of all mankind from evil and the success of their struggle for obtaining the just rights of the people.

www.takbook.com



بسم‌الله الرحمن الرحیم

**اطلاعیه افشاگری شماره ۱۹** ۵۸/۹/۱۷

**مقدمه:**

**ملت غیور ایران**

از آغاز اشغال لانهٔ جاسوسی آمریکا عهد کرده بودیم که اسناد و مدارک این جاسوسخانه را که متعلق به تمامی ملت ایران است در اختیار افکار عمومی ایران و جهان قرار دهیم. عهد کرده بودیم که خطوط شیطانی نفوذ آمریکای جنایتکار را در ایران نشان دهیم. عهد کرده بودیم که همراه با رسوا ساختن مزدوران و جاسوسان آمریکایی اسیر در دست ملت شیوه‌های عملکرد اعمال شیطانی آمریکا را در ویران کردن ایران فاش سازیم. تاکنون بیشترین تلاش و کوششمان را بر آن گذاشتیم تا بتوانیم به افشاگری علیه آمریکا و جاسوسان سفارت پرداخته و از این طریق به ملتهای جهان به ویژه ملت مسلمان ایران نشان دهیم که سفارت آمریکا پوششی جهت اعمال جاسوسی آمریکا بیش نبوده است و تا حدودی هم موفق شدیم و با افشای اسناد اخیر واضح شد که مأموران سیا چگونه با پاسپورت جعلی به عنوان افراد سفارت به کار مشغول شده بودند و برنامه‌های توطئه و تخریب علیه انقلاب اسلامی ایران را هدایت و رهبری می‌کرده‌اند.همان‌طور که در افشاگریهای ۱۲ و ۱۷ مشخصاً برای ملت ایران روشن گردید، مأموران سیای سفارت به طرق گوناگون، منجمله تماس و دعوت به مهمانی، ملاقات با روشنفکران غربزده و سرمایه‌داران وابسته، سعی در جلب نظر این افراد جهت منابع اطلاعاتی و کسب اخبار داخلی ایران می‌کرده‌اند. روشنفکران غربزده و سرمایه‌داران وابسته بنا به ماهیت غیر مردمیشان به سادگی خود را در اختیار آمریکای چپاولگر قرار داده و در خیانت به امت مسلمان ایران هیچ گونه ابایی نداشتند. در این رابطه است که درصدد برآمدیم تا نمونه‌هایی از این اسناد را جهت آگاهی ملت عزیز ایران افشا نماییم.

**سند**

**از: سفارت آمریکا در ایران** **طبقه بندی: سری** (Secret)

**به: وزارت امور خارجه (فوری)**

**جمع آوری شده توسط مأمور سیاسی به نام** Stemple

**موضوع: کمیته واسط (بینابینی)**

**خلاصه:**

گروهی به رهبری آقای مهدی روغنی در نظر دارند که کمیتهٔ بزرگی را به وجود بیاورند تا بتواند رابط بین دولت موقت بازرگان و کمیتهٔ امام خمینی باشد.امید است که تا تاریخ دهم مارس (۱۹ اسفند) ترتیب زمانی آن داده شود.

مهدی روغنی: معتمد روغنی به مأمور سیاسی سفارت (Stemple) در صبح پنجم مارس (۱۴ اسفند) گفت که وی (مهدی روغنی) تعطیلات آخر هفتهٔ گذشته را در قم سپری کرده و در آنجا مشغول تشکیل کمیتهٔ هماهنگی رابط بین دولت بازرگان و کمیتهٔ امام بوده است. او اظهار داشت که از تاریخ چهارم مارس (۱۳ اسفند) رابطه بین دولت بازرگان و کمیتهٔ امام بسیار بد و خراب بوده است. همچنین اظهار داشت که هم

www.takbook.com



اکنون در بسیاری از مکانها کمیتهٔ امام از دولت بازرگان اطاعت نمی‌کند.

روغنی به دنبال تشکیل دادن گروهی است که مشتمل بر ۱۰۰ نفر در واحدهای ۸ تا ۱۰ نفره می‌باشند که در مسایل مشخص مورد اختلاف، مسئول باشند. روغنی از این افراد اسمی نمی‌برد ولی گفت که متشکل از عناصر معتبر و با نفوذی از تمام جناحهای موجود در جنبش انقلابی می‌باشند. مرکز این کمیتهٔ رابط در تهران است. همچنین اظهار داشت که هدف اصلی کمیته این است که کمیتهٔ امام را به خطی بکشاند تا قدری بیشتر با دولت بازرگان ارتباط و همکاری داشته باشند. وی امیدوار بود که تا در تاریخ ۹ و ۱۰ مارس (۱۸ و ۱۹ اسفند) سفری به قم نماید تا ترتیب نهایی را بدهد.

همچنین گفت که امام این عقیده را پسندیده است و الآن گفت و گو با دولت بازرگان ادامه دارد. از وی پرسیده شد (توسط مأمور سیاسی) که آیا تشکیل یک کمیتهٔ دیگر جوابگوی مشکلات خواهد بود یا نه؟ روغنی که به وضوح نسبت به مشکلات و عدم وجود قانونمندی در سه هفتهٔ بعد از انقلاب ناراضی بود جواب داد که امیدوار است و باید کارهایی حتماً انجام پذیرد.

نکته توضیحی از طرف مأمور سیاسی بعد از مذاکرات، در گزارش به واشنگتن: شاید تقاضای روغنی برای ویزای تجارتی به آمریکا نشانگر بهتری از ارزیابی شخصی وی برای دراز مدت باشد.

**سند**

**محرمانه ـ ماه مه ۷۹**

**از: سفارتخانهٔ آمریکا در تهران**

**به: وزیر امور خارجه، ونس**

**موضوع: ملاقات با مهدی روغنی**

۱ـ این مطلب به کلی محرمانه است.

۲ـ روغنی صبح امروز تهران را برای یک سفر چهارتا شش هفته‌ای به مقصد آمریکا ترک کرد. (Plof) به او اسم پرشت و شماره تلفن او را داد و به روغنی قویاً پیشنهاد کرد که با پرشت تماس بگیرد. روغنی از (Plof) پرسیده بود که آیا کسی هست که باید او را ملاقات کند؟

۳ـ روغنی مایل است که با پرشت صحبت کند و ممکن است به گفت و گوهای محرمانه دیگران نیز تمایل کند.

وی به علت رابطه‌اش با امام خمینی می‌تواند منبع اطلاعاتی مفیدی از اطرافیان خمینی باشد. ناس

**سند**

**از: سفارت آمریکا در تهران**

**به: وزارت امور خارجه ـ واشنگتن**

**موضوع: مهدی روغنی**

با توجه به امکان متهم شدن ما به بدبینی، اشاره می‌کنیم که خوشبینی روغنی به فراخور فاصلهٔ او با ایران به طور تصاعدی زیاد شده است. وقتی که در ماه مه فقط برای چهار تا شش هفته رفت، او در مورد وضع قم اظهار ناراحتی می‌کرد و در فکر این بود که کجای کار انقلاب خراب شده است. اگر وضع برگشته

www.takbook.com



باشد (گرین کارد) (Green Card) به چه درد او می‌خورد. ما در یکی از روزنامه‌های فارسی زبان به مطلبی برخوردیم که یک ماه پیش از کشور فرار کرده است.

رجوع شود به معاملات با شرکت فورد کمپانی لندن.

کپی از نظر اطلاعات، به وزارت داده شده است. یک گزارش وضعیتی از روغنی داده شده است.

فورد اشاره کرده بود که به طور عمده مسایل اصلی حل شده‌اند، البته در طی مراحل بوروکراتیک می‌توان انتظار دیر کردن آن را داشت. ما به طور موضعی نمی‌توانیم تأیید کنیم که آیا پیشرفت حاصل شده است یا نه. روغنی در آمریکا است و وکیل ایرانی فورد به طور موقت خارج از ایران است.

**لینگن**

**سند**

**طبقه بندی: محرمانه**

**از: سفارت آمریکا در تهران**

**به: وزارت امور خارجه ـ واشنگتن**

**موضوع: شکایتی در مورد امور تجارتی**

۱ـ شکایتنامهٔ تجارتی زیر به وسیله آقای مهدی روغنی به سفارت آمریکا داده شده است.

پدر مهدی روغنی فردی بود که قبل از اینکه آیت‌الله خمینی در سال ۱۹۶۳ (۱۳۴۳) به خارج تبعید شود به مدت ۱۵ روز او را در خانه‌اش پناه داده بود. بنابراین خانوادهٔ روغنی روابط نزدیکی با خمینی و اطرافیان او دارد. خود مهدی روغنی هم در آزاد کردن تفنگدار دریایی، اس جی تی کراس (S.G.T. KRAUST) به سفارت آمریکا خیلی کمک کرده است. این تفنگدار دریایی بعد از حملهٔ ۲۵ بهمن ماه به سفارت آمریکا به مدت ۷ روز بازداشت شده بود.

بنابراین از اقدام فوری در مورد شکایت ایشان قدردانی می‌شود.

۲ـ خانوادهٔ روغنی مدت ۲۷ سال آیندهٔ فروش ماشینهای کارخانه فورد را در ایران پیش‌خرید کرده‌اند. در اکتبر در جریان ملاقاتی در لندن توافقی شد که کارخانهٔ فورد تعهد کرده است که برای تمام ماشینهایی که در خارج از ایران خریداری می‌شوند و به ایران آورده می‌شوند، میزان چهار درصد کمیسیون به آقای روغنی تعلق بگیرد. بعد از این توافق، شرکت فورد خواستار اطلاعاتی در مورد ماشینهای داخل کشور شد. گفته می‌شود تمام این اطلاعات در اختیار آنان گذاشته شده بود و دو مرتبه توسط نماینده‌های فورد بررسی شد. در حدود ۵۰۰ ماشین مطرح است و با روغنی در مورد مبلغ پرداختی به توافق رسیدیم. حالا آقای روغنی می‌خواهد بداند که چه موقع کمپانی فورد این پول را می‌خواهد به او بدهد.

رابط در لندن، معاون دیگر عملیات خاورمیانه و آفریقا آقای رودلف بنی فیس است.

۳ـ برای لندن: لطفاً وزارتخانه را در موقع جواب دادن مطلع سازید.

برای وزارتخانه: بر اساس اطلاعات تهیه شده در لندن تماس و نامه ممکن است بجا باشد یا نباشد.

۴ـ علاوه بر مشکل کمیسیون، روغنی یک اختلاف نظر دومی هم با شرکت فورد دارد که در مورد فروش شصت (۶۰) دستگاه کامیونهای سنگین به شرکت ملی نفت ایران است. ادعای او این است که

www.takbook.com



تفاوت بین قیمت صدور شرکت فورد و قیمت فروش به شرکت نفت، حق او است که واسطه می‌باشد. شرکت نفت پول فورد را مستقیماً داده است. مبلغ پولی که او فکر می‌کند طلبکار است باید برای او جبران شود. این مشکل ظاهراً به حدود چهار سال پیش برمی‌گردد و هنوز حل نشده. از هر اطلاعاتی که شما می‌توانید در مورد موضع شرکت فورد و آمادگی آنها برای انجام پرداخت تهیه کنید، قدردانی می‌شود.

سولیوان

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcment No. 19

Courageous people of Iran !

From the begining of the occupation of the American nest of spies which belong to the Iranian people so as to expose the devilish lines of penetration of the criminal America in Iran and exposing the American spies and agents now captives of the Iranian people , and show to all peoples of the world specially the moslem people the espionage acts of America . We have been successful to a great extent to show how CIA agents begin work here with forged passports as diplomats and monitor plots against the Islamic Revolution . The CIA agents of the embassy used different methods like inviting western educated intellectuals to different parties so as to absorb and use them as information sources, of the internal news. The prowestern intellectuals and dependant capitalists due to their unpopular nature placed themselves in the hands of the plundering America and continue to betray the moslem nation of Iran.

www.takbook.com



بسم‌الله الرحمن الرحیم

۵۸/۹/۱۷ **اطلاعیهٔ افشاگری شماره ۲۰**

از ابتدای انقلاب دو جریان در بین نیروهای مطرح شده در جامعه مشخص بود.

جریان اول که به انقلاب اسلامی تحت رهبری قاطعانهٔ امام خمینی سخت وفادار بودند و تضعیف رهبری و تفرقه‌اندازی بین ملت را که یکپارچه به فرمان امام حرکت می‌کرد، اقدامی ضد انقلابی دانسته و با آن مبارزه می‌کردند. این گروه خطر عمده را برای انقلاب نه در دیکتاتوری و استبداد و ارتجاع، بلکه در افرادی می‌دید که هرگز عمق و عظمت انقلاب را درک نکرده و به اسلام به عنوان مکتبی که در هر دوره و زمانی می‌تواند جوابگوی مشکلات جوامع بشری باشد نمی‌نگریستند. افرادی که در مقابل فرهنگ و ظاهر فریبندهٔ غرب و به خصوص آمریکا خود را باخته و تسلیم شده و تمام تلاش خود را در جهت حاکم کردن ارزشهای غربی به کار می‌بردند. این جریان هر چند خود را ملّی، روشنفکر، رادیکال و... قلمداد می‌کند در اصل وابسته به آمریکاست. آمریکا این شیطان بزرگ و دشمن شمارهٔ یک ملت ما، در تمام این بیست و پنج سال که بر ایران حکومت می‌کرده از این روشنفکران غربزده و خودباخته به عنوان پایگاهی مطمئن استفاده می‌نموده است و این افراد نیز در بسیاری از موارد در راه خدمت به اجنبی تا حد خیانت به ملت خود، پیش می‌رفته‌اند. از این روست که امام امت، خمینی بزرگ، نوک تیز حملات خود را متوجه این غربزدگانی می‌کند که به راحتی به ملت خود خیانت می‌کنند.

جریان دوم که از ابتدا با انقلاب اسلامی ایران مخالفت کرده، به حرکت ملت اعتماد و اعتقادی نداشته و نوک تیز حملهٔ خود را متوجه امام نموده بودند و در بسیاری موارد به تقویت روز افزون موقعیت روشنفکران غربزده می‌پرداختند زیرا آنها را نیز در نهایت با خود در یک خط و در مقابل انقلاب و ملت می‌دانستند. غربزدگان و عوامل آمریکا نیز از این موقعیت برای خدمت به اربابان خود استفاده کرده و با شعارهای تند و تیز و انقلابی هر روز سعی می‌کردند نیروهای مخالف بیشتری را پشت سر خود جمع کنند.

تجربه‌های این چند ماههٔ پس از انقلاب تا حدودی عناصر صادق انقلابی را از عناصر وابسته به امپریالیسم و نوکران آمریکا جدا کرده و چهرهٔ آنها را بر ملت آشکار ساخته است.

اینک ما چهرهٔ آقای «مقدم مراغه‌ای» ـ یکی از این روشنفکران به ظاهر انقلابی ـ را برای ملت مسلمان ایران روشن می‌کنیم.

آقای «مقدم مراغه‌ای» درصدد بوده است که به هر نحو شده پای آمریکای جنایتکار را که عمری در این مملکت به چپاول و غارت مشغول بوده و ملت به بهای خون دهها هزار شهید پای آن را از کشور کوتاه کرده، دوباره برگردانده و بر مقدرات ملت حاکم کند. آقای مراغه‌ای آنچنان دلسوزانه به جاسوسان آمریکا توصیه می‌کند برای آنکه بتوانند در ایران فعالیت کنند، با امام خمینی ملاقات کنند. هر فرد منصفی به خوبی درمی‌یابد که ایشان به جای اینکه در راه منافع ملت خود گام بردارد، در جهت منافع دولت آمریکا خدمت می‌نماید. متأسفانه این خائن غربزده خود را منتسب به بزرگان دین هم می‌کند که این گناهش نیز نابخشودنی است.

www.takbook.com



## سند

## گزارش ملاقات با رهبر نهضت رادیکال، مقدم مراغه‌ای

۱ـ متن کامل

۲ـ خلاصه: رهبر جنبش رادیکال، مقدم، ضمن تماس با سرپرست دپارتمان، نظرات خود را در مورد مسایل جاری اظهار داشت و خیلی تأکید کرد که کاردار با خمینی تماس بگیرد که او (خمینی) ایرانیها را متقاعد کند که دولت آمریکا انقلاب ایران را پذیرفته است. تمام

۳ـ مقدم مراغه‌ای عضو مجلس خبرگان در بررسی قانون اساسی است. با او طی بحثهای گوناگونی که دربارهٔ مسایل مختلف در تاریخ سپتامبر داشته‌ایم، در پاسخ به این سؤال که آمریکا چگونه می‌تواند روابط خود را با ایران بهبود بخشد، گفت: کاردار آمریکا هر چه زودتر با خمینی تماس بگیرد.

مقدم دلواپس به نظر می‌رسید که: آمریکا از ماه مه هیچ گونه تلاشی برای ملاقات نکرده است و تأکید کرد که مشکلات هر چقدر باشد باید فوراً تقاضای ملاقات بکند. مقدم اشاره کرد اینکه شما می‌گویید وقتش نشده، وقت مناسب هیچ‌وقت دست نخواهد داد چرا که خمینی اکنون پیر است و کاملاً غیرقابل انعطاف. اگر خمینی ناگهان قبل از ملاقات آمریکا با او فوت کند حتی میانه‌روها که با خمینی کاملاً موافق نیستند آمریکا را مورد انتقاد قرار خواهند داد و خواهند گفت که عدم ملاقات آمریکا با ایشان، عدم پذیرش انقلاب بوده است و خیلیها آمریکا را مقصر مرگ خمینی خواهند دانست.

۴ـ مقدم درباره وضعیت سیاسی امیدوار بود، بدون اینکه خوشبین باشد. او احساس می‌کند که خمینی در حال حاضر از پشتیبانی توده‌ها برخوردار است و در طول چند هفتهٔ گذشته پافشاری زیادی روی جمهوری اسلامی کرده است. او روشنفکرها را از خود دور می‌کند و به زودی متوجه این اشتباه شده و اوضاع را سر و صورت خواهد داد.

مقدم گفت که خمینی عقیدهٔ ولایت فقیه را تأیید می‌کند ولی معتقد است که فقیه نباید قدرت سیاسی داشته باشد. او می‌گوید قانون اساسی در ۳ یا ۴ هفته تمام می‌شود.

در پاسخ سؤال پرخت (Precht) گفت که او با بهشتی در مورد تغییر احتمالی قوانین تصویب شده صحبت کرده و بهشتی گفته است که در صورت هماهنگ و باثبات نبودن قوانین تصویب شده، آماده است که آنها را دوباره مرور کند. او گفت که بازرگان نیز قبلاً همین تقاضا را از بهشتی کرده بود. او چندان امیدوار نیست که تغییری در فرم فعلی قانون اساسی داده شود. مقدم فکر نمی‌کند که با مشکلات فعلی در کردستان وقت مناسب برای رفراندم باشد. اگر متون اصلی، به خصوص شیعه و سنی عوض نشوند اوضاع رفراندم شاید برای دولت، مساعد پیش نرود.

۵ ـ مقدم گفت که خیلیها از شریعتمداری به خاطر عدم رهبری انتقاد می‌کنند در صورتی که این انتقاد نابجاست و خمینی قدرتمندتر از آن است که شریعتمداری فعلاً بتواند با او مقابله کند؛ ولی البته وقتش خواهد رسید. او افزود که آذربایجان مترصد اشارهٔ اوست.

۶ـ از مقدم دربارهٔ احتمال صلح در کردستان سؤال شد، جواب داد در شرایط فعلی هیچ امکانی برای موفقیت مذاکرات صلح وجود ندارد. اگر دولت چنین اقدامی را شش ماه پیش می‌کرد امکان داشت ولی اکنون دیر شده است. او هیچ‌گونه پیشنهادی برای صلح نداشت.

۷ـ در پایانِ صحبت، مقدم تأکید کرد که ملاقات‌کنندگان بیشتری به طور رسمی و غیر رسمی، مانند

www.takbook.com



رمزی کلارک و ریچارد کاتم، برای جلب رضایت و قانع کردن ایرانیان در امور مختلف سیاسی به ایران بیایند.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcment No. 20

From the begining of the revolution two lines and currents existed within the society.

The First line is strongly faithful to the Islamic revolution under the leadership of Imam , Khomeini, they considered weakening the leader ship and divigingthe people who were united on orders of Imam khomeini as anti revolutionary acts and they fought this . This group saw the main danger for the revolution not dictatorship despotism or backwardedness but they saw this danger in individuals who never understood the depth, and greatness of the revolution and who did not view Islam as a school which could in any age present solutions to the problems of human societies. Individuals who lost thir identity afore the decieving appearances of the west and particularly America. And who desperatly sought to impose and dominate western values, although this line claimed to be popular, intellectual radical, and etc. in reality it was dependant on America. American government this strong devil and number one enemy of the people , in all of this twenty _ five years that it reigred in Iran it used these westernized intellectuals as a secure base. Thus Imam of the people great Khomeini directs his attachs on these westernized people who betray their people very easily.

The second line which has from the begining opposed the Islamic Revolution of Iran had no faith and assurance in the people,s movement and they directed their attacks against Imam Khomeini and strenothened in many cases the position of the westernized intellextual. The experiences lf the past months has separated to some extent the noble revolutionary elements from the elements dependant on imperialism and has exposed their face to the peoples of the world.

Now we expose the face of moghadam Maraghaie one of the apparently revolutionary intelectuals.

Mr . Moghadam Maraghaie was seeking to reimpose US dominance on Iran after it had exploited the resourcers of the people and at the expense of the blood of thousands of Martyrs.

www.takbook.com



**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**مقدمه افشاگری شماره ۳**

با فتح جاسوسخانه و مرکز توطئه آمریکا ذهنیتهای ملت مظلوم و همچنین ملتهای مستضعف در مورد نقش بسیار گسترده و جهنمی شیطان بزرگ به عینیت مبدل گشت آنچنان که آمریکای جنایتکار را متزلزل نمود و او به دنبال رسوایی بزرگی در سیاستهای ضد بشری خود قرار گرفت.

آمریکای جهانخوار استراتژی و هدف خود را در ایران بر این بنا نهاده بود که با ایجاد شرایطی برای روی کار آمدن یک دولت میانه‌رو و متشکل از عناصر وابسته منافع خود را تأمین و جلو امواج طوفانزا و دشمن‌شکن انقلاب اسلامی را بگیرد. در این رابطه مرکز هدایت توطئه‌های آمریکا در منطقه و ایران یعنی لانه جاسوسی، نقش بسیار فعال و گسترده‌ای جهت به انحراف کشیدن مسئولین و دستگاههای اجرایی و نفوذ در ارگانهای دولتی و غیره و همچنین کنار زدن انقلابیون و ایجاد جو مسموم علیه آنها مانند روحانیت مبارز، سپاه پاسداران انقلاب و نهادهای انقلابی تعقیب می‌نمود.

این کتاب را که حاصل و منتخب یکسری از اسناد و تحلیلهای لانه جاسوسی در امور فوق است به خدمت ملت آگاه و رزمنده تقدیم می‌داریم تا با وقوف کامل بر نقشه‌های دشمن شماره یک با هوشیاری دقیق و عزم راسخ در جهت مقابله با آنها گام بردارند و نقشه‌های این توطئه‌گران را خنثی نمایند.

از خداوند بزرگ توفیق پیروی از راه امام امت را که در هم کوبنده توطئه‌های توطئه‌گران است خواستاریم.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

**دید کلی آمریکا راجع به انقلاب اسلامی ایران**

**بخش.**

**نظر آمریکا راجع به اوضاع کلی انقلاب در ایران (دید کلی)**

«از دیدگاه من انقلاب که ناگهان با پیروزی خود در فوریه گذشته روبرو شد شورشی بود علیه برتریها و مزیتها...

به طور خلاصه انقلاب علیه برتریها و غربی شدن سریع رخ داد. به نظر من در نظر گرفتن این مسئله که ما همه جا در پی افزودن منافع آمریکا توسط مداخله در امور باشیم بر ایرانیان اثر گذارد. البته میل برای ارتباط وجود دارد ولی توسط مخالفت با غربی شدن و اختلاف طبقاتی پوشانده شده است.

ایران هنوز راه زیادی را باید بپیماید تا با برنامه‌های (CIA) دفتر همکاری‌های بین‌المللی آمریکا منطبق گردد. کشور از یک انقلاب خالص سر به در آورده و اعضای رژیم سابق اکثراً یا اعدام شده‌اند یا متواری‌اند یا در برزخ طاغوت زندگی می‌کنند.

یک تحلیل از ساخت قدرت در ایران بعد از انقلاب، خمینی و دیگر آیت‌الله‌ها را در رأس می‌گذارد؛ به همراه دیگر روحانیون شیعه که برای مجلس انتخاب شده‌اند و اکنون در حال تدوین قانون اساسی هستند. سپس نوبت ملاها می‌رسد که در داخل دولت موقت، دادگاههای انقلاب، کمیته‌ها و تشکیلات شبه نظامی قرار دارند و در درجهٔ سوم من سیاستمداران را جای می‌دهم (مثل بازرگان) که توانسته‌اند خود را ارزشهای اسلامی غالب تطبیق بدهند و یک کنترل عاریه‌ای بر سکان تشکیلات دولت موقت یا شبه دولت

www.takbook.com



از جمله صنعت نفت داشته باشند. درجهٔ چهارم دزدان دریایی که فرماندهی گروههای شبه نظامی (پاسداران) کمیته‌های انقلاب را به عهده گرفته‌اند می‌باشد. در پایان ملاهای ساده جای می‌گیرند که به توده‌ها در دهات و شهرها خدمت می‌کنند که پشتیبانی متعصبانهٔ آنها بزرگترین منبع قدرت خمینی و آیت‌الله‌ها می‌باشد.» (از نامهٔ جان کریو از روابط عمومی سفارت به تدکوران ـ آژانس اطلاعات بین‌المللی آمریکا واشنگتن واشنگتن D.C) ۱۲ مهر ۵۸

**جریان امام خمینی**

**بخش ۱**

**راجع به امام خمینی**

«... روش اتخاذ تصمیم خمینی آرام و سنجیده است. او با صبر بی‌پایان همهٔ نقطه نظرها را گوش می‌کند و به هنگام اخذ تصمیم او تنها و بدون واسطه اقدام می‌کند. وقتی وی تصمیمی می‌گیرد قاطعانه از آن دفاع می‌کند...

... در جلسات انفرادی با غربیها یا آنها که تمایلی به غرب دارند خمینی بسیار بی‌تفاوت است و عکس‌العملی در مقابل مطالب مورد بحث ندارد. اگر مطلبی می‌خواهد بگوید به روش معمول خود قاطعانه بیان می‌دارد. مذاکره به روش معمول (بده و بستان) با خمینی مفهومی ندارد. در او جایی برای سازش و مصالحه وجود ندارد. احتمال اینکه کسی بتواند عقاید خمینی را به مقدار قابل توجهی تعدیل کند بسیار کم است زیرا او به این گونه افراد با دید تحقیر و ظن می‌نگرد...»

**در مورد سپاه پاسداران**

«۱ـ این سپاه به عنوان چشم و گوش انقلاب اسلامی عمل می‌کند و به عنوان نیروی مخصوص امام جهت درهم کوبیدن هر نوع حرکت ضد انقلابی از هر طرف که بر علیه دولت اسلامی باشد وارد عمل می‌شود.

۲ـ به عنوان نیروی به موازات ارتش عمل کرده تا اینکه از نظر نیرو هم سطح آنها شود و بتواند از هر نوع انحراف در میان ارتش جلوگیری کند.

۳ـ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر کلیهٔ وظایف کمیتهٔ امام نظارت داشت تا اینکه مسئله‌ای غیرقابل حل نماند.

۴ـ سپاه پاسداران انقلاب به عنوان یک نیروی حافظ در داخل عمل کرده و همچنین به دیگر نیروهای قانونی داخلی کمک می‌کند تا اینکه وظایفشان را به نحو احسن انجام دهند و با کوچکترین اخطار آمادهٔ حرکت به هر نقطه‌ای باشند.

۵ـ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان نگهبان سرسخت انقلاب اسلامی عمل می‌کند. این افراد را با شوق و ذوق میهن دوستی و روحیه فداکاری اسلامی تعلیم می‌دهند.

**(از ساندرز به کوران ۱۲ مهر ۵۸) (تحلیل ارتش ایران)**

۶ـ سپاه پاسداران تحت کنترل اداری و اجرایی هیچ کدام از وزرای دولت نیست ؛بلکه تحت کنترل مستقیم امام، توسط کمیتهٔ مرکزی انقلاب اسلامی خواهد بود. (از افشاگری شمارهٔ ۵)»

www.takbook.com



**در مورد مردم**

«... مسایل جدی نسبت به ایالات متحده در دیدگاه مردم ایران وجود دارد که احتمالاً برای مدتی با روابط آمریکا ـ ایران مقاومت می‌کند. این مسایل با اطلاعات ضد آمریکایی که به طرف ایران در داخل ایران در جریان است نضج می‌گیرد. ایرانیها شدیداً مظنون بوده و معتقدند که ما هم‌آواز با اسرائیل و شاه و عربستان سعودی و حتی عراق و کمونیستها مشغول توطئه علیه آنها هستیم.

**(از تحلیل قوهٔ ابتکارات سیاسی شمارهٔ ۲۰۳۱۳ مهر ۵۸)**

... من معتقدم که در مورد ایران بعد از انقلاب که گروهها بدین حد ضعیف می‌باشند قدرت واقعی منوط به اعتماد و جلب احساسات تودهٔ مردم است هم اکنون هیچ گونه تشکیلات و گروهی که بتواند اعتماد و احساسات برانگیختهٔ شده مردم را هر چقدر هم غیر واقعی باشد جلب کند وجود ندارد.»

**(از نامهٔ ساندرز به تدکوران در تاریخ ۱۲ مهر ۵۸)**

**راجع به کمیته‌ها**

«دستگاه حکومت ایران بین دولت موقت اسلامی مهدی بازرگان و کمیته‌های انقلاب که به وسیلهٔ امام خمینی و رهبران مذهبی هدایت می‌شوند تقسیم می‌شود. تشکیلات کمیته‌ها به تعداد زیادی مستقل از حکومت عمل می‌کنند و خمینی شخصاً به هر که دستور می‌دهد. غالباً برخوردهایی بین این دو تشکیلات صورت می‌گیرد و اینها در سیاست خارجی ایران انعکاس دارد. کمیته‌ها خارج از ضوابط دولتی گزارشات را مستقیماً به خمینی می‌رسانند.

* ادامهٔ پاراگراف بالا راجع به کمیته‌ها به موضوع امام و دولت موقت برمی‌خورد.

«بازرگان ـ و بسیاری از همقطاران او ـ تمایل دارد که سیاست خارجی ایران و مسایل امنیتی را در قالبهای سیاسی رایج حل کند. تاریخ روابط ایران و روسیه بر دوش آنها سنگینی می‌کند. آنها کلاً محافظه‌کار بودند. دعوای اصلی آنها هزینه‌های زیادی بود که سیاست شاه بدون در نظر گرفتن نیازهای کشور خرج می‌کرد و نیز گرفتاریهای ایران در خارج مرزهایش برای نگهداری سیاست غرب (آیت‌الله و طرفدارانش بدبینی قابل ملاحظه‌ای به روسیه دارند ولی دیدگاههای خارجی آنها در این لحظه مقدمتاً بر پایهٔ دشمنی با شاه و کارهایی که کرده است و پایه‌گذاری اسلامی و عملیات انقلابی بنیان گذاشته شده است).

**(از نامهٔ چارلز ناس به وزارت امور خارجهٔ آمریکا مورخ ۲۰ اردیبهشت ۵۸)**

«همان طور که امور داخلی ایران به دو شاخهٔ رسمی و غیر رسمی تقسیم یافته، سیاست خارجی آن هم، چنین است. این سیاست بین دو جریان افکار انقلابی اسلامی و جریان محافظه‌کارانه ـ سیاسیون ملی‌گرا ـ در حال نوسان است، نشانه‌های مشخص از آنجا مشاهده شد که در عرصهٔ بین‌المللی یک گرایش به سوی کشورهای رادیکال و نیز دوری جستن از اعراب میانه‌رو پدید آمد: حملات دائمی لفظی به اسرائیل و صهیونیسم و بدگمانی نسبت به ابرقدرتها جناح دیگر تمایل به همکاری دولت با دوستها و کوشش در جهت بنای یک اقتصاد مدرن. این سیاستهای دوگانه تا زمانی که دولت دائمی مستقر نشده باشد

www.takbook.com



و یا این دولت تعویض نشده باشد ادامه دارد. کوشش ما برای معتدل کردن سیاست رادیکال در موقعیت فعلی بسیار محدود است.

ادامهٔ برخورد بین این دو دیدگاهها تابعی است از کوششهای داخلی رژیم و پیشرفتش. این دوگانگی بین دولت رسمی و کمیته‌ها به سردی خواهد گرایید سپس اندیشه‌ها و افکار و رفتارها ترکیب شده و درجهٔ بالاتری راکسب خواهد کرد. اگر این برخورد به آرامی نگراید در اوضاع خارجی ایران تأثیر خواهد داشت و این حالت تا موقعی که یک تشکیلات اسلامی نهایتاً مستقر نشود و یا اینکه دولت ساقط شود و یا رفتارش را عوض کند ادامه خواهد داشت. انتصاب اخیر دکتر یزدی ـ یکی از مشاوران نزدیک خمینی ـ به سمت وزیر امور خارجه به جای یکی از رهبران ملی ـ دکتر کریم سنجابی ـ قسمتی از کوششی بود برای تغییر جهت سیاست خارجی در جهت نظریات امام خمینی. ضمناً یزدی از دنیای پیشرفته است و احتمالاً می‌تواند شرایط را درک کرده و بهتر از بقیه، امام را به بازرگان مرتبط کند.

در ماههای اخیر، ما و دیگر دولتیها در زمینهٔ سیاست خارجی ایران با یک تشکیلات ناپایدار روبرو بوده‌ایم. خطوط اصلی سیاست ـ مخصوصاً خارجی ـ به وسیلهٔ آیت‌الله طراحی شده. به عنوان مثال آیت‌الله دستور قطع روابط مصر را بدون مشورت با دولت داد. در واقع وزارت امور خارجه بازیچهٔ دست آیت‌الله است. رئوس کلی سیاست خارجی ایران چنین است:

۱ـ کوشش فراوان برای اتحاد اسلامی
۲ـ دشمنی عمیق با اسرائیل
۳ـ روابط نزدیک و حسنه با سازمان آزادیبخش فلسطین
۴ـ کشش به سوی رادیکال شدن و مواجهه با کشورهای عربی. وارد شدن از کشورهای عرب محافظه‌کار و رفقای نفتی ایران.
۵ـ حمایت شفاهی از جنبشهای انقلابی دنیای سوم مانند زیمبابوه
۶ـ برقراری روابط با کشورهایی که شاه با آنها روابط نداشت؛ مثل لیبی و کوبا
۷ـ ادامهٔ بدگمانی و بدبینی و حملات پراکنده به آمریکا و شوروی
۸ـ شرکت در جنبش کشورهای غیر متعهد
۹ـ بالا بردن قیمتها در OPEC
۱۰ـ اتخاذ سیاستهای تندروانه در صحنهٔ سیاسی و اقتصادی بین‌المللی

**(از نامهٔ چارلز ناس وزارت امور خارجهٔ آمریکا ۲۰ اردیبهشت ۵۸))**

**راجع به کمیته‌ها**

«قانونهای به ستوه آورنده و رنج‌آور کمیته‌ها مانع از انتقال بی‌دردسر لوازم خانهٔ آمریکاییها و فرستادن آن به آمریکا می‌شود. در خلال هفتهٔ اخیر ۴۵٪ از فعالیتهای شخصی خارج از محوطه را محبوس کرده. پرواز Maag تا اطلاع ثانوی به تأخیر افتاده. از آنجایی که افراد کمیته خواستار جستجوی ۱۰۰٪ از وسایل هستند. تماسهای رایزنی خیلی کم شده است و اگر هم برقرار شود به نتیجه‌ای نمی‌رسد، به خصوص اگر پای کمیته‌ای هم در کار باشد.»

«از طرف دیگر من معتقدم که دولت سعی و کوشش خواهد کرد برای متعادل کردن روابط دو طرفه

www.takbook.com



سیاسی با آمریکا و سایر کشورهای غربی ملاقات اخیر بنده با نخست وزیر و همردیفان وزیرش، تمایلات آنها را به طور واضح برای بستن قرارداد تکنیکی و اقتصادی شامل قطعات یدکی و حضور مستشاران در زمینهٔ نظامی نشان دهد. آنها علاقه‌مندند که برای گسترش اسلام از امکانات اقتصادی و نظامی استفاده نشود. حدی را که محافظه‌کاران در زیر نام ملیت بر علیه ایدئولوژی ادعا می‌کنند قابل اندازه‌گیری نیست و بیشتر ربط دارد به برداشتهای سیاسی مردم تا یک فشار خارجی.

... اگر این دولت دوام پیدا کند روابط اقتصادی و سیاسی چنان خواهد بود که یک موقعیت بهتری برای ما به دست خواهد آورد.»

**(از سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجهٔ آمریکا ـ محرمانه)**
**نویسنده چارلز ناس** Charles - Nass **ـ ۲۰ اردیبهشت ۵۸**
**راجع به امام**

«عقاید وابستگی به آمریکا در بین دولت موقت و خمینی متفاوت است و فعالیتهای ضد آمریکایی خمینی افزایش یافته است.

عقاید خمینی ضد هر گونه خارجی است مخصوصاً آمریکا. او مایل است که روابط کلی با آمریکا قطع شود و نپذیرفتن کاملتر، ضعف دولت موقت را در برابر خمینی آشکار نمود.

دولت آمریکا روابط تازه‌ای را براساس ضوابط دولت موقت ایجاد کرده است که اگر مثل گذشته استوار و محکم نیست ولی دوستانه و همکاری‌طلبانه است. با اینکه دولت موقت به اهمیت روابط با آمریکا پی برده است، خمینی و اطرافیانش در این فکر نیستند.

خمینی دارای عکس‌العملی قاطع و سازش‌ناپذیر و سخت است ولی روش بازرگان که میانه‌رو است قدری توأم با سازش ضعیف است و روابط بهتری با خارج دارد. او قصد دارد که اوضاع اقتصادی کشور را دوباره رو به راه کند.»

**جریان امام خمینی**

اسناد زیر به خوبی مقابلهٔ انقلابی امام خمینی را با آمریکای جهانخوار نشان می‌دهد؛ به خصوص آمریکا. جریان امام خمینی و سازش ناپذیری، آن را متصل به مردم و خواست توده‌های مسلمان که کاملاً در مقابل آمریکا هستند و سازش‌ناپذیر، به آمریکا ظنین بوده و او را همانند اسرائیل دشمن سرسخت خود می‌دانند می‌بیند. نهادهای انقلابی که از اول انقلاب با تأیید امام خمینی برای پیشبرد انقلاب اسلامی تأسیس شدند نیز در نظر آمریکا در جریان امام قرار دارند و آمریکا به خوبی خود را در مقابل آنها می‌بیند و سعی در متلاشی کردن و تعدیل نیّات انقلابی این واحدهای انقلابی دارد.

سیاست آمریکا در مقابل جریان خمینی که جریان رادیکال و افراطی انقلاب اسلامی است چنین عنوان می‌شود:

«۱ـ در حال حاضر من هیچ راه حل سریع و مؤثری که سیاست خارجی نوین ایران را معتدل نماید نمی‌بینم. از فرصتهایی که به دست می‌آید ما سعی می‌کنیم که ذهن امام خمینی و طرفدارانش را تعدیل کنیم.(از سفارت به وزارت امور خارجه مورخ اردیبهشت ۵۸)

www.takbook.com



۲ـ ما باید هر چه زودتر پیام یا نماینده‌ای نزد خمینی بفرستیم. اگر چه او ضد آمریکایی سرسختی است و همچنین ممکن است در ملاقات ما را بکوبد ولی این امر یعنی ملاقات، ما را به او نزدیک خواهد کرد و مسایل مهمتر را می‌توانیم به او برسانیم و هم چنین سوءظن او را کم می‌کنیم.

ولی تماس با او نباید دوستان غیر مذهبیمان را از دست بدهد و همچنین دیدار با خمینی می‌تواند وسیله‌ای شود برای تماس با دیگر روحانیون؛ زیرا تا خمینی ما را نپذیرد آنها ما را نمی‌پذیرند.(از ساندرز به نیوسام ـ شهریور ۵۸ ـ محرمانه)

۳ـ هدف از ارتباط، تصادفات و در آغوش کشیدن روحانیون نیست. بلکه باید خمینی را مطمئن سازیم که غرب، انقلاب اسلامی ایران را پذیرفته و تصمیم به هیچ‌گونه مداخله در اوضاع داخلی ایران را ندارد و اوضاع فعلی سرچشمه‌ای از ضعف دولت بازرگان است.

موضوعی که خیلی با کمال نرمش و ملایمت باید به آیت‌الله پیشنهاد شود این است که بگوییم اگر بخواهیم جلوی دخالت بیجای کمونیستها را بگیریم بازرگان به یک پشتیبان دیگر احتیاج دارد. ما هیچ‌گونه پیشنهادی که کدام کشور اول پشتیبانی کند نداریم ولی شاید فرانسویها که در گذشته هم پشتیبان خمینی بوده‌اند و این بهترین وضع باشد.»(از تحلیل قوهٔ ابتکارات سیاسی ۲۱ مهر ۵۸ شمارهٔ (۲۰۳۱۳ سرّی و حساس))

***

آمریکا سعی دارد قاطعیت و سازش‌ناپذیری امام را با ملاقات با او و وعده و وعیدهای شیطانی خود درهم بشکند و بدین وسیله وضعیت خود را در ایران مشروعیت ببخشد و ذهن دیگر روحانیون را برای ملاقات آماده نماید.

همچنین می‌خواهد با ترسانیدن امام از موقعیت کمونیستها وجود خود را ثابت نماید و بگوید که می‌تواند نقش مؤثری در این زمینه داشته باشد.

و همچنین درصدد است که منافع خود را در ارتباط با دیگر گروهها از دست ندهد و اگر در آینده آنها قدرت گرفتند ابتکار عمل را از دست ندهد.

ولی آمریکا نمی‌داند که شعار اساسی انقلاب اسلامی ما (نه شرقی و نه غربی، جمهوری اسلامی است).

بنابراین نه امام و نه توده‌هایِ به پا خواسته، هرگز در مقابل جریانات مخالف و مشکلات به دامان ابرقدرتها در نخواهند غلطید. جریانات ۹ ماههٔ انقلاب و نپذیرفتن هیچ یک از افراد آمریکایی از جانب امام خمینی به خوبی گویای این مسئله است.

اما بزرگترین سد در مقابل نفوذ آمریکا جریان قوی و توده‌ای امام خمینی است که اجازهٔ نفوذ آمریکا را در ایران نمی‌دهد و این آمریکاست که در مقابل این سد محکم و سازش‌ناپذیر احساس خطر کند.

**سیاست آمریکا در مقابل حرکت توده‌های میلیونی**

«۱ـ در بهار یک نقش فعالانه داشتیم که با تظاهرات بر علیه سنای آمریکا از بین رفت.

(منظور تظاهراتی است که توده‌های مسلمان در سراسر ایران بر علیه سنای آمریکا در مورد محکوم کردن دادگاههای انقلاب اسلامی برپا گردید.)

۲ـ چگونه می‌توانیم جو ضد آمریکایی را در ایران به نفع خود عوض کنیم. اگر چه این موضوع با روابط

www.takbook.com



ایران با آمریکا بستگی دارد ما می‌توانیم با تأکید بر روی حقوق بشر و تأیید انقلاب آن را تعدیل کنیم.
۳ـ آژانس ارتباطات (ICA) بین‌المللی آمریکا بیشترین سعی خود را برای هر چه بهتر شدن پیوند ایران و آمریکا گسترش دهد.
۴ـ ایجاد میتینگ به نفع روابط ایران و آمریکا.
۵ـ ایرانیها با وجود تکذیب‌های مکرر، عمیقاً ظنین هستند که ما در رابطه با شاه، اسرائیل، عربستان و عراق و حتی کمونیستها بر ضد آنها مشغول نقشه‌کشی هستیم.
۶ـ چون ایرانیها در مورد ما لفظ امپریالیست و صهیونیست به کار می‌گیرند ما نمی‌توانیم با خیلی از آنها راجع به این حرفها صحبت عمیق بکنیم (مسئله اعدامها و حقوق بشر) بلکه با توجه به منافع ما و حاد نشدن روابط با ایران ما باید روابطمان را با ایران محدود کنیم.
۷ـ ما با استفاده از مسئلهٔ اعراب و اسرائیل می‌توانیم روی افکار ایرانیها مؤثر واقع شویم و با مطرح کردن نفوذ فلسطینیها در وقایع جنوب و مناطق نفت‌خیز این مسئله را عملی کنیم ولی هنوز از رهبران مذهبی، روابط نزدیکی با سازمان آزادیبخش فلسطین دارند.
۸ـ برای مثال فرستادن افراد مهم برای ملاقات با افراد مذهبی و غیر مذهبی و همچنین به کار بردن VOA (صدای آمریکا) که پیامهای سیاسی را بدهد و زبان انگلیسی بیشتر یاد داده شود و مجله منتشر گردد.»
(از ساندرز به نیوسام شهریور ۵۸. محرمانه

***

سیاست آمریکا در ایران این است که بتواند اعتماد و احساسات مردم را بسود خود جلب نماید. مسئله حقوق بشر که از حربه‌های پوسیدهٔ امپریالیسم آمریکاست برای دلسوزی و جلب انسان‌دوستی مورد استفاده قرار گرفته است غافل از اینکه توده‌های میلیونی با تظاهرات متعدد خود این نقشه‌های پوسیده را در هم شکسته‌اند و این به تأیید خودشان نرسیده است.

با طرح مسئله حقوق بشر، تأیید انقلاب اسلامی، ایجاد میتینگ‌های سیاسی در مورد انقلاب اسلامی ایران، فرستادن افراد مهم آمریکا برای ملاقات با شخصیتهای ایرانی و استفاده از پخش مستقیم صدای آمریکا به زبان فارسی می‌خواهند افکار عمومی ایران را در حالتی نگه دارند که طرفدار و یا حتی مخالف آمریکا و نفوذ امپریالیستی او نباشد و ایرانیها دیگر در مورد آمریکا لفظ امپریالیست و صهیونیست را به کار نبرند. ولی آمریکا خود نیز می‌داند که ملت ایران شدیداً به آمریکا ظنین بوده و او را عامل اصلی جنایات شاه خائن در ایران می‌داند.

همچنین آمریکا سعی دارد که در افکار عمومی توده‌های ما ایجاد تخریب نماید و آن را منحرف کند و با ایجاد جنگ روانی و اغتشاش محیط انقلابی را مغشوش کرده به نفع خود بهره‌برداری کند.

استفاده از مسایل فلسطین و ناراحتی از طرفداری یکپارچهٔ ملت ایران از آرمان فلسطین، آمریکا را می‌آزارد و سعی در مخدوش کردن این حمایت می‌کند و به متهم کردن و خراب کردن وجههٔ فلسطین در ایران دست می‌زند و یا با استفاده از طرحهای زیر، سعی در ایجاد بلوا و اغتشاش می‌کند که به وسیلهٔ عمال و منابع ایرانی خود که سرسپردهٔ امپریالیست‌ها هستند نیات خود را عملی کُند سند زیر گویای این مسئله است. (جان گریوز)

من دو سناریو (برنامه و طرح) را که می‌تواند منجر به هرج و مرج گردد در نظر دارم.

www.takbook.com



۱ـ یکی نیروهای تمرکز یافته‌ای که توسط نارضایتیهای منطقه‌ای و قومی تحریک شده باشند و اگر با اینها به اندازهٔ کافی به طرز غلطی رو به رو شوند ممکن است باعث تعطیل شدن و بسته شدن مناطق نفتی گردند و یا اقتصاد سنتی را از هم بپاشد و یا جوری ملی‌گرایی را خراب کنند که توده‌ها با رهبران مذهبی بی‌عرضهٔ خود مخالف شوند.

۲ـ نفاق در مدارس بین محصلین و بین کادر مدارس و یا هر دو که منجر به بسته شدن مدارس یا محیط خشونتهای افراطی که باعث نارضایتی عمومی و همچنین به شیوهٔ قبل از انقلاب، چهلم‌هایی بعد از چهلم گرفته شود. (از روابط عمومی سفارت به کوران مهر ۵۸) شمارهٔ ۲۰۵۴۷

این شیوه‌های مبارزه با انقلاب اسلامی ایران به خوبی نشان می‌دهد که سیاست قبول و به رسمیت شناختن انقلاب اسلامی و رفع سوءظن‌های مردم بر علیه آمریکا همه و همه فریبهای این امپریالیست خونخوار است که هدفی جز سلطهٔ دوباره بر ایران و در نهایت متلاشی شدن انقلاب اسلامی توده‌های ملت ندارد.

اما همهٔ برنامه‌های فرهنگی سیاسی که آمریکا می‌خواهد برای انقلاب ایران تدارک ببیند به وسیلهٔ یک مؤسسه فرهنگی اعمال می‌شود به نام (CIA) یا مرکز ارتباطات بین‌المللی آمریکا که ما در ایران آن را بیشتر به نام انجمن ایران و آمریکا می‌شناسیم. نظر به اهمیت فراوان این مرکز در بخشی جداگانه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

همچنین آمریکا سعی دارد که با استفاده از جشن هجرت پیامبر اکرم احساسات مذهبی مردم را نسبت به آمریکا و به نفع آمریکای جهانخوار تحریک نماید و بهره برداری کند و یا حداقل از حملات توده‌های مردم نسبت به آمریکا بکاهد.

***

**از: سفارت آمریکا در تهران**

**به: کمیتهٔ داخل دولت آمریکا واشنگتن** D.C

**موضوع: جشن هجرت در ایالات متحده.**

۱ـ آیت‌الله خمینی امروز به شورای انقلاب و دولت موقت ایران دستور داد که با برنامه‌های انقلابی به استقبال آغاز پانزدهمین قرن هجرت بروند تا عظمت و فرخندگی این موقعیت را بنمایانند.

۲ـ فوراً اطلاعات مورد نیاز در زمینه طرحهای ایالات متحده به منظور بزرگداشت (هجرت) را به نحوی که با جشنهای ایران مرتبط باشد پست نمایید.

۳ـ اگر ایالات متحده در نظر دارد که جشن‌های هجرت را با شرکت بعضی از ایرانیها برگزار نماید، جزئیات لازم را بفرستید.

**لینگن ـ کاردار سفارت آمریکا در تهران**

**در مورد سپاه پاسداران**

سفارت آمریکا سعی بر این داشت که همهٔ حرکات سپاه را زیر نظر داشته باشد و اطلاعات کافی و لازم از تشکیلات، طرز فکر و افراد و فرماندهان سپاه که یک واحد انقلابی و مردمی است داشته باشد و این به

www.takbook.com



خوبی نشان می‌دهد که آمریکا از هر واحد و ارگان مردمی و انقلابی بشدت وحشت دارد.

سیاست آمریکا در مقابل این واحد، نفوذ در آن، داشتن افرادی که بتوانند اطلاعات لازم را به سفارت برسانند و کنترل این واحد است.

***

«سیاست ما در مقابل ایران طوری بوده است که ما در چشم ایرانیها و حتی آمریکائیها و دیگر ملیتها ضعیف به نظر می‌رسد و این پاسداران دولت موقت بودند که در ۲۴ ماه مه پرچم آمریکا را در سفارت پایین کشیدند و به تظاهر کنندگان برای آتش زدن دادند، این بی‌حرمتی‌ها و نپذیرفتن کاردار اینها ضعف ما را نشان می‌دهد نه صبوری ما را»

(از تحلیل نقش آمریکا در ایران از استمپل به وزارت امور خارجهٔ آمریکا)

افشاگری شمارهٔ ۵ ما که نشان دهندهٔ یک برآورد دقیق از تشکیلات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شهرستانها و تهران است نشان دهندهٔ حساسیت بیش از حد آمریکا از سپاه است چارت سازمانی ـ تعداد افراد نظامی، فرمانده‌ها و نوع روابط آن مورد نظر بوده است.

**سیاست آمریکا در قبال کمیته‌های انقلاب اسلامی**

از آنجا که تحلیل کاملاً مشخصی راجع به کمیته‌ها در دسترس نیست، ولی از کل تحلیل‌ها و اسناد چنین بر می‌آید که با توجه به شناختی که سفارت از ماهیت کمیته‌ها دارد سعی دارد به وسیلهٔ فشار روی سیاسیون وابسته به سفارت به تعطیل کمیته‌ها کمک کند و کلاً هدف سفارت منحل شدن و نابود شدن کمیته‌ها بوده است؛ زیرا در عملیات جاسوسی و بسیاری از زد و بندهایی که با سیاسیون و عوامل خود انجام می‌داده‌اند، در عمل به وسیلهٔ افراد کمیته‌های مختلف در سراسر ایران خنثی می‌شده است، این امر در اوایل انقلاب که عملیات کمیته‌ها تعیین کننده‌تر از این اواخر بوده بشدت مشهود است.

همچنین آمریکا سعی دارد، منابع جاسوسی خود را در کمیته‌ها مستقر کرده و از افراد ایرانی سرسپردهٔ امپریالیسم استفاده کرده و اطلاعات کسب کرده و یا در مواردی وارد عمل شود.

وجود جمشید ایرانپور در کمیته انقلاب اسلامی اصفهان دال بر این قضیه است، همچنین مهدی روغنی که دارای نفوذی در کمیته‌ها بوده است.

***

«بنا به گفتهٔ یک منبع نزدیک به کمیتهٔ انقلاب، توضیح مختصری در مورد وحشیگری جاری مربوط می‌شود به این حقیقت، که تقریباً همهٔ روحانیونِ مسئولِ محاکمهٔ افراد دولت سابق، افسران نظامی و پلیس که دستگیر شده‌اند خودشان تحت بدرفتاری بوده‌اند، بنابراین طرز تلقی آنها عموماً انتقام‌جویانه می‌باشد.»

***

طبیعی است که بعضی از برداشتهای منابع و سفارت با اندک توجهی غیر واقع بودنش به خوبی مشخص و هویدا می‌شود از جمله ادعای فوق به خوبی نشان دهندهٔ دید غلط سفارت و منابع از عمل انقلابی و اسلامی دادگاههای انقلاب است که مورد تأیید قاطعانهٔ امام خمینی و ملت مسلمان بوده است.

www.takbook.com



**اطرافیان خمینی**

«ساخت قدرت در ایران بعد از انقلاب، خمینی و دیگر آیت‌الله‌ها را در رأس می‌گذارد و به همراه روحانیون شیعه که برای مجلسی انتخاب شده‌اند که اکنون در حال تدوین قانون اساسی است، سپس نوبت ملاها می‌رسد که در داخل دولت موقّت، که دادگاههای انقلاب، کمیته‌ها و تشکیلات شبه نظامی رخنه کرده‌اند، در درجهٔ سوم سیاستمداران را جای می‌دهم، مثل بازرگان ... در درجهٔ چهارم دزدان دریایی که فرماندهی گروههای شبه نظامی (پاسداران) و کمیته‌های انقلاب را به عهده گرفته‌اند می‌باشد و در پایان ملاهای ساده جای می‌گیرند که به توده‌های در دهات خدمت می‌کنند که پشتیبانی متعصبانهٔ آنها بزرگترین منبع قدرت خمینی و آیت‌الله‌ها می‌باشد.

(از نامهٔ به تد کوران به وسیلهٔ جان گریوز و ساندرز مورخ ۱۲ مهر ۵۸)

**نظرگاه آمریکا در مورد دولت موقت**

**بخش ۲**

**نظرگاه آمریکا در مورد دولت موقت**

۱ـ در مورد اطلاعات در مورد عراق من راهنمایی وزارت را در این مورد خواستارم. از نقطه نظر منافع ما، در اینجا جواب مثبت می‌تواند عواقب سودمندی داشته باشد. سهیم کردن دولت موقت در ارزیابی‌های ما از دولت عراق می‌تواند معرف این باشد که آمریکا توجه زیادی به ثبات در منطقه خلیج فارس دارد. فرض کنیم که آنچه را ما به دولت موقت می‌دهیم معرف این باشد که دولت عراق قصد جنگ ندارد. این ممکن است از بعضی نظرات به ما کمک کند. در مورد روابط دوجانبهٔ ما با دولت موقت، پذیرش این موضوع می‌تواند در جلب اطمینان دولت موقت و تمایل ما برای همکاریهای سودمند متقابل مفید واقع شود.

۲ـ ما فکر می‌کنیم که در ملاقاتهای اولیه تا جائی که ممکن است باید به دولت موقت تأکید کنیم که خطرات داخلی ایران کاملاً از پشتیبانی کشورهای خارجی برخوردار است و طوری وانمود کنیم که ما را از آشوبهای داخلی دولتی و کشوری ایران مبرا سازد؛ البته این کارِ مشکلی خواهد بود؛ ولی باید با یک تلاش مداوم پیگیری شود. احتمالاً شروع کار مشکل خواهد بود، ولی ما باید سعی کنیم در این آزمایش بعضی از اطلاعات نیز، در عوض به آمریکا داده شود. مثال: روش دولت موقت نسبت به عراق، پشتیبانی ایران از شورشیان افغانستان، روش روسیه در روابط مستقیم با دولت موقت، حزب توده...

۳ـ کاردار امیدوار است که به وسیلهٔ انتظام کاری کند که روزنامه‌ها حملاتشان را نسبت به آمریکا کاهش دهند.

۴ـ در این موقع حساس هیچ دولتی قادر نیست که حکومت ایران را سرنگون کند.

۵ـ ما با دولتی که بی‌تجربه است و هدفهایش نامعلوم است سرکار داریم.(از تحلیل قوهٔ ابتکار سیاسی شمارهٔ ۲۰۳۱۳ تاریخ مهر ۵۸).

۶ـ عقاید وابستگی به آمریکا بین دولت موقت و خمینی متفاوت است. (از تحلیل نقش آمریکا در ایران استمپل به وزارت خارجه)

۷ـ هر دولتی که در ایران بر سر کار آید، چه طرفدار شوروی باشد و چه طرفدار سرمایه‌داری، مایل خواهد

www.takbook.com



بود که دسترسی به تکنولوژی آمریکا و مقداری کمکهای نظامی و مواد غذائی داشته باشد، که بدون احترام به آمریکا این موارد جزئی در اختیار آنها قرار نخواهد گرفت. بنابراین باید دولت موقت، خمینی را در جریان اینکه سیاست ایران برای ما غیرقابل قبول است قرار دهد. (از تحلیل نقش آمریکا در ایران از استمپل به وزارت امور خارجه)

**سیاست آمریکا در قبال دولت موقت**

دولت آمریکا روابط تازه‌ای را بر اساس ضوابط دولت موقت برقرار کرده که مثل گذشته استوار و محکم، نیست ولی دوستانه و همکاری‌طلبانه است؛ مادامی که دولت موقت به اهمیت روابط با آمریکا پی برده است. (از تحلیل نقش آمریکا در ایران از استمپل به وزارت امور خارجهٔ آمریکا)

با توجه به احتیاج ایران به قطعات یدکی و احتیاط سوءظن ایران در ایران در مورد سپرده‌های فروشهای نظامی آمریکا ما باید مسئولانه عمل کرده و بازرگان را قدرت بدهیم و مطمئن باشیم که در آینده در ارتش دوستانی خواهیم داشت که می‌توانند معضلات سیاسی مملکت را راهگشا باشند. (از ساندرز به نیوسام شهریور ۵۸ سرّی)

ما آماده‌ایم که قدمها را فراتر نهیم اگر ایران مایل باشد. ما آمادگی داریم که ایران هر چه بخواهد همکاری کنیم؛ برای مثال تبادلات خبری، توسعه کشاورزی کنترل مواد مخدر، به وجود آوردن کار و استخدام آنها، مدیریت منافع نفتی.

حتی ما به باقی ماندن سایت‌های خبری برای تحقیقات سالت (Salt) و سودی که این موضوع برای صلح جهانی دارد علاقمند هستیم و در یک موقعیت مناسب، آماده هستیم که در این مورد با ایرانیها بحث کرده و اجازه دهیم که ایرانیها سایت‌ها را اداره کنند. ما امیدواریم که ایران این حرکات را حرکات خالصانه‌ای تلقی کند. (نامه‌ای از هنری پرشت به لینگن واشنگتن B.D.C ۱۳ سپتامبر ۷۹)

چگونه می‌توانیم مانع بحث و مشاجره بین ایران و کمپانیهای خصوصی شویم؟

ایران شروع به پرداخت بعضی از صورتحسابها کرده است و بعضی از قراردادها را دوباره به کار گرفته، مثل قرارداد ۵۰ میلیون دلاری گندم، پروژهٔ پالایشگاه اصفهان و همچنین ۲۰ میلیون دلار به Amc پرداخت شده، برای شروع بهره‌برداری از ماشینهای جیپ همچنین Gte و با شرکت هلی‌کوپترسازی بل (BHI) در حال گفت و گو است.

توصیه: به اتاق بازرگانی خصوصی ایران ـ آمریکا توصیه شود که در جهت حل مسئله به ما کمک کند و باید یک هیئت تبلیغی فعال برای این موضوع به تهران فرستاد.

به شرکتهای آمریکایی اطمینان می‌دهیم که کمک ما به آنها فقط در رابطهٔ با ایرانیان است و موفقیت خود ماست که شروع می‌شود. (از ساندرز به نیوسام شهریور ۵۸)

آیا ما باید فعالیتهای سیستمهای خبری خود را توسعه دهیم؟ ما اطلاعات کمی دربارهٔ گروهها داریم و گروههای کمی به نظر می‌رسند که دارای یک پیوستگی و قدرت باشند. ما احتیاج داریم که در این باره بیشتر بدانیم. یک افسر مفسر سیاسی سیا (CIA) خبرهای مختصرِ خوبی به بازرگان ـ یزدی ـ امیر انتظام در روز ۲۱ اوت داد. ایرانیها بیشتر علاقه‌مندند که در مورد اوضاع عراق ـ فلسطین ـ افغانستان و خطری که شوروی برای دولت موقت دارد مطالبی بدانند. آنها تقاضا کردند که این گزارش مختصر تا دو ماه دیگر

www.takbook.com



تکرار شود و دوباره داده شود. ما باید به ادامهٔ تبادلات اطلاعاتی خود با ایرانیان ادامه دهیم. زمانی که این تبادلات عملی شد جستجو را برای به کار گرفتن افسران نظامی ایران برای داخل شدن در یک امتحان از تهدید نظامی آغاز کنید. (سند فوق)

در این موقع حساس هیچ دولتی قادر نیست که حکومت ایران را سرنگون کند، پس بـاید از در مسالمت‌آمیز با ایران درآمد و به گسترش کارهای عملی کمک نمود. (از تحلیل قوهٔ ابتکار سیاسی شمارهٔ ۲۰۳۱۳ مهر ۵۸)

جلب اعتماد رژیم در جهت کاهش عکس‌العملها که در آینده به نوبهٔ خود در ثبات مؤثر خواهد بود.

در ماههای اخیر آمریکا قدمهای محدودی برای یک روابط جدید برداشته است:

واگذاری قطعات یدکی لوله‌های نفتی، شروع مجدد خرید قطعات یدکی از طریق ایرانیان، فروش نفت چراغ و نفت گرم کننده، هماهنگ کردن کوشش ادارهٔ ایالتی برای حل مشکلات تجاری.

کوشش صبورانه‌ای برای بستن برنامهٔ خریدهای ارتشی ایران در وضعی که نشانگر حمایت ایران و نقطه نظر آمریکا باشد، می‌شود. ما باید به موقعیتهایی که باعث تحکیم روابط و اعتبارات ما با دولت موقت می‌شود جواب مثبت بدهیم ولی نباید زیاد خود را جلو بیندازیم.(سند فوق)

***

طرح کلی سیاست آمریکا در قبال دولت موقت و انقلاب، طی دو برنامهٔ کوتاه مدت و بلند مدت برنامه‌ریزی شده است.

**سیاست کوتاه مدت:**

در مدت زمان کوتاه (تا قبل از تشکیلات یک دولت جدید) ما می‌خواهیم تمام مسایل گذشته حل شود و از بیان هر گونه بحث و مجادله دوری شود. در طول این ماهها ما اساس معامله با دولت جدیدی که امیدواریم دارای قدرت مؤثر بیشتری باشد طرح ریزی کنیم.

**برنامهٔ بلندمدت:**

ما می‌خواهیم برای ایرانی کار کنیم که میانه‌رو باشد و ناسیونالیست‌های مخالف مذهب تسلط بیشتری در ادارهٔ مملکت داشته باشند. در ضمن تا قبل از استقرار دولت جدید، ما می‌توانیم طریق نفوذ در ایران را امتحان کنیم. بایستی یک موقعیت توأم با اطمینان و احترام در ایران رواج دهیم، ما معتقدیم که بایستی حالا شروع به رفع مسایل دو طرف بکنیم و پیشنهادهای زیر را ارائه می‌دهیم:

۱ـ فرستادن سفیری به ایران بازرگان و همکارانش امیدوارند ما بدون معطلی یک فرد غمخوار و دلسوز به انقلاب ایران را انتخاب کنیم.

۲ـ تماس با امام.

۳ـ روابط نظامی را توسعه دهیم.

۴ـ جلوگیری از بحث و مجادله بین دولت ایران و کمپانی‌های آمریکایی

۵ـ چگونه می‌توانیم دستگاههای خبری پایگاههایمان را به کار اندازیم؟

۶ـ چگونه می‌توانیم از ادامهٔ تهیهٔ نفت در ایران مطمئن شویم؟

www.takbook.com



۷ـ توسعهٔ کارهای کنسولگری و ویرانی.
۸ـ توسعهٔ فعالیتهای خبری و اطلاعاتی.
۹ـ چگونگی فعالیتهای حقوق بشر
۱۰ـ تصحیح نظر و اعمال ایرانیان راجع به آمریکا

هر دولتی که در ایران بر سر کار بیاید، چه طرفدار شوروی و چه طرفدار سرمایه‌داری، مایل خواهد بود که دسترسی به تکنولوژی آمریکا و مقداری کمکهای نظامی و مواد غذایی داشته باشد. بدون احترام به آمریکا این موارد جزئی در اختیار آنها قرار نخواهد گرفت، بنابراین باید دولت موقت و خمینی را در این جریان که این سیاست ایران برای ما غیرقابل قبول است قرار دهیم. (از ساندرز به نیوسام شهریور ۵۸)

دولت قبول نموده که روابط دو جانبه براساس احترام متقابل با ما داشته باشد، ولی هنوز در سطح عموم مطرح نگردیده.

***

از نامهٔ لینگن به وزارت امور خارجه ۲۹ مرداد ۵۸

**خطوط اصلی سیاست آمریکا در مورد دولت موقت**

۱ـ با توجه به عدم توانایی در سرنگون کردن دولت و حکومت راه مسالمت را برگزیده‌اند.
۲ـ رفع سوءظن‌ها نسبت به آمریکا و ایجاد تفاهم و حسن نیت ـ کمک و مساعدت و غمخواری برای ایران.
۳ـ دولت موقت به اهمیت روابط با آمریکا واقف است و این زیر بنای سیاست آمریکا و زمینهٔ سیاست اوست.
۴ـ تکیهٔ آمریکا بر روی میانه‌روی دولت موقت و انتخاب دولت موقت به جای جریان خمینی که سرسخت و ضد آمریکایی است؛ برای اجرای سیاستهای خود.
۵ـ همکاری در جهت تحکیم دولت موقت به عنوان یک نهاد در مقابل دیگر جریانات ضد آمریکا.
۶ـ همکاری اقتصادی ـ اطلاعاتی ـ نظامی ـ سیاسی ـ برای قدم جلو گذاشتن و نفوذ در اقتصاد و سیاست ایران و خوشبین کردن دولت موقت به کمک آمریکا، نسبت به انقلاب اسلامی و رفع سوءظن‌ها و وابسته کردن دوباره دولت موقت به کمکهای حساس آمریکا نظیر دادن اطلاعات مهم سیاسی.
۷ـ آمریکا می‌خواهد تا قبل از تعیین رئیس جمهور و حکومت رسمی کشور با استفاده از دولت موقت در ارگانها نفوذ کرده و عملیات سیاسی و نفوذ خود را امتحان کند.
۸ـ در حقیقت سیاست آمریکا در مورد دولت موقت برنامه‌ریزی حرکات آیندهٔ آمریکا است. نفوذ و استفاده از عناصر خود در ارتش ـ رفع اختلاف با کمپانیهای غارتگر بین‌المللی با امید منافع سرشار در آینده. ریسک در مورد دادن قطعات یدکی و معاملات کم سود و دادن اطلاعات جاسوسی مهم به دولت موقت، برای جا باز نمودن و وابسته کردن ماشین نظامی اطلاعاتی و اقتصادی به آمریکا در آینده‌ای نزدیک.
۹ـ استفاده از شیوه‌های فرهنگی بوسیلهٔ ICA در جهت افکار عمومی و با استفاده از کارهای فرهنگی، علمی و ... و حقوق بشر آمریکایی برای رفع جو ضد آمریکا در انقلاب و مردم و رهبران مذهبی انقلاب.
۱۰ـ برنامه‌ریزیهای مختلف، برای شکست انقلاب در آینده به وسیلهٔ انواع و اقسام شیوه‌ها که در اصل در

www.takbook.com



صورت نرم نشدن انقلاب به سوی آمریکا بتواند از آن استفاده کند. در حقیقت این سیاست اصلی آمریکا است، منتهی به خاطر مساعد بودن شرایط که عمدتاً به آمریکا تحمیل شده است. و موقتاً راه مسالمت را برگزیده است.

**سیاست آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران**

**بخش ۳**

۱ـ با توجه به تحلیل از انقلاب اسلامی ایران و تشریح نیروها و جریانات موجود در ایرانِ بعد از انقلاب، سیاست آمریکا در قبال منافعش در ایران مشخص می‌گردد.

**منافع آمریکا در ایران**

«اهداف ما در ایران دسترسی به نفت، رد نفوذ شوروی، ارتقاء دوستی و غیر متعهد بودن و بالاخره برپایی یک دولت میانه‌رو.

**سیاست آمریکا در قبال ایران**

۱ـ ما احتیاجی نداریم که روی مسئلهٔ اهمیت ایران برای غرب ایستادگی کنیم، کافی است بگوییم استقلال و ثبات ایران از هر چیز دیگری، حالا برای ما از زمان شاه بیشتر ارزش دارد.

۲ـ ما می‌خواهیم برای ایرانی کار کنیم که میانه‌رو باشد و ناسیونالیست‌های مخالف روحانیت، تسلط بیشتری در ادارهٔ مملکت، داشته باشند و در ضمن تا قبل از استقرار دولت جدید ما می‌توانیم طریق نفوذ در ایران را امتحان کنیم. بایستی موقعیت توأم با اطمینان و احترام در ایران رواج دهیم. ما معتقدیم که بایستی حالا شروع به رفع مسایل دو طرف بکنیم و پیشنهادهای زیر را ارائه دهیم. (از ساندرز به نیوسام شهریور ۵۸)

۳ـ مادامی که جهت سیاسی دقیق ایران اتخاذ نشده و مادامی که قدرت روحانیت توسط دیگر گروهها کم نشده، ما باید طوری رفتار کنیم که با جناح روی کار آمده، بتوانیم سازش کنیم و این در حالی است که یک پیوند محکم بتوانیم با دیگر گروههای مخالف سیاسی برقرار کنیم.

۴ـ در این موقع حساس هیچ دولتی قادر نیست که حکومت ایران را سرنگون کند. پس باید از در مسالمت‌آمیز با ایران در آمد و به گسترش کارهای عملی کمک نمود. جلب عناصری در ارتش و گروههای میانه‌رو مذهبی که در آینده نقش حساسی خواهند داشت و جلب اعتماد رژیم در جهت کاهش عکس‌العملهایی که در آینده به نوبهٔ خود در ثبات مؤثر خواهد بود.

۵ـ در مدت زمان کوتاه می‌خواهیم همهٔ مسایل گذشته حل شود و از هر گونه مجادله دوری شود. در این مدت ما یک معامله را با دولت موقت جدیدی که امیدواریم دارای قدرت مؤثر بیشتری شود خواهیم ریخت. ما می‌خواهیم در عرض این مدت سوءظن رهبران را برطرف و تا جایی که ممکن است با آنها طرح دوستی بریزیم.

***

با توجه به مشکلاتی که آمریکا در ایران دارد و شناخت موضع امام خمینی و مردم در مقابل آمریکا و

www.takbook.com



استحکام انقلاب، به این نتیجه می‌رسد که این حکومت را نمی‌تواند از طریق معمول و آنچه که در کشورهای دیگر از طریق اشغال و کودتا عمل می‌نموده‌اند سرنگون کند. لذا دست به طرح یک سیاست بلند مدت می‌زند تا بعد از چند سال بتواند دوباره سلطهٔ سیاسی ـ اقتصادی خود را بر ایران حاکم کند.

۶ـ مسایل مورد علاقه ما در ایران عبارت است از حفظ تمامیت ارضی ایران و استقلالش؛ دوم، حفظ و ادارهٔ کار صنعت نفت ایران؛ سوم، سیاست خارجی ایران که مانع از نزدیک شدن زیاد ایران به عناصر رادیکال غیر متعهدها می‌شود. (از نامهٔ لینگن به وزارت امور خارجه ۲۹ مرداد ۵۸)

آمریکا درصدد است که اهداف خود را در ایران بشمارد و تکیه بر منافعی می‌کند که طی ۲۵ سال از این خوان گسترده برداشت نموده و لزوم و حیاتی بودن این منافع را تجربه کرده است؛ این است که فقط منافع خود را آن هم به طور اختصار بر می‌شمارد:

دسترسی به نفت برای ماشین اقتصادی امپریالیسم بسیار حیاتی و مهم است. و می‌تواند با قطع خود شریانهای اقتصادی صنعتی اروپا ـ آمریکا ـ ژاپن و دیگر اقمار امپریالیست‌ها را بخشکاند.

«نفوذ شوروی که می‌تواند موقعیت ایران را از نظر سیاسی و موقعیت استراتژیک و سوق‌الجیشی مورد اهمیت قرار دهد. و رقابت آمریکا و شوروی را در مورد ایران از نظر منافع اقتصادی و سیاسی و رسیدن به آبهای گرم خلیج فارس نشان دهد.

ایجاد یک دولت با ایران که به ظاهر غیر متعهدانه نسبت به آمریکا باشد. به طوری که ایرانیها فکر نکنند که آمریکا دوباره قصد تسلط و تعهد امپریالیستی نسبت به ایران دارد. در حقیقت می‌خواهد با یک فریب سیاسی و بلند مدت با ایران از در دوستی درآمده تا ارگانها و نهادهای خود را دوباره محکم کرده و شروع به نفوذ و حمله نماید. و بالاخره برپایی یک دولت میانه‌رو.

در حقیقت آمریکا به خوبی دریافته است که جریانِ امام تسلیم ناپذیر و ضد آمریکا و ضد استبداد است و هرگز سازش نخواهد کرد و جریان کلی انقلاب را به حالت افراطی خواهد کشاند و تنها میانه‌روی و محافظه‌کاری است که می‌تواند این حالت انقلابی را که در آن جایی برای آمریکا و نفوذ جهنمی آن وجود ندارد متلاشی کند و به نفع آمریکا به عقب براند.

طبیعی است که آمریکا این نیت خود را در جای به خصوصی جستجو می‌کند که عمدتاً پایگاه آن تفکر و خواست آمریکا خواهد بود. محافظه‌کاران، میانه‌روها، و ... پایگاه این خواست آمریکا در ایران است.

حال سیاست آمریکا با توجه به اهداف و شناخت او از انقلاب اسلامی چنین ترسیم می‌شود.

۱ـ باید از در مسالمت‌آمیز با ایران درآمد و در بعضی کارها کمکش نمود و جلب اعتماد رژیم ایران.

۲ـ در مدت زمان کوتاه تمام سوءتفاهمات و همهٔ اعمالی که طی سالها در ایران انجام شده باید برطرف شود و رفع سوءظن نسبت به آمریکا.

۳ـ باید قدرت دولت موقت را تقویت نمود. زیرا ثبات ایران به نفع ماست (کلاً در این وضع).

۴ـ کلاً جریان انقلاب را به میانه‌روی کشاند و ناسیونالیست‌ها از مذهبیون قدرتشان بیشتر شود.

۵ـ در یک مدت کوتاه معامله‌ای با دولت موقت بنماییم.

۶ـ ما باید طرح نفوذ در ایران را تا قبل از استقرار حکومت رسمی در ایران امتحان کنیم.

۷ـ ما آماده‌ایم که مدتها را فراتر نهیم. اگر ایران مایل باشد ما آمادگی داریم که ایران هر چه بخواهد همکاری کنیم، برای مثال مبادلات خبری ـ توسعه کشاورزی کنترل مواد مخدر ـ به وجود آوردن کار و استخدام،

www.takbook.com



مدیریت منابع نفتی؛ حتی ما موافقیم که سایت‌های خبری برای تحقیقات سالت (Salt) و سودی که این موضوع برای صلح جهانی دارد علاقه‌مند هستیم در یک موقعیت مناسب، آماده هستیم که در این مورد با ایرانیها بحث کرده و اجازه دهیم که ایرانیها سایت‌ها را اداره کنند. ما امیدواریم که ایران این حرکات را خالصانه تلقی کند.

۸ـ همچنین تا زمانی که اهداف سیاسی رژیم ایران روشن نیست و روحانیت به وسیلهٔ دیگر گروهها کنار زده نشده است، ما باید دوستی و ارتباط خود را با دیگر گروههای مخالف سیاسی نگه داریم تا در صورت به قدرت رسیدن آنها بتوانیم به راحتی با آنها سازش کنیم.

حال آمریکا با این تحلیل از قضایای ایران و با توجه به خط مشی اساسی خود وارد انقلاب ایران می‌شود و در قبال هر یک از نیروهای انقلاب و جریانات اجتماعی سیاسی یک نوع سیاست اتخاذ می‌کند و در نهایت به وسیلهٔ فعالیت فرهنگی گستردهٔ خود می‌خواهد در توده‌های مردم نفوذ کرده و سلطهٔ فرهنگی خود و در نهایت منافع خود را در ایران دوباره زنده کند. در این قسمت فعالیتهای آمریکا در بخش فرهنگی مهمترین فعالیت آمریکا در ایران است.

با اندکی توجه دقیق به مطالب ارائه شده از اسناد و تحلیلهای آمریکاییان در می‌یابیم که این سیاست مسالمت‌آمیز دقیقاً به خاطر عدم توانایی آمریکا و دوستانش در سرنگون کردن رژیم ایران است والا این هدف در صدر اهداف آمریکا در ایران بعد از انقلاب می‌باشد.

در حقیقت سیاست اصلی آمریکا که سرنگونی رژیم ایران است و شکست انقلاب اسلامی است که از نقاط زیر به خوبی استنباط می‌گردد.

***

۱ـ ما باید به ادامهٔ تبادلات اطلاعاتی خود با ایرانیان ادامه دهیم؛ زمانی که این تبادلات عملی شد جستجو را برای به کار گرفتن افسران نظامی ایران برای داخل شدن در یک امتحان از تهدید نظامی آغاز کند.

۲ـ با توجه به احتیاج ایران به قطعات یدکی و احتیاط سوءظن‌دار ایران در مورد سپرده‌های فروشهای نظامی در آمریکا ما باید مسئولانه عمل کرده و بازرگان را قدرت بدهیم و مطمئن باشیم که در آینده در ارتش دوستانی خواهیم داشت که می‌توانند معضلات سیاسی مملکت را راهگشا باشند.

۳ـ... اجازه دهید که به یک موضوع در این خصوص اشاره کنم. از نظر ما، چنانچه محدوده‌ای وسیع‌تر از آنچه لازم است پی به اعمال ما در مناطق دارای اقلیتها ببرند خواستهای ما به مخاطره خواهد افتاد...

از نامهٔ لینگن به زبیگنبو برژینسکی ـ مورخ اکتبر ۱۹۷۹/۲۸ مطابق ۶ آبان ۵۸

۴ـ... در این رابطه باید متذکر شد که به تازگی برنامه‌های خارجی رادیو، شنوندگان بسیار زیادی پیدا کرده است. کسانی که با خمینی می‌جنگند و طرفداران آنها می‌خواهند خبرها را از صدای آمریکا (VOA) کسب کنند. شما می‌توانید از نفوذ خود در رادیو صدای آمریکا استفاده کرده و از راه تأکید بیشتر بر روی مشکلات مهم آنها و بازگو کردن علل آن عکس‌العمل سریعتری بر روی اعمال مقاوم و متقابل نشان دهید. من می‌دانم این صدا کاری ناچیز است، ولی اثر روانشناسی فوق‌العاده‌ای دارد و بسیاری از افراد مقاوم به میزان همدردی و همفکری ما از طریق این صدا پی می‌برند. (از نامهٔ لینگن به برژینسکی) (نامهٔ فوق)

۵ـ در این موقع حساس هیچ دولتی قادر نیست که حکومت ایران را سرنگون کند پس باید از در

www.takbook.com



مسالمت‌آمیز با ایران درآمد و به گسترش کارهای عملی کمک نمود.

۶ـ همچنین در مورد طرح دو سناریو با برنامه، برای تخریب و ایجاد بلوا و آشوب در ایران.

من (جان گریوز) دو سناریو (برنامه و طرح) را که می‌تواند منجر به هرج و مرج گردند در نظر دارم.

۱ـ یکی از نیروهای تمرکز یافته‌ای که توسط نارضایتیهای منطقه‌ای و قومی تحریک شده باشد و اگر به اینها به اندازهٔ کافی به طرز غلطی رو به رو شوند ممکن است باعث تعطیل شدن و بسته شدن مناطق نفتی گردند و یا اقتصاد نفتی را از هم بپاشد و یا جوری ملی‌گرایی را خراب کند که توده‌ها با رهبران مذهبی بی‌عرضهٔ خود مخالف شوند.

۲ـ نفاق در مدارس بین محصلین و بین کادر مدارس و یا هر دو که منجر به بسته شدن مدارس یا محیط خشونتهای افراطی که باعث نارضایتی عمومی و همچنین به شیوهٔ قبل از انقلاب چهلم‌هایی بعد از چهلم گرفته شود. شیوه‌ای که نقش بزرگی در سقوط شاه داشت.

۷ـ ما فکر می‌کنیم که در ملاقاتهای اولیه تا جایی که ممکن است باید به دولت موقت تأکید کنیم که خطرات داخلی ایران کاملاً از پشتیبانی کشورهای خارجی برخوردار است و طوری وانمود کنیم که ما را از آشوبهای داخلی دولتی و کشوری ایران مبرا سازد. البته کار مشکلی خواهد بود ولی باید تلاش مداوم پیگیری شود.

۸ـ در تماس‌هایی که با تبعیدیان ایرانی در اروپا داریم خیلی الزامی است که هیچ گونه اثری که نشانگر آن باشد که دولت آمریکا قصد مداخله در جریانات داخلی ایران را دارد یا اینکه با گروههایی که علیه دولت جدید ایران نقشه می‌کشند همکاری می‌کند باقی نماند.

۹ـ ... من خاطرنشان کرده‌ام که ما پشتیبانی خود را از بختیار کرده‌ایم.

***

با توجه به وضوح مدارک فوق خطوط اصلی سیاست آمریکا که سیاست مسالمت‌آمیز تاکتیک مقطعی آن است روشن می‌شود؛ که این سیاستِ زیر پرده و ایذائی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی مردم ایران است. در حقیقت آمریکا از دو طریق می‌خواسته است حکومت و انقلاب ایران را به نفع خود متلاشی کند.

۱ـ از شیوهٔ تخریب و به اعتصاب کشیدن مردم، رو در رو قرار دادن ملتها با حکومت، فلج کردن مدارس به وسیلهٔ تخریب و تهاجمات افراطی، استفاده از ضرباتی که ارتش چه به طریق کودتا و چه به طرق دیگر می‌تواند بزند که همهٔ این جریانات را به وسیلهٔ شبکه‌ها و عوامل سرسپردهٔ خود در ایران می‌خواهد اجرا نماید. (این درست شیوه‌ای است که انقلاب شیلی را به زانو در آورد.)

۲ـ استفاده از نفوذ در سیاسیون و تسلط بر حرکتهای سیاسی و اقتصاد مملکت بدین گونه که با ترسانیدن سیاسیون از هجوم شوروی امکانات خود را حساب شده در اختیار دولت قرار دهد و کم کم او را وابسته به خود کند؛ نظیر ـ گندم ـ نفت سفید و ... و قطعات یدکی جنگ افزارها، اطلاعات در مورد منطقه و غیره و همچنین برقراری دوبارهٔ قراردادهای صنعتی و کشاورزی و ساختمانی به وسیلهٔ شرکتهای آمریکایی و از همه مهمتر قرار گرفتن در جریان سیاسی مملکت و تعدیل انقلاب به میانه‌روی و لیبرالیسم و سازشکاری و دفع عناصر رادیکال و عمدتاً خارج کردن جریان امام از صحنهٔ اصلی سیاست داخلی و خارجی ایران.

این روش در بلند مدت اتفاق می‌افتد و احتیاج به مسالمت و نزدیکی با حسن نیت دارد و عمدتاً

www.takbook.com



احتیاج به پایگاههایی دارد که بتواند بدان وسیله نیات خودشان را پیاده کنند. مثلاً هنگامی که از طرف ایران گفته می‌شود، ما احتیاج به سفیر کبیری داریم که یار غمخوار انقلاب ایران باشد؛ این طرز فکر بهترین پایگاه سیاسی برای اجرای این سیاست آمریکا در ایران است.

**دیدگاه آمریکا در مورد میانه‌روها**

**بخش ۴**

**در مورد میانه‌روها:**

(جریان قبل از انقلاب در حین انقلاب)

«نظر به:... نکته قابل توجهی که در آنها بود این است که به نظر می‌رسد رهبران میانه‌رو اکنون به اندازهٔ کافی از ابراز کردن نگرانیهای خود هراس دارند. در عین اینکه نقطه نظرهای خود را نسبت به ابقاء شاه در چارچوب قانون اساسی ارائه می‌دهند تا به عنوان تاکتیک یا به دلایل دیگر چنین وانمود کنند که در خط خمینی هستند و این جدایی تا حدی هر دولتی را مأیوس می‌کند.

آنها از شاه و دولت او از اینکه چندان توجهی به آنان نشده انتقاد می‌کنند. البته شاید در آغاز کار آنها محق بودند ولی بعدها این انتقاد به خود آنها وارد است که شهامت انتخاب روش جدایی را نداشتند. «البته یکی از دلایل مخالفت رهبران مذکور با خمینی شاید وحشت آنها از افکار عمومی است، زیرا که آنها از دولت باج می‌گرفتند و سالها زیر سایهٔ دولت هویدا امرار معاش کرده بودند. به عبارت دیگر ملاهایی هستند که احتمالاً قبلاً با خمینی کار می‌کردند و امروز با دولت سازش کرده و باج می‌گیرند.»

(شمارهٔ ۰۰۴۷۱) تاریخ ۹ ژانویه ۷۹ گزارشگر Lambrakis امضاء سولیوان)

**(در زمان بختیار)**

در ملاقاتی که پل کانسلر با درخشش داشت:

«درخشش به نظر می‌رسد که راه را دنبال کرده است، چرا که هدف نهایی او بر قراری جامعه‌ای دموکراتیک خالی از عقاید خشک مذهبی است؛ او به عنوان یک تاکتیک هیچ راهی ندارد جز آنکه خود را با نیروهای خمینی هم پیمان و وفادار قرار دهد. او بنابراین امیدوار است که می‌تواند در هر دولت مذهبی‌ای نفوذ کند و مردم مذهبی را به دست کمونیستها رها نمی‌کند. پل کانسلر به درخشش و دیگر میانه‌روها پیشنهاد نمود که به منظور راهنمایی بیشتر مذاکرات نزدیکی با افراد میانه‌روی مذهبی مانند بازرگان داشته باشند و بازرگان می‌تواند به عنوان بهترین رابط در جریان حرکت اصلی مذهبی باشد.»

(شمارهٔ ۱۴۷۸/۱، تاریخ ۳۰ ژانویه ۷۹ ـ گزارشگر Lambrakis امضاء سولیوان)

**قبل از انقلاب: نظریهٔ سولیوان (راجع به حزب راما)**

«... اگر هر گروه میانه‌رو و متمایل به غرب که به مبارزه علیه (ملاها) برخیزد، در مورد او به عنوان یک گروه (مترقی) با علاقهٔ تمام تبلیغ خواهیم کرد.»

www.takbook.com



**بعد از انقلاب: (در مورد مقدم مراغه‌ای)**

«رهبر جنبش رادیکال، مقدم، ضمن تماس با سرپرست دپارتمان تمام نظرات خود را در مورد مسایل جاری اظهار داشت و خیلی تأکید کرد که کاردار با خمینی تماس بگیرد، که او (خمینی) ایرانیها را متقاعد کند که دولت آمریکا انقلاب ایران را پذیرفته است (افشاگری شمارهٔ ۲۰).

... در حفظ و تقویت عناصر به خصوص در ارتش، مذهبیهای میانه‌رو و گروههای غیر مذهبی که قادرند نقش مهمی در حکومت آینده بازی کنند اقدام کنیم...» (از تحلیل قوهٔ ابتکارات سیاسی)

«همان طور که امور داخلی ایران به دو شاخه رسمی و غیر رسمی تقسیم یافته، سیاست خارجیش نیز چنین است. این سیاست بین دو جریان افکار انقلابی اسلامی و جریان محافظه‌کارانه، سیاسیون ملّی‌گرا در حال نوسان است؛ نشانه‌های مشخص از آنجا مشاهده شد که در عرصهٔ بین‌المللی یک گرایش به سوی کشورهای رادیکال و نیز دوری جستن از اعراب میانه‌رو پدید آمد؛ حملات دائمی و لفظی به اسرائیل و صهیونیزم و بدگمانی نسبت به ابرقدرتها؛ جناح دیگر تمایل به همکاری دولت با دولتها و کوشش در جهت بنای یک اقتصاد مدرن. این سیاستهای دوگانه تا زمانی که دولت دائمی مستقر نشده باشد و یا این دولت تعویض شده باشد، ادامه دارد. کوشش ما برای معتدل کردن سیاست رادیکال در موقعیت فعلی بسیار محدود است.» (از سفارت در تهران به وزارت امور خارجهٔ آمریکا) (۲۰ اردیبهشت ۵۸)

«جبههٔ دمکراتیک ملی کوششهای همه‌جانبه برای به دست آوردن پشتیبانی مردم کارگران، معلمان و نویسندگان را شروع کرده. گزارش داده شده که مجاهدین و فدائیان خلق پیامهای قدردانی برای رهبر جبههٔ دمکراتیک ملّی، هدایت‌الله متین دفتری فرستاده‌اند.

نظرات تهیه کننده: با حمایت این دو گروه، جبهه دمکراتیک ملی می‌تواند حزب سیاسی نیرومندی در دولت ایران باشد.

در جریان عزیمت آیت‌الله طالقانی از تهران، به دنبال دستگیری فرزنـــدانش که منجر به تظاهراتی در تهران شد، احتمالاً مهمترین نتیجهٔ (تظاهرات) همبستگی بالفعل میان جبههٔ دمکراتیک ملی متین دفتری و سایر تظاهر کنندگان بود. یکی از مهمتـــرین نتایج، رو شدن اختلافات مخفی شده بین رهبران جنبش اسلامی بود.

یکی دیگر از نتایج عمدهٔ جدایی بین خمینی و طالقانی افزایش حملات و انتقادات در سطح عموم بر علیه حکومت می‌باشد.»

«* اخیراً با شریعتمداری به طور خصوصی صحبت کرده است و شریعتمداری صادقانه بیان کرد که او از اعمال دادگاههای انقلاب به شدت ناامید شده است و امیدوار است که دنیای غرب این اعمال را به اسلام واقعی نسبت ندهند. به نظر او دادگاههای انقلاب غیر قانونی و غیر اسلامی است و بنابراین دخالتی در این دادگاهها ندارد. او اضافه کرد که ایران براساس عقل اداره نمی‌شود بلکه براساس احساسات است. او ابراز امیدواری کرد که آمریکا نباید احساسات ضد آمریکایی گستردهٔ کنونی را به عنوان احساسات تمام مردم ایران تلقی کند و زیرکانه گفت که اظهارات خمینی تا حد زیادی به این افکار ضد آمریکایی کمک کرده است و وقتی که مردم ایران دوباره سر عقل بیایند می‌خواهند که روابط ایران و آمریکا ادامه یابد. البته این روابط باید با آنچه در گذشته بوده فرق داشته باشد. او گفت که آمریکا می‌تواند در این برهه از زمان به ایرانیان بگوید که اسلحه‌های خود را به زور به ایران نفروخته است و آمریکاییها تنها به درخواستهای یک

www.takbook.com



حکومت سلطنتی جواب مثبت داده است. او اضافه کرد که آمریکاییها باید از فرصتهایی که موجب استحکام دوستی آمریکا با ایران می‌شود استفاده کنند و با این توطئه ضد آمریکایی مبارزه نمایند. او گفت که آمریکا باید اخبار مساعدی نسبت به ایران اشاعه دهد.» (۳اردیبهشت ۵۸ شمارهٔ ۴۲۵۳ از سفارت به وزارت امور خارجه) (امضاء ناس)

از آنجایی که انقلاب اسلامی ایران از ابتدای اوجگیری خود به شکلی عمل نمود که بساط چپاولگران را در هم می‌کوبید و قصد تحول بنیادی در اساس جامعهٔ خسته و کوفته از ۲۵۰۰ سال اسارت و ۵۰ سال شکنجه و اسارت داشت، آمریکا را که هنوز چشم امید به این خوان گسترده داشت به وحشت انداخت و سعی در تعدیل این حرکت انقلابی نموده، بطوری که در جستجوی پایگاهی برای این مقصد مهم خود بود و میانه‌روها را که از اقشار و طبقات مختلف جامعهٔ ایران هستند و می‌توانند در آن جهت نقش آفرینی مناسبی داشته باشند، مشخص کرد. میانه‌روها که با خصوصیتهای مختلف شکل گرفته‌اند به خوبی پایگاهی شدند برای این سیاست آمریکا، یعنی تعدیل انقلاب و به محافظه‌کاری کشاندن سیاستهای داخلی و خارجی انقلاب اسلامی ایران.

محافظه‌کاران نمی‌خواهند با برخورد قاطعانه و سازش‌ناپذیری که مظهر آن در امام خمینی نهفته است، با مستکبران و شیطان بزرگ آمریکا رفتار نمایند و راه مماشات و سازش در پیش دارند و در مسایل داخلی و در تلقی از انقلاب و تحولات بنیادی جامعه نیز اینگونه می‌اندیشند.

**سیاست آمریکا در مورد میانه‌روها**

در تجزیه و تحلیل و ارایه طریقی که دو نفر از میانه‌روها به سفارت ارایه داده‌اند، به نام علی شاهپوریان و دکتر انوشیروان افراسیابی، که شاپوریان کارمند سابق سفارت بوده است، فارت نظریه‌ای داده است که:

«این نمونهٔ دیگری است از تجزیه و تحلیل افراد وفادار به شاه که خود را با اوضاع روز وفق داده‌اند. (باد از هر طرف بوزد به همان طرف می‌روند) آنها عموماً با این طرز فکر که افرادی نظیر آنها بایستی تشکیلات وسیع‌تری با طرحهای مؤثرتری در میان طبقهٔ میانه‌رو و برای آگاهی آنها که در کشاکش بحران سیاسی هستند و برای تحرک آنها ارایه دهند، موافقت کردند. معهذا آنها راه طولانی در پیش دارند.

(سولیوان) (زمان ژانویهٔ ۷۹ مطابق با دیماه ۵۷)(شمارهٔ ۰۰۵۸۵)

***

«ناتانسون و همکارش لیما در ملاقات با پرت مقام رسمی سفارت در ۲۸ دسامبر ۷۹ گفت:

حالا پی برده‌ام که شاه نمی‌تواند باقی بماند. مهمترین چیز برای نجات ایرانی که طرفدار غرب باشد و افراطیون را از قدرت دور نگهدارد رفتن شاه است.»

(شماره ۰۰۳۹۷ تاریخ ۹ ژانویه ۷۹ به امضاء سولیوان)

***

* در ملاقات با افراسیابی و شاهپوریان به خوبی خط آمریکا را در تقویت تشکیلاتی خط میانه به هر شکل می‌بینیم. حتی در بالا به کسانی که ضد خمینی و وفادار به شاه هستند، از جنبهٔ میانه‌روی در آیندهٔ سیاسی ایران اهمیت قائل هستند؛ پس هدف اصلی آنها ترویج میانه‌روی و حمایت و قدرت سیاسی دادن به این طرز عمل و فکر است.

www.takbook.com



***

در ملاقات با افراد میانه‌رو و کسانی که عمدتاً مشی سیاسی محافظه‌کارانه و میانه‌رو دارند، سفارت پیش دستی نموده است و این عمل را از قبل از انقلاب شروع کرده و در اوج انقلاب یعنی دی ماه ۵۷ شدت بخشیده است.

تماس با افراد مختلف از جبهه‌های مختلف، که از نقشهای گوناگون برای تعدیل حرکت انقلابی و رادیکال امام می‌توانستند مؤثر باشند، انجام شده است.

در حقیقت این خاصیت افراد و جبهه‌ها بوده است که سفارت و مأموران سیاسی (CIA) را به خود جذب می‌نموده است.

***

در ملاقات با داودی و عزالدین کاظمی، کارمندان عالی‌رتبهٔ وزارت خارجه ضمن پشتیبانی آنها از خمینی و توصیهٔ به بختیار که به نفع خمینی کنار برود می‌گویند که:

او بر این عقیده بود که انقلاب اسلامی تنها گروه سازمان یافته جدا از کمونیستها است و اختصاص دارد به اینکه کمونیست‌ها را از قدرت دور نگهدارد و در طویل‌المدت این مطمئن‌ترین راه حل برای آمریکا و دنیای غرب است.

داودی: طرفداران خمینی آنقدرها که گفته می‌شود اساسی و ریشه‌ای نیستند و در طول جریان، میانه‌روی را با واقعیت خواهند پذیرفت.»

«مخالفین میانه‌رو اولین میتینگ بزرگ و متشکل خود را اخیراً برگزار کردند. از جملهٔ گروههای مخالف، اتحادیهٔ معلمین ایران می‌باشد که رئیس آن محمد درخشش می‌باشد. درخشش در ۲۸ ژانویه به پل کانسلر گفت که گروه سیاسی او یک میتینگ بین ۴ تا ۵ هزار نفر ۵ روز قبل (۲۳ ژانویه) تشکیل دادند و به منظور بحث کردن در مورد منافع مشترک در موقعیت سیاسی اخیر، آنها در سه روزنامه تبلیغ نموده‌اند. همچنین از کلوپ معلمین که در اختیار وزارت آموزش و پرورش است، استفاده کرده‌اند.

... مخالفین برجسته، جدا از سخنران اتحادیهٔ معلمین صحبت نمودند. اینها شامل وکیل متین دفتری (هدایت‌الله متین دفتری) وکیل لاهیجی (دکتر عبدالکریم لاهیجی). به خاطر گروه وکیلان رحیم صفاری به خاطر حزب «اتحاد برای آزادی» متعلق به بنی احمد و دکتر اشراقی از یک سازمان دکترها و آقای مؤمنی از کانون نویسندگان.

... آنها همچنین در جستجوی اجازه گرفتن برای ادامهٔ چاپ مجلهٔ هفتگی درخشش می‌باشند.»

(شمارهٔ ۱۴۷۸/۱ تاریخ ژانویه ۷۹ امضاء سولیوان)

«کنسول Poliucol در پاسخ گفت که اگر خمینی در مشی خویش تندروی نماید امکان دارد که ارتش به حرکت درآید. کاظمی از این جواب کمی متأثر شد و طبق خیلی از مخالفین عقیدهٔ شایعی را بیان داشت که امکان تجزیه در درون ارتش خیلی زیاد است و بنابراین ارتش موفق نخواهد شد. اما او نتوانست این استدلال را نادیده بگیرد که بر اثر این جهش، صرف نظر از اینکه چه نتیجه‌ای در بر دارد، به هر حال مقدار زیادی خونریزی به پا خواهد شد. او با بی‌میلی به این نکته اشاره کرد که اجرای قانون اساسی ارجح‌تر است به اینکه انقلابی در سیستم حکومتی انجام گیرد. همچنین به این نکته بارها اشاره کرد که خمینی آدمی نیست که اهل معامله باشد.»

www.takbook.com



***

گفتار فوق به خوبی نحوهٔ تهدید و ترسانیدن افراد را نشان می‌دهد؛ چنان که آنها را مجبور به میانه‌روی و ترس از کشتار و قبول قانون اساسی مشروطهٔ سلطنتی می‌نماید.

* در مورد ارتباط با نهضت آزادی و میناچی در ۵۷/۱۰/۲۷

«میناچی ترجیح می‌دهد که دو شورا در هم ادغام شوند و این برنامه مقداری پشتیبانی قوی دارد، امکانات دیگر مورد بررسی، ملاقات مشترک این دو گروه یا اعمال موازی (مثلاً دو گروه یک نخست‌وزیر انتخاب کنند).

در صحبت جدایی دکتر میناچی (طرفدار شریعتمداری) تأیید کرد که صحبتها بین مخالفین و نمایندگان بختیار، در مورد راه حل اختلاف بین شورای خمینی (اسلامی) و شورای سلطنت پیشرفت کرده است.»

«... سپس انتظام موضوع را عوض کرده و گفت: نهضت آزادی مایل است که با یک هیئت آمریکایی ملاقات کند، برای مذاکره در مورد منافع آمریکا در ایران و تلاش برای اجتناب از درگیری بین آمریکا و جنبش اسلامی که خواستار روابط خوب با آمریکا است. ۵۷/۱۱/۲.»

«... از طرف دیگر با پذیرفتن همهٔ احزاب که مطرح است، رهبران میانه‌رو با خط سازش‌ناپذیر خمینی، کله شقی می‌کنند ـ بهترین امید در شرایط فعلی این است که احزاب داخلی متمایل به توافق و سازش شوند، تا اینکه یک درگیری سرسختانه‌ای را پیش گیرند. سولیوان ۵۷/۱۱/۲»

«بهترین امید در تقلیل خشونت، ظاهراً نهضت آزادی است و رهبران میانه‌رو که سعی دارند خمینی را متقاعد کنند که در موقع ورود زیاد سخت نگیرد. این می‌تواند یک پیشنهاد باشد.» ۵۷/۱۱/۹

اعلان بختیار بر اینکه او به پاریس می‌رود، ملاقاتها و مذاکراتی در تهران و پاریس به راه انداخته است. رهبران مذهبی میانه‌رو ظاهراً از ترس خشونت می‌خواهند که او هر چه زودتر در مورد بازگشت خمینی مذاکره کند. نهضت آزادی ظاهراً بیشتر متوجه یک سازش سیاسی است.» ۵۷/۱۱/۸

در ملاقات با درخشش نیز هدفهای آمریکا به خوبی مشخص می‌گردد.

***

«درخشش از افراد نادری است که می‌تواند نوعی سازماندهی به وجود آورد. او اشاره کرده است، که شدیداً علاقه‌مند است که خط سازش‌کارانه‌ای راه بیندازد که اجازه می‌دهد شاه بماند و سلطنت کند نه حکومت، ولی دولت از تمام فعالیتهای او و گروهش برای انتشار مطالب و فعالیتهای سیاسی جلوگیری کرده است.»

«... آمادگی وی (درخشش) جهت دنبال کردن خط میانه‌ای که می‌تواند کشورش را از جهت‌گیریهای افراطی‌ای که در حال حاضر به سوی آن رانده می‌شود، نجات دهد، مشاور سیاسی و آقای گریفین مأمور بازرسی قسمت را تحت تأثیر قرار داد. افشاگری شمارهٔ ۱۲ (۲۵ آبان ۵۷)

***

«در ملاقاتی که با سنجابی در ۱۴ ژانویه ۷۶ در منزلش انجام شد، نظریهٔ سفارت چنین است:

نظریه: از کل حرفهای سنجابی این طور بر می‌آید که عقیدهٔ خود و گرایشات غربیش را در رابطه با حضور آمریکا می‌خواهد تحمیل کند. اما هیچ نشانه‌ای در دست نیست که سنجابی مایل به همکاری با ما

www.takbook.com



در رابطه با عدم تحریک ارتش است. او امیدوار است که آمریکا از او و جبههٔ ملی حمایت کند و هیچ خطری آنها را تهدید نکند.»

در ملاقاتی که در ۲۳ ژانویه دی ماه ۵۷ سنجابی با سفارت گرفته است گفته است:

« (سنجابی می‌گوید) او امیدوار است که خمینی متقاعد شود که کوتاه بیاید. چون جمهوری که او می‌گوید سرانجام ختم به خونریزی خواهد شد.

سنجابی می‌گوید که همین قانون اساسی که هست، برای ایران کافی است. سلطنت در چهارچوب قانون اساسی. سنجابی معتقد است که خمینی در حمله به سلطنت خیلی تند می‌رود. سنجابی گفت که در انتخاب هر روشی موافقت خمینی شرط است. اگر خمینی موافقت کند.

نظریه: سنجابی (احساس تنهایی می‌کند و به دنبال دوستهایی مثل ایالات متحده می‌باشد. نام او هنوز جزو مخالفین به شمار می‌رود. به هر حال او از مغزش و از تجربیاتش می‌تواند برای بعدها نقش مهمی بازی کند.

سنجابی گفت: که وی در رابطه با حزبش، روی جوانان می‌خواهد کار کند و او احتیاج دارد این کار را انجام دهد.» (سولیوان)

***

در ملاقاتهای فوق با کریم سنجابی، به خوبی نشانه‌گیری آمریکا را ثابت می‌کند. مذاکره با جبههٔ ملی و نقشهای او در رابطه با انقلاب و طرز تلقی آنها از انقلاب به خوبی مشخص است و جهت تماس و جذب گروهها و سازمانها را در حین اوجگیری انقلاب یعنی دی ماه ۵۷ نشان می‌دهد.

در حقیقت تمایل به غرب ـ میانه‌روی ـ احترام به قانون اساسی مشروطهٔ سلطنتی ـ تمایل به ارتباط با آمریکا ملاکهایی است که مأموران سفارت را به ملاقات با آنها کشانده است.

همچنین آمریکا در حمایت از میانه‌روها و لیبرالها در تقویت نیروهای میانه برمی‌خاست، و هدفش تعدیل جهت حاد و انقلابی امام بود و از این جهت در ارتباط با سازمانها و گروههای میانه قرار می‌گرفته است.

«رحیم سفری به درخواست خودش (در ۴ ژانویه ۱۹۷۹) با مشاور سیاسی سفارت تماس گرفت.

(رحیم) سفری توضیح داد که او رئیس حزب اتحاد برای آزادی، حزبی که دبیر کل آن نمایندهٔ مجلس، احمد بنی‌احمد می‌باشد. او توضیح داد که از نتیجهٔ اشتباه تاکتیکی او در اعلام آمادگی خودش برای شرکت مخالفین در دولت شریف امامی در مجلس، در روز اول می‌باشد و روز بعد تحت فشار مخالفین مجبور شد موضعش را تغییر دهد. پیروان او که از این عدم تیز بینی او ناراحت شده‌اند به گفتهٔ سفری سراغ او آمدند و از او خواسته‌اند که رهبرشان باشد. سفری، از بعضی رهبران جبههٔ ملی است که حالا از اسم مصدق برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند.

سفری روشن ساخت که او حمایت از دولت بختیار را رد کرده و یک کپی از جزوهٔ انگلیسی که از فارسی ترجمه شده بود به ما داد که برنامه‌ای را پیشنهاد می‌کند؛ خیلی شبیه به برنامه‌های دیگر گروههای میانه‌رو است؛ اولین نکته آن استعفای شاه و تأسیس شورایی از افراد تحصیلکرده و معتمد مردم است.

هر دو مجلس باید منحل شوند و امکانات سریع انتخابات آزاد فراهم گردد. پایان حکومت نظامی و ... ساواک ... سفری گفت می‌خواهد با ما در تماس باشد.

www.takbook.com



نظریه: ما نمونهٔ بالا را به عنوان نمونهٔ دیگری از گروههای میانه‌رو می‌دانم، فرق که امیدوارند فرصتی داشته باشند که آینده‌شان را اگر حوادث اجازه دهد به دست آورند. (نقشی در آیندهٔ سیاسی ایران ایفا کنند.)

Sullivan سولیوان

«دکتر عدنان مزارعی، استاد اقتصاد دانشگاه تهران و کارمند سابق سفارت، بخش اقتصادی به تقاضای خود در ۲ ژانویه با مأمور سیاسی Perett ملاقات کرد. مزارعی در این ملاقات خواستار حمایت آمریکا از گروه سیاسی خود (راما) (پیام‌آور نوع دوستی مردم ایران) شد. این گروه مبتنی بر ایدئولوژی نوع دوستی است که قادر است ایران را از فشار قدرت مارکسیستها و اسلامیهای افراطی نجات دهد. گروه مزبور میانه‌رو، رفرمیست و متمایل به غرب است.

مزارعی گفت که با درخشش تماس گرفته و قرار شده که هر کدام موفقیت کسب گردد به دیگری بپیوندد. او امیدوار است که برای تبادل اطلاعات با ما به طور مرتب تماس داشته باشد و ما موافقت کردیم که دوباره با وی ملاقات کرده و جریان تلاش سیاسی او را مخفی نگه داریم.

نظریه‌ها: مزارعی آدم ماهر و هوشیاری است. بیوگرافی استخدام و خدمت صادقانه او در سفارت در سال ۵۹ ـ ۵۸ موجود است.

ما هیچ نوع تأیید جدا و مستقلی از قدرت و نفوذ سیاسی او نداریم؛ اما هر گروه میانه‌رو و متمایل به غرب که به مبارزه علیه ملاها برخیزد، در مورد او به عنوان یک گروه مترقّی با علاقهٔ تمام تبلیغ خواهیم کرد.

سولیوان (Sullivan)

نقش سیاست آمریکا قبل از انقلاب اسلامی ایران در رابطهٔ میانه‌روها و سازشکاران:

۱ـ تلاش آمریکا برای قبولاندن بختیار

۲ـ تماس با میانه‌روها در جهت میانه‌رو کردن جهت انقلاب و در مقابل امام.

۳ـ گشودن یک جبههٔ قوی میانه‌رو در مقابل امام که سازش ناپذیر است و اهل معامله نیست.

۴ـ کوشش برای به وجود آمدن یک حرکت انقلابی سریع که منجر به حکومت انقلابی خواهد شد. سعی در جلوگیری از ادغام شورای سلطنت و شورای انقلاب خمینی.

۵ـ فرستادن دلالها و واسطه‌های سیاسی برای تعدیل تصمیمات امام که عمدتاً حتی بنا به گفتهٔ خودشان ناموفق است.

۶ـ قیم قرار دادن گروههای میانه‌رو در مورد سرنوشت انقلاب و شناخت دقیق از روحیه و خاصیتهای سازشکارانهٔ آنها و سپس مذاکره و تفاهم با آنها.

۷ـ عمدتاً موقعی که مردم قاطعانه و مسلحانه بر علیه حکومت می‌جنگیدند و امام بی‌باک و شجاع در جلوی مردم حرکت می‌کرد، میانه‌روها از ترس خشونت و به خاطر عدم ایمان به انقلاب قهرآمیز اسلامی ایران سر در آخور سازش با امپریالیزم خونخوار فرو بردند و به خیال خود می‌خواستند، آنها را متقاعد کنند که دست از این خوان گسترده بردارند و در جهت منافع مردم و اسلام راستین عمل کنند.

***

www.takbook.com



بعد از انقلاب بنا به یک هدف استراتژیک سیاست آمریکا در ایران یعنی:

۱ـ ما می‌خواهیم برای ایرانی کار کنیم که میانه‌رو باشد و ناسیونالیست‌های مخالف مذهب تسلط بیشتری در ادارهٔ مملکت داشته باشند.

۲ـ در این موقع حساس هیچ دولتی قادر نیست که حکومت ایران را سرنگون کند. پس باید از در مسالمت‌آمیز با ایران درآید.

***

با توجه به دو سیاست اصلی آمریکا در ایران، سعی آمریکا در نفوذ در ارگانها و سیاست داخلی و خارجی ایران بوده و هدفش تعدیل انقلاب اسلامی و حاکم کردن میانه‌روی به جای افراطی بودن و قرار دادن میانه‌روها در مقابل حرکت انقلابی امام بوده است:

«در ملاقات مورخ ۷ جولای با آقای امیر انتظام معاون نخست‌وزیر، تمایلات آمریکا را برای عادی کردن روابط با ایران، مجدداً متذکر شدم.

من از امیر انتظام به خصوص در مورد اقداماتش برای آسان نمودن حرکت به طرف عادی کردن روابط مفید و دوجانبه در دورهٔ بعد از انقلاب تشکر کردم و متذکر شدم که به نظر ما مصاحبه‌اش در ۲۱ ژوئن در این مورد بسیار مفید بوده است.»

***

یعنی با ایجاد تفاهم با این نوع میانه‌روها آنها را در خدمت خود و اهدافشان در می‌آورند.

گفتگوی انتظام و استمپل: مهمترین نکاتی که به وسیلهٔ امیر انتظام عنوان شده عبارتند از:

عادی کردن روابط ایران و آمریکا باید به آهستگی پیش برود تا سوءظن کسانی را که نظر خوبی نسبت به آمریکا ندارند بر نینگیزد.

در حقیقت این گونه افراد به عنوان مشاور سیاسیِ منافع آمریکا در ایران عمل می‌کنند.

انتظام نظراتی برای بهبود روابط ایران و آمریکا دارد. او به عنوان یک سفیر فوق‌العاده، از طرف دولت موقت انقلابی ایران در اروپا خدمت می‌کند. انتظام نسبت به نفوذ مذهب افراطی در دولت و خمینی اظهار نگرانی می‌کند.

***

حتی بعد از مدتی کار به روابط با CIA می‌کشد:

«CIA از کاردار آمریکا در استکهلم می‌خواهد که به انتظام اطلاع دهد که ما حاضریم تبادل اطلاعات بعد از دهم سپتامبر انجام شود. کاردار از انتظام خواهد خواست که با یزدی تماس بگیرد و یزدی با شما، تا تاریخ دقیق تبادل اطلاعات را تعیین کند. هدف ما از انجام این روش این است که به شما (کاردار) اطمینان بدهیم که یزدی و انتظام در مواضعشان نسبت به این ملاقاتها هماهنگی کامل دارند.»

***

و حتی کار این افراد که بخشی از میانه‌روهای موجود در ایران هستند به ملاقات با برژینسکی، پدر بزرگ نصیری و مقدم و هویدا می‌کشد؛ یعنی پای گذاشتن در دامی که آمریکا برای سرنوشت انقلاب ما گسترده است:

«کاردار ایران در الجزایر امروز به من اطلاع داد که با تهران تماس خواهد گرفت تا امکان تمایل

www.takbook.com



بازرگان یا یکی از اعضای هیئت دولت ایران را برای ملاقات با دکتر برژینسکی یا مقامات دیگر آمریکایی، که از الجزیره دیدن می‌کنند سؤال کند.»

(۳۲ اکتبر ۱۹۷۹)

در حقیقت دولت آمریکا طرح یک هیئت نمایندگی پر قدرت را ریخته که مهرهٔ اصلی آن دکتر برژینسکی است.» Haynes

***

همچنین تبادل اطلاعات جاسوسی با دولت موقت، عمدتاً شیوهٔ میانه‌روی داشته است. به زعم اینکه این اطلاعات از دلسوزی حسن نیت آمریکا است؛ در صورتی که جهت همهٔ این عملیات آمریکا، تنها منافع این شیطان بزرگ است:

***

«او (امیر انتظام) مجدداً خواهش کرد که تبادل اطلاعات داشته باشیم، در مورد فعالیتهائی که در داخل و یا در کشورهای مجاور صورت می‌گیرد. چرا که این گونه اطلاعات از نظر امنیت داخلی ایران حائز اهمیت است. (لینگن)

انتظام قویاً تماس دولت موقت را برای مبادلهٔ اطلاعاتی که مربوط به حمایت دولتهای خارجی از تهدیدهای داخلی ایران است خواستار شد.»(۱۷مرداد ۵۷)

***

ضرورت و نیاز متقابل میانه‌روها و آمریکا ب، هم، آنها را جذب یکدیگر می‌کند، تا جایی که خود میانه‌روهای ایرانی به دنبال آمریکا می‌گردند:

«رهبر جنبش رادیکال، مقدم، ضمن تماس با سرپرست دپارتمان، نظرات خود را در مورد مسایل جاری اظهار داشت. خیلی تأکید کرد که کاردار با خمینی تماس بگیرد که او (خمینی) ایرانیان را متقاعد کند که دولت آمریکا انقلاب ایران را پذیرفته است.

مقدم مراغه‌ای عضو مجلس خبرگان در بررسی قانون اساسی است. او طی بحثهای گوناگون که دربارهٔ مسایل مختلف در تاریخ سپتامبر داشته‌ایم در پاسخ به این سؤال که آمریکا چگونه می‌تواند روابط خود را با ایران بهبود بخشد، گفت: کاردار آمریکا هر چه زودتر با خمینی تماس بگیرد.

... اگر خمینی ناگهان قبل از ملاقات آمریکا با او فوت کند، حتی میانه‌روها که با خمینی کاملاً موافق نیستند آمریکا را مورد انتقاد قرار خواهند داد و خواهند گفت که عدم ملاقات آمریکا با ایشان، عدم پذیرش انقلاب بوده است.» (افشاگری شمارهٔ ۲۰)

***

در حقیقت افرادی مثل مقدم، منابع اطلاعاتی و تحلیلگران بخش سیاسی CIA و سفارت بوده‌اند و مسایل مهم مملکتی را در اختیار سفارت قرار می‌داده‌اند و با دلسوزی تمام راه حضور آمریکا در ایران را به آنها نشان می‌داده‌اند.

در ملاقاتی قبل از انقلاب در ۱۰ ژانویه ۷۹ (دیماه ۵۷) با آیت‌الله شریعتمداری ضمن صحبتهای مختلف سفارت نظر می‌دهد که:

«نظریه: شریعتمداری آشکارا از دیدن شخصی از جانب دولت آمریکا خوشحال است و موضعش

www.takbook.com



کاملاً منطقی و مساعد (موافق برای همکاری) بود.»

***

بعد از انقلاب هم:

«او ـ آیت‌الله شریعتمداری ـ زیرکانه گفت که اظهارات خمینی تا حد زیادی به این افکار (احساسات ضد آمریکایی) کمک کرده است و وقتی مردم ایران دوباره سر عقل بیایند می‌خواهند که روابط ایران و آمریکا ادامه یابد. البته این روابط باید با آنچه در گذشته بوده فرق داشته باشد. او گفت که آمریکا می‌تواند در این برهه از زمان به ایرانیان بگوید که اسلحه‌های خود را به زور به ایران نفروخته است و آمریکاییها تنها به درخواستهای یک حکومت سلطنتی جواب مثبت داده‌اند. او اضافه کرد که آمریکاییها باید از فرصتهایی که موجب استحکام دوستی آمریکا با ایران می‌شود استفاده کنند و با این توطئه‌های ضد آمریکایی مبارزه کنند.» آوریل ۷۹)

***

«روابط عمومی با کمک آمریکا تکالیفی را برای دانشجویان ایرانی در آمریکا که امکان دارد یک رابطه با روحانیون محافظه‌کار برقرار کنند در نظر گرفته است.» (Rtcurron گزارش هفتگی ۹ فوریه ۷۹)

***

اسناد فوق نیز تمایل آمریکا را برای برقراری رابطه‌ای فعال با سازشکاران و محافظه‌کاران به خوبی نشان می‌دهد و تمایل میانه‌روها را برای برقراری روابط با آمریکا و دادن راه حل برای تطهیر جنایات آمریکا در اذهان مردم، به خوبی، درستیِ انتخاب آمریکا را برای اجرای سیاستهای خود ثابت می‌نماید.

در نتیجه بعد از انقلاب میانه‌روها برای آمریکا می‌توانستند در این جهات کار نمایند.

۱ـ با نفوذ در دولت موقت و افرادی از نهضت آزادی که در دولت بودند و مشی میانه‌روی داشتند، سعی داشتند خواستهای خود را عملی کنند.

۲ـ میانه‌رو کردن سیاست مملکت، از طریق جهت دادن به افراد میانه‌روی که مصدر کاری هستند، صورت می‌پذیرفت.

۳ـ پیدا کردن نقاط تفاهم با افراد میانه‌رو و استفاده از آنها برای مقاصد خود.

۴ـ ارتباط با میانه‌روها و خبرگیری و درست کردن منبع خبری جهت اطلاع دقیق از اوضاع مملکت.

۵ـ اجرای سیاست آمریکا در ایران، یعنی همان میانه‌رو کردن انقلاب و سعی در خارج کردن سیاست داخلی و خارجی ایران از حیطهٔ نفوذ خط مشی انقلابی امام به وسیلهٔ افراد میانه‌رو انجام می‌گرفته است. در حقیقت میانه‌روها پایگاه اجرایی این سیاست آمریکا بوده‌اند.

۶ ـ میانه‌روها قبل از انقلاب با آمریکا در ارتباط بوده و آمریکا مشی سیاسی و فکری آنها را در نظر داشته است تا در مواقع ضروری از آن استفاده کند.

۷ـ حداقل عملیاتی که آمریکا بر روی افراد میانه انجام می‌داده است، برقراری ارتباط و ملاقات با افسران سیاسی سفارت بوده است که با دست گذاشتن روی نقاط مورد نظر آنها اطلاعات و تحلیلهای سیاسی آنها را از اوضاع مملکت به دست می‌آورده که می‌توانسته است منابع خبری و اطلاعاتی مهمی باشد.

۸ـ از آنجایی که خاصیت متقابل میانه‌روها و آمریکا، یعنی تمایل میانه‌روها به ارتباط با آمریکا و

www.takbook.com



حضور آمریکا و سیاستهایش در ایران آنها را وامی‌داشته که به سفارت آمده و اطلاعات خود را بدهند.سفارت به منابع خبری و افراد مهمی در این زمینه برمی‌خورده است.

۹ـ میانه‌روها از تیپ‌های مختلف سیاسی ایران بوده‌اند که بیشتر از روشنفکران غربزده و سیاسیون کهنه‌کاری که نتوانسته‌اند خود را با جریانات متحول انقلاب اسلامی وفق دهند و همچنین بعضی از روحانیون محافظه‌کار.

**جریانات اقتصادی (سرمایه‌داران)**

**بخش ۵**

خانواده روغنی مدت ۲۷ سال آینده، فروش ماشینهای کارخانه فورد را در ایران پیش خرید کرده‌اند. در اکتبر، در جریان ملاقاتی در لندن توافقی شد که کارخانه فورد تعهد کرده است برای تمام ماشینهایی که در خارج از ایران خریداری می‌شوند و بعداً به ایران آورده می‌شوند میزان چهار درصد کمیسیون به آقای روغنی تعلق بگیرد. بعد از این توافق شرکت فورد خواستار اطلاعاتی در مورد ماشینهای داخل کشور شد. گفته می‌شود تمامی این اطلاعات در اختیار آنان گذاشته شده بود و دو مرتبه توسط نماینده‌های فورد بررسی شد؛ در حدود ۵۰۰ ماشین مطرح است. و با روغنی در مورد مبلغ پرداختی به توافق رسیده. حالا آقای روغنی می‌خواهد بداند که چه موقع کمپانی فورد این پول را می‌خواهد به او بدهد.»

در سفری که روغنی به آمریکا کرده است نظر ناس راجع به او چنین است:

«روغنی مایل است که با پرشت صحبت کند و ممکن است به گفتگو محرمانه با دیگران نیز اظهار تمایل کند. وی به علت رابطه‌اش با امام خمینی، می‌تواند منبع اطلاعاتی مفیدی از اطرافیان خمینی باشد.»
(ناس)

«نامهٔ سولیوان به وزارت خارجهٔ آمریکا در واشنگتن:

مبلغ پولی که او (روغنی) فکر می‌کند طلبکار است، باید برای او جبران شود. این مشکل ظاهراً به حدود چهار سال پیش برمی‌گردد و هنوز حل نشده. از هر اطلاعاتی که شما می‌توانید در مورد موضع شرکت فورد و آمادگی آنها برای انجام پرداخت تهیه کنید، قدردانی می‌شود.»

سولیوان
(افشاگری شمارهٔ ۱۹)

**سولیوان در حین انقلاب اسلامی**

«سولیوان می‌گوید: زاهدی درصدد است که عده‌ای از بازاریان که منافعشان از بسته بودن بازار به هم خورده بود، به پاریس بفرستد تا خمینی از موضعش صرف نظر کند. او می‌گوید: اینها مردان قابل ملاحظه‌ای هستند که از اقتصاد هرج و مرج زدهٔ فعلی صدمه دیده‌اند.»

«مأمور سیاسی سفارت با جمشید ایرانپور که یکی از منابع خبری نزدیک در اصفهان است، یک ملاقات طولانی داشت. ایرانپور که در روزهای قبل از انقلاب روابط خوبی با دولت، ساواک، احزاب مذهبی، انقلابیون و با سفارت آمریکا داشته است، یک کنتراتچی وارد کننده و صادر کنندهٔ ثروتمند می‌باشد و در آینده نزدیک به آمریکا مهاجرت می‌نماید.»

www.takbook.com



**نامهٔ ناس به وزارت امور خارجهٔ واشنگتن**

«یکی از کارمندان قسمت اقتصادی که چهار سال تجربهٔ کاری دارد می‌گوید: خیلی از ایرانیانی که قبلاً با او در اداره‌شان قرار ملاقات می‌گذاشتند و یا تلفنی به تقاضاهایش پاسخ می‌دادند حالا حداکثر می‌توانیم از ایشان ملاقات خصوصی و یا مکالمهٔ تلفنی در شب بکنیم. اگر چه تعدادی از آنها به واسطهٔ روابط گرم با ما خجالت می‌کشند که قرار ملاقاتهای تجارتی معمولی را رد کنند، بنابراین مدام آن را به عقب می‌اندازند.»
(افشاگری شمارهٔ ۱۶)

«هوشنگ رام رئیس بانک عمران در گفت‌وگو با سولیوان سفیر کبیر آمریکا در ایران:

۱ـ هوشنگ رام رییس بانک عمران و معتمد شاه در سیزدهم دسامبر به دیدن من آمد. او می‌خواست به من اطلاع دهد که گروهی از روشنفکران جوان را سازمان داده است که هدف آنها معرفی و طرح زمینه‌های تازه‌ای در بحثهای سیاسی است، که بین طبقهٔ متوسط ایرانیان در جریان است. او تمایل داشت بداند که این عمل می‌تواند به هر طریقی برای ما مثمر ثمر باشد.

من گفتم که مایلیم با هر گروهی از این قبیل در تماس باشیم و امیدواریم که اینها بتوانند در اعتدال بخشیدن به صحنهٔ سیاسی ایران سودمند باشند. با وجود این متذکر شدم که به نظر من مردم دقت زیادی برای بررسی مسایل سیاسی ندارند و این در حالی است که اقتصاد کشور در حال سقوط است. رام بلافاصله نظریهٔ مرا مورد تأیید قرار داد و شرح مبسوطی راجع به مسایلی که بانکش با بانک مرکزی و ملی داشته است تعریف کرد.» سولیوان
(افشاگری شمارهٔ ۲۱)»

**سیاست آمریکا در قبال سرمایه‌داران ایرانی**

سرمایه‌داران وابسته‌ای که به سبب وابستگی شریان اقتصادیشان به آمریکای جنایتکار، متمایل به غرب و طرفدار حضور آمریکا در ایران هستند، به تبع اینان در خدمت سیاست حضور آمریکا در ایران قرار می‌گیرند و به راحتی منبع اطلاعاتی و جاسوسی و تحلیلگر سفارت و CIA می‌شوند.

حتی حرکات اینان برای آمریکا حجت است؛ چنان که گرفتن کارت اقامت دائم و یا ویزای تجارتی افرادی مثل مهدی روغنی برای آمریکا، نشان از خرابی اوضاع و یا بهبود وضع سیاسی تلقی می‌شود:

«شاید تقاضای روغنی برای ویزای تجارتی به آمریکا نشانگر بهتری از ارزیابی شخص وی برای دراز مدت باشد.

وقتی که در ماه مه فقط برای چهار یا ۶ هفته رفت او در مورد وضع قم اظهار نگرانی و ناراحتی می‌کرد و در فکر این بود که کجای کار انقلاب خراب شده است. اگر وضع برگشته باشد گرین کارد به چه درد او می‌خورد؟ ما در یکی از روزنامه‌های فارسی زبان به مطلبی برخوردیم که یک ماه پیش از کشور فرار کرده است.» (افشاگری شمارهٔ ۱۹)

***

همچنین کمک آمریکا برای حل مسایل اقتصادی و حقوقی این افراد با کمپانیهای آمریکایی برای خوش‌خدمتی و مدیون کردن آنها به خودشان تا بتوانند در موضع یک دوست خوب و یک منبع اطلاعاتی و جاسوسی برای سفارت به خوبی انجام وظیفه نمایند:

www.takbook.com



«علاوه بر مشکل کمیسیون، روغنی یک اختلاف نظر دومی هم با شرکت فورد دارد که در مورد فروش ۶۰ دستگاه کامیونهای سنگین به شرکت ملی نفت ایران است. ادعای او این است که تفاوت بین قیمت صدور شرکت فولاد و قیمت فروش به شرکت نفت حق اوست که واسطه می‌باشد. شرکت نفت پول فورد را مستقیماً داده است. مبلغ پولی که او فکر می‌کند طلبکار است، باید برای او جبران شود. این مشکل ظاهراً به حدود چهار سال پیش برمی‌گردد و هنوز حل نشده. از هر اطلاعاتی که شما می‌توانید در مورد وضع شرکت فورد و آمادگی آنها برای انجام پرداخت تهیه کنید، قدردانی می‌شود». (سولیوان)
(افشاگری شمارهٔ ۱۹)

***

«روغنی مایل است که با پرشت صحبت کند و ممکن است به گفتگوهای محرمانه با دیگران نیز تمایل داشته باشد. وی به علت رابطه‌اش با امام خمینی می‌تواند منبع اطلاعاتی مفیدی از اطرافیان خمینی باشد.»

(افشاگری شمارهٔ ۱۹

***

با توجه به خاصیت فوق و منبع جاسوسی بودن برای آمریکا علت کمکهای اقتصادی و رفع کردن اختلافات روغنی با کمپانیهای آمریکایی کاملاً روشن می‌گردد.

آمریکا قبل از انقلاب با تطمیع و وعده به بعضی از بازاریان ثروتمند، آنها را وادار می‌کرده که به نفع دستگاه و رژیم سابق ایران نزد امام خمینی بروند و او را از عواقب بسته شدن بازار که عمدتاً منافع آنها را به خطر می‌اندازد، هشدار دهند. این عمل به وسیلهٔ اردشیر زاهدی عنصر پلید و خائن شاه نزد CIA آمریکا صورت می‌گرفت.

***

بسیاری از منابع خبری سفارت سرمایه‌دارانی بوده‌اند که شریان اقتصادی و حیاتی آنها به نحوی به کمپانیهای چپاولگر آمریکایی متصل بوده است و به خاطر منافع نزدیکی در معاملات اقتصادی و اعتقاد به حضور آمریکا در ایران که منجر به تأمین و تداوم سود و منافع سرمایه‌داران بزرگ می‌شد با سرویسهای سیاسی و اطلاعاتی سفارت همکاری می‌کرده و اطلاعات خود را در اختیار آنها قرار می‌داده‌اند که بعد از انقلاب سفارت از عدم همکاری بعضی از آنها که از ترس افشا شدن دیگر با سفارت تماس نمی‌گرفتند، می‌نالد:

***

«هوشنگ رام رئیس بانک عمران و معتمد شاه در سیزدهم دسامبر (۲۲ آذر ۵۷) به دیدن من آمد. او می‌خواست به من اطلاع دهد که گروهی از روشنفکران جوان را سازمان داده است که هدف آنها معرفی و طرح زمینه‌های تازه‌ای در بحثهای سیاسی است که بین طبقات متوسط ایرانیان در جریان است. او تمایل داشت بداند که این عمل می‌تواند به هر طریقی برای ما مثمر ثمر باشد.

من گفتم که البته که ما مایلیم با هر گروهی از این قبیل در تماس باشیم و امیدواریم که اینها بتوانند در اعتدال بخشیدن به صحنهٔ سیاسی ایران سودمند باشند.» (سولیوان)

www.takbook.com



**از سفارت به وزارت خارجهٔ آمریکا ۲۲ آذر ۵۷ محرمانه تهران ۱۲۱۶۳**

به خوبی روشن می‌گردد که آمریکا از پایگاه معروف خود یعنی چپاولگران سرمایه‌داری که به خودش وابسته‌اند و در استثمار منابع ملی و دسترنج مردم ایران شریک هستند برای مقاصد سیاسی و معتدل کردن جو انقلابی و ضد رژیم خائن شاه و آمریکا استفاده می‌کند و با گروههای ساختگی سیاسی که عمدتاً به سرمایه‌داران چپاولگر و هدفهای آنها وابسته است، سعی در به انحراف کشیدن جهت راستین انقلاب اسلامی می‌نمایند. حال که هدف مهم آمریکا معتدل کردن و میانه‌رو کردن انقلاب به نفع شیطان بزرگ است، این گونه عناصر یعنی سرمایه‌داران بزرگ، بهترین وسیله برای اجرای این سیاست‌هاست.

***

همچنین از افرادی مثل جمشید ایرانپور که از سرمایه‌دارانی است که وابسته به آمریکا است، جهت نفوذ در کمیته‌ها و ارگانهای انقلابی استفاده می‌نموده‌اند. ایرانپور که عضو کمیتهٔ مرکزی اصفهان بوده است، منبع خبری سفارت و در نتیجه در خدمت امپریالیسم بوده و آمریکا به خوبی به وسیلهٔ ایشان از جریاناتی که در اصفهان می‌گذرد خبردار می‌شده است. در حقیقت آمریکا از این پایگاهش یعنی سرمایه‌داران بزرگ و وابسته به عنوان جاسوس خبرچین و تحلیلگر اوضاع ایران انقلابی استفاده می‌نموده است.

همچنین گزارش سفارت در مورد ایرج کی‌نژاد، مدیر عامل کمپانی سرمایه‌گذاری ایرانی که وی در مورد وضعیت اقتصادی ایران و درصد اشتغال و مسایل اقتصادی دیگر، گزارشاتی به سفارت می‌دهد.

نکتهٔ مهم اینکه در سند این شخص با خط نامرئی این جمله نوشته شده است.

(حالا زمانی است که انسانهای خوب برای کمک به کشورشان برگردند)

با توجه به تاریخ سند که نوامبر ۷۹ بعد از انقلاب را نشان می‌دهد، این مسئله برای آمریکا مطرح است که سرمایه‌داران و افراد وابسته به آنها که عمدتاً می‌توانند برای اجرای مقاصدشان خوب باشند (و همانند شاه و رژیم خائن او) به زعم آمریکا به کشورشان خدمت کنند، باید به ایران بازگشته و کارشان را که بر علیه انقلاب است شروع نمایند. البته آقای ایرج کی‌نژاد درصدد بوده است که با گرفتن ویزا ۳۰ میلیون تومان سرمایهٔ خود را در ایران و به کمک سفارت خارج نماید.

***

**قسمتی از توصیهٔ لینگن کاردار به وزارت امور خارجهٔ آمریکا:**

«۱۷ در زمینهٔ اقتصادی همپیمانان طبیعی با نیروهای غیر مذهبی و غیر چپی هستند که در دنیای سیاست فعالند. باید تجار آمریکایی که تصفیه نگردیده‌اند محکم به کارشان بچسبند و خود را هماهنگ نشان بدهند.»

**از لینگن به وزارت امور خارجهٔ آمریکا ۲۹ مرداد ۵۸**

***

در سند فوق اهمیت افرادی را که می‌توانند در جهت منافع اقتصادی آمریکا عمل نمایند مشخص می‌کنند و از آنجایی که وابستگی تجاری این افراد به آمریکا توسط شرکتها و تجار آمریکایی است که از لیست معاملات ایران حذف نشده‌اند کاردار توصیه می‌کند که تجار آمریکایی روابط تجاری و اقتصادی

www.takbook.com



خود را محکم کرده و رابطهٔ وابستگی سرمایه‌داران ایرانی به آمریکا را هم چنان برقرار نگه دارند تا سفارت بتواند در سایهٔ این وابستگی استفادهٔ سیاسی خود را از این عناصر بنماید.

کلاً سیاست آمریکا در قبال سرمایه‌داران وابسته سرمایه‌داران بزرگ چنین است.

۱ـ استفاده از آنها برای راه انداختن جریانات سیاسی معتدل و میانه‌رو اعم از حزب و گروه و منحرف کردن حرکت انقلابی امام خمینی.

۲ـ با توجه به ارتباط با کمپانیهای خارجی و آمریکا و سفارت آمریکا از آنها چه در قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب به عنوان منابع مهم خبری و جاسوسی استفاده می‌نموده است.

۳ـ ایجاد کردن تسهیلات و کمکهای مادی و حقوقی برای سرمایه‌داران جهت جذب آنها و فرستادن آنها به ارگانهای انقلابی که احیاناً می‌توانند در آنها نفوذ کنند.

۴ـ استفاده از سرمایه‌داران در به اعتصاب کشاندن کارگران ـ نخریدن قطعات یدکی کارخانجات، سوءمدیریت و بخش و مصرف و احتکار مصنوعی مسایلی است که کاملاً معمول و رایج است و در بسیاری از کشورها نظیر شیلی و دیگر کشورهای زیر سلطه و در حال انقلاب عمل شده است، ولی متأسفانه در اینجا سندهای لازم که بتواند این اعمال را نشان دهد وجود ندارد.

۵ـ آمریکا درصدد است که سرمایه‌داران وابسته و عناصر وابسته به خود را که با لفظ (خوب) و خدمت به کشورشان مشخص می‌کند از تبعید اجباری به ایران بازگرداند و سیاستهای سلطه‌گرانه خود را به وسیلهٔ آنها به اجرا گذارد.

## منابع و شبکه‌های جاسوسی آمریکا در ایران

### بخش ۶

### منابع و شبکه‌های آمریکا در ایران

«عواقب نامطلوب تیره شدن روابط ایران و آمریکا خیلی از منابع اطلاعاتی خوب ما را از بین برده است و بی‌علاقه بودن عده‌ای از ایرانیان در برخورد و صحبت کردن با کارمندان سفارت آمریکا را افزایش داده است. این عکس‌العملها از زمان تصمیم ۱۷ ماه مه سنای آمریکا (محکوم کردن اعدامهای دادگاههای انقلاب) شروع شد و سپس با تظاهرات در مقابل سفارت آمریکا در تاریخ ۲۴ و ۲۶ ماه مه و آن گاه نظرات یزدی در مورد (کاتلر) در مطبوعات و حملهٔ شدید رسانه‌های گروهی اوج گرفت. این عمل موقعیت ما را به طور قابل ملاحظه‌ای متزلزل کرده است، حتی بدتر از اوائل انقلاب.

بعضی از منابع خبری در تهران اشاره کرده‌اند به اینکه سوءظن همکاران و دوستانشان نسبت به آنان رو به افزایش است. این حالت مخصوصاً در دانشگاهها به شکل حادش بروز کرده است؛ جایی که افراطیون روشنفکران را از مواضع ضد آمریکایی مورد حمله قرار می‌دهند. آن طور که یکی از منابع خبری گزارش می‌دهد حتی کسانی که بیشتر در جریان کار قرار دارند با این موج از بین می‌روند.

(محرمانه از سفارت به واشنگتن امضاء ناس)

(افشاگری شمارهٔ ۱۶)

«مهدی روغنی مایل است که با پرشت صحبت کند و ممکن است به گفتگوهای محرمانه با دیگران نیز تمایل داشته باشد وی به علت رابطه‌اش با امام خمینی می‌تواند منبع اطلاعاتی مفیدی از اطرافیان خمینی

www.takbook.com



باشد.»

(محرمانه ماه مه ۷۹) (ناس)»
(افشاگری شمارهٔ ۱۹)

***

افرادی مثل مقدم مراغه‌ای و درخشش منابع اطلاعاتی خوبی برای سفارت می‌باشند که با خوش‌خدمتی‌های خود توانسته‌اند خدمات ارزنده‌ای در جهت اطلاعات و تحلیل وقایع روز به امپریالیسم بنمایند:

«شک نیست زمینه‌ای که در جریان این وقایع شکل می‌گیرد، به دست آوردن اطلاعات لازم و مورد نیاز ما را بسیار مشکل می‌کند؛ گرچه هنوز شرایط به سطح بعضی از کشورهای جهان سوم که آنها روابط کارکنان سفارت و مردم محلی را شدیداً تحت کنترل دارند نرسیده است؛ ولی فشارهای چند هفتهٔ اخیر، ایران را به سوی چنان موقعیتی سوق می‌دهد». (ناس)
(افشاگری شمارهٔ ۱۶)

***

اطلاعات زیر توسط یک منبع به Ro رسیده است که از یک میهمانی شام که توسط دوستش از وزارت دادگستری در روز ۳ آوریل برگزار شد کسب شده است. مهمانان غیر از منبع یک تاجر ایرانی دو ستوان پلیس، یک سروان پلیس و یک سرگرد دریایی بوده‌اند. همراه صحبت زیادی در مورد مسایل کلی و سیاسی، صحبت و بحث در مواردی که در مورد پلیس و نظم در ارتش است شد و مسایل دیگر ...».
(محرمانه شمارهٔ ۴۶۰۱۶۰ تاریخ ۴ آوریل ۷۹)

و ادامه می‌دهند:

«این گزارش منطبق با گزارشاتی است که ۳ منبع دیگر به ما گزارش داده‌اند که در محل بوده‌اند (در میهمانی)»

***

در حقیقت در آن میهمانی ۴ منبع سفارت و در خدمت امپریالیسم و شیطان بزرگ وجود داشته است که هر کدام جداگانه بدون اطلاع یکدیگر گزارشات خود را به سفارت داده‌اند.

***

«اظهار نظر: منبع یک افسر سرویس خارجی با تجربه است؛ خیلی خوب فارسی صحبت می‌کند و با ایرانیان تماس دارد، وی تا به حال کنسول سفارت در تبریز بوده است.» (سند فوق)

***

سفارت با ترتیب دادن انواع میهمانیها و یا فرستادن مأموران سیاسی خود به میهمانیهای رسمی و غیر رسمی سعی در صحبت با افراد لشکری و کشوری می‌کند و راجع به موقعیتهای سیاسی و نظامی بحث می‌نمایند و اطلاعات را به سفارت می‌دهند. واقعهٔ فوق یک میهمانی بوده است و ۴ نفر از شرکت‌کنندگان افسران سیاسی سفارت بوده‌اند، که یکی از آنها Metrinco افسر سیاسی سفارت و کنسول تبریزاست.وی به زبانهای فارسی ـ عربی ـ اردو ـ ترکی تسلط کامل داشته و وارد به آداب و رسوم ایرانی است و جزو گروگانهای ملت ایران است و عامل ترتیب دادن منابع جاسوس ایرانی و کسب اطلاعات از آنهاست.

www.takbook.com



***

نظر سفارت در ۱۱ ژانویهٔ ۷۸ در زمان قیامهای قم و حکومت دکتر آموزگار خائن.

«... برای آمریکا امتیازی در ایران در مورد جمع‌آوری اطلاعات (جاسوسی) بـه دست آوریـد و پشتیبانی برای Proquoliasionquid را در پاسخ به این امتیازات ادامه دهید. هر پیشنهاد را برای امتیازی جدید به دقت سبک و سنگین کنید تا مطمئن شوید که باعث در خطر انداختن پیشرویهای موجود نباشند.»

(۱۱ ژانویه ۷۸ محرمانه از سفارت به وزارت دفاع واشنگتن)

(افشاگری شمارهٔ ۱۰)

**در مورد منابع و شبکه‌های جاسوسی آمریکا در ایران**

**(سیاست آمریکا)**

سیاست آمریکا بعد از انقلاب دستیابی دوباره به اوضاع سیاسی ـ اقتصادی ایران است. بنابرایـن طرحهای خود را باید براساس یک سری اطلاعات دقیق استوار کند.

شبکه‌ها و منابع خبری و اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا در ایران، در زمان انقلاب ضربه دیده است و بعد از انقلاب هم بسیاری از این شبکه‌ها و منابع از هم پاشیده است.

سازماندهی دوباره ـ کشف منابع جدید جاسوسی ـ از هدفهای بخش سفارت است.

بنابراین به غیر از شیوه‌های فوق، افسران سفارت برای ملاقاتها و صحبت به افراد با سازمانهای دولتی و به میهمانیهای رسمی و غیر رسمی فرستاده می‌شدند و با طرح سؤالاتی که جهت و هدف آن از قبل مشخص است، سعی در کشیدن اطلاعات دست اول و مفید می‌نمایند.

ولی شبکه جاسوسی آمریکا در حال حاضر کاملاً کار می‌کند و دلیل آن هم اطلاعات دقیقی است که از اوضاع مملکت در سفارت موجود است و همچنین قرار دادن مهره‌های جدید در سازمانهای انقلابی که بعد از انقلاب تأسیس شده از هدفهای سفارت آمریکا بوده است.

آنها احتیاج داشته‌اند که منابع و افرادشان از تأمین حقوقی برخوردار باشند. ادامهٔ کارهای دادگاههای انقلاب، تصفیهٔ ادارات و بسیاری از حرکات انقلابی، مانع وجود افراد و شبکه‌های جاسوسی امپریالیسم در ایران است. اطلاعات دقیق از ارتش نیز حاکی از داشتن شبکه‌های جاسوسی و منابع اطلاعاتی در ارتش است: «ما می‌خواهیم مسئولانه بر روی مسایل نظامی کار کنیم تا اینکه به دولت بازرگان قدرت دهیم و مطمئن باشیم که برای اوضاع آینده سیاسی مملکت دوستانی در ارتش داریم که ممکن است در معضلات سیاسی مملکت راهگشا باشند.

... ما همچنین خواهان یک رفتار مطلوب و مساوی برای طرفداران خصوصی‌مان در ایران هستیم.»

(محرمانه ۱۴ شهریور ۵۸ از هارولد ساندرز به نیوسام)

***

همچنین سفارت جهت تأمین و کشف منابع جاسوسی جدید از جریمه استفاده می‌کند و در قبال دادن ویزا به افراد مورد احتیاجش که اطلاعات ارزنده‌ای داشته باشند برایشان ویزای مسافرت به آمریکا صادر می‌کند:

«از سرهنگ شیفر وابستهٔ نظامی ـ دفاعی در نیروی هوایی به تمام وابسته‌های دفاعی آمریکا در تهران

www.takbook.com



و به مورفیلد سرکنسول آمریکا در تهران.

... وابسته‌های نظامی آمریکا دربارهٔ فامیل درجهٔ یک افراد زیر می‌توانند رأی صدور ویزا توصیه نمایند:

الف: افراد ارتش، ژاندارمری و شهربانی ایران که از سرگرد به بالا باشند.

ب: افراد هواپیمای کشوری.

ج: افراد دیپلمات درجه یک ایرانی یا خارجی که با دفتر وابستگان نظامی آمریکا همکاری مستقیم داشته باشند.

توصیه: صدور ویزا تنها برای افرادی پذیرفته می‌شود که اطلاعات جاسوسی مفیدی برای آمریکا داشته باشند. متقاضیانی که مشخصات بالا را نداشته باشند اما دارای موقعیتهای فوق‌العاده‌ای باشند (مانند همافرانی که اطلاعات باارزشی برای ما تهیه نموده‌اند) باید توسط سرهنگ شیفر تأیید شوند.

... بخش صدور ویزا می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات جاسوسی مورد استفاده قرار گیرد. اطلاعاتی که معمولاً دسترسی به آن از راههای دیگر امکان پذیر نیست و باید توجه داشت که صدور ویزا مورد استفادهٔ شخصی افراد قرار نگیرد. افراد تنها وقتی برای ما مهم هستند که اطلاعات جاسوسی باارزش فراهم نمایند و یا راهی برای رسیدن به این اطلاعات ارائه دهند.

من در این معاملهٔ پایاپای (گرفتن اطلاعات در مقابل ویزا) انتظار دارم گزارشهای مفیدی به دست آید.»

(۱۸ سپتامبر ۷۹ شهریور ۵۸ محرمانه)(افشاگری شمارهٔ ۱۷)

***

همچنین سفارت در نظر دارد علاوه بر استفاده از عناصر سرسپردهٔ خود در ارتش و تشکیلات کشوری از عناصر خائن ساواک که آزاد شده‌اند استفاده نماید و در شبکه‌های خبرگیری و جاسوسی و عملیات تخریب در آینده استفاده کند:

«... بسیاری از کارشناسان ساواک که با نظارت‌کنندگان سفارتخانه‌های خارجی همکاری می‌کردند، توانستند کار آنها را در دست بگیرند و این موضوع می‌تواند به ما فرصتی بدهد تا بتوانیم از آن در موقعیتهای آرامتر استفاده کنیم. تمام این کارشناسان در آمریکا بوده‌اند.»

(از نامهٔ لینگن به زوبیک مورخ ۶ آبان ۵۸)

## دید آمریکا راجع به ارتش ایران

### بخش ۷

مستشاری مهمترین حضور نظامی آمریکا در ایران است. هدفش بالا بردن کارآیی نیروهای نظامی ایران به منظور مقاومت در مقابل تجاوز و ادامه و حفظ منافع آمریکا در ایران است.

این ارتش (ارتش ایران) در ۱۹۴۱ به وجود آمد و در ۱۹۴۳ و ۱۹۴۷ تجدید سازمان یافت (قرارداد آمریکا و ارتش ایران). توافق اساسی بین حکومت آمریکا و دولت ایران این بود که نظارت و کمک ارتش آمریکا به ارتش ایران (زمینی و هوایی و دریایی) ادامه یابد. از ۱۹۵۰ قرار داد کمک دفاعی مشترک بین دولت ایران و دولت آمریکا در سه زمینه منعقد گردید.

www.takbook.com



این توافق ارتش Armish متفاوت بود و در زمینه کمک اداری و سازماندهی بود.

«در ۱۹۴۲ اولین کمک بزرگ به ارتش ایران تحویل گردید. در سال ۱۹۵۸ Armish و Maag نزدیکتر شدند. در ۱۹۶۵ فروش نظامی خارجی و برنامه‌های اعتباری آغاز شد. موفقیت این برنامه موجب قطع کمکهای بلاعوض در ۱۹۷۲ بود Maag از Magor - Gonro دستور می‌گیرد و هدف این مستشاری ارائهٔ مشاورهٔ روزانه به بالاترین افراد ارتش ایران می‌باشد. این کار با در جریان گذاشتن شاه انجام می‌شود. کارمندان Armish-Maag بر کار فرماندهی ستاد ارتش شاهنشاهی مشاوره کامل می‌نمایند. هر عضو ایرانی که فرمانده عملیات ـ اطلاعات تجسّسی لجستیک (پشتیبانی) نقشه‌ها و برنامه‌هاست یک نفر راهنمای خارجی دارد که معمولاً یک سرهنگ است.»

(از افشاگری شمارهٔ ۷)

مسئول مدرنیزه کردن ارتش شاهنشاهی ایران در رابطه با برنامهٔ ۱۹۷۲ می‌باشد. ایران سفارش وسایل و خدمات به ارزش کمی بیش از ده میلیارد دلار که شامل خرید خدمات است به آمریکا داده است.»

***

همچنین دولت آمریکا اجازهٔ افشای رموزی که در کارهای نظامیان در ایران به کار گرفته می‌شود به دولت ایران نمی‌دهد و سعی دارد کارهای مستشاری آمریکا در ایران از افسران ایرانی پنهان باشد.

***

در موقعیت فعلی حداقل اطلاعات ممکن می‌بایست به دولت ایران داده شود.

هیچ گونه اسامی رمز جدیدی که باعث افشای اسرار به دولت ایران بشود بدون تأیید کمیتهٔ افشاگری مستقر در واشنگتن نباید استفاده شود. (از افشاگری شماره ۸)

***

همچنین آمریکا یک سیستم فوق مدرن اطلاعاتی جاسوسی که به وسیلهٔ پایگاههای الکترونیکی خبرگیری و رادار و ماهواره‌ها اداره می‌شد به ایران تحمیل نموده بودند که ۱/۳ بیلیون دلار هزینهٔ این سیستم در سراسر ایران بود. این سیستم از گشتی‌هایی که پایگاههای رادار دار و الکترونیکی هستند تا سیستمهای سادهٔ خبری و از پایگاه‌های کبکان و بهشهر گرفته تا هواپیمای پرندهٔ آواکس شامل می‌گردید که حرکت موشکهای شوروی و منطقه و انواع و اقسام علائم خبری و اطلاعاتی راگرفته و به طور متمرکز به وسیلهٔ امواج به آمریکا می‌فرستاد. مستشاری آمریکا و نیروی هوایی رژیم خائن شاه عهده‌دار ادارهٔ و ادامهٔ طرح این سیستم عظیم خبری بوده‌اند. این سیستم به نام سیستم Ibex مشخص است.

(ارجاع به افشاگری شماره ۶)

***

با توجه به مسایلی که در فوق عنوان گردید، نقش آمریکا در ساختمان ارتش ایران و جهت ساختمان ارتش و چگونگی و اهداف این ماشین در رژیم شاه خائن به خوبی روشن می‌گردد.

**موضوع: مصونیت و مزایای سیاسی مستشاران نظامی**

۱ـ تمام متن محرمانه است.

www.takbook.com



۲ـ در ۱۸ سپتامبر مأمور سیاسی به وزارت امور خارجه فرا خوانده شد. توسط رئیس دایرهٔ حقوقی، فرخ پارسی، پاسخ به نامه ۱۸۷ سفارت که در تاریخ ۱۶ می ۱۹۷۹ خطاب به وزارت خارجه به دولت اطلاع داده است که باقیماندهٔ مستشاران نظامی ایران از طرف دولت آمریکا به سفارت به عنوان کارمندان فنی و اداری اعلام شده‌اند، در نامه خواسته شده بود که برای آنها کارت ضمانت سیاسی صادر شود (تا حالا فقط برای گروهبان ویلیام دجرمان صادر شده است).

۳ـ پارسی روشن ساخت که قرارداد ۱۹۶۴ لغو شده و دولت هرگز قصد ندارد قوانینی را که مستشاران نظامی کشورها را از ایرانیان متمایز می‌سازد به اجرا در بیاورد. پارسی گفت: دولت قانون بین‌المللی راجع به حقوق و مزایای مستشاران نظامی را که عمل می‌شود مورد بررسی قرار داده است. بهرحال سفارت به مستشاران نظامی پاسپورت دیپلماتیک می‌دهد.آنها را به عنوان کارمندان فنی و اداری خویش معرفی می‌کند در حالی که آنها در واقع نیستند. پارسی روشن ساخت که مسئله مستشاران نظامی در ایران برای دولت مسئله بسیار حساسی است؛ به خاطر تاریخ این مسئله.

(نظر سفارت: دولت ایران به این مسئله چنین می‌نگرد که شاه و دولت آمریکا این قانون را در ۱۹۶۴ به ایرانیان تحمیل کرده و این نظر اغلب ایرانیان است.)

۴ـ آقای پارسی نامه ۱۶ می سفارت را به عنوان یک تقاضا بیان داشت که دولت موقعیت مستشاران نظامی و دسته‌بندی بیان شده را قانونی کند. ولی دولت نمی‌خواهد هیچگونه قانونی بگذراند که به مستشاران مصونیت و مزایای سیاسی بدهد. با وجودی که پارسی خیلی مشخص صحبت نمی‌کرد، روشن بود (از مکالمه‌اش) که وزارت امور خارجه دوست ندارد به مستشاران اجازه دهد به عنوان مأموران فنی و اداری سفارت باشند. به هر حال آقای پارسی یک قاضی آموزش یافته در آمریکا و منطقی است که سعی فراوان می‌کند راهی پیدا کند که هم حساسیتهای دولت را امضاء کند و هم مسئله مستشاران ما را.

۵ـ پارسی گفت: دولت ایران حقیقتاً راجع به درخواست مصونیت و مزایای سیاسی برای مستشاران نظامی آمریکا علاقه‌مند نیست. آنها فکر می‌کنند که تمام مستشاران نظامی تحت لوای قوانین ایرانی باید باشند. پارسی خاطرنشان ساخت که در گذشته تنها موردی که آمریکاییان خطا کار بودند مسئلهٔ رانندگی بود. پارسی از اینکه ممکن است در اختیار مستشاران نظامی راننده قرار ندهند تعجب می‌کرد، زیرا این عمل می‌توانست از تخلفات رانندگی آنها جلوگیری کند. مأمور سیاسی گفت: اگر مسئله صحت داشته باشد ما خوشحال خواهیم شد. او از تجربیاتش در کشورهای دیگر چنین برداشت کرده که نظر قطعی بخش دفاعی، داشتن اختیارات قانونی است. او شک داشت که ایالات متحده به پرسنل نظامیش اجازه دهد که بدون داشتن حفاظت در ایران خدمت کنند. مأمور سیاسی سفارت راجع به مسئله انجام یا عدم انجام وظیفه چیزی ذکر نکرد. مذاکرات کاملاً نامشخص (ناموفق) بود و پارسی از اینکه این مسئله چگونه در کشورهای دیگر تاکنون خاتمه یافته است، اطلاعات صحیحی نداشت.

۶ـ پارسی پرسید چه پوشش بیمه‌ای برای پرسنل نظامی مستقر در آمریکا داده شده است؟ (مانند نظامیانی که مأمور خرید و تدارکاتند ولی وابسته (گماشته) نیستند. آیا شما مصونیت سیاسی را برای این چنین مردمی در آمریکا تضمین می‌کنید؟ آیا هیچ موقع پرسنل نظامی یک کشور خارجی مانند مستشاران نظامی در ایران به سفارتخانه‌ها در واشنگتن به عنوان کارمند فنی و اداری اعلام شده‌اند؟ در پرسیدن اینها پارسی سعی فراوان داشت که به استانداردهای قابل مقایسه که او می‌توانست با کمک آنها راجع به

www.takbook.com



مصونیت سیاسی مستشاران نظامی در ایران بحث کند توسل جوید.

۷ـ پارسی پرسید: چند نفر از مستشاران نظامی در سفارت حضور دارند؟ او عقیده داشت که فقط بر طبق قوانین آمریکا اجازه دارند؛ بخش دفاعی باید حقوق اضافه بر آن ۶ نفر مستشاران نظامی را بپردازد و تمام قوانینی که به دولت اجازه می‌داد، حقوق برای مستشاران نظامی خارجی بپردازد، اکنون لغو شده است. (نظریه: سفارت برای پارسی لیست جاری مستشاران نظامی را که هفت نفرند، تهیه خواهد کرد و به او اطلاع خواهد داد، که تعدادی از افرادِ مستشاران نظامی، تا اول اکتبر جهت اطمینان در ایران خواهند بود و بعد از اکتبر تعداد آنها به ۶ نفر کاهش خواهد یافت. هر افزایشی در پرسنل تنها در صورت توافق خواهد بود.)

۸ـ کارهای درخواست شده (از طرف سفارت)

باعث قدردانی است اگر بخش دفاعی مثالی از خارجیان غیر وابسته‌ای که در آمریکا مصونیت سیاسی دارند به ما بدهد. مفید خواهد بود، چنانچه مثالی از اینکه ما در کشورهای مشابه ایران چگونه این مسئله را اعمال می‌کنیم، داده شود.

۹ـ نظریه: در یک نامه به تاریخ ۷۹/۸/۴ خطاب به وزیر دفاع ملی با موضوع: نامگذاری دوباره مستشاران نظامی، نمایندهٔ عالیرتبهٔ دفاعی آمریکا به پایان عملیات مستشاران آمریکایی در نیروهای ارتش اشاره کرد و از معاون Mond خواست نسبت به نام‌گذاری دوباره مستشاری نظامی اقدام کند. با وجودی که ما این مسئله را دنبال کرده‌ایم، ولی هنوز مسئولیتی دریافت نکرده‌ایم. انتقال مثبت از هر نوع ارتباط مستشاری که به وسیلهٔ دولت ایران دنبال خواهد شد، می‌تواند ما را در موقعیتمان یاری دهد.

۱۰ـ این مسئله مشکلاتی در بردارد تا آنجا که به وزارت امور خارجه ربط دارد، مخصوصاً که پارسی خیلی نزدیک به یزدی وزیر امور خارجه کار می‌کند، ما نمی‌دانیم آیا در این تمایلات هیچ گونه جهت‌یابی با وزارت دفاع شده است؟ ما امیدواریم بکوشیم، این مسئله را به آرامی و در سطح پایینی حل کنیم. پارسی در بست می‌گوید که نسبت به این مسئله حساسیت فراوانی موجود است و این یکی از مسایل با اهمیّت دولت است. آیت‌الله خمینی اولین بار نامش را با مبارزه با این قانون در ۱۹۶۴ روساخت و ما شک داریم که در موقعیت فعلی او به مسئله مستشاران آگاه است. موقعی که مسئله کاملاً عینی (علنی) شد، ما می‌توانیم مذاکرات منطقی نسبت به افکار ملی‌گرایان که مانع این مسئله است انجام دهیم. (لینگن)

**کلاسه: محرمانه و پخش محدود است**

**شماره سند: تهران ۱۰۳۳۶/۱ تاریخ: ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۹**

**از سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه واشنگتن ـ دی سی فوری**

**گزارشگر: قسمت سیاسی: الیزابت سوئیفت و (نظامی: Roavis )**

«لغو قرارداد ۱۹۴۳ که مأموریت نظامی آمریکا (مستشاری) را شامل می‌شد، یک نمونهٔ دیگر از کارهای انقلابی این رژیم است که آشکارگر قطع نفوذ خارجی می‌باشد. اگر چه این حرکت باعث لغو قرارداد دوجانبهٔ ۱۹۴۷ و مأموریت نظامی می‌شود ولی اثری در وضعیت قانونی یا کار نمایندگان پرسنل نظامی در تهران ندارد.

www.takbook.com



قانون ۱۹۴۳ مستشاران نظامی آمریکا را جزو وزارت جنگ می‌داند که در حال حاضر یک چنین چیزی با موقعیت ایران غیرقابل تحمل است؛ اگر چه ما سالها به طور رسمی این قرارداد را تمدید کردیم، ولی محتوی آن با گذشت زمان به طور زیادی بی‌ربط و مناسبت ندارد.

ماهها پیش دولت قرار داد ۱۹۶۳ را که به مستشاران نظامی آمریکا مصونیت می‌داد فسخ نمود. در آن زمان ما به دولت ایران گزارش دادیم که افراد نظامی ما وابسته و فرستادهٔ سفارت خواهند بود و گذرنامهٔ دیپلماتیک خواهند داشت. ایرانیها که ترتیبات را قبول کرده‌اند و هیأت ۶ نفری که بعد از اکتبر در تهران کار خواهند کرد، از لحاظ مالی توسط آمریکا تأمین خواهند شد و احتیاج به هیچ‌گونه توافق نامهٔ رسمی با دولت موقت ایران ندارد.

* برخلاف این ادعای استقلال ایران، اخیراً حرکتهای متعددی صورت گرفته که نشانگر این است که بعضی از فرماندهان نظامی مایلند که در یک حد محدودی این مناسبات از سر گرفته شود. مثل کار تدارکاتی و حمایت قطعات با آمریکا.

(به وزارت امور خارجهٔ آمریکا از ساندرز ۷۹/۱۷/۹

نوشتهٔ فوق به خوبی موقعیت قراردادها ـ نقش مستشاران را از نظر حقوقی و قرار گرفتن در قانون استعماری کاپیتولاسیون و تأثیرات انقلاب اسلامی را برای در هم پاشیدن آنها به خوبی نشان می‌دهد. «کاهش زیادی که در قسمت کارکنان مستشاری رخ داده از بزرگترین تعداد در دنیا به فقط ده نفر، ما را قادر می‌کند که فقط نقش یک مشاور تدارکات را داشته باشیم».

(۱۴ ژوئن ۷۹ از اینکلمن به فرمانده جونز ـ فرماندهٔ تجهیزات نیروی دریایی آمریکا)

***

اعتراف فوق به خوبی نشان‌دهندهٔ نفوذ فراوان مستشاران آمریکا در ارتش ایران بوده است. به طوری که در هیچ جای دنیا این نسبت مستشار آمریکایی در یک ارتش وجود نداشته است.

***

«ارتش مدتی است که مأموریتی نداشته است. اگر چه خمینی و دولت موقت به لزوم یک ارتش قوی معتقدند. ایران که داشت، به سرعت قدرت مدیریتش را به سوی خودکفا شدن توسعه می‌داد قسمت مهمی از آن (مدیریت) از بین رفته.

ایران قابلیتهای تکنیکیش را تا حد قابل توجهی توسعه داده بود. با این حال هنوز از بالاترین تا پایین‌ترین سطح در هر قسمتی وابسته به تکنیکهای خارجی می‌باشد. نه تنها تمام متخصصهای خارجی بلکه بسیاری از متخصصهای داخلی نیز ایران را ترک کرده یا لااقل جا به جا شده‌اند. جا به جایی بدون در نظر گرفتن مقام یا تخصص بوده است و دلیل آن عدم تولید است.»

(از تحلیل ارتش ایران، بدون تاریخ شماره و امضاء)

«اگر چه اساس ارتش به هم خورده و دورنمای جریانات برای باز سازی آن نامشخص است، اما نیرویی است که امتیازات قابل توجهی دارد.

ما تحول برای بازسازی در نیروی هوایی می‌بینیم، اما این مسئله قابل سؤال است که آیا رهبری جدید که به وسیلهٔ خمینی گذاشته شده، ممکن است که انگیزه‌های لازم را برای بازسازی تدارک ببیند؟

بر خلاف سازمانهای موجود در ایران، ارتش اصول، تربیت و ساخت سازمان یافته‌ای دارد، تا بتواند

www.takbook.com



بازسازی شود. چهارچوب اصلی باقی می‌ماند و بازسازی ممکن است که در مقایسه با قسمت دیگر دولت نمود پیدا کند.

این حقیقت ممکن است مسایلی را برای دولت جدید به وجود بیاورد که چگونه و در چه راهی می‌خواهد به سرعت ارتش را نیرویی تازه بدهد؟

ما معتقدیم که کمیته‌ها و ارتش در ستاد مشترک، یعنی همان سازمانی که به طور مرتب به خمینی گزارش می‌دهد واقع است. از وظایف دیگر این کمیته‌ها انتصاب یا حداقل موافقت با انتصاب تمام کارمندان ستاد، واحد فرماندهای و سرگردان ستاد می‌باشد.

چنین به نظر می‌رسد که قم انتخابات را تأیید می‌کند.

در سرویسهای ارتش ما قدرت تشخیص عملکرد این چنین کمیته‌هایی را نداریم؛ اما شواهدی از افراد کمیته را در مقر ارتش و پادگانها داریم. نیروی هوایی مدعی است، در میان وظایف دیگری که کمیته‌ها دارند، آنها مانند سگهای پاسبان عدم وفاداری به رژیم خمینی را گزارش می‌دهند.»

(از تحلیل ارتش ایران)

***

با توجه به مطالب فوق آمریکا ارتشی را که برای مقاصد خود مسلح و سازمان داده بود، می‌بیند که از دست می‌رود و کیفیت و تخصصهای آن در جهت دیگری افتاده است.

آمریکا سعی دارد که ارتش را که مشخصاً با سازمان خاصی شکل گرفته است، دوباره همانند سابق شکل دهد؛ یعنی سازماندهی و بازسازی ارتش به شکل سابق یکی از خواستهای آمریکاست. در این صورت آمریکا بنا به ضرورتی که آن نوع سازماندهی و بازسازی لازم دارد، می‌تواند در ارتش نفوذ دوباره کند. البته این عمل مکمل سیاست آمریکا با دولت موقت است که منجر به خرید وسایل نظامی، به خصوص قطعات یدکی جنگ افزارهای فراوانی است که آمریکا برای یک سازماندهی مشخص ارتش، به ایران فروخته است.

***

همچنین وجود مستشاران نظامی آمریکا در ایران و قراردادها، به خوبی کنترل شدید ارتش را به وسیلهٔ این مستشاران نشان می‌دهد و همچنین سیستم خبری و جاسوسی چنانچه آمریکا از بسیاری از جزئیات ارتش بعد از انقلاب خبر دارد.

تحلیل و بررسی وضع ارتش بعد از انقلاب چه نیروی هوایی و دریایی و چه زمینی، می‌تواند آمریکا را به ارزیابی مشخصی از ارتش هدایت کند، که در نهایت بتواند سیاست خود را در قبال ارتش تنظیم و مشخص کند.

***

از آنجایی که متن همهٔ قراردادهای نظامی در سفارت موجود نیست، فقط به متن یک قرارداد نظامی که در سال ۲۲ شمسی یعنی اوایل حکومت دیکتاتوری محمدرضای خائن با آمریکا از طرف ژاندارمری بسته شده است، اکتفا می‌کنیم.

لازم به تذکر است که این قرارداد موقعی منعقد شده است که دولت ایران زیر سلطهٔ امپریالیسم سیاه انگلیس بود و نفوذ آمریکا در ایران تازه شروع گردیده بود:

www.takbook.com



«بنابر تقاضای دولت ایران از دولت کشورهای متحدهٔ آمریکا و به استناد قانون استخدام افسران آمریکایی برای ژاندارمری، مصوب ۱۳۲۲/۷/۲۸، رئیس جمهوری کشورهای متحدهٔ آمریکا اجازه داده‌اند که هیئتی از افسران و درجه‌داران و متخصصین ارتش کشورهای متحدهٔ آمریکا که تعداد افسران آن از ۸ نفر تجاوز نخواهد نمود، به منظور اصلاح ژاندارمری بر طبق مواد ذیل منصوب شوند.

حال با ذکر چند بند مهم اکتفا می‌کنیم و بقیه را به جهت اطلاع همگان به مطبوعات عرضه می‌کنیم.

مادهٔ بیستم: وزیر کشور ایران، رئیس هیئت را به سمت مستشار وزارت کشور، عهده‌دار امور ژاندارمری به ریاست کل تشکیلات ژاندارمری دولت شاهنشاهی ایران برای مدت این قرارداد تعیین خواهد نمود، و رئیس هیئت بر همهٔ افسران ژاندارمری شاهنشاهی ایران تقدّم خواهد داشت. مشارالیه مستقیماً عهده‌دار کلیه اداره و کنترل ژاندارمری خواهد بود و حق خواهد داشت، طبق مقررات انتصاب یا ترفیع یا تنزل یا اخراج هر خدمتگزار ژاندارمری به وزیر کشور پیشنهاد و یا تصویب ایشان به موقع اجرا بگذارد و مقام دیگری حق مداخله نخواهد داشت. نیز حق خواهد داشت، هر افسر یا ژاندارم یا خدمتگزار ژاندارمری را با تصویب وزیر کشور منتقل و دوباره تعیین کند.

مادهٔ بیست و یکم: دولت ایران موافقت می‌نماید تا زمانی که این قرارداد به قوت خود باقی است افسرانی از ارتشهای خارجی دیگر یا کارکنانی از هیچ کشور دیگر برای خدمت در ژاندارمری شاهنشاهی ایران یا شعب آن که کارمندان هیئت نظامی کشورهای متحد آمریکا در آن خدمت می‌نمایند، استخدام ننماید.

مادهٔ سی‌ام: نسبت به هر یک از کارکنان این هیئت که به طور صحیح و منظم و از روی صلاحیت ثابت شود که به جرم مداخله در کارهای سیاسی کشور یا تخلف از قوانین ایران مقصر است، هیئت وزیران حق خواهد داشت مقررات این قرارداد را که مربوط به چنین کارمندی باشد، لغو نماید.

قرارداد به امضاء محمد ساعد وزیر امور خارجه و دریفوس به تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ مطابق با ۵ آذر ۱۳۲۲ شمسی وزیر مختار آمریکا رسیده است.

### دید آمریکا در مورد ارتش ایران بعد از انقلاب

«مقدار زیادی از طبقات متوسط بالا از بیگانگان متنفرند. خیلیها معتقدند که آمریکا باعث سقوط شاه گردید. در بین این گروه افرادی هستند که از فکر فوق خوشحالند و عده‌ای هم هستند که از تنفر نسبت به آمریکاییها ناراضی‌اند. در ارتش حس تنفر نسبت به بیگانه وجود دارد، در صورتی که شرایط در ایران و در ارتش بهبود نیابد، به احتمال زیاد در آیندهٔ نزدیک خطرِ احساس خیانت می‌باشد و اگر این اتفاق بیفتد رهبری ارتش در جبههٔ ضد آمریکایی خواهد بود.»

(از تحلیل ارتش ایران)

***

ترس آمریکا از ضد آمریکایی شدن ارتش به خوبی از این گفته مشخص است.

### سیاست آمریکا در قبال ارتش بعد از انقلاب اسلامی

مطابق آنچه که در مورد سیاست آمریکا در قبال دولت موقت آمده است گفته‌ایم که آمریکا سعی دارد

www.takbook.com



که با یک سیاست مسالمت‌آمیز، ایران را از نظر اقتصادی به خود وابسته نماید. این وابستگی از جهت نظامی به قطعات فنی ارتش ـ مدیریت و سیستم ارتش و آموزش آن می‌انجامد. حال جریان قطعات یدکی را از زبان تحلیلها و اسناد موجود در سفارت می‌شنویم.

***

در توصیه‌ای از طرف ساندرز به نیوسام:

«چگونه روابط نظامیان را توسعه دهیم؟ ایرانیها در مورد سپردهٔ مالیشان در مقابل فروشهای نظامی سوءظن دارند. آنها به قطعات یدکی و حفاظت تکنیکی نیازمندند؛ ولی برای مسایل سیاسی می‌ترسند که از ما تقاضا کنند. ما می‌خواهیم مسئولانه بر روی مسایل نظامی کار کنیم، تا اینکه بازرگان را قدرت دهیم و مطمئن باشیم که برای اوضاع آیندهٔ سیاسی مملکت دوستانی در ارتش داریم که ممکن است در معضلات سیاسی مملکت راهگشا باشند. برای در اختیار گذاشتن قطعات حساس به آنها مطالعه کنید و آماده باشید که قطعاتی که در سطح پایین هستند در اختیار آنها قرار دهیم.

آماده برای تحویل قطعات یدکی دستگاههای قبلی که ارزششان از ۵ میلیون دلار کمتر است باشید، و اگر ایران مایل بود قطعات یدکی را از مجاری دیگری تأمین کنید اجازه دهید که از کشورهای دوست و پیشرفتهٔ جهان سوم مثل ایتالیا قطعات یدکی هلیکوپتر را تأمین کنند.»

(از ساندرز به نیوسام ۱۴ شهریور ۵۸ از تحلیل سیاست آمریکا دربارهٔ ایران)

***

«ایرانیها به ما گفته‌اند که سیاست آنها این است که به صورت گوناگون از وسایل نظامی آمریکا حمایت کنند. ما به آنها جواب دادیم که در اساس هیچ گونه ایراد و اشکالی دیده نمی‌شود که از وسایل نظامی اروپایی که کار آنها بر طبق قانون کار و سیاست ماست استفاده شود (ما فقط به چیزهایی که خودمان تهیه خواهیم کرد اجازه خواهیم داد). ما همچنین یادآور خواهیم شد، که امکان دارد عملاً مسایلی پیش آید. موانعی واقعی برای تعدد حمایت وجود دارد. ما امیدواریم که متفقاً موافقت شود که همگی ما تا آنجا که می‌توانیم ارتش ایران را تقویت و گسترش دهیم که کلیدی باشد برای آیندهٔ ما.»

(از تحلیل قوهٔ ابتکارات سیاسی ـ سرّی و حساس مهر ۵۸)
(شمارهٔ ۳۰۳۱۳)

***

«بسیاری از سرهنگها و کارمندان با تبلیغات ضد آمریکایی مخالفند؛ ولی بسیاری از آنها فاقد شهامت هستند. مشکل بتوان فراموش کرد که خمینی سران ارتش را از بین برده است از سوی دیگر، البته، سرهنگها و کارمندان اهمیت تکنیک آمریکایی در ارتش را تشخیص داده‌اند و اینکه در صورت کمبود قطعات یدکی چه اتفاقی خواهد افتاد، مهم نیست که چه اتفاقی می‌افتد، ما باید این موضوع را در نظر بگیریم که تحول و اصلاح ارتش و چگونگی مسلح شدن آن، احتیاج به فراگیری تکنیکهای جدید ارتشی دارد و در هر صورت مهم است که رابطهٔ طبیعی بین ما و فرماندهان ارتش وجود خواهد داشت.»

(از نامهٔ مهم لینگن کاردار سفارت به برژینسکی مشاور امنیتی کارتر یک هفته قبل از اشغال سفارت ۲۸ اکتبر ۷۹).

در اینجا به خوبی هدف آمریکا از سازماندهی ارتش به طریق قبل و به شکل آمریکایی، آن چنان که

www.takbook.com



وابسته به قطعات یدکیِ تجهیزات و مدیریت آمریکایی داشته باشد، به خوبی روشن می‌شود.

طبیعی است که با این سیستم حتماً احتیاج به نظارت افراد آمریکایی خواهد داشت.

و طبیعی است که با این شکل ارتباط آمریکایی‌ها با سران ارتش و افراد دیگر ارتش امری است طبیعی، و سیستم ارتش کاملاً در کنترل آمریکا در خواهد آمد.

جملهٔ رابطهٔ طبیعی بین ما و فرماندهان ارتشی حاکی از این واقعیت است که در یک سیستم وابسته به آمریکا، چه از نظر سازماندهی و چه تجهیزات این امر یعنی قابل کنترل بودن فرماندهان ارتش، امری است طبیعی، و هدفی است که آمریکا می‌خواسته است با وابسته کردن ارتش ایران کنترل آن را در دست بگیرد. البته این مهم را در بلند مدت به دست می‌آورده است.

همچنین آمریکا روی دوستانش در ارتش حساب زیادی می‌کند تا بتوانند در سایهٔ سیستمی که وابستگی فنی و تشکیلاتی به آمریکا دارد، عملیاتی به نفع آمریکا در ایران انجام دهد و ارتش سازمان یافته به طریق آمریکایی را کلیدی برای آیندهٔ خود می‌بیند. آیا آینده‌ای غیر از سلطهٔ دوبارهٔ سیاسی ـ اقتصادی نظامی و فرهنگی آمریکا برای ایران برایش متصور است؟

***

چنان که دوباره تأکید می‌شود که:

«درجه و نقشی که ارتش در حل مسایل ملتها خواهد داشت، بستگی زیادی به اطمینان دولت جدید انتخاب شده و رهبری ارتش به همدیگر دارد. مهمترین عوامل برای بازسازی، روابط خارجی با غرب و کمکهای تدارکاتی (لجستیکی) نظامی می‌باشند. موقعیتهای دلخواه در هر دو سطح ممکن است که تنها یک کار توسعه یافتهٔ جدید را برای بازسازی، بلکه برای تحت تأثیر قرار دادن افسران مبنی بر اینکه غیر متعهد و غیر دوستانه نسبت به غرب نباشند، تدارک ببینند. یک موقعیت متضاد دیگری ممکن است روی دهد که از یک سیاست خارجی ضد غربی حمایت کند؛ یا سرانجام شبیه ارتش دولت قذافی را نتیجه دهد».

(از تحلیل ارتش ایران)

***

در بالا به خوبی حساب آمریکا به روی ارتش و سعی در سازماندهی آمریکایی آن و جلب عناصر ارتشی به غرب و ترس از دست رفتن این پایگاه به خوبی روشن است.

***

«با توجه به احتیاج ایران به قطعات یدکی و احتیاط سوءظن‌دار ایران در مورد سپرده‌های فروشهای نظامی در آمریکا، ما باید مسئولانه عمل کرده و بازرگان را قدرت بدهیم و مطمئن باشیم که در آینده در ارتش ایران دوستانی خواهیم داشت که می‌تواند معضلات سیاسی مملکت را راهگشا باشد.

(محرمانه ۱۴ شهریور ۵۸ از ساندرز به نیوسام)

«ما باید به ادارهٔ تبادلات اطلاعاتی با ایرانیان ادامه دهیم. زمانی که این تبادلات عملی شد، جستجو را برای به کار گرفتن افسران نظامی ایران برای داخل شدن در یک امتحان، از تهدید نظامی آغاز کنید.»

«یکی از شماره‌های سندی تحت عنوان سیاست ایران (توصیه‌های خلاصه شده در مورد مسایل ایران)

www.takbook.com



«۱۶ـ مسئله تحویل قطعات یدکی و روابط برقرار کردن با ارتشیهایی که تمایلات آمریکایی شدید دارند.»

(از لینگن به وزارت امور خارجه واشنگتن ۲۹ مرداد ۵۸

ما با توانی که هم‌اکنون در بازدید و جمع‌آوری اطلاعات از پایگاهها داریم، به خصوص به خاطر از دست دادن رابطه‌های نامحدود مستشاری، قدرت اطلاعاتی ما بشدت لطمه دیـده است. (از سـفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجهٔ واشنگتن

تاریخ ۲۵ ژولای ۷۹)

آزادی رفت و آمد و سرکشی به تأسیسات و پرسنل نیروی هوایی جمهوری اسلامی، به طور خیلی فجیعی محدود شده است و شک هست، که آمریکاییها بتوانند از پایگاهها دیدن کنند. بجز پایگاه مهرآباد و دوشان تپه که تا قبل از ماه مه ۱۹۸۰ می‌توانند مورد بازدید قرار گیرند.

بیشتر اطلاعات که لازم است، بستگی به این دارد که مستشاران نظامی چگونه بتوانند روابط خود را با نیروی هوایی جمهوری اسلامی برقرار کنند.

(از تهران به واشنگتن، گزارشگر Gillette ۲۹ ژولای ۷۹)

***

اگر چه رابطه با وابستهٔ (Prc) ایجاد شده است، اما تجربه تا این تاریخ نشان داده است که در بهتر شدن جمع‌آوری اطلاعات ما هیچ تغییری نکرده است.

(از تهران به واشنگتن، گزارشگر Gillette ۱۵ ژولای ۱۹۷۹)

***

در این نامه به دو سؤال که از طرف واشنگتن شده است، پاسخ داده می‌شود.

۱ـ آخرین خبر نسبت به مذاکرات صلح در کردستان را بگویید؟

۲ـ هم اکنون نقش ارتش و پاسداران در کردستان چیست؟

در پاسخ به سؤال اول تقریباً اخبار معمولی است.

در پاسخ به سؤال دوم به قول چندین منابع مختلف نقل می‌کند، که کردها با ارتش بسیار خوب هستند و پاسداران را بشدت می‌کشند. ارتش نیز وقتی بر فراز کوهها برای سرکوبی می‌رود، به جای اینکه به کردها بزند عمداً به کوه و سنگ و بیابان می‌زند. وقتی ارتشیان و پاسداران به گروگان گرفته می‌شوند، ارتشیان آزاد می‌گردند و پاسداران اکثراً مثله می‌شوند و فقط ۲ تا ۳ نفر را آزاد می‌کنند تا جریان را برای دیگران تعریف کنند. از قول یکی از افسران زمینی که از منابع بسیار قابل اعتماد سفارت نیز هست، این بار پیام خود را به وسیلهٔ یکی از اقوامش به سفارت رسانده و گفته که پاسداران همراه با ما به گشت مشغول هستند، ولی کردها مهارت خاصی در کوهها دارند.

(از سفارت آمریکا در تهران به واشنگتن تاریخ ۱۲ اکتبر ۷۹)

***

با توجه به دو سند فوق، نفوذ جاسوسی آمریکا را در مورد ارتش، روشن می‌کند که شبکهٔ اطلاعاتی و جاسوسی سفارت به خوبی در ارتش عمل کرده و گزارشات لازم را جهت جمع‌بندی و شناخت سفارت از موقعیت ارتش به مسئولین سفارت می‌رسانند. کوشش فراوان سفارت برای ارتباط نزدیک و مشاهدات

www.takbook.com



عینی از پایگاههای هوایی، نشان از اهمیت نفوذ و حضور مستقیم آمریکا در ارتش ایران است.

وجود افسرانی که به نفع آمریکا به جاسوسی مشغولند، می‌تواند اطلاعات مفیدی را به آمریکا برساند. با توجه به همهٔ تحولات انقلابی در ایران، آمریکا هنوز سعی دارد از طریق سفارت و مهره‌های سرسپردهٔ آمریکا در ارتش جزئیات را زیر نظر دارد.

هیچ توصیف دقیق و مشخصی برای کاری که ما اینجا انجام می‌دهیم، وجود ندارد. ماهیت موقتی ارتش اجازه نداده که نظم ارتشی در مستشاری پیاده شود. ما به طور اساسی نسبت به درخواستهای متغیر IIN تطبیق خود را حفظ کرده‌ایم و به طور مناسب جواب گفته‌ایم؛ هیچ تماس نیروی دریایی وجود ندارد و تفاوت بین قسمت نیروی دریایی و دفتر دفاعی DAO گاهی اوقات مبهم است. به حدی که نوشته‌های ما بیشتر جنبه خلاصه‌های اطلاعاتی دارد تا گزارشات عملیاتی یا تدارکاتی. ما همچنین امیدواریم با سایر افسران وابسته دفاعی نیروی دریائی در اروپا اطلاعات رد و بدل کنیم یک کاری که بطور عادی وظیفه (دفتر دفاعی است. هر چند ما سعی می‌کنیم از سیاست دور باشیم و فقط در زمینهٔ نظامی عمل کنیم. کسانی که الان وارد می‌شوند یا پاسپورت دیپلماتیک می‌آیند. آنهایی از ما که قبلاً سعی کردند ولی موفق نشدند پاسپورت بگیرند حالا از طریق واشنگتن در شرف گرفتن آن هستند. با رد قطعنامهٔ ژنو از طرف ایران موضوع دیپلماتیک یک امر الزامی است. ما رسماً به عنوان کادر مشورتی و تکنیکی سفارت کار می‌کنیم و Maag (که همان مستشاری است) وجود ندارد.»

(R.A.Enjlman به فرمانده جونز ۱۴ ژوئن ۷۹)

***

با توجه به سند فوق و اطلاعاتی که از عملکرد و وجود مستشاری آمریکا در ایران در سالهای بین ۳۴ تا ۵۷ داریم، می‌دانیم که مستشاری مستقلاً با ایران قرار داد می‌بسته و مستقلاً در ارتش ایران مدیریت طراحی و حتی فرماندهی می‌کرده است؛ و ارتش را به سیستم آمریکا و برای مقاصد آمریکا سازمان داده و رهبری می‌کرده‌اند.

همچنین خرید سرسام‌آور تسلیحات فوق مدرن ارتش به وسیلهٔ ایران با نظر و توسط همین مستشاری تهیه می‌شده است.

اما بعد از انقلاب، دولت موقت وجود مستشاری را که لغو حاکمیت ملی ایران بود، نپذیرفت و قراردادهای آنها را لغو نموده آمریکا برای حضور مستشاری خود در ایران که به نام Armisn Maag معروف است دست به فریب جدیدی زد و دفتری به نام دفتر دفاعی یا دفتر امنیتی در سفارت تأسیس نمود که جنبهٔ دیپلماتیک داشت و مشاور فنی و نظامی سفارت به حساب می‌آمد؛ لذا طبق قوانین بین‌المللی برای آنها پاسپورت دیپلماتیک گرفت و آنها می‌توانستند با برخورداری از مصونیت دیپلماتیک به کارهای مستشاری و جاسوسی و کنترل ارتش و همچنین مشاوره در امور خرید و ارائه و پیشنهاد قطعات ضروری تسلیحات ارتش مشغول باشند. لذا کوشش سفارت برای این است، که افراد مستشاری خود را که در زمان رژیم شاه خائن از پاسپورتهای عادی یا خدمت استفاده می‌کردند، با پاسپورت دیپلماتیک به ایران وارد شوند، تا بتوانند به راحتی فعالیت کنند. رئیس خائن مستشاری آمریکا در زمان رژیم ژنرال سه ستاره نیروی هوایی گست بوده است که بعد از انقلاب هم گاهی به ایران می‌آمده. بعدها یک نفر افسر نیروی زمینی به نام سرهنگ چارلز سی اسکات را که جزء گروگانهاست، به عنوان رئیس مستشاری و

www.takbook.com



تحت پوشش رئیس دفتر دفاعی به ایران می‌فرستد و قبل از آن طی برنامهٔ دقیق و حساب شده، وی را در ساختمانهای CIA در اروپا و واشنگتن دوره‌های مخصوص اطلاعاتی را راجع به وضع ایـران تـعلیم می‌دهند.

***

«سرهنگ اسکات در ۱۶ سپتامبر (۲۵ شهریور ۵۸) به سفارت آمد و به عنوان رابط دفاعی و به جای ژنرال گست، مشغول به کار شد.

**مستشاری نظامی**

او قبلاً در سمت معاونت وابسته نظامی در ایران کار کرده است و زبان فارسی را به خوبی می‌داند. او با توجه به سابقهٔ اقامتش در تهران روابط و افراد زیادی در ارتش ایران دارد و این افراد می‌توانند در پیشبرد مأموریتش مفید واقع شوند؛ به علاوه او شخصی با تجربه و حساس است که با سیاست نیز آشنایی دارد و به همکاریهای گروهی اعتقاد دارد، اهمیت این خصوصیات در این است که او قادر خواهد بود روابط نظامی ایران و آمریکا را براساس جدید استوار سازد.

(از لینگن به ژنرال وای هینک ۲ آبان ۵۸، ۲۴ اکتبر ۷۹)

... ما درهای ضد گلوله و پنجره‌های نیمه شنی و تمام این البته بعد از اینکه محوطه در فوریه تسخیر شد، سفارت هنوز هدف تظاهرات اخیر است. ما فقط برمی‌گردیم به هیلتون و می‌گذاریم مردم به یک محوطهٔ خالی شعار بدهند. ما هفته‌ای ۷ روز کار می‌کنیم و تظاهرات موقع استراحت است. ما بـرای خودمان حکومت نظامی ساعت ۱۰ اعلام کردیم، ولی همه عموماً قبل از تاریکی، خانه هستند. در طی روز به ندرت خبری می‌شود و می‌توانی به راحتی در خیابانها راه بروی، رستوران بروی و جلب توجه نکنی، ولی البته تهدید دائماً به جان آدم می‌شود.»

(R.A.Englman به فرمانده جونز ۱۴ ژوئن ۷۹)

با توجه به نقش دفتر دفاعی و مستشاری آمریکا در ایران به سند زیر که اهداف آن را مشخص می‌کند توجه می‌کنیم.

***

«سه نفر از قسمتهای مختلف نیروی دریایی در حال حاضر اینجا هستند: فرمانده Gerry Higbee برای F_۱۴ (در قسمت نیروی هوایی آمریکا خدمت می‌کند)، فرمانده Donshorer به عنوان رییس قسمت نیروی دریایی و خود من به عنوان Fms/Loglsties در نیروی دریایی آمریکا. ما در حال حاضر دو هدف داریم اول: برقراری ارتباط با نیروی دریایی جدید اسلامی که سعی می‌کند تا پس از انقلاب هماهنگ شوند. قصد ما نه تنها شناسایی مهره‌های اصلی است، بلکه می‌خواهیم گفتگو را با آنها شروع کنیم تا سرانجام این گفتگوها منجر به حمایت تدارکاتی برای نیروی دریایی اسلامی شود.

هدف دوم آن است که به دفتر کار رؤسای نیروی دریایی دوباره وارد شویم و پرونده‌ها و وسایل انتشارات و غیره را که در دورهٔ تخلیه کردن مانده بود، پس بگیریم.

پیشرفت ما در این مورد تاکنون خیلی آرام و آهسته انجام شده، ما اغلب رئیس موقت نیروی دریایی اسلامی ایران را ملاقات می‌کنیم، ولی حتی رئیس آنها هم تاکنون قادر نبوده ما را به جای قدیمی خودمان

www.takbook.com



ببرد. نیروی دریایی اسلامی ایران هنوز یک سازمان ارتشی مشخص ندارد (همین طور دربارهٔ ارتش و نیروی هوایی تا موقعی که به این صورت عمل شود خیلی کم می‌توان از آنها در جهت تصمیم‌گیری انتظار داشت).

این نیروها هنوز تحت تأثیر نفوذ کمیته‌ها هستند و برای هر کار اجرایی عاجز و ضعیفند.

سرانجام ماهیت روابط آیندهٔ مستشاری (MAAG) نیروی دریایی با نیروی دریایی اسلامی ایران احتمالاً همان ماهیت یک FMS/Logestios خواهد بود. (یعنی مشاور و پیشنهاد قطعات لجستیکی از خودمان است).

(از R.A.Engdan به فرمانده جونز فرمانده تجهیزات نیروی دریایی ۱۴ ژوئن ۷۹)

## فراریان خارج از کشور

### بخش ۸

«در تماس‌هایی که با تبعیدیان ایرانی در اروپا داریم، خیلی الزامی است که هیچ گونه اثری که نشانگر آن باشد که دولت آمریکا همه مداخله در جریانات داخلی ایران را دارد، یا اینکه با گروههایی که علیه دولت جدید ایران نقشه می‌کشند همکاری می‌کند، باقی نماند.

نهاوندی خود را یک سلطنت خواه ولی نه یک شاه پرست، توصیف کرد. او گفت فکر می‌کند که مراجعت شاه غیر ممکن است. اما بهترین فرم حکومت در ایران روش پارلمانی شاهنشاهی بریتانیایی می‌باشد. او تصمیم دارد که در پاریس بماند و امیدوار است که دوباره یک نیروی هسته مخالفی را در اطراف خودش جمع آوری کند. (سند اول) او گفت که به خاطر پیوستن مهاجرینی که جرأت فعالیتهای باز را داشته‌اند، یک کمیته به نام آزادی ملی، جدیداً شروع به کار خواهد کرد.

***

در مورد نهاوندی توضیح می‌دهند که:

او هر طوری که الآن خودش را تعریف کند، باز هم او یک سیاستمدار فرصت طلب. است او از چاپلوس‌ترین افرادی بود که شاه را از نزدیک در سالهای اخیر کمک کرده است و مورد تنفر شدید همکاران خود و اکثر ایرانیان می‌باشد. ما با توجه به این وضع شانس کمی در متمرکز شدن نیروهای مخالف رژیم کنونی در اطراف این شخص می‌بینیم.

(۱۳ اوت ۷۹ از مقالهٔ کوشش برای کودتا در ایران)

***

خیلی از تبعید شده‌های خارج دوست دارند که رژیم سرنگون شود، ولی متشکل نشده‌اند. ما معتقدیم که بختیار هم از نظر وجههٔ سیاسی در ایران موفقیتی ندارد.

من خاطرنشان کرده‌ام که پشتیبانی خود را از بختیار کرده‌ایم.

***

ما اعتقاد داریم که بختیار و مخالفان دیگری که در خارج هستند، در حال حاضر هیچ‌گونه قولی که برای نفوذ در آیندهٔ سیاسی است قبول نمی‌کنند. ما تصمیم گرفته‌ایم که از هر گونه تماسی با این گروهها خودداری کنیم، که امکان دارد باعث درک از تأیید سیاست ما شود. (به سیاست ما پی برده شود)

www.takbook.com



(از تحلیل قوه ابتکار سیاسی سرّی حساس مهر ۵۸)»

ظاهراً به دلیل بی‌کفایتی فراریان خارج از کشور و نداشتن تشکیلاتی، که بتوانند بر علیه ایران اقدام کنند، آمریکا حساب زیادی در حال حاضر برای آنها باز ننموده، ولی همیشه آنها را به عنوان یک نیروی بالقوه به حساب می‌آورد.

افرادی نظیر نهاوندی، که به اصطلاح یکی از متفکرین رژیم شاه بوده است، نیز نمی‌تواند اعتماد سیاسی امپریالیسم آمریکا را به خوبی جلب کند.

آنها حتی به حرکات خائنانهٔ بختیار در فرانسه بر علیه ایران نیز امید چندانی ندارند. ولی در عین حال از آنها حمایت می‌کنند.

خلاصه اینکه در حال حاضر فراریان خارج از کشور نمی‌توانند بالفعل بر علیه انقلاب عمل نمایند؛ ولی هدف آمریکا از دادن امکانات و تجهیز آنها برای مقابله با ایران و ایجاد جو تبلیغاتی بر علیه انقلاب در خارج کشور است و از آنها غافل نیست و به عنوان یک نیروی بالقوه مد نظرش می‌باشد.

**روحانیت ـ دادگاه‌های انقلاب اسلامی**

**بخش ۹**

**روحانیت**

دستهٔ اول روحانیونی که در مقابل آمریکا سرسخت بوده و آمریکا نتوانسته است نظر آنها را به خود جلب نماید. «(هنوز رهبران سیاسی به خصوص روحانیون در گفت و گو با ما دلسردند).

... هنوز این مقاومت در بعضی از رهبران سیاسی مخصوصاً روحانیون وجود دارد که از صحبت و مذاکره با آمریکا کناره می‌گیرند.

خمینی و روحانیت در قدرت هستند و خمینی می‌خواهد فرهنگ اسلامی را جانشین فرهنگ غربی بکند.

یک تحلیل از ساخت قدرت در ایران بعد از انقلاب، خمینی و دیگر آیت‌الله‌ها را در رأس می‌گذارد و به همراه دیگر روحانیون شیعه که برای مجلس انتخاب شده‌اند، که اکنون در حال تدوین قانون اساسی است و سپس نوبت ملاهایی می‌رسد که در داخل دولت موقت، دادگاههای انقلاب، کمیته‌ها و تشکیلات شبه نظامی قرار دارند و در پایان ملاهای ساده جای می‌گیرند که به توده‌ها در دهات و شهرها خدمت می‌کنند، که پشتیبانی متعصبانه آنها بزرگترین منبع قدرت خمینی و آیت‌الله‌ها می‌باشد.

اگر ایران از نظر ما مهم می‌باشد، منافع خودی به ما می‌فهماند که مقدار زیادی ناراحتی را تحمل کنیم و یاد بگیریم که به طور مؤثری با ملاهای مجاهد، پاسداران و حتی فداییان خلق تماس برقرار کنیم.

اگر خمینی بمیرد، نفوذ روحانیون کم خواهد شد ولی از بین نخواهد رفت، در صف روحانیون کسانی هستند که می‌توانند با غیر روحانیون متشکل شوند.

(از طرف روابط عمومی سفارت آمریکا در ایران به آقای R.T.Curran و آژانس بین‌المللی ارتباطات بین‌المللی آمریکا واشنگتن)

تاریخ ۴ اکتبر ۷۹ مهر ۵۸

دسته دوم از روحانیت: روحانیت میانه‌رو (سازشکار) که آمریکا توانسته بود با بعضی از آنها ملاقات

www.takbook.com



کنند.

***

«... البته یکی از دلایل مخالفت رهبران مذکور با خمینی، شاید وحشت آنها از افکار عمومی است؛ زیرا که آنها از دولت باج می‌گرفتند و سالها زیر سایهٔ دولت هویدا امرار معاش کرده‌اند. به عبارت دیگر ملاهایی هستند که احتمالاً قبلاً با خمینی کار می‌کردند امروز با دولت سازش کرده و باج می‌گیرند.

چند روز پیش معاون سنا Abtin در تماسی که با رایزن امور سیاسی سفارت گرفته، گفت که آیت‌الله میلانی (که از نفوذ زیادی در مشهد برخوردار است و حداقل دوبار در داخل کشور تبعید بوده) از دخالت در اوضاع نگران بوده و اظهار امیدواری کرده که شاه کشور را ترک نکند.»

(گزارشگر Lambrakis امضاء سولیوان شمارهٔ ۰۰۴۷۱ تاریخ اول سپتامبر ۷۹)

«آیت‌الله (شریعتمداری) در رابطه با روابط آیندهٔ ما بین ایران و آمریکا خیلی مهربان و خوشبین بود او قدردانی خود را از کمکهای آمریکا در گذشته اظهار داشت و متذکر شد که ایران همان اندازه محتاج به فروش نفت است که آمریکا محتاج به خرید آن و خاطرنشان ساخت که ساخت ایران برای محفوظ ماندن در مقابل شوروی به کمک آمریکا احتیاج دارد. انتقادات فعلی از آمریکا از این عقیده غلط که آمریکا در امور داخلی ایران دخالت می‌کند سرچشمه می‌گیرد. این مشکل می‌تواند به طور کامل رفع شود و روابط خوب ایران و آمریکا بر پایهٔ احترام متقابل می‌تواند دوباره برقرار شود.

شریعتمداری اظهار داشت که او نه دولت بختیار را تأیید کرده و نه تکذیب، ابهاماتی چند که در برنامهٔ بختیار در رابطه با معنی سوسیالیزم در عبارت سوسیال دمکراسی و همچنین از نظرات دولت بختیار نسبت به عملیات حزب توده وجود دارد. باید و ضروری است که ابهامات کاملاً رفع شود و اکیداً هماهنگ با قانون اساسی عمل کنید.

نظریه: شریعتمداری آشکارا از دیدن شخصی از جانب دولت آمریکا خوشحال بود. موضعش کاملاً منطقی و مساعد (موافق برای همکاری) بود.»

(محرمانه شمارهٔ ۰۵۱۳ تاریخ ۱۰ ژانویه ۷۹ از سفارت آمریکا در ایران به وزارت امور خارجهٔ آمریکا ـ فوری ـ فوری ـ سولیوان)

**دادگاهها:**

«... عموماً جو منفی که دادگاههای انقلاب در آمریکا به وجود آورده‌اند مطرح کرده (کاردار لینگن) او جریان فلاحی را عنوان کرده، همین طور جیمز الکساندر شری، شیبانی و دکتر رضا امینی به عنوان نمونه‌هایی از رفتاری که آمریکاییها نمی‌توانند درک کنند. کاردار گفت که ما نمی‌خواهیم در امور داخلی ایران دخالت کنیم ولی ما به خاطر زمینه‌های حقوق بشر نسبت به این مسایل نگران هستیم، چون این افراد یا تبعه و یا ارتباطی با آمریکا داشته‌اند.

دادگاههای انقلاب به راحتی کار خود را با صدور احکام مرگ ادامه می‌دهند. سه اعدامی که در روز ۱۲ مارس انجام گرفت، کاملاً متکی به زمینه‌های سیاسی بود. ۱۱ تن از افراد همکار در حکومت شاه در ۱۳ مارس اعدام شدند. محمود جعفریان سرپرست سازمان خبرگزاری پارس و معاون رادیو تلویزیون در رژیم پهلوی و تئوریسین حزب رستاخیز که متهم به سانسور کردن اخبار بوده است، که احتمالاً منجر به

www.takbook.com



سقوط رژیم پهلوی می‌شده است.

بنا به گفته یک منبع نزدیک به کمیته‌های انقلاب، توضیح مختصری در مورد وحشیگریهای جاری مربوط می‌شود به این حقیقت، که تقریباً همهٔ روحانیون مسئولِ محاکمه افراد دولت سابق، افسران نظامی و پلیس که دستگیر شده‌اند، خودشان تحت بدرفتاری بوده‌اند، بنابراین طرز تلقی آنها عموماً انتقام‌جویانه می‌باشد.

آنها هیچ‌گونه توجهی در مورد حساسیت بین‌المللی موضوعات قضایی نمی‌کنند. ایرانیانی هستند که توجه به نکات قانونی می‌کنند، که شامل نخست وزیر مهدی بازرگان که یک عضو کمیته دفاع از حقوق بشر و آزادی می‌باشد وی از شیوهٔ اجرایی عدالت انقلاب شرمگین است.

(در توصیه به وزارت خارجهٔ آمریکا از طرف سفارت آمریکا در ایران)

با توجه به اطلاعاتی راجع به اعدامها و آزادی زندانیان، که ما با دولت موقت مرتب صحبت کرده‌ایم، شما برای بررسی مسایل حقوق بشر تأکید کنید و آن را ادامه دهید که شامل خارجیان برجسته و ممتاز جهان سوم باشد، که بتواند اثر خود را خوب بگذرد.

**سیاست آمریکا در رابطه با روحانیت**

... هنوز رهبران سیاسی، به خصوص روحانیون در گفتگو با ما دلسردند.

«هیچ یک از این گروهها (مقصود گروهها و جریانات سیاسی مخالف رژیم ایران است). به واسطهٔ قدرت نابودکننده‌ای که در دست روحانیون قرار دارد، جرأت درگیری ندارد؛ چراکه روحانیون از حمایت بی‌دریغ توده‌ها برخوردارند.

(محرمانه، از روابط عمومی سفارت در تهران به آقای Curran مهر ۵۸)

... روابط عمومی با کمک آمریکا تکالیفی را برای دانشجویان ایران در آمریکا که امکان دارد، یک رابطه با روحانیون محافظه‌کار برقرار کنند، در نظر گرفته‌اند.

(از مقاله روانشناسی ایران)

ما می‌خواهیم در عرض این مدت سوءظن رهبران مذهبی را برطرف، و تا جایی که ممکن است با آنها طرح دوستی بریزیم.

ما می‌خواهیم برای ایرانی کار کنیم که میانه‌رو باشد و ناسیونالیستها مخالف مذهب و روحانیت تسلط بیشتری در ادارهٔ مملکت داشته باشد.

ما باید بر روی مردی که عمیقاً از آمریکا متنفر است و غربزدگی ایرانیها را بد می‌داند، ریسک کنیم. بنابراین باید مواظب باشیم که نزدیک شدن به خمینی و روحانیون، به قیمت از دست دادن دوستان غیرمذهبیمان تمام نشود.

آژانس ارتباطات بین‌المللی آمریکا بیشترین سعی خود را برای هر چه بهتر شدن پیوند ایران و آمریکا گسترش دهد. برای مثال اشخاص مهم که بتواند با رهبران مذهبی و غیر مذهبی ملاقات کنند.

* اگر ایران از نظر ما مهم می‌باشد منافع خودی به ما می‌فهماند که مقدار زیادی ناراحتی را تحمل کنیم و یاد بگیریم که به طور مؤثری با ملاهای مجاهد، پاسداران و حتی فداییان خلق تماس برقرار کنیم. البته با احتیاط برای احتراز از شناخته شدن با آنها یا هر حزب و گروه دیگر.

www.takbook.com



*... باید سعی خود را برای برقراری تماس با روحانیون و چپگرایان بدون در نظر گرفتن عواقب آن افزایش دهیم. البته درک می‌کنیم که ما برای برقراری تماس با این گروهها آماده نیستیم و آمریکاییهایی که مورد تأیید این گروهها هستند؛ مثل جیس آندرو یانگ، که نمی‌توانند معرف نظریات ما باشند.

(از روابط عمومی سفارت به کوران ـ مهر ۵۸)

اکتشاف امکاناتی جهت تعیین و پرورش متخصص مذهب اسلام جهت پلهای رابطی بین Nea و رهبری اسلامی شکل مستقیم و همکاری با ICA و کارمندان وزارت امور خارجهٔ آمریکا.

(از Curran به ساندرز ۴ اکتبر ۷۹ مهر ۵۷)

منصور اقبال (تاجر تحصیلکردهٔ آمریکا که از فرزندان خانوادهٔ اقبال می‌باشد) بر این مسئله که رهبران میانه‌رو از موقعیتی که خمینی برایشان به وجود آورده سخت عصبانی‌اند، تأکید کرده و گفت که البته راه چاره‌ای نمی‌بینند و می‌گفت که به آنها فشار آورده است که نزدیکی بیشتری با آمریکا بکنند، چون در هر صورت بدون حمایت از دو ابرقدرت جهان، نمی‌شود امید داشت.

(شماره ۰۰۴۷۱ تاریخ اول سپتامبر ۷۹ گزارشگر Lambrakis)

امضاء سولیوان

Abtic گفت که میلانی (آیت‌الله میلانی در مشهد در زمان رفتن شاه تا آمدن خمینی) درصدد بوده که با سفارت تماس بگیرد و ما سعی می‌کنیم که این کار به شیوهٔ ایرانی صورت بگیرد.

***

وی (مهدی روغنی) به علت رابطه‌اش با امام خمینی می‌تواند منبع اطلاعاتی مفیدی از اطرافیان خمینی باشد.

(محرمانه ماه مه ۷۹ امضاء ناس)

***

و همچنین آمریکایی‌ها طرحهایی داشتند که با یک تبادل فرهنگی ـ علمی که به وسیلهٔ ICA اجرا می‌شود، تبادل دانشجو با حوزهٔ علمیه قم، به خصوص فیضیه نمایند و فردی را در فیضیه داشته باشند، که بتوانند منابع اطلاعاتی و تحلیلی خوبی از روحانیت و عملکرد آن داشته باشند.

***

ملاقات آمریکاییها برای جلب همکاری و ایجاد تفاهم با روحانیون میانه‌رو مذهبی.

او (شریعتمداری) خاطرنشان ساخت ایران برای محفوظ بودن در مقابل شوروی به کمک آمریکا احتیاج دارد. انتقادات فعلی از آمریکا از این عقیده غلط که آمریکا در امور داخلی ایران دخالت می‌کند، سرچشمه می‌گیرد. این مشکل می‌تواند به طور کامل رفع می‌شود...

(در ملاقات سوم اردیبهشت ۵۸ شمارهٔ ۴۲۵۳ از سفارت وزارت امور خارجه آمریکا)

شریعتمداری فوری با بیانات کارمند سفارت در مورد تهدید و حملات ارتش موافقت کرد. او نگرانی و درک عمیق خود را در این مورد که ارتش خروج شاه را نمی‌پذیرد، نشان داد و با توجه به شایعاتی در این مورد که آنها با شاه توطئه چیده‌اند تا آشوبهایی ایجاد کرده و باعث سقوط دولت ملی (بختیار) شوند و در نتیجه بازگشت شاه را به قدرت ممکن سازند، به او مکرر پیشنهاد می‌کرد که آمریکا هر چه در توان دارد به کار گیرد تا از این امر جلوگیری کند.

www.takbook.com



(محرمانه شمارهٔ ۰۵۱۳ تاریخ ۱۰ ژانویه ۷۹ از سفارت آمریکا در ایران وزارت امور خارجه فوری ـ فوری ـ سولیوان)

در طول بازدید اخیر مأمور سیاسی از مشهد عصر روز ۲ اکتبر ۷۹ ملاقاتی با آیت‌الله حاج حسن طباطبایی قمی صورت گرفت. پسر او قبلاً از سفارت دیدن کرده بود و گفته بود که پدرش خوشحال می‌شود که نمایندهٔ سفارت را به حضور بپذیرد.

... مأمور سیاسی تشریح کرد که او از طرف کاردار اظهار ادب کرده و تولد امام هشتم را تبریک می‌گوید. آیت‌الله از این ملاقات تشکّر کرد و آرزوی خوبی نمود. او سپس بیان کرد که امیدوار است که ملتهایی که خداوند قدرتهای بزرگ را به آنها اعطاء کرده از قدرت خود به نفع مظلومان و نه برای ظالمان استفاده کنند. آیت‌الله ادامه داد که این برای او غمگین کننده است که ببیند قدرت بزرگی مثل آمـریکا قدرتش را در حمایت از اسرائیل به کار برده که در لبنان و فلسطین به مسلمانان ظلم می‌کند.

... مأمور سیاسی در قسمتی دیگر از گزارش

***

در ملاقات نمایندگان با آیت‌الله قمی وی به یکی از نمایندگان به طور خصوصی گفته است که خمینی می‌توانست در پاریس زیر درخت سیب بنشیند و حکم بدهد. در حالی که سایر رهبران که در صحنه بودند، باید زحمت می‌کشیدند و خونریزیها و رنجهایی را که پیروانشان متحمل می‌شدند را تسکین می‌دادند. در بدترین روزهای زد و خورد در مشهد، اجساد شهدا در منزل آیت‌الله قمی جمع می‌شد تا آنها را شسته و مخفیانه دفن کنند. قمی افزود: برای جلوگیری از کشتار او مجبور بود با مسئولین تماس بگیرد. آیت‌الله قمی پرسید: «در طی این همه، خمینی کجا بود؟»

(از لینگن به وزارت امور خارجه اکتبر ۷۹)

***

با توجه به سرسختی روحانیت در مقابل آمریکا و امپریالیسم و دوری جستن آنها، از آمریکا، آمریکا سعی دارد که به هر صورت در روحانیون نفوذ کرده و برای این کار روحانیون محافظه‌کار را انتخاب نموده است که در بعضی از موارد همانند اسنادی که در بالا وجود دارد توانسته است در ملاقاتها نظر آنها را به خود جلب نماید. طرح برنامه و شیوه‌های مختلف فرهنگی و سیاسی و جاسوسی، تلاش فراوان آمریکا را برای این موضوع به خوبی نشان می‌دهد.

## فعالیتهای آژانس ارتباطات بین‌المللی آمریکا در ایران
## (انجمن ایران و آمریکا)
### بخش ۱۰

نظر اخیر ICA (آژانس ارتباطات بین‌المللی آمریکا) از قول مک آفی (McAfee) که، مذهبیها تا آینده قابل پیش‌بینی بر ایران حاکم خواهند بود.

خمینی در حال بازگشت به عقب است و در حقیقت از حمایت اکثریت مردم فقیر ایران برخوردار است. در کوتاه مدت بهبود روابط ایران و آمریکا مشکل به نظر می‌رسد.

تحت شرایط فعلی تمام سعی دیپلماتها بایستی متمرکز در ایجاد روابط در بلند مدت باشد. در موقعیت

www.takbook.com



فعلی ما بایستی منتظر فرصتهای مناسب برای ایجاد رابطه مناسب با ایران باشیم. نظریات من در این مورد در نامهٔ مورخ ۲۴ سپتامبر ۷۹ بر اساس توصیهٔ ICA NEA به شکل زیر خلاصه می‌شود.

آمریکا حدود ۵۰ سال است که از طریق انجمن ایران و آمریکا با ایران مشارکت دارد و جو تشنهٔ جهت آموزش زبان انگلیسی و همچنین شهرت این انجمن موقعیت بسیار خوبی را برای فعالیت در این زمینه ایجاد کرد.

ضمن اینکه این مؤسسات جزء معدود پنجره‌های باز، جهت حضور ما در ایران است. نظر ما این است که این مؤسسات را هرچه بیشتر توسعه دهیم و برنامه را به شکلی هدایت کنیم که به طرف منظورهای خودمان پیش رود. این برنامه شامل توسعهٔ کتابخانه انجمن ایران و آمریکا در تهران و اصفهان می‌باشد. ما فعالیتهای پشت پرده‌ای را جهت دوباره زنده کردن انجمن ایران و آمریکا در شیراز آغاز کرده‌ایم.

کشف کردن امکاناتی جهت تعیین و پرورش متخصصین مذهب اسلام جهت پلهای رابطی بین NEA و رهبری اسلامی به شکل مستقیم و همکاری با ICA و کارمندان وزارت امور خارجهٔ آمریکا.

بررسی جهت تعیین و پرورش یک (R) (یک رمز است) تحت شکل متخصصین فرهنگی با تعیین فردی که زمینهٔ قبلی در زبان فارسی و فرهنگی ایران داشته باشند، تا تماسها را با رهبری و موسسات فرهنگی تقویت کند.

استفاده از جشن سالگرد ۱۴۰۰ سالهٔ هجرت با شکل ایجاد سمیناری که میزبان آن آمریکا برای ایرانیان باشد و بعد از سمینار هم گردش در اطراف آمریکا. ما امیدواریم که این مسئله و رابطه باعث وسعت روابط بشود.

شرکت ایرانیان در مجامع چند مذهبی بین‌المللی در صورت امکان.

کار کردن با VOA رادیوی صدای آمریکا جهت توسعه و دریافت مطالبی که به شکل خبر پخش نمی‌شود و تأکید بر روی ابعادی مثل مطالعات اسلامی و آمریکا و مصاحبه با ایران‌شناسان آمریکایی و ترتیب دادن یک رابطهٔ مردمی.

ICA یا آژانس ارتباطات بین‌المللی آمریکا، مؤسسه فرهنگی گسترده‌ای است که در سراسر دنیا در کشورهای زیر سلطهٔ آمریکا به کار فرهنگی و اشاعه فرهنگ آمریکایی و غربی تحقیق و بررسی در مورد مسایل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور مورد نظر و همچنین انجام انواع و اقسام عملیات ارتباط فرهنگی نظیر کتابخانه، مؤسسات تدریس زبان ـ مراکز مطالعات علمی ـ طرحهای بررسی و تحقیق ـ مبادلهٔ دانشجو ـ تشکیل انواع نمایشگاهها و نمایش فیلم و اسلاید و نشر روزنامه و مجلات در زمینه‌های مختلف می‌نماید به عنوان فعالیتهای جنبی و فرهنگی سفارتخانه‌ها و هیئتهای سیاسی در آن کشور انجام می‌شود.

این مؤسسه فرهنگی در ایران بیشتر به نام انجمن ایران و آمریکا شناخته شده است که در تهران ـ شیراز ـ اصفهان ـ مشهد و دیگر شهرها فعالیت دارد. این مرکز به عنوان تدریس زبان، نمایش فیلم و اسلاید، کتابخانه و نشر مجله و دیگر ارتباطات فرهنگی عمل می‌کنند.

در دنیای امروز که چشمها خیرهٔ تمدن غرب به خصوص آمریکا است و کشورهای زیر سلطه همیشه از نقطه نظر فرهنگی به آمریکا و غرب وابسته گردیده‌اند و آرمانهای اجتماعی و انسانی این ملل فقیر در رسیدن به این تمدن خلاصه شده، فعالیت گستردهٔ فرهنگی بهترین حربه برای گسترش این وابستگی و طرز

www.takbook.com



تلقی عمومی است. جلب افکار عمومی جهان سوم به نفع آمریکا در یک برنامهٔ بلند مدت اقتصادی، سیاسی و نظامی می‌تواند، زمینهٔ اصلی و مجاز فعالیتهای فرهنگی آمریکا باشد، چه از همین طریق است، که افراد شناسایی شدهٔ محیط اجتماعی، تحت انواع تحلیلها و گمانه‌های علمی قرار می‌گیرند و به طریق شناخت عینی از محیط اجتماعی و سیاسی مردم و مسایل بومی و فرهنگی آن کشور می‌توانند طرحهای سلطه‌گرانهٔ اقتصادی سیاسی خود را گسترش دهند.

آمارگیری از عقاید مردم و اعتقادات آنها و میزان وابستگی آنها به جریانات سیاسی و فکری مختلف می‌تواند در سیاست عمومی آمریکا تأثیر مستقیم داشته باشد.

در حقیقت ICA شبکهٔ عصبی حساس آمریکا در کشورهای جهان سوم است که با گسترش آن اطلاعات گسترده و مهمی برای این شیطان بزرگ جمع‌آوری می‌نماید، تا تحلیلگران ضد بشر آمریکایی بتوانند بر اساس آنها سیاست غارت و چپاول و کشتار خود را تنظیم نمایند.

در ایران نیز این مؤسسه هدفی جز این شناسایی و اشاعهٔ فرهنگ منحط غربی و آمریکایی ندارد. در حقیقت در زمینه سیاستهای سلطه‌طلبانهٔ آمریکا در ایران، این مؤسسه نیز به کار خود مشغول است؛ و حتی در زمانی که بعد از انقلاب آمریکا دیگر نمی‌تواند به طور مستقیم در ایران عمل کند (به طریق نظامی و اقتصادی و سیاسی) انجمن ایران و آمریکا تا آخرین لحظه به کار خود مشغول است و آمریکا ناچار جاسوسان و تحلیلگران و بسیاری از عملیات دیگر بخشهای خود را به عهده این واحد زنده قرار می‌دهد که جهت اسناد این را به خوبی نشان خواهد داد.

خلاصه اینکه (Ica) در ایران چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب اسلامی ایران چشم و گوش و اعصاب حساس امیرپالیسم آمریکا در ایران است، به طوری که برای آمریکا نقشی حیاتی ایفا می‌نماید.

کشف امکانات بازدید آمریکاییها در ایران به خصوص از مطالعات اسلامی آمریکا و سیاست خارجی اقتصادی و کشاورزی.

ایجاد مؤسسات ارتباطی که شامل ایرانیان و مؤسسات ایرانی بشود.

(از Nea ار ـ تی ـ کوران به هارولد ساندرز)
۴ اکتبر ۱۹۷۹ ۱۲ مهر ۵۸)

***

با توجه به سند فوق سیاست بلند مدت آمریکا در ایران مشخص می‌شود. این سیاست از طریق یک انجمن شناخته شده و جا افتاده فرهنگی انجام می‌پذیرد.

اتخاذ سیاست نفوذ فرهنگی و استفاده از یک پایگاه اجتماعی و فرهنگی برای رسیدن به مقاصد سیاسی و اقتصادی و در آخر چپاول مردم دلیر ایران شیوه‌ای که با افشای اسناد در سفارت آمریکا بدان پی می‌بریم.

در حقیقت انجمن ایران و آمریکا پوششی که در ظاهر در خدمت فرهنگ ایران و شناساندن فرهنگ به اصطلاح متمدن آمریکایی به ایران است و در اصل مرکزی که به وسیلهٔ طرحهای مردم شناسانهٔ اجتماعی در جریانات سیاسی و اجتماعی انقلابمان نفوذ می‌کرده وجهت آنرا به طرف آمریکا منحرف می‌نموده‌اند.

کلاسهای زبان انگلیسی و جشن هجرت پیامبر مسایلی است که نظر ایران را نسبت به آمریکا خوشبین نماید. همچنین داشتن افرادی به عنوان تبادل دانشجوی مذهبی در حوزه‌های علمیه و تعلیم دادن افراد

www.takbook.com



وارد به مسایل انقلابی ایران جهت ارتباط با رهبران ایران و هر گونه چراغ سبز به ایران از طرف آمریکا شیوه‌هایی است، که نفوذ دوباره، وابسته کردن فرهنگی را به دنبال دارد.

بیهوده نیست، که آمریکا اشاره به طرح بلند مدت می‌نماید و در آخر هم می‌گوید که جهت اینها به طرف منابع و منظور خودمان که در حقیقت همان چپاول دوبارهٔ مردم مستضعف ایران است، هدایت گردد.

حضور آمریکا در ایران که چیزی جز ادامه غارتگری و چپاول نیست؛ بنا به خود سند، تنها به وسیلهٔ این مؤسسه به ظاهر بی‌آزار فرهنگی که تنها مشغول تدریس زبان و ادامه کتابخانه است، تأمین می‌گردد. این مطلب نقش حیاتی حضور آمریکا در ایران و ایفاگری مؤثر و حساس این مؤسسه را به خوبی هویدا می‌سازد.

***

«چگونه ما می‌توانیم اعمال عمومی ایرانیان را نسبت به آمریکا و همچنین برداشت آمریکا از ایران را تقبیح کنیم؟ خصوصیت ضد آمریکایی بودن هنوز قوی است و به صورت نیروی بازدارنده‌ای در مناسبات ما ادامه دارد. ایرانیان به سختی ناراحت و خشمگین از برداشت مغرضانه مطبوعات خارجی هستند و در آن یک رد پای جاسوس صهیونیست و امپریالیست را می‌بینند. ظاهراً تغییر اوضاع بستگی به سختی و تیرگی روابط دو طرف دارد و این حالات با تأکید روی حقوق بشر و تأیید انقلاب از طرف ما بهتر خواهد شد.

الف: آژانس ارتباطات بین‌المللی آمریکا بیشترین سعی خود را برای هر چه بهتر شدن پیوند ایران و آمریکا گسترش دهد.

به کار بردن صدای آمریکا VOA که پیامهای سیاسی را بدهند و اینکه زبان انگلیسی بیشتر یاد داده شود و مجله منتشر کنند.

ب: گاه بیانات عمومی توسط مقامات و بزرگ رسمی برای اهمیت ایران و روابط خوب ایران و آمریکا بیان شود.

ج: در همان زمینه‌های قبلی تأکید بیشتری شود.

د: اعمال آرامی با ایرانیان صورت گیرد که اعمالشان با خبرنگاران خارجی مهربانانه باشد.

هـ: در یک تاریخ نزدیک یک میتینگ خصوصی ترتیب داده تا در آن با استفاده از ایرانیهای با تجربه، شکاف بین روابط ایران و آمریکا علاج گردد.»

(از هارولد اچ. ساندرز به آقای نیوسام)

(تاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۷۹ ـ ۱۴ شهریور ۵۸)

***

در اینجا نیز نقش آژانس ارتباط بین‌المللی آمریکا ICA به عنوان یک حربه سیاسی بسیار قوی در خدمت منافع آمریکا به خوبی روشن است.

تأکید روی صدای آمریکا که بلندگوی رسای امپریالیسم خونخوار آمریکا است، نقش این صدای خائن و ضد بشری را در خدمت به منافع امپریالیستها به خوبی روشن می‌کند.

استفاده از خبرنگاران آمریکایی به عنوان جاسوسان سیا حربه‌ای کاملاً شناخته شده است و تأکید آمریکا در مورد مهربانی خبرنگاران تحت پوشش ارتباط فرهنگی و خبری کاملاً مشخص است.

www.takbook.com



دادن میتینگ به نفع ایران و بیان کردن سخنرانیهای مهیج افراد مهم در مورد ایران در حقیقت تلاش همه‌جانبهٔ آمریکا را نشان می‌دهد که با چنگ و دندان کوشش می‌کند که خود را دوباره بر قلب مجروح ایران تحمیل کرده و سلطهٔ سیاسی اقتصادی خود را دوباره برقرار سازد.

در حقیقت جلوگیری از حرکت ضد آمریکایی در ایران و ایجاد تفاهم و دوستی بین ایران و آمریکا و همچنین ایجاد وابستگی فرهنگی و سمپاشی نسبت به آمریکا در بین مردم و مقامات مملکتی هدفی است، که آمریکا با طرحهای فرهنگی ـ سیاسی خود دنبال می‌کرده است و در یک مجموعهٔ هماهنگ به پیشروی خود در انقلاب اسلامی ادامه می‌داده است.

***

«افرادی که روابط بین‌المللی آمریکا باید با آنها تماس بگیرد عبارتند از: ۱ـ روحانیون؛ ۲ـ سیاستمداران غیر روحانی که حکومت و سازمانهای مربوط به آن را اداره می‌کنند؛ ۳ـ رهبران نیروی نظامی طرفدار انقلاب؛ ۴ـ رهبران کنونی ارتش ۵ـ مدیران و متخصصان که در غرب آموزش دیده‌اند؛ ۶ـ رهبران ملی و منطقه‌ای؛ ۷ـ معلمین و شاگردان؛ ۸ـ خبرنگاران و گزارشگران که تمام توده را تحت تاثیر قرار می‌دهند؛ ۹ـ و سرانجام توده‌های مردم که شامل توده‌هایی است که اشخاص مورد نظر در میان آنها ظاهر می‌شوند و من هنوز معتقدم که از هم پاشیدگی کنونی ایران و ضعف مؤسسات به حدی است، که تمام قدرت بر مبنای احساسات آنها بنا شده است. هیچ مؤسسه‌ای و یا روشی قادر نیست که این احساسات را تقلیل دهد، هر چند که نامطمئن و غیر واقعی باشند.

عدم دسترسی به اشخاص مورد نظر:

از آنجا که آمریکا به طور اخص و غرب به طور اعم برای مسایل داخلی ایران سرزنش می‌شوند و لذا به عنوان دشمن رسومات اسلامی و انقلاب تلقی می‌گردند.

به همین علت آژانس ارتباطی آمریکا قادر نیست که با افراد متنفذ فوق‌الذکر تماس بگیرد، و نمی‌توانیم برای این تماسها راه حلی پیدا کنیم، چرا که ممکن است سوءظنهای خصمانه را نسبت به خود افزایش دهیم. بسیاری از طرق که معمولاً به وسیلهٔ این آژانس برای برقراری تماس به کار می‌رود، بر مبنای مسئله روابط متقابل بین دو کشور قرار می‌گیرد. تعداد طرفداران آمریکا در بین ایرانیان کم است. هنر و نشریات غربی مخرب و ضد اسلام تلقی می‌شود و برنامه‌های ما با منافع این اشخاص منطبق نمی‌باشد.

برای مقامات برنامه ریز ما معمولاً معامله با ملاها و پاسداران و کردها و خرابکاران مناطق نفتی بسیار مشکل است.»

(محرمانه ـ از روابط عمومی سفارت در تهران به R.T. Curran و آژانس بین‌المللی ارتباطات بین‌المللی واشنگتن ـ ۴ اکتبر ۷۹ و مهر ۵۸ شمارهٔ ۲۰۵۴۷)

***

تماس با افراد مؤثر در ادارهٔ کشور و افراد انقلاب اسلامی هدفی، است که آمریکا پی‌گیری می‌کند، تا با ایجاد تفاهم و یا حداقل برخورد گفتگو نقطه نظرها را دریافت کرده و شاید در مواردی بتواند بعضی از آنها را به خود نزدیک کند. مطابق این هدف، درست از کسانی نام برده می‌شود که شریان اصلی حکومت در دست آنهاست.

حرکت تند ضد آمریکا در میان توده‌های مردم و جریانات ضد آمریکا که هر چند بار ایجاد می‌شود و

www.takbook.com



همچنین نظر خود افراد، به خصوص روحانیت متعهد عواملی است که جلوی اجرای این ملاقاتها را می‌گیرد.

به هر صورت آمریکا می‌خواهد با ارتباط هر چه بیشتر که تحت پوشش ارتباط فرهنگی بیشتر بین آمریکا و ایران است، جایی برای خود در ایران باز کند، تا بتواند به خوبی از آن پایگاه عملیات سیاسی ـ جاسوسی و اقتصادی خود را به نفع امپریالیسم جهانخوار اجرا کند.

اما آمریکا از پای نمی‌نشیند و با اندک امیدی هم که به پیروزی خائنانهٔ خود دارد وارد عمل می‌شود.

***

«موفقیتهای آژانس ارتباطات بین‌المللی آمریکا: این مزاحمتهایی که قبلاً توضیح داده شد، نباید این آژانس را ناامید سازد. ما مأیوس نیستیم و به رغم این مشکلات فرصتهای مناسبی حاصل شده است که ما قادریم از آنها بدون توجه به کمبود منابع اطلاعاتی خود استفاده کنیم:

۱ـ مثلاً در هفته‌های اخیر (۴ اکتبر ۱۹۷۹ مطابق با ۵۸/۷/۱۲ مهر ۵۸) ما توانسته‌ایم برنامه‌های عملی گزارشی در تلویزیون داشته باشیم.

۲ـ حساب بانکی مدرسه بین‌المللی شیراز به ما واگذار شد. در اثر تلاشهای استاندار شیراز، ساختمان مدرسه در اختیار ما قرار گرفت. گردانندگان مدرسه دوباره تعیین شده‌اند و طرحهایی برای شروع آموزش زبان انگلیسی آغاز گشته است.

۳ـ نسخه‌های ترجمه شده قانون اساسی آمریکا که به وسیلهٔ مجلس خبرگان درخواست شده بود در اختیار آنها قرار گرفت که به عنوان یک سند مفید در مرحلهٔ تصویب قانون اساسی ایران مورد استفاده قرار گیرد.

۴ـ نشرهایی در مورد از سرگیری مجدد خدمات کنسولی که در اختیار ابواب ارتباط جمعی قرار گرفت و به نوبهٔ خود بی‌نظمی و شایعات زشت و عدم تفاهمات را کاهش داده و در نتیجه به نفع ما تمام شد. در ضمن با نصب یک بلندگو، ما در مورد کارهای کنسولی مستقیماً با جمعیت حاضر صحبت می‌کنیم.

۵ـ طرحی تهیه کرده‌ایم که هفته‌های آینده باعث شروع کار مدرسه بین‌المللی تهران می‌شود و زمان افتتاح هم زمان با اجرای برنامه‌هایی مثل نشان دادن فیلم، کنسرت، نمایشگاههای هنری و یک مهمانی جهت اعضای مدرسه بین‌المللی، اصفهان نیز برنامهٔ مشابهی را در دست اجرا دارد.

۶ـ کتابهایی دربارهٔ حکومتهای محلی و ایالتی به معاون نخست وزیر.

۷ـ در مورد اخراج روزنامه‌نگاران آمریکایی با سخنگو و وزیر ارشاد ملی گفتگو شد. علاوه بر موارد فوق دوره‌های انگلیسی در انجمن ایران و آمریکا در اصفهان و تهران نظر هزاران شاگرد را بخود جلب کرده و این رقم ممکن است به قبل از انقلاب برسد.

در حقیقت تمامی این قدمهای به ظاهر کوچک می‌تواند برای آمریکا قدمی باشد که سلطهٔ دوبارهٔ او را بر سرنوشت ملت ستم دیدهٔ ایران نوید دهد.

***

«در شامی که در منزل افسر روابط عمومی ترتیب یافت در نمایش زنده‌ای نحوهٔ نشان دادن اخبار مربوط به انقلاب ایران توسط تلویزیونهای آمریکا نشان داده شد. میهمانان اعضاء برجستهٔ انجمن خبرنگاران، مسئولین وزارت امور خارجه، یک نویسنده، یک هنرمند و یک عضو مدیریت مدرسه

www.takbook.com



بین‌المللی آمریکا در تهران که در دانشگاه تهران به تدریس حقوق مشغول است. کمک در ترتیب مهمانیهای شبانه در منزل کاردار که در آن فیلمهای آمریکایی نمایش داده می‌شد و در یک مورد یک پیانیست آمریکایی برنامه‌ای نیز اجرا کرد. مقامات دولتی، دکترها، وکیلها و استادان دانشگاه مهمانهای کاردار را تشکیل می‌دادند.»

***

این شیوه یعنی دادن میهمانیهای مجلل و یا خصوصی متشکل از افراد مورد نظر برای جلب دوستی همکاری و در اختیار گذاشتن اخبار و اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گرفته است. بسیاری از گزارشهای سفارت از این گونه میهمانیها سرچشمه می‌گیرد در حقیقت این میهمانیها تورهای امپریالیستی برای گرفتن طعمهٔ لذیذ و مورد استفاده است.

***

«من معتقدم که برای حفظ منافع خود ما باید علناً به نقض حقوق بشر در ایران اعتراض کنیم. همچنین باید در مقابل رهبرانی که ما را شاگردان صهیونیست و امپریالیست قلمداد می‌کنند و یا ما را به مداخله در امور ایران متهم می‌نمایند، بشدت ایستادگی کنیم. در خاتمه باید اعتراض شدید خود را نسبت به اخراج روزنامه‌نگار آمریکایی ابراز نماییم.»

همان سند (همان سند)

***

عجبا بر فرض محال نقض حقوق بشر در ایران بعد از انقلاب اسلامی! چه منافع انسانی از سنخ حقوق بشر برای آمریکای جهانخوار و شیطان بزرگ وجود دارد که آنها را بر آن می‌دارد برای حفظ آن منافع، به نقض حقوق بشر در ایران اعتراض کنند؟ بنابراین مفهوم دقیق حقوق بشر آمریکایی در رابطه با سیاست آمریکا به خوبی روشن می‌گردد. او این همه اصرار برای جلوگیری از اخراج خبرنگاران آمریکایی که نه به ظاهر مقام دولتی هستند و نه مأموریت خاصی دارند برای چیست؟ غیر از این است که هدف مشخصی در دنبال کار خبرنگاران نهفته است و آنها مأموران کارکشتهٔ CIA در ایران هستند که نقش جاسوسی و خبرگیری را به عهده دارند.

***

«من معتقدم که در درازمدت ما به یک نتیجه عالی دست خواهیم یافت. بنابراین من توصیه می‌کنم که آژانس روابط بین‌المللی آمریکا باید لوازم، افراد، نقشه‌ها و سازمان و روشها را بدون فوت وقت در اختیار ما بگذارد تا بتوانیم حداکثر استفاده را از این موقعیت بنماییم.

این انقلاب و پیشامدهای آن وضعیت ما را نابود کرد، افراد ما را پراکنده ساخت و سازمان و روشهای با ثبات ما را به هیچ و پوچ تبدیل کرد.»

(همان سند)

***

در اینجا به خوبی به تأثیر انقلاب اسلامی به درهم کوبیدن آمریکا پی می‌بریم و کوششهای آنها برای سازمان دوباره ایرانیانی که بتوانند همانند قبل، که سالهای سال از روشها و سیستمهای مشخص آمریکا در ایران پیروی می‌کردند نشان می‌دهد.

www.takbook.com



در حقیقت سیستم و روش آمریکا با جریان عظیم انقلاب اسلامی فرو ریخته و تمامی این کوششها، دوباره‌سازی این آب از جوی رفته است.

***

«من به خصوص از طرحهای خانم مک‌آفی در مورد آگاهی از مشکلات محیط، وقایع احتمالی و عقاید استقبال می‌کنم و پیشنهادهای بعدی که از معاون وزیر امور خارجه ساندرز و انجمن حفاظت ملی به ما رسیده است نیز دارای اهمیت است. من به خصوص با طرح گسترش برنامه‌های فارسی صدای آمریکا VOA و نمایش فیلم‌های آمریکایی از تلویزیون (مقصود تلویزیون ملی ایران است) که از طرفداران بیشماری برخوردار است خرسندم.

علاوه بر اینها من اعتقاد دارم که باید سعی خود را برای برقراری تماس با روحانیون و چپگرایان بدون در نظر گرفتن عواقب آن افزایش دهیم. البته درک می‌کنم که برای برقراری تماس با این گروهها آماده نیستیم و آمریکایی‌هایی مثل جسی جکسون، آندرو یانگ که مورد تأیید این گروهها هستند، نمی‌توانند معرف نظریات ما باشند.

ولی ملاها یا چپگرایان نمی‌توانند اهمیت خود را برای مدت مدیدی حفظ کنند. اگر ایران برای ما مهم است، منافع شخصی ایجاب می‌کند که ما این ناراحتی را بپذیریم و راه مؤثری برای تماس با ملاها، پاسداران و حتی فداییان خلق بیابیم و در عین حال مواظب باشیم که تماس با آنها و یا هر گروه سیاسی دیگر آشکار نگردد.»

***

(همان سند)

در اینجا به خوبی نقش صدای آمریکا ـ فریادهای شیطان بزرگ ـ در سیاست آمریکا و نقش نفوذی او کاملاً مشخص است.

همچنین نمایش فیلمهای آمریکایی که عمدتاً فرهنگ و طرز تفکر آمریکایی را در ایران رواج می‌دهد از طریق تلویزیون ایران مورد تأیید و خرسندی آمریکاییها است.

***

«این ارتباط، روابط دوجانبهٔ ما را بیشتر خواهد کرد. در این زمان پیشرفت این برنامه بایستی بر پایه اطمینان و احترام گذاشته شود.

در مراحل اساسی، دولتی و درک یکدیگر برای توسعه روابط لازم است. رشته‌هایی که امکان دارد برای این موضوع انتخاب شود: ایرانولوژی، انسان شناسی، علوم فیزیکی، تدریس زبان انگلیسی تمرینات ورزشی.

اگرچه هنوز جریانات ایران و آمریکا یک طرفه است، ولی این مأموریت در برنامه آقای فول برایت خواهد بود. ایالات متحده باید کمکهای مالی را ادامه داده و از این کارها پشتیبانی کند؛ همان طوری که رابطهای خصوصی و عمومی بین قشر مرکزی مؤسسات آموزشی ما بین دو کشور برقرار باشد. مشابهاً با تشخیص صحیح، طرح مطالعه فعالیتهای مؤسسات آموزشی ایران و آمریکا بایستی ترویج داده شود.»

(محرمانه به آقای هارولد اچ ـ ساندرز ۲۶ سپتامبر ۷۹)

***

www.takbook.com



زمینهٔ فعالیتهای پوششی آمریکا که در اصل نفوذ و سلطه را به همراه دارد و هدف اصلی است، کاملاً مشخص است، مطالعات علمی و فعالیتهای فرهنگی پوشش هدفهای آمریکا است.

طرح فولبرایت از جمله طرحهای فرهنگی و دانشگاهی آمریکای امپریالیست است، که در تمام کشورهای تحت سلطه از جمله افریقا و آسیا مورد استفاده قرار می‌گیرد و افرادی از کشورهای تحت سلطه را به وسیلهٔ این طرح به بورسهای دانشگاهی دعوت می‌کنند و همه گونه برنامه‌ریزی جاسوسی و اطلاعاتی و نفوذ در ارگانهای مملکتی را به وسیلهٔ آنها انجام می‌دهند.

«با این پیشرفت عمومی و توصیه مسئول افسر روابط عمومی ما موردهای زیر را بررسی کرده که مسئولین ایرانی باید آن را به روشنی بدانند که هدف ما از زیاد کردن روابط معامله‌ای دو طرفه است.

۱ـ بازدید ایران به وسیله دانشجویان و چهره‌های عمومی هر زمان که امکان‌پذیر باشد. این بازدید به طور خصوصی ترتیب خواهد یافت. بازدید کنندگان بایستی با اوضاع کنونی ایران وابستگی و اعتبار داشته باشد.

۲ـ دانشجویان مسلمان ایرانی و اگر امکان دارد شخصیتهای مذهبی ایران را در جشن سالگرد هجرت در ایالت متحده تشویق به دعوت کنید. نمایندگان اسلامی جوامع دیگر در آنجا باشند که ماهیت چند ملیتی بودن آن نشان داده شود و برنامه‌ها بایستی به صورت خصوصی ترتیب داده شود که کمیته سالگرد هجرت نقش بزرگی اجرا کند.

۳ـ بحث بر روی نهادهای (مراکز) خصوصی مثل شالوده و اساس جانسون (سازمان خیریه ـ م.) یا سمینارهای دانشگاهی که شامل غرب و شرق و مرکز (موضوعاتی در زمینه این نواحی) گردد، ترتیب داده و گروهی از دانشجویان ایرانی به ایالت متحده آورده شوند تا در مورد موضوعات و عناوینی که جدال‌انگیز و مباحثه‌انگیز نباشد، صحبت شود و ترجیح داده شود که میتینگ چند ملتی باشد. رشته‌های امکانی از قبیل ادبیات، نوشتن خلاقانه یا خیلی روزمره‌تر، توسعه آزادی و علوم آزادی باشد.

۴ـ با چند محصل خارجی که خیلی با دقت انتخاب شده‌اند و رؤسای گروه پذیرش به عنوان رابط در دانشگاهها استفاده کرده تا با چشم و گوش باز محصلین اسلامی و ایرانی را زیر نظر داشته باشند که:

الف) ارزیابی شوند در طول مدت تغییرات در ایران که احتیاجات و رفتار محصلین ایرانی، ظهور کرده به طوری که.

ب) تاریخ مناسب برای کنفرانس و مصاحبه آن شخص در ایالت متحده در نظر گرفته شود.

۵ـ مؤسسات آموزشی آمریکا در رابطه و حمایت و مبادله تحصیلی با دانشگاههای کشورهای اسلامی جهان سوم مثل دانشگاه نبراسکا در پاکستان بوده و امکان دعوت محصلین و دانشجویان ایرانی برای شرکت در چنین سمینارها و طرح‌ها که تشویق به درک مصنوعی و تماسهای بیشتر آینده خواهد شد در نظر گرفته شد.

۶ـ جریان پیشرفت ICA را یادآور شده (در زمینه تدریس انگلیسی و فرهنگی). به طوری که مسئولین ادعا کنند که خرابیها و اشکالات توسط مسئولین ایرانی تشخیص داده شده است.

۷ـ به هوش باشید که ایرانیها را در هر فرصتی در برنامه‌های تنوعی چند مذهبی شرکت دهید، مخصوصاً گروه و تودهٔ متوسط را.

طرز برداشت: حوادث ایران خارج از چارچوب سیاست، یک سری موضوعات مطالعاتی اسلامی در

www.takbook.com



ایالت متحده و مصاحبه با دانشجویان آمریکایی، ایران‌شناسان و شخصیتهای عمومی که نمایانگر نقطه نظرهای وسیع سیاسی خواهد بود.»

(محرمانه به آقای اچ ساندرز ۲۶ سپتامبر ۷۹)

***

استفاده از بازدید دانشجویان آمریکایی از ایران و ارتباط آنان با ایران و قوی شدن در فرهنگ و اجتماعات ایران و مسایل ایران و استفاده از آنها برای طرحهای فرهنگی ـ سیاسی استفاده از جشن هجرت به وسیلهٔ دانشجویان ایرانی و آمریکا برای ابراز حسن نیت به ایران و اسلام که عمدتاً به خاطر جلب نظر مردم و جا باز نمودن و نفوذ سلطهٔ دوباره طرح گردیده است و یا استفاده از طرحهای مؤسسات استعماری که هدفش ایجاد ارتباط فرهنگی با کشورهای آمریکایی است که آمریکا و ICA می‌تواند تحت آن پوشش به کارهای جاسوسی ـ سیاسی و حتی نظامی مشغول باشد نظیر سازمان جانسون.

همچنین مبادلهٔ دانشجو و تشکیل سمینارهایی راجع به مذاهب و یا نزدیکی کشورهای اسلامی و امثالهم که همه و همه در جهت ارتباط دوباره و ایجاد حسن نیت آمریکا و در غایت نفوذ سلطه است.

یکی دیگر از حربه‌های بسیار مهم و کثیف آمریکا رادیوهای صدای آمریکا است (VOA) که سیاست آمریکا را در رابطه جعل اخبار ـ تحلیلهای استعماری و امپریالیستی و انحراف افکار عمومی به سوی مقاصد آمریکا، شایعه‌پراکنی که می‌توان به طریق رادیو بیان داشت اعمال می‌کند.

***

«امور خاور نزدیک زیر نظر معاون نیوسام کارهای گروهی را انجام داده است که:

زبان ایرانی روی موج کوتاه، روابط عمومی صدای آمریکا در اواسط ماه مارس شروع به کار خواهد کرد. با تقاضای B.B.C تماس گرفته که آنها اجازه دهند، صدای آمریکا یک ساعت از موج متوسط آنها در جزیرهٔ مزیرا (نزدیک سواحل عمان) استفاده کنند که اختصاص به فرستادن اخبار و رویدادهای ایران از فرستنده بریتانیا خواهد بود. بخش موج کوتاه و متوسط (اگر کارش قبول گردد) به ما اجازه خواهد داد که اخبار صحیح را دربارهٔ سیاست و قصد آمریکا پخش کنیم و با این کار جلوی پخش ضد آمریکایی شوروی را بگیریم.»

(از R.T.Curran یادداشت برای مدیر ۹ فوریه ۱۹۷۹ از مقالهٔ ایران و مسئله روان شناسی و بعضی راه‌حلها)

***

«در این رابطه باید متذکر شوم که به تازگی برنامه‌های خارجی رادیو، شنوندگان بسیار زیادی پیدا کرده است. کسانی که با خمینی می‌جنگند و طرفداران آنها می‌خواهند خبرها را از صدای آمریکا VOA کسب کنند. شما می‌توانید با نفوذ خود در رادیوی صدای آمریکا استفاده کرده و از راه تأکید بیشتر روی مشکلات مهم آنها و بازگو کردن علل آن عکس‌العمل سریعتری بر روی اعمال مقاوم و متقابل نشان دهید. من می‌دانم این صدا کاری ناچیز است، ولی اثر روان شناسی فوق‌العاده‌ای دارد و بسیار از افراد مقاوم به میزان همدردی و هم فکری ما از طریق این صدا پی می‌برند.»

(از آخرین نامهٔ لینگن به برژینسکی، مشاور امنیتی کارتر)

(در ۲۸ اکتبر ۷۹ آبان ۵۸)

«توجه: VOA (صدای آمریکا) در نظر دارد زمان پخش خود را به زبان فارسی از شروع سال جدید

www.takbook.com



(۱۹۸۰) به مدت یک ساعت افزایش دهد که نیم ساعت به برنامه صبحگاهی اخبار و موضوعات ارتباطی با اخبار و نیم ساعت دیگر به برنامه عصرانه که بیشتر موضوعات فرهنگی است اضافه می‌شود.»
(از R.T. Curran به ساندرز ۲۶ سپتامبر ۷۹)

***

صدای آمریکا صدای رسای شیطان بزرگ است: هدفش و فلسفهٔ وجودی او خیانت به خلقها و مردم مستضعف جهان به خصوص ایران است صدای آمریکا حلقوم کثیف امپریالیسم جهانخوار است که سیاستها و توطئه‌های خود را به طریق صوت به ملتهای ستم دیده تحمیل می‌کند، اما خوشبختانه ملت آگاه ایران هرگز فریب این شیطان بزرگ را نخواهند خورد.

آمریکای جهانخوار این بار همانند همیشه با انگلیس گرگ پیر آدمخوار در دریدن ملتهای ستمدیده همکاری می‌کند و از B.B.C صدای جنایتکار امپریالیسم شکست خوردهٔ انگلیس کمک می‌طلبد تا بر علیه ایران انقلابی و مسلمان قیام کند و شایعه و توطئه و خیانت بپراکند.

تا بتواند با افزایش و قدرت صدای خود خیانت خویش را گسترش دهد.

***

ICA (روابط عمومی آمریکا) توجه بیشتری به این امر دارد که تماسهای خود را با ایران افزایش داده تا خبرهای صحیح به هر دو طرف برسد.

ما درسی که از سرنگونی رژیم گذشته ایران گرفتیم، شروع به مشورت با کارمندان (که شامل Pod هم هستند) و تشکیلات خصوصی آمریکا کرده‌ایم که به بینیم اگر حلاجیهایی در این زمینه احتیاج است، مخصوصاً از نظر مقدار فضولیِ ما در کشورهای منطقه.

روابط عمومی ICA با کمک آمریکا تکالیفی را بر عهده دانشجویان ایران در آمریکا نهاده که امکان دارد یک رابطه با روحانیون محافظه‌کار برقرار کنند، در نظر اضافه است.

روابط عمومی بیشتر تأکیدش بر روی چیزهایی خواهد بود که رهبری جدید بتواند مشخص کند.

فلسفه، قانون، مقایسه مذهبی، روانشناسی، مسایل مدرنیزه کردن پیشرفتهای سیاسی، کارگری و کشاورزی تأکید بر روی این موضوعها بر روی پایهٔ اساسی ارزشهای ما خواهد بود.»
(سند فوق)

***

اینک با توجه به مسئولیتی که به نقشهای فرهنگی آمریکا در ایران و خارج گذاشته شده، نظیر ارتباط با روحانیون محافظه‌کار ـ ارتباط بیشتر جهت به دست آوردن اطلاعات و خبرهای دست اول ریختن طرحهای عینی و واقع‌بینانه با توجه به تجارب تلخ سرنگونی رژیم شاه خائن در می‌یابیم که هدفهای آمریکا از توسعه روابط فرهنگی و ارتباطات خبری و اجتماعی فقط و فقط نفوذ دوباره و در نهایت سلطهٔ اقتصادی و سیاسی بر ملت ستم دیدهٔ ایران است و لاغیر، حتی مطالعه قانون و فلسفه و کارگر و کشاورزی پیش درآمدی است برای وابسته کردن فرهنگی و در نهایت نفوذ دوباره و سلطهٔ بر منابع و ثروتهای ماست.

***

«بالاخره کارمند Usica آژانس ارتباطات بین‌المللی پس از چهار ماه از زندان آزاد گشت و دیدگاههای خود را در مورد علت زندانی شدن خود و طرز کار قدرت حاکمه و شرایط ذهنی ایرانیان را

www.takbook.com



بیان نمود. همچنین در رابطه با برنامه‌های ابتکاری پیشنهاداتی نمود و تأکید سودمند بودن کتابخانه‌های انجمن ایران و آمریکا و کلاسهای زبان انگلیسی نمود.

(مقصود، رضا امینی کارمند پیری است که ۳۷ سال در خدمت امپریالیسم آمریکا در سفارت آمریکا در ایران کار می‌کرده است و در اوائل انقلاب دستگیر و به مدت ۴/۵ ماه در زندان بود که آزاد گردید.)

او شب اول را روی زمین در یک سلول با هیجده نفر دیگر منجمله معاونین وزارتخانه و افسران ارتش گذرانده بود. روز بعد دکتر امینی، محمدرضا عاملی تهرانی وزیر اطلاعات کابینهٔ بختیار (که بعداً اعدام شد) را ملاقات می‌کند که از دیدن دکتر متعجب می‌شود، ولی اطمینان می‌دهد که همگی آزاد خواهند شد. امینی که به او آقای جاسوس از سفارت آمریکا می‌گفتند با یک ملا مصاحبه و گفتگو و بازجویی شده بود و او به امینی گفته که تو برای CIA کار می‌کنی و عکسی از او و هلمز به او به عنوان مدرک نشان داده بود، دکتر امینی در مورد کار و وظیفه‌اش در ICA توضیح داده بود.

امینی احساس می‌کند که انجمن ایران و آمریکا روزنهٔ مهمی در این موقعیت است و گفت که هم سلولهایش اهمیت خاصی برای کتابخانه ابراهام لینکلن و کلاسهای تدریس انگلیسی قایل بودند، امینی متقاعد شده بود که انجمن ایران و آمریکا باید بسیار مراقب باشد و در برنامه‌ریزی‌ها به دنباله روی قناعت نماید و نخواهد که رهبر و پیشرو باشد، او پیشنهاد می‌نمود که انجمن باید برنامه‌هایی که امروزه در ایران جذابیت بیشتر دارد یعنی مسایل مذهبی تکیه کند، مثل دیدار فیلسوف یا الهیون آمریکا که به علت شهرتشان بتوانند با رهبران مذهبی ایرانی که بیشتر آزادند ملاقات نمایند. او همچنین پیشنهاد کرد که یکی از روحانیون روشن بین ایرانی را دعوت نماییم که در انجمن یک سخنرانی ایراد کند.

نظریه و تفسیر: مسئول، بسیار محتاطانه به دنبال احتمال پیدا کردن و دعوت نمودن یکی از روحانیون برای سخنرانی در انجمن می‌باشد، و همچنین تقاضای لیست مذهب‌شناسان و فیلسوفهای معروف آمریکایی که می‌توانند به شخصیتهایی مثل آیت‌الله طالقانی ملاقات و گفتگوی خلاقی داشته باشند را می‌کند. قصد ما در هر دو مسئله فوق‌الذکر این است که به یاد ایرانیان متنفذ بیاورد که آمریکا مدتهای طولانی است که به معنویات انسان دلبسته است.

(محرمانه شماره ۸۸۳۲ـ۷ اگوست ۷۹ـ از سفارت آمریکا در تهران به روابط بین‌المللی آمریکا در واشنگتن D.C)

آیا سودمند بودن کتابخانه و انجمن ایران و آمریکا در قاموس آمریکای جنایتکار یعنی چه؟ بجز زمینه‌سازی برای نفوذ دوباره در ایران و در آخر سلطه، معنوی می‌دهد.

تأکید امینی خائن بر روی مسئله انجمن ایران و آمریکا به عنوان تنها روزنه امید آمریکا و تایید آوردن از هم‌سلولی‌های مفسد فی‌الارضش آیا جز خدمت به منافع آمریکای جنایتکار معنی دیگری دارد؟

دست آورد واقع‌بینانه(!) رضا امینی خائن، از زندان جز عبرت‌گیری از وقایع انقلاب و کمک به آمریکای جهانخوار جهت ادامه حیات خود در ایران مفهوم دیگری دارد؟ تکیه بیش از حد روی مذهب و هشدار به عدم زیاده روی به جز ادامهٔ طریق نفوذ و ایجاد جو حسن نیت و سلوک است؟

در این صورت چرا آمریکایی که ستون فقراتش از خون رفیق ملتهای مستضعف جهان برپا شده است سعی بر این دارد که انسان دوستی و مذهب پسندی خود را به چهره‌های ایرانیان بکشاند؟

باز مگر به جز ایجاد زمینهٔ روانی فرهنگی و اجتماعی و سیاسی پیدا کردن در میان مردم و

www.takbook.com



دست‌اندرکاران انقلاب اسلامی هدفی دارند، که منجر به نفوذ دوباره و سلطه می‌گردد؟

پس انجمن ایران و آمریکا یا آژانس ارتباطات بین‌المللی آمریکا در ایران Usica مرکزی است که با پوشش فرهنگی عامل اجرای سیاستهای دقیق آمریکا در ایران است و آمریکا به تجربه به این مهم دست یافته است. بیخود نیست که رضا امینی خائن، انجمن ایران و آمریکا را تنها روزنهٔ امید آمریکا در ایران می‌داند.

***

همچنین Usica سعی داشته است، به عنوان تبادل دانشجوی مذهبی، عده‌ای را به عنوان دانشجوی آمریکایی برای تحصیل علوم مذهبی به مدرسهٔ فیضیه بفرستد تا بدین وسیله روحیات و محتوی و شکل مدرسهٔ فیضیه و حوزه‌های علمیه را مطالعه کند و در جهت منافع خود از آنها استفاده نماید.

***

**سیاست آمریکا در قبال اقتصاد ایران**

**بخش ۱۱**

**قبل از انقلاب**

«کمیسیون مشترک ایران و آمریکا برای سومین بار در تهران در تاریخ ۷ـ۶اگوست سال ۱۹۷۶ برگزار شد. هوشنگ انصاری وزیر امور اقتصادی و مالی و آقای هنری کیسینجر در این ملاقات حضور داشتند.»

***

در این کنفرانس که در نوشهر تشکیل شده است، شاه خائن نیز حاضر بود و پیامی خطاب به فورد رئیس جمهور وقت خوانده است.

***

«در این گفتگو جاری جهان و روابط حسنهٔ بین دو کشور مورد بحث واقع شد.

**معاملات و سرمایه‌گذاری**

رابط کمیسیون اظهار داشت که روابط بین دو کشور همان طور که انتظار می‌رود رو به گسترش است. در مارس ۱۹۷۵ مبلغ ۱۵ بیلیون دلار (خارج از معاملات نفتی و نظمی) برای مدت ۵ سال در نظر گرفته شده بود، کمیسیون با مبلغ ۲۶ بیلیون دلار برای طی سالهای ۱۹۸۰ـ۱۹۷۵ توافق نمود. همچنین توافق نمود که هر دو کشور برای رسیدن به هدف مشترک همکاری نمایند، در صورتی که صادرات نفت بدون در نظر گرفتن معاملات نظامی هم به حساب بیاید. جمع تجارت غیر ارتش دو کشور از مرز ۴۰ بیلیون دلار در طی ۱۹۸۰ـ۱۹۷۵ بیشتر خواهد شد.

تمایلات دولتین برای توسعهٔ تجاری و اقتصادی بین دو کشور و همچنین نیاز به صادرات آمریکایی برای کالاهای صنعتی ایران مورد نظر قرار گرفتن رابط آمریکایی آمادگی همکاری برای صدور را اعلام نمود و ایرانیها نیز عمومیت دادن بیشتری به سیستم روابط را پیشنهاد نمودند.»

(گزارشی از کمیسیون مشترک ایران و آمریکا در ایران)

***

www.takbook.com



با توجه به گزارش فوق به گوشه‌ای از روابط اقتصادی ایران و آمریکا را که حاکی از سالها چپاول و به یغما بردن نیروهای مادی مملکت ایران است واقف می‌شویم. اگر چه توضیح در مورد چگونگی این غارت امپریالیستی احتیاج به تحقیق و بررسی و بیانی کاملتر دارد، ولی همین جملهٔ فوق نشان از جنایاتی است که هنوز آثار آن در اوضاع اجتماعی اقتصادی ما به خوبی مشهود می‌باشد.

«بخش آمریکایی کمیتهٔ تجارتی مشترک ایران و آمریکا جلسه‌ای را در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۷۸ در واشنگتن D.C برگزار نمود. این جلسه با شرکت نمایندگان ۳۰ کمپانی آمریکایی که دارای روابط و وابستگی‌های تجارتی با ایران هستند صورت گرفت.

این ملاقات برای بررسی جریانات اخیر ایران بود. اعضا در مورد فضا و شرایط و موقعیت اقتصادی در ایران و اثرات آن در جو تجاری بحث نموده و همچنین دربارهٔ نقش و ادامهٔ کاری که این کمیته در مورد روابط دو جانبه اقتصادی باید ایفا نماید، گفت و گو کردند.

اعضای کمیته در پایان جلسه متفق‌القول بودند، که موقعیت اقتصادی کنونی باید مد نظر باشد؛ زیرا نشانگر یک تنزل در پتانسیل اقتصادی قابل ملاحظهٔ ایران است. بخش آمریکایی همچنین توافق نمودند که این ناپایداری اقتصادی فعلی گذراست و کمپانیهای آمریکایی در ایران قاطعانه از اقداماتی که آرامش را باز گردانده و اجازهٔ رشد و شکوفایی اقتصادی را دهد حمایت می‌نماید؛ در حال حاضر اجرای قراردادها با ایران بلامانع است.

... کمیته حمایت خود را از کوششهای دولت ایران برای برقراری ثبات اقتصادی و ادامه افزایش سطح زندگی ایرانیان اعلام می‌دارد و از هیچ‌گونه کمکی برای رسیدن به این اهداف مهم دریغ نمی‌ورزد.»

***

باید توجه داشت که نامهٔ فوق که گزارش مطبوعاتی است در اوج مبارزات مردم ما نوشته شده است؛ یعنی زمانی که خون شهیدان انقلاب اسلامی هر روز انقلاب را به حرکت در می‌آورد.

حال ۳۰ کمپانی آمریکا در ترس از دست دادن این خوان گسترده به مذاکره می‌نشینند و حمایت خود را از شاه و رژیم خائن او برای ثبات اقتصادی و زمینه‌سازی چپاول این کمپانی‌های غارتگر بین‌المللی ابراز می‌دارند.

***

حال، نامهٔ کمیسیون فوق به شاه خائن

**«اعلیحضرتا»**

بخش آمریکایی کمیتهٔ تجاری مشترک ایران و آمریکا اخیراً جلسه‌ای را در واشنگتن دی ـ سی برگزار نمود و باعث افتخار من به عنوان رییس این گروه می‌باشد، که نتیجه جلسهٔ خود را به شما گزارش نمایم.

این جلسه برای مطالعه پیشرفتهای قسمتهای اجرائی کمیته در سال گذشته و مشخص نمودن و گسترش دادن راه حلهای مسایلی که مانع از رشد ارتباطات اقتصادی بین ایران و آمریکا است برگزار گردید.

ما همچنین از مسایل جدید در کشور شما و اثرات آنها در دنیای تجاری و نقشی که کمیته در تضمین تداوم همکاریهای تجارتی بین دو کشور و ثبات اقتصادی ایران می‌تواند اجراء نماید بحث نمودیم. به

www.takbook.com



ضمیمه، گزارش است، که خلاصه نتایج جلسه ما را نشان می‌دهد، امّا من میل دارم به علت تقاضای اعضاء اضافه نمایم که ما کاملاً از روش و سیاست شما و وزیران شما برای بازگرداندن اقتصاد ایران به حالت شکوفا و سالم قبلی‌اش حمایت می‌نماییم. کوششهای شما برای بازگردانیدن نظم اجتماعی و ایجاد یک حکومت غیر نظامی منتخب مردم و ایجاد مرحلهٔ نوین در اقتصاد و همچنین اوضاع سیاسی و اجتماعی تضمین کامیابی و خوشبختی نسلهای آینده را سبب خواهد شد. اعضاء ما با مجتمعهای تجاری شما و حکومتمان برای رسیدن به این اهداف مهم همکاریهای لازم را می‌نماید.

همان طور که از گزارشها مشهود است، مجتمعهای تجاری آمریکایی برای حفظ ثبات اقتصادی ایران کاملاً آماده هر گونه فداکاری می‌باشند و حاضر به ایفای نقش فعال در رشد و توسعهٔ آتی اقتصاد کشور شما می‌باشند. ما کوششهای شما را تحسین نموده و آرزوهای صمیمانه را برای موفقیت شما می‌نماییم.»

با احترام

هاروی کاپنیک ۶ دسامبر ۷۸

هم چنین از طرف این کمیسیون نامه‌ای به جلاد خون‌آشام، غلامرضا ازهاری، نوشته می‌شود. لازم به تذکر است که ازهاری خائن، در آن زمان نخست وزیر شاه جلاد بوده است.

در این نامه به حمایت از اقدامات ازهاری برای ثبات شاهنشاهی و در نتیجه ثبات اقتصادی به سبک آمریکایی یعنی ایجاد زمینهٔ چپاول برای کمپانیهای غارتگر بین‌المللی، اشاره نموده است و نامهٔ مشابهی هم به سناتور فراری ضیائی، که رییس اتاق بازرگانی ایران بود نوشته می‌شود.

***

نامه‌های فوق به خوبی نشانگر وحشت آمریکاییهای چپاولگر از جریانات انقلاب در ایران است. اوج انقلاب اسلامی آنها را بر آن می‌دارد که برای ارزیابی و استحکام دوبارهٔ رابطهٔ تجارتی با ایران مطالعه نمود. و نقش خود را در رابطه با جریانات ایران مشخص نمایند.

و حمایت خود و کمکهای خود را به شاه جلاد و ازهاری ارایه می‌دهند. لفظ فداکاری و حمایت و پشتیبانی در قاموس آمریکاییهای چپاولگر چه معنی جز فداکاری به خاطر چپاول دوباره و حمایت به خاطر نفوذ و حاکمیت اقتصادی دوباره و پشتیبانی به خاطر سلطهٔ دوباره بر سرنوشت اقتصادی و سیاسی ملت ایران می‌دهد.

### وضعیت اقتصادی ایران

۱ـ ایران با وضع شدید اقتصادی در ماههای آینده روبرو خواهد شد. کوششهای زیادی از طرف دولت برای اطلاعاتی که در این مورد احتیاج است بایستی انجام پذیرد و نتیجه این کوششها بررسی شود.

۲ـ بودجه دولت در سال جاری در نظر گرفته شده که خوش‌بینانه توسعه‌هایی را یادآور شده از جمله بازسازی و توسعه طرحها برای دوباره راه انداختن اقتصاد کشور.

۳ـ کوشش زیاد خود را برای گزارش از تولید نفت به کار ببرید؛ مخصوصاً مسایل و سیاست نفتی و وضع در مناطق نفت خیز.

۴ـ ایران در زمستان امسال هم احتمالاً کمبود نفت سفید خواهد داشت احتمالاً مربوط به مسایل پالایشگاهها می‌شود. لطفاً در این مورد گزارش دهید و همچنین چه کوششهایی دولت برای رفع این

www.takbook.com



کمبود کرده؟ و اطلاعات خود را دربارهٔ واردات تولیدی ارسال دارید.

۵ـ امکان کمبود مواد غذایی هم هست، هر گونه پیشرفتی را در این زمینه گزارش دهید.

۶ـ بخش خصوصی در ماههای آینده احتمالاً اوقات سختی را خواهد داشت، گزارشها در زمینه شکستهای تجاری، سرمایه‌ها و استخدام خصوصی مفید خواهد بود.

۷ـ دولت ایران مجبور است که به فشاری که از طرف کلیه جوامع مختلف ایرانی وارد می‌شود جواب دهد. هر گزارشی که وضع اقتصادی ـ سیاسی و گروههای بزرگ مثل کشاورزان محصلین، بازاریها و قبیله‌ها را در برداشته باشد برای تشخیص سیاست اقتصادی آینده ایران مفید خواهد بود.

۸ـ کوشش دولت را برای ملی کردن تجارتهای خصوصی و جریانات تولیدی در قسمت شرکتهای ملی شده را گزارش دهید.

۹ـ گزارشهای اساسی مربوط به رابطه مالی دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران مورد احتیاج است، مدت زمانی را که طول می‌کشد تا پول نفت به دست دولت برسد چقدر است؟

چقدر از این درآمد را شرکت نفت برای مخارج خود نگه می‌دارد؟ و هم چنین، برای سرمایه‌گذاریش آیا پول دریافتی از هر بشکه به حساب آمده یا کلی دریافت شده؟ آیا این امکان هست که بعضی از کارگران شرکت نفت مقداری از این درآمد را دزدی کنند؟ آیا آنها اغلب ممیزی می‌شوند؟

۱۰ـ هر گونه گزارشی در زمینه سیاست کشاورزی و برنامه‌های آن مورد علاقه خواهد بود. کمبودهای آب امکان‌پذیر است. شایعه‌ها نشان می‌دهد که سیستم قناتها در استانهای مختلف وجود داشته، ولی بسته هستند.

یک گزارش در زمینه‌ای که آب تا چه اندازه وجود خواهد داشت خوب خواهد بود مخصوصاً اگر در رابطه با گزارشی از تولیدات غذائی باشد.

(محرمانه ـ گزارشی از اقتصاد ایران سپتامبر ۷۶ مهر ۵۸)

***

مطابق آنچه که از گزارشات فوق به دست می‌آید آمریکا سعی دارد تحولات اقتصادی ایران را کاملاً تحت نظر بگیرد و اطلاعات لازم را از این جریانات در دست داشته باشد؛ این است که با طرح سؤالات فراوانی در مورد اقتصاد ایران می‌خواهد به زوایای جریانات جدید اقتصاد ایران پاسخ داده و اقتصاد ایران را به روشنی بعد از انقلاب برای خود ترسیم نماید، تا براساس آن سیاستهای خود را طراحی کند. لازم به تذکر است که در این مرحله مسایل اقتصادی تابع فعل و انفعالات سیاسی است و آمریکا سعی دارد از طریق سیاسی رابطهٔ خود با ایران را حل کرده و با نفوذ بتواند دوباره سلطهٔ خود را احیاء نماید. در این مورد در بخشهای قبلی مفصلاً بحث نموده‌ایم.

در گزارش فوق به نکته اساسی پی می‌بریم. اول اینکه آمریکا می‌خواهد بداند که ایرانیها بعد از انقلاب چگونه می‌خواهند بدون اتکا به آمریکا خود را اداره کنند، بودجه را در وضعیت جدید چگونه تنظیم می‌نمایند. مسایلی مثل مدیریت ملی کردنهای واحدهای اقتصادی مختلف و حل کمبودهای مواد غذائی مواد سوختی چگونه حل می‌نمایند. و در رابطه با استفاده از اقتصاد بومی و سنتی چه در کشاورزی و سیستمهای آبیاری مثل قنات و غیره و چه در اقتصاد تولیدی دیگر که پای محصلین، مردم بومی، بازاریان و حتی قبایل در آن مؤثر است چه نوع تحولاتی اتفاق می‌افتد و آیا ایران می‌تواند با تمسک به روشهای

www.takbook.com



انقلابی به سوی یک اقتصاد خودکفا حرکت کند؟ شناخت وضعیت ایران در هر صورت می‌تواند موقعیت نشانه روی آمریکا را در مورد اقتصاد ایران و استفاده از وابستگی اقتصاد ایران به غرب جهت نفوذ و سلطهٔ دوباره برای آمریکا روشن کنند.

دوم، تکیه زیاد آمریکا بر روی مسئله نفت است که شریان حیاتی اقتصاد آمریکا و ماشین صنعتی اوست؛ چه دیگر اقمار چپاولگر آمریکا نظیر ژاپن و کشورهای اروپایی نیز از این مادهٔ حیاتی برای چرخش صنایع خود استفاده می‌کنند. چنانچه در تحلیلهای قبلی هم روشن شد، یکی از اهداف حضور آمریکا در ایران استفاده از نفت و در دست داشتن آن و مطمئن بودن از صدور آن به آمریکا است. این است که بسیاری از فعالیتهای سفارت در بخش اقتصادی و حتی جاسوسی پیدا کردن اطلاعات دقیق از وضعیت نفت در ایران است. استفاده از شبکه‌های جاسوسی در شرکت نفت و خبرگیری از همهٔ جریانات آن برای آمریکا حائز اهمیت است.

***

«چگونه می‌توانیم از ادامهٔ تهیهٔ نفت از ایران مطمئن باشم.

هیچ نشانه‌ای از اینکه دولت موقت مخالفت خود را با قرار داد سال ۱۹۸۰ که در دسامبر امضاء شد آشکار کند، در دست نیست؛ اما این تصمیمات امکان دارد با توسعهٔ سیاست منفی تغییر کند. ما تقریباً به اندازهٔ سال قبل نفت خام دریافت می‌کنیم (حالا ۷۵۰/۰۰۰ بشکه، پارسال ۹۰۰/۰۰۰ بشکه) اگر چه کل صادرات نفت ایران در حال حاضر $\frac{1}{3}$ پایین آمده است.

توصیه: موقع بحران انرژی ما می‌توانیم مذاکراتی با ایرانیان مهم و سرشناس در مد نظر داشته باشیم. آقای دیک کاپر می‌تواند ملاقاتی در آیندهٔ نزدیک داشته باشد.»

(از سفارت آمریکا در ایران به دبیر سفارتخانه توسط نیوسام به وزارت از طرف هارولد اچ ساندرز ۱۴ شهریور ۵۸ از تحلیل سیاست خارجهٔ آمریکا دربارهٔ ایران)

از وزارت امور خارجه به سفارت تهران محرمانه

موضوع: قدردانی

لطفاً تشکر ما را به اندی سنس برای کار چشمگیرش در رابطه با فروش نفت به ایران و نزدیک شدن او به شرکت ملی نفت ایران و گزارشات آگاهانه‌اش که برای ما بی‌اندازه با ارزش است ابلاغ کنید.»

ونس ـ سپتامبر ۷۹ شهریور ۵۸

***

این قدردانی در رابطه با فروش نفت سوخت سفید (نفت چراغ) به ایران است که در شهریور ۵۸ انجام گرفته و سنس، رئیس بخش اقتصادی سفارت توانسته است این معامله را انجام داده و خود را به شرکت نفت نزدیک کرده و در رابطه با این نزدیکی اطلاعات و توصیه‌های مهمی به ونس وزیر امور خارجه نموده است، که مورد تشویق قرار می‌گیرد.

«در پاسخ یادداشت شما در مورد موضوع بالا (خطاب به آقای روزن)

تحلیل ما از خواستهای درآمد ایران در بودجه سال ۸۰/۷۹ یک نقطه آغاز است. این بودجه شامل ۴۲ بیلیون دلار هزینه است که ۲۵ بیلیون آن برای اقلام حساب جاری و ۱۷ بلیون دیگری جهت سرمایه‌گذاری است. ۱۳۰ بیلیون فقط برای دستمزدها و پرداختها است، که شامل اضافات اخیر نمی‌شود.

www.takbook.com



به دلایل برنامه‌ریزی خرج تسلیحات سنگین جدید نبوده، برای نیروگاه‌های اتمی ادامه طرحهای بزرگ و هیچ خرجی برای طرحهای پتروشیمی در نظر نیست.

مخارج مستمر خدمات اجتماعی، (در سطح ۷۸/۷۹) برای آب، خانهٔ ارزان، توسعهٔ روستایی، و وضع دستمزدها و حقوق.

| | ۱۹۷۸/۷۹ | ۱۹۷۹/۸۰ |
|---|---|---|
| پرسنل | ۱۳ | ۱۸ |
| هزینهٔ جاری | ۱۲ | ۵ |
| سرمایه | ۱۷ | ۵ |
| جمع کل | ۴۲ | ۲۸ |

مؤلفه پرسنل توسط ۵ بیلیون دلار خورده شده که در سال مالی جدید تأثیر خواهد داشت. مشکل بیکاری ۳/۵ میلیون (یک به ده) و تحت استخراج به ملیون است که هر کاری در ادامهٔ آن ممکن است با بالا رفتن دستمزدها، رادیکالیزه کردن کارگر ظاهر خواهد شد.

هزینه‌های جاری در مدلها شامل بالا نرفتن مخارج امور عادی، مخارج دفاعی (تا ۲ بیلیون دلار ترقی مناسب امور اجتماعی و اقتصادی (آب کشاورزی، مسکن) و ادامه دادن برخی از طرحهای صنعتی و حذف بقیه است. هزینه‌های اصلی محتوی اغلب بنیهٔ بودجه در حدود ۷۰٪ می‌باشد.

از جهت درآمدها نقصان انعطاف مالی شاید مهمتر است. در سال مالی ۷۸/۷۹ دریافتی ایران از سه منبع بود: (نفت ۲۲ بیلیون دلار، مالیات ۹ و وام ۶ بیلیون دلار) در سال مالی اخیر ایران قریب ۸ بیلیون از بخش نفتی را از دست داد و شک در مورد تولید درآمد مالیاتی و عوارض گمرکی نیز هست.

جدول زیر پیش‌بینی درآمد ما برای سال ۸۰/۷۹ است.

| | ۱۹۷۸/۷۹ | ۱۹۷۹/۸۰ |
|---|---|---|
| مالیاتها | ۹ | ۵ |
| وامها (قرضیه‌ها) | ۶ | ۱ |
| نفت | ۲۲ | ۲۲ |
| جمع کل | ۳۷ | ۲۸ |

درآمد نفتی سهم عمدهٔ بودجهٔ را دارد و به دست آوردن ۲۲ بیلیون دلار قرض بزرگی است. با قیمت هر بشکه ۱۵ دلار ایران بایستی ۴ میلیون بشکه صادره از ۴/۷ـ۴/۸ تولید نفت داشته باشد. با قیمت ۱۸ دلار نیز رقم ۳/۳ ملیون بشکه صادرات برای ۲۲ بیلیون دلار ضرورت دارد. اگر درآمد مالیاتی و وامها از حد طرح، خارج شود ایران راهی جز باز کردن شیرها ندارد. مقیاس انعطافی در سیستم وجود دارد. کسری بودجه چیز تازه‌ای نیست و ایران تکیه بر مبادلات ارزی دارد، که با رسیدن تابستان محو می‌شود.

ایران می‌تواند تجدید ارزش کند، ولی آثار تورم خرج دارد؛ یعنی می‌شود چند درصدی به نرخ برای رسیدن به ۵۰٪ در نیمه سال نزدیک شد.

قرض امکان دیگری است که با وضع اعتباری متزلزل ایران شدیداً احتیاج به از بین بردن آن پیش از قرض از بانکها دارد. پاسخ بدیهی سختگیری قانونی است که منجر به انضباط قابل ملاحظه مالی می‌گردد، که هنوز ظاهر نشده است.

www.takbook.com



(اینک برنامه ریزان دولت به راحتی ماه به ماه بررسی می‌کنند) همچنین به مفهوم سخت کوشی مردم به درستی با غلط که انتظار بهتر کردن اوضاع در زمان خمینی هستند. این سناریو می‌گوید که در حقیقت می‌تواند رو به زوال برود.»

۲۸ مارس ۷۹ ـ محرمانه، م ـ جانسون

***

«سفارت امسال قادر نخواهد بود اخبار مورد نیاز (Cerp ۴۲۵) را فراهم آورد. آمارهای مهم را نمی‌توان به دست آورد (در بعضی موارد، گردآوری اخبار متوقف شده است و در اکثر موارد دیگر در طول ۶ ماه انقلاب قطع شده است). از زمان انقلاب منابع صنعتی (منابع خبری) از ملاقات با مأمور سفارت خودداری کرده‌اند. دولت جدید و مدیریت جدید شرکت ملی نفت ایران» Nigc و Npc در اکثر موارد تصمیم نگرفته‌اند کجا و چگونه پروژه‌های بزرگ را تمام کنند (یا شروع کنند). آن مقدار اطلاعات کمی هم که ما داریم برای یک گزارش طبقه‌بندی نشده نامناسب است. در زمان انقلاب تعداد گزارش دربارهٔ نفت و گاز و پتروشیمی تهیه کرده‌ایم. از جمله A-11-RF تهران به تاریخ ۶/۱۰/۷۹ خط مشی صدور نفت و گاز ۶۹۶۳ تهران ـ ۷۵۱۹ تهران به تاریخ ۷/۱۹/۷۹ تحت عنوان «گزارش وضعیت نفت.»

لینگن

(ژوئیه ۷۹ از سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجهٔ آمریکا) شماره ۰۷۸۳۹ تهران»

***

با توجه به اسناد فوق آمریکا کاملاً درصدد است، هر گونه فعل و انفعال در بودجه تولید و توزیع و مدیریت اقتصاد ایران را در وضعیت انقلابی جدید دریابد و نقطه ضعفها و نقطه قدرت آن را پیدا کند. طبیعی است که برای نقطه ضعفها از شیوه‌های نفوذ و استفادهٔ سلطه‌طلبانه استفاده خواهد نمود و نقاط قدرت را در هم خواهد ریخت. سیاست آمریکا نفوذ و سلطهٔ دوباره بر اقتصاد و سیاست ایران است. ولی حرکت انقلابی ملت مسلمان به رهبری آگاهانه امام خمینی است، که همهٔ این توطئه را در یک جریان بلند مدت در هم خواهد شکست و مبارزات ضد آمریکایی ملت ایران را پیروز خواهد نمود.

***

در ضمن آمریکا تکیه زیادی بر روی مسایل مالی و بانکی دارد. بعد از انقلاب نیز فعالیتهای فراوانی جهت شناخت وضع بانکها به خصوص بانک مرکزی به عمل آمده است که اسنادی در این موارد در سفارت موجود است و همچنین کوشش فراوان برای شناخت دقیق همهٔ مهره‌های اصلی بانکها به عمل آمده و بیوگرافی همهٔ آنها در اسناد سفارت موجود است به دلیل مهم بودن و مسئله بانکها و دقیق بودن آنها می‌بایست کار دقیق‌تری بر روی آنها شود که شاید در آینده ارایه گردد.

آمریکا سعی دارد جهت بانکها و اعتبارات را با سیاست خود هماهنگ نماید.

***

**موضوع**

ابتدا در مورد پروژه گفته که:

۱ـ شرایط سیاسی ممکن است اجازه ندهد تمام پیشنهاداتی را که گفته است بتوان پیاده و عمل کرد.

www.takbook.com



۲ـ هدف CAP تهیه کردن خطوط راهنمایی برای تیمی است که در آینده وارد ایران می‌شوند.
۳ـ در محل (تهران) می‌شود تغییراتی در پروژه داد. چون در واشنگتن که ما این طرح را ریخته‌ایم ممکن است اطلاعات ما محدود بوده باشد و تغییراتی پدید آید.

**قسمت اول: تحلیل و دوره‌ای از اوضاع** Commerical Aclion Program (CAP)

ایران همیشه یکی از بزرگترین بازارهای مصرفی برای محصولات آمریکایی بوده است. در سال ۱۹۷۸ واردات غیر نظامی ایران از آمریکا رقم ۳/۶ میلیارد دلار را تشکیل می‌داد. مشکلات سیاسی ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ باعث سقوط منحنی واردات ایران و در نتیجه صادرات آمریکا می‌شود.

بحران سیاسی ایران باعث اعتصابات گسترده کارگری، آسیب و زیانهای قابل ملاحظه به کارخانجات و املاک، و فلج سرویس و خدمات زنده و متحرک کشور گردیده است. صادرات نفت که اصلی‌ترین منبع معاملات خارجی ایران می‌باشد، در اکتبر ۱۹۷۸ سقوط کرد و در دسامبر همان سال کاملاً متوقف گردید و تا مارس ۱۹۷۹ از سرگرفته نشد. در این مدت ایران در حدود ۷ میلیارد دلار درآمد از دست داد.

منظره سال ۱۹۷۹ دیدگاه جالبی به دست نمی‌دهد. بیکاری و افزایش قیمتها به حد بحرانی رسیده است، برنامه‌ریزیهای کشور احتیاج به اعتماد به نفس پیدا کردن دارند و دوباره منظم کردن اولویتها و پایه‌ریزی چارچوب رشد آینده اقتصادی که البته در شرایط سیاسی کنونی رسیدن به این اهداف مشکل به نظر می‌رسد. با بررسی آینده پس از این بحران امیدواری بیشتری پیش می‌آید نفت کشور باعث درآمد؛ قابل توجهی می‌باشد. در سطح کنونی قیمتهای نفت ایران احتمالاً در حدود ۱۸ الی ۲۰ میلیارد دلار در سال مالی آینده درآمد خواهد داشت؛ علاوه بر آن ذخیره‌های ارزی حدود ۱۰ میلیارد دلار دیگر را تأمین می‌کند.

کلید هرگونه رشد و پیشرفت پول نخواهد بود، بلکه مدیریت مؤثر و آگاهانه می‌باشد.

مهمترین عمل بازرگانی برای آمریکا در ایران کمک به مؤسسات آمریکایی برای دوباره سازی یک بازار قوی برای محصولات خود می‌باشد، و دنبال کردن موقعیتهایی که انتظار می‌رود به خاطر پروژه Fy80 پیش آید.

در پروژه راجع به مسایل زیر صحبت و برنامه‌ریزی زمان‌بندی شده و دقیق شده است.
۱ـ کشاورزی و بازرگانی کشاورزی (با اولویت سوم)
۲ـ سیستمهای خانه‌سازی و صنایع وابسته (با اولویت چهارم).
و رهنمودهایی در رابطه با طرز رخنه در مسایل زیر داده است:
۱ـ سرویسهای بازرگانی (اولویت اول).
۲ـ پروژه‌های بزرگ (اولویت دوم).
۳ـ محافظت و آماده کردن تسهیلات برای سرمایه‌گذاری (اولویت پنجم).
۴ـ لیست بازرگانان معامله کننده با خارج (اولویت ششم).
۵ـ گزارش موقعیتهای معامله (اولویت هفتم).
۶ـ برنامه‌ریزی برای ارتفاع پیش بینی حوادث تجارتی (اولویت هشتم).

ضمناً قابل توجه است این طرح، که در زمینه‌های اقتصادی مختلفی می‌باشد. هر سال برای ایران

www.takbook.com



برنامه‌ریزی از قبل می‌شده است، به ترتیبی که برنامه از هم اکنون در دست تهیه است، ولی کامل نشده است و پروژه‌های Fy 79CAP و Fy 78CAP به دلیل انقلاب ایران کاملاً اعمال نشد.»

(از لیون لامبرت به روبرت دی ـ مارک جانسون ـ جوزف هاری)

(میکی اسمیت ـ دان رایان ـ چارلز جان دریو)

(اول ژوئن ۱۹۷۲، ۱۳ خرداد ۵۸)»

***

سند فوق حاکی از برنامه‌ریزی بلند مدت آمریکا بر روی بازار فروش و حساب پولی است که به عنوان نفت ایران ظاهراً دریافت می‌نماید. زیرا آمریکا نمی‌خواهد که این پول در مجرایی خرج شود که خارج از بازار فروش و حیطهٔ نفوذ اقتصادی و مالی آمریکا باشد و سود حاصل از سرمایه‌گذاری تولید و حتی گردش آن به جیب آمریکا نرود.

طرحی است که طی آن می‌خواهد طرح وابستگی اقتصادی ایران را در آینده طبق معادلات سیاسی که برای خود فرض می‌کند (حرکت انقلابی ایران است که تمامی این معادلات را درهم می‌کوبد کما اینکه تا به حال بسیاری از معادلات سیاسی ابرقدرتها را درهم ریخته است) طراحی نماید و با استفاده از وابستگی مالی و اقتصادی به غرب ایران را وادار کند که بازار فروش مهمی برای محصولات آمریکا گردد.

هدف این سند اجرای یک برنامه و نقشهٔ مدیریت و اولویتها است، که باعث یک بازگشت به وضعیت معمولی و نرمال سیاسی و اقتصادی بشود. در این برنامه رهنمودهایی به بازرگانیهای آمریکایی که از ایران بازدید می‌کنند، می‌دهد و گزارشهای آگاه‌کننده‌ای راجع به پروژه‌های بزرگ در اختیار آنها گذاشته می‌شود. این قسمتها توسط دولت (ایران به عنوان مسایل با اولویتهای بالا شناخته شده است. برنامه فقط حول تصمیمات وزارت بازرگانی نمی‌گردد، بلکه مشتق از تماسها و اطلاعات و اخبار گوناگون می‌باشد. همچنان که شرایط تغییر می‌کنند، بازنگرش و تصمیم دوباره راجع به اهداف و اولویتها و اعمال ممکن است لازم باشد. این سند آغازگر یک چارچوب برای مذاکره راجع به طرح بازرگانی مذکور بین وزارت کشاورزی و بازرگانی و پست در آمریکا در فاصله‌های چهارماهه می‌باشد. گزارش این مذاکرات یک زمینه مناسب برای کار کارمندان دولت آمریکا در رابطه با زیاد کردن صادرات آمریکا به ایران و برای در دست گرفتن کنترل بازار محصولات در حوادث آینده می‌باشد.

***

«۱ـ ما معتقدیم که لازم است مذاکره‌ای با مقامات عالی اقتصادی دولت جدید ایران دربارهٔ روابط جدید اقتصادی ایران ـ آمریکا (برمبنای خواستهای دولت جدید) داشته باشیم؛ این کار به شرکتهای آمریکایی کمک خواهد کرد تا دوباره فعالیتهای خود را در ایران شروع کنند و بهبود اقتصاد ایران را تسریع بخشند.

۲ـ ما پیشنهاد می‌کنیم که شروع مذاکره با رضا صدر وزیر بازرگانی باشد زیرا ناظران سیاسی معتقدند که او مورد اطمینان و از نزدیکان خمینی می‌باشد. صدر مدتها در آمریکا (در هوستون) به سر برده و روی این حساب برقراری روابط بازرگانی بین دو کشور را تأیید خواهد کرد. او قبلاً در سفارت ایران و در آمریکا یکی از کسانی بود که شورای موقت سرپرستی را به وجود آورد و در سالهای گذشته او عضو حزب مردم بوده است.

۳ـ شما باید نکات زیر را در تماس با رضا صدر و یا در تماسهای تلفنی با او در میان بگذارید.

www.takbook.com



شرکتهای آمریکایی اصولاً به ایران به عنوان یک بازار مهم نگاه می‌کنند. آنها ادامه رابطهٔ اقتصادی ایران به آمریکا را بسیار اهمیت می‌دهند.

این شرکتها می‌خواهند روابط تجاری به نفع دو کشور داشته باشند. آنها خواهان امتیازات ویژه‌ای نیستند، بلکه فقط خواهان قرار داد منصفانه تجاری با شرکتهای ایرانی هستند.

ما معتقدیم که شرکتهای آمریکایی در زمینه تکنولوژی، ایجاد شغل و سرمایه‌گذاری می‌توانند کمکهای مفیدی به ایران بکنند، اما امیدواریم که این شرکتهای آمریکایی فقط کارهای تجاری انجام خواهند داد و در کار دیگری (جاسوسی ـ سیاسی) دخالت نخواهند کرد و شرایط ویژه ایران امروز را در نظر خواهند گرفت.

بعضی از شرکتهای آمریکایی با مشکلاتی در زمینه پرداختها، تنظیم قرار دادها و پیشبرد برنامه‌ها در ایران روبرو شده‌اند؛ این مشکلات، ناشی از نبودن ارتباط کافی و صحیح بین مقامات ایرانی و این شرکتها بوده، نه ناشی از تعمد این شرکتها برای ایجاد اشکال و رعایت نکردن قراردادهای قبلی، اکنون این شرکتها هر گونه توصیهٔ مقامات ایرانی را در مورد نحوهٔ فعالیت آنها پذیرا هستند. به نظر ما یک موافقت غیر رسمی برای حل مشکلات موجود بین ایران و شرکتهای آمریکایی بهتر از اقدامات قانونی از جانب دو طرف خواهند بود. دولت آمریکا حاضر است هر گونه تسهیلاتی را برای برقراری روابط مجدد بین مقامات ایرانی و شرکتهای آمریکایی فراهم کند.

تشکیل یک مجتمع کارشناسان آمریکایی در ایران فعلاً قابل پیش‌بینی نیست. در عین حال امیدواریم که شرایط سیاسی و امنیتی آماده شود تا دوباره شخصیتی آمریکایی به ایران برگردد. البته درخواست برای ارسال متخصصین از طرف ایران باید صورت گیرد و ما نمی‌خواهیم چیزی را به ایران تحمیل کنیم.

اگر در مواردی، به ویژه در زمینهٔ فعالیت شرکتهای خصوصی آمریکایی دولت آمریکا بتواند راهنمایی و کمکی به ایران بکند، با کمال میل خواهد کرد، در حال حاضر ما فکر می‌کنیم شرکتهایی که در زمینهٔ تولید مواد غذایی و توسعهٔ کشاورزی فعالیت می‌کنند، برای ایران سودمند خواهد بود در عین حال خواست ایران را در مورد اینکه چه شرکتی در ایران فعالیت کند در درجهٔ اول قرار خواهیم داد.

بحث شما با مقامات ایرانی باید زمینه را برای برقراری مجدد روابط بین ایران و آمریکا فراهم کند. البته ما نمی‌خواهیم آنها احساس کنند که می‌خواهیم فشار وارد کنیم، بلکه فعلاً می‌خواهیم مشخص کنیم که روابط ما در چه مرحله‌ای می‌تواند قرار گیرد.

از وزارت امور خارجهٔ آمریکا به سفارت آمریکا در تهران

فوری محرمانه گزارشگر ـ سایروس ونس، ۲۲ اپریل ۷۹ شمارهٔ ۷۸۰

***

سند فوق حاکی از شیوهٔ برخورد آمریکا با ایران و چراغ سبز شرکتها در رابطه با حضور دوباره در روابط تجاری ایران به خوبی نقش حیاتی تجارت با ایران را نشان می‌دهد. اما این مسئله در حقیقت نتیجه بسیاری از فعالیت‌های سیاسی آمریکا است، که بتواند در سایه آن شرکتهای آمریکا در ایران فعالیت اقتصادی داشته باشند و در نهایت بتوانند سلطه اقتصادی خود را اعمال نمایند.

در سند فوق عقب نشینی آمریکا و امتیاز دادنش به ایران کاملاً مشهود است و این به سبب آوانس است که آمریکا به خاطر به خطر افتادن منافع تجاری عظیمی است که سالها از ایران به دست می‌آورده است. این

www.takbook.com



اهمیت قضیه را نشان می‌دهد، که این توصیه‌های سیاستمدارانه را ونس وزیر امور خارجه در رابطه با شرکتهای آمریکا می‌نماید.

ایران با یک فشار شدید تورمی رو به روست: بیکاری ۲ تا ۳ میلیون از نیروهای کارآمد ۲۰٪ آنها و کاهش در GNP (درآمد سرانه ناخالص ملی) به طور واقعی ۲۰٪ اما هنوز اقتصاد ایران یک مقدار فعالیت و پیشرفت شاید به طور موقت از خود نشان می‌دهد. بانکها در حال کار هستند، درآمد نفت بیش ۶۰ تا ۷۰ میلیون دلار در روز است و شخم گندم و برنج هم ظاهراً رضایت‌بخش است. ولی نگرش اوضاع در دراز مدت تشویق کننده نیست. هیچ چیز در افق اقتصادی وجود ندارد که جای خود را با سلاح نفت عوض کند، مادامی که تولید نفت خام در سالهای ۱۹۸۰ به بعد به تدریج کم می‌شود. دولت بازرگان کماکان وارث اقتصادی است که مبتلا به یک دوقلوی لعنتی است: یک میراث از پرستیژ برنامه‌هایی که در خلال قطع نفت شروع شد و خرابکاریهای تلافی‌جویانه‌ای که به وسیلهٔ خود انقلاب به وجود آمد. امکان داشت که یک پوشش نقره‌ای داشته باشد.

طراحان انقلاب یک فرصت نایابی داشتند که از عهدهٔ این تخت سنگ برآیند (اقتصاد) ولخرجیهای گذشته را از بین ببرند و اقتصاد معقولی به وجود آورند. در حال حاضر وضعیت سیاسی با پیشرفتها هماهنگ نیست و بیشتر از همه آیندهٔ نامطمئن است که باعث جدایی افراد ماهر برای برطرف کردن مشکلات اقتصادی در ایران می‌شود.

**از تحلیل (موقعیت جاری ایران) ۱۵ اکتبر ۱۹۷۹ محرمانه**

***

«ایران بعضی از صورتحسابها را به طور محدود شروع به پرداخت کرده است و بعضی از قراردادها را دوباره به کار گرفته است. ۵۰ میلیون دلار برای گندم داده و پروژهٔ پالایشگاه اصفهان در حال تمام شدن است و همچنین AMC ۲۰ میلیون دلار برای شروع بهره‌برداری از ماشینهای جیپ دریافت کرده است. بحثها به طور ثابتی باقی است و ضمیمهٔ مالی و درآمد ایران هم رد به تهدید است GTE و شرکت بل در حال بحث و مذاکره با شریکهای فعال ما هستند.

**توصیه:**

الف: به اتاق بازرگانی خصوصی ایران ـ آمریکا توصیه شود که در جهت مسایل به ما کمک کند شاید هم یک هیئت تبلیغی فعال برای این موضوع به تهران ارسال شود.

ب : به شرکتهای آمریکایی اطمینان دهیم که کمک ما به آنها فقط در رابطه با ایرانیان و موفقیت خود ماست که شروع می‌شود.»

(از سفارت آمریکا در ایران به دبیر سفارت توسط پ. نیوسام به وزارت خارجه از طرف هارولد اچ ـ ساندرز ۱۴ شهریور ۵۸ از تحلیل سیاست آمریکا دربارهٔ ایران).

«در ماههای گذشته آمریکا قدمهای محدودی برای یک روابط جدید برداشته است. واگذاری قطعات یدکی لوله‌های نفتی ما، آماده باشید که خرید قطعات یدکی از جانب ایران از سرگرفته شود، زیرا ایرانیها در تحویل گرفتن خیلی کند بوده‌اند. فروش نفت چراغ و نفت گرم کننده، کوشش شود به وسیلهٔ ادارهٔ ایالتی

www.takbook.com



قراردادهای تجاری حل و فصل گردد، کوشش صبورانه‌ای برای بستن برنامه F.M.S (خریدهای ارتش) ارایه شود در وضعی که نشانگر حمایت ایران و نقطه نظر آمریکا باشد).

(از تحلیل قوهٔ ابتکارات سیاسی از نیوسام به وزارت خارجهٔ آمریکا)

۲۱ مهر اکتبر ۷۹ محرمانه، شماره ۲۰۳۱۳

«ما آماده هر گونه برنامهٔ جدیدی برای همکاری بیشتر هستیم... برای مثال تبادل خبری، توسعهٔ کشاورزی، کنترل مواد مخدر، به وجود آوردن کار و استخدام، مدیریت منابع نفتی ... که هر چیزی را که امکان دارد ایران تقاضا کند آماده هستیم.

(نامه‌ای از هنری پرشت واشنگتن D.C به لینگن)

۱۳ سپتامبر ۱۹۷۹ محرمانه

***

«موضوع: بانک صادرات و واردات بانک آمریکا در ایران

گرفتن یک روز بهره اضافی از دیر کرد پرداخت سلاحهای خریداری شده به وسیلهٔ ایران توسط بانک صادرات ـ واردات آمریکا. مبلغ دیر کرد عبارت است از ۱۱۱۹۶۷۱۲/۳۳ دلار. سفارت پیشنهاد می‌کند که اگر این بهره سرخود و غیر قانونی تعیین شده است بلافاصله لغو شود چرا که این برنامه با سر و صدای زیادی در ایران روبرو خواهد شد.» گزارشگر ـ ناس ـ تیلور.

(محرمانه می ۷۹ از سفارت آمریکا در ایران به

وزارت امور خارجهٔ آمریکا واشنگتن D.C، شمارهٔ ۵۵۷۰ تهران)

***

حال با توجه به سیاست کلی آمریکا که نفوذ و سلطهٔ سیاسی اقتصادی دوباره است و با در نظر گرفتن شیوهٔ مسالمت آمیز کمک و تأیید ظاهری برای تحمیل خود و جا باز نمودن در ارگانهای تعیین کننده و وابسته کردن ایران به آمریکا، سیاست اقتصادی آمریکا را در خدمت این اهداف می‌بینیم، یعنی فروش قطعات یدکی نفتی و نظامی ـ فروش نفت چراغ و چراغ سبز، نشان دادن برای کمکهای بیشتر اقتصادی همه و همه در خدمت همان سیاست اصولی است که در بالا ذکر نمودیم.

در حقیقت آمریکا می‌داند که در ایران انقلابی مردمی اتفاق افتاده است و جهت آن هم در نفی آمریکا است ولی امید دارد که بتواند جهت این حرکت را به طرف خود بگرداند، با مذاکره تهدید و نشان دادن واقعیت‌های سوق‌الجیشی و امپریالیستی می‌خواهد این امر را تحقق دهد، ولی در عین حال آینده برایش نامشخص است و ایران را نمی‌تواند در سالهای آینده به خوبی ارزیابی نماید. لذا هر گونه حرکت اقتصادی آمریکا در ایران یک ریسک سیاسی است. برای نفوذ و سلطهٔ خود در حقیقت آمریکا با فروش قطعات یدکی که آن هم با محدودیت خاصی اعمال می‌شود (غیر حساس و کمتر از ۵ میلیون دلار) و سوق دادن به خرید وسایل نظامی از ایتالیا دست به یک ریسک حساب شده می‌زند، که اگر چه موفقیتهایی برایش حاصل نموده، ولی نمی‌تواند به آینده‌اش صددرصد مطمئن باشید. این است که با توجه به شناخت دقیقی که از اوضاع سیاسی ایران و تیپ‌بندی‌های اجتماعی سیاسی و ایدئولوژیکی ایران دارد و با توجه به اطلاعاتی که از وضعیت اقتصادی ایران حاصل نموده است سعی دارد با توجه به شناخت خود راه‌حل‌هایی ارائه دهد که مورد پذیرش قرار گیرد و حتی زمینهٔ پذیرش در انقلاب باشد. نظیر حل مسئله استخدام و

www.takbook.com



بیکاری حل مسئله مواد مخدر و معتادین ـ مسایل مربوط به کشاورزی ـ قطعات یدکی و مواد اولیه صنعتی و ... طبیعی است که اگر سیاست ایران و جهت انقلاب ایران متمایل به غرب و آمریکا گردد و آمریکا بتواند متکی بر پایگاههای خود در ایران سلطهٔ سیاسی خود را اعمال نماید، می‌تواند در سایهٔ آن قدم به قدم در اقتصاد ایران رابطهٔ سلطهٔ امپریالیستی خود را اعمال کند، که این به مراتب زیادتر و عمیقتر از وابستگی اقتصادی است، که هم اکنون ایران به طریق اجتناب ناپذیر از ارث رژیم منحوس پهلوی دچار آن است (مثل گندم، وسایل نظامی، وسایل صنعتی ـ مواد اولیه صنعتی).

www.takbook.com

بسم‌الله الرحمن الرحیم

**مقدمه کلی**

انقلاب پرشکوه اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، بی گمان بزرگترین حادثهٔ قرن و از نوادر انقلابات تاریخ جهان است. انقلابی در حد نهضت‌های انبیاء الهی، با معیارها و ارزشهائی خدائی که طوفان خشمش بساط ننگین یکی از دیکتاتورترین و خونخوارترین رژیم‌های جهان را در هم پیچید و دو هزار و پانصد سال شاهنشاهی آلوده به شرک و کفر و ظلم را به زباله دان تاریخ فرستاد. هم چنین نسیم آزادیبخش، چهرهٔ خشک و تکیدهٔ مستضعفین جهان را نوازش کرد و آنان را از خواب غفلت بیدار و روانهٔ کارزار با مستکبرین نمود.

چرا که آنان مرگ شیطان بزرگ و دیگر شیاطین و تعالی خود را در آینهٔ این انقلاب دیده‌اند.

چنین انقلابی با این عظمت، چون صاعقه‌ای، قدرتهای شیطانی و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا را بشدت تکان داد. و به تعبیر «مناخم بگین» جانی، زلزله‌ای بود که امواجش اسرائیل غاصب را به لرزه درآورد آمریکا با اطمینان دیده و می‌بیند که اگر این انقلاب مهار نشود، قیام ملتهای مسلمان منطقه در عربستان، عراق، ترکیه، پاکستان و... و بالاتر قیام همه مستضعفین را و نهایتاً نابودی موقعیت جهانی و جهانخواری آمریکا را به دنبال خواهد داشت.

لذا بر آن است تا با تمام قدرت خویش، انقلاب اسلامی را نابود و یا حداقل آن را از روح ستیزنده و رهائی بخشش تهی سازد. و بدین منظور او از شیوه‌هائی استفاده کرده است و می‌کند که در نهایت کمترین زیان را برایش داشته باشد. آمریکا می‌داند که اگر حملهٔ نظامی کند و یا یک کودتای خشن فرمایشی ترتیب دهد، ملت ما یکپارچه برای دفاع از انقلاب و کشورش قیام خواهد کرد و در این صورت علاوه بر اینکه آمریکا خود را در گردابی به مراتب هولناکتر از ویتنام اسیر می‌سازد، باعث می‌شود که منطقه خاورمیانه به آشوب کشیده شود، تنگه هرمز شاهرگ حیاتی «آمریکا، غرب و ژاپن» نا امن گردد و ملتهای محروم منطقه به قیام عمومی برخیزند که همه اینها مرگ زودرس امپریالیسم را به دنبال خواهد داشت. اسناد و مدارک و تحلیلهای داخل لانهٔ جاسوسی نیز صحت مدعای فوق را تأیید می‌کنند.

آنچه از تحلیلهای «کتاب حاضر» و سایر اسناد و مدارک لانه جاسوسی برمی‌آید، این است که: آمریکا همواره در پی شیوه‌ای بوده است که بتواند به وسیله آن انقلاب ما را از درون دچار تضادها، برخوردها و جدایی‌ها سازد و تخم بدبینی و یأس در دل ملت ما و سایر ملتهای به پا خاسته بپاشد تا نهایتاً انقلاب اسلامی متلاشی و یا حداقل از مسیر خویش منحرف گردد.

www.takbook.com



چنان که مشاهده خواهید کرد، اغلب تحلیلگران آمریکایی ایجاد «تفرقه و نفاق» در میان «نژادهای مختلف»، «اقشار مختلف اجتماع» و میان دانش‌آموزان را جهت هرج و مرج و سقوط تدریجی انقلاب پیشنهاد می‌کنند. و هم چنین نفوذ ایادی وابسته و یا عناصر سازشکار در ارگانهای مملکتی را مؤثر در انحراف انقلاب می‌دانند.

ما در این کتاب، تحلیلهائی از تحلیلگران آمریکایی ـ که در امور ایران صاحب نظر و اغلب آنها گروگان ملت ایران هستند، را در معرض دید ملت مسلمان ایران قرار می‌دهیم تا ملت ما بداند که دشمن اصلیش در مورد او و انقلابش و در مورد امامش چگونه می‌اندیشد، تا ملت رشید بداند که آمریکای جهانخوار به اصالت انقلاب اسلامی بارها و بارها اعتراف کرده و می‌کند.

تا ملت بداند که شیطان بزرگ از فراگیر شدن و جهانی شدن و پیشتاز شدن انقلاب اسلامی کاملاً آگاه و از آن در هراس است.

تا ملت بداند که آمریکا، امام را سرسخت‌ترین، سازش ناپذیرترین و بیدارترین دشمن خود می‌داند.

تا ملت شهید پرور بداند که آمریکا از اسلام و توده‌های مسلمان تا چه حد هراس دارد و بالاخره تا ملت بداند که آمریکای توطئه‌گر همواره به توطئه و دسیسه چینی علیه انقلاب اسلامی مشغول می‌باشد.... باشد که با شناخت هر چه بیشتر توطئه‌های شیطان بزرگ، انقلاب اسلامیمان را به پیروزی نهایی برسانیم.

در اینجا ذکر مطالب و تذکراتی چند در مورد تحلیلهای موجود در این کتاب ضروری به نظر می‌رسد.

۱ ـ به‌طور کلی این تحلیلها (در بعضی موارد گزارشات)، حاوی نقطه نظرها و دیدگاههای تحلیلگران آمریکایی، دربارهٔ انقلاب اسلامی، فرهنگ حاکم بر انقلاب، نیروهای سیاسی موجود در ایران... و هم چنین بررسی مسایل اقتصادی کشورمان بر پایهٔ اطلاعاتی که آنها کسب می‌کرده‌اند می‌باشد. و نیز در اغلب تحلیلها، طرحها و پیشنهاداتی جهت انحراف و یا سقوط انقلاب ارائه شده است.

بدیهی است که در این تحلیلها، نارساییها و مطالبی چند خلاف واقع وجود دارد که اینها به‌طور کلی معلول یکی از دو مسئله زیر و یا هر دوی آنها می‌تواند باشد:

* الف) این نارسائیها و مطالب خلاف واقع معلول اطلاعات ناصحیحی است که آنان از مجاری مختلف به دست آورده‌اند.

* ب) معلول تفسیر و تحلیل غلط آنها از مسایل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و... کشور ما می‌باشد.

* ۲ ـ در نظر داشته باشیم که این تحلیلها به‌وسیله کسانی نوشته شده است که اغلب از جاسوسیان سیا( ) و دشمنان انقلاب اسلامی ما می‌باشند و سالها در ایران و دیگر نقاط جهان جاسوسی می‌کرده‌اند. لذا باید با دیده‌ای تیزبین به مطالعهٔ این تحلیلها بپردازیم، چرا که ممکن است در آنها مطالبی خلاف واقع باشد که از غرض و یا ناآگاهی تحلیلگر سرچشمه گرفته باشد.

و از این مطالب خلاف واقع در بعضی تحلیلها مشاهده خواهید نمود که سعی شده است تا حد ممکن در پاورقی‌ها توضیح داده شود.

۳ ـ تمامی این تحلیلها و گزارشات، نهایتاً به وزارت امور خارجهٔ آمریکا در واشنگتن ارسال می‌شده تا براساس اطلاعات و داده‌های آنها سیاستهای امپریالیستی آمریکای جنایتکار در قبال انقلاب اسلامی ایران اتخاذ شود. لذا مطالعه دقیق اینها به ما کمک خواهد کرد تا شناخت کافی نسبت به توطئه و

www.takbook.com



دسیسه‌های ننگین شیطان بزرگ داشته باشیم. همچنین قابل ذکر است که تحلیلهای داخل لانه جاسوسی، اساس نقشه‌های شوم آمریکای جنایتکار برای نابودی یا انحراف انقلاب اسلامی در مدت زمانی است که از تسخیر لانهٔ جاسوسی می‌گذرد. واضح‌تر بگوییم اگر لانهٔ جاسوسی به دست فرزندان این ملت تسخیر نمی‌شد امپریالیسم آمریکا با استفاده از مطالب و اطلاعات این تحلیلها به توطئه‌های خطرناک و حساب شده‌ای علیه انقلاب اسلامی و ملت رشید ایران دست می‌زد و چه بسا تاکنون توانسته بود ضربات مهلکی بر پیکر انقلاب اسلامی و ملت مسلمان وارد آورد.

۴ـ در مطالعه تحلیلها توجه به تاریخ نوشته شدن و تحلیل مفید بوده و در ضمن پاورقی‌ها و تأکیدها از طرف دانشجویان مسلمان پیرو خط امام می‌باشد.

امیدواریم که با آگاهی از ماهیت امپریالیسم جهانخوار و توطئه‌های ننگینش، مبارزه با آمریکا را تا فتح نهایی که رهائی تمامی مستضعفین و نابودی همهٔ مستکبرین است، ادامه دهیم. و این امید بعیدی نیست، چرا که اکنون به فرمان «امام» دریای بیکران انسانها به پا خاسته‌اند تا کاخ جباران جهانخوار را ویران و بر ویرانه‌ها دنیائی نو، لبریز از رهائی و تعالی بنا کنند.

آری ـ آمریکا چه بخواهد و چه نخواهد آتش فروزان انقلاب اسلامی روشنگر طریق جهاد مستضعفین و سوزنده بساط مستکبرین بود. و بر حیات ننگین ام‌الفساد قرن و سایر تجاوزگران جهان خوار مهر پایان خواهد زد. انشاءالله

پیروز باد انقلاب پرشکوه اسلامی ایران. به رهبری امام خمینی هرچه گسترده‌تر باد قیام دلاورانهٔ مستضعفین علیه مستکبرین ننگ و نفرت بر جهانخواران خون آشام به سرکردگی آمریکای جنایتکار نابود باد توطئه‌های ننگین امپریالیسم علیه انقلاب اسلامی ایران.

www.takbook.com



**بنام خدا «معرفی سند» ۴ اکتبر ۱۹۷۹**

این سند حاوی مطالبی در رابطه با کارهائی است که به نظر تحلیل گر باید برای افزایش منافع آمریکا در ایران، در آیندهٔ صورت پذیرد و بدین سبب از دو جنبه مفید است. اول آنکه می‌تواند نشان دهنده برداشتهای آمریکا از ارگان‌های مختلف در ایران و به خصوص شیوهٔ برخورد آمریکا با آنها باشد و دوم آنکه می‌تواند به عنوان الگویی در برخوردهای آتی با سیاستهای آمریکا به کار گرفته شود.

وضوح و روشنی عوامل مؤثر در انقلاب از قبیل نقش رهبریت امام، نقش توده‌های مردم و برخی زمینه‌های انقلاب از قبیل تبعیض‌ها و برتری، پایمال کردن فرهنگ مردم، غربی شدن آداب در مردم آن چنان بوده است که تحلیل گر علیرغم میل باطنی خود مجبور به اعتراف به آنان شده است اما این اعتراف سبب تن دادن یانکی‌ها به این واقعیت نبوده است بلکه سیستم سودپرستی آنان به گونه‌ای بوده است (و می‌باشد) که جهت افزودن بر منافع غیر مشروع خود از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند و نکتهٔ جالب توجه در این زمینه را می‌توان در این جمله از سند ذکر کرد که:

«ایران هنوز راه زیادی را می‌باید بپیماید تا با برنامه‌های (USICA) دفتر همکاریهای بین‌المللی آمریکا منطبق گردد» و این یعنی که برنامهٔ فرهنگ زدایی دفتر همکاریهای بین‌المللی ثابت است و کوچکترین تغییری نخواهد یافت و ایران را باید به گونه‌ای ساخت که خود را با آن منطبق کند و این نکات است که باید ما را به سوی جایگزینی هر چه سریع‌تر فرهنگ انقلابی اسلام به جای فرهنگ منحط غربی رهنمون شود تا دیگر بار زمینه‌های رشد آنان فراهم نگردد زیرا آمریکا حتی اگر از روابط دیپلماتیک خود با ایران نیز چشم پوشی کند به معنی سکوت و یا عدم مداخله‌اش در امور ایران نمی‌باشد و فقط بدین معنی است که شیوه‌های دخالت پیچیده‌تر و گنگ‌تر خواهد شد.

سند در تحلیل خود از ساخت قدرت در ایران از فرماندهان پاسداران به عنوان دزدان دریایی یاد می‌کند و پر واضح است که هر که بر راه منافع آمریکا در ایران و دیگر کشورهای زیر سلطه‌اش مانع ایجاد کند از آنجا که این منافع تعلق به رژیم آمریکا دارد!! دزد دریایی است!

لحن سند در برخورد با حاشیه نشینان انقلاب (که به راستی هم از نظر عدم دخالت در انقلاب حاشیه نشین بوده‌اند!) یعنی کسانی که تا وقتی اسلامی‌ها از حمایت توده برخوردارند قدرت و جرأت دم زدن ندارند، به گونه‌ای است که گویی تحلیل گر از این ماجرا رنج می‌برد و این نشان دهندهٔ اهمیت عملکرد این نیروها برای آمریکا است و این نکته در قسمت بعدی نیز به فرمی واضح‌تر بیان می‌شود که: «مخالفین خاموش بر روی عدم توانائی ملاها در ادارهٔ یک جامعه در دنیای قرن بیستم حساب می‌کنند» و این مخالفین خاموش کسانی هستند از قبیل: فرماندهان در ارتش سنتی، مدیران غرب زده و تکنسین‌ها، سیاستمداران دمکرات و لیبرال، رمانتیک‌های شبه نظامی و بالاخره کمونیست‌ها.

و این نکته‌ای اساسی است که در سند با صراحت تمام ذکر شده است و اینجاست که مسئولیت روحانیت سنگین‌تر و سخت‌تر از همیشه جلوه‌گر می‌شود. نیروهای خاموش مترصد فرصتی هستند تا از نقاط ضعف آنان استفاده کرده و راه را برای نفوذ خویش باز نمایند. اگر روحانیت به خود نیاید و نقاط ضعف خویش را بر طرف نسازد. اگر روحانیت با اقشار مؤمن و متعهد انقلاب و به ویژه جوانان انقلابی اتحاد اصولی برقرار نسازد، اگر روحانیت درصدد تصفیه عناصر ناشایسته در درون صف خود نپردازد، اگر روحانیت با دقت و ظرافت در کارها عمل نکند، اگر روحانیت به مبارزهٔ قاطع و بی امان توده‌های

www.takbook.com



مستضعف بر علیه جهان خواران به گونه‌ای انقلابی شکل ندهد، اگر روحانیت پشتیبانی توده‌ای را در اثر اعمال سیاست‌های غیر انقلابی از دست بدهد، اگر... آنوقت است که زمینه برای رشد نیروهای حاشیه‌نشین و خاموش آماده گشته و انقلاب اسلامی خلق دلاور ایران از راستای توحیدی خویش منحرف گشته و خون هزاران شهید گلگون کفن انقلاب با دست فرصت‌طلبان و منفعت‌طلبان پایمال خواهد شد. اوج برنامه‌ریزی تحلیل‌گر در جهت نابود کردن انقلاب اسلامی ایران در قسمت بعدی سند ظاهر می‌شود. طرحهای پیش بینی شده در دو سناریو خلاصه شده است.

۱ـ تحریک نیروهای تمرکز یافته از طریق تشدید نارضایتی‌های منطقه‌ای و قومی ایران در جهت ضربه وارد کردن بر اقتصاد سنتی ایران و به خصوص تعطیل مناطق نفتی در صورتی که با آنها به اندازه کافی به طرز غلطی رو به رو شدند. و نکته اصلی همینجاست.

شک نیست که دشمنان انقلاب هیچگاه از پای نخواهند نشست و درصد تشدید تضادهای قومی و نژادی و غیره بر خواهند آمد، شک نیست که آنها که منافعشان در اثر انقلاب به خطر افتاده (مثلاً سرمایه‌دارها، بورس‌بازها، دلالها، وارد انجمنهای عمده قاچاقچیان گردن‌کلفت و زمین‌دارها)، دست از توطئه و تحریک بر نخواهند داشت، شک نیست که انتظار همگامی فرصت‌طلبان با انقلاب را نمی‌توان داشت اما اینجا هیچیک نمی‌توانند به انقلاب ضربه زنند چرا که پایگاه مردمی ندارند و آنچه که به انقلاب ضربه می‌زند برخورد غلط و ناصحیح با این اقشار است که ممکن است به جدایی رهبران مذهبی و توده‌ها بینجامد و تنها دقت در شیوه‌ای برخورد است که می‌تواند موجب شکست این سناریو گردد.

۲ـ نفاق در مدارس بین محصلین،معلمین که ممکن است به تعطیل‌های دراز مدت و یا خشونت‌های افراطی منجر شود.

رمز پیروزی انقلاب اسلامی ایران که همانا ایمان و وحدت کلمه می‌باشد در این اسناد به خوبی آشکار می‌گردد. تنها از طریق برقراری وحدت بین اقشار ملت است که می‌توان پوزهٔ جهانخواران را بر زمین بمالند و بس و آنها که به راستی خواهان مبارزه با امپریالیسم و مظاهر آن هستند اگر با تکیه بر روی دگم‌های ذهنی خود و تلقین آن به دیگران بخواهند پیش روند که در نهایت به تفرقه بین طبقات مردم گردد در دامی بزرگ فرو افتاده‌اند دامی که امپریالیسم، این شیطان بزرگ زمانه، پیش پایشان گسترده است.

سند برای موقعیت طرحهای دفتر همکاریهای بین‌المللی در مراجعه با روحانیون، سیاستمداران لیبرال، رهبران ارتش، مدیران غربزده، رهبران قومی و منطقه‌ای، محصلین و معلمین و بالاخره چپ‌های افراطی را هی را پیشنهاد می‌کند که جلب کنندهٔ احساسات توده مردم باشد چرا که انقلاب انقلاب مردم است و هیچیک از این گروهها قادر به انجام کاری در برابر این توده‌های میلیونی نمی‌باشند.

مردمی که حتی حاضر به پذیرش منافع پایاپای آمریکا نیز نیستند و آنها که به گفته تحلیل‌گران آمریکا را دشمن اسلام و انقلاب تلقی می‌کنند، مردمی که به طرد هنر آمریکایی نیز پرداخته‌اند و آن را ضد اسلامی و فاسد می‌دانند و ایکاش آنان که به عنوان نمایندگان مردم در برخورد با این قبیل تشکیلات قرار می‌گیرند نیز این گونه بودند. اما گویا دفتر همکاریهای بین‌المللی در زمینه خویش شانس‌هایی هم داشته است که در ادامه سند آمده است از قبیل: شام خوردن با بعضی مقامات، تماس گرفتن با فرماندار شیراز جهت بازگشایی انجمن در ایران و آمریکا، درخواست معاون نخست وزیر (امیر انتظام) برای کتابهائی در مورد ایالات و حکومت‌ها که در جهت همکاریها می‌خواستند و بالاخره بازگشایی مجدد انجمن ایران و آمریکا

www.takbook.com



برای تحویل فرهنگ غرب به ایران در کنار این مطالب مشوش کننده‌ای هم برای آمریکا وجود داشته است از جمله اعدام‌ها، اخراج خبرنگاران آمریکایی تعطیل کردن روزنامه‌های محلی، بدرفتاری با اقلیت‌ها مانند کردها و بهایی‌ها و اسم بردن از آمریکا به عنوان امپریالیست حامی صهیونیسم، به راستی چرا باید خاطر آمریکا از تعطیل کردن روزنامه‌های محلی یا بد رفتاری با کردها مشوش گردد؟ چرا اعدام نصیری‌ها و هویداها به اندازهٔ امپریالیست خواندن آمریکا و بستن روزنامه‌های محلی برای آمریکا مهم است؟ اما با تمام این تفاصیل آمریکا ترجیح می‌دهد که برای حفظ منافع درازمدت خود با آمریکا از این مسایل هم چشم‌پوشی کند و این نشان‌دهنده اهمیت تصمیماتی آتی ایران در قبال رابطه با آمریکاست.

نگاهی گذرا به پیشنهادهای تحلیل‌گر برای حفظ منافع دراز مدت آمریکا، میزان و درجهٔ خصومت رژیم آمریکا را با استقلال ایران به خوبی روشن می‌سازد.

یانکی‌ها می‌خواستند تا آرام آرام نفوذ کنند، روحانیت را از درون پوک سازند با روحانیون مجاهد تماس بگیرند، با پاسداران تماس حاصل کنند.

یانکی‌ها می‌خواستند تا به لطایف‌الحیل سعی در نفوذ در ایران انقلابی و متلاشی کردن آن نمایند و یانکی‌ها هرگز عقب نخواهند نشست.

اگر ما حمله نکنیم آنها حمله می‌کنند و این باید سرلوحهٔ کارهایمان باشد تا روزی که سنت‌الله برقرار گردد و حاکمیت مستضعفین بر زمین جاری گردد.

www.takbook.com



**رسمی ـ غیر رسمی**
**تاریخ: ۴ اکتبر ۱۹۷۹ (برابر با ۵۸/۷/۱۲)**
**آقای**
**مدیر امور افریقای شمالی، شرق نزدیک و آسیای جنوبی**
**آژانس ارتباطات بین‌المللی ایالات متحده آمریکا ـ واشنگتن**
**تد عزیز:**

در انتهای دومین ماه اقامتم در تهران ممکن است برای من و شاید هم برای شما مفید باشد که تحلیلی از اوضاع کنونی بکنم و کارهایی را که در شش ماه آینده در رابطه با افزودن منافع آمریکا در ایران می‌بایست انجام داد، بگویم.

انقلاب: از دیدگاه من، انقلاب که ناگهان با پیروزی خود در فوریه گذشته رو به رو شد شورش بود علیه برتری‌ها و مزیت‌ها. نیروهای مخالف شاه عبارت بودند از: تودهٔ نامتجانس از سنت گرایان شیعه، لیبرالهای دمکرات و غرب زده، سوسیالیستها و مارکسیست‌ها که همگی برای یک منظور که بیرون کردن شاه بود با هم ائتلاف کرده بودند. این گروههای نامتجانس همهٔ نیرویی را که برای رو به رو گشتن با شاه احتیاج بود نمی‌توانستند گرد هم آورند، مگر با پشتیبانی توده‌های متعصب که توسط جذبه روحانی خمینی متشکل شدند. علاوه بر مخالفت با امتیازات تجاوزگرایانه خیلی‌ها که با شاه جنگیدند عمیقاً به خاطر تغییرات ناگهانی و اثرات غربی (مخصوصاً آمریکایی) که در جامعه ایران نفوذ می‌کرد ناراحت شده بودند. از این دید که خیلی‌ها اصول و ارزش‌های سنتی را زیر پا می‌گذارند عصبانی و آزرده خاطر گشته بودند.

به‌طور خلاصه انقلاب علیه برتری‌ها و غربی شدن سریع رخ داد بنظر من هنگام تحکیم بخشیدن به منافع آمریکا از طریق گفتگو با ایرانی‌های با نفوذ باید مسئله بالا را در نظر داشت. البته میل برای ارتباط وجود دارد توسط مخالفت با غربی شدن و اختلاف طبقاتی پوشانده شده است.

ساخت اثرگذاری و نفوذ: ایران هنوز راه زیادی را می‌باید بپیماید تا برنامه‌های (USICA) دفتر همکاریهای بین‌المللی آمریکا منطبق گردد. کشور از یک انقلاب خالص سر بدر آورده و اعضای سازمانهای قبل از انقلاب اکثراً یا اعدام شده‌اند یا فراری‌اند یا در برزخ طاغوتی بودن زندگی می‌کنند.

افراد سرشناس و چپی‌ها و لیبرالهای قدیمی مخالف با شاه هم اکنون یا فراری‌اند (مثل بختیار) یا پنهان شده‌اند (مثل متین دفتری) یا برای زمان حال مجبور شده‌اند که همراهان بی اشتیاقی (مثل حزب توده) در راه رسیدن به اسلام اصیل باشند!

یک تحلیل از ساخت قدرت در ایران بعد از انقلاب خمینی و دیگر آیت‌الله‌ها را بهمراه دیگر روحانیون شیعه که برای مجلس انتخاب شده‌اند و هم اکنون در حال تدوین قانون اساسی هستند، در رأس می‌گذارد.

سپس نوبت ملاها می‌رسد که در داخل دولت موقت، دادگاههای انقلاب و کمیته‌ها و تشکیلات شبه نظامی رخنه کرده‌اند در در جه سوم من سیاستمداران را جای می‌دهم (مثل بازرگان) که توانسته خود را با ارزشهای اسلامی غالب تطبیق دهد و یک کنترل عاریه‌ای به سکان تشکیلات دولت موقت یا شبه دولت از جمله صنعت نفت داشته با شد. در درجه چهارم دزدان دریای یکه فرماندهی گروههای شبیه نظامی (پاسداران) و کمیته‌های انقلاب را به عده گرفته‌اند می‌باشد و در پایان ملاهای ساده جای می‌گیرند که به

www.takbook.com



توده‌ها در دهات و شهرها جذب می‌کنند که پشتیبانی متعصبانه آنها بزرگترین منبع قدرت خمینی و آیت‌الله‌ها می‌باشد.

ساخت نفوذ آهسته: در جامعه‌ای که دوران یک انقلاب را پشت سر گذاشته و هنوز هیچ فرم ثابت و مشخصی به خود نگرفته و همچنین شامل حاشیه نشینان انقلاب می‌باشد که این حاشیه‌نشین هیچ‌کدام انتظار نمی‌رود تا وقتی که این اسلامی‌ها از حمایت توده‌ها برخوردار هستند بتوانند حرکتی در جهت در دست گرفتن قدرت بکنند. یک تحلیل خوب از ساخت تأثیری عبارت است از مخالفین خاموش که روی عدم توانائی ملاها در اداره یک جامعه در دنیای قرن بیستم حساب می‌کنند که بتدریج شانس در دست گرفتن قدرت را به آنان بدهد یا حداقل بتواند به صورت وزنه‌ای برای تصمیم‌گیری‌ها اثر بگذارد چون آنها مهارت اینکه از پس مسایل اقتصادی یا فشارهای امنیتی بربیایند را دارند. جزو این گروه من فرماندهان را در ارتش سنتی، مدیران غرب زده و تکنسین‌ها، سیاستمداران دمکرات و لیبرال، رمانتیک‌های شبه نظامی و بالاخره چپی‌ها سرسخت از جمله کمونیست‌ها را جای می‌دهم. هیچ کدام از این گروهها نمی‌توانند آشکارا (بدون ریسک نابودی در زیر دست‌های اسلامی‌ها که هم اکنون از حمایت بی‌دریغ تـوده‌ها برخوردار هستند) برای به دست گرفتن قدرت حرکت کنند. سنت گرایان اسلامی با وجود این ضربه‌پذیر هستند. من حداقل دو سناریو و برنامه را که می‌توانند منجر به هرج و مرج و سقوط تدریجی بینجامد را در نظر دارم. یکی نیروهای تمرکز یافته که توسط نارضایتی‌های منطقه‌ای و قومی تحریک شده باشد و اگر با اینها به اندازه کافی به طرز غلطی رو به رو شوند، ممکن است باعث تعطیل شدن و بسته شدن مناطق نفتی گردند یا اقتصاد سنتی را از هم بپاشند یا جوری ملی گرائی را خراب کند که توده‌ها با رهبران مذهبی بی عرضه خود مخالف شوند. نفاق در مدارس بین محصلین و بین کادرهای مدارس و هر دو می‌تواند باعث بسته شدن مدارس برای مدت طولانی بشود و در نتیجه باعث نارضایتی عمومی گردد یا تـبدیل بـه خشونت‌های افراطی بشود و دوره‌های چهل روزه عزاداری را که نقش بزرگی در سقوط شاه داشت را از سر شروع کنند (ایرانی‌ها یک علاقه شدید و غیر طبیعی برای عزاداری دارند و هم چنین مانند بقیه جهان سوم در برابر خواسته‌های جوانانشان تسلیم هستند).

حضار مخالف که باید هدف قرار گیرند: اگر در تئوری و تحلیل قبل تصور صحیح و دقیقی از شکل نفوذ در ایران پس از انقلاب باشد دفتر همکاریهای بین‌المللی آمریکا با افراد زیر مواجه است: روحانیون، سیاستمداران غیر روحانی که اداره حکومت را به عهده دارند و تشکیلات شبه حکومتی را اداره می‌کنند. رهبران گروههای شبه نظامی، رهبران ارتش، مدیران و تکنسین‌های غرب زده، سیاستمداران لیـبرال، رهبران چپی تندرو، رهبران قومی و منطقه‌ای، محصلین و معلمان، وسایل ارتباط جمعی که روی همه این گروهها اثر می‌گذارند و بالاخره توده‌ها. بعلاوه توده‌ها ممکن است کج اندیشی ای در میان شنونده‌های مبتدی ظاهر کنند ولی من معتقدم که در مورد ایران بعد از انقلاب گروهها بدین حد ضعیف می‌باشند قدرت واقعی منوط به اعتماد و جلب احساسات توده مردم می‌باشد. هم اکنون هیچ‌گونه تشکیلات و گروهی که بتوانند اعتماد و احساسات برانگیخته شده مردم را هر چقدر هم غیر واقعی باشد جلب کند وجود ندارد.

عدم دسترسی به افراد مخالف (افرادی که باید هدف قرار گیرند): به خاطر اینکه آمریکا خصوصاً و غرب عموماً برای بیشتر مسایل که ایران را به ستوه آورده بودند مورد سرزنش قرار می‌گیرند و به عنوان دشمن هر دو، هم اسلام سنتی و هم انقلاب، شناخته شده‌اند (USICA) دفـتر هـمکاریهای فـرهنگی

www.takbook.com



بین‌المللی آمریکا دست یابی خوبی به خیلی از مردم متنفذ ذکر شده در بالا را ندارد. و بجز با ریسک برانگیختن عداوت و خصومت عملی ایرانی‌ها نمی‌توانیم ابتکارهائی به خرج داده و پیشقدم شویم. خیلی از عواملی را که معمولاً (USICA) دفتر همکاریهای فرهنگی بین‌المللی آمریکا با عنوان کردن مسئله و منافع دو طرف و استفاده‌های پایاپای در مورد مردم مورد نظر استفاده می‌کنند در ایران بعد از انقلاب غیر عملی هستند.

در اینجا تعداد کمی ایرانی طرفدار آمریکا هستند: هنر و انتشارات غربی معمولاً به عنوان ضداسلامی و فاسد نامبرده می‌شوند و برنامه‌های تبادلاتی ما نسبت به احتیاجات و توجه بیشتر مردم مورد نظر ما تطبیق داده نشده‌اند. مقامات برنامه‌ریز با عادت به معامله با ملاها و پاسداران و کردها و خرابکاران مناطق نفتی را ندارند.

پیروزیها و پیشرفتهای (USICA) دفتر همکاریهای فرهنگی بین‌المللی آمریکا: این لیست موانع نباید باعث این برداشت نمود که (USICA) ناامیدانه از پا افتاده است ما نه افسرده و نا امید شده‌ایم و نه کمر ما خم شده. برعکس موقعیتهای بیشتری برای عمل ظهور می‌کند و ما با منابع تحلیل رفته‌مان از پس این موقعیت‌ها به آسانی برنمی‌آییم و فقط روی قسمتی از آنها عمل می‌کنیم. در هفته‌های اخیر دستیابی‌های ما عبارت بودند از:

گزارشات عینی و علمی را در شبکه تلویزیون ملی جای دادیم.

به حساب بانکی انجمن ایران و آمریکا در شیراز دسترسی پیداکردیم و از فرماندار شیراز برای باز پس گرفتن ساختمان ایران و آمریکا در شیراز کمک گرفتیم.

کادر انجمن ایران و آمریکا را دوباره متشکل کردیم و برنامه‌هایمان فقط شروع تدریس انگلیسی است.

با درخواست وزارت امور خارجه برای اطلاعات در مورد روابط کوبا با دیگر کشورهای آمریکای لاتین پاسخ دادیم. این مطلب قسمتی از تلاش وزارت امور خارجه برای آماده شدن در کنفرانس کشورهای غیرمتعهد در هاوانا بود.

کپی‌هایی از قانون اساسی آمریکا به فارسی و انگلیسی و در پاسخ به درخواست آن از طرف دفتر مجلس خبرگان که مسئولیت جمع‌آوری اسناد قابل استفاده برای مجلس را که هم اکنون دست‌اندرکار تهیه قانون اساسی برای ایران می‌باشد تهیه شد.

در چندین نوبت خبرهایی در رابطه با عمل کنسولگری که اخیراً دوباره باز شده به روزنامه‌های مهم داده شد. امضاها و علاماتی برای عمل کنسولها اختراع کردیم که به کم شدن بی نظمی‌ها کمک کرد. شایعات و سوءتفاهمات را توسط مصاحبه‌های طولانی یا ناشرین که داستانهای کمک کننده‌ای در این رابطه نوشته خواباندیم. یک سیستم بلندگویی در خارج کنسولگری برای ارتباط مستقیم با جمعیت کار گذاشتیم.

برنامه‌ای را برای بازگشایی دوباره انجمن ایران و آمریکا در تهران برای هفته‌های اخیر تدارک دیدم. یک سری فیلم، یک کنسرت، نمایشگاههای نقاشی و یک گردهم‌آیی شبانه برای اعضاء انجمن ایران و آمریکای اصفهان و نیز برنامه مشابهی را تدارک می‌بینند. و یک برنامه شام را در خانه مسئول روابط عمومی‌مان تهیه دیدیم که در آن توسط تلویزیون ویدئو فیلمی به مهمانان نشان دادیم که تلویزیونهای

www.takbook.com



آمریکا چگونه انقلاب ایران را گزارش کرده‌اند. مهمانان عبارت بودند از اعضای برجسته روزنامه‌ها و مقامات وزارت امور خارجه، یک نویسنده، یک نقاش و یک عضو کادر انجمن ایران و آمریکا در تهران که همچنین یک استاد حقوق شناخته شده دانشگاه تهران نیز می‌باشد.

به تدارک مهمانی‌های شام در منزل کاردار کمک کردیم که در آن مهمانی‌های فیلم‌های آمریکایی نشان می‌دادند و در یک مورد یک پیانیست آمریکایی پیانو زد. مهمان‌ها شامل مقامات بالای دولتی و دکترها و وکلا و استادان دانشگاه می‌شوند.

کتابهایی در مورد ایالات و حکومتهای محلی به معاون نخست وزیر در مورد خواستش برای همکاری دادیم.

با وزیر، سخنگوی وزارت ارشاد در مورد اخراج‌های اخیر خبرنگارهای آمریکایی صحبت کردیم علاوه بر نکات بالا دوره‌های زبان انگلیسی در انجمن ایران و آمریکا در تهران، اصفهان هزاران ایرانی را شامل می‌گردد و تعداد اشخاصی که نام‌نویسی کرده‌اند ممکن است در ترم دوم به حد قبل از انقلاب برسد.

محفوظاتی درباره رژیم: مطمئناً در مورد ایران بعد از انقلاب مطالب مشوش کننده بسیاری از نظر آمریکا وجود دارد از جمله: زیر پا گذاشتن‌های حقوق بشر از جمله اعدام‌ها، اخراج خبرنگاران آمریکایی، تعطیل کردن، خیلی از روزنامه‌های علمی، بدرفتاری با اقلیت‌ها مانند کردها و بهایی‌ها، اسم بردن‌های مکرر از آمریکا به عنوان امپریالیست و حامی صهیونیسم، سیاستهای خارجی خصمانه و مخالفت با منافع آمریکا به عنوان مزید بر علت باید بگوییم که ما قادر نیستیم که با خیلی از ایرانیها دربارهٔ این موضوعات وارد بحث عمیق شویم. قابل ذکر است که برای منافع دراز مدت آمریکا بهتر است که ما روابطمان را با ایران برای احتراز از حاد شدن سیاست‌ها و اعمالی که مخالف آرمانها و منافع، باشد محدود کنیم.

پیشنهادات: من معتقدم که اگر ما عقیده‌مان را راجع به تجاوزاتی که در مورد حقوق بشر در ایران می‌شود ابراز کنیم در درازمدت به نفع آمریکا خواهد بود. ما می‌بایست موضع مستحکمی نسبت به آن دسته از رهبران ایرانی که ما را امپریالیست و پادوی صهیونیست می‌خوانند یا ما را متهم به دخالت در امور داخلی ایران می‌کنند بگیریم. بالاخره ما مصراً می‌باید مخالفت خود را با اخراج خبرنگاران آمریکایی ابراز داریم. از طرف دیگر من متقاعد شده‌ام که ایران امروز آنقدر سست و متزلزل است که هر اقدام شتابزده یا هر بیانیه ایران را همانند بچه‌ای نشان می‌دهد، بنابراین از برخورد مستقیم می‌بایست احتراز کرده و با هر حادثه یا بیانیه‌ای به صورت مخصوص و محدودی عکس‌العمل نشان دهیم متشابهاً ما می‌بایست باهر موضوع و هر موقعیتی برای بحث و صحبت در حد شایستگی خود و موضوع بدون ربط دادنش با مسایل دیگر برخورد کنیم. من متوجه این هستم که چنین موضعی از جانب ما نقشه‌ریزی و مدیریت منابع را مشکل می‌سازد ولی این اطمینان را داریم که با چنین زمینه‌ای در دراز مدت به نفع ما تمام خواهد شد. بنابراین من به (USICA) ایران پیشنهاد می‌کنم که اولویت خاصی به تجهیز وسایل، کارمند، بصیرت، ساخت، تشکیلات و برنامه‌هایی بدهد که به ما این انعطاف و منابع را بدهید که از موقعیت‌ها حداکثر استفاده را بکنیم. (انقلاب و پیامدهایش تمام قدرت فیزیکی ما را از بین برد، کارمندان ما را متفرق کرد و تشکیلات قدیمی ما را و برنامه‌هایمان را خنثی و منسوخ نمود) به‌طور دقیقتر من با مسایل پیشنهادی در مقاله msmcfee با عنوان ارتباطات با مشکلات محیط زیست و چشم‌اندازها و دورنما و

www.takbook.com



عقاید. به طور کلی موافقم و پس آیینه‌های پیشنهادی دفتر همکاریهای بین‌المللی آمریکا را برای ساندرز معاون امنیتی و شورای امنیت ملی را قبول دارم.

من علی‌الخصوص با نقشه طولانی کردن برنامه فارسی رادیو صدای آمریکا و موفقیت اخیرمان در جا دادن فیلم‌های آژانسی در تلویزیون ملی نظر مثبتی دارم. چون همان‌طور که قبلاً گفتم در این ارتباط توده مردم از اولویت خاصی برخوردارند، بعلاوه من راضی شده‌ام که ما می‌بایست این کوشش را بکنیم و ریسک آن را متحمل شویم که با روحانیون و چپی‌ها وارد مذاکره شویم.

من فکر می‌کنیم که ما وسایل کاملی برای تماس مؤثر با این ۲ گروه را نداریم و آن نوع آمریکایی‌ها (مثل جسی جکسون و اندی یانگ) که مورد قبول بیشتر آنها می‌باشند. از جانب دستگاه ما یک نماینده نتوانند باشند. اما ملاها یا چپی‌ها به نظر می‌رسد که برای مدت طولانی حکمفرما باشند. اگر اثر آن از نظر ما مهم باشد منافع خودی به ما می‌فهماند که مقدار زیادی ناراضی را تحمل کنیم و یاد بگیریم که به‌طور مؤثری با ملاهای مجاهد، پاسداران و فداییان خلق تماس برقرار کنیم. البته با احتیاط برای احتراز از شناخته شدن با آنها یا هر حزب و گروه دیگری برای آن موضوع.

**باگرمترین سلامها** Jahn Graves

**کارمند روابط عمومی**

www.takbook.com



**مقدمه**

برداشت هر انقلابی دقیقاً به دیدگاه و نگرش به آن انقلاب وابسته است.

در دیدگاه اسلامی با وراثت مستضعفین، ملاک و معیار سنجش اصالت یک انقلاب در رضایت محرومان و ( طبعاً نارضایتی و مخالفت اقشار مرفه) می‌باشد واز دیدگاه مستکبرین (منجمله گزارشگر آمریکایی) هدف رضایت اشراف و مفسدین تبهکار است به‌طوری که می‌بینیم برای تحقیق در کم و کیف انقلاب، به سراغ اقشار مرفه جامه رفته و برای منافع این گروهها دل سوزانده است و افراد ناراضی را در بین اطباء، مهندسین، تجار، وکلاء و... جستجو می‌کند.

و با توجه به یاوه‌های آنها اظهار می‌کند که تبریزیها هنوز تأثیر منافع یا مضرات سرنگونی شاه و برنامه‌های حکومت جدید را هضم نکرده‌اند آیا ماهیت رؤسای مخالفت‌های افراطی و چپ نمایانهٔ اشراف و انقلابیون دو آتشه و دو روزه (بعد از پیروزی انقلاب) که با حرفهای پوچ خود به جنگ نور خدا (پیروزی خون بر شمشیر) آمده‌اند آشکار نمی‌شود.

بخود آییم! این انقلاب شکوهمند به این دلیل اصیل است که هنوز از پشتیبانی توده‌های محروم و میلیونی برخوردار است و اشراف چپ نمایانه مخالف و در کمین آن!

**از: سفارت آمریکا ـ تهران**
**به: وزارت امور خارجه ـ واشنگتن** DC
**گزارشگر: کندی ـ مت ـ تامست**
**طبقه‌بندی: محرمانه**
**موضوع: تبریز پس از ۵ سال ـ تأثیر انقلابی ایران**

۱ـ (C ـ تمام متن)

۲ـ خلاصه: در سفر بین روزهای ۱۷ تا ۲۱ اکتبر به تبریز مأمور عمومی TDY فرصت تجدید دوستی‌های سابق را یافته و عکس‌العملهایی را حتی بر علیه انقلاب یادآوری کرده است. ایشان در سال ۷۲ تا ۷۴ در تبریز خدمت کرده و مقامهای خود را در سال ۷۵ تا ۷۷ طی ملاقاتهایی شخصی حفظ کرده و در سال ۷۷ در حین اقامت در آنکارا.

تبریز عملاً تغییرات بزرگی کرده است بزرگترین ییلاق ایران بوده که شهر شده. انقلاب آرزوهای اقتصادی توسط مردم را برآورده نکرده است و باعث امیدواری طبقه متوسط نشده است. توجه به حفاظت شخصی زیاد شده و ترس از نیروهای اسلامی و کمیته برقرار است. از نقطه نظر روانشناسی از بین رفتن ساواک و به دست آمدن آزادی بیان و خواسته‌ها باعث به وجود آمدن آزادطلبی‌های بیشتر برای مراقبت از زیاده رویهای انقلابی شده است.

۳ـ شاهراه بازرگان ـ تبریز ـ تهران از جاده‌های شلوغ ایران است در سال ۷۷ حدود ۶۰۰ تا ۸۰۰ کامیون حمل و نقل TIIZ روزانه مشغول حمل از طریق ترکیه ـ ایران به تهران بوده‌اند. محاسبه رانندگان اولیه بلغاری ـ ترک ـ رومانی اخیراً برای حمل و نقل به ۲۰۰ تقلیل یافته است و هنوز هم صدای کامیونهای داخلی حامل فولاد، پنبه، حبوبات، سیمان و غیره در جاده‌ها بگوش می‌رسد.

کارخانه سیمان آبیک نزدیک قزوین با صف انتظار ۱۵۰ کامیونی در سال ۷۴، در حال حاضر به یک

www.takbook.com



صف ۵۰ و حتی کمتر کامیون تبدیل شده است.

۴ـ تبریز از صورت یک روستای بزرگ رشد کرده و به شهری تبدیل شده است. ساختمانهای بیش از ۴ طبقه نداشت (۱۹۷۴) که در حال حاضر ساختمانهای ۱۲ تا ۱۶ طبقه ساخته شده است. خیابان اصلی شهر در اثر ترافیک با خیابانهای کمربندی و دیگر جاده‌های اصلی رقابت می‌کند.

طرحهای بزرگ ساختمانی در تبریز همانند تهران راکد است و طرحهای کوچک بیش از صدها است. به خصوص در حاشیه جاده‌های کمربندی هرکسی با اجیر کردن ۳ تا ۵ نفر مشغول خانه سازی یا مغازه است. در حالی که تولید تراکتور، موتورهای دیزلی، بال بلبرینگ و ابزار ماشین بحد ۵۰٪ سقوط کرده (سال ۷۱) کسی اعدام نشده است و نرخهای دستمزد بالا رفته است.

۵ـ یکی از علل تلقی روستائی تبریز بیهوده گردی صدها نفر مردم بی‌هدف در خیابانهای شهر است که از سال ۷۴ زیاد شده و در جریان انقلاب بی اندازه بوده است. صدها نفر مشغول به کسب درآمدهای کم از راه فروش به علت عدم استخدام یا در جریان آن هستند. این افراد بی‌هدف به هزارها بالغ می‌شوند.

یک بازرگان دوست که اخیراً از بازار به وسط شهر نقل مکان کرده می‌گفت تراژدی اقتصادی دوران پهلوی باعث سرگردانی روستاییان که جذب شهرها به علت دستمزدهای بالای ساختمانی شده‌اند می‌باشد. بر اثر انقلاب دهقانان آموزش ندیده و بیکار، فاقد ملک، به راحتی گرایش به سوی آشوب‌طلبان کمونیست پیدا و جای رهبران مذهبی را گرفته است.

۶ـ مباحثات با دوستان تاجر اطلاع از توجه به پایین رفتن لحظه‌ای وضع اقتصادی است. خریدهای اعتباری مصرف کنندگان تحمل‌پذیر نیست که قبل از انقلاب از سه طریق جریان داشت. بانک، بازار و بازرگان اینک بکلی معاملات اعتباری قطع شده و نقداً عمل می‌شود. به‌طوری که یک دوست وکیل می‌گفت: تمام قراردادها لازم‌الاجرا نبوده و دادگاهی، قاضی، وکیل بجز (حاکم شرع) وجود ندارند. که مردم بایستی اختیار زندگی و محکومیت زندان را به حاکم شرع بدهند. هیچ تاجر یا وکیلی راضی به بستن قرارداد در دادگاه شرع نیست و لذا همه نقد معامله می‌کنند. وکیلی می‌گفت مبلغ ۳۰۰ هزار دلار دستمزد مقروض دارد و به امید حکم حاکم شرع به انتظار نشسته است.

۷ـ اکثر دوستان مأمور سفارت از طبقه متوسط در تبریز بودند: دکتر، وکیل، استاد دانشگاه، مدیر کارگاه، بازرگان، مهندس و دفتر دار که هنوز اکثراً در تبریز هستند ولی جستجوی دوستان دکتر نشان داد که اکثر مغزهای متفکر فرار کردند (۴ تا ۵ هزار از ۱۳ هزار دکتر تا اواخر ۷۸ ایران را ترک کرده‌اند).

دوستان طبقه متوسط اغلب در مورد مسایل ایران بحث می‌کنند، آنها به شخصه نسبت به عملیات خمینی اتهام ارتجاعی، تعصب‌طلبی شدید می‌زدند و به هر طریق در امیدهای طبقه متوسط تهران سهیم بودند که شریعتمداری می‌تواند تعادل و بهبودی تعصب گرائی را که به‌طور وضوح در خمینی ـ منتظری هست تعدیل کند، با توجه به بالا رفتن محبوبیت شریعت مداری اشاره کرده‌اند که حقیقت قابل ملاحظه این است که تصاویر S-MS (شریعتمداری) در تبریز بزرگتر و بیشتر به نمایش آشکاری گذاشته می‌شوند (از تصاویر خمینی) و نسبت را ۱۰ به یک شمردند.

۸ـ طرح گفتگوها با دوستان طبقه متوسط غالباً بر محور سه سؤال دور می‌زند:

الف ـ در ایران چه اتفاق خواهد افتاد؟

ب ـ آیا بمانیم یا برویم؟

www.takbook.com



ج ـ چه تغییراتی در درگیری آمریکا با به قدرت رساندن خمینی به وجود آمده و حمایت کردن از او در حالی که محبوبیت خود را از دست می‌دهد بایستی رخ دهد.

بحثهای جداگانه قابل ملاحظه دربارهٔ قدرت (مثلث آمریکایی یزدی، قطب زاده و چمران) وجود دارد که آنها حکمران حقیقی ایران به نظر می‌رسند، روحانیت هر سه در حد بلوغ پذیرفته شده است و ضد آمریکایی بودن یک تاکتیک لازم برای مهار کردن قدرت در ایران انقلابی شده است.

۹ـ وقتی استادان دانشگاه برای من تشریح کردند که تصفیه‌های دمدمی بدون اساسی با برچسب طاغوتی، ساواکی از دانشکده‌ها در جریان است، دوستان احساس امنیت بیشتر اخیراً نسبت به دو ماه پیش احساس می‌کنند. در حالی که اغلب دوستان یا اقوامی در زندان دارند. عده کمی سابقه از اعدامها دارند.

حوادث برای دوستان با شوخی‌های ترسناکی از قبیل (در زدن کمیته در نیمه شب) و (جستجوی کمیته برای مشروب) باعث آتش زدن مخفیانه مجله PLAYBOY همراه است.

تبریزیها افسوس کمی ترس در مورد دخالت روسها در زمان انقلاب داشتند که حاضر بودند در صورت لزوم به ترکیه بگریزند به خصوص در میان افراد با سن بیش از ۴۰ سال خاطره پیشه‌وری هنوز قوی است همان‌طوری که برخی از دوستان می‌گفتند. تمام موضوع برای اخراج ۴۵ هزار آمریکایی این بود که احتیاجی به آنان نبود در حالی که روسها به این آسانی خارج نمی‌شوند.

۱۰ـ تبریزیها هنوز تأثیر منافع یا مضرات سرنگونی شاه و برنامه‌های حکومت جدید را هضم نکرده‌اند. مأمور سفارت درک تجربه مخاطره‌آمیزی را کرد وقتی دوستان سؤال مشورتی کردند دایر بر اینک ایران را ترک کنند و یا بمانند، به دولت ملحق شوند یا منزوی گردند هنوز برای همهٔ شکستهای انقلاب یک نفع آشکار وجود دارد و بجز این حقیقت که کسی جرأت نمی‌کند در معرض عمومی (یا حتی خیلی بلند در محل خصوصی) حمایت از رژیم گذشته شاه بکند هر چند برای آزادی بیان حدود بسیار باور نکردنی وجود دارد دوستان جرأت کردند در تلفن بگویند (... بر خمینی) و صریح دربارهٔ سیاست در اجتماعات بزرگ صحبت کنند، در زمانی که اکثر انتقادات از روش آمریکا در ایران شکل می‌گیرد بدگوئیها و توطئه‌ها در حقیقت، جابجا کردن ساواك در حال حاضر تحقیقاً منافع سالمی را در دو جهت سیاست داخلی و خارجی تجدید حیات می‌دهد.

نظر مترجم: به نظر می‌رسد از روی قرائن دوستان مأمور سفارت (بند ۷) آقایان نزیه و مراغه‌ای و امثال ایشان باشند.

LAINGEN

**موضوع: نکات مطرح شده در سمینار**

**۱ ـ انقلاب** **تاریخ: ۳ یا ۵۸/۵/۴** july

**عوامل انقلاب، عبارت بودند از:**

۱ـ فساد و تباهی و انحراف

فساد شاه

انحراف خانواده‌اش (شامل بنیاد پهلوی) (مترجم: شاید مقصود خاندان پهلوی است.)

انحراف (تباهی) وزیرهای شاه

انحراف دوستان شاه

www.takbook.com



انحراف در سازمانهای نظامی
۲ـ تحولات بزرگ اقتصادی ـ اجتماعی
بحران اقتصادی یک میلیارد دلاری
ارتش بزرگ مدرن، از تیرکمان تا وسایل مدرن
چهار برابر شدن قیمت نفت
فقدان اداره کننده (مدیر) تربیت شده ـ تکنسین‌های ماهر
لطمهٔ فرهنگی
اصلاح نکردن کشاورزی
همدستی و تشریک مساعی در ناحیه با آمریکا
۳ـ دور بودن شاه از اوضاع و لذا، درک نکردن وضع مردم و اشتباه گرفتن سکوت با ثبات اوضاع
انقلاب در طبیعت خود یک انقلاب سیاسی است، نه اجتماعی، با توجه به اینکه فقط،[۱] از جمعیت ایران در خانه فارسی صحبت می‌کند (یعنی از نظر اجتماعی، مردم با هم فرق می‌کنند و از[۳] هم دورند).

**۲ـ گروهها و دسته‌هایی که دخیل بودند**

۱ـ آیة‌الله‌ها ـ کار رهبران سیاسی همیشه، این بوده است که از مردم معمولی در برابر فشارهای دولت (ظلم) محافظت نمایند[۱] و در تاریخ ایران هیچگاه مردم سهمی در دولت نداشتند. نفوذی که آیه‌الله‌ها بر روی مردم معمولی دارند، خیلی بیشتر از نفوذی است که پاپها در قرون وسطی بر روی اروپایی‌ها داشتند.
۲ـ بازار ـ متفاوت با (۵۱ سرمایه‌دار اصلی) که فرار کرده‌اند و یا اعدام شده‌اند، این تجار تیپ قدیم را دارند و از ارزشهای غربی پرهیز می‌کنند. خیلی (عمیقاً) مذهبی هستند و به مدرنیزه شدن مظنون می‌باشند. با فساد دولت و افراد،مخالف و بد هستند پول مورد نیاز برای انقلاب از بازار فراهم می‌شد، جهت انقلاب هم همین‌طور، مسلمانهای مذهبی همیشه خیرات می‌دهند و پولهای کلانی به دست مذهبیون میانه بین مردم فقیر توزیع می‌شود، پول در دست آنها نمی‌ماند (صرف این امور می‌شود)، برخلاف دولت.
۳ـ تکنوکراتها ـ در حدود ۱۲٪ مردم ایران،به روش غربی تربیت شده‌اند آنها عبارتند از سرمایه‌دارها، دانشمندها و رؤسا خیلی از آنها، جوان و لیبرال هستند آنها مشاهده کردند که دار و دستهٔ شاه پولدار می‌شوند، در حالی که هر معامله پولی که اینها انجام می‌دهند بر اثر تورم از میان می‌رود، این گروه برای ادارهٔ کشور ضروری هستند.
۴ـ دانشگاهها ـ شاید ممتازترین گروه قبل از انقلاب، دانشجویان و استادان جوان بودند که به‌وسیله رهبران و گروههای زیرزمینی از رادیکال گرفته تا لیبرال، رهبری می‌شوند، یا مورد استفاده قرار می‌گیرند. اینها پیروان عینی و سمعی انقلاب در تهران بودند.[۲]
۵ـ احزاب ناشناخته سیاسی، شامل گروههای اقلیت قومی (عربها و کردها) کمونیستها.
۶ـ این اتحاد ناجور از راست و میانه و چپ به یک علت به هم متصل هستند و آن منزجر بودن از شاه است.

---

۱ـ امید که در آینده نیز روحانیت با بازسازی و توش و توان بیشتری اینچنین باشد.

۲ـ جنبش دانشجویی نیز علیرغم نقش مؤثر در قبل از پیروزی انقلاب امروز دچار تشتت وناهماهنگی شدید گشته است که نیاز به تجدید نظر در فعالیتهای خود دارد و اگر چه دانشجویان هنوز هم چشم و گوش انقلاب هستند اما هنوز به بازوی سازنده انقلاب تبدیل نشده‌اند.

www.takbook.com



### ۳ـ آگاهی دادن

ایالات متحده هرگز ایران را از نظر فرهنگی، مذهبی و یا اقتصادی درک نکرده است. او فقط سرنخهای کمی در مورد عمق نارضایتی مردم داشته، به چند گزارشی که به مشکلات اساسی اشاره می‌کردند، اهمیت داده نشد.

۱ـ CIA در اواسط سال ۱۹۷۸ گزارش کرد، همه چیز خوب است

۲ـ گزارش اعضاء نمایندگان مجلس

۳ـ حرفهای کارتر در هشتم دسامبر مبنی بر اینکه شاه قدرت خود را نگه می‌دارد. و این روزی بود که سربازان ایرانی صدها تظاهر کننده را در خیابانهای تهران کشتند. مطبوعات آمریکا در گزارشهایشان غیر منصف بودند، آنها اینگونه استدلال می‌کنند.[۱]

**گزارشهایشان بدین‌گونه است):**

۱ـ متعصب مایل به یکسو

۲ـ با داشتن کمترین اطلاعات و یا نداشتن اطلاعات دربارهٔ فرهنگ کشور، گزارش می‌نویسند. برای مثال، مطبوعات جزئیات اعدامها را گزارش کردند ولی خلاصه آنهایی که اعدام شده‌اند (در حدود ۳۰۰ نفر) نشان می‌دهد که ۸۳٪ پلیس مخفی و پرسنل امنیتی و شکنجه‌گر بوده‌اند. ۹٪ جنایتکاران: قاتلها و تجاوزگرها (بیشتر قتلهای ناحق) و ۷٪ سیاستمداران زیر دست شاه، ۱٪ سرمایه داران برجسته[۲]

### ۴ـ وضعیت حاضر

ایران در یک مرحلهٔ انتقالی زندگی می‌کند. آیت‌الله‌ها همیشه حامی مردم بوده‌اند در مقابل دولتها، آنها هیچوقت حکومت نکرده‌اند، آنها اصلاً نمی‌توانند حکومت کنند، اما آنها تنها نیروئی هستند که می‌توانند مملکت را در این زمان به هم نگه دارند.

**وضعیت آینده**

هر سخنگوئی نتایج مختلفی برای خود داشت (گرفته بود) اما همه موافق بودند که:

۱ـ اقتصاد باید دوباره از سر گرفته شود.

۲ـ نیروی نظامی باید قوی‌تر شود.

۳ـ مردم باید به‌طور مداوم غذا دریافت کنند.

---

۱ـ گویا یانکی‌ها هنوز هم بر سرعقل نیامده‌اند زیرا امروز هم آقای کارتر هنوز دست از اراجیف قدیمه برنداشته است و با شتابزدگی و بی مبالاتی خود را به این سو و آن سو پرتاب می‌کند تا شاید لااقل اگر هم منافعش در ایران از بین میرود لااقل در ادارهٔ حکومت آمریکا موقعیت کسب کند که نکرده است و از سوی دیگر مطبوعات آمریکا نیز هنوز شیوهٔ غیر منصفانه خود را در انتشار اخبار مربوط به انقلاب امت دلاور ایران ادامه میدهند و بالاخره باید گفت شاید اگر چند صباحی دیگر بگذرد و آمریکا شکست‌های افزون‌تری در اثر انقلاب ایران بخورد جمع‌بندی مزدوران باز هم همین باشد یعنی یکدندگی کارتر و امثالهم و درگیریهای جناحهای امپریالیستی با هم و فریب دادن خودشان.

۲ـ ایکاش دادگاههای انقلاب هنوز هم با جد و جهد هر چه تمامتر در محاکمهٔ وابستگان آمریکا بکوشند تا از این رهگذر هم جنون یانکی‌ها را به حد اعلا برسانند هم شادی ملت قهرمان ایران را.

www.takbook.com



**۵ ـ دولت آینده**

۱ـ رهبران مذهبی لیبرال پلی بین مردم، ارتش جدید، تجار بازار و تحصیل کرده‌های غربی هستند، دولتی خیلی لیبرال‌تر از دولت کنونی (مترجم: دولت موقت) اما طرفدار عقاید اسلامی، این چهار عنصر را (مردم، ارتش، تجار، تحصیل کرده‌ها) به هم خواهد پیوست (می‌تواند به هم بپیوندد)[1] (اسم شخصی است).

۲ـ دولت کنونی در قدرت باقی نخواهد ماند، مانند موارد زیاد دیگری، اقلیت کمونیست که بسیار سازمان داده شده‌اند، به آسانی می‌تواند خودش را داخل خلا قدرت کند، عربستان سعودی خیلی از این عمل می‌ترسد Ftamle Memalce (اسم شخصی است) (شاید مطلب فوق اظهار نظر این شخص باشد).

۳ـ اگر کمونیست‌ها حرکتشان را به درستی تنظیم کنند و همه عناصر ضربتی در یک خط بیفتند، ایران به‌سوی یک کشور کمونیستی بودن، پیش خواهد رفت مواردی که دلالت بر عدم وقوع چنین حادثه‌ای می‌کنند زیاد هستند. احتمالاً ایران به قسمتهای قبیله‌ای عرب، فارس، کرد، تجزیه خواهد شد. و این اتفاق، به احتمال زیاد به جنگ منتهی خواهد شد، چون حوزه‌های نفتی در سرحدات نژادی عربی قرار دارد. شک دارد (نامعلوم ـ نامعین) (کلمه uncertain) که در آخر پاراگراف آمده است.[2]

**۶ـ شرایط، (وضع) تجارت.**

با وجود مخالفتهائی که بر ضد آمریکا می‌شود، ما را دوست دارند و تکنولوژی ما تحسین می‌شود. موقعیت اقتصادی خوب است ـ شعارها الان در جهت تجارتهای کوچک هستند.

آلمانها و ژاپنیها دوباره برگشته‌اند و بهترین آدمهایشان را می‌فرستند.

ضرورت‌ها عوض شده‌اند (تقدم و تأخر چیزها جایشان با هم عوض شده است) برگشت ـ برگشت با قدرت ـ ایران به یاد کسانی که به یاد او در زمان احتیاج کمک کنند خواهد بود.

سؤال: JR (نام شخصی است) چقدر احتمال می‌دهی که ایران به تحریم اسرائیل بپیوندد؟

جواب (Dom Weldom) ـ (نام شخصی است): روابط ایران و اسرائیل قطع شده است و برای مدت درازی این‌طور باقی خواهد ماند، اما من شک دارم که با وجود تمام مشکلات در ایران آنها لیست و دفتر تحریم تشکیل دهند.

سؤال: JR: من فقط منظورم تحریم اسرائیل مانند تحریمی که دفاتر دمشق کرده‌اند بود.

جواب (DW) بلی، خیلی خیلی احتمال دارد.

سؤال (JR): آقا شما همین الان گفتید که باید به ایران برگردیم، گرچه حضور دوبارهٔ ما گران تمام خواهد شد، زیر علامت سؤال قرار دارد، تصور کنید، ما جنگ کردیم و پیروز شدیم و وارد ایران شدیم و

---

۱ـ طمع‌های امپریالیستی! وقتی دولتی لیبرال باشد آنها سعی در لیبرال‌تر کردن آن دارند بعضی موضع دفاعی آنها را قوی‌تر خواهد نمود و بیاد بیاوریم حرف امام را که: اگر شما حمله نکنید آنها حمله می‌کنند.

۲ـ لازم به تذکر است که آمریکا نمی‌تواند برای رژیم‌ها استقلال قائل شود بدین ترتیب که بر اساس برداشت آنان دولت‌ها یا باید شرقی باشند و یا غربی و چیز دیگری امکان ندارد بنابراین اگر دولتی از غرب برید حتماً به سوی شرق پیش خواهد رفت و البته بیاد داریم که قبل از پیروزی انقلاب نیز آمریکا تصور وقوع یک انقلاب کمونیستی را در ایران داشته (زیرا آنها هم مثل رقبایشان فقط هر چه از که کمونیستی بوده انقلاب می‌دانند و لا غیر) و ایضاً در ویتنام و شیلی و جاهای دیگر.

www.takbook.com



سپس به‌وسیله تحریم اقتصادی ایران عقب رانده شد یم (سیلی خوردیم).

جواب (DW): آیا شما به یکی شدن و بهم پیوستگی و شجاعت عقیده ندارید؟

سؤال (JR): در چه سنی؟

**۷ـ دولت ایالات متحده**

تجارت هیچ انتظار کمکی از دولت ما نمی‌تواند داشته باشد، آن‌طور که مشخص شده دولت ژاپن، هر «ینی» (مترجم: ین، واحد پول ژاپن) را که به‌وسیله کمپانیهای ژاپنی در ایران سرمایه‌گذاری می‌کند، ضمانت و حمایت می‌کنند. جریان دولت ایران به‌طور طبیعی بر ضد دولت ماست. سیاستهای اخیر دولت (در برابر آمریکا) میانگین پایینی دارد. بدترین حرکت از وقتی شروع شد که قطعنامهٔ جاویتس ارائه شد، در اول ژانویه

**۸ـ قانونی و حقوقی**

۱ـ ایالات متحده، دولت جدید ایران را به رسمیت شناخته است.

۲ـ دادگاههای ایران هنوز هم به کار خود مشغولند، اما در زمینه‌های سیاسی کار می‌کنند، الان وقت دادخواست کردن و جریمه کردن آنها نیست.

۳ـ از لیست ۲۳ نفری وزارت امور خارجه از وکلای ایرانی فقط ۷ نفر از آنها در سر کار خود هستند و سرشان خیلی شلوغ است.

۴ـ انجمن تهران باز اعضایش را ارزیابی می‌کند پیوستگی مذهبی در این مورد یک مشکل خواهد بود، ورقه‌هائی که به مسایل حقوقی مربوط بودند چند تائی از آنها برای Dave Maelamen فرستاده شده است.

Competition

کارخانهٔ «پلی آکریل دوپانت» در اصفهان کار نمی‌کند قبل از انقلاب در مرحله تکاملی و پیشرفت بود. تولیدات هم داشت ولی فقط در سطح ضایعات، ظرفیت آن در حدود ۲۰۰ پوند در سال و شامل الیاف پلی‌استر، الیاف بریده شده پلی‌استر و الیاف بریده‌شده اکریلیک بود. «دوپانت» با ۴۰٪ سهام وارد این پروژه شد و ۴ عضو از هیئت مدیرهٔ ۱۱ نفره را در اختیار داشت برای تصویب هر اصلی ۷۵٪ آراء لازم بود. ۵۰٪ سود در دست ۵ نفر از سرمایه‌داران اصلی بود و ۱۰٪ بقیه در دست دولت ایران بود.

شرکاء ۵ گانه «دوپانت» یا کشور را ترک کرده‌اند یا کشته شده‌اند دوپانت شریک جدیدی دارد و آن دولت اسلامی است که توسط شورای کارگری اداره می‌شود. دوپانت می‌تواند ۴۰٪ سهامش را به طریقی با دادن ۱۰۰/۰۰۰ دلار به دست بیاورد. این مبلغ به نظرم حقوق کارگرها برای کار نکردن باشد.

هدف از ارائهٔ این اطلاعات تجاری درد دل از مشکلات ناشی از رقابت نیست، مخصوصاً گروه محترم و فعالی مانند «دوپانت»، بلکه برای تأکید بر عدم سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال رشد می‌باشد.

در سال ۱۹۷۳ وقتی شایع شد که «دوپانت» می‌خواهد در ایران کارخانه بسازد. اما احساس کردیم که «دوپانت» ما را عقب زده، چون آنها ارتباط محکمی با رهبران سرمایه‌داری دارند. استراتژی ما (اگر بتواند یک احساس را استراتژی بنامید) کارگران با کارخانه‌های کوچکتر بود یعنی تجار بازار از روی شانس خوب و نه مدیریت خوب، ما در این برخورد موفق بودیم.

www.takbook.com



تا زمانی که مشکل پی اکریل حل نشود ما بازار بزرگ و آماده‌ای برای تولیدات خودمان داریم. مشتری‌هایمان سرزنده و بسیار خواستار تولیدات هستند، همان‌طور که ماه گذشته شاهد آن بودیم. شاید این تجارت فرصت‌طلبانه باشد ولی بهر حال تجارت است.

ما در طی چند سال اخیر در خلال تجارت با کشورهای در حال رشد فرضیه مبهمی را مبنی بر اینکه: «هیچگاه تعهدی در مقابل دولت، اعضای دولت و یا وابسته‌های نزدیک به دولت نپذیریم»، شکل دادیم، تجربه دوپانت در ایران این فرضیه را تقریباً ثابت کرد.

**مقدمه یا معرفی سند برای تحلیل شمارهٔ ۳**

این تحلیل نتیجه بررسیها و تبادل نظرها و سؤال و جوابهائی است که در یک سمینار در رابطه با اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران ـ به عمل آمده است و کلاً تحلیل نتیجه اظهار نظرهای افراد مختلفی می‌باشد.

www.takbook.com



**موضوع: بررسی روابط دوجانبه با وزیر امور خارجه ایران (آقای یزدی)**

۱ـ تمام متن محرمانه

۲ـ شما با یزدی زمانی ملاقات می‌کنید که ممکن است نشانهٔ پر اهمیتی در تقسیم امور داخلی ایرانیها بگذارد. در زمانی که این موضوع برای هر بیننده‌ای مهم است که از قضاوت‌های سریع در مورد این امکان برحذر باشد ولی سخت است که از نتیجه‌گیری اینکه روحانیون می‌خواهند تمام مخالفین نقشه‌هایشان بر مبنی کشور اسلامی و اسلام به عنوان ایدئولوژی و حزب جمهوری اسلامی به عنوان حزب حاکم کاملاً نابود کنند بر حذر باشیم.

**عنوانها**

: شورشیان کرد به طریقی ساکت شدند که به دیگر اقلیتها نیز در این موضوع درسی داده شده باشد.

: جبهه دموکراتیک و رهبری آن به عنوان ضد انقلاب مارک زده شد و به عضوهای مخالف دیگر نیز به این وسیله آگاهی داده شد.

: یک شورا تحت رهبری مذهبی برای بررسی قانون اساسی تعیین می‌شود که قوانین جدی شیعه را برای دولت پایه‌ریزی کند.

: اعدام‌ها حتی برای جنایتکاران عادی با وجود صحبت از عفو ادامه دارد. به نظر می‌رسد که قم تصمیم دارد از هر گونه اظهار تأسف و بخشش برحذر باشد.

: رئیس سپاه پاسداران وزیر دفاع شده است.

: برکناری نزیه از (Niocd)، (شرکت ملی نفت ایران) یک نشانهٔ قوی و یادآوری است به غیر روحانیون که قم مصمم است که از تحلیل قدرتش در هر جا که باشد مخصوصاً نفت جلوگیری کنند.

: یک خیال‌پردازی در مورد اینکه مطبوعات غرب ضد انقلاب ایران می‌باشند. (هیچ خبرنگار آمریکایی اکنون مقیم ایران نیست).

: آمریکا هنوز از طرف خمینی عامل کمک کننده اصلی صهیونیست برای عقیم گذاشتن انقلاب فلسطین معرفی و محکوم می‌شود. در حقیقت خمینی خودش و انقلاب را به عنوان نیروی متحد کننده مردم منطقه برای احقاق حقوق فلسطین می‌داند.

۳ـ جای حرف بیشتر است، اما کافی است که بر این نکتهٔ تأکید شود که روحانیون در حال صعود هستند به نظر می‌رسد که هیچ چیز وجود ندارد که بتواند بر آنها در تنظیم قانون اساسی تأثیر کند، نه ارتش، نه بختیار از پاریس، نه بازرگان و دیگر میانه‌روها در دولت موقت (PGOT) نه ناامید عمومی مردم نسبت به دستاوردهای مادی. بازرگان امروز در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی با اوریانا فالاچی گفت: از نقطه نظر رسمی دولت کشور را اداره می‌کند اما از نقطه نظر ایدئولوژی و انقلابی، خمینی و شورای او کشور را اداره می‌کنند.)

۴ـ چیزی که می‌تواند فاصله‌ها را کم کند، آن هم تنها با زمان، قدردانی بیشتری از آنچه که هست از مشکلات ادارهٔ یک ارگان سیاسی چند گانه و اقتصادی نیمه مدرنیزه شده، مانند اقتصاد ایران با دیدگاههای مدرن کاملاً مذهبی که امکان کمی برای دخالت عناصر غیر روحانی در امور را می‌دهند.

۵ـ سؤال اینجاست که آیا خمینی این را می‌پذیرد یا نه. و این امیدوار کننده نیست. حتی اگر او نیز

www.takbook.com



بپذیرد هنوز یک سؤال اساسی وجود دارد و آن اینکه آیا او می‌تواند تسلط خود را بر علیه اطرافیانش در قم که حتماً از او خیلی لجوج‌تر می‌باشند برقرار کند.

۶ـ جواب ساده این است که یک روش سخت در پیش است و نیروهای میانه‌رو را کنار خواهد زد و بازرگان را نیز مثل نزیه در شرکت ملی نفت ایران کنار خواهد زد.

۷ـ من آنقدر مطمئن نیستم. من کمتر از ماه قبل امیدوارم اما خمینی اصلاً از لحاظ سیاسی احمق نیست و ممکن است برای اطمینان از پایداری سیاسی و تفوق اسلام در زمینهٔ سیاسی اجتماعی آیندهٔ ایران از میانه‌روها (که بازرگان به‌طور ضعیف ولی اصلی نمایانگر آنان است استقبال کند.)

۸ـ شما ممکن است آقای یزدی را خوب آزمایش کنید و ببینید که او آیندهٔ این منطقه را چگونه می‌بیند او یک آدم عمیقاً معتقدی است و یک انقلابی است که از همهٔ افراد موجود در دولت موقت (PGOT) به خمینی نزدیک‌تر است. اما او ممکن است از احتیاج به موازنه کردن عقاید ایده‌آل خود و واقعیت استقبال کند. این را با من صحبت کرده است و من تقریباً از او باور کرده‌ام. صحبت شما با او که به عنوان اولین تماس بالایی که ما با رهبریت دولت انقلابی داشته‌ایم محسوب می‌شود، و یک اقدام قاطع در جهت منظورهای ما در اینجاست برای تصدیق کردن او (یزدی) که ما واقعیت را در ایران قبول کرده‌ایم و در واقع پیشرفت ایران را در نهادهای جدید دولتی می‌خواهیم. یزدی نیز باید بداند که رؤیت یک سرسختی و عدم رؤیت جنبهٔ انسانی در انقلاب ما را نگران کرده و این دیدگاه جایی برای حقوق افرادی میانه‌رو در ایران امروز ندارد. خمینی به اینکه ایران در آمریکا چه وجهه‌ای دارد اهمیت نمی‌دهد ولی افراد دیگر مثل یزدی هستند که به این موضوع اهمیت می‌دهند.

www.takbook.com



**از کوران ـ به ساندرز**

**دربارهٔ انجمن ایران و آمریکا در شهرهای شیراز ـ اصفهان و تهران و وضعیت‌های مختلف ایران.**

**۴ اکتبر ۱۹۷۹ ـ ۵۸/۷/۱۲**

نظر اخیر ICA (آژانس ارتباطات بین‌المللی) از قول آقای مک‌آفی براساس ملاقاتی که اخیراً از ایران (تهران و شیراز) داشته است جهت اطلاع سفارت تهران حاکی از آن است که تسلط مذهبی تا آیندهٔ قابل پیش بینی بر ایران حاکم خواهد بود و در مورد دولت بایستی گفت که بزودی متخصصین از کارگران با دولت گلایه خواهند داشت. برخوردهای مک آفی (MC AFEE) گویای آن است که خمینی در حال برگشت به عقب است[1] و در حقیقت از حمایت اکثریت مردم فقیر ایران برخوردار است.

امور عادی در ایران می‌گذرد و بازارها در فعالیت می‌باشند.

نکته‌ای که به خصوص برای من جالب بود اظهارات مردم در تائید خمینی مبنی بر تغییر ارزشهای غربی است آیت‌الله خمینی ارزشهای غرب را رد می‌کند و با ارزشهای غیر اسلامی مخالف است. خمینی مصمم است که به طرف یک پان اسلامیک برود و طوری رفتار می‌کند که خود را قانون گذار جهان می‌داند در کوتاه مدت بهبود روابط ایران و آمریکا مشکل به نظر می‌رسد تحت شرایط فعلی تمام سعی دیپلماتها بایستی متمرکز در ایجاد روابط در بلند مدت باشد.[2]

در موقعیت فعلی ما بایستی منتظر فرصتهای مناسب برای ایجاد رابطه مناسب با ایران باشیم. نظریات من در این مورد در نا مه‌ای مورخ ۲۴ سپتامبر ۷۹ و به براساس توصیه ICA/NEA شکل زیر خلاصه شده است.

انجمن ایران و آمریکا در تهران، اصفهان، شیراز، آمریکا حدود ۵۰ سال است که از طریق انجمن ایران و آمریکا با ایران مشارکت دارد. جو تشنه جهت آموزش زبان انگلیسی و هم چنین شهرت این انجمن موقعیت بسیار خوبی را برای فعالیت در این زمینه ایجاد کرد. ضمن اینکه مؤسسات پنجره‌های باز جهت حضور ما در ایران است. نظر ما این است که این مؤسسات را هر چه بیشتر توسعه دهیم و برنامه را به شکلی هدایت کنیم که به طرف منظورهای خودمان پیش رود. این برنامه شامل توسعهٔ کتابخانه انجمن ایران و آمریکا در تهران، اصفهان می‌باشد. ما فعالیتهای پشت پرده‌ای را جهت دوباره زنده کردن انجمن ایران و

---

۱ـ برگشت به عقب یا ارتجاع مورد ادعای آ مریکا چیست حرکتی است که از حمایت اکثریت مردم فقیر ایران برخوردار است. با این دید جاهلانه تمام حرکتها و نهضتهای انبیاء که مورد تائید اکثریت توده‌های فقیر و محروم و باصطلاح مستکبرین اراذل و اوباش زمان خود بود نیز ارتجاعی است.

آنها نفی ارزشهای غربی و تأکید بر ارزشهای اسلامی و حرکت به دست پان‌اسلامیک را ارتجاع می‌نامند و به همین خاطر است که امام در پیام نوروزی خود می‌فرماید: همه آنها که روحانیت را ارتجاع می‌دانند در نهایت در خط شاه و آمریکا عمل می‌کنند.

۲ـ تحت شرایط فعلی تمام سعی دیپلماتها بایستی متمرکز رابطهٔ بلند مدت باشد «اکنون که با اوجگیری شور ضد آمریکایی ملت مسلمان، آمریکا مجبور شده است که این جزیرهٔ ثبات و آرامش را رها کند در فکر برنامه‌ای دراز مدت برای تسلط مجدد خویش می‌باشد و یا فرونشاندن تدریجی و نفرت و حساسیت مردم ما نسبت به جهانخواران خیال بازگشت مجدد را دارد. و در این راه چون انجمن ایران و آمریکا وکلاسهای آموزش انگلیسی پنجره‌های باز حضور آمریکا در ایران است «امپریالیسم را از در که بیرون کنی از پنجره داخل می‌شود.»

با توجه به گفتهٔ امام که آمریکا را شیطان بزرگ می‌نامد بدیهی است که هر عمل ظاهر الصلاح آنها حتماً شیطنت است و اعمال نظام هر اسلام پناهانه هم جز عوام فریبی و رسوائی بر حیله گران حاصلی ندارد. باز باید به خاطر داشته باشیم که هر مجلسی و هر مهمانی آمریکایی نیتی جز توسعهٔ روابط سلطه آمریکا با ایران هدف دیگری را دنبال نمی‌کند.

www.takbook.com



آمریکا در شیراز آغاز کرده‌ایم.

اکتشاف امکاناتی جهت تعیین و پرورش متخصص مذهب اسلام جهت پل‌های رابطی بین NEA و رهبری اسلامی به شکلی مستقیم و همکاری با ICA و کارمندان وزارت امور خارجه آمریکا.

بررسی جهت تعیین و پرورش یک «R» (مترجم: به همین شکل و به‌طور رمزی آمده است) تحت شکل متخصص فرهنگی یا تعیین فردی که زمینه قبلی در زبان فارسی و فرهنگی ایران داشته باشد تا تماسها را با رهبری و مؤسسات فرهنگی تقویت کند.

استفاده از جشن سالگرد ۱۴۰۰ ساله هجرت[1] با شکل ایجاد سمیناری که میزبان آن آمریکا برای ایرانیان باشد و بعد از سمینار هم گردشی در اطراف آمریکا. ما امیدواریم که این مسئله و روابط باعث وسعت روابط ما بشود.

کار کردن با VOA صدای آمریکا جهت توسعه و دریافت مطالبی که به شکل خبر پخش نمی‌شود و تأکید بر روی ابعادی مانند مطالعات اسلامی آمریکا و مصاحبه با ایران شناسان آمریکایی و ترتیب دادن یک رابطه مردمی.

کشف امکانات بازدید آمریکایی‌ها از ایران به خصوص از مطالعات اسلامی آمریکا، سیاست خارجی اقتصادی و کشاورزی.

ایجاد مؤسسات ارتباطی (نه لزوماً دو طرفه) که شامل ایرانیان و مؤسسات ایرانی بشود.

---

۱ـ البته با اشغال جاسوسخانهٔ آمریکا در ایران، این قبیل برنامه‌ها با شکست رو به رو شد و منتفی گردید. لابد یانکی‌ها مردم ایران را با امثال ضیاءالحق‌ها اشتباه گرفته‌اند که درصدد بودند با ادا و اطوارهای اسلام آمریکایی! مردم را فریب دهند.

www.takbook.com



## تظاهرات ضد آمریکایی

**۱۱ آبان ۵۸**

**معرفی**

**سند ۵۴**

این سند مربوط است به تظاهراتی که در روز چهارم خرداد توسط دانشجویان و کارگران مسلمان به مناسبت اعتراض به گفته‌های یک سناتور صهیونیست آمریکایی انجام گرفت. این سناتور نسبت به اعدام انقلابی یک سرمایه‌دار صهیونیست توسط دادگاه انقلاب اعتراض کرده بود.

### موضوع: تظاهرات ضد آمریکایی

۱ـ از امروز ظهر جمعه اطراف سفارت آرام است. شواهدی مبنی بر تکرار تظاهرات دیروز وجود ندارد و پلیس به تعداد معمولی وجود دارد.

۲ـ جمعیتی که بعد از ظهر گذشته استادیوم ورزشی واقع در خیابان روزولت را ترک می‌کردند، شعارهای پر سر و صدایی بر ضد ما می‌دادند، مسئله حادی پیش نیامد.

۳ـ دیوارهای خارجی سفارت کاملاً با پلاکاردهای جدید از تظاهرات دیروز پوشیده شده است. نعمت قوطی‌های رنگ روی سفارت مشخص است.

شعارهای مختلف ولی از یک «تم» برخوردار است.

ـ مرگ بر امپریالیسم آمریکا و اسرائیل
ـ آمریکا و اسرائیل دشمنان ما هستند
ـ خمینی رهبر ماست، آمریکا دشمن ماست
ـ قراردادهای نظامی و تجاری با آمریکا باید لغو شود
ـ سفارت آمریکا، لانه جاسوسان تعطیل باید گردد
ـ مستشاران نظامی آمریکایی باید ایران را ترک گویند
ـ مرگ بر آمریکا، دشمن ملتهای مستضعف

۴ـ بر روی در واقع در خیابان روزولت پرچمهای بزرگی قرار داده شده که می‌گوید تمام مشکلات جهان از آمریکاست. نابود باد کارتر و مرگ بر صهیونیزم، فرزند نامشروع آمریکا برداشتن پلاکاردها، احتیاج به مذاکره و مخفی کاری دارد. دیروز در نتیجهٔ تلاش ما برای برداشتن این پلاکاردها گروهی تظاهر کننده به ما برخوردند و تهدید کردند که اگر پلاکارد را سر جایش نگذاریم. داخل سفارت می‌شوند. ما غرور خودمان را پوشاندیم و تصمیم داریم مقاومت کنیم.

۵ـ (مترجم: رادیو تلویزیون)، ادعا می‌کند ۳ میلیون نفر در تظاهرات که توسط حزب جمهوری اسلامی در ۱ نوامبر در تهران برپا شده است، شرکت کردند و میلیونها نفر دیگر در استانهای دیگر، این ارقام بدون شک غلط است اما فیلمبرداری تلویزیونی جمعیت زیادی را در تهران نشان می‌دهد.

آیةالله منتظری که سخنران تهران بوده، به‌طور واضح دقیقاً بین مردم و دولت آمریکا فرق گذاشت و آمریکا را محکوم کرد.

www.takbook.com



**معرفی سند شماره ۵۷**

این سند مربوط به تظاهرات عید قربان (۳ روز قبل از اشغال لانه جاسوسی) می‌باشد و نشان‌دهنده وحشت شدید آمریکا حتی از تظاهرات ضد آمریکایی است زیرا آمریکا به خوبی دریافته است که وقتی مردم فریاد می‌آوردند یعنی که باید خواستشان (برچیده شدن بساط سلطهٔ آمریکا در ایران) حتماً به اجرا درآید. اینجاست که اهمیت نقش مردم در شرکت در امور کشور به وضوح عیان می‌شود زیرا آنچه که ابرقدرتها را به وحشت می‌اندازد تنها انرژی بیکران مردم است. مردمی که با تظاهرات خود واشنگتن را به نگرانی وامی‌دارند و مردمی که مشت‌های گره کرده‌شان جاسوسان آمریکایی را به پنهان شدن وامی دارد.

**از: بروس لینگن**

**تهران، ایران ...** **۱ نوامبر / ۱۹۷۹**

**دوستان عزیز** **۵۸/۸/۱۰**

امروز هم یکی از آن روزهای مخصوص در ایران بود... روزی که همه را نگران کرد ولی بالاخره معلوم شد که زیاد هم بد نبود.

امروز عید قربان بود، یک تعطیلی اسلامی که قربانی کردن را جشن می‌گیرند و مراسم جشن و دعا و نماز عظیم در اینجا و اکثر شهرهای ایران برقرار شد خوب این مسئله‌ای نبود، ولی امروز همزمان ن بود با موج عظیم انتقادات تحریک کننده دولتی و مذهبی علیه آمریکا برای پذیرفتن شاه در آمریکا به عنوان معالجات در نیویورک. و بنابراین جشن عید تبدیل به یک هیجان عمومی عظیمی نیز علیه ما شد. اینجا در تهران اعلام شده بود که بعد از یک اجتماع بزرگ در جنوب شهر جمعیت دسته دسته به طرف سفارت آمریکا حرکت خواهند کرد و در آنجا سخنرانیهائی علیه آمریکا خواهد شد و شعارهائی داده خواهد شد. بنابراین ما خود را آماده کردیم که حدود یک میلیون تظاهر کننده در اطراف سفارت داشته باشیم. یعنی تمام اعضای غیر لازم سفارت را بیرون بردیم، تفنگداران دریائی همگی برای حفاظت از دفترخانه در داخل آن متمرکز شدند، و آن تعداد از ما که در دفترخانه به وجودمان در موقع حمله احتمالی نیاز بود در دفترخانه ماندیم تا اسناد و گزارشات و دستگاهها ارتباطی را نابود کنیم و در تماس دائم تلفنی و با بی سیم با واشنگتن باشیم و همین‌طور در تماس دائم با مقامات دولت ایران باشیم تا مطمئن باشیم که نوعی کمک از جانب آنها برای ما می‌رسد. البته تفنگداران دریائی لباسهای رزم پوشیده بودند و مشتاق دفـاع از سفارت بودند. ولی خوشبختانه بالاخره معلوم شد که هیچ یک از این کارها لازم نبود، اواخر شب گذشته رادیو اعلام کرد که دسته تا سفارت نخواهد رفت اما در عوض تا یک میدانی که حدود یک مایلی جنوب سفارت است خواهد رفت و در آنجا سخنرانیها و شعارهای علیه ما ایراد خواهد شد. دلیل این کار این بود که فاصله زیاد بود و بعلاوه تعطیل عید بود و مردم به وقت زیادی برای دعا و نیایش و ملاقات با فامیلها احتیاج داشتند. به هر حال ما طرح خود را برای مواقع احتمالی اجرا کردیم و حدود ۹ صبح تظاهرکنندگان آمدند، اما خیلی کمتر از تعداد پیش بینی شده، این گروه که احتمالاً به‌وسیلهٔ کمونیستها سازمان یافته بودند، از حدود ۵۰ نفر شروع کردند و به حدود ۴۰۰۰ نفر رسیدند. به نظر می‌آمد که تاکتیک آنها این بوده که تمام روز ما را خارج از حالت عادی و در نگرانی نگهدارند زیرا تا ساعت چهار بعد از ظهر با ما بودند و دور بر سفارت می‌رفتند و می‌آمدند و در همه حال مشتهایشان را گره می‌کردند و علیه ما شعار می‌دادند (ما

www.takbook.com



تصمیم گرفته‌ایم که از حالا برای یک هفته هرکس اینجا آمد و از کنسولگری درخواست ویزا کرد، چنانچه گلویش درد می‌کرد بلافاصله او را بیرون کنیم.) در میان جمعیت زنانی با چادر و حتی بچه‌هائی در کالسکه هم بود آنها به هیچ وجه سعی نکردند که از روی دیوار داخل شوند ولی آنها موفق شدند که رنگهای زیادی روی دیوار ما بریزند، با وجود اینکه از تظاهرات‌های قبلی آثار زیادی بر روی دیوار ما باقی مانده بود. ما در تمام وقت با تلفن واشنگتن نگران را از نگرانی در می‌آوردیم. تنها مشکل اساسی ما اواخر بعد از ظهر به وجود آمد و آن هم وقتی که تظاهرات در حال پایان یافتن بود. یکی از افسران حفاظتی ما تصمیم گرفت که یک شعار پارچه‌ای بزرگ را که به نرده‌های درب آهنی مخصوص ورود رسمی نصب شده بود پایین بکشد روی این پارچه یک چیز خفت باری علیه کارتر نوشته بود و از خمینی ستایش کرده بود. خوب، چند نفر از آخرین نفرات تظاهر کننده این برنامه را دیدند و هیچ خوششان نیامد... در حقیقت جمعیت بسیار عصبانی شد و در این عصبانیت نیروهای امنیتی پلیس هم با آنها متحد شدند (حدود ۴۵ ـ ۵۰ نفر امروز از سفارت حفاظت می‌کردند، غیر مسلح، و در حرکت دادن مردم و جلوگیری از توقفشان بد نبودند)، و همگی خواستار شدند که شعار پارچه‌ای سر جایش دوباره نصب شود. ما گفتیم بسیار خوب، به شرطی که جای دیگری نصب شود. آنها موافقت نکردند و گفتند که اگر همکاری نکنید از دیوارها داخل سفارت می‌شویم. خوب در آنجا ما تصمیم گرفتیم که اگر مقاومت ما منجر شود به اینکه پلیس هم علیه ما وارد عمل شود ما ترجیح می‌دهیم که غرورمان را بشکنیم. بنابراین شعار دوباره رفت سر جایش (با وجود شرمساری تفنگداران ما) و بعد باز هم حدود یک ساعت شعارهای عصبانی علیه ما... ولی بدون خشونت...

خوب تمامش همین بود، ضمناً یک دستپاچگی مختصر هم امروز غروب پیش آمد و آن هم به خاطر این بود که جمعیت زیادی که از یک استادیوم ورزشی نزدیک سفارت بیرون آمدند از جلو ما گذشتند و شعارهایی با عصبانیت علیه ما دادند. دوباره ما همگی در دفترخانه پناه گرفتیم، ولی تظاهرات مختصر بود و در پانزده دقیقه تمام شد.

ممکن است شما گیج شده باشید که چه چیزی این مسایل را باعث شد، گر چه فکر کنم شما بدانید، مثل اینکه در بالا هم گفتم، در این مورد هیجان افزاینده‌ای وجود دارد و اگر شاه برای معالجات بیشتر بر مبنای بیماری (ohah - out patient basis) در آمریکا بماند ما دردسرهائی خواهیم داشت. ما اینجا به بالاترین مقامها غیر از خود آیت‌الله تأکید کرده‌ایم که قبول کردن شاه فقط براساس انسانیت بوده، ما او را به عنوان یک شخص بدون هیچ مقام سیاسی در ایران، می‌پذیریم، ما با دولت فعلی معامله می‌کنیم (کار می‌کنیم)، ما به استقلال و تمامیت ارضی ایران احترام می‌گذاریم و از آن حمایت می‌کنیم. ما به نماینده شاه (حزب شاه) (shah's paety) یادآور شده‌ایم که او تا زمانی که در آمریکا است نمی‌تواند فعالیتهای سیاسی داشته باشد و غیره ولی این مطالب نه دولت را متقاعد کرده و نه مطبوعات، را، و این قصد دیگری را در مورد کارتر که ما انجام داده‌ایم می‌بینند، و شاه را به عنوان پایه و اساس جنایتکاران می‌بینند و می‌خواهند او برای محاکمه به ایران بیاید.

هنوز روشن نیست این مسایل به کجا ختم می‌شود، ولی من در حال حاضر می‌ترسم که ما برای مدتی آب و هوای سنگینی داشته باشیم به خصوص اگر او برای معالجات بیشتری در آمریکا بماند. جای تأسف است، زیرا ما آرام آرام در حال کسب اعتماد به نفس در این مبارزه دشوار بودیم.

اما همه چیز اینجا دردسر نبوده، ما سعی کرده‌ایم که مواقعی که می‌توانیم زندگی معمولی خود را در حد

www.takbook.com



معقول ادامه دهیم، جامعه یک دوره مسابقات دوره‌ای والیبال ترتیب داده بنام سری مسابقات والیبال دعوتی لینگن، ما بازی‌های تنیس خود را به سفارتهای ایتالیا و بریتانیا باختیم، و یک مراسم بسیار جالب رقص هالووین داشتیم که به‌وسیلهٔ جوانهای اداره وابسته نظامی ترتیب داده شده بود. هوا هم خوب بود، و ما توانستیم میزها را در تراس بچینیم و بنابراین موفق شدیم که حدود ۲۵۰ نفر را برای شام بسیار خوبی که آشپز عالی ایتالیائی ما ترتیب داده بود جمع کنیم و بعد از شام تا سه صبح رقصیدیم ـ آنها مسابقه رقص ترتیب دادند و همین‌طور دیسکو، والتز، پولکا و رقص آرام و به همه بسیار خوش گذشت. در حقیقت ما در جامعهٔ دیپلماتیک اینجا به خاطر پارتیهای این سفارت داریم مشهور می‌شویم. (مترجم: منظور جامعهٔ سفارتخانه‌های خارجی در ایران است).

هیچوقت نمی‌ترسیم، چون مجزا هستیم، یعنی این محل (محل رقص) به اندازه کافی از خیابانها دور هست که ما اسلامیهای اصولی را ناراحت نکنیم... چند ایرانی هم می‌آیند، البته معمولاً یک جمع دیپلماتیک و خصوصی است، که اینها (منظور ایرانیها) بی رودربایستی تشنهٔ این جور سرگرمیهای طاغوتی هستند (در سند به زبان انگلیسی کلمهٔ طاغوتی آمده و لینگن آن را به انگلیسی به فارسی ترجمه کرده). زیرا هیچ سرگرمی از این نوع در شهر وجود ندارد، البته این دورو برها شایع شده که بعضی مواقع در رستوران (روی بام هتل آریامهر مراسم رقص برپا است، چند هتل خوب اینجا هست که اکثر آنها فقط ۱۰ تا ۲۰ درصد پر شده زیرا تمام توریستها رفته‌اند، و بعضی از هتلها هم به‌وسیلهٔ دانشجویانی که از عدم وجود خوابگاه ناله می‌کنند اشغال شده... بیچاره این دولت، مشکلات زیادی روی دست مانده و در ناراحت کردن دانشجویان هم که بهر حال نقش بزرگی در بیرون راندن شاه داشته‌اند کمال خونسردی را نشان می‌دهد. در مورد انتصاب یک سفیر جدید در اینجا هیچ پیشرفتی حاصل نشده، با وجود مسئله شاه هنوز زمان برای این کار مناسب نیست و من در حال حاضر آن تسلط لازم را بر مسایل ندارم. اخیراً از من خواسته شده که به عنوان سرکنسول مأمورین را در اورشلیم قبول کنم ولی من درخواست کرده‌ام که مرا از لیست افراد مورد نظر خارج کنند. (این قسمت دقیقاً مشخص نیست) به نظر می‌آید که فعالیتهای اصلی در خاورمیانه ترجیح دارد، چه اینکه سفارتهای ما در تل‌آویو، قاهره و عمان بسیار فعالند، البته نباید بازیگران دیگر مانند استراوس و بقیهٔ بازیگران را فراموش کرد، ممکن است که آنجا جای خوبی برای زندگی باشد ولی برای مدرسه رفتن جیم ممکن است آنقدرها هم خوب نباشد، در این زندگی پرنقل و انتقالی که ما داریم برای خدمات خارجی ایالات متحده مسئله تحصیلات جیم اولین مسئلهٔ مورد بررسی برای تصمیم در مورد جای بعدی است که ما خواهیم رفت... دوستدار شما بروسی

در زیر دست نویسی می‌آید که در انتهای نامه است که اشکالاتی دارد باید دوباره بررسی شود.

P.S ما هفتهٔ پیش از یکی از رهبران مذهبی (ملاهای پیش تاز) در مجلس سنا درخواست ملاقات کردیم ـ مذاکرات جالبی بود، مردی که عمیقاً به ما ظنین بود ولی ظاهراً حاضر بود حرفهای ما را بشنود، البته با به رسمیت شناختن این مسئله که ایران مشکلات دارد که به ما مربوط نیست. اما شاید جالبترین قسمت این گفتگو مربوط به دختر ۱۴ ـ ۱۲ ساله‌ای بود که لیموزین چایل سیاه ما را دید که بیرون منتظر بود و از افسر امنیتی من پرسید این ماشین مال کیست، وقتی جواب شنید که متعلق به کارمند آمریکایی است او گفت: ولی من فکر کرده بودم که تمام آمریکایی‌ها از اینجا رفته‌اند. ما آنها را بیرون خواهیم کرد. او به عنوان یک نمونه نیست ولی حرفی که او زد مقداری از تأثیر تبلیغات در اکثر مطبوعات را نشان می‌دهد، تبلیغاتی

www.takbook.com



که بعضی‌اش برای بیان حقیقت است بعضی‌اش برای تأثیرگذاری عنوان می‌شوند. تمام از: تهران ـ ایران

به‌طور کلی نامه حاوی نکات برجسته و مشکوک ولی مبهم است و می‌تواند در بازجوئی مورد استفاده قرار گیرد.

از کاردار به حداقل ۹ نفر ـ عیناً کپی شده تحت عناوین مختلف با ماجرای تظاهرات عید قربان مردم آغاز کند و تغییر مسیر راهپیمایی ولی تظاهراتی بالاخره در مقابل در سفارت انجام می‌شود. آماده‌باش کامل گارد سفارت برای مقابله. کندن یکی از پلاکاردهای علیه کارتر به نفع امام به وسیله یکی از گاردهای سفارت و اعتراض و خشم مردم و نصب دوباره آن بعد تحلیل می‌کند که علت خشم مردم حضور شاه به بهانهٔ بیماری در آمریکا است و توضیحات این سفارت به مقامات ایرانی راجع به منع فعالیت سیاسی شاه قانع‌کننده نبوده است.

سپس می‌افزاید که با تمام این حرفها و خطرات ما به زندگی عادی و راحتمان ادامه می‌دهیم و چند نمونه می‌آورد از مسابقات ورزشی و مجالس رقص و عیاشی که بعضی ایرانیها «طاغوتی» هم هستند (عین لغت طاغوت را ذکر می‌کند).

از مأموریت داده شده از طرف دولت آمریکا به وی در اسرائیل به عنوان (سرکنسول) می‌نویسد که می‌خواهد برود به قاهره و عمان نیز اشاره می‌کند (اوضاع خاورمیانه).

در قسمت دستوریش از ملاقاتش با یکی از ملاهای در کاخ سنا حرف می‌زند که مبهم است.

www.takbook.com

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

انقلاب اسلامی ایران انقلابی است مردمی. انقلابی جوشیده از درون توده‌های مردم. انقلابی که با وحدت یکپارچهٔ ملت ما و با رهبری قاطع و پیامبرانهٔ امام خمینی شکل گرفته است.

این انقلاب که متکی به رهبری امام خمینی و توده‌های مستضعف است، خاستگاه راستین محرومین و مستضعفینی شد که سالها در زیر چکمه و شلاق رژیم خائن شاه و آمریکای جنایتکار سرکوب گشته بودند و اینک آزاد از زنجیر ۲۵۰۰ سال سلطهٔ طاغوت و سالها شکنجه و ظلم و استعمار و استثمار می‌خواهد که خود سرنوشتش را به دست گیرد و براساس اسلام عزیز و به امید جامعهٔ توحیدی تلاش و سازندگی خود را آغاز کند. امت اسلامی ایران این بار توانسته است خود انتخابگر و تصمیم‌گیرنده در صحنهٔ سیاست مملکت گردد. و آغازگر تلاش در محو آثار سالها استثمار و استعمار از چهرهٔ این وطن پهناور باشد.

انقلاب ایران بدین دلیل در دل ایرانیان محروم و ستمدیده و استعمار شده و همچنین وجدان انسانی همهٔ ملتهای تحت ستم و تحت سلطه جای گرفته است؛ چراکه اساسش بر نفی استعمار و استثمار و استبداد بوده است و به مستضعفین همهٔ جهان نوید جامعهٔ توحیدی می‌دهد.

به آنها امید می‌دهد که بتوانند اظهار عقیده نمایند و انتخابگر شوند و رشد و تعالی انسانی داشته باشند و در جامعه‌ای براساس قسط زندگی نمایند و از برابری اقتصادی و انسانی و حتی عاطفی برخوردار باشند. همچنان که امام فرمودند نهضت ما نهضت مستضعفین بر علیه مستکبرین است. مستکبرین که در طول تاریخ بشر و در زمان حاضر به شکلهای مختلف عهده‌دار نظاماتی متعفن و حاکم بر مستضعفین بوده‌اند؛ مستکبرین که به شکل شیطان بزرگ «آمریکا» و به شکل رژیمهای خائن و سرسپرده حاکم بر ملتهای ستمدیده و به شکل استثمارگران و سرمایه‌دارانی که مکندهٔ خون مستضعفین هستند ظاهر می‌گردند.

در ایران سالهاست که مستکبرین به اشکال مختلف حاصل کار و دسترنج این ملت را به یغما برده‌اند. از سویی امپریالیسم آمریکا سالهاست که ثروت ما را چپاول نموده و از سویی سرمایه‌داران وابسته و وابستگان رژیم شاه که عمده مستکبرین را تشکیل می‌دادند نیز بعد از چپاول و حیف و میل میلیاردها میلیارد پول ایران با چندین میلیارد دلار ارز فرار نمودند و اکنون نیز بسیاری از کسانی که هنوز هستیشان از خون مردم و چپاول آنها است و یا حاصل زندگیشان را از راه صحیح و عادلانه به دست نیاورده‌اند در ایران فراوانند. اینان کسانی هستند که همپای وضعیت اقتصادیشان نمی‌توانند شرایط انقلابی ایران را تحمل کنند و قطع شدن منافع و به هم خوردن روابط بی‌بند و بار غربی و حاکمیت و نفوذ مردم مستضعف در ادامهٔ جامعهٔ آنها را می‌آزارد.

www.takbook.com



بعد از انقلاب بزرگ اسلامی، بسیاری از اینان سعی در اقامت دایم در آمریکا نموده‌اند و از کنسولگری آمریکا در ایران خواستار دریافت برگ سبز (برگ اقامت دایم و مهاجرت) شدند؛ البته صدور کارت مهاجرت در صورتی است که شخص از مشخصات لازم برای آمریکا، دشمن اصلی و قداره بند ملت ایران و دیگر ملتهای محروم برخوردار باشد و سرمایهٔ مشخصی را به صورت ارز به آمریکا وارد کند.

در بخش کنسولگری آمریکا اسنادی به دست آمده است که حاکی از تقاضای افراد برای صدور برگ سبز است. افراد متقاضی را به ۴ دسته تقسیم می‌کردند:

۱ـ سرمایه‌داران، کارخانه‌داران، زمینداران و یا سرمایه‌داران خرده‌پایی که سرمایه‌های خود را از چپاول و وابستگی و یا استثمار دیگران و یا از طریق خرید و فروش زمین و املاک و کار در بخشهای صنعتی و خدماتی و آن هم براساس نظام اقتصادی منحط و استثماری رژیم خائن پهلوی به دست آورده‌اند. طبیعی است که در سرزمینی که میلیونها مردمش محروم و مستضعف باشند، هرگز سرمایه‌ای به حق انباشته نمی‌گردد، آن هم در رژیم خائن شاه.

۲ـ کسانی که یا از دبستان و دبیرستان و یا دیپلم و بالاتر به آمریکا رفته‌اند و بعد از فارغ‌التحصیل شدن نمی‌توانند شرایط مشکل و انقلابی ایران را تحمل کنند و همچنان عاشق و دوستار آمریکا باقی مانده و قصد اقامت دایم دارند. غافل از اینکه اینان با پول ملت ایران و حاصل دسترنج محرومان و مستضعفین تحصیل نموده‌اند و باید در خدمت اینان در وطن خویش خدمت کنند نه مهارت و نیروی انسانی خود را در خدمت آمریکای جنایتکار، دشمن قسم‌خوردهٔ خلقهای مستضعف جهان قرار دهند.

۳ـ افراد لشکری و کشوری که منافع خود را بر منافع ملت مستضعف ترجیح می‌دهند و پولی را که از طریق کار و کوشش فراهم ننموده‌اند به خارج برده و نمی‌توانند شرایط انقلابی و متحول ایران آزاد شده را تحمل کنند.

۴ـ غربزدگانی که فرهنگ منحط غربی و فضای آلوده و مریض رژیم شاهنشاهی زندگی عادیشان بوده و اکنون که روابط به هم ریخته و جایی برای خوشگذرانی‌های آنچنانی و روابط فرهنگی غرب وجود ندارد، نمی‌توانند حرکت توده‌های مسلمان و انقلاب اسلامی توده‌های به پاخاسته را تحمل نمایند و با نقد کردن زندگیشان راهی آمریکا، این حلقوم فراخ و بلعندهٔ منافع مستضعفین جهان می‌شوند. کسانی که بر خلاف نیات راستین انقلاب اسلامی ایران حاصل کار و خون ملت و سرمایه‌های ملی ایران را به آمریکا دشمن قسم خورده و اصلی ایران می‌برند در حقیقت در مقابل مردم و در مقابل منافع توده‌های میلیونی به پا خواسته ایستاده‌اند. ملت ایران هنوز خاطرهٔ تلخ خروج میلیونها دلار ارز را به وسیلهٔ شاه خائن و ایادی جنایتکارش که با همکاری امپریالیسم آمریکا بود فراموش نکرده است. بدیهی است که بر عهدهٔ سازمانهای مسئول انقلاب است که جلوی خروج این سرمایه‌های ملی را به نفع ملت مستضعف بگیرند. همچنین یک سند از دکتر علی محمد ایزدی، وزیر سابق کشاورزی دولت موقت، به دست آمده است که نشان‌دهندهٔ تقاضایی است که در خرداد ۵۷، زمان اوج مبارزات حق‌طلبانهٔ ملت مسلمان بر علیه شاه خائن و آمریکا، برای اقامت دائم در آمریکا و خروج ۵۰۰/۰۰۰ دلار ارز به آمریکا به کنسولگری آمریکا داده است. خرداد ۵۷ زمانی که رگبار مسلسلهای آمریکایی سینهٔ ملت مستضعف ایران را در هم می‌کوبید و خون شهیدان ما و خروش فریاد انقلابی خلق مستضعف، انقلاب اسلامی را پیش می‌تازاند، آقای ایزدی چگونه می‌خواستند که با پشت کردن به این مردم محروم آغشته در خون و

www.takbook.com



آتش، شهروندی خوب برای امپریالیسم جهانخوار آمریکا گردند و چگونه به خود اجازه می‌دادند که سرمایهٔ این محرومان در بند را در حلقوم کثیف آمریکا بریزند و بعد از انقلاب چگونه به خود اجازه می‌دهند که وزیر کشاورزی انقلاب اسلامی شوند، همان انقلابی که با شعار الله اکبر و خون همان کسانی که شما در خرداد ۵۷ به آنان پشت کردید شکل گرفته است. در این صورت آیا امکان دارد که چنین کسانی مدافع حقوق مستضعفان و محرومان باشند؟

به امید تحقق حاکمیت و وراث مستضعفین در کل زمین.

هر چه طولانی تر باد سایه امام خمینی بر سر ملتهای زجر دیده اسلامی

نابود باد نظام شرک و کفر جهانی آمریکا **دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

**فرستندهٔ نامه: علی محمد ایزدی** **۹ ژوئن ۱۹۷۸ مطابق با ۲۰ خرداد ۵۷ تهران ـ ایران**

**گیرنده: کنسول آمریکا بخش** I.V

**مرکز تحقیقات کشاورزی دانشگاه پهلوی، سفارت آمریکا، شیراز ـ ایران، صندوق پستی ۵۰**

**عالیجناب**

در طول اقامتم در آمریکا (سپتامبر ۱۹۶۸ تا اوت ۱۹۷۴) من بسیار تحت تأثیر آمریکاییها قرار گرفتم. مخصوصاً حسن رفتار آنها نسبت به یکدیگر و خارجیها، من قبل از بازگشت به ایران سالها در آمریکا تحصیل کرده‌ام. بهرحال بعد از بازگشت بعد از یک بررسی دقیق اکنون احساس علاقه می‌کنم که برگردم و بکوشم یک شهروند مفیدی برای آمریکا باشم، چنانچه اشکال زیادی نداشته باشد.

من مدرک دکتری و فوق‌لیسانس در اقتصاد کشاورزی و لیسانس در آموزش کشاورزی و اضافه بر آن مدرک لیسانس در کشاورزی عمومی دارم. داراییم پانصد هزار دلار می‌باشد. من بیست سال سابقهٔ تجربه در ادارهٔ یک مزرعهٔ بزرگ هم زمان با آموزش و تحقیقات کشاورزی دارم. من فکر می‌کنم با مهاجرت به آمریکا می‌توانم سرمایه و امتیازی برای آنجا باشم و مطمئناً در بدترین موارد خسارتی برای کشور منتخب خود نداشته باشم. من راجع به فرمهای لازم از کنسولگری آمریکا در شیراز تحقیق کردم و به من گفته شد فرم اطلاعاتی بیوگرافی ۱۷۹ را جهت ویزا پر کنم و آن را به قسمت I.V سفارت آمریکا صندوق پستی ۵۰ تهران ایران بفرستم.

من این کار را انجام دادم و آن را در سپتامبر ۱۹۷۷ فرستادم همچنین به من گفته شد که اطمینانی نیست که ویزا صادر شود. و نیز بین ۹ تا ۱۲ ماه طول می‌کشد تا جواب دریافت کنم.

در این زمان من هیچ جوابی راجع به پیشرفت کار دریافت نکرده‌ام و از آنجایی که این امر برایم اهمیت بزرگی دارد تا حدودی نگران شده‌ام. من کوشیدم به وسیلهٔ تماس گرفتن با بخش مهاجرت در تهران بفهمم چه پیشرفتی حاصل شده است. اما دریافتم که آنها هیچ نسخه‌ای از موضوع ندارند سپس من شخصاً به مهاجرت تهران قسمت صدور ویزا رفتم و دو روز در نوبت گذراندم و متوجه شدم که آنها هم نسخه‌ای از تقاضایم ندارند. سرانجام دیروز هشتم ژوئن ۱۹۷۸ با شخصی در دفتر مهاجرت تهران تماس گرفتم و او به من گفت که این مسئله نه تنها ۵ تا ۱۲ ماه بلکه ۲ تا ۳ سال طول می‌کشد. آیا می‌توانید با بررسی این موضوع به من کمک نموده و مرا در جریان بگذارید که:

۱ـ تقاضایم در چه مرحله‌ای است.

www.takbook.com



۲ـ زمان تقریبی که مجبورم صبر کنم.
من واقعاً از شما قدردانی می‌کنم، اگر این را برایم انجام دهید.

**با سپاسگزاری**
**علی‌محمد ایزدی**

توضیح: علی‌محمد ایزدی وقتی می‌بیند که پذیرفته شدن تقاضای او برای مهاجرت در آمریکا طـول می‌کشد و از تقاضا صرف نظر می‌کند ولی بلافاصله با پاسپورت غیر مهاجرتی (معمولی) به آمریکا سفر می‌کند.

**فرستندهٔ نامه: علی محمد ایزدی ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۸ مطابق با ۲۲ شهریور ۵۷**
**گیرنده: کنسول ایالات متحده بخش صدور ویزای مهاجرت**
**مرکز تحقیقات کشاورزی دانشگاه پهلوی، شیراز ـ ایران**
**بخش I.V، صندوق پستی ۵۰، تهران ـ ایران**
**عالیجناب**

من در نامهٔ قبلی به شمارهٔ (۹ ژوئن ۱۹۷۸) راجع به مهاجرت احتمالیم به آمریکا نوشتم، من قبلاً فرم اختیاری ۱۷۹ اطلاعات بیوگرافی را جهت ویزا پر کرده‌ام و این فرم را همان طور که کنسولگری آمریکا در شیراز دستور داده بود به سفارت آمریکا در تهران بخش I.V صندوق پستی ۵۰ فرستادم.

من حالا فکر می‌کنم که مدت دو یا سه سال برای این عمل (گرفتن ویزا جهت مهاجرت به آمریکا) خیلی زیاد است. من بدین وسیله رسماً از شما تقاضا می‌کنم که تمام فرمهای پر شده را به من برگشت داده و تقاضایم را پایان یافته تلقی نمایید.

**از تمام زحماتی که برایم متحمل شده‌اید متشکرم**
**با احترام علی‌محمد ایزدی**

www.takbook.com



**سند شمارهٔ ۱۱۰۶۶**

**از: سفارت آمریکا تهران** **محرمانه ـ شنبه ۷۹/۱۰/۱۷ مطابق با ۵۸/۷/۲۵**

**به: سفارت آمریکا پاریس فوری ۰۴۰۷** **گزارش دهنده: ادارهٔ امنیت منطقه‌ای**

**مرجع: تهران ۱۰۷۶۷ ـ پاریس ۳۲۳۵**

**موضوع: شبکه قاچاق پولهای تقلبی (رسول کاظمیان)**

۱ـ همان گونه که در مرجع ذکر شده در ۱۵ اکتبر ۱۹۷۹ از کاظمیان پرسیدیم که آیا مایل به ملاقات سرویس مخفی آمریکا در خارج است یا نه؟ (بهتر است که ترکیه باشد) او با این ملاقات موافقت کرده، ولی در مورد محل ملاقات (ترکیه) مردد است. او معتقد است که شبکهٔ مزبور (پولهای تقلبی) با پلیس ترکیه روابط خوبی دارد و احتمالاً می‌توانند همکاری او با دولت آمریکا را کشف کنند. کاظمیان می‌گوید: که او عامل شما را در هر جای دیگری که بخواهید به خرج سرویس مخفی آمریکا حاضر است ملاقات کند.

(توضیح: زبان مادری کاظمیان فارسی است، انگلیسیش ضعیف است، ولی مدعی است که ترکی را خوب می‌داند.)

۲ـ وضعیت کاظمیان به طور خلاصه در مرجع پاراگراف ۱۰ ذکر شده. او معتقد است که می‌تواند کمکی را که قبلاً ذکر شده، انجام دهد، با در نظر گرفتن اینکه او تاریخ ملاقات را بعد از رسیدن محموله دوم دلارها در ملاقات با عامل شما، نمونه‌های این اسکناسهای جدید را با خودش بیاورد.

۳ـ کاظمیان باز از همکاری در یک فعالیت کاملاً غیر قانونی اکراه دارد.

(توضیح: ادارهٔ امنیت منطقه‌ای معتقد است که همکاری او در عملیات تقلب اسکناسها بیش از آن چیزی است که ادعا می‌کند. زیرا توانسته با رؤسا روابط برقرار کند. به احتمال زیاد منبع به عنوان یک بی‌طرف در جریان پولهای تقلبی کار می‌کند.)

۴ـ در ملاقات اخیر، کاظمیان اطلاعات زیر را در اختیار قرار داد:

( )ـ یک اسکناس ۱۰۰۰۰ ریالی تقلبی (تقریباً ۱۰۰ دلار به نرخ روز)، یک اسکناس ۱۰۰ مارکی تقلبی با شمارهٔ سریال ۱۲۰۸۶۳۶۰

سرویس مخفی آمریکا می‌خواهد اسکناس ۱۰۰ مارکی را به رابط آلمانی بدهد. در این صورت ما مستقیماً آن را به سرویس مخفی آمریکا در پاریس خواهیم داد (توجه: نمی‌خواهیم که هویت منبع مطلع (کاظمیان) برای آلمانیها روشن شود. در این صورت آنها احتمالاً بازجوییهای ما را در تهران دنبال کرده و منبع ما را خواهند شناخت).

( )ـ پولهای تقلبی به وسیلهٔ اتوبوسهایی که بین تهران و استانبول کار می‌کنند و متعلق به شرکت دریا توریست (استانبول) هستند، قاچاق می‌شود.

( )ـ سوژه‌ای که با نام هولیس معرفی شده، بنابر روایتی در ماراس ( ) ترکیه متولد شده، تاریخ تولدش معلوم نیست.

( )ـ سوژه‌ای که با نام شافکی معرفی شده، هم اکنون در ترکیه منتظر دستور برای فرستادن محموله بعدی دلارها به تهران است.

( )ـ در سوم اکتبر ۵۰۰۰۰۰ دلار اسکناس تقلبی به تهران رسید. علاوه بر آن تقریباً به ارزش یک میلیون

www.takbook.com



دلار از سایر ارزها که شامل مارک آلمان غربی، ریال ایران و ارز عربستان سعودی بود، وارد شد.

نمونه اسکناسهای این محموله که ریال و مارک بود به دست ما رسید. ولی منبع اظهار می‌دارد که به خاطر فروش رفتن دلارها نتوانست نمونه آنها را به دست آورد. این دلارها در همان روز به افرادی که ایران را ترک می‌کردند فروخته شد.

۵ـ برای اطلاع شما: در ۱۴ اکتبر مطبوعات تهران در مورد وجود اسکناسهای ۱۰۰۰۰ ریالی تقلبی به مردم هشدار دادند. در ۱۷ اکتبر مطبوعات خبری داشتند که ۳ بلغاری در حین خرید جواهراتی با اسکناسهای ۱۰۰۰۰ دلاری تقلبی دستگیر شده‌اند (۱۵ اکتبر). جزییات این اسکناسهای تقلبی دقیقاً همان بود که منبع اداره امنیت منطقه‌ای گزارش داده بود.

**لینگن**

**توضیح: فهرست زیر خلاصهٔ پرونده‌های افرادی می‌باشد که از جاسوسخانه آمریکا تقاضای ویزای مهاجرتی جهت اقامت دائم را در آمریکا نموده‌اند و میزان ارز خروجی آنها.**

| نام و نام خانوادگی | شغل | تاریخ تولد | اموالیکه شخص می‌خواسته به ارز تبدیل کند |
|---|---|---|---|
| ۱ـ کاظم تک | مدیر کل امور اجرایی گمرکات جنوب | ۱۹۳۷ | ۴ ملک متعلق به او و مقداری پول نقد |
| ۲ـ امین حکیم تناغو (انیس حکیم تناغو) | کارمند شرکت خصوصی | ۱۹۲۹ | همهٔ اموالش از پول و ملک |
| ۳ـ جهانگیر توکلی | صاحب مشروب‌فروشی در متل قو | ۱۹۲۹ | ۱۱۹۷۰۰ دلار پول نقد برده و ۴۹۵۰۰۰۰ ریال در بانکهای ایران دارد |
| ۴ـ مهدی تهرانچی | افسر پلیس تهران و قبلاً شغل آزاد | ۱۹۴۲ | ۷۰۰۰۰ دلار پول نقد خارج کرده و ۴۵۰۰۰ دلار سهم در شرکت در آمریکا |
| ۵ـ احمد افخری | کارمند شرکت خصوصی و کارخانه‌دار | | ۵۷۰۰۰ دلار سهم شرکت در آمریکا و ۱۰۰/۰۰۰ دلار نقد |
| ۶ـ آرام طوماسیان<br>تامار (خواهرش) طوماسیان | دکتر دامپزشک وزارت کشاورزی و عمران روستایی نرس وزارت بهداری و بهزیستی (شوروی) | ۱۹۲۰ (تفلیس)<br>۱۹۱۸ (شوروی) | ۷/۵۶۰/۰۰۰ ریال دارایی آرام و تامار و (همسر آرام ـ لیزا) و یک ملک) |
| ۷ـ منوچهر توفیقیان | مهندس در اتریش و بعد تهران | ۱۹۱۴ | هر چند ماه یک بار ۲۹۰۰۰ دلار به آمریکا می‌فرستد. ۴۸/۰۰۰ دلار سهام در شرکتی در آمریکا و یک زمین دارد |
| ۸ـ علی بلاتی ترکمن | تعمیر کار ماشین | ۱۹۵۲ | ۴۰/۰۰۰ دلار سهمش در شرکتی در آمریکا |
| ۹ـ محمد علی توحیدی | دکتر مواد شیمیایی خاکی در مؤسسه بررسی آفات و بیماریهای گیاهی | ۱۹۳۷ | |
| ۱۰ـ مصطفی واقعی | اطلاعاتی در دست نیست | ۱۹۱۸ | ۵۰٪ سهم هتلی در آمریکا و ۲۰۰/۰۰۰ دلار نقد خارج کرده |

www.takbook.com



| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۱ـ هارتیون وارترسیانس | آرشیتکت و عضو انستیتو آرشیتکتهای ایران | ۱۹۲۷ | ۱۸۱/۵۰۰ دلار در بانکهای آمریکا دارد. |
| ۱۲ـ فرانکو قایقران | دکتر داروساز و مرض شناس دارای مطب | ۱۹۲۸ | ۸۰/۰۰۰ دلار پول نقد و ۱۵۰۰۰۰ دلار ملک |
| ۱۳ـ کریم قرائتی | نقشه بردار | ۱۹۳۶ | ۳ ملک دارد |
| ۱۴ـ انعد (اسعد) قوانلو | | | شوهر دختر این خانم در آمریکا ۲ خانه روی هم به ارزش ۱۶۳۰۰۰ دلار و ۱۱۰۰۰ دلار پول نقد دارد |
| ۱۵ـ جلال گلاب‌تونکار | صاحب هتل | ۱۹۳۱ | سرمایه‌گذاری و پول نقد ۶۸۰۰۰۰ دلار و ۵۰٪ هتلی در ایران. |
| ۱۶ـ نیکلاباغداسرگریگوریان | کارگر ساختمان | ۱۹۳۲ | |
| ۱۷ـ فتح‌اله گرزسر | کارمند یک شرکت | ۱۹۴۱ | ۱۰۰۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری |
| ۱۸ـ محمد حاجیان بهمنی | رییس بانک صادرات | ۱۹۳۰ | ۸۰۸۸۹ دلار در بانکهای آمریکا و ۵۰۰ سهم بانک صادرات و یک ملک در ایران |
| ۱۹ـ ابراهیم هانوکائی | | | |
| ۲۰ـ جواد هاشمیان | | ۱۹۱۸ | ۳ ملک او و همسرش دارند و ۵۲۵۰۶۰۶ ریال دارد. |
| ۲۱ـ امیر ساسان هدایت | رئیس سازمان توریستی ایران | ۱۹۳۳ | |
| ۲۲ـ ناصر حکمت‌نژاد | | ۱۹۵۳ | ۶۶۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری در آمریکا ۹۵۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری در آمریکا |
| ۲۳ـ امریک هندی‌آزاد | کار در یک کمپانی وارد کننده فرش ایرانی | ۱۹۳۹ | ۵۲۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری در آمریکا |
| ۲۴ـ حسین تجارهنگامی | تجارت | ۱۹۵۱ | ۴۹۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری در آمریکا |
| ۲۵ـ سید احمد همامی | | | ۸۹۵۸۶۸ دلار پول نقد و یک خانه در آمریکا |
| ۲۶ـ آراکس انگی بگیان(بگنازاریان) | | ۱۹۲۵ | ۹۰۳۹۴ دلار پول نقد در آمریکا |
| ۲۷ـ فتح‌الله انتظار | | | |
| ۲۸ـ منوچهر ارم | مهندس | | ۳۳۹۰۰۰ دلار ملک در آمریکا دارد |
| ۲۹ـ علی‌اکبر فغانی | پزشک بیمارستان | | |
| ۳۰ـ منوچهر فخرشفایی | دکتر طب وزارت بهداری و بهزیستی و حقوق | ۱۳۰۹ | ۸ ملک متعلق به او و همسرش |
| ۳۱ـ حسین نوین فرحبخش | | | ۶۸۴۰۰ دلار پول در بانکهای آمریکا |
| ۳۲ـ بهنام فرامرزی | | ۱۹۴۳ | ۲۶۱۰۰۰ دلار پول نقد و سرمایه‌گذاری |
| ۳۳ـ محمد فرخی | مدیر امور مالی شرکت بیمه | ۱۹۲۳ | ۷۰۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری و ۱۹۵۰۰۰ دلار نقد |
| ۳۴ـ عبدالغفور فربد | متخصص داروسازی صاحب آزمایشگاه ابن سینا | ۱۹۳۱ | ۴۷۲۵۰۶۵ ریال پول نقد و یک ملک |
| ۳۵ـ خدیجه قانعیان فسائی | | ۱۹۴۶ | ۱۱۳۴۰۰ دلار سرمایه‌گذاری |
| ۳۶ـ محمد فتح | مدیریت بازرگانی کار در هتل | ۱۹۴۵ | ۴۰۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری |

www.takbook.com



| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۷ـ معصومه فشاری | | ۱۹۲۶ | چاپخانه‌ای به ارزش ۴۶۷۵۰۰۰۰ ریال |
| ۳۸ـ ناصر فروغی ابری | | ۱۹۵۰ | در مدت ۳ سال تحصیل در آمریکا ۴۰۶۰۰۰ دلار برایش فرستاده شده |
| ۳۹ـ دیکرانوهی بوداغیان میرزائیان | | ۱۹۰۵ | |
| ۴۰ـ ماکروهی بوزاسیان | معلم | ۱۹۰۷ | |
| ۴۱ـ مهشید برومندان | | | |
| ۴۲ـ دوناتو سنگاکروز | مهندس برق | ۱۹۴۲ | |
| ۴۳ـ دکران مسیح دباغیان | جواهر فروش | ۱۹۲۹ | ۵۰۰۰۰ دلار پول نقد در بانکهای آمریکا |
| ۴۴ـ نعیم شمعون دانپور | عضو اتاق بازرگانی صنایع و معادن | ۱۹۱۷ | ۱۱۵۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری در آمریکا |
| ۴۵ـ جمیل داورهانیان | تزیینات و دکوراسیون خانه | ۱۹۴۴ | |
| ۴۶ـ حسن دستمالچی | | ۱۹۲۲ | ۱۵۰۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری |
| ۴۷ـ غلامحسین دیرمینا | حسابدار | ۱۳۰۹ | ۹۹۰۰۰۰۰ ریال پول نقد و یک ملک |
| ۴۸ـ منصور برادران جوادی | | ۱۹۵۲ | ۴۵۴۰۰ دلار سرمایه‌گذاری در آمریکا |
| ۴۹ـ وان ایگناتیان | | ۱۹۳۶ | ۴۴۱۰۲۴۰ ریال پول نقد و یک ملک و ۵۰٪ شرکت در آمریکا |
| ۵۰ـ مانوک ایگناتیان | | ۱۸۹۶ | |
| ۵۱ـ جهانگیر جاوید | | ۱۹۴۷ | ۵۵۰۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری و ۴۰۰۰۰ قیمت خانه‌اش |
| ۵۲ـ نجات‌اله کهولی‌زاده | کارمند شرکت نفت | ۱۹۲۶ | ماهیانه ۳۳۰۵ دلار حقوق و یک خانه |
| ۵۳ـ رافی لازاری کاراپیتیانس | مدیریت | ۱۹۴۸ | ۵۴۰۰۰۰ دلار پول نقد در آمریکا |
| ۵۴ـ هایراپت گارپتی کاراپتیانس | | ۱۳۳۳ | ۴۰۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری |
| ۵۵ـ شهیندخت کارگر | | ۱۹۴۳ | ۱۴۰۳۷۱ دلار به آمریکا برده |
| ۵۶ـ فرخ کاشانیان | مدیریت شرکت بیمه | ۱۹۳۴ | ۷۰۰۰۰۰ دلار خارج کرده |
| ۵۷ـ محمد علی کتانی (کتابی) شوشتری | کارمند وزارت امور اقتصادی و دارایی | ۱۹۲۷ | ۴۸۰۴۷ دلار خارج کرده و یک ملک در تهران دارد به اضافه ماهیانه ۴۱۸۰۰ دلار |
| ۵۸ـ منیژه شاه کاوسی | | ۱۹۲۵ | ۱۰۰۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری در ایران دارد و ماهیانه ۱۵۰۰ دلار درآمد |
| ۵۹ـ مجید کاظمیان | | ۱۹۵۸ | ۴۰۰۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری در آمریکا |
| ۶۰ـ محمد جواد کاظمیان | | ۱۹۵۵ | ۴۰۰۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری در آمریکا |
| ۶۱ـ محمد باقر کراچی | کارخانه‌دار | ۱۹۴۶ | روی هم ۲۲۰۰۰۰ دلار (۳۱۲۰۰) سرمایه‌گذاری در ایران و آمریکا ۵۰۰۰۰ دلار پول نقد در آمریکا و ماهیانه ۵۵۰۰ دلار درآمد |
| ۶۲ـ مارتا خاچیکیان | | ۱۹۰۵ | ۳۴۱۶۱۷ دلار این خانم و همسرش |

www.takbook.com



| | | | |
|---|---|---|---|
| | | | داشته‌اند |
| ۶۳ـ مهدی خندان تبریزی | سرهنگ بازنشسته ژاندارمری | ۱۹۳۹ | ۵۱۰۰۰ دلار پول نقد در آمریکا و ۱۰۴۹۵۳۸۸ ریال دارائی او و همسرش |
| ۶۴ـ مهین تاج خلیلی‌بروجنی | دکتر در دانشکده پزشکی | ۱۳۱۰ | ۲۳۰۰۰۰۰ ریال سهام داشته و اموالش ۸۰۰۰۰۰۰۰ ریال در ایران دارد ۳۰۰۰۰ دلار پول طی یک سال |
| ۶۵ـ علی خواجه خلیلی | کارمند شرکت نفت ایران | ۱۹۲۸ | فرستاده به آمریکا هر ماه اجاره یک خانه و حقوق او به آمریکا می‌رود یک ملک هم دارد |
| ۶۶ـ ناصر کیایی | مهندس معدن در کارخانه فولاد | ۱۹۳۵ | ۱۳۸۹۲۱۷۵ ریال در ایران داشته‌اند یک ملک هم داشته و در شرکتی سهام داشته |
| ۶۷ـ پاول یوسف زاده کهنه‌شهر | | | ۷۰۰۰۰ دلار پول خانه و ۳۰۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری در آمریکا |
| ۶۸ـ آصف خلدانی | | ۱۹۳۶ | ۷۵۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری در آمریکا |
| ۶۹ـ مسعود خوانساری | تعمیرات ساعت | ۱۹۳۰ | ۴۵۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری در آمریکا |
| ۷۰ـ ملوک مکاری | | ۱۹۴۲ | ۱۲۰۰۰۰ دلار در بانکهای آمریکایی دارد |
| ۷۱ـ عبدالکریم ملک | | ۱۹۳۶ | ۷۵۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری در آمریکا |
| ۷۲ـ مولود منصوری | | ۱۹۴۱ | ۴۰۸۴۲ دلار سرمایه‌گذاری در آمریکا و ۸۰۵۰ دلار پول نقد |
| ۷۳ـ موسی اعتماد حائری | سرهنگ بازنشسته | ۱۲۹۱ | سهامدار شرکت طلاسراست و ۱۵۳۲۵۴۰ دلار به نام پسرش دارد و ماهانه ۷۸۳ دلار درآمد دارد |
| ۷۴ـ نادر میرزایی | سرهنگ و خلبان نیروی هوایی | | ۲ ملک و ۳۰۰۰۰۰۰ دلار پول نقد دارد |
| ۷۵ـ فیض‌الله زینلی | کنتراتور جاده و ساختمان | | ۳۰۸۷۵۰ دلار نقد دارد |
| ۷۶ـ ملوک میشکانیان | خانه‌دار | | سه قطعه زمین که یکی از آنها ۷۱۴۲۸۵ دلار ارزش دارد و کلاً ۲۴۶۳۷۱۴ دلار سرمایه |
| ۷۷ـ عبدالرضا مختارمعصومی | کلینیک در ایران | | یک قطعه زمین از شاه مخلوع گرفته و ۳۹۱۱۹۳ دلار |
| ۷۸ـ محمد الهی خوانساری | رئیس چاپخانه ۷ ملک ۱۱۰۱۲۷ دلار | ۱۲۹۷ | ۳ ملک و ۳۳۸۶۸۴۴ دلار پول به نام خود و فرزندانش به گفتهٔ خودش ۲۰۰۰۰۰۰۰ دلار پول و زمین و ملک در ایران و آمریکا و سوئیس دارد. شرکت ایران شرق |
| ۷۹ـ عبدالله هاشمی | | ۱۹۱۹ | سهمش درشرکت مذکور ۳۱۲۵٪ است و کل سرمایه‌اش ۱۱۱۸۵۰۰ دلار است. حدود ۲۵۰۰۰۰ دلار در حال سرمایه‌گذاری است |
| ۸۰ـ میرزا محمد قمیشی | صندوقدار در یک شرکت آمریکایی | ۱۹۲۸ | سهمش درشرکت مذکور ۳۱۲۵٪ است |

www.takbook.com



| | | | |
|---|---|---|---|
| | | | و کل سرمایه‌اش ۱۱۱۸۵۰۰ دلار است. حدود ۲۵۰۰۰۰ دلار در حال سرمایه‌گذاری است |
| ۸۱ـ فرنگیس قادری تفرشی | شرکت قادران | ۱۹۳۶ | زمینهای زیادی متعلق به شرکت قادران و حدود ۱۳۰۵۷۱ دلار سرمایه و سالیانه ۶۸۵۷ دلار سود سرمایه |
| ۸۲ـ حسن اسماعیل حدادی | گراور سازی | ۱۹۴۲ | ماهیانه ۷۴۵۰ دلار و کلاً ۱۴۱۶۹۲۸ دلار سرمایه |
| ۸۳ـ پروانه در میناسیان حاجی‌آبادی | کارخانه‌دار | ۱۹۲۷ | ۵ ملک، درآمد ماهیانه ۹۵۰۰۰۰ و ۱۲۰۰۰۰۰ دلار سرمایه |
| ۸۴ـ منوچهر دامغانی | کارهای ساختمانی | ۱۹۳۳ | ۱۳ ملک که چندتایش اهدایی از شمس پهلوی بوده و دو تایش شریکی. ۱۷۸۵۷۱ دلار به نام‌خود و همسر و فرزندانش سرده ثابت داشته و قصد داشته ۴۵۰۰۰ دلار در آمریکا سرمایه‌گذاری کند |
| ۸۵ـ محمدعلی علائی احمدآبادی | سرمایه‌دار در کارهای کشاورزی و ساختمانی و تجارت | | حدود ۲۰۰۰۰۰ دلار در یک شرکت آمریکایی سهم دارند و حدود ۲۴۴۰۰۰ دلار سرمایه دارند و خانم ابوترابی زارچی حدود ۴۰ تا ۵۰ آپارتمان دارد که ماهانه مبلغ ۱۱۶۱۵ دلار اجاره آنها را می‌گیرد. |
| ۸۶ـ بهرام خرسندی‌باقرزاده | شریک در دو شرکت آمریکایی | | ۳۸۸۲۳۸۸ دلار (به گفتهٔ خودش ۳۳۰۰۰۰ دلار پول نقد دارد). |
| ۸۷ـ علی آذر پژوه | تاجر و سهامدار شرکت قند اقلید | | ۱۷ قطعه زنین (از ۲۰۰۰ متر تا ۳۲۰۰۰ متر) و ۱۷۱۴۲۸ دلار |
| ۸۸ـ ایرج نعیمی اکبر | هتلدار | | ۴۷۵۱۶۶ دلار سرمایه یک هتل در آمریکا ماهانه ۶۰۰۰۰ دلار سرمایه |
| ۸۹ـ احمد آهنچی | کارخانه‌دار | | چند قطعه زمین بزرگ که از بنیاد پهلوی منتقل شده است ۴۲۸۵۷ دلار نقد و ماهانه ۶۶۸ دلار |
| ۹۰ـ ناصر جامعی | بانک رهنی | | ۱۱۰۰۰۰۰۰ دلار |
| ۹۱ـ آندرانیک‌باغدارسریانی | شرکت نفت | | چند ملک و ۱۸۰۰۰۰۰ دلار |
| ۹۲ـ صغری حسین نظری(مسعودی) | بانک ملی | | ماهیانه ۵۵۴۲ دلار و ۳ ملک و ۵۰۱۱۷۵ دلار |
| ۹۳ـ حسین کاویان | شرکت نفت | | ماهیانه ۹۴۹ دلار و ۱۱ ملک دارد |
| ۹۴ـ هادی تربتی مقدم | عضو اتاق بازرگانی صنایع و معادن عضو حزب رستاخیز | | حقوق وچند ملک به ارزش ۴۲۸۵۷۱۴ دلار |
| ۹۵ـ موسی یاشار | شرکت پارس | | ۱۱۲۶۴۵۳ دلار |
| ۹۶ـ سید عزیزاله عرب زاده | شرکت نفت | | ماهانه ۸۵۵ دلار و ۴ ملک که دوتایش به ارزش ۴۵۷۱۴۲ دلار و ۸۱۴۵۸۴ دلار سرمایه نقد. |

www.takbook.com



| | | | |
|---|---|---|---|
| ۹۷ـ آندرانیک باغدارسریانی | شرکت نفت | | چند ملک و ۱۲۶۵۵۰۰۰۰ ریال |
| ۹۸ـ شالم سعید بنونی | دبیر | | سهم و ۴۵۰۰۰ دلار |
| ۹۹ـ امین آقا بهی‌راد | پزشک | ۱۹۳۳ | حقوق ۸۹۵۰۰ دلار |
| ۱۰۰ـ اصغر محمد بیگی | دبیر | ۱۳۱۱ | حقوق و ۶ ملک |
| ۱۰۱ـ شکرالله بهنام | شهربانی | ۸۵ ساله | حقوق و ۵ ملک و ۵۳۰۰۰۰۰ ریال |
| ۱۰۲ـ بهروان | شرکت سهامی | | حقوق و ۴ ملک |
| ۱۰۳ـ منصوربن کمن | شرکت صادرات و واردات | ۱۹۲۹ | ۱۰۰۰۰۰ دلار |
| ۱۰۴ـ علی محمد بوداغی | وزارت نیرو | ۱۹۱۸ | ۲۰۵۰۰۰ دلار |
| ۱۰۵ـ محمد بغیری | شرکت نفت | | حقوق و ۳۰۶۴۲۸ دلار |
| ۱۰۶ـ جاوید کهن | وزارت دادگستری | ۱۹۲۲ | ۱۱۵۰۰۰ دلار |
| ۱۰۷ـ عبدالعلی دبیریان | شرکت ملی ذوب آهن | ۱۹۱۰ | حقوق و دو ملک و ۴۴۰۰۰۰۰ ریال |
| ۱۰۸ـ افتخار السادات موحد بروجردی | ماما | | حقوق ودو ملک و ۴۳۷۹۳۷۹ ریال |
| ۱۰۹ـ غلامحسین دیرمینا | وزارت راه | ۱۳۰۹ | حقوق (ازدو جا)و ملک ۹۹۰۰۰۰۰ ریال |
| ۱۱۰ـ بهاالدین درخشانی | وزارت بهداری | ۱۹۳۴ | حقوق و ۳ ملک و ۱۵۰۰۰۰ دلار |
| ۱۱۱ـ مهدی دیباجی | سازمان برنامه و بودجه | | ملک و ۴۰۰۰۰ دلار |
| ۱۱۲ـ ماکوی علی جلالی‌پور | وزارت راه وترابری | | حقوق و ۲۴۹۰۰۰ دلار |
| ۱۱۳ـ ناصر جامعی | بانک رهنی | | حقوق و ۷۷۰۰۰۰۰۰ ریال |
| ۱۱۴ـ حسین ابراهیمی اصفهانی مقدم | | | ملک و ۳۱۱۳۶ دلار |
| ۱۱۵ـ منوچهر افتخاری | شرکت نفت | | ۷۵۰۰۰ دلار |
| ۱۱۶ـ همایون عنایتی کاشانی | شرکت نفت | | ۵۹۰۰۰ دلار |
| ۱۱۷ـ فاطمه فرزین‌خو (غفاری) | دبیر | ۱۹۲۷ | حقوق ۶۰۲۴۶۷۷۹ ریال |
| ۱۱۸ـ مهدی فرازداغی | (وزارت فرهنگ وهنر) | | حقوق و ملک ۱۶۰۴۰۰۰۰ دلار |
| ۱۱۹ـ کاظم گنجی | (شرکت نفت) | ۱۳۲۴ | ۸۸۰۰۰ دلار |
| ۱۲۰ـ محمد حسین قدک | شرکت نفت | ۱۹۳۳ | حقوق و ۲۰۰۰۰ دلار |
| ۱۲۱ـ امیر قلی قهرمانی | وزارت کار و امور اجتماعی | ۱۹۳۳ | حقوق و ۲۰۰۰۰ دلار |
| ۱۲۲ـ خسرو قاراخانیان | شرکت نفت | ۱۹۲۱ | سالیانه ۶۷۴۵۰ دلار و ۴۸۱۲۵۵ دلار |
| ۱۲۳ـ کاظم قوام | بانک ملی | ۱۹۳۱ | حقوق و ۵ ملک و ۲۴۹۴۸۶ دلار |
| ۱۲۴ـ یوسف بی‌غم غازانی | راه آهن | ۱۹۲۵ | حقوق و ۸۰۰۰۰ دلار |
| ۱۲۵ـ هوسپ هاکوپیان | بانک ایرانیان | | ۴۰۰۰۰ دلار |
| ۱۲۶ـ محمد حاجیان بهمنی | بانک صادرات | | ملک و ۲۵۹۴۶۰ دلار |
| ۱۲۷ـ محمد حاجیان | بانک صادرات | | ملک و ۲۵۹۴۶۰ دلار |
| ۱۲۸ـ صادق حاج میرصادقی | دولت | | ۴۰۰۰۰ دلار سالیانه و ۶ ملک و ۵۰۰۰۰ دلار |
| ۱۲۹ـ جهانگیر حلویاتی | وزارت صنایع و معادن | | حقوق و خانه و ۱۵۰۰۰۰ دلار |
| ۱۳۰ـ خانم سیروارت هامبارسیون سرکیسیان | بانک مرکزی | | دو ملک و ۶۱۱۵ دلار |
| ۱۳۱ـ محمد حسین حمیدی نوین | وزارت امور اقتصادی و دارایی | | خانه و چند آپارتمان برای اجاره |
| ۱۳۲ـ قمر حاج محمدرضا | معلم | | |
| ۱۳۳ـ منصور حقوقی | وزارت دادگستری | | خانه و یک چک ۲۰۰۰۰ دلار |

www.takbook.com



| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۳۴ـ سیدصادق کمالی | دانشجو شرکت نفت | ۱۲۸۱ـ ۱۹۵۵ | حقوق و ۷۵۰۰۰ دلار |
| ۱۳۵ـ علی اکبر کریمیان | شرکت نفت | ۱۹۲۸ | ماهیانه ۲۴۶۱ دلار و ۲ ملک و ۸۳۹۲۸ دلار |
| ۱۳۶ـ رضا کریمیان | شرکت نفت | ۱۹۲۳ | ماهیانه ۳۹۰۷ بهرهٔ، پول نقدش ۵۰۰ دلار |
| ۱۳۷ـ محمد علی کتابی‌شوشتری | وزارت امور اقتصادی و دارایی | ۱۹۲۷ | ماهیانه ۴۱۸۰۰ دلار و ملک ۴۸۰۴۷ دلار |
| ۱۳۸ـ علی خواجه خلیلی | شرکت نفت | ۱۹۲۸ | ۵۴۹۹۵ ریال ماهیانه، ملک شریکی و ۳۰۰۰۰ دلار به خارج |
| ۱۳۹ـ پلی یوس خاچی | شرکت نفت | ۱۹۲۸ | ماهیانه ۹۴۹ دلار و ۱۱ ملک دارد |
| ۱۴۰ـ حسین کاویان | شرکت نفت | ۲۹۲۱ | ماهیانه ۹۴۹ دلار و ۱۱ ملک دارد |
| ۱۴۱ـ اکبر خاتمی | کارمند بانک کلی | ۱۹۲۸ | ۵ ملک و ۷۲۹۴۰۰ دلار |
| ۱۴۲ـ مرتضی خیام | بانک ملی | ۱۹۳۵ | ملک و ۱۶۶۹ دلار |
| ۱۴۳ـ خسرو خازنی | بیمه‌های اجتماعی | ۱۹۴۴ | ۶ ملک (بهای ۶ تای آنها ۸۰۷۰۰ دلار) ماهیانه ۱۰۰۰ دلار |
| ۱۴۴ـ محمد تقی خراسانی | بانک سپه | ۱۹۳۲ | ۳ ملک و ۸۶۹۲۸ دلار |
| ۱۴۵ـ ناصر حکیم معانی | شرکت نفت | ۱۹۲۵ | حقوق، ۲ ملک و ۲۴۱۰۳ دلار |
| ۱۴۶ـ علی اصغرمانوسی | شرکت نفت | ۱۹۳۱ | ملک و ۱۰۰۰۰۰ دلار |
| ۱۴۷ـ زهرا مهیاری | وزارت پست و تلگراف | | خانه و ماهیانه ۲۳۲۵ دلار |
| ۱۴۸ـ دانیال ماخانی | رادیو تلویزیون ملی | ۱۹۴۵ | ملک و ۳۰۰۰۰ دلار |
| ۱۴۹ـ عزیز مسعودی | آزاد | | ۵۰۱۱۷۵ |
| ۱۵۰ـ ابراهیم قراضی بهمنیر | شرکت نفت | | حقوق (۳۶۹ دلار) و ۴۶۲۷۵۵ دلار |
| ۱۵۱ـ محمد طاهر مهران | شرکت نفت | | ماهیانه ۳۴۹۰ دلار و ۱۵۳۰۰۰ دلار |
| ۱۵۲ـ ایرج میرهاشمی | سازمان آب | | ماهیانه ۲۵۱۴ دلار و ۴۲۳۶۲۷ دلار |
| ۱۵۳ـ ایوب میرزایی بوئینک | حسابدار شرکت شکرپارس | | ماهیانه ۳۰۰۰ دلار و ۵۷۱۴۲ دلار |
| ۱۵۴ـ پدر مریم مومن | دبیر | | ۱۰ ملک وماهانه ۱۶۹۸۰ دلار |
| ۱۵۵ـ محمد تقی فکری | بانک ملی | | ۳۷۵۰ دلار ماهانه و ۱۰۰۰۰۰ دلار |
| ۱۵۶ـ علی محمد مکی | بهداری و بهزیستی | | ماهانه ۱۱۲۶۴ تومان و ۱۲۰۵۸۰ دلار |
| ۱۵۷ـ نقی منتخب | بانک عمران | | ماهانه ۱۰۰۰ دلار و ۲۲۲۸۵۷ دلار |
| ۱۵۸ـ ضیاءاله موجدی | پرفسور شیخی پلی تکنیک | | ماهانه ۱۱۰۰ دلار و ۲ ملک و ۴۱۳۹۶۹ دلار |
| ۱۵۹ـ احمد مطهرنیا | | | ماهانه ۱۴۳۲ دلار |
| ۱۶۰ـ سرور مطلق لوایی | معلم دبستان | | ماهانه ۳۶۸ دلار و (۹۵۳۱۱۵۳۱۱ دلار پسرش) |
| ۱۶۱ـ شریک محسن موحدی | بانک صادرات | | کلاً ۱۱۹۵۰۰ دلار نقد |
| ۱۶۲ـ هوشنگ عظیم‌زاده‌صدری | مرکز فرهنگی وهنری تهران | | کلاً ۱۵۱۳۰۰ دلار |
| ۱۶۳ـ حسین مزینی | ــ | | ۱۲۳۱۵۵ دلار |
| ۱۶۴ـ طوسی نسل موسوی | آموزش و پرورش | | حقوق و ملک |

www.takbook.com



| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۶۵ـ منوچهر مستقیمی | | | ماهیانه ۱۰۹۹۲۰ دلار، ۲ ملک |
| ۱۶۶ـ نهضت جاوید | آموزش و پرورش | | ۱۲۵۵۱۷ دلار |
| ۱۶۷ـ پیرم نبی‌زاده | شرکت نفت | | ماهیانه ۱۲۰۰۰ دلار (آپارتمان و خانمشان ۱۳۱۴۲۸ دلار) ۶۳۲۹۱ دلار |
| ۱۶۸ـ احمد نخست | آموزش وپرورش | | ملک و ۴۱۷۹ دلار |
| ۱۶۹ـ کاظم تک | گمرکات | ۱۹۳۷ حقوق و ۳ ملک | حقوق و ۳ ملک |
| ۱۷۰ـ مصطفی طالبی | معاون شهردار خرمشهر | ۱۳۲۷ | ۳۰۷۴۳۰ دلار |
| ۱۷۱ـ انیس کلیم تناغو | وزارت کشاورزی (عضو مجلس | ۱۹۲۹ | حقوق و ۲ ملک و ۲۱۴۲۸ دلار |
| ۱۷۲ـ سید محمود توسلی | شورا عضو حزب ایران نوین) | | بنام همسرش |
| ۱۷۳ـ اسماعیل تیموریان | قاضی و عضو کانون وکلا | ۱۳۰۱ | ماهیانه ۱۵۲۳۵۲۳ دلار و دو ملک و ۳۰۳۳۸ دلار |
| ۱۷۴ـ آرام وتامارطوماسیان | سازمان دامپروری نرس | ۱۹۲۰ | ملک و مجموعاً ۹۳۷۱۴ دلار |
| ۱۷۵ـ آرمن طوماسیان | بانک اعتبارات | ۱۹۳۹ | ۴۲۸۴۳۴ دلار |
| ۱۷۶ـ هادی تربتی مقدم | عضو اتاق بازرگانی صنایع و معادن و عضو حزب رستاخیز | | حقوق و چند ملک به ارزش ۴۲۸۵۷۱۴ دلار |
| ۱۷۷ـ محمد علی توحیدی | وزارت کشاورزی و منابع طبیعی | | |
| ۱۷۸ـ هوشنگ وفی | آموزش و پرورش | ۱۳۱۲ | حقوق و ۹۰۲۰ دلار |
| ۱۷۹ـ محترم خانم وحدت | دانشگاه تهران | ۱۹۲۱ | ۱۹۶۸۵ دلار |
| ۱۸۰ـ یوخان گوارگیس وزیرا | بازنشسته | ۱۹۰۹ | |
| ۱۸۱ـ حسن یحیایی | بانک ملی | | حقوق و ۳ ملک و ۲۲۰۰۰ دلار |
| ۱۸۲ـ جهانگیر ملیزاده | وزارت اقتصاد و دارایی | | ماهیانه ۱۰۱۹۷۰ دلار و ۱۰۰۰۰۰ دلار |
| ۱۸۳ـ باریک اهایراپتیان | آموزش و پرورش | | حقوق و ۱۰۷۸۵۷ دلار و به گفتهٔ خودش ۳ میلیون ریال دارد |
| ۱۸۴ـ موسی یاشار | شرکت پارس | | ۱۲۱۶۴۵۳ دلار |
| ۱۸۵ـ سلیمان یونان‌پور | شرکت نفت | | حقوق ماهیانه ۶۶۸ دلار و ۱۳۹۱۵۶ دلار |
| ۱۸۶ـ فرزانه ذبیحی مقدم | شرکت نفت | | حقوق و ملکی به مساحت ۲۹۱ کلاً ماهانه ۱۸۶ دلار |
| ۱۸۷ـ علی ذاکری | فرودگاه مهرآباد | | حقوق ۸۰۰ دلار و دو ملک و ۸۱۴۲ دلار |
| ۱۸۸ـ محمد کاظم زرافشار | پست و تلگراف | | حقوق و اجاره ۱۲۲۵۷ دلار و دو ملک و ۴۸۶۸۴ دلار |
| ۱۸۹ـ منوچهر زرکوب | شرکت کوماکیدام، وزارت دارایی | | حقوق ۴۴۳ دلار و ۳ ملک و ۱۷۵۷۱۴ دلار سپرده ثابت |
| ۱۹۰ـ کریم ضرغامی | وکیل دادگستری | | ماهانه ۱۰۰۰ دلار و ۶ ملک |

www.takbook.com



| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۹۱ـ سرکیس زومالان | سازمان انرژی اتمی ایران | | ماهیانه حقوق ۱۳۱ دلار |
| ۱۹۲ـ حسین آبنوسی | آموزش و پرورش | | به گفته خودش ۹۱۳۳۰۴ دلار و ۲۵۲۷۶ دلار |
| ۱۹۳ـ محمد باقر افضل | شرکت نفت | | حقوق سالیانه ۲۵۳۰۵۳۰۵ دلار و ۱۱۷۰۳۸ دلار |
| ۱۹۴ـ خانم رفیقه آقامحمد | بیمارستان تاج پهلوی | | ماهانه ۲۸۵۷ دلار، یک خانه، ۵۹۴۸۸ دلار |
| ۱۹۵ـ اسغیک الیاسیان | هتل کنتینانتال | | مغازه در آمریکا و ۳۱۰۰۰ دلار |
| ۱۹۶ـ هوشنگ امینی | شرکت نفت | | ۱۲۰۴۸۰ |
| ۱۹۷ـ منیرامیرکاشانی | رادیو تلویزیون | | حقوق ۷۱۴ دلار و آپارتمان و ۱۰۵۷۱۴ دلار |
| ۱۹۸ـ منوچهرامین صادقیه | دانشگاه تبریز | | ماهانه ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار |
| ۱۹۹ـ دکتر رضا امینی | دکتر بهداری و بهزیستی | | ماهانه مجموعاً ۲۴۷۲ دلار و ملک و ۶۰۰۰۰۰ دلار |
| ۲۰۰ـ پروین آموزگار شهیدی | وزارت صنایع و معادن | | ماهانه ۱۰۱۵۴ دلار و ۲۰۰۲۸۵ دلار و یک باب خانه |
| ۲۰۱ـ سیدعزیزاله عربزاده | شرکت نفت | | ماهانه ۸۵۵ دلارو ۴ ملک یکی ۲۵۰۰۰۰۰۰ ریال و دیگری ۷۰۰۰۰۰۰ ریال و ۸۱۴۵۸۴ دلار سرمیله نقد. |
| ۲۰۲ـ عزیز ارجمندی سیسیان | بهداری و بهزیستی | | ماهانه ۷۹۶ دلار و یک زمین و زمین کشاورزی ۲۴۰۰۰ دلار و یک خانه ۱۸۶۰۰۰ دلار وی ک آپارتمان و ۵۰۰۰ دلار پول نقد ۲۱۵۰۰۰ دلار |
| ۲۰۳ـ هلن آناتوش شیرآباد | شرکت نفت | | حقوق و ۴۰۰۰۰۰ دلار |
| ۲۰۴ـ خدیجه آذرجوی اصلی نام همسر، حسین مدنی | بانک مرکزی<br>وزارت دادگستری | | کلاً ماهانه ۳۵۴ دلار و ۳ ملک دلار و ۴۱۴۲۸ |
| ۲۰۵ـ سلیمان شومر | امور کشاورزی ارتش | | ۱۰۰ هکتار زمین و ۴۰۰۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری |
| ۲۰۶ـ علی سهرابی انارکی | رییس حسابداری شرکت سیماره کارمند دولت | | ۲۳۰۶۲ دلار |
| ۲۰۷ـ محمود سوداگران | شرکت کشتیرانی بین‌المللی نفت ایران | | |
| ۲۰۸ـ باقر میرطباطبایی | شرکت پهله | | حقوق ۲۱۰۰۰ و ۳۵۰ دلار سرمایه |
| ۲۰۹ـ سیدهادی طباطبایی‌پور | دادگستری | | ماهانه ۳۶۰۰ دلار |
| ۲۱۰ـ بهروز هومن طبیب‌زاده | بنیاد پهلوی و شرکت طبیب | | ۵۰٪ سهم شرکت طبیب و ۴۵۰۰۰ دلار |
| ۲۱۱ـ مسعود تفضلی | شرکت نفت | | حقوق شرکت نفت ۲۵۰۰۰ دلار سالانه و ۴۲۸۵۹ دلار و ساختمان سه طبقه به نام زنش |
| ۲۱۲ـ هوشنگ طاهرپور | رادیو و تلویزیون | | ۸۴۰۰۰ دلار وام رهنی گرفته ۲۹۰۰۰ |

www.takbook.com



| | | | |
|---|---|---|---|
| | | | دلار نقد |
| ۲۱۳ـ همایک آمنجیان | جواهر فروش | | ۱۵۷۴۲۰ دلار سالیانه ۲۴۰۰۰ دلار اجارهٔ مغازه می‌دهد. |
| ۲۱۴ـ جلیل احمدیان | کارخانهٔ قالیباقی و قالی‌فروشی | | ۸۹۸۳۹۲ دلار سرمایه و از دوخانه مجموعاً ۴۴۰۰ دلار اجاره می‌گیرد. |
| ۲۱۵ـ ایرج نعیمی‌اکبر | هتل دار | | ۴۷۵۱۶۶ دلار سرمایه، یک هتل آمریکا و ماهانه ۶۰۰۰۰ دلار |
| ۲۱۶ـ احمد آهنچی | کارخانه‌دار بافندگی | | چند قطعه زمین بزرگ که از بنیاد پهلوی منتقل شده است ۴۲۸۵۷ دلار پول نقد و ماهانه ۶۶۸ دلار |
| ۲۱۷ـ یعقوب اهدوت | تاجر | | مبادلاتی باشرکتهای آمریکایی داشته مبلغ نامعلوم |
| ۲۱۸ـ محمدمهدی ابریشم‌چی | صادرات و واردات پلاستیک | | ۱۱۵۰۰۰ دلار و ۲۵۰۰ سهم از شرکت ابریشم |
| ۲۱۹ـ لئون اکوبیانتر | شرکت حمل و نقل‌و شرکت سی لاین ترانس | | ۳۲۴۶۷۱ سرمایه |
| ۲۲۰ـ محمود افشار حسینی | رستوران و کتاب فروشی | | ۴۰۰۰۰ دلار |
| ۲۲۱ـ خلیل بنیاد | معمار و کارخانه‌دار | ۱۹۲۵ | ۷ ملک به نام خود و همسر و فرزندانش، ماهانه ۶۰۰ دلار درآمد، خانم و سه‌دخترش ۲۲۸۵۷۱دلار سپرده‌ثابت‌داشته‌اند وسنگبری بنیاد درشیراز |
| ۲۲۲ـ مدن لال بهین | شرکت تجارتی هریوم | ۱۹۲۸ | ۱۰۰۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری در آمریکا و ۱۰۴۸۵۷ دلار به نام خود و همسرش سپردهٔ ثابت و ۵۰۰۰۰۰ روپیه هند سپرده ثابت. |
| ۲۲۳ـ محمد علی علائی احمدآبادی | سرمایه‌گذاری در کارهای کشاورزی و ساختمانی و تجارتی | | حدود ۲۰۰۰۰ دلار در شرکت آمریکایی سهم است و خود و همسرش ۲۴۴۰۰۰ دلار سرمایه و پس‌انداز دارند. |
| ۲۲۴ـ نام همسرش سکینه‌ابوترابی‌زارچی | | | در شرکتها و حسابهای بانکی بالا با شوهرش شریک است. حدود ۴۰ تا ۵۰ آپارتمان دارد که به اجاره داده است و ماهانه مبلغ ۱۱۶۱۵ دلار اجاره آنها را می‌گیرد. |
| ۲۲۵ـ یوسف بخشاینده | سهامدار شرکت پیکان (کالیفرنیا) | | ۱۶۰۰۰۰ دلار، ۸۰۰۰ سهم از رستوران فونیکس ۳۵۰۰ سهم از شرکت پیکان |
| ۲۲۶ـ صلاح الدین بختیاری | شرکت سهامی خاص صنایع مرغداری ایران و آلمان | | ۴۹۱۲۲۱ دلار (به گفته خودش یک سرمایه‌اش ۳۵۰۰۰۰ دلار است) |
| ۲۲۷ـ محمد علی بهرامی | تعمیر و مکانیکی اتومبیل | | یک مکانیکی اتومبیل در آمریکا، ۱۲۳۴۰۰ دلار |
| ۲۲۸ـ فرهاد بخشنده | سهامدار شرکت پیکان کالیفرنیا | | یک قهوه فروشی در لس آنجلس، ۹۲۰۰۰ دلار و ۴۰۰۰ سهم از شرکت پیکان و ۴۰۰۰ سهم از رستوران فونیکس |

www.takbook.com



| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۲۹ـ بهرام خرسندی باقرزاده | شریک در دو شرکت آمریکایی | | ۳۸۸۲۳۸۸ دلار (خودش می‌گوید ۳۳۰۰۰۰ دلار پول نقد دارد) |
| ۲۳۰ـ علی آذر پژوه | تاجر و سهامدار شرکت قند اقلید | | ۱۷۱۴۲۸ دلار و ۱۷ قطعه زمین (از ۲۰۰۰ تا ۳۲۰۰ متر) |
| ۲۳۱ـ فرهنگ اسدی تبار | تاجر و سرمایه‌دار | | مغازه‌ای خریده‌اند با شرکت نیکروش به قیمت ۱۲۳۶۵۰ و کلاً ۹۲۸۲۰ دلار سرمایه |
| ۲۳۲ـ غلامرضا آزادمنش | داروخانه سعادت (مشهد) | | |
| ۲۳۳ـ مائیس آرتونیانس | کافه تریا و رستوران در آمریکا | | کلاً ۷۰۰۰۱۵۶۰۰ دلار سهامدار شرکت فرانک نایدا |
| ۲۳۴ـ داود عمادی | سهامدار و رییس شرکت | | ۱۴۵۷۱ دلار در یک شرکت آمریکایی شریک است. |
| ۲۳۵ـ محمد علی آبادی | خشکشویی در آمریکا | | ۱۶۹۵۹۴ دلار سرمایه |
| ۲۳۶ـ میرزا حسین قمیشی | صندوقدار در یک شرکت آمریکایی | ۱۹۲۸ | سهم او در شرکت مذکور ۳۱/۵٪ است و کل سرمایه‌اش ۱۱۱۸۵۰۰ دلار است. حدود ۲۵۰۰۰۰ دلار در حال سرمایه‌گذاری است. |
| ۲۳۷ـ آرمین قافاقیان | خرید و توسعه و کار | | ۵۰٪ شرکتی در آمریکا و ۹۰۰۰۰ دلار سرمایه |
| ۲۳۸ـ هوگاس گارپت | معاملات تخت طاووس | | محل کارش مال خودش بوده و ۱۳۱۲۵۲ دلار سرمایه |
| ۲۳۹ـ فرنگیس قادری تفرشی | شرکت قادران | | زمینهای زیادی متعلق به شرکت قادران و حدود ۱۱۳۰۵۷۱ دلار سالیانه ۶۸۵۷ دلار سود سرمایه |
| ۲۴۰ـ مهدی فارسیان | شرکت شیشه سازی | ۱۹۲۷ | ۴۶۱/۶۶۷ دلار سرمایه‌گذاری |
| ۲۴۱ـ عبدالغفور فربد | صاحب آزمایشگاه ابن سینا | ۱۹۳۱ | ملک و ۶۷/۵۰۱ دلار |
| ۲۴۲ـ عبدالرحیم فروتن | تاجر ـ بازرگان | ۱۹۰۱ | ملی در بخش ۲ تهران و در ملک خیابان میرعمادسهم دارد و مجموعاً ۲۷۵۰۰۰ دلار سرمایه |
| ۲۴۳ـ حسن اسماعیل حدادی | گراور سازی | | ماهیانه ۷۴۵۰ دلار و ۱۴۱۶۹۲۸ دلار |
| ۲۴۴ـ خسرو الیاسی | تاجر | ۱۹۴۴ | ۷۵۰۰۰ دلار سرمایه در آمریکا |
| ۲۴۵ـ احمد الهی خوانساری | معاون خانه چاپ | | ۶ ملک به نام خود و فرزندان و ۵ ملک و درآمد ماهانه ۵۰۰۰۰۰ ریال و ۱۲۰۰۰۰۰ دلار سرمایه |
| ۲۴۶ـ پروانه در میناسیان حاجی‌آبادی | کارخانه‌دار | | |
| ۲۴۷ـ وارژان داویدیان | شرکت | | ۱۳۴۰۰۰ دلار سرمایه |
| ۲۴۸ـ محمد تقی داورفرا | طلا فروشی | ۱۹۲۵ | یک خانه و یک مغازه |
| ۲۴۹ـ منوچهر دامغانی | کارهای ساختمانی | ۱۹۳۳ | ۱۳ ملک که چند تایش اهدایی از شمس پهلوی بوده و دوتایش شریکی ۱۷۸۵۷۱ دلار بنام خود و همسر و فرزندش سپرده ثابت |
| ۲۵۰ـ سیروس بل‌کهن | تاجر | ۱۹۴۲ | ۶ ملک (دو تایش اشتراکی) و |

www.takbook.com



| | | | |
|---|---|---|---|
| | | | ۴۲۶۰۳۵ دلار و ۵۰۰۰ دلار ماهانه |
| ۲۵۱ـ ساموئل بنیادی | نمایشگاه مبل ساموئل | ۱۳۱۵ | خانه و کارخانه و نمایشگاه مبل، زمین، دو خانه آپارتمانی اشتراکی، ۲۰۷۰۰۰ دلار در آمریکا |
| ۲۵۲ـ فیض اله زینلی | کنتراتور جاده و ساختمان | | ۳۰۸۵۷۵۰ دلار |
| ۲۵۳ـ هوشنگ زیبایی | شرکت ساختمانی و مهندسین مشاور | | (۵۰۷۶۹دلار) ۳۵۵۳۸۶۰ریال |
| ۲۵۴ـ خسرو ذره‌بین ایرانی | رییس تولیدات خوشخواب | | ۲ ملک و ۲۹۳۵۴۰ دلار |
| ۲۵۵ـ روح اله یوسفیان | بوتیک‌دار | | مغازه دو طبقه و یک آپارتمان در بخش ۱۱ تهران |
| ۲۵۶ـ ثریا اسماعیل یازاریانی‌تبریز | تاجر | | ۱۰۰۰۰۰۰ دلار |
| ۲۵۷ـ آلفرد دیگومیانس | در شرکتهای مختلف کارکرده | | ۸۵۲۶۰ دلار |
| ۲۵۸ـ فرج‌اله احدیان | صاحب داروخانه در خیابان محمدرضاشاه (مخلوع) | | ۸۳۰۱۰۰ دلار |
| ۲۵۹ـ موسی کلیمی‌یادگار | فروشنده ضبط و رادیوگرام | | ۴ قطعه زمین که یکی از آنها شامل یک ساختمان و سه باب مغازه است. |
| ۲۶۰ـ نجیبه وکیلی | بوتیک | | ۱۱۲۱۰۰ دلار |
| ۲۶۱ـ ویکتور مارتیروس مارتین | فوق لیسانس مهندسی از آمریکا | | بین ۱۴۶۶۰۰ و ۵۴۶۶۰۰ دلار یک آپارتمان و ۱۷۸۵۷ دلار |
| ۲۶۲ـ مجید وجدانی | مدیر فنی شرکت آتمسفر | | سهم شرکت |
| ۲۶۳ـ سیاوش وخشرپور | صاحب یک شرکت تولید وسایل چوبی در آمریکا | | ۹۲۰۰۰ دلار سرمایه در شرکت |
| ۲۶۴ـ امیر هوشنگ ترابی تهرانچی | صاحب یک شرکت ساختمانی | | چند ملک به ارزش یک میلیون دلار و ۱۵۴۸۷۷ دلار |
| ۲۶۵ـ علی بلاتی ترکمن | صاحب شرکت تعمیر اتومبیل در آمریکا | | ۴۰۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری |
| ۲۶۶ـ ناصر حمزوی تهرانی | کارخانه‌دار (تولید کننده) | | (به گفتهٔ خود پولش نقدش ۱۰۰۰۰۰ دلار) ۱۰۰۰۰۰ دلار سرمایه در شرکت |
| ۲۶۷ـ احمد طالع | مهندس آزاد بوده | | دو قطه ملک در قیطریه و زمینهای زیادی در کرج و ۲۰۵۵۰۰ دلار |
| ۲۶۸ـ بهبود ظهوری | مشاور مسافرتی | | با همسرش در آمریکا یک آژانس مسافرتی دارند و ۹۱۲۶۳ دلار |
| ۲۶۹ـ احمد طاهرآبادی | بازرگان و عمده‌فروش | | خانه و دوزمین و ۵۱۴۲۸۵ دلار |
| ۲۷۰ـ جاوید طاهری شبستری | کارخانه‌دار | | یک پیکاه دولوکس و ۳۲۸۳۶ دلار |
| ۲۷۱ـ سرودی شیطانه (مقدم) | دکتر | | ۷۳۰۰۰۰ دلار |
| ۲۷۲ـ محمد حسین صلح جو | پارچه فروش | | ۲۱۷۷۰۰ دلار |
| ۲۷۳ـ نسیم نعیبی‌زار | جواهر فروش | | ۴ تا جواهرفروشی در تهران و یک مغازه در آمریکا، یک خانه به دانگ از ۶ دانگ دو مغازه دو طبقه |
| ۲۷۴ـ منوچهر نسترین(داودکلیمی) | فروشنده کتاب | | کتاب فروشی نسترین، ۵۰۰۰ حواله ارزی، ۱۹۰۳۴۶ دلار |
| ۲۷۵ـ حسینعلی نواب | سرمایه‌دار و تاجر | | ۲۵۰۰۰۰ دلار |
| ۲۷۶ـ جمشید احتشام رضوی نقاش‌زاده | بساز و بفروش | | یک خشکشویی در لس آنجلس و |

www.takbook.com



| | | | |
|---|---|---|---|
| | | | ۵۵۰۰۰ دلار |
| ۲۷۷ـ الکساندر فرد نعلبندیان | مکانیک اتومبیل | | یک مکانیکی در آمریکا |
| ۲۷۸ـ هراند ابراهیمیان | مکانیک اتومبیل | | یک تعمیرگاه اتومبیل در آمریکا |
| ۲۷۹ـ شاهپور موثقی | کشاورزی ـ فئودال | | سهم در شرکت و ۱۱۴۲۸۵ دلار |
| ۲۸۰ـ محمد مظفریان | در یک جواهر فروشی شریک بوده | | ۱۵۲۹۵۵ دلار |
| ۲۸۱ـ حسین متقیان | تاجر، بازرگان | | یک خانه در آمریکا، ۴۳۰۰۰ دلار و شرکت تجارتی در آمریکا |
| ۲۸۲ـ مجید مرتضایی فرد | جاده ساز(سرمایه‌دار) | | ۴۷۰۰۰۰ دلار |
| ۲۸۳ـ وجیه‌اله محبی | معمار بازنشسته | | کلاً با همسرش حدود ۵۷۹۷۱۴ دلار سرمایه |
| ۲۸۴ـ ملوک میشکانیان | خانه دار | | دو قطعه زمین، یک زمین به ارزش ۷۱۴۲۸۵ دلار و کلاً ۲۴۶۳۷۱۴ دلار |
| ۲۸۵ـ ایرج مدحت | صادر و وارد کننده لوازم برقی و الکترنیکی | | دو قطعه زمین که در تاریخ ۵۷/۳/۶ ۳۵۷/۱۴۲ دلار ارزش داشت. قسمتی از سهام شرکت |
| ۲۸۶ـ هایقاس ردونی ماطاووسیان | تعمیرکار ژنراتورها و لوازم برقی | | در شرکتهای مختلفی در آمریکا سهیم است که سهمش معلوم نیست. |
| ۲۸۷ـ الکساندر جورج متسیان | ناظر، معمار و کنتراتور ساختمان | | ۱۰۰۳۱۶ دلار |
| ۲۸۸ـ مهدی خازنی راد | تاجر | | ۴ ملک و مقدار زیادی کالای وارداتی که گمرکشان ۶۷۸۵۷ دلار شده |
| ۲۸۹ـ ژاک یونسیان خرازی | هتل امپریال و شرکت نیک‌روش | | ۹۰۰۰۰ دلار |
| ۲۹۰ـ سیامک خواجه‌ئیان | شغل آزاد | | ۳۶۵۰۰ دلار برایش فرستاده شده و خودش ۴۰۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری |
| ۲۹۱ـ محمد باقر کراچی | کارخانه‌دار | | حدود ۳۱۲۰۰۰ دلار سرمایه و ماهیانه ۵۵۰۰ دلار درآمد |
| ۲۹۲ـ فرخ کاشانیان | شرکت بیمه | | ۷۰۰۰۰۰ دلار سرمایه |
| ۲۹۳ـ کمال کمونه (سید محمدحسن آل کمونه) | سرمایه‌دار | | ۲ ملک و سالیانه ۱۰۰۰۰۰ دلار سرمایه و ۳۴۷/۰۱۳ دلار |
| ۲۹۴ـ هوشنگ کمالی | شرکت ساختمانی | | رستوران در آمریکا، سهیم در شرکت ساختمانی و ۱۵۰۰۰۰ دلار |
| ۲۹۵ـ حسن ایلخانی | جواهراتی گالو | | ۶۰۰۰۰ دلار |
| ۲۹۶ـ حسن جعفرزاد | سهامدار و مدیر دوکمپانی | | ۳ ملک و ۲۰۹۵۴۸ دلار |
| ۲۹۷ـ محمد علی همایون‌پور | شرکت ساختمانی | | ۵۰۰۰۰ دلار |
| ۲۹۸ـ یقیش هایراپتیان | فروشگاه لوازم یدکی فروشی | | در آمریکا یک کارواش خریده |
| ۲۹۹ـ گریگور ماشازرهارطونیان | کار ساختمانی | | شرکتی در آمریکا دارد که صددرصد مال خودش است و حدود ۵۰۰۰۰ دلار در آن سرمایه‌گذاری کرده است. |
| ۳۰۰ـ حیدر علی کاید چهارمحال | شرکت ساختمانی | | شرکت ساختمانی در آمریکا صددرصد مال خودش است. |
| ۳۰۱ـ جعفر معلم‌زاده حقیقی | خشکشویی در مشهد | | ۵۱/۳۳۵ دلار در آمریکا |
| ۳۰۲ـ فیروز گوهری | تجارت آزاد | | ۹۲۸۵۷ دلار |
| ۳۰۳ـ هرمز قبادی | تجارت آزاد | | بنا به اظهار بانکی بازرگانی |

www.takbook.com



| | | | |
|---|---|---|---|
| | | | ۷۴۶۷۶۴ دلار |
| ۳۰۴ـ احمد اعظمی | دکتر جراح در ارتش | | ۱۰۰/۰۰۰ دلار پول و دو دستگاه ساختمان که از یکی ۱۰۰۰ دلار اجاره می‌گیرد. |
| ۳۰۵ـ عبدالله آرین | افسر بازنشسته | | ۲۰۰/۰۰۰ دلار پول و یک قطعه زمین و ۱۲۰۰ دلار حقوق |
| ۳۰۶ـ پرویز بنان | افسر بازنشسته | | یک آپارتمان (به گفته خودش ۳۳۰/۰۰۰ دلار پول نقد) و ماهیانه ۲۵۸۹ دلار |
| ۳۰۷ـ میرفتاح عدنانی فرقانی | سرهنگ | | ۶ ملک به نام خود و همسر و فرزندانش و ۱۰۶۸ دلار ماهانه |
| ۳۰۸ـ غلامحسین حاجی وزیری | سرهنگ بازنشسته | | ۸۵۷۱۴ دلار و ماهانه ۸۷۶ دلار حقوق |
| ۳۰۹ـ ناصرالسادات جنت‌پور | بازنشسته نیروی هوایی | | ملکی در تهران وحقوق ماهیانه ۷۵۰ دلار |
| ۳۱۰ـ نصرت‌الله جوادی | سرهنگ بازنشسته ژاندارمری | | ۱۱۸۶۳۹ دلار و ماهیانه ۷۹۸ دلار حقوق |
| ۳۱۱ـ عباس کمالی زنوزی | افسر محافظت شرکت نفت | | به گفته خودش ۱۹۰/۰۰۰ دلار پول با خود خارج می‌کند و ماهانه ۱۳۹۶ دلار درآمد (باحقوق) |
| ۳۱۲ـ خانم ضیاءالملوک‌کهیاری | — | | ملکی در شمیران |
| ۳۱۳ـ غلامعلی کهیاری | | | خانه‌ای در آمریکا وملکی در تهران و ۲۳۰۰۰ دلار بنام فرزندانش و ماهیانه حدود ۷۱۵۰ دلار درآمد |
| ۳۱۴ـ محمد حسن خشایار | ژنرال بازنشسته ارتش | | ۵۰۰۰۰ دلار در آمریکا سرمایه‌گذاری کرده و کلاً بین ۶۰۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰ دلار به آمریکا برده است. |
| ۳۱۵ـ منوچهر میرمطهری | سرهنگ بازنشسته ارتش | | کلاً ۵۶۲۹۴۷ دلار و ماهانه ۵۰۰ دلار |
| ۳۱۶ـ غلامرضا متقی | افسر بازنشسته نیروی دریایی | | ۲۲۷۹۹۰ دلار و ۱۵۲۸ دلار ماهیانه |
| ۳۱۷ـ نادر میرزایی | سرهنگ و خلبان | | ۲ ملک و ۳۰۰۰۰۰۰ دلار پول نقد |
| ۳۱۸ـ محمد علی میرغفوری | سرلشگر بازنشسته شهربانی | | ماهانه ۱۵۲۴ دلار |
| ۳۱۹ـ ایرج شعاع آذر | سرخلبان | | مشروب فروشی ۱۲۷۳۷۹ دلار |
| ۳۲۰ـ داریوش طهماسبی قره شیران | سرگرد توپخانه | | ۳ ملک ۲۷۶۲۱ دلار، یک ماشین |
| ۳۲۱ـ ابوالفضل طوماریان | سرهنگ | | یک ملک و ۷۶۸ دلار |
| ۳۲۲ـ محمد توتونچی | سرهنگ | | — |
| ۳۲۳ـ عزیزالله یوسفی | دکتر | | ۴ ملک و ۱۲۶۴ دلار ماهانه و ۷۵۹۸۰ دلار |
| ۳۲۴ـ عنایت‌الله ذره‌پرور | سرگرد | | ۱۱۴۲۸۵ دلار سرمایه، ۲ ملک، سرمایه‌گذاری و حقوق |
| ۳۲۵ـ حسن زکی زاده | سرهنگ | | زمین و خانه به ارزش ۲۴۲۸۵۷ دلار و ۹۱۴ دلار حقوق. |

www.takbook.com



| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۲۶ـ محمدمهدی دری | | | همسرش، ۲۰۲۰۰۰ دلار سرمایه |

www.takbook.com



**مقدمه**

مزدوران و کسانی که سالها هستی این ملت را چپاول کردند، بعد از سقوط رژیم دست‌نشاندهٔ محمد رضا خانی، آمریکا سعی در خروج ارز از ایران داشته‌اند.

جناب سعید شهابی‌پور صاحب دارالترجمه و اخذ پذیرش «شهاب» از این طایفه است و پرونده وی در لانه جاسوسی نشان می‌دهد که سعی داشته با وجودی که تحت تعقیب دادگاه بوده است از طریق مزدوران آمریکایی اموال غارت شده این ملت را از مملکت خارج کند.

اسناد، نشان‌دهندهٔ مشخصات او، آدرس بعضی دوستان او، اعلامیه جلب او به دادگاه و تقاضای او از دادگاه شمیران برای تعویق محاکمه و تماس او با مزدوران آمریکایی برای پیدا کردن شکل خروج ارز می‌باشد. به امید روزی که ریشه چپاولگران و غارتگران در این مملکت سوزانده شده و از بیخ و بن کنده شود. انشاءالله.

**۳۰ اکتبر ۷۹ (۸ آبان ۱۳۵۸)**

**شرحی دربارهٔ آمدن یک ایرانی**

در روز یکشنبه ۲۸ اکتبر ۷۹ من در قسمت کنسولگری مشغول کار بودم.

من پشت پنجرهٔ صدور ویزا بودم و موقعی که یک مرد ایرانی حدود ۳۰ ساله نزدیک پنجره آمد و شروع به صحبت کردن با من کرد. او شغلش را و شماره تلفنش را به من داد که اسمش در آن نوشته شده بود. نامش شهابی بود. من به او گفتم فعلاً مشغول کار هستم اما به او گفتم که ساعت ۳/۵ بعد از خاتمه کار با او تماس خواهم گرفت. من کارم را در ساعت ۳/۱۵ تمام کردم و به آپارتمان خود رفتم که به او زنگ بزنم. سکرترش جواب داد. من سؤال از آقای شهابی کردم او گوشی را برداشت و از من خواست تا با پسر عمو، پسردایی، عمه زاده یا خاله‌زاده‌اش آقای ... صحبت کنم زیرا انگلیسی او به اندازهٔ کافی خوب نبود.

آقای ... پشت خط آمد و ما برای ساعت ۱۲ روز ۲۹ اکتبر وعدهٔ نهار گذاشتیم. او گفت که او مرا در درب موتور پول در خیابان تخت جمشید سوار ماشین خواهد کرد. روز دوشنبه صبح من به او تلفن کردم تا ملاقات را لغو کنم زیرا من کار داشتم و قرار برای دوشنبه شب گذاشتیم.

در ساعت ۱۱/۴۵ بعد از ظهر او مرا سوار کرد، از در موتور پول با ماشین بیوک قرمزش (؟۱۷۴) با سقف پلاستیک سفید.

برادرش، شهابی، رانندگی می‌کرد و من و ریموند صندلی عقب نشستیم، سپس ما به هتل هما رفتیم (قبلاً شرایتون) نام داشت و به زیرزمین، رستوران قهوه رفتیم. در خلال این مدت ما مشغول مباحثهٔ بیخود بودیم. بعد از حدود ۱۰ دقیقه از رستوران قهوه و پس از اینکه ما دستور چیزی برای خوردن و نوشیدن، دادیم، او بحث را به کاری که داشت کشاند. او گفت که می‌خواهد پول از ایران به آمریکا انتقال دهد، بیشتر به لوس‌آنجلس و کالیفرنیا. او از من پرسید که اگر من دوست داشتم که مبلغ زیادی پول به دست آورم. او توضیح داد که تنها کاری که من باید انجام دهم دادن ویزا به پاسپورتی است که به من خواهد داد، البته تمام اینها در شب انجام خواهد شد. من توضیح دادم که من نمی‌توانم این را انجام دهم زیرا در پایان وقت اداری همه چیز قفل خواهد شد. او سپس گفت ممکن است در روزی بتوانم کلید با مهر را گرفته و توسط ماشین کپی بگیرم و شب داخل شود که کار را انجام دهم. او گفت که برای هر ویزا ۱۰۰۰ دلار به ما دو نفر خواهد

www.takbook.com



داد. او گفت اگر من نتوانم این کار را انجام دهم بعضی از معاونین کنسول را در جریان بگذارد، او گفت ( ) یا کسی دیگر ریچارد کوئین. او محل زندگی آقای کوئین را می‌داند. او از من خواست در این باره فکر کنم و به او تلفن کنم؛ اگر مایل باشم به او کمک کنم. همچنین او به من نشان داد که پول دارد که به صورت سه دفترچه چک بود از ایالات متحده و همچنین بیشتر از ۱۵۰۰۰۰ ریال پول نقد در جیبش.

او از محل کارش در خیابان پهلوی گذشت و همچنین گفت که او یک ماشین دیگری برای کارش دارد یک شورلت ۷۳. او گفت اگر من به وسیلهٔ نقلیه احتیاج داشتم، فقط به او زنگ بزنم. من ساعت ۲ بامداد ۳۰ اکتبر به سفارت برگشتم. از آن موقع من از او خبری ندارم و با او تماس نگرفته‌ام؛ من این حادثه را به درجه‌دار مسئول کارمند امنیت منطقه‌ای صبح سه شنبه گزارش کردم. کوین ـ هرمنینگ

**شبکه بین‌المللی جعل پول**

جعل، دزدی و تقلب برکل شئونات جامعه‌های بیمار جهان حاکم است؛ بر سیاست، فرهنگ، اقتصاد و ... در این میان شاه دزد کیست؟ آمریکا، غول قداره بند میان تهی.

به هر کشوری پا گذاشته شود، نقش دلار به عنوان سمبل وابستگی اقتصادی و مکنده شریانهای پولی آن کشور چنان واضح است که جنایات ماشین جنگی آمریکا و قتل‌عام‌های دسته جمعی آن ...

دلار به هر کجا که پا بگذارد فساد است و تباهی. زجرکشیدگان تاریخ در تاریک‌ترین مکانها و سخت‌ترین شرایط زندگی می‌کنند و جاعلان دلارها و ریالها و مارک‌ها بی‌هیچ رنجی و بی‌هیچ زجری به یمن شبکه‌های قدرتمند «جعل»، «رشوه» و «فساد» و «جنایت» و رهبری سازمانهای کثیف و «مافیا» و «موساد» و «انتلیجنت سرویس» و ... در کاخها و قصرهایی زندگی می‌کنند که شمشیر «علی‌وار» می‌باید آن را از بن ویران سازد.

اسنادی که خواهد آمد نشان‌دهندهٔ شبکه بین‌المللی جعل پول است که در ایران بشدت فعالیت داشته و لانه جاسوسی آمریکا علیرغم اطلاعات وسیع در مورد این شبکه و ارتباط با عوامل آن، دولت ایران را در جریان این شبکه قرار نداده است. شبکه‌ای که وجودش و کارش تخریب اقتصاد پولی این ملت زجر دیده بوده است. این سند اعلام جرمی است بر علیه غول جهانخوار آمریکا، غولی که ستونهای نگهدارنده‌اش شقاوت و جنایت و خیانت و دزدی و جعل و فریب و کشتار و توطئه و کودتا ... می‌باشد.

به امید آن روز که فریاد و خروش و رزم مستضعفان و مسلمانان جهان آمریکا را آن چنان درهم پیچد که نه از «تاج» نشان ماند نه از «تاج نشان».

www.takbook.com



**شماره سند ۱۰۳۶۷**

**از: سفارت آمریکا در تهران** **تاریخ ۲۵ سپتامبر ۷۹ (۳ مهر ۱۳۵۸)**

**به: وزیر امور خارجهٔ واشنگتن ـ فوری**

**موضوع: اطلاعاتی دربارهٔ شبکهٔ پولهای تقلبی**

۱ـ متن تماماً محرمانه

۲ـ در ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۹، رسول کاظمیان با دفتر امنیتی تماس گرفته و اظهار می‌دارد که او اطلاعاتی دربارهٔ یک باند بین‌المللی که دلارهای تقلبی چاپ می‌کنند، دارد.

کاظمیان که در دو مورد با او مصاحبه شده اطلاعات زیر را درست به همان روشنی که در لیست دلارهای تقلبی وجود دارد، در اختیار ما قرار داد.

۳ـ بر طبق اظهارات منبع، یک سازمان بین‌المللی وجود دارد که دلار و مارک آلمان تقلبی را به طور قاچاق برای فروش وارد ایران و سایر کشورهای خاورمیانه می‌کند.

کاغذ این اسکناسها در پاریس تهیه و اسکناسها در استانبول چاپ می‌شود. منبع ترتیبی داده یک نمونه از دلارهای تقلبی را برای ادارهٔ امنیت منطقه‌ای به دست آورد.

اسکناسهایی که او تهیه کرده قسمتی از یک محمولهٔ نیم میلیون دلاری است که در طول هفته ۱۰ سپتامبر به طور قاچاق به تهران رسیده است.

محموله دوم که حدود یک میلیون دلار می‌شود احتمالاً در هفتهٔ اول اکتبر به تهران خواهد رسید. بر طبق اظهارات منبع اسکناسهای سری اول، بر روی کاغذ خوبی چاپ نشده و درست بریده نشده. تصور می‌شود که محموله دوم در کاغذ بهتری چاپ شده باشد. منبع اضافه کرد که در وارد کردن اسکناسها عجله دارند زیرا هنگام بازگشت حجاج است.

۴ـ منبع بیان کرد که با باند قاچاقچیان از طریق دو مرد ترک (اهل ترکیه) که به طور غیر قانونی در ایران ساکن هستند، تماس گرفته است. اولی که فقط نام کوچکش را می‌دانیم (شافکی) نام دارد و ۳۳ تا ۳۵ ساله به نظر می‌رسد. نفر دوم نیز فقط با اسم کوچک (هولیس) مشخص شده و ۲۸ تا ۳۰ ساله به نظر می‌رسد.

۵ـ منبع اظهار می‌دارد که اولین تماسش با شافکی تقریباً سه سال پیش در ضمن خرید اتومبیل اتفاق افتاد. منبع که ترکی صحبت می‌کند، از طریق یک دوست معرفی شده و او به شافکی در خرید اتومبیل کمک کرده است. منبع ادامه می‌دهد که او به شافکی برای خرید یک اتومبیل برای او پول داده ولی شافکی بعد از آن دیگر ناپدید شده. تقریباً ۲۵ روز قبل منبع شنیده که شافکی به تهران برگشته و بالاخره می‌تواند با او ملاقات کند. انگیزهٔ منبع برای تماس با او پس گرفتن پولش بود. در این تماس شافکی به منبع، پیشنهاد وارد شدن در توزیع دلارهای تقلبی را می‌کند.

منبع اظهار می‌دارد که او مورد اعتماد شافکی قرار گرفته است. زیرا او شافکی را به عنوان دزد تحویل پلیس نداده است. منبع این گونه فهمیده است که این دو مرد برای شخص دیگری که در ترکیه است کار می‌کنند. همچنین آنها شخصاً پولها را وارد ایران نکرده‌اند، بلکه اشخاص دیگری در قاچاق پولها دست داشته‌اند و معتقد است که بیشتر پولها به وسیله کامیون حمل شده. شافکی و هولیس هر دو سعی خود را کردند تا منبع را به فروش اسکناسها راضی کنند و نیز منبع اظهار داشت که آنها از وجود جوانان خارجی برای خارج کردن پول استفاده می‌کردند. (توضیح: هم اکنون بازار مناسبی برای پولهای تقلبی در ایران

www.takbook.com



وجود دارد زیرا بسیاری از ایرانیان از خارج کردن پولهایشان از کشور مأیوس شده‌اند)

۶ـ منبع ادعا می‌کند که هنوز به داخل شدن در این شبکه موافقت نکرده اما مایل است در صورت موافقت اداره، اگر نفعی از نظر اطلاعاتی داشته باشد، وارد شود.

منبع می‌گوید که بدین ترتیب او اطلاعات دقیقی در مورد هویت تهیه‌کنندگان اسکناسها در فرانسه و ترکیه به دست خواهد آورد.

منبع منتظر کسب تکلیف از شما در مورد وارد شدن در این شبکه است. اداره امنیت منطقه‌ای توصیه کرد که او باید منتظر دستورات بعدی باشد.

۷ـ در ۲۵ سپتامبر منبع با اداره امنیت منطقه‌ای تماس گرفت. به او گفته شد که شافکی و دو مرد ناشناس دیگر در تاریخ ۲۹ سپتامبر تهران را با اتوبوس به مقصد آلمان ترک خواهند کرد.

۸ـ اسکناسهای مشکوک به مرکز ارزیابی ادارهٔ امنیتی فرستاده شده و مورد آزمایش قرار گرفت امیدوارم از نتایج آزمایش راضی باشیم.

۹ـ این اطلاعات برای ارزیابی سرویس مخفی آمریکا تهیه شده. سرویس مخفی آمریکا در پاریس احتمالاً کاوشهای ارزشمندی در مورد سفر اشخاص مربوطه به آلمان (که در بالا ذکر شد) خواهد کرد.

۱۰ـ برای سرویس مخفی آمریکا: از سرویس مخفی آمریکا بخواهید هر نوع عملیات و یا اطلاعاتی را از این اداره لازم دارد، توصیه کند.

۱۱ـ از ادارهٔ امنیت: در مورد اینکه به وسیلهٔ چه کسی این اداره اطلاعات را دنبال خواهد کرد، راهنمایی بخواهید.

**لینگن**

www.takbook.com



**شماره سند ۵۵۲۸۱۴**

**از: سفارت آمریکا در پاریس محرمانه ـ ۱۲ اکتبر ۱۹۷۹ مطابق با ۲۰ مهر ۵۸**
**به: سفارت آمریکا در تهران موضوع: واسطه ناشناس ـ استانبول**

۱ـ تمام متن است.

۲ـفرد مورد نظر رسول کاظمیان در سرویس مخفی آمریکا در پاریس پرونده قبلی ندارد. لکن نمونهٔ جعلی اسکناس ۵۰ دلاری و ۱۰۰ دلاری که در تلکس شما تعریف شده است در پرونده تحت اعداد مشخصه ضبط شده که اول بار در دمشق در جولای ۱۹۷۷ کشف گردیده است.

۳ـ از آن زمان تاکنون اسکناسهایی از این نوع در خاورمیانه خیلی زیاد شده‌اند.

۴ـ در مارس ۱۹۷۸ یک کارگاه که گفته می‌شد گروه مادری (هستهٔ مرکزی) دلارها و فرانک سویس را چاپ می‌کرده است در منطقه آسکودار) استانبول کشف گردیده و مسئول چاپ یعنی آیپک) دستگیر شده است و یازده فرد دیگر را به عنوان همکار در عملیات معرفی کرده است. همچنین یک دستگاه چاپ نگاتیو، صفحه چاپ، ۱۶۰۰ اسکناس جعلی ۱۰۰ دلاری آمریکا و مقدار نامعینی پول قبرسی() به دست آمده است.

۵ـ در موقع بازجویی آیپک به چاپ پولهای جعلی اعتراف کرده و گفته که یک میلیون دلار آمریکایی به سوریه فرستاده شده است که از آنجا در تمام دنیا پخش خواهد شد.

۶ـ مشخص نیست که آیا تمام نگاتیوها و صفحه‌ها گرفته شده‌اند یا نه. احتمال می‌رود که یک عملیات چاپ هنوز به کار خود مشغول باشد، ولی اسکناسهایی که کاظمیان به آنان اشاره کرده شاید باقیمانده‌های محسوب نشده یک میلیون دلاری باشد که آیپک گزارش داده است.

۷ـ سرویس مخفی آمریکا در پاریس می‌خواهد با کاظمیان ملاقات کند، ولی ملاقات بهتر است در ترکیه باشد. محل، وقت و زمان مشخص را می‌توان توسط دفتر شما (تهران) با توافق بین کاظمیان و سرویس مخفی آمریکا در پاریس تعیین کرد.

۸ـ در مورد قاطی شدن کاظمیان در عملیات جعل پول، سرویس مخفی آمریکا در پاریس توصیه می‌کند که او خودش را در اعمال غیر قانونی قاطی نکند. چنانچه او توسط مقامات محلی دستگیر شود سرویس مخفی آمریکا نمی‌تواند کمک بکند.

۹ـ اگر لازم باشد سرویس مخفی آمریکا مخارج رفت و آمد کاظمیان را برای یک ملاقات خارج از ایران تأمین خواهد کرد.

۱۰ـ در ملاقات، کاظمیان باید اطلاعات تحقیقاتی در مورد تمام مسایل و افراد اصلی در اختیار ما بگذارد و همچنین نمونه‌هایی از اسکناسهای جعلی هر چه بیشتر همراه داشته باشد.

۱۱ـ سیاست پاداش سرویس مخفی آمریکا برای اطلاعات کاملاً به نتایج تحقیقات بستگی دارد. این تصمیم بعد از هر دستگیری و یا کشف اسکناسهای جعلی اتخاذ خواهد شد.

۱۲ـ خواهشمندیم با کاظمیان با اطلاعاتی که داده شد ملاقات کنید و سرویس مخفی آمریکا در پاریس را از تصمیمات او برای ملاقات با مأمور ما مطلع سازید.

۱۳ـ از همکاری شما در این زمینه متشکریم. هارتمن

www.takbook.com



**مقدمه: خروج ارز به شکل غیر قانونی از ایران توسط وابسته دفاعی آمریکا**

سران مزدور ارتش محمدرضا خان همه مهره‌های آمریکا بوده‌اند... عده‌ای از آنها به عدم فرستاده شدند، عده‌ای فرار کردند ... و آنها که فرار کرده‌اند تحت حمایت اربابشان آمریکا ...

یکی از این غلامان حلقه به گوش آمریکاییان، وابسته دریایی ایران در آمریکا، سیروس بهارمست می‌باشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بر رژیم محمدرضا خانی آمریکا، سیروس بهارمست در آمریکا می‌ماند و در تلاش پناهندگی سیاسی ... اگر از آمریکا پناهندگی سیاسی نخواهد از که بخواهد، مگر نه آنکه نوکر بزرگشان محمدرضا نیز به آمریکا رو آورد. سیروس بهارمست ضمن ترتیب پناهندگی و درخواست پناهنده شدن دائمی در آمریکا از طریق سازمان اطلاعاتی وزارت دفاع آمریکا و توسط آقای کلنل شیفر، وابستهٔ دفاعی آمریکا در ایران سعی به خروج ارز به شکل غیر قانونی از ایران می‌نماید.

شیفر، این وابسته دفاعی و به تعبیری جاسوس و مزدور آمریکایی در تدارک انتقال اموال باقیماندهٔ جناب سیروس بهارمست از ایران می‌شود. اسناد به خوبی نشان‌دهندهٔ این امر است.

به امید رسوایی هر چه بیشتر آمریکا در صحنهٔ بین‌المللی.

**شماره سند ۲۷۴۶**

**از: ادارهٔ جاسوسی دفاعی واشنگتن (D.C) ـ سرلشگر آتکینسن**

**به: دفتر نظامی آمریکا ـ ایران سرّی ـ ۲۷ مارس ۱۹۷۹ ـ ۷ فروردین ۱۳۵۸**

**موضوع: همردیفان شما در واشنگتن فقط به کارمند کنترل تحویل دهید**

۱ـ همان طوری که ممکن است شما انتظار داشته باشید ما نشانه‌های محکمی داریم که وابستگان نظامی ایران در واشنگتن همه از دستور برگشت به ایران سرپیچی خواهند نمود. در حقیقت، وابستهٔ نظامی وابسته نظامی دریایی اینجا ـ سرهنگ (سروان) سیروس بهارمست در حال دادن ترتیب اعلان پناهندگی و درخواست پناهنده شدن دائمی در اینجاست. او از ما کمک خواسته است که این قضیه را خاتمه بدهد.

۲ـ در میان مشکلات مشخصی که فعلاً او با آن روبروست از دست دادن درآمد و توقیف اموال او در ایران است. او قبلاً شروع کرده که داراییهای خود را در آنجا نقد کند و هر چه نقد باقی مانده نزد خواهر زن او یعنی خانم فاطمه داوری است که وی قبلاً سعی کرده که مقداری نقد از طریق بانک بفرستد ولی هرگز اینجا نرسیده است.

۳ـ تحت اثرات گذشته، ما تصمیم گرفته‌ایم که بهترین منافع آمریکا در این است که به درخواست او پاسخ مثبت داده و به او کمک کنیم که باقیمانده دارایی او که برابر با ۹ـ۷ هزار دلار می‌شود (شرایط تبدیل پول در اینجا مشکل او است) از ایران خارج کنیم. مدیر و مشاور عمومی در مورد برنامه‌های زیر توافق دارند: خانم داوری ترتیب خواهد داد که وجه را به سرهنگ شیفر بدهد که این وجه را از طریق بستهٔ کنترل شده از طریق پست سیاسی به سرهنگ دان ـ سی ـ وینر ارسال نمایید. سرهنگ وینر ترتیب تحویل وجه را به بهارمست خواهد داد.

۴ـ از شما درخواست می‌شود قبل از انجام برنامهٔ فوق تأیید شخصی سفیر را بگیرید و ما را از طریق یک کانال کنترل شده در مورد پیشرفت کارها راهنمایی کنید. توجه: اگر قبل از اینکه تماس اولیه با خانم

www.takbook.com



داوری گرفته شود موضوع منتفی شد، بدون در نظر گرفتن (نتیجهٔ کار) ما را راهنمایی کنید. نظر سفیر و مکاتبات را در کانال کنترل شده حفظ کنید، تا فقط به دست سرلشکر اتکینسون و سرهنگ وینر برسد.

**سند شمارهٔ ۲۷۶۶سرّی ـ ۳۱ مارچ ۷۹ ـ ۱۱ فروردین ۱۳۵۸**

**از: دفتر وابستهٔ دفاعی آمریکا در تهران (این سند نباید در دسترس افراد غیر آمریکایی قرار گیرد)**

**به: ریاست، از سرهنگ شیفر به ادارهٔ جاسوسی دفاعی، فقط سرلشکر اتکینسون و سرهنگ وینر**

**موضوع: طرف مقابل در واشنگتن**

**عطف به: نامهٔ سرّی شمارهٔ ۲۷۶۶ به تاریخ ۲۷ مارچ ۷۹**

۱ـ(سرّی) ما فکر می‌کنیم که کمک کردن به افراد مایل ما در آمریکا بیشترین نفع را برای آمریکا دارد. اگر چه سفیر سولیوان، استفاده از پست سیاسی برای فرستادن پول را مناسب نمی‌داند، ولی پیشنهاد شده ما در جستجوی طریق دیگری برای انجام انتقالات باشیم و ما هم همین کار را کرده‌ایم.

۲ـ(سرّی) اگر تمام وجه در حدود ۷ تا ۹ هزار دلار باشد، ما می‌توانیم این انتقال را به صورت دیگری انجام دهیم. پول را می‌توان به وابسته دفاعی به عنوان وجه خرید یک ماشین پرداخت کنیم.

سپس وجه به دلار تبدیل می‌شود و یک چک از پاریس برای وابسته دفاعی یا بانک او در آمریکا فرستاده می‌شود. بزرگترین مزیت این روش این است که قیمت تبدیل رسمی دلار در تهران ۷۴ ریال است و این خیلی بیشتر به نفع ما است تا در آمریکا که ۱۵۰ ریال به ازای هر دلار است.

www.takbook.com



**شماره ۲ـ/۴۱۷۱ تاریخ: ۹ آوریل ۱۹۷۹ (۲۰ فروردین ۱۳۵۸)**
**از: ادارهٔ جاسوسی دفاعی آمریکا سرّی: غیرقابل رؤیت برای افراد با ملیت‌های خارجی**
**به: سرهنگ توماس شیفر دفتر وابستهٔ نظامی آمریکا در تهران**
**سرهنگ شیفر عزیز (طبقه بندی نشده): لطفاً به نامه ما به شماره ۲۷۴۹ (۲۷ مارس ۷۹) و جواب شما به شماره ۷۹ـ۱۰۰ـ (۲۱ مارس ۷۹) مراجعه کنید.**

به خاطر جواب شما متشکریم و با روش پیشنهادی شما موافقت می‌شود (به نظر می‌آید بهتر باشد). (سرّی: غیرقابل رؤیت برای خارجیها): همراه با این نامه یک پاکت باز می‌بینید که در آن یک چک و یک نامه از سروان بهارمست به خواهر زنش موجود است. از شما درخواست می‌شود که روی پاکت نامه تمبر ایران را الصاق کنید و آن را در خارج از محدودهٔ سفارت پست کنید. لطفاً در پاکت نامه را قبل از پست کردن ببندید. (سرّی: غیرقابل رؤیت برای خارجیها): در این نامه اظهار شده که شما بعد از چند روز که نامه را در تهران پست کردید از یک تلفن همگانی به خانم فاطمه داوری تلفن می‌زنید و از او (خانم داوری) خواسته شده که طبق دستورالعملهای شما با شما ملاقات کند تا انتقال این وجه نقد انجام گیرد. شمارهٔ تلفن خانم داوری ۶۸۷۳۸۸ می‌باشد. سرّی: اعمال بالا به این خاطر انجام می‌گیرد که ما فکر کردیم ممکن است تلفنهای سفارت و پست محلی (در داخل سفارت) تحت کنترل و مراقبت باشد. طریقهٔ فرستادن پول نقد به سروان بهارمست طبق نظر شما خواهد بود. اگر کمکی از دست ما برمی‌آید حتماً بگویید. سرّی: ژنرال تیگ ( ) از کمک شما در این مورد متشکر است همان طوری که تمام افراد دیگری که در این مسئله هستند از شما متشکرند. در مورد این کار و تمام کارهای سختی که الآن با آن روبرو هستید برایتان آرزوی موفقیّت می‌کنم. امیدوارم که اوضاع آنجا رو به بهبود برود.

ارادتمند دان سی. وینر
سرهنگ نیروی هوایی ایالات متحده
رئیس روابط خارجی

www.takbook.com



**شماره سند ۶۴۲۶**

**از: بخش ایالت واشنگتن** **تاریخ: ۵۸/۲/۶**

**به: سفارت آمریکا در تهران (دارای تقدم)**

**موضوع: گوشزد موضوعات (پیام)**

همان طوری که شما درخواست کردید و چون فرصتهای مناسب در هفته‌های آینده بیشتر خواهند شد. این جا یک مقدار عنوانهایی وجود دارد که می‌تواند ما را در ادامهٔ گرفتن اطلاعات و یا افزودن آن یاری کند.

۱ـ روابط سیاسی درون رهبری انقلابی.

(A)ـ چه کسانی شخصیتهای مقتدری هستند، با داشتن یا بدون داشتن شغلهای رسمی (دولتی) چه کسانی را برای آینده تحت نظر داشته باشیم؟ به زندگینامه احتیاج داریم.

(B) ـ امیر انتظام و صباغیان چه پیوستگی سیاسی یا قدرت سیاسی دارند؟ ما اطلاعات نسبتاً کمی در مورد این دو داریم.

(C) ـ یزدی در چه سلسله مراتبی قرار گرفته است. بعد از تغییر مکانش به (وزارت امور خارجه) آیا او قدرت به دست آورده است یا اینکه از قدرت او کم شده است؟

عکس‌العمل کارکنان وزارت امور خارجه در برابر او چه بوده است و آیا هیچ اثر قابل پیش‌بینی در سیاست به وجود آمده است؟

۲ـ برداشت مردم از بازرگان چیست؟ گروههای مخالف چگونه او را تلقی می‌کنند؟ آیا او رقیبی دارد؟

۳ـ ما اطلاعات جامعی دربارهٔ طالقانی و اطرافیان او در زمینه‌های مذهبی، غیر مذهبی نداریم.

۴ـ ما باید به طریقه سیستماتیک درصدد شناخت روندهای جامعه باشیم و این پایه مشخص شدن زمینه‌های خاص سیاسی و اقتصادی را در برداشته باشد، تا آنها را تحت نظر بداریم و به طور متناوب گزارش کنیم.

از این زمره در مخابرات ما بسیار ذکر شده است:

«مردم آمریکا چگونه می‌بینند.»

۵ـ چه عملها یا رخوتهایی (از طرف دولت) از اواسط فوریه به ما کمک کرده یا به ما صدمه زده است؟ چگونه ما می‌توانستیم بهتر عمل کنیم؟

۶ـ گزارشات گفتگوهای نظامی خیلی مفید است. (گاهگاهی) خلاصه کردن آنها همراه با مشخص کردن روندها در بخشی مفید خواهد بود. اطلاعاتی از پلیس و ژاندارمری نیز باارزش می‌باشد.

۷ـ ما بی‌نهایت از گزارشات اقتصادی ارزشمند قدردانی می‌کنیم. ما می‌توانستیم از موارد رسمی بیمه، قیمتهای بازار، فروش، کسریها (کمبودها) استخدام و فشارها استفاده کنیم. بیکاران چگونه زندگیشان را تأمین می‌کنند؟

۸ـ نقشه‌ها و فعالیتها و قدرت دمکراتهای لیبرال (متین دفتری)، جبههٔ ملی سنجابی (چریکهای چپی «فداییها») گروههای مختلف مجاهدین، عناصر و افراد شاه چگونه بوده است؟

۹ـ گذران روستاها و ایالات به چه نحو است؟ به خصوص از نظر فراهم بودن غذا و محصول.

۱۰ـ وضعیت کوششها برای بستن یا فروختن و یا با کشتی پس فرستادن وسایل و اسباب و ادوات نظامی

www.takbook.com



چگونه است؟

۱۱ـ از دریافتهای سفارتخانه‌های مهم دیگر چه می‌توانید بگویید؟ (بگیرید)؟ شوروی مشغول چه کاری است؟

۱۲ـ وضعیت دانشگاهها، تلویزیون و دیگر وسایل ارتباط جمعی چگونه است؟

۱۳ـ وضعیت نقشه‌ها و تصمیمهایی که برای قانون اساسی و انتخابات گرفته می‌شود چگونه است؟

۱۴ـ خمینی، دولت موقت، چه کاری برای عفو عمومی ارتشیها، پلیسها و دیگران انجام داده‌اند؟

۱۵ ـ در میان جشن، چهارم جولای را فراموش نکنید.

www.takbook.com



**سفارت ایالات متحدهٔ آمریکا**

**موضوع: نامه اداری محرمانه غیر رسمی**

**رال. پل برمر سرم، اسکوایتر**
**معاون دبیر اجرایی وزارت کشور**
**واشنگتن دی. سی.**
**جری** (GERRY) **عزیز**

من این اواخر خیلی مشغول بوده‌ام و بدین جهت کمی تأخیر در مکاتبات به عمل آمده است. تصور می‌کنم که تو هم گرفتاری زیادی در رابطه با پیدا کردن کار جدید و انتقال داشته‌ای. از نامه شارن (SHARON) چنین استنباط می‌کنیم که دارد کارهایش را در میشیگان (MICHIGAN) ردیف می‌کند، اگر او نتواند به زودی به اینجا می‌آید. سال آینده پس از تعطیل مدارس به واشنگتن خواهد رفت. این مطلب را به او نگو، من از تو شنیدم.[1]

جریانات در تهران کاملاً مهیج می‌باشند. طبعاً ۸۵ درصد از وقت من صرف همکاری و کمک به تجار آمریکایی می‌شود تا آنها بتوانند اختلاف بین شکل انقلاب الفاظی و اصل عادی شدن روابط تجاری را تشخیص دهند. طرفداران خمینی جداً خواستار برگشت مردم به سر کار و شروع کارها می‌باشند. بدین منظور حاضرند که اقدامات لازم را بنمایند (و در اصطلاح انقلابی سازشهای لازم را بنمایند) در صورتی که آمریکاییها حاضر به اصلاح قراردادهای خود براساس تغییرات حاصله از انقلاب باشند. من در این زمینه موفقیتهایی حاصل کرده‌ام و مشکل عمده‌ام اغلب اوقات این بوده که بعضی از بازیگران آمریکایی که به منظور مذاکره با ایران می‌آیند متقاعد کنم به طوری که در اینجا سرشان به سنگ نخورد.

این امر موجب می‌شود که من به فعالیتهای سیاسی خود در ایران ادامه بدهم. آشکارا بگویم، من با موضع آمریکا در ایران مبنی بر وجود یک حکومت دوگانه بازرگان و خمینی موافق نیستم. من تصور می‌کنم که مفهوم حکومت دوگانه (یا دو حکومتی) بدین جهت مشهور شده است که حاکی از آن است که ما حداقل می‌توانیم در بخشی از سیاستهای دستگاه نفوذ نماییم. اگر ادعا کنیم که خمینی تنها منبع قدرت است آن وقت باید توضیح دهم که ما چگونه می‌توانیم منافع خود در ایران را صرفاً از طریق ارتباط غیر مستقیم و به وسیلهٔ یک شخص ثالثی که طبعاً با ما، در بسیاری مسایل هم‌فکری ندارد حفظ نماییم (و تازه این امر خود چندان مورد قبول مردم که اصل قضیه هستند نیست).

به نظر من حتی اگر یک حکومت دو گانه در ایران وجود داشته است، با آمدن خمینی به عنوان منبع قدرت به سرعت عمر آن خاتمه داده شد. اقدامات شدید اخیر خمینی، برای ایجاد نظم و انضباط در رابطه با کردها، حملات او به چپگراها، بی‌توجهی عینی او به روشنفکران منتقد و ظاهراً ایجاد محدودیتهای موقتی برای مطبوعات در هفته‌های اخیر را من یک عکس‌العمل فوری و بی‌اساس که ناشی از خارج شدن حوادث از کنترل خمینی باشد نمی‌دانم. بلکه آن را یک نوع استفاده اصولی از قدرت توسط مردی است که علناً گفته است که او اشتباه کرنسکی (KERENSKY) را تکرار نخواهد کرد و بر خلاف او سلاح انقلاب را بر علیه طرفداران راحت‌طلبی که از نهضت برای مقاصد خودشان می‌خواهد استفاده کنند به کار خواهد برد، می‌دانم.

---

۱ـ نفوذ سیستم‌های سرّی در خانواده‌اشان و دوستانشان هم!

www.takbook.com



فکر می‌کنم در اینجا یک مسئلهٔ زمانی هم وجود دارد. خمینی می‌داند که مجلس خبرگان او که تحت نفوذ ملاها می‌باشد، مشغول تکمیل کردن یک قانون اساسی دلخواه برای جمهوری اسلامی مورد نظر او می‌باشد. در ظرف چند هفته آینده در عمل، انقلاب به عنوان یک موفقیت قطعی اعلام خواهد شد و حکومت دائمی جدیدی به کار خواهد افتاد. به نظر من بهترین هدیه الهی خمینی به انقلاب ایران وجود گروه مخالفی، خلع سلاح شده و دسته دسته شده و جمعیتی که نیاز به فرمان و اطاعت از حکومت دارد می‌باشد.

به علاوه، در این لحظه از زمان، خمینی قادر است در عرض چند ساعت با یک فرمان نیم میلیون از مردم را به خیابانها بکشاند. سپاه انقلاب او مشتاقانه خود را به سوی هر گروهی پرتاب خواهند کرد، چه آن گروه بتواند از خود دفاع کند یا نه. در عرض شش ماه یا یک سال، مرحله رهایی از جادوگری ناگزیر شروع خواهد شد، قدرت او در برابری با انتقادات کمتر خواهد شد و به تصور من در آن زمان ترجیح خواهد داد که دولت جدید او اقدامات اصلاحی را در جهت آزادی و رهایی از قدرتمندی شروع نماید. وقتی که خمینی حاضر به انجام این کار شود، آن وقت انتقادات را پذیرفته و دیگر نخواهد توانست آنها را به دور بریزد.

و اما نتایج این جریانات برای آمریکا چه خواهد بود؟ چنانچه خمینی قادر به تحمل دوران رهایی از جادوگری باشد شما دورنمای آینده برای ثبات داخلی را به زودی بهبود بخشیده و زمینه را برای تمامیت ارضی خدشه‌ناپذیری آماده کرده‌اید. به علاوه برای من روشن است که خمینی علاوه بر ایجاد نظم خواستار آن است که مردم را هر چه زودتر سر کار برگردانده و برای آنان یک زندگی آبرومند و حتی افزایش سطح زندگی آنان را براساس مقیاسهای محلی تأمین نماید. (به من گفته شده که یک حکومت جمهوری اسلامی معتقد و جدی را نباید به عنوان یک حکومت بیهوده یا عقب‌افتاده تلقی کرد).

منافع ما در تداوم دسترسی ما به نفت ایران باید از طریق توانایی دولت در حفظ نظم و آرامش در مناطق نفت‌خیز و نیاز آن به درآمد نفت تضمین گردد.[۱] منافع، در زمینه پرداختهای ایران از بابت درآمد نفت به آمریکا (از طریق خرید بیشتر توسط ایران) باید گسترده‌تر شود. (اگر با پاسخ ندادن به ابراز علاقه‌ها ضربه نزنیم) افزایش منافع، در ایران باید از طریق انتقال دلار حاصله از نفت به فعالیتهایی که ایجاد کار می‌کنند، انجام شود. این احتیاج به طور روزافزونی روشن می‌شود. برای این کار باید یا کالاهای معرفی را افزایش داد و یا طرحهای متمرکزی که احتیاج به کارگر زیاد دارد تأسیس نمود و آنها را در جهت ایجاد صنایع کارگرپذیر هدایت نمود. (فکر می‌کنم این امر خود نهایتاً موجب افزایش تولید نفت نیز خواهد شد).[۲] نهایت امر اینکه خمینی مطمئن به خود با احاطه‌ای کامل بر اوضاع و احوال در داخل کشور و شک و بدگمانیهای فراوانی نسبت به غرب و جریانات غربی برای ما مشکلات جدی زیادی در بسیاری از زمینه‌ها و روابط چندجانبه‌ای (بین‌المللی) به وجود خواهد آورد. ما به خمینی در آینده نزدیک حداقل به همان اندازه احتیاج داریم که او به ما احتیاج دارد. بدین ترتیب ما چیزی که با آن خمینی را تهدید کنیم نداریم. (به عبارت دیگر ما دلیلی برای تهدید خمینی نداشته و این کار را نمی‌توانیم بکنیم) مخصوصاً در سیاست

---

۱ـ و لابد حالا هم که صدور نفت به آمریکا قطع شده است یعنی منافع نفتی آمریکا از بین رفته است شیوهٔ آمریکا نیز تغییر یافته و انفجار و انهدام تأسیسات نفتی را مدنظر قرار داده‌اند.

۲ـ آرزوهای امپریالیستی.

www.takbook.com



مربوط به خاورمیانه، خمینی نیرویی خواهد شد که ما ناچاریم آن را به حساب بیاوریم.

جری! تصادفاً آرزو داشتم که می‌توانستم بگویم که تماسهای خوبی با ملاهای مهم که تمام این مطلب را تأیید بکنند دارم. بدیهی است که چنین تماسی ندارم. من تماسهایی با بعضی از عوامل خمینی در جهان تجارت دارم. با نیم جین از افراد نیمه اصلاح کرده (ته‌ریش‌دار) ولی نسبتاً منطقی، جوان و از مردانی که بعد از انقلاب در جریان کار قرار گرفته‌اند و نیز تنی چند از افراد قدیمی (اصطلاح «مردان جدید» در مورد این گروه هم به کار برده شده و منظور افرادی که بعد از انقلاب مسئولیتی دارند می‌باشند) و منطقی تماس دارم. معذالک بیشتر این مطالب نظریه شخصی و تعبیر آن است. علاوه بر من کارمند دیگری با من کار می‌کند و ما دو نفر در یک دایره‌ای که قرار است چهار نفر کار بکنند، کار می‌کنیم. من احتیاج فراوانی مخصوصاً به یک اقتصاددان دارم. یک شخصی در دفتر ایران به نام مارک جانسون خودش را برای این کار داوطلب کرده است او دو ماه اینجا بوده است آیا فرصتی وجود دارد که یکی از کارمندان ارشد را بخواهید و او را برای این کار بفرستید؟ متأسفم از اینکه سخن به درازا کشید. با بهترین آرزوها.

ارادتمند. آندریو.دی.رسنز

www.takbook.com



**سفارت ایالات متحده**

**تاریخ ۴ ـ سپتامبر ۱۹۷۹ ۵۸/۶/۱۳**

**یادداشت برای قسمت سیاسی آقای لی‌مبرت**

**از قسمت اقتصادی آ ـ دی ـ سنز**

عواقب و اثرات ترکیب سیاسی ایران به طوری که از تلگراف شما برمی‌آید کاملاً صحیح و مربوط به نظر می‌رسند. به نظر من شما پا را فراتر نهاده و اثرات سقوط حکومت دوگانه ایران را روی منافع آمریکا بیان کرده‌اید و یک (VIe) از من خواست تا نظریاتم را در این باره اعلام نموده شاید بتواند در تلگراف بعدی شما تا حدی مفید واقع شوند.

این نظریات عبارتند از:

به نظر می‌رسد که حکومت دوگانه‌ای در ایران وجود داشته، با آمدن خمینی... الی آخر. (بقیه نامه عیناً از نامهٔ قبلی به جری (JERRY) گرفته شده است.)[1]

**شماره سند ۵۹۳۰**

**از: سفارت تهران** **تاریخ: ۷ ژوئن ۷۹ ـ ۵۸/۳/۱۷**

**به: واشنگتن ـ وزارت امور خارجه ـ دارای حق تقدم**

**گزارشگر: تامست**

**طبقه‌بندی: استفاده محدود اداری**

**موضوع: خمینی غیرروحانی‌ها را از انقلاب خود طرد می‌کند.**

ترجمهٔ خلاصه مطالب مهم (در صورت خیلی مهم بودن ترجمه کامل)

۱ـ (محرمانه ـ تمام متن)

۲ـ خلاصه: در گفتگوی ۵ ژوئن ضمن یادآوری شانزدهمین سالگرد قیام سرکوب شده که برای خمینی آغاز انقلاب بود، خمینی هر کسی را که خارج از اسلام ارتجاعی او بود منحرف خواند و به آنها انتخاب تسلیم کلی یا انهدام را نمود. (پایان خلاصه)

۳ـ پس از موفقیت انقلاب در فوریه ۷۹، مقامات مسئول در ایران نگران تخفیف ماهیت خودرویانهٔ سریع آن بودند و همچنین در جستجوی ریشه‌های آن در وقایع تاریخی (و ادعای استمرار از چه جایی). اغلب اعضای دولت ایران و اکثر گروههای غیرمذهبی مبدأ آن را به سال ۱۹۵۳ دورهٔ مصدق ربط می‌دادند. افراطیون چپ فداییان خلق آن را با تأسیس سازمان خویش در اواخر سالهای ۱۹۵۰ مرتبط می‌دانستند.

روز یادبود (۱۵ خرداد) عزای ملی در سخنرانی مخصوصی، آیت‌الله خمینی ادعا کرد که ۵ ژوئن ۱۹۶۳ نه تنها مبدأ انقلاب بود بلکه تأکید می‌کند که دیگر گروهها نیز در انقلابش مشارکت نداشتند.

۵ ژوئن روز قیام، اتحادی از بازاریان، عناصر زمینه‌داران و مسلمانان متعصب به رهبری روحانیون منجمله خمینی بر علیه انقلاب سفید شاه صورت گرفت. این برنامهٔ تسلیم زمین و احیای حقوق زنان را دربر داشت.

---

۱ـ دنباله این سند در هیچیک از نسخ چاپ شده قبلی ترجمه نشده بود لذا برای حفظ امانت کلیشه سند عیناً آورده شد.

www.takbook.com



۴ـ بعد از شورشی که پس از سخنرانی خمینی صورت گرفت و به طور وحشیانه سرکوب شد و خمینی نیز توقیف گردید، اعمال رهبران مذهبی مانع محاکمه و اعدام احتمالی او گردید. شهدای آن شورش نیز از طبقهٔ پایین بازاریان محافظه‌کار و محصلین مذهبی بودند.

۵ـ خمینی اخیراً مواجه با تشدید انتقاد و اعتراض شده است. کم‌توجهی او به مصدق، نخست‌وزیر قبلی، باعث انتقاد گروههای غیرمذهبی سیاسی شده است (منجمله بازرگان) گروه تروریستی فرقان مدعی ایده «اسلام بدون آخوند» شد؛ رئیس کانون وکلا اعلام کرد که قوانین اسلامی برای قرن بیستم کافی نیست؛ جبههٔ دمکراتیک ملی خمینی را دیکتاتور نامید.

۶ـ قسمت انتخاب شده از سخنرانی امام: حادثه ۵ ژوئن را که به وجود آورد؟ که آن را دنبال کرد؟ چه کسی از این پس رهرو آن است؟... طبقات پایین... کشاورزان... کارگران... مسلمانان شاغل بازار. این طبقه از مردم هستند که گفته می‌شود کشور را می‌گردانند، دیگری حقی ندارد... آنان که تصور می‌کنند جز اسلام رژیم قبلی را چیزی ساقط کرد. آنان که با ما مخالفت می‌کنند... بایستی درست ارشاد شوند اگر ممکن است... در غیر این صورت همان مردمی که رژیم را نابود کردند، این کانونها را منهدم خواهند کرد، نه عوامل انحصاراً اسلامی، ملتی که از غربزدگی رنج دیده... شما، قضات ما، کانون حقوق بشر ما، از این قضات (غربی) تبعیت نکنید... این طبقاتی که انقلاب را به ثمر رساندند تحت عنوان حقوق بشرشان.... آنها که نظریات تفرقه‌طلبانه دارند، آنها که اسلام ۱۴۰۰ ساله را کهنه، غیرمقبول تلقی می‌کنند... اینها باید موضعشان را از سایر ملت جدا کنند ـ برادران من، آنچه شما در جستجوی آن هستید در اسلام نهفته است. من به شما نصیحت می‌کنم از روحانیت جدا نشوید، اگر این نیرو از بین برود شما هیچ خواهید شد. خدایا تو شاهد باش که من حمایت از روحانی نمی‌کنم به خاطر اینکه خودم ملبس هستم... این است... آنچه مردم می‌خواهند. (پایان قسمت منتخب سخنرانی امام).[۱]

۷ـ به نظر برخی این تهدید صریح به نابودی علیه مخالفین چیزی جز تعهد بی‌تهدید ضمنی بروز جنگ داخلی از طرف جبههٔ دمکراتیک ملی به خمینی طی نامه‌شان نیست و اینکه مسئله جدی گرفته نمی‌شود، هر چند دیگران وحشت زده‌اند. به نظر آنها تشریح «انتخاب» از سوی خمینی آن چنان خصوصیاتی دارد که گروههای غیرمذهبی اینک هیچ راهی جز انتخاب ائتلاف کلی (و کنار گذاشتن اصول خود) یا باز کردن راه مخالفت ندارند. هنوز عده‌ای زیاد هستند که وضع خمینی را با بیان الهی تلقی می‌کنند و ممکن است این سخن را به عنوان اجازه‌ای برای تشنج علیه هر گروه مخالفی به حساب آورند.[۲]

۸ـ نظریه: در این مورد که خمینی در مورد نابودی منحرفین جدی است نشانه بارز شکاف مشخصی بین او و منتقدین می‌باشد. تنها گروهی که خمینی حمله نکرده، دیگر آیات هستند که از او انتقاد کرده‌اند. ترکیب یا همکاری آنها با گروههای غیرمذهبی این حمله را آرام می‌کند ولی امید منزوی کردن

---

۱ـ آنها که از اسلام ارتجاعی خمینی حرف می‌زنند، آنها که نظرات و دیدگاههای اسلام امام و روحانیت را ارتجاعی می‌دانند با ناس (از مزدوران درجه اول) هم‌عقیده‌اند. همان عقیده‌ای. که شاه نیز در مورد امام و روحانیت ابراز می‌کرده. چرا واقعیات، خودباختگان به ابرقدرتها را به خود نمی‌آورد!؟

۲ـ به طور کلی می‌توان گفت: سند، دلسوزاندن آمریکا برای طیف وسیع (از نظر نام فرقه‌ها و اختلافات) ضدانقلاب را نشان می‌دهد همان گروههایی که خواه ناخواه، از نغمه‌های شوم و از سخنانشان، سنخیت آنها با مواضع و تفکر آمریکایی آشکار است.

www.takbook.com



گروههای غیرمذهبی پیش از اینکه هر نوع تجمع نیروها حاصل بشود، وجود دارد. امکان بروز تشنج پس از این سخنرانی زیاد شده ولی خمینی آشکارا نیروی برنده را بر علیه هر گروه منفرد غیرمذهبی مخالف دارد، که ممکن است به صورت تهورآمیزی برای همکاری بین گروههای مختلف سیاسی و همچنین بین ایشان و متنفذینِ روحانیِ خمینی، بکار رود.

**سند شماره ۴**

**گزارشگر: استمپل** **تاریخ: ۵۸/۱/۲۸**

**طبقه‌بندی: محرمانه** **شماره: ۴۰۲۵/۰۱**

**«انقلاب پس از دو ماه»**

خلاصه: برنامهٔ سیاسی ـ اجرایی انقلاب اسلامی تا به حال در هم ریخته و آشفته بوده است. اسلوبهای حکومتی مشابه مشکلاتی را سبب شده و تولید برخوردهایی می‌کنند. نقش فلسطینیها در انقلاب ممکن است افزایش یابد. واکنش عمومی نسبت به عملکردهای انقلابی در هم ریخته و مغشوش می‌شود و هیچ یکنواختی در شور انقلابی مردم پدیدار نشده است. برنامهٔ اقتصادی مشکلات سیاسی فعلی و آینده را تشدید می‌کند (پایان خلاصه).

۳ـ در اثر یک سری مکالمات و چندین ملاقات با دوستان ما در جنوب و شرق تهران بخش سیاسی مطالب زیر را در جهت آشکار ساختن چهرهٔ انقلاب اسلامی در دو ماه اخیر عرضه کرد.

۴ـ برنامه‌های اجرایی حکومت علیرغم در نظر گرفتن مشکلات انقلابی به سوی تباهی ادامه یافته. خیلیها از اینکه با وجود دخالتهای روزانه کمیته‌ها در کار دولت (اصلاً کارهایی انجام می‌پذیرد؟) متعجبند؛ گرچه این دخالت بیشتر در امور امنیتی آشکار می‌شود. در جایی که کمیته مردم را دستگیر کرده، محاکمه کرده و بدون اطلاع حکومت فعلی ایران می‌کشد؛[1] این دوگانگی ساختمانی در دیگر ارگانها نیز به همین حد آزاردهنده است. مسئولین در ادارات دولتی از تصمیم‌گیریها و تهیه مدارک و اسناد تا زمانی که کمیته صلاحیت فرد را تصویب کند خودداری می‌کنند.

اوضاع که انتظار می‌رفت به نوعی بهبود یابد هیچ تغییر نکرده است. رشوه‌گیریهای مستقیم به طور قابل توجهی کاهش یافته است.[2] بجز کسانی که این موقعیت را داشته‌اند که مدارک دولتی برای فروش زمین و اجاره ساختمان و از این قبیل چیزها فراهم کنند. اینها احساس می‌کنند که مهارت ایرانیها در این است که به سرعت راههای جدیدی در کنار اخلاق اسلامی بیابند. بخشش به مسجد مورد نظر افراد به نظر می‌رسد که متداول‌ترین طریقه‌ای باشد که در حال حاضر جریان دارد. در بخش اقتصادی تصمیم‌گیریها هنوز مغشوش و در هم است. اما از حالت وقفه‌ای و سستی که بعد از انقلاب پیش آمده بود و عملیات بانکی را متوقف کرده بود، بیرون آمده است. تولیدات صنعتی ناجور و ناهموار است. گزارشات از شیراز رسیده نشان می‌دهد که کلیهٔ طرحها به کار افتاده‌اند، اما گزارشات تبریز به عکس است: اعتماد و اطمینان

---

۱ـ از آنجاکه این تحلیل در تاریخ ۵۸/۱/۲۸ یعنی اوایل پیروزی انقلاب نوشته شده است، جریان دستگیری، محاکمه و اعدام مربوط می‌شود به دستگیری مزدوران رژیم سابق از قبیل هویدا و نصیری و... و تضاد بین کمیته‌ها و دولت در این امر نیز در سخنان نخست‌وزیر وقت آمده بوده است.

۲ـ با این حساب کاهش قابل‌توجه رشوه‌گیریها یعنی عدم بهبود در اوضاع از نظر آمریکا.

www.takbook.com



اقتصادی کم است و بیکاری مسئله‌ای است که در کمین سیاستهای اسلامی است و به آرامی آن را دنبال می‌کند.

۵ـ در فضای کاملاً سیاسی، رفراندوم پیروزی قالب بر محتوی بود و به طور گسترده‌ای حتی توسط ساده‌ترین افراد نیز اینچنین شناخته شد. وزارت کشور که به طور معمول انتخابات را اداره می‌کند، تقریباً به کلی در کنار خط بود. مسئولین وزارتخانه گفتند که کمیتهٔ خمینی به تنهایی کلیهٔ کارهای انتخاباتی را انجام دادند. تشکیلات اداری در کشور اتفاقی می‌نماید و از مخفی بودن ورقهٔ رأی خبری نبود و شمارش آرا در کلیهٔ سطوح جامعه به یک چیز مسخره می‌نمود. از طرفی کلیهٔ این مسایل سودمند بوده است و انتظارات بیش از حدی را که از این حکومت می‌رفت مأیوس ساخته است. البته این مطلب هیچ نقشی در بازگرداندن اعتبار حکومت نداشته است. حکومت فعلی ایران احتیاج دارد که حداقل خود را در مسایل جاری خیلی مستحکم‌تر و محکم‌تر و قوی‌تر نشان دهد. خصوصاً در مسایل اجرائی قابل رؤیتی مانند ترافیک و تدارک خدمات.

۶ـ علت بزرگ سیستمی ضعف اعتبار اجرائی، تشدید ساختهای حکومتی متشابه، یعنی دولت بازرگان از یک طرف و کمیته‌های خمینی از طرف دیگر، می‌باشد. به جای از بین رفتن کمیته‌ها، آنها به دخالتهایشان در امور اداری و دولتی ادامه می‌دهند و تأثیر منفی بر تواناییهای دولت فعلی (در جهت سر و سامان بخشیدن به کارهای خود) وارد می‌کنند. استعفای وزیر خارجه، سنجابی، و شایعهٔ استعفای وزیر دادگستری، مبشری و حتی استعفای خود بازرگان نمایشگر این مسئله است و برنامه‌های ناجوری که توسط کمیته‌های مختلف انجام شده است، انتقاد عموم را برانگیخته است. کمیتهٔ مرکزی وزارت کشور هفته گذشته با صدر حاج سید جوادی وزیر کشور درگیر شد و این هنگامی بود که حاج سید جوادی از مشورت در مورد انتصاب افراد ارشد امتناع کرد. در ۱۱ آپریل کمیته فرمان، به کارمندان وزارت کشور دستور اعتصاب داد.

طبق گفتهٔ دو مدیر کل در حدود ۸۰٪ کارمندان به کار بازگشته‌اند اما اوضاع ناپایدار است. در حالی که اوضاع در وزارتخانه‌های دیگر به این بدی نبوده است، ما مطلع شدیم که برخوردهایی بین کمیته‌ها و وزارتخانه‌های دولتی در حداقل سه وزارتخانه دیگر (کار، آموزش و پرورش و دادگستری) و شاید دیگر وزارتخانه‌هایی که اطلاعات ما در مورد آنها کافی نیست، اتفاق افتاده است.

تأثیر این درگیری داخلی بین عناصری که به ظاهر از حرکت اسلامی مشترکی هستند، توانسته امید را در آنهایی که به تدریج شروع به رد کردن چیزهایی که حرکت اسلامی از آن طرفداری می‌کرده، زنده کند. به جای حرکت به سمت مصالحه و میانه‌روی خمینی و کمیته‌های انقلابی... باقی مانده‌اند.[1] خصوصاً در رابطه با عناصر رژیم گذشته و جایگزین کردن ارزشهای اسلامی در جامعه. فداییان و احزاب مارکسیست نیروهای تازه‌ای را به خود جذب کرده‌اند. در حالی که آنها نسبت به تشکیلات مسجدی اسلامیها ضعیف باقی مانده‌اند، سعی و کوشش تشکیلاتی شدیدی را در زمینه‌های سیاسی و نظامی به خرج می‌دهند. نشریاتشان به راحتی در تمام شهر قابل دسترسی است و پوسترهایی که چهرهٔ چه گوارا را نشان می‌دهد، به چشم می‌خورد. مأمور گزارشگر ما با دو ایرانی صحبت کرده. یکی یک دوست قدیمی که در کلاس سیاسی که از طرف فداییان در دو هفته گذشته تشکیل شده بود، شرکت کرده است. در این میهمانی شام نسبتاً

---

۱ـ گروههای اسلامی که در آن زمان (و این زمان هم) مخالفت خود را با دولت حفظ نموده‌اند.

www.takbook.com



بزرگ از ۱۵ متخصص جوان که در جلسه حضور داشتند معلوم شد که فقط دو نفر از حرکت اسلامی بر علیه مارکسیستها طرفداری می‌کنند. این خبر است و قطعی نیست. چیزی که مشکل‌آفرین است این است که مدرنیستها در حرکت اسلامی در مقام تدافع بوده و حالت تدافعی به خود گرفته‌اند و فداییان و دیگر احزاب مارکسیست شروع خوبی در ایجاد یک پایگاه معتبر در بین جوانان و آینده‌سازان کرده‌اند، که این پایگاه را در یک ماه قبل نداشتند. عده‌ای از دانشگاهیان ایرانی متقاعد می‌شوند که فداییان با احتیاط شروع به پیشروی در جهت ایجاد پیوند با گروههای قبیله‌ای بزرگ هستند (در این نقطه نظر یزدی هم سهیم است).

۸ـ مأمور گزارش در یک فرصت غیرمنتظره این شانس را به دست آورد که نقشه‌های ماههای آیندهٔ مجاهدین را که توسط مسئول کمیتهٔ میدان ژاله تشریح می‌شد بشنود. مسئول گزارش در حال ملاقات در خانهٔ دوست قدیمی نزدیک میدان ژاله در شب ۱۳ آوریل بود که چهار مهمان وارد شدند. مأمور سیاسی به عنوان کسی که به صاحبخانه درس می‌دهد معرفی شد و آن گروه چهار نفری از ارتباط با سفارت بی‌خبر ماندند. به سرعت مجمع با صحبتهای سیاسی آغاز شد ـ چنان که اغلب گروهها در این روزها چنین می‌کنند. یک ضرب‌المثل معروف است که می‌گوید هر پنج ایرانی که جمع می‌شوند به سرعت هفت موضع سیاسی اتخاذ می‌کنند و این خصیصهٔ ایرانیها را نشان می‌دهد. مسئول کمیته مجاهدین دربارهٔ نقش اساسی فلسطینیها در انقلاب توضیح داد. وقتی که به وسیلهٔ دیگران مورد سؤال قرار گرفت، توضیح داد که سازمان آزادی‌بخش فلسطین (PLO) هنوز از نظر نظامی به مجاهدین و فدائیها کمکهای اساسی می‌کند و مقداری هم کمک سازماندهی به جنبش خمینی می‌کند.وقتی که پروفسور ایرانی از مسئول کمیته که در مورد اظهارات سخنگوی دولت موقت (PGOI) انتظام، که گفت دولت موقت به سازمان آزادی‌بخش فلسطین کمک نظامی نخواهد کرد و گفت که این حرف برای خاطر غرب گفته شده، چون ایران هر وقت (PLO) احتیاج به کمک داشته باشد به او کمک خواهد کرد سؤال کرد، مسئول کمیته تصویری از ساختمان جنبش اسلامی و تشکیلات آن که با کمک (PLO) ترسیم کرد و آیندهٔ خوبی را با توجه به شروع همکاری کمیته‌ها با دولت موقت پیش‌بینی کرد. تنها مسئله پافشاری مسئول کمیته روی این موضوع بود، که همکاری وقتی حاصل می‌شود که دولت موقت بیاموزد که دستورات کمیته را بهتر پیروی کند. یک نفر که بین حرف پرید، پرسید چه اطمینانی برای مجاهدین وجود دارد که (PLO) به طور مخفی فداییها را به قیمت مجاهدین تقویت نکند. مسئول کمیته بر روی این نکته مطمئن بود. دو نفر دیگر فکر می‌کردند که (PLO) و فداییان وجه مشترک بیشتری نسبت به هم دارند، تا (PLO) و مجاهدین، اما گروه موافق نبودند.تفسیر: طبق منابعی که در جلسات فداییان شرکت کرده‌اند، پرچمها و شعارهای (PLO) در مرکز اصلی فداییها به طور جدی وجود دارد و آموزشهای نظامی فداییها به کمک معلمهای نظامی که در لبنان آموزش دیده‌اند هر روزه انجام می‌شود. آموزش بر روی تمام سلاح‌های اتوماتیک و مسلسلها و بمبها انجام می‌شود.

۹ـ عکس‌العمل افکار عمومی نسبت به انقلاب نابسامان است، ولی به طور کلی آن را قبول دارند. خیلیها در خارج شهرها اصلاً تأثیر نپذیرفتند. طبقات پایین و متوسط پایین شعارهای انقلابی می‌دهند ولی تغییراتی در زندگیشان مشاهده نمی‌کنند. طبقات متوسط از عدالت اسلامی می‌ترسند ولی این مسئله بر کسانی که در قسمت پایینی از ترازو هستند، تأثیری نگذاشته. کمبودها آنقدر طولانی شدند که دیگر به عنوان یک ناراحتی بی‌اهمیت تلقی می‌شوند. زندگی مقداری بهتر از زمستان سال گذشته است، در حالی که مقداری از حساب بهبود وضع اقتصادی طبقات پایین را به پای انقلاب می‌گذارند، مقدار بیشتر آن را

www.takbook.com



پای آمدن بهار می‌گذارند، از لحاظ سیاسی مردم کار خودشان را کرده‌اند و آماده‌اند که به کارهای روزمره بپردازند. دولت موقت و خمینی نتوانسته‌اند زمینهٔ وحدتی تشکیل دهند، حتی تعدادی از ایرانیهای ساده که پایه‌های اساسی حمایت از خمینی می‌باشند پیش خودشان سؤالاتی در مورد جمهوری اسلامی خالص مطرح می‌کنند. از دست دادن جو سیاسی و ناتوانی دولت موقت در اعمال قدرت کامل، نیروهایی را به کار انداخته که ممکن است کسی نتواند آنها را در کوتاه‌مدت کنترل کند. این نیروها امکان دارد که بتوانند طی سه اضافه تا شش ماه آینده پایگاه قوی خمینی را خراب کنند و این در حالی است که تصویر اسلامی بهشتی که در پی آنند خدشه‌دار شده و عکس‌العملهای مغشوش نسبت به انقلاب در رابطه با اعدامهای انقلابی به طرز مثبتی عصبی می‌باشند. آنهایی که سنشان از ۳۰ سال کمتر است متقاعد شده‌اند که کشتن تعداد زیادی از طرفداران شاه عدالت است. والدین آنان و افراد متین‌تر حتی خیلی از آنان که هیچ‌گاه از حکومت سلطنتی حمایت نمی‌کردند، وحشت‌زده بودند. حداقل دو نفر از مسئولین سفارت در بخشهایی که ناشی از اختلاف بین دو نسل بوده شرکت داشته‌اند و جوانان کمیته عملاً در مورد عدالت اعدامهای انقلابی سر والدین فریاد می‌کشیدند طی هفتهٔ گذشته تهران شاهد پدیده‌های جدیدی بود. دسته‌های جوانانی که پدرانشان اعدام شده بودند جمع می‌شدند تا از پاسداران انتقام بگیرند. تعدادی شاهد عینی دیده‌اند که پاسداران کشته می‌شوند. یک ایرانی که صاحب چند مغازه کوچک در جنوب شهر می‌باشد گفت کشتارهای شبانه مخفی از ۱۰ ـ ۱۴ آوریل حدود ۳۰ پاسدار را در حوالی مغازه‌هایش کشته‌اند. تدابیر امنیتی خوب نیستند ولی تدابیر سیاسی بدتر می‌باشند. جهت غیرانقلاب خیلیها در جنوب شهر را به طرف خودش می‌کشاند. مخصوصاً آنهایی که داوطلب پاسداری توسط کمیته‌های محلی شده‌اند و کارشان گشتن خانه‌ها می‌باشد. با وجودی که اوضاع در کوتاه‌مدت قابل کنترل است، اگر اوضاع بدتر شود؛ شور انقلابی می‌تواند به درگیریهای داخلی تبدیل گردد.۱۱ـ تعدادی از شاهدان ایرانی معتقدند که کم‌کم طبقه حاکم سابق از جانب انفعالی درمی‌آید و موضع تهاجمی می‌گیرد و این هر چقدر هم که ضعیف باشد، تدریجاً با نارضایتیهای اقتصادی تلفیق خواهد شد و این دو می‌توانند تهدید و مشکلات واقعی برای دولت انقلاب و نهضت اسلامی به وجود آورند. همچنین عکس‌العمل ضعیف ولی قابل تشخیص ضدفلسطینی به وجود آمده و این به خاطر صحبتهای علنی مربوط به جایگزینی کادر تکنیسین خارجی توسط افراد فلسطینی بوده. انقلاب قولهای زیادی داد و توقعات را بالا برده. ایرانیها در بازی سیاسی اخیر «تو برای من چه کار کرده‌ای» خبره هستند و عناصری در نابسامانیهای سیاسی فعلی وجود دارند که به طور فعال سعی دارند به اختلافات میان نهضت اسلامی و دولت موقت دامن بزنند و سوءاستفاده کنند. تا به حال هیچ‌گونه زمینهٔ وحدت ایدئولوژیک و یا تشکیلاتی نبوده و خیلیهای سعی دارند، با موضعگیری‌های جدید از فرصت استفاده ببرند و فقط ضعف تشکیلاتی خودشان موجب شده که تهدیدی برای دولت نباشند. در این رابطه تمیز دادن طالقانی از گروه خمینی و سرعت فداییان در حمایت از او نگران‌کننده می‌باشد. تظاهراتی که در ۱۵ آوریل آغاز گشته‌اند و گروههایی از دانشجویان و دانش‌آموزان که در تهران راه می‌افتند و سرود می‌خوانند یادآور دورهٔ گذشته نوامبر و ژانویه می‌باشد و تجربهٔ گذشته دوباره به طور جدی مطرح می‌گردد.

www.takbook.com



## سند شمارهٔ ۵

**از: سفارت آمریکا در تهران** **طبقه‌بندی: سرّی**

**به: وزیر امور خارجه ـ واشنگتن حق تقدم** **گزارشگر: ناس**

**موضوع: مصاحبه رادیو صدای آمریکا**

۱ـ تمام متن سرّی است پیام گزارشی می‌باشد.

۲ـ در کلیهٔ تماسهای اخیرم، مقامات دولتی به طور جدی، شکایاتی در مورد شیوهٔ انتقادی که رسانه‌های گروهی غربی و مخصوصاً آمریکایی در برابر دولت انقلابی پیش گرفته‌اند، مطرح کردند. افرادی که فعلاً سوار بر زین هستند، کم از پیشینیان نیستند و خیلی حساس می‌باشند، لذا ممکن است، آنها توطئه‌ای ببینند از جانب دولت آمریکا، صهیونیزم و غیره. همچنین پیامهای روزانه ما در حمایت از بختیار در ژانویه و سکوت رسمی ما (که من شدیداً از آن حمایت می‌کنم) در مورد دولت بازرگان طی چند هفته گذشته، را به یاد ما می‌آورند؛ البته هیچ علاجی برای بدبینی ایرانیها وجود ندارد ولی من معتقدم که ما باید کوششهایی را در نظر بگیریم که آمریکا دید مثبت‌تری نسبت به دولت ارائه دهد.

۳ـ مأمور سیاسی سفارت به من گفت، هنگامی که در اواخر مارس در واشنگتن بود، رادیو صدای آمریکا قرار بود از طریق یک مصاحبه در مورد ایران با شما تماس حاصل کند. این به نظر من برنامهٔ عالی است و من امیدوارم بتوانید کار را به زودی به دست بگیرید. شما در این کار خبره هستید و می‌توانید در مورد موضوعاتی مانند عادی شدن روابط، پیوستگیهای تاریخی، منافع مشترک، دینامیسم تغییرات اجتماعی و غیره صحبت کنید البته بدون نزدیکی بیش از حد به دولت که این یا به ضرر آن و یا به ضرر خودمان خواهد شد.

www.takbook.com



## سند شماره ۶

**آژانس بین‌المللی ارتباطات** **محرمانه ـ ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹ یا ۵۸/۷/۴**
**ایالات متحدهٔ آمریکا** **واشنگتن دی سی ۲۰۵۴۷**
**یادداشتی برای: آقای هارولد، اچ. ساندرز**
**از: آژانس بین‌المللی ارتباطات ار ـ تی ـ کوران**
**موضوع: ارتباطات عمومی دیپلماسی بین ایالات متحده و ایران اکتبر ۱۹۷۹، فوریه ۱۹۸۰**

براساس مباحثات انجام‌شده در دفترتان در تاریخ ۷ سپتامبر آژانس بین‌المللی ارتباطات موافقت می‌نماید، که شناسایی محتاطانه امکانات اضافی به منظور ایجاد ارتباط بین آمریکا و ایران در زمینه دیپلماسی عمومی، در ظرف ۵ ماه آینده کاملاً ضروری است.

به عنوان یک راهنمای عملی، ما سعی خواهیم کرد که روابط بین مؤسسات و نهادها، یک تصویر کلی از ارتباطات را که در تاریخ ۷ سپتامبر مورد تأیید قرار گرفت، تشویق نماییم. این‌گونه تماسها بر روی روابط دو جانبه استوار و تأکید خواهند شد. در این لحظه از زمان، باید متوجه بود که بسط و توسعه این گونه روابط بستگی به ایجاد یک جو حاکی از اعتماد و احترام می‌باشد. در مراحل اولیه، ایجاد روابط دوستانه و تفاهم بین اشخاص به طور انفرادی و شخصی حائز اهمیت فراوان می‌باشد. از طریق چنین تماسهای شخصی به دقت روابط بین نهادها و مؤسسات به وجود آمده، که این روابط به سهم خود می‌توانند روابط متقابل پیشرفته‌تر را استحکام بخشند.

زمینه‌های مساعد به منظور ایجاد و یا تجدید روابط عبارتند از ایران‌شناسی، علوم انسانی، علوم تجربی، آموزش زبان انگلیسی و امور ورزشی.[1]

یکی از برنامه‌هایی که هنوز ادامه دارد اگرچه در سطح و مقیاس کمی می‌باشد، حرکت یک‌طرفه ایرانیان به ایالات متحده می‌باشد که یکی از کارهای کمیسیون فول برایت می‌باشد. ایالت متحده باید حمایتهای مالی خود را از این عملیات ادامه داده و نیز به ایجاد روابط بنیادی و نهادی بین بخش خصوصی و عمومی در زمینهٔ آموزش و پرورش در هر دو کشور اقدام ورزد. همچنین فعالیتهای قانونی برنامه‌ریزی شده در مورد مؤسسه آمریکایی برای مطالعات ایران شناسی باید تقویت گردد.

در داخل این چهارچوب عمومی و در پاسخ به پیشنهادات و توصیه‌های کاردار و کارمند روابط عمومی، ما می‌خواهیم راهها و امکانات ذیل را برای انجام بعضی اقدامات بررسی نموده و در صورتی که مقامات ایرانی نشان دهند که آنان نیز به تقویت و گسترش روابط، متقابلاً علاقه‌مندند، آنها را به مرحلهٔ عمل درآوریم.

۱ـ پیشنهاد کنیم که شخصیتهای کشوری و علمی که به طور دقیقی انتخاب شده‌اند از ایران دیدن نمایند. در صورت امکان این ملاقاتها به طور خصوصی ترتیب داده خواهد شد. افراد انتخاب شده باید معتبر بوده و خصوصیتشان با شرایط فعلی ایران متناسب باشد.

۲ـ از دانشمندان و شخصیتهای علمی اسلامی و در صورت امکان از شخصیتهای مذهبی دعوت نموده تا

---

۱ـ باید توجه کرد که دخالت امپریالیستها در امور ممالک دیگر، گرچه در نهایت به منافع اقتصادی منجر خواهد شد، اما راههای نفوذ ممکن است چنین نباشد، در این سند نیز راههای نفوذ متفاوت ذکر شده‌اند.

www.takbook.com



در مراسم برگزاری جشنهای هجرت در آمریکا حضور یابند.[۱]

در این جریانات باید از نمایندگان مشابه سایر کشورهای اسلامی نیز دعوت به عمل آورد تا بر جنبهٔ چند ملیتی بودن مراسم تأکید شود. امر نظارت باید به طور خصوصی انجام گرفته به طوری که کمیته برگزاری جشن هجرت نقش اساسی را بازی کند.

۳ـ با مؤسسات خصوصی از قبیل «بنیاد جانسون» و یا سمینارهای تشکیل شده از طریق دانشگاهها منجمله «مرکز شرق و غرب» مذاکره شده و از شخصیتها و گروههای علمی ایران دعوت شده، تا در آمریکا گرد آمده و موضوعات غیر بحث‌انگیز را مورد گفتگو قرار دهند. جلسات و گردهماییهای چند ملیتی ارجحیت دارند.

زمینه‌هایی که می‌توانند انتخاب شوند عبارتند از ادبیات، نویسندگی خلاقه، و یا امور مربوط به علوم و توسعه کتابخانه و کتابداری.

۴ـ تماس با چند نفر از مشاورین و مسئولان پذیرش دانشجویان خارجی که به نحو دقیقی انتخاب شده و محل کار آنان در دانشگاههای مشهوری است که در آنها دانشجویان ایرانی و اسلامی مشغول تحصیل هستند. هدف از کار این گروه عبارت است از: الف ـ بررسی نیازها و گرایشهای دانشجویان ایرانی و تغییرات حاصله در آنها در اثر تحولات اخیر. ب ـ طرح برنامه‌هایی برای تشکیل کنفرانس دانشجویان و یا سایر انواع مذاکرات در آمریکا در تاریخ مناسبی در آینده.

۵ـ بررسی و پیدا کردن راههای مختلف به منظور دعوت کردن دانشجویان ایرانی و شخصیتهای علمی به سمینارها و شرکت در پروژه‌هایی که تفاهم و روابط روشنفکرانه را تقویت می‌نماید. این کار را می‌توان از طریق مؤسسات آموزشی آمریکایی که در ارتباط با کشورهای اسلامی جهان سوم بوده و یا در امر مبادلات دانشجویی از آنها حمایت می‌کنند، انجام داد.

نمونه‌هایی از این دانشگاهها دانشگاه نبراسکا (NEBRASKA) دراماها (OMAHA) در پاکستان می‌باشد.

۶ـ افتتاح مؤسسه ICA/IAS (آژانس بین‌المللی ارتباطات و انجمن ایران و آمریکا) آموزش زبان انگلیسی و مؤسسات فرهنگی مشروط بر آنکه ادعاهای اداری جهت پرداخت خسارات و اموال مصادره شده، مورد قبول مقامات ایرانی قرار بگیرد.

۷ـ باید آگاه بود تا از فرصتهای مناسب جهت دعوت ایرانیان و شرکت آنان در برنامه‌های مبادله چند منطقه‌ای، مخصوصاً امور مربوط استفاده نمود.

تذکر: صدای آمریکا یک برنامه ۳۰ دقیقه‌ای نمایش صبحگاهی که شامل اخبار و مطالب مربوط به اخبار می‌باشد، پخش خواهد نمود. به علاوه یک برنامه ۳۰ دقیقه‌ای دیگر در نیمه اول شامگاهی تحت عنوان نمایش شامگاهی خواهد داشت. برنامه شامگاهی گسترش یافته فرصت بیشتری برای پخش مطالب فرهنگی و تشریح عمیق آنها خواهد داشت.

**برنامه نظریات شامل:**

حوادث ایران خارج از جو سیاسی، یک سری از مطالعات ایرانی و اسلامی و مراکز آنها در ایالات متحده،

---

۱ـ البته اشغال جاسوسخانهٔ آمریکا سبب بر هم خوردن تمام این برنامه‌ها شد.

www.takbook.com



و مصاحبه‌هایی با شخصیتهای علمی آمریکایی و ایران‌شناسان و شخصیتهای کشوری که شامل گروه وسیعی از نظریات دربارهٔ خط مشی‌های سیاسی و خارجی خواهد شد.

■ توزیع:
مدیرعامل، الیس ایلکمن، سای جمز ازبتر، هارولد اشیندمن، می‌تر استراس، می‌تر کنستایل، هاری پرفت

**طبقه‌بندی شده توسط تی.سی** (T.C)
سؤال طرح عدم طبقه‌بندی دستور اجرایی ۱۲۰۶۵ به طور اتوماتیک در فاصله هر دو سال یک بار کاهش یافته و در ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۵ از بین می‌رود.

**سند شمارهٔ ۷**

**تاریخ: ۵۷/۱۱/۲۰**

**فوریه ۱۹۷۹ یادداشت برای مدیر** **محرمانه**

**موضوع: گزارش هفتگی ـ ایران ـ مشکل روانی و بعضی راه‌حل‌ها**

این گزارش آخرین اخبار مربوط به ایران، وضع آن و اینکه چه کاری در مورد آن انجام می‌گیرد است. مخصوصاً از دیدگاه ICA[1] ممکن است مدتی طول بکشد تا ایران موفق شود بحران سیاسیش را حل کند و دولت درازمدت با ثبات تشکیل دهد. به هر ترتیبی که بحران فعلی حل شود مشکلات جدی در بینش ایرانیان نسبت به آمریکا وجود دارد و این احتمالاً روابط بین ایران و آمریکا را تا مدتی مختل خواهد کرد. این مشکلات توسط یک جریان اخبار ضد آمریکا به داخل و در داخل ایران تشدید می‌شود. گزارش زیر مشکل را خلاصه کرده و اعمال انجام شده را مشخص می‌کند و پیشنهاداتی می‌دهد.

**مشکل**

خیلی از ایرانیان، در حالی که تنفر از خارجی را بروز می‌دهند، نفوذ آمریکا را قدرتمند و همه‌گیر توصیف می‌کنند و این یک طرز تفکر سنتی است که در حال حاضر به صورت مخلوطی از واقعیت، خیالبافی، دوراندیشی و ترس درآمده و بستگی دارد که کی صحبت می‌کند، از کدام دیدگاه و در چه زمانی چیزی که خیلی روشن است، ترس ایرانیان از دخالت آمریکا می‌باشد.
در رابطه با این ترس و جریان ضد آمریکایی است که البته امکان دارد در درازمدت تنزل پیدا کند ولی روابط بین دو کشور را مختل خواهد کرد.
تفکر ضد آمریکایی در چند مسئله ریشه دارد:

۱ـ حمایت ما از شاه و در ادامه آن زیاده‌روی‌های دولتش.
۲ـ شناخت ما تحت عنوانهایی که دید منفی نسبت به آنها هست مانند مادی‌گرایی و غرب‌زدگی.
۳ـ چهره ما به عنوان تحمیل‌کنندهٔ اسلحه و فروشنده اجناس گران و غیرضروری همراه با تصویری استعماری ـ امپریالیستی که از حضور پیشین هزاران آمریکایی در ایران سرچشمه می‌گیرد.

مسایل ضد آمریکایی توسط شوروی یاری و تشدید می‌شود. او از برنامه‌های رادیویی و طرفداران

www.takbook.com



محلیش برای دامن زدن به شعله‌های ضد آمریکایی استفاده می‌کند.

امور خاور نزدیک NEA در گروه کاری معاون وزیر نیوسام شرکت دارد. از فعالیتهایی که در حال انجام گرفتن است می‌توان نام برد:

برنامه رادیویی روی موج کوتاه به زبان فارسی در برنامه رادیو صدای آمریکا، مجوز دارد و برنامه در اواسط مارچ آغاز خواهد شد.

به درخواست گروه کاری، ونس (آقای وزیر) از وزیر امور خارجه دیوید اون، خواسته تا با بی بی سی میانجیگری کند، تا اجازه دهند یک ساعت از موج متوسط (پخش استاندارد) برای پخش اخبار و نظرات راجع به ایران از یک فرستنده انگلیسی در جزیره مسیرا (سواحل عمان) استفاده کند. موج کوتاه و متوسط (اگر تصویب شود) به ما امکانات مؤثری برای نشر اخبار دقیق در مورد نقشه‌ها و سیاستهای آمریکا را می‌دهد و این، اختلالات شوروی و مخفی دیگر را خنثی می‌کند.

آژانس ارتباطات بین‌المللی (ICA) و وزارت امور خارجه توجه بیشتری به تأمین مالی تماسهایی در سطح روشنفکران بین ایران و آمریکا می‌دهد و این می‌تواند منشأ جریان اخبار و اطلاعات صحیح در هر دو جهت باشد.ما در حال بررسی درسهایی هستیم که از ایران آموخته‌ایم و با سازمانهای رسمی (مانند DOD) خصوصی مشورت کرده تا ببینیم اقدامات درمانی در این مورد لازم هستند یا نه، مخصوصاً با توجه به حضور دخالت‌جویانه و به مقدار زیاد آمریکا در کشورهای دیگر منطقه.

وزارت امور خارجه و آژانس ارتباطات بین‌المللی در نظر دارند، استادان آمریکایی (ایران شناسی) را به ایران بفرستند و آنها می‌توانند روابط مخصوصی با عناصر محافظه‌کار مذهبی برقرار کنند.

آژانس ارتباطات بین‌المللی در زمینه‌هایی که رهبری جدید ایران خودش را با آنها مشخص می‌کند، تأکید خواهد داشت؛ یعنی فلسفهٔ حقوق ـ مذهب مقایسه‌ای جامعه‌شناسی ـ مشکلات تجدد ـ سیاست‌های پیشرفت کار و کشاورزی؛ تأکید بر مشترک بودن ارزشهای اصولی ما خواهد بود.

www.takbook.com



## سند شماره ۸

**محرمانه**

### نامه سولیوان به جان گلدن در مورد مقاله‌ای در جزوه دفاع ملی تحت عنوان نقش ایران در استراتژی سیاسی آمریکا

بسم‌الله الرحمن الرحیم

**مقدمه:**

جاسوس جنایتکاری چون سولیوان خون‌آشام، که سابقهٔ رسوا و ننگینش در سرکوب انقلاب اندونزی با یک میلیون نفر کشتار و رهبری جنایات ۱۰ هزار شهید و صدها هزار مجروح در جریان انقلاب خونین و اسلامی ایران، بر همهٔ عالم آشکار گشته، اعتراف می‌کند که مات و مبهوت مانده‌اند چطور قادر نبوده‌اند چیزهایی را که سبب اتحاد این ملت گشته، بفهمند. جنایات ضد بشری و طغیان مفسدین جهانخوار چنان پردهٔ سیاهی بر دلهای آنان افکنده، که توان فهم واقعیات و مشاهدهٔ حقایق را از آنها سلب کرده: ختم‌الله علی قلوبهم. البته «اعتراف می‌کند که عبرت گرفته و» بعد از این حتی نظرات غیرمنطقی ملت ما را از دست نخواهند داد. یعنی تلاش خواهند کرد. که حتی نظارت ساده و معمولی ما را هم تحلیل کرده تا دقیقتر و حساب‌شده‌تر فکر کنند؛ ولی: و مکروا مکرالله والله خیرالماکرین.

سولیوان اطمینان داده که «اوضاع سال آینده مطمئناً» بهتر خواهد شد. البته منظورش اوضاع مناسب برای آمریکاست، آیا بهتر شده!؟ آنها که پارسال از شعار «یانکی برو گمشو» ملت ما عذاب می‌کشیدند، امسال یا به دست ملت بزرگ ایران اسیرند و یا با هزاران دوز و کلک از دست انتقام ملت ما فراری (!) و حالا کار به جایی کشیده که ام‌الفساد قرن از ما قطع امید کرده و ملت ما قطع رابطهٔ ظالمانه را با آمادگی تمام عیار جشن می‌گیرد.

**۵۷/۱۰/۴**

از تبریکات کریسمس بجای شما و کپی مقاله در مورد ایرانی که شما در ژورنال دفاع ملی چاپ کرده بودید، متشکرم. در این شب کریسمس که تنها چیزی که می‌شنویم شعارهای «یانکی برو گمشو» می‌باشد که توسط جوانهایی که در حال تظاهرات هستند داده می‌شود.

مدتی است که از فیض نظرات شما در مورد اوضاع اینجا برخوردار نبودم ولی فکر می‌کنم هر دو قبول کنیم که وضع، تندتر و عمیق‌تر از آنچه پارسال پیش‌بینی می‌کردیم خراب می‌شود. ناراحتیهایی که داشتم در مورد آینده دورتری بوده.

شما بدون شک خیلی اتهامهای دوجانبه‌ای شنیده‌اید، در مورد اینکه کی ایران را از دست داده؛ خیلی از آنها به مسئله تماس سفارت با افراد مخالف برمی‌خورد، مخصوصاً در بازار و بین مذهبیون. در آن مورد یک بار دیگر می‌خواهیم از شما و به خاطر کمکی که به ما دربارهٔ افراد، برای ارتباط با این دو گروه کردید تشکر کنم. من البته هنوز از عدم فهمیدن کامل تمام مسایل این مردم ناراحت هستم ولی این روزها ما از لحاظ گفته‌های غیرمنطقی آنها اصلاً در مضیقه نیستیم.

امیدوارم ما را دوباره ملاقات کنید و امیدوارم که سال آینده سال بهتری در مورد ایران باشد. با بهترین آرزوها.

**سولیوان**

www.takbook.com



**خلاصهٔ ترجمه:**

در زمستان سال ۷۷ ـ ۷۶ یک کنفرانس در واشنگتن برگزار شد که در این مقالات نمایندهٔ CIA و FBI شرکت داشتند، اینها می‌خواستند در مورد موفقیت استراتژیکی روسیه در سالی که در پیش است اتفاق نظراتی داشته باشند. بنابراین کنفرانس تبدیل می‌شود به چند کمیسیون با شرکت افراد مختلف.

**تیم یا کمیسیون اعلام کرد که روسیه دارد می‌آید.**

مسایل استراتژیکی هسته‌ای نقطهٔ اصلی صحبتها بوده است. بیش از نیمی از مقاله راجع به وضعیت روسیه می‌باشد در جهان، و قسمت شرقی اروپا و علت و عواملی که شاید شوروی را تحریک کند که به جنگ برود یا بمباران کند.

اما ایران هنوز حکم یک سنگر را دارد. در سیستم استراتژیکی برای ایالات متحد آمریکا، اصولاً اکثراً از موقعیت ایران و خلیج فارس که حکم یک منطقه باز را در جنوب روسیه دارند، صحبت می‌شود.

www.takbook.com



## سند شمارهٔ ۹

**سرّی ـ تاریخ ۱۶ فوریه ۱۹۷۹ ـ ۵۷/۱۱/۲۷**

**موضوع: ایران، عرضهٔ وضع کاهش واردات ایران به وسیلهٔ شرکتهای خارجی**

بحران سیاسی ایران باعث قطع کالایی که به ایران می‌آمده شده و نیز سبب شده چندین قرارداد مهم در رابطه با تحویل کالا به ایران فسخ شود. حتی اگر رژیم کنونی که از پشتیبانی خمینی برخوردار است نتواند نظم را به کشور بازگرداند، باز هم میزان کالاهای وارداتی مشکل بتواند به حوالی ۱۸ میلیارد دلار برسد (میزان سالانه که چندی پیش بود. مشکلات ارز خارجی مثل فرصتهای اقتصادی بیانگر بازار محدودتری برای کالاهای خارجی در ایران می‌باشد. این مقاله وضعیت تولیدکنندگان خارجی بعد از کاهش واردات توسط ایران را بررسی می‌کند. این مقاله به میزان ضررهای حاصله یا وارد بر یک شرکت خاص نخواهد پرداخت. (...)

نقش تولیدی کشورهای توسعه‌یافته:

کشورهای توسعه‌یافته به مراتب بزرگترین فراهم‌کنندهٔ کالا برای ایران می‌باشند (۸۵ درصد واردات ایران را تأمین می‌کنند). کشورهای کمتر توسعه‌یافته، به سختی ۱۰ درصد واردات ایران را تأمین می‌کنند و کشورهای کمونیستی حدود ۵ درصد.[۱]

کالاهای صنعتی شامل ( )اکثریت واردات می‌باشد. خواربار به میزان ۱۳ درصد و مواد خام به میزان ۶ درصد. ترکیب اجناس با ترکیب قبلی در ۱۹۷۷ تفاوت روشنی داشت و فقط ۸ درصد از واردات کشورهای پیشرفته را خواربار تشکیل می‌داد و دو سوم این مقدار از آمریکا بود. تقریباً نیمی از موادی که توسط LDC به فروش می‌رسید خواربار بود. (..)

آمریکا، آلمان غربی و ژاپن بیشترین سهم را از بازار می‌بردند. در سال ۷۸ ـ ۱۹۷۷ میزان کالاهای وارداتی توسط این کشورها و به این مقدار تأمین می‌شد: آمریکا ۲۴ درصد، آلمان غربی ۲۲ درصد، ژاپن ۱۸ درصد. دیگر کشورها سهمی نظیر ذیل داشتند:

انگلیس ۹ درصد، ایتالیا ۸ درصد و فرانسه ۶ درصد. کالاهای صنعتی ساخته شده ۹۰ درصد اجناس صادراتی به ایران را تشکیل می‌داد که در این رابطه تولیدات سرمایهٔ فشرده ارجحیت داشتند. نمودار اقلام فروشی به ایران به حسب ارزش عبارت بودند از مواد صنعتی و ماشین‌آلات الکتریکی.

ایران به عنوان بازاری برای صادرت آمریکا: صادرات آمریکا به ایران از ۲/۷ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ به میزان سالانهٔ ۳/۷ میلیون دلار در اولین نه ماههٔ سال ۱۹۷۸ ارتقاء یافت با احتساب اینکه ۲/۷ درصد آن صادرات آمریکا بود. کالاهای صنعتی حدود چهار پنجم کل صادرت بود و بقیه را صادرات کشاورزی تشکیل می‌داد. صنایع هواپیماسازی آمریکا تقریباً ۸ درصد کل صادرات تجارتیش را به ایران فروخت و این بزرگترین سهم برای صنایع آمریکا بود. اگر ایران سفارشات هواپیمایی را فسخ کند صنایع هواپیما با پشتوانه خود آن را حل خواهد کرد و نیز تقاضای مشتریان دیگر جلو خواهد افتاد. کلاً فروش مواد به ایران میزان بسیار جالبی ـ حدود ۳ درصد ـ را در رابطه با فولاد و آهن و ماشین‌آلات صنعتی داشت.

تحویل کالاهای نظامی آمریکا به ایران سال گذشته به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت و این به

---

۱ـ اطلاعات مربوط به سال ۱۹۷۷ است پاورقی صفحهٔ ۱۳ گزارش).

www.takbook.com



دلیل سقوط و کاهش تحویل هواپیما و وسایلی اینچنین بود، که خود حدود ۹۰ درصد کالاهای ارسالی در سال ۱۹۷۷ را تشکیل می‌داد. از طرف دیگر ارسال اسلحه و وسایل حمل و نقل در سال ۱۹۷۸ «پرش» داشت. نمودار تحویل اجناس پربها ( ) از قبیل هواپیما، ارزش کمکهای نظامی محول شده را نشان می‌داد که چندوقت به چند وقت تغییرات زیادی را دارا بود. کارخانه‌های آمریکایی با امضای قراردادهـای تازه‌ای در حدود ۴/۵ میلیارد دلار، عرضهٔ محصولات خود در ایران را طی سالهای ۷۸ ـ ۷۷ افزایش دادند.

LDC به کشورهای کمتر توسعه یافته:

در این رابطه بیشترین میزان به کالاها و سرویسهای نـظامی، شـبکه‌های ارتـباطی و پـروژه‌های ساختمانی مربوط می‌شد. به علاوه قراردادهایی به میزان ۲/۷ میلیارد دلار جهت تأسیس و بنای بزرگراه مشترکاً به دست کمپانیهای آمریکا، فرانسوی سپرده می‌شد.

فسخ کردن قراردادها بیشترین لطمات را به کارخانه‌های تولید اسلحه زده است. تقریباً قراردادهای ۷ میلیارد دلاری برای خرید سلاح توسط دولت بختیار فسخ شد تا مبادلات خارجی ( ) حفظ شده و ساخت عظیم نظامی کشور متوقف گردد. قراردادهای مهمی که منحل شدند، شامل قرارداد جنگنده‌های F/16، هواپیمای پیشرفته آواکس دوسپرانس، نابودکننده (SPRUANCE) و هواپیمای شناسایی RF4E بود. فروش ابزار و وسایل حمل و نقل نظامی هم تقلیل خواهد یافت. ایران اساساً بایستی به جرم فسخ و انحلال قراردادهایش مقادیری پول را متناوباً بپردازد. اگر اسلحه‌هایی را که ایران سفارش داده بتوان به خریداران دیگر فروخت ایران می‌تواند مقداری بازپرداخت ( ) دریافت کند.

صادرات ۲/۷ میلیون دلاری آلمان غربی به ایران در سال ۱۹۷۷ و بعداً صادرات ۲/۵ مـیلیارد دلاریش در نیمهٔ اول سال ۱۹۷۸ بیانگر ۲ درصد کل صادرات آلمان را تشکیل می‌دهد. بیش از سیصد کمپانی آلمان غربی با جمعیتی قریب به ده هزار نفر در قسمتهای مختلف ایران سرگرم کار بودند که اینان بین دفترهای نمایندگی فروش و کارخانجات معظم صنعتی نوسان داشت. گفته می‌شود آلمان غـربی قراردادهایی به مبلغ ۷۰ میلیون دلار با ایران در سالهای ۷۸ ـ ۱۷۷ امضاء کرده که بیشتر در رابطه با تأسیسات برق است. از دست دادن بازار ایران بالاخص به صنایع راکتورهای هسته‌ای و فولادسازی فشار خواهد آورد، با وجود این کمپانیها کمی ضرر خواهند کرد زیرا توسط دولت آلمان غربی، بیمه سرمایه‌گذاری و صادراتشان تضمین شده است. هر تغییر اساسی در خط مشی صنعتی شدن ایران بیشترین ضرر را به دو کمپانی بزرگ، یعنی اتحادیه کرافت ورک و کروپ که به هم‌دیگر متصل‌اند خواهد زد. اتحادیه کرافت ورک (KRAFTWERK) که بنا به قراردادی به میزان ۵ میلیارد دلار تصمیم گرفته دو نیروگاه هسته‌ای در بوشهر بنا کند گنجایش و اعتبار زیادی دارد، لذا فسخ قراردادها با این شرکت آن را در خطر قرار خواهد داد، چون کلاً در آن تقاضای جهانی برای نیروگاه‌های هسته‌ای برق پایین است. اخیراً کارهای ساختمانی در بوشهر به علت کمبود مواد لازم متوقف شد. ممکن است بهتر از دیگر شرکتهای صنعتی در ایران دوام آورد و این بدان خاطر است که ایران ۲۵ درصد سهام آن را خریده است. دولت جدید ایران ممکن است سهم فعالتری در مدیریت کروپ به عهده گرفته و بکوشد تا سود ۱۷۵ میلیون دلاری سالانه از معامله با ایران را قطع کند.

www.takbook.com



**سالانه**

ژاپن که در سال ۱۹۷۷، ۱/۹ میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرد و در نه ماه اول سال ۱۹۷۸ آن را به ۲/۲ میلیارد دلار رساند، دادن ورقه صدور را به ایران در ماه گذشته متوقف کرده. از آنجایی که ایران چیزی به ژاپن نپرداخته هیچ کالایی فعلاً به مقصد ایران بارگیری نمی‌شود. در سال ۱۹۷۷ درصد صادرات ژاپن به ایران چنین بود: ۵ درصد کل صادرات توکیو در زمینه آهن و فولاد، ۷ درصد کل صادرات کالاهای فلز کاری صنعتی و چهار درصد صادرات در زمینه منسوجات. در سال ۷۸ـ۱۹۷۷ با توجه به قراردادهایش با ایران ۱/۱ میلیارد دلار دریافت داشت، که از آن ۴۵۰ میلیون دلار برای پروژه‌های مربوط به دستگاههای برق بود و ۱۲۰ میلیون دلار دیگر برای تأسیس امکانات صنعتی. پروژه گسترده تأسیس یک مجتمع پتروشیمی در بندر شاهپور هنوز مورد تهدید انفصال قرار نگرفته. ژاپن مترصد فرصتی برای امضاء قرارداد تازه‌ای است که در آن بتواند افزایش بهای تازه را هم منظور کند و با دولت جدید پیمان اقتصادی تازه‌ای ببندد.

صادرات انگلیس به ایران متجاوز از ۱ میلیارد دلار در ۱۹۷۷ و نیز در ۱۹۷۸ بود که این خود حدود دو درصد کل صادرات آن کشور محسوب می‌شود. بیشترین موفقیت در زمینه تسلیحات بوده است. ایران بزرگترین مشتری سلاحهای انگلیسی است. نیمی از قراردادهای تازه ۷۰۰ میلیون دلاری ۷۸ـ۷۷ هم مربوط به کالاهای نظامی بود. در سال ۱۹۷۷ انگلیس ۶ درصد از صادرات وسایل نقلیه موتوری و ۴ درصد از صادرات ماشین‌آلات صنعتیش را به ایران صادر می‌کند. صادرات وسایل نقلیه برای بریتیش لیلاند و کرایسلر انگلیسی که با یکدیگر متحداً عمل می‌کنند، بسیار حائز اهمیت است. به خاطر قطع صادرات به ایران کرایسلر ۱۵۰۰ کارگرش را کنار گذاشته. فسخ قرارداد از طرف ایران ضربه‌ای به صادرات انگلیس محسوب می‌شود. طرحهایی در رابطه با یک مجتمع ۱/۵ میلیارد دلاری که اغلبش دست انگلیسیهاست و در نزدیکی اصفهان بوده و کارش اسلحه سازی و تهیه مهمات و لوازم و قطعات یدکی تانک می‌باشد، توسط دولت بختیار متوقف شده است. همچنین قراردادهای صدور تسلیحات به ایران که بالغ بر ۲ میلیارد دلار می‌شود نیز، به خطر افتاده است. این قراردادها شامل یک کنترات ۸۰۰ میلیون دلاری تهیهٔ وسایل ضد هواپیما بوده که در دست هواپیمایی بریتانیا، که یک سازمان دولتی می‌باشد و دیگری یک قرارداد یک میلیارد دلاری برای تانکهای چیفتن می‌باشد که در دست کارخانجات سلطنتی اردنانس می‌باشد، که آنهم زیر نظر وزارت دفاع است.

فروش محصولات ایتالیا به مبلغ حدود ۱ میلیارد دلار یا ده درصد صادرات آن کشور، در دو سال گذشته کماکان جریان داشته. شرکتهای ساختمانی و مهندسی ایتالیایی در حالی که سفارشات ۲ میلیارد دلاری دریافت داشته‌اند، کاملاً بی‌ضمانت مانده‌اند. این چنین سفارشاتی زمینهٔ اصلی صادرات کالاهای صنعتی و ابزار و وسایل الکتریکی بوده که در سال ۱۹۷۷ بالغ بر ۳۵۵ میلیون دلار می‌شد. ۱۸ درصد صادرات صنایع هواپیمایی ایتالیا ـ اغلب هلی کوپتر ـ به مقصد ایران بوده است. در سال ۷۸ـ۷۷ شرکتهای ایتالیایی قراردادهایی به ارزش ۱/۵ میلیارد دلار با ایران امضاء کردند. قراردادهایی گزارش شده برای ساختن یک کارخانه فولاد سازی و تجهیزات بندری به ارزش ۶۰۰ میلیون دلار. خبرهایی هست از یک سری قراردادهای دولتی که همراه با طرحهای مجتمع صنعتی بندر عباس ـ ۳ میلیارد دلار ـ می‌باشد. بقیه هلی‌کوپترهایی به ارزش ۴۲۵ میلیون دلار و طرحهای ساختمانی به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار به همراه

www.takbook.com



طرح #IGAF برای لوله کشی گاز نیز توسط ایتالیا انجام می‌گیرد.

شرکتهای ایتالیایی که معمولاً به اعتصاب کارگران، ناآرامی‌های سیاسی و دیرکردنهای حاصله از پیچ و خمهای بوروکراسی عادت کرده‌اند، در رابطه با ایران چندان ناراحت نیستند. اگر چه دیـرکردها در پرداختها مشکلاتی را باعث می‌شود، لیکن پروژه‌ها همچنان ادامه می‌یابند. ایتالیاییها امید دارند که دولت جدید، هر چه قدر که رادیکال باشد، طرحهای عمومی که در دست اجرا می‌باشند را رها نکنند.

**فرانسه**

وضعیت اقتصادی فرانسه در مقام مقایسه با سایر کشورها کمتر در خطر است، زیرا فرانسوی‌ها اغلب در رقابت با کنتراتچی‌های آمریکایی، آلمان غربی و ژاپن می‌بازند. فرانسه در دو سال گذشته حدود ۷۰۰ میلیون دلار کالا به ایران صادر کرده است، کمی بیش از ۱ درصد کل صادراتش. با وجود این اخیراً فرانسه پیشتاز امضاء قرارداد با ایران در میان کشورهای صنعتی بوده است در کنار پروژه‌های تحقیقی فرانسه ـ آمریکا، شرکتهای فرانسوی طی قراردادهای تازه‌ای ۶/۵ میلیارد دلار درآمد خالص طی سال ۱۹۷۷ کسب کرده‌اند. نیمی از این مقدار مربوط به دستگاههای تولید برق بود و بیشتر آن تولید برق هسته‌ای. قراردادهای پایگاههای هسته‌ای برق به ارزش ۲/۵ میلیارد تا ۳ میلیارد دلار اخیراً توسط دولت بختیار فسخ شد. ساختمان دستگاههای مولد برق که قرار بود به وسیلهٔ فراماتوم ساخته و طی سالهای ۸۳ ـ ۸۲ تکمیل گردد کماکان تحت اجراست و این شرکت امیدوار است که بتواند سفارشهای بیشتری برای پایگاههای تولید هسته‌ای برق در ایران نیز به دست آورد.

شرکت فراماتوم به خاطر کم شدن فعالیت برنامه‌های هسته‌ای در خود فرانسه و نـیز کـاهش در سفارشات خارجی، فعلاً دچار اشکال است، اگرچه فراماتوم اخیراً نامه‌ای را مبنی بر تمایل برای داشتن نیروگاه‌های مشابه در همان مدت زمان دریافت داشت، اما فسخ قرارداد توسط ایران به طرز جدی شرکت را عقب خواهد راند. به هر حال قسمت زیادی از ضررهای مالی مستقیم فرانسه از فسخ قرارداد توسط ایران به وسیلهٔ کمپانی بیمه تجارت خارجی فرانسه (COFACE) جبران خواهد شد.

www.takbook.com



## سند شماره ۱۰

**از: سفارت آمریکا در تهران** **سرّی ـ تاریخ ۵۷/۲/۱۴**

**به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.**

**گزارشگر: سولیوان**

**موضوع: نظر اجمالی بر اوضاع و روابط ایران**

۱ـ روی هم رفته روابط ایران و آمریکا عالی است. این روابط دوباره توسط مسافرت شاه به واشنگتن در نوامبر و بازدید رئیس جمهور از تهران در اواخر دسامبر تقویت و تأیید شدند. روابط ما مبنی بر منافع امنیتی دوجانبه و دید مشترک نسبت به تقریباً تمام جریانات مهم ناحیه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. ایران با قدرت و نفوذ فزاینده‌ای که دارد همواره آماده بود تا به طریقی نقش فعال‌تری در امور منطقه ایفا کند، تا منافع خودمان تأمین گردد.

اهدایی آن به UNIFIL نمونهٔ اخیر این مسئله است؛ نمونه دیگر که برای ما منافع حیاتی دارد موضع ایران در اوپک است و آمادگی آنها به همراه عربستان سعودی در مخالفت قاطع با افزایش قیمت نفت در ۱۹۷۸.

۲ـ با اینکه تجهیزات نظامی و برنامه مشاورت ما جنبه‌های اصلی روابطمان با ایران می‌باشد، ولی ما طیف وسیعی از منافع دیگر هم داریم. صادرات غیر نظامی ما به ایران الآن به حدود ۲ میلیارد دلار در سال رسیده. بیش از ۱۵۵ شرکت و بانک از بزرگترین شرکتها و بانکهای آمریکا در کشور فعال هستند و اکنون ۳۹ هزار آمریکایی در ایران سکونت دارند.

کمیسیون مشترکی بین ایران و آمریکا برای پیشبرد همکاری عمومی و خصوصی آمریکا در زمینه‌های انرژی، نیروی انسانی، کشاورزی، تجارت و امور مالی و علم و تکنولوژی برای چهارمین بار در واشنگتن تحت ریاست وزیر خارجه ـ ونس ـ تشکیل شد. بیشتر از ۵۰ دانشگاه آمریکایی با دانشگاههای ایرانی و یا نهادهای دولتی ارتباط دارند. جمعیت دانشجویان ایرانی در آمریکا اکنون بیشتر از ۳۰۰۰۰ نفر می‌باشد. ایران در حال حاضر ۹ ـ ۸ درصد واردات نفتی ما را تأمین می‌کند.

۳ـ به مفهوم واقعی ایران در حال حاضر به موقعیت یک قدرت باثبات و میانه‌رو در حد متوسط متمایل به آمریکا رسیده است و این هدف سیاستهای ما بعد از پایان جنگ جهانی دوم بوده.

۴ـ مسئله مهمی که جنبهٔ حیاتی داشته باشد و لازم باشد ذکر کنیم، وجود ندارد. نگرانی ما در مورد کادر و امکانات کافی برای قسمت کنسولگری ما در پیامهای متعددی به وزارتخانه ذکر شده و احتمالاً مراجعین می‌توانند بخوانند.

۵ـ تلکس شماره تهران ۰۰۳۰۷ اهداف و آرمانهای آمریکا در ایران را مشخص می‌کند. اکثر این اهداف انتهای مشخصی ندارند و نیازمند توجه نزدیک و مداوم می‌باشند. ما معتقدیم که هیئت کافی هست که گزارش تبادلات با وزارتخانه که نمایانگر این مسئله می‌باشد که ما این اهداف را با توجه و مقداری موفقیت دنبال کردیم. پیشرفت در مسئله حقوق بشر، ارتباطات گسترده انرژی هسته‌ای، همکاری در کنترل مواد مخدر در منطقه، و پیاده کردن سیاست تأمین اسلحه رئیس جمهوری بعضی از زمینه‌های مهمتری که مطرح شده‌اند، می‌باشد.[۱] سولیوان

---

۱ـ ارقام فوق بیانگر خوان یغمای گسترده برای غارتگران در میهن ماست و پایکوبی آنها از ثبات و آرامش گذشته حاکم در میهن ما، و حال

www.takbook.com



**تاریخ: ۱۰ ژولای**

**موضوع: اوضاع کلی کشور**

۱ـ از اظهارتان در مورد BCR قدردانی می‌کنم و آن را یک کار مهم و مفید می‌دانم. بر پایهٔ تفکرات شما و سرمایهٔ نهاده شده از SNOW McAFEE ما قسمت زیر را به عنوان BCR توصیه کرده، مطالب و خط و مشی‌های برنامه را تقدیم می‌کنیم. به این معتقد نباشید که اوضاع کنونی پروژه پیشنهادی را عملی می‌سازد پیشنهاد می‌شود که این قسمت از CP تا زمانی که آنها عملی شوند به تعلیق افتد. در این زمان، BCR و خط‌مشی‌های برنامه باید احتیاجات وسایل شما را به عنوان یک اساس برای آنچه پشتیبانی واشنگتن را نشان می‌دهد و تمام عمل بعدی که امکان‌پذیر و عاقلانه به نظر می‌رسد به طور مؤثری مطرح کند. در چنان زمانی، چنان که معتقدید که یک آنالیز رسمی می‌تواند با مقداری اعتبار رسم شود. لطفاً آن را به امور خاور نزدیک بفرستید.

۲ـ الف: ایران امروز دوران پس از انقلاب را که محمدرضا شاه را به سقوط کشانیده می‌گذراند. دستگیریها و اعدامها ادامه دارد. بیکاران بیش از ۳ میلیون برآورد می‌شود. اقلیت‌های قبیله‌ای و نژادی برای خودمختاری تلاش می‌کنند. اقلیتهای مذهبی هراسانند و گروههای سیاسی مختلف به وسایل مختلف می‌کوشند تا منافع خود را ترفیع دهند و ظهور سیاسی اصول اسلام را مانع شوند.

ب: قدرت مرکزی از میان رفته و بازرگان سعی در ایجاد کنترل بر کشور دارد، به خصوص در رابطه با کمیته‌ها. قدرت حقیقی در ایران در دست رهبران مذهبی به رهبری، رهبر انقلاب آیت‌الله خمینی می‌باشد.

ج: فعالیت اقتصادی در ایران به طور وسیعی فلج شده است. به جز صنعت نفت که دوباره تولید می‌کند و به اندازهٔ احتیاجات داخلی تولید می‌کند، و صادرات خود را نیز در مقیاس کمتری از سر گرفته است. در حقیقت تمام فعالیتهای صنعتی در یک وقفه مانده است. سرعت و نیرویی که با آن صنعت زنده خواهد شد، نامطمئن است و در گرو تغییرات سیاست، جو اجتماعی و خارج کردن ارز و فرار تعداد زیادی از مدیران و تکنوکراتها (ایرانی و خارجی) می‌باشد. بیکاران حدود ۳/۵ میلیون نفر از جمعیت ۳۵ میلیونی ایران برآورده می‌شود که می‌تواند به طور مؤثر تثبیت شدن دولت موقت را خنثی کند، و در تمام کشور سیاست شکنندهٔ دولت را به طور جدی خراب کند.

د: قانون جدید اساسی قول داده شده و اجرای برنامه‌هایی برای تحقق بخشیدن به حقوق بشر کند شده است. اگر چه یک پیش نویس قانون اساسی چاپ شده، ولی انتخابات برای یک مجلس که آن را تجدید نظر کند عقب افتاده است. زندانهای ساواک که با انقلاب خالی شدند دوباره با زندانیهایی که به جرمهای مختلف که بر ضد مردم در زمان رژیم شاه متهم شده‌اند، پر شده است. این اشخاص در دادگاههای دربسته که به وسیلهٔ دادگاههای انقلاب هدایت می‌شود و جدا از دادگستری ایران می‌باشد، محاکمه شده‌اند. پشتیبانی مردم از چنین محاکمه‌هایی زیاد است و عکس‌العمل شدید مردم پس از قطعنامه سنای آمریکا مشکلاتی را که ما در تحکیم حقوق بشر در ایران خواهیم داشت، منعکس می‌کند.

هـ: از نظر فرهنگی ایران در تخمیر است. قسمتی از انقلاب بر ضد فرهنگ غرب، به خصوص آمریکا می‌باشد. آیت‌الله خمینی علاقهٔ خود را مبنی بر اسلامی کردن تعلیم و تربیت و پاک کردن آن از تأثیر غرب اعلام کرده است. مراکز فرهنگی مهم بسته شده‌اند و یا به نمایشگاههای فرهنگ انقلابی برگردانده شده‌اند.

---

ایران برزخی برای چپاولگران است، بدان امید که روی پای خود بایستیم و ایران آزاد و مستقل را به گورستان و جهنم امپریالیستها بدل نماییم.

www.takbook.com



حقوق زنان که با زحمت فراوان به دست آمده بود تا حد زیادی از میان رفته است.[۱] تقریباً مجبور به بازگشت به چادر شده‌اند و حقوقی که در زمان شاه به آنان داده شده از آنان سلب شده. به علت بالا گرفتن جو ضد خارجی، خارجیها، از هر کشور در حال اخراج هستند. در همین زمان خیلی از ایرانیها به تشخیص ضرورت، نوعی تماس با خارج را ادامه می‌دهند و خیلیها به خصوص افراد تحصیلکرده در غرب با اصول سخت‌تر اسلام مخالفت می‌کنند. علاقه به فراگیری زبانهای خارجی به خصوص انگلیسی، به قوت خود باقی‌مانده است. و تعداد زیادی از دانشجویان ایرانی هنوز هوای تحصیلات غرب و آمریکا را دارند.

و: روابط مستحکم گذشتهٔ ایران و آمریکا در مرحلهٔ نزدیک قطع رابطه است، حتی آنها که به طور سنتی رو به غرب دارند، در حال حاضر از تماس علنی قابل ملاحظه با آمریکا پرهیز می‌کنند. در یک کشوری که یک دست پنهان (عموماً آمریکا، شوروی و یا اسرائیل) مسئول هر چیز شناخته می‌شود، سوءظن گسترده‌ای نسبت به آمریکا وجود دارد. این سوءظن بدین شکل شایع است که آمریکا دارد کوشش می‌کند که به طرق مختلف اهداف انقلاب را عقیم گذارد. این طرق از استخدام افراد ساواک به عنوان تروریستها و بمب‌گذارها و اختلاف‌انداز بین اقلیتها تا از کار انداختن پیشرفت اقتصاد ایران می‌باشد. علیرغم این موضوع و حتی با وجود اتهامات مردم متعصب مسلمان، چیزهای آمریکایی هنوز برای قسمتی از مردم ایران به خصوص جوانها و میانسال‌ها باارزش می‌باشد. آمریکا خیلی از رهبران انقلاب را در خود داشته است و اکنون وطنی است برای هزاران دانشجوی ایرانی. به طور عمومی یک احساس همدردی می‌آورد، اما با فرق گذاشتن بین مردم و دولت آمریکا.

علیرغم ترس و ناامیدیها و عقیم‌گذاریها دربارهٔ آنچه آنها سوءظن و یا احتمالاً از آمریکا انتظار دارند، تعداد زیادی از ایرانیها به اعتقاد به اینکه گذشته اخیرشان و سرنوشتشان به آمریکا بسته است، ادامه می‌دهند. ارتباطات هنوز خودبه‌خود منصفانه و حتی اغلب صمیمانه است. ولی جو عمومی ـ از طریق مطبوعات به صورت خصمانه‌ای برخورد می‌کنند.

هدفهای هیئت تبلیغی آمریکا در ایران این است که باز بمانند و با دولت موقت علیرغم پرخاش از طرف مطبوعات، رهبران مذهبی و افراطیها، تا حد امکان همکاری کنند. برای رسیدن به این هدف در یک جو روانشناسی که در آن دولت آمریکا (در پیمان با مطبوعات آمریکا) اظهار می‌شود که ریشهٔ تمام مشکلات ایران باشد، حدس زده می‌شود که بهترین باشد و پوشش مطبوعاتی آمریکا در مورد انقلابِ مردم ایران، صرفاً علاقه به اخبار دارد نه آنالیز کردن آن و با حالت ناهمدردی روی آنچه غلط است انگشت می‌گذارد. در پیش گرفتن چنین روشی باعث شده است که در ایران مردم چنین نتیجه بگیرند که آمریکا به آنها علاقه‌ای ندارد؛ بر طور عکس می‌خواهد به مردم آمریکا بگوید که در هر صورت ایران یک فاجعه است.

روابط نزدیک ما با شاه و پشتیبانی زیاد ما از رژیم شاه فراموش نشده است و به زودی هم فراموش نخواهد شد. اثر آن این است که دولت آمریکا را در یک قانون طرفدار مداخله که اعمال آن اصولش را از بین می‌برد، بیندازد و اعمال گذشته‌اش آن را رد می‌کند و سند روحی برای قضاوت گذشته روی انقلاب

---

۱ـ آنها باز هم انقلاب ما را و عمده‌ترین نیروی آن ـ زنان انقلابی ما ـ را با ملاکهای غربی بررسی کرده‌اند. و این نقطه کور و گره بازنشدنی تحلیلهای آنها می‌باشد.

www.takbook.com



مردم ایران در حالی که موضوعهای بین‌المللی به علت نگرانیهای داخلی ایران از رشد بازداشته شده‌اند. سیاست خارجیش انتظار می‌رود که دو شعبه شدن موضوعات داخلی ایرانیها را منعکس کند و به عبارت دیگر دولت رسمی آقای بازرگان به سمت عادی کردن روابط با آمریکا و دیگر کشورهای غربی حرکت می‌کند و در همان زمان سیاست آقای خمینی را منعکس می‌کند و می‌تواند مورد دخالت او قرار گیرد. وضع و موقعیتهایی که انتظار می‌رود شامل اینهاست:

... ضدیت عمیق با اسراییل، همبستگی نزدیک با سازمان آزادیبخش فلسطین، قطع پشتیبانی معمول ایران از کشورهای عربی میانه‌رو... پشتیبانی از خط مشی مورد علاقهٔ رادیکالهای کشورهای کمی پیشرفته در اقتصاد بین‌المللی و برنامه‌های سیاسی، شامل شرکت در NAM سازمان ملی تولیدکنندگان.

... سیاست بالا بردن قیمت در اوپک.

... ضدیت با رژیم طرفدار شوروی در افغانستان.

خط مشی‌های اقتصادی که به احتیاجات کوتاه‌مدت جواب می‌دهد و هدفهای دولت شاه را نفی می‌کنند، هنوز به طور کامل معلوم نیستند. انتظار می‌رود که علاوه بر موقعیت گروه رادیکال LDC'S کشورهای کمی پیشرفته و سیاست بالا بردن قیمت نفت، آنها به خصوص نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی در ایران نقش شرکتهای چند ملیتی و ارتباط علم و تکنولوژی با احتیاجاتشان، سوءظن دارند. سیاست اقتصادی داخلی احتمالاً تأکید بر کشاورزی و گروههای روستایی برای مهاجرت از طرف شهرها به سمت روستاها می‌باشد. تأمین فرآورده‌های کشاورزی و کاهش واردات غذا. چگونه این موضوع کامل خواهد شد؟ هنوز معلوم نیست. انستیتوهای آکادمیک ایران یک سال پیش از معلمان و مشاوران و محققان آمریکایی استفاده می‌کرد. اکنون بیش از چندتایی باقی نمانده‌اند و محیطهای دانشگاهی روی هم رفته در حال حاضر از آوردن استادان خارجی خودداری می‌کنند. با توجه به مهاجرت تعداد زیادی متخصص ایرانی و آمریکایی، این موقعیت ممکن است عکس شود. اما مطمئناً تا وقتی که حساسیت ضد خارجی و به خصوص ضد آمریکایی از شدتش کاسته نشده است، این امر امکان‌پذیر نیست.

یکی از مهمترین انجمنهای فرهنگی ما با ایران، در تهران و خارج از تهران قبل از انقلاب، انجمن ایران و آمریکا بود. مراکز فرهنگی اصفهان و تهران از خرابیهای انقلاب مصون مانده‌اند (به طور عمدی) و مشغول کارند و تدریس انگلیسی و کتابخانه از سر گرفته شده است. کتابخانه USICA در تهران در BNS قرارداد نیروهای انقلابی هنوز مرکز فرهنگی شیراز را در اختیار خود دارند و امیدواریم که دولت آن را به ما بازگرداند و تدریس انگلیسی در آن از سر گرفته شود. ما ادامهٔ کار این مرکز را در این زمان که روابط ایران و آمریکا خیلی بحرانی است، مهم تلقی می‌کنیم. با لزوم، تغییر دادن مکان ادارهٔ USICA به قسمت مطمئن بایگانی، همهٔ آنها بیشتر اهمیت پیدا خواهند کرد. BNC ها اکنون تنها دریچهٔ شنوندگان ایرانی ما می‌باشند.

## مطالب و نگرانیها

مطلب اول: ایرانیها یک عدم اعتماد گسترده‌ای نسبت به دولت آمریکا دارند. سوءظن به این شکل است که آمریکا کوشش در عقیم گذاشتن هدفهای انقلاب، چه به صورت سیاسی و چه به صورت اقتصادی دارد. به علت روش غیر همدردی مطبوعات آمریکا با ایران، ایرانیها احساس می‌کنند که آمریکا خوب ایران را نمی‌خواهد. ایرانیها به خاطر پشتیبانی طولانی آمریکا از شاه از آمریکا نفرت دارند و حق

www.takbook.com



قضاوت در مورد انقلاب را به آنها نمی‌دهند.

مطلب دوم: خیلی از ایرانیها، به خصوص رهبران مذهبی ماتریالیسم و فساد غرب به خصوص جامعه و فرهنگ و طرز فکر و ارزشهای آمریکایی را رد می‌کنند و به خصوص سوءظنی در مسئله حقوق بشر با توجه به پشتیبانی ما از شاه.

مطلب سوم: به علت خط مشی اقتصادی شاه که تأکید بر روی صنایع شهری و مصرف کالا و خرید اسلحه و سرمایه‌گذاری خارجی و کارشناسان خارجی داشت. دولت موقت نسبت به این سیاستها در بحران است. آمریکا که نقش اساسی در تهیهٔ قسمتهای بالا داشت، اکنون در کوشش برای عادی کردن روابط اقتصادی و تجاری با ایران مشکلات فراوان دارد. قانون چند ملیتی و سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه اگر قبلاً پیچیده بود، اکنون با توجه به زیاده‌روی‌های رژیم شاه بیشتر خواهد بود. بالا بردن قیمت نفت توسط ایران و عدم توجه آن به اثر قیمت آن بر روی ساختمان اقتصادی جهان وابسته به نفت، به طور جدی بر روی آمریکا اثر خواهد گذشت.

مطلب چهارم: با وجود اینکه نگرانیهای داخلی ایران بر موضوعهای خارجی سایه افکنده است؛ انتظار می‌رود که موقعیت دولت و موقعیت روابط ایران با آمریکا بحرانی‌تر شود. به خصوص ایران یک ضدیت عمیق نسبت به کوشش آمریکا و اسرائیل برای صلح خاورمیانه نشان خواهد داد. دولت از سازمان آزادیبخش فلسطین پشتیبانی خواهد کرد و پشتیبانی معمول خود را با کشورهای میانه‌رو عرب قطع خواهد کرد. می‌توان انتظار داشت که رژیم از خط مشی‌های رادیکال، کشورهای کمی پیشرفته در دورهٔ انفعالی اقتصادی و برنامه سیاسی به خصوص در شرکت سازمان تولیدکنندگان پشتیبانی خواهد کرد.

**برنامه‌ها**

**الف: روابط ایران و آمریکا:**

۱ـ آمریکا خواهان روابط همه‌جانبه با ایران است و در امور داخلی ایران دخالت و اختلال نمی‌کند.

۲ـ آمریکا از خواست عمیق ایرانیها برای تغییرات مطلع است و با کسانی که برای یک جامعهٔ عادلانه کوشش می‌کنند همدردی می‌کند.

۳ـحمایت از حقوق بشر، هستهٔ اصلی سیاست ما و ساخت اصلی جامعه آمریکایی را تشکیل می‌دهد و بر هر چیز مقدم است حتی سیاستهای کوتاه‌مدت، حتی اگر در این راه متهم به دخالت در امور داخلی کشورها شویم.

۴ـدستگاههای ارتباط جمعی آمریکا سعی در نشان دادن وقایع ایران و نه تجزیه و تحلیل آن دارند و اخبار را آن طور که می‌بینند منعکس می‌کنند و سعی دارند واقع‌بینانه برخورد کنند.

۵ـدر آمریکا حمایت از انقلاب ایران به صورت گسترده‌ای وجود داشت، ولی در آمریکا و دیگر کشورها این موضوع با وجود دادگاههای مخفی و اعدامها خدشه‌دار شد.

**ب: جامعه و فرهنگ و ارزشهای آمریکا در ارتباط با ایران:**

۱ـ مذهب و معنویات با تاریخ و جامعه آمریکا عجین شده است. آمریکا تاریخی از احترام برای مذهبها دارد. اسلام اگرچه کمتر برای آمریکاییها شناخته شده است، ولی مثل دیگر مذاهب از احترام برخوردار

www.takbook.com



است و در دانشگاهها توجه زیادی به آن می‌شود.
۲ـ پیشرفت علم و تکنولوژی آمریکا یک نقطهٔ مثبتی در بهبود زندگی تمام قشرهای آمریکاییها دارد.
۳ـ فرهنگ آمریکایی از لحاظ مذهب، اندیشه، فلسفه و هنر غنی است.
۴ـ تعلیم و تربیت برای تمام قشرهای مردم است و مردم کشورهای دیگر نیز می‌توانند از آن بهره ببرند. کشورهای در حال توسعه می‌توانند در این رابطه برای بهبود سیستمهای خودشان استفاده کنند.
۵ـ بورسهای تحصیلی آمریکا در ایران معادل بهترین بورسهای کشورهای دیگر است.
۶ـ سیستم سیاسی آمریکا که شامل فدرالی بودن و جدایی دین از سیاست (امور کشوری) و جدا کردن قدرتها است، در زمرهٔ ناآگاهیهای ایرانیها می‌باشد. سیستم آمریکایی کوششی است برای دادن حق هر شخص، متعادل کردن خواستها و امکانات عمومی.
۷ـ ارزشهای جامعهٔ آمریکا شامل اعتقاد به کار سخت، امانت‌داری، خوش‌بینی در قابلیت انسان برای تغییر دادن پیرامونش و وفاداری به دوستان و خانواده و... می‌باشد، و منحصر به آمریکا نیست و در همه‌جا هست و در همهٔ آمریکاییها یکسان نیست و اینکه فقط ماتریالیسم و فساد ارزش آمریکایی است، غلط است.

**ج: روابط اقتصادی و تجاری ایران:**
۱ـ نفت یک کالای حساس جهانی است و قیمت آن یک اثر سریع و درازمدت بر روی اقتصاد شکنندهٔ جهان دارد. قیمت بالای نفت بیشتر از هر چیز بر روی اقتصاد کشورهای فقیر و در حال توسعه اثر دارد.
۲ـ سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند یک نیروی مثبت در توسعه ملی کشورها داشته باشد؛ و علت اصلی رشد و پیشرفت اقتصادی آمریکا است و سرمایه‌گذاری بزرگ خارجی اکنون در آمریکا ادامه دارد و برای سود و استخدام بیکاران و پایداری اقتصادی و سیاسی خوب است.
۳ـ شرکتهای چند ملیتی وسیلهٔ مؤثر و کم‌خرجی برای تبادل تکنولوژی و شروع رشد صنعتی می‌باشد.
۴ـ یکی از مؤثرترین بخشهای اقتصادی آمریکا کشاورزی است و آمریکا علاقه‌مند به همکاری با ایران در زمینهٔ در اختیار قرار دادن تجربه و تکنیک آن است.

**د: سیاست خارجی**
۱ـ آمریکا به شدت به صلح و عدالت برای همهٔ کشورهای درگیر مخاصمه در خاورمیانه علاقه‌مند است.
۲ـ آمریکا به تمامیت ارضی تمام کشورها به خصوص آسیای غربی احترام می‌گذارد و هدفش صلح و استقلال در هر منطقه است.
۳ـ آمریکا احساس همدردی و همکاری با کشورهای توسعه‌نیافته و احتیاجات آنها و همچنین حمایت از حکومتهای دموکراتیک و توازن اقتصادی جهانی می‌نماید.

«پایان»

www.takbook.com



## سند شمارهٔ ۱۲

**از: سفارت آمریکا در تهران** **محرمانه**
**به: وزارت خارجهٔ آمریکا ـ فوری**
**سفارتخانه‌های آمریکا در کشورهای:**
**دوبی، قطر، عمان، آنکارا** **مراجع: تهران**
**بغداد، بیروت بن، قاهره، کابل**
**اسلام‌آباد، جده، خرطوم، کویت**
**پاریس، لندن، پاناما، مسکو** **تهران**
**پکن، دهلی نو، پروتاریا**
**رباط، رم، تل‌آویو، توکیو، تریپولی، تونس**

**موضوع: سیاست خارجی دولت موقت جمهوری اسلامی**

۱ـ متن کاملاً محرمانه است. این یک تلکس گزارشی است.

۲ـ خلاصه: همان‌طور که نظارت امور داخلی ایران به دو شاخه رسمی و غیر رسمی تقسیم یافته، سیاست خارجیش نیز چنین است. این سیاست بین دو جریان افکار افراطی اسلامی و جریان محافظه‌کارانه، سیاسیون ملی‌گرا در حال نوسان است. نشانهٔ مشخص از آنجا مشاهده شد که در عرصهٔ بین‌المللی یک گرایش به سوی کشورهای رادیکال و نیز دوری جستن از اعراب میانه‌رو پدید آمد با حملات دائمی لفظی به اسرائیل و صهیونیزم و بدگمانی نسبت به ابرقدرتها فقط در سطح لفظی و همراه با آمادگی معامله کردن بر مبنای دولتی و متمایل به کشورهای کمی پیشرفته در سیاستهای اقتصادی. این سیاستهای دوگانه تا زمانی که دولت دائمی مستقر نشده باشد و یا این دولت تعویض نشده باشد ادامه دارد.

توانایی ما برای معتدل کردن سیاست رادیکال در موقعیت فعلی بسیار محدود است. پایان (خلاصه).

۳ـ دستگاه حکومت ایران بین دولت موقت جمهوری اسلامی، مهدی بازرگان و کمیته‌ای انقلاب که به وسیلهٔ آیت‌الله خمینی و رهبران مذهبی هدایت می‌شوند، تقسیم می‌شود. تشکیلات کمیته‌ها به مقدار زیادی مستقل از حکومت عمل می‌کنند و خمینی شخصاً به هر دو دستور می‌دهد. غالباً برخوردهایی بین این دو تشکیلات صورت می‌گیرد که اینها در سیاست خارجی ایران انعکاس دارد. بـازرگان و بسیاری از همقطاران او تمایل دارند که سیاست جاری و مسایل امنیتی را در قالبهای سیاسی رایج حل کنند. تاریخ روابط ایران و روسیه بر دوش آنها سنگینی می‌کند. آنها کلاً محافظه‌کار بودند و دعوای اصلی آنها هزینه‌های زیادی بود که سیاست شاه بدون در نظر گرفتن نیازهای کشور خرج می‌کرد، و نیز گرفتاریهای ایران در خارج از مرزهایش برای نگهداری سیاست غرب. (آیت‌الله خمینی و طرفدارانش بدبینی قابل ملاحظه‌ای نسبت به روسیه دارند، ولی دیدگاههای خارجی آنها در این لحظه مقدمتاً بر پایهٔ دشمنی با شاه و کارهایی که کرده است، پایه‌گذاری اصول اسلام و عملیات انقلابی بنیان گذاشته است.)

۴ـ ادامهٔ برخورد بین این دو دیدگاه قالبی است از کوششهای داخلی رژیم و پیشرفتش. اگر این دوگانگی بین دولت رسمی و کمیته‌ها منتفی شود، سپس اندیشه‌ها و افکار و رفتارها ترکیب و درجه بالاتری را کسب خواهند کرد. اگر این برخورد به آرا نگراید، در اوضاع خارجی ایران تأثیر خواهد داشت و این حالت تا موقعی که یک تشکیلات اسلامی نهایتاً مستقر نشود و یا اینکه دولت ساقط شود و یا رفتارش

www.takbook.com



توسط افراد داخلی تصحیح نشود، ادامه خواهد داشت. انتصاب اخیر (آوریل) دکتر یزدی ـ یکی از مشاوران نزدیک خمینی ـ به سمت وزیر امور خارجه به جای یکی از رهبران ملی ـ دکتر کریم سنجابی ـ قسمتی از کوششی بود در جهت نظم بخشیدن به سیاست خارجی در جهت پیاده کردن نظریات خمینی، ضمناً یزدی مردی از دنیای پیشرفته است و احتمالاً می‌تواند شرایط را درک کرده و بهتر از بقیه مشاوران امام به بازرگان برادری کند.

۵ـ در ماههای آینده ما و دیگر دولتها در زمینه سیاست خارجی ایران با یک تشکیلات ناپایدار روبرو خواهیم بود. خطوط اصلی سیاست مخصوصاً خارجی به وسیله آیت‌الله کنترل خواهد شد و دستخوش دخالتهای او خواهد بود. به عنوان مثال آیت‌الله ـ دستور قطع روابط با مصر را بدون مشورت با دولت داد. در واقع وزارت امور خارجه بازیچهٔ دست آیت‌الله است. رئوس کلی سیاست خارجی ایران چنین است:

کوشش فراوان برای اتحاد اسلامی

دشمنی عمیق با اسرائیل

روابط نزدیک و حسنه با سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO)

کشش به سوی رادیکال شدن

مواجهه با کشورهای عربی و دور شدن از کشورهای عرب محافظه‌کار و رفقای نفتی ایران

حمایت شفاهی از جنبشهای انقلابی دنیای سوم مانند زیمبابوه

برقراری روابط با کشورهایی که شاه با آنها رابطه نداشت مثل لیبی، کوبا و (PDRY)[1]

ادامه بدگمانی و بدبینی و حملات پراکنده به آمریکا و شوروی

شرکت در جنبش کشورهای غیرمتعهد

بالا بردن قیمت در اوپک

اتخاذ سیاستهای تندروانه در صحنه سیاسی و اقتصادی بین‌المللی

۶ـ از طرف دیگر من معتقدم که دولت رسمی برای متعادل کردن روابط دو طرفه سیاسی با آمریکا و سایر کشورهای غربی کوشش خواهد کرد. ملاقات اخیر بنده با نخست‌وزیر و همردیفان وزیرش تمایلات آنها را به طور واضح برای بستن قراردادهای تکنیکی و اقتصادی شامل قطعات یدکی و حضور مستشاران در زمینهٔ نظامی، نشان داد. آنها علاقه‌مندند که هر کاری می‌توانند انجام دهند تا اجازهٔ ندهند جناح اسلامی از پول و اسلحه به عنوان پشتوانه نظریات استفاده کنند. حدی را که محافظه‌کارها در زیر نام ملیّت بر علیه ایدئولوژی ادعا می‌کنند قابل اندازه‌گیری نیست و بیشتر ربط دارد به برداشتهای سیاسی مردم تا یک موضعگیری خارجی.

۷ـ در حال حاضر من هیچ راه‌حل سریع و مؤثری که سیاست افراطی نوین ایران را معتدل نماید نمی‌بینم. در فرصتهایی که به دست می‌آید ما سعی می‌کنیم که ذهن امام خمینی و طرفدارانش را تعدیل کنیم و این عمل را به وسیلهٔ افراد نزدیک به او انجام می‌دهیم. موضع ما در قبال دولت خیلی خوب است. ما می‌خواهیم در برابر درخواست اطلاعات سیاسی و مشاور در ارتش پاسخ دهیم. در مناقشاتی که قطعاً به وجود خواهد آمد نقش مثبت می‌خواهیم داشته باشیم. اگر این دولت دوام پیدا کند روابط اقتصادی و سیاسی چنان خواهد بود که یک موقعیت بهتری برای ما به دست خواهد آورد. ناس

---

۱ـ PDRY: کشور جمهوری دمکراتی خلق یمن.

www.takbook.com



**سند شماره ۱۳** **تاریخ: ۵۷/۶/۱۴**

**از: سفارت آمریکا**

**به: وزیر امور خارجه**

**موضوع: آزادی مطبوعات و ماهیت جمهوری اسلامی ایران**

۱ـ تمام متن محرمانه است.

۲ـ اخراج تمام کارمندان آمریکایی دفتر آسوشیتدپرس چهرهٔ اصلی جمهوری اسلامی را مشخص می‌کند؛ که ما نباید آن را فراموش کنیم و آن با وجود بی‌کفایتی سیستم حکومتی که خمینی در ایران تدوین می‌کند به اندازهٔ رژیم شاه دیکتاتوری و خفقان‌آور خواهد بود. با وجود تأکید لفظی و نظری بر ش۲، مسئله آزادی بیش از پیش برای ما مشخص شده که معنی این لغت برای خمینی غیر از معنی عربی آن می‌باشد. مثلاً آزادی، گزارش خبر صحیح را موقعی که برخلاف مصالح اسلام است، اجازه نمی‌دهد.

۳ـ منافع ما در ایران از رژیم خاص گذشته و مسئله‌ای که ما سعی کرده‌ایم روشن کنیم این بوده تا حکام جدید، اینجا تردیدهایی در مورد اینکه ما با شاه سابق همکاری داشته‌ایم را کنار بگذارند.

در حال حاضر ظاهراً بهترین راه تأمین منافع ما از طریق همکاری با دولت موقت مهدی بازرگان در جهت برقراری مجدد روابط دوجانبه بین ایران و آمریکا خواهد بود. ما حدس می‌زنیم که موضع مشابهی در برابر یک دولت که در آینده انتخاب خواهد شد، نخواهیم گرفت؛ یعنی در اواخر امسال. ولی این خطرناک خواهد بود که نتیجه بگیریم که همکاری با این دولت و با دولت بعدی تنها راه سیاست ماست. اگر روند فعلی به طرف دیکتاتوری سخت تصحیح و عوض نشود شاید ما خودمان را از نزدیک با رژیم مسئول آن مرتبط نشان نخواهیم داد. تامست

موضوع در ارتباط با اخراج خبرنگاران آمریکایی به واسطه اخبار بسیار مغرضانه‌ای که در مطبوعات غربی منتشر می‌کردند، می‌باشد. بگذریم، با اینکه بعضی جاسوسان آمریکایی در لباس خبرنگار به کشور ما می‌آمده‌اند.می‌بینیم که چگونه امپریالیسم فریاد برمی‌آورد که دیکتاتوری دارد حاکم می‌شود. آن هم از نوع رژیم شاهی. (گویا رژیم شاه خائن از ورود خبرنگاران آمریکایی جلوگیری می‌کرد!!)

www.takbook.com



## سند شمارهٔ ۱۴

**تاریخ: ۶ نوامبر**

**موضوع: گزارشات، سیاسی امنیتی.**

خسارت دیروز حساب شده و کاملاً گسترده بود.

فردای (مقصود از دیروز، روز ۱۴ آبان، فردای ۱۳ آبان، روز کشتار وحشیانه به وسیلهٔ رژیم خائن پهلوی در دانشگاه تهران می‌باشد. می‌بینیم که جناب سولیوان سفیر آمریکا در ایران نیز اعتراف می‌کند که خسارت دیروز حساب شده و کاملاً گسترده بود.)

خلاصه: دولت شریف امامی جای خود را به دولت نظامی تحت ریاست ژنرال ازهاری داد. اجرای قانون حکومت نظامی در تهران به عنوان یک دستور عمومی جدی صادر شد. جمعیت به عنوان مخالفت تجمع کردند، و حوادثی نیز اتفاق افتاده است.

بدون راهپیمایی جدیدی، آیت‌الله طالقانی مردم را به آرامش فرا خواند. دیروز ارتش، سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران (NIRT) را توقیف کرد تا از تخریب جلوگیری کند. دستگیریها (توقیفهای) دیگری نیز انتظار می‌رود. (سفارت) به شهروندان آمریکایی گفته که امروز در خانه بمانند. اطلاعیه مشترک سنجابی و خمینی، سازش را رد کرد و حکومت پادشاهی را غیرقانونی خواند. خسارت دیروز حساب شده و کاملاً گسترده بود.

۱ـ دولت شریف امامی در پی تظاهرات وسیع دیروز استعفا داده است و یک دولت نظامی تحت سرپرستی ژنرال غلامرضا ازهاری رئیس ستاد فرماندهی عالی به کمک رؤسای بخشهای انفرادی جایش را گرفته است. هر فرماندهٔ نظامی چندین وزارتخانه را سرپرستی می‌کند و انجام امور به طور روز به روز در دست معاونین است. شاه دیروز صبح سخنانی خطاب به ملت گفت.

۲ـ شاه به سفیر گفته است مجلس احتمالاً منحل خواهد شد. اما او (شاه) مطمئن نبود. (یادداشت: صحبتهای او در SEPTEL[1] حاوی این مضمون نبود.)

مخالفان دستگیر خواهند شد اما جبههٔ ملی، طرفداران بنی‌احمد یا پان ایرانیست (پزشکپور) دستگیر نخواهند شد. (تفسیر: این ممکن است احتمالاً مخالفان برجسته نظیر میناچی، مقدم و نهضت آزادی ایران را در معرض دستگیری قرار دهد).

۳ـ ادارهٔ حکومت نظامی تهران امروز صبح دستور تازه و جدی صادر کرد. به دنبال تکرار اطلاعیه قبلی ساعات جدید منع عبور و مرور از ساعت ۹ شب تا ۵ صبح، اداره حکومت نظامی (MLA) قوانین اولیه را تکرار کرد و آن اینکه اجتماع مردم از دو نفر یا بیشتر ممنوع شده است. به افراد متخلف نسبت به قوانین حکومت نظامی به وسیلهٔ یک افسر اخطار داده می‌شود و اگر آنها اطاعت نکردند سربازان بر رویشان آتش خواهند گشود. تمام مدارس تا ۱۲ نوامبر بسته شده است. سربازان در جنوب تهران و نزدیک دانشگاه متمرکز شده‌اند. سفارت گزارشاتی از تیراندازی در نزدیکی تالار رودکی در مرکز شهر دارد. تیراندازی شدید به وسیلهٔ سلاحهای اتوماتیک در محوطهٔ (اطراف) دانشگاه تهران (البته بیشتر تیرها هوایی بوده‌اند). دانشگاه بسته بود، اما دانشجویان به زور وارد محوطه شدند. پلیس سپس آنها را از محوطه بیرون کرد و آنها با صف سربازان در محوطهٔ اطراف دانشگاه به مقابله پرداختند. مردم

---

۱ـ SEPTEL ـ تلگراف جداگانه

www.takbook.com



همچنین نزدیک سفارت انگلیس که دیروز خساراتی به آن وارد شده بود جمع شدند و بنا به تقاضای ما سربازان برای حفاظت فرستاده شدند. سفارت آمریکا به هر حال تحت مراقبت نظامی است.

۴ـ ارتش شب گذشته نگهبانانی به سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران (NIRT) اعزام کرد و امروز صداهای افرادی پخش شد که با آنچه معمولاً شنیده می‌شد فرق داشت. سرپرستهای سازمان رادیو و تلویزیون استعفا کرده‌اند. امروز صبح فقط روزنامه رستاخیز منتشر شد.

۵ـ از قول مخالف برجسته، آیت‌الله طالقانی، امروز از طریق رادیوی دولتی دعوتی برای آرامش شد، و گفتند اعتراض‌کنندگان در خیابانها راهپیمایی نکنند؛ و این مسئله سؤالاتی را پیش می‌آورد از جمله اینکه تظاهرکنندگان امروز چه کسانی هستند؟

۶ـ شاه قبل از موافقت با دولت نظامی با چند تن از رهبران از جمله امینی و انتظام مشورت کرد. او (شاه) بازرگان یا میناچی را ندید و موقعیت جبههٔ ملی را تغییرناپذیر (غیرقابل انعطاف) تفسیر کرده است.

مأمورین سفارت بعد از ظهر روز ۵ نوامبر دریافتند که کریم سنجابی بیانیه مشترکی با آیت‌الله خمینی در پاریس منتشر کرده بود، که شامل سه نکته بود:

نکته ۱) حکومت پادشاهی با تخلفات دائمی از قانون اساسی، آدمکشی و فساد نباید مورد حمایت قرار گیرد.

نکته ۲) جنبش اسلامی ـ ملی نمی‌تواند یک حکومت پادشاهی غیرقانونی را تأیید کند.

نکته ۳) حکومت (دولت) ایران باید براساس اصول دمکراسی باشد. «به وسیلهٔ صدای مردم تأیید شود» (جملهٔ «به وسیلهٔ صدای مردم تأیید شود» را سخنگوی جبههٔ ملی برای مطبوعات ملی به معنی «رفراندم به وسیلهٔ مردم» بیان کرد، اگرچه سخنگوی جبههٔ ملی شاهپور بختیار به مأمورین سفارت و بازدیدکنندگان گفت که او (بختیار) فکر می‌کرد که آن صرفاً انتخابات آزاد معنی می‌دهد.) تعبیر بختیار از توافق آن بود که آن توافق راه را برای امکان دخالت مذهبی میانه‌رو در دولت باز می‌کند، اما ناظران محلی برجسته موضوع را از دید پیروزی برای خمینی نگاه می‌کنند. بختیار یک پیام تلفنی از پاریس دریافت کرد که او را آگاه کرده‌اند که دانشجویان ایرانی رادیکال، مخصوصاً «کنفدراسیون آلمان» خیلی ناامید بودند «که خمینی اینقدر ملایم بوده است.»

۷ـ خشونت دیروز، انتخابی (یعنی از قبل برنامه‌ریزی شده. مترجم) و بسیار سنگین بود در بخشهای وسیع شهر هر بانکی غارت شده و یا در حال سوختن بود. شرکتهای مسافرتی تئاترها، مشروب‌فروشی‌ها و چندین هتل خراب شده و یا به شدت آسیب دیده بودند. شورشیان همچنین اتوبوسها و اتومبیلهای زیادی را سوزاندند. وزیر اطلاعات، عاملی تهرانی، را طبق گزارشات کتک زده‌اند، هنگامی که برای آتش زدن وزارتخانه او، به آنجا حمله شده بود. نظم عمومی در مرکز تهران برای چندین ساعت مختل شد. در جاهایی که سربازان آماده بودند برای جلوگیری از حمله به ساختمانها، آنها (سربازان) اقدامی انجام نمی‌دادند و یا اقدام جزیی انجام می‌دادند. بر طبق گزارش کنسولگری‌های تبریز و اصفهان، هیچ آشوب خاصی دیروز در آنجاها نبود. در تبریز تظاهرات بدون خشونت بود. بر طبق گزارشات کنسولگری، شیراز، یک تظاهرات وسیع در ۴ نوامبر و یکی دیگر دیروز انجام شد. این‌بار (تظاهرات دوم) نتیجه‌اش به شلیک کردن سربازان منتهی شد. گزارشاتی از کشته شدن دو نفر موجود است. گاز اشک‌آور باعث تخلیه بیمارستان سعدی شد. امروز جمعیت زیادی در چمن دانشگاه پهلوی در حال

www.takbook.com



گرد آمدن هستند. **سولیوان**

**موضوع: اولین عکس‌العمل در مقابل سخنرانی شاه**

۱ـ یک عکس‌العمل مخالف که ما داریم از طرف سخنگوی حقوق بشر و فرد مذهبی، میناچی، است. او (میناچی) گفت سخنرانی (سخنرانی شاه) بد نبود اگر (مدت) دولت نظامی کوتاه شود و راهی باز گذارد تا به آسانی یک دولت جدید مصلحتی موقت، به وجود آید. مدتی پیشتر در همان روز، سخنگوی جبههٔ ملی راجع به لزوم نگهداری اتحاد و آرامش و خودداری از «هیجانهای غیرمنطقی» صحبت کرده بود. این در ردیف سخنان آیت‌الله طالقانی (حامی خمینی) است که امروز توده‌ها را مخاطب قرار داد تا از کشمکش خودداری کنند، تا به خاطر آتش‌سوزی، تخریب و خونریزی مورد سرزنش قرار نگیرند. رهبر سیاستمدار مخالف، مقدم (مراغه‌ای)، همچنین احساس می‌کرد که سخنرانی (سخنرانی شاه) خوب به نظر می‌رسید. بالاخره رهبر جبههٔ ملی بختیار به ما گفت که او فکر می‌کند سخنرانی «آرام و منطقی» بود.

۲ـ تجار آمریکایی، که از قرار معلوم عکس‌العمل شرکای ایرانی خود را منعکس می‌کنند، مخصوصاً از تذکر شاه در مورد برقراری دوباره قانون و نظم خوششان آمده بود. عضو اتحادیهٔ بانکداران ایرانی، با توجه به درسی که از گذشته می‌توان گرفت، یک دست محکم (شاید منظور ارادهٔ ثابت و محکم است. مترجم) به وسیلهٔ شاه در سخنرانی می‌دید.

۳ـ یک خانم وفادار به شاه و دولت و عضو مجلس (پارلمان) فکر می‌کرد که سخنرانی خوب بوده، اما یادآوری کرد که اهمیت آن بستگی دارد که چگونه بر روی تظاهرکنندگان در خیابانها تأثیر بگذارد. دولت برای به دست آوردن دوبارهٔ اعتبار خود، نیاز به یک کارهای عملی دارد. روزنامه‌نگاران باسابقهٔ ایرانی یادآور شدند که یک نکتهٔ مهم، که از این سخنرانیِ خوب افتاده بود، این بود که هیچ ذکری از تنبیه کسانی که در گذشته مرتکب اشتباه شدند، به میان نیامد. او (خبرنگار) فکر می‌کرد که این یک از قلم افتادگی است و باید در نظر گرفته شود.

۴ـ حاصل یک نمونه‌برداری مختصر که به وسیلهٔ افسران انجمن روابط بین‌المللی از کارمندان ملی عالیرتبه، یک وکیل مجلس (سناتور)، یک قاضی بین‌المللی بعضی از اعضای هیئت رئیسهٔ سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، رئیس دانشگاه، یک استاد دانشگاه و دو تاجر ایرانی به عمل آمد، یک توافقی کلی به شرح زیر بود:

الف) سخنرانی کلاً مورد توجه بود، این خوب است که شاه از اعمال گذشته معذرت خواهی کرد و از جنبش مداوم برای دمکراسی پشتیبانی کرد.

ب) سخنرانی باید ماهها قبل ایراد می‌شد، ممکن است خیلی دیر شده باشد.

ج) دولت نظامی برای مدت زیادی دوام نمی‌آورد، اما ممکن است فعلاً اوضاع را آرام کند.

د) همه به تواناییهای ارتش مشکوک هستند، که به خاطر بی‌تجربه‌گیش در امور داخلی بتواند در مدت زمان طولانی جای دولت را بگیرد.

ه) آنهایی که نخست‌وزیر جدید را شخصاً می‌شناسند، راجع به او به عنوان یک افسر فسادناپذیر و شریف صحبت می‌کنند.

www.takbook.com



۵ـ نمونه‌برداری خیلی کوچکی از دانشجویانی که کلاً عیب‌جو بودند نشان می‌دهد که آنها عقیده داشتند که خشونت دیروز با دقت ترتیب داده شده بود تا مجوزی برای تحمیل حکومت نظامی باشد. به عقیدهٔ این دانشجویان در مورد اعتبار شاه جای بسی سؤال است. سولیوان امضاء

## سند شمارهٔ ۱۵

**از: سفارت آمریکا ـ آنکارا** **محرمانه ـ ۱۹ ژوئن ۷۹ ـ ۵۸/۳/۲۹**
**به: وزارت خارجه ـ واشنگتن** **شمارهٔ سند: ۴۶۴/۷/۱**
**گزارشگر: اسپایزر**

**موضوع: سفر وزیر خارجه ترکیه به ایران**

۱ـ (تمام متن یک پیام اطلاعی است).

۲ـ خلاصه: وزیر امور «خارجه ترکیه اوکان معتقد است که (مذاکرات خوبی) با مقامات رژیم انقلابی ایران دارد. موافقت اصولی در زمینهٔ توسعهٔ همکاریهای فنی و اقتصادی بوده، ولی در جزئیات موافقت کمی بوده و او معتقد بود ایرانیها خواستار روابط بهتری با آمریکا هستند، ولی سوءظن دارند، آنها دلخوشی از روسیه و اسرائیل نداشتند و علاقه‌ای به سازمان عمران منطقه‌ای[1] و حمایت اخلاقی از شورشیان افغانی ندارند.

۳ـ به تقاضای سفیر توضیحات بیشتری توسط اوکان در نتایج سفر تهران داده شد. هدف از شروع ارتباط (آغاز مذاکرات مفید) با رژیم انقلابی ایران حاصل شده در مراحل وسیع همکاریهای اقتصادی ـ فنی پایه‌ها مستحکم شده است. ایرانیان ظاهراً پاسخ به ندای همکاری بیشتر سیاسی با ترکیه دادند، هر چند مشکل بود. به دلیل عدم آمادگی ایرانیان جهت بحث در زمینه‌های مشخص مثل تجدید بنای کمیسیونهای مشترک، پیش‌بینی آینده روابط مشکل است. توجه اساسی آنها به مسایل داخلی بیش از خارجی است و ایرانیان وانمود می‌کردند کنترل کامل را در دست دارند ولی اوکان بدبین بود.

۴ـ در جریان اقامت، معاون نخست‌وزیر و وزیر خارجه میزبان هیئت بوده‌اند. به علاوه وزیر خارجه با بازرگان ـ نخست‌وزیر ـ ۴۰ دقیقه ملاقات داشته و حدود یک ساعت و نیم با آیت‌الله خمینی. ضمناً ملاقاتهای ساده‌ای با دیگر وزراء و رئیس شرکت نفت داشته است.

۵ـ اظهارنظر وزیر خارجه ترکیه در مورد خمینی، یزدی، بازرگان و شریعتمداری:

خمینی: یک انقلابی سرسخت اسلامی است که حاضر نیست، هیچ گذشتی برای دیگر ایدئولوژی‌ها داشته باشد و او را به یاد اسقف ماکاریوس می‌انداخت. به نظر می‌رسید قویاً مخالف غرب به دلایل

---

۱ـ حالا دیگر باید همه باور کرده باشند که آمریکا شیطان بزرگ است و باید پذیرفت نمی‌توان با بی‌اعتمادی و سوءظن خواستار روابط بهتری با شیطان بزرگ بود. چه، یا ما باید شیطان بزرگ را مسخر قدرت الهی امت بسازیم و یا شیطان بزرگ ما را به بند اسارت خواهد کشید.

۲ـ یک رژیم انقلابی که در حال نبرد با شیطان بزرگ است، باید بیشتر متوجه مسایل خارجی باشد، یا داخلی؟

جواب این سؤال را امام داده است، با تمام گرفتاریهایی که داریم با جهان برخورد مکتبی می‌کنیم و انقلاب خودمان را به تمام عالم صادر می‌کنیم و در این راه گرفتاریها و عدم تسلط کافی بر اوضاع هم عذر موجهی نمی‌باشد.

راه تداوم انقلاب توجه بیشتر به مرزها، به دشمن در خانه‌اش و نبرد تا آخر عمر با آمریکا (پیام امام) می‌باشد و این ضامن تسلط و حفظ اوضاع داخلی می‌باشد.

۳ـ این مطالب در حد اظهارنظر وزیر خارجه ترکیه اعتبار دارد.

www.takbook.com



فرهنگی و مذهبی است. ملاقات با آیت‌الله در شرایط غیرمعمول حضور خبرنگاران و تلویزیون بود.
یزدی: خودش را خوب نشان داده و با دید مدرن ولی زیربنای ایدئولوژی اسلامی قوی است. او رابط بین خمینی و دولت بازرگان است و روابطش با نخست‌وزیر دوستانه است. وضع آینده روشن نیست و به نظر او یزدی ضد غربی نیست و توجه به بهتر کردن روابط با آمریکا دارد.
بازرگان: یک سیاستمدار کهنه‌کار به همکاری با ترکیه علاقه‌مند بود و از شروع مذاکرات خوشحال بود. نقطه نظراتش از یزدی آزادانه‌تر بود.
شریعتمداری: مورد علاقهٔ وزیر خارجهٔ ترکیه بود. او دریافت که آیت‌الله ترک خیلی دمکرات‌تر و انسان‌دوست‌تر از خمینی می‌باشد و خواهان روابط بهتر بین دو آیت‌الله بود چون روابط ضعیف بودند، و آنها بر سر مسایل قانون اساسی نزاع داشتند.
۶ـ مطالب متفرقه: روابط ایران با آمریکا، شوروی، عراق، افغانستان و نفت.
به نظر وزیر امور خارجه ترکیه، ایران درصدد بنای روابط خوبی با آمریکا است[1] ولی شدیداً در مورد مسایلی مثل انتقاد سنا از حقوق بشر حساس شده است. وی توصیه کرد با احتیاط بایستی سعی در اطمینان دادن به جلب همکاری اقدام شود و امیدوار بود که مسئول جدید را به تهران معرفی کنیم. سفیر در مورد رد کاتلر پس از قبول اولیه اشاره کرد که برای واشنگتن هضم این‌طور مسایل بسیار مشکل است. سفیر یادآور شد که کارتر دایره خویشتن‌داری قابل توجهی در قبال حقوق بشر در ایران انقلابی داشته است. اگرچه حکومت شاه را نیز در این موضوعات مورد انتقاد قرار داده است.
در مورد روابط با روسیه وزیر گفت که ایرانیان تمایلی به روسیه ندارند و یکی از عوامل آن مربوط به حمایت شوروی از گروههای مخالف است.
برعکس نظر او به او گفته‌اند ایرانیان معتقد نیستند که آمریکا فعلاً درگیر این نوع مداخله در جریان شده است. بدترین موضع‌گیری در قبال اسرائیل است.
احساسات خیلی تند بوده و به اعتقاد ایرانیان، اسرائیل با بازمانده‌های ساواک برای ایجاد مزاحمت بین گروههای مختلف هماهنگی می‌کند.وضع عراقیها برای ایرانیان مفهوم نیست. به خصوص در خوزستان که کمک به مخالفین باور شده است.
برای شورشیان افغانستان حداقل ایرانیان همبستگی معنوی نشان داده‌اند. به نظر ایران حکومت تره‌کی مواجه با مشکلات رو در رو است.ایرانیان علاقه‌ای به همکاریهای منطقه‌ای تحت سازمان RCD به عنوان وسیله‌ای برای پیشبرد همکاریهای منطقه‌ای ندارند و در عوض خواستار معاملات دوجانبه هستند. ایرانیها در جریان معرفی کاردار سفارتی در آنکارا هستند (و کنسول برای استانبول) و دلیل اعزام کاردار به جای سفیر به ترکیه روشن نیست. در مورد مذاکرات نفتی وزیر خارجهٔ ترکیه بسیار راضی بود، با توجه به افزایش حجم تجارت فرآورده‌های نفتی در سال ۸۰.
تفسیر: نظریات شخصی وزیر کمتر از نظر، نظرات کاملاً مثبت مطبوعات در مورد سفر به ایران گزارش

---

۱ـ با توجه به فرمان ۲۲ بهمن امام که بحق باید منشور انقلاب نام گیرد «ما تا قطع تمام وابستگیهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی به آمریکا به نبرد قاطع خود علیه این جهانخوار بیرحم ادامه خواهیم داد. و یا ما تا آخر عمر با آمریکا مبارزه خواهیم کرد. به خودی خود، قصد بنای روابط خوب با نظام غارتگر (البته نه بزعم عده‌ای دوست) آمریکا خنثی و غیرعملی گشته. و البته اگر روشنفکران خودباخته بگذارند. نظر دربارهٔ اسامی تحلیل شخصیت‌ها می‌باشد و جنبه اظهارنظر و تحلیل داشته و جنبهٔ سندِ تنظیم شده و یا خبر اطلاعاتی ندارد.

www.takbook.com



شده است. حکومت ترکیه آشکارا، سعی در بهتر کردن وضع مشکل موجود با دولت انقلابی جدید دارد. زمان نشان خواهد داد که کلمات شیرین در مواجهه با عمل، همکارهای‌های فنی و اقتصادی، چگونه خواهد بود.

**سپیرز**

www.takbook.com



## سند شماره ۱۶

**از: سفارت تهران** **تاریخ: ۷۹ / آگوست / ۱۹ ـ ۵۸/۵/۲۷**

**به:**

**گزارشگر:**

**شمارهٔ سند: ۹۱۷۴**

### موضوع: ساختن پلهایی به شیعهٔ اسلام

تحلیل: در حال حاضر مقداری بی‌نظمی و خطر در ایران وجود دارد. قدرت پراکنده است و حتی تصمیمهایی نسبتاً ساده نیز اغلب عقب می‌افتند. چون مسئول آشکاری ندارند. بنابراین غیرعملی است که سعی شود، نقشه‌ای طرح شود بیش از یک ساختمان قدرت آزمایشی که بعضی گروهها و نهادهای مؤثر را مشخص می‌کند. البته این حتی مشکل‌تر است که بدانیم چه کسانی بازیگران این یک سال و حتی مهم‌تر، بازیگران ده سال دیگر ایران می‌باشند.

این بدون شک برای آمریکا بسیار مورد علاقه و مهم است، که شروع به ساختن عملی و محتاطانهٔ پلهایی به گروههایی بکند که به نظر می‌آید به طور حتم رلهای بزرگی در طی ده سال آینده در ایران بازی کنند. تاریخ ایرانیان، حوادثی که منجر به رفتن شاه شد و موقعیت در حال حاضر همگی نشان می‌دهد که رهبران مذهبی شیعه به طور حتم یکی از گروههائی هستند که رل مهمی در ایران بازی می‌کنند، حتی بدون توجه به نوع حکومت و ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه.

۳ـ در عین حال که ثابت شده در ایران ریشه‌های عمیق و زندهٔ وابستگی به شیعه اسلام را دارد و همین سبب شود که روحانیت تأثیر بسیار بزرگ و مداومی روی ایران داشته باشد. اما با این حال این نیز آشکار است که آمریکا در حال حاضر قدرت کمی دارد تا بتواند با این طبقه و قالب فکری علما آشنایی پیدا کند؛ ما نمی‌دانیم آنها از کجا آمده‌اند؟ به عکس علما دانسته‌های کمی از مفهوم اندیشه غربی دارند. برای بدتر ساختن موضوع هر دو طرف قضیه با انبانی از اطلاعات سطحی و گمراه‌کنندهٔ تحمیلی روبرو هستند.

۴ـ بدبختانه راه حل سرعتی برای پر کردن شکاف بین آمریکاییها و روحانیت شیعه وجود ندارد. در این مورد، تمایل آمریکایی برای برنامه‌های شکننده و سریع به طور ناامیدانه‌ای نامناسب است. دستپاچگی و دعوت یک ملا به نهار، فرستادن نشریات ما برای روحانیت، یا حتی فکر برنامه‌هایی با آنها در مغز هم نه تنها مشکل را کاهش نمی‌دهد، بلکه وضع را بدتر می‌کند.

۵ـ انتقال و تبادلهای قراردادی با انستیتوها و مدارس مدرن ایرانی کار کمی در ایجاد ارتباط میان آمریکاییها و علما انجام می‌دهد. هزاران ایرانی در آمریکا یا اروپای غربی تحصیل کرده‌اند، اما وقتی که به ایران باز می‌گردند آرمانها و طرز زندگی آنها تأییدی بر نظرات و عقاید علماء در قبال ارزشها و مفاهیم غربی است. در اشتیاق آنها به جذب ( ) یک دیسیپلین و یا تکنولوژی خاص، دانشجویان ایرانی دیدگاهها و اطلاعات اندکی دربارهٔ اندیشهٔ سنتی ایرانی در اختیار آمریکاییها می‌توانند بگذارند.

مجذوبیت و یا اشتغال ذهن آنها به امور سیاسی زودرس و اطلاعات کم آنها از بدن بزرگ اندیشهٔ اسلامی، توانائی آنها را در وارد شدن به بحثهای معنی‌دار با معدود آمریکاییانی که برای کشف نهادها و قالبهای کلی خارجی (مثل روحانیت) آماده شده‌اند، (توانایی آنها را) کم می‌کند.

www.takbook.com



۶ـ POST (سفارت) پیشنهاد یک تبادل شاگرد را کرده است. به طوری که تحت طرح فولبرایت یک یا دو شاگرد پیشرو (مترقی، را از مدرسه فیضیه در قم ـ جایی که بسیاری از رهبران مذهبی بسیار مؤثر در آنجا تربیت شده و درس داده‌اند، شامل آیت‌الله خمینی ـ به یک مدرسهٔ مناسب آمریکایی مانند[1] برای دو سال منتقل کنند. سال اول صرف می‌شود برای مطالعهٔ زبان انگلیسی و کشف اندیشهٔ غربی و سال دوم موقعیتی فراهم می‌کند برای بحثهای عمیق با آمریکاییان مجرب و ممکن است شامل بعضی تدریسهای رسمی نیز باشد. در همین موقع یک یا دو آمریکایی فارغ‌التحصیل یا دو پرفسور جوان از «یونیون» تئولوژیکان (دین‌شناسی) یا انستیتوها شبیه دیگر برای تحصیل خواهند آمد و گاهی اوقات هم در بحثهای دسته‌جمعی با سایر همشاگردیها در قم شرکت می‌کنند.

۷ـ پُست POST دریافته است که ایجاد تماس مؤثر با مدرسهٔ فیضیه احتیاج به مقدار زیادی وقت، کوشش، شکیبایی و حضور ذهن دارد. موانع جلوی موفقیت بسیارند. اما پُست ارتباطهای دوستانه‌ای با کسانی که فیضیه را می‌شناسند دارد و ممکن است به عنوان یک واسطه با احتیاط البته بدون مطرح کردن هیچ مأموریتی بتواند عمل کند. POST به عنوان اولین قدم پیشنهاد می‌کند، که اگر طرح از لحاظ آژانس خوب است آژانس امکان تبادل را با نهادهای آمریکایی مشخص بررسی کند. در اینجا

**گریوز** GRAVES

---

۱ـ اتحادیه مدارس مذهبی UNION THEOLO GICAL Seminary

www.takbook.com



**مقدمه:**

ریشه‌های گندیده فرهنگ غرب (آمریکایی) مسلماً به راحتی و در زمان اندک از بین نخواهد رفت. فقط اعتقاد راسخ به منحط بودن این فرهنگ و ایجاد زمینه‌های رشد فرهنگ اسلامی و نابودی فرهنگی غربی، امکان ساخت فرهنگ انقلابی را به وجود می‌آورد؛ و می‌بینیم که در زمانی که دولت موقت به راحتی از کنار همه مسئله می‌گذرد (و از جمله این مسئله) چگونه کار در جهت عکس انجام می‌گیرد و لانهٔ جاسوسی آمریکا این امکان را می‌بیند که برای اولین گام در جهت بهبود وضعش از همین حربه استفاده کند؛ فیلم، نمایش (که هدف از آن ترویج مصرف کالاهای غربی است) کلاسهای درس و به این طریق زمینه‌های خشم توده مردم را که تمام بدبختیهای خود را از آمریکا می‌داند از بین ببرد تا حساسیت و نسبت به حرکات آمریکایی کمتر شود و دست آقایان برای نوسازی دوبارهٔ همان روابط سابق، باز شود.

**سند شمارهٔ ۱۷**

**از: سفارت آمریکا در تهران** **طبقه‌بندی: اداری محدود ـ تاریخ: ۵۸/۸/۶**

**به: واشنگتن** **شمارهٔ سند ۱۳۷۶**

**گزارشگر: ح. گریوز**

**موضوع: برنامه نیازمندیهای آژانس ارتباطات بین‌المللی در ایران**

۱ـ بعد از انقلاب. مرکز لازم دانست که اعضا و فعالیت خود را کم کند. تقاضا کرد که برنامه پشتیبانی از سرویسها کاهش پیدا کند و یا به حالت تعلیق در آید.

۲ـ اکنون جو در ایران به اندازهٔ کافی پایدار شده است و اجازه می‌دهد که فعالیتها از سر گرفته شود. مرکز ایران و آمریکا در تهران، برای مثال یک سری فیلم و دو نمایش ایرانی در تئاتر IAS[1] به تازگی شروع کرده است. همچنین نمایشگاه یک نقاش ایرانی و کارهای هنر بچه‌های ایرانی، کنسرت پیانو برای ماه نوامبر برنامه‌ریزی شده است و در حدود ۳۵۰۰ دانشجو در کلاسهای انگلیسی ثبت‌نام کرده‌اند. کتابخانه در حدود ۱۵۰ نفر را به خود جذب کرده و حدود ۲۰ تا ۳۰ تقاضا برای اطلاعات پر می‌کنند. سرویس مشاورهٔ دانشجویی در مقابل زیادی درخواستها با مشکل روبروست. مراکز فرهنگی در اصفهان و شیراز نیز فعال می‌باشند. کمیسیون دوباره دارد ردوبدل‌کردنها را شکل می‌دهد و دولت ایران اخیراً کاندیداهایی برای نمایندگی تعیین کرده است.

۳ـ جو در ایران و اهداف «پست» بشدت نوع برنامه‌ریزی را محدود می‌کنند. حساسیت ایرانی‌ها از همه چیز بجز موسیقی کلاسیک احتراز می‌کند. هیچ فیلم و نمایش یا رقص که بتوان مسایل جنسی را به طور آشکار در آن آورد ممکن نیست. به عبارت دیگر مرکز می‌تواند از هر چیزی که علاقه آمریکا را به اسلام و فرهنگ ایرانی و احترام به خانواده و فرزند و ارزشهای معنوی و پیشرفت جهان سوم و... نشان دهد به طور بسیار خوبی استفاده کند و حساسیت ایرانیان در زمینه‌های (حقوق بشر، صلح خاورمیانه کمپ دیوید، و نگرانی امنیتی آمریکا) ارائه طرحهای آمریکا را مشکل می‌کند.

۴ـ نکته اساسی که (پست) مرکز باید به آن توجه کند، این است که باید سوءظن ایرانیها را نسبت به این موضوع که آمریکا می‌خواهد انقلاب ایران را خراب کند و یا اینکه نمی‌خواهد با ایران در برنامه‌هایی که

---

۱ـ انجمن ایران و آمریکا

www.takbook.com



به سود دو طرف است همکاری کند، را کاهش دهد. البته مرکز متوجه است که این موضوع بـرای دستیابی مشکل است و برای برنامه‌ریزی آن برنامه طولانی مدت ارتباطی لازم دارد.

ایرانیها روشهای گذشته آمریکا را به یاد می‌آورند. لذا مرکز ایران و آمریکا باید منابعی را اختصاص به فعال کردن بدهد که ممکن است حاشیه‌ای به نظر برسد. به عبارت دیگر:

یک سرویس که براساس کتابخانه است و بر روی تاریخ ایران و فرهنگ ایران و مذهب و فلسفه ایران، مشورت دانشجویی، سخنرانیها با توجه به ارزشهای روحی، تاریخ اسلام، فرهنگ فارسی و مسایل جهان سوم و فیلم و ویدئو که علاقه آمریکا را در ارزشهای روحی و خانواده و فرزند و حفاظت از محیط زیست و... داشتن روابط دوستانه با ایران انقلابی نشان دهد، متمرکز کند.

۵ـ مرکز بنابراین تقاضا می‌کند که برنامه نمایندگی دوباره از سرویسها پشتیبانی کند. منجمله تهران را به عنوان یک آدرس برای دستیابی به خبرها و شرکت‌کنندگان معرفی کند.

مرکز تشخیص داده است که بیشتر آنچه به مراکز به وسیلهٔ نمایندگی پیشنهاد شده است، در حال حاضر برای ایران مناسب نیست. اما مرکز از تعداد کمی از آنها که برای ایران مناسب است، استفاده مـی‌کند. همچنین مرکز تقاضا می‌کند که فعالیت PGM، ECA در برنامه‌ریزی که با توجه به احتیاجاتی که در پاراگراف ۴ این پیام تهیه می‌شود نیز دخالت کند.

۶ـ مرکز تقاضا می‌کند که در مورد USICA متعلق به ایران نمایندگی مـحدودیتهای بـرنامهٔ پشـتیبانی سرویسهایی را که مرکز برای پیشنهادهایی را که نسبت به پروژه‌های پیشنهادیشان اصلیت ندارد به حالت تعلیق در آورند، چون USICA متعلق به ایران، هیچ پروژه پیشنهادی ندارد. مرکز نیز به طور کامل در برنامه‌ریزی آینده نمایندگی شرکت خواهد کرد.

گریوز

www.takbook.com



**مقدمه**

بدون شک آمریکا به خاطر شکست سختی که در ایران می‌خورد و غافلگیری که به خاطر شکل انقلاب به آمریکا دست می‌دهد، تئوریسین‌ها را طبیعتاً به این فکر خواهد انداخت که عواملی را شناسایی کند، که از اسباب این انقلاب بوده‌اند و بدون شک فرهنگ و روح اسلامی حاکم بر انقلاب و موج نو تفکر اسلامی از بارزترین حربه‌های انقلاب می‌باشد و بدین روست که می‌بینیم در پی تحقیق و موشکافی در این نحوه تفکر و فرهنگ برمی آیند و بی‌دلیل نیست که وزارت امور خارجه آمریکا یک نسخه از مجلات راجع به دکتر را خواهان است.

**سند شمارهٔ ۱۸**

**از: سفارت تهران** **تاریخ**

**به: سفارت پاریس** **شماره ۱۳۲۷/۱**

**گزارشگر: پترسون**

**موضوع: روزنامه فرانسوی در مورد شریعتی**

۱ـ سفارت فرانسه با ما تماس گرفت و گفت که مجله هفتگی در پاریس به نام LES NOUVEL LES LITTERAIRES اختصاص داده، تمام مطلب خود را در همه ۱۴ ـ ۷ دسامبر به متفکر ایرانی دکتر علی شریعتی (که عقیده‌اش اهمیتی زیاد را در موقعیت کنونی در اینجا دارد). اختصاص داده. ممنون خواهیم شد اگر یک کپی از این مجله را در اسرع وقت به سفارت آمریکا (قسمت سیاسی) ارسال فرمایید. مخارج آن نیز تأمین می‌شود.

۲ـ در نظر بگیرید که اداره یک یا دو عدد کپی می‌خواهد (برای ایران و INR)

سولیوان

www.takbook.com



**از: سفارت تهران** **طبقه‌بندی: محرمانه**
**به: واشنگتن** **تاریخ: ۵۸/۸/۳**
**گزارشگر: لیمبرت**
**ویهینگن: اطلاعات: مدرنیزه آیا شانسی وجود دارد**
**جهت اطلاع کنسولگری در سفارت ابوظبی، آنکارا، بغداد، دوبی، استانبول، جده، کابل، کویت، لندن، پاناما، مسکو، مسقط، پاریس**

۱ـ تمام مطلب محرمانه

۲ـ خلاصه: گروههای سیاسی میانه‌رو ایرانی که خیلی در زمان انقلاب ایران فعال بودند و سابقه طولانی در مخالفت با شاه داشتند، توسط اشخاصی و گروههایی که در مورد اسلام کوتاه‌بین متعصب[1] هستند. تحت فشار قرار گرفته‌اند در چند هفته قبل گروههای میانه‌رو که تمایل به داشتن یک جامعه متعادل شبیه به سوسیال دمکراسی غرب[2] هستند، بیشتر مورد بحث قرار گرفته‌اند.

آنها به طور مستقیم انگشت روی آیت‌الله خمینی نمی‌گذارند؛ بلکه اکثراً ضعفهای رژیم کنونی ایران را مورد حمله خود قرار می‌دهند. موقعیت این گروههای سیاسی ناپایدار است. آنها خودشان را با چند سخنگوی غیر روحانی، چند روحانی لیبرال و چند روزنامه نشان می‌دهند، ولی با همین حال هیچ نیرویی در مقابل دولت و اوضاع سیاسی ایران ندارند. این گروهها فقط در این موقعیت هستند که خود را تا آنجا که نظر مخالف خویش را نسبت به قانونگذاران جدید بیان کنند، سازمان دهند.

۳ـ نقش افراد روحانی و غیرروحانی میانه‌رو:

.... سر وراثت هنوز باهم بحث دارند. چون که افراد انقلابی همچون متین دفتری ـ نزیه ـ فروهر ـ سنجابی ـ بازرگان تحت‌الشعاع خمینی و دوستان و همفکران او (!) که حکومت ایده‌آل را مذهبی می‌داند، می‌باشند. همه حمایت‌کنندگان خمینی روحانی نیستند: بعضی از آنها آخوندهای بدون عبا و عمامه مثل قطب‌زاده، یزدی، چمران و طباطبائی و دیگران هستند. اینها روزنامه و مطبوعات شورای انقلاب و مجلس خبرگان را در دست دارند.

آنها مخالفان خودشان را به ستوه درآوردند و نادیده گرفتند.

بازرگان هنوز بدون قدرت است، متین دفتری و نزیه پنهان هستند، فروهر نادیده گرفته شده و سنجابی ساکت شغلش را با تنفر ترک و کشور را ترک کرده است.

۴ـ البته هنوز موضع گروههای میانه‌رو سیاسی خیلی حساس است. در چند هفته قبل آثاری نشان داده‌اند که اینها زنده هستند. با وجودی که ارگانهای مهم آنها یعنی روزنامه‌های آیندگان و آهنگر در ماه اگوست تعطیل شده است. اما آنها انتشار روزنامه‌های کوچک را شروع کرده‌اند مانند خلق مسلمان، توسط حزب خلق مسلمان، جنبش، توسط علی‌اصغر حاج سید جوادی؛ جبههٔ آزادی، توسط حزب ایران؛ آزادی، توسط جبههٔ دمکراتیک ملی. البته تکثیر آنها بسیار محدود است و بنابراین نفوذ کمتری از

---

۱ـ اسلام اصیل و اسلامی که بدون التقاط از شرق و غرب بتواند ایدئولوژی حاکم بر انقلاب گردد مسلماً باعث رنجش جهانخواران است، چراکه نفوذ در آن محال است و باید که در این برهه از زمان نسبت به اسلام نازک‌بین بود چراکه مکاران جهانخوار در کمین‌اند که از کوچکترین ناخالصی برای رخنه استفاده کنند.

۲ـ به یاد بیاوریم تأکید بسیار امام را در برابر مسئلهٔ فقط جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر.

www.takbook.com



روزنامه‌های یومیه مانند کیهان، اطلاعات و بامداد دارند.

آنها معمولاً نکات حساس و نیز حوادث را می‌نویسند و تحلیلها اکثراً با نظرات رسمی متفاوت هستند.

۵ـ در شش هفته قبل، حزب خلق مسلمان جلساتی را بعدازظهر جمعه در مقر خود در تهران برقرار کرده. در جلسه اول حدود ۱۰۰ نفر شرکت کردند. نمایندهٔ سیاسی سفارت و کمک یارانش به جلسه رفتند[1] در تاریخ ۱۹ اکتبر در حدود ۱۵۰۰ نفر در جلسه شرکت کرده بودند.

افراد شرکت‌کننده اکثراً یا از طبقه متوسط یا از افراد تحصیلکرده بودند و تعداد زیادی زن، بعضی چادری و بچه و چند فرد روحانی نیز دیده می‌شدند.

سخنگویان آقای احمد علیزاده: معاون حزب خلق مسلمان و رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای رئیس نهضت رادیکال و نماینده آذربایجان شرقی در مجلس خبرگان بودند.

در حالی که تماشاچیان و گویندگان هیچ علاقه‌ای به دولت قبلی (شاه) نداشتند مقداری کمی از خمینی نام برده شد، اما هیچ جمله که با آمریکا مخالفت کند گفته نشد.

۶ـ سخنگو، حسابی آخوندبازی و مجلس خبرگان را کوباند، که این مجلس می‌خواهد قانون ولایت فقیه را تصویب کند که دیکتاتوری عبا و عمامه است.[2]

یکی از سخنگوها وقتی که گفت: «ما اسلام دکتر شریعتی را می‌خواهیم و ما اسلام... نمی‌خواهیم» و آن قسمت را خالی گذاشت تا جمعیت پر کند با تشویق حضار روبرو شد.

هر دو نفر، مقدم مراغه‌ای و علیزاده راجع به ولایت فقیه انتقاد داشتند، تا آنجا که گفت: «این موضوع یک خیانت است که ما نسبت به نسل بعد مرتکب می‌شویم، ما انقلاب نداشتیم که استبداد را به شکل دیگری اعمال کنیم.»

در جلسه خصوصی اعلام داشتند که:

مقدم مراغه‌ای گفت که رهبر مذهبی هم اکنون تشخیص نداده که قادر نیست ولایت فقیه را در شکل کنونیش، به ایرانیان قالب کند. مجلس خبرگان قرار است جلسه‌ای شوری بر روی آن بگذارد. امیدوارم یک چیزهایی در آن اصلاح شود.

۷ـ میانه‌روها در مخالفت با ولایت فقیه متحدین از میان روحانیون هم پیدا کرده‌اند، مثل آیت‌الله نوری و آیت‌الله شریعتمداری که معتقدند اگر چنین اصلی کاملاً تعریف شود؛ سرانجام به دیکتاتوری منتهی می‌شود.

یکی از چیزهای جالب در این روزها ورود پسر آیت‌الله خمینی، سیداحمد خمینی به این بحث است. در این موضوع خمینی جوان، در موقعیتی است که با میانه‌روها که می‌گویند عاقبت این ولایت فقیه اگر کاملاً تعریف نشود خطرناک است، همفکر است.

سفارت این موضوع را جداگانه بحث خواهد کرد.

۸ـ حرف‌های تند میانه‌روها این روزها می‌تواند از سرخوردگی آنان نسبت به بعضی از جنبه‌های انقلاب، منجمله روندهای موجود به سوی انحصارطلبی روحانیون منشأ بگیرد.

میانه‌روها از نقاط ضعف دولت در بعضی موارد برای جذب نفرات و عضو استفاده می‌کند مانند حزب

---

۱ـ چنان به این گروهکها دلبسته‌اند که در مجامع آنها نیز شرکت می‌کنند، یعنی بیشتر و بهتر آنها را شناسایی می‌کنند.

۲ـ و امام بارها گفته است آنانی که روحانیت را می‌کوبند و می‌خواهند روحانیت از بین برود مسلماً از ایادی آمریکا هستند.

www.takbook.com



ایران، جبهه ملی، حرکت رادیکال. مثلاً شکست طریقه نظامی در کردستان سبب تجدیدنظر و شور دیگری حتی با اعضای سپاه پاسداران شده است.

یکی از نویسندگان روزنامه محافظه‌کار انگلیسی زبان تهران تایمز عقیده دارد که نیروهای نظامی غیرکرد از منطقه خارج شوند. روزنامه مردم. ارگان حزب توده که از اتهام دخالت شوروی در کردستان متعجب شده و در این مورد دعوت به بحث نیز می‌نماید.

تنها (روزنامهٔ دست‌راستی) جمهوری اسلامی است که عامل اصلی دخالت کردستان را آمریکا می‌داند گرچه حزب جمهوری اسلامی در موقعیت خودش به طور زیادی ایزوله شده.

۹ـ ضعف دولت برای حفاظت از افراد، سانسور عجیب، رسوایی دادگاههای انقلاب، رشوه‌خواری در سطح وسیع و افرادی چون رئیس دادگاه انقلاب آیت‌الله آذری قمی هم دخالت داشته که اینها همه به صحبتهای میانه‌روها دامن می‌زنند. روزنامه آزادی در تاریخ ۱۸ اکتبر حمله تندی به سیستم دادگاه‌های انقلاب می‌کند و آن در مورد نادیده گرفتن پولهایی است که توسط دزد بزرگ آقای ایلیاوی معاون هادوی دزدیده شده و آزاد است در حالی که کسانی را که در نتیجه فقر به فروختن مواد مخدر مجبور شده‌اند به چوبهٔ اعدام می‌فرستد.

حملات به دو خبرنگار در مجلس خبرگان، سبب شد که روزنامه اطلاعات با تیتر درشت بنویسد: «نگذارید دوباره اشتباه تکرار شود». در این مقاله به مردم قم و تبریز که در زمان شاه زیر فشار عجیبی بوده و حقشان پایمال شده و حق بیان نظرات خود را نداشتند اشاره شده بود.

۱۰ـ همه این‌ها چه چیزی را مشخص می‌کند؟ از همه مهمتر میانه‌روهای حزب ایران، جبهه ملی و دیگر گروهها در موقعیتی هستند که صدایشان درآید. برای این کار باید این موانع اصلی را از سر راه بردارند.[۱] مطبوعات اکثراً در دست نیروهای مخالف بماند.

جمهوری اسلامی روز بروز دیوانه‌تر می‌شود و برای نیروهای مخالف خطرناکست.

روشنفکران توسط اخطارهای خمینی خراب شده‌اند. صحبت ماه آگوست او مبنی بر «ما روشنفکر نمی‌خواهیم» هنوز در خاطره‌هاست.

صحبت‌های او در مخالفت با غرب و رسوم غربی سبب شده حتی هواداران او کرواتهای خود را نیز بردارند.

۱۱ـ این گروههای میانه‌رو هنوز در جو سیاسی ایران ریشه دارند بیرون ممکن است آنها را رها کرده‌اند، که روزنامه‌هاشان را بیرون بدهند و میتینگ‌هایشان را برگزار کنند؛ چون آنها نسبت به جو سیاسی زیاد اثری ندارند.

گرچه خمینی در صحبتهای اخیر خود آنها را می‌کوبد و طرد می‌کند این به خاطر اعتراض آنها به ولایت فقیه و روحانیت است.

در صحبتی که در تاریخ ۲۰ اکتبر برای روحانیون تهران داشت، مستقیماً به خلق مسلمان اشاره کرد و گفت: اخیراً در یکی از میتینگ‌هایشان، یکی از اینها که هیچ چیز دربارهٔ اسلام نمی‌داند فکر می‌کند که باید مجلس خبرگان منحل شود (همه هورا کشیدند) شما که حتی در رأی دادن شرکت نکردید برای مجلس خبرگان حق ندارید این حرف را بزنید. این روحانیون بودند که شما را آزاد کردند. که هر چه می‌خواهید

---

۱ـ و باید سفارت آمریکا رهنمود بدهد، چراکه اگر اربابان رهنمود ندهند چه کسی رهنمود باید بدهد؟

www.takbook.com



بگویید. شما در خانه‌هاتان بودید وقتی که روحانیت با شاه و پدرش علناً مخالفت می‌ورزید و حالا شما می‌خواهید مجلس را منحل کنید. شما قدرتش را ندارید. من توی دهن شما می‌زنم این را متوقف کنید، و به دامان اسلام بیایید و بگذارید این مملکت سر و سامان بگیرد.»

۱۲ـ این جملات خمینی فعلاً در سطح حرف است و ممکن است به بستن روزنامه‌های آنها و اجازه ندادن برای میتینگ و دستگیری رهبران آنها بینجامد. خیلی از این گروهها و رهبرانشان سوابق روشنی در رابطه با مخالفت با سلطنت دارند، و عمل آنها غیرقابل انکار است. اما روحانیون و دوستانشان با حملات خود به میانه‌روها مثل متین دفتری، نزیه و فروهر آنها را سخت ایزوله کرده‌اند.

۱۳ـ مقامات مسئول کارهایشان را بر روی موضوعاتی مانند روابط ایران و اعراب و قضاوت انقلابی به طور صحیح انجام نمی‌دهند. پیامهای این میانه‌روها می‌تواند در آینده گروههای زیادی را به خود جذب کند. همچنین آنها دوست ندارند مستقیماً با آیت‌الله خمینی وارد مبارزه شوند؛ مخصوصاً با موقعیت کنونیش و سؤالاتی که مستقیماً در بالا اشاره شد. احتمالاً آنها بر روی کسانی که با خمینی همصدا نیستند و آن دید خاص مذهبی را نسبت به اوضاع ندارند، می‌توانند فشاری وارد کنند.

۱۴ـ در درازمدت اگر با این نیروها با هم منسجم گردند ممکن است در مقابل نیروی روحانیت انحصارطلب بعد از خمینی نیرویی شوند.

در آن موقع اسناد انقلابی بودنشان خیلی مهم خواهد بود، ولی برای آینده نزدیک این گروه شاید در حوالی سیاست ایران دور بزند و صحبت کند ولی قدرتی اعمال نخواهد کرد.

لینگن

www.takbook.com

## کتاب هفتم

# روابط آمریکا و شاه

www.takbook.com

www.takbook.com

بسم‌الله الرحمن الرحیم

خبرنگار: شما با قاطعیت از سفارت به عنوان لانهٔ جاسوسی صحبت می‌کنید، ولی شواهد کافی برای این مسئله وجود ندارد...

امام : ... انشاءالله دانشجویان مسلمان در آینده روشن خواهند کرد.

از مصاحبهٔ امام با مجله تایم

پس از اشغال لانهٔ جاسوسی و گروگان‌گیری جاسوسان آمریکایی، ارمغان دیگری که انقلاب بزرگتر از انقلاب اول برای امت مسلمان ایران داشت، افشای جریانات وابسته به امپریالیسم و شیطان بزرگ بود؛ کسانی که پس از گذشت این دو سال مردم قهرمان ما آنها را در صحنهٔ عمل نیز به خوبی شناخته‌اند. علیرغم عکس‌العملهای متفاوت و محدودیتهایی که در افشای اسناد توطئه آمریکا برای ما وجود داشته، ما همواره انتشار این مدارک و اسناد را که نمایانگر سلطهٔ همه جانبهٔ سیاسی، نظامی و اقتصادی شیطان بزرگ بر میهن ما بوده است، وظیفهٔ خود به شمار آورده‌ایم و کوشیده‌ایم که با تمام توان هرچه زودتر این اسناد را که متعلق به تمامی امت مسلمانمان می‌باشد منتشر نماییم. مجموعهٔ این اوراق خود می‌تواند نمایانگر شیوه‌هایی باشد که شیطان بزرگ در قبال حرکتهای ملل محروم و مستضعف جهان و بالاخص انقلاب شکوهمند اسلامی ایران اتخاذ کرده و می‌کند. خط کلی اسناد حکایت از دشمنی عمیق آمریکا با انقلاب اسلامی و رهبری آن امام خمینی دارد، به گونه‌ای که تحمل انقلاب برای آمریکا بسیار دشوار می‌نماید. این است که لحظه‌ای و ساعتی از توطئه غافل نمی‌ماند و درصدد است،که انقلاب را به نابودی بکشاند و یا آن را منحرف کرده و خط سازش را بر آن حاکم نماید. در این رابطه لازم دیدیم که نکاتی چند را در رابطه با نحوهٔ برخورد با اسناد متذکر شویم.

نخست آنکه مطالبی که به طور مستقیم از افراد و شخصیتها نقل قول شده است، دقیق‌تر بوده تا برداشت مأمور سفارت از مطالب رد و بدل شده بین آنها. طبیعی است که جو حاکم بر ملاقات و کیفیت روابط طرفین در کیفیت گزارش مؤثر بوده است. در ثانی باید توجه داشت که اسنادی که در لانه جاسوسی به دست آمده، تماماً بر اساس بینشهای شیطانیِ دیپلماتهای جاسوس نگاشته و گزارش شده است و طبیعی است که قضاوت در مورد اسناد در رابطه با جریانات اجتماعی باید با توجه به این بینش باشد. از لابلای این مدارک می‌توان به زوایای حرکت شیطان بزرگ پی برد و با استفاده از معیارهای اسلامی برای مقابله با او تجهیز شد. یکی از شیوه‌هایی که آمریکا برای کسب اطلاعات پس از انقلاب اتخاذ کرده بود ملاقاتهای

www.takbook.com



به ظاهر رسمی بود، که با زیرکی خاص شیطانی خود در این دیدارها اقدام به جمع‌آوری اطلاعات می‌کردند و بسیاری از تحلیلها و دیدگاههای آمریکا در رابطه با انقلاب اسلامی مبتنی بر اطلاعاتی است که از همین ملاقاتها به دست آورده‌اند؛ و از اینجا پی به اهمیت خاص این گونه ملاقاتها می‌بریم. علاوه بر اینها برخی از اسناد، گزارشات وقایع و اخبار است و دقت در نوع انتخاب و ارسال خبر، که مبین نیازهای اطلاعاتی شیطان بزرگ و جاسوسهای او در تهران بوده است، می‌تواند راهگشای ما در شناخت علایق و نکات برجسته‌ای که موجب حساسیت امپریالیسم آمریکا بوده است باشد. کنجکاوی و حساسیت خاص ایادی شیطان بزرگ در موارد مشخص می‌تواند، نشانگر نقاط ضعف و ترس او باشد. لذا بر ملت مسلمان ماست که با کنکاش بیشتر و شناخت روز افزون از توطئه‌های شیطان بزرگ در حفظ و نگهداری دستاوردهای انقلاب اسلامی از هجوم شرق و غرب بکوشند. باشد که این نهضت به نهضت امام زمان متصل شود.

در خاتمه لازم به تذکر است که ترجمه و تنظیم و انتشار مطالب منتشره در حد بضاعت این جمع می‌باشد.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

**معرفی کتاب شماره ۷**

مجموعهٔ حاضر از اسناد لانهٔ جاسوسی که از نظرتان می‌گذرد، در سه قسمت تنظیم شده و عمدتاً بیانگر روابط نزدیک آمریکا با محمد رضای مخلوع و معدوم و خاندان او و هیئت حاکمهٔ جنایتکاری که شیطان بزرگ با دخالت مستقیم خود، در طول ۵۰ سال با ظلم و غارت و چپاول بر کشور ما حکمروایی کرده است، می‌باشد. شاید سخن گفتن از جنایات شاه معدوم و روابط او با آمریکا برای امتی که ظلم ۲۵۰۰ ساله را با تمامی وجود خود احساس کرده خالی از ضرورت باشد؛ لیکن از آنجا که باید مجموعه‌هایی از این نسخ، در حکم یک اعتراف، به طور مستند برای نسلهای بشر باقی بماند و مستضعفین تحت سلطهٔ اجانب و به خصوص ملتهایی که خونشان توسط آمریکا مکیده می‌شود را رهنمودی جهت آگاهی و قیام علیه این بیدادگریها باشد، اقدام به انتشار آن نموده‌ایم. تاکنون اسناد و مدارکی که حاکی از روابط آمریکا با سیستم حاکم در ایران بوده است به یاری خدا در مجموعه‌های جداگانه به چاپ رسیده و در آینده نیز انتشار آن ادامه خواهد یافت. اما اسنادی که در این کتاب جمع‌آوری شده، عمدتاً مشخص کنندهٔ روابط نزدیک شخص شاه و اطرافیان وی با شیطان بزرگ می‌باشد. خصوصیات فردی و روابط فاسدی که در دستگاه حاکمه وجود داشته، همه را جاسوسان آمریکایی در مدارکی که از آنها به دست آمده تأیید کرده‌اند؛ روابط فاسدی که ملت قهرمان ایران با قیام یکپارچهٔ خود مدفون ساختند. امام در تحلیل مختصر و در عین حال جامعی از کیفیت این عناصر و مفاسد آنان چنین فرموده‌اند:

«من دیدم هیئت وزرای زمان طاغوت را و همهٔ آن زمانهایی که بودند، یک هیئت وزرایی بود که همه جزء ملک‌ها و سلطنت‌ها و همه از آن طاغوت‌ها بودند؛ و یک تشکیلی کرده بودند که جامع بود، بین اشخاصی که خائن بودند و یا اگر خائن نبودند از طبقهٔ بالای کشور بودند، یعنی آن طبقه مرفه بالانشین. همین طور مرسوم شده بود از اول تا این زمان که باید حتماً آنهایی که به وزارت می‌رسند، از توده مردم نباشند، باید به قول خود آنها از طبقهٔ ممتاز به نظر آنها یعنی ثروتمند، یعنی یال و کوپالدار، یعنی اطرافی دار

www.takbook.com



و دارای پارکهای بزرگ و زمینهای زیاد، تا این طور نبودند، لیاقت نداشتند در یک حکومت وارد بشوند.»

مدارک به دست آمده از جاسوسان آمریکایی نیز گواه همین نظامات فرعونی است.

بخش اول کتاب، جزوه‌ای است تحت عنوان: «نخبگان و تقسیم قدرت در ایران»

و همان گونه که در ابتدای آن نیز آمده است، توسط CIA برای آشنایی مقدماتی افرادی که به منظور مأموریتهای مختلف سیاسی و جاسوسی از طرف شیطان بزرگ به ایران می‌آمدند، تهیه شده است در واقع یک مجموعهٔ فشرده و نسبتاً جامع از ساخت جامعهٔ ایران و نیروهای سیاسی و اجتماعی موجود در آن از دیدگاه جاسوسان درجه اول است. این جزوه دارای نکات برجسته‌ای است، و به وضوح می‌توان در آن اعترافات آشکار آمریکای جنایتکار در حمایت از رژیم دست‌نشاندهٔ شاه را دید. CIA با صراحت تمام صحبت از ساخت قدرت و برنامه‌ریزیهایی که در جهت تثبیت رژیم شاه به عنوان یک رژیم حامی منافع آمریکا انجام گرفته است، می‌کند.

همچنین به مفاسد و جنایات بزرگ رژیم زیر چتر حمایتی شیطان بزرگ با وقاحت اشاره کرده است، که از آن جمله عبارتند از :

ـ تقلبات آشکار در انتخابات مجلس و اعمال نفوذ شاه در این زمینه.

ـ چگونگی انتخاب وزراء و نقش ساواک در این رابطه.

ـ نقش ساواک در انتخاب نمایندگان قلابی مجلس.

ـ ساخت ارتش.

و همچنین وظایفی که در رابطه با مسایل داخل کشور و در منطقهٔ خلیج به مثابهٔ ژاندارم منطقه به عهدهٔ ارتش ایران گذاشته بودند.

در بخشی از این جزوهٔ، CIA به بررسی میزان کارآیی و ابعاد فعالیتهای گروههایی که در داخل کشور به مبارزه با شاه و آمریکا برخاسته بودند، پرداخته است. از یک سو با اشاره به گروههای مسلح، آنها را خطر عمده برای برنامه‌های شاه به حساب نمی‌آورد و می‌گوید:

«گروههای تروریستی، تهدیدی برای رژیم شاه و برنامه‌هایش نیستند. این سازمانها به صورت ۲ سازمان مجاهدین خلق و فداییان خلق با ائتلاف مذهبیون و کمونیستها با یکدیگر فعالیت می‌کنند.»

از سوی دیگر به نقش اساسی روحانیت اصیل و متعهد و در رأس آن امام در مخالفت با آمریکا و رژیم اشاره می‌کند که به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

«از زمانی که شیعهٔ اسلامی به عنوان مذهب رسمی برقرار شد (قرن شانزدهم) علمای شیعه با هر سلطنتی مخالفت کرده‌اند.»

«روحانیت خودش بشدت از نفوذ خارجیان متنفر بوده است؛ و همچنین به طور مشخصی در نهضتهای ضد خارجی مردمی شرکت داشته است.»

«احتمالاً ۵۰ درصد که تقریباً شامل هر رهبر مذهبی با هر شکل می‌شود، در جبههٔ مخالفت مستقیم با دولت قرار گرفته و کلاً به خاطر پایگاه مردمیشان مورد حمایت هستند.»

«به نظر می‌رسد روحانیون در مجموع کمتر از دیگر اقشار جامعه انعطاف داشته باشند.»

«اما آنها (روحانیت پیرو امام) خطر بیشتری از آنچه تعدادشان است، تولید می‌کنند.»

«طلاب روحانی که پیرو او (امام خمینی) هستند، می‌توانند تظاهرات زیادی بر ضد رژیم ایجاد کنند.»

www.takbook.com



«احتمال کمی وجود دارد که یک صلح بین رژیم و جامعهٔ روحانیت به وجود آید.»

در واقع شیطان به زبان خود به معرفی دشمنان واقعی خود می‌پردازد. با توجه به این اعترافات آشکار به راستی چه کسانی راه درست و صحیح را در مبارزه با رژیم پیش گرفتند؟ و کدام نیرو و قشر اجتماعی ذیصلاح توانست مردم را در سرنگونی رژیم و مبارزهٔ واقعی با امپریالیسم رهبری کند؟ انقلاب اسلامی ما گواه غیرقابل انکار این مدعاست، که روحانیت متعهد و در رأس آن امام امت، خمینی بت شکن با پیروی از تعالیم اسلام اصیل و با اتکال به خدای متعال رهبری این نهضت را به عهده داشتند؛ و به تحقیق این شیوهٔ مبارزهٔ اسلامی با دشمنان خداست. اینجاست که باید سؤال کرد که دشمنان واقعی امپریالیسم آمریکا، شیطان بزرگ، به راستی چه کسانی هستند؟ و آمریکای جنایتکار کمر همت به نابودی کدام جریان و نیروی اجتماعی بسته است، و امروز چه نیروها و جریانات اجتماعی دقیقاً از خط مشی و سیاستهای امپریالیسم در مقابله با انقلاب اسلامی، با پوشش و ظاهری به اصطلاح انقلابی و مشروع، البته از دیدگاه خودشان، تبعیت می‌کنند؟

میزان نفوذ روحانیت پاسدار اسلام و مرجعیت و طرح ولایت فقیه در ساخت جامعهٔ اسلامی ما به اندازه‌ای بوده است، که کارگزاران CIA معترفند که نیروهای امنیتی اگر بتوانند گروههای مسلح را نابود کنند (کما اینکه تا حدودی نیز در این امر موفق شده بودند) روحانیت اصیل را هرگز نمی‌توانند از صحنه بیرون برانند، چرا که جایگاه این قشر به دلیل اتکاء به اسلام و استقلال کاملش از هر قدرت باطل در میان دلهای انبوه توده‌های میلیونی مسلمان ماست.

امروز دیگر میزان کارآیی نیروهای مختلف اجتماعی، در مقابله با سلطه خارجی چه از جانب گروههایی از سنخ گروههای مسلح و چه روشنفکران غرب‌زده و شرق‌زده که سوابق درخشانشان در همین جزوه دستگاه جاسوسی آمریکا هم آمده، بر امت انقلابی و مسلمان ما روشن شده است.

البته طبیعی است که به واسطهٔ ضعف اطلاعاتی شیطان بزرگ از روابط درونی بین نیروهایی که به هر شکل با رژیم مبارزه می‌کردند، اشتباهاتی در زمینهٔ حدود این روابط در متن وجود دارد، که نکات مهم آن به صورت پاورقی به آن اشاره شده است. البته نظر به حجم زیاد مطلب، خلاصه ترجمهٔ جامعی از مطالب جزوه و در موارد مهم‌تر ترجمهٔ کامل آن ارائه شده است. بدیهی است متن اصلی انگلیسی به طور کامل به چاپ رسیده است.

بخش دوم کتاب نیز مجموعه‌ای است تحت عنوان: «تشریح وضع کلی ایران» که توسط کارمندان جاسوسخانه آمریکا در تهران، در زمان رژیم فرعونی شاه تهیه شده و در قسمتهای مختلف به بررسی و تحلیل ساخت جامعهٔ ایران و تقسیم قدرت و نظامات داخلی آن، روابط خارجی ایران و همچنین «جنایات دستگاه ساواک» پرداخته است، که در اینجا نیز همچون جزوه CIA، اعترافات آشکاری در مورد دخالتهای بی‌وقفهٔ آمریکا در امور داخلی ایران مشاهده می‌شود؛ و پرده از ارتباطات پنهانی شاه معدوم و آمریکا برمی‌دارد. البته در این قسمت هم خلاصه ترجمه و در موارد مهمتر ترجمهٔ کامل ارائه شده است.

بخش سوم که تحت عنوان: «شاه و آمریکا» آمده است، حاوی اسنادی است که در یک سیر تاریخی، حمایت بی‌دریغ آمریکا را از شخص شاه مخلوع در مقابل امواج خروشان امتِ به پا خاسته ما در جریان انقلاب نشان می‌دهد. ابتدا به نقش شاه در منطقه اشاره می‌شود و در کنار آن به لزوم حمایت استراتژیک آمریکا از وی. سپس در سند بعدی به «منافع خاندان سلطنتی در سوءاستفاده‌های مالی اینان» پرداخته

www.takbook.com



می‌شود. در سند بعدی در عین اعتراف به مفاسد رژیم، شاهد «ملاقات سناتورهای آمریکایی با شاه» هستیم، و سپس در زمانی که جلادان رژیم شاه، خون بهترین مردمان این سرزمین را بر زمین می‌ریزند، سندی را می‌بینیم که حاکی از مکالمهٔ تلفنی رئیس جمهور آمریکا با شاه و اعلام حمایت همه‌جانبهٔ آمریکا از برنامه‌های شاه می‌باشد. در همین اوان CIA به منظور حفظ سلطهٔ شیطانی خود به ارزیابی روانپزشکی از نوکر حلقه به گوش خود، شاه، می‌پردازد. سپس در سند دیگر شاهد ملاقات سفیر سولیوان جاسوس سابقه‌دار سیا در ایران با شاه و ارائه رهنمودهای آمریکا به شاه هستیم. سند بعدی گواه «حمایتهای مستقیم آمریکا از کشتار مردم مسلمان ایران و تأیید دولت نظامی شاه» است؛ و این حمایت به نوعی بیان می‌شود که گویی این همان برنامهٔ دیکته شده آمریکا به هیئت حاکمهٔ فاسد ایران است. در سند دیگر رئیس آلیس چالمرز سرمایه‌دار پلید آمریکایی، به دیدار شاه می‌شتابد و حمایت سرمایه‌داران کثیف آمریکایی را در ادامهٔ حمایت از شاه به او اعلام می‌کند. این در حالی است که دولتهای اروپایی، متحدان همیشگی امپریالیسم قطع امید خود را از ادامهٔ حیات سیاسی رژیم شاه اعلام می‌کنند. به دنبال آن سند دیگری می‌آید که به طور تلویحی «نوار گفتگوی شاه با افسران ارتش که در آن شاه معدوم امر به کشتار مردم را می‌کند» مورد تأیید قرار می‌دهد. در سند بعد پس از فرار شاه از کشور در ادامهٔ توطئه‌ای آمریکا برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران، گزارشی از نقشهٔ شاه برای بازگشت در زمان بختیار و همچنین وضعیت نیروهای هوادار بختیار را می‌بینیم.

اسنادی که از این پس خواهد آمد مربوط به پس از پیروزی انقلاب می‌باشد، که همچنان مبین ادامهٔ حمایتهای مذبوحانهٔ شیطان بزرگ از این جرثومه فساد، شاه معدوم است. ابتدا می‌بینیم که برای وی تدارک یک ویلای مجلل را می‌بیند و به طور پیگیر تلاشهای گسترده‌ای انجام می‌دهند، که جنایتکاری با یاری خدا و همت این مردم شهیدپرور آواره و سرگردان شده است را به خیال خود در مأمن همیشگی جنایتکاران، یعنی آمریکا جای دهند، تا بدین وسیله حمایت تلویحی خود را از سایر حکام مستبد و دست نشانده اعلام کنند، غافل از اینکه سنت خدا سرنوشت شومی را برای ظالمین مقرر کرده است و ملت عزیز ما با اشغال مرکز توطئهٔ آمریکا و گروگان گیری جاسوسان آمریکایی این توطئه را نیز خنثی نمودند و موجباتی فراهم کردند که به فرموده امام، آمریکا خود وادار به کشتن شاه می‌شود.

در خاتمه یادآوری بیانات امام پس از اشغال لانهٔ جاسوسی به جاست:

«آن مرکزی که جوانهای ما رفته‌اند و گرفته‌اند، آن طوری که اطلاع داده‌اند، مرکز جاسوسی و توطئه بوده است، آمریکا توقع دارد که شاه را به آنجا ببرد و مشغول توطئه شوند؛ و پایگاهی هم در ایران برای توطئه درست کنند و جوانان ما بنشینند و تماشا کنند.»

به امید روزی که مستضعفان دلیر ایران با قیام خود در مقابل مستکبرین زمان و ابرقدرتهای شرق و غرب بتوانند، با آمادگی کامل پذیرای وجود مبارک بقیةالله (عج) جهت به ثمر رساندن نهایی آن و استقرار حکومت جهانی شوند.

**والسلام**

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

www.takbook.com



**بخش اول**
**(سرّی)**
**کتاب نخبگان و تقسیم قدرت**
**در ایران**
**«سازمان مرکزی اطلاعات جاسوسی»**
**صفحه صفر**

**یادداشت**

این کتاب برای استفادهٔ خوانندگان مختلف تهیه شده است و بخشهای خلاصه و نتیجه‌گیری برای آنهایی است که می‌خواهند در مدت محدودی جوهر این جامعهٔ پیچیدهٔ باستانی و با این همه در حال تجدد را درک کنند. بخش اصلی این رساله کسانی را مورد خطاب قرار می‌دهد، که مسئولیتهای حرفه‌ای ایشان ایجاب می‌کند که شناخت دقیقتری از ساخت اجتماعی و ارتباطات خانوادگی که نیروی محرک این جامعه است داشته باشند. برای آنها که عملاً در ارتباط روزانه با طبقهٔ اداری ایران هستند، بخش اصلی و ملحقات با یکدیگر یک متن مرجع تشکیل می‌دهند.

این کتاب در ادارهٔ تحقیقات سیاسی تهیه شده است و افرادی از واحدهای دیگر آن را خوانده‌اند و نظر خود را ابراز داشته‌اند.

پیشنهادات ایشان بسیار مفید بود و بدین جهت از آنها عمیقاً قدردانی می‌شود. اما در این مورد که کتابی تهیه شود که از لحاظ صوری در آن هماهنگی رعایت شده باشد کوششی نشد. معهذا، نویسنده مایل است تشکرات مخصوص خود را به CRS/NEA/NESA اظهار دارد. تحقیق و تحلیل در دسامبر ۱۹۷۵ تکمیل شد. نظریات و عکس‌العملها استقبال می‌شوند. آنها را برای نویسنده ارسال فرمایید. (خاکستری ۸۲۵۲)

www.takbook.com

**دفتر مرکزی اطلاعات جاسوسی**
**مدیریت جاسوسی**
**اداره تحقیقات سیاسی**
**«نخبگان و تقسیم قدرت در ایران»**
**توسط : ارنست. آر. اونی**
**فوریه ۱۹۷۶**
**خلاصه و نتیجه‌گیری**

**نخبگان ایران**

در این کتاب افقهای سیاسی و بین‌المللی ایران منظور نیست؛ بلکه سعی شده است تصویر و تحلیلی از افرادی که ایران را اداره می‌کنند، بر سیاست آن تسلط دارند و تجارتش را کنترل می‌کنند و معیارهای فرهنگی و اخلاقی آن را معین می‌کنند، و حتی کوشش دارند شیوه‌های آن را هم تغییر دهند ارائه شود. در ایران لوازم دستیابی به موقعیت نخبگی، همان موارد سنتی ارتباط خانوادگی، نفوذ در روابط ارباب، ارباب رجوع، ثروت و تحصیلات است.

در رأس ساخت، گروه نخبگان شاه قرار دارد. سنت ایرانی پادشاهی که از قرون متمادی به یادگار مانده است، از هر سلسله یا هر شخص زمامداری پابرجاتر بوده است. ایران بدون شاه برای اکثر مردم موضوع متناقضی به نظر می‌رسد. شاه در اوایل سلطنت دارای قدرتی نبود و دیگران بر او تسلط داشتند، ولی حالا قدرت او به حدی است که حرف او قانون به حساب می‌آید.

در حدود ۴۰ خانوادهٔ پر قدرت ایرانی هستند که اعضایشان دائماً و به سادگی می‌توانند در امور سیاسی و دولتی دخالت کنند.

۱۵۰ خانوادهٔ مهم دیگر نیز وجود دارند که اهمیتشان در سطح کشور محسوب نمی‌شود. تعداد اینان همیشه ثابت نیست و ثروت آنها بر حسب شانس و مهارت اعضایش کم و زیاد می‌شود.

تقریباً $\frac{1}{4}$ از این خانواده‌های پر قدرت در دوران رژیمی که رضاشاه آن را برانداخت قدرت و نفوذ داشتند. دربار شاه محل طراحی خیلی از برنامه‌ها می‌باشد. در خانوادهٔ شاه یک طبقه شهوتران و از نظر مالی فاسد وجود دارند، که برجسته‌ترین آنها خواهر دوقلویش اشرف است که صاحب طبعی حریص و تمایلات جنسی مفرط می‌باشد. وضع کاخ سلطنتی از زمانی که شاه در سال ۱۹۵۹ با زنی از شعبات

www.takbook.com



کم‌ارج‌تر یک خانوادهٔ نخبه کشور ازدواج کرد، بهتر شده است. فرح که در فرانسه تحصیل کرده بود، در پیشبرد برنامه‌های اجتماعی شاه نقش سازنده‌ای داشت.

علاوه بر خانواده‌اش خیلی از مقامات و جیره‌خواران نیز شاه را احاطه کرده‌اند و به نظر می‌رسد که او تنها به گروه کوچکی تکیه داشته باشد. شاید در حدود ۱۲ نفر که به آنها اطمینان خاصی داشته و برای کسب اطلاعات از آنها استفاده می‌کند و همچنین از آنها برای ارتباط با دیگر گروههای جامعه استفاده می‌کند. به طور کلی این اشخاص با وجود اینکه مقام رسمی دارند، ولی صرف‌نظر از مقامشان روابط خیلی نزدیک با شاه دارند. از این ۱۲ نفر ۳ نفر وابسته به اقلیت پر قدرت هستند، البته این نفوذ آنها باعث نزدیکی آنها به شاه نشد، بلکه دوستی دراز مدت و خدمات و وفاداری آنها موجب این نزدیکی شده است. برای مثال وزیر دادگستری اسدالله علم که از یک خانوادهٔ با نفوذ است،برای مدت ۴۰ سال به شاه نزدیک بوده و تیمسار «فردوست» که پدرش یک گروهبان بود، برای مدت ۵۰ سال دوست شاه بوده است. ولی با وجود این شاه تنها است؛ زیرا او به دنبال اطلاعات است و نه در جستجوی مشاوره، چرا که تعداد معدودی در جامعه می‌توانند به او پند و توصیه دهند. او تصمیم می‌گیرد و دیگران اجرا می‌کنند.

در طول ۱۲ سال گذشته مجلس آلت دست شاه بوده است و مقاصد شاه را برآورده می‌کرده است و تمام نمایندگان که با دقت به وسیلهٔ شاه انتخاب می‌شوند، حامی برنامه‌های شاه می‌باشند.

طبقهٔ جدیدی که بالقوه می‌تواند با طبقات سنتی رقابت کند در حال شکل گرفتن است. این طبقه تحصیلات تخصصی دارند و طبقهٔ متوسط اداری هستند اعضاء آن روابط سنتی را نفی می‌کنند و بر تحصیلات مدرن تکیه دارند. اینان تجربیات وسیع غیر سنتی دارند و اکثراً اسلام را به عنوان راهنمای زندگی نمی‌پذیرند. این طبقه شامل همه نوع متخصص می‌باشد: دکتر، وکیل، استاد، نویسنده، هنرمند و شاعرانی که اغلب سخنگوی آنها هستند. اکثر افراد این تیپ خودشان را از مخالفین شاه می‌دانند و به عنوان پیشتازان یک نیروی مدرن و دمکرات که جامعهٔ ایرانی را متحول خواهد ساخت و سنت قدیم را کنار خواهد زد، می‌دانند.

هنوز مشخص نیست که این گروه به عنوان گروه منسجمی رشد کنند.

کوشش شاه برای کنترل تورم و منافع غیرقانونی باعث دستگیری و زندانی و مجازات نه تنها مغازه‌داران کوچک، بلکه افراد با شخصیت هم گشته است.

گروههای تروریستی تهدیدی برای رژیم شاه و برنامه‌هایش نیستند. این سازمانها به صورت دو سازمان مجاهدین خلق و فداییان خلق با ائتلاف مذهبیون و کمونیستها با یکدیگر فعالیت می‌کنند.

بیشتر اقلیت تحصیلکرده بر این عقیده‌اند که سلطنت معنای خود را از دست داده است. آنها خواستار تغییراتی در شکل سلطنت هستند. روحانیت احتمالاً خواستار منتفی شدن سلطنت نمی‌شود، بلکه خوشحال خواهد شد که شاه کنونی برود. برای آنها یک دولت غیر مذهبی به همان اندازه شاه کنونی خطرناک می‌باشد. رهبران روحانی بیشتر به نظر می‌رسد که بر این عقیده باشند که شاه کنونی مثل پدرش چنین تشخیص داده که اسلام را در ایران نابود کند.

افراد زیرین نه تنها افرادی هستند که آمریکا با آنها کار و مذاکره و روابط اجتماعی خواهد داشت، بلکه این افراد بدون توجه به اسم و رسمشان به اشتغال در مقامهای با نفوذ ادامه خواهند داد:

«چهل خانوادهٔ عالیرتبه».

www.takbook.com



عدل ـ افخمی ـ اکبر ـ اعلم ـ علم ـ امینی ـ اردلان آشتیانی ـ بیات ـ بوشهری ـ بختیاری ـ دفتری ـ دیبا ـ دولتشاهی ـ ابراهیمی ـ امامی اسفندیاری ـ فرمانفرماییان ـ امامی خویی ـ اقبال حکیمی ـ هدایت ـ جهانبانی ـ خواجه‌نوری ـ خلعتبری ـ مهدوی ـ منصور پهلوی ـ پناهی ـ پیر نیا ـ قره‌گوزلو ـ قشقایی ـ قوام ـ صفاری ـ سمیعی ـ وکیلی ـ وثوق ـ زند ـ زنگنه ـ ذوالفقاری
کسانی که با علامت ستاره مشخص شده‌اند، خیلی با نفوذ هستند.

**«کلامی در باب نخبگان»**

در ایران به طور سنتی لوازم دستیابی به مشاغل خیلی معتبر ارتباط خانوادگی، نفوذ در یک رابطهٔ ارباب ـ ارباب رجوع، تحصیلات و ثروت بوده است. برای فهم ایران به بهترین وجه باید بیشتر وظیفه و عملکرد نخبگان سیاسی آن را فهمید، تا اینکه ساخت دیوانسالاری و رسوم رایج آن بررسی شود. دیوانسالاریها اغلب اوقات وسایل شخصی دلالان قدرت یا میدان مبارزات شخصی بوده است.
سیستم ایران به صورت انعطاف پذیر است. هرگاه که برای اجتناب از درهم شکستن لازم باشد، خود را تغییر می‌دهد. زمانی که پایگاههای نفوذی تغییر می‌کنند، نخبگان هم برای حفظ موقعیت علایق خود را تغییر می‌دهند. دربار، پارلمان، بانکها و تجارت همگی به عنوان مراکز عمده‌ای برای حفظ قدرت و موقعیت به کار گرفته شده‌اند و می‌شوند و خواهند شد.

افرادی که در صفحات بعد نامبرده می‌شوند، نه تنها به عنوان افرادی که آمریکاییها با ایشان کار، مذاکره و مراوده خواهند کرد، بلکه به عنوان نمونه گروههایی در نظر گرفته شده‌اند که نامشان یا ظاهرشان هرچه باشد، همچنان مشاغل با نفوذ را در اختیار خواهند داشت.

**«بحث»**

۱ـ جامعهٔ سنتی ایران :
ساخت اجتماعی، بدان نحوی که در دو قرن گذشته بوده است در طرح ذیل خلاصه شده است :
طبقهٔ حاکمه :
شاه
خانواده‌های سلسلهٔ حاکم
اشراف قبایل
ملاکین (فئودالها)
رهبران دینی حامی سیستم
رهبران نظامی

**طبقهٔ متوسط سنتی:**

دیوانسالارها ـ بخشهای خدمات اجتماعی که کارگزاران دولت را در خود جای می‌دهد. بورژوازی ـ تجار ـ بازرگانان ـ اصناف و بازاریها.
روحانیت و طلاب ایشان.

www.takbook.com



**طبقهٔ پایین:**
کارگران
کشاورزان
قبایل کولی

اعضای دربار به صورت منفرد می‌توانند از طریق نقشه‌چینی در آنجا و نفوذ شخصی، در وقایع تأثیر بگذارند، اما هیچ یک مشاغل اجرایی به عهده ندارند. اشراف قبایل و فئودالها تماماً به عنوان گروه از بین رفته‌اند، اما به عنوان فرد یا خاندان به خصوصی ممکن است تقریباً به اندازه گذشته قدرت و ثروت به دست آورده باشند.

علیرغم دوام طبقات، قدرت نخبگان بی‌قید و شرط نیست. حتی طبقات پایین‌تر هم مکانیسم‌هایی دارند که با کمک آنها می‌توانند فشارهایی برای پیش آوردن تغییرات ایجاد کنند. افرادی از طبقات پایین و متوسط خود را به نخبگان سیاسی رسانده‌اند و نخست‌وزیر و حتی شاه شده‌اند که رضا شاه نمونهٔ ایشان است. باغبانها، سقاها، مهتران، پینه‌دوزها به مناصب قدرت ارتقاء یافته‌اند.

بنا به عرف معمول، نخبگان سیاسی از طریق گماشتن افراد منتخب، دخول در طبقهٔ حاکم را در کنترل خود داشته‌اند؛ و امکان همیشگی ترفیع به مرتبهٔ نخبگی در برگرداندن احساس نیاز به تغییر ساخت مؤثر بوده است. قابلیت پذیرش افراد جدید به طبقهٔ بالاتر، مکانیسم مهمی برای فراهم آوردن نیروی جدید بدون نیاز به قربانی کردن سیستم قدیم بوده است.

امروز شاه مهارتهای فنی و تخصصی مدرنی را که برای اجرای برنامهٔ اصلاحات خود احتیاج دارد، بدین ترتیب به دست می‌آورد.

تماسهای غیر رسمی مسبب حقیقی هر حرکت در زندگی سیاسی ایران می‌باشند؛ و دو عنصر اصلی در عملکرد سیستم سیاسی ایران یکی دوره، یا مجمع یاران و دیگری ارتباطات خانوادگی است.

الف : دوره

تماسها و اتصالات لازم برای کسب موقعیت سیاسی یا اجتماعی اغلب از طریق عضویت در یک یا چند دوره انجام می‌گیرد. مهمترین عملکرد این مجامع، بنای شبکه‌ای از روابط مشخص است؛ تا اعضاء را در فعالیتهای سیاسی و اقتصادی خود یاری بخشد. از دیگر عملکردهای دوره کارآیی آن به عنوان مکانیسمی است که غیر نخبگان را به پایگاه نخبگی برساند. از دوره‌های معروف می‌توان باشگاه پوکری را نام برد، که تیمسار حسین فردوست قائم مقام رئیس سازمان اطلاعات امنیت کشور (ساواک)ـ تیمسار مستوفی ـ محمد خاتمی فرماندهٔ نیروی هوایی و تقی علوی کیا در آن شرکت داشتند. علوی کیا مقاطعه‌کار است و قراردادهای خانه‌سازی پرسودی در خانه‌سازی با نیروی هوایی دارد. این دوره از طریق فردوست و خاتمی تماس مستقیم با شاه داشت.

ب : خویشاوندیها

همان طور که تا به حال معمول بوده است، به غیر از مقام پادشاهی، گروه نسبتاً کوچکی از و نفوذ را نه تنها در سیاست، بلکه در محدوده بازرگانی مبادلات اقتصادی و مشاغل در اختیار دارند. اعضای این خانواده‌ها با سهولت از دولت به مشاغل سیاسی تا فعالیتها فردی و بالعکس نقل مکان می‌کنند. و حقیقتاً میزان نفوذ سیاسی ایشان در فعالیتهای خصوصی ممکن است، به اندازهٔ زمانی که مصدر امری هستند زیاد

www.takbook.com



باشد. خاندانهای نخبهٔ بزرگ، اکثراً خاندانهای مادون دارند که آنها از یک یا چند طریق با طبقات متوسط مرتبط می‌شوند. متوسط‌ها ممکن است از این قرابت منفعت یابند، هرچند که جزیی از نخبگان سیاسی نشوند. بنابراین دوباره حدود سیستم طبقاتی به هم می‌خورد و احتمال تعارض طبقاتی حقیقی تقلیل می‌یابد.

معیار عمده برای نخبه بودن در زمان قاجار تمکن، خرید زمین، منصب و قدرت سیاسی بود. تغییر سلسله در ۱۹۲۵ حصول نسل جدیدی از شخصیتهای نخبه را در برداشت، اما اینها به سرعت در برابر گروه متنفذین که به سهولت عهدی را که با قاجار داشتند؛ برگرداندند، و پهلوی را جایگزین قاجار کردند، محو شدند. در فهرست ذیل ۴۰ فامیل نخبهٔ کشور مشخص می‌شوند که دوجینی از آن چهل فامیل در قرن بیستم نیز غالب بوده‌اند.

فهرست خانواده‌ها :

عدل ـ افخمی ـ اکبر ـ علم ـ اعلم ـ امینی ـ اردلان ـ آشتیانی ـ بختیاری ـ بیات ـ بوشهری ـ دفتری ـ دیبا ـ دولتشاهی ـ ابراهیمی ـ امامی خوئی ـ اقبال ـ اسفندیاری ـ فرمانفرماییان ـ حکیمی ـ هدایت ـ جهانبانی ـ خواجه نوری ـ خلعتبری ـ مهدوی ـ منصور ـ پهلوی ـ پناهی ـ پیر نیا ـ قره‌گزلو ـ قشقایی ـ قوام ـ صفاری ـ سمیعی ـ وکیلی ـ وثوق ـ زند ـ زنگنه ـ ذوالفقاری

ج ـ پادشاهی

در رأس کلی ساخت سیاسی و اجتماعی، شاه قرار دارد. روش حکومتی وی که در خاورمیانه سنتی معمول است ۶ خصیصه دارد.

۱) فردیت : زمامدار به کار گرفتن روابط شخصی خود را به استفاده از تشکیلات رسمی دیوانسالاری ترجیح می‌دهد. ۲) قرابت : آنها که به شخص رهبر نزدیکترند با نفوذترند. ۳ ) غیر رسمیت: اغلب از طرق نهانی غیر رسمی بیشتر از مؤسسات رسمی چون احزاب سیاسی و هیئتهای مقننه برای اعمال تسلط سیاسی و آمریت استفاده می‌شود. ۴ )تخاصم متعادل: رهبر همچون اکثر زیردستانش از طریق یک مشی ایجاد تفرقه و سپس فرماندهی حکومت می‌کند، مخاصمه بین رقبا تشویق می‌شود، اما برای حفظ تعادل بین شخصیتها و گروههای متخاصم، این آمادگی وجود دارد، که پستها تغییر داده شوند. ۵) لیاقت نظامی و شجاعت فردی: در این سیستم در اختیار داشتن نیروی نظامی برای رهبر حکم اساسی دارد. در تاریخ خاورمیانه تصویر یک جنگجوی قهرمان محبوبیت دارد و موفقیت (یا شکست) در صحنهٔ کارزار بـه موقعیت رهبر در صحنهٔ سیاست داخلی اثر برجسته‌ای دارد. ۶) توجیه دینی: زمامداران سنتی خاورمیانه به وسیلهٔ ارتباط دادن خود به نحوی از انحاء با ماوراء الطبیعه اقدام به توجیه زمامداری خود کرده‌اند.

**پادشاه، دودمان او و دربار**

شاه ایران مدت ۳۴ سال، یعنی بیش از هر رهبر دیگر در خاورمیانه، بر تخت بوده است. طول بقای او را می‌توان نتیجهٔ ترکیب شرایط فرهنگی، تاریخی و سیاسیش دانست که نه تنها پدید آمدن یک زمامدار مستبد را مطلوب می‌داشته است، بلکه اجازه داده که شاه فعلی شخص آن زمامدار باشد. اگر چه سلسله پهلوی سابقهٔ طولانی ندارد و برای تأیید حقانیت خود به در دست داشتن زمامداری، فاقد قدمت تاریخی لازم است، ولی از سرمایهٔ مهمتری که همان سنت کشوری باشد بهره می‌برد. حتی در آن دورانی که ایران

www.takbook.com



قدیم (پارس) در هرج و مرج بود و این امر مکرر اتفاق می‌افتاد، یک شاه در گوشه‌ای بود. وی اغلب از تبار بیگانه بود. اما ـ مانند قیصرهای ادوار بعد ـ حاکمیت سنتی را که با این مقام قرین است با خود داشت.

سنت، یا افسانه پادشاهی از هر سلسله یا شخص هر حاکم متین‌تر بوده است. به مجرد اینکه اینها قابلیت حفظ پشتیبانی بخشهای جمعیت را از دست می‌دادند یا همین که از عهدهٔ حفاظت از خـود و سرزمینشان در قبال رقبا برنمی‌آمدند، ممکن بود محو شوند و می‌شدند. در مداومت سنت پادشاهی یک منظومهٔ کلاسیک فارسی به نام شاهنامه، یا کتاب شاهان عامل اصلی بوده. بنابراین در سرتاسر حوزهٔ فرهنگ ایرانی افعال شاهان افسانه‌ای که به فارسی سروده شده بود، حتی زمانی که زبان مادری ترکی، کردی، بلوچی یا هر یک از چندین زبان دیگر بود، در باطن نسل اندر نسل جایگزین می‌شد. بنابراین، اینکه شاه باید باشد ترتیب ذاتی امور شد، و اینکه آن شاه چه کسی باید باشد، از توجه کمتری برخوردار بود. هم پهلوی اول و هم پهلوی دوم در باب تأسیس قانونیت سلسلهٔ خود و حق ایشان به زمامداری علاقه نشان داده‌اند. شاه به مبحث پادشاهی این را هم افزوده است که به عنوان شخص خود همواره از منافع ایران در برابر حملات خارجی دفاع کرده است، و منحصراً او شایستگی انجام چنین کاری را داراست.

الف : پهلوی‌ها

رضا شاه اگر چه تحصیلات رسمی محدودی داشت، ولی زیرک و مطلع بود. به نظر می‌رسد وی باعث ترس و هم تحسین در ولیعهد خود شده باشد و خود را الگویی قرار داد که ولیعهد از آن زمان سعی در برابری با آن داشته است.

افتتاح حکومت محمد رضا شاه بی‌شگون بود. ایران به اشغال قدرتهای خارجی درآمده بود، تورم، کمبود مواد غذایی که گاهگاه به قحطی می‌انجامید و مسایل ملی و غیره یک پادشاه مجرب را به میدان می‌خواند. با برداشته شدن سنگینی گیرهٔ آهنی رضاشاه، سیاستمداران مجرب به تعقیب منافع سیاسی و مالی خود پرداختند. زمانی محمدرضا تصمیم گرفت در تسلط بر سیاستمداران به پدر خود برسد، ولی او مرد این کار نبود. برای مدت تقریباً یک دهه شاه چهرهٔ ضعیفی از خود نشان داد، که گاهگاه اقدامات قاطعی هم انجام می‌داد. به هر حال وی در رفع تجزیهٔ آذربایجان از پشتیبانی یک نخست‌وزیر و هماهنگ و همچنین آمریکا برخوردار بود. وی عقاید خود را که در آن زمان در حال شکل یافتن بـودند، در گفتگوهای خصوصی با نمایندگان دیپلماتهای خارجی خصوصاً سفرای آمریکایی و انگلیسی در میان می‌گذارد. جهت نصیحت آنان این بوده که شاه باید پادشاه مشروطه‌طلب باشد. وی در نهایت این نظریه را که او باید سلطنت و نه حکومت کند غیرقابل استفاده تشخیص داد.

تردید رأی و عدم قاطعیتی که وی در ثلث اول حکومت خود نشان داد می‌تواند به عنوان نتیجهٔ تعارض نظریه‌هایی دانست که محصول اقامت وی در سوئیس بود و با نصایح خیرخواهانه تقویت می‌شد ـ از یک طرف و از طرف دیگر آرمان وی که می‌خواست با پدرش برابری کند و آن هم با واقعیتهای رفتار سیاسی تحکیم می‌شد. با نخست وزیری مصدق (۱۹۵۳ ـ ۱۹۵۱) دوران تازه‌کاری شاه پایان یافت. مصدق ناتوانی منحصر به فردی در انجام امور داشت و به طور لجوجانه‌ای مصمم بود شاه را به مقام یک شبح توخالی تنزل دهد و طرفدارانش با قوت تمام هردو مورد را تقویت کردند.

ب ـ خاندان سلطنتی

رضا شاه در سیر صعودی تشخص اجتماعیش چهار همسر داشت؛ هر چند که همه در یک زمان

www.takbook.com



نبودند، و احتمالاً از یک صیغه در سالهای اولیه شروع می‌شود و به یک شاهزاده از سلسلهٔ سابق، قاجار، ختم می‌شود. ازدواج آخر وی هنگامی که می‌رفت به شاهی برسد انجام شد. همسر دوم وی، که دختر افسر فرمانده بریگاد قزاقی بود که در آن خدمت می‌کرد، مادر شاه فعلی است.

اهل بیت شاه یکی از عمده‌ترین مشکلات وی را در اکثر دوران حکومتش ایجاد کرده است. دربار زمانی مرکز شهوترانی و تباهی و فساد و اعمال نفوذ بوده است. این تصور ممکن است تا حدی اعتدال یافته باشد. یا کمتر به عنوان شایعه در افواه جمع بگردد. اما تصور قدیمی همچنان در اذهان عمومی باقی است، و بعضی از غفلتها شاید با رعایت احتیاط بیشتر ادامه دارد. به نظر می‌رسد دو تن از اعضای بلافصل خانواده شاه بیشترین نفوذ را در گذشته بر وی داشته‌اند:

مادر وی که اکنون یک عجوزهٔ، ۸۰ سالهٔ حرم نشین است، شاه را در دوران اولیه‌اش به دیدهٔ تنفر می‌نگریست، چون او را شایستهٔ همسر خود نمی‌دانست. از او (مادر شاه) اخبار کثیری در دست است که وی علیه محمدرضا نقشه می‌کشید تا فرزند دیگر خود علی را به جای او بنشاند.

اشرف به جهت فساد مالی و موفقیت در تعقیب مردان جوان شهرتی افسانه‌وار دارد. تا به حال هیچ‌کس در تعلق خاطر اشرف به برادر دوقلوی خود تردید نکرده است و وی احتمالاً پشتگرمی دادن به شاه را در مقاطع بحرانی گذشته به عهده داشته است.

شاه مایل یا قادر به اتخاذ تدبیر مؤثر در محدود کردن فعالیتهای مبهمی که او و پسرش شهرام به آن اشتغال داشته‌اند، نبوده است. بقیهٔ خاندان سلطنتی یک مجموعه درهم است. فرح دیبا همسر سوم شاه علاوه بر انجام فوری وظیفه به دنیا آوردن یک ولیعهد، فعالیت دیگری هم دارد، که به همان اندازه مهم است و آن عملکردی است که به عنوان ملکه در اجرای برنامه‌های شاه ایفا می‌کند. وی توانسته است بدین نحو تصویر مثبتی از دربار ارائه دهد.

ج ـ اطرافیان دربار

شاه و خاندان سلطنتی در احاطهٔ دستهٔ بزرگی از افرادی است که یا در دفاتر یکی از اعضای خاندان اشتغال رسمی یا نیمه رسمی دارند، یا از متعلقان ساده، دوستان یا کارکنان دربارند، یا اینکه عضو آن هستند. جمع این افراد، انواع زیرک، لایق و قابل تا بیکاره، چاپلوس و نفع پرست را شامل می‌شود. در مجموع، تعادل احتمالاً به جانب میانه سوق دارد.

وزارت دربار سلطنتی: این وزارتخانه یک مقولهٔ دیوان سالاری است که تمام مقاماتی را که در خدمت شاه و دیگر اعضاء خاندان سلطنتی هستند در خود جای می‌دهد. هر کس که طالب عطف عنایت به خود یا نفوذ باشد محتمل است، که آن را از طریق یکی از اعضای وزارت دربار دنبال کند؛ البته اگر ممکن باشد. زیرا حتی دون مرتبه‌ترین شخص آن می‌تواند دسترسی را بهتر از طرق معمول دیوان سالاری ممکن سازد. رئیس دفتر مخصوص شهبانو در حال حاضر وظیفه دارد هر عرض حالی را به شهبانو ارائه کند تا تضمین شود که شهبانو فقط کمی از قدرت اقدام مستقل برخوردار است. این امری است که خود شهبانو از آن آگاه است.

حلقهٔ داخلی: حلقهٔ داخلی شاه بیشترین نفوذ را بر وی دارد و طرق ارتباط با بخشهای مهم جمعیت را فراهم می‌کنند. آنها اولین گروه در تصویر هستند. بقیه هم جزو اطرافیان شاه می‌باشند اما ظاهراً عملکرد متعادلی دارند. رابط شاه با مقامات ارتشی و امنیتی سرلشکر حسین فردوست است. دکتر عبدالکریم

www.takbook.com



ایادی، پزشک مخصوص شاه، ظاهراً مجرای اصلی مداخلهٔ شاه در امور بازرگانی است. گفته می‌شود که ایادی حتی در سفر ماه عسل شاه با ثریا، شاه را همراهی کرد. از دیگر گزارشات این است که وی نیابت شاه را در شیلات جنوب بر عهده داشت. ناظران مطلع، آن فعالیت را ترکیبی از عدم کارآیی و فساد وصف کرده‌اند که هیئت مدیره آن مملو از تیمسارهای بازنشسته بود. افتضاح این فعالیت ظاهراً آنقدر عظیم بود که تمام شرکت دوباره سازماندهی شد، و تحت مدیریت دیگری قرار گرفت. ایادی بهائی است و یک ناظر، وی را یکی از کسانی خواند که این فرقه را از تعقیب مسلمانان ایرانی متعصب‌تر حفظ کرد. مؤمنین شیعهٔ راستین از بهائیت به عنوان یک بدعت خطرناک تنفر دارند. در گذشته، توده‌ها پس از برانگیخته شدن توسط وعاظ به بهائیها حمله کرده‌اند و آنها راکشته‌اند. حالا نیروهای امنیتی می‌توانند مانع این کار بشوند. اما در سال ۱۹۵۵ در نتیجهٔ تحریکات دینی محفل بهائیها در تهران تخلیه شد. در پیشاپیش حمله‌وران رئیس ستاد ارتش و فرماندار نظامی تهران قرار داشت.

حلقهٔ داخلی شاه :

| | |
|---|---|
| سرلشکر حسین فردوست | رئیس بازرسی شاهنشاهی |
| امیر اسدالله علم | وزیر دربار |
| دکتر عبدالکریم ایادی | پزشک مخصوص شاه |
| دکتر منوچهر اقبال | رئیس هیئت مدیره شرکت نفت |
| امیر عباس هویدا | نخست وزیر |
| حسن امامی | امام جمعهٔ تهران |
| جعفر شریف امامی | رئیس سنا |
| اردشیر زاهدی | سفیر در آمریکا |
| نصرت‌الله معینیان | رئیس دفتر مخصوص شاه |
| تیمسار محمدامیر خاتمی | شوهر خواهر و فرمانده نیروی هوایی |
| فرح | همسر شاه |
| اشرف | خواهر دوقلوی شاه |
| جمشید اعلم | سناتور |
| امیر هوشنگ دولو | سناتور |
| فلیکس آقایان | سناتور |
| هوشنگ انصاری | وزیر اقتصاد و دارایی |
| پرویز ثابتی | رئیس امنیت داخلی ساواک |
| نعمت‌الله نصیری | رئیس ساواک |

دکتر منوچهر اقبال که پزشک است یکی از چهل خاندان نخبهٔ کشور است.

www.takbook.com



امیر عباس هویدا عضویت خود در حلقهٔ داخلی شاه را از زمانی به دست آورد، که نخست وزیر شاه شد.

گزارش شده که هویدا از یک خانوادهٔ بهائی است. این واقعیتی است که می‌توان فهمید او مایل است مسکوت بماند. می‌گویند که پدر بزرگش که یک خیاط قزوینی بود پیرو مؤسس بهائیت و پدرش نیز منشی یک رهبر بهائی در «عکا» بوده است. این توجیه تحصیلات اولیه هویدا در بیروت می‌شود. پدر هویدا سرانجام به دستجات دیپلماتیک داخل شد و با مشاغل نسبتاً به خدمت پرداخت. سابقهٔ هویدا به خوبی امکان نقل مکان به بالا را در سیستم ایرانی و یکی از طرقی که آن کار می‌تواند انجام شود، نشان می‌دهد. منصور عضو یکی از ۴۰ خاندان بالای ایران است و پدرش نخست‌وزیر بوده است.

حسن امامی، امام جمعهٔ تهران چهرهٔ روحانی ملتزمان شاه است. وی به اقتضای موقعیتش از مقداری نفوذ دینی و سیاسی برخوردار است. اما به عنوان یک حامی مصمم رژیم شاه در برابر روحانیت اعتبار چندانی ندارد. سن روزافزون همدمان شاه مسئله جایگزینی آنها را مطرح می‌سازد، سن متوسط تقریباً ۶۰ سال است. به استثنای احتمالاً تیمسار نعمت‌الله نصیری، رئیس سازمان امنیت (ساواک)، به نظر می‌رسد هیچ کس دیگر که در صحنه قرار دارد، نمی‌تواند همان عملکردی که اکثر متصدیان فعلی ایفا می‌کنند ارائه کند. وفاداری کاملی که آنها به شاه ابراز می‌کنند، که شاید به خاطر منافعشان باشد، ممکن است به آسانی در نسل جدید یافت نشود. شاید از این مهمتر، این باشد که شاه احتمالاً آن چنان اطمینانی را که همراهان قدیمی احساس می‌کند در جدیدترها نیابد. قدیمیها هرگاه که به آنها بیشتر احتیاج داشت، در کنارش بودند. بدین ترتیب شاه ممکن است خود را متکی به گروه مشاورینی یابد که روز به روز قلیل‌تر و پیرتر می‌شوند و با شاه همسازند، ولی با نیازهای کشور هماهنگی کمتری دارند.

**دیوانسالاری**

الف ـ کارکنان بی‌ملاحظه

ایرانیان همواره سنت دیوانسالاری را با خود داشته‌اند. به هر حال تحت حکومت پهلوی شیوه‌های امروزی اعمال شده است. و دیوانسالارهای جدید دیگر معلومات خود را از دست‌نویسهایی که نسل به نسل طریقهٔ تدبیر امور را می‌آموختند، فرا نمی‌گیرند. حک صور جدید مدیریت، بر ساخت دیوانسالاری سنتی همواره موفقیت کامل را در بر نداشته است. در اقتصادی که ابهام آینده امری عادی است، خدمت دولتی شغل نسبتاً مطمئنی محسوب می‌شود و به آن به دیدهٔ فرصتی جهت گرد آوردن بخششهایی برای بهبود حقوق غالباً ناچیز خود نگریسته می‌شود. در این شرایط به اشخاصی که توقع خدمتی از جانب دیوانسالاری را دارند توصیه شده است، که «حق‌الزحمه» بپردازند تا تضمین شود که با این کار دانش و لیاقت یک مقام رسمی بی‌ارج نمی‌ماند. در یک سطح خیلی بالاتری، این سیستم منشأ آن نوع فسادی شد که غالباً هدف خشم شاه قرار می‌گیرد. عمدتاً به این سبب که استفاده از وجوهات دولت را در بر می‌گیرد. امروزه از هر زمان دیگری پول بیشتر و در دستهای بیشتری جریان دارد و در مقایسه فرصتهای سوءاستفاده پرمنفعت‌تر است. علیرغم فعالیتهای ضربتی گاه و بیگاه شاه، اختلاس سرتاسر سیستم را فرا گرفته است.

ب ـ کابینه

www.takbook.com



در رأس این دیوانسالاری کابینه قرار دارد. در حال حاضر کسانی که شاه آنها را برای کابینه انتخاب می‌کند در مجلس مورد تردید قرار نمی‌گیرند و اگر وزیری رأی عدم اعتماد گرفت بدان جهت خواهد بود که شاه آن را خواسته است. در دههٔ گذشته گرد آوردن گروهی که صلاحیت فنی و وفاداری به شاه را تلفیقاً داشته باشند، برای او کار آسانی نبوده است. می‌توان برای یک بحث خوب این مسئله را عنوان کرد که تسلط شاه فقط موقعی می‌تواند استقرار یابد که نسل قدیم از بین بروید و نسل جوانتر، با تحصیلات بهتر به بلوغ رسیده باشد. نسل قدیم از طریق موقعیت سیاسی می‌خواست قدرت شخصی و وجههٔ عمومی کسب کند. به نظر می‌رسد که نسل فعلی همان مقاصد را از طریق لیاقت فنی و با احتراز از اقدام بی‌ثمر به یافتن نفوذ سیاسی در سطح مملکت، جستجو می‌کند:

کابینهٔ فعلی را می‌توان خلف مستقیم دوره‌ای دانست که توسط وزیر سابق کابینه، حسنعلی منصور در ۱۹۵۹ تأسیس شد. در عرض دو سال، دورهٔ منصور با عنوان «مرکز ترقی» رسمیت یافت و آرمانش انجام تحقیقات دربارهٔ مسایل اجتماعی و اقتصادی ایران بود. آن مرکز با جذب حدود ۲۰۰ مهندس، استاد و کارمند دولت که در گروه سنی ۳۵ تا ۵۰ سال جای می‌گرفتند و اکثراً تحصیلکردهٔ خارج و از خانواده‌های مرفه بودند، خود را توسعه داد، و آیندهٔ گروه به وسیلهٔ شاه تأمین شده بود. او ظاهراً این گروه را دارای صلاحیت و انعطاف کافی برای تأمین مقصود خود به عنوان وسیله‌ای سیاسی تشخیص داد. دو حزب سیاسی که وی بر پا داشته بود از فرط لاقیدی بی‌ثمر شده بودند و وی شدیداً به وسیلهٔ دیگری برای پیشبرد برنامه‌های جدیدی که شروع کرده بود احتیاج داشت. از اواسط ۱۹۶۳، شاه آشکار ساخت که از «مرکز مترقی» حمایت می‌کند. در دسامبر ۱۹۶۳، زمانی که «مرکز مترقی» خود را به حزب ایران نوین تبدیل کرد، هیچ کس خیلی متعجب نشد.

شاه در انتصابات و تغییرات کابینه عنصر فعالی است. دلایل تغییرات همیشه واضح نیستند. بعضی به جهت عدم لیاقت یا ضعف سلامت است، اما بقیه منعکس کنندهٔ توجه شاه به آنهایی است که به دنبال پی‌ریزی بنای قدرت می‌باشند و ممکن است بیش از حد نفوذ یابند. با اینکه در جهت تدبیر وی به حفظ اختلاف بین اعضای کابینه است، تا از ائتلافهای خطرناک جلوگیری کند. بعضی از تغییرات هم تعارضات شخصی و مرافعات داخل حزب ایران نوین را نشان می‌دهند.

ج ـ نگاهی به اوضاع مجلس‌های اخیر ایران:

در ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۳ بیست و یکمین دورهٔ انتخابات مجلسین انجام شد. انتخابات چند تن از وکلایی که مناسب مجلسین نبودند، توسط دولت انجام شد. کنسول آمریکا در اصفهان گزارشی از ناحیهٔ خود در مورد این اشخاص فرستاده است. یکی از کاندیداها قبل از برگزاری انتخابات مرده است و دیگری انتخابش خیلی مضحک بوده است. او یک کشاورز و شیرینی ساز بوده است که او را عوض کردند. یکی دیگر افکار کمونیستی داشت و سایر تغییرات روشن نبود، که برای چه بوده است.

شاه سال ۱۹۷۵ را برای یک تغییر بزرگ در نوع سیاستش انتخاب کرد. همان گونه که بیست و یکمین دورهٔ مجلس را شاه با یک ساخت جدید سیاسی آغاز کرده بود (برنامه‌های جدیدی به مجلس عرضه کرد) بیست و چهارمین دورهٔ مجلس را هم با شکل دادن یک حزب جدید یعنی حزب رستاخیز ملت ایران، شروع کرد. انتخابات بیست و چهارمین دوره مجلس چهره‌های جدیدی را که از حزب جدید و رفراندم شاه پشتیبانی می‌کردند، وارد مجلس کرد. شاه با این کار قدرت مستقلی را که مربوط به فرد فرد نمایندگان

www.takbook.com



می‌شد در حیطهٔ قدرت خود قرار داد.

انتخابات حقیقی یا ساختگی؟

انتخابات ایران تقریباً همیشه با تقلب و فریب همراه بوده است که این نوع ریاکاری حداقل تا زمانی که محمدرضا در سال ۱۹۶۰ بر ایران مسلط گشت، دارای شکل ثابتی نبوده است. در هر حوزه انتخاباتی نمایندگان از پرقدرت‌ترین افرادی که در ناحیه بودند انتخاب می‌شدند، که این می‌توانست شامل مالکین بزرگ یا فئودالها و یا اینکه رؤسای قبایل و یا فرماندهان نظامی باشند. دولت و مجلس می‌توانند در محل برای برگزاری انتخابات عمل کنند و این دو عامل اغلب در انتخابات با هم درگیر بودند.

اطلاعات در مورد انتخابات اواسط سال ۱۹۷۵ هنوز به اندازهٔ کافی نیست، که ببینیم چگونه این انتخابات برگزار شده است. آیا وضعیت با گذشته فرق کرده است یا نه. به هر حال کاندیداها هنوز از جانب کمیته‌های محلی برگزارکنندهٔ انتخابات، معرفی می‌شوند. خیلی مشکل می‌توان تصور کرد که نیروهای سنتی (محلی) اغلب در انتخابات نفوذ نداشته باشد. در بعضی نقاط شخصیتهای برجسته‌ای که توسط کمیتهٔ محلی معرفی نمی‌شدند به تلخی به ستاد حزب شکایت می‌کردند و به آنها گفته می‌شد که قسمت کمیتهٔ اجرائی حزب، بایستی انتخاب نهایی را انجام دهد. حداقل در یک مورد نماینده‌ای که به وسیلهٔ کمیتهٔ محلی، معرفی نشده بود در انتخابات برنده شد. ساواک و کمیتهٔ امنیتی، شناسایی کاندیداهای پیشنهاد شده را به عهده داشتند. چنین گزارش شده که ساواک به ترتیب کاندیداهای دلخواهش را توصیه می‌کرده است. حالا تا چه اندازه نتایج انتخابات نزدیک به توصیه‌های ساواک بوده است را نمی‌توان حدس زد.

مجلس به عنوان تأییدی برای شاه محسوب می‌شود ولی با این حال در این مجلس بحث و سایر چیزهایی که نشانه‌های یک مجلس مستقل هست، دیده می‌شود.

فعالیت مجلس بیشتر در مورد چگونگی اجرای برنامه‌های شاه دور می‌زند، خود برنامه‌ها هرگز مورد سؤال قرار نمی‌گیرد.

د ـ ارتش شاه

یک پایهٔ اساسی برای موقعیت شاه نیروهای مسلح وی است. آنچه ایرانیان از نیروهای مسلحشان تجربه کرده‌اند، بین ارتش و مردم عدم اعتماد و عدم تمایلی ایجاد کرده است، که سابقه‌ای ممتد در پشت سر دارد. اگر چه ارتش امروز حرفه‌ای‌تر و فساد در آن کمتر شده است، اما در اذهان عموم آن تصور سنتی همچنان وضوح خود را حفظ کرده است. از نکات شیوهٔ قدیم هنوز مواردی باقی مانده است (ابراز عنایت به اشخاص بدون رعایت موازین، امتیازات ویژه و فساد) و زمانی دراز طول خواهد کشید تا ارتش به عنوان یک جزء از مردم و نه موجودی مجزا از آن پذیرفته شود. به نظر می‌رسد که پایگاه اجتماعی که افسران از آن برمی‌خیزند هرچه بیشتر در حال تغییر می‌باشد. زمانی حضور اعضای خاندانهای نخبه در جمع افسران به میزان زیادی محسوس بود. چنین حضوری می‌توانست آن خاندان و منافع آن را حفظ کند. از شواهد ناقص موجود، چنین برمی‌آید که تعداد هرچه افزونتری از طبقات متوسط و حتی پایین به جماعت افسران راه می‌یابند. افسران سیاسی، که زمانی مزاحم عمده‌ای برای شاه بودند، تماماً حذف شده‌اند. شاه همواره نسبت به اقدام هریک از افسران در جهت کسب محبوبیت مستقل حساس بوده است، اما در مواقعی که تشنج زیاد بوده است وی مجبور شده که نظامیان نیرومند را بر سر کار آورد. در این رابطه می‌توان از تیمسار علی رزم‌آرا در سال ۱۹۵۱ و تیمسار فضل‌الله زاهدی ۱۹۵۳ نام برد. هر دو به عنوان

www.takbook.com



نخست وزیر به خدمت درآمدند، با هردو مشاجره کرد و هردو حذف شدند. رزم‌آرا ترور شد و زاهدی به عنوان سفیر سیار به اروپا تبعید شد.

خدمت طولانی و مخلصانه به شاه هم مأمن مطمئنی فراهم نکرده است. نمی‌توان همیشه به آسانی بین جاه‌طلبی شخصی و اشتباه کاری حرفه‌ای، به عنوان دلایلی که شاه به اتکاء آنها افسر به خصوصی را اخراج می‌کرد تمایز گذاشت. در چهارده سال گذشته ستاد مشترک چهار رئیس داشته است، آنها در ذیل همراه محتمل‌ترین دلایل اخراجشان نام برده شده‌اند:

عبدالحسین حجازی ۱۹۶۵ (۱۳۴۲) ـ ۱۹۶۱ (۱۳۳۹) بیماری

بهرام آریانا ۱۹۶۹ (۱۳۴۷) ـ ۱۹۶۶ (۱۳۴۴) ـ به اقدام نظامی قوی علیه عراق اصرار داشت و شاه با این عمل موافق نبود.

فریدون جم (شوهر سابق خواهر شاه) ۱۹۷۱ (۱۳۴۹) ـ ۱۹۶۹ (۱۳۴۷) ـ فراتر از حدی که شاه مایل بود، اختیار عمل خواست.

غلامرضا ازهاری ۱۹۷۱ (۱۳۴۹) ـ

فرماندهان نیروی زمینی نیز چنین الگوی مشابهی را نشان می‌دهند:

رضا عظیمی ۱۹۶۶ (۱۳۴۴) ـ ۱۹۶۱ (۱۳۳۹) بیماری

عزت‌الله ضرغامی ۱۹۶۹ (۱۳۴۷) ـ ۱۹۶۶ (۱۳۴۴) تعویض ناگهانی که نشانهٔ نارضایتی شاه تعبیر شد. دلیل به خصوصی در دست نیست.

فتح‌الله مین‌باشیان مشکلاتی ۱۹۷۲ (۱۳۵۰) ـ ۱۹۶۹ (۱۳۴۷) را که از نوسازی نیروهای مسلح به وجود می‌آمد نادیده می‌انگاشت.

غلامعلی اویسی ۱۹۷۲ (۱۳۵۰)

دیگر افسران عالیرتبه‌ای که به سبب غفلتهای مشخص اخراج شده‌اند:

تیمسار پالیزبان (رئیس ضد اطلاعات ستاد مشترک) کوتاهی در ردیابی حلقهٔ جاسوسی شوروی در ارتش.

سپهبد فرخ‌نیا (فرماندهٔ ژاندارمری) فساد

برخلاف بسیاری از کشورهای در حال توسعه، در ایران ارتش صاحب منحصر به فرد مهارتهای جدید، تخصص، مدیریت و عرضهٔ خارجی نیست. بنا بر این جمیع افسران به عنوان یک طبقه، انگیزه کمتری برای رشد این احساس که فقط ارتش می‌تواند «کشور را نجات دهد» وجود دارد. هر کس که جانشین شاه باشد به حمایت ارتش نیاز خواهد داشت. اما این احتمال به نظر نمی‌رسد تا زمانی که شاه زنده است ارتش دست به اقدام سیاسی بزند.

هـ ـ جامعهٔ روحانیت

اگر شما می‌بینید که ما سوگوار هستیم، دلیلش این است که ما می‌خواهیم وفاداری خود را نسبت به امام حسین نشان دهیم، چرا که او را به نام امامی می‌شناسیم که بر ضد ظلم و ستم و بنا به دستور خداوند جنگید و ما امروز گریه می‌کنیم، برای اینکه نمی‌خواهیم زیر بار ظلم برویم، ما به سر و سینهٔ خود می‌زنیم برای این که ما نمی‌خواهیم زیر بار دیکتاتوری برویم و یا آن را بپذیریم. ما برای هزار سال است که در حال گریه کردن هستیم و اهمیت ندارد که برای قرار دادن عدالت در مقابل ظلم و ستم ۱۰ میلیون سال دیگر گریه

www.takbook.com



کنیم. (از سخنان یک رهبر روحانی در بازار تهران).

شاه خود را مردی مذهبی تلقی می‌کند و ادعا دارد که محافظت الهی شامل اوست. او سفرهایی به مناطق مقدس انجام می‌دهد و هدایای گرانبهایی به مکه و اماکن مقدسه در عراق و ایران فرستاده است. او گمان می‌کند که مذهب بایستی برای پیشبرد اصلاحات او عمل کند، معهذا مثل پدرش به قدرت سیاسی رسیدن روحانیت را بشدت نفی می‌کند.

در نتیجه در ایران روحانیون مسلمان از منتقدین شدید شاه هستند. روحانیون به علت محرومیت از مجامع رسمی برای شکایاتشان، از طریق خطابه‌ها و انتشارات و مجامع مذهبی به رژیم شاه حمله می‌کنند. یک شعار احساساتی و مردمی آنها این است که به طور ضمنی و بعضی اوقات به طور صریح شاه را با یزید که در قرن هفتم مسئول قتل امام حسین بود، مقایسه کنند. (در دوران قاجار هم روحانیون از این حربه استفاده می‌کردند) این حادثه (شهادت امام حسین) در تاریخ روحانیت شیعه[1] هستهٔ مردمی اسلام است و در ایران این مسئله همواره دنبال می‌شود و یاد این حادثه هر ساله با برگزاری مراسم غم انگیزی در سوگ امام حسین و خانواده‌اش در صدها نقطه، در خاطرات زنده می‌ماند.

مخالفت روحانیت منحصراً متوجه شاه فعلی نبوده است. اگر چه روحانیون دلایل خاصی برای تنفر از پهلویها دارند. از زمانی که شیعهٔ اسلامی به عنوان مذهب رسمی برقرار شد (قرن شانزدهم) علمای شیعه با هر سلطنتی مخالفت کرده‌اند. مخالفت آنها یک پایهٔ مکتبی و ایدئولوژیکی دارد، چون ماهیت شیعه در اسلام، تمام مالکان مادی را غیر قانونی می‌داند. راهنمای قانونی در امور انسانها، آنها از مجرای مجتهدین که رهبران روحانی و نمایندگان امام و سخنگوی خدا و تنها منبع قدرت هستند، می‌تواند امکان پذیر باشد.

هر شیعه‌ای باید از تعالیم یک مجتهد پیروی کند. با توجه به این روش و اعمال آن در مورد شاه و دیگر مقامات رسمی، نقطه نظر روحانیت این است که دولت باید بازوی اجرایی روحانیت باشد. عوامل دیگری هم به افزایش قدرت روحانیون کمک کرده است. مرکز بزرگ شیعه در عراق بوده و بنابراین دور از دسترس فوری دولت تهران است. روحانیون کنترل پولهای زیادی از (ده یک) (سهم امام) را که در کنترل دولت نیست، به عهده دارند. تا این اواخر روحانیون تقریباً تمام قوانین فقهی و تحصیلات را در کنترل انحصاری خود داشتند. روحانیت خودش بشدت از نفوذ خارجیان متنفر بوده است و همچنین به طور مشخصی در نهضتهای ضد خارجی مردمی شرکت داشته است. مجتهدین در نظر بیشتر ایرانیان از احترام زیادی برخوردارند، اگر چه از پرنفوذترین افراد هم نباشند. آنها روابط خیلی نزدیکی با اصناف و تاجران بازار و گروههایی که خود را قربانی سیاست این خاندان می‌دانند، دارند.

علما در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به حداکثر نفوذ خود دست یافتند، آنها کسانی بودند که شاه را تشویق به آغاز دومین جنگ ایران و روس در سال ۱۸۲۷ کرده و در سال ۱۸۷۲ ناصرالدین شاه را وادار به حذف امتیازی که به انگلیسیها داده بود و همچنین اخراج نخست‌وزیری که باعث دادن این امتیاز شده بود، کردند. در اواخر قرن هم آنها یک حرکت موفق مردمی را در مقابل امتیاز دیگری برای انگلیسیها، رهبری کردند و در سال ۱۹۰۶ آنها یک ائتلاف ناممکن را با سیاسیون رادیکال برای تحمیل قانون اساسی به یک شاه سرکش انجام دادند.

---

۱ـ مذهب شیعه، مذهب رسمی ایران در قانون اساسی. در عراق، لبنان و پاکستان هم مشاهده می‌شود. اختلافی که اکثریت سنی را از اقلیت شیعه جدا می‌کند به خاطر اختلافات سیاسی مذهبی می‌باشد که بعد از مرگ محمد(ص) پیش آمده بود.

www.takbook.com



این اواخر هم رهبران روحانی در جنبش مخالفت با کمپانی نفت ایران و انگلیس (۱۹۵۳ ـ ۱۹۵۱)، نقش برجسته‌ای بازی کردند، و به خاطر نقض قوانین مذهبی منتقد شدید و دائمی برنامه‌های اصلاحی بودند. شورش خونین تابستان ۱۹۶۳ (۱۵ خرداد ۴۲ ـ مترجم.) نتیجه تلاشهای دولت برای خاموش کردن صدای انتقادآمیز یک روحانی بود. در دهۀ گذشته حوادث متعددی در رابطه با رهبران روحانی و دانشجویان اتفاق افتاده است. تظاهرات اخیر ضد دولتی در اوایل ژوئن ۷۵ در شهر مذهبی قم باعث دستگیری ۲۷۰ نفر گردید.

اطلاعات دقیقتر در رابطه با روحانیت در دسترس می‌باشد. شاید در حدود ۱۰۰/۰۰۰ نفر روحانی در ایران است که از پایین‌ترین طبقه روحانی (ملا) تا مجتهد هستند. به علاوه تعدادی هم افراد شبه‌روحانی مثل نویسندگان کتب مذهبی، خوانندگان مذهبی و خوانندگان قرآن وجود دارند. چند سال قبل درآمد سالیانۀ اموال (موقوفه) که توسط روحانیت کنترل می‌شد در حدود ۳۰ میلیون دلار تخمین زده می‌شد.

یک مجتهد برجسته در حدود ۲۰۰/۰۰۰ دلار در ماه به روحانیون وابسته‌اش جهت حمایت از طلاب و تهیه غذای برای فقرا، پرداخت می‌کرد.

احتمالاً فقط ۱۰٪ از افراد روحانی از حمایت دولت برخوردارند، و اینها را می‌توان از حامیان شاه به حساب آورد. آنها احتمالاً از کم نفوذترین روحانیون بوده و بنا به نظر عده زیادی با کارمندان دولت فرقی ندارند. احتمالاً ۵۰ درصد که تقریباً شامل هر رهبر مذهبی با هر شکل می‌شود، در جبهۀ مخالفت مستقیم با دولت قرار گرفته و کلاً به خاطر پایگاه مردمی‌شان مورد حمایت هستند. ۴۰ درصد باقی‌مانده از افراد محتاط در عین حالی که دارای حمایت مردمی می‌باشند، ولی از حمله زیاده از حد به دولت دوری می‌کنند.

هر پادشاهی مجبور بوده است خودش را در رابطه با رهبران روحانی هماهنگ کند. تازمان پهلوی روحانیون معمولاً قادر بودند که فشار زیادی به دولت بیاورند. رضا شاه برای مرکزیت بخشیدن و مدرنیزه کردن ایران هیچ‌گونه مخالفتی را تحمل نکرد و مستقیماً با نیروی زیادی در جهت محو قدرت سیاسی مجتهدین قدم برداشت. محمدرضا شاه هم بنا به لزوم تقریباً همان خط پدرش را دنبال کرده است.

آیت‌الله روح‌الله خمینی که دستگیری او آشوب‌های جدی به وجود آورد، در سال ۱۹۶۳ به ترکیه و بعد عراق تبعید شد. دیگر روحانیون هم در خانه تحت بازداشت بوده‌اند، و گزارش شده که حداقل یک نفر در زندان مرده است. مانند موارد دیگر شاه قول داده است که به کسانی که همکاری کنند پاداش داده می‌شود و کسانی که مخالفت کنند بشدت مجازات می‌شوند. به نظر می‌رسد که روحانیون در مجموع کمتر از دیگر اقشار جامعه انعطاف داشته باشند.

برای روحانیت شیعه هیچ اصلاحی در مذهب یا اصول مذهبی وجود ندارد، بلکه فقط تزکیه و انطباق با اصول و اصلاح وجود دارد. مجتهدین هنوز حق تفسیر را به وسیله شخص خود دارند و این موضوع باعث شد که روحانیت بتواند با مسایل جدید و مدرن مقابله کند و احتیاجات زمان را برآورده کند. در بین سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۴۱ شریعت (قانون اسلام) در چهار مورد اصلاح شد و قانون مدنی ۱۹۲۸ ترکیبی بود از شریعت و قوانین اروپایی. قانون حمایت خانواده بعد از مشاورت با روحانیون تصویب شده (۱۹۶۷). آزادی زنان با شدت زیادی از جانب روحانیت مورد اعتراض واقع شد و با وجودی که دولت اول تسلیم خواست روحانیت بود، ولی در این مورد بدون توجه به اعتراضات آنان پیش رفت. به هر حال جامعۀ روحانیت دیگر در مشاورتها شرکت داده نمی‌شوند و مسئولین مملکتی هم که مسئول اجرای برنامه‌ریزی

www.takbook.com



هستند، آنچنان به سوی دنیوی بودن پیش رفته‌اند که مذهب را چیزی نامناسب با خواسته‌هایشان می‌دانند.

پایه‌های فلسفی و دینی مخالفت روحانیت با رژیم اگر در همین محدوده قرار گیرد، برای دولت بی‌ضرر است، اما در حال حاضر از نظر پایهٔ علمی خودش به چند ارزشیابی واقعی تفسیر می‌شود:

الف ـ شاه در حال تأسیس یک جامعه غیر مذهبی است و بنابراین اسلام را نابود می‌کند.

ب ـ در این مورد او از جانب ایالات متحده و صهیونیستها که هر دو خواستار نابودی اسلام هستند حمایت می‌شود.

ج ـ به علاوه او (شاه) به وسیلهٔ بهائیها احاطه شده که آنها هم هدف اصلیشان نابود کردن اسلام است و این حقیقت که مرکز بزرگ بهائیت در اسرائیل و آمریکا قرار دارد، به این بدگمانی (روحانیت) اضافه می‌کند. توده روحانیت و بیشتر کسانی که معتقد و دنباله‌روی آنها هستند، احتمالاً در چنین مواضعی اشتراک دارند. آنها ظاهراً در نوع و چگونگی مبارزه اختلاف دارند. روحانیت یک تودهٔ منسجم و یکدست نیست و تمایلات گوناگونی را می‌توان در بین آنها دید. در حال حاضر چهار گروه که الزاماً جدای از هم نیستند وجود دارند: ۱ ـ سنتی ۲ ـ مدرن (امروزی) ۳ ـ خاموش ۴ ـ خشن.

۱ـ روحانیت سنتی: گروه زیادی از روحانیت سنت‌گرا هستند. آموزش و دیدگاههای آنان قرون وسطایی می‌باشد. اگر چه مجتهدین آنها حق تفسیر دارند، اما ابتکارات فردی و قضاوت آنها هنوز به عقاید استقرار یافته حکیمان الهی زمان قبل می‌باشد. مطالعاتشان، که امکان دارد از سن ۶ سالگی شروع شده و تا زمان مرگشان ادامه یابد، شامل قرآن و تفسیر قرن هشتم تا دوازدهم، سنت پیغمبران، قوانین مذهبی که شامل تمام جنبه‌های انسانی با جامعه و دولت است و فلسفهٔ اولیهٔ یونان به طوری که در بین اعراب و ایرانیها و زبان و ادبیات آنها رایج است، می‌باشد. یک دوره آموزش آنها ممکن است شامل ریاضیات سنتی گردد. محصلین هنوز در پای منبر معلمین می‌نشینند و قانون حفظ کردن هنوز وجود دارد. بهترین سنتی‌ها مردان عالمی هستند، که نه تنها به خاطر علمشان بلکه به خاطر تقوا و توانایی برترشان در امر به معروف و نهی از منکر مورد احترام می‌باشند. ولی دنیای ذهنی آنان زمانی که آنچه را که مسلمان لازم می‌دانست در بر می‌گرفت امروز فقط بخش کوچکی از واقعیتهای دنیایی است که در آن زندگی می‌کنند و آنها کم کم به این مسئله واقف می‌شوند.

۲ ـ روحانیت امروزی (مدرن): آنها تعداد کمی هستند و سنت و مکالمات سنتی را هم طرد نمی‌کنند. آنها ترجیح می‌دهند تا کوشش کنند که روش سنتی را به زبان امروزی بیان کنند، که باعث جذب ایرانیهایی که دیگر جذب اهداف سنتی نیستند، شود. افراد فارغ‌التحصیل الهیات دانشگاه تهران جدا از اینها هستند. این مدرسه برای این هدف، اول به وسیلهٔ رضا شاه ایجاد شد، تا انحصار تشکیلات سنتی مذهبی را درهم شکند. اما در این مورد به موفقیت جزئی رسید. فارغ‌التحصیلان مدرسه در بیشتر نقاط به عنوان روحانیون واقعی پذیرفته نمی‌شوند و در واقع تنها چند نفری روحانی و واعظ می‌شوند. آنها به عنوان معلم دینی و عربی و ادبیات و گاهی شغلهای دیگر وارد دولت می‌شوند. در یک موقع رئیس پروتکل ساواک فارغ‌التحصیل همین مدرسه بود.

۳ ـ روحانیت ساکت (خاموش): سیاستی که توسط تعدادی از ملاهای برجسته دنبال می‌شود این است که در رابطه با مقامات غیر مذهبی «خاموش» باشند. این موضوع در عبارت یکی از آنها روشن می‌شود.

www.takbook.com



«وظیفهٔ ما این است که نصیحت کنیم جنگ». این روش از درگیر شدن آنها با مقامات جلوگیری کرده و در جهت حفظ مؤسسات مذهبی و رهبرانشان کوشش می‌کنند. از هر دو گروه روحانیت سنتی و مدرن در این گروه یافت می‌شود. به نظر می‌رسد که احتمالاً بیشتر رهبران مذهبی که از مخالفین ساکت رژیم هستند، این سیاست را دنبال می‌کنند.

۴ ـ روحانیت خشن: این گروه شامل تنها قسمت کمی از روحانیت امروز می‌شود (که شامل دانشجویان مذهبی هم می‌شود) اما آنها خطری بیشتر از آنچه تعدادشان است، تولید می‌کنند. تروریسم مذهبی از مشخصه‌های دنیای اسلام است. ستاد آدمکشهای قرون وسطی تنها چند مایلی از تهران فاصله داشت. در حدود دهه ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۶ فداییان اسلام مسئول حداقل ۳ آدمکشی و ۳ کوشش برای این کار، منجمله کوشش برای کشتن شاه بوده‌اند. در سال ۱۹۵۶ رهبر فداییان اسلام به وسیلهٔ نیروهای امنیتی اعدام گردید، ولی گروههایی به نام فداییان سالهاست به کار خود ادامه می‌دهند. روند خشونت در اسلام شیعی، امروزه در مارکسیستهای اسلامی تجلی می‌یابد. یک ائتلاف غیر محتمل که اغلب شاه و سخنگوی دولت از آن نام می‌برند. این ائتلاف اخیراً به دلایل متعدد به وجود آمد. یکی از آنان کوششی بود که از جانب افراد مذهبی ضد دولتی برای ایجاد ایدئولوژی و فلسفه‌ای که بتواند هر مخالفی را در خود جای دهد، بود. این شامل خیلی از عناصر مذهبی که شاهد اعمال شاه برای نابودی مذهب بودند، می‌شد. همچنین کسانی که تمایلات کمونیستی داشتند، می‌پذیرفتند که با روحانیون برای سرنگونی شاه همکاری کنند. تشکیلاتی به نام مجاهدین خلق مورد توجه آیت‌الله روح‌الله خمینی که برای مدت یک دهه از تبعیدگاه خود در عراق، جنگ خود علیه شاه را ادامه می‌داد، قرار گرفت. مجاهدین مشتق از تشکیلات متعدد منجمله از طرفداران جبههٔ ملی بعد از مصدق می‌باشند. اسلاف روحانی مجاهدین فعلی، مهندس بازرگان یکی از استادان دانشگاه تهران و آیت‌الله محمود طالقانی یک روحانی برجسته، که هر دو عمیقاً مذهبی و برای مدتی طولانی مخالف شاه بودند، می‌باشند. آنها رهبران تشکیلاتی بودند که قبل از مجاهدین وجود داشته است. به نظر نمی‌رسد که آنها رهبران فعلی سازمان امروزی باشند. آنها تحت مراقبت دائمی می‌باشند. اما این طور به نظر می‌رسد که جهت و فعالیتهایی که ۱۰ سال قبل تشویق می‌کردند، امروز به ثمر رسیده باشد. اعمال خشونت‌آمیز، که آنها مبرم می‌دانستند ولی قادر به اجرای آن نبودند، اینک توسط یک روش به مراتب حرفه‌ای‌تر یک عمل انقلابی شده است. احتمالاً دستیابی به تجربه و آموزش تروریستهای خارجی این تفاوت را باعث شده است.

تروریستها هم از مردان و هم از زنانند، و عموماً در سنین ۲۰ تا ۳۰ سالگی قرار دارند و اغلب دانشجویان فارغ‌التحصیل هستند. در میان آنها تکنیسین و متخصص بسیار زیاد است و این شاید دلیل بهبود و تکامل نوع بمبهای آنان باشد. روحانیون و دانشجویان مذهبی به نظر نمی‌رسد، که در بمب‌گذاری‌ها یا ترورها شرکت داشته باشند. احتمالاً آیت‌الله خمینی نبایستی به عنوان رهبر مجاهدین تلقی شود، بلکه حمایت او باعث تشویق بازاریان برای تقسیم کردن پول بین آنها می‌باشد.(۱) طلاب روحانی که پیرو او هستند می‌توانند تظاهرات زیادی بر ضد رژیم ایجاد کنند.

احتمال کمی وجود دارد که یک صلح بین رژیم و جامعهٔ روحانیت به وجود آید. آن دسته از روحانیونی

---

۱ـ البته در این مورد به خاطر ضعف اطلاعاتی دستگاه به وضوح عدم صحت چنین موردی با توجه به بیانات امام امت، در مورد مجاهدین خلق بر همگان واضح گشته است.

www.takbook.com



که سیاست خاموشی را در پیش گرفته‌اند ـ که احتمالاً هم گروه زیادی هستند ـ قادر نیستند و نمی‌خواهند که مجاهدین را از اعمال خشونت‌آمیز خود بازدارند. حتی اگر نیروهای امنیتی مجاهدین را نابود کنند، مخالفین روحانی در صحنه باقی می‌مانند؛ اگر چه خشونت کمتر بشود. یک روسی که با روحانیت رابطه داشت بر این نکته تأکید داشت که چاپ تصاویر عریان و دیگر ادبیات فاسد، یکی از عطایای عمدهٔ آمریکا به صحنهٔ ادبی تهران بوده است. جدیدترین نمونه در این موارد به دنبال ترور سرهنگ شیفر و ترنر واقع شد؛ وسایل شخصی این دو که توسط ضاربین برداشته شده بود، متعاقباً بازگردانیده شد. در بین وسایل اصلی، نسخه‌هایی از مجلات «پنت هاوس» و پلی بوی همراه با پاره‌پاره‌های این مجلات قرار داده شده بود. ظاهراً ضاربین امید داشتند که مطبوعات قضیه را جذب کنند و به آن اشاعهٔ وسیع‌تری بدهند. چاپ تصاویر عریان برای ایرانیان چیز ناآشنایی نیست. اما نوع بی‌پردهٔ آن که در اروپا و آمریکا محبوبیت دارد، برای آنها که افکار دینی دارند نفرت‌انگیز است. غیر مذهبی بودن دولت و مذهبی بودن روحانیون غیرقابل مصالحه می‌باشد، و هیچ طرفی هم حاضر به مصالحه نیست. از نقطه نظر منافع آمریکا، جنبهٔ مهم این قضیه دشمنی یک گروه بسیار با نفوذ است که دسترسی همیشگی به عامهٔ مردم دارند، تمایل ضد خارجی ایرانیها همیشه مثل آتشی در زیر خاکستر بوده است. اگر چه این موضوع توسط احساس مهمان‌نوازی پوشانده شده است، ولی همواره برانگیختن احساسات ضد خارجی مردم کار آسانی بوده و هر موقع که چنین حادثه‌ای اتفاق افتاده جنبهٔ مذهبی داشته است.

برای سالها سفارت شوروی در تهران نقش پرورش رهبران مذهبی را به عهده داشته است.[1] دلیلش هم احتمالاً دو موضوع است: اول اینکه آنها را به عنوان یک دوست اسلام بپذیرند و دوم اینکه مطمئن شوند که روحانیون ضد آمریکایی باقی بمانند. در هر دو جهت آنها موفق بوده‌اند. روسیه شوروی تأکید کرده است که اسلام را در شوروی حمایت خواهد کرد.

آنها چند جلد گرانبها از قرآن و کتب کلاسیک ایران را در شوروی به چاپ رسانده‌اند. تمایل دیگر شوروی امکان دارد برای خاموش کردن عکس‌العمل مخالف روسیه که به قیامهای ضد خارجی بینجامد باشد. مقامات امنیتی از بیشتر تماسها و رابطه‌های روسیه آگاهی دارند و آنها را کنترل می‌کنند. ظاهراً شاه از این موضوع نگران نیست، زیرا که هیچ گونه اعتراضی صورت نگرفته است. تا مادامی که هیچ کوشش روشنی از جانب شوروی برای قرار دادن روحانیت در مقابل او انجام نگرفته است، احتمال نمی‌رود که شاه روابط دوستانهٔ بین دو کشور را با یک اعتراض به هم بزند.

## ظهور یک طبقه جدید نخبگان؟

بعضی از محققین دانشگاهی معتقدند که ظهور یک طبقهٔ بالقوه نخبه جدید را مشاهده می‌کنند. یکی از آنها آن را طبقهٔ روشنفکر صاحب فن دیوانسالار یا یک طبقهٔ متوسط صاحب فن نامیده است. خصوصیات این طبقه در ذیل می‌آید:

الف ـ روابط سنتی قدرت را که بر جامعه سلطه دارد، مردود می‌شمارد.

ب ـ به عوض تحصیلات سنتی حاوی مطالب دینی، تحصیلات عالیه جدید دارند یا سعی به کسب آن دارند.

---

۱ـ الحمدالله الذی جعل اعدائنا من الحمقاء ـ سپاس خدای را که دشمنان ما را از احمقها قرار داد.

www.takbook.com



ج ـ در نتیجهٔ این تحصیلات قدرت این طبقه عمدتاً متکی به مهارت یا استعداد اعضای آن است.

د ـ نسبت به طبقهٔ متوسط سنتی طیف وسیع‌تری از عقاید و رخنه‌های خارجی را پذیر است.

هـ ـ سیستم ارزش و ارزشهای قدیمی را به دور انداخته است و در نتیجه دیگر به اسلام به عنوان راهنمای زندگی نمی‌نگرند. اعضای آن به گذشته‌ای که جزو آن نبوده‌اند، علاقه‌ای ندارند و علاقه‌شان به خدا یا گذشته کمتر است. اینان در طلب ارزشهای جدید بعضی به بهائیت و بقیه به کمونیسم با ایدئولوژی‌های چپ گرویده‌اند. این طبقه همه نوع صاحب فن را در بر می‌گیرد، دکترها، وکلا، معلمان، مهندسان، دیوانسالارهایی که تحصیلات جدید و مهارتهای خاص دارند، فن سالاران، مدیران، کارمندان و دانشجویان. به علاوه نویسندگان و هنرپیشگان که از خیلی لحاظ سخنگوی این طبقه محسوب می‌شوند.

اعضای این گروه اگر امکان انتخاب آزاد داشته باشند، احتمالاً یکی از انواع نظریه‌های سیاسی ناشی از غرب مانند : دموکراسی، سوسیالیزم، کمونیسم و معدودی حتی فاشیسم را برخواهند گزید. تناقض در اینجا است که آن حکومتی که بر اساس هر یک از این فلسفه‌ها بنا شود ریشه‌اش در فرهنگ، تاریخ و خصوصیات ممیزهٔ ایران، سطحی‌تر از ریشهٔ پادشاهی خواهد بود. احتمالاً تعداد اداره‌کنندگان چنین حکومتی به اندازهٔ امروز کم خواهد بود. همان‌طور که دیده‌ایم، سیستم ایرانی برای تازه‌واردین به این شرط که در بازی شرکت کنند، جای باز می‌کند. آنهایی که چنین کنند پاداش می‌گیرند و آنهایی که نکنند بازنشسته می‌شوند و یا مسیر خود را به زندگی خصوصی یا مشاغل که صرفاً مهارتهای ایشان را به کار گیرد، تغییر می‌دهند. بسیاری از روشنفکران صاحب فن دیوانسالار شرکت در بازی را انتخاب کرده‌اند.

مرکز سر برآوردن روشنفکران صاحب فن دیوانسالار دانشگاه‌هاست. رؤسای دانشگاهها و نخبگان سیستم آموزشی پیش از آنکه مدیر باشند، سیاستمدارند. کوتاهی در مهار ناآرامی‌های دانشجویی می‌تواند در موقعیت ایشان مؤثر باشد. در ۱۵ سال گذشته ۲۶ تن از ۴۰ رئیس، قبل از انتصابشان به دانشگاه از مقامات دولت بوده‌اند. هفت نفر ایشان وزیر کابینه و یکی ـ اسدالله علم ـ نخست وزیر بود. از این ۲۶ نفر که دیگر رئیس دانشگاه نیستند، ۱۸ نفر پس از ترک این مقام به مناصب دولتی بازگشتند. چندین نفر از آنها از اعضای خانواده‌های با نفوذ بوده‌اند،حال در آنجا تولد یافته‌اند یا با ازدواج متصل شده‌اند. برای نمونه:

منوچهر اقبال: دخترش ابتدا با برادر کوچک شاه و سپس با پسر اشرف ازدواج کرد.

هوشنگ منتصری: یکی از اقوام دور شهبانو فرح، حبیب‌الله نعیمی فرزند معلم سابق شاه، همسر دومش از خاندان عدل (یکی از چهل فامیل مسلط) و دوست نزدیک شاهزاده اشرف و معروف دربار است.

عباس صفویان: با زریندخت قوام، فرزند استاندار سابق کردستان و دختر عموی علم ازدواج کرده است.

محمد شفیعی امین: از یک خاندان سرشناس آذربایجان ترکیه.

علی اکبر سیاسی: با دختر مصطفی بیات، برادر مرتضی بیان نخست وزیر سابق (۱۹۴۴) ازدواج کرد.

حسن ضیائی خانوادهٔ مرتبط با قرائی‌ها و تیمور تاش‌ها، خانواده‌های مهم خراسان، با دختر محمد قریب برجسته‌ترین پزشک اطفال در ایران ازدواج کرد.

بدین ترتیب رؤسای دانشگاهها اغلب شخصیتهای سیاسی و دخیل در منازعات داخلی سیستم ایرانی بوده‌اند.

www.takbook.com



**به سوی آینده**

ساخت و عملکرد گروه نخبه ایرانی که وصف شده است در خلال سالها، میزان بالایی از ثبات را نمودار است. ناامنی، بدبینی و عدم اعتماد از عواملی هستند که در گروه نخبگان خصلتهایی چون قابلیت مصالحه و انعطاف پذیری ایجاد کرده‌اند. چنین خصلتهایی آنها را قادر ساخته است، با حداقل خسارت به میزان نفوذ خود که برای ایشان عزیز است از زیر تیغ تحولات جان به در برند. نخبگان کنونی مصلحت دانسته‌اند، که در برابر نیروی فائقه یک پادشاه مسلط سر فرود آورند. معهذا در رفتار نخبگان جاه‌طلبی سیاسی شخصی، همچنان به عنوان نیروی محرک در لوا باقی مانده است. انتقال حکومت از شاه فعلی به جانشین وی به نخبگان این فرصت را خواهد داد که مشتاقانه به سوی قدرتی که این همه مدت از ایشان دور نگهداشته شده بود هجوم آورند. هر کس که جانشین شاه بشود قادر نخواهد بود این روند را در کنترل داشته باشد، مگر اینکه بتواند همان موقعیت مسلطی را که محمدرضا پهلوی دارد، برای خود فراهم کند. سنت بر این بوده است که برای مدعیان قدرت، هرچند که به موقعیت نخبگی دست نیافته باشند، جایی باز شده است و ایشان بدون از هم پاشیدن سیستم جزیی از آن شده‌اند. زمانی که شاه کنونی برود طبقهٔ برگزیده در قیاس با پیشینیان خود با مدعیان بیشتر و نیرومندتری مواجه خواهد بود. گروه روشنفکر صاحب فن دیوانسالار طبقه‌ای در حال رشد است، که با بسیاری از تغییراتی که خود شاه پیش می‌آورد، به مراتب بالاتری دست یافته است.

ارزشها و موضعگیری‌ها و دید ایشان از جامعه، به طور مشخصی از نخبگان سنتی، متمایز است. اگر چه خیلی از آنها در ساخت موجود جذب خواهند شد، ولی صرف تعدادشان جای برجسته‌ای در جامعه ایرانی به ایشان وعده می‌دهد.

نخبگان تجاری ـ صنعتی که تعدادشان کم است، به طور روز افزونی کنترل بخشهایی از اقتصاد را که اهمیتشان در نتیجهٔ برنامه شاه به سرعت زیاد می‌شود، در دست دارند. اینان خواستار قدرت سیاسی خواهند شد. به هر صورت نیاز به ادامهٔ بقا در ایران پس از شاه می‌تواند بعضی از عناصر نخبگان تجاری ـ صنعتی و روشنفکران صاحب فن دیوانسالار (تکنوکرات ـ بوروکرات) را به همکاری با یکدیگر وادارد. این ائتلافی است که می‌تواند تغییر کیفی در جامعه ایرانی ایجاد کند.

جامعهٔ ایران توانسته است با جذب طرحها و آداب و رسوم بیگانه و درآوردن آنها به شکلی منحصراً ایرانی، قرون را پشت سر گذارد. این قابلیت انعطاف یک بار دیگر در معرض آزمایش قرار دارد و ماحصل، هر چند که نمی‌توان پیش‌بینی نمود، ممکن است بیش از نفوذ خارجی به ایران سنتی مدیون باشد.

**آمار بیشتر درباب خاندان سلطنتی**

بعضی از اشخاصی که در اینجا مطرح می‌شوند، در متن اصلی به آنها اشاره شده است. بقیه بار اول است که از آنها ذکری می‌شود. بعضی از افرادی که به وسیلهٔ ازدواج در خاندان سلطنتی داخل شده‌اند به عنوان مصادیق یکی از نکات اصلی که در این رساله آمده، یعنی اهمیت ارتباط خانوادگی در دست‌یابی به مقام، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سابقهٔ ازدواجها و طلاقها، خیانتها، تجدید ازدواجها و کینه‌های درون فامیلی خاندان سلطنتی نمونهٔ وضع بسیاری از خانواده‌های برگزیده است. ایجاد ارتباطات خانوادگی برای منافع سیاسی و مالی نیز همان طور است.

www.takbook.com



**ملکه مادر**

تاج‌الملوک، مادر شاه بر اهل بیت خاندان سلطنتی حکمروایی می‌کند. سن دقیق او، شاید حتی برای خودش هم معلوم نباشد، اما باید در دوران هشتاد سالگیش باشد. وی دختر باقر خان میرپنج بود. دربارهٔ باقرخان میرپنج چیز دیگری در دست نیست، جز اینکه می‌دانیم خانواده‌اش از قزاقستان بودند. تاج‌الملوک سه خواهر و یک برادر داشت و اطلاعات درباره آنها کم است. عالمتاج، خواهر سوم وی، با یک نفر به نام سرهنگ مین‌باشیان ازدواج کرد. برادر مین‌باشیان با شاهزاده اشرف ازدواج کرده است. یک خواهر دیگر وی به همسری یک دکتر پزشک بنام سناتور محسن حجازی درآمد.

در سال ۱۹۴۴ رضا شاه در تبعید فوت کرد. طولی نکشید که تاج‌الملوک که به تهران بازگشته و یک نفر را به نام غلامحسین صاحبدیوانی به عنوان فاسق خود برگزید. آنها عاقبت در سال ۱۹۴۸ به عقد یکدیگر درآمدند. صاحبدیوانی به طور قابل ملاحظه‌ای از تاج‌الملوک جوانتر بود. وی از یک شاخهٔ خانوادهٔ قوام‌الملک شیرازی، با نفوذترین خانواده در استان فارس بود. صاحبدیوانی جز لیاقتش برای همین کار، خصوصیت برجستهٔ دیگری نداشت. وی دارای تحصیلات متوسطه بود و یک دوره در مجلس به نمایندگی فارس اشتغال داشت. احتمالاً این شغل را به واسطهٔ نفوذش در ملکهٔ مادر به دست آورد. وی دوباره به نمایندگی انتخاب نشد، شاید روابطش با تاج‌الملوک به هم خورده بود. تاج‌الملوک خیلی کم بیرون از حلقه کوچک دوستانش دیده می‌شود. تا سال ۱۹۷۱ از ملکهٔ مادر چنین گزارش می‌دادند، که یکی از متنفذترین افراد در شاه بوده است.

**فریده، مادر ملکه**

زمانی که ملکهٔ مادر از دنیا رود مقام ارشدی را که او دارد، فریده دیبا مادر ملکه بر عهده خواهد گرفت. وی که جوانتر است، تحصیلات بهتر و تسلط طلبی کمتری دارد و می‌تواند تصوری را که عامه از خاندان سلطنتی دارد، باز هم بهبود بخشد.

**شاهزاده اشرف**

دربارهٔ اشرف گفته شده که وی محبوب رضا شاه بوده است. اما ملکهٔ سابق ثریا این را تکذیب می‌کند و می‌گوید: «اشرف در واقع دون نظر والدینش بود، رضا شاه شمس را ترجیح می‌داد و هرگاه که می‌توانست به وی ضربه می‌زد.» (این می‌تواند شایعاتی باشد که ثریا بافته است، چون او و اشرف برای نفوذ در دربار رقابت وحشیانه‌ای داشتند) اشرف در یک مدرسه دخترانه که توسط زردشتیان اداره می‌شد، تحصیل کرد. اشرف سه سال پس از جدایی از علی قوام، همسر اول وی و فرزند قوام‌الملوک متنفذ، با یک مصری به نام احمد شفیق ازدواج کرد. این دو پیش از طلاق در سال ۱۹۵۹ یک پسر بنام شایان مشهور به «پوزی» و یک دختر به نام آزاده، به دنیا آوردند. سال بعد اشرف با دکتر مهدی بوشهری از اعضای یکی از ۴۰ فامیل مسلط ازدواج کرد.

همسران اشرف خوش عاقبت بودند؛ شفیق مدیر شرکت هواپیمایی «پارس ایرلاین» شد که ادعا شده است از آن برای فعالیتهای قاچاق به سوئیس و بالعکس استفاده می‌کرد. بوشهری که مناصب رسمی پرمسئولیتی چون سفیر سیار و رئیس هیئت مدیره فستیوالهای هنری را بر عهده داشت، چند سال قبل

www.takbook.com



دخالت زیادی در ترتیب دادن صدور اجازهٔ فعالیت به شرکت «آیروفلوت» در ایران داشت. معامله‌ای که ظاهراً منافع مالی برای وی در بر داشت.

اشرف با ابراز علاقه به فهرست طویلی از مردان جوان و جذاب، شهرت پرسروصدایی فراهم کرده است. این فهرست شاید با نام اسدالله علم در سال ۱۹۴۳ شروع شود.

اشرف و دیگر اعضای خاندان سلطنتی مورد نفرت مصدق بودند و در سال ۱۹۵۱ او (مصدق) شاه را وادار کرد، آنها را از کشور خارج کند. اشرف تا دو سال و نیم یعنی تا اوایل ۱۹۵۴ برابر حدود ۸ ماه پس از کودتا علیه مصدق بازنگشت. شاه از اقامت هرچه بیشتر وی در خارج راضی بود، زیرا وی را از دومین بازی یعنی نقشه‌چینی سیاسی برحذر می‌داشت. هرچند که دخالت سیاسی وی آشکارا تقلیل یافته است، ولی علاقه وی به تجارت و فعالیتهای بازرگانی که اغلب در مرز تجاوز از قانون است، اگر چه کاملاً غیر قانونی نباشد، همچنان شدید است. وی هرگز در استفاده از نفوذ خود در فراهم کردن قراردادهای دولتی برای دوستان و آشنایان که بخواهند اجرتی بپردازند، تردید نکرده است. گفته می‌شود که در سالهای اخیر وی از معامله‌گران، حق‌العمل طلب نمی‌کند، بلکه فقط اظهار می‌کند که خوشحال خواهد بود اگر بتواند مواقعی که لازم است به آنها اطمینان کند. گزارشی در اوایل دههٔ ۱۹۵۰ اظهار می‌دارد که شاه فکر می‌کند اقدامات تجاری اشرف تا زمانی که وی (شاه) نفوذ خود را برای پشتیبانی اشرف به کار نگیرد، مانعی ندارد. در مقطعی دیگر، مدت مدیدی پس از آن، مدیر یکی از بانکهای ایران به یک کارمند سفارت گفت که وی بعضی از اقدامات تجاری اشرف را که وی را (اشرف را) در موقعیت ناپسندیده‌ای قرار می‌داد به نظر شاه رساند، شاه صرفاً مسئله را بی‌اهمیت تلقی کرد. مدیر بانک به کارمند سفارت اظهار داشت که چنین معاملات «برای اشخاص دیگر ده سال زندان در بر دارد». شهرام، فرزند ارشد اشرف، در بعضی موارد جای پای مادرش را دنبال کرده است. وی به طور وسیع و نامطلوبی در تهران به عنوان یک معامله‌گر زرنگ شهرت دارد و حدود ۲۰ شرکت شامل ترابری، کلوپهای شبانه، ساختمانی و تبلیغات بخش عمدهٔ داراییهای وی را در خود جای داده‌اند. برای ایرانیان صاحب اطلاع، فروش گنجینه‌ها و عتیقه‌های هنری کشور از جمله ساخته‌های دستی مارلیک، که یک موضوع باستان‌شناسی ماقبل تاریخ و حائز اهمیت زیاد است، بدنام‌ترین عمل حاکی از بی‌مسئولیتی وی می‌باشد.

### شاهزاده شمس

شمس خواهر بزرگتر شاه است. وی همواره شهرتش از اشرف بهتر بوده است. اما از لحاظ سیاسی اهمیتی ندارد. مانند بقیهٔ خاندان سلطنتی وی منافع معتنابهی در تجارت دارد. شمس سالها وجوهات سرمایه‌گذاری حبیب ثابت، برجسته‌ترین تاجر تهران را فراهم می‌کرد. جدیدترین طرح وی یک «شهر نمونه» در غرب تهران است. وی در آنجا مشغول بنای یک قصر است. چندین شرکت ساختمانی که وی در منفعت آنها شریک است بر روی این طرح کار می‌کنند. آخرین اظهار نظر دربارهٔ وی از شاهزاده سروناز، دختر عبدالرضا برادر ناتنی وی است که وی را «دوست داشتنی، شیرین، بی‌آزار و احمق» وصف نمود.

### غلامرضا

غلامرضا، تنها فرزند رضا شاه از توران امیرسلیمانی، اینک یک سربار حرفه‌ای است و مقام سرتیپی

www.takbook.com



دارد. وی در حال حاضر فرماندهی عالی بازرسی مخصوص ستاد مشترک را بر عهده دارد که بیش از آنکه یک منصب کاری باشد، تشریفاتی است. غلامرضا را یک فرد بی‌تشخص، فاقد قوای شخصیت و روشنی فکر وصف کرده‌اند. در اوایل ۱۹۵۹ تلاش مختصری توسط یک گروه غیر متجانس از سیاستمداران و نظامیان انجام شد، که تا غلامرضا به مقام ولایتعهدی ترفیع یابد. این کار ظاهراً با این توقع انجام شد که شاه ممکن است قریباً سقوط کند. با تولد ولایتعهد رضا سیروس، این امر مصداق عملی خود را از دست داد. (به عنوان اطلاعات فرعی باید اظهار داشت که تقریباً تمام اعضای آن گروه با لژ گراند اورینت (خاور بزرگ) مرتبط بودند. این تشکیلاتی بود که از قرار معلوم، انگلیسها برای تأمین منافع خود در ایران تأسیس کرده بودند).

### شاهزاده عبدالرضا

تنها برادر ناتنی شاه که زمانی امید می‌رفت چیزی غیر از انگل. فرزند اول رضا شاه از همسر چهارم خود عصمت‌الملوک دولتشاهی بود. عموماً در این موضوع که وی حائز بهترین تحصیلات و روشن‌ترین فکر در خانواده سلطنتی است، اتفاق رأی وجود دارد. این واقعیتی است که زمانی سفارت معتقد بود فاصلهٔ بین عبدالرضا و شاه را توجیه می‌کند، شاه به او بیش از بقیهٔ برادران حسادت می‌ورزد، عمدتاً به این دلیل که شاه دوست دارد در هر زمینه‌ای سرآمد به نظر آید، ولی دریافته است که عبدالرضا از او در تحصیلات و فرهنگ کلی برتر است. در همان زمان سفارت اظهار داشت که «بیشتر دانش او سطحی بوده و درست فهم نشده است». (سفارت آمریکا در تهران ۲۶۶ D ـ ۱۹۵۴ ـ سرّی) او مطمئناً هرگز فرصتی نیافت تا معلوم کند آیا بی‌لیاقت بود یا اینکه صرفاً تجربه‌اش کم بود. در اواخر دههٔ پنجاه، از عبدالرضا گزارش می‌شد که اظهارات گزنده‌ای دربارهٔ شاه ابراز داشته است، که از میان ملایم‌ترین آنها این بود که خاندان سلطنتی «کاملاً فاسد شده بود» و اینکه وی از عضویت در آن سرافکنده است، و اینکه شاه قادر نیست محیط خود را با افراد سالم بیالاید و اعمالش کشور را به تباهی می‌کشاند. باید توجه داشت که این سنجشها منحصر به عبدالرضا نبود؛ بلکه در آن زمان بسیاری از ایرانیان و غیر ایرانیان در آن سهیم بودند. سفارت در اظهار نظر دربارهٔ رد و بدل کردن این صحبتها اشاره کرد که عبدالرضا بدون شک به جهت زندگی که باید در پیش رو داشته باشد، یعنی یک زندگی عاری از معنا و مقصد، وجودش سرشار از یأس می‌باشد.

### نظریه دربارهٔ منابع اسناد این کتاب

منابع زیادی چه طبقه‌بندی شده و چه بدون طبقه‌بندی برای تهیهٔ این بررسی به کار گرفته شده است. شاید یک دسته از اسناد، کتابها، رسالات تک موضوعی، مقالات و اوراق جاری در محافل خصوصی که بدون طبقه‌بندی بودند، بیشترین استفاده را داشته‌اند. چند صد سند رسمی که مدت زمانی پیش از سه دهه را در بر می‌گیرند، استفاده گردیده است؛ بیشتر آنها مقالات فرستاده شده خدمات خارجی در رابطه با گزارشهای سازمان سیا و سندهای درجه دوم و سوم (از لحاظ اهمیت) ارتش می‌باشد. هیچ کدام از این گزارشها البته برای احتیاج به مطالعه مثل چنین جزوه‌ای تهیه نشده است.

در خلال ۳۰ سال همان‌طور که انتظار می‌رود گزارشها از نظر کمیت و کیفیت به طور زیادی تغییر کرده‌اند. که نه تنها انعکاس دانش فرد فرد مأمورین بوده، بلکه مطالب بازگو نشده‌ای در رابطه با اهمیت ایران برای

www.takbook.com



ایالات متحده می‌باشد.

برای گزارش گذشته باید از سفارتهای متعدد نام برد و تشکر کرد که هنوز هم ارزش خواندن را دارد. یک سری گزارشها در مورد شاه بین سالهای ۱۹۵۱ و ۱۹۶۷ زمینهٔ خوبی برای درک حکومت سلطنتی و پیشرفتهایش فراهم کرده است. این گزارش خیلی خوب نوشته شده و خیلی خوب شاه و خانواده‌اش و سیاست و رسومات اجتماعی را تشریح کرده است. اگر چه در این کتاب به محمد مصدق تنها اشاره‌ای شده است، ولی او هنوز روی خیلی از ایرانیها نفوذ دارد؛ منجمله بعضیها که از اول به او پیوسته بودند. در کتاب سال ۱۹۵۳ در مورد مصدق چیزهایی نوشته شده که اهمیت این کتاب بیشتر در این است که از زمینه‌های دیگر ملی‌گرایی که هنوز هم ارزش دارد بحث می‌کند. در سال ۱۹۵۹ کنسول آمریکا در مشهد اسامی حدود ۱۲۰ نفر از این ناسیونالیستها را بررسی و گزارش کرد. در گزارشهای مربوط به بیوگرافی افراد یک سری از گزارشهای سیا موجود است.

www.takbook.com

## بخش دوم

**سرّی**

**کتاب تشریح وضع کلی**

**ایران**

**کتاب تشریح وضع کلی ایران**

قسمتهای مهم این کتاب کاملاً ترجمه شده و از سایر قسمتها نیز به واسطهٔ حجم زیاد خلاصه ترجمهٔ جامعی به ضمیمه آمده است.

البته متن انگلیسی آن به طور کامل به چاپ رسیده است. این کتاب که یک گزارش جامع و همه جانبه از اوضاع ایران در زمان رژیم شاه است، شامل بخشهای زیر است:

۱ـ مقدمه ـ که شامل معرفی آن قسمت از سفارت و کارمندان آن، که کتاب را تهیه کرده‌اند، می‌باشد.

قسمت امور داخلی ـ خارجی ـ روابط ایران با سایر کشورها و سازمانهای بین‌المللی و وضع گروههای سیاسی داخلی و تشکیلات امنیتی است.

قسمت A که کلاً راجع به نحوهٔ تصمیم‌گیری، در ایران سلطنتی است.

قسمت A/1 که وضعیت خانواده سلطنتی و روابط داخلی آن است.

قسمت A/2 چگونگی انتقال و تفویض قدرت.

قسمت A/3 ارزیابی از سلطنت مدرنیزه ایران.

قسمت A/4 حزب رستاخیز.

قسمت A/5 سیستم تک حزبی.

قسمت A/6 تحول اخیر قدرت در ایران.

قسمت A/7 نقش و شخصیت ارتش.

قسمت A/8 مواد مخدر.

قسمت A/9 لیست اعضاء کابینه هویدا و درجهٔ تحصیلی آنها.

www.takbook.com



**کتاب تشریح وضع کلی ایران** **سالهای ۳۴ ـ ۵۶ سالهای ۱۹۵۵ ـ ۱۹۷۷**
**محرمانه**

**قسمت سیاسی و سیاسی نظامی سفارت**

۱ـ قسمت سیاسی: کار این قسمت ارزیابی پیشرفتهای اوضاع سیاسی است؛ همچنین دادن توصیه‌هایی در مورد عملکرد و برنامه‌ها و سیاستهای ما می‌باشد.

مدیر کنسول سیاسی جورج لمبراکیس بوده که به عنوان مشاور امور سیاسی کاردار سفارت و دیگران در سفارت می‌باشد. او در ارتباط با وزارت امور خارجه بوده و معمولاً گزارشهای نسبتاً خوبی از روابط خارجی ایران می‌فرستد.

جان استمپل، معاون شاخه سیاسی سفارت است که کارش بیشتر در رابطه با حوادث محلی و امور مواد مخدر و گاهگاهی از روابط خارجی گزارش می‌دهد.

جونا مارتین که کارش در قسمت روابط خارجی است و بعضی از کارهایش صرف امور سیاست محلی و گزارشهای بیوگرافی می‌شود.

هاوارد هارت، همچنین دستیار کنسول سیاسی در قسمت روابط خارجی مخصوصاً در مورد اوضاع خلیج فارس است.

۵ سکرتر تمام وقت دیگر هم در این قسمت کار می‌کنند. به علاوه یک مشاور سیاسی محلی به نام آقای جعفر بهوی و یک مترجم به نام آقای پطروسیان در استخدام این قسمت هستند.

۲ـ قسمت سیاسی نظامی

این شاخه به وسیله کنسول سیاسی رابرت مارتین سرپرستی می‌شود. که در رابطه با بزرگترین برنامه‌های فروش تسلیحات آمریکایی در جهان می‌باشد. این قسمت با قسمت مستشاری و ۳ قسمت ارتش و همچنین با تیمسار طوفانیان، معاون وزیر جنگ و دیگر افراد عالیرتبه ارتش روابط و همکاری نزدیک دارد. جیمز هام، هم در این شاخه دارای مسئولیتهایی است. این قسمت دارای یک سکرتر است. گزارشهای زیر توسط این قسمتها (شاخهٔ سیاسی ـ سیاسی نظامی) تهیه شده است.

**قسمت A**

**۱ـ امور داخلی**

الف) شاه رهبر بی‌چون و چرای ایران مدرن می‌باشد. تسلط تقریباً بدون رقیب او در صحنهٔ سیاسی بر روی رسوم ۲۵۰۰ سالهٔ سلطنتی پا برجاست. او به پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای در دههٔ اخیر نایل آمده است. که در جای خود مشکلاتی را هم به همراه داشته است. او موفق گردیده است که یک وجههٔ مؤثری در صحنه بین‌المللی برای ایران کسب کند.

ب) در دوازده سال گذشته امیر عباس هویدا نخست وزیر ایران بوده است. او فرد با وفایی نسبت به شاه می‌باشد. قدرت هویدا در توانایی او به انجام نقشش در کابینه و برآوردن آرزوهای شاه به طور مؤثر می‌باشد. او سرپرست یک کابینهٔ تکنوکرات می‌باشد و تعادل خود را با رقیبانش مثل دبیرکل حزب رستاخیز ـ جمشید آموزگار ـ و وزیر اقتصاد و دارایی ـ هوشنگ انصاری ـ و دیگر وزیران کابینه حفظ

www.takbook.com



کرده است. سیر تکامل سیاسی ایران به آهنگی پیشرفته است (مراجعه شود به A/4). برخلاف دوره‌های سیاسی گذشته که دارای اهمیت خاصی بود، مجلسین ایران تقریباً به طور کامل زیر سلطهٔ شاه در دههٔ گذشته بوده است؛ اگر چه او با دقت مواد قانون اساسی را که تصویب مجلس لازم دارد، رعایت می‌کند. کوشش شاه در ۲۵ سال گذشته (که بیشتر موفقیت‌آمیز بوده است) این بود که قدرت سیاسی خود را به وسیلهٔ یک مبارزهٔ رادیکال (که بعضی از اثرات آن در گذشته در مجلس ظاهر شد) به وجود آورد. او این کار را به وسیلهٔ حفظ تسلط سیاسیش و تحکیم وفاداری کامل ارتش و پلیس امنیتی ساواک انجام داده است و در این راه مخالفتهای سیاسی سازمان داده شده، یا از بین رفته‌اند و یا به مقدار زیادی کاهش داده شده‌اند. گروههای کوچک تروریستی که نظریات اسلامی تندرو و یا چپهای رادیکال را دارند یک آفت مهم بوده و حالا یک عامل مهم در صحنه سیاسی ایران نیستند.

ج) کارگران و دیگر گروهها از زمان مصدق تاکنون عامل مهم سیاسی نبوده‌اند، ولی اعتصابات در ۱۸ ماه گذشته تشکل و قدرت بیشتری یافته‌اند. شاه می‌پندارد که سیستم چند حزبی شیوه غلط غربی است. با اعلان به وجود آمدن حزب رستاخیز از سوی شاه دو حزب ایران نوین و حزب مردم ایران منحل شد، حزب رستاخیز به طور سنتی یک حزب دولتی نیست، ولی نقش گام به گام دولت و مجلس و نمایندگان را زیر نظر دارد. در حال حاضر این حزب به دبیر کلی جمشید آموزگار و یک تیم جوان تکنوکرات که بیشتر آنها در آمریکا تحصیل کرده‌اند، تشکیل گردیده است.

سپاهیان دانش بهداشت و ترویج شاه بر اساس الگوی سپاه صلح آمریکا تشکیل شده‌اند.

برنامه‌های سیاسی شاه بر پایه انقلاب شاه و مردم استوار است که در سال ۱۹۶۲ برنامه رفاهی آن که شامل ۱۷ نکته بود، آغاز شد. مقدار کمی سانسور در مطبوعات وجود دارد، اما نویسندگان بایستی قوانین خاصی را زیر نظر داشته باشند؛ انتقاد از شاه و سلطنت و سیاستها و برنامه‌هایی که مستقیماً به وسیلهٔ شاه رهبری می‌شود، مجاز نمی‌باشد. اما از دولت و شکستهایش گاهی انتقاد می‌شود. سیستم دادگستری در ایران مخلوطی از قوانین فرانسه و بریتانیا و قوانین اسلام سنتی می‌باشد اما اتهاماتی که بر ضد امنیت ملی می‌باشد به وسیلهٔ دادگاههای نظامی بررسی می‌شود، که حقوق عادی را که توسط دادگاههای مدنی رعایت می‌شود، رعایت نمی‌کنند. ایرانیان مواضع سختی در برابر انتقادات خارجیان از وضع حقوق بشر ایران گرفته‌اند. جامعهٔ ایران در حال تحول است، و پروژه‌ها و برنامه‌ریزی برای آینده مشکل است، چرا که تعدادی مسلمانان ارتجاعی مخالفت می‌کنند، ولی تشکل سیاسی ندارند. بنیاد اساسی سیاست ایران که بر پایهٔ کشورهای غربی استوار است هنوز به وجود نیامده است. منافع آمریکا در این است که روابط نزدیکی با ایران داشته باشد و عناصر علاقه‌مند به مدرنیزه کردن را تشویق کند.

مادامی که شاه بر ایران تسلط کامل دارد ما باید روابطمان را با دیگر گروههای جامعهٔ ایران حفظ کنیم، تا کسانی را که بعد از شاه ممکن است به قدرت برسند شناسایی کنیم.

درجهٔ نفوذ آمریکا در زمینهٔ تحصیلات در دولت جدید ایران به این وسیله مشخص می‌شود، که ۶۰ درصد کابینه در حال حاضر قسمتی یا تمام تحصیلاتشان را در آمریکا گذرانده‌اند.

**۲ـ امور خارجی**

شاه با اعتماد به نفسی که در وجود خود یافته است کمتر از گذشته به راهنماییهای کشورهای غربی

www.takbook.com



خصوصاً آمریکا توجه می‌کند. ولی به هر صورت این نادیده گرفتن تا حدودی می‌تواند پیش رود، چرا که بقاء ملت ایران اساساً احتیاج به ادامهٔ روابط با غرب دارد.

## روابط ایران و آمریکا

سیاست ایران که طرفدار غرب است، اساساً به خاطر روابط ایران و آمریکاست. که این روابط به طور زیادی افزایش می‌یابد.

ایران به خاطر مبارزه با سلطهٔ شوروی بر آمریکا به عنوان یک قدرت بزرگ تکیه داشته و این باعث سرمایه‌گذاریهای کلان ایران در قسمت تسلیحات و تکنولوژی و قسمت اجتماعی گردیده است.

از طرف دیگر شاه اجازه داده است که یک تعداد از دستگاههای حساس جاسوسی اطلاعاتی آمریکا نصب و به کار گرفته شود؛ چه او از روابط صمیمانه با قسمت اطلاعاتی آمریکا سود برده است. بخش خصوصی و دولتی اقتصادی ایران احترام خاصی به تولیدات آمریکایی می‌گذارند و ایران بیش از هر کشور دیگری با شرکتهای بلندپایهٔ تجاری آمریکا در تماس بوده است و دانشجویانش برای دوره‌های تکنیکی و دیگر مطالعات، ایران را ترک می‌کنند. تجارت با اروپا و روسیهٔ شوروی و دیگر قسمتهای جهان به اندازه آمریکا نمی‌باشد، و این تجارتهای ایران برای ما خوب است؛ چه ما بهتر می‌توانیم روابط ایران و آمریکا را ارزیابی کنیم. ایران بعد از جنگ جهانی دوم بیش از یک دهه است که رُل رهبری را در منطقه به دست گرفته است.

با توجه به امپراطوریهای باستانی ایران و دشمنی کشورهای دیگر، حکومت ایران در وضع موجود، ایران برای رودررویی با رقیبان ناسیونالیست مثل عراق، در جستجوی تثبیت رهبری خود در منطقه با پشتیبانی غرب مخصوصاً آمریکا می‌باشد. دکترین نیکسون این بود که ایران قدرتی بتواند که می‌تواند در منطقه ثبات را برای حصول منافع غرب برقرار کرده و مجهز به تسلیحات نظامی، که دیگر مداخلهٔ نظامی مستقیم آمریکا مورد نیاز نباشد. در مورد مسئله حقوق بشر کارتر، شاه و مشاوران او نگران هستند که اختلافات آنان در این زمینه با آمریکا موجب تضعیف ثبات و امنیت منطقه گردد.

## روابط با شوروی

در سال ۱۹۷۶ شوروی به ایران فشارهایی آورد که دولت ایران نسبت به این رفتار مظنون شد، که مبادا شوروی از فعالیت مخالفین مخصوصاً حزب توده به وسیلهٔ رسانه‌های خارجی پشتیبانی کند. روابط ایران و شوروی با امضاء قرارداد ضد هواپیماربایی بهبود یافت. سفیر جدید شوروی ولادیمیر ویتوگرادوف متخصص و خبره در زمینهٔ مسایل خاورمیانه است.

## روابط ایران و جمهوری خلق چین

در اوت ۱۹۷۱ بعد از بازدید اشرف از پکن، ایران جمهوری خلق چین را به عنوان یک دولت قانونی به رسمیت شناخت؛ این عمل باعث شد که روابط ایران با چین ملی به صورت تعلیق درآید. تبادلات نظر و کالاها انجام خواهد شد ولی در حال حاضر روابط اقتصادی و فرهنگی در سطح پایین می‌باشد. ایران و جمهوری خلق چین روابط نزدیک خود را برای اتحاد بیشتر در مقابل شوروی برقرار کرده‌اند. چین از

www.takbook.com



طرحهای ایران در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند پشتیبانی کرده است.

**روابط ایران و عراق**

دشمنی دراز مدت ایران و عراق به وسیلهٔ قرارداد دوجانبهٔ سال ۱۹۷۵ الجزیره آرام گرفت. زمانی که ایران موافقت کرد که از حمایت کردهای شورشی دست بردارد و در عوض عراق مرز صحیح بین دو کشور را در منطقه استراتژیک نفتی شط العرب پذیرفت، روابط بهبود یافت و در حال حاضر به صورت آشکار با یکدیگر دشمنی نمی‌کنند. اشغال نظامی جزایر تنب و ابوموسی درست بعد از بیرون رفتن انگلیسیها از این جزایر بدون سکنه روابط ایران را با کشورهای عربی خلیج فارس در آغاز بسیار تیره نمود. معهذا روابط تدریجاً به خاطر چند عامل رو به بهبودی است از جمله :

الف ـ لغو ادعای درازمدت ایران برای باز پس گرفتن بحرین.

ب ـ همکاری ایران با کشورهای عضو سازمان اوپک مخصوصاً با کشور عربستان سعودی.

ج ـ بسته شدن قرارداد الجزایر بین ایران و عراق. از طرف دیگر ایران هزاران نفر سرباز و هواپیما به کمک کشور عمان برای مقابله با شورشیان ظفار فرستاده است. بعد از سقوط هواپیمای فانتوم ایران توسط یمن جنوبی، عربستان سعودی نقش میانجی را برای بازگرداندن لاشهٔ هواپیما و خلبان و جنازه کمک خلبان بازی کرده. نقش رهبری در مورد قیمت گذاری نفت برای ایران و عربستان مشکلاتی به وجود آورده که به زودی به فراموشی سپرده خواهد شد.

**موضع ایران در جنگ اعراب و اسرائیل**

ایران با وجودی که اعمال اسرائیلیها را در مقابل کشورهای دوست عرب خود (شاه اردن و مصر و ...) محکوم می‌کند. روابط خصوصی خوبی با اسرائیل دارد و با اینکه تبادلات سفیر در بین دو کشور انجام نشده است، ولی پیامهای جاسوسی و اطلاعاتی بین دو کشور به طور منظم رد و بدل می‌شود و تکنیسینهای اسرائیلی در بیشتر پروژه‌های کشاورزی و غیره مربوط به حال و آینده حضور دارند. بیش از ۵۰ درصد نفت اسرائیل به وسیلهٔ ایران تأمین می‌شود.

**روابط ایران و اروپای غربی**

روابط ایران با کشورهای بزرگ اروپای غربی تاریخ خیلی قدیمی دارد. به خاطر اینکه انگلستان کنترل کشورهای همسایه‌اش را در دست داشته و در دو مرحله هم تمامیت ارضی ایران را اشغال نموده است. بیشتر در گذشته به صورت یک کشور تهدید کننده به حساب می‌آمد تا یک دوست؛ معهذا شواهد قابل توجهی در دست است که شاه انگلستان را دومین کشور در جهان سیاست به حساب می‌آورد و تبادلات اقتصادی و نظامی خود را با این کشور برای برقراری روابطش ادامه می‌دهد. در مورد آلمان ایران با این کشور از سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ روابط خوبی داشته چه کشورهای هم‌پیمان آلمان رضا شاه را هم‌پیمان آلمان می‌دانستند و این موضوع باعث کنار رفتن او به سود پسرش در سال ۱۹۴۱ شد. در حال حاضر آلمان غربی یک شریک مهم اقتصادی ایران می‌باشد. نفوذ فرانسه در ایران مثل دیگر کشورهای جهان در قسمت فرهنگی است. زبان فرانسه در سیستم آموزشی ایران قبل از جنگ جهانی دوم ترجیح

www.takbook.com



داده می‌شد. چیزهایی که در قسمت فرهنگ فرانسه به وجود آمده، به وسیله طرحی که پیوندهای نزدیکی با فرانسه دارد، تحسین شده است.

ژیسکار دستن، آخرین فرد برجستهٔ غرب بود که در اکتبر ۱۹۷۶ از ایران دیدن کرد. روابط ایران با دیگر کشورهای کوچک اروپایی مثل سوئیس و سوئد و هلند در مواقعی به خاطر بیانیه‌های حقوق بشر تیره بوده است. حمله یک ایرانی تبعیدی به بیانیه کمیته ژنو ـ ایران در سال ۱۹۷۶ و به دنبال آن اخراج یک عضو این کمیته به خاطر عملیات جاسوسی باعث شد که شاه نه تنها یک دیپلمات سوئیسی را از تهران اخراج کند، بلکه شاه از آن زمان به بعد برای اسکی سالانه‌اش به سوئیس عزیمت نکرد.

**ایران و کشورهای کمونیستی**

ایران روابط دیپلماتیک خود را با کوبا به خاطر ملاقات فیدل کاسترو با یک رهبر حزب تودهٔ ایران در اروپا در سال ۱۹۷۶ قطع کرد. در سال گذشته روابط فرهنگی خیلی کمی با کشورهای اروپای شرقی برقرار بوده است. معهذا روابط سیاسی ایران با این کشورها بیشتر به صورت حرف بوده تا عمل. روابط تجارتی در سال گذشته با بلغارستان، چک اسلواکی، آلمان شرقی، لهستان و رومانی افزایش یافته، ولی کلاً در مقایسه با تجارت با کشورهای اروپای غربی و آمریکا این مقدار در سطح خیلی پایینی قرار دارد. در دسامبر سال ۱۹۷۶ بلغارستان یک ایستگاه رادیویی مخالف ایران را در آنجا بست، و این قرار که این ایستگاه در لیبی شروع به کار کند، هرگز تحقق نیافت. این سؤال باقی می‌ماند که آیا این عمل بلغارستان به دست خودش انجام گرفته و یا در جواب تقاضای شوروی بعد از برگشت خلبانهای شوروی از ایران به آن کشور است؟

**روابط ایران و سازمان ملل**

در موارد سیاسی ایران در سطح پایینی در این سازمان فعالیت دارد. اغلب در مورد مواضع شرق و غرب در کنار آمریکاست. ایران بیشتر علاقه به فعالیت در زمینه مسایل اقتصادی شمال و جنوب دارد، ولی همیشه در سازمانهای وابسته به سازمان ملل نبوده است. هنگامی که غرب شاه را به خاطر سیاستش و یا مسئله نفت تحت فشار می‌گذارد، او علاقهٔ خود را برای اجرای عدالت در کشورهای عقب‌افتاده، مطرح می‌کند، به هر حال ایران نقش قابل ملاحظه‌ای در قسمتهای مختلف سازمان ملل دارد. در سال ۱۹۷۰ ایران یکی از داوطلبان ایجاد سپاه صلح سازمان ملل بود و علاقه دارد که ایران مرکز ستاد IFAD شود. قسمت ESCAP برای زنان و پیشرفت در فوریهٔ سال ۱۹۷۷ در تهران تأسیس شد.

**ایران و پیمان سنتو**

روش تردیدآمیز ایران نسبت به سنتو به خاطر نگرانی ایرانیان از احاطه شدن به وسیله رژیمهای تحت نفوذ شوروی می‌باشد. در حالی که آگاه است که عضویت پیمان سنتو حرکتی در جهت خلاف هدف اصلی آن، «استقلال ملی» است. ایران تشخیص داد که پیمان سنتو حداقل یک شکل رسمی به تعهدات غرب برای حفظ امنیت ایران به وجود می‌آورد. بنابراین در ملأ عام زیاد به پیمان سنتو اشاره نشد. و حتی او (شاه) گفت که پیمان سنتو وجود ندارد. شاه ظاهراً به این نتیجه رسیده است که منافع آن بیشتر از ضررهای آن

www.takbook.com



است. نخست وزیر پاکستان ـ بوتو ـ اغلب شاه را می‌بیند و دیگر اعضاء سنتو با یکدیگر ملاقات دارند. ایران، پاکستان و ترکیه در همکاریهای پیشرفت منطقه‌ای هم‌پیمان بوده‌اند، که این باعث روابط نزدیک اقتصادی و فرهنگی سه کشور است.

**روابط ایران با آسیا و آفریقا**

ایران نگرانیش بعد از اینکه افغانستان تحت نفوذ شوروی درآمده افزایش یافته؛ چه شاه نگران جنبش جدایی‌طلب در بلوچستان می‌باشد. او نسبت به همدستی هندوستان در افغانستان شک دارد. از زمانی که قیمت نفت چهار برابر شد، ایران روابط جدیدی با هندوستان برقرار کرده است و این روابط بهتر شده است. بالاخره ایران توجه زیادی به درخواستهای کمک از جانب کشورهای آفریقایی جنوب صحرا می‌نماید؛ شاید این ایرانیها را خیلی بخشنده قلمداد کند. این بیان خیلی بی‌ربط است که اگر شاه فکر کند می‌تواند به عنوان رهبر جهان سوم در مورد شرق و غرب عمل کند.

**۳ـ مخالفین و گروههای تروریستی**

هیچ‌گونه تشکیلات مخالف رژیم در حال حاضر به طور منظم وجود ندارد و مخالفین که با شاه از زمان مصدق نتوانسته‌اند کنار بیایند کشور را ترک کرده‌اند. روحانیت مرتجع، دیگر نفوذ سیاسی مهمی ندارد ولی قدرت این را دارد که طرحهای دولتی را راکد سازد چون معتقد است که طرحها بر اساس تفکر صفوی است. امکان مرگ شاه و یا یک فاجعهٔ نظامی و یا یک آشفتگی همه جانبه می‌تواند طرفداران آنها را به خیابان بکشاند. چون آنها در نظرشان دولت شاه وابسته به آمریکا می‌باشد. روحانیت همواره بر علیه استعمار جنگیده است. اگر ملی‌گرایی مذهبی دوباره اوج گیرد، آمریکا تحت حملات شدید سیاسی قرار خواهد گرفت. دانشجویان ناراضی خارج از کشور در رابطه با دانشجویان دیگر کشورها نقش مهمی در لکه‌دار کردن رژیم شاه در خارج از کشور انجام می‌دهند. گروههای تروریستی گسترش بیشتری یافته‌اند و کشته شدن ۶ آمریکایی و ایرانیهای زیادی را باعث شده‌اند. این جنبش تروریستی به دو تشکیلات بزرگ تقسیم می‌شود. یکی مجاهدین خلق و دیگر فداییان خلق، که احتمالاً از جانب منابع خارجی مثل لیبی حمایت می‌شوند. از ۲ سال پیش این دو گروه در حالی که دارای ایدئولوژیهای متفاوت هستند با هم، همکاری نزدیکی را شروع کرده‌اند و ایدئولوژی مارکسیستی را پذیرفته‌اند. مجاهدین شاخهٔ مسلح مذهبی مخالف شاه هستند و از لحاظ تاریخی به شاخهٔ مذهبی جبههٔ ملی برمی‌گردد. با اینکه رهبر عملیاتی آنها ـ بهرام آرام ـ به قتل رسیده باز هم تهدید برای جان آمریکاییها وجود دارد.

چریکها (فداییان خلق) گروه مارکسیستی هستند که در شاخه قدیمی حزب توده کمونیست ریشه دارند. این گروه با بیشتر دانشجویان و ایرانیها و گروههای خارج از کشور که رادیکال هستند، ارتباط دارند. اولین گروه چریکی ایران بودند و ظاهراً در این اوان با گروه جرج حبش، رابطه برقرار کرده‌اند، که چریکهای ایران را آموزش داده‌اند. چریکها توانایی عملیاتی زیادی دارند ولی دارای نفوذ سیاسی نیستند. (سرّی)

**۴ـ تشکیلات امنیتی (سرّی)**

اگر چه عقاید مشهوری، ساواک را به عنوان یک سازمان پر قدرت امنیتی در ایران تلقی می‌کنند، ندرتاً

www.takbook.com



این سازمان در درجهٔ اول و یا در بین سازمانهای قدرتمند دیگر قرار می‌گیرد. مسئولیتهای امنیتی در بین تعدادی سازمان مستقل دیگر که مستقیماً از طرف مأموران خود به شاه گزارش می‌دهند، تقسیم شده است. قضاوت در مورد سؤالات و فتوی به وسیله شاه بعد از مشاورت با سرپرستان صادر می‌شود. ساواک در سال ۱۹۵۷ با این امر که مسئولیت اولیه‌اش یک سازمان امنیتی اطلاعاتی داخلی و خارجی برای کنترل فعالیتهای ضد رژیم باشد، به وجود آمد. در حدود ۶۰۰۰ عضو دارد و راهنماییهایش را به کمیته مشترک پلیس و ساواک (کمیتهٔ ضد خرابه کاری) می‌دهد که این کمیته بازوی دولت برای کنترل فعالیتهای تروریستی است. ساواک می‌تواند مستقیماً دستور دستگیری هر شخصی را که متهم به اتهامات امنیتی است، صادر کند؛ اما در اغلب دستگیریها توسط پلیس شرکت می‌کند. ساواک پرونده‌های مربوط به امنیت ملی را آماده می‌کند و با دادستان ارتش همکاری نزدیک داشته، حتی ادارهٔ بازرسی ارتش که موارد امنیتی را زیر نظر دارد کنترل می‌کند. تیمسار نعمت‌الله نصیری رئیس ساواک می‌باشد.

پلیس ملی ایران با ۲۶۰۰۰ کارمند به کار تأمین نظم عمومی در مناطق تحقیقات جنایی و زیر نظر داشتن فعالیت خارجیان اشتغال دارد. این قسمت به وسیلهٔ تیمسار صمد صمدیانپور سرپرستی می‌شود.

ژاندارمری شاهنشاهی ایران با ۵۰۰۰۰ نیرو مسئول اجرای قانون و نظم در نواحی دور افتاده ایران است. مرزها را هم کنترل می‌کند و در مناطق ایلی به مشکلات رسیدگی می‌کند. تیمسار عباس کریم قره‌باغی فرماندهی ژاندارمری را به عهده دارد.رکن ۲ از ستاد مشترک ارتش مسئول اطلاعات و ضد اطلاعات ارتش بوده و تمام موضوعات مربوط به ارتش را در اختیار دارد، و فرماندهٔ آن تیمسار ناصر مقدم است.

**۵ـ اعتیادات**

قسمت مواد (DEA) مخدر با پلیس همکاری نزدیک دارد. ایران کشوری است که در دام اعتیاد می‌باشد. ۱۶۰۰۰۰ نفر جواز استفاده از مواد مخدر را دارند و ۳۵۰۰۰۰ نفر هم به طور غیر قانونی معتاد هستند که در بین اینها کلاً ۲۰ تا ۴۰ هزار نفر هروئین مصرف می‌کنند. اعتیاد در میان آمریکاییهای مقیم ایران فراوان است. روش بوروکراسی بین پلیس و ژاندارمری و گمرک باعث گسترش بیشتر آن شده است. ما به دولت ایران پیشنهاد کرده‌ایم که به پاکستان در مورد کنترل مرزهایش فشار بیشتری بیاورد.

www.takbook.com



## بخش سیاسی استمپل

**قسمت** A/1

**محرمانه**

**۲۲ ژوئیه ۱۹۷۶**

**تصمیمات در ایران**

سفارت در مورد رهبری شاه در بیشتر سالها گزارشهای فراوانی را تفسیر کرده است. روشی که شاه مملکت را به وسیله مشاورانش اداره می‌کرد، طی سالها او را مصمم و مجرب کرده است. سیاست مدرنیزه کردن را به وسیله انقلاب شاه و مردم ارائه کرد. اشخاصی که در تصمیم‌گیری در ایران نقش مهمی دارند ۱۵ نفر هستند که از این ۱۵ نفر، ۲ نفر زن می‌باشند که در امور تصمیم‌گیری مشاور شاه هستند. این دو نفر یکی فرح و دیگری اشرف است. در این بین قسمتهای دیگر هم نقش عمده‌ای بازی می‌کنند که از جمله قسمتهای امنیتی و نیروهای مسلح هستند. شورای عالی اقتصاد و کمیسیون شاهنشاهی هم تحت نظر شاه فعالیت دارند. کابینه تحت نظر هویدا در این تصمیم‌گیریها نقش مهمی ندارد، ولی تعدادی از وزرا توصیه‌های سیاسی خود را مستقیماً به شاه می‌دهند. نقش سفیران و مستشاران خارجی هم برای دادن اطلاعات و تغییر تصمیم‌گیریهای شاه دارای اهمیت است. در زمینه سیاسی اغلب، شاه بدون مشاورت با وزیر امور خارجه، خلعتبری، خودش تصمیم می‌گیرد. تصمیم‌گیریها در رابطه با اجرای اهداف انقلاب شاه و مردم است و با وجود نارسایی‌ها و بدیهای این تصمیم‌گیریها، ایران در زمینه سیاسی و اقتصادی پیشرفتی چشمگیر داشته است.

**تفرقه بینداز و حکومت کن**

به علت اینکه اهمیت مردم بیشتر از مؤسسات است، طرح رهبری شاه چنین ریخته شده که او افرادی را انتخاب می‌کند که بر اساس همان سیاستی که او دنبال می‌کند، باشند. عامل مهم در این موضوع درجه اطمینانی است که او می‌تواند در افراد بیابد. شاه به تعداد خیلی کمی از مقامات اطمینان دارد و او کنترل خود را بر روی مقامات ایرانی با سیاست محتاطانه تفرقه بینداز و حکومت کن دنبال می‌کند. مثل روزولت که چنین کارهایی انجام می‌داد. شاه اغلب مسئولیتهایی که به هم ارتباط دارند را بین مقامات تقسیم می‌کند، به طوری که آنها جداگانه به او گزارش داده و او می‌تواند از کامل بودن و صحیح بودن گزارش آگاهی یابد. وقتی که مقام به خصوصی به نظر می‌آید که بیش از آنچه که شاه می‌خواسته نفوذ پیدا کرده، مقداری از مسئولیتهای او به دیگران محول می‌شود، یا به طور ساده به او مقام پایین‌تری داده می‌شود. دو طریق بالا در مورد وزیر کشاورزی «ارسنجانی» در سال ۱۹۶۳ زمانی که او سرپرستی رفراندم زمینها را به یک عامل نفوذ و قدرت سیاسی مبدل می‌کرد، به کار گرفته شد.

**جزییات بیشتری راجع به ساواک**

ساواک ترکیبی از سازمانهای سیا (CIA) و اف بی آی (FBI) و ان اس ای (NSE) و شورای امنیت ملی است و مانند زمان داریوش به عنوان چشم و گوش شاه استفاده می‌شود. رئیس ساواک نعمت‌الله نصیری به عنوان معاون نخست وزیر هم می‌باشد و مستقیماً به شاه گزارش می‌دهد. ساواک برای پروژه‌هایش و

www.takbook.com



پروژه‌هایی که شاه بدهد بودجه نامحدودی دارد. ساواک به روزنامه‌ها در مورد مقالاتشان رهنمود می‌دهد و در مورد افرادی که مقاماتی کسب می‌کنند تحقیق می‌کند. کسب مقام رسمی، مجلسین، هماهنگی ملاقاتهای خارجی با شاه و بازرسی و تحقیق و محاکمه افراد ضد شاه و ضد امنیتی را در دست دارد. نصیری یکی از محدود افرادی است که به شاه دسترسی فوری داشته و دارای نفوذ زیادی در بیشتر تصمیم‌گیریها است.

**نیروهای مسلح**

به عنوان رئیس کل نیروهای مسلح، شاه علاقهٔ زیادی به تمام جنبه‌های آمادگی نظامی ارتش دارد. او تشخیص داده که ارتش را با جدیدترین تجهیزات نظامی مجهز کند، که یک حمله ناگهانی مثل حمله‌ای که انگلیسیها در سال ۱۹۴۱ در خلیج فارس به نیروهای دریایی ایران کردند، نتواند آنها را از پای درآورد. تمام تصمیمات مهم سیاسی در رابطه با ارتش توسط خود شاه گرفته می‌شود؛ به همین دلیل او برای این کار نیاز به نمایندگان با مسئولیتی برای اجرای دستوراتش دارد که این کار در عمل به طور زیادی محدودیت ایجاد می‌کند. در زمانهای مختلف در سالهای گذشته دولت ایران می‌بایستی از شاه برای رفتن هلیکوپترها به مأموریت در داخل ایران اجازه می‌گرفت.

گزارشگر: ریچارد هلمز

۱۵ نفری که در تصمیم‌گیریهای مملکتی از مشاوران نزدیک شاه بودند عبارتند از:

۱ـ اسدالله علم

۲ـ نعمت‌الله نصیری

۳ـ تیمسار غلامعلی اویسی: در سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) از سمت خود به عنوان رئیس ژاندارمری به رئیس نیروی زمینی برگزیده شد. او در سال (۱۳۱۷) ۱۹۳۸ عضوی از دادگاه نظامی برای محاکمهٔ افسران توده‌ای بوده است. او شغلهای دیگری به عنوان رئیس اداری گارد شاهنشاهی و بعد فرماندهی گارد شاهنشاهی داشته است. او مسئول گزارشات کردستان برای شاه بوده.

۴ـ امیر عباس هویدا: او در لبنان، لندن و پاریس تحصیل کرده است و بعد به عنوان افسر رابط ایران در ارتش آمریکا کار کرده. پستهای دیپلماتیک در پاریس، اشتوتگارت و ژنو در سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۶ داشته و بعد طی دو سال عضو هیئت مدیره شرکت ملی نفت بوده است. در سال ۱۹۶۴ به عنوان وزیر دارایی کابینه منصور بوده است.

۵ـ تیمسار حسن طوفانیان: در فراهم آوردن تجهیزات نظامی نقش مهمی دارد. شاه به گزارشهای او در مورد ارتش اطمینان دارد. او اطلاعات را در این زمینه یا خودش می‌دهد یا با کمک منابع آمریکایی این کار را می‌کند. او اغلب از آمریکا دیدن می‌کند. ۳ بچه او در دانشگاه آموزش پزشکی آمریکا تحصیل می‌کنند. طوفانیان از تکنولوژی ارتش آمریکا ستایش می‌کند.

۶ـ تیمسار حسین فردوست : او دارای دو شغل، رئیس شاخهٔ اطلاعات ویژه دادگاهها و رئیس بازرسی شاهنشاهی می‌باشد. او به عنوان (چشم و گوش شاه) خوانده می‌شود. او همکلاسی شاه در سوئیس بوده است. او مدیریت گزارشهای روزانهٔ آماده شده برای شاه را دارد. او در سالهای ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۳ معاون ساواک بود ولی بعد از آن بنا به گزارشهایی در ساواک کار می‌کرد.

www.takbook.com



۷ـ تیمسار غلامرضا ازهاری: او رئیس ستاد ارتش است و بعد از مرگ خاتم موقعیت پر اهمیتی دارد. چرا که هیچ‌کس در ارتش به اندازه خاتم نفوذ شخصی در شاه نداشت.

۸ـ نصرت‌الله معینیان: از سال ۱۹۶۶ رئیس دفتر خصوصی شاه بوده است. او کانال اطلاعاتی دفاتر دولتی داخلی و خارجی است.

۹ـ جمشید آموزگار: او هم به عنوان وزیر کشور و هم به عنوان نمایندهٔ ایران در سازمان اوپک است. او بعد از تحصیلاتش در قسمت حقوق و مهندسی دانشگاه تهران به آمریکا رفت (سال ۱۹۴۴) و در دانشگاه واشنگتن تحصیل کرد.

۱۰ـ هوشنگ انصاری: وزیر اقتصاد و دارایی است. در انگلستان و توکیو تحصیل کرده است. شغلهای قبلی او عبارتند از: کارمند سفارت ایران در قسمت اقتصادی در توکیو، معاون وزیر امور خارجه ایران، سفیر ایران در پاکستان، وزیر اطلاعات و سفیر ایران در آمریکا (که نقش مهمی در برقراری رابط تجاری ایران و آمریکا در سال ۱۹۶۶ داشته است). از سال ۱۹۶۹ وزیر اقتصاد و دارایی است.

۱۱ـ دکتر منوچهر اقبال: دو صفت اقبال، باوفایی شدید او به شاه و ضد کمونیست بودن او، نفوذ او را در شاه زیاد کرده است. او رئیس شرکت ملی نفت ایران می‌باشد. او در فرانسه تحصیل کرده و دکترای پزشکی گرفته است. سال ۱۹۲۶ دختر اقبال با پسر اشرف، شهریار، ازدواج کرده است.

۱۲ـ جعفر شریف امامی: بعد از گذشت سیزده سال هنوز رئیس مجلس سنا می‌باشد. او شغلهای متعددی داشته است. او برای آموزش در قسمت راه‌آهن در سال ۱۹۳۰ به آلمان و در سال ۱۹۳۵ به سوئد رفته است. او از سال ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۵ به عنوان طرفدار حزب نازی توسط متفقین زندانی بوده است.

۱۳ـ فرح پهلوی

۱۴ـ اشرف پهلوی

۱۵ـ اردشیر زاهدی: در حال حاضر سفیر ایران در آمریکاست. در سالهای ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ در مدرسه آمریکاییهای بیروت تحصیل کرده و بعد به آمریکا رفته است. ستارهٔ زاهدی بعد از کودتای شاه درخشان گشت، چرا که پدرش تیمسار فضل‌الله زاهدی این کودتا را رهبری کرد. در سال ۱۹۵۷ اردشیر زاهدی با دختر شاه، شهناز ازدواج کرد. او در سال ۱۹۶۴ شهناز را طلاق داد. تا سال ۱۹۷۱ وزیر امور خارجه کابینه هویدا بود، ولی به علت اینکه به شاه مستقیماً گزارش می‌کرد، هویدا از او ناراحت شد و زاهدی در سال ۱۹۷۱ به آمریکا رفت و به شاه گفت: یا من یا هویدا. ولی هویدا در این بین برنده شد. زاهدی گفت که دیگر به ایران برنمی‌گردد و از سال ۱۹۷۳ به عنوان سفیر ایران در آمریکا بوده است. او به طور چشمگیری پارتی برگزار می‌کند و از اعضای برجسته واشنگتن و کنگره آمریکا دعوت به عمل می‌آورد. ولخرجیهای او در مهمانیها برای ایران مشکلاتی به بار آورده است. اما شاه برای تماس داشتن با او ارزش قایل می‌شود. او به دانشجویان ایرانی در آمریکا گفت: ببینید ایران چگونه برای ترقی جوانهایش مناسب است و من به چنین پستی رسیده‌ام. یکی از دانشجویان گفت: بله ولی شاه فقط یک دختر دارد.

www.takbook.com



**قسمت** A/2

**محرمانه**

**خانوادهٔ سلطنتی**

به طور کلی تصور می‌رود که اکثر اعضاء خانواده سلطنتی به درجات مختلف فاسد، غیراخلاقی و به مقدار زیادی نسبت به ایران و ملت ایران بی‌علاقه هستند. زندگی‌های تجملاتی و گران قیمت آنان، پارتی بازی و دخالت آنان در تجارتهای دولتی و خصوصی، باعث گسترش این نظریه در بین مردم شده که دو پسر اشرف، شهریار و شهرام، عمیقاً در سوءاستفاده‌های مالی در شرکتهای تجاری دست دارند.
تصمیمات سیاسی تا اندازه‌ای از طرف شاه گرفته می‌شود. اما احتمالاً تعدادی از اعضاء خانواده سلطنتی در این امور نفوذ دارند. در کنفرانس رامسر سپتامبر سال ۱۹۷۵ فرح مؤدبانه اما در انظار عمومی،در مورد حقوق اجتماعی و تحصیلات با شاه مخالفت کرد و از آن زمان او شروع به صحبت کرده و در طی دو سال، نقش عمده‌ای در قدرتمند کردن رژیم ایفاء کرده است. فرح محبوب‌ترین عضو خانوادهٔ پهلوی در نزد مردم است. ولیعهد رضا پهلوی در حال حاضر به سوی قدرت مرکزی در حرکت است، اما به نظر نمی‌رسد آن موفقیتی را که در وجود شاه است، در او پیدا کرد. از او به عنوان محصلی در حد متوسط نام برده می‌شود. در مورد تحصیلاتش شایعات زیادی وجود دارد، ولی شاه اصرار دارد که او حداقل تا پایان تحصیلات دبیرستانی در ایران بماند. بجز فرح و اشرف، شاه به عضو دیگری از خانواده سلطنتی در امور سیاسی اطمینان ندارد. دیگر کسان شاه، خواهرش شمس و فاطمه به او نزدیک هستند. برادرانش غلامرضا و عبدالرضا از صحنهٔ سیاسی به دور هستند. تعدادی از اعضاء خانواده سلطنتی تا اندازه‌ای فاسد، فاقد اخلاق و بی‌علاقه به مردم تلقی می‌شوند و این بیشتر به خاطر زندگی اشرافی و مشاغلی که هم در دولت و هم در بخش خصوصی دارند، می‌باشد.

**صفت مشخصه و خصوصیات شاه**

اگر چه ظاهر شاه و کلیهٔ تحصیلاتش به صورت غربی است، شاه نژاد و رفتارش ایرانی است و در حقیقت موفقیت قابل توجه او در رهبری کشورش بیشتر به این واقعیت متکی است، که او یک سیاستمدار کامل ایران است. اگر چه او با اقتدار در یک محیط غربی کار می‌کند اما واقعاً یک ایرانی غرب زده در خانه نبوده، بلکه از دو فرهنگ به طور مساوی استفاده کرده و هنر پذیرش اجتماعی را پیش برده است. در نتیجه او اغلب تصمیمات و بیانیه‌های غربی را توسط مفاهیم ایرانی به کار گرفته و تفسیر نموده اگر چه او خود از ارزشها و صفات غربی آگاهی دارد. برای اینکه شاه، ایران را به دنیای مدرن وارد کند او این صفت ممتاز را که سلطنت از جانب خداوند بوده و با خصیصهٔ ملی آن، که برای بیشتر ایرانیها منجمله طبقهٔ تحصیلکرده جذبهٔ زیاد دارد، برای ادارهٔ مؤثر ملت به کار می‌برد. در واقع شاه بر این عقیده است که او را خداوند برای رهبری ایران به طرف یک عصر طلایی فرستاده است. تشخیص فکری و فردی و ذکاوت او ایران را به قدرتی رساند که از زمان صفویه به این طرف سابقه نداشته است و از این معنا می‌توان گفت که حکومت سلطنتی هنوز برای ایران مناسب بوده و یک نیروی مؤثر برای وحدت و پیشرفت می‌باشد. این موضوع که تصمیمات او غیرقابل تخلف و مقدس است، برای او این مشکل را ایجاد کرده که نمی‌تواند مشاوران کاملاً مورد اعتماد پیدا کند و به طور معمول فرح و اشرف و علم می‌توانند بدون این که زیانی متوجه ایشان باشد،

www.takbook.com



با شاه مخالفت کنند. از طرف دیگر حداقل ۶ نفر دیگر مستقیماً به او گزارش می‌دهند و تعداد زیادی هم در قسمتهای مختلف جامعه با او در تماس هستند.

## روابط شاه با آمریکا

شاه از آمریکا و این حقیقت که ما قصد بهره‌برداری از ایران را نداشته‌ایم، متشکر است. از طرف دیگر چون شاه اعتماد به نفس خود را باز یافته است و ایران به صورت قدرت منطقه‌ای درآمده، در حال حاضر دسترسی ما به خیلی از بخشهای جامعهٔ متمدن ایران که قبلاً از آنها استفاده می‌کردیم، مشکل شده است. اما این نبایستی روابط ایران و آمریکا را تیره‌تر کند، چرا که روابط ما بر پایه منافع دوجانبه است. ما متوجه شده‌ایم که اغلب مقامات و افراد بلند پایه تمایل به سکوت و خاموشی دارند که امکان دارد این‌موضوع برای ترس از ساواک باشد، و بعضی از افراد هم نسبت به همکاری ما با رژیم نامطمئن هستند. اما در واقع این طرز کار و تمایل نتیجهٔ موفقیت سیاست ۲۰ سال گذشتهٔ ما در ایران می‌باشد که در جستجوی راهی برای کمک به ایران و رهبرش بوده که آن را قوی و متکی به خود کنند. وقتی که ایران از ایمنی و ثروت و اطمینان برخوردار باشد، می‌تواند به اندازهٔ کافی بین منافع خود و حامی خود فرق گذارد. ایرانیان دیگر به خارجیها اجازه نمی‌دهند تا آنها بفهمند که موضوع آنها تا چه اندازه تظاهر و تا چه اندازه حقیقی است.

در ارتش هم شاه کوشش دارد که وابستگی آن را از آمریکا کمتر کند و برای این کار منابع خرید تسلیحات را گوناگون کرده است. اما او پی برده است که بیشتر تسلیحات پیچیده که او خواستار آن است و بیشتر مستشارانی که او برای آموزش پرسنل خود به آنها نیاز دارد، در هیچ کجای دیگر به جز آمریکا وجود ندارد و در حال حاضر نفوذ آمریکا در بیشتر سطوح ارتش به طوری است که کم کردن تسلیحات در یک قسمت و یا کم کردن سریع در قسمت دیگر در آمادگی جنگی ایران اثر منفی می‌گذارد و این روابط ارتشی ایران و آمریکا در آینده نزدیک تغییری نخواهد کرد. شاه معتقد است که ارزش ایران برای آمریکا آنقدر زیاد است که آمریکا چاره‌ای جز حمایت ایران و لذا آزاد گذاشتن او در تصمیم‌گیری ندارد. برخورد ایرانیان در زمینهٔ سیاست است که روابط حسنه را تا زمانی که منافع ایجاب می‌کند حفظ کنند، و از آن به بعد روابط ارزشی ندارد.

## طرح برای آینده

ما اغلب گزارش کرده‌ایم که شاه عقلاً این را پذیرفته است که یک مقدار دمکراسی را وسعت بخشد. البته این به آن معنا نیست که شاه دمکراسی نوع اروپایی یا آمریکایی می‌خواهد. چرا که این نوع دمکراسی با احتیاجات جامعهٔ ایران تطبیق نمی‌کند. دمکراسی‌ای مورد نیاز است که موجب دخالت بیشتر مردم در امور ملی گردد. برای این کار او به دو جهت کشیده می‌شود. از یک طرف فردگرایی ایرانیها و عقیده شخص شاه در مورد موهبت الهیِ حکومت سلطنتی ایجاب می‌کند یک رهبری قوی که قدرت مجلس را هم دارد حکومت کند. زیرا او تجارب تلخی از بیشتر دمکراتیک شدن ایران در زمان مصدق دارد. شاه در سیاست اعمال قدرت بر علیه مخالفانش سیاست دیرینهٔ سازش با مخالفان را کنار گذاشته. از طرف دیگر به نظر می‌رسد که او آگاه باشد که توسعه بیشتر خدمات دولتی حمایت مردم را تضمین نمی‌کند و بنابراین افزایش شرکت همه‌جانبهٔ مردم لازم است. این کار از طریق برگزاری انتخابات آزادتر، نوشتن مقالات انتقادی از

www.takbook.com



انقلاب سفید او توسط استادان، روشنفکران و دیگران و به وجود آوردن انواع حکومتهای محلی و احزاب سیاسی با چارچوبها و محدودیتهای تعیین شده، انجام می‌گیرد. ما بر این عقیده هستیم که شاه درصدد به وجود آوردن راه حلی است که هم شرکت همه‌جانبه و هم کنترل در آن باشد و این همان مصالحه سنتی ایرانی است.

## ملکه فرح

هنوز بزرگترین یاور خانوادگی شاه در سلطنت پهلوی است. او یک زن جوان بدون اعتماد به نفس بوده، سرپرست مسایل هنری و رفاه و آسایش و کودکان را به عهده داشته و در حال حاضر به یک شخص معروف ملی تبدیل شده. او هنوز در امور سیاسی نفوذ و توانایی ندارد. او فعالیت خود را در ۲۴ بنیاد خیریه در مقابل رقیبش اشرف ادامه می‌دهد. شاه از برخورد گرم و صمیمی او استفاده کرده و او را به بازدید مناطق دور افتاده و عقب‌مانده‌ای مثل بلوچستان و کردستان فرستاده است. او همچنین با قرار دادن فرح به عنوان نایب‌السلطنه، اعتماد خود را به او ابراز داشت. در سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۲ شاه او را تنها به شوروی و چین فرستاد، ولی فرح در سال ۱۹۷۳ در مقابل رقیب خود اشرف که شهرتش افزایش می‌یافت نفوذی کسب نکرده بود. اما او در سال ۱۹۷۳ دوباره با سفرهایش به مناطق بیابانی ایران نفوذ و دخالت خود در سیاست را نشان داد. همان طور که فرح وارد میدان سیاست می‌شد، بیشتر درک می‌کرد که رهبران تنها هستند و دور آنها را چاپلوسان گرفته‌اند. نقش او زمانی که شاه او را به عنوان نایب السلطنه تا ۱۸ ساله شدن ولیعهد انتخاب کرد، افزایش یافت. محبوبیت او در بین مردم باعث خواهد شد که به هنگام جانشینی بهتر با اشرف مبارزه کند.

## اشرف

از اوائل رژیم شاه، اشرف دارای قدرتی در صحنه بوده و با اراده‌ای قوی و بی‌پروا. او شخصاً در اولین سالهای نامطمئن برادرش به استوار نمودن او کمک کرد. توطئه‌های او با ملکه مادر برای ۳ زن شاه و نابرادریش ـ عبدالرضا ـ معروف است. اما از دهه ۶۰ که شاه اطمینان خود را در سلطنت به دست آورد، نفوذ سیاسی و شخصی اشرف و بیشتر کارهای او در مورد امور زنان و حقوق بشر بوده است. او نمایندهٔ ایران در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل بوده و همچنین او در صحنهٔ سیاسی نقش مهمی داشته است. سفر او به چین و هندوستان باعث روابط خوب این دو کشور با ایران شد. مؤسسات خیریهٔ اشرف، کارهای کمی برای مردم ایران انجام داده‌اند. تا زمانی که شاه زنده است روش زندگی اشرف دارای اهمیت کمی است و بجز شرمساری برای رژیم پهلوی چیزی در بر ندارد. ولی اگر شاه قبل از روی کار آمدن ولیعهد بمیرد، اشرف وارد صحنه مبارزه با فرح می‌شود. کسانی که ممکن است از اشرف پشتیبانی کنند: هویدا، شریف امامی، نصیری، کریم پاشا بهادری، رشیدی و علی رضایی خواهند بود. در این بین اسدالله علم، منوچهر اقبال، فریدون مهدوی و احتمالاً ارتش از فرح پشتیبانی خواهند کرد. تحلیل سفارت این است که فرح بر اشرف پیروز می‌شود، چون بهتر می‌توان او را پشت پرده کنترل کرد تا اشرف سرسخت را.

www.takbook.com



**ولیعهد**

شاه آیندهٔ ایران یک پسر ۱۴ ساله است که بر خلاف تحسین مقامات در مورد او به نظر می‌رسد که از هوش متوسط و معمولی برخوردار باشد، از اوایل دوران جوانی در خانهٔ خود و در محوطهٔ کاخ سعدآباد، جدا از والدین و برادرها و خواهرهایش و با حضور مراقبین زندگی کرده است. او اولین مرتبه در موقع تاجگذاری شاه در سال ۱۹۷۶ و سپس در مانور دریایی خلیج فارس حضور یافت. نفوذ خارجی اولیه در فلسفه و تحصیلات ولیعهد زبان فرانسه است؛ اگر چه او انگلیسی هم مطالعه می‌کند. بیشتر به خاطر دلایل امنیتی شاه می‌خواهد که جانشینش تحصیلات خود را در ایران تکمیل کند.ولی تأکید دارد که آموزش نظامی، اقتصادی را در خلال مسافرتهای خارجی به پایان برساند. ولیعهد چند باری به سوئیس و فرانسه مسافرت کرده و در سال ۱۹۷۳ یک سفر یازده روزه به آمریکا داشت. شاه امیدوار است که ولیعهد از اول زمامداریش با قدرت برای ایرانی با ثبات کار کند.

**قسمت** A/3 **محرمانه**

**مشکلات جانشین**

اگر در طول ۵ یا ۱۰ سال آینده ایران، شاه را از دست بدهد به دوگونه اثر خواهد داشت.

در کوتاه مدت : اگر شاه قبل از ۲۰ ساله شدن ولیعهد بمیرد و یا کشته شود، بر طبق قانون اساسی، فرح جانشین او خواهد بود که با همکاری شورای سلطنت کشور را اداره خواهد کرد. ارتش و نیروهای امنیتی و طرفداران مدرنیزه شدن، از او پشتیبانی کرده و سیاست دولت به شکل قبلی باقی می‌ماند. ولی اگر جانشین شاه رهبر قادری نباشد احتمالا دورهٔ بحران به دنبال خواهد داشت و خرابکاریهایی از جانب چپهای رادیکال و مسلمانان مرتجع صورت خواهد گرفت که ارتش و نیروهای امنیتی دخالت کرده و یا از سلطنت پشتیبانی خواهند کرد و یا از یک مرد مقتدری مانند رضا شاه. امکان ضعیف‌تر است، که تحولی باعث مرگ شاه و برکناری فرح و شورای سلطنت شود. تحت چنان شرایطی، یا سلسلهٔ جدیدی آغاز خواهد شد و یا مردی تحت عنوان رئیس جمهوری روی کار خواهد آمد و ممکن است، به خاطر ملی‌گرایی خارجیان را از کشور بیرون کند. در دراز مدت : اگر شاه در مدت ۱۰ تا ۱۵ سال از دست برود انتقال قدرت به یک جانشین طرفدار شاه آسانتر خواهد بود و جنگ و رقابت بر سر قدرت کمتر خواهد شد.

**مشکلات و دردسرها:** موضوع مهم در این بازی قدرت که بعد از خروج شاه از صحنه خواهد بود، نفوذ قدرتهای خارجی است. در حال حاضر به نظر می‌رسد که شوروی آمادگی برای ایفاء نقش دارد، ولی ما امیدواریم که آمریکا با استفاده از نفوذش جلوی کوشش شوروی را گرفته و به میانه‌روهای داخل ایران اجازه دهد که مسئولیتها را در دست بگیرند تا اینکه اوضاع به صورت عادی برگردد. با روی کار آمدن یک حکومت جدید سؤالاتی در رابطه با ادامهٔ استفاده از تجهیزات اطلاعاتی، دسترسی به بنادر ایران، هماهنگی هوایی، گاز، نفت و روابط آتی ایران و آمریکا در امر تجارت مطرح خواهد گشت که به نظر ما استفاده از این تجهیزات در دوران حکومت جدید به اندازهٔ حال نخواهد بود.

www.takbook.com



**شماره سند : تهران ۸۷۷۶**

**از : سفارت آمریکا در تهران** **قسمت** A/4

**به : وزارت امور خارجهٔ واشنگتن ـ دی. سی** **تاریخ : ۵۵/۴/۱۰**

**موضوع : مدرنیزه شدن رژیم سلطنتی ایران؛ یک ارزیابی سیاسی**

**گزارشگر : استمپل**

۱ـ سند زیر خلاصه‌ای از تهران ۱۲۳ ـ A می‌باشد که به قسمت پستی شما و آدرسهای دیگر ارسال شده.

۲ـ توسعهٔ سریع اقتصادی ایران یک رشد پیوسته و ملازم را در مشارکت سیاسی به وجود نیاورده است. بیشتر گروهها در حالی که مناسبات و روابط کافی با سیاسیون را برای منافع خود حفظ کرده‌اند، به خاطر بدبینی و بدگمانی نسبت به سیستم سیاسی فعلی، از فعالیت سیاسی بیشتری خودداری کرده‌اند. شاه به طور کامل بر سیاستهای حاضر در ایران تسلط و نفوذ دارد، ولی برای افزایش ثبات در ایران باید گروههای موجود به طور موفقیت‌آمیزی در جریانات سیاسی دخیل باشند. ترکیب نخبگان ایران در حال تغییر و تحول می‌باشد و بیشتر گروهها که در اصل پشتیبان رژیم هستند مانند تجار، افسران ارتش، مقامات رسمی طبقه متوسط، و بیشتر روشنفکران ممکن است تهدید جدی نسبت به وفاداریهای خودشان احساس کنند؛ مخصوصاً در بحرانی که وحدت این افراد را بین دو مرکز قدرت تقسیم کند.

۳ـ در حال حاضر مخالفت چندان آشکاری نسبت به دولت حاضر وجود ندارد. مذهبیون محافظه‌کار بیشتر از جنبه‌های مدرنیزه کردن ناراضی و ناخشنود می‌باشند، ولی تاکنون فقط مشکل بالقوه‌ای بوده‌اند. عملیات تروریستی نظرات مردم را جلب می‌کنند و تحریک جدی به شمار می‌روند، ولی فقط اثر حاشیه‌ای بر قوهٔ محرکهٔ سیاسی ایران دارند. از این گذشته اخیراً دولت ایران با موفقیت آنها را شکار کرده است. تعدادی از دانشجویان و روشنفکران به خصوص آنهایی که در خارج هستند با رژیم مخالفت می‌کنند. ولی آنها طوری متشکل نشده‌اند که بتوانند از حمایت عمومی برخوردار باشند. تا زمانی که وضعیت اقتصادی ایران نسبتاً خوب باقی بماند و شاه و یا یک جانشین قانونی در قدرت باشد، این مخالفتها احتمالاً اثر مهمی بر روی سیر تکاملی وضعیت سیاسی ایران نخواهند داشت.

۴ـ هنوز سیاست ایران شدیداً به شخصیتها و نفوذ اقوام و دوستان وابسته است. علیرغم توسعه اخیر اقتصادی گامهای کوچکی در جهت تشکیلاتی کردن کشور برداشته شده است. قدرت مجلس کاهش یافته و حزب رستاخیز نوپا و جدید، هنوز به آن صورت سازمان یافته نیست که بتواند نقش مهمی را ایفا کند؛ گرچه رهبران آن از طریق کار دفتری سیاسی، دارای نفوذ زیادی هستند. شیوه‌های تکنولوژی جامعه مدرن با روشهای سنتی استبداد پدرانه ایران متضاد هستند. شاه، دولت و حزب می‌گویند که می‌خواهند ارزشهای اجدادی و موروثی را با عدم تمرکز دولت و مدیریت حزب تغییر دهند، در صورتی که عوامل بازدارنده کاری از پیش نمی‌برند. موفقیت این مرحله میزانی از توانایی سیستم سیاسی ایران برای تطبیق و مدیریت یک اجتماع مدرنیزه می‌باشد.

۵ـ ظاهراً ایران شروع به سعی در تأثیرگذاری روی محیط خارجی کرده و این بعد از مدت دهها سال است که بر ایران نفوذ کرده‌اند و تأثیر گذاشته‌اند. اتحاد جماهیر شوروی هنوز به عنوان دشمن شماره یک عمومی محسوب می‌شود و ایالات متحدهٔ آمریکا ابرقدرت پشتیبان اصلی ایران می‌باشد. به هر حال

www.takbook.com



ناسیونالیسم رستاخیزی ایران، روابط دولت را با دوستان وخیم‌تر و بحرانی‌تر کرده است و مبادرت به مقصر شناختن بی‌کفایتیهای خارجیان در توسعهٔ صنعتی و اقتصادی در حال افزایش است.

۶ـ گذشته از حوادث مهم پیش‌بینی نشده، مثل ترک ناگهانی شاه، ایران مشکلات مدیریت اقتصادی فزاینده‌ای خواهد داشت و این به همراه دخالت بیشتر گروههای حزبی که دولت را بیشتر مورد انتقاد قرار خواهند داد، خواهد بود. که این احتمالاً نتیجه‌اش باعث محدود شدن بعضی از فعالیتهای سیاسی و متقابلاً انتقاد بیشتر از خارجیان خواهد بود. ایران مواضع لازم برای ادارهٔ یک جامعهٔ در حال رشد را برای اصلاحات به وجود خواهد آورد، اما این روش خیلی آسان نخواهد شد. سازش غیر مستقیم، نه رودررویی مستقیم، روش سیاسی کامل ایران باقی خواهد ماند و در پنج الی ده سال آینده شاه یا خودش در مسئولیت با دیگران شریک خواهد شد و یا وقتی اطرافیانش بازنشسته و یا بمیرند، او مجبور به این کار خواهد شد. اگر یک بحران دنباله‌دار در حدود ۶ الی ۷ سال آینده اتفاق افتد، احتمالاً در ابتدا شورای سلطنت حافظ سلطنت و کشور خواهد بود و اگر گروهها منافع خودشان را مهمتر از وحدت و ثبات بدانند، مسابقهٔ قدرت صورت خواهد گرفت.

۷ـ با توجه به تحولی که احتمال آن در آینده می‌رود، منافع آمریکا در حفظ روابط نزدیک با ایران و حمایت از توسعه و مدرنیزه ساختن آن می‌باشد. لازمهٔ داشتن این روابط دیپلماتیک زیرکانه، صبر و تحمل در برابر تندیها و آمادگی برای صحبت آشکار و صادقانه در جهت حل مشکلات می‌باشد، که این مشکلات، موجودیت این تحول داخلی و خارجی که کلاً به نفع مصالح آمریکا است را تمدید می‌کند.

هلمز

**قسمت** A/5

**محرمانه**

## حزب رستاخیز شروع به کار می‌کند

خلاصه: با انتخاب دبیرکل و دیگر مقامات مقدماتی، حزب رستاخیز آمادهٔ افزایش فعالیتها و تشکیلات خود می‌شود تا نقش بزرگتری در سیاست ایران بازی کند. دبیر کل جدید ـ جمشید آموزگار ـ افراد وفادار به خود را در رتبه‌های حساس این حزب به کار گمارده است که این گروه جدید روحیهٔ فعالتر کردن و مدرنیزه‌تر کردن را دارند. بزرگترین مسئله که رهبری این حزب با آن رو به روست، برآوردن خواست شاه در مورد شرکت همه‌جانبهٔ حقیقی مردم می‌باشد. موفقیت این حزب در توانایی برای مقابله با این سه مسئله است:

آ ـ گسترش امکان شرکت فعالان علاقه‌مندی که به دلیل عدم گسترش سنتی حزب دلسرد شده‌اند.

ب ـ تشکیل سازمانهای میانه‌رو برای کانالیزه کردن عقاید به رهبری ملی.

ث ـ گسترش آرام قدرت حزب برای همکاری با دولت به طریقی که بتواند در تمام سطوح دولت را کمک کرده ولی داخل دستگاه دولتی نشود و از طرفی نفوذ خود را نیز از دست ندهد.

www.takbook.com



**قسمت** A/6

**از : سفارت آمریکا در تهران** **تاریخ : ۱۰ جولای ۱۹۷۵**

**به : وزارت امور خارجه** **محرمانه**

**موضوع : تک حزبی در ایران**

خلاصه: این گزارش تحلیلی است از انگیزه‌ها و نتایج حاصل از تحول ایران به سیستم تک حزبی و تشکیل حزب رستاخیز از جانب شاه در دوم مارس. ما معتقدیم این عمل عمدتاً از تمایل شاه به تسلط بیشتر و کم کردن انتقادهای داخلی برخاسته؛ اگر چه چنین اقدامی در دوران رشد ناسیونالیسم و اعتماد به نفس ایران غیر ضروری به نظر می‌رسد. به علاوه او می‌خواست بعضی ایرانیان با کفایت را که به سبب عضویت در احزاب مخالف، خود را کنار گذاشته می‌دیدند، در جریانات سیاسی وارد کند. این حرکت با وضعی که شاه اغلب از دموکراسی سبک غربی دارد و آن را برای ایران با تجارب تاریخی و فرهنگی مخصوصش، بی‌ثمر، نامتناسب و باز می‌داند، سازگاری دارد.

بسیاری از علایم حاکی از آنند که ایجاد حزب واحد در ایران اقدامی بود که شاه برای کاستن قدرت روز افزون نخست وزیرش انجام داد. حال مقصود او هرچه بوده باشد، چنین نتیجه‌ای ظاهر شده است. انتخابات ۲۰ ژوئن حزب رستاخیز مردم ایران، باعث شرکت و توجه آنان که از شم سیاسی برخوردارند، در انتخابات شد. اما در حال حاضر انتظار نمی‌رود که این مانور سیاسی شاه چندان تغییری در عوام ایجاد کند و این مسئله برخلاف نظر شاه مبنی بر رشد دادن نهادها با عدم دخالت او در سطوح پایین می‌باشد. این امر باعث می‌شود که نهادهای سیاسی نتوانند یاد بگیرند که چگونه بدون صدور راهنمایی از جانب او فعالیت خود را ادامه دهند. (پایان خلاصه)

**بررسی قضیه از جنبهٔ مؤسسات و امنیت**

با هم به طور اجمالی اظهارات مکرر شاه و دولت را مبنی بر اینکه سیستم چند حزبی نتوانسته است، از افراد با کفایت سیاسی استفاده کند قبول می‌کنیم. سیستم تک حزبی این مشکل را حل می‌کند. اگر چه هنوز نتوانسته است که قابلیت خود را در جذب علاقهٔ عموم به فعالیتهای خود نشان دهد. به علاوه ناراحتی شاه از انتقادات هرچند محدودی که در سیستم چند حزبی مطرح می‌شد، عامل مهمی در تصمیم او به حذف جناح مخالف، ولی رام ایران بود. اگر چه شاه آشکارا اعلام کرده بود که سیستم چند حزبی را ترجیح می‌دهد، ولی در واقع وی از ترتیب دادن یک حزب جناح مخالف که برای او معقول یا مقبول باشد عاجز بود. برخورد او با دو دبیر کل سابق حزب مردم ـ علی نقی‌خانی و ناصر عامری ـ مطمئناً او را قانع کرده است که فضای سیاسی تحت کنترل ایران، یک حزب مخالف را تحمل نمی‌کند. موقعی که انتقادهای این دو دبیر کل، باعث ناراحتی شاه یا هویدا شد به سادگی مرخص شدند. عامل مؤثر دیگر در تصمیم شاه ممکن است همان نظر مشهورش دربارهٔ دموکراسی غربی باشد. او اعتقاد دارد که این دموکراسی حتی در همان جوامعی که آن را پدید آوردند، نمی‌تواند آن چنان که انتظار می‌رود موفق باشد. او به دموکراسی به عنوان پدیده‌ای بسیار مجزا از جو فرهنگی و سیاسی ایران می‌نگرد. به نظر او ایران تنها تحت حکومتهای بسیار متمرکز و مستبد قادر بوده است به عظمت دست یابد. در این زمینه، حزب رستاخیز ملت ایران را می‌توان قدمی دیگر به سوی افزایش تسلط بر این جامعه دانست. اخراج روزنامه‌نگاران دارای سوابق مشکوک،

www.takbook.com



تعطیل اجباری روزنامه‌ها و مجلات کوچک، اتخاذ سیاست خشن نسبت به ناآرامی‌های سابقه‌دار دانشجویی (که از آغاز دسامبر ۱۹۷۴ تا آخر مارس ۱۹۷۵ طول کشید) همگی نمودار اتخاذ سیاست تندتر در مورد آنها که فعالیت در فضای سیاسی فعلی ایران را نمی‌پذیرند، می‌باشد. در واقع شاید مسئلهٔ دانشجویان و توطئه ۱۹۷۳ روزنامه‌نگاران و روشنفکران بر ضد شاه باعث جلو انداختن اتخاذ چنین تصمیمی از جانب شاه شده باشد. زیرا برنامه‌هایی برای ایجاد کمیته‌های حزب در هر دانشکده در دست اجرا است. به هر صورت شاه نشان داده است که در بسط تسلط خود بر تمام زمینه‌های زندگی ایرانیان می‌باشد، و تاکتیک قدیمی روشنفکران و دیگران را که یک ناظر آزاد و غیر متعهد در ظاهر نامیده است، به هیچ می‌گیرد. حزب رستاخیز حائز مکانیسمی است که علاوه بر ایجاد امکان راه‌یابی در فعالیت سیاسی، وسیله‌ای قانونی نیز برای شناسایی مخالفین نامطلوب می‌باشد. بنای حزب رستاخیز بر این نظریهٔ شاه است، که معترضان به برنامهٔ او در ایران باید بین زندان، تبعید یا محو شدن، یکی را انتخاب کنند.

اینک حزب جدید چهار حزب موجود را در خود تلفیق کرده است. این امر همراه با انتقادهای جاری روزنامه‌ها از احزاب قدیم به جهت خودخواهیشان و جارو جنجال‌های آنان بر سر مسایل تصنعی و یا به خصوص حمله، حزب ایران نوین، به سبب عدم موفقیت آن در جلب مردم ممکن است باعث رانده شدن بعضی سردمداران حزبی شود. به هر حال در حزب رستاخیز پستهایی برای چهره‌های سرشناس احزاب دیگر در نظر گرفته شده است. بیشتر ساخت حزب جدید مبتنی است بر آنچه در حزب ایران نوین بوده است؛ به این ترتیب کمتر کسی از اعضای فعال سابق بدون پست خواهند ماند. ایرانیان هم به عنوان اعضای نهادهای گوناگون و هم به عنوان افراد مملکت برای پیوستن به حزب رستاخیز هجوم آورده‌اند تا اعتقاد خود را به شعار جدید سیاسی ایران یعنی «سلطنت، مجلس، انقلاب شاه و مردم» به اثبات رسانند. هنوز ما شک داریم که شاه حمایت آنان را صادقانه بداند و یا از حزب رستاخیز انتظار موفقیت بیشتر از اسلاف خود، در جذب مردم به فعالیتهای سیاسی داشته باشد. به نظر می‌رسد که او آماده است به دنبال حرکت سنتاً ایرانی خود، بدون چندان توجهی به محتوی، به شکل تأکید ورزد.

گزارش مطبوعات برعکس است. اکثراً افراد مورد تماس سفارت اعلام سیاست جدید توسط شاه را با بدبینی و حیرتی که هنوز هم باقی است می‌نگرند. نحوهٔ اعلام آن نیز، حالت شکاکیتی را که ایرانیان نسبت به سیاست دارند، تشدید کرد. در صحبتهایی که با ایرانیان عادی (عادی در برابر فعالین حزبی که قاعدتاً منافعشان را در ابراز عقاید خود در نظر می‌گیرند) از قبیل کتابفروش، تاجر جزئی، و دیگران شد، فهمیدیم که به نظر آنان احزاب سیاسی قبلی وسیلهٔ خوبی برای اظهار نظرات سیاسی نبودند. به نظر می‌رسد آنان دربارهٔ حزب جدید هم عقیدهٔ مشابه این را حفظ کرده‌اند. در سطح جهانی، مخصوصاً بین آمریکاییها و اروپاییها که قبلاً هم به رژیم شاه معترض بودند، عکس‌العمل منفی‌تر بوده است. اگر چه انحلال سیستم چند حزبی انتقادات خارجیان را تشدید نموده است، ولی تردید داریم که شاه به آنها توجه کند. او موقعیت خود و کشورش را به سبب نفت و سابقهٔ رهبری موفق، چنان قوی یافته است که انتقادات به سیاست داخلی خود را محکوم به محو یا بی‌نتیجه‌گی می‌بیند. در این مورد شاید او حق داشته باشد، ولی عکس‌العمل بین‌المللی ممکن است بازگشت ایرانیان مقیم خارج را که می‌توانند به حل مسئله کمبود نیروی انسانی ماهر کمک کنند به اشکال اندازد.

www.takbook.com



**تنزل هویدا؟**

شاید بتوان ایجاد حزب رستاخیز از جانب شاه را اقدامی برای کاستن قدرت روزافزون هویدا دانست. سابقهٔ این ملاحظه و اثر آن بر موقعیت شاه در سیاست روزانه در شماره‌های A/7، ۱۱آوریل و A/75 ۱۶ آوریل شرح گردیدند. هر روز بیشتر آشکار می‌گردد که یک نتیجهٔ مهم تشکیل حزب رستاخیز تنزل موقعیت هویدا بوده است. اگر این تنزل مقصود شاه بوده باشد، که یحتمل هم هست، اولین بار نخواهد بود که شاه بر ضد وزیری که از حدود معین خود تجاوز نموده اقدام کرده است.

**نمونه‌های تاریخی**

در سال ۱۹۶۲ علی امینی آخرین نخست وزیری که تا حدودی حائز قدرت مستقل از شاه بود، مصالحهٔ بین سلطنت و جبههٔ ملی را تأیید نمود. به موجب آن یک پنجم کرسیهای مجلس و حداقل یک وزیر در کابینه برای آنها تضمین می‌شد. جبههٔ ملی با همهٔ تفرقش اعتقاد داشت که باید صبر نمود تا تمام ایران به دامنش بیفتد و آن گاه مصالحه کنار گذاشته شود. شاه هم همین را بهانه نمود تا نخست وزیر خود را که به طرفداری از «تقلیل قدرت پادشاه در سیاست شهرت داشت» کنار گذارد. بعد هم یک سری جانشینان رام‌تر به دنبال آمدند.

در سالهای ۱۹۶۳ ـ ۱۹۶۲ شاه برنامهٔ اصلاحات ارضی خود را که بعداً هستهٔ انقلاب شاه و مردم شد به حسن ارسنجانی که شخص لایق و مصممی بود محول کرد. او از طریق سخنرانیهای ماهرانه و گسترده و مسافرتهای مکرر به مناطق روستایی خود را به روستاییان، مترادف با اصلاحات ارضی شناساند. از تمامی محبوبیت روز افزون خود به صورت سرمایهٔ سیاسی در تشکیل حزب دهقانان استفاده کرد و در همان مرحله شاه خواستار توقف بلندپروازیهای ارسنجانی شد. از آنجایی که شاه همواره شخصیت شناس زیرکی بود، ارسنجانی را عازم سفارت در رم کرد و حساب هزینهٔ نامحدودی هم در اختیارش گذارد. اگر چه او قول داد که بر خواهد گشت، ولی به زودی تسلیم تلألو زندگی رومی شد و دیگر عاملی در سیاست ایران حساب نگردید. به هیچ وجه اطمینان نداریم که شاه هویدا را هم به عنوان تهدیدی تلقی کرده باشد. احتمالاً او هویدا را وسیله‌ای سودمندتر از امینی یا ارسنجانی یافته است. این موضوع، نخست‌وزیر بودن او را برای ده سال و نیم توجیه می‌کند.

به هر حال هم سفارت و هم SRF (سیا) بر اساس شواهدی گزارش نموده‌اند که قدرت و فساد حزب ایران نوین هویدا، مهمترین عوامل قانع کنندهٔ شاه به این نکته بود که عملکرد سیستم حزبی، مطلوب او نیست و باید عوض شود. به دنبال کنگرهٔ افتتاحیه ۳۰ آوریل تا ۶ می و تشکیل حزب رستاخیز، شواهد قانع کننده‌ای جمع‌آوری شد که دال بر شکست هویدا می‌باشند.

شاه در سخنرانی اعلام سیستم حزبی جدید در ۲ مارس، هویدا را برای مدت ۲ سال به سمت دبیر کل حزب معین کرد (بعداً به چهار سال افزایش یافت)، اما شاه این را هم روشن نمود که هویدا قدرت انتصاب زیردستان اصلی حزب را نخواهد داشت. (هویدا گفته است که امیدوار است تا آخر دوره، دبیر کل باقی بماند. شایع شد که او نخست‌وزیری را حفظ خواهد کرد. کمی بعد از انتخابات جمشید آموزگار جانشین او خواهد شد).

www.takbook.com



**کنگره حزب رستاخیز**

انتخاب نصرالله انتظام، یار قدیمی اسدالله علم وزیر دربار و رقیب قدرتمند هویدا، به سمت رئیس کنگره احتمالاً از به هم خوردن تعادل قوا در صحنهٔ احزاب سیاسی ایران حاکی بود. شواهد دیگر بر انحطاط مقام هویدا در حوادثی که منجر به تشکیل اساسنامهٔ حزب شد، آشکار می‌گردد. هویدا در همین کار با کمیته‌های تهیهٔ اساسنامه، پیش نویس را یافت که قدرت زیادی برای کنترل حزب به دبیرکل (خود او) و یک کمیتهٔ منتصب دبیرکل قائل می‌شد. دبیر کلی این توانایی را داشت که برای دیگر واحدهای حزب محدودیت ایجاد کند، امور مالی حزب را کنترل کند و مقامات مختلف حزب را عزل یا نصب کند. به علاوه پیش بینی شده بود که تواناییهای دبیرکل تنها در این امور منحصر نشود، بلکه وی مجاز به انجام هر کاری برای پیشبرد امور حزب باشد. معلوم بود که کمیتهٔ منتصب دبیرکل می‌بایست بقیهٔ امور مدیریت و انضباطی در سلسله مراتب حزب، مثل کنترل کمیته‌های مدیران جزء واحدهای محلی حزب را به عهده بگیرد. کمیته‌های مدیران جزء هم تحت ریاست یک قائم مقام سازمانی منتصب از جانب دبیرکل هستند. در جریان کنگره انتقاداتی از مشی و سیاست دولت عنوان شد که در چند سال اخیر از لحاظ بی‌پرده‌گویی بی‌سابقه بوده است. در این کنگره وزیر کشور جمشید آموزگار اساسنامهٔ دیگری را پیشنهاد کرد که در آن قدرت دبیرکل محدودتر و در عوض دوائر گوناگون حزبی تقویت می‌شدند. در پایان، نتیجهٔ پیشنهادی آموزگار با تغییرات جزیی تصویب شد (ضمیمهٔ شمارهٔ ۱ حاوی متن اساسنامه نهایی می‌باشد). در این نسخه قدرت بین دبیرکل و دوائر حزب، مخصوصاً هیئت اجرایی تقسیم شده است و سیستم بازرسی و تشخیص فردی که مشخصهٔ فعالیتهای سیاسی ایرانی است، در آن منعکس است. در نتیجهٔ مصوبهٔ کنگره، طرح کمیتهٔ دبیران رد می‌شود ولی دبیر کل باز هم بالاترین مقام اجرایی محسوب می‌گردد و حق انتصاب حداکثر سه قائم مقام، و مقامات مختلف اجرایی حزب برای او محفوظ است. او بر هزینه و تخصیص بودجهٔ حزب نظارت دارد ولی هیئت اجرایی نیز امور ممیزی را کنترل می‌کند.

دبیر کل از طریق انتصاب دبیران کل استان، نظارت خود را بر تمام شبکه‌های مناطق حفظ می‌کند. از طرف دیگر، هیئت اجرایی مسئولیت احساس اجرای مصوبات حزب، تجدیدنظر و تأیید اسامی کاندیداهای انتخابات مجلس و شوراهای محلی حزب را به عهده دارد. همچنین این هیئت مسئول تصویب قوانین داخلی و دستور کار کنگره‌های حزب و بودجهٔ پیشنهادی دبیر کل به اضافهٔ تشکیل یک هیئت نظارت، که وظیفه‌اش محدود به گزارش هر مسئله حزبی به هیئت اجرایی است می‌باشد. هویدا به عنوان نخست وزیر ریاست دایرهٔ سیاسی حزب رستاخیز را هم عهده‌دار است. وظیفهٔ این دایره هماهنگ کردن فعالیتهای حزب و دولت و تجدید نظر مسایل ملی، که از جانب هیئت اجرایی یا هویدا به آن ارجاع می‌گردد،می‌باشد. اکثریت اعضای دایرهٔ سیاسی باید از جانب هیئت اجرایی انتخاب گردند. واضح است که هویدا برای اطمینان از کنترل حزب باید هم هیئت اجرایی و هم دبیرکلی را در دست داشته باشد. اما یکی از رقبای هویدا، جمشید آموزگار، به عنوان رئیس هیئت اجرایی انتخاب شد و به فرهنگ مهر، هم رئیس دانشگاه پهلوی که عموماً وی را دست‌پروردهٔ علم، وزیر دربار، می‌دانند پست قائم مقام ریاست تسلیم گشت. پست دیگر قائم‌مقام ریاست را هم مهناز افخمی رهبر سازمان زنان و همدم اشرف پهلوی دارد. جالب است بدانیم که مهدی قاسمی و دکتر حسین تاجداد مقام معاونت هیئت اجرایی را دارند. اولی عضو سابق کمیته مرکزی حزب مطرود توده است و دومی هم بنا به گزارشات SRF (سیا) با روسها روابط

www.takbook.com



نزدیکی دارد. یکی از اعضای هیئت اجرایی، دکتر احمد قریشی به ما اطلاع داد که مسایل شخصیتی در تشکیل کنگره اساسنامهٔ حزب دخالت داده نشد. حتی روحیه‌ای وجود داشت که باعث می‌شد حداکثر کوشش برای تصویب یک سند، تا حد ممکن دموکراتیک و عملی به کار برده شود و حزب جدید از پایگاه مردمی خوبی برخوردار گردد. در حالی که این امر ممکن است صادق بوده باشد ولی با دریافتی که ما از سیاست ایران داشته‌ایم و آن را سرشار از رقابتهای شخصی می‌دانیم تطبیق ندارد.

هنوز خیلی زود است که هویدا را با ضربه‌هایی که خورد، از دور خارج شده فرض کنیم. در برابر رقبایش او از چندین امتیاز برخوردار است. حزب ایران نوین تماماً خود را به حزب رستاخیز ملحق نمود و به این ترتیب حزب رستاخیز با حائز شدن گروه کثیری از فعالین حزبی طرفدار هویدا از همان اوائل فعالیتش از کادر سابقه‌داری برخوردار شد. به علاوه، اعضای سابق حزب ایران نوین در استانها موقعیتهای حساس کنترل انتخابات کشوری را در دست داشتند. این تغییر پایگاه قدرت هم در نظر گرفته شد و حزب رستاخیز دستورات اکیدی، ظاهراً از شاه دریافت کرد که شرکت سردمداران حزب ایران نوین در کنگره حزب محدود گردد.

در هر ارزیابی موقعیت هویدا، اسم پرویز ثابتی هم به میان می‌آید. ثابتی تمام دوران زندگیِ بزرگسالی‌اش روابط نزدیک با هویدا را داشته است و در حال حاضر رئیس ادارهٔ سوم ساواک یعنی مسئول امنیت داخلی می‌باشد. ثابتی و خانواده‌اش مانند هویدا طرفدار تقلیل قدرت پادشاه بوده‌اند (رجوع به شماره ۷۵ ـ A، ۱۶ آوریل) و در گذشته همیشه ادارهٔ ثابتی مسئول بازرسی اظهار نظر و تصفیهٔ نهایی کاندیداهای مقامات سیاسی بوده است، و به این ترتیب هویدا توانسته است سوابق چندین نفر را که سابقهٔ شبهه‌انگیزی داشته‌اند روشن کند. به نظر می‌رسد که شاه به رئیس اطلاعات خود سپهبد حسین فردوست اطمینان می‌کند. کار تجدید نظر کاندیداهای انتخاب مجلس به عهدهٔ اوست. شاید این حرکت برای تضعیف نخست‌وزیر بوده باشد.

هویدا هرکجا که توانست اقدام به تطبیق سازمان سیاسی جدید به نفع خود کرد، ولی زیاد موفق نشد. هویدا هنوز پایگاه قوی قدرت خود را در نخست‌وزیری حفظ می‌کند و در چند ماه آینده موقعیتش بالا یا پایین خواهد رفت. اما حداقل در حال حاضر ظاهراً این موقعیت در برابر رقبایش تنزل نموده است؛ حال اینکه مقصود شاه همین بوده باشد یا نه را در نظر نمی‌گیریم.

### انتخابات

انتخابات عمومی در ۲۰ ژوئن دو ماه زودتر از زمان معمول انجام شد. افراد گوناگون برای صندلیهای مجلس خود را نامزد کرده بودند. صلاحیت تمامی آنان قبلاً توسط شوراهای منطقه‌ای حزب رستاخیز، هیئت اجرایی و مقامات امنیتی بازرسی شده بود. (رجوع به گزارش ۵۰۲۹ تهران). عکس‌العمل اولیه نسبت به انتخابات بسیار وسیعتر از معمول بود و بیش از ۱۰۰۰۰ نفر نامزدی خود را برای به دست آوردن ۲۶۸ صندلی مجلس و ۳۰ صندلی سنا اعلام کرده‌اند. شاید به علت معرفی حزب جدید توسط شخص شاه بوده باشد. ۸۴۱ نفر از این بین تأیید شدند و اجازهٔ تبلیغات دریافت کردند، ولی نامزدی دقیقاً نصف اعضای مجلس فعلی و ۱۱ نفر از ۳۰ سناتور پذیرفته نشد. اگر چه به سبب تصمیمات رژیم بدین مضمون بحث در موارد نفت، سیاست خارجی و انقلاب شاه و مردم ممنوع اعلام شد، و فعالیتهای انتخاباتی عاری

www.takbook.com



از اهمیت و بزرگی شایسته و بایسته بود؛ ولی در چند سال اخیر این پر جنب و جوش‌ترین انتخابات ایران بوده‌است. از مشخصات این فعالیتها بیانات تلویزیونی کاندیداها (که معمولاً به ذکر مشاغل و فعالیتها و در تعهد ارائهٔ طرحهای خوب خلاصه می‌شد)، پوسترها و بلندگوهای سوار بر اتومبیل را می‌توان نام برد. در تهران هم پدیدار شدن تابلوهای انتخاباتی با کمک شرکت اتوبوسرانی تهران یا عضویت در اتحادیه‌ها و اصناف کارگری هم از دیگر مشخصات آن بود و دولت تا آنجا که برایش امکان داشت ثبت نـام در رأی‌گیری اجباری نمود. نخست وزیر هویدا چندین بار اعلام نمود که عدم ثبت نام در رأی‌گیری ایجاد زیان به حزب جدید محسوب خواهد گردید و مهمتر از آن به شناسنامهٔ شرکت کنندگان مهر، نقش خواهد شد. آنان که شناسنامه‌شان عاری از این نقش باشد از خدمات اساسی مثل ویزای خروج محروم خواهند شد. در پایان رأی‌گیری با ثبت نام حدود ۶/۸ میلیون ایرانی انجام شد. از آنجایی که شمارش انداختن رأی به طور سرّی انجام گشت دولت نتوانست رأی دادن همه ثبت نام کنندگان را ضمانت کند و شمارش نهایی آشکار ساخت که با وجود بیشترین تعداد ثبت نام کنندگان در تاریخ انتخابات ایران، تعداد شرکت کنندگان از نصف تعداد ثبت نام کنندگان کمتر بوده است. با آماری که ما در مورد ۲۴۴ برندهٔ انتخابات مجلس (از مجموع ۲۶۸) چنین فهمیدیم که تعداد آراء ۲۰۱ نفر یا ۸۲٪ این عده در انتخابات ۱۹۷۵، کمتر از تعداد آراء بزرگان انتخابات ۱۹۷۱ بوده است.

در بسیاری از موارد مجموع آراء برای افراد این عده $\frac{1}{2}$ تا $\frac{1}{5}$ مجموع آراء انداخته شده برای افراد در ۱۹۷۱ است. کمترین تعداد آراء برنده برای ۲۷ نمایندهٔ انتخاباتی ۲۱۸ ر ۵۱۷ نفر بوده است. ولی در سال ۱۹۷۵ نمایندهٔ اول تهران توانست فقط تعداد ۲۹۴ ر ۲۳۸ رأی و نمایندهٔ آخر تهران ۴۰/۸۳۵ نفر یعنی کمتر از $\frac{1}{12}$ آراء نماینده آخر در ۱۹۷۱ به دست آورد. با این حال دولت اعلام کرد که تعداد رأی‌دهندگان امسال مجلس ۵/۱ میلیون و در سال ۱۹۷۱، ۰/۹ میلیون بوده است. در واقع ما هـم مـعتقدیم کـه رأی‌دهندگان سال ۱۹۷۵ بیش از سال ۱۹۷۱ است ولی مجموع ۵/۱ میلیون را درست نمی‌دانیم. در انتخابات نیمهٔ ۶۰ که به دقت در آن دست برده شد، عملاً هیچ‌کس رأی نداد و مقامات انتخاباتی به سادگی ارقام مبالغه‌آمیز دلخواه خود را برای حفظ وجههٔ برندهٔ از پیش معین، اعلام کردند. در انتخابات سال ۱۹۷۵ که شاید بتوان وصف آزادترین در تاریخ جدید را برایش به کار برد، آمار واقعی به رقبای انتخاباتی ارائه شد. این آمار با ارقام افسانه‌ای که مقامات در انتخابات گذشته صادر می‌کردند بسیار فاصله دارد. چندین بازندهٔ ناراضی نزد ما از تاکتیکهای غیر قانونی که به کار گرفته شد شکایت نمودند. این تاکتیکها شامل این موارد می‌شوند: پر کردن ورقهٔ افراد بی‌سواد توسط عمال کاندیدا، ارتباط گرفتن این افراد با رأی‌دهندگان در محل صندوق و پر کردن صندوق. واضح است که انتخابات کاملاً آزاد نبوده است و وقتی که یک کاندید از قبل معین می‌گشت، مقداری از آراء برداشته می‌شد و یک مقام وزارت کشور به ما اطلاع داد که ۱۰٪ انتخابات با نفوذ وزیر دربار، تقلب شده بود، اما گزارشهای تعقیب قانونی و ابطال آراء به سبب اعمال نادرست کاندیداها یا مقامات انتخاباتی، حاکی از قصد دولت به اجرای نمایشی تمیز می‌باشد. مشهورتر این است که نتایج انتخابات عدم اعمال فشار از جانب تهران را نشان می‌دهند.

ایران اقبال، نمایندهٔ قدیمی گنبد و خواهر منوچهر اقبال رئیس هیئت مدیره شرکت نفت و نخست وزیر اسبق، فقط ۴۰ رأی احراز نمود و دیگر چهره‌های برجستهٔ پارلمانی مثل محمد علی دشتی، فضل‌الله صدر و احمد رفیعی هم باختند. در تهران اشخاص مهم دیگری با پشتوانهٔ انتخاباتی ضعیف‌تر بوده‌اند که اگر

www.takbook.com



مرکز در انتخابات دخالت می‌کرد احتمال باختنشان خیلی کم می‌شود. اطلاعات موجود در حال حاضر، این طور نشان می‌دهند که فقط ۴۸ نفر از ۲۶۸ نماینده فعلی مجلس و ۱۱ نفر از ۳۰ سناتور انتخاباتی توانسته‌اند، انتخاب گردند.

در اکثر نواحی گروههای خصوصی مانند اتحادیه‌های کارگری، توانستند کاندیداهای خود را به مجلس بنشانند و در بقیه مناطق هم نیروهای سنتی موقعیت خود را تحکیم نمودند. ولی هیچ یک از این دو جریان در سطح کشور عمومی نبودند. اکثریت برندگان چهره‌های جدیدند که برای سفارت ناشناخته‌اند و مدتی طول می‌کشد تا جریانها، اگر جریانی باشد، معین گردند. به هر صورت تغییر نحوهٔ انتخابات به هیچ وجه این موضوع را که پارلمان با هر شکلی که داشته باشد غیر مؤثر است و از اعمال نفوذ در بخشهای مهم تنظیم یا اجرای خط مشی سیاسی عاجز است، عوض نمی‌کند. ایرانیانی که ما با آنها صحبت می‌کنیم این موضوع را می‌فهمند و این امر بدبینیشان را در مورد کل سیاست، جدا از اینکه انتخابات اخیر را درست بدانند یا نه، تشدید می‌کند.

## آینده

احتمال می‌رود که حزب رستاخیز به صورت سازمان سیاسی فراگیر و ناموفق درآید که تمام زمینه‌های زندگی کشور را در بر گیرد و به این ترتیب به یک ارگان سیاسی بی‌معنی تبدیل گردد. به هر حال ما معتقدیم که شاه می‌خواهد که حزب جدید کنترل سیاسی او را در جامعهٔ ایرانی باز هم توسعه دهد. در هر دو صورت این نکته برای شاه خیلی اهمیت دارد که سازمان جدید تحت کنترل شخصی هویدا یا هر کس دیگر نرود. در واقع، بسیار بعید است که یک نفر تنها بتواند کنترل حزب رستاخیز را به دست گیرد، زیرا شاه با یک اقدام سنتاً ایرانی، سازمانی ایجاد کرده است که ذاتاً صاحب اختلاف است.

اساسنامه با کنترل یک نفره مخالفت می‌کند و این امر با وارد شدن رقبای شخصی و عالی‌مقامی چون هویدا، علم، آموزگار، انصاری ـ وزیر بودجه و اقتصاد ـ و نهاوندی ـ رئیس دانشگاه تهران ـ تشدید می‌گردد. این رهبریت منقسم و رقابت انگیز می‌تواند با پروردن دسته‌بندی‌های داخلی کارایی حزب رستاخیز را بکاهد. در واقع، شاید شاه هنگامی که تشکیل جناحها یا دسته‌های حزب را در اعلان ۲ مارس خود پیش‌بینی نمود، این امر را هم در نظر آورده بود. با دانستن طبیعت سیاست ایرانی، احتمال اینکه تشکیل هر یک از این جناحها بر اساس اختلافات ایدئولوژیکی باشد بعید است. در عوض پیروان شخصی حریفان قدرتمندی که برای به دست آوردن موقعیت در درون خود حزب کشمکش می‌کنند، باعث ایجاد این جناحها خواهند شد. درست همان طور که احزاب حریف در محدودهٔ سیستم چند حزبی ایران، از حامیان شخصی رهبرانشان تشکیل یافته بود. این وضعیت متفرق رجوع اکثر دعواها به شاه را برای تصمیم‌گیری ایجاب خواهد کرد و راهنمایی رهبریت حزب توسط مقام پادشاهی تضمین می‌گردد.

## نکات برجسته

برجسته‌ترین جنبهٔ برپا شدن حزب رستاخیز ممکن است آشکار نمودن تغییر مشی چندین سالهٔ شاه برای کنار گرفتن تدریجی از فعالیتهای روزانهٔ سیاست ایران باشد. این مشی همراه با روند سریع توسعهٔ ایران کمک کرده بود که چندین مرکز قدرت جداگانه که همهٔ آنان منافعشان در حفظ ثبات مملکتی بود

www.takbook.com



پدیدار گردند. (رجوع به شماره E) حزب ایران نوین یکی از این مراکز بود که اکنون سازمان بزرگتر و نامتجانس‌تری جایگزین آن شده است، که حداقل در آغاز تحت کنترل شاه خواهد بود و از استقلال کمتری برخوردار است. احتمالاً این امر باعث خواهد شد که قابلیت حزب در کمک به ثبات اوضاع وقتی که شاه صحنه را ترک کرده کاسته شود. تشکیل یک حزب سیاسی منفرد در آغاز چندان تفاوتی برای شخص متوسط ایرانی ایجاد نمی‌کند. احزاب مخالف سابق چنان بی‌اثر بودند که ایران همان موقع هم فقط به طور اسمی تک حزبی نبود. شاه تمام تصمیمات مهم سیاست را خود اتخاذ می‌کرد و این کار را ادامه هم خواهد داد. در اکثر موارد او فقط باید اوضاع موجود را قانون‌بندی کند. در انجام این امر به هر حال بخشی از نمای ظاهری شرکت در قدرت را که برای ایران و ایرانیان بسیار مهم است را هم حذف کرده است. تشخیص اینکه او هوای چه امتیازاتی غیر از افزایش کنترل خود بر نیروهای موجود در دو جامعه را دارد مشکل است.

**میکلوس**

www.takbook.com



**از : سفارت آمریکا در تهران** **قسمت** A/7
**به : وزارت امور خارجه** **تاریخ : آوریل ۱۹۷۵ ـ ۷۵/۱۱/۴**
**محرمانه**

**موضوع : تحول اخیر قدرت در ایران**

خلاصه : ساخت قدرت در ایران طی دهۀ اخیر شاهد سلطنتی بوده است که روز به روز محکمتر، مطمئن‌تر و خودکامه‌تر شده است. در چند سال اخیر با رشد پیچیدگی امور کشور مراکز محدود قدرت سر برآورده‌اند که شاه نتوانسته یا نخواسته است کنترل مستمر خود را بر آنها حفظ کند. تجارت عمده و صنعت، یکی از این مراکز است. سیستم سیاست حزبی یکی از مراکز سابق بوده و ارتش یکی از مراکز بالقوۀ مستقل قدرت می‌باشد که در ذیل تحت بررسی قرار گرفته‌اند : اگر این مراکز قدرت رشد خود را همچنان ادامه دهند، پس از غیبت شاه بهر صورت که باشد، سهم به سزایی در حفظ پایداری و آرامش کشور خواهند داشت. اما شاه اخیراً اقدام به کاهش استقلال عملی احزاب از طریق حل کردن آنها در یک جنبش که رهبری آن منقسم و در قبال شاه مسئول است نمود. به میزانی که او قادر به حفظ نظارت دقیق خود بر حزب جدید است. این دستگاه از جوابگویی نیازها و فشارهای احتمالی آینده عاجز خواهد بود. (پایان خلاصه)

**۱ـ شاه و اعمال قدرت**

در طول دهۀ اخیر شاه به یک چهرۀ فوق‌العاده تبدیل شده است. یک حاکم خشک فداکار و مستبد که معین کنندۀ مسیر کشورش است و برای حصول اطمینان به اینکه کشور حتماً همان مسیر را می‌پیماید در امور دخالت می‌کند. به مرور تجربه و اعتماد به نفس شاه افزایش یافته است و مشاورین ارشدی چون تیمسار یزدان پناه از صحنه کنار رفته‌اند، وی نیز کمتر به منظور مشورت در امور سیاسی به دیگران رجوع کرده است. بعضی ناظران تصور کرده‌اند که او از واقعیت به دور مانده، ولی این طور نیست. او با دقت تمام کانالهای متعدد ارتباط مستقیم با خود را، از طریق گروه وسیعی از افراد مقامات حفظ کرده است. از طریق این شبکۀ شخصی سنتی، اطلاعات بنیادی برای تصمیمات خود فراهم می‌کند. سیاست شاه این است که به تنهایی تصمیم بگیرد. قسمتی از آن به این دلیل است که کس دیگری با دید وسیع و عمق آگاهی او در داخل صحنه پیدا نمی‌شود که بتواند به طور مداوم به او اطمینان کند و همچنین به این دلیل که بعید است کسی به استثناء شهبانو، شاهزاده اشرف و وزیر دربار (علم) حاضر باشد به او اقداماتی را پیشنهاد کنند که مطلوب نظرش نباشد یا به او بگویند که تصمیمش جاهلانه بوده است. اینک بیشتر به علت موفقیت سیاستهای شاه همراه با رشد پیچیدگی امور مملکت، یک نفر، هر قدر هم با استعداد، یافت نمی‌شود که قادر به اتخاذ تمام تصمیماتی که روزانه برای گذراندن امور جامعه لازمند، باشد. به عنوان یک امر لازم به ناچار مراکز محدود قدرت مختلف با منافع متعدد تشکیل شده‌اند، که خودشان امور روزانه خود را در محدوده فعالیت و چارچوب رهنمودهای سیاسی شاه کنترل می‌کنند. این گروهها به خاطر توانایی زیاد خود در اعمال سیاستهای داخلی شاه، آزادی عمل محدودی به دست آورده‌اند که به رواج قدرت یابی از راه اعمال نفوذ منتهی شده است.

این تغییرات در ساخت قدرت داخلی ایران، نتیجۀ تحول اجتماعی مملکت بوده است. شاه آگاهانه

www.takbook.com



قدرت و نفوذ برای این مراکز معین نکرد؛ اما تا این اواخر هم با توسعه آنها مخالفتی نداشت. در واقع مدتی به نظرمان می‌رسد که وی تأییدشان هم می‌کند زیرا فکر می‌کردیم مقصود او از رشد مراکز مستقل با طرح او برای نقشی هادی‌تر، خلاصه‌تر و جداتر برای پادشاهان آینده بود تا امکان رقابتها در سطوح پایین ایجاد شود. ما معتقدیم که این مراکز قدرت رقیبی برای شاه فعلی نیستند. اگر در مورد حزب ایران نوین ممکن است وی احساس تهدید بالقوه کرده باشد در هر حال او می‌تواند در موارد معین که خودش انتخاب می‌کند در کار این مراکز دخالت کند؛ اگر چه کنترل کامل و دائم آنها را نمی‌تواند داشته باشد (حتی قبل از رشد مراکز مستقل قدرت، بوروکراسی سنتاً بی‌عرضه و تنبل ایران سدی عملی برای تسلط دقیق شاه بر اوضاع بود). این گزارش، یکی از مرکز فعلی قدرت یعنی تجارت عمده و صنعت، یکی از مراکز سابق قدرت یعنی سیستم حزبی و یکی از مراکز بالقوه مستقل «قدرت ارتش» را به طور خلاصه تحت بررسی قرار می‌دهد.

**۲ـ مراکز قدرت**

**الف: تجارت عمده و صنعت**

در دهۀ ۱۹۶۰ یعنی از همان اوان کوشش شاه برای صنعتی کردن ایران، تجارت عمده و صنعت به هزاران طریق از سیاست دولت برای تشویق تکاثر سرمایه‌های خصوصی نفع می‌برد. در یک محیط بستۀ سیاسی به ناچار بسیاری از درخشان‌ترین و فعال‌ترین چهره‌های ایران جلب حوزه اقتصاد شده‌اند، جایی که ابتکار فردی طبق ارزشهای بی‌سر و ته مانند رشد ملی، اغلب بسیار مورد پسند واقع می‌شد. این رویۀ به جایی رسیده است که تجارت عمده و صنعت چنان وسیع و پیچیده شده‌اند که دولت دیگر قدرت نظارت نزدیک بر اعمال روزانه را از دست داده است و مدیران به تدریج اعمالگر قدرت قابل ملاحظه‌ای شده‌اند. یک نمونه از جریان رشد استقلال این بخش معامله بین لاجوردی و دوپونت به مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار است. این معامله بدون نفوذ دربار یا ارجاع به آن مذاکره و امضاء شده بود. امری که همین چند سال پیش غیر ممکن بود. بعضی تجار با اطمینان به کارمندان سفارت اظهار کرده‌اند که دیگر لازم نیست یک وزیر یا سناتور آشنا داشته باشی تا کارهایت انجام شود ـ حالا نام و موقعیت (ثروت) آنها قدرت و وجهۀ لازم برای انجام شدن امور را دارد. به علاوه زمانی تجارت عمده و صنعت مقادیر متنابهی برای حزب ایران نوین تأمین می‌کرد و احتمالاً چنین کاری را برای جانشین، حزب رستاخیز ایران نیز انجام خواهد داد. به این ترتیب برای هردو امکان ارتباطات جدید و توسعۀ بیشتر حوزۀ فعالیت مستقل پدید خواهد آمد. مهمترین بخش توسعه و رشد اخیر ایران اقتصاد بوده است. چون تجارت عمده و صنعت بزرگترین استفاده‌ها و منافع را از سیاستهای شاه برده‌اند. به همین دلیل تجارت عمده و صنعت حکم پایه‌های اساسی در ساختمان رژیم فعلی را داشته‌اند و اگر چه سعیشان بر این بوده است که از سیاست به مفهوم رسمی آن اجتناب کنند؛ ولی می‌توان انتظار داشت که آنها به هر رژیم آتی که آرامش و سیاستهای مشابه رژیم حاضر همراه خود بیاورد حمایت عمدۀ مالی بکنند.

**ب: سیستم حزبی**

حزب ایران نوین یک حزب عمدۀ سیاسی به مفهوم غربی آن نبود و چنین انتظاری هم از او نمی‌رفت. به هر حال این حزب یک نهاد عظیم با وسعتی بود که به استثنای حزب مطرود توده هرگز در ایران شبیه آن

www.takbook.com



وجود نداشته است. اصولاً جذابیت آن برای اعضایش در آن بود که شخص را به سطح بالا می‌رساند. اما مهمتر از آن استفاده‌ای بود که به رهبران آن مخصوصاً نخست وزیر هویدا، برای توسعهٔ نفوذ و قدرتشان می‌رساند. حزب ایران نوین با توجه به تشکیلات سرتاسری، متصل به ساختهای محلی قدرت می‌باشد و ارتباط آن با تجارت عمده و رابطهٔ نزدیک آن با تشکیلات امنیتی[1] همچنین رابطه با قدرت رهبری، توانایی آن در پر کردن تمام مشاغل برجستهٔ دولتی به وسیله خود اعضای حزب، حائز قدرتی قابل توجه بود. حزب بر سیاست خارجی نفوذ نداشت ولی با اجرای اهداف متعدد خود در دورهٔ قدرت و نقشش به عنوان نگهبان انقلاب شاه و مردم اصول انقلاب را عملی نمود.

اکثراً اعضای صاحب مقام موقعیت خود را مدیون هویدا بودند که طی بیش از ده سال نخست وزیری پایگاه قدرت دهشتناکی برای خود در حزب ساخت، برپایی این پایگاه از زمانی شروع شد که در نشست حزب در ژانویه ۱۹۷۵ وی به عنوان دبیرکلی برگزیده شد. این موضوع در مسافرتهای متعدد وی به استانها و تشویق طرحهای عمرانی جاری و انتصاب اشخاص جدید و دریافت عریضه از مردم مانند پادشاهان قدیم نمایان می‌گردد. معروف است که هویدا پادشاهی استبدادی را در ایران بی موقع می‌داند اما واقعگرا هم هست و با دقت در تجدید قدرتش و چاپلوسی برای داشتن رضایت شاه، روال سیاسی موفقی برای خود دست و پا کرده است. ما علامتی دال بر قصد او به تغییر سیاست خود نیافتیم؛ اما آن طوری که مشهور است ممکن است شاه بر اساس گزارشهای عدم کفایت حزب و فساد و احساس اینکه ایران نوین برای ایفای نقش مخالف بیش از حد قوی شده است، ممکن است باعث شده باشند که شاه قضایا را از دید دیگری ببیند.

واضح است که شاه دلایل متعددی برای انحلال سیستم چند حزبی (رجوع به ۲۰۶۹ تهران) که قدرت ایران نوین یکی از آنها بود دارد. ما بعید می‌دانیم که او هویدا یا ایران نوین را رقیبی برای قدرت پادشاهی خود یافته باشد. اگر چه ممکن است رشد و تسلط فزایندهٔ هویدا و ایران نوین برای او علامت این بوده باشد که حزب می‌تواند به جای برسد که شاه نتواند آن را کنترل کند و حزب دیگر قادر به اجرای وظیفه‌ای که او در نظر گرفته بود نباشد. مطمئناً این‌گونه عنوان ساختن نقش حزب و رهبرش نزد شاه از جانب دشمنان هویدا بوده است و در هر صورت زمانی که شاه احزاب سیاسی را در حد یک حزب منفرد که به ابتکار همایونی تشکیل شده منحل کرد، واضح بود که این نشانهٔ یک بازگشت حداقل در این زمینه به کنترلهای سختتر شاهانه و نقض صریح طرحهای ظاهری خودش برای دخالت کمتر در مسایل روزانه بوده است. اگر توسعه‌ای که برای حزب رستاخیز ایران در نظر گرفته‌اند حاصل شود، فعالیتهای آن ضرورتاً از حوزهٔ نظارت دقیق شاه خارج خواهد شد. برای مقابله با این امر شاه عضویت تمام مقامات بالای ایرانی را در آن اجباری کرده است و به این ترتیب وی خود را مطمئن نموده است که برای رقبای خود هم تکلیف تعیین خواهد کرد و هیچ‌کس هم کنترل حزب را به دست نخواهد آورد. یک حزب بی‌قابلیت و منقسم نخواهد توانست مانند ایران نوین پایگاه و زمینهٔ قدرتی بعد از شاه داشته باشد. در حقیقت امتحان اینکه حزب رستاخیز بعد از شاه پایدار بماند بسیار کم است.

---

۱ـ این امر از آنجا تأیید می‌شود که هویدا خود رابطهٔ نزدیکی با یکی از رؤسای قدرتمند ساواک (پرویز ثابتی) دارد و حزب هم این توانایی را داشت که اشخاص سابقه‌دار در جبههٔ ملی یا حزب توده را در کادر بالای خود نگه دارد در حالی که روزنامه نگاران یا دیگران، با همین سوابق اخراج می‌شوند.

www.takbook.com



**ج : ارتش**

ارتش را می‌توان یک مرکز قدرت به هر مفهومی تعریف کرد؛ به هر حال نباید فرض کرد که ارتش مستقل از شاه عمل می‌کند. البته قوهٔ چنین کاری را دارد ولی واقعیت این است که شاه هم حساسیت زیاد دارد که ارتش رو به رشدش، یعنی تکیه‌گاه نهایی سلطنت راضی و وفادار باشند. وی آخرین تجهیزات را برای ارتش فراهم می‌آورد؛ آنها را از مالیات بر درآمد معاف کرده است؛ به میزان ۲۰ درصد حقوقشان را نسبت به کارکنان کشوری افزایش داده است. سعی فراوان دارد که بر وجهه و نقششان بیفزاید و در عین حال به منظور یک اقدام احتیاطی فرماندهیشان را مستقیماً نسبت به شخص خود، مسئول قرار داده است. وفاداری نیروهای مسلح شاه را در مواجهه با دردسرها تقویت زیادی نموده است. برای مثال در سال ۱۹۶۳ دستجات ارتش محکم در برابر گروههای تظاهر کننده بر ضد اصلاحات ارضی و شرکت زنان در انتخابات ایستادند. پانزده سال پیش بسیاری از مشاغل دولتی در دست افسران تشویقی یا بازنشسته بود. ولی الآن این‌طور نیست.

خانواده‌های سطح بالای ایران برخلاف سابق، ارتش را دیگر پله‌ای برای دست یافتن آنها به مدارج ترقی نمی‌یابند. بسیاری از جوانان تحصیلکرده خدمت وظیفه سربازی را تنفرآور می‌دانند و کوششهای فراوان می‌کنند که از آن اجتناب ورزند که اغلب موفق نمی‌شوند. ده سال پیش ترفیع تمام افسران از سرهنگ به بالا می‌بایست با تصویب شخص خود شاه باشد. ترفیعات بر اساس رابطهٔ اعلیحضرت همایونی با آنها بود. این امر باعث ایجاد یک وفاداری شدید شخصی بین افسران نه به دستگاه پادشاهی، بلکه به خود صاحب دستگاه شد. به مرور که ارتش توسعه یافت دیگر امکان نداشت که فقط آنان در رابطهٔ شخصی با شاه ترفیع یابند و حالا تدریجاً ترفیع بر اساس آزمایش لیاقت، داده می‌شود. اگر چه هنوز ترفیع امراء باید با تصویب شاه باشد. همچنان که ماشین نظامی ایران رشد خود را ادامه می‌دهد و تجهیزات پیشرفته‌ای به دست می‌آورد، احتمال می‌رود ایران مجبور شود به تحصیلات و قابلیت یادگیری لازم برای عمل با این تجهیزات بیشتر از مصالح امنیتی ارج گذارد. اگر چه مخالفین سرسخت حکومت فعلی بین دانشجویان و نخبگان تحصیلکرده، پیدا می‌شوند، این احتیاج و رقابت بین ارتش و بخش خصوصی برای جذب استعدادها شتاب بیشتر خواهد یافت و جریان استخدام جوانان قابل آموزش، از خانواده‌های کم درآمد و اغلب دهاتی که احتمال پیشرفتشان از طرق معمول و غیر لشکری کم هست و خود و اقوامشان هم کمترین بهره را از اصلاحات شاه برده‌اند، خواهد بود. ابتدا این‌طور به ذهن می‌رسد که این استخدام شدگان طبقهٔ پائین به سبب بهبود و پیشرفت این موقعیت خود که بدون انقلاب شاه و ملت برایشان امکان پذیر نبود، همواره سپاسگزار خواهند بود. اما وضعیت‌های مشابه در دیگر کشورهای در حال رشد چنین نتیجه‌ای به بار نیاورده است. ما معتقدیم که این باعث ایجاد چند دستگی قابل توجهی میان افسران خواهد شد. آنها عموماً به دستگاه پادشاهی وفادارند، ولی دیگر عمدهٔ وفاداری را منحصر به شخص پادشاه فعلی نمی‌دانند. به علاوه یک گروه کوچکتر هم معتقدند که خود پادشاهی هم با زمان نمی‌سازد، ولی در حال حاضر برای ایران چارهٔ قابل اجرایی غیر از آن یافت نمی‌شود و ما تأکید می‌کنیم که این معنایش عدم وفاداری ارتش در ایران نیست. به عکس به اعتقاد ما ارتش در مواجهه با هر رقیب حکومت ـ غیر از شاید یکی از خودشان ـ بشدت جانب سلطنت را خواهد گرفت. معنای اصلی منظور ما این است که دیگر سیستم سنتی نظارت و تشویق شخصی از بالا برای ساخت ارتش ایران که روز به روز پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر

www.takbook.com



می‌شود قدیمی شده است و می‌شود. اگر این جریان ادامه یابد تمایل ارتش به استقلال بیشتر در عمل افزایش خواهد یافت، مخصوصاً اگر وضع نامعینی مثل مردن شاه در زمان صغارت ولیعهد پیش آید.

**۳ـ نتیجه گیری**

ما این تحولات ساخت قدرت ایران را، به استثنای ایجاد سیستم تک حزبی برای منافع ایالات متحده مفید می‌دانیم. تا زمانی که شاه زنده است احتمالاً آن مراکز قدرت نقشهایی در تبعیت از شاه ایفاء خواهند کرد و به محض اینکه او بالاخره بمیرد و شاه جدید و تازه کار ظرفیت بی‌چون و چرای پدرش را برای دخالت در امور نداشته باشد، حوزهٔ عمل این مراکز قدرت احتمالاً افزایش چشمگیری خواهد یافت و خصوصاً حالا که قبل از مردن شاه مقداری استقلال عمل هم داشته‌اند، این امر بیشتر صادق است.
اکثر ایرانیان با مقاصدی که شاه برای ایران معین کرده است، موافقت دارند. مگر بعضیها که به روشهای او خرده می‌گیرند. مراکز قدرت هم که در این گزارش معرفی شده‌اند بیش از همه از سیاستهای او بهره برده‌اند. مراکز قدرت یاد شده جز حزب رستاخیز که ممکن است آن را استثناء کنیم، منافعشان در وضع موجود است و احتمالاً این توانایی را دارند که در دوران انتقالی تحویل سلطنت به جانشین جدید کمکی برای حفظ ثبات باشند. از این نظر ایجاد حزب رستاخیز یک اقدام قهقرایی خواهد بود. زیرا این ارگان سیاسی جدید حزبی است بی‌کفایت، بارکش که جثه بزرگش تجزیه شده و استقلالش هم از حزب ایران نوین کمتر است. بنا بر این محتمل نیست موقعی که محمدرضا پهلوی دیگر رفته است بتواند پایهٔ محکمی برای ثبات محسوب شود. در هر صورت حالا که شاه برنامه‌اش را برای کناره‌گیری از سلطنت به نفع فرزند خود اعلام کرده است و جایگزینی رضا پهلوی بعد از او به توافق رسیده است، ادامه سر برآوردن بناهای نیمه مستقل قدرت می‌تواند، حداقل چاره‌ای برای تضمین ثبات در مرحلهٔ انتقال جانشین یک حاکم مستبد باشد. هلمز

**قسمت** A/8 **محرمانه**

**نقش و شخصیت ارتش ـ تأثیرات رفتار**
**گروه افسران نظامی ایران**

خلاصه : افسران ایرانی در حال حاضر فعالیتهای سیاسی علیه رژیم ندارند. دولت ایران قدمهایی جهت اجرای اقدامات امنیتی و رفتارهای دقیق جهت حفظ وفاداری آنها برداشته است. مشکل بزرگتر در اصلاح افسران، تعویض (تغییر) شخصیت افسران از آنچه که بودند می‌باشد. افسران جوان نشان داده‌اند که در آینده افرادی بی‌درد سر خواهند بود، اگر اوضاع اقتصادی و ساخت سیاسی آنها مورد رسیدگی قرار گیرد. متوجه شده‌ایم که درک ما از رشد فکری افسران ایرانی محدود بوده است و بر این عقیده‌ایم که باید توجه بیشتری به چگونگی این مسئلهٔ مهم داشته باشیم. ما توصیه می‌کنیم که آموزش زبان فارسی برای مستشارانی که به ایران فرستاده می‌شوند به طور مؤثری افزایش یابد و ترتیب برنامه‌هایی در این جهت برای پیشبرد منافع آمریکا داده شود.

ما در مورد این موضوع مصمم هستیم که گزارشات مکرری تهیه کرده و بفرستیم.

www.takbook.com



**قسمت A/9**

**گزارش وضعیت مواد مخدر**

خلاصه : در سالهای گذشته نقش ایران در زمینهٔ مواد مخدر بین‌المللی افزایش چشمگیری داشته است. بیشتر حشیش از طرف افغانستان و پاکستان به ایران وارد می‌شود و به کشورهای اروپای غربی توسط عبور کنندگان از ایران به وسیله کامیون حمل می‌شود که اغلب با خطوط حمل و نقل بین‌المللی (TIR) همراهی می‌شوند. موضوع مهم مسئلهٔ اعتیاد بیش از اندازه در ایران است. برای اصلاح وضعیت معتادین به مواد مخدر در داخل، ایران بایستی در قسمت منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری کند و این چیزی است که در گذشته اجرا نمی‌شده است. با وجود فعالیتهایی که بر ضد مواد مخدر به وسیله پلیس ملی انجام گرفته است (در خلال ۲۰ سال گذشته) اما قانونی برای همکاری آنها با نمایندگان کشورهای دیگر وجود ندارد. ساختمان بوروکراسی ایران همکاری بین پلیس و ژاندارمری و گمرک را در مورد گرفتن مواد مخدر مشکل کرده است. فعالیتهای ادارات برای جلوگیری از اشاعهٔ مواد مخدر در ایران خیلی کم است و محدود عمل می‌کنند. برنامه این اداره با پلیس و ژاندارمری احتیاج به هماهنگی و آموزش لازم برای اجرای مأموریتها دارد.

www.takbook.com

## بخش سوم
## شاه و آمریکا

**سند شماره ۱** **سرّی**

**ایران ۱ ـ تهدیدات ایران (سرّی)**

شاه معتقد است که ایران با تهدیدات زیادی در سالهای آینده مواجه خواهد شد که عمدهٔ آنها تهدید شوروی است. از قدیم ایرانیها ترس تسلط یافتن روسها را به خود داشته‌اند و آنها را تهدید عمده‌ای برای تمامیت ارضی خود قلمداد کرده‌اند. علیرغم همکاریهای اخیر اقتصادی ایران و شوروی، شاه به سختی معتقد است که اهداف تاریخی روسیه که تسلط بر امور خلیج فارس و ارتباط یافتن با بنادر آبهای گرم از راه خشکی می‌باشد، همچنان تعیین کنندهٔ خط مشی روسیه در قبال خاورمیانه و جنوب آسیا خواهد بود. شاه می‌داند که تصرف نظامی ایران سریع‌ترین راه برای دستیابی به این آمال می‌باشد. ولی او احتمال اقدام چنین عملی را بعید می‌داند؛ به این دلیل که روسیه اکنون مشغولیتهای مهمتری از قبیل چین، تشنج‌زدایی با اروپا و بهبود روابط با ایالات متحده دارد. به علاوه او به کمک ایالات متحده در دفع حمله شوروی حساب می‌کند. آنچه بیشتر باعث نگرانی اوست تهدیدی است که روسیه غیر مستقیم و با کمکهای آشکار و نهانی خود به عناصر ناراضی و حکومتها، خصوصاً حکومت عراق که قصد برهم زدن امنیت ایران را دارد اعمال می‌کند. تهدیدات استراتژیک حاصل از پیوندهای نزدیک بین هند، عراق، افغانستان و اتحاد شوروی شاه را مضطرب نموده است. به عقیدهٔ وی نفوذ فزایندهٔ شوروی در بین این کشورها باعث تشدید کلیه تهدیدات علیه منافع ایران می‌شود. شاه می‌ترسد که اینک با آشکار شدن علائم تقلیل نفوذ روسیه در ساحل شرقی مدیترانه، آن کشور بیش از پیش توجه خود را به ازدیاد نفوذ در خلیج [فارس]، تحکیم روابط با افغانستان و عراق در شمال و حمایت از اقدامات شورشی برای سرنگونی حکومتهای محافظه‌کار در ناحیه استانهای ساحلی تا جنوب معطوف سازد. این دلیل عمدهٔ شاه برای اعزام نیروهای ایرانی به عمان و جنگ با شورشیهایی که توسط جمهوری دمکراتیک خلق یمن که پیرو شوروی است، می‌باشد. او در مورد تحولات اخیر ترکیه بیمناک است، زیرا با کاسته شدن ثبات ترکیه امنیت ایران نیز در درازمدت در معرض خطر قرار خواهد گرفت. به علاوه مشکلات سیاسی پاکستان که توسط ناراضیان در مرز شمال غربی و استانهای بلوچستان ایجاد شده موجب تردید او در توانایی پاکستان در حفظ تمامیت خود شده است. حقیقت این است که شاه نهضت مخفی و جدایی‌خواه بلوچ در پاکستان را تهدید مستقیمی برای بلوچستان ایران می‌داند.شاه همچنین امنیت تجهیزات و خطوط نفت خود به غرب را حائز اهمیت حیاتی برای ایران می‌داند. او بشدت نسبت به ضربه‌پذیری.. نقش حساسی است...[1]

**سند شماره ۲**

**سرّی ـ غیرقابل رؤیت برای خارجیان** **ژوئن ۱۹۷۲ ـ خرداد ۵۱**

**شرکت خانوادهٔ سلطنتی در تجارت ایران**

منافع خاندان سلطنتی یک طیف وسیعی از تولیدات سیمان گرفته تا محصولات کشاورزی را شامل می‌شود. این دلالت بر آن ندارد که آنها بیشترین سهام را در این کمپانیهای متعدد دارا می‌باشند. در بسیاری

---

۱ـ این سند در این جا ناتمام بوده و صفحات بعدی آن به دست نیامد.

www.takbook.com



موارد آنها سهامدارانی بی سروصدا و با کمترین سهم بوده و یا کسانی دیگر برای آنها سهام گذارده‌اند. بعضی از اعضای خانوادهٔ سلطنتی علاقهٔ آشکار شخصی به فعالیتهای شرکتهایشان دارند.

شاهپور عبدالرضا، به عنوان یک مالک بزرگ که علاقه زیادی به کشاورزی پیشرفته دارد، در شرکت ایران جاندیر ـ که ماشینهای کشاورزی می‌سازد و وارد می‌کند و می‌فروشد ـ سهام دارد. او همچنین به حفظ منابع طبیعی و حیوانات علاقه‌مند است، لذا او مالک شرکت صفاریهای ایران و یک شرکتی است که مسافرتهای شکاری را سازمان می‌دهد (سازمان حفاظت و محیط زیست یا شکاربانی).

در زیر لیست خیلی اجمالی از بعضی داراییهای تجارتی خاندان پهلوی (به غیر از شاه) نشان داده شده است:

**بنیاد پهلوی**

این سازمان مالک هتلها، رستورانها و سهام‌های بسیار در شرکتهای متعددی می‌باشد. از میان مسایل یاد شده نقش آن در بخشهای دارویی (مؤسسه رفاهی داروپخش) و کارخانجات پنبه نسوز و سیمان بیشتر است.

این بنیاد ۵۰٪ تولیدات سیمان ایران را کنترل می‌کند. بنیاد درآمد فزاینده‌ای دارد که ظاهراً صرف امور خیریه‌ای که بنیاد مدعی بود به خاطر آن تشکیل یافته است می‌شود؛ ولی رقمی در حدود ۲۰ تا ۴۰ درصد این درآمد به اعضاء خانواده سلطنتی می‌رسد.

بنیاد به طور مؤثری اداره نمی‌شود چرا که اکثراً از آن برای یافتن شغل برای دوستان و وابستگان خاندان پهلوی استفاده می‌شود. چون این بنیاد از پشتیبانی دربار برخوردار است اولویتهایی بی‌اندازه به آن داده می‌شود، به طوری که توسعهٔ تجارت ایران را مختل ساخته و مانع رشد آن می‌شود بنیاد سرچشمهٔ بیشتر نارضایتیهای ایرانیان از فعالیتهای خانواده سلطنتی است. سرّی

www.takbook.com



## سند شماره ۳

**از : تورین** **محرمانه**

**به : سفارت آمریکا ـ تهران**

**موضوع : یادداشت مذاکرات**

**شرکت کنندگان : کارمند قسمت روابط عمومی فیلیپ پیلزبوری، جیوب گاتی.**

**محل : رستوران فرانچسکوتورینو** **تاریخ : ۳۱ آگوست ۱۹۷۷ ـ ۹ شهریور ۵۶**

آقای گاتی حدود سه هفته در ژوئیه ۱۹۷۷ ـ ۱۶ تیرماه ۵۶ در پروژه IBRD در ایران بسر برد. مشاهدات او موضوع این گزارش می‌باشند.

**۱ـ اردوی کار (تربیتی):**

آقای گاتی به همراه دو تن از همکاران توسط ماشین به لرستان سفر کردند. یکی از مأموران ساواک هم به همراه آنان بود. نزدیکی قم تصادفی صورت گرفته بود و جاده بسته شده بود. مأمور برای آنها اجازه گرفت و آنها با استفاده از یک جاده خاکی بیراهه ادامه دادند. به زودی چند جیپ از عقب و جلو آنان را اسکورت کردند. بعد از مدتی آنها به جایی در کنار کویر رسیدند که مأمور آن را اردوی تربیتی می‌نامید. طول آن ۷ یا ۸ کیلومتر بود و سه ردیف سیم خاردار به دور آن کشیده شده بود. سربازان با مسلسل به صورت آماده باش ایستاده بودند. آقای گاتی گفت که موقع رسیدن به مقصد از او خواسته شد مهمان سرهنگ ساواک لرستان که اسمش را نگفتند باشد. آقای گاتی گفت سرهنگ به او تریاک تعارف کرد و او نپذیرفت. بعد از مدت کوتاهی سرهنگ به راحتی گفت که ۲۰۰/۰۰۰ نفر در این اردوهای تربیتی وجود دارند. آقای گاتی گفت البته هیچ وقت از اصطلاح «زندانی سیاسی» استفاده نمی‌شد. اوضاع داخل اردو که او توانست مشاهده کند او را لرزانیده بود.

**۲ـ منابع انسانی و فساد**

گاتی در مورد اتلاف نیروی انسانی به خاطر فساد تا جایی که مشاهده کرده بود گفت: ایرانیان از خارج بر می‌گردند، با تحصیلات و تخصص عالی ولی اینجا دیگر کاری نمی‌کنند، در عوض تمام پروژه‌ها به شرکتهای خارجی داده می‌شود. او نظرات خاصی در مورد پروژهٔ ساختمان قبر شاه بیان کرد. این برنامه ۱۱۴ آرشیتکت دارد که اکثراً خارجی بودند و تحت نظر قسمتی که آرشیتکت دربار سلطنتی گفته می‌شد کار می‌کردند. گاتی از وجود فامیلهای شاه در همه جا متعجب شده بود. او گفت برادر شاه، ترابری را کنترل می‌کند و حمل و نقل کامیون را بر ترن ترجیح می‌دهد. او حاضر نمی‌شود که راه‌آهن بین اراک و اصفهان ساخته شود؛ این پروژه می‌تواند مقدار زیادی از خرجهای حمل و نقل بکاهد. خواهر شاه مسئول صنایع است. هیچ تصمیم اساسی بدون مشورت با او گرفته نمی‌شود. شهبانو مسئول خانه‌سازی می‌باشد و او وزیر فعلی مسکن را به دلیل آشناییشان در پاریس در دوران دانشجویی انتصاب کرده است.

**۳ـ ارتش**

آقای گاتی چندین جلسه با افسران، مخصوصاً افسران نیروی دریایی، صحبت کرده : (ایتالیاییها منافع

www.takbook.com



قابل توجهی در نیروی دریایی ایران دارند، چون بسیاری از ایرانیان به دانشگاه نیروی دریایی در گمبورن می‌روند و ایران کشتیهایی را که در لاسپنر ساخته می‌شود خریداری می‌کند). آقای گاتی گفت ارتش از رژیم حمایت می‌کند، ولی به طور فزاینده‌ای نگران مبالغ عظیم پولی هستند که از خریدهای ارتش حاصل می‌شود و به جیب عده‌ای غیر نظامی می‌رود. گذشته از این آنها نگران حقوقهای نسبتاً کم خودشان هستند. گاتی احساس می‌کرد که ارتش نقش فعالتری در سیاست ایفا خواهد کرد و حتی می‌تواند بعد از رفتن شاه فعلی کودتایی انجام دهد و پسرش را به عنوان رهبر روی کار آورد.

**۴ـ نفوذ فرانسه**

گاتی تحت تأثیر نفوذ عمیق فرهنگ فرانسوی مخصوصاً در سیستم تعلیم و تربیت وزارتخانه‌ها قرار گرفته بود. فرانسویها به گفتهٔ او فعالانه مخصوصاً در سازماندهی مجدد وزارتخانه‌های دولتی شرکت دارند، و درصدد فراهم آوردن امکان فرستادن کارمندان ایرانی برای تحصیل در مدارس بزرگ فرانسه هستند.

**۵ـ بعضی برداشتهای عمومی**

الف) شاه و شهبانو مورد انتقاد قرار نمی‌گیرند ولی انتقادهای روزافزونی نسبت به زیاده‌رویهای خانوادهٔ سلطنتی صورت می‌گیرد.

ب) مردم در ایران رو به سوی دیکتاتوری دارند نه دمکراسی، حتی اگر دیکتاتور کسی غیر از شاه باشد. ظاهراً امید و علاقهٔ کمی به دمکراسی در ایران وجود دارد.

ج) به جای احساسات ضد کمونیستی احساس عمیق، و گسترده ضد شوروی وجود دارد. گاتی بر اساس ادعاهای شوروی بر ایران از انشعاب در حزب توده صحبت می‌کرد.

www.takbook.com



**سند شماره ۴**

**تهران، ایران** **۵ ژانویه ۱۹۷۸ ـ ۱۵ دی ۵۶**

**اصلان عزیز**

بدین وسیله از زحمات شما در انجام ترتیبات ملاقات هیأت شش نفره سناتورهای آمریکایی (به ریاست ویلیامز و معاونت استیونس) از ۹ تا ۱۱ ژانویه قدردانی می‌کنیم. اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر در ملاقات رسمی ظهر ۱۰ ژانویه سناتورها را خواهند پذیرفت. به دنبال آن در ساعت ۱ بعد از ظهر جلسهٔ صرف ناهار می‌باشد.

شش سناتور مذکور عبارتند از :

| | |
|---|---|
| سناتور | هاریسون ای ویلیامز ـ رئیس |
| سناتور | تد استیونس ـ معاون رئیس |
| سناتور | هاوارد کانن |
| سناتور | آبراهام ریبکوف |
| سناتور | ارنست اف هالینگز |
| سناتور | جاکوب ک جاویتس |

آنها در ملاقات و ناهار توسط سفیر سولیوان و من همراهی خواهند شد.

با تقدیم احترامات عالی و گرمترین درودهای شخصی.

ارادتمند جک سی میکلوس

حضرت عالیجناب

دکتر امیر اصلان افشار

ریاست تشریفات

دربار شاهنشاهی

تهران، ایران

۵ ژانویه ۱۹۷۸ ـ ۱۵ دی ۵۶

اصلان عزیز

بدین وسیله از زحمات شما در انجام ترتیبات ملاقات نمایندگان (نمایندگی کنگره زابلوکی) ۱۳ الی ۱۵ ژانویه قدردانی می‌کنیم. اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر در ملاقات رسمی ظهر ۱۴ ژانویه نمایندگان را خواهند پذیرفت. به دنبال آن در ساعت ۱ بعد از ظهر جلسه صرف نهار می‌باشد.

نمایندگان عبارتند از :

| | |
|---|---|
| نماینده | کلمت جی زابلوکی |
| نماینده | دانته بی فاسل |
| نماینده | جاناتان بی بینگهام |
| نماینده | لئو جی رایان |
| نماینده | هلن اس مینر |
| نماینده | دانالد جی پیز |

www.takbook.com



| | |
|---|---|
| نماینده | جان جی کاوانف |
| نماینده | ویلیام اس برومفیلد |
| نماینده | پائول فیندلی |
| نماینده | لاری وین جونیور |
| نماینده | شرلی ان پتیس |
| نماینده | بنجامین ای جیلمن |
| نماینده | جی هربرت بروک |
| نماینده | کریستوفر دد |
| نماینده | دل گلاوس |

**عالیجناب**

**دکتر امیراصلان افشار**

**ریاست تشریفات**

**دربار شاهنشاهی**

اگر چه هیچ یک از اعضای کادر اداری نمی توانند در برنامهٔ اولیهای که سناتورهای ایالات متحده شرکت دارند حضور یابند ما این را بسیار مهم می‌دانیم که (از دیدگاه منافع مشترک ایران و آمریکا ) افراد زیر در برنامه ۱۴ ژانویه شوند :

| | |
|---|---|
| آقای کنت هاردینگ | افسر مخصوص نمایندگان |
| آقای جان جی برادی | مدیران کمیته روابط بین‌المللی مجلس نمایندگان |
| آقای جرج آر بردس | معاون اجرایی آقای رئیس زابلوکی |

سفیر سولیوان و من این گروه را در ملاقات و ناهار همراهی خواهیم نمود.

با تقدیم احترامات عالی و گرمترین درودهای شخصی

ارادتمند:

**قائم مقام هیئت دیپلماتیک**

**جک سی میکلوس**

www.takbook.com



## سند شماره ۵

**شماره سند ۹۱۶۹**

**از : وزیر امور خارجه واشنگتن ـ دی سی** **تاریخ : ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۸ ـ ۱۹ شهریور ۵۷**

**به : سفارت آمریکا ـ تهران فوری ۶۴۴۸** **استفاده اداری محدود**

**موضوع : مکالمه تلفنی رئیس جمهور با شاه**

۱ـ کاخ سفید در ساعت ۴ بعد از ظهر یکشنبه به وقت محلی بیانیهٔ زیر را انتشار داد:

«رئیس جمهور امروز صبح به شاه ایران تلفن کرد و در مورد وضع فعلی ایران با او بحث کرد. رئیس جمهور روابط نزدیک و دوستانه بین ایران و آمریکا و اهمیت اتحاد ادامه دار ایران با غرب را دوباره تصریح کرد.

رئیس جمهور تأسف عمیق خود را در مورد کشتار ابراز داشت و اظهار امیدواری کرد که خشونت هر چه زودتر پایان بیابد. او همچنین اظهار امیدواری کرد که حرکت به سوی آزادیهای سیاسی ادامه یابد.

۲ـ (برای اطلاع شما) در این زمینه ما به خبرگزاریها می‌گوییم که رئیس جمهور صبح یکشنبه قبل از رفتن به گیتسبورگ به همراه نخست وزیر بگین و رئیس جمهور سادات به شاه تلفن کرد و مکالمه تلفنی ۱۰ تا ۱۵ دقیقه طول کشید.

۳ـ مخاطبها می‌توانند از آنچه که در بالا گفته شد در تماسهای بین دولت و خبرگزاریها به طور مناسب استفاده کنند.

کریستوفر

www.takbook.com



**سند شماره ۶**

**سرّی ـ حساس**

**آقای سفیر عزیز**

**از: وزارت امور خارجه ـ واشنگتن دی سی** **تاریخ : ۱۰ اکتبر ۱۹۷۸ ـ ۱۸ مهر ۵۷**

**به : جناب آقای ویلیام اچ سالیوان سفیر آمریکا ـ تهران** **اداری ـ غیر رسمی**

**آقای سفیر عزیز**

مؤلف نامهٔ ضمیمه در کار تجدید پروندهٔ روانپزشکی سیا ( CIA) در مورد شاه می‌باشد و مایل است شما با جواب دادن به سؤالات فهرست شده و افزودن هر گونه نظری که می‌خواهید به وی کمک کنید. اگر خواستید می‌توانید از طریق کانالهای SRF یا از طریق من جواب خود را ارائه دهید ( من علاقه‌مند به جوابهایتان هستم. اگر راه قبلی را برگزیدید، ممکن است که درخواست کنید تا آنها را به من برسانند).

جری پست همچنین دست اندر کار تحلیلهایی در مورد شاهزاده رضا خواهد بود و ما قصد داریم تا آخر اکتبر کارها را مرتب کنیم. **ارادتمند: هنری پرشت**

ضمیمه: سرّی ـ حساس ـ لیست سؤالات

**۶ـ اکتبر ۱۹۷۸ـ ۱۴ مهر ۵۷**

برای کمک به برآوردمان از وضع دماغی شاه در حال حاضر عکس‌العمل احتمالی وی، اگر جناب سفیر مبادرت به جواب سؤالات ورزند، بی فایده نخواهد بود.

۱ـ در رابطه با دوره‌های افسردگی شاه، آیا هیچ‌گاه آنقدر شدید بوده است که به طور چشمگیری با کار رهبری وی تداخل داشته باشد؟ آیا نسبت به شرایط بی‌تناسب به نظر می‌رسید یا اینکه در قبال مشکلات سیاسی بی‌میلی و یأسهای متناسبی بودند ؟ در این موقع چه اثراتی در تصمیم‌گیری‌های وی مشهود است ؟ آیا وی هیچ‌گاه دچار فلج بی‌تصمیمی می‌شود و یا میل پیدا می‌کند که تصمیماتی را که در غیر این صورت احتمالاً خودش اتخاذ می‌کرد، به دیگران واگذارد؟

۲ـ چگونه خود را از این افسردگی بیرون می‌کشد ؟ تصمیم گیری وی بعد از یک دورهٔ افسردگی چگونه است، آیا به صورت مبالغه آمیزی قاطع می‌شود؟

۳ـ نقش همسر وی را توصیف کنید و به چه میزان شاه به او تکیه می‌کند.

۴ـ اظهار نظر دربارهٔ برنامهٔ زمانی وی سودمند خواهد بود، در زمینهٔ طرح تحویل یک ایران پا برجا و مدرن به فرزندش، آیا شواهدی دریافت شده است که وی برنامه‌اش را به تعویق انداخته باشد و احساس کرده باشد برای تحقق بخشیدن به اهداف خود باید مدت بیشتری ادارهٔ امور را در دست داشته باشد ؟

۵ـ هر گونه پیشنهادی که شامل افزایش حمایت نظامی خارجی در دورهٔ بحران داخلی می‌باشد ارائه شود.

۶ـ اگر چه شاه ابراز داشته است که بسیاری از سیاستهای اعطایی آزادیهای بیشتر وی بر اثر ابتکارات آمریکا اتخاذ شده‌اند، اهداف وی برای رسیدن به جامعهٔ دموکراتیک تر برای چندین سال برنامه ریزی شده‌اند؛ لطفاً نظارت خود را دربارهٔ میزان تعادل دیدگاههای خود شاه که وی امید اجرای آن را دارد و تسلیم با اکراه او به فشار خارجی را شرح دهید. **جرالد ام. پست ـ پزشک**

www.takbook.com



## سند شمارهٔ ۷

**محرمانه** **۲۷ سپتامبر ۱۹۷۸**

**یادداشتهای گروه مسایل کشور ـ ۵ مهر ۵۷**

سفیر جلسه را با اظهار اینکه هفتهٔ خصوصاً پر کاری را پشت سر گذاشته‌ایم، افتتاح کرد. اترتون و سولیوان دو سفیر آمریکا در ملاقاتی که با شاه داشتند دربارهٔ طرح صلح کمپ دیوید با وی صحبت کردند شاه به طور غیر علنی از توافقنامهٔ مصر و اسرائیل حمایت می‌کند، زیرا او شدیداً حکومت سادات را به دولت افراطی ترجیح می‌دهد. در پی عکس‌العمل شدید روسها نسبت به توافقها، نگرانی وسیعی در جهان عرب به وجود آمده است.

نمایشگاه تجارت بین‌المللی تهران همچنان ادامه دارد. بنا به گزارش آقای وستلی این هفته تعداد بیشتری اجازه بازدید یافتند، ولی ملاحظات امنیتی همچنان سخت می‌باشد. شرکتهای آمریکایی نتایج مختلفی را گزارش می‌دهند. به نظر می‌رسد بعضی از شرکت کنندگان آمریکایی موفقیتهای خوبی عایدشان بشود.

دیروز در اعتراض به محاصرهٔ منزل آیت‌الله خمینی در عراق، قسمتی از بازار بسته بود. با برداشتن سربازان از خانهٔ خمینی انتظار از سر گرفته شدن روال عادی تجارت در بازار را داریم. اکثر تانکها از خیابانهای تهران برداشته شده‌اند.

علیقلی اردلان امروز وزیر دربار می‌شود.آقای اردلان خیلی زود خانوادهٔ سلطنتی را به سبب دخالت در تجارت خصوصی شدیداً سرزنش نمود. این امر نشان می‌دهد که در دولت جدید وزارت دربار اهمیت کمتر و کابینه برجستگی بیشتری خواهد داشت. سفیر اشاره نمود که وزارت دادگستری نیز در حال تحقیق در امور صنعت پتروشیمی که پسر عموی اردلان از اعضای برجستهٔ آن است می‌باشد.

در هفتهٔ گذشته به همراه رؤسای بالای بخشها با دو وزیر کشاورزی و اطلاعات ملاقات داشته است. مدیریت فعلی وزارت کشاورزی کاملاً تحسین برانگیز است و نسبت به مدیریتهای قبلی برتری زیادی دارد. آقای شلنبرگر اظهار داشت که مصاحبهٔ هال ساندرز را می‌توان در تلویزیون محلی نمایش داد. ICA (مرکز همکاریهای فرهنگی) نیز درصدد تهیهٔ یک جزوهٔ سؤال و جواب مانند، برای دانش‌آموزان ایرانی که قصد تحصیل در آمریکا را دارند می‌باشد. وی افزود ICA درصدد برپا کردن نمایشگاه ادی گونینگ نیز هست. ژنرال گست دیروز در پنجاه و پنجمین مراسم فارغ‌التحصیلان نظامی شرکت کرد. شاه نیز حضور داشت اعلیحضرت نگرانی خود را از فعالیتهای میگها به تیمسار ربیعی ابراز کرد. به عقیدهٔ سفیر، روسها بر این باورند که ناآرامی‌های اخیر، دخالتهای ایران در افغانستان و کمکهای ایران به سومالی را متوقف می‌نماید. ربیعی همچنان به ژنرال گست گفت، که ارتش ایران دربارهٔ بودجه خود نگران است، زیرا از این پس وجوهات جدید باید به تصویب هیأت دولت برسد.

به دنبال آن صحبت از بعضی مسایل طرحهای هاری هاچینز، براون و روت به میان آمد. چاه‌بهار دچار مشکلاتی در امور پرسنلی و تدارکات است که در تاریخ اتمام و هزینه آن اثر خواهد گذارد.

آقای لمبراکیس گزارش داد که امور بعضی بنیادها (از قرار معلوم غیر از بنیاد پهلوی ) مورد تحقیق می‌باشد. وی افزود که در رابطه با امتحانات دانشگاه ملی دیروز دچار مشکلاتی شده بود.

از مذاکرهٔ اخیر آقای گرین با تیمسار طوفانیان اطلاعات جالبی به دست آمد؛ از این قرار که آخرین نظریهٔ

www.takbook.com



شاه این بوده است: «صرفه جویی، تقلیل و گسترش » تیمسار طوفانیان افزود که در سال جدید مالی خریدهای نظامی عمده‌ای از جانب ایران انجام نخواهد شد.

ICA (مرکز همکاریهای فرهنگی) گزارش داد که در مرکز فرهنگی عباس‌آباد تجهیزات بیشتری برای مشاوره با دانشجویان فراهم می‌کنند. علیرغم لغو امتحان اعزام، ثبت نام برای دوره‌های انگلیسی به میزان زیادی ادامه دارد.

آقای ددیچ که متخصص تنیس و اداره(DEA ) مبارزه با مواد مخدر است، در یک کنفرانس منطقه ای در قاهره شرکت خواهد کرد و سپس راهی فرانکفورت و زوریخ خواهد شد.

www.takbook.com



**محرمانه** **سند شماره ۸**

**۲۵ اکتبر ۱۹۷۸ـ ۳ آبان ۵۷ جلسه گروه مسایل کشوری**

سفیر جلسه را با صحبت دربارهٔ دیدارکنندگان متعدد سفارت گشود. کودل سولارز آمده و رفته است دونکن، قائم مقام وزارت دفاع و همراهانش تهران را ترک کرده‌اند، ولی هنوز در کشور هستند. جانشین وزیر، کوپر و معاون قائم مقام وزارت میکلوس در چند روز آینده وارد خواهند شد. آن گاه سفیر سولیوان یک میهمان را معرفی نمود، وی که نامش کلی بود، ناظر امنیت منطقه بود که در جلسه گروه مسایل کشوری حضور یافته بود. از تاریخ آخرین جلسه گروه، سولیوان دوبار شاه را ملاقات کرده بود، این طور می‌نمود که شاه نسبت به حوادث اخیر، خصوصاً اعتصابات شرکت ملی نفت ایران نگران بود. سفیر و ریچارد باش با رئیس کنسرسیوم جان اورنج ملاقاتی خواهند داشت، که می‌توانند به فهم ماهیت اعتصابات نفت کمک کند. فردا روز تولد شاه است و می‌تواند حادثه‌آفرین باشد. سولیوان تذکر داده بود که آمریکاییها کمتر به انظار عمومی بروند. ارتش ایران از اینکه اقدامات قاطع‌تری در مقابله با تظاهرات اتخاذ نشده کمی عصبانی است. شاه مخالفت می‌کند، اول به این جهت که عاملین ناآرامی‌ها به آسانی منزوی نمی شوند. دوم به این دلیل که اگر روشهای شدید مسلحانه پیش گرفته شود، نتایج آن قابل پیش بینی نیست. نظر سفیر بر این بود که اوضاع حتماً به رهبری بیشتری نیاز دارد. سپس سولیوان موضوعات کوتاه‌تری را مطرح کرد، جانشین وزارت، کوپر شنبه بعد از ظهر وارد خواهد شد. آقای کوپر ملاقات شامی با آقای یگانه خواهد داشت، خانمها میلز و تیلور، در ملاقات شام با آقای کوپر آقای انصاری او را همراهی خواهد کرد.

روز انتشار سؤال و جوابهای (مربوط به ) ملک حسین عقب خواهد افتاد، تا کابینه اسرائیل نشست خود را برگزار کند. آقای شلنبرگر مراقبت خواهد کرد، تا نسخه‌های ما ( از سؤال و جوابها ) تا آن زمان مخفی بماند. بخش سیاسی، امور سه ملاقات کننده از دولت را تنظیم خواهد کرد.

این سه عبارتند از : آقایان، گریفین، کلمنت و کوهن.

برادر لی شهردار لس‌آنجلس تصمیم گرفته است که در برنامه «امور شهری تهران » شرکت نکند. ممکن است که سمینار کلاً به تعویق بیفتد. آن گاه سفیر از خانم دیرزمن دربارهٔ قبض مالیاتی سؤالاتی نمود. خانم دیرزمن در جواب اظهار نمود که این قبض در واقع سه قبض جدا از هم است. قانون جدید مخصوصاً امکانات پیش بینی شده برای مناطق سخت موجب استقلال قابل توجه آمریکائیها شده است، هر یک از رؤسای بخشها گزارش فعالیتهای عمدهٔ قسمت خود را آمریکایی ارائه داد. بنا به گزارش آقای شلنبرگر در سفری که به اتفاق آقای کوران به اصفهان نمودند. دستگاه آموزش و پرورش اصفهان نیز سهم خود را از مشکلات برده است. اکثر مدارس به مناسبت تظاهرات تعطیل و مدیران ارشد در ناراحتی به سر می‌برند. آقای جان میلز پیامی از دوپونت دربارهٔ نتایج احتمالی دولت ایران از وام دادن یا حمایت تعرفه‌ای برای وی دریافت نمود. آقای میلز اظهار داشت که او و آقای تیلور ملاقاتی با وزیر برنامه داشتند. وزیر مذکور به سه نکته قابل ذکر اشاره نمود. ۱ـافزایش حقوقها، ازدیاد بودجه امسال و سال بعد را ایجاب خواهد کرد. ۲ـششمین برنامهٔ پنجساله شروع خواهد شد. ۳ـمؤسساتی که علیرغم روال پیشنهاد شده اعتصابات خود را خوابانده‌اند مجبور خواهند شد که قراردادهای خود را تقلیل دهند، آقای آدلر تذکر داد که شرکت ایالات متحده در تحقیق علل واقعهٔ طبس هیچ انعکاس عمومی نیافته است.

www.takbook.com



## سند شماره ۹

**محرمانه**

**اول نوامبر ۱۹۷۸ـ ۱۰ آبان ۵۷**

سفیر جلسه را با مروری بر حوادث هفته شروع کرد. چند روز خیلی سخت و آشفته و بدترین روز یکشنبه ۲۹ اکتبر بود. گروههای بسیار زیاد، غیرقابل کنترل در خیابانها تظاهرات می‌کردند. فقط یک گروه بسیار کوچک به نفع دولت تظاهرات کردند که چشمگیر نبود و صورت مصنوعی داشت. رئیس جمهور کارتر دیروز ولیعهد را به حضور پذیرفت و پشتیبانی قاطع خود را از شاه اعلام کرد. اگر عکس‌العمل نسبت به صحبتهای دکتر اون را در نظر داشته باشیم، می‌توانیم به زودی انتظار عکس‌العمل شدیدتری نسبت به نظرات رئیس جمهور داشته باشیم. سفیر پارسون و سولیوان صحبتهای خود را با شاه ادامه دادند. اکنون دیدگاههای سیاسی شاه منسجم‌تر شده است. اما در مجلس قهرمانی وجود ندارد که به پا خیزد و قاطعانه از دولت شریف امامی پشتیبانی کند. نخست وزیر سخت افسرده و خسته شده است و اقلیت کمی در دولت تصمیم می‌گیرند.

بخش اقتصادی نیز همچنین در بی‌ثباتی به سر می‌برد، آقای کوپر سرپرست تیم اعزامی به ایران با آقای یگانه وزیر امور اقتصاد مذاکراتی داشته است. یگانه در بیمارستان به سر می‌برد و از ذات‌الریه یا حمله قلبی رنج می‌برد. اعتصابات ادامه دارد، مهمترین اعتصابات، اعتصابات شرکت نفت می‌باشد. سفیر آقای انصاری را بارها در طول هفته ملاقات کرده است. تولیدات نفت به طرز چشمگیری کاهش یافته است، ولی آقای لینک به سولیوان گفته است که ۹۰٪ کارکنان حاضرند به سر کار بازگردند. نفوذ ۱۰٪ بقیه کارگران که از به سر کار برگشتن کارگران جلوگیری می‌کنند، توسط ارتشیان تقلیل یافته است.

از طرف دیگر یک نماینده مجلس حملات خود را علیه گنجی وزیر جدید آموزش و پرورش بشدت شروع کرد و گفت که ۳۲۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال پول را به خارج فرستاده است؛ و آقای سفیر معتقد است که ممکن است این وضع از دوباره باز شدن دانشگاه ممانعت به عمل آید. جان میلز گزارشی در مورد سفر اخیر معاون وزیر کوپر داده کوپر حالا می‌داند که در ایران چه می‌گذرد، و ایرانیان دید بهتری نسبت به وضع دلار دارند. آقای شلنبرگر بازدیدی از دانشگاه تهران کرد. او هزاران دانشجوی جوان را دید که در جلسات مختلف شرکت می‌کنند. در مسجد نماز می‌خوانند و شعار می‌دهند. آقای شلنبرگر در نمایشگاهی از فساد رژیم و جنایات آن دید، نیمی از زنان چادر به سر داشته. با وجودی که شلنبرگر و دوستش تنها خارجیان آنجا بودند ولی هیچکدام احساسات ضد خارجی حس نکردند.

ژنرال کاست گزارش داد که وضع پرداختی‌های نظامی ایران به آمریکا وخیم است. از مستشاری نظامی خواسته شد تا تعداد ملاقاتها را کم کند، چون نیروهای مسلح با کمبود بودجه مواجه هستند. آنها مخصوصاً احساس می‌کنند برنامه‌های بررسی مدیریت خیلی گران تمام می‌شود. آقای لمبراکیس گفت که مشکلات سیاسی ادامه دارند. جلسات و میتینگهای زیادی گزارش شده‌اند ولی کمونیستها تعداد کمی از سخنگویان را تشکیل می‌دهند. شش استان ایران اکنون استاندار ندارد. ددیچ گفت که مشکل اصفهان حل شده و مک گافی به زودی گزارشی خواهد داد. خانم دیرزمن گفت که رئیس جمهور هنوز لوایح مالیات را امضاء نکرده و IRS کپی‌های آن را چاپ کرده است. این مقداری نابسامانی ایجاد می‌کند.

www.takbook.com



## سند شماره ۱۰

**از : وزارت امور خارجه ـ واشنگتن دی سی** **سرّی**

**به : سفارت آمریکا ـ تهران ـ ۷۸۹۵** **۱۷ آبان ۵۷ ـ ۸ نوامبر ۱۹۷۸**

**موضوع : نظر دولت آمریکا دربارهٔ اوضاع ایران**

۱ـ سفارتهایی که اطلاعات زیر را دریافت می‌داند بایستی دولتهای میزبان را در جریان خلاصه امر قرار داده و نظر دولت آمریکا را با مقامات عالیرتبه در میان گذارند.

۲ـ به طوری که از طریق منابع مطبوعاتی آشکار شده، ثبات داخلی ایران شدیداً تحت فشارهای غیر عادی قرار گرفته است. در روزهای ۴ و ۵ نوامبر تظاهرات و اغتشاشات در تهران باعث خسارات وسیع و انهدام مقادیر زیادی از اموال عمومی و خصوصی گردیده است. اواخر روز ۵ نوامبر نخست وزیر شریف امامی و دولت استعفا کردند.

۳ـ اول روز ۶ نوامبر شاه در گفتاری به مردم ایران گفت که دولت نظامی را مأمور کار کرده است وی روشن کرد که این دولت نگهبان خواهد بود وظیفه دارد که از اغتشاش جلوگیری کند و قدرت دولت را اعمال کند.شاه بدین خاطر دست به این اقدام زد که موفق نشده بود نمایندگان مسئول مخالفین را متقاعد کند که حکومت ائتلافی را تشکیل دهند. او وعده داد پس از استقرار امنیت یک دولت ملی بر اساس اصول آزادی منصوب خواهد کرد تا انتخابات آزاد ترتیب بدهند

۴ـ وضعیت امنیتی بهبود یافته؛ گرچه حوادث متفرقه ای دائماً روی می‌دهد.

۵ـ دولت آمریکا قویاً حمایت خود را از کوششهای شاه جهت اعادهٔ نظم به عمل آورده تا هر چه زودتر در شرایط مجاز نسبت به استمرار دادن آزادیها و برنامه‌های توسعه‌ای کشور اقدام نماید.

روز ۶ نوامبر این مطلب از سوی سخنگوی وزارت خارجه تأکید گردیده است. به شرح زیر :

«ما از شاه در تصمیماتش حمایت می‌کنیم، شاه یک دولت نظامی زیر نظر خود منصوب کرده، زیرا دولت غیر نظامی نمی توانست نظم را اعاده کند و زمینه برگزاری انتخابات آزاد را فراهم سازد. چندی قبل از تصمیم اخیر، شاه امکانات دولت غیر نظامی را که شامل ائتلاف اعضای مخالف باشد بررسی کرده و چون آنان از شرکت در کابینه ائتلافی امتناع کرده‌اند، و راه حل دیگری ظاهراً وجود نداشته است، شاه از ارتش درخواست تشکیل کابینه را کرده است. شاه تأکید کرده است که حکومت نظامی موقتی بوده و او قصد دارد سریعاً و در صورت امکان کشور را به سوی انتخابات آزاد و دولت غیر نظامی سوق دهد.»

۶ـ طبق بر آورد ما، شاه آگاهی کامل از نارضایتیهای قانونی مردم ایران دارد که در خلال هفته‌ها و ماههای گذشته ابراز داشته اند. او خود را متعهد ساخته تا امکان مشارکت عمومی در سیاست را فراهم آورد و وضع اقتصادی و شرایط اجتماعی را بهبود بخشد. در خلال تابستان و پاییز گذشته امواج بی‌نظمی و توقف کارها، به طور فزاینده ای باعث اختلال وظایف دولت گردیده است. امیدواریم تشکیل دولت موقت جدید که روز ۶ نوامبر اعلام گردیده، تسهیلات اعاده جوّ منظم و آرام که لازمه کار دولت در هر جامعه‌ای هست را فراهم آورد. به خصوص در مورد وضع موجود در ایران که شاه تعهد کرده است، اشتباهات گذشته را تصحیح نماید. با فساد و بی‌عدالتی مبارزه کند و یک دولت ملی جهت اجرای انتخابات در شرایط مجاز هر چه زودتر تشکیل دهد. مطمئن هستیم که مردم ایران و رهبرانشان می توانند جهت حصول این اهداف با وحدت کار کنند.

www.takbook.com



۷ـ واضح است که یک جنبه اقتصادی در ورای این کارها وجود دارد. اعتصابات در بخش نفت باعث کمبود تولید و صدور در دو هفته پیش شده است و در روزهای اخیر استخراج به طور متوسط حدود ۲۵٪ وضع عادی است. امیدواریم افرادی که نقش اساسی در اقتصاد ایران بازی می‌کنند، در جهت حل اختلافات خود جمع شده و در جهت پیشبرد منافع عمومی قدم بردارند.

۸ـ ما نگران هستیم که مبادا این عدم ثبات به امنیت منطقه لطمه وارد سازد. دولت آمریکا همواره از کوششهای شاه حمایت کرده تا رهبری قاطع را در ایران در این دوره بحرانی به عهده گیرد. اعتقاد داریم که تصمیمات او در زمینه مشارکت عمومی در حکومت شجاعانه هستند و آنها استحقاق حمایت همه جانبه را دارند.

۹ـ شما باید میزبانان خویش را از تصمیم ما مبنی بر استفاده کامل از نفوذمان برای حفظ منافع حیاتی غرب، آگاه سازید. در این مقطع منظور حمایت قاطع از کوششهای شاه برای انسجام کشور و ایجاد زمینه برای استقرار ثبات می‌باشد.

ونس

**سند شماره ۱۱**

**از: وزارت امور خارجه آمریکا** **محرمانه**

**به : سفارت در تهران**

**مخصوص آمریکایی‌ها**

**۸ آبان ۵۷ ـ ۳۰ اکتبر ۷۸**

**موضوع : بازدید رئیس آلیس چالمرز از تهران :**

۱ـ دیوید اسکات، رئیس آلیس چالمرز و همراهان از ۲۳ تا ۲۶ نوامبر ( ۲ـ۵ آذر) از تهران بازدید خواهند کرد و در هتل هیلتون اقامت خواهند کرد. اسکات علاقه‌مند است که احتمالاً در غروب پنجشنبه ۲۳ نوامبر با سفیر سولیوان ملاقات کند. او در آن روز ساعت ۲ بعد از ظهر از اسرائیل وارد تهران خواهد شد. اسکات در ساعت ۱۰/۴۵ صبح ۲۵ نوامبر با شاه ملاقات دارد و تهران را در صبح ۲۶ ترک خواهد کرد. برای اطلاع شما، اردشیر زاهدی یک مهمانی شام برای اسکات برپا کرده است و ممکن است خودش هم میزبان آن باشد.

۲ـ قدردانی خواهیم نمود اگر سفیر اطلاع دهد، که آیا او هم با اسکات ملاقات داشته و وقت آن را مشخص کند. ونس

www.takbook.com



## سند شماره ۱۲

**یادداشت به پرونده** **محرمانه**

**از : کمپانی اقتصادی باربارا شل** ECON/COM,B L SCHELL

**موضوع : ملاقات شاه با دیوید. د. اسکات و آلیس چالمرز**

دیوید اسکات رئیس هیئت، رئیس اجرایی (مدیر عامل) و رئیس بنگاه (شرکت) آلیس چالمرز توسط شاه در یکشنبه ۲۵ نوامبر ۱۹۷۸(۴ آذر ۵۷) ساعت ۱۱ صبح پذیرفته شد. شرح زیر توسط آقای وان وانر نماینده آلیس چالمرز در ایران که اسکات را تا قصر همراهی نموده، ولی شخصاً در ملاقات حضور نداشت، تهیه شده است. آقای اسکات شاه را از نظر روحی در وضع بسیار نامناسبی یافت او کمی خوشحال شد موقعی که اسکات از بچه‌هایش و سفیر زاهدی تعریف کرده. اسکات برای شاه اظهار همدردی کرد و خاطرنشان کرد که بازرگانان آمریکایی عموماً در حمایت او جدی هستند. شاه با تأسف گفت که خیلی‌ها اظهار پشتیبانی از او می‌کنند ولی همه اینها لفظی هستند و کمک واقعی به او نیستند. اسکات (در حالی که می‌کوشید نشان دهد کمکهای او تنها لفظی نیست) سفر اخیرش را به آرژانتین شرح داد و به شاه گفت که موفق شده است تصمیمی راجع به عدم تصویب تقاضای وامهای (E X ]M) برای پروژه‌های آلیس چالمرز را که به خاطر نقض حقوق بشر بود عوض کند.

اسکات سپس در ادامه صحبتش طرح مشترک سرمایه‌گذاری آلیس چالمرز را برای تهیه وسایل معدنی در ایران توضیح داد (ایرگرام A/]54). او خاطرنشان کرد که او به اندازه کافی اطمینان داشته است که پروژه‌اش را فوری در ایران به انجام رساند. در این لحظه ضمن یک سکوت طولانی در حالی که اشک در چشمان شاه حلقه زده بود، اسکات نیز ناراحت شد. سرانجام شاه از او پرسید که چه اشتباهی در ایران شده؟ او در جواب گفت من توانایی جواب این سؤال را ندارم، ولی سرمایه‌داران آمریکایی از شاه حمایت می‌کنند. بر عکس رسم معمول سنت، اسکات بلند شد و سپس شاه اسکات را به آغوش کشید و از او به خاطر هدیه‌اش تشکر کرد. چیزی که معمولاً اتفاق نمی‌افتاد. به دنبال این ملاقات یک مقام رسمی وزارت دربار که اسکات را می‌شناسد گفت که روحیه شاه خراب است، و دوست واقعی برای مشورت ندارد. اسکات چنین پیشنهاد داد، که احتمالاً سودمند خواهد بود اگر زاهدی بیش از همیشه از ایران دیدن کند، برای اینکه او تنها کسی است که در زمانی که شاه بشدت نیاز دارد، می‌تواند نقش دوست و محرم اسرار را برای او داشته باشد. از اسکات خواسته شد موقعی که به آمریکا برمی‌گردد زاهدی را از جریان مطلع کند.

**محرمانه**

**۴ دسامبر ۷۸**

www.takbook.com



**سند شماره ۱۳ سرّی**

**از : سفارت آمریکا در تهران**
**به : وزارت امور خارجه واشنگتن ـ فوری ۲۵۴۷**
**سرّی تهران ۱۲۷۶۹**

**تاریخ :۳ دسامبر ۷۸ ـ ۱۲ آذر ۵۷ مرجع :۳۲۶۳۲۲** STATE
**موضوع : درخواست ارزیابی‌ها**

۱ـ همان‌طوری که در تلگراف اصلی درخواست شده من با همکاران انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و ژاپنی تبادل نظر کردم. سفیر عربستان سعودی در آن زمان در تهران نبود.

۲ـ شما قبلاً از طریق لوکاس در جریان نقطه نظرهای سفیر انگلیس قرارگرفته‌اید. و تنها چیزی که باید من به آن اضافه کنم این است که تعطیلات شاه قریب‌الوقوع خواهد بود و مدت زیادی ادامه خواهد داشت.

۳ـ موضع فرانسه این است و بود که مدتی است عمر شاه به سر آمده، و آنها معتقدند که هر چه زودتر شاه ایران حرکت کند بهتر خواهد بود و آنها معتقدند که بسیار خوب خواهد بود که شاه قبل از اینکه ایران را ترک کند، یک شورای سلطنت تشکیل بدهد. و آنها معتقدند که این جنبه خیلی جدی نخواهد بود.

۴ـ سفیر آلمان خیلی خوش بین به نظر می‌رسید. او احساس می‌کند که امکان دارد دولت بختیار در غیاب شاه موفق شود، ولی در صورتی که شاه شورای سلطنت را فوراً تشکیل بدهد. او فکر می‌کند که حتی ممکن است شاه بتواند پس از مدتی تحت عنوان حکومت پادشاهی مطابق با قانون اساسی به ایران برگردد.

۵ـ همکار ژاپنی من جدیداً آمده و من با او دو مشورت کرده‌ام ولی او به دلیل آشنا نبودن با مسایل نمی خواهد اظهار نظر کند.

۶ـ نظر مشترک همهٔ همکاران این است که وضعیت قانون و دستور از کنترل خارج شده و شیوه‌های بدوی در تمام کشور رایج شده که البته همراه با احساسات شدید نسبت به بیگانگان می‌باشد. در واقع وضعیت کنونی به سرعت به طرف هرج و مرج نزدیک می‌شود.

۱۲۷۶۸ تهران ـ سرّی سولیوان

**سند شماره ۱۴**

**از : وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی تاریخ ۸ فوریه ۱۹۷۹ـ ۱۹ بهمن ۵۷**
**به : سفارت تهران فوری ۳۱۵. محرمانه**
**موضوع : (بدون طبقه بندی ) نوار ادعا شده از صحبت شاه با افسران ارتش**
**مرجع : تهران ۱۹۲**

۱ـ ادعای مقامات مسئول «متخصص صدا» مبنی بر اینکه ما صحت نوار را تأیید می‌کنیم متناقض و بدون قاطعیت است. بعضی اعتقاد به اعتبار آن دارند و بقیه آن را قبول ندارند.

۲ـ دولت آمریکا قصد ندارد مطلب را بیشتر تعقیب کند و اگر پرسیده شد، موضعش این خواهد بود که «متخصصین» توافق ندارند و ما دلیلی نمی‌یابیم که نتیجه بگیریم نوار معتبر است.

محرمانه
ونس

www.takbook.com



## سند شماره ۱۵

**۲۰۱۶تهران** **محرمانه**

**از : سفارت آمریکا ـ تهران ۲۱بهمن ۵۷ ـ ۱۰ فوریه ۷۹**

**به : وزارت امور خارجه ـ واشنگتن دی ـ سی**

**موضوع : (محرمانه ) گزارشی از نقشهٔ شاه برای بازگشت**

۱ـ محرمانه ـ تمام متن

۲ـ خلاصه :یک طرفدار سابق رژیم شاه که از بختیار حمایت می‌کند از تحلیل رفتن حاکمیت قانون و نظم اظهار هراس می‌کند، و اعتقاد دارد که تنها راه حل قابل قبول این است که شاه کناره گیری خود را از سلطنت اعلام کند. وی می‌ترسد که شاه در آینده نزدیک به ایران باز گردد. او احتمال می‌دهد که اگر کمونیستها و گروههای تروریست بدون تصویب نهضت خمینی به فعالیت ادامه دهند، محافظه‌کاران هم اقدام به تشکیل گروههای مسلح برای مراقبت و حفظ نظم بکنند. (پایان خلاصه)

۳ـ منبع ما منصور اقبال که به طور کامل نمی توان به وی اعتماد کرد، ولی در اوضاع خوب وارد است به مشاور سیاسی گفت که در مجامع طرفدار رژیم شایع است که شاه قصد دارد در ۱۴ فوریه (۲۵بهمن) به ایران باز گردد. تیمسار نشاط در این رابطه به مراکش پرواز کرده است. ما تقریباً اطمینان داریم که این تحریف شدهٔ گزارشی است که شاه قصد دارد در چنان تاریخی به قاهره برود.

۴ـ یک دلیل که چرا طرفداران رژیم چنین گزارشی را قبول کرده‌اند هراس روزافزون آنها از اوضاع حاکمیت قانون و نظم و انتظارات خودشان می‌باشد. اقبال دیروز ۱۰ فوریه در تظاهرات طرفداران قانون اساسی به حمایت بختیار شرکت کرده بود آشکارا از تهدید و تمسخر جمعیت هنگام ترک استادیوم امجدیه و پاره شدن لاستیک بسیاری از اتومبیلهای پارک شده توسط جوانان خشن تکان خورده بود. دوست و همسایه او شخصی به نام مهندس ملول به تازگی با خانواده‌اش به اراک فرار نمود، زیرا دو شب پیش اتومبیلش را منفجر کرده و اخطار کرده بودند که اگر وی به اظهارات خود به طرفداری از بختیار ادامه دهد (ظاهراً نامه‌ای به یک روزنامه نوشته بود) او و خانواده‌اش کشته خواهند شد. اقبال می‌پرسد کجاست آزادی بیان ؟

۵ـ اقبال از طریق دکتر حجازی خبر یافته بود که نامهٔ خوشامد گویی شریعتمداری به خمینی به مناسبت ورود او عاری از هر گونه اشاره به مقام فائق خمینی در نهضت اسلامی یا ذکر لقب امام بود. در نتیجه این اواخر تلی از کتابهای شریعتمداری از همه جا جمع و جلوی در خانهٔ او خالی شد. او همچنان از جان خود می‌ترسد و ساکت مانده است.

۶ـ اقبال به این نتیجه رسیده است که تنها راه نجات اوضاع این است که شاه کناره‌گیری خود را از سلطنت اعلام کند، و اگر بخواهد می‌تواند پسرش را جانشین خود معرفی کند. بدون چنین اقدامی، اقبال می‌ترسد روحیه و موقعیت بختیار به تحلیل رود. از دید اقبال و دوستانش مردم هر چه بیشتر طرف او هستند، ولی از جانب عوام جاهل که تحت حکومت شاه متحمل مشقت زیاد شده‌اند و عملشان از روی احساس است مورد تهدید قرار می‌گیرند. اگر اوضاع این چنین بیشتر ادامه یابد مردم با سلاحهایشان به خیابان خواهند آمد ـ مثل ـ لبنان. او مایل است اگر بتواند از طریق زاهدی ملاقاتی را به نحوی با شاه داشته باشد و این را به او بگوید. اظهار نظر: کناره گیری از سلطنت بیشتر و صریحتر توسط طرفداران رژیم که

www.takbook.com



اعتبارشان از اقبال هم بیشتر است مطرح می‌شود. گزارش قبلی سفارت را ببینید.

۷ـ حرف آخر اقبال اشاره به این بود که ترور خمینی به تدریج خیلی‌ها را به عنوان جزیی از یک راه حل به خود جلب می‌کند. وی اظهار داشت که شخصاً مشکلات را که این می‌تواند ایجاد کند، درک می‌کند اما عنوان نمود که حتی بعضی اشخاص در مجامع مذهبی که حامی خمینی نیستند ممکن است از اینکه ببینند، صدای افراطی خمینی از صحنه حذف می‌شود چندان بیزار نباشند.

۸ـ بالاخره اقبال به اعلامیهٔ منتشر شدهٔ حزب کمونیست که در آن از خمینی مقام خود را در نهضتش پرسیده اند و تهدید کرده‌اند که اگر جواب وی رضایت‌بخش نباشد، آنها خواهند «جنگید» اشاره نمود. در عین حالی که وی اقرار نمود که چنین فعالیت علنی کمونیستها بهتر از عملیات مخفی است، ولی اعتقاد داشت که این ترس بسیاری از محافظه‌کاران را افزایش می‌دهد و ممکن است باعث شود که آنها به فکر تشکیل گروههای مراقبت و حفظ نظم به عنوان تنها دفاعشان بیفتند.

۹ـ اظهار نظر: لازم نیست به اقبال به عنوان یک منبع خبری، اهمیت بسیار زیادی داده شود. به هر حال عقاید وی حاوی منطق شخصی است که طرفداران رژیم و دیگر محافظه‌کاران را به خود جلب می‌کند؛ زیرا آنها رهایی از موقعیت فعلی را جز با یک خونریزی عظیم امکان پذیر نمی‌بینند. ادامهٔ تروریسم و عدم امنیت ممکن است خیلی از مردم را که اکنون سکوت کرده‌اند، به فعالیت بیشتر بکشاند. یا فعالیت سیاسی (اگر اجازه داده شود) یا مقابله خیابانی با تروریسم. این دورنمای قریب‌الوقوعی نیست، اما با ادامهٔ عدم امنیت ناشی از ناآرامی‌ها، این را نباید از نظر دور داشت.

سولیوان

www.takbook.com



**سند شماره ۱۶**

**۱۹۰۶ خیابان مین ـ موروبای ـ کالیفرنیا ۱۲۳ـ ۷۷۲(۸۰۵) ۹۳۴۴۲**

**جناب آقای ویلیام اچ سولیوان** **۷دسامبر ۱۹۷۸ـ ۱۶ آذر ۵۷**

**تهران ـ ایران**

**سفیر**

**سفارت ایالات متحده**

**آقای سولیوان عزیز:**

به دنبال حوادث اخیر در ناحیه شما، این فکر به ذهنمان خطور کرد که شاید اعلیحضرت ولایتعهد علاقه داشته باشند، در این کشور قطعه زمین بزرگی (با خانه ) در ساحل کالیفرنیا بخرند که محل آن در مرکز باشد و در عین حال از لحاظ موقعیت دور از دسترس باشد.

به ضمیمه، بروشوری است که مشخصات ملک به طور کامل می‌آید.اگر صلاح دانستید لطفاً والاحضرت ولایتعهد را از آمادهٔ خرید بودن آن، آگاه فرمایید.

با صمیمیت تمامم ـ لین گرابهورن کمپانی

**رانکورآریو گرانده**

**آریوگرانده بخش سن لوئیز آبیسپو**

**کالیفرنیا**

این مزرعه با شکوه با در بر گرفتن بیش از ۹۷۰۰ جریب از زمینهای نزدیک سواحل دریاچه لوپز شروع، و تا جنگل ملی لوس پدرس و اقیانوس آرام امتداد داشته، میراث غنی از مزرعه‌داری پرثمر را از اولین زمان اعطای زمین اسپانیایی با خود حفظ می‌کند.

رنکو، آریوگرانده.... یکی از آخرین قطعات بزرگ زمینهای ممتاز در ساحل کالیفرنیای مرکزی

اندازه : ۹۷۵۰جریب

قیمت : ۵/۵۰۰/۰۰۰ دلار

نحوه پرداخت :حداقل ۲۹٪ پرداخت اول و بقیه با اقساط و یا تماماً نقد.

www.takbook.com



## سند شماره ۱۷

**از : وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی تاریخ ۶ مارس ۱۹۷۹ـ ۱۵ اسفند ۵۷**

**محرمانه**

**یادداشت برای پرونده‌ها**

**موضوع: سفر شاه و DGA**

لس جانکا از شرکت DGA در روز ۶ مارس در زمینه ارتباط سفر دان آجر به مراکش که در این هفته قرار است انجام گیرد ملاقات کرد. DGA در نظر دارد که یک قرارداد پشتیبانی (دارایی حقیقی، حفاظت، خدمات قانونی و غیره) برای شاه در صورتی که به آمریکا بیاید تهیه کند.

جانکا پرسید که نقطه‌نظرهای من چیست، در صحبت خصوصی من به او گفتم که اگر شاه به آمریکا بیاید این مسئله برای روابط بین ایران و آمریکا، و برای موضع غرب در منطقه اسفناک خواهد بود و مسایل امنیتی زیادی برای پرسنل در تهران و مقامات رسمی در واشنگتن به وجود خواهد آورد. من مطمئن نبودم که ما قادر باشیم که سفارت تهران را حفظ نماییم. من به او گفتم که موضع ایران در قبال مراکش و مصر چگونه است و احتمال این که سازمان آزادیبخش کوشش خواهد کرد که شاه را برباید را توضیح دادم.

من گفتم که به عقیدهٔ من شاه به توصیه غلط به اینجا می‌آید. امینت برای او قابل اطمینان نخواهد بود مگر این که او را اسیر نگهدارند. احتمال دارد که قانون و کنگره او را مورد اتهام و بازخواست قرار دهند. این مسئله در مورد دارائی‌های او هم صادق است. جانکا پرسید که آیا آمریکا می‌تواند حفاظت او را مهیا کند یا حداقل این کار را در ابتدا به عهده بگیرد. من گفتم که فکر می‌کنم که امکان چنین کاری باشد، اما فعلاً به مادر شاه گفته‌ایم که او باید به آژانس‌های حفاظتی خصوصی مراجعه کند.

جانکا پرسید آیا موضع آمریکا صحیح است که ما مقدم شاه را به آمریکا گرامی بداریم؟ من گفتم این موضعی بود که در دسامبر ـ ژانویه اتخاذ شد و این موضوع علنی گشت. من در مقامی نبودم که به جانکا موضع کنونی آمریکا را بگویم ـ جانکا گفت تصور کنیم که شاه از «آگر» بپرسد که آیا آمریکا او را خواهد پذیرفت. من به او گفتم که فکر می‌کنم که آقای «آگر» بایستی جواب بدهد که این سؤالات مربوط به دولت آمریکا بوده و بایستی به سفیر پارکر مراجعه کند، من گفتم شاید آقای نیوسام نقطه‌نظر متفاوتی در این مورد داشته باشد. من به جانکا گفتم که به تجربه من مقدار خیلی کمی از امور مربوط به ایران از روزنامه‌ها مخفی مانده این برای شرکت خوب نخواهد بود که شاه به اینجا بیاید. مخالفتها و خطراتی برای دولت آمریکا و پرسنل پیش می‌آید. من می‌توانم به راحتی تعهد این موضوع را به خود بدهم که امکان دارد مطبوعات بگویند که DGA مسئول هر گونه خسارتی که در این مورد وارد می‌شود، می‌باشد.

**هنری پرشت**

**امور خاور نزدیک ـ ایران**

www.takbook.com



**سند شماره ۱۸**

**وزارت امور خارجه محرمانه** **تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۷۹**

**از: هارولد اچ. ساندرز (معاون وزیر امور خارجه در امور سیاسی) ۲۷ فروردین ۵۸**

**به: پ. آقای نیوسام (امور خاور نزدیک)**

**موضوع: موضع دولت آمریکا در قبال ویزاهای فامیل و وابستگان شاه**

ما تعداد زیادی درخواست از اشخاص با نفوذ آمریکایی مبنی بر تهیه یک نوع ویزای قانونی در آمریکا برای مسافرت (یا پناهندگی الزامی یا غیر الزامی) شاهدخت اشرف پهلوی و خانواده‌اش و دیگر وابستگان شاه (جمشید آموزگار، انصاری، تیمسار اویسی) دریافت کرده‌ایم. موضع ما این است که پاسخگویی به این درخواستها برخلاف منافع ما که نزدیک شدن به دولت جدید است، می‌باشد. شکی نیست که این افراد را به زور به ایران برمی‌گردانند و تمام افراد می‌توانند در وضعیت خروج آزاد یا با تمدید ویزا اینجا باقی بمانند و آنها حتی می‌توانند به آمریکا وارد و یا از آن خارج شوند، ولی این در صورتی است که ما از مسایل مورد نیاز پاسپورت صرف‌نظر کنیم و این روش ممکن است به تصویب برسد.

ما شنیده‌ایم که خانواده شاه پاسپورت مراکشی به دست آورده‌اند. ما فکر نمی‌کنیم تهیه مدارکی که ورود به دیگر کشورها را تسهیل کند از وظایف ما باشد. در این میان مسئله اشرف احتمالاً از خود شاه هم بدتر است. احتمالاً گذشتهٔ نفرت‌آور اشرف او را از دریافت ویزای آمریکایی محروم می‌کند. اطلاعاتی که ما از یکی از پسرهای او به دست آورده‌ایم حاکی از آن است که اشرف امکان دارد از هیچ کوششی برای برگرداندن رژیم سابق چشم پوشی نکند.

دولت موقت ایران از این واهمه دارد که مبادا طرفداران شاه (با پشتیبانی ما) یک گروه ضد انقلابی تشکیل بدهند. ما نباید موقعیتی به وجود آوریم که این اتهامات را افزایش دهد. ما از هرگونه نقطه نظری در مورد مواضعمان دربارهٔ تهیه ویزاهای الزامی و غیر الزامی و یا دیگر حمایتهای آمریکا برای افراد رژیم گذشته تشکر می‌کنیم. توصیه می‌شود که شما این مواضع را تصویب کنید.

ـــ تصویب ـــ تکذیب

www.takbook.com



**سند شماره ۱۹**

**خیلی محرمانه** **تاریخ: ۲۰ آوریل ۱۹۷۹**

**از: معاون وزارت خارجه در امور سیاسی ـ واشنگتن** **۳۱ فروردین ۵۸**

**به: امور خاور نزدیک NEA ـ آقای ساندرز**

ما با توجه به نامه شما نسبت به وضع مدارک خانواده شاه و وابستگانش پیشنهادات زیر را می‌کنیم:

شاهدخت اشرف و خانواده‌اش و دوستانش کوشش زیادی را در رابطه با مسئله مدارک کرده‌اند. ما باید جواب این سؤال‌ها را با گفتن اینکه شاهدخت اشرف وکیلی دارد که به این کارها رسیدگی می‌کند و او با وزارت امور خارجه در تماس می‌باشد، بدهیم. برای اطلاع شما باید بگویم این وکیل آقای ویلیام جکسون می‌باشد که وکیل راکفلر نیز می‌باشد. او به وزارت امور خارجه آمده و ما او را کاملاً در جریان سؤالات مربوط به مدارک قرار دادیم. و سؤالات دیگری که توسط ایرانیها در این زمینه مطرح می‌شود باید به طور جداگانه‌ای بررسی شود و ما هیچ‌گونه سیاست کلی نسبت به این موضوع اتخاذ نخواهیم کرد.

**دیوید. پ ـ نیوسام**

رونوشت: آقای رافل خانم هارپر آقای سیورتس

**سند شماره ۲۰**

**از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی ـ سی** **۲۶ جولای ۷۹ ـ ۴ مرداد ۵۸**

**به: سفارت آمریکا تهران ـ فوری ۳۷۱۲**

**منتشر نشود.** **سرّی**

**چروکی، فقط برای ملاحظه کاردار لینگن**

**موضوع: تمایل شاه به اقامت در ایالات متحده**

۱ـ ما دوباره نحوه جواب دادن به درخواستهای مداومی را که شاه از کانالهای گوناگون ابراز می‌دارد، مطرح کرده‌ایم. این درخواستها راجع به اقامت شاه، شهبانو و خانواده وی در ایالات متحده می‌شود (او حداقل می‌تواند اکتبر را در مکزیک باقی بماند). من مایلم نظرات شخصی و خصوصی شما را از اثر چنین حرکتی بر امنیت آمریکاییهایی که در ایرانند (خصوصاً مقامات رسمی آمریکا در محوطه سفارت) و همچنین بر روابط ما با دولت ایران، بدانم.

۲ـ آیا جواب شما به سؤال مطرح شده در پاراگراف ۱ تفاوتی می‌کند اگر (الف) شاه از ادعای خود و وراث خود نسبت به سلطنت صرف‌نظر کند، یا (ب) موافقت کند که جداً از هرگونه فعالیت سیاسی خودداری کند و این در ملأ عام تأیید گردد.

۳ـ ما به وضوح درمی‌یابیم که، به حداقل رساندن اثر پذیرفتن شاه، بستگی به بازرگان و توانایی و اختیارات دولت در ادارهٔ فرماندهی نیروهای امنیتی که از افرادمان حفاظت می‌کنند و توانایی آنها در به حداقل رساندن هر عکس‌العمل خصمانهٔ عمومی که علیه افراد یا روابطمان ایراد شود، دارد. از آنجایی که این مسئله در واشنگتن به دقت تحت بررسی است، باعث تشکر خواهد بود اگر این پیام را با هیچ یک از همکارانتان در میان نگذارید. لطفاً جواب خود را برای وزیر ارسال دارید. **با بهترین درودها ـ ونس**

www.takbook.com



## سند شماره ۲۱

**از سفارت آمریکا در تهران** **سرّی ـ پخش محدود**
**به: وزیر امور خارجه، واشنگتن ـ برای وزیر** **تاریخ: ۲۸ ژوئیه ۷۹ ـ ۶ مرداد ۵۸**
**موضوع: علاقه شاه به اقامت در آمریکا**

**شماره سند ۷۹۳۰/۱**

۱ـ پیام شما جویای ارزیابیهای شخصی من در مورد امنیت آمریکاییهای مقیم ایران و روابط ما با دولت ایران در صورت پذیرفته شدن شاه به آمریکا بوده.

۲ـ هر نوع قضاوتی در آن مورد باید بدون تردید مخفی باشد و بماند، و این به خاطر وضع غیرقابل پیش‌بینی ایران که تا به حال پیشرفتی در حل مسئله مراکز قدرت حاصل نشده می‌باشد. با توجه به این مسئله من نتیجه می‌گیرم که اقامت شاه در آمریکا در آینده نزدیک یعنی ۲ تا ۳ ماه آینده برای منافع ما و امنیت آمریکاییهای داخل ایران مانند گذشته مضر و خطرناک خواهد بود. از طرفی من معتقدم که این وضع می‌تواند تا آن زمان بهبود یابد و تدریجاً امکان انجام آن کار تحت کنترل خودمان در اواخر پاییز بیشتر خواهد بود. حتی این قضاوت هم نسبی است و بستگی زیادی به شانس خوب افراد مربوطه دارد. نظرات من ادامه دارد.

۳ـ به نظر من ۲ـ۳ ماه آینده زمان غلطی برای این کار می‌باشد و این به دو دلیل است: اول به خاطر اینکه ایرانیان تا اندازه زیادی در صحنه فعلی سر خورده شده‌اند (و لذا به دنبال بهانه می‌گردند) و دوم به خاطر وضعیت حساس روابط دو جانبه‌مان.

۴ـ ایران امروز در آشفتگی سیاسی باقی مانده است. «دولت» بازرگان هنوز تحت سلطه انتقادات و کنترل کامل آیت‌الله و اطرافیان او در قم می‌باشد. تصمیم‌گیری روزانه پراکنده می‌باشد و بیشتر توسط گروههای انقلابی و افراد پراکنده در داخل و خارج دستگاه دولتی انجام می‌گیرد. سرخوردگی فزاینده‌ای به خاطر اینکه انقلاب نتوانسته تغییرات زیادی در ایران انجام دهد وجود دارد و در واقع برای خیلی از اقشار جامعه وضع از قبل بدتر می‌باشد.

۵ـ در چنین جوی ما مناسب‌ترین بهانه می‌باشیم؛ تا جایی که خمینی در هفته گذشته حتی ما را متهم به دست داشتن در جریان سوزانیدن خرمنها در بعضی نقاط ایران کرد. اگر ما الآن به شاه پناهندگی دهیم به طور حتمی تظاهرات عظیمی بر علیه سفارت انجام خواهد گرفت. اگر خوش شانس باشیم تا همان حد پیش می‌روند و ما شاهد حمله واقعی مانند فوریه گذشته نخواهیم بود. ولی هیچ تضمینی برای این مسئله وجود ندارد. چون نیروهای معمولی نظامی و پلیسی ایران به مقدار زیادی روحیه خود را از دست داده و نمی‌توان به آنان اعتماد کرد که بتوانند قدرت لازم را اعمال نمایند. در واقع دولت هنوز باید توانایی جایگزینی نیروهای چریکی غیر منظم فعلی را که خمینی برای پاسداری از سفارت در فوریه گذشته فرستاده با نیروهای منظم پیدا کند. احتمال انجام عملیات تروریستی فردی یا گروهی بر علیه ما در صورت آمدن شاه زیادتر خواهد شد.

۶ـ روابط دو جانبه ما هم دارای تفاهم و قدرت کافی برای تحمل این چنین برخوردی با شاه نمی‌باشد. من فکر می‌کنم ما در جریان از بین بردن توهمات ایرانیان انقلابی که فکر می‌کنند، ما هنوز واقعیتهای ایران را نپذیرفته‌ایم و با شاه و صهیونیستها و ساواکی‌ها برای براندازی انقلاب تلاش می‌کنیم، پیشرفتهایی

www.takbook.com



حاصل کرده‌ایم. ولی پیشرفت خیلی کند است و بعید به نظر می‌رسد که در مورد خمینی موفقیتی داشته باشیم. دادن پناهندگی به شاه می‌تواند تمام دستاوردهای ما در این جهت را خنثی کند و من احتمال تکرار همان شیوه قبلی که به فرمان خمینی سیاستی تند بر علیه ما در جریان قطعنامه جاویتس اتخاذ کردند را نفی نمی‌کنم.

۷ـ من می‌گویم که در هر دو طرف در داخل ایران و در روابط دو جانبه ما احتیاج به انعطاف بیشتری داریم تا بتوانیم عواقب بدی که ممکن است به دنبال پذیرش شاه (که من معتقدم باید بالاخره او را بپذیریم) برای منافع ما پیش آید تحمل کنیم.

۸ـ ۲ـ۳ ماه آینده حساس و امیدوار کننده در هر دو جنبه هستند. از لحاظ داخلی بازرگان تلاشهای بیشتر و قوی‌تری می‌کند تا قدرت دادگاههای انقلاب و حاکمیت کمیته‌های انقلابی که خیابانها را در دست دارند را به دولت موقت انتقال دهد. مشکلات فزاینده با اکراد و اقلیتهای عربی در خوزستان یادآور خوبی برای بعضی عناصر انقلابی هستند که باید اقداماتی در جهت بازسازی قدرت و ترکیب ارتش انجام گیرد. ولی کلید اصلی برای حاکمیت بیشتر دولت در انجام موفقیت آمیز انتخابات (مجلس خبرگان در سوم اوت انتخاب می‌گردد) که باید دولت قانونی تا پاییز روی کار بیاورد، می‌باشد.

۹ـ از نظر من اهمیت فوق‌العاده دارد که ما خودمان را با مواضع حساب نشده در برابر شاه خراب نکنیم. توهماتی که در مورد مواضع ما و دخالت دولت آمریکا وجود دارد زمینه را برای بعضی انقلابیون داغ، که می‌خواهند برنامه‌های سیاسی را به عقب اندازند و ما را هم بکوبند فراهم می‌سازد.

۱۰ـ لذا من معتقدم که ما نباید بار سنگینی بر روابط ضعیف ما با رهبری انقلابی اینجا بگذاریم، تا قبل از اینکه روابط عمق و قدرت بیشتری یابند. با وجود مشکلاتی فراوان در زمینه‌های متعدد ما احساس کرده‌ایم که در هفته‌های گذشته قدردانی بیشتری، حداقل در دولت بازرگان، نسبت به اهمیت روابط حسنه با آمریکا وجود دارد. مصوبات هفته گذشته کنگره مبنی بر بازخرید ۴ کشتی تخریب کننده سپورانس که قرار بود به ایران آیند، به ما و به دولت ایران این امکان را داده تا با انعطاف بیشتری به قطعات یدکی که نیاز به آنها برای نیروی هوایی و غیره زیادتر است دسترسی پیدا کند. این توهمات دولت بازرگان مبنی بر اینکه ما از روی خصومت چنین محموله‌هایی را نمی‌دهیم را خنثی نمود.

۱۱ـ با فرض اینکه روابط دو جانبه ما ادامه یابد و عمق بیشتر بیابد و با فرض اینکه بعد از انتخابات دولتی مقتدرتر روی کار آید که کنترل بیشتری بر نیروهای امنیتی کشور داشته باشد، عواقب پذیرفتن شاه را می‌توان در آن صورت کنترل نمود. من لذا پیشنهاد می‌کنم هر گونه تصمیمی را به تأخیر اندازیم و ببینیم اوضاع در ۶۰ تا ۹۰ روز آینده چگونه است. فکر می‌کنم کمک زیادی باشد اگر ما در این مدت سفیری معرفی کنیم، چون این عمل به مثابه رأی اعتمادی به واقعیتهای جدید ایران خواهد بود.

۱۲ـ ارزیابی بالا در صورتی که شاه قبل از آمدن به آمریکا به طور علنی ادعای خود و وارثین خود نسبت به سلطنت را پس بگیرد عوض خواهد شد و عواقب خیلی کمتری در بر خواهد داشت (ولیکن اقرار می‌کنم که مشکل می‌توان انتظار داشت او چنین کاری را در آینده نزدیک به عهده بگیرد.) از طرفی فکر نمی‌کنم تعهد علنی شاه به عدم دخالت در مسایل سیاسی تأثیر مفید داشته باشد. اینجا برای آن پشیزی ارزش قائل نخواهند بود.

لینگن

www.takbook.com



## سند شماره ۲۲

**به: جولای ۷۹ ـ ۸ مرداد ۵۸** **محرمانه**

**از: وزارت امور خارجه ـ واشنگتن دی. سی**

**به سفارت آمریکا در تهران، دارای حق تقدم ۳۷۷۳**

**موضوع: سوءظنهای دولت موقت ایران دربارهٔ شاه**

**۱ـ محرمانه ـ تمام متن**

۲ـ آگاه کاردار ایران در ۳۰ ژوئیه با کارمند وزارتخانه تماس گرفت تا به فوریت بپرسد که آیا شاه در حال آمدن به ایالات متحده می‌باشد. آگاه گفت که چنین گزارشی را از یک منبع موثق دریافت کرده است و دکتر یزدی از او خواسته بود که با وزارتخانه تماس گرفته و نگرانی دولت موقت را، ابراز کند. کارمند وزارتخانه موضع آمریکا را تشریح کرد و گفت که آگاه مطمئناً از فشارهای شدیدی که از جانب کنگره و دیگر مراکز به بخش اجرایی وارد می‌شود تا در موضع دولت آمریکا تغییر حاصل آید، مطلع بود. کارمند وزارتخانه گفت که می‌تواند به آگاه اطلاع دهد که در موضع ایالات متحده تغییر داده نشده است و وی از هیچ برنامه‌ای برای آمدن شاه به آمریکا خبر ندارد. این مقام افزود که تصور می‌کند آگاه از حضور سه فرزند پهلوی در آمریکا اطلاع دارد. آگاه گفت که آن را می‌دانست. ونس

## سند شماره ۲۳

**طرح: کاردار لینگن** **۱۱ مرداد ۵۸ ـ ۲ اوت ۱۹۷۹**

**طبقه بندی: سرّی** **تصویب: کاردار لینگن**

**از: سفارت آمریکا ـ تهران**

**از: کاردار**

**به: وزارت خارجه ـ آمریکا ـ فوری ـ ۳۰۱۴**

**به: نیوسام**

**سرّی تهران ۸۲۲۴۸**

**موضوع: معرفی سفیر**

۱ـ از شما و وزارتخانه به جهت پیام مبسوطی که فرستادید متشکرم.

۲ـ در پیامتان خواستار نظرات من با توجه به مسئله زمان‌بندی و آمادگی اوضاع پیرامون مسئله تقاضای سفیر برای اینجا شده بودید. جواب کوتاه من حاکی از آن است که به عقیدهٔ من معرفی فوری یک سفیر جدید حتی زودتر از برنامه زمانی پیشنهادی شما منافع ما را در ایران تأمین خواهد کرد. در جواب طولانی‌ترم عقیدهٔ منطقی شما مبنی بر اینکه جو اوضاعی که این عمل در آن انجام می‌گیرد باید آن چنان باشد که اهداف مشی‌ای را که دنبال می‌کنیم تأیید کند، را در نظر می‌گیرم. این جو به مقدار زیادی نمایانگر آن است که دولت موقت ایران آماده است در زمینه فعالیت دو طرفه برای بازسازی روابط انجام دهد، خواهد بود.

۳ـ با گفتن مطالب فوق این را هم باید تذکر داد که دولت موقت ایران منتظر علامتی و اشاره‌ای از جانب ما هم می‌باشد. ما تنها کشور مهم یا تنها قدرت عمده‌ای هستیم که سفیری اینجا ندارد. تقریباً از هر سؤالی

www.takbook.com



که از ما می‌کنند مشهود است که برنامه زمانی و شخص مورد نظر برای سفر تأثیر زیادی در روابط فیمابین خواهد داشت. علیرغم آنچه که ممکن است در مورد مسئولیتهای دولت موقت ایران در مقابل جریان کاتلر و وضع فعلی روابط فکر کنیم. اکثر ایرانیها طولانی شدن غیبت یک سفیر را این طور تلقی می‌کنند که ما هنوز باید برای آشنا شدن با واقعیتهای ایران وقت صرف کنیم. لذا معرفی یک سفیر به عنوان یک رأی اعتماد تلقی خواهد شد.

۴ـ دو گروه دیگر نیز نسبت به تصمیمات ما علاقه نشان می‌دهند. گروه اول شامل تعدادی از حکومتهای دیگر، خصوصاً متحدین ما در اروپای غربی می‌شود که به میزان مشابهی روی اقدام ما در این مورد حساب می‌کنند و امیدوار و متوقعند که زود اقدام شود. گروه دوم جماعت تجار آمریکایی را که در ایران منافع و مشکلاتی دارند، شامل می‌گردد. این گروه مخصوصاً به تصمیمات در مورد سفیر حساسند. اساساً هر تماسی که در این بخش گرفته شده، اشاره به این موضوع داشته است که عدم اقدام ما، عاملی منفی در تصمیمات ما و فعالیتهای آتی آنان در ایران خواهد داشت.

۵ـ به این دلایل، من همچنان عدم تأخیر در اقدام به معرفی یک سفیر را مهم فرض خواهم نمود. اگر چه به نظر من برنامه زمانی که شما در پیامتان پیشنهاد کرده‌اید خیلی طولانی است، ولی احتمالاً در رابطه با اوضاع واقع‌گرایانه بوده است. همین جنبه است که میزان اعتبار این گزارش خواهد بود.

۶ـ در چند ماه آینده توجهات معطوف به جریان انتخاباتی خواهد بود که باید یک دولت مورد تأیید مجلس را جایگزین کند. نتیجه نامعلوم و انتخابات از قرار آشفته خواهد بود. ولی هم دولت موقت و هم آیت‌الله شدیداً روی آن حساب می‌کنند. در صورت وقوع اتفاق ناگواری دولتی جدید و قوی‌تر بر سر کار خواهد آمد.

۷ـ در حال حاضر دلیلی در دست ندارم که فکر کنم موضع این دولت اختلافات فاحشی با موضع دولت موقت داشته باشد. اینجا در تمام سطوح خود من را به گرمی پذیرفته‌اند و می‌شود گفت بیانات عمومی دولت در رابطه با ما اخیراً مثبت بوده است. ما حس می‌کنیم که هم یزدی و هم بازرگان به طور روز افزونی به لزوم اقدام در جهت تفاهم بیشتر با ما پی می‌برند. در مدار رهبری ارتش این امر حتی بیشتر صادق است.

۸ـ تجهیزات امنیتی مربوطه به محوطه ما هنوز مطمئن نیست. تأکید می‌شود که این امر قبل از ورود سفیر جدید تثبیت شود. امیدواریم که با استفاده از فرصتی که گشایش امکانات معمولی ویزا برای ما فراهم می‌سازد این مسئله نیز حل شود.

۹ـ فرضیاتی که در بالا اشاره شد مبتنی بر مواضع دستگاه دولت و همچنین قم است. همان طوری که به شما اشاره کردیم بیانات عمومی آیت‌الله و اطرافیانش در هفته‌های اخیر معتدل تر بوده‌اند. اما باید تأکید کنم که مواضع او مبتنی است بر چیزی که ما آن را یک تنفر بنیادی از آمریکا می‌دانیم. بسیاری از آنان که اطراف او هستند سوءظنشان نسبت به مقاصد ما حتی بیشتر است. در زمینه برخورد با امور خارجی این گروه احساساتی و سطحی‌اند. از آنجایی که این جمع به آیت‌الله بلافاصله دسترسی دارند و در صحبتهای روزانه او صاحب اثرند، دائماً احتمال انفجارهایی غیرقابل محاسبه از آن جانب است و می‌توان ما را به همان برنامه زمانی که شما پیشنهاد می‌کنید به عقب برگرداند. ما خیلی ساده باید همراه با جریان زمان مراقب اوضاع باشیم.

۱۰ـ باید ملاحظه یکی از عواملی که در برنامه زمانی و جو اوضاع مؤثر است، یعنی طرز برخورد ما

www.takbook.com



نسبت به شاه را نیز کرده و به عقیده من خیلی عالی است که شاه تا ورود یک سفیر به اینجا، به آمریکا نیاید. پایداری بیاید و قدرتی که با معرفی یک سفیر در روابط دو جانبه عایدمان خواهد شد به ما در برخوردمان با عکس‌العمل خصمانه و غیرقابل اجتناب که نسبت به روش ما در مورد شاه مخصوصاً از جانب آیت‌الله‌ها ایجاد خواهد شد، کمک خواهد کرد.

۱۱ـ نهایتاً مسئله تقابل یعنی سطح نمایندگی ایران در واشنگتن مطرح می‌شود. ما باید زمانی که منافعمان ایجاب کرد سفیر اینجا را تعیین کنیم، نه اینکه به اقدامات دولت موقت وابسته باشیم. در عین حال باید همچنان برای دولت ایران روشن سازیم که بازسازی رابطه فیمابین امری است دو جانبه که محتاج مایه‌گذاری از هر دو طرف می‌باشد.

۱۲ـ وزیر در پیامش خواستار مشورتهایی در اواخر اوت یا اوائل سپتامبر شده بود. من دومی را ترجیح می‌دهم.

۱۳ـ با درودهای صمیمانه. لینگن.

**سند شماره ۲۴**

**۲۵ مرداد ۵۸ ـ ۱۶ اوت ۱۹۷۹**

**از: وزارت امور خارجه ـ واشنگتن دی سی**
**به: سفارت آمریکا ـ تهران ـ فوری ـ ۴۱۱۰**
**سرّی STATE تهران ۲۱۴۸۶۱**
**چروکی برای کاردار**

**موضوع : پرسش دولت موقت درباره شاه**

**مرجع : تهران ۹۱۳۳**

۱ـ (سری تمام متن)

۲ـ همانطوری که کاردار ناس در ماه مه به اطلاع نخست‌وزیر رساند (تهران ۴۶۶۳) انتظار می‌رود چهار فرزند پهلوی تحصیل خود را امسال در ایالات متحده انجام بدهند. سه تای کوچکتر از آنها اینک در کشور هستند. رضا آخر هفته پیش برای یک اقامت کوتاه وارد امریکا شد تا امتحان مهارت زبان انگلیسی توفل خود را همانطور که خواسته شده پشت سر گذارد. وی برای آمدن اینجا احتیاج به ویزا داشت و آن را از سفارت ما در مکزیکوسیتی بدست آورد.

۳ـ رضا درخواست ویزا برای والدینش نکرد و در این مورد تفحصی هم ننمود (برای اطلاع شما: در عین حالی که پیشنهاد می‌کنیم دولت موقت را از این واقعیت مطلع نکنید، شما باید بدانید که شاه پیش از ترک ایران ویزایی فراهم کرد و آن هنوز معتبر است. پایان)

۴ـ شما می‌توانید، همان‌طور که ما اخیراً در واشنگتن چنین کردیم، به اطلاع ایرانیان برسانید که در موضع دولت آمریکا نسبت به سفر شاه به آمریکا تغییری حاصل نشده است.

کریستوفر

www.takbook.com



## سند شماره ۲۵

**شماره سند: ۱۱۳**

**از: سفارت آمریکا در تهران** **تاریخ: ۲۱ اکتبر ۷۹ ـ ۲۹ مهر ۵۸**

**به وزارت امور خارجه ـ واشنگتن دی ـ سی. خیلی فوری ۴۳**

**سرّی تهران ۱۱۱۳۳**

**مرجع: سازمان ۲۷۵۰۰۱**

**برای معاون نیوسام**

**موضوع: بیماری شاه**

۱ـ تمام متن سرّی است.

۲ـ من در ساعت ده امروز صبح فرصتی به دست آوردم تا با امیر انتظام (سفیر) قرار ملاقاتی بگذارم (برای معرفی هنری پرشت) به این منظور که او را از دستورالعملها آگاه سازم و از او بخواهم تا ترتیب یک قرار ملاقات فوری را با بازرگان (نخست وزیر) بدهد (جرج کیو در ۱۹ اکتبر تهران را ترک کرد). بعد از مذاکره با انتظام، قدم زنان به طرف در رفتیم تا به ملاقات بازرگان برویم. وزیر خارجه یزدی هم، به ما پیوست.

۳ـ در جهت مطلع ساختن آنان نظرات ما مبنی بر اینکه شاه نیاز فوری به پذیرفته شدن در آمریکا و استفاده از امکانات پزشکی آنجا را دارد من اظهار داشتم که تصمیم ما مبنی بر پذیرش شاه به طور کلی به خاطر مسایل بشر دوستانه بوده است. من روی این مسئله تأکید کردم که ما دولت موقت ایران و نخست وزیر را به رسمیت می‌شناسیم و قبول داریم و این نکته منعکس کننده پذیرش ما در مقابل تغییرات در ایران است. همچنین ما میل داریم که در هر زمینه‌ای که ممکن است با هم کار کنیم تا بتوانیم به هر ترتیب روابط جدیدی را با ایران پایه گذاری کنیم.

۴ـ من اظهار امیدواری کردم که دولت موقت ایران در این مسئله با ما همکاری کند. تا بتوانیم بحران سیاسی ناشی از ورود شاه به آمریکا را مشترکاً کنترل کنیم و ما در جستجوی راه حلی برای پایه‌ریزی روابط جدید بین دو کشور هستیم. همچنین روی این موضوع تأکید کردم که ما امیدواریم و اطمینان داریم که دولت موقت ایران باید تا آنجا که ضرورت دارد قدمهایی در راه ایجاد امنیت برای مجامع ما در ایران در برابر در برابر تظاهرات مردمی که ممکن است به وجود آید، بردارد.

۵ـ واکنش سه مخاطب ما تقریباً متفاوت بود، ولی لحن ملایمی داشت. عکس‌العملها متفاوت بود. اظهار نظر امیر انتظام در رابطه با این، مانع جدیدی بود که در راه تلاشهایی که به گفته خود او، او و دیگر دوستان ایالات متحده به خاطر برقراری روابط بین دو کشور انجام داده بودند قرار داشت. عکس‌العمل بازرگان به آرامی ولی در رابطه با قبول واقعیت بود. واکنش یزدی (کسی که بر بحث تسلط داشت) تأکید روی مشکلاتی بود که این مسئله می‌توانست برای آمریکا در ایران به وجود بیاورد.

۶ـ بحث ما به شکل خوبی ادامه پیدا کرد و یزدی بحث را در نکات زیر خلاصه کرد:

الف) دولت موقت ایران قویاً ترجیح می‌دهد که شاه به فرض اینکه واقعاً به معالجات پزشکی در خارج از مکزیکو نیازمند است. این معالجات را در محلی غیر از آمریکا ادامه دهد. یزدی گفت که حتی اگر این امکانات پزشکی در مکزیکو در دسترس نیستند، این مسئله برای دولت موقت ایران قابل درک نیست که

www.takbook.com



چرا شاه از امکانات پزشکی در اروپای غربی استفاده نمی‌کند.

ب) چنانچه ایالات متحده به شاه اجازه اقامت بدهد یزدی احساس می‌کرد که معالجه شاه در خارج از شهر نیویورک در نظر افکار عمومی اینجا هم بیشتر قابل پذیرش خواهد بود. او می‌گفت که ایرانیان نیویورک را مرکز راکفلرها و صهیونیستها می‌دانند و این مسئله را پیچیده‌تر خواهد کرد. او مرکز پزشکی آندرسون را در هوستون به عنوان مرکزی پیشرفته برای تشخیص بیماری پیشنهاد کرد (یزدی در مورد تجربیات شخصی خود از مراکز پزشکی کترینک و آندرسون توضیحاتی داد).

ج) برای کمک به دولت موقت ایران در این مورد که مردم و خمینی را متقاعد کند که مسئله پذیرش شاه به وسیله آمریکا یک حیله نیست، دولت موقت امیدوار است که به یک دکتر ایرانی اجازه داده شود که اعتبار گزارشات پزشکی را تأیید کند. (این موضوع که آیا از او انتظار می‌رود که شاه را هم معاینه کند روشن نبود.) در جواب به پرسش ما، یزدی گفت که هم اکنون تعداد زیادی از دکترهای ایرانی در آمریکا هستند که می‌توانند این وظایف را انجام دهند، بدون اینکه پزشکی از ایران فرستاده شود. یزدی همچنین پرسید که اگر تشخیصات طبی معالجه شیمیایی ممتد و یا معالجات دیگر را پیشنهاد کرد، شاه در آمریکا خواهد ماند. من به او گفتم که در این مورد هیچ ضمانتی نمی‌توانیم بکنیم.

د) در انتها، دولت موقت ایران از دولت آمریکا انتظار دارد که قبلاً از شاه ضمانتی مبنی بر اینکه او...*

*ـ متأسفانه این سند ناقص و به همین صورتی که مشاهده می‌کنید پیدا شد.

www.takbook.com



## سند شماره ۲۶

**شماره: ۱۱۲۷۳**

**از: سفارت آمریکا در تهران** **تاریخ: ۲۴ اکتبر ۷۹**

**به: وزارت خارجه ـ واشنگتن ـ فوری ۴۴۴۹** **۲ آبان ۵۸**

**گزارشگر: تامست**

**طبقه بندی: محرمانه**

**موضوع: شاه در آمریکا**

۱ـ (محرمانه ـ تمام متن)

۲ـ عکس‌العمل ورود شاه به آمریکا خیلی کم بوده است. اغلب روزنامه‌های فارسی و انگلیسی زبان داستان را به نحوی عادی با استفاده از سرویسهای خبری گزارش شده از سوی سخنگوی وزارت امور خارجه ابراهیم مکلا نقل کردند. بر اساس گزارش روزنامه تهران تایمز مکلا گفته است که درک دولت ایران از عزیمت شاه مخلوع به ایالات متحده فقط برای معالجه بوده و او و همسرش حق اداره فعالیتهای سیاسی از هر نوع را در آمریکا نخواهند داشت. او توضیح داد که شاه از سرطان موضعی رنج می‌برد. رادیو تلویزیون (NIRT) از موضوع به کلی چشم‌پوشی کرده. نه رادیو و نه تلویزیون در بخش اخبار ۲۳ اکتبر و امروز خبری از سفر شاه اعلام نکرده‌اند.

۳ـ چند تظاهرات، دیروز در تهران برگزار شد که شامل گروههایی بود که از مقابل سفارت عبور کرده و توقفی نداشتند. بعضی از شرکت کنندگان شعارهایی ضد آمریکایی دادند و حامل پرچمهایی خطاب به آمریکا و پرزیدنت کارتر بودند. به هر حال این احساسات ضد آمریکایی آشکارا در رابطه با هدف اصلی برخی از تظاهرکنندگان جهت یادبود سالگرد مرگ فرزند بزرگ خمینی در چند سال پیش بوده است. (توضیح: به صورت وسیعی اعتقاد بر این است که مصطفی خمینی از سوی ساواک و عوامل CIA مسموم شده است. بیانیه‌های ضد آمریکایی به نظر می‌رسد که مرتبط با اسطورهٔ عامیانه مرگ مصطفی باشد، نه ورود شاه ایران به آمریکا ـ پایان نظریه).

تظاهرات مشابه دیگری نیز بودند که مربوط به مسایل آموزشی بودند نه شاه یا آمریکا.

۴ـ تظاهراتی برای روز جمعه ۲۶ اکتبر (۴ آبان) طرح شده است. این تظاهرات که از سوی حزب جمهوری اسلامی دعوت شده است؛ جهت ابراز حمایت از رهبری آیت‌الله خمینی است و در دانشگاه تهران برگزار می‌شود. یکی از مسیرهای راه‌پیمایی از مقابل سفارت می‌گذرد و تصور ما این است که تظاهر کنندگان موقعیت را برای تظاهرات علیه آمریکا مناسب دیده و شاید این تظاهرات شامل اعتراضاتی بر علیه حضور شاه در آمریکا بشود.

همچنین احتمال دارد که پس از پایان تظاهرات در دانشگاه تهران و بازگشت عادی، شرکت کنندگان به سوی سفارت آیند. ما احتیاطات لازم را خواهیم کرد ولی در این لحظه اعتمادمان رو به افزایش است که می‌توانیم از عهده این آخرین توسعه در روابط دو طرفه فیمابین با ایران را نسبتاً بدون آسیب برآییم.

**لینگن**

www.takbook.com



## سند شمارهٔ ۲۷

**از: وزارت خارجه ـ واشنگتن دی ـ سی** **۲۶ اکتبر ۷۹ ـ ۴ آبان ۵۸**
**به: سفارت آمریکا در تهران ـ فوری ۵۱۶۰**
**مرجع: سازمان ۲۷۹۱۳۵**
**سرّی: فقط برای لینگن قابل رؤیت است.**

**موضوع: شاه در آمریکا**

۱ـ تمام متن سرّی است

۲ـ سفیر ایران دکتر فرهنگ وآوا (مأمور مطبوعاتی) در ۲۶ اکتبر با مأمور سازمان ملاقات کردند و درباره موضوع پزشکان مقیم آمریکا که از طرف ایران انتخاب شده بودند تا اطلاعاتی از وضع سلامتی شاه به دست آورند، مذاکراتی انجام شد.

۳ـ مأمور سازمان به فرهنگ وآوا گفت که دولت آمریکا مایل است با پزشکان منتخب جمهوری اسلامی ایران در ارتباط باشد. او دو پاکت مهر شده به فرهنگ داد که به پزشکان بدهد. محتوی این پاکتها اطلاعاتی بود که قبلاً به یزدی داده شده بود. همچنین بولتن پزشکی بیمارستان نیویورک در تاریخ ۲۵ اکتبر ضمیمه بود. مأمور سازمان به فرهنگ گفت که اگر پزشکان سؤالاتی در این مورد داشتند آنها می‌توانند با رئیس مرکز طبی تماس بگیرند. او (مأمور سازمان) به عنوان کانالی برای رد و بدل کردن سؤالات و جوابها بین آنها و پزشکان در نیویورک انجام وظیفه خواهد کرد.

۴ـ ملاقات با فرهنگ حالت دوستانه‌ای داشت. فرهنگ راجع به طرز تأمین نیازهای دولت ایران هیچ اظهار نظری نکرد. غالب اظهارات او جنبه مثبت داشت و بر این اساس متمرکز بود که دولت ایران می‌خواهد همه بدانند که آنها درباره اقامت شاه در آمریکا، کاری انجام می‌دهند. فرهنگ سؤال کرد که آیا دولت ایران در تهران در این مورد آگاهی دارد؟ به او گفته شد که سفارت دستورالعملهایی برای اطلاع وزارت امور خارجه داده و حداکثر در ۲۷ اکتبر مذاکراتش را به وزیر خارجه دکتر یزدی انجام خواهد داد.

۵ـ فرهنگ این نکته را ذکر کرد که احساسات مردم ایران در رابطه با مسئله شاه رو به ازدیاد است، و به عنوان مثال درخواست اعضای ایرانی سفارت ایران در اینجا را (آمریکا) بیان داشت که سفارت روز ۲۶ اکتبر بسته باشد، چون آنها می‌خواهند به دلیل مخالفت با حضور شاه در آمریکا در مقابل سفارت تظاهرات داشته باشند.

۶ـ فرهنگ وآوا مطالب روزنامه‌ها را عنوان کردند. این مطالب حاکی از آن بود که شاه احتیاج به یکسال معالجه در آمریکا دارد. مأمور سازمان تأکید کرد که آنها نباید بر اساس اخبار مطبوعات نتیجه‌گیری کنند. مدت اقامت شاه در آمریکا بستگی به نیازهای پزشکی او دارد که این مدت با صلاحدید متخصصین پزشکی لایق تعیین می‌شود. مأمور سازمان به فرهنگ گفت که به نظر او هنوز متخصصین پزشکی در شرایطی نیستند که بتوانند مدت این اقامت را تعیین کنند و قبلاً باید آزمایشهایی به عمل بیاید.

۷ـ وآوا راجع به مسئله پاسپورت شاه سؤال کرد. به او گفته شد که بر طبق قوانین مهاجرت آمریکا از شرط پاسپورت صرف‌نظر شده است. مأمور سازمان گفت که چنین مسئله‌ای غیر طبیعی نیست.

۸ـ در ۲۶ اکتبر دو پزشک ایرانی با رئیس بخش پزشکان وزارتخانه ملاقات کردند. تقاضای آنها این بود که: الف ـ شاه را معاینه کنند، ب ـ پرونده‌های پزشکی او را و همچنین عکسهای داخلی او را ملاحظه

www.takbook.com



کنند تا بتوانند خبر معتبری از این موضوع داشته باشند. گرچه در مذاکرات بین مأمور سازمان و مأمور سفارت، ایران تقاضای معاینه شاه را نکرد، ولی گفت که پزشکان باید پرونده‌های پزشکی او را ملاحظه کنند.

۹ـ برای اطلاع شما رئیس سازمان پزشکی تقاضای دوم پزشکان ایرانی را به دکترهای شاه در نیویورک ابلاغ کرده است، اما تقاضای معاینه شاه به پزشکان ابلاغ شد. زیرا این صحیح نیست و ثانیاً این خارج از پیشنهاد ما در تلگراف مرجع است. کریستوفر. شماره سند ۹۸۸۰

**سند شماره ۲۸**

**۲۸ اکتبر ۱۹۷۹ ۱۳۵۸/۸/۶**

**از: سفارت آمریکا در تهران**

**به: وزیر امور خارجه ـ واشنگتن فوری ۴۵۰۳**

**محرمانه ـ تهران ۱۱۳۷۱ موضوع: حضور شاه در آمریکا**

۱ـ محرمانه ـ تمام متن

۲ـ عکس‌العمل منفی علیه حضور شاه در آمریکا در حال تکوین است. در آخر این هفته خمینی دوبار انتقاد کرد. یک بار گفت اخیراً... دشمنان اسلام شاه را به آمریکا پذیرفته‌اند. نوبت دیگر با استفاده از حضور شاه در آمریکا به روابط گذشته دو کشور تاخت. او در حین سخنرانی دوم گفت که ممکن است پذیرش شاه توسط آمریکا یک توطئه باشد.

۳ـ مطابق اخبار روزنامه‌ها در ۲۷ اکتبر کارگران شرکت نفت هشدار دادند که در صورتی که آمریکا از تحویل شاه خودداری کند ایران ممکن است اقدام به تلافی اقتصادی کند.

۴ـ سرانجام رادیو تلویزیون ملی ایران سکوت خود را نسبت به موضوع شکست. ابتدا سرمقاله آتشین روزنامه جمهوری اسلامی و سپس گزارشی از سخنرانی دکتر محمد بهشتی را که در راه‌پیمایی وحدت ۲۶ اکتبر در دانشگاه تهران ایراد نمود، پخش کرد. وی اظهار داشت که ایران حضور شاه را در آمریکا به عنوان یک میهمان تحمل نخواهد کرد، و سپس تفسیر خودش (بخش خبری اطلاعات خارجی ۲۷۱۳۴۶ لندن اکتبر ۷۹) که در سمپاشی از هرچه که تابه حال از آن جانب دیده‌ایم بدتر بود. در ۲۷ اکتبر پرشت مقام وزارت خارجه و کاردار به بهشتی تلفن کردند و بهشتی به نظر می‌رسید که در مورد حضور شاه در آمریکا خیلی کمتر از احتمال فعالیتهای ضد انقلابیون سلطنتی نگرانی دارد.

۵ـ ما هنوز بر این باوریم که مادامی که دولت موقت به طور معقول قانع شده باشد که شاه برای معالجه تا مدت معینی در آمریکا بسر می‌برد و معالجه او در کشور دیگری امکان پذیر نیست، و نه شاه و نه همراهانش سعی در تضعیف انقلاب اسلامی ایران ندارند، دولت ایران قصد ندارد حضور شاه در آمریکا را یک مسئله بزرگ جلوه دهد. در حالی که از لحاظ فنی سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران وابسته به دولت است، غالباً به صورت مستقل عمل نموده و مقامات عالی رتبه مملکتی از تحت کنترل درآوردن صادق قطب زاده سرپرست آن ابراز ناامید کرده‌اند. اگر افراطیون انقلاب، روحانیون خام و تیپ عموماً بی‌مسئولیت تعیین کننده مسئله حضور شاه در آمریکا بشوند، علیرغم تمایل دولت موقت، کاملاً محتمل است که مجبور به اتخاذ موضعی شود که در غیر آن صورت آن را نمی‌پذیرفت. لینگن

www.takbook.com



**از: سفارت آمریکا در تهران سند شماره ۲۹ تاریخ: ۳۱ اکتبر ۱۹۷۹ ـ ۹ آبان ۵۸**
**به: وزارت امور خارجه واشنگتن ـ فوری ۴۵۷۴ موضوع: شاه در آمریکا محرمانه تهران ۱۱۵۱۵**

۱ـ متن کاملاً محرمانه است.

۲ـ در مدتی که مأمور سفارت با معاون چهارم بخش سیاسی وزارت امور خارجه، پارسا کیا، در ۳۱ اکتبر به خاطر مسایل دیگری ملاقات داشت، پارسا کیا مسئله شاه در آمریکا را طرح کرد و در یک تقاضای شخصی و غیر رسمی سعی داشت به دولت آمریکا بفهماند که چرا شاه باید آمریکا را ترک کند. پارسا کیا مطالب زیر را اظهار داشت:

۳ـ او و اعتصام مدیر کل بخش اروپا و آمریکا سخت کوشیده بودند تا از بحران در روابط ایران و آمریکا جلوگیری کنند، اما این مسئله غیر ممکن شده بود. آنها نمی‌خواستند که دولت موقت جمهوری اسلامی ایران یک یادداشت رسمی در مورد شاه به دولت آمریکا بنویسد و تا آنجا که امکان داشت از این عمل اجتناب می‌کردند. اما فشارهایی که از خارج اعمال می‌شد، زیاد بود.

۴ـ رهبران دولت موقت (بازرگان و یزدی) قدرت زیادی نداشتند و تصمیماتی که باید در مورد ارائه حضور شاه در آمریکا گرفته شود، به دست آنها نبود. وزارت امور خارجه در صورتی قادر است که زیانهای آمریکا را در قبال روابط با ایران جبران کند که شاه بلافاصله بعد از مرخص شدن از بیمارستان آمریکا را ترک کند و در غیر این صورت بحرانی به وجود می‌آید. پارسا کیا گفت که تصمیمات درباره دیگر مسایل خارجی هم نظیر روابط با مصر توسط خمینی گرفته می‌شود. او تلویحاً گفت (به طور مستقیم بیان نکرد) که ادامه حضور شاه در آمریکا ممکن است منجر به قطع روابط ایران و آمریکا شود.

۵ـ پارسا کیا گفت که رهبران دولت موقت مایلند که شاه در مکزیک باشد، ولی موضوع آمریکا مسئله دیگری است. دولت موقت معتقد بود که موقعیت شاه در آمریکا مانند موقعیتی است که خمینی در پاریس داشت و از آن استفاده خواهد کرد، تا بر علیه دولت موقت توطئه بکند. او هم چنین خاطرنشان کرد که ۲۰۰۰۰۰ ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند و همچنین شاه از ثروت بی حسابی بهره‌مند است (عددی که او در مورد این ثروت استفاده کرد ۲۰ میلیارد بود.) پارسا کیا گفت که ایران مرکز شایعات است اما رهبران دولت موقت تا به حال شایعه سرطان شاه را نشنیده‌اند. به همین دلیل آنها نسبت به بیماری شاه مظنون بودند. آنها همچنین نمی‌فهمیدند که چرا شاه باید معالجات طبی خود را در آمریکا ادامه دهد.

۶ـ پارسا کیا گفت که رهبران دولت موقت (که منظور او به روشنی خمینی و اطرافیانش بودند) سیاستمدار نیستند و اصول دیپلماسی را نمی‌فهمند. آنها به نتایج تصمیماتی که هم اکنون می‌گیرند توجه ندارند. پارسا کیا گفت که آنها (رهبران قم) به دقت منتظر بودند ببینند که شاه اجازهٔ اقامت در آمریکا به دست خواهد آورد یا خیر، و اگر چنین شد آنها فوراً به پا خواهند خاست. (او نگفت که این کار را به چه صورت خواهند کرد ولی روشن بود که روابط را قطع خواهند کرد.)

۷ـ در طول صحبت، پارسا کیا به مصاحبهٔ سناتور جکسون اشاره کرد. او گفت که این اظهارات سطوح بالای وزارت امور خارجهٔ ایران را خیلی نگران کرده. یزدی فوراً تقاضا کرد که نسخه‌ای از این مصاحبه را ببیند. یزدی معتقد است که جکسون یکی از رهبران قدرتمند آمریکاست. او می‌خواست بداند که آیا اظهارات جکسون پیامی از جانب دولت آمریکا است؟ مأمور سفارت پارسا کیا را مطمئن ساخت که چنین چیزی نیست.

لینگن

www.takbook.com

www.takbook.com

**کتاب هشتم**

# دخالتهای آمریکا در ایران (۱)

www.takbook.com

www.takbook.com

**معرفی کتاب دخالتهای آمریکا در ایران (۱)**

با افول سلطهٔ شیطانی امپراطوری جبار انگلیس در صحنه عالم، امپریالیسم آمریکا با نیرو و توان تازه‌ای به همراه کوله باری از تجارب سالها سلطهٔ استعمارگران انگلیسی به عنوان یک سردمدار جدید جریان استکبار جهانی نمایان شد. آمریکا با استفاده از منابع سرشار مادی، پس از حضور در جنگهای جهانی و به دست آوردن پیروزی در جنگ، خود به عنوان بزرگترین مدعی تسلط بر گسترهٔ عالم وارد صحنه شد. رفته رفته مناطقی که سالیان سال تحت سلطه و نفوذ استعمار انگلیس بودند، شاهد پیدا شدن سروکلهٔ سلطه‌گر جدیدی با رنگ و بوی تازه و خاص خودش شدند. رقیب جدید با شیوه‌های تازه و مدرن‌تر و بعضاً وحشیانه‌تر، برای چپاول هرچه بیشتر ملتهای تحت ستم به میدان می‌آید و به راستی آنچه که در این مدت کمتر از یک قرن از خود بجا گذاشته، کارنامه‌ای درخشان و بی نظیر در ظلم و جنایت و غارت مستضعفین عالم بوده است. هیچ سلطه‌گری در طول تاریخ از این حیث نمی‌تواند با آمریکای جهانخوار برابری کند.

کشور ما نیز یکی از همان مناطقی است که به لحاظ موقعیت خاص سیاسی، جغرافیایی و منابع طبیعیش، در طول قرن اخیر، عرصه تاخت و تاز این سلطه‌گران چپاولگر بوده است. به تدریج که سلطه انگلیس در دنیا رو به ضعف می‌گذاشت، از تسلط همه‌جانبهٔ آن در کشور ما نیز کاسته گردید و به همین نسبت حضور فعال امپریالیسم آمریکا بیشتر و بیشتر می‌شد، تا جایی که پس از سرنگونی دکتر مصدق که در میان کشمکش این دو قدرت شیطانی، مجالی برای حضور در صحنه پیدا کرده بود، آمریکا به عنوان قدرت مسلط در همهٔ جوانب سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ما در این سرزمین شروع به حکمروایی کرد و نقش انگلیس تنها محدود به حفظ شبکهٔ فراماسونها شد.

امپریالیسم آمریکا همزمان با گسترش شبکه‌های نفوذ و سلطهٔ خود در سراسر جهان، به مثابهٔ یک مجموعهٔ جهانی استکباری، در کشور ما نیز طرحهای دراز مدت و کوتاه مدت خود را برای بسط این شبکهٔ شیطانی به اجرا می‌گذارد. هجوم همه‌جانبهٔ آمریکاییها از کودتای ۲۸ مرداد به این طرف، رفته رفته سیر صعودی خود را طی می‌کند تا به یکی از نقاط عطف آن یعنی حرکت رفرم گونهٔ آمریکا تحت عنوان، به اصطلاح انقلاب سفید، اجرا می‌شد، مطرح می‌شود. برای اینکه عمق برنامه‌ها و طرحهای شیطانی آمریکا را دریابیم، به نقل فرازهایی از سخنان امام در ۴ آبان ماه ۱۳۴۳ در مدرسهٔ فیضیهٔ قم پس از طرح قرارداد آمریکایی کاپیتولاسیون می‌پردازیم: «ایران دیگر عید ندارد، عید ایران را عزا کردند»

«ما را فروختند، استقلال ما را فروختند، باز هم چراغانی کردند، پایکوبی کردند».

www.takbook.com



«عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت، عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند».

«قانونی را به مجلس بردند که در آن، اولاً ما را ملحق کردند به «پیمان وین» و ثانیاً الحاق کردند به آن که تمام مستشاران نظامی آمریکا، با خانواده‌هایشان با کارمندان فنیشان، با کارمندان اداریشان، با خدمه‌شان و با هرکس که به آنها بستگی دارد از هر جنایتی که در ایران می‌کنند، مصون هستند».

«اگر یک خادم آمریکایی، یا یک آشپز آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پای خود منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلو او را بگیرد! دادگاههای ایران حق محاکمه ندارد! باید پرونده به آمریکا برود! و در آنجا اربابها تکلیف را معین کنند!»

«اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد این ملت یک روز اسیر انگلیس و روز دیگر آمریکا باشد».

«اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد، اسرائیل اقتصاد ایران را قبضه کند، نمی‌گذارد، کالاهای اسرائیل آن هم بدون گمرک در ایران فروخته شود.»

«اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد، اینها، خودسرانه، چنین قرضهٔ سنگینی را بر ملت ایران تحمیل کنند.»

«اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد یک دست‌نشاندهٔ آمریکایی این غلط‌ها را بکند، از ایران بیرونش می‌کنند.»

«نظامی‌های آمریکا و مستشاران نظامی آمریکا، برای شما چه نفعی دارند؟ اگر این مملکت اشغال آمریکاست پس چرا اینقدر عربده می‌کشی؟ چرا اینقدر دم از ترقی می‌زنی؟ اگر این مستشاران، نوکر شما هستند پس چرا از اربابها بالاترشان می‌برید؟ اگر نوکرند با آنان مثل سایر نوکرها عمل کنید؟ اگر کارمند شما هستند شما هم مثل سایر ملل که با کارمندانشان عمل می‌کنند با اینان رفتار نمائید. اگر مملکت ما در اشغال آمریکاست اعلام کنید، پس ما را از این مملکت بیرون بریزید.»

«من نمی‌دانم کجاست این انقلاب سفیدی که اینقدر روی آن جار و جنجال راه انداخته‌اند؟ خدا می‌داند که من مطلعم و رنج می‌برم، من مطلعم از این دهات و شهرستانهای دور افتاده و از این قم عقب مانده، من این ملت فکری کنید، این‌قدر قرض روی قرض نیاورید، این‌قدر نوکر نشوید. البته دلار نوکری هم دارد! ندارد به آمریکاییها بگوید بالای چشم شما ابروست!!»

«ما چون ملت ضعیفی هستیم و دلار نداریم باید زیر چکمهٔ آمریکا برویم؟ آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر، همه از هم بدتر، و همه از هم پلیدترند، لیکن امروز سروکار ما با آمریکاست.»

«رئیس جمهور آمریکا بداند، این معنا را بداند که امروز در پیش ملت ما، از منفورترین افراد بشر است که چنین ظلمی به ملت اسلامی کرده است، امروز قرآن با او خصم است، ملت ایران با او خصم است. دولت آمریکا این مطلب را بداند که او را در ایران ضایع و مفتضح کردند.»

«امروز تمام گرفتاری ما از آمریکاست، تمام گرفتاری ما از اسرائیل است، اسرائیل هم از آمریکاست، این وکلا هم از آمریکا هستند، این وزرا هم از آمریکا هستند، همه دست نشاندهٔ آمریکا هستند، اگر نیستند چرا در مقابل آن نمی‌ایستند، داد بزنند؟»

امام همچنین اعلامیها روشنگرانه‌ای علیه کاپیتولاسیون پس از سخنرانی تاریخی خود صادر کردند، نکات برجسته‌ای از این اعلامیه که نقش آمریکا و اسرائیل را بیشتر تشریح می‌کند چنین است:

www.takbook.com



«دنیا بداند که هر گرفتاری که ملت ایران و ملل مسلمین دارند از اجانب است، از آمریکا است، ملل اسلام از اجانب عموماً و از آمریکا خصوصاً متنفر است، بدبختی دول اسلامی از دخالت اجانب در مقدرات آنها است، اجانبند که مخازن پر قیمت زیرزمینی ما را به یغما برده و می‌برند، انگلیس است که سالیان دراز طلای سیاه ما را با بهای ناچیز برده و می‌برد، اجانبند که کشور عزیز ما را اشغال کرده و بدون مجوز از سه طرف به آن حمله کرده و سربازان ما را از پا درآوردند. دیروز ممالک اسلامی به چنگال انگلیس و عمال آن مبتلا بودند امروز به چنگال آمریکا و عمال آن»

«آمریکا است که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می‌کند، آمریکا است که به اسرائیل قدرت می‌دهد که اعراب مسلمان را آواره کند آمریکا است، که اسلام و قرآن مجید را به حال خود مضر می‌داند و می‌خواهد آنها را از جلوی خود بردارد، آمریکا است که روحانیون را خار راه استعمار می‌داند. باید آنها را به حبس و زجر و اهانت بکشد، آمریکا است که به مجلس و دولت ایران فشار می‌آورد که چنین تصویب نامه مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می‌کند تصویب و اجرا کنند، آمریکا است که با ملت اسلام معامله وحشیگری و بدتر از آن می‌نماید».

«امروز اقتصاد ایران به دست آمریکا و اسرائیل است و بازار ایران از دست ایرانی و مسلم خارج شده است و غبار ورشکستگی و فقر به رخسار بازرگان و زارع نشسته است و اصلاحات آقایان بازار سیاه برای آمریکا و اسرائیل درست کرده است و کسی نیست که بداد ملت فقیر برسد».

مجموعهٔ حاضر، که تحت عنوان دخالتهای آمریکا در ایران (۱) به حضور امت شهید پرور و قهرمانمان ارائه می‌دهیم، اسناد و مدارکی است که حکایت از اهداف و مقاصد آمریکا از حکمروایی جابرانه‌اش در زمان رژیم شاه معدوم می‌کند. یکی از ویژگیهای این اسناد جامعیت آنها است، چرا که در دوران انقلاب و پس از پیروزی آن، بخش متنابهی از مدارکی که حاکی از جنایات امپریالیسم آمریکا بود، توسط جاسوسان آمریکایی یا از کشور خارج شد و یا در داخل جاسوسخانه به انحاء مختلف از بین رفت.[۱] لذا از آنچه که مربوط به روابط آمریکا و رژیم شاه معدوم می‌شد، صرفاً به نگهداری مدارک پراهمیت‌تر با جامعیت بیشتر اکتفاء کرده‌اند. به همین دلیل به وضوح در این اسناد، دخالتهای آمریکا در ایران به عنوان، نیروی حاکم بدون رقیب، مشاهده می‌شود و دیگر شاید نیازی به هیچ‌گونه توضیحی در معرفی اسناد نباشد، لیکن برای ارائه یک جمع‌بندی خلاصه با استفاده از اسناد، به نکاتی که از اهمیت بیشتری برخوردارند اشاره می‌کنیم.

در سند شمارهٔ ۱۶ در مقام بیان سابقه تاریخی رژیم شاه، چنین آمده است که، رضا شاه از تاج و تخت در سال ۱۹۴۱ توسط انگلیس و شوروی برکنار شد، همچنین فشار آمریکا نیروهای خارجی را در سال ۱۹۴۶ از خاک ایران خارج کرد و شاه دوباره به کمک آمریکا به تاج و تخت برگشت. کنترل صنعت نفت جهانی توسط غرب بعد از ملی شدن نفت در سال ۱۹۵۱ ایران را تقریباً ورشکسته کرد و بقاء شاه متکی به پشتیبانی خارجی و استقلال و تمامیت ارضی آن منوط به حضور افراد آمریکایی و موافقت‌نامه‌های امنیتی بود. از همین مختصر می‌توان دریافت که ماهیت رژیم ۵۰ سالهٔ کذایی، چه بوده است و حافظ استقلال و تمامیت ارضی ایران چه نیروهایی بوده‌اند، در همین رابطه بد نیست به بررسی انگیزه‌ها و

---

۱ـ البته قبلاً به اطلاع امت قهرمان رسانده بودیم که بخش عمده‌ای از اسناد در هنگام اشغال لانهٔ جاسوسی توسط جاسوسان از بین رفت، که این جریان جدای از خروج اسناد و یا نابود کردن آن پس از پیروزی انقلاب به عنوان یک طرح امنیتی و حفاظتی بوده است.

www.takbook.com



مقاصدی که امپریالیسم آمریکا از روی کار آوردن رژیم شاه داشته است، از زبان خود جاسوسان متمدن و مترقی بپردازیم، رژیم وابسته‌ای که در جهت حفظ منافع ارباب خود در منطقه، از بیت‌المال مردم محروم و مستضعف به سایر رژیمهای دست نشاندهٔ آمریکا در منطقه چون مصر و اردن (سند ۱۲ و ۱۶) کمکهای مالی و نظامی فراوان می‌کرده.

در سند شمارهٔ ۱۴ که حاوی نتایج بازرسی وزارت امور خارجه آمریکا می‌باشد، چنین عنوان می‌شود که: «ایران برای آمریکا از نظر جغرافیایی و نفت حائز اهمیت است. ایران تحت نظر شاه که آمریکا را واجد نقش حیاتی در مساعی خود برای متجدد ساختن کشورش می‌داند، و می‌خواهد آن را از نظر نظامی و صنعتی قوی و متکی به خود سازد، محیط مناسبی برای تعقیب مقاصد آمریکا می‌باشد.»

به دنبال آن منافع آمریکا در ایران را به این شرح بر می‌شمارد:

«مکان استراتژیکی ایران، قدرت نسبی آن میان کشورهای خلیج فارس، منابع داخلی و بازار داخلی بورژوازی آن، این کشور را یک منطقه بسیار با اهمیت برای ایالات متحده، در حال حاضر و برای یک آیندهٔ قابل پیش‌بینی، نموده است. ما احتیاج به یک ایران دوست و مستقل و ایمن و باثبات داریم که هم بتواند و هم بخواهد نقش مسئولانه و سازنده در منطقه به ویژه در خلیج فارس بازی کند. ما نیاز مبرم به دسترسی به راه هوایی ایران و ترکیه که واسطه میان اروپا و شرق برای هواپیماهای نیروی دریایی و بازرگانی خود داریم.»

«به طور خلاصه: استفاده برای تسهیلات ویژهٔ نظامی و اطلاعاتی که به خاطر ملاحظات جغرافیایی، گذشته از امکانات سیاسی، نمی‌تواند در جای دیگر با آثار همانند باشد، همچنین منافع اقتصادی و تأمین نفت و گاز، مناسب بودن ایران برای سرمایه‌گذاری (تا چندین میلیارد دلار).»

پس از ذکر منافع، سند شماره ۱۴، اهداف آمریکا در ایران را بر می‌شمارد:

۱ـ تقویت و کمک به توانایی ایران جهت ژاندارمی منطقه.

۲ـ حفظ تصمیم گیرندگانی که در مورد منافع آمریکا مؤثرند.

۳ـ ابقای دسترسی بلا اشکال به کریدور هوایی ایران ـ ترکیه و بنادر ایران.

۴ـ تأمین، برقراری، نگهداری و استفادهٔ بلامانع از تسهیلات اطلاعاتی و نظامی در قلمرو ایران.

۵ـ تأمین دسترسی به بنادر ایران جهت کالاها و خدمات بازرگانی آمریکایی و برقراری یک جو مساعد برای سرمایه‌گذاری سرمایه داران آمریکایی.

۶ـ تأمین دسترسی به منابع نفتی و مواد معدنی در ایران به قیمتهای قابل تحمل برای آمریکا و هم‌پیمانانش.

۷ـ تشویق ایران به ثابت نگهداشتن قیمت نفت.

۸ـ کمک به ثبات داخلی سیاسی ایران و گسترش رفتار مطبوع میان ایرانیان نسبت به آمریکا.

اهداف و منافع کلی آمریکا با حواشی بیشتر و یا کمتر در کلیه اسناد این کتاب آمده است، خصوصاً اسناد ۱۵ و ۱۸ و ۲۲ در این زمینه قابل بررسی هستند.

مواردی که به نقل از اسناد آوردیم، محورهای عمده و زمینه‌های اصلی مداخلات آمریکا در منطقه و خصوصاً ایران است. یکی از بارزترین موارد دخالتهای آمریکا در ایران، حضور نظامی آمریکا در ایران و در منطقه بوده است، که البته با پیروزی انقلاب اسلامی و اخراج بخش عمده مستشاران نظامی آمریکا و

www.takbook.com



پس از آن با اشغال لانهٔ جاسوسی، به‌طور کامل با حضور مستقیم و غیر مستقیم نظامیان آمریکایی در ایران خاتمه داده شد. در کنار روابط اقتصادی، محور عمدهٔ روابط شاه را با آمریکا مسایل نظامی تشکیل می‌داد. آمریکا برای حفظ منافع سرشار اطلاعاتی و اقتصادی که در منطقه داشت، نیاز به یک بازوی مسلح نظامی داشت و طبیعی است که بهترین شکل این حضور نظامی به طریقهٔ غیرمستقیم و توسط نیروهای بومی در منطقه و با مخارج خود آنان است.

شیوه‌های نوین استعمار دیگر اقتضاء نمی‌کرد که بسان گذشته برای کسب منافع خود در حفظ آن اقدام به لشگرکشی نماید، از این روست که آمریکای جنایتکار پس از روی کار آوردن عروسک دست نشانده‌ای چون شاه معدوم، او را وادار می‌کند که با بهره‌گیری از نیروی انسانی این مردم محروم و مستضعف و با استفاده از منابع فراوان مالی‌شان، دست به تشکیل یک نیروی نظامی در جهت حفظ منافع ابرقدرت‌های سلطه‌گر بزند. آمریکا علاوه بر حفظ منافع شیطانی خود در تأسیس این نیروی ژاندارم با ایجاد بازار فروش برای سلاحهای خود بهرهٔ اقتصادی سرشاری را به دست می‌آورد. طبیعی است به دنبال فروش این سلاحهای پیچیده، سیل کارشناسان و مستشاران برای سازماندهی ارتش همان‌گونه که مورد طبع آمریکای جنایتکار است و همچنین با بهانهٔ آموزش طریقه استفاده از این سلاحها، به کشور سرازیر می‌شود. حضور کارشناسان نظامی با حقوقهای گزاف، خود یک عامل مهم برای حفظ و تداوم سلطه سیاسی و اقتصادی به شمار می‌رود، در سند شمارهٔ (۴) آمده است که روابط نظامی آمریکا با ایران باعث استحکام موقعیت آمریکا در ایران می‌شود و رئیس بخش مستشاری، یک مشاور بسیار مطلوب برای شاه است!! مسئله قابل ذکر در مورد روابط نظامی آمریکا با ایران جاه‌طلبی‌های شاه بوده که همواره در تلاش ایجاد یک قدرت عمدهٔ نظامی در منطقه بوده است، طبیعی است که آمریکا تنها به همان میزان که منافع کسانی که به اتکاء کمکهای روسیه می‌خواسته‌اند به جدال با آمریکا پرداخته و به استقلال برسند.

همان‌گونه که در مورد اهداف و منافع استراتژیک آمریکا در ایران آمده است، اهمیت و نقش ایران برای آمریکا، بیش از منافع اقتصادی که از آن به دست می‌آورد، موقعیت جغرافیایی و استفاده از ایران به عنوان یک پایگاه مهم برای جمع‌آوری اطلاعات بوده است، در سند شماره ۱۱ آمده است:

«ایران برای آمریکا، کمکهای فراوان و امکانات وسیعی برای کارهای جاسوسی و اطلاعاتی فراهم بکند و اینکه ارتباط کاری نزدیک بین ساواک و سیا (SRF) وجود دارد.»

در سند شماره ۱۳، هلمز رئیس سابق سازمان جاسوسی CIA خواهان ادامه روابط ایران و آمریکا و دسترسی به مواضع برای امکان فعالیتهای منحصر به فرد جاسوسی و مخابراتی می‌شود. همین مسئله در سند شماره ۱۹ نیز تصریح شده است. همچنین سند مهم شماره ۲۰ که به قول خود جاسوسان گزارشی از عوامل مختلف جامعه اطلاعاتی آمریکا و دیگر بخشها و سازمانها در ایران می‌باشد، میزان گستردگی فعالیت دستگاههای اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا را در کشور ما در زمان شاه معدوم نشان می‌دهد.

در زمینه اجحافات اقتصادی رژیم شاه در ارتباط با آمریکا، همان‌گونه که اشاره شد، خدمات و آمریکا، و ۷۰٪ نفت عمومی‌اش در منطقه ایجاب می‌کند، مبادرت به فروش سلاح به شاه می‌کند و هیچگاه اجازه نمی‌دهد، که این نوکر دست نشانده از حدودی که برایش معین شده تجاوز کند.

سند شمارهٔ یک حکایت از جریانات مختلفی که در رابطه با فروش اسلحه بین شاه و آمریکا در سال‌های (۴۵ـ۱۳۴۴) (۶۶ـ۱۹۶۵) وجود داشته و تمایلات شاه برای خرید اسلحه از شوروی در قبال

www.takbook.com



عدم فروش اسلحه توسط آمریکا می‌کند. آمریکاییها بنا به مصالح کلی خود در آن زمان برآوردن تمامی آرزوهای جاه‌طلبانه شاه را ضروری نمی‌دیدند، آرزوهایی که از طرف شاه با عنوان کردن بهانه‌هایی چون خطر ناصر عنوان می‌شد، ضمن اینکه چندان بی میل نبودند که عکس‌العملهای شاه را در این رابطه و میزان جسارتش را در نزدیک شدن به شوروی برای دریافت سلاحهای بیشتر ارزیابی کنند. در نهایت شاه رفتار آمریکاییها را با خودش تعبیر به رفتار با یک نوکر کرده است و آمریکاییها عملاً به وی می‌فهمانند که بیشتر از یک نوکر نیز، قدرت ابراز نظر و بروز اراده از خود را ندارد. در واقع این سند مؤید این مطلب است که رژیمی با خصوصیات رژیم شاه، هرگز بدون اتکاء به آمریکا نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

نکته قابل توجه دیگر، تمایل روسها به فروش سلاح به رژیم شاه است. دو سال پس از سرکوبی حرکت انقلابی مردم مسلمان ما در خرداد ۴۲ (۱۹۶۳) می‌بینیم روسها با دست باز حاضر به فروش سلاحهای پیشرفته خود به شاه هستند، هرچند با جوی که آمریکا برای شاه قهراً ایجاد می‌کند، در این راه موفقیت چندانی کسب نمی‌کنند و روابط حسن همجواری را با فروش بخشی از سلاحهای درخواستی شاه و تأیید شده توسط آمریکا حفظ می‌کنند، که خود این مسئله میزان صداقت مدعیان حمایت از مبارزات آزادیبخش خلقهای جهان بر علیه امپریالیسم را آشکارتر می‌کند. و به راستی چه ساده اندیش بوده‌اند اسرائیل بوده است. علاوه بر آن ۱۶٪ نفت ایران برای اروپای غربی و ۲۴٪ آن به ژاپن صادر می‌شده که در گذشتهٔ نزدیک هم‌پیمانان آمریکای جنایتکار در تحریم اقتصادی علیه ایران بوده‌اند، به طور کلی برنامه‌های اقتصادی که توسط آمریکا طرح‌ریزی می‌شد، متضمن این بود که نیروی انسانی ماهر و کارگر متخصص جذب صنایع جدید شوند و بدین ترتیب روزبه‌روز از تعداد کارگران کاسته می‌شد. جالب توجه است که واشبورن، عنصر سابق دستگاه جاسوسی شیطان بزرگ در ایران در نامه‌ای به هلمز (سند شماره ۱۱) اقرار می‌کند که کمی حقوق کارمندان و کارگران مستضعف مربوط به آمریکا و خرید کلان سلاحهای آمریکایی است. در سند شماره ۱۹، آمریکای جنایتکار اعتراف می‌کند، که موقعیت دولت ایران در به ثمر رساندن یک اقتصاد غیر متکی به نفت در سال ۱۹۹۰ که نفت، به پایان غیرقابل قبول به نظر می‌رسد، در عین حال با توجه به این حقیقت تلخ، شیطان بزرگ سیاست اقتصادی رژیم شاه را مورد تأیید قرار می‌دهد و از از جز این نیز انتظاری نیست. همراه با جنایات گستردهٔ امپریالیسم آمریکا در ایران، ملت ما از هجوم فرهنگی شیطان بزرگ نیز در امان نماند، در سندهای (۱۳ و ۱۴) با ذکر فعالیتهای مستقیم فرهنگی آمریکا از انجمن ایران و آمریکا و سپاه صلح، اشاره به تشکیل مجمع تفکر جوانان در جاسوسخانهٔ خود، متشکل از کارمندان جوان سفارت برای جستجوی شیوه نزدیک شدن به جوانان ایرانی می‌شود، گذشته از اینها نفوذ فرهنگی غرب از طریق دانشگاههای داخلی، ساختهٔ دست خارج و اعزام دانشجویان ایرانی به آمریکا اعمال می‌شود. سند شماره ۱۹ در سال ۱۹۷۵ آماری ارائه می‌دهد مبنی بر اینکه ۲۰ هزار دانشجوی ایرانی در آمریکا تحصیل می‌کنند، و بیش از ۵۰ دانشگاه آمریکایی با مؤسسات آموزشی ایران رابطه دارند. همچنین سند شماره ۱۱ به عنوان نمونه از تأسیس مرکز مطالعات مدیریت ایران تحت نظر دانشگاه هاروارد یاد می‌شود، این مرکز تربیت متخصصان وابسته به امپریالیسم را همراه با حمایتهای مداوم آمریکا برای ادامه کار آن، به عهده داشته است. مرکز برنامه‌ریزی برای جنایات و خیانت‌های امپریالیسم خونخوار آمریکا در تهران، به اصطلاح سفارتخانه، و یا در واقع مرکز جاسوسی شیطان بزرگ بوده است، که در سند شماره ۱۳ از آن به عنوان هیئت بزرگ دیپلماتیک یاد می‌شود که در سال ۱۹۷۴ به

www.takbook.com



ادعای همین سند بزرگترین هیئت در خاور نزدیک بوده است. در واقع، به اصطلاح سفارتخانهٔ آمریکا، نه تنها بر ادارهٔ کشور ما نظارت داشته، بلکه صاحب یک نقش فعال در کلیه کشورهای منطقه و ناظر به فعالیتهای سایر، به اصطلاح سفارتخانه‌های شیطان بزرگ، بوده است.

علاوه بر این جاسوسان یا هیئت بزرگ دیپلماتیک، واحدهای دیگر آمریکایی که در ابعاد گسترده به استناد سند شماره ۱۳ در ایران فعالیت می‌کرده‌اند، عبارتند از «هیئت مستشاری نظامی ARMISH-MAGG»، «تیمهای کمکهای عملیات فنی (نظامی)، TAFT»، «اداره اطلاعات آمریکا»، «سپاه صلح»، « انجمن ایران و آمریکا»، «نمایندگی از وزارت کشاورزی آمریکا»، «اداره مبارزه با مواد مخدر»، «اداره خدمات مالیاتی داخلی»، و «۲۰ واحد مجزا در کار فعالیتهای نظامی و جاسوسی».

مسئله دیگر که در سند شماره ۱۴ و در بسیاری دیگر از اسناد این کتاب و مدارک دیگری که به یاری خدا انتشار خواهد یافت، وجود مجموعه‌ای است به نام «قسمت هدایت مسایل کشور» THE COUNTRY DIRECTORATE که در برخی جاهای دیگر تحت عنوان «هیئت مسایل کشوری» (COUNTRY TEAM) آمده است. این هیئت که از سفیر و سایر مسئولین درجه اول آمریکایی در قسمتهای مختلف تشکیل می‌شده، در واقع حکم «هیئت دولت» و وزیران واقعی را در اداره کشور در زمان رژیم شاه داشته و در طی جلسات آن همه مسایل کشور مورد بحث و بررسی و تصمیم‌گیری قرار می‌گرفته است. طبیعی است آمریکای جنایتکار برای حفظ سلطهٔ شیطانی خود بر کشور ما، همواره در پی ارزیابی و تحلیل وضعیت نیروهای مخالف رژیم شاه خائن بوده است، تا مبادا با سرنگونی رژیم شاه، بساط سلطه و غارت و چپاول برچیده و منافع حیاتی شیطان بزرگ در منطقه در معرض نابودی قرار بگیرد. آشکار است که نحوهٔ برخورد و شیوه تحلیل امپریالیسم آمریکا نسبت به نیروهای مخالف رژیم شاه مبتنی بر همان بینش مادی، سرمایه‌داری غرب است، به همین دلیل است که عملاً آنچه به عنوان راه حل برای مقابله با جریانهای مخالف ارائه می‌دهد، تنها در مقابل جریانهایی مؤثر می‌افتد، که خود با انگیزه و آرمانهای صرفاً مادی شروع به حرکت نموده‌اند. این است که می‌بینیم جریانهای غیر الهی عموماً در مواجهه با رژیم ناموفق هستند، لیکن عجز و سردرگمی شیطان بزرگ زمانی آغاز می‌شود که با یک حرکت الهی مواجه است، حرکتی که از شائبه‌های مادی مبراست. پیروزی انقلاب اسلامی بزرگترین گواهی این مدعاست. در همین اسناد با همهٔ نارسایی آنها می‌بینیم که دستجات کوچکی که اغلب با استراتژی جنگ مسلحانه مبتنی بر بینشهای ماتریالیستی، دست به فعالیت زده‌اند، در تحلیل آمریکاییها هرگز به عنوان یک خطر جدی برای رژیم شاه به حساب نمی‌آیند.[1] علی‌الخصوص که رژیم شاه با هدایت آمریکا به اندازه کافی به شوروی نزدیک شده بود تا روسیه هرگز در پی یک تدارک جدی برای سرنگونی شاه نباشد. عجیب نیست که در اوج فعالیتهای این گروه‌های مسلح (۱۳۵۱)، در عین به قتل رسیدن چند جاسوس آمریکایی، جاسوسان امپریالیسم اظهار می‌کنند که هیچ مخالفت سازمان یافته‌ای بر علیه شاه وجود ندارد (سند شماره ۶). به طریق اولی جریانهای سیاسی میانه‌رو اعم از صاحبان گرایش به غرب همچون جبهه ملی و یا شرق گرایان چون حزب توده، مقهور اقدامات انقلابی و مترقی شاه، یعنی انقلاب سفید، و سیاست حقوق بشر کارتری می‌شوند و تا سرحد وزارت در کابینه‌های شاهنشاهی ارتقاء مقام می‌یابند! (سند شماره ۲۳).

---

۱ـ نقل از سند شماره ۱۹: «تروریستها به نظر نمی‌رسد که برای رسیدن به اهداف سیاسی خود که منجر به سرنگونی رژیم سلطنتی شود از پشتیبانی زیادی برخوردار باشند.»

www.takbook.com



در مورد حرکت مذهبی به رهبری روحانیت اگرچه در سند شماره ۵ در تحلیلی که از ضعف بینش مادی تحلیلگر آن ناشی می‌شود، پیروزی روحانیون در مقابله با رژیم شاه نامحتمل قلمداد می‌شود، اما در همان سند همواره به عنوان یک احتمال قوی در جانشینی به جای رژیم شاه و سپس به عنوان یک نیروی مخالف سلطهٔ خارجی و دشمن آمریکا شناخته می‌شوند. نهضت اسلامی در ۱۵ خرداد به اعتراف خودشان تحت عنوان یک حرکت ارتجاعی، بی‌رحمانه توسط رژیم سرکوب شد.[۱] نهضتی که به رهبری روحانیت متعهد و در رأس آن امام بت شکن، خمینی عزیز شکل گرفت و تمامی محاسبات ماتریالیستی شرق و غرب را در مواجهه با حرکت اصیل، رهایی بخش محرومین و مستضعفین درهم ریخت. در سند شماره ۱۸ می‌بینیم که جاسوسان هم در ارزیابی خود بیان می‌کنند که «ارتش و نیروهای مسلح قادر بوده‌اند که امنیت داخلی را برقرار کنند و تحت اغلب شرایط غیر از بی نظمی ملی سرتاسری، قادر به این کار خواهند بود.»

منتهی هرگز به ذهن علیلشان خطور نمی‌کند که چه کسی و با چه شیوه‌ای در کمتر از چند سال پس از آن می‌تواند موجبات این بی‌نظمی ملی سرتاسری را فراهم کند.

مدعیان حقوق بشر به گواه اسناد ارائه شده در این کتاب (۱۱ و ۱۳ و ۱۹ و ۲۲) به صراحت متذکر می‌شوند که از همهٔ ظلمها و جنایاتی که توسط ساواک و نیروهای امنیتی شاه در مقابل مخالفین روا می‌شده است، نه تنها آگاهی کامل بلکه همکاری نزدیک داشته‌اند. در سند شماره ۲۲ وقاحت و بیشرمی را مدعیان تمدن و ترقی به حدی می‌رسانند که می‌گویند: «ایران تاریخی شامل ۲۵۰۰ سال فرمانروایان خودکامه و اغلب خارجی دارد و تصور کلی جریانهای دمکراتیک اساساً برای سنتهای ایرانی بیگانه است.»

و خنده آور است که در سند شمارهٔ ۱۱ شاه معدوم امپریالیستهای مستکبر را از نصایح خردمندانهٔ خود بی نصیب نمی‌گذارد و از آنها می‌خواهد قانون اساسی آمریکا را در جهت محدود کردن آزادی و ابراز عقیده اصلاح کنند. به هر حال آنچه که گفته شد، حدیث تازه‌ای برای مردم انقلابی میهن اسلامی ما نبود، چه آنها این همه درد و رنج را با تمام وجود احساس کرده‌اند، برای مردم ما ظلمها و جنایتهای آمریکا یک واقعیت ملموس است و بخشی از تاریخ زنده این مرزوبوم است و برای همین است که این چنین از انقلاب اسلامی و دست‌آوردهای آن دفاع می‌کنند. تولد دوباره اسلام در ایران، نوید بخش رهایی مستضعفین در سرتاسر عالم و به خصوص کشورهای اسلامی است و جای تعجب ندارد که هر بار آمریکا با تمامی قوا برای مقابله با انقلاب اسلامی وارد میدان شود، و به دنبال یافتن جانشین مناسب برای رژیم شاه از قبیل رژیمهای جنایتکاری چون صدام حسین باشد. امتی که این‌گونه برجسته‌ترین پایگاه شیطان بزرگ را در منطقه خاورمیانه از چنگ او به در آورده، باید منتظر توطئه‌های رنگارنگ شیطان بزرگ، چه به صورت تجاوزات خارجی و چه از ناحیه اغتشاشات گروههای داخلی که هیچ‌گاه واقعاً بر ضد آمریکا عمل نکرده‌اند، باشد. لازم به تذکر نیست که هنوز بندهای وابستگی بسیاری چه از لحاظ اقتصادی و یا فرهنگی بر پای مردم مظلوم ما وجود دارد و بایستی با تمام قوا در گسیختن آن اهتمام ورزیم، همان‌گونه که امام در آستانه اقامت در قم فرمودند: «ما اگر بخواهیم استقلال حقیقی به دست آوریم باید سعی کنیم تمامی اشکال نفوذ آمریکا، چه اقتصادی و چه نظامی و چه سیاسی و فرهنگی را از بین ببریم و من امیدوارم که ملت ایران به این مهم هر چه زودتر برسد.»

**والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته**

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

---

۱- اسناد شماره ۵ و ۶

www.takbook.com



## سند شماره ۱

**نسخه اول، قسمت الف (A)** **تاریخ سند: ۱۳۴۵/۵/۲۵، ۱۶ اوت ۱۹۶۶**

**گزارشگر: تاچر، مود** **طبقه‌بندی: سری ـ الف ـ ۸۹: وزارت امور خارجه ـ**

**برای اطلاع: آنکارا، بغداد، لندن، مسکو، راولپندی**

**موضوع: تغییر جهت برنامه خرید تسلیحات نظامی برای ارتش ایران**

خلاصه‌ای از سوابق تلاش آمریکا برای ایجاد روابط تازه با ایران. غیرقابل رؤیت برای اتباع خارجی

خلاصه: عوامل سیاسی، اقتصادی، و نظامی مشترکاً در روابط ایران و آمریکا تقریباً یک بحران ایجاد کرده‌اند، زیرا شاه درصدد برآمده است که برای خرید ارزان با آمریکا چانه بزند، اتکاء خود به آمریکا را کاهش دهد، و خرید تسلیحات نظامی خود را متنوع سازد، و با این اقدام، به سوی نوعی حضور مهم و ناخوانده نظامی شوروی در زمینه تسلیحات سوق داده شده است. شواهد برخی از این تمایلات دیده می‌شوند. با نمایش استقلال بیشتر در سیاست خارجی، شاه در پی بهره‌برداری سیاسی از تنوع تسلیحاتی است. این حرکت مسلماً ادامه خواهد یافت. شاه همچنین به طرز فزاینده‌ای از تلاش آمریکا برای کنترل هزینه‌های نظامی خود خشمگین شده است. او معتقد است که در تشخیص و تعیین خطر و اختصاص امکانات برای مقابله با آن خطر (که به نظر وی عبدالناصر است تا روسها) باید مسئولیت نهایی تصمیم‌گیری را داشته باشد. چنین نگرشی در آینده آشکارتر خواهد شد.

با توجه به اقتصاد شکوفای ایران، بالا رفتن عظیم اعتبار شاه در ایران، و موفقیت کلی او در برانداختن تظاهرات، شاه می‌خواهد به یک رابطه نظامی نزدیک با سودمندی متقابل با آمریکا، ادامه دهد. مدارک نشان می‌دهد که در امکان حفظ انحصار آمریکا بر تسلیحات نظامی ایران باید قویاً شک و تردید نمود، مگر با ارائه شرایطی فوق‌العاده جالب که ما هم در موقعیتی نیستیم تا چنین شرایطی را فراهم سازیم. ولی سوابق همچنین نشان می‌دهد که تلاشهای فراوان دیپلماتیک در جهت خنثی کردن گرایش مهم به شوروی، مؤثر و تا حدودی نیز موفقیت‌آمیز بوده است. «بررسی سالیانه» که با توجه به یادداشت تفاهم ۱۹۶۴ تهیه شده بود مجدداً ارزشیابی خواهد شد.

تلاش در جهت قید صریح وتوی آمریکا بدون شک منجر به یک انفجار عمده در روابط ایران و آمریکا خواهد شد، خواه بلافاصله و خواه در زمانهای بعد. یک نتیجه‌گیری از این بررسی این است که کمی تنوع در خریدهای تسلیحات نظامی ایران به سود منافع دراز مدت سیاسی آمریکا خواهد بود. به طور کلی چنانچه رهایی شاه از صمیمیت فراوان کنونی با آمریکا به افراط نگراید، گرایش جدید او برای ما فواید قطعی خواهد داشت.

۱ـ زمینه و انگیزه‌ها: تغییر در جهت‌گیری‌های ایران از ژوئن ۱۹۶۵ آغاز گردید، که شاه از اتحاد شوروی بازدید نمود و در آنجا پیشنهادی را پذیرفت که منجر به توافقی جهت احداث یک کارخانه ذوب آهن در ایران در ازاء دریافت گاز طبیعی گردید. این موافقت‌نامه با استقبال فراوان در ایران روبرو گردید و این استقبال هم ادامه دارد. موافقت‌نامه، موفقیت شاه را که بسیاری از ایرانیان وی را بیش از حد وابسته به ایالات متحده می‌دانستند، بالا برد. سپس بحران هند و پاکستان در سپتامبر ۱۹۶۵ شاه را متقاعد ساخت که ادامه وابستگی انحصاری به ایالات متحده در زمینه خرید تسلیحات نظامی ممکن است، وی را به همان سرنوشتی دچار سازد که متحد وی پاکستان به آن گرفتار شده بود، و مصمم شد آزادی عملی را به دست

www.takbook.com



آورد که به نظر وی طبق یادداشتهای تفاهم ۱۹۶۲، ۱۹۶۴ با ایالات متحده از آن برخوردار نبود. چه در این یادداشتها ایالات متحده به طور ضمنی انحصار تدارک و کنترل میزان تأسیسات نظامی و مخارج نظامی ایران را به دست آورده است. بهبود چهرهٔ اقتصادی ایران در اواخر ۱۹۶۵ نیز به این تصور شاه که می‌تواند روابط نظامی خود با ایالات متحده را بر پایه جدیدی قرار دهد، کمک کرد. خصوصاً وی به طور غیر مستقیم دست به این کار زد، زیرا در عین سعی در حفظ اساس روابط خود، مسئولیت هر نوع تغییر مهم را هم به گردن ایالات متحده انداخت.

۲ـ یادداشتهای تفاهم: هنگامی که یادداشت تفاهم اصلی در ۱۹۶۲ منعقد گردید فلسفه آن تا آنجا که به ایالات متحده مربوط می‌شد این بود که در ازاء یک تعهد پنج ساله برای تحویل سلاحهای نظامی، در تعیین برنامه‌های آینده نه تنها با توجه به عوامل نظامی، بلکه با در نظر گرفتن تواناییهای اقتصادی ایران، ما نوعی حق رأی به دست می‌آوریم. یادداشت ۱۹ سپتامبر ۱۹۶۲، با قید این شرط مورد موافقت شاه قرار گرفت که چنین برداشت می‌شود که اگر تحولات بین‌المللی به صورتی در آید که خطر غیرقابل پیش‌بینی در حال حاضر برای ایران ایجاد کند، این برنامه ممکن است مورد تجدید نظر قرار گیرد. این موافقت‌نامه دو سال ادامه یافت. در سال ۱۹۶۴* اجباراً اصلاح گردید تا زمینهٔ لازم را جهت مدرنیزه کردن نیروهای مسلح ایران فراهم سازد، منجمله افزایش نسبی در میزان آنها که متضمن خرید سلاحهای آمریکایی بیشتر، تحت برخی شرایط معین، به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار از طرف ایران بود.

این شرایط متضمن پیش‌بینی یک بررسی سالیانه بود تا «پیشرفت و اجرای این تفاهم فی‌مابین و رابطهٔ آن را با برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران بررسی نماید. که این شامل» یادداشت تفاهم ۴ ژوئیه ۱۹۶۴ می‌شد که در آن از «یک بررسی مشترک در زمینهٔ یک بررسی مشترک در زمینه تأثیر خریدهای نظامی بر روی موازنه پرداختها و وضعیت بودجه ایران صحبت شد. بدین ترتیب، یادداشت ۱۹۶۴ از یادداشت ۱۹۶۲ محدودتر به نظر می‌رسد. دست کم تا آنجا که به ایالات متحده مربوط می‌شد، مفهومی ضمنی در این یادداشت وجود داشت که عبارت از بررسی مشترک» حق اعمال نوعی کنترل بر روی مخارج نظامی ایران را به ایالات متحده خواهد داد، اگر چه این سند فاقد هرگونه اشاره‌ای که دال بر اینکه شاه هرگز چنین برداشتی از این عبارت داشت، می‌باشد. اگر چنین برداشتی را داشت، وی بدون شک آن را تجاوز به حق حاکمیت ایران تلقی می‌کرد، که می‌بایست به طور موقت پذیرفته شود تا بتواند سلاحهای نظامی را که برای دفاع از کشورش حیاتی می‌دانست، به دست آورد.

به هر حال، تعهد پنج‌ساله جدید ناشی از یادداشت ۱۹۶۴ عملاً فقط کمی بیش از یک سال دوام یافت.

لازم به توجه است که در رابطه با امضاء یادداشت ۱۹۶۴، وقتی شاه شرطی را وارد کرد مبنی بر اینکه «بایستی دسترسی به منابع افزایش یابد و مخارج اضافی را ممکن سازد»، منظور وی به دست آوردن گردان دوم هاک (از محدود بودن به یک گردان، ناراضی بود)، یک ایستگاه رادار در خلیج فارس، و «یک یا

---

* لازم به تذکر است که در اوائل ۱۹۶۴ وقتی شاه از نارسائی‌های موافقتنامه ۱۹۶۲ گله داشت، به رئیس جمهور نوشت:

«آقای رئیس جمهور، در نامه خود به شما مایلم در مسایل مورد علاقه طرفین با کمال صراحت با شما حرف بزنم، اگر ایالات متحده در چنان وضعی نیست که علاوه بر برنامه پنج ساله نیازهای روشن و فوری نظامی ما را جهت ایفای وظایفمان برآورده سازد، من فکر می‌کنم ممکن است بصلاحمان باشد ترتیبی بدهیم تا نیازهای اضافی خود را، تحت شرایط مناسب، از ایالات متحده آمریکا یا جای دیگر خریداری کنیم»، (تأکید از ماست).

www.takbook.com



احتمالاً» دو اسکادران از هواپیماهای جنگنده مدرن بود، مثلاً، تغییر هواپیماهای موجود از اف ـ ۵ الف به اف ـ ۴ سی، یا هواپیماهای پیشرفته‌تر دیگر (خلاصه NEMCON در تهران ۹).

در آن هنگام تصور می‌رفت که یادداشت تفاهم جدید اقدام برجسته‌ای در جهت حفظ موقعیت ایالات متحده می‌باشد، و اینکه جاه‌طلبیها و عدم رضایتهای شاه صرفاً ناشی از بخشی از آرزوی همیشگی او برای دست یافتن به سلاحهای نظامی پیشرفته‌تر است. ولی از دیدگاه کنونی به گذشته می‌توان مشاهده کرد که شاه ایران از همان هنگام امضاء قرار داد، احتمالاً در جستجوی راههایی بود تا هرچه زودتر با ظاهری موجه از این محدودیتها رهایی یابد. او به طرزی فزاینده نگران «خطر ناصر» بود و می‌ترسید که در صورت درگیر شدن با جمهوری متحده عربی (مصر) ایالات متحده به کمک وی نشتابد، و این نگرانی هنگامی افزایش یافت که جمهوری متحده عربی در پاییز ۱۹۶۴ قوای خود را به عراق اعزام نمود. یک سال بعد با پیش آمدن بحران هند و پاکستان نگرانی وی آهنگ تازه‌ای به خود گرفت.

۳ـ اخطار نسبت به مشکلات آینده: در خلال بحران هند و پاکستان در اواخر ۱۹۶۵ و متعاقب آن، شاه چندین بار در گفتگوهای خود از پاکستان به عنوان نمونه کشوری یاد نمود که هنگام گرفتاری با یک همسایه غیر کمونیست از طرف ایالات متحده رها و حتی مجازات گردید. از ایالات متحده گله دارد که با ایران «به عنوان یک مستعمره» رفتار می‌کند، از بهبود اقتصادی کشورش اظهار غرور می‌کند، و توصیه‌های متخصصین امور اقتصادی را که معتقد است در عمل غلط از آب در آمده‌اند، (یعنی، گزارشهای بررسی سالیانه) بی ارزش می‌داند، و از شرایط متداول برنامه نظامی آن موقع، مخصوصاً بهرهٔ تعیین شده برای اولین اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری که برای سال قبل در نظر گرفته شده است، شکایت دارد. شاه مخصوصاً اظهار کرد که قضاوت دربارهٔ احتیاجات واقعی ایران بهتر است در تهران انجام گیرد و اضافه کرد که اگر تصمیم بگیرد که برخی اقلام دیگر تسلیحات نظامی مورد نیاز است: «شما نمی‌توانید ما را متوقف سازید.» او همچنین اخطار کرد که ایالات متحده نباید اجازه بدهد که مسئله تدارک نظامی« به یک معامله کارخانه ذوب‌آهن دیگر تبدیل شود» ـ اولین تهدید آشکار که ممکن است به اتحاد شوروی روی بیاورد (تهران ۶۰۹). سفیر کوشش کرد تا توجه شاه را به منافعی که ایران از توافقنامه‌های ۱۹۶۲، ۱۹۶۴ به دست می‌آورد، متوجه سازد و او را وادار کرد که به اهمیت ادامه آنها اذعان نماید. در تفسیری که در آن موقع به واشنگتن ارسال شد، سفیر گفت که مسئله نرخ بهره در قسمت بعدی موافقت‌نامه ۱۹۶۴ یک مشکل اصلی به نظر می‌رسد، «اگر یک ۴٪ تعیین کنیم، حرکت شاه را برای خرید تسلیحات نظامی از جای دیگر کند خواهد کرد (ولی متوقف نخواهد کرد). اگر بر روی نرخ ۵٪ تکیه کنیم خرید از جای دیگر تشدید خواهد شد (تهران ۶۱۱).

۴ـ اخطار نوامبر ۱۹۶۵: بدون اطلاع یا مشورت قبلی هیئت مستشاری نظامی آمریکا، شاه در ۹ نوامبر ۱۹۶۵ به دولت دستور داد تا لایحه‌ای را به مجلس ببرند که به موجب آن دولت بتواند ۲۰۰ میلیون دلار دیگر صرف خرید تسلیحات نظامی کند. این عمل نخستین اخطار عمومی شاه به ایالات متحده بود که از این پس می‌خواهد نسبت به احتیاجات نظامی خود به طور یک جانبه تصمیم بگیرد. در گفتگوهای متعدد، روشن شد که شاه خصوصاً نگران این بود که کشورهای مختلف عربی هواپیماهای مافوق صوت (مخصوصاً میگ ۲۱) به دست آورده‌اند و مصمم بود «بر اساس بهترین سلاح و بهترین قیمت موجود صرفنظر از کشور مورد نظر» هواپیمای پیشرفته‌تر و وسائل دفاع هوایی خریداری کند (تهران ۷۰۲). در

www.takbook.com



گفتگویی با سفیر در ۱۱ نوامبر، شاه در مورد عدم کارآیی برنامه‌های آمریکا گله داشت و گفت «تصمیم گرفته شده است» که سلاحهای بیشتری به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار خریداری شود که وی امیدوار بود از آمریکا تهیه شود. ولی ایران با جاهای دیگر نیز وارد معامله خواهد شد (تهران ۷۱۵). هویدا، نخست وزیر، ضمن اشاره به اینکه آمریکا «حق نخستین امتناع» را خواهد داشت گفت «ایران از این می‌ترسد که در صورت بروز اختلاف بین ایران و اعراب، آمریکا و دیگران با توسل به بهانه‌ای نظیر کمک ایران به کردها از کمک به ایران خودداری کنند» ـ به عبارت دیگر با توجه به تجربه کنونی پاکستان، ایران دیگر مایل نیست برای تدارکات تسلیحاتی خود کاملاً به ایالات متحده وابسته باشد (تهران ۷۱۶).

۵ـ تأخیرها و مانورها: کمی قبل از مکالمات خلاصه شده در بالا، اوائل نوامبر به شاه اطلاع داده شده بود که مطالعاتی در زمینه سلاحهای ضد هوایی در آمریکا در دست انجام است و اینکه انتظار می‌رود که تصمیمات قطعی در ماه دسامبر اعلام شوند. در ۱۱ نوامبر او به سفیر گفت که برای اتخاذ تصمیم نهایی خود در مورد بدست آوردن سلاحهای اضافی «شاید» تا آن موقع صبر کند. در ماه دسامبر، علاقه خود را نسبت به هواپیماهای میراژ آشکار ساخت و معتقد بود که با هواپیماهای میگ ۲۱ برابری می‌کنند. او به دریافت هواپیماهای اف ـ ۴ سی علاقه‌مند بود ولی فکر می‌کرد که خیلی گران تمام خواهند شد (تهران ۹۲۹). در ژانویه ایالات متحده تصمیم گرفت که یک هیئت تحقیقاتی نظامی به ایران اعزام نماید. در همین اثناء شاه افسر رکن پنجم خود، تیمسار سپهبد حسن طوفانیان را به اروپا فرستاد تا در مورد امکانات وسائل نظامی آنجا به جستجو بپردازد. این عمل از ما پنهان نگه داشته نشد، ولی نتایج این سفر با هیئت نظامی ما در میان گذاشته نشد.

در ماه ژانویه شاه همچنین مبارزه‌ای را جهت افزایش درآمدهای نفتی از کنسرسیوم آغاز نمود و به سفیر گفت که «اگر درآمدهای نفتی آن‌طور که انتظار می‌رود (از طریق برخی طرحهای یکجانبه توسط ایران) افزایش نیابد، وی ممکن است مجبور شود که تغییر جهتی به سیاستهای ایران منجمله خریدهای نظامی بدهد» (تهران ۱۰۴۰). در اواخر فوریه، شاه در نامه‌ای از اطریش که تعطیلات خود را در آنجا می‌گذرانید، به رئیس جمهور نوشت «منافع ملی ما اقتضاء می‌کند که در آماده کردن خود برای مقابله با هرگونه تهدید، وقت را از دست ندهیم و با ارز خارجی محدود خود سلاحهای نظامی مورد نیاز خود را با یک قیمت معقول از ایالات متحده خریداری کنیم، یا درصدد پیدا کردن فروشندگان دیگری باشیم که حاضرند، شرایط بهتری را به ما پیشنهاد نمایند» (تأکید از ماست).

یک هیئت بررسی به ریاست تیمسار سرتیپ پترسون در ۱۶ فوریه وارد تهران شد و تقریباً بلافاصله یک تخمین توافق شده را از تهدید خارجی منجمله «تهدید اعراب» با ژنرال طوفانیان امضاء کرد. و این اقدامی بود که سفارت را آشفته ساخت ولی شاه را خوشحال نمود، ولی این اقدام به هیچ‌وجه فشار بر روی ایالات متحده را کاهش نداد. تا هنگام خروج هیئت در سوم مارس چنین به نظر می‌رسید که نیازهای اساسی شاه را می‌توان به همان ۲۰۰ میلیون دلاری که از تصویب پارلمان گذشته است محدود ساخت، اگرچه برای همین کار فشار شدیدی بود و انجام آن نیز تا حد زیادی به شرایط مالی بستگی داشت. در این ضمن شاه علناً فشار خود را افزایش داد تا آن قیمتها و منابع تأمینی را به دست آورد و احساس می‌کرد که ناچار به کسب آنها می‌باشد، تا زمینهٔ امتیازات سیاسی را از لحاظ کسب یک حالت مستقل‌تر که بدون شک در صورت به دست آوردن مقداری سلاح از شوروی که قبلاً در آن زیان برای خود تصور می‌کرد،

www.takbook.com



فراهم سازد.

۶ـ شاه خود را به زور وارد می‌کند: در نطقی خطاب به نمایندگان مجلس در اول مارس، شاه آزادی مانورهای خود را محدود ساخت و علناً اعلام نمود، اگر درآمدهای نفتی ایران تا حد رضایت وی افزایش نیابد «ما چاره‌ای جز این نخواهیم داشت که احتیاجات خود را از بازارهای جدید به دست آوریم.» وی اعلام کرد، «ما از هیچ‌کس دستور نمی‌گیریم و تحت نفوذ هیچ‌کس نیستیم، خواه در زمینه نظامی و خواه در زمینه اقتصادی. اکنون ما خواهیم دید که درآمدهای نفتی‌مان چقدر است و شرایط گردش کالاها چیست، خواه نظامی و خواه غیر نظامی. آن‌گاه مطابق با عالی‌ترین منافع ایران عمل خواهیم کرد. البته من ترجیح می‌دهم از کالاهایی استفاده کنیم که با آنها آشنا هستیم، ولی به شرط اینکه شرایط برای ما قابل قبول و قابل عمل باشند» (تهران ۱۱۸۱).

با لحنی که می‌توان آن را یک اشاره سربسته به مفاهیم ضمنی گزارش سالیانه دانست، شاه علناً به اقتصاددانان خارجی شدیداً حمله کرد.

با توجه به این نطق و نشانه‌های متعدد دیگر، ما نظر دادیم «روشن است که از سرگرفتن کمک ایالات متحده به ناصر علیرغم تأخیر وی در خروج از یمن، و گزارشات مربوط به کمک نظامی بیشتر ایالات متحده به یونان و ترکیه متعاقب سفر مگ ناگتون به این دو کشور با چشم پوشی از ایران، همگی این احساس شاه و زیردستان عالی‌رتبه وی را تشدید کرده‌اند، که ایالات متحده بار دیگر تصمیم گیرنده دولت ایران فرض شده است و اینکه نگرشی مبتنی بر «پاپا بهتر می‌داند» ایالات متحده در قبال نیازهای نظامی ایران توهین آشکاری به شئون ملی ایران است، و ایران برای خرید نیازهای دفاعی خود از امکانات لازم برخوردار است، و تعقیب سیاست کنونی موازنه پرداختها از طرف ایالات متحده پیشرفت چشمگیر اقتصادی ایران را به مخاطره می‌اندازد، و اینکه بهترین راه معامله با عموسام درست کردن یک جو عمومی است»

(تهران ۱۱۸۵). سفیر نسبت به خطرات علنی ساختن مسئله خریدهای نظامی اعلام خطر کرد، و آرام، وزیر امور خارجه، که به نظر می‌رسید نقش یک «آدم سر به راه» از طرف شاه به وی محول شده است، مشتاقانه این موضوع را پذیرفت و گفت درست در همان روز این نکته را به شاه خاطر نشان کرد. در یک اخطار نسبتاً گستاخانه، سفیر گفت اگر آنچه که ایالات متحده انجام می‌دهد کافی نیست، چنانچه ایران بخواهد سیاست خود را «تغییر جهت دهد» ما هیچ کاری را نمی‌توانیم بکنیم، ولی به عقیدهٔ وی در آن صورت ایران بیشترین سختیها را متحمل خواهد شد (تهران ۱۱۹۴).

اگر اشاره‌ای لازم می‌بود تا نشان بدهد که بررسی سالیانه به طور کل با واقعیتهای روابط ما با ایران دیگر تناسبی نداشت، شاه در ۱۴ مارس در یک گفتگو با سفیر چنین اشاره‌ای را آشکار ساخت. زیرا گفت فوریت مسئله خرید اسلحه رو به افزایش است،« لازم نیست که به علت بررسی سالیانه در آن تأخیر شود.» وی گفت که اظهارات علنی‌اش جنبهٔ «بلوف، تهدید یا باج خواهی» ندارند. او با کنایه ارزش یک میگ را که می‌گفت با قیمتی حدود ۶۰۰۰۰۰ دلار قابل خریداری است، با آنچه که برای یک اف ـ ۴ سی شنیده بود، یعنی بین ۳۰۰۰۰۰۰، ۳۵۰۰۰۰۰ دلار مقایسه کرد. سفیر بار دیگر روشن ساخت که اگر آنچه که ممکن است انجام دهیم کافی نیست،ایران باید در مورد درست بودن تغییر سیاستش تصمیم خود را بگیرد. با اشاره به یادداشتهای تفاهم ۱۹۶۲، ۱۹۶۴ سفیر گفت هرچه که از بررسی پترسون به دست آید

www.takbook.com



تجدید نظر در یادداشت ۱۹۶۴ «و هماهنگی آن با بررسی سالیانه را ایجاب خواهد کرد.» چنین به نظر می‌رسد که شاه از موضع خود عقب نشست و با بی میلی روش طرح شده از طرف سفیر را پذیرفت، ولی این مذاکرهٔ جنجالی بود که ضمن آن چنین به نظر می‌رسید که شاه ایران مایل است مسئولیت وقایعی را به ما نسبت دهد که در آمریکا اتفاق خواهد افتاد. در یک گفتگو با هاری سفیر آمریکا در ماه آوریل، شاه بار دیگر اخطار کرد که ایالات متحده نباید اجازه بدهد که مسئله تدارک نظامی به «یک معامله کارخانه ذوب آهن دیگر» تبدیل گردد ـ تهدید (یا پیش بینی) دیگر که ممکن است به شوروی روی بیاورد.

۷ـ پیش به سوی شکست: بعد از اینکه هیئت پترسون رفته و گزارش خود را آماده می‌کرد، رئیس جمهور به نامهٔ شاه جواب داد و نیز با اشاره برآورد هیئت را ارائه کرد. در آن نامه اشاراتی به بررسی سالیانه آمده بود، به این ترتیب علاقهٔ ما به ادامهٔ کنترلهای اقتصادی روشن شد، همچنین نقش مک نامارا در به وجود آوردن ابزارهای تحلیلگر انقلابی در برآورد عوامل مؤثر در قیمت‌گذاری برای استفاده در شرایطی که اتخاذ تصمیم بسیار پیچیده است یادآور شد. احتمال می‌رود که یادآوری دوم باعث جلب توجه شاه شده باشد، زیرا او جریان را به سادگی مسئله میزان علاقهٔ ایالات متحده به دوستی با ایران یا شاید هم به کنار داشتن شوروی از تأمین نظامی ایران تلقی می‌کرد. زمانی که گزارش پترسون بالاخره در دسترس قرار گرفت شاه تصور نمود که این سند راهنمای دولت آمریکا شده و لااقل حاکی از ترتیب کلی حجم قیمتهای لوازم آمریکایی که به او پیشنهاد می‌شود خواهد بود.

در این مرحله شکاف بین مواضع ایالات متحده و ایران با سرعت زیادی رو به افزایش گذاشت در حالی که گزارش پترسون هنوز در دسترس نبود، در تمام مدت این مطلب بیشتر واضح می‌شد که شاه انتظار دارد که تلاش فوق‌العاده‌ای را که هنوز اثری از آن مشاهده نمی‌شد، از جانب آمریکا برای باز داشتن او از توسل جستن به منابع دیگر تأمین، انجام دهد. هنگامی که دولت ایران، آمار خواسته شده برای گزارش سالیانه را ارائه داد، آشکار بود که در درآمد آنی اعلام شده اغراق شده بود، تا نشان دهد ایران توانایی خرید تجهیزات نظامی که خواستار آن بود را دارد، و در واقع ما محرمانه اطلاع یافته بودیم که هنگامی که شاه ارقام ارائه شده توسط بانک مرکزی را ملاحظه کرد «درخواست کرده بود که بعضی از تخمینها تغییر داده شود» (۷۳۸ ـ A). سفارت در گزارش به وزارتخانه اظهار کرده بود «اگرچه ایالات متحده منطقاً تحریف منابع ایران در خریدهای نظامی را نمی‌پسندد، ولی به هیچ طریق امید نمی‌رود بتوان شاه را قانع نمود که نیازی به ایجاد آنچه او تشکیلات دفاعی کافی برای حفاظت از تأسیسات حساس بی‌دفاع در جنوب کشور می‌پندارد نیست (تأکید از ماست).» این شرح محدودیتهای شدیدی بود که در حوزهٔ آن، برنامهٔ بررسی سالیانه می‌بایست برگزار شود تا نیازهای رسمی یادداشت تفاهم ۱۹۶۴ را رفع نماید.

برای کمک به روشن شدن سیاستهای مورد لزوم وضع ناهنجار آینده برای آگاهی افکار سیاستمداران عالی‌رتبه واشنگتن در اواسط ماه مه سفیر اجازهٔ بازگشت به ایالات متحده را دریافت کرد. او خصوصاً بر اهمیت قیمتهای معقول برای اف ـ ۴ها تأکید کرد. این موضوع مورد علاقه بود و مرتب ورد زبان ایرانیها شده بود (که آن را با نرخ رایج ۲/۵٪ پیشنهاد شده روسها مقایسه می‌کردند). از دیگر موارد تأکید جنبهٔ سیاسی این است که به شاه نشان داده شود که ایالات متحده دوستی او را مفروض قرار نمی‌دهد. سفیر با رئیس جمهور مک نامارا و دیگر مقامات پنتاگون و البته با وزیر خارجه و زیر دستان صاحب مقامش دیدار کرد. او نقشی که آژانس عمران بین‌المللی، علیرغم قطع عملی کمکهای اقتصادی آمریکا به ایران، در

www.takbook.com



مذاکرات ایفا می‌کرد، خاطر نشان ساخت و علاوه بر آن این نقطه نظر مطرح شد که ایالات متحده می‌تواند به طریقی معین نماید ایران چه نسبت از درآمدش را باید صرف جنگ‌افزار ارتش کند. در عین اینکه در دوران اقامتش در آنجا هیچ تصمیم نهایی اتخاذ نشد ولی به نظر رسید که اختلاف بین واشنگتن و منطقه کمتر شده بود.

در موقع بررسی سالیانه در ۲۵ مه سفارت هنوز ارقام قیمتهایی که می‌تواند به شاه بدهد در اختیار نداشت، اما تمایل کلی از جانب ایالات متحده برای دادن یک اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری با نرخ متوسط بهره بین ۵، ۶٪ به شاه، اظهار شد. سفیر با پافشاری و ذکر مقدار قابل ملاحظه‌ای از جزئیات، امتیازاتی را که هنوز ایران را در خرید از آمریکا برخوردار می‌کند یادآور شد، امتیازاتی از قبیل اقلامی که هنوز مراحل تولیدی را می‌گذرانند و استفاده از کمکهای که اگرچه کاهش یافته‌اند ولی هنوز متشابهند. و دیگر اعطاییها، شاه این سؤال را مطرح کرد که آیا ممکن است اگر ایران قربانی یک اقدام نظامی ناصر بشود، آمریکا تأمینات ایران را قطع کند، همین‌طور که دربارهٔ پاکستان چنین کرده بود. سفیر خاطر نشان کرد که نمی‌توانست چنین تضمینی را بدهد. شاه پرسید که اگر او از منابع غیر آمریکایی هم بخواهد خرید کند چه اثری بر ارسال لوازم از جانب ایالات متحده خواهد داشت؟ مطابق با دستورات به او گفته شد که چنین خرید خارجی بر حجم اعتبارات ایالات متحده مؤثر خواهد بود. شاه علاقهٔ مخصوص خود را به سیستم کنترل و اعلام خطر هوایی بلوشارک و هواپیماهای اف ـ ۴ ابراز داشت، اما آشکارتر دربارهٔ خواستهایش در زمینهٔ تجهیزات دفاع ضد هوایی ساکت‌تر بود (تهران ۱۹۵۹).

بخش اقتصادی بررسی سالیانه به سرعت انجام شد. سفیر غیر واقعی بودن بعضی تخمینها را گوشزد کرد، تخمین‌هایی از قبیل ۱۷/۵٪ افزایش درآمد نفت، کسری بودجه‌های پیش بینی شده نسبتاً زیاد برای سالهای آینده، افزایش نسبت خریدهای نظامی به ۷٪ درآمد تولید سالیانه، و هزینه کمرشکن خدمات وام دهی. شاه تمام این نگرانیها را کنار گذاشت و دربارهٔ خط لوله گاز به اروپا و دیگر طرحهای قرضی صحبت کرد و به سرعت به مسئله تمدید نظامی ثروتهای نفتی ایران بازگشت. در گزارش سفیر آمده است: «شاه موافقت کرد که من خلاصهٔ اطلاعات اقتصادی آژانس عمران بین‌المللی در آمریکا را به نظر نخست وزیر و مقامات بالای اقتصادی برسانم، این موضوع را تحت تجدید نظر و مذاکره مداوم نگاه داریم» (تهران ۱۹۵۴). بعد به عنوان تیری در تاریکی شاه صحبت را با اشاره به علاقهٔ شوروی به فروش میگ به ایران خاتمه داد. (جای دیگر قبلاً به طور غیر عمدی احتمال خرید تانکهای روسی را عنوان کرده بود). به زودی بعد از آن جلسه شاه عازم یک سفر یک ماهه به رومانی، یوگسلاوی و مراکش شد. قبل از ترک کشور، وی گفت اگر ایالات متحده نخواهد نیازهای او را تأمین کند، او اول به انگلیسیها، بعد به فرانسویها و اگر لازم شود به روسها روی خواهد آورد. او اضافه نمود که امیدوار است در آن صورت هیچ ناراحتی در کار نباشد.

۸ ـ اوضاع به اوج ناامیدی می‌رسد: زمانی که ارقام قیمتها و اطلاعات مربوط به فراهم بودن اقلام نظامی در اوائل ژوئن در دسترس قرار گرفت آنها شامل بعضی مطالب انفجارآمیز بودند. قیمت یک اسکادران اف ـ ۴ سی که هیأت پترسون ۳۲ میلیون دلار تخمین زده بود، ۵۰ میلیون دلار رسیده بود. بلوشارک از ۲۲/۸ به ۳۲ میلیون دلار افزایش یافته بود، تانکهای شرایدن که بنا به تخمین پترسون ۵۲ میلیون دلار بود به ۸۷/۳ میلیون دلار رسیده بود. یک گردان هاواک به جای ۳۰/۵ میلیون، ۴۰ میلیون

www.takbook.com



دلار و قیمت ولکان (توپخانه ضد هوایی) به جای ۱۵ میلیون ۴۰ میلیون دلار ثبت شده بود. معلوم بود که جای دادن «تمام نیازهای تعیین شده در یک اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری عملاً یک امر غیر ممکن بود. نخست وزیر هویدا گزارش داد که شاه در مواجهه با اوضاع، همان‌طور که ژنرال طوفانیان به او رسانده بود، آن را ناامید کننده» نامید، به علاوه قیمت‌گذاری و چیز دیگری که باعث برافروختن شاه شد. این بود که آمریکا به جای دو اسکادران ۱۴ تایی هواپیماهای اف ـ ۴ سی، فقط یک اسکادران ۱۲ تایی به او پیشنهاد می‌کرد. او هزینهٔ برنامهٔ تحقیق و توسعه‌ای را که آمریکا برای ایران ارزیابی کرده بود به باد حمله گرفت. نخست وزیر اظهار داشت که اصلاً فکرش را نمی‌شد کرد که شاه با شیطان بخوابد (منظور شوروی است) اما در کمال ناامیدی این امر ممکن بود اتفاق بیافتد. سفیر اخطاریهٔ تندی دربارهٔ عواقب اجتناب‌ناپذیر روی آوردن ایران به روسها صادر کرد (۱۶۸۳).

در ۲۷ ژوئن شاه به تهران بازگشت. در ۲۹ ژوئن سفیر و ژنرال چایکونسکی را نزد خود خواند و مواضع خود را مشخص کرد. او می‌خواست «کشنده‌ترین و حساس‌ترین» لوازم را از ایالات متحده بخرد و مخصوصاً نمی‌خواست هواپیما را از روسها بخرد به این دلیل که «همین که یک خلبان به پرواز در می‌آید او از کنترل خارج است و در واقع می‌تواند به ضد کشورش تبدیل شود». از طرف دیگر تجهیزات ضد هوایی که چندان امکان سوءاستفاده‌ای در آنها نیست از جای دیگر شاید از شوروی می‌شد خریداری شود. سفیر دربارهٔ گرفتاریهای اجتناب ناپذیری که متعاقب خواهند بود هشدار داد. در اینجا شاه شروع به توجیه و تغییر نظرها کرد و گفت که او باید «آزادی عمل» داشته باشد و آمریکا باید به ایران که در قضیه ویتنام با آمریکا بوده است، اعتماد کند و ما باید بفهمیم که او با اتخاذ یک موضوع «مستقل» واقعاً فعالیتهایی را که موجب بی ثباتی منطقه می‌شود بی اثر خواهد کرد. این مذاکرهٔ مشکل با این درخواست شاه تمام شد که او را دربارهٔ عواقب روی آوردن او به شوروی مطلع سازیم، تا او بتواند ترتیبات دیگری را نیز همین حالا به جای آینده اتخاذ کند. شاه نشان داد که او هنوز امیدوار است که بتواند دو اسکادران اف ـ ۴ سی به علاوهٔ بلوشارک و دیگر لوازم را از آمریکا بخرد.

۹ـ درگیری علنی: در دو مصاحبه با روزنامه نگاران آمریکایی، الفرد فرندلی از واشنگتن پست و توماس اف بریدی از نیویورک تایمز در اوایل ژوئن، شاه شروع به فهماندن این موضوع کرد که او تصمیم گرفته که برای خرید اسلحه از شوروی اقدام کند. این نظر در سودمندترین عبارات برای ایران ارائه شد، ولی به چه قیمتی؟ یکی از نکات این قیمت این بود که در عین حالی که او می‌خواست عکس‌العمل بیشتری از جانب آمریکا را نشان دهد، بیشتر شانس عقب کشیدن را از دست می‌داد.

طی همان هفته ما اطلاع یافتیم که واقعاً اقدام رفتن به‌طرف شوروی انجام گرفته بود. چند تن از نزدیکترین مشاوران شاه شامل بعضی افسران عالیرتبه ارتش نزد سفیر آمدند و اصرار کردند که آمریکا باید برای جلوگیری از یک فاجعه با شرایط جالبتری پا پیش نهد. سفارت طی یک تشریح منطقی اوضاع درخواست کرد که آمریکا باید از یک عکس‌العمل علنی دست بردارد و در رابطه با هواپیماهای اف ـ ۴ کوشش بیشتری انجام گیرد و دیگر آنکه ما باید بین تغییر جهت نظامی که منتهی به روی آوردن به منابع اروپای غربی و یا شوروی می‌شود، تفاوت قائل شویم (تهران ۰۰۳).

مهمترین چیزی که به فکر شاه خطور کرد این پیام بود که او نمی‌توانست به سادگی هرچه می‌خواهد از آمریکا و باقی را از جاهای دیگر که شامل شوروی می‌باشد بخرد. مثلاً علاوه بر عواقب سیاسی، وی

www.takbook.com



می‌بایست محدودیتهای امنیتی را نیز در نظر بگیرد. زمانی که سفیر روز ۵ ژوئیه پیام دریافت شده از علم نخست وزیر سابق را ملاحظه کرد در این مسئله گشایش خاصی حاصل شد. در پیام آمده بود که اگر قیمتهای آمریکا اصلاح شوند، شاه مایل است «بعضی اقلام از لیست مربوط به شوروی را به لیست آمریکا انتقال دهد».

دریافت این پیام علیرغم این بود که سه روز پیش مضامین امنیتی را مورد تأکید قرار داده بود (به عنوان نمونه اگر شورویها اداره کننده موشکهای زمین به هوا در کشور باشند ما نمی‌توانیم هواپیماهای بسیار پیشرفتهٔ اف ـ ۴ سی خود را در اختیار ایران بگذاریم (تهران ۰۳۱) علم طبق معمول سخت تحت تأثیر قرار گرفته بود ولی معلوم بود که تمام نکات پیام را به امیر خود نمی‌رساند. علم اظهار داشت که شاه احساس می‌کند آمریکا با او مانند یک «نوکر» رفتار می‌کند. سفیر اظهار داشت که اطمینان ندارد که شاه مقاصد ما را اشتباه نفهمد و به نظر می‌رسید که نمی‌خواهد گوش فرا دهد، و برای حمله کردن شتاب‌زدگی به خرج می‌داد (تهران ۰۸۰).

به زبان دیگر عوامل روانی بیش از پیش اهمیت پیدا کردند. ما از علم شنیدیم که شاه از یک شایعه (بی‌پایه) آزرده شده بود، شایعه این بود که ایالات متحده سیاستمداران شایسته را تشویق به این فکر می‌کرد که ما ممکن است برای برهم زدن اوضاع، آنها را به قدرت برسانیم. از علم این زمزمه را شنیدیم که به نظر می‌رسید ایالات متحده بعضی از اشخاص را برای عملیات احتمالی «رزرو» نگه داشته است، که اشاره‌ای به دانشجویان ناراضی ایرانی در ایالات متحده بود، شاه در یک مذاکره با سفیر حتی گفت که به ضرر منافع ایالات متحده خواهد بود اگر او مجبور شود بعضی از مقامات امنیتی خود را از نظارت بر روسها به نظارت فعالین در ایران بگمارد. از طرف دیگر گزارشاتی دریافت کردیم که شاه بعد از اتخاذ یک تصمیم اساسی دیگر حالت بیقراری که وزنه‌ای از سر او برداشته باشند. دیگر توپ در زمین او نبود. در یک مذاکره در ۱۱ جولای، او به سفیر گفت با اقدام به سوی روسها او دیگر نمی‌توانست حرف آنها را نشنیده بگیرد. حتی اگر آمریکا پیشنهاد پر امتیازتری ارائه کند، زیرا آن گاه او را یک «عروسک» محسوب خواهند کرد. البته این استدلال می‌تواند موقعی درست باشد که پیشنهادی از جانب شوروی دریافت شود و آن وقت شاه لااقل قسمتی از آن را نپذیرد.

۱۰ـ کوششهای بیشتر: قبلاً زمانی که سفیر اشاره کرده بود که ملاحظات امنیتی خود به تنهایی ایالات متحده را ناگزیر به عمل خواهد کرد، که اگر ایران برای تجهیزات نظامی روی به شوروی بیاورد از دادن اقلام معینی خودداری خواهد شد.

طبق معمول عکس‌العمل شاه چنین بود که اینها «بهانه‌هایی» بیش نبودند (به عنوان نمونه تهران ۱۴۵). مثلاً او چنین اخطارهایی را توجیهات قبلی برای تلافی سیاسی آینده تلقی می‌کرد. وقتی که رئیس جمهور در اواخر جولای نامهٔ دیگری به شاه نوشت که سفیر آن را تسلیم کرد، فرصت دیگری پیش آمد تا نکتهٔ مورد نظر ما مفهوم گردد. در پی آن یک مذاکره دربارهٔ جنبهٔ امنیتی که رئیس جمهور با وضوح تمام با اشاره به و با ذکر اینکه دولت آمریکا همیشه می‌تواند «بهانه» پیدا کند، یک بار دیگر سعی کرد تا آن را نادیده بگیرد. در نتیجه سفیر مدادی برداشت و به شاه نشان داد که چگونه سیستم کنترل و اعلام خطر هوایی باید مرتبط به هرگونه موشک زمین به هوا و دفاع شکاری هردو با هم باشد، چگونه چنین هماهنگی می‌تواند تنها در صورت بودن مرکزی که کنترل مؤثر داشته باشد، و چگونه چنین مرکزی از قرار معلوم بخشی از

www.takbook.com



سیستم حساس بلوشارک که شاه خیلی روی آن اصرار می‌ورزید، ناچاراً در دسترس کسانی که موشکهای سام را اداره می‌کنند خواهد بود. این دفعه به نظر رسید که مقصود حالی شد، و موقعی که شاه با ضعف جواب داد «در سرتاسر کشور تکنسینهای روسی را در یک محوطهٔ بسته نگاه خواهیم داشت»، آشکار بود که او بالاخره فهمید آن‌طور آسان که او فکر می‌کرد نمی‌توان تجهیزات نظامی روسی و آمریکایی را به سادگی با هم مخلوط کرد یا اینکه از هم جدا نگهداشت.

دیگر نکات اساسی نامهٔ رئیس جمهوری عبارت بودند از اینکه ما مشغول تجدید نظر در قیمت و تاریخ واگذاری دو اسکادران (در عوض یکی) اف ـ ۴ هستیم، و اینکه اگر ایران بخواهد ترتیبات نظامی با اتحاد شوروی داشته باشد نه تنها ملاحظات فنی، بلکه سیاسی هم ما را با مشکلات جدی در ادامهٔ کمک نظامی به ایران مواجه خواهد ساخت، و شاید از همه مهمتر اینکه ما قصد این را نداریم که یک موضع همه چیزی یا هیچ چیزی را اتخاذ کنیم. در یک جمله که به دقت طرح شده و آشکارا در شاه مؤثر واقع شد و باید با خواندنش نفس راحتی کشیده باشد. این طور آمده بود که «اگر ایران برای اسلحه به کشورهای کمونیست روی آورد، ما آنقدر کوته بین نخواهیم بود که از روابط نزدیکمان چشم پوشی کنیم، اما من جداً از ضربه خوردن به کمک نظامیمان خوف دارم» (یک گفته شاه در تمام مذاکره بدین مضمون که ظاهراً ایالات متحده با «چمدان بسته و بلیطهای درجه یک» آماده ترک ایران است، نشان می‌دهد که او چقدر بایستی نگران شده باشد که خرید از شوروی نه تنها «ضربه خوردن» بر برنامه‌های ما، بلکه شاید قطع کامل آن را به دنبال می‌آورد). با این همه، در عین اینکه شاه گفت هیچ‌گونه شرایطی از جانب شورویها از قبیل اخراج هیئت نظامی خودمان، بیرون کشیدن از سنتو یا حتی جای دادن تکنسینهای روسی در ایران را قبول نخواهد کرد، به نظر رسید که فکر می‌کند باز باید بعضی خریدها از شوروی انجام شود. حتی اعتقاد داشت که شاید با معامله با شورویها بتواند کوششهایشان را برای ایجاد یک بلوک به اصطلاح «مترقی» متشکل از کشورهای خاورمیانه قطع کند. (تهران ۳۶۵).

اینک یک حرکت جزئی خلاف جریان در حال جلب توجه کردن است. روشن بود که یک ماه بعد از اقدام ایران به طرف شوروی، چندان جواب صحیحی دریافت نشده بود. شورویها به نظر می‌رسد فقط کلی‌ترین جواب را ارائه داده بودند و آشکارا قصد عقب کشیدن خود را داشتند. به تدریج شواهدی به دست آمد که طرح معاملهٔ اسلحه با شوروی آن چنان که شاه انتظار داشت مورد پسند واقع نشده بود و زمزمه‌هایی حتی بین ارتش شروع شده بود و مشاوران شاه (شاید به استثنای هویدا نخست وزیر) تقاضای احتیاط می‌کردند. صحبتی هم از انتقال خرید دریایی به انگلیس بود (تهران ۴۹۲) که برای ما قابل قبول و حتی درست بود. بنابه گفتهٔ علم نخست وزیر سابق که شاید نزدیکترین معتمد شاه باشد، شاه اخیراً گفته بود که دخالت دادن بی‌مناسبت شورویها در امور نظامی مانند کنار هم گذاشتن «بنزین و آتش» است. نامهٔ رئیس جمهوری و مذاکرهٔ مفصل در مورد جنبه‌های امنیتی اثر بیشتری می‌کردند. در رأس این جریانات، شواهد مشوش کنندهٔ فعالیتهای ناشایست شورویها، در رابطه با طرح کارخانهٔ ذوب آهن بود. اضطراب جو پایین بود، ولی جریان هنوز حل نشده بود (تهران ۵۴۳).

۱۱ـ حرکت به پیش: در اوایل اوت ایالات متحده آمادهٔ اعلام کردن موضع خود به شاه بود. ما حاضر بودیم تا با خریدهای ایران در محدودهٔ اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری کار را شروع کنیم، اما پیشنهادمان به فروش تجهیزات عمدهٔ حساس و پیشرفته همچنان باید مشروط باقی می‌ماند تا ایران موضع خود را در

www.takbook.com



قبال احتمال خرید از اتحاد شوروی روشن کند. جزییات این جنبه از روی تأمل نامشخص گذارده شد. در حوزهٔ این محدودیت، ما آمادهٔ مذاکرهٔ تمام اقلام نظامی به استثناء ناوشکن که در گزارش پترسون آمده بودند، بودیم. اینک ما پیشنهاد می‌کنیم که ایران بتواند دو اسکادران اف ـ ۴ از «تولید جدید» بخرد، مثلاً در تاریخ جلوتر ولی تقلیل چشمگیری در قسمت داده نشد. از طرف دیگر توافق قیمتی بسته بشود تا هزینه‌های (عرضه و تقاضا) برگردانهای هواپیماهای هاوک رفع شود. از همه مهمتر ایالات متحده هنوز می‌خواست اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری را (با نرخ ۵ تا ۶ درصد) در بخشهای ۵۰ میلیون دلاری ارائه دهد که این امر واریز کردن بهای هر دو اسکادران اف ـ ۴ را غیر ممکن می‌ساخت. همچنین هر بخش هم به نتیجهٔ بررسی سالیانه تحت یادداشت تفاهم ۱۹۶۴ متکی خواهد بود. (آمریکا ۲۳۱۸۳).

این شرط دومی از همه ظریف‌تر بود، مخصوصاً به این علت که دستورات، (آمریکا ۲۳۱۳۴) (تفاهم) عبارتی بدین مضمون را در متمم یادداشت، اقتضا می‌کرد که «به شرط نتایج دو جانبهٔ رضایتمندانه که در تجدید نظر بررسی سالیانه انجام می‌گیرد، تصمیمات قرار بود که با رضایت دو جانبه باشد. ولی این آمریکا را چنان نشان می‌داد که می‌خواهد آنچه را که می‌بایست، به شرطی برای تحقق سالیانه با یکدیگر باشد تبدیل کند»، چیزی که حریصانه به آن قاپ زده شده و به وسیلهٔ آن اقتصاددانان ایالات متحده با استفاده از نوعی حق و تو تشخیص می‌دهند که آیا ایران بیش از حد خود را محتاج می‌داند یا نه. از آنجایی که ما با این وضع می‌توانستیم اگر بخواهیم شرط «بررسی سالیانه» توافق نامهٔ ۱۹۶۴ را بدین نحو تفسیر کنیم، به نظر می‌رسید که تجدید نظر پیشنهادی بی‌جهت باعث ضرر بود، و سفارت درخواست کرد (تهران ۵۷۰) که «این حساس‌ترین جانبه است و مستلزم استفادهٔ ایران از حق حاکمیت خود است که چه چیزی را در راه دفاع خود بدهد.

مذاکره کردن بر سر این نکته... بی جهت مشوق برانگیخته شدن خواهد بود. حتی اگر شاه به دلایل تاکتیکی بخواهد اصلاح پیشنهادی را بپذیرد. باز هم مسئله موجب دشمنی عمیق خواهد بود و تخم اشکال را در آینده خواهد کاشت. وزارتخانه موافقت کرد که مسئله می‌تواند شفاهاً عنوان شود (آمریکا ۲۳۹۹۱)، و بدین وسیله از یک انفجار عمدهٔ حتمی اجتناب ورزید.

موضع جدید ایالات متحده در ۱۰ اوت توسط سفیر مایر و معاون قائم مقام وزارت دفاع هوپز به اطلاع شاه رسانیده شد. مطابق دستورات، از بین نکات بر ادامهٔ اهمیتی که ما برای بررسی سالیانه قائل می‌شویم تأکید کرد. هم‌چنین توضیح داده شد که ما نگران این هستیم که سفارشات ایران بیش از اندازه باشد و اینکه تدارکات در حوزهٔ اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری تحت تأثیر محتوای خریدهای نظامی بخشی از کشورهای جهان سوم قرار بگیرد. نکات بسیار زیاد دیگری نیز مورد اشاره قرار گرفتند. شاه صمیمی بود و گفت در عین اینکه شورویها به روی آوردن او «در کل» پاسخ مثبت داده بودند، «نمی‌خواست از ما پنهان کند که آنها چندان اشتیاقی نشان ندادند.» او عقیدهٔ خرید تعدادی سام از روسها را کنار نگذاشته بود و هنوز اظهار می‌داشت که می‌شود آنها را با تجهیزات پیشرفتهٔ آمریکایی در کنار داشت. اما تحت تأثیر این بحثها قرار گرفته بود که می‌تواند کاملاً فکر موشکهای زمین به هوا را، چه هاوک و چه اس A ـ ۲ را کنار گذارد، و اشاره کرد که موشکهای نوع دوم در جنگهای ویتنام عدم کارایی خود را نشان دادند.

از طرف دیگر وی مصمم بود که چیزی از شوروی بخرد و از «مقداری توپ ضد هوایی، نفر بر زرهی و کامیون» نام برد. از قرار معلوم اینها در دسته‌ای هستند که فراهم آوردن اقلام «اساسی، پیشرفته و حساس»

www.takbook.com



توسط آمریکا را دچار اشکال نخواهند کرد.

بر اساس احتمال، به نظر می‌رسید که تدارکات جدید اعتبار ۲۰۰ میلیون دلار بدین ترتیب توافق شد، اما چند مورد نامشخص همچنان باقی ماند. البته اصلی‌ترین آنها این بود که آیا و به چه میزان ایران باز قصد خرید تجهیزات نظامی از شوروی را دارد؟ دیگر اینکه آیا خرید تجهیزات دریایی از بریتانیای کبیر هم‌زمان با تدارکات اعتبار ۲۰۰ میلیون دلار انجام خواهد شد و در این صورت تأثیر چنین اقدامی بر معامله چه خواهد بود؟ اگر این دفعه ایران خرید موشکهای زمین به هوا را لغو کند مقداری انعطاف ممکن است حاصل شود. معلوم بود که مهمات عادی ضد هوایی از منابع غیر آمریکایی خریداری خواهد شد، و این معقول بود. بالاخره به هر قیمت اساس کار خرید نیازهای ایران از آمریکا خواهد بود، زیرا شاه خیلی نگران آن بود. اما به دلایل سیاسی، خواست او به خرید از منابع غیر آمریکایی و استفادهٔ آمریکا از بررسی سالیانه برای مهار کردن او، مسلم بود که مشکلاتی را در آینده برایش پیش آورد. گذشتهٔ قراردادهای خرید نظامی، و جریان نزدیک به بحران فعلی، این طور نشان می‌دهند که چنین قراردادهایی هیچ‌گاه آن‌طور که در آغاز پیش‌بینی می‌شوند، طول نمی‌کشند.

۱۲ـ استنباطها: وضع مضطربی که در رابطه با فشار فعلی ایران برای خرید نظامی بیشتر پیش آمده است همیشه می‌تواند عود کند، اما در حال حاضر به نظر می‌رسد که تحت کنترل در آمده باشد. در این برهه مفید است که بعضی مضامین سیاسی این جریان را تا آنجا که معلوم شده است، بررسی کنیم. البته لازم نیست که بر روی این واقعیت که ارزیابی‌های ایران و آمریکا برای درجه فوریت تهدید اعراب توجهمان را معطوف بخود سازد، اگر چه شایسته است به طور گذرا به خاطر آوریم (رجوع به بخش ۵ بالا) که تیم بررسی نظامی که مأموریتشان از جانب رئیس جمهور بود، به طور کلی موافقت کردند که «اتحاد سیاسی و فرماندهی مشترک بین مصر و عراق تهدیدی مستقیم و خطرناک برای ایران است».

مهمترین مضمون خیلی ساده این است که روابط بین ایران و آمریکا از زمان یادداشتهای تفاهم ۱۹۶۲ و ۱۹۶۴ خیلی زیاد تغییر یافته است. این قابل فهم است، اینک وضع اقتصادی ایران خیلی بهتر است، و موقعیت داخلی شاه بسیار قوی‌تر است و او به میزان معینی ایران را با جریان ناسیونالیسم آفریقا ـ آسیایی هماهنگ ساخته است. ایران بعد از اینکه توسط ما تقویت شده است مانند بسیاری از کشورهای دیگر اکنون می‌خواهد که بر پاهای خود بایستد. اما هنوز نمی‌خواهد که این مفروض باشد، مثلاً هنوز به عنوان دوست توقع رفتار امتیازآمیز دارد. در این وضعیت امکانات بررسی سالیانه به طور روز افزون از واقعیات روابط امروز آمریکا با ایران به دور می‌افتد. یک رابطه واقع‌بینانه و جامع مستلزم این است که این امر هنگام استناد به توافق‌نامهٔ اصلاح شده ۱۹۶۴ در نظر گرفته شود.

اغلب این سؤال مطرح شده است، هنگامی که شاه تهدید به روی آوردن به شورویها برای اسلحه کرد، بلوف می‌زد یا نه؟ و جنبهٔ دیگر این سؤال این است که آیا هیچ‌گاه آمریکا توانایی منع او از چنین عملی را داشت؟ آیا شکایتهای شاه از آمریکا، نگرانی او دربارهٔ «عواقب»،«دستور گرفتن» و رفتاری مثل یک «نوکر»، همه در عمل توجیهات تصمیم سیاسی بوده باشند که ممکن است مدتها پیش گرفته بود، که برای نشان دادن استقلال از ایالات متحده روی به شورویها بیاورد؟ آیا هیچ کاری نبود که آمریکا می‌توانست انجام دهد، یا هنوز هم می‌تواند، تا او را از خرید مقداری تجهیزات از شوروی باز دارد؟ ما فکر نمی‌کنیم که این سؤالات جواب ساده‌ای داشته باشند. درست همان‌طور که در مورد آمریکا نتوانسته‌ایم هر زمان دقیقاً

www.takbook.com



مشخص کنیم که حفظ انحصار نظامیمان در ایران چقدر برایمان ارزش دارد، شاه هم که یک آدم دمدمی مزاج بیش نیست. احتمالاً شاه هم، حداقل در آغاز، نظر مطمئنی نداشت که به کجا می‌رود و کجا تصمیم خواهد گرفت که امتیازات سیاسی خرید از شوروی (در رابطه با نشان دادن استقلال) از ضررهای چنین اقدامی در رابطه با روابط با آمریکا بیشتر می‌شود. اگر ایالات متحده زودتر پای جلو نهاده بود، و اگر تظاهر به کنترل اساسی‌ترین تصمیمات نظامی و اقتصادی باعث برانگیخته شدن او نشده بود، شاید امکان داشت که او از رفتن نزد شورویها بازداشته شود. به هر صورت، این به معنی آن نیست که بعد از شروع تغییر جهت سیاست خارجی ایران در پاییز ۱۹۶۵ انحصار تأمیناتی آمریکا در ایران باز هم امکان ابقاء داشت.

اعلامیه علنی ماه نوامبر بدون کمترین مشورت قبلی با مشاورین نظامی شاه صادر شد. در آن آمده بود که ایران به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار تجهیزات نظامی خریداری خواهد کرد. پیامد آن یادداشت خصوصی بود که این خرید لزوماً از ایالات متحده نخواهد بود (بخش ۴) و نشانهٔ آشکاری بود که شاه قبل از آن تصمیم به تغییر دادن خرید نظامی خود گرفته بود. واقعیت همین است اگرچه او هرچند گاهی این مقصود را مطابق اوضاع تغییر داده است به اینکه می‌خواهد ذخیره‌های جنگی بزرگتری داشته باشد.

تغییر جهت به خودی خود متناقض با منفعت دراز مدت سیاسی ایالات متحده نیست. در حقیقت اگر جدایی شاه از سیاست خود که تا اینجا صمیمیت زیاد و متکی به ایالات متحده بوده است چندان دور نرود، شاید امتیازات برجسته‌ای برای آمریکا داشته باشد. زیرا گرچه رژیم در حال حاضر ثبات بسیار دارد، با در نظر داشتن جریاناتی که در حال حاضر در این بخش دنیا رایج است، یا شاه یا جانشینانش ناچار می‌شوند از آمریکا روی بگردانند. و هر چه بیشتر این روی گردانی به تأخیر بیفتد خشونت بیشتری در آن خواهد بود.

موضع ایران در حال حاضر اگرچه کمتر متکی و جداتر از صف ماست، می‌تواند بدین ترتیب عامل ثبات بیشتر و خطر کمتر در آینده باشد. این ناگزیر تغییر رابطهٔ قیومیت سابق بین آمریکا و ایران در زمینهٔ نظامی را ایجاب می‌کند تا به صورت رابطه‌ای طبیعی‌تر، سالمتر و به این ترتیب پاینده‌تر درآید.

مایر

www.takbook.com



## سند شماره ۲

**سری**

### دلایل فروش تجهیزات نظامی به ایران با شرایط مساعد

**۱ـ علیرغم فضای ضد آمریکایی، شاه دوست ما باقی می‌ماند.**

الف) دوستی که در جریان بحرانهای آذربایجان و مصدق به وجود آمد
ب) متفق وفادار سنتو
ج) گروه پزشکی ایران در ویتنام
د) تسهیلات ویژه

**۲ـ روابط جدیدی در شرف تکوین است: سالمتر و پایدارتر.**

الف) ایران بر روی پاهای خود می‌ایستد (هدف ما بود)
ب) برنامه‌های مؤسسهٔ بین‌المللی عمران آمریکا به تدریج از مرحله خارج می‌شود.
ج) به نظر می‌رسد که تقریباً به طور کامل پشت کرده‌ایم
د) مرحلهٔ انتقالی باید چنان باشد که از سرمایه‌گذاری ما (یک میلیارد و ششصد میلیون دلار) حمایت شود.
ه) شاه حاضر برای خرید است ولی خواستار رفتار مساعدتری از لحاظ شرایط است.

**۳ـ اندکی افزایش هزینهٔ نظامی قابل توجیه است.**

الف) تأسیسات نفتی ثروت را به نحو فزاینده‌ای آسیب پذیرند.
ب) تجهیزات توصیه شده جنبهٔ دفاعی و پر کردن شکافها را دارد. (دفاع هوایی)
ج) توانایی ایران به نحو مشخصی پایین‌تر از جمهوری متحدهٔ عربی، ترکیه و حتی عراق است.
د) شاه می‌خواهد با تهدیدهای منطقه‌ای مقابله کند (ویتنام ایرانی نباید باشد).
ه) هدفها: بازدارندگی و اتکای به خود.
و) نیازهای تأیید شده بر اساس بهترین قضاوتهای نظامی ایالات متحده.

**۴ـ توانایی اقتصادی ایران را نباید دست کم گرفت.**

الف) ایران در رونق است که از پنج سال پیش تاکنون تفاوت دارد.
ب) برنامهٔ اصلاحات ارضی، سپاه دانش و سپاه بهداشت بسیار برجسته است.
ج) طبق اظهار بانک بین‌المللی عمران روستایی شایستگی دادن اعتبار دارد.
د) درآمد نفتی سالیانه ۵۰۰ میلیون دلار و در شرف افزایش است.
ه) آگاهی رشد یابنده دربارهٔ دشواریهای بالقوهٔ اقتصادی.
و) سایر کشورها برای دادوستد با ایران رقابت می‌کنند.

**۵ـ زنجیرهٔ واکنشهای نامساعد، اگر پاسخگویی ما نارسا باشد.**

الف) ایران از جای دیگر خریداری خواهد کرد و الگوی ایالات متحده را نقض خواهد کرد. (میگها به مبلغ

www.takbook.com



هفتصد هزار دلار)
ب) توانایی ما برای نفوذ بر شاه به نحو حادی کاسته خواهد شد.
ج) بدون چنین نفوذی دشواریهای اقتصادی نحوست‌بارتر خواهد بود.
د) این آغاز پایان یافتن فعالیت آرمیش مگ* خواهد بود.
ه) مانعی برای افزایش تأسیسات ویژهٔ ما خواهد بود.
و) موفقیت دیگری برای شوروی در از میدان به در بردن نفوذ ایالات متحده خواهد بود.

**۶ـ اقلام فروش چکی مورد نیاز است.**
الف) برنامهٔ عملی در چهارچوب حداکثر ۴۰۰
ب) سری اوراق قرضهٔ خارجی عملی ـ FY - 67
ج) تأکید بر واقعیتهای اقتصادی زندگی در جریان بررسی سالیانه «به نظر می‌رسد که ما تقریباً به طور کامل پشت کرده‌ایم.»

نه تنها ما کمکهای مؤسسهٔ بین‌المللی عمران را در ایران خاتمه می‌دهیم بلکه ما همچنین:

۱ـ شرایط PL ۴۳۰ سخت‌تری به ایران پیشنهاد می‌کنیم (ده ساله و بهره به نرخ وام‌گیری جاری خزانه) واشنگتن نتوانسته است ما را با هرگونه نمونه‌ای از قراردادهای عنوان چهار، شامل شرایط نسبتاً سخت‌تر فراهم کند.

۲ـ سرگرم اجرای مالیات مساوی کردن بهره‌ها و کنترلهای داوطلبانه نسبت به جریان سرمایه‌های خصوصی آمریکا به ایران هستیم و بدین ترتیب ایران را به عنوان یک کشور رشد یافته تلقی می‌کنیم و بدین ترتیب وام‌گیری خصوصی را از ایالات متحده گرانتر می‌کنیم.

۳ـ نرخ غیر رضایت بخش برداشت نفت. برداشت آرامکو عربستان سعودی بسیار بالاتر از برداشت کنسرسیوم از ایران است.

۴ـ ماجرای گودرزیان هنوز هم باقی است؛ رهبری ایران هم چنان معتقد است که پس از دو سال داراییهای سلطنتی می‌تواند خلاص شود، اگر تصمیم واقعی حکومت ایالات متحده وجود داشته باشد.

۵ـ مسئلهٔ دانشجویان ایرانی رهبران ایران به ترتیبی معتقدند که فعالیتهای ضد رژیم دانشجویان ایرانی ممکن است در پوزه بند قرار گیرد.

۶ـ ادامهٔ کمکهای به مقیاس بزرگ ایالات متحده به ترکیه و حتی به ناصر بر خلاف تقلیل کمکهای آژانس بین‌المللی عمران در ایران باعث می‌شود که رهبران ایران معتقد شوند که حکومت ایالات متحده به دوستی با ایران وقعی نمی‌گذارد.

«ایران در حال رونق است و با پنج سال پیش بسیار متفاوت است».
«برنامهٔ اصلاحات ارضی، سپاه دانش و سپاه بهداشت بسیار برجسته است».

**«آگاهی فزایندهٔ دشواریهای بالقوهٔ اقتصادی»**

۱ـ برنامهٔ عمران اقتصادی شتاب مؤثری به دست آورده است و هفتاد و پنج درصد از درآمد نفتی ایران به عمران اقتصادی اختصاص یافته و سال گذشته رشد متوسط حدود ۱۰ درصد بوده است.

www.takbook.com



۲ـ ادارهٔ اقتصاد ایران با سیاستهای روشنفکرانه‌ای که نشانهٔ آگاهی فزایندهٔ مشکلات بالقوه اقتصادی است به مراتب بهبود یافته است.

۳ـ پیشبرد جریان صنعتی شدن با شرکت فزایندهٔ سرمایهٔ شخصی ایرانی و خارجی در سطح عالی قرار گرفته است.

۴ـ اصلاحات بودجه‌ای رهبران ایران را قادر ساخته است، تا تصویر روشنتری از هر زمانی در گذشته دربارهٔ منابع مالی در دسترس برای حکومت و موارد استفادهٔ دیگر آنها داشته باشند.

۵ـ اصلاحات ارضی، مالکیت زمین را در ۸۰٪ از روستاهای ایران تغییر داده و در حدود یک میلیون خانوادهٔ روستایی فراهم کرده است و اکنون سرگرم تمرکز و قدرت استحصالی کشاورزی و سطح و زندگی روستایی است، که به نحو منحصر به فردی به مورد اجرا گذاشته شده است.

۶ـ برنامهٔ اقدامات مدنی ـ نیروهای مسلح ایران آموزش و پرورش و بهداشت و راهها و آب و سایر نعمتهای بهبودی را به هزاران روستای ایرانی می‌آورند.

۷ـ سپاه دانش با تقریباً ۲۰ هزار سرباز وظیفهٔ آموزش دیده و به روستاها فرستاده شده است تا خواندن و نوشتن بیاموزند.

۸ـ سپاه بهداشت مرکب از پزشکان نظام وظیفه و کارمندان بهداشت، ۳۵۰ گروه را برای بهبود شرایط بهداشت در روستاهای سراسر ایران فرستاده است.

۹ـ آموزش حرفه‌ای به وسیلهٔ نیروهای مسلح فراهم شده و به سربازان وظیفه که در روستاها در سراسر ایران به کار می‌روند، مهارتهای سودمندی را داده است.«شایستگی اعتبارگیری طبق نظر بانک بین‌المللی عمران روستائی». سفارت با نظر* بانک بین‌المللی روستایی مبنی بر اینکه ایران شایسته گرفتن اعتبار است سهیم است. ظرف چهار چهار سال گذشته بازپرداخت وامهای رسمی ایران از برداشتهای آن در مورد این وامها فزونی داشته است و در سال‌های ۱۹۶۵ و ۶۶ سال ایرانی پرداخت بدهی، تنها ۷٪ درآمدهای ارز خارجی جاری مملکت را تشکیل داده است. نظر به اینکه درآمد ایران از نفت و صادرات سایر اقلام مدام رو به افزایش است، ایران می‌تواند از خارج به نحو فزاینده‌ای وام بگیرد.

برآورد مبالغی که ایران می‌تواند بدون زیان به شایستگی اعتبارگیری خود وام بگیرد. بیش از رقم محافظه‌کارانهٔ ۲۰۰ میلیون دلار در سال برای چند سال آینده بر اساس شرایط معقول است.

هرچند حکومت تعدادی طرحهای بزرگ اقتصادی که مستلزم مصالح و تجهیزات وارداتی در نظر گرفته، بعضی از طرحهای بزرگتر به شکل کالا پرداخت خواهد شد و بسیاری از طرحهای دیگر به آن سرعت که حکومت مایل است قابل اجرا نخواهد بود. بنابراین سفارت معتقد است که برنامهٔ عمران اقتصادی ایران تمامی ظرفیت وام‌گیری خود را ظرف چند سال آینده جذب نخواهد کرد و ظرفیت قابل ملاحظه‌ای برای بازپرداخت اعتبارهای نظامی وجود خواهد داشت.

با یک احتساب محافظه‌کارانه ایران استطاعت آن را خواهد داشت، که سالیانه لااقل ۳۰ میلیون دلار برای اعتبارهای نظامی ظرف چند سال آینده بپردازد.

---

* گزارش بانک بین‌المللی عمران روستایی در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۶۵ حاکی است که «ایران در موقعیتی قرار گرفته که بتواند وامهای اضافی قابل ملاحظه‌ای بر اساس شرایط متعارف بگیرد. این نتیجه‌گیری به وسیلهٔ ثبات احتمالی درآمدهای نفتی ایران و این واقعیت که در سالهای بر داشت محصول عادی، واردات مواد غذائی به استثناء قند و شکر و چای به میزان جزئی خواهد بود، تقویت شده است.»

www.takbook.com



«این موفقیت دیگری برای شوروی در، از میدان بردن نفوذ ایالات متحده خواهد بود.»

**الف) موفقیتهای شوروی تاکنون: اتحاد با آرزوهای ملی**

۱ـ طرح ذوب آهن ۲۸۶ میلیون دلار (شامل صنایع ماشین ابزار و گاز طبیعی) با این استدلال که غرب نخواسته است تحویل دهد.

۲ـ موافقتنامه‌های پایاپای سالیانه با اتحاد شوروی، لهستان، چکسلواکی، مجارستان، رومانی و بلغارستان.

۳ـ دیدار شاه در تاریخ ماه ژوئن ۱۹۶۵ از اتحاد شوروی و برنامه‌های دیدار از رومانی، لهستان، بلغارستان و مجارستان ظرف پنج ماه آینده ـ دیدارهای فزاینده در سطح عالی.

۴ـ برنامهٔ مبادلات فرهنگی فعالی هنرمندان، تیم‌های ورزشی، فیلمها، مذاکرات دربارهٔ موافقت‌نامه فرهنگی با اتحاد شوروی که تقریباً منعقد شده است، تعداد فزایندهٔ کتابهای شوروی در ایران.

۵ـ در سال ۱۹۶۵ ایران بزرگترین دریافت کننده کمک از شوروی بود.

۶ـ سایر موافقتنامه‌ها ـ هواپیمایی کشوری، ترانزیت، شیلات دریای خزر، سد ارس، بندر پهلوی و سیلوهای گندم.

**ب) هدفهای کنونی شوروی: بیرون راندن غرب**

۱ـ رادیوی صدای ملی ایران در باکو که به وسیلهٔ شوروی اداره می‌شود حمله می‌کند به: سفارتهای آمریکا و انگلیس، آرمیش مگ، ادارهٔ اطلاعات آمریکا، ایستگاه رادیو تلویزیون ارتش آمریکا، سنتو، ایرانیان تحصیلکرده در آمریکا و کنسرسیوم نفت.

۲ـ رادیوی پیک ایران تحت کنترل حزب توده در بلغارستان حمله می‌کند.

۳ـ رادیو مسکو انتشار کتابی را در شوروی که تصویر کنندهٔ کمک آمریکا به ایران به عنوان علت دردسرهای اقتصادی ایرانیان است که مورد بررسی قرار می‌دهد.

**ج) صحنه آخر: به دریا انداختن ملی گرایان ایران**

۱ـ هدف دراز مدت اعلام شده از سوی مولوتف در سال ۱۹۴۰ همان مانده است. منطقه‌ای که در جنوب بندرهای باتوم (دریای سیاه) و باکو (در دریای خزر) در جهت خلیج فارس قرار گرفته است از مرکز آرزوهای اتحاد شوروی.

www.takbook.com



**سند شماره ۳**

**سرّی ـ تاریخ ۲۱ ژانویه ۱۹۷۲ (۱۳۵۰/۱۱/۱)**

**دوگلاس هگ، اسکوایر**

**وزیر مختار** **سفارت آمریکا، تهران**

**دوگ عزیز:**

از نامه ۱۸ دسامبر شما در مورد اهداف و طرح راهنمای همکاری امنیتی تشکر می‌کنم. ما واقعاً با شما هم عقیده هستیم که مسایلی که در پیام وزیر دفاع مطرح شده‌اند کهنه و قدیمی شده و احتیاج به تصحیح دارند.

من به پیوست کپی یادداشتی که قبل از دریافت نامه شما در این مورد تهیه کرده‌ایم ارسال می‌دارم. این نظرات در یک گزارش دفتر امور خاور نزدیک که چندین کشور را تحت پوشش دارد گنجانده شده و توسط سیسکو به سپایزر داده شد. (نخست وزیر) در حال حاضر سعی دارد موضع روشنی از وزارت دفاع و خارجه کسب کند تا پیام جدیدی به دنبال ۲۱۷۹۵۵ دوم دسامبر ۱۹۷۱ فرستاده شود. نخست‌وزیر امیدوار است که بتواند چنین پیامی را تا آخر ماه بفرستند.

**با احترام، جک میکلوس.**

پیوست. ولوگانگ لهمن اسکوایر

**مشاور سیاسی**
**فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا**

**ادامهٔ سند شماره ۳**

**تاریخ ۲۵ ژانویه ۱۹۷۲ (۱۳۵۰/۱۱/۵)**

**سرّی ـ رسمی به جان.اچ راوس. اسکواین**

به دنبال نامهٔ جک به دوگ هک در ۲۱ ژانویه ۱۹۷۲ فکر کردم که ممکن است بخواهید نسخه‌ای از آخرین اصلاحات اهداف و راهنمای برنامه‌های همکاری امنیتی آمریکا با ایران را داشته باشید.

**محترمانه**

**رابرت داول**

پیوست: نسخه‌ای از راهنمایی برای طرحهای همکاری امنیتی (سال‌های ۷۸ـ۷۴)

اهداف آمریکا در همکاری امنیتی

ـ یاری ایران برای توسعه نیروهای مسلح، تا بتوانند از ایران در کلیه موارد به غیر از حملهٔ همه‌جانبه شوروی دفاع کنند.

ـ تشویق ایران برای ایفای نقش اصلی در جهت تأمین امنیت خلیج فارس

ـ حفظ امنیت داخلی

ـ تضمین عرضه مداوم حقوق اساسی، اولویتها، و رسمیت‌ها.

www.takbook.com



**راهنمای برنامه همکاری امنیتی**

ـ ادامه برنامه‌ریزی برای پول نقد فروش خارجی اسلحه و فروش تجاری

**لازم برای نیل به اهداف همکاری امنیتی**

ـ هیچ اعتباری برای فروش اسلحه خواسته نشده چون انتظار می‌رود که ایران برای تأمین مالی از بانک EX-IM به‌خاطر خریدهای نظامیش از آمریکا کمک بگیرد.

ـ باید برای ادامه طرح کمک نظامی بلاعوض و آموزش نیرو، برنامه‌ریزی شود که این شامل خرجهای متناسب مستشاری نظامی پایین‌تر از سطح ۵۰۰/۰۰۰ دلار برای سال ۷۳ و بعد از آن خواهد بود.

www.takbook.com



## سند شماره ۴

**سرّی ـ تاریخ ۱۳۴۸/۵/۱۷**

**مشکل نظامی**

**اهمیت کلی**

روابط نظامی ما با ایران (روش اعتباری تجهیزات نظامی و کمکهای مستشاری نظامی) یک اصل اساسی در استحکام موضعمان و نفوذمان در ایران می‌باشد.ما تهیه‌کننده اصلی نیازمندیهای نظامی شاه در دوران پس از جنگ جهانی دوم بوده‌ایم، مخصوصاً از سال ۱۹۵۵، و این همچنان به قوت خود باقی می‌باشد. به رغم خریدهای اخیر او از بریتانیا، ایتالیا و روسیه (وسایل حمل و نقل و تجهیزات ضد هوایی از کشور آخری). رئیس نظامی سرگروه مستشاری نظامی ایران برای شاه یک مشاور بسیار مطلوب، عینی و مطلع روی تجهیزات قدرت نظامی فردی و سازماندهی می‌باشد. نقش نظامی ما اهمیت تازه‌ای بعد از امداد اقتصادی و گروه امداد آمریکا که در سال ۱۹۴۷ به پایان رسید، داشته است. شاه به کرات گفته است که خواست اصلی او از آمریکا فروش تجهیزات پیشرفته که او برای دفاع احتیاج دارد، می‌باشد.

تمایل شاه به تجهیزات، ما را به طور دائم در ناراحتی نگه داشته است. ما ناراحت مشکلات اقتصادی می‌باشیم که بنیان نظامی او آن را به وجود آورده، و تأثیر آن به لحاظ جذب مهارتها و امکانات، و تأثیر واقعی نظامی او می‌باشد. پیشتر از این، مخصوصاً موقعی که ما کمک اقتصادی برای پیشرفت اقتصادی ایران تهیه می‌کردیم، بر آن بودیم تا به منظور عدم فزونی پیشرفت اقتصادی، برنامهٔ نظامی را محدود کنیم. ما این مفهوم را در برنامهٔ نظامی که با یادداشت روی کمکهای نظامی سال ۱۹۶۲ شروع شده بود، نوشتیم. و در بررسی سالیانهٔ اقتصادی دو طرف، مورد توجه قرار گرفته که تأثیر خرید تجهیزات را در اقتصاد پیش‌بینی کنیم.

هیئت امدادی و بودجه، هنوز اهمیت زیادی برای این مفهوم قائل می‌باشند. ولی حالا که شاه (با ترم‌های اعتباری) در حال خرید تجهیزات نظامی می‌باشد (و با درجهٔ اعتباری قبلی، کاملاً متوقف شده)، او دربارهٔ محدودیتهای خارجی کمتر از خود کشش و حوصله نشان می‌دهد.

از طرف ما، خودداری جدید کنگره دربارهٔ خریدهای خارجی از تجهیزات نظامی آمریکا و پیامد سختگیری که هر سال روی اعتبارهای دولتش گذاشته شده، عوامل محدودکنندهٔ مهمی بوده‌اند. هزینهٔ زیاد اعتبار تجاری آمریکایی، اجناس را گران کرده ولی مقداری در برنامهٔ اعتباری سال گذشته بوده است.

با شروع سال ۱۹۶۴، سعی ما بر این بوده است که اگر نه یک راه حل، بلکه مدخلی بجوئیم تا به سوی برنامه‌های دراز مدت تحصیل تجهیزات نظامی، که به گونه‌ای نظری با ایرانیان به توافق رسیده‌ایم، نقبی بزنیم. اما ادارات ایالات متحده، و به ویژه کنگره از سپردن تعهدات قبلی در خصوص فروش اسلحه به دول خارج ناراضی بوده‌اند. و از طرف ایرانی، با آگاه شدن شاه از نیازی جدید، که قبلاً غیرقابل پیش‌بینی بود، «بسته‌های» ما تقریباً به محض آنکه خرید آنها مورد توافق قرار می‌گرفت میل به تلاشی نموده است. افزایش سرسام‌آور قیمت تسلیحات نظامی و نیاز گاهگاهی برای اختتام خرید پیش از آنکه تولید یک فقره قطع شود، از عوامل فشاری بوده‌اند که میل به افزایش برنامه‌های سالیانه توافق شده ما نموده‌اند.

کشورهای دیگر در عدم تمایل ما راجع به فروش مقادیر بیشتری تجهیزات نظامی به ایران، با ما همساز نیستند. اتحاد جماهیر شوروی دائماً شاه را در فشار گذاشته است تا هر چه را که می‌خواهد

www.takbook.com



(هواپیمای میگ، موشک، تانک) با قیمت و شرایط جالب توجه بخرد (معمولاً با اعتبار ۲/۵ درصد). کشورهای اروپای غربی و انگلستان، به نظر می‌آید که آماده برای فروش تولیدات نظامی خود بدون محدودیت هستند، هر چند که شرایط اعتبار آن‌ها مانند شرایط اتحاد جماهیر شوروی جالب توجه نیست.

به طور کلی، نظر هیئت کشور ما این بوده است که مؤثرترین محدودیت ما بر روی فروش اضافی، در راهنمایی دقیق تکنیکی و تشویق حرفه‌ای «گروه نظامی آمریکا در ایران» نهفته است. در نیل به این هدف ما پیشرفتهایی در زمینه به فکر واداشتن ایرانیان دربارهٔ هزینه‌های مستمر که با خرید دستگاه‌های اسلحه همراه است، داشته‌ایم و به ویژه آنها راواداشته‌ایم که از عامل محدودکنندهٔ پرسنل آموزش دیده برای به کار انداختن و نگهداری دستگاهها، آگاهی حاصل نمایند. بعضی خریدها از قدرتهای غربی قابل قبول و احتمالاً به لحاظ سیاسی مطلوب است. اما محدودیتها و مشکلات عملی، اساسی هستند و از مشاهده خرید تجهیزات بیشتر از دیگران ناخشنود خواهیم گردید. ما در واشنگتن به این نتیجه رسیده‌ایم که پس از تمام بحثهای انجام شده در اینجا چنانچه شاه بالاخره عزم خود را مبنی بر خرید معدودی تجهیزات نظامی جزم نموده است، آن را دریافت خواهد داشت. و در صورتی که ما مایل به فراهم آوردن آن نبودیم یا از انجام این کار برنیامدیم می‌تواند از دیگران دریافت نماید.

در سالهای اخیر نیز به این امر واقف شده‌ایم که کوشش در راه تشویق او برای نخریدن تجهیزات و متقاعد کردن او به اینکه تهدیدات را آگراندیسمان می‌کند، بی‌فایده خواهد بود. فی‌المثل، بحث دربارهٔ ضعف همسایگان عرب او به عنوان موضوعی بی‌ربط به کناری نهاده شده و شاه با نظری انتقادی دربارهٔ کیفیت متغیر رهبری آنها ذکر نموده است و از امکان اتحاد آنها علیه وی و غیره.

## وضع جاری

تمرکز شاه بر مسایل امنیتی، که احساس می‌کند با عقب کشیدن انگلیس از خلیج فارس، باید به عهده گیرد، موجد احساس ضرورت بیشتری برای «نیازمندیهای» نظامی گردیده است. در سال ۱۹۶۸ با او یک «لیست توضیحی» از نیازهای نظامی دوربرد تهیه کردیم که توقعات نسبتاً زیاد او را سطح ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار تنزل داد. قرار بر این شد که این مبلغ در ۱۰۰ میلیون دلار، سهام خارجی سالانه سرمایه‌گذاری شود، البته زیر نظر بررسی اقتصاد سالیانه و اقدام کنگره بر برنامه کمکهای نظامی و سرمایه‌گذاری آن.

بلافاصله مشکلات با سهام خارجی سال گذشته، یعنی هفتمین سهام خارجی (که در ۱۹۶۴ شروع شده بود) آغاز گردید. بطن مشکل این بود که شاه اصرار داشت که دو اسکادران F-۴ به این سهم افزوده شود تا تحویل آن را در پایان ۱۹۷۱ تضمین نماید. هزینهٔ این اسکادران به قیمت رایج ۱۳۳/۳ میلیون دلار بود و این هزینه بیم آن می‌رفت که به ۱۴۳ میلیون دلار برسد مگر اینکه تعهدی آشکار به خرید داده می‌شد. پس از کش و قوس بسیار مشکل به این ترتیب رفع شد که دولت ایران F-۴ها را با اعتبار بخرد و دولت آمریکا «تنخواه‌گردان اضافی» را تأیید نماید، یعنی هزینهٔ ۵۳/۷ میلیون دلار F-۴ها را برای سهام خارجی هشتم در سال مالی ۱۹۷۰ به تعویق بیندازد. قرار بر این شد که دولت ایران، در صورتی که اعتبار دولت آمریکا برای سال مالی ۱۹۷۰ پرداخت نشود، ریسک‌ها را عهده‌دار شود، اما وزارت در طریق گرفتن تأیید از وزارت دفاع و کنگره دربارهٔ مفهوم تنخواه‌گردان اضافی سعی جدی مبذول داشت. این نکته را نیز متذکر

www.takbook.com



می‌گردد که در سال مالی ۱۹۶۹ دولت ایران ۶۶ میلیون دلار وسایل نظامی (عمدتاً قطعات یدکی، مهمات، خدمات نگهداری و تکنیکی) از آمریکا به صورت نقدی ابتیاع نمود.

ما هنوز در مورد سهام خارجی هشتم تلگراف نزده‌ایم و ژنرال تویچل به مذاکره در مورد خریدهای اضافی پیشنهادی ادامه می‌دهد. اما دولت ایران پیشاپیش در مورد تسریع مذاکرات برای ۱۰۰ میلیون دلار اعتبار بعدی اظهار تمایل نموده است و مهدی سامی، مدیر سازمان برنامه اوائل سپتامبر به واشنگتن عزیمت نموده تا راه را برای تأمین اعتبارات هموار سازد. (به طورکلی، بستها سالیانه و شرایط اعتبار بالاخره در اواخر بهار مورد توافق قرار گرفته است). صورت مشکل عمومی را ذیلاً می‌توان به دست آورد.

الف ـ ۵۳/۷ میلیون دلار پیشاپیش به تأمین هزینه F-۴ها اختصاص داده شده است.

ب ـ ۲۷ میلیون دلار برای سرمایه‌گذاری هواپیماهای دارای سیستم هشدار دهنده (RUDY PEACE) مورد نیاز است.

د ـ خمپاره‌اندازهای ۱۵۵ میلیمتری به ارزش ۶ میلیون دلار مورد درخواست می‌باشد.

هـ ـ ۴۰۰ تانک M-۴۷ احتیاج به تعمیر دارد. ما شاه را ترغیب کردیم که به جای خرید تانکهای اضافی تازه و گرانقیمت‌تر این کار را انجام دهد. هزینه بالغ بر ۲۵ میلیون دلار خواهد بود.

و ـ شاه هنوز علاقه‌مند به ابتیاع ۲۳۴ تانک SHERIDAN موشک‌های SHELLELAGH می‌باشد. تهیه‌کنندگان این تانکها می‌گویند که تولید در صورتی که سفارش ایران پیش از ژانویه ۱۹۷۰ انجام نپذیرد ممکن است متوقف شود (این گونه اظهارات را ما همواره به طور کامل موجه نیافته‌ایم). کل هزینهٔ این سیستم تسلیحاتی در حدود ۱۰۵ میلیون دلار می‌باشد.

ز ـ مطالعه‌ای که ما دربارهٔ نیازهای دفاعی خلیج فارس انجام دادیم به این نتیجه رسید که یک قدرت جاسوسی سرّی کافی خواهد بود. ولی حتی اگر هواپیمای موجود یا آنها که در حال تهیه شدن می‌باشند به کار گرفته شوند و کشتیهای جدیدی ابتیاع نگردند. (موافقت آشکار ایرانیان از این نظر هنوز حاصل نشده است) سه ایستگاه رادار و سه ایستگاه عمق سنج متغیر حدود ۱۵ میلیون دلار هزینه بر خواهد داشت.

ج ـ هر چند که چهار سال قبل چنین می‌نمود که شاه را موقتاً ترغیب کردیم که دفاع هوایی را می‌توان بدون خرید اسلحه‌های دقیق دفاعی با هواپیمای حامل رادار سر و سامان داد (او در آن موقع فکرش متوجه سیستم HAWK بود)، این تصمیم به قوت خود باقی نیست. رویارویی اخیر با عراق در مورد شط‌العرب چنین می‌نماید که شاه را متقاعد نموده که پایگاههای هوایی او در مقابل حملات ناگهانی بسیار آسیب‌پذیر می‌باشند. بالنتیجه، قراردادهای مشروط برای موشکهای PAPIER انگلیسی (حدود ۹۴ میلیون دلار) و ORELIKONS برای پایگاههای هوایی و پایگاههای (حدود ۵۰ میلیون دلار) به امضاء رسیده است. اخیراً به ما اجازه داده شده است تا در این مقطع دربارهٔ سیستم HAWK با او مذاکره نماییم. هر چند که ما هنوز از دوباره متقاعد کردن شاه مبنی بر اینکه هواپیما، از عهده این‌کار بر خواهد آمد، دست نشسته‌ایم، امید موفقیت درخشان نیست. بهترین امید ما این است که او را وادار به تمرکز روی مسایل نیروی انسانی و تأثیر بخشی واقعی بکنیم.

آشکار است که تمام اینها به رغم برنامه‌ریزی، دربسته ۱۰۰ میلیون دلاری جای نخواهد گرفت. ما ممکن است قادر شویم که او را راغب سازیم تا مقداری از این لوازم را به تعویق بیندازد. ممکن است که او برای افزایش ۱۰۰ میلیون دلار اعتبار، پافشاری نماید، یا مقداری تجهیزات کمتر پیشرفته از تهیه‌کنندگان

www.takbook.com



غیر آمریکایی بخرد. نیز ممکن است درخواست خرید بعضی از آنها را به صورت نقدی از ما بنماید. چنین می‌نماید که شاه روی معامله نفت حساب می‌کند که متضمن فروش نفت به آمریکا ورای برداشت معمولی کنسرسیوم می‌باشد تا تعمیر تانکهای M-۴۷ و شریدان SHERIDAN تأمین ننماید. نمایندهٔ جنرال موتور روی معامله اینجا کار می‌کند که باید در جایی از واردات که دولت آمریکا به برای واردکنندگان تخصیص داده، قرار داده شود. در این باره زیاد خوش‌بین نیستیم.

نمایندگیهای مختلف و نیز کنگره با توسعه اعتبار سالیانه ایران بالاتر از سطح ۱۰۰ میلیون دلار به سختی مخالفت می‌ورزند. امکان زیادی هست که اندازه محدود شدهٔ اعتبار کل مورد حمایت دولت که از جانب کنگره برای فروش نظامی به دولتهای خارجی اجازه داده می‌شود، آن را غیر عملی سازد. اما، تجربهٔ گذشته نشان داده است که اگر رئیس جمهور تصمیم بگیرد که فروش اعتبار تا میزان معینی انجام پذیرد، راههایی برای به دست آوردن اعتبار مورد قبول یافت شده است. شاه که از این موضوع آگاه است، مسلماً رئیس جمهور را در ماه اکتبر با این مسئله درگیر خواهد ساخت، هر چند که رئیس جمهور این امر را روشن ساخته است که ترجیح می‌دهد که صحبتهای خود را با سران کشورها در سطح بالاتری نگه‌داشته و کمتر به امور سیاسی ویژه بپردازد.

www.takbook.com



## سند شماره ۵

### تاریخ سند ۱۳۴۹ (می ۱۹۷۲) ـ محرمانه

### محافل مذهبی

### خلاصه

شاه ایران یک ژست تقوای علنی می‌گیرد و از مآثر اسلامی دفاع می‌کند، گویا اینکه ایرانیان که اکثرشان شیعه هستند چندان مجذوب احساسات اسلامی تمام عیار نیستند. روحانیت ایران دیگر نفوذ سیاسی عمده‌ای ندارد ـ هر چند به اندازهٔ کافی دنباله‌رو دارد که گاهگاهی می‌تواند یک «ترمز» در برنامه‌های دولتی ایجاد کند. و طی ۱۰ سال گذشته به حالت عقب‌نشینی در حال مبارزه بوده و در مقابل جزر و مد در حال رشد یک کشور مادی که بیش از اندازه مجذوب غرب شده است، خود را باخته است. چنانچه در اثر جریانات غیرقابل پیش‌بینی از قبیل رکود اقتصادی یا ضعف حکومت (در نتیجهٔ مرگ شاه یا درهم ریختگی ارتش)، منجر به مبارزهٔ سایر اقشار جمعیت بشود، روحانیت اسلامی می‌تواند بدون شک عده‌ای راگرد آورد. در آن صورت چون آمریکا از نظر مذهب مسیحی است و چون روحانیت به طور سنتی مخالف با نفوذ خارجی بوده است احتمال دارد که ما مورد حملهٔ سیاسی قرار بگیریم.

### سابقه

فرقهٔ شیعه اسلام، که ۹۰٪ مسلمانان ایران به آن تعلق دارند، خواه چنین باشد که به منظور اتحاد ایرانیان با یکدیگر بر علیه بقیه جهان اسلامی بوده یا نه، به طور عمده‌ای در گسترش هوشیاری ملی مشخص ایران کمک کرده است. به طور کلی ایرانیها چندان مجذوب احساسات اسلامی همه جانبه نیستند و مثلاً در مورد مسئله جنگ با اسرائیل بیشتر گرایش به این امر دارند که آن را عربی تلقی کنند نه اسلامی. هر چند که رفرمهای مادی رضاشاه و شاه فعلی باعث دشمنی با افکار مذهبی و سنتی و محافظه‌کار در ایران شده است. این دو زمامدار با دقت نسبت به تعالیم اسلام احترام نمودند و این تعالیم را هم حامی و هم متقاضی برنامه‌های رفرم خود معرفی نموده‌اند.

### تضعیف روحانیت به وسیلهٔ رفرم

از زمان ظهور رضاشاه، جامعه مذهبی ایران خود را با تغییرات پشت سر هم مواجه یافته است ـ هر یک از یک تغییرات انحصار روحانیت را در مورد آموزش و پرورش، روابط اجتماعی و خانوادگی، قانون، رسوم و اخلاق عمومی کاهش داد، و بدین وسیله محبوبیت و نفوذ سیاسی کلی آن را تقلیل بخشید.

شاه فعلی در انجام رفرم‌هایی که بیشتر در زمینه‌های آموزش و پرورش، روابط خانوادگی و اجتماعی و حقوق زنان می‌باشد، مستقیماً رو در روی طرز فکر سنتی قرار گرفته است. روحانیت که از نفوذ قابل توجهی در زندگی خانواده‌ها به ویژه در مناطق روستایی برخوردار است، نقش دنیایی خود را به علت اینکه ایرانیان به هدایت و رهبری و حمایت دولت چشم دوخته‌اند، مرتباً از دست می‌دهد. در ۱۰ سال گذشته، حضور دولت در مناطق روستایی با همکاری سپاه پیکار با بی‌سوادی و سپاه ترویج، سپاه بهداشت و امثالهم کمک زیادی به قدر اقتدار روحانیت کرده است. تعجب‌آور نیست که مخالفت مذهبی با تلاش جاری (و احتمالاً ناموفق) دولت در برقراری سپاه دین، که حکومت را برای اولین بار در زمینهٔ آموزش

www.takbook.com



مذهبی به طور مستقیم قرار می‌دهد، از یک عزم نهایی برخوردار است.

لکن، از ۱۹۶۳ (۱۳۴۲) که مرتجعین مذهبی یک شورش وسیع را دامن زده بودند و بی‌رحمانه به وسیله رژیم سرکوب شد، روحانیت از تشکل احساسات در عملیات سیاسی منع گردید. هیچ رهبر مشخصی از ۱۹۶۱، پس از فوت رهبر برجستهٔ شیعیان وجود نداشته است. آیت‌الله خمینی، که به خاطر فعالیتهای ضد دولتی‌اش توقیف و در ۱۹۶۴ به عراق تبعید شد، خیال رهبری ایرانیان مسلمان را دارد. اما همکاری نزدیک او با حکومت عراق در زمینهٔ تبلیغات و عملیات ضد شاه، امکان هر نوع آشتی را با شاه فعلی از بین برده است و جاذبه‌اش را برای بسیاری از مسلمانان ایرانی که ممکن بود در غیر این صورت با بعضی از ایده‌هایش که اساساً آزادی‌خواهانه است مشارکت کنند، کاهش داده است.

### نفرت باقیماندهٔ مذهبی

نفرت باقیماندهٔ مذهبی بر علیه رژیم عمیق و گزنده است. اما جریان «کاهش دادن اختلاف» میان محافل مذهبی ناراضی و دولت در دست اقدام است. با وجودی که بخش عمده‌ای از روحانیت اغلب در انتخاب تاکتیکهای خود، مرتجع و فرصت‌طلب بوده است، معهذا تمامی آن از جریان اصلی طرز فکر عامه ایرانیان دور نمانده است. بدین جهت دولت ارتشاء تهدید، نوازش شاهانه، کنترل مقبرهٔ معروف شیعیان ایران (در مشهد)، و کنترل و سانسور کلیه فعالیتهای عمومی را به کار گرفته است تا رهبران مذهبی سیاست‌مآب را از داشتن دنباله‌روان سیاسی قابل توجهی مانع شود. به طور کلی معروف شده است که ساواک به طور عمده‌ای در روحانیت رخنه کرده و این امر سبب کاهش بیشتر نفوذ آن شده است. حکومت در عین حال که تو دهنی محکمی را بر ملاهای ناراضی زده است، تلاش دارد که پارامترهایش را با خود همراه سازد، لکن تاکنون موفق نشده است که یک رهبر موافق دولت، که بتواند از آمریت وسیعی در میان مسلمانان ایران برخوردار باشد (رهبر جامع جای خود دارد) تهیه کند.

### امکانات بازگشت روحانیت

در هر حال ملاها قادر نشده‌اند که جریان توسعه و رفرم را متوقف کنند، یا فصل مشترکی با یک نیروی سیاسی عمده بیابند که پایدار باشد. لذا ترتیب همکاری با دولت، تا زمانی که پیشرفت اقتصادی باقی باشد، احتمالاً ادامه خواهد داشت. چنانچه حوادث پیش‌بینی نشده‌ای، مانند بحران بارزی در اقتصاد یا تضعیف آشکاری در کنترل دولت روی دهد که منتهی به مناقشه سایر اقشار مردم با دولت گردد، ملاهای عصبانی در سلسله مراتب مسلمین می‌توانند دنباله رویان قابل ملاحظه‌ای به خصوص از میان بازاریان و طبقات پایین را بسیج کنند. حتی در آن شرایط نیز احتمال ندارد که آنها به یک نقش تاریخی مانند آنچه که در ۱۸۹۲، که در آن زمان حمله بر علیه امتیاز تنباکوی بلژیک را رهبری کردند، یا ۱۹۰۷، که نقش کلیدی در انقلاب مشروطیت داشتند، و یا ۱۹۵۲، که پشت سر دولت برای شکست بریتانیا قرار گرفتند، بازگردند.

### جنبشهای مذهبی دیگر

ایران قبل از مسلمان شدن زردشتی بود، و امروزه نیز تقویم و آداب بسیاری مانند تعطیلات نوروز یادگار زردشتی‌گری است. در سال گذشته مطبوعات و تلویزیون زردشتی‌گری را با هواداری بیشتری

www.takbook.com



نسبت به سالهای گذشته مورد بحث قرار دادند که منجر به پیش‌بینی بعضی از ناظران شد مبنی بر اینکه رژیم ممکن است مفید بداند که روزگار آغاز زردشتیگری را مورد تأکید مجدد قرار دهد.

مذهب بهایی شاید با ۱۰ هزار پیرو در ایران، به طور رسمی در محبوبیت قرار ندارد هر چند که یکی از نزدیکان شاه ـ دکتر ایادی ـ مانند سایر برجستگان ایرانی، بهایی است.

ارمنی‌ها مخصوصاً از نظر خدمات امنیتی، به خاطر پیوستگی‌هایشان با روسیه مورد اعتماد رژیم نیستند. جوامع یهود، بهایی و ارمنی در امور استخدامی دولت دچار تبعیضهایی می‌باشند، اما در مذاهب خود آزادند.

**تأثیر بر چهرهٔ آمریکا**

تا آنجا که مربوط به خط مشی آمریکا می‌شود، بازگشت نفوذ ملاها، هر چند که غیر متحمل است، بر چهره ما در اینجا اثر نامطلوب خواهد داشت، زیرا ما مسیحی هستیم، و در چشم عامه ارتباط نزدیک با این رژیم رفرمیست و با اسرائیل داریم. رهبران مذهبی محافظه‌کار، قسمت عمدهٔ دنیاگرایی ایران و نیز روابطش را با اسرائیل، متوجه نفوذ آمریکا می‌دانند. به علاوه، روحانیت ملی به طور سنتی با نفوذ خارجی در ایران مخالفت کرده است. بنابراین در صورت غیر محتمل بازگشت روحانیت به یک وضعیت مهم سیاسی با نفوذ در چند سال آینده، می‌توانیم انتظار مورد حمله قرار گرفتن را داشته باشیم.

مه ۱۹۷۲ محرمانه گروه ۳ برای یک مدت ۱۲ ساله از طبقه‌بندی خارج نشود.

www.takbook.com



## سند شماره ۶

**محرمانه**

**مخالفت سیاسی ـ افراطیون و جبهه ملی**

**خلاصه**

در ایران مخالفت سازمان یافته با شاه، چه کمونیست و چه غیر کمونیست ـ عملاً وجود ندارد. سرکوب مداوم و رخنه مؤثر، نزاعهای ایدئولوژیکی داخلی، سازش ایران و شوروی، رفرم اجتماعی قابل توجه و پیشرفت اقتصادی توسط رژیم اکثر عناصر مخالف را ساکت یا سر خورده و یا مأیوس کرده است. البته مخالفین سرسختی وجود دارند که به طور بالقوه در زمان بحران تهدید به حساب می‌آیند (اما) آنها پیروان چندانی ندارند، در نیروهای امنیتی فاقد نیروی معلومی هستند، هیچ راه‌حل معتبری ندارند که ارائه دهند و از رهبران برجسته‌ای نیز برخوردار نیستند، و تحت نظارت شدید ساواک قرار دارند، معهذا آنها بلاشک استخدامهایی برای فعالیتهای خرابکارانه و تروریستی که اهمیت تزایدی طی چهار سال گذشته یافته است، انجام داده‌اند؛ هر چند که هنوز تهدیدی برای ثبات ایران تلقی نمی‌شوند. فعالیت عمده ضد رژیم خارج از ایران به وسیلهٔ حزب توده با حمایت شوروی، عوامل CHICOM و سایر اپورتونیستها صورت می‌گیرد که دانشجویان ایرانی را در خارج استخدام و سازمان می‌دهند، تبلیغات ضد شاه راه می‌اندازند و سعی می‌کنند که شاه را هنگام مسافرتهای خارجش ناراحت کنند.

این گروهها امروزه نفوذ اندکی داخل ایران دارند. جز اینکه تعداد نسبتاً کمی از دانشجویان دانشگاه از آنان هواداری می‌کنند هیچ راه مجازی در ایران نیست که نسبت به شاه یا سلطنت و یا خط مشی‌ها و برنامه‌های تحت نظارت شاه مخالفت ابراز شود. احزاب و گروههای سیاسی مخالف سرخورده و ناتوان شده، اعضایشان به وسیلهٔ رژیم یا ساکت شده‌اند و یا استخدام. حزب کمونیست توده از ۱۹۴۹ غیر قانونی اعلام شده و از زمان اوج‌گیری محبوبیتش در ۵۳ ـ ۱۹۴۹ شدیداً سرکوب گردیده است. بسیاری از رهبران سیاسی جبههٔ ائتلاف سیاسی گسیخته ملی که از مصدق حمایت می‌کردند، دوره‌هایی از توقیف را گذرانده و تحت نظارت شدید قرار دارند، و همه آنها حدود فعالیت مجاز خود را تشخیص داده‌اند. عوامل ارتجاعی تحت رهبری روحانیت و مخالفان سرسخت رفرمهایی چون توزیع زمین و حقوق زنان با شدت تمام در ۱۹۶۳ که برای آخرین بار تظاهرات به راه انداختند، سرکوب شدند.

روحانیت در عین حال که از آن زمان سخت تحت کنترل قرار دارد هنوز از مقداری احترام کافی برخوردار است که بتواند گاهگاهی ترمزی در بعضی از برنامه‌های دولت ایران (مانند طرحهای سپاه دین) ایجاد کند. گروههای دانشجویی، کارگری، سیاسی، مذهبی و سایرین که به طور بالقوه ممکن است دردسر ایجاد کنند، کاملاً توسط سرویسهای امنیتی مورد رخنه واقع شده‌اند. سازش ایران و شوروی و شکاف ایدئولوژیکی میان جناحهای مسکو و پکن بیش از پیش تلاش خرابکارانه کمونیستی را تضعیف کرده است. برنامه‌های رفرم اجتماعی و اصلاحات ارضی انقلاب سفید و ملی‌گرایی مستقل شاه در امور خارجی بسیاری از تقاضاهای عناصر مترقی، ملی و روشنفکر را برآورده کرده است. اقتصاد رو به رشد فرصتی برای کارهای ساختمانی و پاداشهای مادی عرضه کرده است که برای عده زیادی جانشین خشنودکننده‌ای جهت مشارکت بیشتر سیاسی شده است. تعداد زیادی از حامیان سابق جبهه ملی و حزب توده مورد استقبال دستگاه قرار گرفته‌اند و اینک در سطوح بالای دولت قرار دارند.

www.takbook.com



به طور خلاصه، مخالفت سازمان یافته مؤثر در ایران وجود ندارد و عده‌ای مخالف غیرقابل تعقیب یا فعالیت زیرزمینی دارند و یا به خارج از کشور رفته‌اند. اما تعدادی مخالف سرسخت ـ ولو از هم پاشیده ـ باقی هستند. روشنفکران آزادیخواه چه پیر و چه جوان، که می‌خواهند قدرت شاه محدود باشد (حتی عده‌ای خواهان از بین رفت سلطنت هستند) از سرکوب فعالیتها و ایده‌های سازش‌ناپذیر خشمگین می‌باشند، همچنین عناصری از بازاریان محافظه‌کار و روحانیت خشمگین هستند که می‌توانند از نظر اقتصادی و اجتماعی زمان را به عقب برگردانند ـ بعضیها معروف بوده و هنوز هم پیروان کافی دارند تا گاهگاهی ترمز در برنامه‌های دولت ایران ایجاد کنند. و بالاخره عناصری، به ویژه در میان جوانان، یافت می‌شوند که ویژگیهای مارکس را می‌پذیرند و می‌خواهند که ایران را در مسیر سوسیالیسم مردمی قرار دهند. گروههایی از جوانان بعضی اوقات مورد تعقیب و محاکمه فعالیتهای کمونیستی ضد کشوری قرار می‌گیرند. در ۱۹۶۹ روی هم رفته بیست نفر به تشکیل گروههای کمونیستی جهت براندازی دولت محکوم شدند. در ۱۹۷۱ فعالیت گروهی ناراضی حادثه سیاهکل را که اینک معروف شده است به وجود آوردند. این حادثه حمله‌ای بود به وسیلهٔ یک دسته مسلح در یک پست ژاندارمری در سیاهکل که دهکده کوچکی است، در سلسله جبال البرز و حدوداً ۳۵کیلومتری جنوب شرق رشت. در این حادثه ۲ ژاندارم کشته شده و یکی زخمی گشته و بعد گروه حمله‌کننده به میان کوهها فرار کردند، ولی به زودی به وسیلهٔ یک گروه فوق‌العاده دولتی (شامل واحدهایی از ارتش) بین ۱۵۰ تا ۱۷۵ نفر دستگیر شدند. سیزده نفر آنها که زندانی شده بودند بعداً محاکمه و اعدام گردیدند. بنا به قولی در میان دستگیر شدگان دو عرب فلسطینی بودند و بقیه در چین کمونیست تعلیم دیده بودند لکن تقریباً ۵۰ نفر از این ناراضیان موفق به فرار شدند و خشونتهای دولتی بعدی بعضی اوقات به طور رسمی به گروه سیاهکل نسبت داده می‌شود. سوءظنی وجود دارد مبنی بر اینکه چنین گروهی دیگر وجود ندارد اما دولت ایران آن را برای برچسب زدن به سایر تروریست‌ها به کار می‌برد (واقعه سیاهکل چند هفته بعد از حادثه شهرت داخلی زیادی به دست آورد) و در ژانویه ۱۹۷۲ دولت ایران اعلام کرد که ۱۲۰ نفر را به جرم قتل، سرقت بانک، بمب‌گذاری، حمل غیر مجاز اسلحه و مهمات، قصد آدم‌ربایی، سرقت هوایی، تبلیغ کمونیستی و فعالیتهای ضد دولتی به محاکمه خواهد کشانید. اتهاماتی مبنی بر اینکه جرم زندانیان از قبل و سنگینی محکومیتها (از میان ۳۲ نفری که محکوم به مرگ شده بودند ۱۹ نفر اعدام ۱۰ نفر به حبس ابد محکومیت یافتند و از سه نفر دیگر خبری نشد) انتقاد شدیدی را از جانب مطبوعات و روشنفکران غرب برانگیخت. انتقادی که تا اندازه‌ای چهرهٔ شاه را هم در داخل و هم در خارج مخصوصاً در اروپای غربی خراب کرد. ما فکر می‌کنیم که خشونت نشان داده شده از طرف دولت به وسیلهٔ این توقیفها و محاکمه‌ها عملیات تروریستی را به تأخیر انداخت و گروههای خرابکار را مجبور به تجدید سازمان و تعلیمات نمود. اما وقتی که این امر انجام شد انتظار می‌رود که فعالیت چریکی شهری به همان اندازه قبل از خشونت تکرار شود. تلاش عمده ضد رژیم خارج از کشور و عمدتاً در اروپا انجام می‌گیرد. سران اصلی حزب توده که سالهاست خارج از ایران به سر می‌برند و مورد حمایت شوروی می‌باشند، دانشجویان ایرانی را در خارج سازمان می‌دهند و یک ایستگاه رادیویی مخفی را از بلغارستان یا لایپزیک در آلمان شرقی، که برای ایران برنامه دارد، اداره می‌کنند. دو ایستگاه ضد رادیویی ضد شاه از عراق و باکو روسیه سخن‌پراکنی می‌کنند. در حال حاضر گفته می‌شود که ایستگاه رادیویی آلمان شرقی در دست تجدید سازمان وسیعی است. یک گروه کوچک در ۱۹۶۵ از حزب

www.takbook.com



توده انشعاب کرده و خود را کمونیست چینی معرفی کرده که آن کشور هم موفق به نفوذ قابل توجهی میان دانشجویان ایرانی در اروپا شد. همچنین عناصر جبهه ملی قدیم نیز در خارج به چشم می‌خورد که از فعالیت کمتری برخوردار است. شاید مرئی‌ترین و ناراحت‌ترین و مطمئناً معروفترین آنها کنفدراسیون دانشجویان ایرانی (CIS) می‌باشد که یک سازمان ناراضی دانشجویی است با پیروان زیاد میان دانشجویان ایرانی در اروپا و با برخورداری از حمایت روشنفکران آن قاره. این سازمان چپی بوده و حمایت وسیعی از عناصر حزب توده دریافت می‌دارد (بعضیها می‌گویند که رهبری آن از حزب توده است). این سازمان در هدایت تظاهرات ضد شاه و سیاستهای او نقش عمده‌ای دارد. اثر واقعی این گروههای در تصویر شاه است به عنوان یک مستبد ظالم در نزد گروههای نسبتاً زیادی در خارج از کشور، و نیز شهرت نامطلوب در مورد محاکمات ایران در خارج ایجاد کرده است و هنگام سفرشان به خارج برای او و میزبانانش ناراضی درست می‌کند. سرانجام قابل توجه است که فعالیتهای نوع دیگری از یک ناراضی، یعنی ژنرال تیمور بختیار، که رییس سابق ساواک بوده و پس از تبعید به وسیلهٔ شاه درصدد گرفتن یک انتقام شخصی است، وجود دارد. وی چند سال اول تبعیدش را در سوئیس به سر برده و از آنجا فعالیتهای دانشجویی ضد شاه را اداره می‌کرده است. و سپس به عراق رفته تا احتمالاً مستقیم‌تر در عملیات ضد شاه و ضد ایرانیان فعالیت کند (توقیف او در بیروت برای حمل اسلحه و امتناع دولت لبنان از تحویلش به ایران منجر به قطع روابط میان ایران و لبنان شد) ژنرال بختیار در اواسط ۱۹۷۰ در عراق به قتل رسید و گمان می‌رود که این عمل توسط عمال ساواک انجام شده باشد.

www.takbook.com



## سند شماره ۷

**تاریخ: می ۱۹۷۲ ـ محرمانه**

**موضوع: گروههای اقلیت**

### مقدمه و خلاصه

ایران دارای اقلیتهای مهم قبیله‌ای، مذهبی و زبانی می‌باشد که در گذشته مشکلات عدیده و جدی برای کشور به وجود آورده‌اند. گروههای بزرگ قبیله‌ای به طور سنتی از قانون حکومت مرکزی سرپیچی نموده و ضرورتاً در خلال دورانهای قدرت مرکزی ضعیف خود مختار می‌شدند. حتی در قرن بیستم، بیعتهای قبیله‌ای و اختناق به طور مهمی شانس دولت‌های ایران را تحت تأثیر قرار می‌داد. اما، در سالهای اخیر، گروههای اقلیت به طور مؤثری به وسیلهٔ فشارهای دولت مرکزی و برنامه‌های افزون پایندهٔ همگون‌سازی مهار شده‌اند ـ با قول پاداش بیشتر به خاطر شرکت در یک اقتصاد مترقی. کردهای ایران که در قسمت حساس مرز ایران و عراق سکونت دارند، به طور دقیقی به وسیلهٔ دولت کنترل می‌شوند که مبادا وفاداری نژادی آنها در مشاجرات عراق و کردها درگیرشان نماید. جنگهای پراکنده که سال پیش در مرز ایران و عراق بروز کرده است، معمولاً در جنوب نواحی کردنشین بوده و به علت خشم ناگهانی مذهبی یا قبیله‌ای نبوده است. جمعیت عرب زبان جنوب ایران که در خوزستان در طول مرز عراق و خلیج فارس زندگی می‌کنند، از وقتی که از هویت عرب بودنشان و حالت اقلیتشان به وسیلهٔ گوش کردن به رادیو بغداد و زندگی در قلب سرزمینهای آسیب‌پذیر نفتی ایران آگاه گشته‌اند، مشکلات امنیتی مشخصی را به وجود آورده‌اند. اما کوششهای اعراب عراقی و مترقی برای به وجود آوردن نارضایتی فعال در بین این جمعیت به هر حال نتایج چشم‌گیر چندی در بر نداشته است و حساسیتهای امنیتی ایران نسبت به این جمعیت عرب تدریجاً رو به کاهش است.

### کردها

کردها بزرگترین گروه اقلیت نژادی در ایران و بیش از ۱۰۰۰/۰۰۰ نفر می‌باشند و در بیشتر قسمتهای آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه زندگی می‌کنند که با نواحی عراق و ترکیه که آنجاها هم محل سکونت کردهاست، هم مرز می‌باشند. اگر چه کردها استقلال فکری دارند، اما در سالهای اخیر هیچ مقاومت گسترده‌ای را در مقابل کنترل دولت نشان نداده‌اند. جمهوری مهاباد، یک ایالت کرد «مستقل» که در ۱۹۴۵ به وسیلهٔ اتحاد جماهیر شوروی به وجود آمد، حمایت محلی کمی را به خود جلب کرد که فقط تا ۵۰ مایلی اطراف مهاباد امتداد یافت و به محض اینکه گروههای شوروی از ایران خارج شدند منحل گشت. با این وجود تا کودتای ۱۹۵۸ قاسم در عراق، نیروهای ایران از آن پس بیشتر نواحی کردی را آن چنان که گویی قلمرو دشمن است، اشغال کرده‌اند. این کودتا و شورش متعاقب کردها مشوق دولت ایران شد تا تغییر تاکتیکهایش را برای تأکید بر برنامه‌هایی به منظور پیشرفت در منطقه در جهت جلب بیعت با کردها، دنبال کند. یک چنین سیاست کج‌دار و مریز باعث حفظ امنیت داخلی در بین کردهای ایران شده و در نرمش و آرامی رفتار نسبت به دولت مرکزی به پیشرفتهایی رسیده است. اما نشانه‌هایی وجود دارد که برخی از کردهای ایرانی که در نزدیک عراق زندگی می‌کنند هویت کرد بودن را در سطحی بالاتر از هویت ایرانی نگه داشته‌اند و برخی از آنها به طور نزدیکی با ملامصطفی بارزانی و تلاشش در به دست آوردن

www.takbook.com



خودمختاری در حوزه عراق احساس هویت می‌کنند.

بنابراین، بعید نیست که دولت ایران در مورد به اجرا گذاشتن موافقتنامه‌ای که بین رژیم بعث و کردهای عراق در ۱۱ مارس ۱۹۷۰ به دست آمده، نگران نباشد. با اجرای تام و تمام، آن موافقتنامه تا اندازهٔ زیادی در داخل عراق برای کردها خودمختاری فراهم می‌کند ـ و نه تنها کردهای عراق دیگر مخالفت داخلی که هم اکنون انجام می‌دهند برای دولت عراق فراهم نمی‌کنند، بلکه خودمختاری کردها در عراق ما بین برخی از کردهای ایران تمایل مشابهی را برای خودمختاری دامن می‌زند. ایران سیاست کمک به ملامصطفی بارزانی را در پیش گرفته است ـ اگر چه او کسی است که با کمک روسها در ۱۹۴۵ جمهوری مهاباد را تشکیل داد. ایران با کمک و شاید راهنمایی اسرائیل در دادن آذوقه و مسلح کردن افراد بارزانی کمک کرده است و هنگام عقب نشینی پناهگاهی در اختیارش گذاشته است ـ اندازه کمک به او بسته به روابط ایران با عراق و ناصر و سایر رادیکالهای عرب تغییر می‌کند. عراقیها از جانب خودشان کردهای وفاداری را مانند جلال طالبانی، تشویق کرده‌اند تا با استخدام افرادی در ایران به تشنج دامن بزنند. هر چند که پتانسیل ایجاد تشنج و وجود تعداد زیادی ژاندارم ایرانی را در مناطق مرزی کردنشین ضروری بوده است، ولی احتمال کمی وجود دارد که مسئلهٔ واقعی امنیت در منطقه کردنشین وخیم شود.

**بختیاری**

چیزی بین ۵۰۰/۰۰۰ ـ ۳۰۰/۰۰۰ قبایل بختیاری که مردمانش با لهجهٔ فارسی صحبت می‌کنند و پیرو مذهب تشیع می‌باشند هنوز در نواحی کوهستانی غرب اصفهان زندگی می‌کنند، که بیشترشان فعلاً به کار کشاورزی مشغولند؛ ولی بسیاری از آنها هنوز کولی هستند. با واقع شدن در جایی که می‌توانند جاده اصلی را در جنوب تهران کنترل کنند و فاصلهٔ زیادی تا پایتخت دارند، بختیاریها تأثیر سیاسی مهمی را تا اوائل قرن بیستم داشته‌اند. حمایت تسلیحاتی بختیاریها پیروزی مشروطه خواهان را بر علیه قاجارها مسی نمود و بسیاری از بختیاریها هنوز به عنوان مخالفان آرام مشروطیت شناخته می‌شوند. هر چند قدرت نظامی آنها عاقبت به وسیلهٔ رضاشاه شکسته شد، خانواده‌های متمول بختیاری تا زمان حاضر هم چنان سیادت خود را حفظ کرده‌اند. در بین بختیاریهای برجسته در زمانهای اخیر علیاحضرت ثـریا (بختیاری اسفندیاری)، همسر دوم شاه و ژنرال تیمور بختیار، رئیس اسبق ساواک و دشمن شماره یک آشکار که تا کشته شدنش در عراق در اوت ۱۹۷۰ در تبعید بود، بوده‌اند.

**قشقایی**

قبایل قشقایی که شاید مرکب از ۲۰۰/۰۰۰ ترک زبان باشند، در نواحی اطراف غرب شیراز زندگی می‌کنند. آنها به طور سنتی با بختیاریها فرق دارند. هنوز مانند آنها (بختیاریها)، اهمیت سیاسی قشقاییها امروزه به مقدار زیادی تاریخی می‌باشد و شانسی وجود ندارد که آنها دوباره به عنوان یک نیروی سیاسی مهم مستقل در آیند. در ۱۹۴۶ یک شورش رهبری شده توسط قشقاییها باعث استعفای سه عضو حزب توده در دستگاه دولتی گردید. در اوایل دههٔ ۱۹۵۰ رهبران ایل قشقایی از مصدق پشتیبانی کردند و با سقوط مصدق ایل قشقایی تسلیم و رهبران اصلی تبعید گشتند. در اواخر ۱۹۶۳ قتل کارمند رسـمی اصلاحات ارضی در استان فارس معیارهایی برای تنبیه بر علیه قشقاییها را به دنبال داشت که به هر گونه

www.takbook.com



بقایای روحیهٔ استقلال‌طلبی در میان طوایف خاتمه داد. اما دولت ایران به طور ملایمی نگران فعالیت ضدرژیم تنی چند از قشقاییها که اکنون در حال تبعید در اروپا بسر می‌برند، می‌باشد.

**اعراب**

در حدود ۴۰۰/۰۰۰ عرب زبان عمدتاً در استانهای خوزستان و فارس و در طول خلیج فارس زندگی می‌کنند. با پیوستگیشان به مذهب سنی و یا زبانشان و داشتن خانواده‌ها و سایر وابستگیهایی با کشورهای عراق و عرب در قسمت جنوبی خلیج. این جمعیت هدف تبلیغات توسعهٔ اعراب بوده است که از ناصر القاء شده ولی اخیراً بیشتر از عراق القاء می‌شود. افراط گرایی تبلیغات عراق بر علیه شاه و دولت ایران ـ فقدان یک شخصیت عراقی، با جاذبه و جلال ناصر ـ بدنامی بعثیون حتی در میان دیگر اعراب ـ و سختگیری عراق در مسلمانان ایرانی (هر چند هم شیعه) که اخیراً از عراق رانده شدند، همهٔ اینها دست به دست هم داده‌اند تا مساعی ایران را برای سرکوب تمایلات تجزیه‌طلبی در بین جمعیت عرب نشین خود هموار سازد. این به علاوه گذشت زمان بدون رویدادهای جدی، به از بین رفتن تدریجی نگرانی ایران دربارهٔ مشکلات امنیتی ناشی از جماعت عربش کمک می‌کند.

**سایر گروههای مهم نژادی**

قبایل لار که بسیار به بختیاریها نزدیک هستند، بزرگ نیستند و تقریباً مرز مشترک نواحی غربی بختیاریها را اشغال کرده‌اند. آنها به مدت طولانی از لحاظ سیاسی غیرفعال بوده‌اند. در پهنهٔ جنوب شرقی ایران در حدود ۵۰۰/۰۰۰ بلوچی در استانی نسبتاً ابتدایی و منزوی سیستان و بلوچستان زندگی می‌کنند، و عمدتاً در پرورش چهارپایان به کار گرفته می‌شوند. از وقتی که جنگ هند و پاکستان (INDO-PAK) با کوششهای خارجی برانگیختن ملت بلوچ اتفاق افتاد که می‌توانست دولت ایران را برای توجه بیشتر به این منطقه راهنمایی کند. دولت ایران برای کمک به پیشرفت این ناحیه از طریق احیا، کارهای بسیار کمی انجام داده است. در حدود ۳۰۰/۰۰ ترکمن با ریشهٔ مغولی و لهجهٔ ترکی نواحی گرگان و شمال شرقی نواحی مرزی را اشغال کرده‌اند.

در بین اقلیتهای مذهبی، مهمتر از همه سنی‌ها هستند که در حدود ۱۰٪ جمعیت می‌باشند. اگر چه احساسات شدیدی بین جماعت شیعه و سنی وجود دارد از آنجا که سنی‌ها همیشه در مجموعه‌های جدا بین گروههای نژادی مانند کردها، اعراب، بلوچها و ترکمنها زندگی می‌کنند، نزاعهای مذهبی غیر معمول است. سایر اقلیتهای قابل توجه مذهبی و نژادی شامل حدوداً ۷۵۰۰۰ یهودی است که عمدتاً در تهران و اصفهان زندگی می‌کنند و تاریخ طولانی در ایران دارند، ولی تقریباً خارج از زندگی سیاسی بوده‌اند. در حدود ۱۰۰/۰۰۰ ارمنی مسیحی که در شمال غربی نزدیک ارمنستان و در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند (مخصوصاً تهران و اصفهان)، و در حدود ۷۰/۰۰۰ آسوری، مسیحیان نستوری هستند که در بیشتر قسمتهای اطراف دریاچهٔ رضاییه در شمال غربی ایران زندگی می‌کنند.

بهاییان ایران که از یهودیگری تغییر آیین داده‌اند توسط دولت ایران در اختناق زندگی می‌کنند. شاید دولت این عمل را به عنوان باج سبیل به ملاها که بهاییگری را به عنوان بدعتی در دین اسلام به شمار می‌آورند، انجام می‌دهد و شاید هم به خاطر نسبت دادن فعالیت سیاسی به بهاییهاست.

www.takbook.com



**سند شماره ۸**

**سرّی ـ تاریخ: ۲۵ خرداد ۴۹ (۱۵ ژوئن ۱۹۷۲)**

**کاخ سفید ـ واشنگتن**

**یادداشت برای: وزیر امور خارجه ـ وزیر دفاع**

**موضوع: پیگیری صحبت پرزیدنت با شاه**

طی مذاکراتی که در سی‌ام و سی و یکم ماه می، پرزیدنت با شاه در تهران انجام داد، پرزیدنت به درخواست کلی شاه در مورد ادامهٔ حمایت آمریکا در رفع نیازهای تجهیزات نظامی ایران پاسخ مثبت داد. پرزیدنت تعهدات مشخصی که در ذیل توضیح داده می‌شود، متقبل شد که فعلاً نیاز به پی‌گیری دارد:

۱ـ اصولاً ایالات متحده حاضر است که هواپیماهای F۱۴ـ و F۱۵ـ را به ایران بفروشد و این در صورتی میسر است که ما از کارآیی عملیاتی آنها رضایت کامل کنیم.

۲ـ ایالات متحده حاضر است که برای ایران بمبهای هدایت شونده لیزری را فراهم آورد.

۳ـ ایالات متحده در رابطه با برخورد به اصطلاح «کارگری» تعداد بیشتری از تکنسینهای نظامی یونیفورم پوش از واحدهای خدماتی آمریکا به امر فعالیت در واحدهای خدماتی ایران، به ایران انتقال خواهد داد.

از وزارت دفاع درخواست می‌شود که تا سی‌ام ژوئن با هماهنگی وزارت خارجه، یادداشتی آماده کند که در آن روش اجرای هر یک از این برنامه‌ها به نحوی که با تعهدات پرزیدنت هماهنگی داشته باشد توضیح داده شود.

**هنری الف کیسینجر**

www.takbook.com



**سند شماره ۹**

**کاخ سفید واشنگتن** **۲۵ جولای ۱۹۷۲ ـ سرّی**

**یادداشت برای: وزیر امور خارجه ـ وزیر دفاع**

**موضوع: پیگیری مذاکرات رئیس جمهور با شاه ایران**

رئیس جمهور یادداشت وزیر دفاع را با تاریخ ۵ جولای ۱۹۷۲ یعنی «پیگیری مذاکرات رئیس جمهور با شاه ایران را» مطالعه نموده و طرز عمل زیر را تأیید نموده است.

۱ـ هواپیماهای F-۱۴ و F-۱۵: توسط هیئت‌های خدماتی هر چه زودتر به ایران دستورالعمل دربارهٔ ظرفیت هواپیماها و نیازمندیهای آموزشی و لجستیکی مرتبط با آنها داده شود. به منظور فراهم آوردن زمینهٔ کافی برای مقایسهٔ دو هواپیما، این دستورالعمل اولیه از آنجا که هر هواپیما به سوی مرحله مؤثر عملی حرکت می‌کند، باید توسط هیئت‌های خدماتی با گزارش پیشرفت مناسب همراه گردد.

رئیس جمهور به شاه گفته است که ایالات متحده در اصول مایل به فروش این هواپیماهاست و این منوط به آن است که ما از این طرز عمل مؤثر آنها رضایت حاصل کنیم. در این چهارچوب، تصمیم به خرید و زمان‌بندی می‌بایستی به عهدهٔ دولت ایران گذاشته شود.

۲ـ بمبهای هدایت شونده با لیزر: هر چه زودتر توسط تیم نیروی هوایی آمریکا بایستی دستورالعمل به ایرانیان داده شود. دریافته‌ایم که تحویل اسلحه را می‌توان هفت ماه پس از گشایش حوالهٔ رسمی ایران شروع کرد. رئیس جمهور به شاه گفته است که ایالات متحده آماده است تا این تجهیزات را برای ایران فراهم نماید.

۳ـ تکنسینهای نظامی: نیازمندیها می‌بایستی فوراً از طریق سفارت و ادارهٔ نظامی آمریکا در تهران به دست آمده و ترکیب هیئت قرارداد مراجعه و هزینه هر چه زودتر بایستی با دولت ایران انجام پذیرد. رئیس جمهور به شاه اطلاع داده است که ایالات متحده تعداد فراوانی تکنسین نظامی با یونیفورم از خدمات آمریکا در ایران به کار خواهد گماشت تا با خدمات نظامی ایران کار کنند.

وزارت دفاع، با همکاری وزارت امور خارجه، هر چه زودتر مقدمات مشروح در فوق را پایه‌ریزی نمایند. رئیس جمهور همچنین قید نموده است که عموماً تصمیم دربارهٔ تحصیل تجهیزات نظامی می‌بایستی بدواً به دولت ایران واگذار شود. چنانچه دولت ایران تصمیم به خرید تجهیزاتی گرفته است، بایستی آن را به خرید تجهیزات آمریکا با مهارت کامل تشویق نمود و راهنماییهای تکنیکی دربارهٔ ظرفیت تجهیزات مورد بحث را در اختیارش قرار داد.

**هنری الف کیسینجر**

www.takbook.com



**سند شماره ۱۰**

**وزارت امور خارجه** **سرّی ـ اداری ـ غیر رسمی ـ ۲۶ جولای ۱۹۷۲**

**ال. دوگلاس هک عزیز**

**مشاور وزیر سفارت آمریکا**

**تهران، ایران**

**داگ عزیز**

اینک از سوی دکتر کیسینجر یادداشتی داریم که آن را خیلی رضایت بخش تلقی می‌کنیم. این یادداشت در مورد عملکرد اشخاص در پیگیری گفتار ریاست جمهور و شاه دستورات لازم را می‌دهد (نسخه پیوست می‌باشد). بر اساس این یادداشت به زودی چندین تلگراف اجرایی را که حاوی چگونگی به اجرا گذاشتن تصمیمات ریاست جمهوری است، برایت خواهیم فرستاد. پاسخ پرسش شما را دربارهٔ پرسنل نظامی پیشاپیش پست کرده‌ام. مطمئناً پیش از این نامه، آن را دریافت خواهی کرد. اما آنچه که در آن نامه مهم است، عبارت از پشتیبانی کامل از اظهارات سفیر به هویدا می‌باشد، به این ترتیب که ما به هیچ‌وجه قصد دخالت در موضوع اجرایی نداریم، اما تا حد امکان پاسخگوی تقاضا برای تربیت پرسنل خواهیم بود. پیغام بعدی احتمالاً با هیئتهای دستورالعمل دهنده دربارهٔ F-۱۴ و F-۱۵ سرو کار خواهد داشت که در صورت نیاز می‌توان تا ماه اکتبر به ایران فرستاد.

فکر می‌کنم که آخرین پاراگراف یادداشت پیوست، برگ برنده‌ای است که بدان وسیله بتوانیم هر گونه هیئت دستورالعمل دهنده‌ای را که به نظر شما مطلوب برسد، اعزام نماییم. بنابراین خواهش می‌کنم که تردید روا مدارید.

پرچم را در اهتزاز نگهدار با گرمترین درودها ـ ارادتمند: جک سی. میکلوس

پیوست: نسخه یادداشت از دکتر کیسینجر ـ مورخهٔ ۲۵ جولای ۷۲

www.takbook.com



## سند شماره ۱۱

**سرّی ـ ۱۱ اوت ۱۹۷۳**

**جناب ریچارد هلمز**
**سفیر آمریکا، تهران ـ ایران**
**آقای سفیر عزیز:**

همان طور که چند تن از همکاران ما که هنوز فعال هستند در خاطر دارند، آنچه که ما Airgrams می‌نامیم این طور شروع می‌شد:

«وزیر خارجهٔ محترم، واشنگتن دی ـ سی، آقای عزیز: افتخار دارم که این گزارش را تقدیم کنم که... برخی از این عاقله مردها به من گفتند که چنین طرز نگارش به شخص خاصی (اگر چه بدانند که او به طور حتم هرگز گزارش را نخواهد خواند) در آنها احساس پر معنا و حضوری ایجاد می‌کند که اینک گمشده است. به همین جهت بود که فکر کردم نظارت خودم را دربارهٔ ایران به‌صورت نامه‌ای برایت بنویسم هر چند که تحویلت داده شود یا نشود. میل و رغبت شما برای خواندن نامه به من کمک کرده است که دربارهٔ مضمون نامه، حتی به طور تمام وقت، فکر کنم و نوشتن آن برایم رضایت بخش شود.

خواهش می‌کنم با خیال راحت با هر کسی که میل دارید نامه را با هم بخوانید. به‌خاطر رابطه نزدیک و احترامی که برای Bill Lehfeldt قائلم، نسخه‌ای از نامه را برای او گذاشته‌ام و چشم انداز خود را توصیف می‌نمایم. از سال ۱۹۵۹، که برای گذراندن تابستان، با یکی از دوستان ایرانی به اینجا آمدم، علاقهٔ خاصی و عمیقی نسبت به ایران پیدا کردم. دوستان ایرانی همسال من تحصیلکردهٔ بریتانیا، اروپا و ایالات متحده بوده‌اند. بنابراین آنها بیشتر سالهای عمر خویش با انگارهایی غربی رویارو بوده‌اند. در نتیجه آنها، خصوصاً استانداردهای لیبرال آمریکایی و اروپای شمالی را برای هدایت زندگی فردی و جمعی قبول و تحسین می‌کردند. بسیار از آنها به‌خاطر رها کردن یا کنار گذاشتن این استانداردها در راه یافتن زندگی مدرن ایرانی که اغلب هم موفقیت‌آمیز است احساس تنفر و خیانت می‌کنند. من مطمئنم که نظرات و مشکلات آنها در من بی‌تأثیر نبوده است.

به این واقفم که در مورد بسیاری از روابطمان با ایران به طور کامل یا جزئی بی‌اطلاعم، به ویژه هنگام بحث با دیگران در سفارت دربارهٔ اینکه آیا منافع و تعهد در روابط با ایران به طور صحیحی سنجیده شده‌اند؟ اغلب به طور عجیبی جواب شنیده‌ام که ایران در حالی که مخاطرهٔ قابل ملاحظه‌ای برای خودش وجود دارد، برای آمریکا کمکهای فراوان و امکانات وسیعی برای کارهای جاسوسی و اطلاعاتی فراهم کرده است. به صورتی مبهم می‌دانم که ایران به ایالات متحده اجازهٔ داده است که از طریق ایران استراق سمع از کشورهای همسایه بکند و اینکه ارتباط کاری نزدیکی بین ساواک و سیا (SRF) وجود دارد.

این برای من کافی نیست که دربارهٔ اندازه و مخاطره برای این و ارزش واقعی فعالیتهای مربوطه نتیجه‌گیری کنم. با کمبود اطلاعات بیشتر، شک طبیعی و حرفه‌ای من نمود بیشتری می‌یابد. نقطه نظرات من در این نامه دربارهٔ موضوعات مورد بحث طی ده تا پانزده سال است. چرا که میل دارم که با به پایان رسیدن آن زمان در مقام ارشدی در این سفارت باشم. بنابراین بیشتر به نتایج بعدی عملیات و دریافتهای کنونی می‌اندیشم. این نقطه نظرها منتهی به این می‌شود که سعی کنم روش حکومتی شاه را بفهمم تا در پرتو آن بتوانم حدس صائبی دربارهٔ اینکه احتمالاً چه بر سر او و حکومتش خواهد آمد داشته باشم. در بین

www.takbook.com



بیشتر ایران‌شناسان این اشتراک نظر وجود دارد که شاه در سالهای اخیر سعی کرده مانند یک شاه قانونی رفتار کند و ایده آلهای دموکراتیک خود را که گفته می‌شود در Le Rosey کسب کرده، اجرا کند. بر فرض صحت و سقم این مطلب (باید بگوییم Le Rosey مکان بعیدی برای کسب کردن عقاید دموکراتیک است) این واضح است که در اوائل دهۀ ۱۹۵۰ مخصوصاً بعد از جریان مصدق، شاه تصمیم قطعی گرفت که در عین سلطنت، حکومت هم بکند. هم چنین به‌نظر می‌رسد سیستم انتخابی او برای به اجرا گذاشتن چنین حکومتی مبتنی بر دید بدبینانۀ سنتی خصوصیت ایرانی است که شاه خصوصاً ممکن است (به این پذیرش چندین جا در «مأموریت برای وطنم» به طور تلویحی اشاره شده است) به خاطر آمادگی ایرانیان برای عوض کردن جبهۀ خود و رهبرانشان به طور ارادی در دوران مصدق آمادۀ قبول آن باشد».

یک اظهار نظر استاندارد در کتابهایی دربارۀ ایران صرف نظر از تاریخ تألیف آنها (قرن نوزدهم 19, th cent تألیف James Morier and Percy Sytes و دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ 1920's and 30 تألیف Morgan Shaster و کتاب دهۀ ۱۹۵۰ 1950's تألیف Norman Jacobs و کتاب دهۀ ۱۹۶۰ 1960's تألیف Marvin Zonis) ذکر شده که تاریخ انقیاد و خواری ملی در تاریخ اسلامی ایران که برای مدت طولانی تنها توسط صفویها گسسته گردید، در شخصیت ایرانی، خصوصیات منفی بارزی بر جای نهاده است. از آنجایی که می‌خواهم به تفصیل در این باره بحث کنم، حال تأکید می‌کنم که به هیچ‌وجه اینها گویای داستان ایرانی جماعت نیست.

در محافلی که ایرانیان احساس خودی بودن می‌کنند وفا و صمیمت و دوستی حکمفرماست. به علاوه ایرانیها دارای ذوق و زیبایی‌شناسی، احترام برای زبان و کاربرد ماهرانۀ هوش و دریافت می‌باشند، که از مردمی با قدمت و غنای فرهنگی و تمدن ایرانی انتظار می‌رود. علاوه بر این و یا همان طور که بعداً اشاره خواهم کرد ایرانیان از خصوصیات منفی و اثرات سوء آنها کاملاً آگاهند و سعی در از بین بردن آنها دارند.

زیر سلطۀ بیگانگان (اعراب، مغولها، ترکها) یا استعمار (انگلیسی‌ها، روسها)، ایرانیان مفهوم ملیت خود را از طریق فرهنگ، خصوصاً زبانشان را در شعر از قبیل شاهنامۀ فردوسی و مناعت خویش در چله نشینی و حریم زندگی خصوصی، پشت دیوارهای بلندی که هنوز هم نشان بارز معماری سنتی ایران است، حفظ کرده‌اند. دنیای بیرون به طور موجهی، به عنوان دشمن دیده می‌شود. به علاوه سلطه خارجی همیشه یک احساس «هر کس برای خویشتن» را بین زیر سلطه‌ها ایجاد می‌کنند و قرنها این احساس بخشی طبیعی، از زندگی فردی و اجتماعی یک ایرانی را تشکیل داده است. در چنین محیطی سوءظن متقابل، عدم اطمینان، رقابت و چشم و همچشمی و فردگرایی خودبینانۀ شدید وجه مشخص روابط ایرانیان با یکدیگر بوده است، (کتاب نخبگان سیاسی ایران از ماروین زونیس سند تفصیلی این مطلب است)

التهاب روانی زندگانی در چنین جوّی به طور سنتی در مجامله و تعارفهای ماهرانه در زندگی روزمرۀ و به ویژه در رابطه بین رئیس و مرئوس و جانبداریهای خصوصی التیام یافته است. این جانبداری از روابط بسیار نزدیک و صمیمی بین اعضای خانواده بسیار بزرگ و دوستان قدیمی، حاصل می‌شود. ممکن است ایرانیان با چنین دلبستگیهایی اکثر ایام فراغت در دوران جوانی را با یکدیگر بگذرانند ـ اینها مردمی هستند که هر ایرانی آنها را به عنوان انسان کامل می‌بیند... می‌توان به آنها اعتماد کرد، محرم رازشان نمود و در حضورشان احساس آرامش کرد. با مابقی عالم باید با بدبینی رفتار کرد و در صورت امکان برای منافع شخصی استثمارشان نمود و بازی‌شان داد و در صورت لزوم با حسابگری تسلیمشان شد. شاه با پذیرفتن

www.takbook.com



چنین دیدگاهی از خصوصیت مردم خود، سیستم حکومتی‌ای را برگزید که از این کیفیتها استفاده کند. نمی‌دانم که آیا شاه در حقیقت آگاهانه این سیستم را از هخامنشیان که اغلب اوقات رژیم خود را با آن یکی می‌داند، اتخاذ کرده یا خیر؟ اما سیستمی که او انتخاب کرد در حقیقت دارای شباهت زیادی به شیوه‌ای که هرودت در کنترل ادارهٔ امپراطوری خویش از کوروش و داریوش یاد می‌کند، می‌باشد.

این سیستم ساده و خام است، اما در عمل مانند زبانهای بدوی که به گفتهٔ زبانشناسان پیچیده‌ترین دستور را دارند، پیچیده است. هر ارگان مهم دولتی به وسیلهٔ چند نفر که می‌بایستی در حالت رقابت و عدم اطمینان شدید نسبت به یکدیگر نگه داشته شوند، اداره می‌شود. قَدَر قدرت شاه است و قدرت و نفوذی که افراد ممکن است داشته باشند باید منشعب و مشتق از شاه باشد. بنابراین رقبا می‌کوشند که برای نزدیکتر شدن به شاه از یکدیگر سبقت بگیرند. آنها که در رأس در حال رقابت هستند همین قانونها را برای کنترل زیردستان خویش به کار می‌برند، در نتیجه سیستم و جوی که ایجاد می‌شود تا پایین‌ترین سازمان دولتی یکسان است.

جو دسیسه و رقابت شخصی پیوسته این ضمانت را می‌کند که هیچ‌کس به عنوان موجودی مستقل توسط دیگران شناخته نمی‌شود و هیچ‌کس هم آن چنان شخصیتی نخواهد شد که بتواند بر طبق حق خویش، شخصاً کسانی را به طرف خود جلب کند ـ شناخت عمومی از شاه سر چشمه می‌گیرد... مردم فقط ممکن است شاه را ستایش کنند... وزیر دارایی، جمشید آموزگار، یکی از بالاترین نشانها را که نشان درجه یک تاج است در نتیجهٔ مذاکره موفقیت‌آمیز خود برای نرخ مورد موافقت، در سال ۱۹۷۱ دریافت کرد.

این یک موفقیت شخصی محکمی بود که استعدادهای فوق‌العاده آموزگار را نشان داد که تشریفات امضاء کردن آن از طریق تلویزیون، بر روی شاه متمرکز شود و سران نمایندگان کشورهای تولید کننده نفت یک سخنرانی کوتاه در تمجید از شاه به عنوان طراح موافقتنامه ایراد کنند و نیز بلافاصله بعد از دریافت مدال تاج، تبلیغ شخصی برای آموزگار به طور ناگهانی متوقف شد و او خودش را کنار کشید تا قبول ضرب‌المثل فارسی، از خطر گل سر سبد شدن در باغ شاه پرهیز کند.

این الگوها تقریباً به گونه‌ای بی‌نهایت تکرار می‌شود. در مورد زمینه مورد علاقهٔ من این الگوها در شرکت ملی نفت ایران به طور وضوح دیده می‌شود. دو نفر، رضا فلاح و دکتر اقبال، در رأس با یکدیگر در حال رقابت هستند. رابطهٔ مخصوص اقبال و شاه به خاطر وفاداری وی، در دوران مصدق و آمادگی او برای استعفاء از سمت نخست وزیری و از طرف دیگر به گردن گرفتن اشتباه شاه به خاطر دعوت او مطبوعات دنیا برای مشاهده انتخابات فرمایشی، به وسیلهٔ مشاور شخصی شاه در امور نفت بودن رضا فلاح اعتدال پیدا می‌کند. تعداد زیادی از این رقابتها از طریق تشکیلات و سازمانی که مشتق و منبعث از این رقابت مرکزی بوده گسترش زیادی پیدا کرد. شاه بدون تردید مهارت قابل ملاحظه و نسبتاً نبوغ آمیزی در اجرای این سیستم از خود نشان داده است. او باید جزییات بیش از صد شخصیت و روابط متغیر آنها با یکدیگر را در ذهن نگهدارد.

او ناچار است تضمین کند که نه تنها افراد بلکه سازمانها هم در رقابت متقابل باشند، به طوری که همکاری و نه رقابت بین افراد وزارتخانه خطری متوجه او ننماید. در همان حال این افراد و سازمانها باید به گونه‌ای بازی داده شوند که در عین بی اعتمادی به یکدیگر و بدگمانی نسبت به خود و هموطنان خود به مدت طولانی با جدیت کار کنند تا به اهداف مشترکی که شاه برای کشور در نظر گرفته است، دست یابند.

www.takbook.com



این سیستمی است که شاه توسط آن بر یک ملت استوار و یک موج پرخروش اقتصادی فرمان رانده و آن را اداره کرده است. در یک چنین نامه‌ای جای کافی وجود ندارد اگر بخواهیم پشتیبانی فرعی از این سیستم را که به وسیلهٔ کاربرد ماهرانهٔ اندازه‌های حساب شده سرکوبی و فشار و همچنین استفاده از مجاری متعدد اطلاع به مدارج عالیه و ارائه دقیق چهره فرمانروا را توصیف کنیم. در هر صورت اینها برای شما آشناست و در رژیمهای مدبرانه توتالیتر در هر جای دنیا مشترک است.

هدف من در بقیهٔ نامه توصیف فشارهای وارد بر رشد توسعه اقتصادی در این سیستم، اثرات اجرای ۲۰ سالهٔ این سیستم روی شاه و جامعه ایرانی و پیشنهاد کردن گامهایی است که ما ممکن است در پرتو این عوامل برداریم.

ناظران ایرانی و خارجی هر دو بر سر این مطلب توافق دارند که نیازمندیها و عملیات تجارتی و اقتصاد رشد یابنده ایران، ظرفیت اداره سیستم سیاسی شخصی شاه را بسیار سنگین می‌نماید. یک نشانه این مطلب اهمیت و رشد عظیم فساد در دولت ایران است. این در ایرگرام (airgram) ضمیمه که من در آماده کردن آن کمک کردم و هنوز درست است، توصیف شده است، به طور انفجارآمیزی رشد کرده است و من معتقدم که فساد و تورم که تا حدودی به هم ارتباط دارند روشن‌ترین علل بی‌ثباتی در ایران هستند.

اما در مدت طولانی یا کمتر این خطرهای فوری به خاطر بی‌کفایتی و بی‌ظرفیتی سیستم سیاسی شاه برای ادارهٔ رشد اقتصادی تقویت و تشدید می‌شود. امیدوارم توضیحاتم مطلب را روشن کرده باشد که این سیستم با اعطای مهارتهای غیر معمولی به شاه برای حفظ کنترل و تمرکز دادن قدرت، فوق‌العاده است. در مراحل اولیه توسعه اقتصادی ایران قدرت و کنترل مرکزی آنها به طور قابل قبولی در ضمانت اینکه در ارتباط با چند پروژهٔ زیربنایی Infastructure که سریعاً در آن زمان جلو افتاد، بدون اینکه به خاطر تأخیر در دیوانسالاری سست و عظیم ایران خراب شود، مؤثر افتاده بود. اما در حال حاضر برای توسعه اقتصادی ایران مهمتر از ساخت و تأسیس مسئلهٔ مدیریت و اداره می‌باشد.

سیستم سیاسی مرکزی شاه به هر حال در تمام سطوح نیازمند مدیرانی است که دارای حالتی باشند که نه فقط رقابت دیوانسالارانه عادی، بلکه رقابت شخصی شدیدی نیز بین آنان حکمفرما باشد. نیرو و اندیشه‌ای که باید صرف مطالب اساسی شود، در عوض، صرف دسیسه‌های مزمن می‌شود. از آنجایی که قدرت شامل قدرتی است که تقسیم می‌شود، تمرکز قدرت و کنترل در بالا نیازمند این است که مقدمتاً تمام تصمیمات در آغاز گرفته شود.بنابراین سیستم کنترل سیاسی ایران بیشتر دربارهٔ هرم خشن مدیریتی که عموماً رژیمهای توتالیتر و کشورهای در حال توسعه را شکل می‌دهد، مبالغه می‌کند. به علاوه چون سیستم تمامی قدرت را برای همهٔ منظورها در اختیار شاه قرار داده، هنوز امکان ندارد کسی به نمایندگی یا وکالتاً بدون اینکه تمام سیستم و موقعیت شاه را مورد تهدید قرار دهد،وظایف خاص اقتصادی را انجام دهد.

به این ترتیب این کفش کهنه در اکثر جاها در هر زمانی بیشتر و بیشتر پا را می‌زند. اما ایرانیان تحصیلکردهٔ خارج، محیط درگیری درون فردی را در وزارتخانه‌ها و آژانسهایی که اداره کنندهٔ توسعه اقتصادی هستند، تقریباً غیرقابل تحمل می‌یابند. به علاوه، کندی و تناقض در تصمیم‌گیری، حس پراگماتیسم ایرانی و استانداردهای غربی را در چگونه انجام دادن کار که خصوصیت این اشخاص است آزار می‌دهد. نتیجهٔ این، فرار مستمر مغزها به خارج (بر عکس تبلیغات دولت ایران) در تخصصهای مهم

www.takbook.com



چندی چون پزشکی و مهندسی است. شما ممکن است از بخش کنسولی، آخرین تعداد ویزای مهاجرت را بخواهید. در ارتباط با این تصمیم والدین ایرانی طبقه متوسط است که می‌خواهند فرزندانشان تحصیلات خارج را داشته باشند. چه در مدارس خارجی در ایران و چه در خارج،والدین امیدوارند فرزندانشان از اینکه جنبه‌های منفی شخصیت ایرانی را بگیرند، پرهیز کنند. هم چنین یک مهاجرت دسته جمعی از ادارات دولتی به طرف بخش خصوصی فعال ایران در جریان است. بسیاری از مستخدمین ترجیح می‌دهند در شرکتهای خصوصی کار کنند و دیگران به طور کلی ادارات دولتی را ترک می‌کنند.

همزمان با این نیروها به طور فزاینده‌ای هدر می‌رود. این نیروها هرز رفته بسیار زیاد است. اما مهمتر و تضعیف کننده‌تر هرز رفتن انسانها است. وزرا و کارمندان ارشد به طور عادی ۱۵ ساعت در روز کار می‌کنند از آنجایی که بایستی آنها آماده برای تصحیحات روزانهٔ ضروری غیرقابل شمارش که حرکت تشکیلاتشان را ممکن می‌سازد، باشند، این رأی آنها غیر ممکن است که دربارهٔ هر مسئله‌ای به طور ثابت دقایقی چند بتوانند کار کنند، و این همراه با عدم امنیت دیوانسالاری که سیستم به آن اعتماد دارد، فشار عصبی زیادی وارد می‌کند. در عین حال همان سازمانها جوانان با تحصیلات عالی به علت نداشتن مسئولیت، ترش‌رو و بی‌مصرف می‌شوند، یا اینکه با اتخاذ تصمیمهای پیش پا افتاده لازم برای تنفیذ آنها در معرض خطر از دست دادن مشاغل خود قرار می‌گیرند.

بنابراین به طور خلاصه سیستم سیاسی شاه، به او وسیله‌ای داده است که توسط آن ثباتی ۲۰ ساله، قدرت به طوری در حال رشد و بالاتر از همه رشد ثابت و عظیم اقتصادی را به دست آورد. هزینهٔ فوری استفاده از این سیستم، این است که اولاً شهرت و دوباره اعتبار بخشیدن به صفات منفی در زندگی و شخصیت ایرانی است که ایرانیان خود از آن (صفات) به اندازهٔ اثرات لاینفک آن، به علت موانعی که در راه رسیدن به رشد ملی و مدرنیزه کردن، ایجاد می‌کند، متنفر هستند. هزینهٔ بزرگتر و پردوام‌تر استحکام بخشیدن به شکل مدیریتی است که اگر عوض نشود، به طور مهلکی رژیم را به خاطر علتی بدتر از انتقادی که یک ایدئولوژی می‌تواند بر پیکر آن وارد آورد، تضعیف خواهد کرد. دیده خواهد شد که رژیم ظرفیت دستاورد را نخواهد داشت و از نیل به اهداف خویش عاجز خواهد ماند.

این، خطر آشکاری برای منافع ما در ایران می‌باشد، خواه به تدریج، خواه ناگهانی. همان طور که در بالا توصیف شد، تغییر اقتصادی به تغییر سیاسی منجر خواهد شد. این تغییر می‌تواند تا مرگ شاه به تأخیر افتد، که در این صورت احتمالاً یک دورهٔ طولانی بی‌نظمی و بی‌قانونی در بین طبقهٔ متوسط ایران که از قبول ادامه سیستم شاه خودداری کرده و سعی می‌کند روی یک سیستم جدید کار کند، به وجود بیاید. متناوباً سیستم ممکن است تدریجاً طی یک مدت طولانی فرسوده شود. این نوع فرسایش ممکن است اشکالاتی بگیرد که شاه لزوماً در آغاز آنرا تشخیص ندهد. (برای مثال مطلب زیر را ببینید).

وقتی برای شاه مسجل شد که سیستم کنترلش از هم پاشیده شده، با سرعت و شتابزدگی احتمالاً با روشهای مؤثری که برای تکنوکراتها که چرخ ایران را می‌گردانند، غیرقابل قبول است، درصدد تصحیح آن بربیاید. علاوه بر این، این عکس‌العمل او را شبیه به یک Canute می‌کند که سعی دارد مسیر طبیعی و آرام تغییر را حفظ کند. به خاطر نسبت نزدیک ما با شاه خطرهایی که متوجه شاه است، خطر برای ایالات متحده نیز محسوب می‌شود، مگر اینکه ما وی را آماده و وادار به قبول آنها بکنیم یا ارتباط خویش را، از تلاشهایی که او در جهت باقی ماندن آن (خطرها) می‌کند، قطع کنیم. ما همچنین باید روشن کنیم که ایالات

www.takbook.com



متحده، این پیشرفت در زندگی ایرانیان و برخورد آن را با سیستم کنترل سیاسی ایران درک کرده است، و این تغییرات را به عنوان چیزی طبیعی و مطلوب، قبول می‌کند.

بسیاری از تغییراتی که من فکر می‌کنم که می‌توانیم حمایت و تفاهم خود را از آنها نشان دهیم، قبلاً در بخش خصوصی آغاز شده است. در سال ۱۹۷۰، مرکز مطالعات مدیریت ایران ICMS در اینجا تأسیس شد. که امسال اولین گروه از آن فارغ‌التحصیل خواهند شد. همان طور که احتمالاً اطلاع دارید، این مرکز نسخه بدل مدرسه بازرگانی هاروارد است و به موجب قرارداد ۱۰ ساله، این مرکز زیر نظر هاروارد اداره و برنامهٔ درسی آن کنترل می‌شود. شاه، زمین مرکز را هدیه کرد و شاهزاده عبدالرضا به عنوان رئیس هیئت مدیره‌ای که ظاهراً هنوز مرکز مطالعات مدیریت ایران را، که به عبارت فارسی یک تشکیلات به غایت تخریبی است، نشناخته است، منصوب گردید.

مدرسه، جدا از هدایای شاه که قبلاً ذکر آن رفت، تماماً به بخش خصوصی تکیه دارد. مؤسسین و حامیان آن صریحاً قصد دارند با تدریس تکنیکهای مدیریت جدید در مدرسه، فشار مانع را در راه مدیریت خوب و صحیح برداشته و محیط بی‌معنی و هیجان‌آمیز رقابت شخصی را که الآن تا اندازهٔ زیادی در بازرگانی خصوصی و بخش دولتی نیز حکمفرماست، بشکند. در خاتمه این، آنها اصرار دارند که مرکز، وابسته به کمکهای دولت نباشد و در عوض طبق قرارداد تحت نظر هاروارد باشد. من انتظار دارم که مرکز، در آینده تحت فشار زیادی باشد تا خود را تغییر داده و منطبق بر سیستم باشد. در حقیقت یک چنین حمله‌ای توسط قاسم خرد جو، رئیس هیئت مدیرهٔ IMDBI که عضو هیئت مدیره مرکز مطالعات نیز هست، قبلاً شده. ممکن است از شما تقاضای کمک و راهنمایی غیر رسمی در این موقعیتها و در فرصتهای دیگر، چه تشریفاتی و چه جدا، بشود که شما حمایت خود را از مرکز مدیریت ایران، نشان بدهید، با درک و قبول اینکه این مرکز چه معنی و اهمیتی برای ایران دارد.

بخش خصوصی همچنین شروع کرده است به شناخت و عمل بر طبق اینکه پول را برای مردم بیش از هر چیز دیگر خرج کند. تمام طبقات از کارمندان دولت به طور فاحشی کم حقوق می‌گیرند و وضعیتی است که فساد و بی‌کفایتی را افزایش داده، و این سابقاً برای کارمندان بخش خصوصی در تمام سطوح بجز در سطح خیلی بالا صدق می‌کرد.

اکنون به هر حال، صنعت خصوصی شروع به مقابله با مشکل عدم کفایت پرسنل و مغزهای متفکر، به وسیلهٔ بالا بردن حقوق و امتیازات مخصوص در استخدام کارمندانی جدید با مهارتهای خاص، کرده است ـ برای مثال، فارغ‌التحصیلان مرکز مطالعات مدیریت ایران و مدرسهٔ بازرگانی خارجی، اکنون به طور منظم حقوقهایی بیش از ۱۲۰ هزار ریال در ماه دریافت می‌کنند، در حالی که حداکثر حقوق پرداختی از طرف دولت در حدود ۳۰ هزار ریال است. این کمی حقوق کارگران دولت، رابطهٔ مستقیم با ایالات متحده دارد. بنا بر بررسیهایی که سازمان بین‌المللی کار انجام داده، دولت تعداد بسیار زیادتری کارمند طبقه متوسط نسبت به بخش خصوصی دارد و تمام کارمندان دولت ایران کم حقوق می‌گیرند.

این همه برای یک حقوق کارمند دولت آنقدر ساده است که نمی‌تواند باور کند که کمی حقوق وی به خاطر این است که شاه بیلیونها دلار جهت خرید اسلحه از آمریکا بر باد داده است. این وضع زمانی وخیم می‌شود که کارمندان دولت خدمات اجتماعی حیاتی از قبیل بهداشت و تحصیل، را فراهم می‌کنند. در حال حاضر خشمی عظیم جامعه را فراگرفته چون درست در زمانی که بالاترین حد خریدهای اسلحهٔ دولت

www.takbook.com



ایران، در معرض عموم قرار گرفت، وزیر بهداری شروع به استخدام پزشکان پاکستانی جهت کار در استانها کرده است تا از دادن حقوق و تهیه مسکن و امتیازات حرفه‌ای که پزشکان ایرانی در صورت ترک تهران و یا به خاطر عزیمت از خارج، طالب آنها هستند، اجتناب کند. ممکن است فرصتی به دست آورید و درباره این مسئله با شاه صحبت کنید... من می‌دانم که سفیر مک آرتور در رابطه با حقوق معلمین با شاه صحبت کرد.

مدت زیادی است که مقامات در قسمتهای معین دولتی، لزوم روشهای مدیریت مدرن را دریافته‌اند. این خصوصاً در مورد آنچه که سابقاً سازمان برنامه بود و حالا سازمان برنامه و بودجه است، صدق می‌کند. شاه همیشه نظر دوگانه‌ای نسبت به این سازمان که بسیاری از بهترین مغزها را تحت نظر رهبرانی قوی و محکم مثل عبدالحسین ابتهاج و خداداد فرمانفرماییان، به دولت جذب کرده، داشته است. شاه تمایل داشته است که استقلال سازمان برنامه را در طول سالهای گذشته، که تلاشهای زیادی در جهت اینکه یک طرح در مدت تعیین شدن، به اهداف خود برسد و طرح جدیدی آماده شود، انجام می‌شد را تحمل کند.سپس به طرز مؤثری در اولین سال طرح جدید، قدرت و موقعیت طرح را کاهش دهد. این کاهش قدرت در طرح همیشه باعث عصبانی شدن کارگزار شده است گرچه نتایج (کاهش قدرت) برای او شخصاً در طول سال، کمتر مهم و جدی بوده است. ابتهاج برای مدتی به زندان رفت و فرمانفرماییان فقط از کار برکنار شد.

شرکت ملی نفت ایران، در حال حاضر نمونه دیگری از یک چنین محیطهایی در دولت است، در حالی که مقامات خود را با مسئولیتهای تازه زیر نظر مدیریت جدید یا کنسرسیوم تطبیق می‌دهند. سؤال اساسی آنها این است که چطور از روشهای مدیریت جدید که کنسرسیوم همیشه داشته است، در سیستم کنترل سیاسی آینده استفاده کنند؟

ظاهراً راه حل این است که شرکتهای فرعی نظم یافته با خطهای مدرن، که با موضوعات عملی سر و کار دارند، بیشتر باشند، در حالی که شرکت ما در شرکت ملی نفت ایران و شرکت فرعی به راه پیشین خود و همچنین به ایفای نقش قبلی خویش در جریان سیاسی شاه ادامه دهد. فشارهایی که این ایجاد خواهد کرد واضح است. قسمت مشکل‌تر به عهده شماست که به شاه در درک این مطلب یاری دهید که جوش و خروش و تغییرات حاصله از این تلاشها، و روشن کردن گاهگاهی و نامنظم سیاست ایران که نتیجه اجتناب‌ناپذیر آنها خواهد بود، بر بی‌ثباتی‌ای که مطمئناً و بالمآل در صورت حفظ این فشارها یا سیاست شل کن سفت کن اختناق و آزادی توسط شاه خواهد انجامید، ارجحیت دارد.

تا به حال من پیشنهاد گامهایی می‌کردم که ما می‌توانستیم در تعقیب منافع خویش در موقعیت فعلی و در رابطه با شاه که به احتمال زیاد تا مدتی که در پیش است زنده می‌ماند، برداریم. معتقدم که ما همچنین باید به‌خاطر احتمالات دیگر در آینده نامعین که اکنون، احتمالاً به نظر می‌رسد ولی امکان باقی ماندنش زیاد است، احتیاط‌هایی بکنیم. ارزش چنین احتیاطی این است که در جلوی چشمان ایرانیان تحصیلکرده و فهمیده‌ای که هر رژیمی در این مملکت ناچار متکی به آنان است، هویت ما را از شاه جدا می‌سازد. انجام این کار در موقعیت فعلی از گذشتهٔ خیلی نزدیک تا اندازه‌ای آسانتر خواهد بود، زیرا که موضعی که شاه گرفته درباره اینکه ایران یک ملت استوار و مستقل و بدون وابستگی به هیچ کشوری، دارای ایستادگی کامل بین‌المللی باشد، راهگشای مقصد ماست. به هر حال اگر از روی بصیرت نگاه کنیم، این کار ما، این

www.takbook.com



نکته را روشن می‌کند که به‌خاطر پیوندهای فرهنگی و خصوصی طولانی ثابت و واقعیتهای جغرافیای سیاسی و جغرافیای اقتصادی ما منافع دائمی در ایران داریم.

همچنین ما باید این نکته را روشن کنیم که ما و شاه، با هم در تأکید و افتخار به‌خاطر احترام گذاشتن به ارزشهای ایرانی و اصول انقلاب سفید سهیم شویم تا در مقابل از شاه، احترام متقابل به قانون اساسی و استانداردهای خود را، بخواهیم. شاه از ما می‌خواهد که قانون اساسی خویش را تغییر داده و از فعالیت سیاسی قانونی و اظهار عقیده در ایالات متحده به طور مؤدبانه ولی قاطعانه و بدون عذرخواهی، جلوگیری کنیم. در صورت تکرار این درخواست و تقاضا این نکته باید روشن شود که اینها بیجا و اهانت‌آمیز است.

اگر چه این تقاضا و رد آن به وسیلهٔ دو دولت، به‌عنوان مسایل محرمانه تلقی می‌شود ولی اخبار آن به ما و به سرعت از دستگاه ایرانیان گسترش پیدا می‌کند. در همین جهت، ما باید هم چنین بر روی معامله متقابل بیشتر در روابطمان اصرار کنیم. ما نباید محدودیتهای مسافرت مقامات کنسولی و دیپلماتیک خود را بپذیریم. کمونیستی درباره سفر دیپلماتیک یک اساس کافی برای دولت ایران فراهم آورده، تا یک چنین شروطی را بر دیپلمات‌های کمونیستی به‌عنوان یک معامله متقابل تحمیل کند، بحث اینکه یک چنین محدودیتهایی لازم است تا دولت ایران قادر به جلوگیری از دیپلماتهای کمونیست باشد بی‌مورد و بی‌اساس است. به‌علاوه باید دولت ایران را وادار کنیم که پاسپورت‌های آمریکایی که ما به ایرانیان می‌دهیم، قبول کند. این باعث می‌شود که هم ایرانیان و هم آمریکاییان بتوانند در ایران اقامت داشته باشند و به خصوص به خاطر مشکل زنان آمریکایی که در تأهل مردان ایرانی هستند، دارند. نکته معمول این است که بر طبق قوانین بین‌المللی ایران منحصراً حق تعیین وضع ملیت افرادی که در حیطه کشور زندگی می‌کنند، دارد. هیچ شکی درباره وجود این حق نیست. مسئله این است که اجرای این قانون با روابط دوستانه‌ای که ما و شاه، ادعای داشتن آن را داریم، مناسب است یا نه. از همهٔ اینها گذشته، دولت ایران طبق قوانین بین‌المللی حق دارد شما و من را بدون توجیه .P.N.G کند، اما دولت ایالات متحده مطمئناً یک چنین عملی را از طرف ایران، بدون اعتراض و اخطار نمی‌پذیرد. این یک مسئله حقیقی و بسیار دشوار است.

گاهی اوقات تا خودکشیهایی در بین زنان آمریکایی در ایران اتفاق می‌افتد، هر سال درخواستهای دیوانه‌کننده‌ای از طرف زنان آمریکایی از بخش کنسولی می‌شود که آنها به‌خاطر قانون طلاق در ایران از فرزندان خود به طور دائم جدا هستند و از اینکه شوهرانشان اجازهٔ دیدار آنها را با فرزندانشان نمی‌دهند، رنج می‌کشند و یا به‌خاطر اینکه شوهرانشان اجازهٔ لازم برای صدور پاسپورت ایرانی را به همسرانشان می‌دهند، خود را به طور دائم در ایران گرفتار می‌یابند. اگر وضعیت خیلی بد است یا زنان آمریکایی علایق زیادی در آمریکا دارند گاهی می‌توان کاری برای آنها انجام داد. به هر حال، با وجود خط مشی فعلی سفارت، بخش کنسولی، در بیشتر موارد، هیچ‌کاری نمی‌تواند انجام دهد. من نمی‌گویم که این زنان، قهرمان هستند، یا اینکه ازدواج مختلط در ایران، مشکلتر از هر جای دیگر است. این به هر حال عامل کلاسیکی در رویهٔ دیپلماتیک بین‌المللی و آمریکایی است که به وسیلهٔ پافشاری بر رفتار برابر تبادلی برای شهروندان، در روابط خود با دیگر کشورها، یک ملت، احترام برای خویش کسب می‌کند. ارزش، لیاقت و جلب شهروندان مربوطه، ارتباطی به این ندارد. پافشاری بر این اصل، در اینجا، احترام زیادی برای ایالات

www.takbook.com



متحده کسب می‌کند. بسیاری از ایرانیان به خاطر اصرار ما، در اجرای حقوق کامل کنسولی در مدت دستگیری و دادگاه Sharor La Bereking اگر چه آن دختر آشکارا، احمق بود، عمیقاً تحت تأثیر قرار گرفتند. استانداردها باعث می‌شود که صرف نظر از ماهیت کشورهای دیگری که ما با آنها، روابط خوب و دوستانه‌ای داریم، آمریکا حقیقت را حفظ کند.

علاوه بر این، این مشکل زنان آمریکایی یک بمب ساعتی بالقوه، در روابط ما با شاه است. اگر یک وقتی، یکی از این زنان خودکشی کرده و یا کتک خورده، دختر یک سناتور یا برادر زادهٔ رئیس دادگاه عالی باشد. بنابراین، من پیشنهاد می‌کنم این مشکل با شاه مطرح شود، تا آنجایی که من می‌دانم، فکر نمی‌کنم هیچ یک از سفرای ایالات متحده در سالهای اخیر در ایران، دربارهٔ این مطلب، با شاه صحبت کرده باشد. من فکر می‌کنم عنوان کردن مطلب او را قانع می‌سازد و این، از مسایلی است که شاه با یک دستور عمومی می‌تواند حل کند.

باز هم مطلب، برای نوشتن هست، ولی در آن صورت، وقتی برای تایپ کردن باقی نمی‌ماند. چند نکته در آخر هست، که بعضی از آنها به متن اصلی نامه‌ای که من می‌خواهم بدون رعایت هیچ‌گونه نظمی تقدیم کنم، مربوط است. من امیدوارم که شما، خط مشی ترغیب به گزارش کردن وقایع کوچک را همان طور که اتفاق می‌افتد بدون اینکه مستلزم تطابق با خط خاصی در سفارت باشد، ادامه دهید. یک مسئله دشوار، گزارش کردن شایعاتی است که اخیراً در رابطه با ازدواج قانونی دوم شاه با گیلدا عضد، اوج گرفته است. مسئله اینجاست که آیا شایعه به طور گسترده‌ای به وسیلهٔ ایرانیان مهم پذیرفته شده یا نه، تا آنقدر که آنها، نسب به آن عکس‌العمل نشان دهند. بسیاری از این شایعات را، یک مدت طولانی نمی‌توان تأیید کرد اما عکس‌العمل نسبت به یک شایعه‌ای که برای ایالات متحده اهمیت دارد، یک حقیقت قابل تأکیدی است که باید گزارش شود.

گاهگاهی، دولت ایران دادگاههای قانونی تروریستها را علنی می‌کند. این دادگاهها به وسیلهٔ نظامیان اداره می‌شود که نه فقط استانداردهای آمریکایی و اروپای غربی لازمهٔ مراحل دادگاه را نقض می‌کنند، بلکه همچنین از حفاظتهای امنیتی و رویه‌ای که مجرم به طور عادی در دادگاههای عادی ایران دارد، چشم‌پوشی می‌کند.

خبرنگاران غربی و نمایندگان سازمانهای بین‌المللی که شامل آنهایی است که قابل احترام و غیر کمونیست هستند مثل هیئت ژوری بین‌المللی سازمان ملل ( Geneva)، در این دادگاههای علنی شرکت می‌کنند. نتیجه، عکس‌العمل بد در مطبوعات بین‌المللی و محکوم‌سازی به وسیلهٔ سازمان بین‌المللی است که هویدا، شاه و سخنگوی دولت ایران به آن به صورت بدی، جواب می‌دهند. از این رو تصور جهانی از اینکه این رژیم تجاوزکار و متکبر است، تشدید می‌شود. آنها به نظر نمی‌رسد هیچ‌گاه کنجکاوانه بفهمند. سیر قبلی حوادث، حداقل سه بار در زمانی که من اینجا بودم، اتفاق افتاده است. ما دو کار می‌توانیم در این‌باره انجام دهیم.

اول، هنگامی که یک دادگاه، علنی اعلام شد و مطبوعات دعوت شدند، ما باید اجازه برای یک مأمور سفارت، برای شرکت در دادگاه بگیریم و در صورت موافقت، یک نفر را به دادگاه بفرستیم. این مطلب به صورتی قوی مطرح می‌شود طوری که این اهانت به ما نشود که مربوط به دادگاه هستیم. اگر دولت ایران در علنی کردن دادگاهها، پافشاری کرد، ما باید اولاً بشناسیم: در این دادگاهها چه می‌گذرد. به خاطر اینکه

www.takbook.com



وزارت امور خارجه و دولت آمریکا آماده برای پرسش انتقادی باشد که به شاه بفهمانیم چرا در این موقع، علنی کردن دادگاه، در مقابل بیشتر غربیها صرف نظر از تعهدات سیاسی آنها (غربیها) و گناهکار یا بیگناه بودن متهم، اینقدر اهانت آمیز است. انجام این کار دشوار خواهد بود. افرادی که می‌توانند نقطه شروع باشند، علم و هویدا هستند. یک تذکر مفید و محتاطانه به شاه می‌تواند این باشد که به او گفته شود که این نوع دادگاهها، کاری است که کمونیستها انجام می‌دهند.

آخرین نکته در این نامه شاید مهمترین آن باشد. در سه سال و نیم اقامت در اینجا، من در خدمت سه سفیر بوده‌ام. رهبری خاص مسایل ما در ایران کاملاً مستلزم وجود سفیری به مدت طولانی در ایران است. از این رو، وقتی من اینجا را ترک می‌کنم، خیلی امیدوارم که شما بتوانید حداقل بیش از سه سال در ایران بمانید و رهبری سفارت را به عهده بگیرید و هم چنین نوعی رابطهٔ توسعه یافته با شاه برقرار کنید که ما در سالهای دشوار آینده به آن احتیاج خواهیم داشت.

**با احترام**
**جان.ال.واشیورن**
**منشی دوم سفارت**

www.takbook.com



**سند شماره ۱۲**

**وزارت امور خارجه** **سرّی ـ آوریل ۱۹۷۴ فروردین ۱۳۵۳ ـ ایران**

**اهداف و اوضاع**

**اهداف: اهداف اصلی شما در رابطه با جلسه و یا نشست با شاه عبارتند از:**

شرح دادن تلاشهای صلح‌جویانه شما در خاور میانه و طرحهای شما در قدمهای بعدی به طوری که او بفهمد تا چه اندازه کمکش به مصر و اردن اهمیت دارد. بنابراین او لزوم تلاش جهت اختلاف بین سوریه و عراق را می‌تواند بفهمد.

آگاه سازی شاه در مورد روابط بین شوروی و آمریکا در خاورمیانه و یک جا دوباره به او اطمینان و قوت قلب بدهید که شما هنوز از روی احتیاط با بن بست رو به رو می‌شوید.

تصدیق و تأیید کمیسیون مشترک اقتصادی در طرح کابینه با گروههای اجرائی زیر است و توافق روی یک بیانیه از برنامه‌هایی که می‌تواند در خلال ملاقاتهای شما انجام پذیرد.

تأکید مجدد در مورد تمایل آمریکا برای ادامهٔ همکاری نزدیک با ایران در مورد امنیت منطقه‌ای و همکاری نظامی تا آنجایی که امکان داشته باشد. تبادل نظر بر روی کوششهای شاه برای کمک و همکاری با رژیمهای دوست در منطقه و ارتباط دادن کوششهای او با کوششهای ما.

بیان نقطه نظرهای ما در مورد وضعیت اقتصادی جهان، مخصوصاً تشریح خواستهٔ ما در مورد قیمت نفت در رابطه با ثبات اقتصاد بین‌المللی که منافع ایران بدان بستگی دارد.

هر کدام از مطالب گفته شده بالا با جزئیات نکات مورد بحث زیر در رابطه می‌باشند.

اوضاع:

ایران با افزایش چشمگیر درآمد نفت، چشم‌اندازهای اقتصادی خوب، افزایش اختیارات سیاسی و توانایی در اعمال قدرت خارجی که برای قرنها از آن محروم بود، پیش می‌رود. شاه در مورد موقعیت سیاسی محلی خود مطمئن است و اعتقاد دارد که ابتکار عمل در خلیج فارس و اوپک در دست اوست، و او توسط برنامه‌هایی سعی در نشان دادن این مطلب که ایران درآمدهای نفتی خود را در راه درست و اساسی به کار خواهد برد، دارد. مانند تحصیلات ابتدایی مجانی، توسعه برنامه‌های بهداشتی، اهدای وام به کشورهای عقب‌مانده و غیره. ایرانیان به علت نقش رهبری که در افزایش قیمت نفت در ۱۹۷۳ داشته‌اند مورد انتقاد قرار گرفتند و طرح اهدای وام آنان حمایت زیادی کسب نکرده.

روابط ما با ایران در یک حد خیلی نزدیک ادامه دارد، و ما سعی داشتیم که روابط دو جانبه خود را در زمینه اقتصادی و فنی با در نظر گرفتن هدف ایجاد یک چهارچوب و جوی برای بحث در مورد مسایلی از قبیل منافع استراتژیکی و نفت گسترش دهیم. شاه به این مسئله جواب مثبت داده است. او به خصوص علاقه زیاد به قدرت اتمی نشان داده و خواهان حل جزئیات آن شده. از فرصت استفاده کرده اعلام می‌کنیم که کمیسیون مشترک همکاری اقتصادی هم تشکیل شده، در زمینه‌های نظامی ما همکاری خیلی خوب و نزدیک داریم. فقط مسئله علاقه شاه برای تولید موشک در ایران را باید حل کنیم و به او اطمینان دهیم که متخصصین کافی برای بهره‌برداری از وسایل آمریکایی به او خواهم داد. ولی تنها مسئله‌ای که بین آمریکا و ایران باقی می‌ماند مسئلهٔ قیمت نفت می‌باشد که در این زمینه ایرانیها راه دشواری را پیش گرفته‌اند و

www.takbook.com



مسئله دیگر پیشنهاد وام برای توسعه کشورهای خارجی است، که ترس ما از این است که این کار وامهایی که به‌طور معمول به سازمانهای کمک بین‌المللی داده می‌شوند را به جاهای دیگر منحرف خواهد کرد.
وزارت خارجه، آوریل ۱۹۷۴

**مسایل و نکات مورد بحث**
**وضعیت اعراب و اسرائیل:**

تجزیه و تحلیل ـ دورنمای گذشته: شاه معتقد است که آمریکا باید از هرگونه کوشش برای فراهم ساختن هر چه زودتر راه حل مناسب بین اعراب و اسرائیل دریغ نورزد. او با یهودی کردن اورشلیم ظاهراً مخالف است و از کناره‌گیری اسرائیل از تمام مناطق اشغالی عرب و برگرداندن در مورد آنچه که در حال حاضر ما انجام می‌دهیم و نقطه نظرهای ما در مورد استقرار حاکمیت، می‌خواهد.

مسایل و نکات مورد بحث شما:

وضعیت مذاکرات ترتیب داده شده بین سوریه و اسرائیل و طرح بازگشت به کنفرانس ژنو را توضیح دهید، که اهمیت این توافق این است که سوریه را از تندروها جدا خواهد کرد و زمان بیشتری برای مذاکرات بین مصر و اسرائیل و شاید تحولاتی در جبهه اسرائیل و اردن به وجود خواهد آورد.

ما در یک خط باریک با روسها قدم برمی‌داریم و ما آنها را به اندازه کافی درگیر کرده‌ایم، تا نتوانند مخرب واقع شوند و در عین حال کنترل محتوای مذاکرات در دست خودمان می‌باشد.

ما معتقدیم که شاه این استراتژی را درک خواهد کرد. رئیس جمهور سادات در حال انجام تحولاتی در سیاست می‌باشد. ما عمیقاً از پشتیبانی ایران در مورد کوششهایمان تشکر و قدردانی می‌کنیم.
وزارت خارجه آوریل ۱۹۷۴

**روابط آمریکا و شوروی**
**تجزیه و تحلیل ـ دورنمای گذشته**

شاه توجه زیادی به پیمان با شوروی و امکان اینکه آن منافع روسی را در خاورمیانه آزاد کند، دارد. او علاقهٔ زیادی به پیشرفت MBER و CSCE و مذاکرات سالت دارد. او معتقد است که ما قدرت دفاعی خود را کاهش داده‌ایم و متحدان خود را در یک موقعیت آسیب‌پذیری رها کردیم. او حس می‌کند که آمریکا نباید هیچ چیزی کمتر از برابری در MERV"S را بپذیرد. شاه معتقد است که عملکرد شوروی در خاورمیانه نشان دهندهٔ ادامه استفاده اقماری از قبیل عراق و یمن جنوبی برای انجام اهداف سیاست خارجی خود می‌باشد، و شاه به ارزیابی ما در مورد نیّت و اهداف شوروی در خاورمیانه علاقه دارد.

**مسایل و نکات عمده مورد بحث شما:**

ما ملاحظهٔ تمام جوانب کار را در مورد هدف شوروی در مذاکراتمان و CSCE را خواهیم کرد، و قدرت دفاعی خود را از دست نخواهیم داد. هنوز برای اظهارنظر در مورد مذاکرات سالت و MBER زود است. روس‌ها در خاورمیانه به طور چشمگیری سعی می‌کنند که حداقل در ظاهر، خود را در جریان صلح بین اعراب و اسرائیل دخیل نشان دهند.

www.takbook.com



از زمانی که آنها تنزل اخیر را در این منطقه تشخیص داده‌اند، ما با دقت مسئلهٔ مناطق دیگر از قبیل خلیج و عربستان جنوبی را تحت نظر داریم تا با اتخاذ تدابیری جلوی کوششهای جدید شوروی را در منطقه بگیریم. هدف و برنامه ما تا اکتبر بر روی تحکیم وضعیت سیاسی استوار بوده، به صورتی که نفوذ آنها را کاهش دهیم. افزایش حضور نیروهای دریایی ما در اقیانوس هند، به منظور زیر نظر داشتن عملهای شوروی و اهداف او در منطقه می‌باشد.

**وزارت خارجه ـ آوریل ۱۹۷۴**

**مسایل و نکات مورد بحث**

**افزایش همکاریهای دوجانبه**

تجزیه و تحلیل ـ دورنمای گذشته: سفیر هلمز در مورد اهداف شما مبنی بر افزایش همکاری دو جانبه به تفصیل با شاه بحث و گفتگو کرد و شاه با حرارت پاسخ داده. مقدار زیادی از جزئیات باقی مانده، که مورد بحث و تصمیم‌گیری قرار خواهند گرفت.

مسایل و نکات مهم و اصلی که شما باید مطرح کنید:

ما از توافقی که با شاه بر سر تشکیل یک هیئت مشترک اقتصادی و انتصاب وزیر اقتصاد انصاری به‌عنوان نایب رئیس ایرانی استقبال می‌کنیم. نایب رئیسها، منشی خزانه با منشی امور تجاری به‌عنوان علی‌البدل خواهند بود. این دو نایب رئیس باید به زودی بر سر تاریخ اولین ملاقات هیئت همکاری کنند. نقطه نظرات چیست؟

اگر شاه موافقت کرد، توافق بر روی کمیسیون مشترک اقتصادی بایستی در جلسه کار ملاقاتتان باشد. (بیانیه‌ای به این منظور تهیه شده).

ما به طور کامل با آقای انصاری در مورد همکاری که شامل چه تعداد گروههایی که برای همکاری در مسایل مختلف لازم هست، بحث و گفتگو خواهیم کرد. نقطه نظر ما این است که می‌بایست با دقت زمینه‌ها را برای تمرکز و مرکزیت انتخاب کرده و توجه مخصوصی به اینکه کجا می‌تواند پیشرفت حاصل شود داشته باشیم، ما می‌خواهیم از بحث ساده جلوگیری کنیم.

از رئیس کمیسیون انرژی اتمی آمریکا به همراه تعدادی از باتجربه‌ها و نخبگان دعوت به عمل آمد تا در آینده نزدیک به تهران بیایند و در این مورد که ما چگونه می‌توانیم به بهترین وجه در رشته‌های هستی‌ای همکاری داشته باشیم، صحبت و تبادل نظر نماید. در مورد نکات ویژه که شاه و هلمز در آن به توافق رسیده‌اند باید صحبت شود، و اینها نقطه‌های شروع صحبت می‌باشند نه حدود صحبت.

تعداد اقلامی که مورد توجه شاه می‌باشند عبارتند از ساخت موشکهای نظامی در ایران و تهیه تعداد بیشتری از تکنیسینهای نظامی آمریکایی برای مشورت با نیروهای نظامی و این خواستها مشکلات تکنیکی جدی و مسایل قانونی در سیاست داخلی، ایجاد می‌کند. به هر حال ما آماده‌ایم که در مورد جزئیات کانالهای فنی و تا آنجایی که به بهترین وجه نیازها و خواسته‌های او برآورده شود با آنها صحبت و گفتگو کنیم.

ما از پیشنهادات شاه در مورد افزایش مباحث، تبادل نظرهای سیاسی و حفاظتی، ملاقات و نشستهای عادی در زمینه دو جانبه در وزارت امور خارجه و سطح رئیس ستاد بزرگ ارتش با خوشرویی تمام

www.takbook.com



استقبال می‌کنیم.

**وزارت خارجه ـ آوریل ۱۹۷۴**

**حفاظت منطقه‌ای**

تجزیه و تحلیل: به علت حضور شوروی در کشورهای همسایه، شاه احساس بی‌ثباتی و عدم استحکام قدرت می‌کند. او نگران جنبشهای رادیکال در خلیج فارس، دشمنی عراق نسبت به ایران جداسازی در استانهای همجوار پاکستان می‌باشد. او نیاز این مسئله که می‌بایست همکاری بیشتری با دولتهای عربی میانه‌رو داشته باشد را درک کرده است، که البته این مطلب در رابطه با رادیکاله کردن منطقه و به منظور جلوگیری از آن می‌باشد. تهیه چنین همکاری ساده نیست به‌خاطر اینکه اعراب برای مدت زیادی نسبت به ایران با تردید عمل می‌کردند. به هر حال اخیراً شاه کمکهای نظامی خود را به عمان برای جلوگیری و متوقف کردن یمن جنوبی که از یاغیان ظفار پشتیبانی می‌کند افزایش داده و دولت او با کمکهای اقتصادی به مصر موافقت کرده است.

در رابطه با شرق، او همکاری با پاکستان را ادامه می‌دهد و در همان زمان روابط خود را در چند ماه اخیر با هندوستان و افغانستان افزایش داده است. و در حال حاضر سعی بر این دارد که همکاری خود را با تعدادی از دول عربی افزایش دهد و مشکل اصلی در مورد همکاری با عربستان می‌باشد. و او عراق را به‌عنوان قمر شوروی می‌شناسد و از مدتها قبل به‌عنوان دشمن ایران محسوب می‌شود. شاه در نظر دارد آنچه را که می‌تواند برای خارج ساختن بغداد از حالت توازن، انجام دهد و بدین خاطر او کمکش را به جنبش کردهایی که تحت رهبری بارزانی می‌باشند ادامه می‌دهد.

**مسایل و نکات مهم مورد بحث:**

ما با دقت هر چه بیشتر به مسایل حفاظتی منطقه می‌نگریم. آمریکا پشتیبانی بی‌دریغ خود را از کوششهای ایران در قوی کردن خویش و همکاری ایران با همسایگان میانه‌روی عرب ادامه می‌دهد.

ما افزایش نیروهای نظامی ایران در عمان را تأیید می‌کنیم، حرکتهای اخیر او را در رابطه با کمکهای اقتصادی به مصر را تحسین می‌کنیم. این مسئله باید فعالیتهای سیاسی و اقتصادی ما را در مصر افزایش دهد و طوری طرح‌ریزی شود که بتواند رئیس جمهور سادات را از نفوذ روسها برهاند. و ما امیدواریم که شاه در مورد افزایش همکاری با عربستان سعودی دلسرد نشود، و می‌دانیم که این کار ساده‌ای نیست. ولی همکاری نزدیک بین ایران و عربستان سعودی یک امر ضروری در ثبات آینده و پیشرفت در منطقه خلیج می‌باشد. و ما امیدواریم که امکان انجام کارهای بیشتر از طرف ایران نسبت به اردن که نقش اساسی و مرکزی در استراتژی خاورمیانه و کشورهای کوچکتر از قبیل یمن جنوبی و مناطق شیخ نشین دارد، باشد. گزارشهایی مبنی بر اینکه عراق تمایل به مستحکم کردن روابط خود با کشورهای غربی دارد، به دست ما رسیده است. و ما دوست داریم نظر شاه را در این مورد و لزوم چگونگی معامله با عراق را بدانیم، و در صورت امکان شما می‌توانید نظر او را در مورد وضعیت کردها بپرسید. ما از کوششهای ایران در امر تهیه کمکهای نظامی مدرن به پاکستان قدردانی می‌کنیم. این مسئله به ثبات منطقه کمک می‌کند و باعث حفاظت و اعتماد به نفس پاکستان می‌شود. یک کمک متوسط به پاکستان باعث نگرانی هندوستان

www.takbook.com



نخواهد شد، چون به هر صورت هندوستان دلایل اقتصادی قوی برای برقراری دوستی با ایران را دارد. ما از اینکه شاه با رغبت پیشنهاد ما را مبنی بر تعهد ایران در قرار دادن یک برنامه کمک مالی در صدر برنامه‌ها به پاکستان پذیرفته است، خوشحال هستیم.

به نظر می‌رسد که رژیم افغانستان در ماههای اخیر نسبت به مسئله پرشتانیستان نسبتاً ساکت مانده است، ولی فکر می‌کنیم که نفوذ شوروی در آنجا به طور چشمگیری افزایش یافته و احتمال بالقوه دردسر باقی مانده است. ما باید نسبت به ماجرای افغانستان در این مسئله جویا باشیم و بدین خاطر این مسئله را تا آینده نزدیک مناسب نمی‌بینم. ما از کوششهای ایران در امور توسعه روابط افغانستان قدردانی می‌کنیم.

**همکاری نظامی**

**تجزیه و تحلیل:**

همکاری نظامی ما با ایران از موقعی که رئیس جمهوری نیکسون در ماه مه ۱۹۷۲ از ایران دیدن کرده تا حدود زیادی بیشتر شده. علاوه بر فروشهای زیاد وسایل نظامی و ادامهٔ مأموریت مستشاری نظامی ما، ما در حدود بیش از ۵۰۰ نفر تکنسین نظامی را به منظور کمک به ایرانیها در بهره‌برداری وسایل جدید آمریکایی تهیه کرده‌ایم، و معتقدیم که کانالهای دو طرفه موجود در امر کمکهای نظامی به خوبی کار خود را انجام می‌دهند، و مکانیزمهای جدید مورد نیاز نمی‌باشند، اصولاً ایرانیها از همکاری نظامی ناراضی هستند، ولی شاه امکان دارد که اطمینان مجددی در مورد پشتیبانی نظامی در رابطه با تأمین تکنسینهای نظامی آمریکای از ما بخواهد. او ممکن است که تقاضای ساختن یک کارخانه کوچک موشک‌سازی در ایران را بنماید.

**مسایل و نکات مهم مورد بحث:**

ما هر کاری که از دستمان در جهت فراهم آوردن تکنسین ماهر در امر بهره‌برداری از تجهیزات آمریکایی ارتش ایران برآید، انجام می‌دهیم، و با شاه در مورد مشکلاتی که در رابطه با افزایش مستشاری فنی به وجود خواهد آمد، صحبت خواهیم کرد.

به‌خاطر پیچیدگی دستگاههای موشکی، ما ترجیح می‌دهیم که بحث در این زمینه از طریق کانالهای ارتشی دو جانبه ادامه پیدا کند. مواضع کنگره هم مورد بحث قرار گیرد.

**مسایل اقتصادی بین‌المللی**

**تجزیه و تحلیل:**

از آن موقع که ایرانیها نقش عمده در افزایش قیمت نفت به تاریخ دسامبر ۱۹۷۳ پیدا کردند، قدمهایی برای تثبیت موقعیتشان و کاهش اثرات این افزایش بر روی کشورهای عقب افتاده برداشتند. آنها یک نقطه نظر اصلاح‌طلبانه از جهان اقتصاد در پیش گرفته و ادعا می‌کنند که ترقی روزافزون نامناسب غرب با خرید نفت ارزان ممکن شده و صادرکنندگان مواد خام قیمت بالاتری برای تولیدات خود باید داشته باشند. ایران اظهار داشته که سالانه ۷۰۰ میلیون دلار به IMF (صندوق بین‌المللی پول) و ۲۰۰ میلیون دلار به IBRK قرض خواهد داد و همچنین یک توسعه بین‌المللی مالی برای کمک به کشورهای عقب

www.takbook.com



افتاده را پیشنهاد کرده است.

شاه همچنان بر این عقیده استوار است که قیمت نفت بایستی بالا بماند. در مجموع دولت ایران در داخل برنامه‌های توسعه اقتصادی‌اش را افزایش داده و تحصیلات ابتدایی را رایگان اعلام کرده و یک برنامه توسعه طب ملی را ایجاد کرده.

سخنگوی وزارت امور خارجه از یک قسمت از صحبتهایتان در ۱۵ آوریل سازمان ملل متحد که پیشنهاد کرده بودید که کشورهای عضو اوپک برای بالا بردن قیمت نفت مورد سرزنش قرار بگیرند، انتقاد کرد. (ایرانیها دلیل این افزایش را مالیاتهای سنگین و سود کمپانیهای نفت می‌دانند) با این حال شاه نیز نقطه نظر مثبتی برای صحبتهای شما در مورد کودها داشت زیرا او معتقد بود که نفت، بیشتر بایستی برای استفاده‌های پتروشیمی و کمتر برای استفاده‌های سوختی به کار برود. ایران بیش از این نمی‌تواند تولیدات نفتی خود را افزایش دهد.

**نکات مورد بحث شما:**

استقلال داخلی جهان اقتصادی ما به طور خوبی متعادل بوده و تقاضای ناگهانی از هر سویی غیرقابل ارائه می‌باشد.

ما امیدواریم که کشورهای تولید کننده نفت در سیاست قیمت‌گذاری میانه‌روی را مد نظر قرار داده و برخواسته‌هایشان که به ضرر دیگران می‌باشد، پافشاری نکنند. ما خوشحالیم که ایران مسئولیت کمک به کشورهای عقب‌افتاده که از افزایش قیمت نفت متأثر هستند، پذیرفته. با این حال ما بر این عقیده هستیم که بهترین کمک مناسب، وجود یک قیمت عادلانه می‌باشد.

پیشنهاد ایران برای وامهای نوسازی سازنده بوده و ما امیدواریم که کشورهای صادرکننده نفت منابع نفتیشان را با کشورهای عقب‌افتاده هماهنگ کرده که این یک کار منظم و هدفدار می‌باشد. ما همچنان امیدواریم که کشورهای تولیدکننده نفت حمایتشان را از ایجاد مؤسسات مثل IBRD و IMF افزایش دهند. توانایی ما در اهداء چنین وام جدیدی توسط تعهدات قبلی ما به مؤسسات متفاوت و قوانین کنگره کاملاً محدود می‌شود.

**وزارت خارجه ـ آوریل ۱۹۷۴**

www.takbook.com



## سند شماره ۱۳

**تهران ـ ایران**
**۱۰ ژوئیه ۱۹۷۴ ـ محرمانه**

**یادداشت به: سفیر کلاود.جی.راس**

**موضوع: یادداشت دیرکرد برای بازرسان**

روابط ایران و آمریکا عالی است. در ایران، از موقعیت ممتازی برخورداریم و نقش برجسته‌ای در محاسبات سیاست خارجی ایفا می‌کنیم. در تمام امر قابل ملاحظهٔ منطقه‌ای یا بین‌المللی ما در واقع دیدهای همانندی داریم و تنها استثناء مربوط می‌شود به تأمین و تعیین قیمت نفت.

مقصود ما، تضمین حفظ و تقویت این موقعیت است. در راه رسیدن به این هدف ما در پی سهم متناسبی از تجارت خارجی قدرتمند ایران، طرحهای بلندپروازانهٔ اقتصادی آن و ادامهٔ دسترسی به مواضع برای امکان فعالیتهای منحصر به فرد جاسوسی و مخابرات می‌باشیم. ما همچنین در پی آنیم که اطمینان حاصل کنیم که ایران به ایفای نقش مسئول و سازنده‌ای در امور منطقه‌ای ادامه می‌دهد.

تعقیب این اهداف نیاز به تعداد متنابهی کارمند دارد. اینک تهران بزرگترین هیئت دیپلماتیک در خاور نزدیک است، به اضافه ترکیب معمول هیئت دیپلماتیک، ما حضور نظامی عمده‌ای نیز در شکل هیئت مستشاران نظامی، GENMISH و تیمهای کمکی عملیات فنی داریم. همچنین ما یک سپاه صلح (۱۹۵ داوطلب)، یک انجمن بزرگ و فعال ایران و آمریکا، نمایندگانی از وزارت کشاورزی، ادارهٔ مبارزه با مواد مخدر، تأسیس قریب‌الوقوع یک ادارهٔ خدمات مالیات داخلی در منطقه و حدود ۲۰ واحد مجزا که عمدتاً در کار فعالیتهای نظامی و جاسوسی ما در ایران هستند، داریم.

از لحاظ تشکیلاتی ما مشکل چندان مهمی نداریم. اختیار و مسئولیت سفیر نسبت به تمام فعالیتهای رسمی آمریکا در ایران مورد تفاهم بوده و به رسمیت شناخته شده است. واحدهای نظامی زیر دست تحت اختیار هماهنگ کنندهٔ رئیس هیئت مستشاری که نمایندهٔ ارشد نظامی در ایران است عمل می‌کنند. او مانند دیگر نمایندگان ادارات به سفیر گزارش می‌دهد و رهنمودهای خط مشی دریافت می‌کند. ارتباطات طولی و عرضی از طریق جلسات روزانهٔ رؤسای بخشها با سفیر جلسات هفتگی تیم کشوری و جلسات ویژهٔ تمام ادارات و نمایندگیهای دیگر در کشور حفظ می‌شود.

اگر چه مسئلهٔ عمدهٔ برجسته‌ای غیر از نفت وجود ندارد که بتواند باعث پاره شدن روابطمان با ایران یا ادامهٔ پی گیری اهدافمان شود، چندین موضوع هستند که باید ذکر شوند. آنها در ذیل بحث شده‌اند.

### ۱ـ تعیین خط مشی

همان طور که اشاره شد مسئله‌ای که بیش از همه می‌تواند باعث پاره شدن مناسبات ایران و آمریکا بشود، مربوط است به دید ما و مواضع مختلفمان نسبت به تأمین نفت و قیمت آن. در پی تصمیم جنجال برانگیز اوپک در دسامبر ۱۹۷۳ به چهار برابر کردن قیمت نفت طی یک شب، این سفارت مداوماً و به تکرار اصرار کرده است که دولت آمریکا با کشورهای تولیدکننده به گفتگو بنشیند و موضع خود را به صورتی معقول و معتبر و با به رسمیت شناختن کامل منافع و علایق ایران مطرح کند. ما متأسفیم که این تبادل نظر هنوز انجام نگرفته است و برای ما هم توجیهات کافی فراهم نشده است، تا در مذاکراتمان با

www.takbook.com



دولت ایران مسئله را عنوان سازیم.

با دریافتن اهمیت روزافزون ایران، ما برای برنامه‌های جدیدی پیش‌قدم شده‌ایم که عمدتاً از طریق افزایش تجارت، سرمایه‌گذاری و مبادلات فنی و علمی روابطمان وسیع‌تر و عمیق‌تر گردد. در نظر گرفته شده بود که این کار زیر نظر یک کمیسیون نوبنیاد، مشترک اقتصادی انجام گیرد. تا به امروز نتایج قدری نگرفته‌اند. هدف ما از مطرح کردن این موضوع این است که بگوییم همچنان این موضوع مورد علاقه و توجه ما است. ما نسبت به مشکلاتی که واشنگتن در هماهنگی و اجرای چنین کوشش جدید و عمده‌ای با آنها مواجه است و همچنین پیشرفتهایی که در زمینه‌های مشخص مثل انرژی هسته‌ای به دست آمده است بی‌تفاوت نیستیم.

**۲ـ اجرا و مدیریت**

در مجموع ما احساس می‌کنیم که هیئت کارکنان شایسته‌ای یا در اینجا و یا در راه دارد. به هر حال یک مشکل سابقه دار ما انتصاب به موقع کارکنان است، بهتر است بین زمان تصدی یک پست توسط یک نفر و جانشین وی مدت زمان مناسبی تداخل باشد. این امر مخصوصاً در زمینهٔ مسئولیتهای حساس مستقل و عملیاتی که بر اثر نبودن تداخل امکان بسیاری از تماسها و آشناییهای با امور از دست می‌رود، وخامت خود را نشان می‌دهد. ما درخواست یک برنامهٔ معقول‌تر و مناسب‌تر برای انتصاب و تعریض کارکنان داریم.

زمینهٔ دیگر در ارتباط با مدیریت مربوط به بودجه و نحوهٔ تنظیم بودجه‌مان می‌شود. اخیراً ما شاهد افزایش سریع و غیر منتظره هزینهٔ عملیات، هزینهٔ زندگی در محل، ترازهای حقوق محلی و هزینهٔ مسکن بوده‌ایم. همچنین ما مجبور بوده‌ایم که کارکنان خود را به منظور رفع نیازهای پیش‌بینی نشده، عملاً یکشنبه عوض کنیم. سیستم مالی و بودجه فعلی هیچ اختیاری برای حل به موقع این مشکلات با کارآیی و ثمربخشی لازم را فراهم نمی‌کند، و یا فقط اختیار کمی می‌دهد. ما اغلب خود را در موقعیتی شبیه به «به مادهٔ ۲۲ رجوع کنید» می‌یابیم که به ما می‌گویند چون در بودجه منظور نشده است، وجوهات در دسترس قرار نمی‌گیرند. از طرف دیگر به ما می‌گویند درخواستهای وجوهات اضافی نباید در بودجه بیاید چون اسناد مؤید آنها را فراهم نکرده‌ایم. غالباً رفع هر دو نیاز به‌طور همزمان غیر ممکن می‌باشد.

**۳ـ فعالیتهای سیاسی**

دولت در اینجا بسیار ترکیب یافته و استبدادی است. تمام تصمیمات اصلی در بالا گرفته می‌شوند. پادشاه علاوه بر سلطنت، حکومت هم می‌کند. فعالیت سیاسی به معنی غربی آن جدیدالولاده است و به دقت تحت نظر قرار دارد. به این ترتیب در این جامعهٔ مقید و نیمه آگاه تماس سیاسی و اعمال نفوذ اکثراً محدود به سطوح بالا می‌شود.

نارضایی و انتقاد بدون مرز نه تحمل می‌شود و نه مورد تشویق قرار داد. تماس خارجیان با ناراضیان و آشنایی با دیدگاه‌های آنان نه تنها منع می‌شود بلکه اگر هم با سماجت پیگیری شود می‌تواند احتمالاً به تحریک یا طرف شخص بینجامد. بدین ترتیب، کارمندان مأمور گزارش سیاسی باید در برقراری تماس و به دست آوردن اطلاعات مورد علاقهٔ ما باید دقت و زیرکی زیادی به کار برند. از آنجایی که در ایران روابط

www.takbook.com



بسیار شخصی‌اند، کارمندان موفق سیاسی باید در زمینه‌های شخصیت، تلقین فکر و قضاوت، استعداد درخشان داشته باشند. در گذشتهٔ نه چندان دور کار تهیهٔ گزارش سیاسی از این مرکز نه تنها از مشکلات ناشی از محیط، بلکه از لحاظ عدم کارآیی لازم اداری دچار مشکلاتی بوده است. مشکل دوم به میزان وسیعی رفع شده است و ما چشم به راه بهبود قابل ملاحظه‌ای در کیفیت و کمیت کار تهیه گزارش سیاسی خود می‌باشیم.

**۴ـ امور سرمایه‌گذاری**

مشکلات چندان مهمی در این بخش وجود ندارد

**۵ـ پیشرفت بازرگانی**

با اجرای یک برنامهٔ تجارت کشوری و فعالیت یک مرکز تجاری، تهران زمینهٔ آزمایش اقدامات جدیدی در جهت پیشرفت بازرگانی می‌باشد. هر دو نسبتاً جدید می‌باشند و ما هنوز در حال برآورد کارآیی آنها در پیشبرد اهداف بازرگانی خود با در نظر گرفتن افزایش عظیم نیاز وارداتی ایران و توانایی پرداخت آن می‌باشیم. یک تحلیل وضعی از سود یا زیان تلاشهای پیشرفت بازرگانی مشکل می‌باشد. در زمینهٔ خدمات، به هر حال بحثی نیست که تمام مستخدمین در این کار کاملاً مشغول ارائهٔ خدمات به بازدیدکنندگان که تعداد آنها همیشه در حال افزایش است و همچنین درخواستهای محلی و یا از آمریکا می‌باشند.

نمی‌توانیم با رضایت تمام بگوییم که امکانات فعلی ما کافی یا مناسب برای ارائهٔ همهٔ خدماتی که مطلوبمان هست، می‌باشد. خصوصاً ما درخواست می‌کنیم که فضای اضافی برای کارمندان بیشتری در بخش اقتصادی ـ تجاری فراهم گردد و بشدت احساس می‌کنیم مرکز بازرگانی و فعالیت ادارهٔ تجاری باید در یک ساختمان قرار گیرد. این نظر به واشنگتن ابلاغ شده است ولی جواب رضایت بخشی دریافت نشده است.

۶ـ کنسول یادداشتی تهیه کرده که در آن با ذکر مقداری تفصیلات دربارهٔ مشکلاتی که در کار کنسولی با آنها مواجه هستیم، بحث کرده است. او آماده است اینها را تماماً با شما در میان گذارد. اظهار نظر ما منحصر به یادآوری این مطلب است که یکی از مشکلات ما مربوط می‌شود به حجم رو به افزایش متقاضیان غیر مهاجر، اشکالات تشخیص صداقت این متقاضیان و مسایل فیزیکی سروکار داشتن با چنین تعداد زیادی مخصوصاً در فصل اوج گرفتن تقاضای ویزای دانشجویی. برای بهبود وضع ما اقدامات چندی اتخاذ کرده‌ایم ولی مشکلات از لحاظ کار اداری و فیزیکی باقی می‌ماند که محتاج توجه و تصمیم واشنگتن می‌باشد.

**۷ـ جاسوسی داخلی**

در مجموع در این ناحیه از لحاظ کارمندان مضیقه‌ای نیست. گزارشات جاسوسی برای بررسی یکپارچگی و کیفیت توسط مشاور و یا اگر باشد، توسط سطوح بالاتر تجدید نظر می‌شوند. یک مسئله که

www.takbook.com



همچنان مورد علاقهٔ ما است مربوط می‌شود به اطلاعات دربارهٔ جهت و فعالیت سیاسی ارتش ایران. اگر چه از طریق هیئت مستشاری ما(MAGG) و تیمهای کمک عملیات فنی (TAFT) ارتباط وسیعی با نیروهای مسلح ایران داریم، ولی هنوز باید در پی اطلاعات مطلوبمان از لحاظ کیفی و کمی باشیم. ما درصدد هستیم این را از طریق یک برنامهٔ سیستماتیک‌تر سؤال و جواب آخر مأموریت از افسران منتخب MAGG و TAFT بهبود بخشیم.

**۸ ـ مدیریت این مرکز**

تحت این عنوان کلی مایلم نظر شما را به دو مسئله که در ارتباط با مشکلات بودجه و مدیریت مالی تحت یک عنوان دیگر اشاره شد جلب کنم. مسئله اول مربوط است به روحیهٔ کارکنان. این هیئت نه تنها بزرگ است بلکه در یک شهر بزرگ و شاید بتوان گفت پایتختی بی‌عاطفه قرار دارد. با تمام بزرگش هنوز در زمینه‌های مشخص کمبودهایی دارد. مسکن، حمل و نقل و خدمات برجسته‌ترین آنها می‌باشد.

ما سعی کرده‌ایم با استفاده از امکانات مالی و پرسنلی خود این مشکلات را آسانتر کنیم. معهذا کوتاهی‌هایی وجود دارند. مخصوصاً در رابطه با مسکن این صادق‌تر است...

www.takbook.com



**سند شماره ۱۴**

**سرّی**

**وزارت خارجه** **سرّی ـ اکتبر ۱۹۷۴**

**دفتر بازرس کل، خدمات خارجه**

**گزارش بازرسی ـ در مورد نحوهٔ روابط با ایران**

**بازرسان ـ کلود. جی. راس ـ هوارد.ل.چرنات ـ رابرت.م.کلین. ـ مایکل.ف.باسو.ر.بارتلت.مون.**

**توزیع محدود**

این گزارش بازرسی وزارت خارجه منحصراً برای استفاده وزارت خارجه منظور گردیده است و ممکن است بخشی از این گزارش تحت یک یادداشت انتقالی به یکی از سازمانها ارسال شود. در پستهای سرویس خارجی می‌توان این گزارش را به اختیار متصدی اصلی، به نمایندگان سایر وزارتخانه‌های اجرایی ایالات متحده، در صورت داشتن ارتباط مستقیم با آنها نشان داد. هیچ‌گونه توزیع دیگری خارج از وزارت خارجه یا به وسیلهٔ سایر سازمانها، چه به طور کامل و چه به طور جزئی، نباید بدون اجازهٔ قبلی و کتبی از طریق بازرس کل سرویس خارجی وزارت امور خارجه به عمل آید.

تصویب طبقه‌بندی از: کلود. جی. راس

سرّی GDS

امضاء

**سرّی**

**فهرست مندرجات**

نقشهٔ ایران

نظر اجمالی (صفحات زرد کمرنگ)

خط مشی و منابع مدیریت

**ضمیمه ـ جدول منابع**

**ضمیمه ـ مفاهیم ضمنی پیشنهادات منبع**

صورت فهرست پیشنهادات (به طور جداگانه در دسترس است)

یادداشتها (به طور جداگانه در دسترس است)

تهران

اداره اطلاعات آمریکا

امور اقتصادی و بازرگانی

مبادلهٔ فرهنگی و آموزش بین‌المللی

عملیات کنسولی

پرسنل

عرصه و اعیان

خدمات عمومی

www.takbook.com



مرور تفصیلی عملیات
بودجه و امور مالی
امنیت
انجمن کارمندان آمریکایی
انجمن مدرسهٔ آمریکایی
تبریز
شاخه کنسولگری در تبریز
عرصه و اعیان کنسولگری
خرمشهر
عملیات کنسولی
پرسنل
تجهیزات و وسایل مکان
امنیت

این گزارش بازرسی در زمینهٔ گزارشهای حسابرسی جداگانهٔ سابق است. هر چند که بررسی مفصل کلیه معاملات صورت نگرفته، جنبه‌های حسابرسی شامل آزمایشهای مناسب برای ارزیابی میزان تأثیر کنترلهای داخلی و عملیات مدیریت می‌باشد. بازرسی در مکانها و زمانهای ذیل انجام پذیرفته است:
واشنگتن، از اوائل ژوئیه تا ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۴ و از بیستم اوت تا سیزدهم اکتبر ۱۹۷۴.
ایران از دوازدهم ژوئیه تا شانزدهم اوت ۱۹۷۴

**سرّی**

**نحوهٔ روابط با ایران**

**نظر اجمالی**

ایران برای آمریکا از نظر جغرافیایی و نفت حائز اهمیت است. ایران تحت نظر شاه، که آمریکا را واجد نقش حیاتی در مساعی خود برای متجدد ساختن کشورش می‌داند و می‌خواهد آن را از نظر نظامی و صنعتی قوی و متکی به خود سازد، محیط مناسبی برای تعقیب مقاصد آمریکا می‌باشد. این کشور به طور روزافزونی با ثبات و پویا شده است و نیروی رشد یابندهٔ اقتصاد و درآمد نفتی آن قادرش ساخته است تا چیزی را که زمانی دارای روابط تحت قیومیت با آمریکا بود، به طرف برابری تکامل بخشد. هر چند که این امر یک استقلال نظر به همراه آورده است که می‌تواند تفاوتهایی ایجاد کند. لکن مواضع و منافع سیاسی و جغرافیایی ایران و آمریکا در اکثر مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی عموماً به موازات یکدیگر بوده است. آمریکا از یک موقعیت بسیار ممتاز در ایران برخوردار است و یک همکاری نزدیک و متقابلاً سودمند در مورد طیف وسیعی از موضوعات فرهنگی و نظامی و اقتصادی و سیاسی وجود دارد.

به جز نظرات متفاوت قابل توجهی که دربارهٔ قیمت و عرضهٔ نفت میان ما وجود دارد، هیچ اختلاف عمده‌ای در روابط ایران و آمریکا نیست. لیکن مسایل و ملاحظاتی وجود دارد که سازندگان و مدیران خط و مشی آمریکا نسبت به ایران باید، در نظر بگیرند. یکی درجه‌ای از روابط آمریکا با ایران است که وابسته

www.takbook.com



به یک شخص بوده است که عدم اطمینان در مورد عواقب مرگ یا خلع شاه در خصوص ثبات ایران، رفتار خارجی، و طرز تلقی نسبت به آمریکا ایجاد می‌کند. نکتهٔ دیگر، آثار احتمالی تصادم بعضی از جنبه‌های روابط ما با ایران در مورد خط مشی‌های آمریکا در مناطق دیگر است، به ویژه در خلیج فارس. ساختمان نظامی ایران، که به مقدار زیادی به‌خاطر مستشاران فنی و فروش اسلحه آمریکایی است، دارد منجر به عدم موازنه میان ایران و همسایگان خلیج فارس آن می‌شود. این امر می‌تواند اثر سوء در آیندهٔ همکاری ایران و عربستان سعودی، که ما درصدد تقویت آن به‌عنوان یک امر ضروری برای امنیت خلیج فارس هستیم، داشته باشد. همچنین ممکن است باعث تشویق وابستگی سنگین‌تر عراق به اتحاد شوروی برای حمایت تسلیحاتی شود و احتمال مسابقهٔ تسلیحاتی را در منطقه زیاد کند. به هر صورت، تصور عراق در مورد وضعیت حمایت نظامی آمریکا از ایران، کوششهای ما را برای بهبود روابطمان با بغداد مشکل می‌سازد. کانون سوم نگرانی، در دامنه و پیچیدگی روابط ما با ایران و مشکل ناشی از آن نهفته است و اینکه چگونه اطمینان حاصل نماییم که دربارهٔ همهٔ اتفاقات آگاهی داریم و اینکه از عواقب ضمنی آن برای منافع آمریکا اطلاع داریم.

با توجه به این مسایل و نگرانیها، دو چیز به نظر می‌آید؛ یکی بررسی خط مشی بلند مدت ما با ایران است که شامل برآورد اثر نهایی خط مشی فعلی ما می‌شود تا چهارچوب تحلیلی و استنباطی را جهت تصمیم‌گیری فراهم آورد؛ و دیگری یک مکانیسم محکم و قابل اعتماد برای نظارت و تنظیم عناصر ترکیبی ارتباط نزدیک و فوق‌العاده چند پهلوی ما با ایران است.

«قسمت هدایت کننده کشور» و سفارت آمریکا به طور مؤثری در برقراری روابط کلی ما با ایران مشغول همکاری هستند. (آنها مجهز به افراد توانا و کیفیت رهبری سطح بالایی می‌باشند. منابع در این زمینه به خوبی توسط یک مدیریت ارشد مورد بهره‌برداری واقع می‌شوند. یک مسئله عملیاتی مشکل در ایران (که چگونه از موضوعاتی که در جامعهٔ همجوار، و میان گروههای حساسی مانند نظامیان و مخالفان رژیم به طور پنهانی می‌گذرد، کسب اطلاع کنیم) مورد توجه خاص سفیر و مدیران ارشد این مأموریت قرار دارد.

تقلیل اصطکاکهای احتمالی فرهنگی و اجتماعی ناشی از ورود هزاران کارمند شرکتهای پیمانکار بخش خصوص آمریکا در ایران طی چند سال آینده مستلزم برنامه‌های توجیهی بهبود یافته، برای این کارمندان و خانواده‌هایشان می‌باشد که بهتر است قبل از ترک آمریکا صورت گیرد. «قسمت هدایت کننده کشور» باید تلاشهای خود را برای جلب توجه پیمانکاران آمریکایی مربوطه برای تمرکز روی این مشکل بالقوه جدی افزایش دهد و علاوه بر این راههایی پیدا کنند که طی آن منابع وزارتخانه (خارجه) برای کمک به جریان توجیه به کار گرفته شود.

ازدیاد منابع دولت آمریکا در ایران و تغییر و تبدیل بعضی از آنهایی که هم اکنون در آنجا هستند برای فراهم آوردن حمایت کافی جهت مقاصد خط مشی ما لازم است. این امر شامل ساختن یک مکان سفارتی دیگر و یک پاویون مرکز تجارتی در محوطهٔ سفارت، تغییر محل کنسولگری خرمشهر به شیراز، افتتاح یک کنسولگری در اصفهان، و برقراری یک مجموعهٔ چهارگانه از مناصب جدید اداری جهت سفارتخانه و پستهای متشکلهٔ ارتش می‌باشد. به‌علاوه اینک زمان مناسبی است برای مطالعهٔ دقیق بعضی از برنامه‌های ما در ایران، از قبیل ادارهٔ اطلاعات آمریکا و سپاه صلح، تا معلوم شود که چگونه آنها را می‌توان نسبت به

www.takbook.com



منافع آمریکا مسئول‌تر ساخت که برای مالیات‌دهندگان آمریکایی کمتر هزینه بردارد.

در نتیجهٔ کشفیات و جمع‌بندی‌های بحث شدهٔ بالا، بازرسان تعدادی پیشنهاد به وزارتخانه و پستهای ما در ایران طی گزارش بعدی خود داده‌اند. شش‌تای آنها به‌عنوان پیشنهادات مهمتر در اینجا شایستهٔ بررسی است:

الف) یکی اینکه NEA به گروه رابط وزارتخانه‌ای خود دستور دهد که یک مطالعه در مورد خط مشی بلند مدت با توجه به روابط ما با ایرانیان به عمل آورد.

ب) دیگر اینکه NEA مسئلهٔ تأمین نظارت سطح بالا و هماهنگی امور ارتباطی آمریکا در ایران را مورد غور و بررسی قرار دهد. بد نیست که در این مورد بخواهد امکان گردهمایی معاون وزارتخانه را با گروه رابط بین وزارتخانه‌های NEA جهت رسیدگی به این امر مورد ملاحظه قرار دهد.

ج) سفارتخانه در تهران یک «بانک فکری» مرکب از متصدیان غیر ارشد را احضار کرده تا این مسئله را که چه کاری باید برای برقراری تماس مؤثرتر با جوانان ایرانی انجام داد بررسی کرده، و نظرات خود را در مورد مسیر آیندهٔ کمیتهٔ جوانان سفارتخانه ارائه دهد.

د) هیئت اداری کشور ایران مسئلهٔ تأمین دریافت توجیه کافی و مناسب در مورد مشکلات زندگی در ایران را برای کارمندان شرکتهای اجرایی شرکتها در مورد مطلوبیت چنین برنامهٔ توجیهی و فراهم آوردن امکان کمک و مشاوره مناسب وزارتخانه توجه پیدا کنند. یکی از راهها برای تحقق این امر می‌تواند امکان به کار گرفتن منابع FSI بر اساس پرداخت پاداش باشد.

ه) NEA ادارهٔ اطلاعات آمریکا را وادار کند که ارزیابی مجددی در مورد برنامهٔ این اداره در ایران با توجه به تعیین این امر که آیا منابعش به بهترین وجه ممکن مورد استفاده قرار می‌گیرند یا خیر، به عمل آورد و اگر چنین نیست معلوم کند که چه تغییراتی در جهت مثبت باید انجام داد.

و) NEA از سپاه صلح بخواهد که این امور را انجام دهد:

(۱) مرور ارزیابی دوباره در خصوص برنامه‌اش در ایران با نظر به اینکه چه تغییراتی جهت جوابگوتر بودن برنامه‌ها برای نیازمندیهای ایران و تأمین مؤثرتر مقاصد این سپاه مطلوب است و (۲) مروری در میان حمایتی که دولت ایران در مورد برنامه‌های سپاه صلح با توجه به ازدیاد وسیع منابع مالی و وضع پشتیبانی آن از داوطلبان سازمان ملل انجام می‌دهد به عمل آورده، تا معلوم شود که آیا لازم است که با دولت ایران تماس گرفته شود که کمک خود را در این برنامه‌ها به طور قابل توجهی افزایش دهد یا خیر؟

علاوه بر اینها، پیشنهادات زیر مشتمل بر اهمیت ضمنی منابع می‌باشد:

ز) اینکه A/BF از درخواست بودجه برای سال مالی ۱۹۷۶ توسط ادارهٔ بودجه فدرال (FBO) حمایت کند تا وجوهی برای ساختمان دو قسمت جدید دفتر سیاسی در تهران در نظر گرفته شود.

ح) ادارهٔ بودجه فدرال بررسی خود را با وزارت بازرگانی و کنگره در مورد یافتن فرمولی برای پولی که اجازهٔ ساختمان یک پاویون مرکز تجارتی در محوطه سفارتخانه را برای سال مال ۱۹۷۶ بدهد، تسریع نماید.

ط) اینکه M/BF و PER و NEA درخواست سفارتخانهٔ ما را در تهران، جهت ایجاد پست متصدی تحقیق بازار و پست متصدی کارگزینی با بودجهٔ وزارت دفاع، تصویب نمایند.

ی) اینکه A/BF و PER و NEA امکانات دو منصب دیگر یکی برای اصفهان و یکی برای شیراز در

www.takbook.com



اولین فرصت بعد از گشایش آن دو پست فراهم آورند.

**سرّی**

**خط‌مشی و منابع**

**راهنماییهایی در مورد خط‌مشی فعلی در قبال ایران**

هیچ مدرک مستندی وجود ندارد که بیانیهٔ مشخصی در مورد خط‌مشی آمریکا نسبت به ایران تلقی شود. در مارس ۱۹۷۳، «هیئت اداری کشور» یک شبکهٔ بررسی با طبقه‌بندی سرّی تنظیم نمود، که شامل یک بیانیهٔ جامع پیشنهادی دربارهٔ منافع، هدفها، مسایل مربوط به خط‌مشی و شقوق ثانوی و سیاستهای توصیه شده بود. این شبه بررسی به طور غیر رسمی در سطح ادارهٔ کل تصویب گردید. اما هرگز در جریان تصویب رسمی قرار نگرفت و از این جهت تعهد رسمی به بار نیاورد.

در خصوص مسئلهٔ خاص سیاست تسلیحاتی، «قسمت هدایت‌کنندهٔ کشور» برای تیم بازرسی دو یادداشت NSC تحت عنوان «پیگیری مذاکرات رئیس جمهور با شاه ایران» به ترتیب مورخ ۱۵ ژوئن و ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۲ تهیه نمود. این یادداشتها خطاب به وزارتهای خارجه و دفاع (آمریکا) فروش اسلحه و تجهیزات به ایران و قراردادهای کمکی فنی ـ نظامی مربوطه را تصویب می‌کرد.

منافع ایالات متحده:

مکان استراتژیکی ایران، قدرت نسبی آن میان کشورهای خلیج فارس، منابع داخلی و بازار داخلی بورژوازی آن، این کشور را یک منطقهٔ بسیار با اهمیت برای ایالات متحده، در حال حاضر و برای یک آیندهٔ قابل پیش‌بینی نموده است. ما احتیاج به یک ایران دوست و مستقل و ایمن و با ثبات داریم که هم بتواند و هم بخواهد که یک نقش مسئولانه و سازنده در منطقه به ویژه در خلیج فارس بازی کند. ما نیاز مبرم به دسترسی به راه هوایی ایران و ترکیه، که واسطهٔ میان اروپا و شرق برای هواپیماهای نظامی و تجاری ما باشد و نیز به بنادر ایران جهت کشتیهای نیروی دریایی و بازرگانی خود داریم.

ما نیاز داریم که از قلمرو ایران برای تسهیلات ویژهٔ نظامی و اطلاعاتی خود استفادهٔ مداوم به عمل آوریم که به‌خاطر ملاحظات جغرافیایی، گذشته از امکانات سیاسی، نمی‌تواند، در جای دیگری با آثار همانند باشد.

منافع اقتصادی ایران عمده است. بازار ایران، که مرتباً توسط درآمد نفت تأمین می‌شود، برای کالاها و خدمات آمریکا به سرعت در حال گسترش است. طی دو هفتهٔ گذشته بیش از هفت بیلیون (میلیارد) دلار به صورت قرارداد امضاء شد. همین طور آب و هوای ایران مناسب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ایالات متحده، که اینک به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار تخمین زده می‌شود و انتظار می‌رود که به سرعت تا چندین میلیارد دلار افزایش یابد، است. ایران یکی از منابع اصلی نفت و گاز طبیعی برای کشورهای OECD اروپایی و ژاپن بوده است و نیز برای ما واجد اهمیت روزافزونی می‌باشد. ما نفع زیادی در دسترسی قابل اطمینان به نفت و منابع معدنی ایران به قیمتهای مناسب جهت خود و دوستانمان داریم.

منافع ایالات متحده در ایران در سالهای اخیر گسترش یافت و شکوفا شد. این امر، قسمتی به‌خاطر طرز تفکر شاه در مورد مفید بودن ایالات متحده برای کشورش بود. در صورت مرگ یا عزل شاه، ممکن است دید رژیم جانشین بدین نحو نباشد. به‌علاوه، نزدیکی روابط ایران و آمریکا می‌تواند یک مسئلهٔ قابل

www.takbook.com



بهره‌برداری برای عناصر رادیکال و ضد رژیم باشد. لذا ایالات متحده یک توجه اساسی در ثبات بلندمدت ایران تحت حکومتهای منطقاً دوست نسبت به آمریکا دارد که احتمال نداشته باشد بر علیه ما اقدام کنند. به همین دلیل به نفع ایالات متحده است که رفتار دوستانه‌ای میان مردم ایران نسبت به آمریکا پرورش و ادامه یابد.

هدفهای ایالات متحده:

هدفهای آمریکا که ناشی از منافع فوق‌الذکر است، به ترتیب زیر می‌تواند تنظیم شود:

ـ تقویت و کمک به توانایی و خواست ایران برای داشتن یک نقش با ثبات و مسئولانه در امور بین‌المللی، به خصوص در خلیج فارس.

ـ برقراری روابط دو طرفهٔ نزدیک و تعاونی به وسیلهٔ ادامهٔ دسترسی دوستانه به تصمیم‌گیرندگانی که در مورد منافع آمریکا مؤثرند.

ـ ابقای دسترسی بلا اشکال به کریدور هوایی ایران ـ ترکیه و بنادر ایران.

ـ تأمین برقراری و نگهداری و استفادهٔ بلامانع از تسهیلات اطلاعاتی و نظامی در قلمرو ایران.

ـ تأمین دسترسی به بازار ایران جهت کالاها و خدمات آمریکا و برقراری یک جو مساعد برای سرمایه‌گذاریهای بخش خصوصی آمریکا.

ـ تأمین دسترسی قابل اطمینان به نفت و مواد معدنی ایران به قیمتهای قابل تحمل برای خودمان و سایر اعضای OECO

ـ تشویق ایران به تجدید جریان ازدیاد درآمد حاصل از نفت به نحوی که اثر نامطلوب قیمتهای بالاتر نفت را در موازنهٔ پرداختهای کشورهای مصرف کننده، منجمله ایالات متحده، به حداقل برساند.

ـ کمک به ثبات داخلی سیاسی ایران در بلند مدت و گسترش رفتار مطبوع میان ایرانیان نسبت به آمریکا.

شرایط ایران به طور اساسی مساعد تعقیب این هدفهای خط‌مشی می‌باشد. شاه قویاً طالب آن چیزی است که می‌خواهد ایران در زمان حیاتش به آن برسد، و این خواست لااقل تا یک اندازهٔ معین متمم خواست ما است. خواه ایران به موقعیت «قدرت جهانی» که جزء آمال بزرگتر شاه است، برسد یا نرسد. هدف عمدهٔ او یک جامعهٔ با ثبات و متجدد است که چه از نظر نظامی و چه از نظر صنعتی قوی باشد. مهمتر از همه، واضح است که شاه از آمریکا انتظار دارد که نقش اصلی را در کمک به ایران جهت نیل به هدف، مخصوصاً در زمینهٔ نظامی، بازی کند. به‌خاطر مطالب فوق‌الذکر، ما موفق شده‌ایم که اکثر هدفهای خط‌مشی خود را به طور چشمگیری تأمین نماییم. ایران به طور متزایدی یک کشور دینامیک و متکی بخود و قوی شده است که نسبت به ایالات متحده دوست و در اکثر موارد مفید به منافع ما است. ایران با قدرت جدیدش به یک دید استقلالی رسیده است که ممکن است منجر به تفاوتهایی بشود، ولی منافع ژئوپلیتیک ما معمولاً موازی یکدیگر بوده؛ همچنان که نظرات ما در اکثر مسایل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی چنین است. روابط ایران و آمریکا عالی است و ما از وضع ممتازی در ایران بر خور داریم. هر چند که این روابط بدون اشکالات و نگرانیهای خط‌مشی نیست.

**مشکلات و نگرانیهای مربوط به خط‌مشی**

تنها اختلاف مهم در مورد خط‌مشی میان ایران و ایالات متحده ناشی از دیدگاههای مربوطهٔ ما در

www.takbook.com



مورد قیمتهای نفت و عرضهٔ آن می‌باشد. شاه و دولت او، هر چند که به مقیاس اوپک، میانه‌روی در بحثها را قبل از افزایش قیمت در دسامبر ۱۹۷۳ رعایت می‌کرده و از ناراحتی آمریکا آگاه است، اما نسبت به سطح قیمت فعلی متعهد است. اختلافات ما در مورد نفت هنوز اثر زیادی در سایر قسمتهای روابط دو جانبهٔ ما نداشته است. لیکن تأخیر در حل این مسئله، نگرانی را در شاخهٔ اجرائی و کنگرهٔ آمریکا افزایش می‌دهد و بعضی از اعضای آنها شروع به اظهار عدم رضایت در خصوص فقدان پیشرفت در ترغیب کشورهای تولیدکنندهٔ نفت، منجمله ایران، برای تقلیل قیمتها نموده‌اند. به‌علاوه انتقاد ایران از وضع عربستان سعودی در این مسئله، تلاشهای ما را برای تشویق عربستان در رعایت خط مشی‌های سازندهٔ تولید نفت دچار اشکال می‌کند.

یک مشکل اساسی دراز مدت که در مورد خطی مشی ما راجع به ایران وجود داشته، اتکای روابط دوستانهٔ ما با ایران روی رفتار و طرز تفکر یک نفر یعنی شاه است، که قبلاً هم به آن اشاره شد. واقعیات سیستم سیاسی ایران چنان است که در تحلیل نهایی، تنها دیدگاهی که به حساب می‌آید، نظرات شاه است که کلیهٔ تصمیمات مهم را خودش می‌گیرد و خط‌مشی ما الزاماً با این وضع تنظیم می‌شود. در جامعهٔ بسته‌ای مثل ایران، چندان اطلاعی از تفکر مردم در دست نیست، و هیچ راهی برای پیش‌بینی عواقب مرگ یا عزل شاه وجود ندارد که بتوان گفت در آن صورت ثبات و رفتار خارجی ایران نسبت به آمریکا چگونه خواهد بود. خوشبختانه روابط نزدیک ما با ایران برای بیش از دو دهه وجود داشته است و ایرانیان یک نسل یا بیشتر در رابطه با ما و اتکا به ما خو گرفته‌اند. دلایلی وجود دارد که بتوان امیدوار بود از اینکه مقداری از روابط ما با ایران بعد از شاه زیر بار تغییراتی خواهد رفت. سؤال در اینجا است که این تغییرات چه اندازه و در چه مواردی خواهد بود. سازندگان و مدیران سیاست ایالات متحده نسبت به ایران مواجه با یک عامل ظریف و نامطمئن می‌باشند که باید آن را در محاسبات خود به حساب بیاورند.

بعضی از جنبه‌های روابط ما با ایران با خط مشی‌های ایالات متحده نسبت به سایر مناطق برخورد دارد؛ که این امر نگرانیهایی در مورد آثار بلند مدت احتمالی آنها ایجاد می‌کند. فی‌المثل، فروش وسایل نظامی آمریکا و مستشاران فنی تا اندازهٔ زیادی مسئول قدرت مسلط بودن ایران بر خلیج فارس بوده‌اند. با توجه به جهت‌گیری کلی سیاست ایران و وابستگی نزدیک ما، این امر در بیشتر موارد یک توسعهٔ مثبت از نظر منافع ایالات متحده بوده است. اما قدرت تسلیحاتی ایران یک عدم توازن نظامی میان ایران و سایر کشورهای خلیج فارس و عمدتاً عراق و عربستان، ایجاد می‌کند. در مورد عربستان سعودی، این وضع یک مخاطرهٔ روزافزونی به وجود می‌آورد از اینکه عکس‌العملی باعث به خطر انداختن روابط حسنهٔ ما با آن کشور (عربستان) بشود. علاوه بر آنکه همکاری ایران و عربستان را، که ما درصدد تشویق آن هستیم تا یک پایگاه تأمین ثبات و امنیت در خلیج بشود، غیر ممکن می‌سازد. در مورد عراق، تاریخچه طولانی برخورد مداخلهٔ متقابل میان بغداد و تهران، ممکن است عراق را وادار کند که برای حمایت متقابل بیشتر به طرف شوروی متمایل شود، و در نتیجه صحنه برای بهبود روابطمان با عراق در اثر عرضهٔ وسایل نظامی به ایران، دچار اشکال شده است. زیرا عراق آن را در زمینهٔ حوادث اخیر مرزی خود و کمک ایران بـه شورشیان کرد، علت تلقی می‌کند.

ابعاد پیچیدگی روابط ما با ایران، که به طور فزاینده‌ای در حال گسترش است، یک نگرانی خاص برای دست‌اندرکاران خط‌مشی آمریکا ایجاد می‌کند. و آن اینکه چگونه در یک موقعیت فوقانی قرار داشته

www.takbook.com



باشیم که عکس‌العملهای ما در قبال مشکلاتی که بروز می‌کند، با پیشنهادات جدیدی که به عمل می‌آید (مخصوصاً از طرف شاه) با اطلاع از کلیهٔ عواقب احتمالی آنها باشد. از جمله این عواقب، اثرات ثبات و پیشرفت داخلی ایران، تقاضا در مورد منابع انسانی و مادی آمریکا، و آثار هدفهای سیاسی آمریکا در سایر مناطق می‌باشد. تنها در زمینهٔ نظامی ما به مقدار فوق‌العاده‌ای با ایران همکاری می‌کنیم. از زمان دستورالعمل ۱۹۷۲ رئیس جمهوری آمریکا در مورد خط‌مشی اسلحه، که عمدتاً تصمیم‌گیری در مورد خریداری وسایل نظامی را به دولت ایران واگذار کرد، شاه برای مجموعهٔ وسیعی از اسلحه و مهمات و تجهیزات و تخصص فنی مربوط به ما روی آورده است، علاقهٔ او نه تنها شامل سیستمهای عمدهٔ تسلیحات است، بلکه شامل سیستمهای پیچیدهٔ کنترل و فرمان و رادار و اطلاعات می‌شود. شاه همچنین علاقه‌مند است که ایران بتواند بعضی از اقلام نظامی آمریکا را، منجمله بعضی از انواع موشک را، بسازد و تسهیلات تعمیراتی وسیعتری برای اقلام دفاعی موجودش فراهم آورد. بعضی از درخواستهای شاه ممکن است در این مرحله از توسعهٔ ایران، زیادی جاه‌طلبانه باشد و برای ما انجام آنها مشکل و یا به مصلحت نباشد. این مسایل مستلزم برخورد محتاطانه است تا از اخلال در روابط ما احتراز شود.

از آغاز سال ۱۹۷۲ تاکنون ما به ایران بیش از ۷ میلیارد اسلحه و تجهیزات فروخته‌ایم که تحویل آنها تا سال ۱۹۷۸ طول می‌کشد. ما بر اساس یک باز پرداخت، تیمهای کمکی و فنی وزارت دفاع DOD را عرضه می‌داریم که با مأموریت مستشاری ما متفاوت است (ARMISH/MAGG). و این امر برای فراهم آوردن تخصص فنی جهت تسهیل ادغام این لوازم جدید در نیروهای مسلح ایران است. تعداد زیادی از پرسنل قراردادی دفاع غیر نظامی آمریکا نیز کمک به امر تلفیق این وسایل و تسهیلات می‌نمایند. تاکنون حدود ۱۵۰۰۰ نفر کارمند غیر نظامی، از این دست در ایران به کار گرفته شده و انتظار می‌رود که این تعداد تا سال ۱۹۷۸ به ۱۲/۰۰۰ نفر افزایش یابد (که علاوه بر آنها شاید ۳۰/۰۰۰ نفر از بستگانشان نیز باشند) و این مسئله یک دسته مشکلات از نظر تنظیم فرهنگی و روابط اجتماعی متقابل برمی‌انگیزد.

علاوه بر این وابستگی‌های نظامی، ما دارای مناسبات صمیمانه با ایران در چندین دسته از فعالیتهای اطلاعاتی و امنیتی می‌باشیم. شرکتهای خصوصی آمریکایی درصدد برقراری سازمانهای مشترک در زمینه‌های متعدد صنعتی و بازرگانی با شرکتهای ایرانی می‌باشند. اخیراً موافقت کرده‌ایم که اورانیوم تصفیه شده‌ای را برای دو ایستگاه اتمی فراهم کنیم، تا شاه بتواند کار یک صنعتی اتمی را راه بیندازد. احتمال دارد سایر نقل و انتقالات مهارتهای صنعتی و تکنولوژیکی آمریکایی به ایران در آینده نزدیکی دنبال شود.

مشکلات و نگرانیهای ذاتی در خط‌مشی ما نسبت به ایران دلالت بر نیاز به یک مکانیسم وابسته جهت نظارت و هماهنگی عوامل مرکب روابط فوق‌العاده و چند جانبهٔ ما با ایران می‌کند. آثار و عواقب این امور برای منافع آمریکا چه در ایران و چه در جاهای دیگر باید درک شود تا بتوانیم یک خط‌مشی درست اتخاذ کنیم و تصمیمات عملیاتی بگیریم. به‌علاوه نیاز به یک بررسی دربارهٔ خط مشی‌های بلندمدت آمریکا نسبت به ایران وجود دارد تا بشود تحلیل لازم را جهت اخذ تصمیمات خط‌مشی به دست آورد. دو پیشنهاد اصلی مطرح شده در قسمت دوم تحت مدیریت، مربوط به این نکات است.

## منابع

منابع اختصاص یافته برای حمایت از هدفهای خط‌مشی آمریکا در ایران به صورتی که در جدول منابع

www.takbook.com



در ضمیمهٔ I می‌باشد، به طور دربست کافی نیست. چنانچه بخواهیم که آنها کاملاً جوابگوی احتیاجات خط‌مشی باشند، بعضی از رده‌ها باید به طور عمودی اصلاح شود.

نیاز مبرمی به افزودن دو بخش به ساختمان موجود سفارت وجود دارد. این بخشها جای مناسب را برای قسمت کنسولگری که شدیداً مورد احتیاج بوده و میزان کارش از حدود ستادهای موجودش فزونی گرفته است و نیز جهت قسمت اقتصادی و وابسته‌های دفاعی که کارشان شلوغ شده است، فراهم خواهد آورد. علاوه بر آن، بودجه‌ای جهت ساختن یک پاویون بازرگانی در محوطهٔ سفارت لازم است تا بتوان فعالیتهای دفتر تجاری و مرکز بازرگانی را از نظر محل در یک جا گرد آورد. (رجوع شود به یادداشتهای بازرسان در مورد امور اقتصادی و بازرگانی و دربارهٔ عرصه و اعیان).

وابستگی‌های روزافزون ایران و آمریکا در خصوص طیف وسیعی از فعالیتها منجر به هجوم وسیعی از آمریکاییها به تعدادی از استانها می‌شود که شاه می‌خواهد در آن محلها تسهیلات دفاعی را افزایش داده و رشد صنعتی را مورد تأکید قرار دهد. برای ارائه سرویس و حفاظت مناسب به این جماعات متفرق آمریکایی و جهت تأمین مسئولیتهای تجارتی و گزارشی این مناطق تصمیم گرفته شد که کنسولگری اصفهان را باز نموده و کنسولگری موجود در خرمشهر را به شیراز متصل نماییم. به علت محدودیتهای بودجه طرحهای فعلی مستلزم پر کردن اولیه دو پست است که باید با انتقال یک پست تصدی خرمشهر تا اصفهان و دوتای دیگر به شیراز تکمیل گردد. در عین حال که این ترتیبات سبب عملیاتی شدن پستهای جدید می‌شود. برای رسیدگی به کارهای اصفهان و شیراز کافی نخواهد بود.باید مقرر شود که هر چه زودتر دو متصدی دیگر، یکی برای هر پست، فراهم شود. (رجوع شود به یادداشت بازرس در مورد پرسنل)

کنسولگری تبریز، که اهمیت آن در گزارش بازرسی قبلی ۱۹۷۲ مطرح شده بود، نمایندگی منبعی را خواهد داشت که کمک عمده‌ای می‌نماید و این کمک کاملاً موجه است. از آن گذشته، باید چنان با دقت کارمندانش تأمین شود که توانایی بالقوهٔ آن کاملاً تضمین شود. (رجوع شود به یادداشت بازرس در مورد ادامهٔ کار کنسولگری تبریز)

مرور بر سایر فعالیتهای آمریکا در ایران، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا برنامه‌های فعلی ادارهٔ اطلاعات آمریکا و سپاه صلح در ایران استفاده احسن را از منابع مورد دسترس خود به دست می‌آورند، یا خیر؟ این موضوع پیشنهادات ارائه شده در بخش دوم مدیریت است. سرّی

**سرّی**

**بخش دوم: مدیریت ـ (پیشنهادات ۱ تا ۶) ـ تنظیم (صورت بندی) خط‌مشی**

وابستگی چند جانبهٔ ایران و آمریکا در زمینه‌های نظامی، اطلاعاتی، تجارتی و فرهنگی در چندین سال گذشته همراه با جریان تقریباً مداوم بررسی خط‌مشی بوده است. سفارت و قسمت هدایت‌کننده کشور تحت رهبری معاون نخست‌وزیر در NEA به طور فعال در این جریان مشارکت داشته‌اند. این امور برای نیازهای خط‌مشی ما در ایران حساسیت‌آور بوده و اهمیت برقراری تنظیم دقیق منابع را برای خط‌مشی ایجاب می‌نماید. علاوه بر سفارتخانه و قسمت هدایت کنندهٔ کشور S/P، PM ، EB، SCI در وزارت امور خارجه در جریان صورتبندی خط‌مشی قرار دارند.

www.takbook.com



هرچند که تصمیم اصلی برقراری خط‌مشی تسلیحاتی ما به وسیلهٔ رئیس جمهور پس از ملاقات با شاه در سال ۱۹۷۲ گرفته شد، اما «قسمت هدایت کنندهٔ کشور» در تکمیل خط‌مشی‌های عملیاتی برای کاربرد دستورالعمل در ایران معاضدت نموده است. همکاری با PM و (وزارت) دفاع نیز صمیمانه بوده است.

«قسمت هدایت کنندهٔ کشور» نقش مهمی در هماهنگی داده‌های مختلف در جریان صورت‌بندی خط‌مشی دارد. رئیس جدید نشان می‌دهد که به همان اندازه نسبت به مسایل خط‌مشی و احتیاج برای تصمیمات به موقع در مورد مشکلات خط‌مشی حساس است، که رئیس قبلی. شاهد اقدام «قسمت هدایت کنندهٔ کشور» در این مورد، تهیه یک طرح منسجم تجدید نظر شده بود که شامل مسئلهٔ فوت یا عزل شاه می‌گردیده و اینکه در صورت وقوع چنین حادثه‌ای چه اختیاراتی از نظر خط‌مشی برای آمریکا مطرح می‌شود. این نوشته فعلاً تحت بررسی سفارت جهت اظهار نظر و تشریک مساعی است. نمونهٔ دیگر از همکاری نزدیک سفارت و «هیئت ادارهٔ کشور» در تنظیم یک سری مبادلهٔ (اطلاعات) است بین آنها، در خصوص پیشنهاداتی جهت گسترش کمیسیون مشترک برای همکاری با ایران.

تعدادی از مهمترین تصمیماتی که در روابط ما با ایران مؤثر بوده است در ردهٔ رئیس جمهوری، مشاور امنیت کشور و وزیر (امور خارجه) اتخاذ شده است. «قسمت هدایت کنندهٔ کشور» در مراحل اولیهٔ این جریان فعال است، اما مایل است کمی اطلاعات در مورد تصمیمات اتخاذ شده داشته باشد. گذشته از این امر، ارتباط و هماهنگی میان شرکت‌کنندگان در تنظیم خط‌مشی خوب بوده است و اجرای روابط ما را با ایران برای ادامهٔ کار، به نحوی که به طور مناسب جوابگوی نیازمندیهای کوتاه مدت ما باشد، ممکن ساخته است. لکن بعضی از کسانی که از واشنگتن در این جریان مشارکت دارند، با توجه به حجم دائم‌التزاید وابستگی ما با ایران در زمینهٔ نظامی و اطلاعات، در آثار بلندمدت، که باید چهارچوبی باشد جهت بررسی و ارزیابی عواقب خط‌مشی در مورد تصمیماتی که برای اتخاذ آنها احضار شده‌اند، وجود ندارد.

**پیشنهاد به وزارت (امور خارجه)**

۱ـ دایرهٔ NEA به گروه هم بستهٔ وزارتی خود دستور دهد که یک بررسی در مورد خط‌مشی بلندمدت با توجه به روابط ما با ایران به عمل آورد.

اجرای خط‌مشی

خط‌مشی ماهرانه و به طور مؤثر اجرا می‌شود. در مورد اجرای کلی روابط با ایران یک هماهنگی عالی میان «قسمت هدایت کنندهٔ کشور» و سفارت وجود دارد. این دو دارای کارمندان شایسته و رهبری توانا می‌باشند. هماهنگی میان وزارت امور خارجه و سایر وزارتخانه‌ها و سازمانهای درگیر در اجرای خط‌مشی در واشنگتن به طور کلی خوب است اما امکان بهبود نیز هست. خزانه‌داری مایل است که یک طرفه و بدون مشورت، مخصوصاً در موضوعات بین‌المللی نفت، عمل کند. برنامهٔ فروش (مهمات) نظامی ما به ایران مستلزم رابطهٔ نزدیک میان وزارت امور خارجه و وزارت دفاع است. اما گاهی اوقات امر مشاورهٔ به خوبی صورت نمی‌گیرد، چون مکاتبات وزارت دفاع بدون رخصت متناسب از طریق وزارت امور خارجه به هیئت نظامی آمریکا در ایران ارسال می‌شود.

سفیر (آمریکا در ایران) می‌تواند شاه را هر وقت که بخواهد فوراً ببیند و از آن گذشته، گاهی اوقات

www.takbook.com



همچنین به وزیر متنفذ دربار، نخست‌وزیر و سایر مقامات کلیدی نظامی و غیر نظامی دسترسی دارد. وی آشنایی گسترده‌ای با سایر مقامات ارشد دولتی، مجلس، تجار عمده، دانشگاهیان و دیگر گروههای روشنفکر دارد. قائم مقام میسیون، در صورت لزوم دسترسی به افسران نظامی، مقامات زیر کابینه و وزراء دارد و مستشاران سیاسی و اقتصادی با رده‌های مناسب دولتی و بخش خصوصی تماس خوبی دارند. به طور کلی تماسهای میسیون بسیار خوب بوده و حوزهٔ وسیعی از صحنهٔ ایران را فرا می‌گیرد.

در حال حاضر، هنوز هم دولت ایران در مورد کلیهٔ تصمیماتی که در سطح بالا اتخاذ می‌شود بسیار مقتدر است. مسایل اساسی مهم و موضوعات طرفینی در سفیر و شاه با وزارت دربار رسیدگی می‌شود و گرایش به نادیده گرفتن وزارت امور خارجه (ایران) دارد. چون تماسها و مذاکرات در چنین سطحی صورت می‌گیرد، ناگزیر بسیاری از مکاتبات مربوطه از طبقه‌بندی فوق‌العاده برخوردار بوده و به طور بسیار محدود توزیع می‌شوند. اما سفیر این نکته را برای خودش محفوظ کرده است که کلیهٔ همکارانش در مأموریت (میسیون)، که احتیاج داشته باشند، از مسایل مطلع شوند.

رئیس هیئت نظامی آمریکا در ایران، به‌عنوان مقام ارشد نظامی آمریکا در ایران، کنترل غیر رسمی اما مؤثری در همهٔ یگانهای آمریکایی که تعدادشان بیش از بیست واحد است و در ایران عمل می‌کنند، به عمل می‌آورد، یکان DAO مستثنی است. او به‌عنوان نقطهٔ تماس سفیر با فعالیتهای نظامی آمریکا در این کشور عمل می‌کند. از یک طرف او کانالی است که سفیر را در جریان امور قرار می‌دهد و از طرف دیگر وسیله‌ای است برای رساندن دستورالعمل‌های سفیر به هیئت نظامی آمریکا در ایران. با ایفای یک نقش عمده توسط کارمند امور نظامی و سیاسی سفارت در این جریان، هماهنگی به طور نزدیک و فوری انجام می‌گیرد. رئیس هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران نه تنها با افسران ارشد نظامی ایران به طور مرتب ملاقات می‌کند، بلکه به طور متناوب با شاه نیز دیدارهایی دارد. این گونه دیدارها حتماً چه قبل و چه بعد از انجام آن، با سفیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تنها مقام دیگر آمریکایی که گاهگاهی با شاه ملاقات می‌کند، رئیس سیا ( CIA=SRF) است. باز هم سفیر قبل و بعد از این ملاقاتها به طور کامل در جریان قرار می‌گیرد. در این مورد موضوعاتی که باید مطرح به دقت توسط سفیر مورد موشکافی قرار می‌گیرد. رئیس SRF وظایف نظارتی و هماهنگی چندی در سایر مقامات کلیدی نظامی و غیر نظامی دسترسی دارد. مورد عملیات امور اطلاعاتی آمریکا در ایران دارد، به استثنای چند مورد که توسط DATT(وابستهٔ دفاعی) انجام می‌شود. البته سفیر نیز به طور کامل در جریان این عملیات اطلاعاتی قرار دارد. اجرای خط‌مشی و انجام روابط با ایران، به طور کلی به وسیلهٔ ایجاد نوعی مکانیسم سطح بالا با نظارت و هماهنگی در کلیهٔ زمینه‌های همبستگی آمریکا در ایران در امور نظامی، اقتصادی، سیاسی، اطلاعاتی و تکنولوژی، تسهیل می‌شود و این امر توأم با این نظر است که برای تعیین‌کنندگان خط‌مشی و مدیران، روشن‌ترین تصویر ممکن را در مورد نتیجهٔ روابط مختلف ما و عواقب آن برای آمریکا در ایران و جاهای دیگر فراهم آورد.

**پیشنهاد به وزارتخانه**

۲ـ دایرهٔ NEA در مورد مسئلهٔ تأمین نظارت و همکاری کافی در سطح بالایی از وابستگی آمریکا در ایران تحقیق نماید. به‌عنوان یک احتمال می‌تواند از امکان معاون وزارت (امور خارجه) بخواهد که گروه

www.takbook.com



رابط وزارتخانه‌ای NEA به این وظیفه بپردازند.

**استفاده از منابع برای انجام هدفها**

سفیر و قائم مقام میسیون (مأموریت)، رهنمودهای کلی مؤثر و نیرومندی برای مدیریت منابع میسیون می‌دهند. آنها همچنین یک رابطهٔ نزدیک و همکاری مؤثر میان سفارتخانه و کنسولگری‌های تبریز و خرمشهر ایجاد می‌نمایند. خرمشهر از راهنمایی و حمایت خوب سفارت برخوردار بود و مسئولان سفارتخانه تشخیص دادند که بازدیدهای متناوب از پستهای مورد شمول، مطلوب است.

گزارش سیاسی معمولاً از کیفیت عالی و به‌موقع برخوردار است. اما در پوشش بعضی از عوامل اصلی وجود دارد که دسترسی به آنان مخصوصاً مشکل است. از جمله رهبران مذهبی، نظامی و مخالفان سیاسی رژیم؛ چنان که در ذیل آمده است مدیریت ارشد درصدد معاشرت به بخش سیاسی است تا راههایی برای حل این مشکل پیدا کند. همچنین نیاز برای گزارشات تحلیلی محسوس‌تر است و در ماههای اخیر بخش سیاسی تهیهٔ یک سری از گزارشات را بر عهده گرفته است، تا این وضع را چاره کند. هم بخش سیاسی و هم بخش اقتصادی و بازرگانی از بابت وقتی که توسط ملاقات‌کنندگان رسمی و خصوصی آنها گرفته می‌شود، رنج می‌برند. بخش اقتصادی و بازرگانی با کیفیت بسیار مؤثری در رویارویی با تقاضاهای بسیار متزاید در خصوص گزارشات خدمات تجاری و مشاورهٔ بازرگانی ملاقات کنندگان عمل می‌کنند و علاوه بر آنها از عهدهٔ مسایل مربوط به خط‌مشی راجع به نفت و امور وابسته بر می‌آیند. این بخش ـ و در واقع کلیهٔ مأموران سفارتخانه ـ به خوبی در قبال فرصتهای صادراتی آمریکا و پروژه‌های سرنوشت‌ساز و کمکهای فنی هشیاری به خرج می‌دهند.

فعالیتهای کنسولی به خوبی اداره می‌شود و بخش کنسولگری درصدد یافتن راههایی است که عملیات کنونی مربوط به صدور ویزاها را کم کارتر بسازد، همچنین حجم کار کارمندانش را که سخت در مضیقه هستند، می‌توان با انتقال کار اخذ ویزای خروجی ایرانیان به بخش اداری، سبک کرد. کارهای مربوط به خدمات عمومی در اثر عدم نظارت کافی در مورد فعالیتهای پرسنل آمریکایی و محلی این بخش دچار اشکال است. فعالیتهای بودجه‌ای و مالی به طور مؤثر طرح‌ریزی و اجرا می‌شوند. هرچند که خالی ماندن یک پست تکمیلی برای مدتی طولانی این بخش را دچار کمبود پرسنل نموده است. مدیریت کارگزینی با کفایت است و واحد پرسنل آگاه به نیاز خود برای بهبود وضع استقبال از تازه‌واردهایی است که محتاج به کمک برای یافتن خانه بوده تا بتوان آنها را به سرعت به فعالیت واداشت. خدمات کمکی به بخش اداری به خوبی تقسیم‌بندی شده و کاملاً مورد قدردانی است. عملیات امنیتی، منجمله فعالیتهای گارد امنیت دریایی، از ترتیب خوبی برخوردارند. بخش ارتباطات و سوابق به طور مؤثر درصدد تکمیل مأموریت خود می‌باشد. قسمت پست (مراسلات)، با وجودی که بسیار شلوغ است، منتهای استفاده را از فضای موجود می‌کند. اما شدیداً نیازمند ساختمان یک دفتر کار است. بعضی از اقداماتی را که می‌توان برای بهبود این امر نمود در یادداشت مربوط به عملیات کنسولگری پیشنهاد گردیده است. یک عده کارمند مستعد ایرانی می‌توانند برای مدیریت مراسلات کمک مؤثری باشند.

مدیریت ارشد پست، در جستجوی راههایی برای به کار گرفتن منابعی جهت استفادهٔ کامل در چندین بخش مشکل آفرین سیاسی و اطلاعاتی می‌باشد. جامعهٔ ایرانی به طور عمده جامعهٔ بسته‌ای است و رخنهٔ

www.takbook.com



خارجیان را از یک حد معین مانع می‌شود. سفیر و مشاوران اصلی او به خوبی از شکاف میان کوششهای جمع‌آوری اطلاعات سیاسی آگاه بوده و می‌دانند که به نسبت اطلاعات در مورد آنچه که تحت روبنا رخ می‌دهد چقدر اندک است. تماسهای خارجیان با ناراضیان نه تنها منکوب می‌شود، بلکه اگر تحت تعقیب قرار بگیرند، عکس‌العمل شدیدی را از جانب ساواک، یعنی سرویس امنیتی همه جا حاضر ایران باعث می‌گردد.

یک کانون که مشمول نگرانی مداوم است مربوط به اطلاعاتی است که دربارهٔ فعالیتها و جهت‌گیری سیاسی نیروی نظامی ایران است که بخش بسیار حساسی است. هرچند که تماسهای وسیع با قوای مسلح ایران از طریق هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران و تیمهای کمک فنی برقرار است، اما اطلاعات در خصوص کیفیت و کمیت مطلوب هنوز در دسترس نیست. بدیهی است که این امر باید با نهایت حزم و احتیاط رسیدگی شود. با راهنمایی سفیر و رئیس هیئت مستشاران نظامی، قرار شده است که یک برنامهٔ منظم‌تری از خلاصه گزارشهای پایانی هر دوره فعالیتها با حضور افسران منتخب هیئتهای مستشاری و فنی اجرا گردد. هنوز زود است که بتوان در تأثیر این روش قضاوت کرد، اما در عین حال سفارتخانه فعالانه در جستجوی روشهای دیگری برای حل این مشکل می‌باشد.

حوزهٔ مبهم دیگری که شایستهٔ بررسی دقیق جهت یافتن طرحی برای کاربرد منابع پست به طور مؤثرتر می‌باشد، حوزهٔ جوانان است. آنچه که از نارضایتی وجود دارد از سوی جوانان است و پست تشخیص داده است که تماسهایش با جوانان چندان مطلوب نیست. کمیتهٔ جوانان سفارتخانه اوائل امسال ایجاد یک «مجتمع تفکر جوانان» را که مرکب از کارمندان جوان باشد پیشنهاد نموده است تا بتوان روی این مسئله که چه کاری باید کرد تا به جوانان ایرانی نزدیکتر شد، فکری نمایند. امور حادتری این گروه را از تشتت ماه مارس مانع شد و تاکنون گردهم نیامده‌اند. به نظر می‌آید که این ایده دارای مزیت قابل ملاحظه‌ای باشد و نباید خبرش بدون امتحان کردن آن، به جایی درز کند.

پیش‌بینی ورود هزاران کارمند آمریکایی شرکتهای خصوصی و خانواده‌هایشان به ایران طی چند سال آینده، هیئت اداری کشور و سفارتخانه را وادار به تفکر فوری‌تر در خصوص اثرات و کاهش اصطکاکهای احتمالی بین‌الاجتماعی نموده است و اگر این امر مورد اهمال واقع گردد، ممکن است منجر به بروز احساسات ضد آمریکایی شود. بسیاری از تازه‌واردان هرگز خارج از وطن خود نبوده‌اند و در خصوص تطبیق و مفاهمهٔ بین‌الفرهنگی مواجه با مشکلات سخت خواهند بود. افتتاح کنسولگری اصفهان و شیراز به منظور تسهیل این وضعیت است. اما مشکل در اینجا است که خود شرکتها باید قبلاً در آمریکا توجیه شوند و بعداً کارمندانشان به ایران فرستاده شوند. چند تا از این شرکتها با قسمت هدایت‌کنندهٔ کشور و یا سفارتخانه در مورد توجیه کارمندان مشورت به عمل آورده و در حال دریافت راهنمایی و کمک می‌باشند. لکن این امر آنقدر جدی است که مستلزم یک روش جامعتر و منظم‌تر است.

در برنامه‌های دو سازمان آمریکا، امکان دارد که جایی برای بهبود در نحوهٔ استفاده از منابع وجود داشته باشد. بعضی از فعالیتهای ادارهٔ اطلاعات آمریکا ممکن است همگام با واقعیتهای متحول در ایران و فرصتهایی که ایجاد می‌کنند نباشد. (مثلاً) در زمانی که شاه بر عدم تمرکز و توسعهٔ استانها تأکید دارد، ادارهٔ اطلاعات آمریکا همچنان توجه خود را منحصر به پایتخت می‌نماید. این عقیده موجه است که بعضی از فعالیتهای این اداره با نظر به ارتباط و فایده‌بخش بودنشان به نقطهٔ بازدهٔ نزولی رسیده است. از سوی دیگر

www.takbook.com



امکانات جدید برای اقدام مؤثر، مانند تأسیس یک مرکز دو ملیتی در تبریز به نظر می‌آید که از جای دیگر سربلند می‌کند. به نظر می‌رسد که یک تجدید ارزیابی دقیق در مورد برنامهٔ ادارهٔ اطلاعات آمریکا در ایران مطلوب باشد. برنامهٔ سپاه صلح در ایران نیز می‌تواند از یک بازبینی مشابه سود جوید. بعضی از فعالیتهای به نظر می‌رسد که جنبهٔ نهایی پیدا کرده است و عده‌ای از داوطلبانش بدرد استخدام نمی‌خورند. بررسی در مورد اینکه آیا مناسب است با توجه به افزایش وسیع منابع مالی دولت ایران بتوان حمایت محلی آن را ترتیب داد، خالی از فایده نیست.

**پیشنهاد به پست**

۳ـ پست روی پیشنهاد «مجتمع فکری» متشکل از افسران جوان کار کند تا این مشکل بررسی شود که چه کاری می‌توان برای برقراری تماس مؤثرتر با جوانان ایرانی انجام داد و توصیه‌هایی در مورد مسیر آیندهٔ کمیتهٔ جوانان سفارتخانه به عمل آید.

**پیشنهاداتی به وزارتخانه**

۴ـ قسمت هدایت کنندهٔ کشور، این مسئله را بررسی می‌کند و اطمینان حاصل نماید که کارمندان شرکتهای خصوصی آمریکا و خانواده‌هایشان که به ایران می‌آیند به طور کافی و با فرصت مناسب در مورد مشکلات زندگی در ایران توجیه شده باشند. قسمت هدایت کنندهٔ کشور باید درصدد اتخاذ تدابیری باشد که به مدیران شرکتها در مورد مطلوبیت چنین برنامهٔ توجیهی هشدار دهد و تا جایی که مقدور است، راهنمایی و معاضدتهای مناسب در وزارتخانه به عمل آورد. یکی از راههایی که می‌تواند در این خصوص مورد ملاحظه قرار گیرد امکان استفاده از منابع FSI است که ممکن است بر اساس پرداخت حق‌الزحمه انجام شود.

۵ـ NEA مصرانه از USIA (ادارهٔ اطلاعات آمریکا؟) بخواهد که یک بازبینی در مورد برنامهٔ سرویس اطلاعات آمریکا در ایران به عمل بیاورد با این نظر که معلوم شود آیا منابع آن به بهترین وجوه مورد استفاده قرار می‌گیرد یا نه، و اگر چنین نیست چه تغییرات مفیدی می‌توان به عمل آورد.

۶ـ NEA مصرانه از سپاه صلح امور زیر را بخواهد:

(الف) بررسی و تجدید ارزیابی برنامه‌هایش در ایران برای تعیین اینکه چه تغییرات مطلوبی جهت بیشتر پاسخگو بودن برنامه‌هایش به نیازهای ایران و تأمین مؤثرتر اهداف سپاه صلح لازم است.

(ب) بررسی میزان حمایتی که توسط دولت ایران به برنامه‌های سپاه صلح عرضه می‌شود. برای احراز این نکته که با توجه به افزایش منابع مالی دولت ایران و حمایتش از داوطلبان سازمان ملل، آیا لازم است که تماس گرفته شود که دولت ایران کمکهای خود را به این برنامه‌ها به طور عمده افزایش دهد؟

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| DARPA | ۳ | ـ | ۹۷ | ۱۰۰ | ۵۴ | ـ (۶) |
| جمع وزارت دفاع | ۳۲۵ | ۵۶ | ۹۵۰۵ | ۱۰۴۸۱ | ۸۶۱۴ | ۲۴۴۶ |
| جمع منافع دولت آمریکا | ۶۱۱ | ۳۱۱ | ۱۵۴۶۳ | ۱۷۴۱۶ | ۱۶۴۷۷ | ۱۱۵۲۰ |

www.takbook.com



* (الف) ترکیب حقوق آمریکاییها مشمول این ارقام به میزان ۵/۵ درصد نسبت به کل هزینهٔ سال قبل برای سالهای مالی ۷۵ و ۷۶ افزایش محسوب گردیده است، مگر اینکه طور دیگری در پای نوشته بیاید.
(ب) هزینه، عملیات، به جز حقوق آمریکاییها برای سالهای مالی ۷۵ و ۷۶ به همان نسبتی افـزایش محسوب شده که میان سالهای ۷۳ و ۷۴ بوده است، جز اینکه طور دیگری در پای نوشته بیاید.

(۱) بهترین برآورد ارائه شده به وسیلهٔ سازمان مزبور.

(۲) به ضمیمه بودجه پروژهٔ بهبود جزئی ویژه FBO که در سال مالی ۷۵ و ۷۶ منظور گردیده است. بابت تعمیر و جابجایی و نگهداری FBO برای سالهای مالی ۷۵ و ۷۶ به میزان ۲۵ درصد بالاتر از سال قبلی منظور شده است. این درصد بر اساس نرخ تورم برآورد شده توسط بخش اقتصادی سفارت می‌باشد.

(۳) تیم مزبور در ژوئیه ۱۹۷۴ به دو نفر تقلیل یافت ـ ۵ نفر ترک گفته‌اند ـ و لذا حقوق آمریکاییها تعدیل گردید.

(۴) به ضمیمهٔ بودجهٔ سال مالی ۷۵ مطابق آنچه تقدیم شد. افزایش سال ۷۶ ـ به همان نسبت افزایش سال ۷۵ نسبت به سال ۷۴ است.

(۵) جمع پرداخت دولت ایران برای این فعالیت به وسیلهٔ مذاکرات توسط وزارت خارجه انجام شد. هزینهٔ تخمینی سال مالی ۷۶ ممکن است بین ۰ تا ۱۰ میلیون دلار باشد انجام مذاکره مفید خواهد بود.

(۶) از مرحله خارج شدن DARPAO در سال مالی ۱۹۷۵ احتمال دارد.

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| سپاه صلح | | | | | | |
| | — | — | — | — | — | — |
| کارمندان | ۴ | ۱۰ | ۹۴۲ | ۸۶۱ | ۱۲۱۳ | ۱۱۰۰(۱) |
| PCV´S | ۸۳ | — | — | — | — | — |
| PCV´S | ۸۷ | — | — | — | — | — |
| | — | — | — | — | — | — |
| جمع سپاه | ۱۷۴ | ۱۰ | ۹۴۲ | ۸۶۱ | ۱۲۱۶ | ۱۱۰۰(۱) |
| کشاورزی | | | | | | |
| وابسته | ۱ | ۲ | ۴۷ | ۵۲ | ۱۱۶ | ۱۳۹ |
| ERS پرداخت توسط دولت ایران | ۷ | — | ۱۹۸ | ۲۳۷ | ۱۸۶ | ۱۹۵ |
| | — | — | — | — | — | — |
| جمع کشاورزی | ۸ | ۲ | ۲۴۵ | ۲۸۹ | ۳۰۲ | ۳۲۴ |
| FAA | ۳ | — | ۹۲ | ۸۸ | ۹۷ | ۱۰۷ |
| DEA | ۳ | — | ۷۲ | ۷۹ | ۸۴ | ۹۱ |
| IAD | — | ۱ | ۶ | ۱۴ | ۱۷ | ۲۱ |
| وزارت دفاع | | | | | | |
| DIA | ۷ | ۵ | ۱۷۰ | ۱۸۱ | ۱۹۵ | ۲۱۳ |

www.takbook.com



| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| هیئت مستشاری | ۲۱۲ | ۳۸ | ۷۲۰۰ | ۸۱۰۰ | ۶۲۰۰ | (۷ و ۵) ـ ۰ ـ |
| STRATCOM | ۸۷ | ۲ | ۱۳۸۲ | ۱۴۰۰ | ۱۴۱۸ | ۱۴۳۶ |
| GENMISH | ۱۶ | ۱۱ | ۶۵۶ | ۷۰۰ | ۷۴۷ | ۷۹۷ |

جدول منابع

منابع دولت آمریکا در ایران

| وزارت خارجه | متمم مجاز خارجی‌بودجه‌ها آمریکا | محلی | بودجه‌ها تخصیص یافته بر حسب دلار به نزدیکترین ارقام هزار رقم واقعی (سال مالی ۷۳) | رقم واقعی (سال مالی ۷۴) | رقم تخمینی (سال مالی ۷۵) | رقم تخمینی (سال مالی ۷۶) |
|---|---|---|---|---|---|---|
| طبق برنامه | ۴۱ | ۲۲ | ۱۲۶۹ | ۱۴۵۶ | ۱۶۹۲ | ۱۹۹۰ |
| تسهیم شده | ۲۸ | ۱۳۸ | ۱۷۳۲ | ۲۱۴۹ | ۲۶۸۶ | ۳۳۷۸ |
| نمایندگی | — | — | ۲۲ | ۲۵ | ۲۸ | ۳۲ |
| FBO (بجز ساختمان ضمایم سفارتخانه) | — | — | ۱۲۹ | /۸۲ | /۸۰ | ۲۱۸ (۲) |
| FSI | — | — | ۹ | ۱۱ | ۱۳ | ۱۶ |
| جمع وزارتخانه | ۶۹ | ۱۵۶ | ۳۱۶۱ | ۳۸۲۳ | ۴۵۹۹ | ۵۶۳۴ |
| گارد دریایی | ۱۴ | — | ۹۰ | ۹۵ | ۱۰۰ | /۰۵ |
| سرویس اطلاعات آمریکا: | | | | | | |
| عملیات عمومی | ۱۴ | ۸۱ | ۱۲۲۲ | ۱۲۷۹ | ۱۴۴۰ | ۱۶۷۳ (۱) |
| کمکهای پرسنلی | — | — | ۱ | ۲ | ۱ | ۸ (۱) |
| جمع سرویس | ۱۴ | ۸۲ | ۱۲۲۸ | ۱۲۸۷ | ۱۴۴۸ | ۱۶۸۲ (۱) |
| تجارت | ۱ | ۴ | ۱۲۲ | ۳۹۹ | — | — |

پیشنهادات مربوط به منابع دربارهٔ توصیه‌های بازرسان

| ایستگاه (پست) | حذف | اضافه | تغییر محل یا تنظیم به نحو دیگر |
|---|---|---|---|
| در تهران | | ـ بنای دو قسمت ضمیمه دفتر سفارت در سال مالی ۷۶ | تجدید برنامه در مورد پست fsl شماره ۵۵۲/۳ از بخش کنسولگری به بخش اداری |

www.takbook.com



ـ ساختمان پاویون جدید تجارت در سال ۷۶

ـ ساختمان قسمتهای جایگزینی برای آپارتمانهای

کارمندان و خانهٔ دریایی در سال مالی ۱۹۷۶

ـ یک کارمند تحقیقات بازار FSR/D

ـ یک کارمند معاون کارگزینی FSR/D با بودجهٔ

وزارت دفاع

در خرمشهر ـ افتتاح کنسولگری جدید در اصفهان

ـ یک پست FSO برای اصفهان

ـ یک پست FSO برای شیراز

در تبریز فروش محوطهٔ اصل چهار ـ بنای محل اقامت برای معاون کنسول در قسمت جنوبی

ساختمان کنسولگری

جنوبی ساختمان کنسوگری

www.takbook.com



## سند شماره ۱۵

**سرّی**

**آسیای جنوبی و جنوب غربی: چشم‌اندازهای جدید خط‌مشی**

**خلاصه:**

از ۱۹۷۱، زمانی که حوادث موازنهٔ منطقه‌ای و جهانی قدرت را به وضعی دیگر درآوردند، در آسیای جنوبی و خلیج فارس چارچوب به کار بستن خط‌مشی ایالات متحده به طرق مهمی تغییر یافته است. هند و ایران در محدودهٔ مناطق فرعی منطقه خود به عنوان بازیگران سیاسی ـ نظامی مسلط سر برآورده‌اند. قدرت اقتصادی و مالی که کشورهای تولید کنندهٔ نفت در خلیج فارس به دست آورده‌اند با وسعت و وضع رشد اقتصادی ایشان تناسب ندارد. نیاز ایالات متحده به نفت خلیج فارس افزایش پیدا کـرده است. سیاست مربوط به خلیج به اوضاع اعراب ـ اسرائیل پیوند یافته است. آسیای جنوبی و خلیج فارس با جدیتی بیش از هر زمان دیگر پس از الغاء استعمار با یکدیگر فعل و انفعال دارند و با علائم ضعیفی از پیدایش سیاست منطقه‌گرایی ظاهر شده است. از زمان اقدام ایالات متحده به برقراری نزدیکی بیشتر با چین و کناره‌گیری بریتانیا از خلیج، مفهوم قدرت بزرگ تغییر یافته است. روابط ایالات متحده با هند به وخامت گراییده است، اما ارتباط نظامی ما با کشورهای خلیج محکمتر شده است. شوروی با هند و عراق روابط پیمانی دارد. و ابرقدرتها مشغول افزایش دخالت نظامی خود در اقیانوس هند هستند. از زمان جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل صف‌بندیهای جدید در جهان عرب و سیاست جداسازی ایالات متحده موقعیت شوروی را در خاورمیانه ضعیف کرده است. بین چین، ایران و ایالات متحده در این منطقه اشتراک منافع محدودی حاصل شده است.

سیر گرایشها در این ناحیه نشان می‌دهد که این الگوهای جدید ژئوپلوتیک در آینده به مدت چند سال همراه با اصطکاکهای بالقوه بین ایران و کشورهای عرب خلیج و بین هند و ایران ادامه خواهد یافت. اصطکاکهای دراز مدت در داخل آسیای جنوبی و شبه جزیره عربستان، و بین ایران و عراق به وجود خواهد آمد و علاوه بر این بی‌ثباتی سیاسی در هر دو منطقهٔ فرعی می‌تواند دخالت کشورهای بزرگتر منطقه و قدرتهای بزرگ را به دنبال خود آورد. ایران، هند و احتمالاً پاکستان ممکن است در تولید اسلحه به یک ظرفیت محقر ولی در عین حال با اهمیت نائل شوند و در محدودهٔ این ناحیه فروش اسلحه ممکن است چشمگیرتر شود. حوزهٔ تعیین خط‌مشی در آینده مقداری به یک سیستم دو قطبی شبیه خواهد بود؛ هر قطب در صف‌بندی ژئوپلوتیک یک ابرقدرت متفاوت قرار خواهد گرفت. معذالک عواملی هستند که پیچیدگی ایجاد می‌کنند، که عبارتند از: قدرت اقتصادی تولیدکنندگان عرب نفت، نیاز ما به نفت عربستان سعودی، و اثر درگیری ما در کشمکش اعراب با اسرائیل. بجز قیمتهای نفت و سطح تولید نفت گرایشها و روند اوضاع در منطقه بیشتر برای منافع ژئوپلوتیک ما مساعد است تا منافع شوروی.

منافع اساسی ما در منطقه عبارتند از: ثبات، محدود کردن نفوذ شوروی و در عین حال اجتناب از رویارویی با اتحاد شوروی، و داشتن دسترسی به نفت و گاز خلیج فارس. به علاوه، ما خواهان دستیابی به راهها و بنادر هوایی و دریایی، و همچنین به فرصتهای سرمایه‌گذاری و بازرگانی هستیم و می‌خواهیم تولیدکنندگان نفت را تشویق کنیم درآمدهای اضافی خود را با احساس مسئولیت به کار برند. در آسیای جنوبی، میل داریم هیچ قدرت خارجی نفوذ خارج از اعتدال نداشته باشد. ما تقدم هند را (در اتخاذ

www.takbook.com



تصمیمات مربوط به خود) می‌پذیریم و آماده‌ایم با میزان فعلی نفوذ شوروی در هند به سر بریم و ممنوعیت واگذاری تجهیزات دفاعی کشنده را به هند و پاکستان همچنان حفظ می‌کنیم. در خلیج فارس، ما می‌خواهیم در عین حالی که از دسترسی خود به منطقه و نفت آن حفاظت می‌کنیم نفوذ شوروی و کشورهای افراطی عرب را مهار کنیم. ما همکاری منطقه‌ای برای امنیت را به سرکردگی ایران و عربستان سعودی ترغیب می‌کنیم و تجهیزات و خدمات دفاعی را به مقادیر زیاد به کشورهای دوست می‌فروشیم. در اقیانوس هند، ما یک نیروی دریایی کوچک را در بحرین حفظ می‌کنیم و با نیروهایی از ناوگان اقیانوس آرام خود دیدارهای متناوبی داریم و به طور کلی برای ایجاد ظرفیت عملیات طولانی‌تر مشغول توسعهٔ تسهیلات و تأسیسات جزیرهٔ دیه‌گو گارسیا هستیم. خط‌مشی ما نسبت به آسیای جنوبی و جنوب غربی این است که از دخالت نظامی مستقیم بپرهیزیم، هرچند که با پاکستان و ایران پیمانهای امنیتی داریم که در برابر یک تهدید شوروی می‌توانند فعالتر شوند.

جدی‌ترین تهدید نسبت به منافع ما عدم ثبات سیاسی است که می‌تواند به مخاصمهٔ محلی، سقوط رژیمهای دوست، و رویارویی قدرتهای بزرگ منتهی شود. تهدید از جانب عراق و یمن جنوبی به رژیمهای سنتی به این امر مرتبط است، حتی در مناطقی که حکومتها ثبات دارند نیز تصاعد مخاصمهٔ محلی یک خطر محسوب می‌شود. در نتیجهٔ شکست ما در حل مخاصمهٔ اعراب و اسرائیل، استفاده از منابع طبیعی در سیاست خارجی، کاربرد خصمانهٔ قدرت مالی جدید منافع ما نیز ممکن است در تهدید قرار بگیرند. تهدید منافع ما از جانب شوروی مستقیم نیست، مگر در موارد اوضاع محلی که ممکن است دخالت شوروی را در پشتیبانی از نیروهای سیاسی دوست خود به دنبال داشته باشد. پس از درنظر آوردن استراتژی‌های مختلفی که می‌توانیم یکی از آنها را برگزینیم، به این نتیجه رسیده‌ایم که لازم نیست طالب این باشیم که دخالتمان در آسیای جنوبی از حد یاری اقتصادی و فنی برای کمک به ثبات داخلی و بهبود رابطهٔ تجاری فراتر رود. باید از هر چیز که ما را مقابل هند قرار دهد از قبیل از سرگیری فروش سلاحهای کشنده به پاکستان، اجتناب ورزیم. پاکستان حتی با کمک ما هم نمی‌تواند خود را در برابر هند قرار دهد و حمایت ما از پاکستان به سادگی هند را به شوروی نزدیکتر خواهد کرد و به آن انگیزهٔ اضافی خواهد داد تا یک ظرفیت کارآمد سلاحهای هسته‌ای برای خود ایجاد کند. به دلایل مشابه ما باید هرگونه بهبود روابط چین و هند را با خوشرویی استقبال کنیم. چین با داشتن منافع بیشتر در پاکستان بازیگر غیر منطقه‌ای عمده در صحنهٔ ژئوپلتیکی آنجا خواهد بود. منافع ما فعالیت سیاسی ـ نظامی در پاکستان را در سطح رقابت‌آمیز ایجاب نمی‌کند.

در خلیج فارس، حمایت ما از ایران به عنوان قدرت مسلط باید به جهت نیازمان به روابط خوبمان با عربستان سعودی اعتدال یابد. از آنجایی که ایران قادر است از خود در قبال هر تهدید منطقه‌ای دفاع کند، ما باید فروشها و کمک نظامی آیندهٔ خود را به ایران به سیستمهایی محدود کنیم که توانایی جدید با اهمیتی، به خلیج فارس نیفزاید، و باید این را به سعودیها و شورویها تفهیم کنیم. ما باید پیشنهاد روابط اقتصادی و تکنولوژیکی توسعه یافته به تولیدکنندگان نفت را عرضه کنیم و باید ایشان را به حمایت از کشورهای میانه‌رو عرب تشویق کنیم. ما باید از فرو نشاندن مرافعات منطقه‌ای پشتیبانی دیپلماتیکی داشته باشیم و باید کار برای رسیدن به صلح اعراب ـ اسرائیل را ادامه دهیم. ما باید به طور کلی از دخالت نظامی بیشتر و تعهدات سیاسی ـ نظامی اضافی در این منطقه اجتناب ورزیم. تا زمانی که سیر تحولات ژئوپلتیکی منطقه

www.takbook.com



در جهت مساعد فعلی خود ادامه داشته باشد، باید خود را از مانورهای سیاسی منطقه‌ای برکنار داریم، و در عین حال تولیدکنندگان نفت را تشویق کنیم کشورهای کم سعادت‌تر، خصوصاً آنها که در آسیای جنوبی و جهان عرب واقعند را یاری نمایند. ما باید ادغام اقتصادی کشورهای منطقه را در یک واحد مورد تأیید قرار دهیم، و در ضمن بپذیریم که این احتمالاً به ادغام سیاسی یا نظامی منجر نخواهد شد. ما در حضور دریایی خود در اقیانوس هند نباید تغییرات حاد ایجاد کنیم، مگر به عنوان عکس‌العمل مستقیم به حرکات آشکار شوروی. در درازمدت، ما باید هر آنچه که می‌توانیم انجام دهیم تا برخوردهای ایران و هند را به حداقل برسانیم زیرا برخورد این دو ثبات کل منطقه را به مخاطره خواهد انداخت و آمریکا و شوروی را به رویارویی با یکدیگر دعوت خواهد کرد.

www.takbook.com



## سند شماره ۱۶

**سرّی ـ ۲۴ ژوئن ۱۹۷۴**

**ایران به قدرت می‌رسد: ـ پیامدهای آن برای سیاست آمریکا**

**خلاصه**

شاه و ملتش اعتماد به خویشتن را دوباره در سال ۱۹۶۰ به دست آوردند. این اعتماد به نفس با افزایش منابع برای کسب قدرت ملی در داخل ایران و تغییراتی در محیط خارج از ایران که فرصتهایی را برای وسعت نفوذ ایران مهیا کرد، همزمان بود. در خلال سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ ایران مصممانه برای اینکه خود را بازیگر عمدهٔ سیاسی و نظامی در خلیج فارس بسازد اقدام کرد، تا جای بریتانیا را گرفته و دیگر خارجیان را از رفتن به این منطقه باز دارد. از سال ۱۹۷۱ ایران افقهای سیاسی خود را به وسیلهٔ نفت توسعه داد و از قدرت مالی و نقش خویش و موقعیت ممتازش در خلیج فارس استفاده کرد تا یک نیروی دیپلماتیک در دنیای عرب و جنوب آسیا بشود.

نقش پیشرو ایران در افزایش قیمت نفت در دسامبر ۱۹۷۳ نه تنها برای پشتیبانی از جاه‌طلبیهای منطقه‌ای خود بود، بلکه بدان منظور بود که ایران را به صورت یک عامل در دنیای سیاسی و اقتصادی و به صورت رهبر جهان چهارم، و کشوری که نظریاتش بایستی به طور جدی توسط قدرتهای بزرگ مورد نظر قرار گیرد درآورد.

برای آمریکا، نقش جدید ایران، مسایل فوری و اساسی در قیمت‌گذاری و سطح تولید نفت و اصل احتمال دخالت و مسابقات تسلیحاتی در خلیج فارس خشم و غضب عربستان سعودی را پیش آورده است. در عین حال بیشتر حرکتها و اقدامات اخیر ایران از دیپلماسی ما در خاور نزدیک و جنوب آسیا حمایت کرده است. ایران به طور کلی از نیروهای میانه‌روی منطقه حمایت کرده است. در یک دید وسیع ژئوپلتیک یک اشتراک منافع محدود ولی مهم بین چین، ایران و آمریکا در جنوب و جنوب غربی آسیا وجود دارد که در آن هر سه کشور خواسته‌شان محدود کردن نفوذ شوروی می‌باشد. ایران سنگ کلیدی در این طاق است. (ایران محور اصلی این مجموعه می‌باشد) با توجه به گرایشهای در منطقه در حال حاضر، دورنمای تداوم این مجموعه خوب است، اما امکان دارد به وسیلهٔ ماجراجوییهای ایران به خطر بیفتند. وظیفهٔ مهم سیاست آمریکا این است که دسترسی ایران را به آن هدفهایی که قابل تحقق بدون درگیر کردن نظامی آمریکا هماهنگ با منافع آمریکا در منطقه دیگر است، محدود کند.

**سرّی ـ در ۳۱ دسامبر سال ۱۹۸۲ از زمره اسناد طبقه‌بندی شده خارج می‌شود.**

**سیر تحول در ایران**

تاریخ احساس حقارت؛ بعد از استقرار صفویه و کشورگشایی نادر شاه ایران به یک دوره انحطاط رو آورد، که تا دههٔ اخیر از این وضع کاملاً خارج نشد. نیروهای خارجی در عرض این کشور رژه رفتند و مقامات خارجی تصمیمات دولتی را تعیین می‌کردند و می‌گرفتند. قسمتهای بزرگی از خاک ایران از دست رفت. گروههای قومی به وسیلهٔ نیروهای خارجی ملعبه قرار گرفتند و کشور به منطقه‌های تحت نفوذ تقسیم شد. بعد از شکست مشروطه‌خواهان برای به دست آوردن کنترل قاطع ایران، رضاخان یک دیکتاتوری جدید از تاج و تخت برقرار کرد و قدرت دولت مرکزی را بر روی قبایل و ایلات اعمال کرده و

www.takbook.com



شروع به مدرنیزهٔ اقتصاد و ارتش کرد تا ایران را از مداخلات خارجی آزاد کند. اما او از تاج و تخت توسط انگلیس و شوروی در سال ۱۹۴۱ برکنار شد و ایران دوباره بیشتر به صورت یک منطقه درآمد تا یک کشور؛ نیروهای مسلح‌اش در طول چند ساعت شکست خوردند. سرزمین آن به وسیلهٔ کشورهای دیگر اشغال شده و به‌عنوان یک راه ترانزیتی به شوروی مورد استفاده قرار گرفت. تنها فشار آمریکا و سازمان ملل و سیاست مزورانه ایرانیها بود که این نیروهای خارجی را در سال ۱۹۴۶ از ایران بیرون کرد. عکس‌العمل این تحقیرها غیرقابل اجتناب بود. جنبش ملی نضج گرفت و موقعیت ممتاز و مخصوص شرکت نفت ایران و انگلیس را به‌عنوان سمبلی از استثمار ایران به وسیلهٔ بیگانگان هدف قرار داد. جبههٔ ملی که شدیداً تحت نفوذ کمونیستها بود با شاه بر سر کنترل دولت و قوای نظامی به مبارزه برخاست و تقریباً پیروز شد. شاه دوباره به کمک آمریکا به تاج و تخت برگشت. بالاخره قدرت سیاسی خود را اعمال کرده و قدرت چپی‌ها را با ارتش آموزش دیده آمریکاییش و نیروهای امنیتی درهم شکست. اما خاطره‌هایی که به جای مانده بود بسیار تلخ بود. کنترل صنعت نفت جهانی توسط غرب بعد از ملی شدن نفت در سال ۱۹۵۱، ایران را تقریباً ورشکسته کرد و بقاء شاه متکی به پشتیبانی خارجی و استقلال و تمامیت ارضی آن منوط به حضور افراد آمریکایی و موافقتنامه‌های امنیتی بود. با پذیرش اینکه احتیاج موقتی به کمکهای نظامی و اقتصادی برای ساختن ایران خودکفا مورد نیاز است شاه در جستجوی راهی برای متمرکز کردن قدرتش بود تا راههایی برای آزادی ایران از وابستگی به خارج پیدا کند. این نقطهٔ برگشت در اوایل سال ۱۹۶۰ جامهٔ عمل بخود پوشاند. پس از نابود کردن چپی‌ها شاه دست راستیها را با اصلاحات ارضی و مدرنیزه کردن اجتماعی به مبارزه طلبید و با یک درگیری خونین در سال ۱۹۶۳ پیروز شد. رشد جهانی اقتصاد تقاضا برای نفت ایران را افزایش داد و معاهدهٔ کنسرسیوم در سال ۱۹۵۴ باعث افزایش درآمد ایران از نفت شد و به ایران فرصت داد که هر دو، یعنی رشد اقتصادی و مدرنیزه کردن نظامی، را از نظر مالی تأمین کند. زمینه برای سیاست خارجی قطعی‌تر برای ایران فراهم شد.

### تغییرات در محیط خارج از ایران

شاه از عربهای ملّی‌گرای رادیکال حداقل بعد از کودتای ۱۹۵۸ عراق و مداخله مصر در جنگ داخلی یمن که بعد از انقلاب ۱۹۶۲ شکل گرفت هراسناک بود. کوتاهی آمریکا در پشتیبانی از پاکستان در جنگ ۱۹۶۵ با هندوستان شاه را متقاعد کرد که نمی‌تواند به پشتیبانی نظامی آمریکا در یک برخورد منطقه‌ای متکی باشد. این حوادث به او انگیزه بیش از حد کافی داد تا نیروهای نظامیش را بازسازی کرده و منابع تهیهٔ این وسایل را تنوع بخشد و هرجا که ممکن است، تهدیدها را خنثی کند. در سال ۱۹۶۶ آمریکا موافقت کرد که فانتوم‌های F/4 (اف ـ ۴) به ایران بفروشد و با این کار یک نوع اسلحه جدید به خلیج فارس فرستاد و به ایران بعد از تحویل این سلاحها در ۱۹۶۸ موقعیت تسلط نظامی بر منطقه را داد. جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ احتیاج به یک نیروی نظامی برتر در یک محیط احتمالاً خصمانهٔ عرب را بیشتر نشان داد. مهمترین تغییرات، قدرتهای بزرگ را درگیر می‌کرد که مدتها مانع سیاست خارجی ایران بودند. اعلامیهٔ ۱۹۶۲ ایران مبنی بر اینکه اجازه نخواهد داد پایگاههای موشکهای خارجی در ایران باشد، کافی بود که روابط ایران و شوروی عادی و نیروهای نظامی ایران از مرزهای شوروی آزاد و در امان باشند.

شاه خروج انگلیسیها را از خلیج فارس پیش‌بینی کرد و فعالیتهای نظامی دیپلماتیک خود را در منطقه

www.takbook.com



چنان جهتی بخشید تا نقش برجسته‌ای در آنجا به دست آورد. از ادعای ایران نسبت به بحرین به عنوان یک امر غیر عملی منصرف شد، ولی مذاکرات خود را برای مالکیت بر ابوموسی و تنب‌ها برقرار کرد. با افزایش درآمد حیاتی نفت ایران و حمله به یکی از تانکرهای نفتی در باب‌المندب شاه بیشتر متقاعد شد که او بایستی از خطوط حیاتی نفتی‌اش در خارج از خلیج فارس هم حفاظت کند. دکترین نیکسون که ابتدا در سال ۱۹۶۹ آشکار گشت عقیدهٔ شاه را در مورد قدرت نظامی متکی به خود تقویت کرد و در تشنج زدایی که بعداً به وجود آمد برای شاه چنین به‌نظر رسید که انرژی شوروی را برای مداخله در خاورمیانه تقویت کرده است. تمام نشانه‌ها حاکی از لزوم یک تنش نیرومند و برتر از دیگر کشورهای منطقه بود و این اعتقاد که ایران نمی‌تواند بر روی حمایت خارجی حساب کند به چشم می‌خورد. در عین حال ایران کاری کرد که تهدید شوروی را به وسیلهٔ معاملات پایاپای و مبادلهٔ گاز ایران با کمکهای نظامی و اقتصادی شوروی و تشویق روابط با ثبات بین ایران و شوروی تخفیف دهد.

### سال ۱۹۷۱ و بعد از آن

تغییرات مهم از سال ۱۹۷۱ به بعد قدرت بالقوهٔ ایران را افزایش داده و راههای اختیاری دیپلماتیک جدیدی را به وجود آورده است. هنگامی که بریتانیا از خلیج فارس رفت ایران ۳ جزیره را اشغال کرد و نقطه نظر خود را این گونه روشن کرد که کشورهای خارجی از خلیج بایستی به کنار بمانند. با پیشنهاد این عقیده که کشورهای خلیج مسئول امنیت خلیج می‌باشند ایران موقعیت برتر خود را تحکیم بخشید. در حالی که طرح و پیشنهاد ایران برای پیمان امنیت خلیج پیشرفت چندانی به دست نیاورده، موضع ایران برای امنیت خلیج مورد تأیید آمریکا بوده است و نیروهای ایرانی هم اکنون در عمان مشغول عملیات بوده و این را می‌توان نمونه‌ای از همکاری ایران برای امنیت خلیج دانست.

جنگ هند و پاکستان در سال ۱۹۷۱ پاکستان را به عنوان رقیب سرسخت هندوستان شکست داد و باعث شد که ایران توجه نظامی و دیپلماتیکش متوجه سمت شرقی شود. ابتدا با ایجاد چتری بر روی پاکستان و برقراری تأسیسات نظامی در جنوب شرقی و اعلام نقشی برای خود در اقیانوس هند، و بعداً از طریق روابط نزدیکتر با هندوستان مرگ ناصر و سیاست جدید سادات و اخراج مستشاران شوروی از مصر و صف‌بندیهای جدید در جهان عرب که پیش از جنگ اکتبر صورت گرفت علاقهٔ ایران را به پشتیبانی بیشتر از اعراب جلب کرد. خود جنگ نشانگر آسیب‌پذیری اسرائیل و کارآیی جدید اعراب بود که ایران به سرعت حرکت کرد تا که وضع خود را با صف‌بندی جدید تطبیق دهد. ایران همچنین با سرعت نسبت به صف‌بندیهای قدرتهای بزرگ واکنش نشان داد. روابطش را با چین و دیگر کشورهای کمونیستی عادی کرد. معاهده‌های شوروی با مصر، هندوستان و عراق و کودتای افغانستان مجدداً باعث شد تا ایران از اینکه در محاصره قرار گیرد هراسناک شود. اما حوادث بعدی در مصر نگرانی ایران را از آن جهت کاهش داد و نگرانی ایران در مورد نفوذ شوروی در هندوستان و افغانستان تقلیل پیدا کرد. دیدار پرزیدنت نیکسون از ایران در ماه مه ۱۹۷۲ ایران را از نظر روانی تقویت کرد و به شوروی گوشزدی بود که آمریکا از ایران حمایت می‌کند، و باعث شد که سیاست محدودیت فروش سلاحهای آمریکایی کمتر شود. معاملات عظیم تسلیحاتی که بعد انجام گرفت به همه نشان داد که ایران قصد دارد در هر وضعیتی برتری نظامی خود را حفظ کند و نطق شاه دربارهٔ باقی گذاشتن زمین سوزان القاکنندهٔ این اندیشه بود، که ایران در مقابل حملهٔ

www.takbook.com



شوروی با شدت هرچه بیشتر از خود دفاع خواهد کرد.

### قدرت نفت

ایران ناراحتی خود را از دخالت غرب بر روی کنترل صنعت نفت جهان فراموش نکرده بود. ایران با استفاده از موضع معامله‌گری بر اساس ثبات سیاسی و موفقیتهای اقتصادی و اهمیت منطقه‌ای در سال ۱۹۷۳ آخرین قدم را در راه به دست گرفتن کنترل کامل صنایع نفت خود برداشت و کنسرسیوم را به سطح یک خریدار تنزل داد. در نتیجه تقاضای نفت و روند قیمتها و تحریم نفت از سوی اعراب و وحدت بیشتر اوپک افقهای جدیدی گشوده شد. بالا رفتن قیمتهای نفت در دسامبر ۱۹۷۳ که در آن ایران نقش پیشرو را بازی می‌کرد نه تنها کوششی بود برای ثروتمند شدن و فرار از عارضه فقر برای همیشه بلکه یک نوع مبارزه‌طلبی در قبال قدرت انحصاری اقتصادی و سیاسی جهان به شمار می‌رفت. ایران که دیگر ایفای نقش مهم منطقه‌ای را به دست آورده بود این چنین دید که فرصتی برایش پیش آمده که به صورت عاملی در دنیای سیاست و رهبر جهان چهارم که تازه به وجود می‌آمد و همچنین به صورت کشوری که نظریاتش را قدرتهای بزرگ باید به حساب آورند، درآید.

با این ثروت و قدرت جدید ایران یک فرصت بیسابقه‌ای یافت که محیط خارجیش را تحت نفوذ خود درآورد. ایران با به کار بردن پول و نفت خود وارد قراردادهای مهم اقتصادی با هندوستان، پاکستان، مصر و سوریه شده و قراردادهای کم اهمیت‌تری با مراکش (مغرب)، اردن، سودان و دیگر کشورها منعقد کرد. از طریق این معامله‌ها ایران، عربهای میانه‌رو را مثل سادات، حسین و حسن حمایت کرده و شکاف بین سوریه و عراق را ترغیب کرد و نگرانی هندوستان را از اینکه ایران از پاکستان حمایت کند کاهش داده و به پاکستان یادآوری کرد که مواظب باشد، در حالی که دسترسی به مواد خام و کالاهای مصرفی و نیروی انسانی ماهر را به دست می‌آورد ایران را نیز به حساب آورد.

ایران نه‌تنها به عمان بلکه به اردن و یمن هم کمک نظامی داد. ایران برای اولین بار بعد از دوران امپراطوریهای باستانی (پادشاهان باستانی) عامل مهم سیاسی در هر دو منطقه خاور نزدیک و جنوب آسیا شده است. تهدیدکننده‌ترین دشمنان احتمالی ایران یعنی عراق و یمن جنوبی منزوی شدند و رقابت ایران با هندوستان به حالت انجماد درآمد. در عین حال ایران برای مصر و سوریه و هندوستان اختیاراتی را فراهم کرد که از اتکاء خودشان به شوروی بکاهند و به تضعیف موضع شوروی در منطقه کمک کرد.

### نتایجی برای آمریکا

بعضی از جنبه‌های جدید اطمینان و قاطعیت ایران مسایل مهم و فوری برای آمریکا به وجود می‌آورد، که واضح‌ترین آن موضوع قیمت نفت است. ایران برای حفظ و افزایش درآمد خود و قدرت معامله‌گری خود که در سایه قیمتهای جدید نفت به دست آمده است بیش از هر صادرکننده نفت دیگری به سختی خواهد کوشید و مبارزه خواهد کرد. ایران برای پولی که از این بابت به دست می‌آید هم مصرف داخلی دارد و هم مصرف خارجی. ایران حتی حاضر خواهد بود میزان تولید نفت را کاهش دهد، تا اینکه کنترل قیمت نفت را بپذیرد؛ و باید توجه داشت که کاهش قابل ملاحظه تولید نفت ایران ممکن است به زیان ایالات متحده باشد. برتری نظامی ایران در خلیج فارس و نگرانیش درباره قوای عربهای رادیکال و تندرو و

www.takbook.com



شکنندگی سیاسی با بعضی از کشورهای شبه جزیره عربستان، تمایلی در ایران برای مداخله ایجاد کرده که ممکن است به درگیری بینجامد و به روابط آمریکا و اعراب لطمه بزند.

مسابقه تسلیحاتی در خارج که هم در نتیجه دستاوردهای ایران و هم در نتیجه عوامل دیگر بوده است، امکان دارد به تصاعد سریع باعث درگیریهای محلی، افزایش مداخلات ابرقدرتها در خلیج فارس و ظهور اسلحه‌های جدید در میدان مناقشات اعراب و اسرائیل شود. قدرت نظامی ایران و موضع برتری آن امکان دارد نگرانی عربستان سعودی را افزایش داده و باعث شود عربستان برای محدود کردن ایران به ما فشار آورد.

در عین حال، بیشتر اقدامات اخیر ایران در جهت حمایت از دیپلماسی ما در خاور نزدیک و جنوب آسیا بوده است. کمک ایران به مصر، اردن و سوریه به نزدیکترین موضع آنها علیه عربهای تندرو کمک کرده و باعث جدا شدن سوریه از عراق می‌شود. کمک ایران به هندوستان راههای اختیاری به این کشور در مقابل شوروی می‌دهد (چیزی که ما می‌توانیم فقط در یک دامنه محدودی فراهم کنیم) و همچنین کمک ایران به پاکستان کمک به یکی از متفقین ماست. به طور کلی ایران پول و نقش را برای حمایت از کشورهای میانه‌روی منطقه به کار برده و به انزوای کشورهای تندرو کمک کرده است.

از نظر ژئوپلتیک وسیع از سال ۱۹۷۱ اشتراک منافع مهمی در بین چین، ایران و ایالات متحده آمریکا به وجود آمده که پاکستان نیز یکی از حلقه‌های زنجیره‌ای آن است. صحبتهایی از محور پکن ـ اسلام‌آباد ـ تهران به میان آمده و اتحاد شوروی از پشتیبانی چین از پیمان سنتو انتقاد کرده و همچنین اتحاد شوروی طبق معمول از استفاده آمریکا و انگلیس از ایران به‌عنوان یک مهره انتقاد کرده است. هرچند این محور را به سختی می‌توان رسمی یا بدون اصطکاک نامید چین، ایران و آمریکا به وضوح منافع مشترکی در محدود کردن نفوذ شوروی در منطقه و بقاء پاکستان دارند. همچنین واضح است که ایران سنگ کلیدی این طاق (مهار کردن) به شمار می‌آید که بدون ایران موقعیت آمریکا، پاکستان و حتی چین تضعیف خواهد شد. با توجه به روندها و گرایشهای منطقه چشم‌انداز ادامه موجودیت این صف‌بندی به نفع ایالات متحده آمریکا و به زیان اتحاد شوروی خوب است. معهذا این طاق (مهار کردن) امکان دارد در نتیجه ماجراجوییهای ایران به خطر بیفتد که ممکن است به یک درگیری ویرانگر محلی با اعراب یا هندوستان منجر شود و باعث جلب شوروی از سوی دیگر و بالنتیجه تقویت مواضع شوروی بشود. وظیفه مهم سیاست آمریکا در قبال ایران این است که تمایلات ایران را به مداخله مخصوصاً در موقعیتهایی که باعث کشانده شدن آمریکا و شوروی به منطقه شود محدود کند و بدین ترتیب عرفی از مشورتهای ایران و آمریکا از چنین اقداماتی برقرار شود. روند گرایشها در این منطقه در جهت ما، در حرکت است و ایران در این مورد عامل مهمی است و ما نبایستی این موقعیت را با دادن یک چک سفید (دادن اختیارات تام) به خطر بیندازیم.

(NEA) امور خاور نزدیک

**مگ میچ هود**

۶/۲۴/۷۴

www.takbook.com



## سند شماره ۱۷

**از: هلمز ـ سفیر** **تاریخ: ۲۷ می ۱۹۷۶ ـ ۶ خرداد ۱۳۵۵ ـ محرمانه**

**به: سربازرس هربرت پراپس**

### قسمت اول: جهت کلی روابط با ایران

علیرغم چند مسئله که در زیر مطرح شده، روابط بین ایران و آمریکا عالی است. بیشتر از دو دهه ما از یک رابطهٔ مخصوص بر اساس برخورد مشترکمان نسبت به کمونیسم و شوروی، تنفر دوجانبه از عدم ثبات در خاورمیانه، و تشخیص اینکه روابط نزدیک و مبتنی بر تشریک مساعی به منافع هر دو کشور خدمت می‌کند، بهره‌مند بوده‌ایم. به نظر شاه آمریکا یک قدرت نیرومند و نسبتاً بی‌غرض است که ایران را در برابر شوروی به وسیلهٔ تسلیحات خیلی پیچیده و متخصصین برای استفاده و نگهداری آنها و مهارتهای اقتصادی، فنی و حرفه‌ای که برای توسعهٔ کشورش مورد نیاز است، حفاظت می‌کند. منافع ما در ایران شامل باقی ماندن ایران به صورت یک کشور باثبات و دوست است که نقشی مسئولانه در منطقه به عهده دارد و به ما اجازهٔ پرواز و اجازهٔ استقرار تسهیلات نظامی و اطلاعاتی در قلمرو آن را می‌دهد، و همچنین به ما امکان دسترسی مستمر به بازارهایش و منابع معدنی و نفتی را می‌دهد، می‌باشد.

تداوم تلاشهای هیئت (نمایندگی سیاسی) در جهت حصول اطمینان و ارتقاء رابطهٔ دو جانبه سودمند می‌باشد. رشد قابل توجه روابط تجاری ما، مشارکت وسیع ما در توسعهٔ داخلی و مدرنیزه کردن ارتش و ازدیاد آمریکاییهایی که در این کشور زندگی می‌کنند، مستلزم توسعهٔ سفارت و عوامل وابسته به آن بوده است که امروز بزرگترین و پیچیده‌ترین هیئت در امور خاور نزدیک است. علاوه بر ساخت عرفی کنسولی و دیپلماتیک، ما حضور نظامی بزرگی در ظاهر نمایندهٔ وزارت دفاع داریم. مستشاری نظامی و تیمهای همکاری تکنیکی (TAFT) وابستهٔ دفاعی، یک سپاه صلح موقتی (که در تابستان به طور موقت تعطیل خواهد شد)، انجمن ایران و آمریکا که بسیار فعال و بزرگ است، نمایندگیهایی از وزارتهای کشاورزی و بازرگانی، سازمان مبارزه با مواد مخدر و ادارهٔ مالیات بردرآمد و حدود ۲۰ واحد جداگانهٔ دیگر که با فعالیتهای نظامی و اطلاعاتی ما در ایران در ارتباط و پیوستگی هستند.

از نظر سازمانی ما مشکلات مهمی نداریم. اختیار و مسئولیت سفیر برای تمام فعالیتهای رسمی آمریکا در ایران به وسیلهٔ هر زیردستی فهمیده و قبول شده است. کنترل او بر واحدهای نظامی دایر در ایران سال گذشته به وسیلهٔ به وجود آمدن مقام نمایندهٔ ارشد دفاعی که هماهنگ کنندهٔ تمام تشکیلات نظامی است مستحکم شد. نمایندهٔ دفاعی مستقیماً به سفیر گزارش می‌دهد و راهنمایی از او می‌گیرد. تمام نمایندگان سازمانی دیگر نیز این کار را انجام می‌دهند. سفیر به طور روزانه با رؤسای قسمتها و به طور هفتگی با تیم کشور و هر زمان که لازم است با دیگر سازمانها و نمایندگان آمریکایی در هیئت به منظور برقراری ارتباطات و هماهنگی ملاقات می‌کند. کار پستهای جزء، از جمله کنسولگریهای جدید در اصفهان و شیراز به وسیلهٔ یک هماهنگ کنندهٔ کنسولی که با DCM کار می‌کند، سرپرستی و هدایت می‌شود. [قائم مقام رئیس هیئت (سفارت آمریکا)= DCM]. مأموران کنسولگری‌ها به طور متناوب برای مشورتها و کنفرانسها به تهران می‌آیند و مأموران سفارت از قسمتهای مختلف به پستهای استان، برای مشاوره و همکاری با آنها، مسافرت می‌کنند. ارتباط خوب تلفنی با تمام کنسولگریها، جریان دو طرفهٔ تبادل اطلاعات بین آنها و سفارت را امکان پذیر می‌سازد.

www.takbook.com



روابط بین سفارت و دولت ایران منعکس‌کنندهٔ رابطهٔ عالی بین دو کشور می‌باشد. من یک رابطهٔ دوستانه و نزدیک با شاه و مقامات ارشد دولت ایران دارم و همچنین شاه برای بعضی از دیگر اعضای معین هیئت قابل دسترسی است. دیگر مقامات سفارت دسترسی خوبی به مقامات دولتی ایران و رهبران مهم در بخش خصوصی دارند. این روابط همیشه آن طور که ما تمایل داریم سودمند نیست، به خاطر اینکه دولت ایران و جامعهٔ ایران با تمرکز قدرت ساخته شده است و تمام تصمیمات مهم در بالا گرفته می‌شود. حتی اغلب مقامات نسبتاً ارشد به درستی از سیاستهای و برنامه‌ها مطلع نیستند و تأثیر کمی بر روی آنها دارند. ما همچنین در مورد توسعهٔ منابع اطلاعاتی دربارهٔ مخالفین و حتی دربارهٔ گرایشات در میان ارتش به‌خاطر حساسیتهای ایرانیان و عدم موافقت دولت ایران در مورد تماسهای خارجی با این گروهها، مشکلاتی داریم.

**قسمت دوم : مسایل و مشکلات**

علاوه بر اختلافات آشکار بین ایران و ایالات متحده در مورد قیمت نفت و مقداری که به دولت ایالات متحده تعلق می‌گیرد، چندین مشکل و مشکلات بالقوهٔ دیگری به وجود آمده‌اند که بایستی به دقت رسیدگی شوند تا اثرات جمع‌شوندهٔ آنها به رابطه سالم اساسی بین دو کشور و جوی که ما در آن این روابط را رهبری می‌کنیم ضرری نرسد. محدودیتهای کنگره در مورد انتقال تجهیزات نظامی تهیه شده به وسیلهٔ آمریکا به یک کشور ثالث و یا دادن امتیاز، بیش از پیش یک مورد آزاردهنده در روابط ماست. ایرانیها مقررات ما را به‌عنوان یک محدودیت در توانایی آنها برای ایفا کردن نقشی که آنها به خاطر وضع ثروت، قدرت و سطح پیشرفت کشور خود در منطقه احساس می‌کنند، می‌بینند. در حالی که این مقررات برای حصول اطمینان از اینکه تسلیحات آمریکا بر علیه منافع آمریکا به کار گرفته نمی‌شود، می‌باشد. امکانات زیادی برای بهبود روش و سرعتی که ما به تقاضاهای ایرانیها پاسخ می‌گوییم وجود دارد. مشکلات جریان وجوه نقد (نقدینگی) ایران، به سختگیری بیشتری توسط دولت ایران در مورد هزینهٔ تجهیزات و خدماتی که از ما خریداری شده منجر شده است. همین طور قیمتها از مقدار مقرر افزایش پیدا می‌کند. شاه و دولت ایران اعتمادشان را نسبت به صحت و قابلیت ما به عنوان منبع اصلی لوازم نظامی از دست می‌دهند. توسعهٔ سریع در اندازه و گسترش جامعهٔ آمریکایی در ایران (در حال حاضر به ۲۵/۰۰۰ تخمین زده می‌شود و انتظار می‌رود که تا سال ۱۹۸۰ به دو برابر برسد) در زمانی که غرور و اعتماد به نفس ایرانیها در حال رشد است اختلافات فزاینده فرهنگی یک تهدید بالقوه می‌باشد. اخیراً یک نظر خواهی غیر رسمی توسط سفارت دربارهٔ گرایش ایرانیان نسبت به افزایش حضور خارجی به منظور دست یافتن به بینشی که به کم کردن مشکلات بالقوه کمک کند، انجام شد. مشکلات و عیوب متعددی در زمینهٔ اقتصادی و بازرگانی وجود دارد که آقای بروین (Brewin) و کارمندانش آماده برای بحث هستند. اولین مشکل عدم توانایی در دستیابی به یک موافقت با دولت ایران در جهت بازپرداخت بدهی وام و اجارهٔ ایران به مبلغ ۳۵ میلیون دلار است (علیرغم اقدامات سطح بالا توسط سفارت که به سالهای قبل برمی‌گردد). انتظار می‌رود که انتقاد کنگره از ایران به‌خاطر پرداخت نکردن این بدهی افزایش یابد و ما متوجه هستیم که فعالیتهای آیندهٔ بانک صادرات ـ واردات ممکن است که با این بدهی ارتباط داشته باشد. فعالیتهای کمیسیون مشترک ایران ـ آمریکا به سرعت و کیفیتی که ما امیدوار بوده‌ایم پیشرفت نکرده است. دلایل از این قرار است:

www.takbook.com



الف): کندی ایران در انجام تعهدات مالی‌اش برای پروژه‌های مشترک مورد توافق.
ب): عدم تمایل ایالات متحده به پرداخت قسمتی از هزینه خیلی از پروژه‌ها و تمام هزینهٔ بعضی دیگر.
ج): سؤالاتی که دربارهٔ موقعیت تیم مشاورهٔ بزرگراهها که هم در ایران است و آیندهٔ تیمهای همکاری فنی ایالات متحده که با حمایت USIRJC عمل می‌کند.

مشکل سوم متوجه موقعیت مرکز بازرگانی ما و سرپرست آن است. نظر وزارت خارجه این است که مرکز نباید موقعیت دیپلماتیک داشته باشد و ما و وزارت اقتصادی و دارائی تاکنون نتوانسته‌ایم که وزارت خارجه را به عدول از موضعش واداریم. اگر ما نتوانیم استمرار موقعیت فعلی مرکز بازرگانی و یا چیزی شبیه به آن را به دست بیاوریم در روابط بازرگانی بین ایران و ایالات متحده واکنش‌های جدی وجود خواهد داشت.

آقای پرو ونچر چندین مشکل اداری را با شما مطرح خواهد کرد. ولی من تمایل دارم که یکی از آنها را که برای ۲۰ سال سفارت را می‌آزارد، مورد توجه قرار دهم. همینطور که هیئت نمایندگی (سفارت آمریکا) گسترش یافت، ساختمان چنسری Chancery برای دربر گرفتن احتیاجات دفتری ما نامناسب‌تر گردید. طرحهایی برای توسعه ساختمان تأیید و تصویب شده ولی عملی انجام نگرفته است. در جولای ۱۹۷۵ FBO به ما اطلاع داد که عملیات ساختمانی در سال ۱۹۷۷ آغاز خواهد شد، ولی به نظر می‌رسد که این کار با وقفه جاری، در ساختن ساختمانهای جدید غیر محتمل باشد. در این میان کارآیی و امنیت تعدادی از اعضای هیئت به خاطر اتاقها و امکانات نامناسب مختل گردیده است.

www.takbook.com



**سند شماره ۱۸**

**سرّی ـ غیرقابل رؤیت برای افراد خارجی** **نوامبر ۱۹۷۶ ـ آبان ۱۳۵۵**

**از: فرمانده مستشاری نظامی. تهران ـ ایران**

**به: فرماندهی کل نیروهای مسلح آمریکا در اروپا (غیرقابل رؤیت برای افراد خارجی)**

**موضوع: پروژه همکاری امنیتی نظامی برای سال ۸۳ ـ ۷۹**

**۱ـ اهمیت استراتژیک**

اهمیت اولیه ایران به واسطهٔ موقعیت کلیدیش در مجاورت اتحاد شوروی و نقش فزاینده رهبری آن در منطقه خلیج فارس و ناحیه ساحلی اقیانوس هند و موقعیتش به عنوان یکی از تولیدکنندگان اصلی نفت در دنیا و خریدار تولیدات ایالات متحده، می‌باشد. با ثبات و در جهت غرب، ایران به دادن حقوق، اختیارات و امکانات به ایالات متحده به صورت دو جانبه و از طریق همکاری در داخل شبکهٔ سنتو ادامه می‌دهد. نفت ایران برای دنیای آزاد اهمیت فزاینده‌ای خواهد داشت.

**۲ـ هدفهای همکاری امنیتی ایالات متحده**

الف ـ کمک به ایران برای برقراری یک پایگاه بسیج توانا و مناسب.

ب ـ ترغیب به مشارکت فعال در مجامع امنیتی طرفدار غرب.

ج ـ همکاری در به دست آوردن حقوق، اختیارات و امکانات برای آمریکا و متفقین و ردکردن آنها به مخالفت نسبت به منافع آمریکا.

د ـ کمک به ایران برای مستقر کردن و نگهداری نیروهای پشتیبانی تدارکاتی و رزمی قادر به انجام وظایف دفاعی احتمالی.

هـ ـ ترغیب به همکاری منطقه‌ای نزدیک‌تر و مقاومت در برابر نفوذ کمونیسم.

و ـ افزایش دسترسی آمریکا به منابع نفتی عظیم.

**۳ـ تهدید به امنیت ایران از دو جنبه دیده می‌شود.**

خارجی: در وهله اول عراق و مقدار کمتری اتحاد شوروی و افغانستان.

داخلی: بی‌نظمیهای احتمالی که به وسیلهٔ عوامل تروریست ایجاد شده و یا آشوب‌های قبیله‌ای. تهدید به همین صورت نیز به وسیلهٔ ارتش یک کشور ملاحظه می‌شود.

**۴ـ تواناییها و محدودیتها**

به هر سه نیرو مربوط می‌شود. نیروهای مسلح ایران قادر بوده‌اند که امنیت داخلی را برقرار کنند و تحت اغلب شرایط غیر از بی‌نظمی ملی سرتاسری قادر به این کار خواهند بود. آنها نمی‌توانند حمله‌های خارجی از دو جهت را متوقف کنند و یا به طور مؤثر حملهٔ یک قدرت اصلی (بزرگ) را به تأخیر بیندازند. ایران قادر است که حمله‌ای از جانب عراق را متوقف کند، ولی احتمال از دست دادن قسمتی و یا تمام مرز آبرفتی بین ایران و عراق وجود دارد. نیروهای نظامی ایران اخیراً در ظفار به لحاظ جنگی آزمایش شدند، ولی آنها هنوز فاقد درجهٔ رهبری میانه حرفه‌ای که در اغلب نیروهای غربی وجود دارد هستند. آنها در

www.takbook.com



حال توسعه و تجدید سازماندهی هستند تا تواناییهای خود را افزایش دهند.

**۵ـ برنامه همکاری امنیتی توصیه شده**

الف: همکاری امنیتی درخواست شده دولت ایران چیزی است که ایران برای مقابله با تهدید ملاحظه شده لازم می‌داند. ایران با چندین کشور که به وسیلهٔ اتحاد شوروی حمایت می‌شوند و با سلاحهای پیچیده روسی مجهز هستند مواجه است. ایران معتقد است که باید یک نیروی مسلح مدرن و قوی داشته باشد که قادر باشد از صنعت نفت استراتژیک خودش دفاع کند و ثبات اقتصادی و سیاسی را برقرار نماید. قطع احتمالی نفت ایران و اثر آن بر روی ایالات متحده و متفقین یک ریسک (تهدید) اولیه است که ایالات متحده، در صورتی که ایران برای مقابله با تهدیدات مذکور مهیا نباشد، باید با آن روبرو شود.

ب: نیروی هوایی ایران باید قادر باشد که با تهدیدی که به وسیلهٔ هواپیماهای پیشرفته مطرح می‌شود مقابله کند. به منظور دفاع از تأسیسات نفتی که به شدت ضربه‌پذیر هستند، نیروی هوایی ایران باید با هواپیماهای تکامل یافته و تسلیحات دفاع هوایی مجهز شود. به علاوه، نیروی هوایی باید قادر باشد که از نیروی زمینی و نیروی دریایی حمایت کند. به‌خاطر اینکه نیروی هوایی فقط دارای ۸ پایگاه اصلی است و تأسیسات تولیدی و بارگیری متراکم نفت در جنوب متمرکز شده‌اند، توانایی دفاع هوایی ایران برای امنیت ملی و اقتصادی آن حیاتی می‌باشد، بنابراین یک شبکه رادار با یک سیستم فرماندهی و کنترل عالی برای اخطار اولیه و کنترل تمام دفاعی هوایی و هواپیماهای تاکتیکی طرح‌ریزی شده است. هواپیماهای F-16 و F-18 برای بالا بردن خنثی سازی، جلوگیری و حمایت هوایی و پوشش هوایی نیروی دریایی لازم است. هواپیماهای آواکس (E-3A) به منظور بالا بردن قدرت فرماندهی و کنترل و همکاری در نایل شدن و برقرار کردن برتری هوایی مورد احتیاج هستند. AMSTS برای توسعه دادن به قابلیت انعطاف و زمان پاسخ برای حمایت تدارکاتی مورد لزوم است. هواپیماهای P-3 برای مراقبت دریایی هوابرد، پاسداری عملیات ضد زیردریایی در خلیج فارس، دریای عرب و اقیانوس هند مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ج: به خاطر زمین ناهموار در ایران و نامناسب (ناکافی) بودن شبکه حمل و نقل، پروژه‌های مربوط به تجهیزات خودرو پیشرفته اضافی و تسلیحات مربوطه. نیروی زمینی بایستی قادر باشد که از مرزهای کشور و تأسیسات استراتژیک نفتی در زمینهای مجاور مرز عراق در مقابل تهدید که به وسیلهٔ تعداد زیاد تانکهای ساخت روسیه و توپخانه مطرح است دفاع کند. هواپیمایی ارتش باید کار اکتشاف هوایی، آتش پشتیبان، جنگ ضد تانک، تهیهٔ تدارکاتی، تخلیه دارویی (پزشکی)، فرماندهی و کنترل، حمل و نقل هوایی سربازان، و در رزم حمایت توپخانه را انجام دهد.

د: تمامی نفت ایران از طریق خلیج فارس صادر می‌شود و بیشتر واردات کشور از طریق خلیج فارس وارد می‌شود، بنابراین، اقتصاد و قابلیت دوام سیاسی ایران مستلزم دسترسی مطمئن و امن در رفت‌وآمد در خلیج فارس می‌باشد. توسعه یک نیروی دریایی مدرن از اهمیت بسزایی برای ایران در جهت ایجاد امنیت برای تجارب آزاد در خلیج فارس برخوردار است. کشتی حمایت شده به وسیلهٔ هلیکوپتر، هلیکوپترهای ASW و زیردریاییهای تهاجمی دیزلی ایران را با یک قدرت ضد سطح آب و ASW برای حفاظت خطوط دریایی در خلیج فارس، خلیج عمان، دریای عرب مهیا می‌کند. کشتیهای تدارکاتی به نیروی دریایی ایران قدرت تدارکاتی حرکت در عملیات با پایداری بیشتر و فاصله زیادتر می‌دهد. LSTS تدارک مجدد

www.takbook.com



سایتهای ساحلی و جزایر ساحلی را تسهیل می‌کند.

هـ ـ اگر چه فروش تسلیحات به ایران به وسیلهٔ وزارت خارجه و وزارت دفاع و همچنین کنگره در بعضی موارد به دقت تحت کنترل قرار می‌گیرد، ایالات متحده به طور کلی قول داده است که تجهیزات نظامی مرسوم را در طیف وسیعی در اختیار ایران قرار دهد. برنامه‌های جاری نظیر I - HAWK و F-4 و F-5 و F-14، تقاضا برای منابع انسانی ماهر نیروی هوایی ایران، و بنابراین قدرت جذب ایران (را به دنبال دارد). مالکیت بیشتر تجهیزات پیچیده نظیر F-16، F-18، آواکس، زیردریایی و غیره مشکلات انسانی را می‌تواند مطرح سازد. عامل دیگری که بر تواناییهای جذب نیروی هوایی ایران اثر می‌گذارد، تفاوتهای فرهنگی بین ایران و گرایشات آمریکا در جهت فرماندهی و کنترل، عملیات مشترک، طرح‌ریزی دراز مدت، هماهنگی داخلی، ارجحیت‌ها، و دیگر عواملی که در طرز فکر غربی اساسی به نظر می‌رسد و هنوز به وسیله ایرانیها کاملاً پذیرفته نشده است، می‌باشد. بعضی از مسایلی که در برنامه‌های مدرنیزه کردن نیروی هوایی ایران با آن برخورد شد دنباله همین تفاوتهاست. اگرچه بودجه فعلی ایران کسری نشان می‌دهد، ایران به نظر می‌رسد که منابع مالی را برای پرداخت سریع برای آنچه که سفارش می‌دهد دارا باشد. پیشرفت در جهت اعتماد به نفس به وسیلهٔ مراحلی از موقعیت (تیمهای عملیاتی و کمکهای فنی) TAFT و همچنین به وسیله یک پروژه سرتاسری کاهش در پرسنل TAFT نشان داده شده است. هیچ پروژه‌ای برای کاهش مؤثر در M و O به‌خاطر تجهیزات پیشرفته که برای ساخت دفاعی نیروی هوایی ایران پیشنهاد شده است اجرا نشده. یک تشکیلات دفاعی توانا باید نتیجه خریدهای تعیین شده باشد و باید از هدفهای آمریکا که در پاراگراف ۲ اظهار شده حمایت کند. در حال حاضر اقدام تجهیزات مربوط به دفاع هوایی به‌نظر می‌رسد که بالاترین ارجحیت نسبی را دارا باشند. به هر حال توسعه تشکیلات سرتاسری دفاعی هدف نخستین دولت ایران است و تجهیزات به همان ترتیب که در دسترس قرار می‌گیرد مورد بهره‌برداری قرار خواهند گرفت.

www.takbook.com



## سند شمارهٔ ۱۹

**وزارت امور خارجه ـ سرّی** **۲ ژانویه ۱۹۷۷ ـ ۱۲ دی ۱۳۵۵**

**ایران**

**۱ـ اهمیت ایران برای سیاست جهانی آمریکا و اهداف منطقه‌ای**

مدت تقریبی ۳۰ سال است که وابستگی وسیع و گسترده آمریکا با اهمیت خاص ایران از جهت حمایت و منافع ملی اصلی آینده ایالات متحده آمریکا، مطابقت دارد. روابط اولیه ما خیلی کم و بر پایه عوامل سیاسی جغرافیایی قرار داشت، اما حالا در بر گیرندهٔ مناطق زیادی از حکومت داخلی و وابستگیهای بخش خصوصی می‌باشد. جریاناتی در مقابل ما قرار گرفته که می‌تواند اصطکاکهای جدی به وجود آورد اما منافع ملی زیر بدون تغییر باقی مانده‌اند.

**مانع برای اهداف شوروی**

منافع دوجانبه برای جلوگیری از نفوذ و قدرت شوروی به خصوص در خاورمیانه موضوعی است که به‌عنوان اساس روابط ما با ایران باقی مانده است. نزدیکی ایران به شوروی و تجربه‌ای که ایران از وسعت‌طلبی تاریخی شوروی دارد و رهبری ضد کمونیستی قوی (ایران) منجر به اشتراک نقطه نظرهای هر دوی ما در رابطه با سیاستهای خارجی دنیا گشت که اولین بار صراحتاً توسط رئیس جمهور ترومن اعلام شد. در رابطه با این همکاری هر دوی ما منافع زیادی به دست آورده‌ایم. آمریکا تنها کشور غربی بوده و هست که قادر است در نهایت مانعی در مقابل شوروی برای حمایت از ایران باشد. در دو دههٔ اول بعد از جنگ، ایران یکی از گیرندگان کمکهای مالی و فکری آمریکا بوده و برای ما نقش مؤثری جز عضویتش در پیمان سنتو و پیش‌بینی خبرهای متعدد و تجهیزات نظامی بازی نکرده است. این اوضاع تغییر کرده و امروز ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، قدرت مالی و نفوذ آن را دارد که بیشتر خودش کارها را انجام دهد. ایران می‌تواند نقش مهم مستقلی در خاورمیانه، جنوب آسیا و اقیانوس هند برای پیشبرد ثبات منطقه‌ای ایفا کرده و با فعالیت و سیاستهای روسیه با نیروهای هر قدرت منظم دیگر روبرو شود.

**دسترسی به موقعیت بی‌نظیر سیاسی جغرافیایی ایران**

ما محل مناسب دیگری نداریم که بتوانیم از خاک آن این استفاده‌ها را که در خاک ایران می‌بردیم داشته باشیم. نقطه عملیات دستگاههای اطلاعاتی آمریکا در ایران گزارش قاطعی دربارهٔ عملیات نظامی شوروی به خصوص در زمینهٔ پیشرفتهای موشکی و در مورد همبستگی شوروی با پیمان سالت (SALT) در اختیار ما قرار داده، حق پرواز بر خاک ایران برای ما مسیر مناسب هوایی بین کشورهای اروپایی و کشورهای شرق ایران به وجود می‌آورد. به علاوه حق فرود آمدن از لحاظ تحت نظر داشتن دریای عمان و مرزهای شوروی برای ما اهمیت خاصی داشته است.

**تهیه نفت برای آمریکا و متحدان او**

اگرچه ایران یکی از اولین افزایش‌دهندگان قیمت نفت بوده و وجود ما را در این موضوع فراموش کرده

www.takbook.com



ولی به هر حال ایران مقدار زیادی نفت برای آمریکا و متحدانش صادر می‌کند و بیش از ۸ درصد نفت وارداتی ایالات متحده از ایران وارد می‌شود و بیش از ۱۶ درصد نفت ایران برای اروپای غربی و تقریباً ۲۴ درصد برای ژاپن و ۷۰ درصد نفت اسرائیل از ایران تأمین می‌شود. با وجود کشمکشهای لاینفک در روابط خرید و فروش، ایران برای ما یک منبع نفتی مستقل بوده است. ایران در سالهای ۷۴ ـ ۱۹۷۳ برخلاف پیمان اعراب در تحریم حمل و نقل نفت به اسرائیل، شرکت نکرده و صدور نفت خود را به این کشور ادامه داده است. رهبران ایران غالباً اظهار داشته‌اند که ایران در جنبشهای سیاسی تحریمی شرکت نخواهد کرد.

**توسعه و پیشرفت ثبات منطقه‌ای**

سیاست آمریکا در سالهای گذشته این بوده که به ایران کمک کرده و او را تشویق نماید که یک قدرت منطقه‌ای با مسئولیتهای محدود امنیتی و یک نقش مؤثر در پشتیبانی از منافع دوجانبه ما بازی کند. ایران این نقش را قبول کرده برای اینکه این موضوع بانقطه نظرهای شاه که ایران نقش اساسی در منطقه دارد تطبیق می‌کرد. و ایران قدرت نظامیش را در عمان به کار گرفته و از قدرت مالی برای وام دادن به هندوستان، پاکستان، مصر، اردن و سوریه استفاده کرده، و دارای نفوذی در کمک به حل روابط منطقه منجمله برقراری مجدد روابط هند با پاکستان و افغانستان بوده است.

ایران تنها قدرت منطقه است که قادر بوده پیشرفتهایی در زمینه روابط اطمینان‌بخش چه با اعراب و چه با اسرائیل به دست آورد. رهبران ایران در یک تماس و مذاکره نزدیک با ایالات متحده بوده و سیاست محافظه‌کارانه را در پیش گرفته و سادات و اسد را تشویق به برداشتن قدمهایی به طرف صلح کرده و در مرحلهٔ نهایی قسمت دوم مذاکرات صحرایی سینا (در جایی که اسرائیل بایستی مناطق نفتی اشغال شده مصر را پس دهد) با به کار بردن سیاست ایران منابع قابل اطمینانی برای اسرائیل نگهداری کرده. بالاخره ایران به عنوان قوی‌ترین قدرت خلیج فارس در جستجوی ترتیباتی در زمینهٔ تشکل امنیتی با دیگر کشورهای خلیج فارس بوده، اگرچه سوءظن‌های ایرانیان سنت‌گرا از این واقعیت در آینده نزدیک باعث شود که احتمالاً بخواهند از آن جلوگیری کنند. در حالی که ما نیروهای مخالفی هم در مقابل منافع خود می‌بینیم که این تشکل امنیتی ایران و اعراب خلیج فارس احتمالاً یک برگ برنده‌ای برای ما خواهد بود.

**نگهداری روابط اقتصادی، تجاری و روابط فرهنگی مفید**

در سال ۱۹۷۵ آمریکا، آلمان را یکی از بزرگترین تهیه کنندگان کالای شخصی و خدمات به ایران و بازارهای جهان می‌داند.

فروش آمریکا به ایران البته غیر از وسایل نظامی در سالهای ۷۵ الی ۸۰ بالغ بر ۲۰ بیلیون دلار می‌باشد. لذا مبلغ پرداختی مازاد برای آمریکا بین ۸ الی ۱۰ بیلیون دلار می‌باشد. (فروش مهمات و تجهیزات نظامی تقریباً این مبلغ مازاد را دو برابر خواهد کرد). شرکت و تجارتخانه‌های آمریکایی به تعهدهای مختلف مشترک خود در ایران ادامه داده و مجموعه سرمایه‌گذاریها تقریباً ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار خواهد بود. عرضه بانک EX - IM (قرضها و ضمانتها) در ایران در حدود ۱ بیلیون دلار است. قرارداد کمسیون مشترک ایران و آمریکا به طور مؤثری در روابط همکاری ما در زمینه‌های گوناگون مثل برنامه‌های هسته‌ای و دیگر فرصتهای انرژی، کشاورزی، مسکن، قدرت آموزش فردی، حمل و نقل علوم

www.takbook.com



مفید واقع شده است. روابط فرهنگی ما وسیع می‌باشد؛ بالغ بر ۲۰۰۰۰ دانشجوی ایرانی در حال تحصیل در این کشور بوده و بیش از ۵۰ دانشگاه آمریکا با مؤسسات آموزشی ایران رابطه دارند.

**۲ـ وضعیت سیاسی و اقتصادی ایران ـ سیاسی**

دو امر وابسته بر صحنهٔ سیاست حکمفرما می‌باشند: یکی قدرت بلند پروازی بدون چون و چرای شاه که بیشتر تصمیمهای کوچک و بزرگ را می‌گیرد و دیگری ثبات سیاسی ایران است. تمام این برنامه‌ها نشان می‌دهد که این وضع حداقل برای سالهای آینده ادامه پیدا می‌کند.

شاه که تجربه ۳۵ سال سلطنت را دارد، تودهٔ وسیعی از مناطق پرجمعیت در مناطق روستایی به او وفا دارند و به طور کلی همکاری گروههای مسلح و دستگاههای اطلاعاتی و امنیت با او کامل می‌باشد. همچنین از حمایت بی‌دریغ گروههای تکنوکرات شخصی برخوردار است. بدون شک گروهی از دانشمندان و تکنوکراتها علاقه‌مند به امور سیاسی نیستند ولی سیستم سیاسی را قبول کرده‌اند و یا به طور آرامی با قدرت فرمانروایی شاه مخالف می‌باشند و همچنین خیلی از رهبران روحانی و طرفدارانشان رژیم سلطنتی کنونی و فرم سیاسی آن را قبول ندارند. معهذا مخالفت سازمانی با رهبری شاه و سیاستش محدود به تشکیلات تروریستی کوچک می‌باشد. تروریستهای فعال که از جانب گروههای متعصب راستگرا و چپ‌گرا هستند احتمالاً تعدادشان زیر هزار نفر بوده و متناوباً از پشتیبانی دو هزار نفر دیگر برخوردار می‌باشند.

تبلیغات پنهانی و قتلها، (قبلاً شامل ۶ آمریکایی در سه سال گذشته بوده است.) تروریستها به نظر نمی‌رسد که برای رسیدن به اهداف سیاسی خود که منجر به سرنگونی رژیم سلطنتی بشود از پشتیبانی زیادی برخوردار باشند. فعالیتهای دولت بیشتر در زمینهٔ برنامه پیشرفتهای اقتصادی، قدرتمندی نیروهای مسلح ایران، و برنامهٔ تنظیم شده که به عنوان انقلاب شاه و مردم شناخته شده است متمرکز می‌باشد، عنوان قبلی که از سال ۱۹۶۲ در جریان قرار گرفته با یک مقیاس وسیع در برنامه اصلاحات اراضی استفاده شده. فعالیتهای مؤثر جدید بیشتر در زمینه‌های بیسوادی ـ بهداشت، فساد در ادارات دولتی، دادگاههای محلی و شرکت عموم در مالکیت صنایع خصوصی می‌باشد. غیر متمرکز کردن قدرت مدیریت در خارج از تهران همچنین جزو برنامه‌های مهمی است که در دست بررسی می‌باشد.

ارزیابی برنامه‌های دراز مدت (۵ تا ۱۰ سال) و ثبات سیاسی ایران طبیعتاً مشکل به‌نظر می‌رسد. برای مدت ۳۰ سال به خصوص در ۱۵ سال گذشته یک جامعهٔ خیلی سنتی به طرف جامعهٔ اقتصادی سوق داده شده که در هیچ کشوری در جهان چنین سابقه‌ای نداشته. نتیجهٔ این تغییرات افزایش فوق‌العادهٔ در شماره ایرانیان تحصیلکرده، منجمله هزاران ایرانی تحصیلکرده در آمریکا و اروپای غربی و نیز مقیاس زیادی از مدنیت تمدن را نشان می‌دهد و همچنین اساس و فرم یک اقتصاد مدرن همپا با بخش کشاورزی سنتی و افزایش توقعات در بخشهای زندگی عمومی به صورت جداگانه و بی‌ثباتی ظهور خواهد کرد. در خلال این مدت بیشتر برنامه‌های فوق به طولانی شدن عمر شاه بستگی دارد.

انحلال احزاب موجود و تبدیل آنها به یک حزب سیاسی منفرد در سال ۱۹۷۵، به عبارت دقیق‌تر یک جنبش سیاسی وسیع، را به خاطر این پدید آورد که شاه لزوم شرکت سیاسی مردم را تا اندازه‌ای و هم چنین عدم تمرکز نسبی تصمیم‌گیری را درک کرده است. پروژه پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی همچنین

www.takbook.com



نشان‌دهندهٔ بالا رفتن تقاضاهای مردم می‌باشد.

**وضعیت اقتصادی**

اگر چه در دههٔ گذشته برای وسعت بخشیدن به اساس اقتصاد قدمهای مؤثرتری برداشته شده است، معهذا اقتصاد ایران همچنان وابسته به صنایع نفت و تولید گاز طبیعی باقی مانده است. که تولیدات فوق روی هم رفته ۸۰٪ درآمد دولت ایران و ۹۸٪ تا ۹۹٪ درآمدهای مبادلات خارجی را تأمین می‌کند. آیندهٔ عمومی اقتصاد ایران رضایت‌بخش است. مبادلات اندوختهٔ خارجی در پایان سال مالی تقریباً بالغ بر ۷ بیلیون دلار و درآمدهای واردات به مبلغ ۲۰ تا ۲۲ بیلیون دلار در سال ۱۹۷۵ باقی خواهد ماند.
سرمایه‌گذاران بازار جهانی آماده است که پولی از موجودیهای خصوصی و عمومی ایرانیان قرض بگیرد، معهذا در حال حاضر سرمایه‌های ایران به‌عنوان قرض دادن به کشورهای خارجی بیشتر از آن است که او از کشورهای خارجی قرض می‌گیرد.

طرح توسعه و پیشرفت برنامهٔ ششم در سالهای ۷۸ الی ۸۳ انجام خواهد گرفت. دولت تصمیم دارد که تا پایان این مدت، ایران بر پایه‌های اقتصادی قرار گرفته و در زمینهٔ پیشرفتهای گوناگون اقتصادی برای کاهش صدور ذخیره نفتی اقدام کند (که منجر به نگهداشتن ذخایر محدود نفتی در یک حد دلخواه و افزایش صنایع نفتی و کود و پتروشیمی و دیگر مشتقات نفتی برای نیازهای محلی می‌باشد). توانایی ایران برای رسیدن به این اهداف به طور جدی با کمبود نیروی انسانی در تمام سطوح مواجه خواهد شد اما این امر به طور ویژه در مورد افراد ماهر و کارگران متخصص و در سطوح متوسط و پایین صدق می‌کند. جریان توسعهٔ برنامهٔ عمرانی (در سالهای ۱۹۷۵ ـ ۱۹۷۳) پس از تحقق یافتن، امکان دارد فقط ۶۰ درصد موفقیت کسب کند. یک قسمت زیادی از این کمبود احتمالاً محدود به کمبود نیروهای انسانی و خط سیرهای باریک حمل و نقل می‌شود.

رهبران ایران در تلاش هستند که یک اقتصاد متنوع قوی برای پاسخگویی به احتیاجات مردم و یک اساس سیاست جدید قبل از اینکه ذخائر نفتی کشور به طور تقریبی در اوایل سال ۱۹۹۰ به پایان برسد بنا بگذارند. این، کار ساده‌ای نبود و موفقیت در این برنامه غیرقابل قبول به نظر می‌رسد.

**۳ـ اوضاع و روابط سیاسی ایالات متحده آمریکا با ایران**

روابط ایران و آمریکا عالی می‌باشد. این روابط در مدت ۳۰ سال بر پایهٔ همکاریهای نزدیک برقرار بوده که قسمت وسیعی از منافع ما را در زمینه‌های مورد نظر در برمی‌گیرد. بازتاب دیگر داخلی که به توافقنامهٔ همکاری ایران و آمریکا در سال ۱۹۵۹ و عضویت ایران در تشکیلات پیمان مرکزی انجامید باعث این شد که ایران تحت حمایت ما قرار گیرد.

معهذا یک تغییر قابل ملاحظه‌ای در تعادل این روابط در خلال دههٔ گذشته رخ داده است. ابتدا اعتماد یک جانبه از طرف ایران به آمریکا وجود داشته، در سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ روابط ما با ایران به صورت حمایت از ایران بود. همان طور که اقتصاد ایران به صورت ناگهانی ترقی کرد، ثبات سیاسی افزایش پیدا کرده و ارتش توسعه یافت و درآمد نفتی دو برابر و سه برابر شده و تعادل ما بین دو کشور تغییر کرده ایران به طور چشمگیری رو به استقلال رفت و به طور مسرت‌بخشی خواستار این است که آمریکا نظراتش را

www.takbook.com



بررسی کند. به استثناء قیمت نفت، این تغییر تعادل هیچ‌گونه مخالفت جدی در بین دو طرف به وجود نیاورده است. اما در روابط دو جانبه اشکالاتی ایجاد کرده است.

محتوای اصلی سیاست خارجی ایران تحت رهبری شاه و یا جانشین او بر این پایه است که از نفوذ شوروی در ایران واهمه دارند. مانع اصلی این تهدید این است که (همین تهدید باعث گردیده) شاه نمی‌تواند آمریکا را با کشوری دیگر معاوضه کند. معهذا به‌عنوان یک قدرت اجرایی پذیرفته شده، شاه با دقت اعمال ما را بر اساس مناسبات دو جانبه و اینکه آیا تغییرات اساسی در سیاستهای ما و اراده ما در مقابله با شوروی تغییر می‌دهد یا نه، ارزیابی می‌کند. او نگرانی عمیق خود را در یک یا دو سال اخیر مبنی بر اینکه آیا آمریکا به‌عنوان یک متفق مورد اطمینان و قدرت منطقه‌ای دراز مدت باقی خواهد ماند اظهار کرد. این نگرانیها ناشی از رشد عمومی و انتقاد کنگره‌ای از خریدهای نظامی ایران و اعمال ایران نسبت به روش و موضعی که در زمینهٔ مسایل گوناگون فیمابین ایران و آمریکا در پیش می‌گیریم، و همچنین تلاشهایی که ایران را در این اختلافات، مطیع جهت ما می‌کند، حساسیت نشان خواهد داد. اگر او تصمیم درست و یا غلطی بگیرد و در مورد تغییرات در روابط ایران و آمریکا پیش‌بینی‌هایی در منطقه نماید و درک کند که به حال منافع مهم می‌باشد. قادر خواهد بود توازنی در سیاستش که می‌تواند نشان دهنده منافع ما باشد در پیش گیرد. به هر حال امکان دارد که به صورت شکست خودش بروز کند.

**۴ـ مسایل مهم**

فروش تجهیزات نظامی: به کار بردن درآمد نفت برای یک ارتش نیرومند و مجهز با مدرن‌ترین سلاحها در درجه اول اهمیت قرار دارد و مخصوصاً چیزی است که شاه به آن علاقهٔ زیادی دارد. برای شاه دسترسی به تجهیزات و تکنولوژی و خدمات (ارتش) در درجه اول اهمیت قرار دارد. اگرچه ایران مقدار زیادی از تجهیزات کشورهای دیگر خریداری می‌کند، بهرحال درصد خیلی زیادی از این کالاها از آمریکا وارد می‌شود. (که از سال ۱۹۷۰ بیش از دو میلیون دلار بوده است.).

ایران ترجیح می‌دهد که از منافع آمریکا که به آنها عادت و آشنایی دارد و به تمام خواسته‌هایش البته نه همهٔ آنها جواب مناسب می‌دهد استفاده کند. در سالهای اخیر که معمولاً جوابهای مناسب آمریکا در این زمینه بر پایهٔ سیاستی که «به طور معمول تصمیم‌ها برای دریافت تجهیزات نظامی بر عهدهٔ دولت ایران می‌باشد» استوار گردیده است.

در حال حاضر سه درخواست بزرگ تحت مطالعه و بررسی وزارت دفاع آمریکا است و منتظر تصمیم اجرایی می‌باشد. این سه درخواست عبارتند از: ۱ ـ ۱۴۰ فروند هواپیمای ۱۶ ـ F(خریداری تعداد ۱۶۰ فروند از این نوع هواپیماها قبلاً به تصویب رسیده). ۲ ـ هفت عدد آواکس ۳ ـ E. ۳ ـ ۲۵۰ فروند هواپیمای F - 18 L. در صورتی که درخواستها به تصویب برسد، بعداً آنها را تسلیم کنگره خواهند کرد. ایران به‌نظر می‌رسد که می‌داند هیچ گونه تصمیمی در آینده نزدیک تا قبل از ۲۰ ژانویه گرفته نخواهد شد.

نقشه‌های توسعه نظامی جاه‌طلبانه شاه، دسترسی پیاپی به تجهیزات که او از منابع آمریکا می‌خواهد، و سیاست عدم مبادرت در رد کردن احتیاجات نظامی ایران. مناسبات نظامی با ایران را هدف اصلی طرفداران کنترل فورش اسلحه و حمایت کردن از کنگره قرار داده است.

به هر حال یک تغییر اساسی در آینده این خط مشی، موجب یک ریسک خواهد شد که شاه با عمالی بر

www.takbook.com



علیه ارتشیها و دستگاههای اطلاعاتی جاسوسی ما در ایران و به احتمال زیاد با اقتصاد و منافع تجاری ما مخالفت کند. به علاوه سیاستی که مبنی بر اختصار (کم کردن) فروش تجهیزات نظامی در بعضی از امور مخصوص موجب مقایسه بین آنچه را که ما برای ایران می‌کنیم و آنچه را که شوروی برای مشتری عراقی انجام می‌دهد می‌شود. همچنین این سؤال پیش می‌آید که آیا سیاست منع فروش تجهیزات نظامی بیشتر با سیاست دراز مدت ما، مبنی بر ساختن ایرانی که بتواند مثل یک سد در مقابل توسعهٔ شوروی در منطقه بایستد متناقض نخواهد بود؟

**قیمتهای نفت**

در طی سه سال گذشته، ایران یکی از طرفداران عمدهٔ افزایش قیمت نفت بوده، ولو اینکه قیمت نفت در جلسه اخیر اوپک در دو دهه فقط ۵ الی ۱۰ درصد افزایش یافته ولی می‌توانیم از ایران این توقع را داشته باشیم که در آینده چشم به افزایش قیمت را داشته باشد.

ایران اغلب جواب منفی مبنی بر عدم افزایش قیمت نفت به آمریکا داده است. از طرف دیگر بحث می‌کرد که افزایش قیمت نفت باعث ایجاد انگیزه در کشورهای صنعتی خواهد شد تا به دنبال منابع انرژی غیر از نفت بگردند. ما اغلب این برنامه‌ها را با شاه مطرح می‌کنیم ولی در زمینه مخالفت شخصی نقطه نظرهای ما، ما درصدد استفاده از نفوذی که برای مثال در رد یا به تأخیر انداختن فروش تجهیزات نظامی را دارا هستیم نمی‌باشیم و می‌گوییم که اعمال نظیر آن در هدف نهایی موفق نخواهد بود و از لحاظ اقتصادی در مناطق دیگر سودمند نخواهد بود. این تنها مسئله‌ای است که شاه شخصاً به‌عنوان خواسته‌هایش دنبال خواهد کرد. او تنها افزایش درآمد تا آنجایی که مقدور است را می‌خواهد ـ در ارتباط با این مسئله، قابل ملاحظه است که منافع ایران تا اواخر سال ۱۹۸۰ به طور چشمگیری سقوط خواهد کرد.

**حقوق بشر**

وضعیت حقوق بشر در ایران به طور وسیعی در آمریکا درک شده است و موجب نارضایتی افراد و گروههای نزدیک به ایران را شده است. این اتفاقِ نظر به همراه مقررات قانونی می‌تواند باعث کاهش انعطاف ما در مقابله با ایران و موجب اصطکاک بین روابط شود.

یکی دیگر از مشکلات اساسی اخیر مسئلهٔ ساواک و تشکیلات حفاظتی ایران می‌باشد که نظارت مستقیم بر دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا داشته و کارهای غیر قانونی انجام می‌دهد. در وهلهٔ اول رهبران ایرانی معتقدند که این امر مملکتی است. ولی همچنین، خارجیان پیشرفتهای بزرگ ایران را در جهت احیای حقوق سیاسی و اجتماعی نادیده می‌گیرند و رفتار مخالفین سیاسی در ایالات متحده به صورت غلطی اغراق‌آمیز و گمراه کننده است.

**برنامه‌های دراز مدت**

استقلال قطعی و شاهنشاهی دراز مدت ایران و سیستم مقتدرانه می‌تواند ما را به طرف افزایش سایر اختلافات در سیاستهای مربوط به خودمان و همچنین در افزایش سایر اختلافات سوق دهد. در زمرهٔ سؤالاتی که باید با دقت دسته‌بندی شوند عبارتند از: ۱ ـ آیا افزایش مناسبات ایران و عراق موجب تضعیف

www.takbook.com



روابط ایران و اسرائیل خواهد شد؟ ۲ ـ آیا افزایش قدرت نظامی ایران باعث مداخلهٔ یکجانبه در امور مناطق خلیج فارس خواهد شد؟ ۳ ـ آیا واقعاً تهیهٔ تجهیزات نظامی برای ایران موجب تحریک یک مسابقهٔ تسلیحاتی در منطقه نخواهد شد؟ ۴ ـ آیا ایران موضع محکمتری در مسایل OC - LO و شمال و جنوب خواهد گرفت.

**۵ـ رعایت حقوق بشر**

ایران یکی از ممالک مقتدر منطقه است و همچنین در روشهای قانونی خاصی در رابطه با جنایتهای درگیر با مسایل امنیت را دنبال می‌کند. هر دو مطلب منجر به انتقاد بین‌المللی گشته، اما این انتقادات در مورد رفتار ایرانیان با محکومین امنیتی می‌باشد.

گزارشهایی در زمینهٔ حقوق بشر از سازمان عفو بین‌المللی و همچنین دو تن از نظاره‌گران کمیته حقوقدانان ادعاهای امنیتی مبنی بر قانونی بودن سیستم به طور معمولی دو موضوع را در بر می‌گیرد: محدوده قدرت مقامات ساواک در فعالیت به‌عنوان مقامات ارتشی در دادگاههای نظامی بعضی افراد، تعداد مردمی که در رابطه با وقایع مربوط به سازمان امنیت دستگیر شده بودند، ادعاهای بر افرادی که در رابطه با جنایات سازمان امنیت ماههای زیادی بدون داشتن اتهام قانونی و بدون داشتن دسترسی به وکلا متهم شده بودند، در اسارت گرفتن تعداد نامحدودی از زندانیان سیاسی، ادعای مبتنی بر به کار بردن شکنجه و دیگر تهدیدهای وحشیانه در مقابل چنین افراد، اینکه تمام این متهمین در دادگاههای نظامی به طور دربسته و بدون مشورت کافی محاکمه گشته‌اند، و این حقیقت که حقوق برگشتی متهمین از جانب ساواک و تصمیمات دادگاه محدود می‌باشد.

دولت ایران به بیشتر این اتهامات جواب داده و از به کار بردن روشهای خاص امنیتی خود دفاع کرده. رویه معمولی دنبال شده این است که تهدیدات بر علیه امنیت ملی به اندازه کافی جدی بوده و افرادی که این جرمها را مرتکب شده‌اند، آنقدر بیرحم هستند که باید روشهای خاصی اتخاذ گردد.

در رابطه با این جریان بایستی توجه کرد که قدرت ایالتی متمرکز شده اجدادی ایران در یک استمرار تاریخی در مقابل کمونیسم و دیگر جنبشهای مخالف و فعالیتهای تروریستی بوده است.

دولت ایران هم متوجه طرفداری جوامع خارجی از سیستم دادگاهی و قضایی معمولی او شده است و می‌افزاید تا زمانی که موجودیت رژیم هم مورد حمله و تهدید واقع شده باشد، معتقد بـه اسـتفاده از دادگاههای جنحه و جنایی و غیرنظامی و عادی نمی‌باشد.

**۶ـ موضع‌گیری کنگره راجع به ایران**

ما معتقدیم که وابستگی و مهم بودن ایران برای منافع ملی ما در کاخ سفید، به خصوص سنا قابل درک است. ولی توجه روزافزونی بر روی چند سال گذشته و یا بیشتر بر روی نقش ایران در بالا بردن قیمت نفت، میزان خریدهای نظامی ایران، احتمال یک حرکت نظامی غیر مسئولانه در آینده بعد از شاه و دیدگاه‌های ایران که راجع به حقوق بشر وجود دارد را می‌رساند. این اقدامات می‌تواند منجر به وجود آوردن مخالفینی از جناح لیبرالها در رابطه با پیشنهاد فروش سلاحهای جنگی به ایران در هر دو مجلس بشود و احتمال به وجود آمدن بحث جدی در مورد تقاضای F-18L در زمانی که این تقاضا به کنگره داده می‌شود، بگردد.

www.takbook.com



**سند شماره ۲۰**

**طبقه‌بندی: سرّی ـ تاریخ: ۲۶ ژانویه ۱۹۷۷ ـ ۶ بهمن ۱۳۵۶**

**از: سرپرست سازمان اطلاعات مرکزی (CIA) ـ ای. اچ. نوچ**

**به: آقای مک میکلوس ـ کاردار موقت سفارت آمریکا ـ تهران ـ ایران**

**آقای میکلوس عزیز**

سفیر لیتل در نامه‌اش مورخ ۹ آگوست ۱۹۷۶ موقعیت و منظور FOCUS ایران را به اطلاع سفیر هلمز رساند و از هیئت برای مشارکت در آن دعوت کرد. من خوشوقت هستم که کامل شدن FOCUS ایران را به اطلاع شما می‌رسانم و نسخهٔ اصلی گزارش نهایی را برای اطلاع و استفادهٔ شما ضمیمه می‌کنم.

FOCUS ایران یک گزارش جامع است. ما در انجام بررسی متوجه شده‌ایم (این موضوع در گزارش منعکس شده است) که علاقهٔ واشنگتن به سفارت آمریکا ـ تهران به طور استثنائی زیاد است. از آنجا که منافع تصمیم گیرندگان سیاسی و تحلیلگران آنقدر وسیع و متنوع است، ما معتقدیم که یک لیست محدود ارجحیت داده شده از اقلام منافع اطلاعاتی مالی برای شما می‌تواند، سودمند باشد. سفیر لیتل در آینده چنین لیستی را در اختیار شما خواهد گذاشت. شما انتقاد از بی‌میلی مستشاری نظامی را در تهیهٔ اطلاعات برای نمایندگان جامعهٔ اطلاعاتی در تهران برای اینکه این اطلاعات بتواند به کانالهای اطلاعاتی ملی برود، ملاحظه خواهید کرد. به من گفته شده است که وضعیت هم اکنون خیلی بهتر شده است. ما در نظر داریم که این موضوع را با وزارت دفاع مطرح کنیم. این وضعیت از هیئتی به هیئت دیگر تفاوت دارد ولی این چهارمین باری است که مشکل در بررسیهای FOCUS پدیدار شده است. از زمان آغاز آن در دو سال قبل، FOCUS برای اشخاصی که در واشنگتن با گزارش از خارج در ارتباطند سودمند بوده است. امیدواریم که تلاشهای هیئتهای نمایندگی خارج از کشور که نقش اساسی در تهیهٔ اطلاعات ملی سراسری دارند را ارج بگذاریم. FOCUS ایران برای ما سودمند بوده است و امیدواریم که برای شما و تیم کشوریتان نیز مفید باشد. من از شما دعوت می‌کنم که نظراتتان را در مورد گزارش FOCUS یا اکنون و یا بعد از دریافت مجموعه گزارشها از سفیر لیتل، ابراز دارید. اگر شما راهی برای اینکه ما حمایتمان را از سفارت شما مستحکم‌تر کنیم می‌بینید، لطفاً به اطلاعمان برسانید.

ای. اچ. نوچ
**کفیل سرپرست**

ضمیمه

**سرّی**

**سرپرست سازمان مرکزی اطلاعات CIA**

**کمیتهٔ منابع انسانی**

**کمیتهٔ فرعی ارزشیابی ـ FOCUS ایران**

**بررسی جامعهٔ اطلاعاتی از گزارشات منابع انسانی تهیه شده توسط هیئت آمریکا در ایران.**

ضمیمه کشفیات یک بررسی درون سازمانی از گزارش عوامل مختلف جامعهٔ اطلاعاتی و دیگر بخشها و سازمانها در ایران می‌باشد و تحلیل‌های FOCUS از گزارش هیئت‌های نمایندگی خارج از کشور به وسیلهٔ کمیتهٔ منابع انسانی به منظور بالا بردن مدیریت مؤثر هماهنگی و بکارگیری برنامه‌های گزارشی چه

www.takbook.com



در محل مأموریت و چه در سطح واشنگتن انجام می‌گیرد.

تحلیلهای FOCUS در دو قسمت است، قسمت اول مفاد گزارش، یعنی کفالت و اقتضاء و به موقع بودن آن و میزان جوابگویی گزارش به اطلاعات مورد نیاز سیاستمداران واشنگتن و جامعهٔ اطلاعاتی را ارزیابی می‌کند. ارزیابی گزارش به وسیلهٔ مأمور اطلاعات ملی مربوطه و بر اساس یک سمینار بین سازمانی که در آن تحلیلگران اطلاعاتی و سیاستمداران شرکت می‌کنند، نوشته می‌شود. برای آن جنبه‌های این ارزیابی که در آن توافق عمومی به دست می‌آید، برای ثبت نظرات مخالف پیش‌بینی‌هایی به عمل آمده است.

قسمت دوم: بررسی اقدام: ۱ ـ مشکلات گزارش دادن و فرصتهایی که ناشی از ارزیابی گزارشها که با خود ارزیابی یکسان است را بررسی می‌کند. و ۲ ـ پیگیری اقدام موافقت شده و یا توصیه شده را انجام می‌دهد. هدفهای چنین کاری این است که راههای بهتری را برای بهبود هماهنگی در سطح واشنگتن پیشنهاد کرده و اطلاعات و حقیقت‌یابی‌هایی به منظور یاری سفرا در نظارت کلی بر منابع و برنامه‌ها و گزارش حوزهٔ مأموریت فراهم کند. بررسی اقدام بر اساس یک بحث کمیتهٔ فرعی ارزشیابی در مورد نظرات نوشته شده که به وسیلهٔ مدیران گزارش واشنگتن تهیه شده و یک آزمون ارزیابی گزارش در مقابل سابقهٔ فعالیتهای گذشتهٔ عناصر گزارش دهنده، شرایط محیطی درگیر در کار گزارش، تناسب خطوط راهنمای گزارش و موضوعات مربوطه مؤثر در به کارگیری، مدیریت و هماهنگی برنامه‌های دایرهٔ گزارش می‌باشد. کمیتهٔ منابع انسانی از نظرات و با توصیه‌های مربوط به برنامهٔ FOCUS استقبال می‌کند.

**سرپرست اطلاعات مرکزی**
**واشنگتن دی. سی. ۲۰۵۰۵ ـ مأموران اطلاعاتی ملی**
**تاریخ: ۴ نوامبر ۱۹۷۶ ـ ۱۳ آبان ۱۳۵۵**
**برای: سفیر ادوارد. اس. لیتل، رئیس کمیتهٔ منابع انسانی**
**از: دیوید. اچ. بلی ـ مأمور اطلاعات ملّی برای خاورمیانه**
**موضوع: قسمت اول ـ تشخیص گزارش FOCUS ایران**

**۱ـ مقدمه:** در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۹۷۶ یک سمینار بین سازمانی به ریاست من برای رسیدگی به مفاد گزارشهای هیئت نمایندگی ما در ایران تشکیل شد تا کفایت، تناسب، به موقع بودن و جوابگویی گزارش به اطلاعاتی مورد نیاز سیاستمداران واشنگتن و انجمن اطلاعاتی را بررسی کند. بیش از ۴۰ نفر در سمینار شرکت کرده بودند. نمایندگان چند اداره در وزارت خارجه، کارمندان NCS، USIA (آژانس اطلاعاتی)، DOD/ISA (وزارت دفاع)، مأموران مختلف CIA و DIA (آژانس اطلاعاتی دفاعی)، خدمات نظامی، NSA، وزارت خزانه‌داری، و کارمندان جامعهٔ اطلاعاتی. لیست دفاتر شرکت کننده در برگ A می‌باشد. بحث سمینار که اساس این گزارش را تشکیل می‌دهد در حدود سه ساعت به درازا کشید و نسبتاً برنامهٔ کار را که در برگ B هست به خوبی دنبال می‌کند. سفیر هلمز برای شرکت در FOCUS دعوت شده بود و سرهنگ پاتریک (دستیار من) FOCUS را با هیئت نمایندگی در تهران در آینده نزدیک در میان خواهد گذاشت.. نظرات و پیشنهادات سفیر هلمز به دقت مورد بررسی قرار خواهد گرفت. خصوصاً در قسمت بعدی بررسی FOCUS.

**۲ـ نظریه‌های کلی:** سعی نشده که بحث در تمام برنامهٔ کار و دیگر موضوعات خلاصه شود. در عوض

www.takbook.com



من موضوعات منتخب را مورد توجه قرار داده‌ام. به خصوص بعضی از آنها که لزوم فعالیت پیگیری را چه در واشنگتن و چه در هیئت نمایندگی می‌رسانند. در بحث در مورد موضوعات اطلاعاتی و گزارشی حال و آینده تلاش کرده‌ایم که حداقل با یک روش کلی ارجحیت و اهمیت اطلاعات و اثر آن بر آمریکا و برنامه‌هایش را مورد توجه قرار دهیم.

**۳ـ** به طور کلی گزارش از هیئت در مورد اغلب موضوعات خیلی خشنود کننده است. خیلی از مشکلات تحلیل و اطلاعاتی که وجود دارند، از طبیعت ساخت قدرت ایران ریشه می‌گیرند. چون که شاه تقریباً یک سلطان مطلق (مستبد) است، تشخیص اینکه او واقعاً چه فکری می‌کند مهم است تا در نتیجه از آن چیزی که برای خوشایند شنوندگان به خصوص اظهار می‌دارد، متمایز شود. گزارشات گفتگوهایی که سفیر هلمز و دیگر مقامات عالیرتبهٔ آمریکایی با شاه داشته‌اند، در این باره مفید هستند، به خصوص وقتی که آنها شامل نظریه‌های خصوصی شخص گزارش دهنده باشند.

**۴ـ ملاحظات منطقه‌ای:** گزارش در مورد روابط ایران با اغلب همسایه‌هایش خوب بوده است (نه فقط از هیئت نمایندگی در تهران، بلکه همچنین از هیئتهای نمایندگی آمریکا در دیگر کشورها). برای مثال گزارش در مورد روابط ایران و عربستان سعودی عالی بوده است، اگرچه گزارش مبسوطی نیز از گفتگوهای دو جانبه دربارهٔ ملاحظات اقتصادی و ترتیبات امنیتی دو طرف مفید خواهد بود. گزارش وسیعی در مورد روابط ایران و عمال و گزارش کافی از روابط با کشورهای آسیای جنوبی داشته است. به عنوان یک موضوع دراز مدت، تشخیص و تحلیلهای مداوم هیئتهای نمایندگی در مورد ملاحظات ایران در منطقه اقیانوس هند مورد استقبال واقع خواهد شد.

**۵ـ دو مورد به خصوص اسرائیل و عراق هستند:** توافق شرکت کنندگان در سمینار بر این است که گزارش از تهران یک دید کافی از روابط اسرائیل ـ ایران به دست می‌دهد. این رابطه یک موضوع پراهمیت خواهد بود که اطلاعات بیشتر از جانب ایران به دست آورده می‌شود.

**۶ـ مشکلات ما در ارزیابی روابط ایران ـ عراق:** به واسطهٔ عدم حضور یک سفارت در بغداد پیچیده هستند. این موضوع ما را مجبور می‌سازد که به مقدار زیادی به گزارش هیئت ایرانی تکیه کنیم. پوشش گزارشی عالی در زمان درگیریهای عراق و کردها وجود داشت ولی گزارشهای فعلی پراکنده است، حتی دربارهٔ ایران. پیشنهاد شد که محدودیتهای تکنیکی جمع‌آوری شده (اطلاعات) و اتکای زیادمان بر اطلاعات تهیه شده به وسیلهٔ ساواک در زمینه منابع انسانی را می‌توانیم به وسیلهٔ افزایش تحلیل هیئت نمایندگی در مورد روابط ایران و عراق جبران کنیم.

**۷ـ** یک نگرانی اساسی که به وسیلهٔ تعدادی از استفاده کنندگان از گزارش ابراز شده این بود که واشنگتن به روشنی در مورد هدفهای دراز مدت شاه آگاهی ندارد. برای مثال چرا او به جمع‌آوری وسیع لوازم پیچیدهٔ نظامی مشغول است؟ شاه اظهار می‌دارد که استحکامات کافی در مقابل عراق کمونیست مجهز فقط احتیاطی هستند، ولی تهیهٔ پایگاههای جدید منافع دیگری را تداعی می‌کند. در سال ۱۹۸۵ وقتی که درآمدهای نفتی از تولید ایران به نقطهٔ اوج رسیده و همسایه‌های نفتی ثروتمندش آن طرف خلیج فارس هستند، شاه قصد دارد که با تسلیحات ذخیره شده‌اش چه بکند؟ آیا او هنوز اظهار علاقه برای ثبات منطقه خواهد کرد؟ یا او هدفهایی برای بی‌ثباتی خواهد داشت؟ تلاشهای توسعهٔ داده شدهٔ تیم کشوری برای تشخیص هدفهای دراز مدت شاه و معرفی گرایشهای دراز مدت در منطقه خلیج فارس و همچنین

www.takbook.com



تأکیدی در مورد تحلیل در میان جامعهٔ واشنگتن مورد نیاز است.

**۸ـ** دیگر روابط خارجی، هیئت نمایندگی در زمینهٔ توسعهٔ روابط با شوروی ارجحیت قائل شده است و کار بسیار خوبی در گزارش این موضوع انجام داده است. نظریه‌های که از طرف شرکت کنندگان در واشنگتن در مورد گزارش روابط خارجی ایران به طور کلی ابراز شد، شامل نکات زیر می‌باشد: (۱) نیاز به توافق استفاده کنندگان در واشنگتن در مورد تهیهٔ لیستی مطابق روز و به طور مرتب از نیازهای گزارشی هیئت نمایندگی. (۲) ارزش گزارش در مورد عکس‌العملها از منابع گوناگون (منجمله کارمندان متوسط دولت) تا اینکه تقریباً به طور کامل بر روی گفتگوها با کانالهای ارتباطی ارشد دیپلماتیک یا اطلاعاتی تکیه شود. (۳) نیاز برای گزارش کاملتر هیئت در مورد روابط اقتصادی علمی و دفاعی ایران با فرانسه، بریتانیا، و تمام کشورهای اروپای شرقی. وزارت خارجه و دیگر سازمانهایی که موضوعات مواد مخدر را دنبال می‌کنند اصرار کردند که گزارش در مورد ارتباط مواد مخدر به وسیلهٔ تمام عوامل مناسب سفارت افزایش یابد.

**۹ـ** روابط دو جانبه با ایالات متحده، گفتگوهای قابل ملاحظه‌ای دربارهٔ حجم قراردادهای دوجانبهٔ رسمی و غیر رسمی بین ایالات متحده و ایران و مشکلات و احتمالاتی که این قراردادها برای سیاستمداران و کارشناسان اطلاعاتی به وجود می‌آورد مطرح شد، به عبارتی همان طور که یک شرکت کننده از NSC تأکید کرد. هزاران پیمانکار آمریکایی مستقل از کانالهای قانونی و قبل از اینکه دولت آمریکا موفق به بررسی مفاهیم سیاست خود بشود با دولت ایران رابطهٔ تجاری برقرار می‌کنند. این موضوع یک مشکل جدی سیاسی را برای دولت آمریکا تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، هزاران آمریکایی غیر رسمی به طور قانونی در ایران هستند که نشان‌دهندهٔ یک ذخیرهٔ پنهانی مهم اطلاعاتی هستند، ولی هیئت نمایندگی فاقد پرسنل برای به عهده گرفتن یک تلاش سیستماتیک برای بهره‌برداری از این داراییها است.

**۱۰ـ موقعیت (وضعیت) داخلی:** ما نه فقط به بازتابهای بیشتری در مورد اینکه چه چیزی در پشت حرفها و اعمال شاه است، بلکه همچنین اطلاعات اضافی و تحلیلهایی در مورد اینکه چگونه تصمیمات شکل می‌گیرند و چه کسی در اتخاذ آنها تأثیر دارد، احتیاج داریم. در این باره دانستن اینکه چو موضوعاتی در شاه پنهان نگه داشته می‌شود و اینکه به چه میزان گزارشهایی که به او داده می‌شود توسط زیردستانش دستکاری می‌شود، خصوصاً مهم می‌باشند. تا چه حدی این کارهای جلوی دید او را می‌گیرد؟ او را منزوی می‌کند؟ و رژیم او را به خطر می‌اندازد؟ باید تذکر داده شود که ایرگرامهای اخیر سفارت (در مورد ۱۵ فرد «عالیرتبه در اطراف شاه، و مقامات بالای نظامی» نمایانگر نوع گزارشی است که خصوصاً سودمند می‌باشد. به هر حال تحلیلگران وزارت خارجه در میان آنهائی بودند که اظهار داشتند که اطلاعات و تحلیل‌ها کافی دربارهٔ جانشینی تاج و تخت ندارند. نحوهٔ انتقال قدرت چه خواهد بود؟ رهبران چه کسانی خواهند بود؟ پروژه‌های شاه، منجمله برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی او چگونه با رفتنش متأثر خواهد شد؟

**۱۱ـ** گزارش بیوگرافی باید دوباره مورد تأکید قرار گیرد. چیزی که مورد احتیاج است فقط اطلاعات بیوگرافی نیست، بلکه تحلیلهای بیوگرافی و اطلاعاتی است. چنین گزارشی بایستی که بر روی رهبران مهم و مؤثر متمرکز شود، و همچنین افسران ارشد و اعضای اصلی خانوادهٔ سلطنتی. یک توصیه برای کاستن

www.takbook.com



این ضعف، راههای بهتری برای بهره‌برداری از تجربهٔ مقامات همیاری امنیتی آمریکا و به دست آوردن گزارش موجود حاوی اطلاعات در مورد عقاید مقامات نظامی ایران، است. علاوه بر این تلاشی باید در واشنگتن صورت گیرد که تحلیلهای بیوگرافی در دسترس، در میان جامعهٔ اطلاعاتی تقسیم و منتشر گردد.

**۱۲ـ** گزارش در مورد تروریسم خوب بوده است، اگر چه ما وابسته به اطلاعات تهیه شده به وسیلهٔ ساواک باقی می‌مانیم. یک احتیاج مداوم به اطلاعات دست اول دربارهٔ عوامل مختلف وجود دارد. در حالی که از نظر سیاسی ملاقات با مخالفین شناخته شهٔ شاه برای مقامات سفارت یک موضوع مشکل و حساس است. هیأت نمایندگی باید زیادترین مقدار تماسهای ممکن را داشته باشد.

**۱۳ـ** برای درک بهتر از چگونگی برخورد ایرانیان عادی، وضعیتشان مورد نیاز است. برای مثال، وقتی که برنامه‌های مبارزه با تورم و فساد شروع شد، هیأت گزارش خوبی از اثرات این جریانات بر روی تجار ایرانی تهیه کرد. چنین گزارشاتی تقلیل پیدا کرده است. به طور مشابه، ما به اطلاعات دست اول در مورد اثر اساسی طرحهای توسعهٔ اقتصادی احتیاج داریم. آیا پیشرفت (بهبودی)های اقتصادی قابل لمس در سطح روستا وجود داشته است؟

**۱۴ـ** موضوعات دیگری که مورد بحث قرار گرفت شامل، احتیاج به شناخت بهتر ساواک، کارکرد داخلی آن، قابلیت اتکای سیاسی و نفوذ آن بر روی شاه می‌باشد. در ارتباط با اطلاعات در مورد ساواک سؤالهایی در زمینهٔ متدهای آن و وضعیت حقوق بشر در ایران وجود دارد.

گزارش از هیأت نمایندگی واقعاً خوب بوده است، ولی حتی پوشش بهتر در رابطه با توجه مستمر کنگره مورد نیاز است.

**۱۵ـ ملاحظات اقتصادی:** البته گزارشات اقتصادی وسیع از هیأت وجود دارد که بسیاری از آنها سودمند است. پوشش خوبی از موانع آشکار در سر راه پیشرفت وجود دارد (برای مثال احتیاجات برای نیروی انسانی ماهر، بنادر و غیره). گزارشات عمیق‌تر در مورد توسعهٔ وسیع صنایع بخشهای مهم صنعتی (برای مثال فولاد، پتروشیمی و مس) موجب قدردانی خواهد بود. رقابت میان ارتش و قسمتهای غیرنظامی برای نیروی انسانی ماهر، کمیاب و اثر چنین رقابتهایی بر روی آمادگی ارتش و اقتصادی غیرنظامی مستلزم تأکید بر گزارشات مخصوص است. جنبه‌های کمی نیروهای انسانی و درجهٔ تأثیر (سودمندی) تلاشهای آموزشی نیز مستلزم تحقیقات وسیع‌تر است.

**۱۶ـ** ایرانیها اطلاعات خود را دربارهٔ راه‌حل‌های جایگزینی به جای نفت در آینده به‌عنوان یک منبع انرژی در میان می‌گذارند. دربارهٔ استراتژی قیمت‌گذاری نفت، گزارش CIA/DOD (وزارت دفاع و سیا) خصوصاً سودمند است، چون اطلاعاتی را فراهم می‌کند که برتر از تعبیرات (گفته‌های) مقامات ایرانی است. یک نمایندهٔ وزارت خزانه‌داری گفت که اطلاعات بیشتری از طراحان و تکنسینهای شرکت ملی نفت ایران سودمند خواهد بود. خصوصاً در مورد طرحها و استراتژی‌ای صنعت نفت. به طور مشابه اطلاعاتی در مورد توسعهٔ ذخایر گاز طبیعی و پیش‌بینی‌ها برای صادرات بیشتر مورد نیاز است.

**۱۷ـ ارتش** و T و S: توجه قابل ملاحظه‌ای در میان گفتگوهای سمینار به وسیلهٔ تحلیلگران نظامی دربارهٔ عدم وجود اطلاعات قابل اطمینان در میان جامعهٔ اطلاعاتی دربارهٔ تواناییهای نیروهای مسلح ایران ابراز شد. اطلاعات اصلی OB و E و TO به سادگی در دسترس نیست. به علاوه ارزیابی تهدید نظامی و غالب آمدن بر توازن قوای منطقه‌ای نیز علیرغم حضور قابل توجه نظامی آمریکا در ایران ناقص است.

www.takbook.com



گزارشات خوبی از شرکتهای آمریکایی که ایرانیها را در زمینهٔ تجهیزات (مثلاً هلیکوپتر) آموزش می‌دهد سازنده بوده است. اطلاعات بهتری در مورد ساختمان بنادر و پایگاههای ایران مورد نیاز است. متأسفانه، گزارشات آموزشی سازمان همکاری امنیتی، گزارشات مسافرت به پایگاههای ایران و اطلاعات مشابه به طور عادی به تحلیلگران اطلاعاتی در واشنگتن نمی‌رسد.

**۱۸ـ** گزارشات عالی دربارهٔ طرحهای توسعهٔ اتمی ایران رسیده است. هر نشانه‌ای که ایرانیها در حال پیشرفتی برای توسعهٔ سلاحهای اتمی هستند، خصوصاً،مهم خواهد بود.

**۱۹ـ** بیشتر اطلاعاتی که هم اکنون دربارهٔ همکاری در تولید (تولید مشترک) نظامی یا انتقالات سلاح به کشور ثالث در دسترس است، به وسیلهٔ شرکتها تهیه شده و یا در هیأت کنترل تدارک پرونده شده است. ما برای قضاوتهای مستقل در چنین زمینه‌هایی اطلاعات نامناسبی داریم. خصوصاً تشخیص احتمال انتقال تکنولوژی پیچیدهٔ ایالات متحده مشکل می‌باشد. هیأت باید به جدا کردن گزارش در مورد تولید نظامی ادامه دهد تا مطمئن باشیم که گزارش بین قسمتهای نظامی و اقتصادی واقع نشود.

**۲۰ـ ملاحظات برای آینده:** تعدادی توصیه توسط شرکت‌کنندگان در سمینار در جهت افزایش پوشش گزارشی عنوان شد. من توصیه می‌کنم که اینها به وسیلهٔ کارمندان HRC و در مشاوره با مدیران مناسب (جمع‌آوری اطلاعات) واشنگتن بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

ـ یک مأمور مورد احتیاج سفارت (احتمالاً یک مأمور سیاسی نظامی) برای اطمینان پیدا کردن از تلاشهای سیستماتیک هیأت برای تعقیب ردپای معاملات مهم مقاطعه‌کاران و بازرگانان آمریکایی با دولت ایران سودمند خواهد بود. این مأمور همچنین باید که هدایت طرح‌ریزی ارزیابیهای متناوب تیم کشوری را در اهمیت برد کامل فعالیتهای ایالات متحده در ایران و اثرات آن بر روی دولت ایران و اهالی ایران و هدفهای سیاسی خارجی آمریکا به دست گیرد.

ـ استعداد نهانی سازمان همکاری امنیتی محتاج این است که بیشتر به کار گرفته شود. ارتباط‌ها با ایرانیان، گزارشات آموزشی، گزارشات سفرها و از این قبیل، باید به طور عادی (مرتب) در دسترس DAO و از طریق آن دفتر به جامعهٔ واشنگتن ارسال گردد.

ـ دانشجویان مبادله‌ای، معلمین، مبلغین مذهبی و غیره که برای مدتی در ایران زندگی می‌کنند، بایستی که به طور متناوب بر یک اساس برگزیده (منتخب) دربارهٔ اطلاعاتی که از طریق فعالیتهای عادیشان کسب می‌کنند، مورد سؤال و پرسش قرار گیرند. شاید مأمور سیاسی نظامی که در بالا به آن اشاره شد این کارها را در تهران انجام دهد. CIA/DCD می‌توانند در ایالات متحده پیگیری کنند.

ـ یک لیست کامل از بازرگانان آمریکایی که در حال انجام معاملات مهم و اساسی هستند باید در دسترس هیأت اعزامی و تحلیلگران در واشنگتن قرار گیرد. تحلیلگران بعداً می‌توانند ترغیب شوند که چنین لیست تجدیدنظر شده مرتب را به‌عنوان کلید برای تهیه نیازهای فعالیت جمع‌آوری (اطلاعات) CIA/ DCD مورد استفاده قرار دهند. این لیست همچنین باید کوششهای هیأت اعزامی در تعقیب ردپای بازرگانان آمریکایی در ایران را تسهیل کند.

۲۱ ـ احتیاجات اطلاعاتی ترجیحی. من در اختیار کمیتهٔ منابع انسانی شما خواهم بود که لیست احتیاجات اطلاعاتی ترجیحی ویژه را که مستلزم توجه هیأت در میان ترم آینده می‌باشد، تهیه کنم.

دیوید. اچ. بلی

(افسر) مأمور اطلاعات ملی برای خاورمیانه

www.takbook.com



**شرکت‌کنندگان در سمینار ستاد شورای امنیت ملی**

**وزارتخانه:** USIA **و سازمان اطلاعات وزارت دفاع** DIA**، سازمان امنیت ملی** NSA**، بخشهای مختلف دفاعی، خزانه‌داری و سازمان مرکزی اطلاعات** CIA **و بخشهای مختلف آن و عضو جامعهٔ اطلاعاتی.**

FOCUS **ایران ـ برنامهٔ کار**

**۱ ـ ارزیابی مفاد گزارش در مورد موضوعات (موارد) مهم زیرین:**

**الف: ملاحظات منطقه‌ای**

۱ـ پیشرفت در جهت انجام یک پیمان امنیتی دوطرفه با ضمانت (بانی شدن) ایران با کشورهای ساحلی خلیج فارس. آیا چنین پیمانی سرانجام، آمریکا را از منطقه کنار خواهد گذاشت و یا جریان ناگسیختهٔ نفت از خلیج را به خطر خواهد انداخت؟

۲ـ موقعیت روابط ایران با عربستان سعودی. آیا ایران انتظار واژگونی و یا سرنگونی دولتهای عربستان سعودی و کویت را در آینده قابل پیش‌بینی دارد؟ اگر مورد تهدید واقع شدند، آیا رژیمهای عرب اعتنایی به توصیه‌های شاه و یا کمک ایران را قبول خواهند کرد؟

۳ـ تلاشهای دولت ایران برای فشار به بحرین برای تفسیر موقعیتش در دور کردن نیروهای خاورمیانه MIDEASTROR در ۱۹۷۷.

۴ـ نشانه‌هایی که شاه قصد جرح و تعدیل حضور ایران را در عمان داشته باشد (یا نیروهایش را خارج کند و یا اینکه حضور آنها را دائمی سازد). طبیعت و وسعت روابط دو جانبهٔ امنیتی ایران با عمان چه مقدار است؟ آیا آن شامل کنترل تنگهٔ هرمز و همکاری مشترک آینده می‌باشد؟ آیا یک سیاست عادی در رابطه با «راه عبور بی‌ضرر» برای کشتیهایی که به خلیج وارد و یا از آن خارج می‌شوند وجود دارد؟ آیا ایران به دنبال برقراری یک پایگاه دائمی عملیات در عمان به منظور قدرتش در اقیانوس هند و یا دریای سرخ است؟

۵ـ ابقای توافق ایران ـ عراق در مارس ۱۹۷۵. آیا نشانه‌هایی مبنی بر اینکه تهران در حال احیای جنگ کردها و یا اینکه تهران اجازه می‌دهد که عملیات چریکی در کردستان عراق از ایران پایه‌گذاری شود. می‌باشد؟ آیا اتحادیهٔ ملی کردی طالبانی هیچ موفقیتی در استخدام پناهندگان کرد عراقی و یا کردهای ایرانی داشته است؟

۶ـ موقعیت تلاشهای حمایت شده عراق برای واژگونی رژیم در ایران. آیا بغداد از عملیات تروریستی فداییان در داخل ایران حمایت می‌کند؟ طبیعت و وسعت حمایت عراق که از گروههای تروریست ایرانی می‌شود چقدر است؟ آیا بغداد در میان افراد قبایل بلوچی و یا ساکنین عرب خوزستان ایجاد اختلاف و نارضایتی می‌کند؟

۷ـ موقعیت روابط ایران با پاکستان و هند. آیا ایران هنوز به ابقای کشور فعلی پاکستان متعهد است؟ آیا ایران سیاست خودداری از هر مداخلهٔ مستقیمی را در مشکل بلوچستان پاکستان تغییر داده است؟ آیا آشوب بلوچها به جنوب شرقی ایران رسوخ کرده است؟

۸ـ موقعیت شرکت ایران در سنتو RCD و دیگر تلاشهای مشترک همکاریهای منطقه‌ای.

۹ـ وسعت و طبیعت درگیریهای دوجانبه بین ایران و افغانستان. یا تغییرات مهمی در برنامهٔ کمکهای ایران برای کابل بوده است؟ آیا چنین کمکی موفقیتی در معتدل کردن سیاستهای افغانستان نسبت به

www.takbook.com



پاکستان و یا کم کردن نفوذ شوروی در افغانستان داشته است؟

۱۰ـ پیشرفت در جهت اجرای طرح مثلثی دفاعی خیالی ایران آفریقای جنوبی ـ استرالیا در اقیانوس هند. آیا قراردادها اجرا می‌شوند که مفهوم را متأثر سازند؟ آیا ایران قدمهای دیگری برای دستیابی به پایگاه سابق بریتانیا در جزیرهٔ GAN (گن) برداشته است؟

**ب: مواجهه (برخورد) اعراب ـ اسرائیل**

۱ـ تغیرات در سیاست ایران برای برقراری روابط خوب ولی مخفی با اسرائیل در موضوعات سیاسی، اقتصادی و نظامی. آیا ایران ارتباطش با اسرائیل در رابطه با اطلاعات حساس نظامی و تکنیکی بر قرار است؟ آیا نفت ایران به طور مداوم به خط لولهٔ اسرائیل منتقل می‌شود؟

۲ـ موقعیت روابط ایران با میانه‌روهای عرب و عوامل رادیکال (منجمله سازمان آزادی‌بخش فلسطین). آیا تغییرات مهمی در همبستگی تهران با دنیای عرب بوده است؟ و تأثیرات احتمالی منطقه‌ای این تغییرات چه خواهد بود؟

آیا طرحهای اعانتی و بازرگانی و همچنین فعالیتهای مشترک ایران و اعراب از افزایش اتکاء متقابل اقتصادی کشورهای منطقه خبر می‌دهند؟

۳ـ توسعهٔ روابط ایران و مصر و اثر آن در روابط تهران و عربستان سعودی، اسرائیل و ایالات متحده. موقعیت برنامه‌های آموزشی نظامی ایران برای پرسنل مصری چه هست؟ ایران در مقابل چنین آموزشهایی چه به دست می‌آورد؟

**ج: روابط با ابرقدرتها**

۱ـ موقعیت روابط ایران با اتحاد شوروی. آیا افزایش قابل ملاحظه‌ای در نفوذ شوروی بوده است؟ آیا مقادیر و شرایط روابط اقتصادی و همکاری نظامی با کمونیستها تغییر کرده‌اند؟ آیا اختلافات مرزی برجسته‌ای وجود دارد؟ آیا اجازهٔ عبور با هواپیما از فراز ایران ادامه پیدا می‌کند؟ آیا شرایط موافقت مبادلهٔ گاز طبیعی به وسیلهٔ دو طرف رعایت می‌شود؟

۲ـ موقعیت روابط با ایالات متحده. آیا تغییراتی در طرح سرمایه داخلی‌اش برای کالاها و خدمات ایالات متحده تعهد کرده است.

۳ـ موقعیت افراد آمریکایی در ایران. آیا شمار فزایندهٔ پرسنل نظامی آمریکا و پیمانکاران آمریکایی روی رفتار ایرانیان نسبت به آمریکا اثر نامطلوبی گذاشته است؟ آیا هیچ نشانه‌ای که دولت ایران قصد دست زدن به اعمالی که ممکن است قرارداد موجود مستشاری نظامی را تغییر دهد، و یا ارتباطات ایالات متحده، AEDS یا تأسیسات پنهانی ایالات متحده را در خطر اندازد وجود دارد؟ آیا ایران قصد باز پس گرفتن حقوق اضافی که به آمریکا برای استقرار P-3های نیروی دریایی در بندرعباس داده دارد؟

**د: ملاحظات داخلی**

۱ـ حد مخالفت داخلی. آیا تروریستها موفقیتی در جلب توجه هواداران داشته‌اند؟ آیا سیاستهای مطبوعاتی دولت تأثیری در تصویر عمومی تروریستها داشته است؟ ساواک در مبارزهٔ ضد تروریسم تا چه

www.takbook.com



حد موفق بوده است؟ آیا شاه از تلاشهای ساواک خشنود به‌نظر می‌رسد؟ آیا قتل افراد آمریکایی احساسات ضد آمریکایی را در میان تودهٔ عمومی مردم برانگیخته است.

۲ـ جلوگیری از تلاشهای نامحدود به وسیلهٔ کمونیست‌ها و دیگر گروههای رادیکال. عوامل اصلی ضد رژیم چه هستند و از جانب چه کسی حمایت می‌شوند؟ (عراق، لیبی، اتحاد شوروی، کوبا، سازمان آزادیبخش فلسطین؟)

۳ـ موقعیت مبارزات ضد فساد و تورم شاه. آیا مقررات جدید برای اجرای سیاستهای شاه مؤثر بوده است؟ آیا آنها قابل اجرا هستند و احتمال متوقف کردن فساد و سودجویی موجود را دارند؟

۴ـ نشانه‌های بهتر شدن (یا بدتر شدن) توزیع درآمد در ایران. آیا بهبود (پیشرفت) قابل لمس اقتصادی در سطح روستا بوده است؟ اثر سیاسی آگاهی فزایندهٔ اقتصادی در میان تودهٔ مردم چیست؟

**هـ: ملاحظات اقتصادی**

۱ـ موقعیت برنامهٔ توسعهٔ جاری، شامل تلاشهای صنعتی و کشاورزی، اثر کارگر، بندر و دیگر مشکلات زیربنایی در تلاشهای توسعه چیست؟ آیا کوششهای دولت برای حل مسایل هیچ‌گونه اثری داشته‌اند؟ آیا کاهشهایی در اهداف سرمایه‌گذاری برای پروژه‌های وسیع محتمل است؟

۲ـ نقصان زمینهٔ نیروی انسانی ماهر ـ قابل آموزش. آیا ایران می‌تواند یک رشد سریع اقتصادی را با زمینهٔ محدود تکنولوژیش محتمل شود؟ آیا مردم هجوم خارجیها برای انجام طرحهای توسعه را قبول می‌کنند؟

۳ـ توسعهٔ جایگزینی مؤثر به جای نفت به عنوان یک منبع انرژی موقعیت طرحهای توسعهٔ صنعت ملی پتروشیمی به‌عنوان یک راه چاره به جای تولید نفت چیست؟ آیا تأسیسات رآکتورهای اتمی طرح‌ریزی شده طبق برنامه پیش می‌روند؟ برنامه‌های ایران برای انباشته کردن و برای انجام برنامه‌های همکاری چیست؟

۴ـ استراتژی‌های قیمت‌گذاری نفت، برنامه‌های ایران برای حفظ درآمد نفتی‌اش از اثرات تورم جهانی و بالا رفتن هزینه‌های کالا چه هستند؟ آیا نشانه‌هایی هستند که دولت به طور رادیکال از توافقش با کنسرسیوم جرح و تعدیل به وجود آورد.

۵ـ تغییرات در استراتژی‌های سرمایه‌گذاری خارجی جاری. کارشناسان مالی اصلی چه کسانی هستند و نفوذ آنها بر سیاستهای دولت به چه اندازه است؟ آیا تغییرات عمده‌ای در رابطهٔ بین بانک مرکزی و وزارت دارایی (اقتصاد و دارایی) بوده است؟

۶ـ دستورالعملهای جدید در رابطه با همکاری تولیدی نظامی و انتقالات به کشور ثالث مورد توجه قرار می‌گیرد. برنامه‌های ایران برای مشارکت در توسعهٔ صنایع تسلیحاتی منطقه‌ای در پیوستگی با کشورهای عرب ترکیه و پاکستان چه هستند؟ آیا تغییراتی در استراتژی‌های توسعهٔ تکنولوژی بومی D و R ایران بوده است؟

**و: ساخت داخلی قدرت**

۱ـ قدرت شاه در استحکام بخشیدن به پایه قدرتش آیا تغییرات در شخصیت شاه وجود داشته است؟

www.takbook.com



تأثیر آنها بر رفتار سیاسی او چیستند؟ طبیعت ایرانی چیست و اثر آن بر روی رژیم چیست؟

۲ـ تشخیص هویت افسران نظامی که احتمالاً نقش اصلی را در هر انتقال قدرتی در صورت کشته شدن شاه بازی می‌کنند. نظرات سیاسی آنها چیست و چه کسانی از اعضای دولت و خانوادهٔ سلطنتی به آنها نزدیکترند؟

۳ـ رابطهٔ شاه با طرحهای حزب رستاخیز. آیا حزب قادر است که نظم را بر اعضایش اعمال کند؟ آیا تغییراتی در رهبری حزب به وجود خواهد آمد؟ آیا تغییرات در رهبری اثری بر سیاستهای حزب و یا نفوذ آن دارد؟

۴ـ قدرت (نیرو) و تمایل جاری حزب توده. رهبران اصلی حزب توده چه کسانی هستند و از کجا فعالیت (عمل) می‌کنند؟ منابع اصلی کمک برای حزب چه هستند؟ آیا ارتباطاتی بین توده و گروههای فعال تروریست که در داخل ایران فعالیت می‌کنند وجود دارد؟ تا چه درجه‌ای تلاشهای استخدامی (عضوگیری) حزب توده در میان دانشجویان ایرانی در خارج موفق بوده است؟

**ز: امور نظامی**

۱ـ توسعه و مدرنیزه کردن نیروهای موجود (فعلی) نظامی چه قدمهایی برای برقراری استحکام نیروهای ایران در مقابل عراق برداشته است؟ آیا تغییراتی در جهت افزایش کفایت و جوابگویی نیروهای مسلح اتفاق افتاد؟ آیا عدم کفایتهای رزمی که در طول جنگ ظفار تذکر داده شد به دوباره ارزیابی کردن احتیاجات و هدفهای نظامی منجر شد؟

۲ـ تغییرات در رشته‌های سطح بالای رهبری نظامی. آیا تغییراتی که در جهت‌گیری متمایل به غرب ایران اثر بگذارند، رخ داده؟ آیا مدرکی در مورد سازش رهبران بالای نظامی و پیمانکاران خارج وجود دارد؟

۳ـ نشانه‌هایی از تصمیم ایران برای به عهده گرفتن توسعهٔ سلاحهای اتمی. آیا نشانه‌هایی هست که ایران برنامه‌هایی برای تخلف از اصول پیمان عدم توسعهٔ اتمی دارد؟

۴ـ توسعهٔ تأسیسات بندری و نظامی در خلیج عمان و اقیانوس هند. چه قدمهای نظامی برای به دست گرفتن کنترل ورودی خلیج فارس برداشته شده؟ آیا تغییراتی در مواضع پیش‌بینی شده نسبت به اشغال ابوموسی و جزیرهٔ تنب به وسیلهٔ ایران به وجود آمده؟

۱. معرفی قوت و ضعفهای گزارش جاری.
الف ـ در بین (داخل) هیأت نمایندگی.
ب ـ خارج از هیأت نمایندگی.
۲. ارزیابی هیأت از حمایتی که توسط جامعهٔ اطلاعاتی از آن می‌شود.
۳. نتایج جمع‌بندی‌های و توصیه‌ها برای کارهای گزارشی آینده.

www.takbook.com



**سرّی**

**سرپرست سازمان اطلاعات مرکزی، کمیتهٔ منابع انسانی، کمیتهٔ فرعی تشخیص، ۲۷ دسامبر ۱۹۷۶ ـ ۶ دی ماه ۱۳۵۵، FOCUS ایران**

**قسمت دوم: بررسی اقدام**

**۱ـ مقدمه:** کمیتهٔ فرعی ارزیابی در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۶ در جلسه‌اش گزارش ارزیابی (قسمت اول) را بررسی نمود. نمایندگانی از وزارت خارجه CIA، DIA، ارتش، نیروی دریایی، نیروی هوایی، ستاد جامعهٔ اطلاعاتی و افسر (مأمور) اطلاعات ملی حضور داشتند. قسمت دوم نتایج کلی، مشاهدات و نظریه (توصیه)های کمیتهٔ فرعی ارزیابی را خلاصه می‌کند، و نظرات سازمان (CIA) را دربارهٔ موضوعاتی که در جریان بررسی پدیدار شد منظور می‌دارد. به کمیتهٔ فرعی توصیه شد که نظرات سفارت تهران در مورد منافع به هیئت نرسیده است و بنابراین در بررسی منعکس نشده است. مأمور (افسر) اطلاعات ملی برای خاورمیانه از سفارت بازدید کرد و یک طرح ارزیابی گزارش را به طور غیر رسمی با مأموران هیئت نمایندگی درمیان گذاشت. هیچ مشکل و یا موضوع برجستهٔ قابل گزارش در آن زمان شناسایی نشد.

**۲ـ نتایج، مشاهدات و اقدام پیگیری**

**الف. توافق در (ارزیابی) گزارش**

کمیتهٔ فرعی در قضاوت ارزیابی گزارش از سفارت آمریکا ـ تهران در مورد اغلب مسایل و موضوعات خشنودکننده، بوده و خیلی از مشکلات اطلاعات و تحلیل که وجود دارد از طبیعت ساخت قدرت در ایران ناشی می‌شود.

**ب. شاه به‌عنوان یک منبع اطلاعات**

در بحث راجع به اطلاعات اصلی از ایران تحلیلگران وزارت خارجه گفتند که: «شاه برای ۳۵ سال حکومت کرده است. از نظر روابط نزدیک و درازمدت ما، استحکام (ثبات) او (در زیر همهٔ صحنه‌سازیها) و خلوص (رک‌گویی) او (در محدودهٔ مفهوم فارسی)، ما تا حدودی هدفهای او و تاکتیکهایش را می‌دانیم. او احتمالاً این را به نفع خودش می‌بیند که در آینده ما را مطلع نگهدارد. با درنظر داشتن طبیعت او ما به مقدار زیادی متکی به صحبتهای فردی او و توانایی سفیرمان و دیگران که سئوالات نافذ را مطرح کنند، باقی می‌مانیم. به طور واقع‌بینانه ما نباید انتظار داشته باشیم که به طور عمده‌ای اطلاعات بیشتری از آنچه هم‌اکنون کسب می‌کنیم از او بگیریم». سیا CIA اظهار می‌دارد که: سودمند خواهد بود اگر که منابع متناوب اطلاعات دربارهٔ شاه داشته باشیم. در مقام اهمیت کمتری نظرات مشابهی دربارهٔ اشخاصی که به شاه نزدیک هستند (آنهایی که با شاه صلاحدید می‌کنند، نظرات او را در موضوعات حیاتی اجرا می‌کنند، زندگیش را محافظت می‌کنند، اطلاعات بیشتر برایش می‌آورند و غیره) قرار دارد».

**ج. گزارش (یادداشت مکالمه)**

نمایندگان وزارت خارجه پیشنهاد می‌کنند که «سفارت آمریکا باید ترغیب گردد که جریان یادداشتهای مکالمه و رپرتاژ غیر رسمی محیطی را ادامه دهد. کمیتهٔ فرعی بر ارزش چنین گزارشات

www.takbook.com



نیمه‌رسمی به مأموران سیاست واشنگتن تأکید می‌کند. او اشاره می‌کند تجربه در این بررسی FOCUS و دیگر بررسیها نشان می‌دهد که یادداشتهای مکالمه‌ای، معمولاً در دسترس تحلیلگران علاقه‌مند خارج از وزارت خارجه قرار نمی‌گیرد. عضو وزارت خارجه با مطرح کردن موضوع با مقامات مسئول در وزارت خارجه و تقاضای همکاری آنها برای جستجوی یک راه‌حل برای این مشکل موافقت نمود.

**د. اطلاعات از آمریکاییهای غیر رسمی در ایران**

پاراگراف ۲ ارزیابی گزارش. اصرار به افزایش تلاشهایی از طرف هیئت نمایندگی برای به دست‌آوردن اطلاعات دربارهٔ تحولات ایران، از تعداد زیاد دانشجویان مبادله‌ای آمریکایی، معلمین، مبلغین مذهبی و بازرگانان در ایران دارد. عضو وزارت خارجه اظهار می‌دارد که هیئت نمایندگی هم اکنون تماسهایی با آمریکاییهای غیر رسمی در ایران برقرار می‌کند. دیگر اعضای کمیتهٔ فرعی اشاره می‌کنند که محدودیت‌هایی در ارتباطهای اطلاعاتی با مبلغین مذهبی و دسته‌های مشخصی از دانشجویان مبادله‌ای وجود دارد. آنها معتقدند که ملاحظات دربارهٔ روابط متقابل آشکار اجتماعی و طبیعی سفارت با شهروندان آمریکایی می‌تواند مشکلاتی ایجاد کند. کمیتهٔ فرعی معتقد است که سفیر در بهترین موقعیت است که فرصتها و ریسکهای پنهانی دخیل در تلاشهای جمع‌آوری (اطلاعات) در این محدودهٔ حساس و مشکل را ارزیابی کند.

**هـ مشخصات بازرگانان آمریکایی**

کمیتهٔ فرعی موافقت دارد که یک لیست از بازرگانان آمریکایی که تجارت اساسی در ایران انجام می‌دهند ممکن است، برای هیئت سودمند باشد و مطمئناً در واشنگتن سودمند خواهد بود. تحلیلگران می‌توانند این لیست را به عنوان راهنمایی در تهیهٔ مطالب بیان شده به صورت دقیقتر برای قسمت داخلی جمع‌آوری (اطلاعات) (DCD) CIA در ایالات متحده به کار برند. عضو وزارت خارجه در این رابطه اشاره می‌کند که طبق قسمت (v) (a) ۳۶ قانون کنترل صدور تسلیحات، لازم است که رئیس جمهور در ۳ گزارشات ۳ ماهه‌اش به کنگره یک تخمین از تعداد شهروندان آمریکایی که در پایان ۳ ماه در کشورهای خارجی برای مأموریت در اجرای فروش تحت برنامه فروشهای نظامی خارجی یا گواهی صدور تجارتی یا تأیید شده به وسیلهٔ دفتر کنترل تدارکات، هستند، منظور دارد.

**و. گزارش نظامی**

کمیتهٔ فرعی معتقد است که ارزیابی گزارش دربارهٔ احتیاج برای اطلاعات اضافی جبهه‌ای غلو می‌کند. CIA اشاره می‌کند که «اطلاعات اساسی OB و E و TO برای واحدهای مشخص در دسترس نیستند. مثل قسمت گارد سلطنتی». DIA خاطرنشان می‌کند که در طول ۱۸ ماه گذشته ۱۳۰ گزارش در موارد نظامی رسیده است (۱۰/۸ درصد تمام گزارشات اطلاعاتی DIA از DIO ایران). تحلیلگران CIA درخواست اطلاعات اضافی در مورد تواناییهای سرتاسری نیروهای مسلح و طرحریزی‌های نظامی احتمالی و طرح‌ریزی توسعهٔ نیرو در محدودهٔ زمانی ۷۸ ـ ۱۹۷۳ را کردند. NIO که در قسمت دوم گفتگوها شرکت کرده بود، موافق بود که مسئله این نیست که اطلاعات اساسی (پایه‌ای) در دسترس نیستند بلکه شکافهای

www.takbook.com



مهمی وجود دارد، نکته‌ای که CIA و DIA بر آن توافق دارند احتیاج به اطلاعات بیشتر در مورد پایگاههای نظامی ایران را تأیید می‌کند، ولی نیازمندیهای به اطلاعات در مورد این تأسیسات به طور نامناسب بیان شده. گزارشات بیوگرافی رسیده در مورد ایران ۶ درصد مجموع گزارش است (در مقابل حدود ۱۲ درصد برای تمام گزارشات رسیده DIA). باید تذکر داده شود که منابع تحلیلی ما محدود هستند و اینکه بیوگرافی در مقابل سایر اهداف از ارجحیت کمتری برخوردار است. هماهنگی نزدیک و مستمری بین تحلیلگران بیوگرافیک DIA و دفتر مرجع مرکزی CIA (ORC) که دارای اختیار برای استفاده از سیستم وابستهٔ دفاعی از طریق DIA را دارد، وجود دارد. لازم است که تحلیلگران و کسانی که اطلاعات جمع می‌کنند، در ارتباط با گزارش بیوگرافیک تحلیلهای خود را بهبود بخشند. ما این احتیاج را در دیاگرام ۱۵ دسامبر ۱۹۷۶ به جمع‌آوری کنندگان که بدین وسیله ما از آنها علت اینکه چرا یک گزارش به خصوص بیوگرافیک تهیه شده و همچنین اطلاعات تقاضا شده قضاوتی در مورد دایرهٔ نفوذ و اختیار به وسیلهٔ رهبران نظامی اصلی که گزارش در مورد آنها تهیه شده را خواهیم خواست.

### ز. اطلاعات سازمان همکاری امنیتی

کمیتهٔ فرعی معتقد است که این سازمان رسمی اصلی ایالات متحده در ایران دارای اطلاعات وسیعی در مورد نیروهای مسلح ایران، پایگاههای نظامی و شخصیتها است (جمع‌آوری شده در جریان عادی کارش) که به سهولت در دسترس تحلیلگران در واشنگتن که می‌توانند از آن استفاده کنند، نمی باشد.

DIA اظهار می‌دارد که این مشکل اطلاعاتی مستمر را به دفتر وزیر دفاع و دفتر وابستهٔ دفاعی در تهران ارجاع کرده و پیشرفتهای قابل توجه در رابطهٔ کاری بین مستشاری نظامی و DIO در تهران در ماههای اخیر رخ داد. این چهارمین بررسی FOCUS است که کمیتهٔ فرعی توجه را به این موضوع جلب کرد. کمیتهٔ فرعی پیشنهاد می‌کند که ستاد جامعهٔ اطلاعاتی موضوع را بر یک اساس ارجحیت با مقامات مناسب در سازمان اطلاعاتی دفاعی و وزارت دفاع دنبال کند.

کارمند اضافی. گزارش ارزیابی پیشنهاد می‌کند که یک مأمور گزارشی اضافی در سفارت آمریکا ـ تهران احتیاج است. مقامات وزارت خارجه در این موضوع هم‌عقیده نیستند. وزارت خزانه‌داری اشاره می‌کند که قسمت اقتصادی شایسته است و به طور کامل به کار گرفته می‌شود ولی بیش از حد توسعه داده شده. کمیتهٔ فرعی با این توصیه موافق نیست. او معتقد است که مدیران جمع‌آوری (اطلاعات) واشنگتن و رؤسای هیئت نمایندگی مربوطه برای تصمیم گرفتن دربارهٔ حوزه‌ای که قضاوتها و کشفیات را در بردارد، در این و با دیگر بررسیهای FOCUS همکاریهای سودمندی در تصمیمات مدیریت با توجه به کارمندگیری که آنها در موردش مسئول می‌باشند، خواهد داشت.

### راهنمای پی‌گیری

کمیتهٔ فرعی پیشنهاد می‌کند که کمیتهٔ منابع انسانی که با افسر اطلاعات ملی و سیاستمداران واشنگتن همکاری نزدیکی دارند، یک لیست احتیاجات اطلاعاتی برای انتقال به هیئت تهیه کنند.

دیوید. جی. کارپنتر
وزارت خارجه
رئیس کمیتهٔ فرعی ارزیابی

www.takbook.com



## سند شماره ۲۱

**از: ادوارد. اس. لیتل ـ سرّی** **۱۷ می ۱۹۷۷، ۲۷ اردیبهشت ۵۶، دفتر رئیس**
**به: ویلیام اچ. سولیوان ـ سفیر آمریکا ـ تهران**
**سرپرست سازمان مرکزی اطلاعات (CIA)، کمیتهٔ منابع انسانی،**

در موقع ارسال بررسی FOCUS ایران برای جک میکلوس (کاردار) در ژانویه، سرپرست سازمان مرکزی اطلاعات (CIA) سیا اشاره کرد که یک لیست محدود اولیه با ارجحیت از مسایل اطلاعات ملی برای سفارت تهیه خواهد شد. ضمیمه، لیست مزبور است که به وسیلهٔ کمیته منابع انسانی با نظر مأمور اطلاعات ملی برای خاور نزدیک و جنوب آسیا تهیه شده است. چون لیست فشرده است ترتیبی برای ارجحیت منظور نشده است. راهنما جدا از بررسی FOCUS تهیه شده است و در فرم اسکلت‌وار به‌نظر می‌رسد. ما امیدواریم که این لیست برای شما به‌عنوان یک نمودار هماهنگ شدهٔ بین سازمانی، مهمترین احتیاجات اطلاعاتی واشنگتن را در برداشته باشد. یک راهنمای مفصل‌تر براساس منظمی از طریق کانالهای سازمانی برای شما تهیه شده است.

همچنان که در برنامه FOCUS تجربه کسب می‌کنیم، امیدواریم که این ارزیابی‌های گزارشی منبع انسانی و راهنمای گزارشی که از آنها جریان پیدا می‌کند کار هیئتهای خارج از کشور را سهل‌تر و آسان‌تر سازد. نظرات شما در مورد این موضوع مایهٔ خوشوقتی من است. **سفیر ادوارد لیتل ـ سرّی**

**سرّی**

**راهنما: ایران**

لیست زیرین سرفصلهای مورد علاقه جوامع اطلاعاتی و امور خارجه می‌باشد.

۱ـ سیاسی

الف: داخلی.

۱ـ هدفها و سیاستهای درازمدت شاه و مشاورین اصلی او، نظامی و غیرنظامی.

۲ـ تصمیمات اساسی سیاسی، ملی، امنیتی و اقتصادی به وسیلهٔ چه کسانی و چگونه گرفته می‌شود.

۳ـ نقشی که ساواک در دولت بازی می‌کند.

۴ـ نقش دولت ایران در نقض حقوق بشر.

۵ـ برنامه‌ریزی‌های آینده و فعل و انفعالات شخصی که جانشین را تعیین می‌کند.

ب: خارجی.

۱ـ منابع تهدیدات نظامی خارجی برای ایران.

۲ ـ موازنه قدرتها در منطقه به نحوی که ایران را متأثر می‌سازد.

۳ ـ روابط با اتحاد شوروی و کشورهای خلیج فارس، خصوصاً عربستان سعودی و عراق.

۴ ـ روابط با هند، پاکستان، افغانستان و ترکیه.

۲ـ اقتصادی.

الف: برنامه‌های رشد اقتصادی، به‌ویژه استراتژی و سیاستهای فروش شرکت ملی نفت ایران.

ب: طرحهایی که برای توسعه اتمی ریخته شده.

۳ـ قابلیتهای نظامی نیروهای مسلح سلطنتی ایران.

www.takbook.com



**سند شماره ۲۲**

**از: سفارت آمریکا ـ تهران ـ سرّی ۵ آوریل ۱۹۷۲، ۱۶ فروردین ۱۳۵۶**

**برای اقدام: وزیر امور خارجه**

**موضوع: ارزیابی سالیانه دربارهٔ سیاست و منابع ایران**

**قسمت ۱ ـ ارزیابی‌های سیاسی**

**الف : منافع آمریکا در ایران**

۱ـ ایالات متحده آمریکا و ایران در پایان جنگ جهانی دوم از طریق منافع متقابل در مهار کردن سیاستهای گسترش‌طلبانهٔ شوروی به سوی یکدیگر کشانده شدند (در آن زمان شمالغربی ایران در اشغال اتحاد شوروی بود). مناسبات آمریکا و ایران از این منافع از آن زمان الهام گرفته و تعدادی از ترتیبات همکاری برای پیشبرد و حفظ این هدف داده شده است. در زمانی که ما از دستمان برمی‌آمد ما یک سپر امنیتی در اطراف ایران از طریق یک تعهد دوجانبه برای به کمک دفاعی ایران رسیدن در صورت حمله از جانب اتحاد جماهیر شوروی، یا متفقان کمونیست آن ایجاد کردیم. ما همچنین خود را با پیمان بغداد (که بعداً سنتو نامیده شد) جزئاً برای همین منظور وابسته کردیم. همزمان ما یک برنامهٔ وسیع شامل مساعدتهای اقتصادی، فنی و نظامی به عهده گرفتیم تا ایران بتواند از منافع خود دفاع کند و منابع خود را در محیطی از ثبات داخلی و اصلاح اقتصادی و اجتماعی رشد دهد. بسیاری از این برنامه‌ها به هدف خود رسیده و پایان پذیرفته‌اند. تنها ترتیب مهمی که هنوز ادامه دارد در زمینهٔ مساعدتهای نظامی است که در آن ایالات متحده اسلحه و پشتیبانی فنی فراهم می‌کند که بهای آن تماماً اکنون از طرف ایران پرداخت می‌شود. ایران که در یک موقعیت استراتژیکی قرار گرفته به نوبه خود به ما محلهایی برای اطلاعات با ارزش که به آسانی قابل جایگزین کردن نیست و تأسیسات مخابراتی فراهم می‌کند و همچنین حق پرواز از طریق تنها دالان هوایی قابل دسترس و امن در این قسمت از جهان برا ما تأمین می‌کند.

۲ـ در ضمن کیفیت و ماهیت مناسبات تحول یافته هر چند، مقصود اصلی آن به طور اساسی همان است که بود. به همان ترتیبی که ایران رشد می‌کرد و رونقش فزون می‌گشت به طوری که در ظرفیتهای خود جلب اعتماد کرده بود. ایالات متحده انتظار داشت و از ایران خواست تا نقش فعال‌تری در صحنه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا کند. تا اندازهٔ زیادی ایران در چهارچوب آنچه که شاه سیاست‌پرداز عمدهٔ ایران به‌عنوان یک «روابط ویژه» از بعضی جهات به همان دلایل که قابل مقایسه با مناسبات ایالات متحده با ناتو و اسرائیل است، به این انتظار آمریکا پاسخ مثبت داده است. به خواهش ما ایران در کمیسیون چهار دولت در ویتنام شرکت کرد و به متفق ما، ویتنام جنوبی تجهیزات نظامی تحویل داد.

همین اواخر یک واحد نظامی برای نظارت بر متارکه در ارتفاعات جولان فرستاد. به توصیهٔ ما ایران مساعدت مالی به مصر و عده‌ای از کشورهای دیگر نیازمند تحویل داد که در این کشورها منافع ما با ایران مشترک بود. ایران یک کمک‌دهندهٔ بزرگ به IFAD بوده است و مسئولیت فراهم کردن افزایش مالی که با شرایط ایالات متحده برای شرکت تطبیق می‌کرد بوده است. ایران همچنین یک نقش معتدل‌کننده پشتیبانی در امور منطقه‌ای ایفا کرده و اختلافات محلی را به سازش رسانده و به عمان کمک کرده است تا شورش تحت پشتیبانی کمونیستها را در منطقه جنوب عمان سرکوب کند. خلاصه برحسب توانایی و نفوذ ایران یک نقش سازنده و کمک‌کننده در اموری که مستقیماً مورد علاقهٔ ایالات متحده بوده، داشته است. ظرف

www.takbook.com



آینده قابل پیش‌بینی علایق اصلی ایالات متحده در ایران به ترتیب زیر است:

الف: حفظ یک ایران با ثبات مستقل غیر کمونیست و همکار که نیرو و اراده کافی برای ایستادگی در مقابل تجاوزگری احتمالی شوروی اعم از مستقیم یا غیرمستقیم دارد و ادامهٔ نقش ایران برای ثبات در خلیج فارس، خاورمیانه و آسیای جنوبی.

ب: تضمین و حفظ یک منبع قابل اتکاء نفت برای غرب ژاپن و اسرائیل به قیمت حتی‌الامکان پایین (یک ملاحظه اولویتی برای سراسر منطقه آسیا خاور نزدیک) با توجه به وزنه محدودی که ما در مواضع قیمت‌گذاری ایران داریم.

ج: پرورش پشتیبانی بیشتر ایران در مورد تأکید حکومت کارتر دربارهٔ بهبود حقوق بشر، عدم اشاعه کلاهکهای هسته‌ای و خویشتن‌دار نسبت به نقل و انتقال سلاحهای قراردادی (سلاحهای غیرهسته‌ای).

د: حفظ دستیابی ایالات متحده به سمتی از ایران که دالان هوایی حیاتی ترکیه و ایران را تشکیل می‌دهد. ( و دسترسی به بنادر ایران برای کشتیهای آمریکایی) در پشتیبانی از منافع امنیتی مشترک.

هـ: حفظ استفاده از سرزمین ایران برای تأسیسات ویژهٔ اطلاعاتی و مخابراتی که بدون از دست دادن کارآییش نمی‌توانست در جای دیگری قرار گیرد.

و: حفظ دستیابی به بازارهای سریع‌الرشد ایران جهت کالا و خدمات آمریکا و همچنین ادامهٔ همکاری مالی ایالات متحده و ایران.

ز: حفظ گفت و شنود مؤثر و همکاری با ایران دربارهٔ تعداد زیادی از مسایل اقتصادی و سیاسی چندین جانبه از قبیل همکاری اقتصادی شمال و جنوب، مناسبات اعراب و اسرائیل، کنترل سلاحها، مسایل مربوط به اقیانوس هند و خلیج فارس و قانون دریا.

ح: تشویق همکاری بیشتر ایران در کوششهای ضد مواد مخدر ما که جنبه جهانی دارد.

**ب : مرور کلی**

۱ـ دو فقره از سیاستهای پایه‌ای ایران که به نحو بسیار مستقیمی در نتیجهٔ نزدیکی ایران به اتحاد شوروی و ارزیابی آن از مقاصد شوروی شکل گرفته عبارتند از برنامهٔ نوسازی نظامی ایران و سرکوبی فعالیتهای کمونیستی داخلی. این دو سیاست همچنین دو سیاستی است که به احتمال قوی به وسیلهٔ تأکید حکومت آمریکا بر محدود کردن نقل و انتقال سلاحهای قراردادی و حقوق بشر مورد سؤال قرار خواهد گرفت. عدم حصول توافق در هرکدام از این دو زمینه میزان موفقیت ما را در پیشبرد منافع دیگرمان در ایران و تا اندازه‌ای در منطقه در معرض تأثیرات منفی قرار خواهد داد.

۲ـ تعهدات امنیتی رو به فرسایش ما نسبت به ایران دیگر قابل اعتماد نیست و با تشویق ایالات متحده ایران، تنها راه دیگر قابل دوام خود را در خودکفایی نظامی تشخیص داده است، هر چند ایران خیالبافیهایی ندارد که بتواند به تنهایی تجاوز مستقیم شوروی را بازدارد. بدین ترتیب ایران دست به برنامه نوسازی نظامی با مقیاس بزرگ و گرانقیمت و به دست‌آوردن سلاحهای بسیار پیچیده به ویژه از ایالات متحده زده است. ایران نیازهای خود را در قبال ارزیابی تهدیدات احتمالی از همسایگانش به ویژه اتحاد جماهیر شوروی و عراق اندازه می‌گیرد و نوع دستگاههای نظامی که برای دفاع از مرزهای خود و نزدیکیهای آن از هریک از جهات مورد توجه قرار می‌گیرد.

www.takbook.com



۳ـ مسئله اینکه چه چیزی می‌تواند تقویت بنیه نظامی ایران را به میزان معتدلی برساند، مسئلهٔ اساسی است. شاه خاطرنشان ساخته است که اگر ایالات متحده عرضه سلاحهای خود را به ایران کاهش دهد او به منابع دیگر رجوع خواهد کرد. خریدهای مهم اخیر از سایر کشورها از جمله اتحاد شوروی این تصمیم را معنی‌دار می‌کند و بنابراین موفقیت کامل در تدوین برنامه به دست آوردن سلاحهای ایران تنها با قائل شدن یک مهلت کلی نقل و انتقال اسلحه به منطقه از سوی همهٔ تحویل‌دهندگان اسلحه تحقق خواهد یافت. بنابه قضاوت ما کوششهای یک جانبه به چنین مقصودی نخواهد رسید.

۴ـ معذالک در میان دو قطب افراطی قطع کامل و عرضه نامحدود ما معتقدیم که محلی برای مانور وجود دارد.

نتیجه، تحت تأثیر این اصل قرار خواهد داشت که بدانیم ما تا چه اندازه به نحو مؤثر و متقاعدکننده‌ای برای نیل به هدف، توافق متقابل با یاران دربارهٔ ماهیت تهدیدهای جاری و آینده علیه آنچه که برای مقابله با آنها لازم است، حرکت کنیم. از بسیاری جهات این فرا روند مشورت باید نزدیک به الگوی آمریکا و اسرائیل باشد. برای این منظور این امر نه تنها شامل بررسی تفصیلی محیط سیاسی و نظامی منطقه خواهد بود بلکه همچنین بررسی منظم نیروهای منابع ملی و انسانی ایران و زیربنای آن و ظرفیت جذب آن نیز خواهد بود، یک چنین خط‌مشی برای اقدام نیازمند اختصاص کادرهای واجد شرایطی فنی که در حال حاضر تعهدی نسبت به واشنگتن و تهران ندارند، خواهد بود. همچنین فرض بر آن است که از جانب ایران ظرفیت و آمادگی که هنوز مورد آزمایش قرار نگرفته، معلوم گردد. معذالک در صورت فقدان یک چنین کوششی تصمیمات یکجانبه حکومت ایالات متحده برای خودداری از فراهم کردن اسلحه برای ایران به عنوان تنزل علاقه ایالات متحده نسبت به ایران و دوستی با آن تعبیر خواهد شد که عواقب آن نیز باید درنظر گرفته شود.

۵ـ زمینه اختلاف نظر جدی احتمالی دیگر مربوط به حقوق بشر است. به قضاوت ما بین تصویری که غربیها از ایران زمان حال دارند از یک طرف، و واقعیت ایران از سوی دیگر به اندازهٔ تجارب فرهنگی و اخلاقی و تاریخی بین غربیها و ایران اختلاف دارد. ایران تاریخی شامل ۲۵۰۰ سال فرمانروایان خودکامه و اغلب خارجی دارد و تنها به نحو نسبتاً محدودی در معرض ارزشهای لیبرال غربی قرار گرفته است. فرایافت‌های جریانهای دمکراتیک اساساً برای سنتهای ایران بیگانه است هرچند ایران در صف مقدم بعضی از انواع حقوق بشر از قبیل آزادی مذهبی قرار گرفته، که این امر در غرب مورد توجه زیاد واقع می‌شود.

اصلاحات ارضی و آموزش و پرورش عمومی و حقوق زنان و سایر اصلاحات اجتماعی و اقتصادی تنها اخیراً (یعنی در سالهای دههٔ ۱۹۶۰ و دهه ۱۹۷۰) در مقابل مخالفتهای سخت محافظه‌کارانه وارد جریان شده‌اند. شکی نیست که حتی این پیشرفتهای محدود در صورتی که رهبری نیرومند و مصمم شاه و پدرش قبل از او وجود نمی‌داشت، تحقق نمی‌یافت. در جریان همین چند دهه اخیر شاه از سوی چپ‌گرایان تحت پشتیبانی کمونیستها و راست‌گرایان مسلمان محافظه‌کار زمین‌دار، در معرض مبارزه‌جویی قرار گرفته و چندین بار به لبهٔ پرتگاه رسیده که ممکن بود، احتمالاً باعث معکوس شدن جهت‌گیری طرفداری ایران از غرب شود. همین اواخر ایران ناگزیر بود با گروهها و اجتماعات کوچک ایثارگر که وحدت چندانی بین یکدیگر نداشتند و مخالفین، مارکسیست اسلامی نامیده می‌شدند و در

www.takbook.com



کوششهایی برای سرنگون کردن نام کنونی متوسل به تروریسم شده بودند مقابله کند. نشانه‌هایی از پشتیبانی بیگانه از این کوششها در دست است. رژیم ایران به این کوششها پاسخ شدید داده است هر چند همیشه کار او مؤثر نبوده است.

۶ـ موفقیتهای رژیم به طور عمده در سطح سیاسی، خلقی و اقتصادی از طریق برنامه‌های پیش‌دستی کننده و سیاستهایی که هر مخالف قابل تصوری ممکن بود عنوان کند و وارد کردن مخالفین در فعالیتهای مشروع و قانونی بوده است. آنچه که باقی مانده مخالفینی هستند که فاقد هدفهای سیاسی بوده و تنها میل دارند جایگزین دستگاه رهبری کنونی بشوند و این موضعی است که در ایران پشتیبانی خلق را برنمی‌انگیزد. روش رژیم نسبت به این مخالفین که به‌عقیدهٔ آن دارای جهت‌گرایی کمونیستی بوده و یا تحت الهام کمونیستها قرار گرفته‌اند بسیار خشن است و تابع قوانینی است که نزدیک به قوانینی بود که در ایالات متحده در سالهای دههٔ ۱۹۵۰ به مورد اجرا گذارده می‌شد. علاوه بر این سیستم دادگاههای مدنی ایران پرپیچ و خم بوده و در معرض انتقادهای زیادی از لحاظ عدم کارآیی قرار گرفته‌اند، این اوضاع توأم با مخلوط ناهنجاری از قوانین دوران ناپلئون و قوانین اسلامی منجر به نظامی از روالهای قضایی برای رسیدگی به مسایل امنیتی شده است که با فرایافت‌های غربی (یا لااقل انگلوساکسون) کاملاً بیگانه است.

شاید در ایران حدود سه هزار و پانصد «زندانی سیاسی» وجود داشته باشد، هر چند سازمان عفو بین‌المللی و گروههای مشابه مدعی هستند تا ۲۰۰/۰۰۰ زندانی سیاسی در ایران وجود دارد. در میان این زندانیان سیاسی اکثریت بزرگی دست به عملیات خشونت‌آمیز زده یا در آن شرکت داشتند. بنابراین آنچه که در توصیه به اجرای سیاستهای حقوق بشر، هماهنگ با فرایافت‌های خودمان مواجه هستیم در موضعهای قانونی و روشی که مختص رژیم کنونی نبوده و ریشه‌های عمیقی در سنتهای ایرانی دارد دارای اختلاف بسیار زیادی است. حکومت کنونی ایران نسبت به نگرانیهای ما بی‌تفاوت نیست. ما شاهد اصلاحات جزئی در این زمینه بوده‌ایم و معتقدیم که می‌توانیم بیشتر از آن نیز انتظار داشته باشیم اگر به آرامی تداوم و با صبر و شکیبایی به شکل عدم رویارویی پیش برویم.

۷ـ زمینهٔ دیگر اختلاف مربوط به قیمتهای نفت است ایران به نحو پیگیرانه‌ای استدلال کرده است که:

الف: افزایشهای قیمت نفت به آن اندازه‌ای که مفسرین غربی مدعی شده‌اند به مصیبتهای غرب (یا حتی کشورهای کم‌رشد) نیفزوده است.

ب: نفت ماده‌ای است که باید حفظ شود و قیمتهای بالاتر تهیه منابع انرژی دیگر را تشریح می‌کنند در حالی که:

ج: ایران در افزایش قیمتهای صادرات عمدهٔ خود با توجه به قیمتهای بالا رونده جهت کالاهای غربی اعم از نظامی و غیرنظامی کاملاً محقّ است. این موضعی است که استدلالهای غرب موفق نشدند آن را شکست دهند. تحولات چند سال آینده مانند نزاع دو گروه جداگانه در داخل اوپک ممکن است منجر به کاهشهای جزیی در تصمیمات ایران بشود. معذالک شاه این موضع را اتخاذ کرده است که سیاست نفتی یک امر کاملاً اقتصادی است و نباید تحت تأثیر ملاحظات سیاسی قرار گیرد. به همین جهت شاه در سال ۱۹۷۳ از الحاق به تحریم نفت اعراب خودداری کرد و همچنان تحویل دهنده عمده نفت به اسرائیل است.

ما می‌توانیم و باید نقطه‌نظرهای خود را دربارهٔ قیمتهای نفت (و عرضه نفت) براساس منظم ارائه داده و به گفت و شنودهای مشورتی با ایران ادامه دهیم تا اینکه به مرور زمان بتوانیم آن قسمت از استدلالهای

www.takbook.com



ایران را که ما، در مقابل آنها استدلال متقابل داریم از میان ببریم. ما باید تمامی مسئله قیمت‌گذاری را مورد مطالعه قرار دهیم، زیرا هیچ بعید نیست که این امر به موقع افزایش یکجانبه قیمتهای نفت اوپک یا قیمتهای آن قسمت از نفت را که در بازار آزاد وجود دارد کاهش دهد. ولی دربارهٔ این مسئله و مسئلهٔ دیگر در صورتی که به طریق رویارویی مستقیم عمل کنیم نه تنها نفعی نخواهیم برد بلکه چیز زیادی از دست خواهیم داد. طریقهٔ بهتر و مؤثرتر آن است که در شرایط دوستانه به استدلال بپردازیم.

به نحو صمیمانه‌ای اعتقاد دارد که عدم اشاعهٔ سلاحهای هسته‌ای در مورد ایران صدق می‌کند. در عین حال شاه سرمایه‌گذاریهای سنگینی در پرورش و رشد انرژی هسته‌ای زمان صلح تقبل کرده و نگران است که در آینده به اندازهٔ کافی سوخت هسته‌ای به دست آورد.

ایران از هم اکنون در آفریقای جنوبی و زئیر و جاهای دیگر در جستجوی منابع متنوع برای این گونه سوخت است. می‌توان انتظار داشت که ایران همچنان به کارخانجات غنی کردن و تکنولوژی مشابه علاقه نشان خواهد داد و با توجه به میزان همکاریهای آینده با حکومت آمریکا در زمینهٔ هدفهای جهانی هسته‌ای در نتیجه میزان همکاریهای آمریکا، ایران علاقه‌های خود را برای تأمین عرضهٔ سوخت به دست می‌آورد.

۹ـ ایالات متحدهٔ آمریکا (از لحاظ حاشیه‌ای) بزرگترین صادرکننده کالاهای غیرنظامی (نظامی) و خدمات به ایران است. در سال ۱۹۷۶ معادل ۲/۸ میلیارد دلار کالای غیرنظامی آمریکایی به ایران صادر شده که انتظار می‌رود در سال بعدی به ۳/۲ میلیارد دلار افزایش یابد و معادل صادراتی قبل از ۱۹۷۵ گردد. ما می‌توانیم انتظار داشته باشیم که تا چند سال آینده این صادرات در اطراف ۳ میلیارد دلار باشد.

۱۰ـ در مسایل چند جانبهٔ اقتصادی و سیاسی ایران به احتمال قوی بین (الف) احتیاط برای احتراز از برخورد با منافع کشورهای کم‌رشد از یک سو و (ب) حساسیت برای حفظ مناسبات خود با کشورهای رشد یافته در نوسان خواهد بود. در تریبون‌های تبلیغاتی شمال و جنوب، ایران احتمالاً از نقطه‌نظر کشورهای کم‌رشد پشتیبانی خواهد کرد، ولی شور و ذوق ایران از مسئله‌ای به مسئلهٔ دیگر تفاوت خواهد داشت.

IFAD وسیلهٔ دیگری است که برای سیاست ایران اهمیت خواهد داشت (به ویژه اگر ستاد IFAD به تهران منتقل شود). در حالی که نقش آن در سازمانها و گروه‌بندی‌های قدیمی‌تر مانند کمیسیون ملل متحد برای بازرگانی و توسعه و موافقتنامهٔ عمومی دربارهٔ تعرفه و بازرگانی و حتی G77 هم چنان در حال غیرفعال خواهند بود.

۱۱ـ دانشجویان ایرانی در ایالات متحده شاید بزرگترین رقم دانشجو را نسبت به هر کشوری تشکیل دهند و می‌توان انتظار داشت که تعداد آنها که اکنون ۳۰ هزار نفر برآورد می‌شود افزایش یابد. این امر نظر تلخ حکومت ایران را دربارهٔ فعالیتهای مخالفین ایرانی در ایالات متحده و اروپای غربی تغییر نخواهد داد. ولی این مسئله باید به نحو معقولی مهار شود زیرا هم ایران و هم ما چشم‌انداز وسیع‌تری دربارهٔ روابط کلی بین خود داریم.

۱۲ـ هدفهای سیاسی دیگری نیز برای حکومت ایالات متحده در ایران وجود دارد. از قبیل جلب همکاری ایران در یک برنامهٔ مؤثر علیه تولید تریاک در کشورهای همسایه و به دست آوردن آراء ایران در هیئتهای سازمان ملل متحد برای یک سلسله از مواضع حکومت ایالات متحده و غیره. معذالک اینها

www.takbook.com



همراه با منافع بزرگتر که قبلاً ذکر شده به طور متقابل به یکدیگر وابسته هستند و از یک جو کلی دوستی و همکاری ناشی می‌شوند؛ همان طور که شاه نیز آن را چنین درک می‌کند.

**ج: هدفها، خط‌مشی‌ها و مسایل**

۱ـ هدفهای ما همان است که در قسمت الف به عنوان منافع ایالات متحده ذکر شده است خط‌مشی‌های عمده‌ای که در پشتیبانی از این منافع اتخاذ می‌شود به ترتیب زیر است:

(a) ادامهٔ فروش سلاحهای قراردادی به ایران. (سلاحهای غیر هسته‌ای) کوشش به متقاعد کردن سیاستمداران ایران در منافع خودشان به اینکه صاحب گزینش بیشتری باشند و سرعت سیر نوسازی سلاحها را برای جذب مؤثرتری مشخص کنند. این عمل از طریق مشاورت فنی نزدیکتر بین سازمانهای دفاعی ایالات متحده و ایران باید صورت بگیرد. تأکید بر روی نفع متقابل ما در یک ایران نیرومند و امن از طریق مشورتهای نزدیک بین دو حکومت، شامل در معرض قرار دادن شاه و رئیس جمهور و وزیر امور خارجه و همچنین تماسهای مکرر در سطوح متعدد شامل کارمندان نخبه در واشنگتن و همچنین سفیر و کارمندان متعدد او در تهران. بایستی در عین حال تعهد اساسی حکومت ایالات متحده نسبت به سطح پایین‌تری از تسلیحات در سراسر جهان که ما امیدواریم و انتظار داریم ایران سهم خود را در آن داشته باشد، توجه کرد. شانسهایی که ما بتوانیم چنین کاهشی در تسلیحات به دست آوریم بستگی به این دارد که تا چه میزان ما می‌توانیم ۱ـ ایران را متقاعد کنیم که ما به‌عنوان تحویل دهندهٔ سلاحهای مورد نیاز و خدمات فنی همچنان قابل اتکا هستیم. ۲ـ فراهم کردن پشتیبانی وسیع بین‌المللی (از جمله پشتیبانی اتحاد شوروی) برای پایین بودن سطح نقل و انتقالات سلاحها و ۳ـ کمک به بهبود اوضاع امنیتی در منطقهٔ اطراف ایران از قبیل تحولات امکان پذیری نظیر نرخ پایین‌تر تسلیحات عراق (شاید و البته به حل بحران اعراب و اسرائیل یا یک نزدیکی پرمعناتری بین هند و پاکستان. (بدین مناسبت لازم است در نظر گرفته شود که خروج نیروهای ایالات متحده و شوروی از اقیانوس هند به خودی خود نگرانی ایران را دربارهٔ مقاصد آیندهٔ همسایگانی نظیر هند یا عراق کاهش نخواهد داد). هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران حتی اگر از لحاظ تعداد کاهش یافته است باید همچنان رهبری را در پرسنل فنی متعدد حکومت ایالات متحده و شرکتهای خصوصی که به نوسازی نظامی ایران از طریق برنامه‌هایی که تماماً به هزینهٔ ایرانیان صورت می‌گیرد، در دست داشته باشد. افزایش پرسنل بخش سیاسی نظامی سفارت بایستی برای رهبری این کوششها کمک کند.

(b) نشان دادن ادامهٔ نگرانی ایالات متحده در امور حقوق بشر در ایران چه از لحاظ چهرهٔ عمومی ایران و چه از لحاظ متفق بالفعل ایالات متحده و به‌خاطر آیندهٔ ثبات خود ایران که در آن ایالات متحده ذیعلاقه و ذینفع است از محکوم کردنهای ناشی از قدرت یا پشتیبانی بیش از حد حکومت ایالات متحده در مورد انتقاد از اوضاع مربوط به حقوق بشر اجتناب شود. ولی کار مداوم با سیاستمداران ایران و بوروکراسی این کشور برای تشخیص هویت مناطقی که در آنها لیبرالیزه کردن قوانین و عرف ایران به امنیت داخلی ایران صدمه نخواهد زد، بلکه در دراز مدت به آن کمک خواهد کرد، ادامه یابد.

(c) پیشبرد مشورتهای منظم و در واقع گفت و شنود با ایران دربارهٔ قیمتهای نفت به ویژه در ارتباط این قیمتها با قیمتهای واردات از ایالات متحده (استدلالی که شاه خوشش می‌آید آن را در سر و کار داشتن با

www.takbook.com



ما به کار ببرد). کوشش به نشان دادن تا آنجایی که ممکن باشد به این که ایرانیان دربارهٔ میزان تورم در اقلامی که از ما خریداری می‌کنند غلو می‌کنند (از طریق مقابله با افزایش هزینه جهت تجهیزات و خدمات نظامی در مقابل قیمتهای حقیرانهٔ واردات غیر نظامی). معذالک ما باید بپذیریم که دربارهٔ کوشش ما حدودی وجود دارد تا زمانی که ۱ـ ایران هم چنان به اینکه نفت را به چه کسی تحویل می‌دهد تبعیض سیاسی قائل نیست (مثلاً اسرائیل یا غرب را تحریم نکرده است) و ۲ـ قیمتهای ایران با قیمتهای نفت سایر جاهای دیگر چنان خارج از حدود تطبیق نیست.

(d) ادامهٔ گفت و گوی خود با ایران برای حفظ تعهد حکومت ایران دربارهٔ امور مربوط به عدم اشاعهٔ سلاحهای هسته‌ای و جلب مساعدت ایران در این زمینه. باید به نفع ما باشد که به اندازهٔ کافی مقادیر سوخت برای برنامه‌های انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح برای ایران فراهم کنیم. در عوض باید بتوانیم از ایران بخواهیم که در بازداشتن دیگران در تعقیب برنامهٔ اشاعهٔ سلاحهای هسته‌ای به ما کمک کند، چنانچه ایران در گذشته در این زمینه سودمند بوده است (مثلاً نسبت به پاکستان).

(e) ادامهٔ همکاری اطلاعاتی با ایران برای فراهم کردن یک محصول مشترک با رشد مداوم و نشان دادن علاقهٔ مداوم ما به امنیت ایران در زمانی که ما بخواهیم خرید سلاحهایی بر حسب انتخاب و به مقدار کم را به ایران توصیه کنیم.

(f) ادامهٔ پشتیبانی نیرومند از صادرات بازرگانی غیر نظامی شرکتهای خصوصی به ایران از طریق مأمورین بازرگانی سفارت و مرکز بازرگانی ایالات متحده و نمایشگاههای ویژهٔ بازرگانی به پشتیبانی از برنامه‌های بازرگانی سراسری ما. ادامهٔ یک سطح گزارشگری مداوم اقتصادی و مالی برای مقابله با روندهای متغیر در فرایافت‌ها و رفتارهای اقتصادی ایران (مثلاً علاقهٔ کمپانیهای ایالات متحده به معاملات پایاپای با استفاده از نفت). حفظ علاقهٔ ما در تولید کشاورزی ایران از طریق نمایندهٔ وزارت کشاورزی آمریکا در اینجا با توجه به این که ادامهٔ بهبود تولید کشاورزی در ایران به فرآیند رشد اجتماعی و اقتصادی و بالنتیجه ثبات سیاسی مساعدت می‌کند.

(g) ادامهٔ برنامهٔ مؤثر ادارهٔ اطلاعات ایالات متحده در امور فرهنگی به‌عنوان وسیلهٔ دیگری از کمک به رشد ایران، و نشان دادن علاقهٔ کم نشدنی ایالات متحده نسبت به آیندهٔ ایران و ادامهٔ بر قرار کردن پیوندها با رهبران افکار عمومی در ایران، در زمینه‌های آموزش و پرورش و اطلاعات (مقصود غیر از اطلاعات سیاسی یا نظامی است) و زمینه‌های مربوطه که در دراز مدت باید به انتقال ایران به داشتن یک جو دمکراتیک‌تر کمک کند.

(h) همچنین پشتیبانی بیشتری از تماس مردم با مردم از طریق جریان دادن دیدار کنندگان ایرانی از ایالات متحده و تعداد زیادی از دانشجویان ایرانی که در آمریکا تحصیل می‌کنند. خدمات روادیدی در سفارت آمریکا در ایران باید کادر مناسبی داشته باشد.

(i) به همین ترتیب داشتن کادرها در خدمات آمریکایی و حمایت از شهروندان آمریکا لازم است تا از حضور فزایندهٔ آمریکا در ایران پشتیبانی کند و از فشار در امر روابط عمومی با مردم اجتناب شود.

(j) از طریق مبادلهٔ مکرر دیدارهای مقامات ایرانی از وزارتخانه‌ها و سازمانهای مختلف و هم چنین وزارت امور خارجه کوشش شود تا پشتیبانی فزایندهٔ ایران در تریبون‌های تبلیغاتی بین‌المللی دربارهٔ مسایل اقتصادی و سیاسی مورد علاقهٔ حکومت آمریکا جلب شود. برای این وظیفه تعداد بیشتری از وقت

www.takbook.com



مأمورین سفارت آمریکا اختصاص خواهد یافت.

(k) حفظ یک برنامهٔ کافی ضد مواد مخدر در ایران از طریق عملکرد مأمورین مبارزه با مواد مخدر، چه ساکن ایران و چه دیدارکننده از ایران، برای ادامهٔ جلب همکاری ایران در محدودکردن تولید تریاک در کشورهای همسایه و عبور ترانزیتی مواد مخدر به ایالات متحده، و همچنین کاهش دادن مسایل و مشکلات مربوط به مواد مخدر در جامعهٔ آمریکایی (مقیم ایران، مترجم).

**۲ـ مسایل**

(a) بحرانی‌ترین مسئله در روابط دو جانبهٔ ما مربوط به تصمیم واشنگتن دربارهٔ ادامهٔ سیاست نقل و انتقال سلاحهای متعارفی (مقصود غیر هسته‌ای) به ایران است. این امر در اینجا به‌عنوان یک میخ مصوری روش جدید حکومت نسبت به ادامهٔ روابط نزدیک با ایران تلقی خواهد شد. ما توصیه می‌کنیم این مسئله مطابق با خط‌مشی که در بحثهای من روند مذکور در بالا شرح داده شده حل شود.

(b) یک مسئلهٔ مربوطه عبارت خواهد بود از دامنهٔ انتقادات واشنگتن از اوضاع حقوق بشر در ایران که مخالف با برداشت تدریجی گرایانه از تشویق اصلاحات در این زمینه است. ما معتقدیم که حکومت ایران کوششهای حکومت آمریکا را برای بهتر کردن چهرهٔ ایران و کارهای آن تحمل خواهد کرد ولی کوششهای آمریکا در این رشته باید همیشه به عنوان کوششهای یک دوست علاقمند و نگران درک شود که دربارهٔ هدفهای مشترک تبادل نظر می‌کند و به هیچ وجه با خاطرات ایرانیان دربارهٔ سیاستهای کاپیتولاسیون و استعماری که به وسیلهٔ حکومتهای غرب در گذشته بر ایران تحمیل می‌شده است مشابهتی ندارد.

(c) توجه زودرس آمریکا به مسئلهٔ عرضهٔ کافی سوخت هسته‌ای قابل اتکاء به کشورهایی مانند ایران که وارد برنامه‌های جاه‌طلبانهٔ پرورش انرژی هسته‌ای می‌شوند به خودی خود یک هدف با ارزشی است و می‌تواند اثرات جنبی پشتیبانی فعال ایران را برای کوششهای عدم اشاعهٔ سلاحهای هسته‌ای آمریکا فراهم کند.

(d) سرانجام یک مسئلهٔ نسبتاً کوچکتر عبارت است از حل و فصل بدهی معوقهٔ ایران از زمان جنگ جهانی دوم مربوط به قرارداد وام و اجاره که به مرور تصاعد بهره در حال حاضر به ۳۵ میلیون دلار رسیده است. ما توصیه می‌کنیم که این مسئله به نحو بسیار فعالانه حل شود و ایرانیان نیز همین میل را دارند، حتی اگر این حل و فصل معادل با سازش دربارهٔ مبالغ مورد بحث برای حفظ آبرو به طور کلی باشد.

میکلوس

www.takbook.com



**سند شماره ۲۳**

**از: سفارت آمریکا ـ تهران محرمانه** **۲۵ جولای ۱۹۷۷ ـ ۳ مرداد ۱۳۵۶**
**به: وزارت خارجه ـ واشنگتن**
**گزارشگر: استمپل**

**موضوع: مخالفت مذهبی و روشنفکری در ایران**

**تحریکهای مخالف**

خلاصه: انتقاد از رژیم در روزنامه‌های خارجی که آزادانه در اینجا منتشر می‌شوند، اگر چه به سختی استقبال می‌شوند ولی به مدت طولانی تحمل شده است. این موضوع در زمینهٔ انتقادات عناصر داخلی صحت ندارد. در دو سال گذشتهٔ طرز برخورد مقامات نسبت به این موضوع آرامتر شده است. در حقیقت قسمت زیادی از انگیزه از خود شاه ناشی می‌شود و کمیسیونها و گروههای تحت حمایت دولت برای انتقاد از سیاست و عمل دولت تشکیل شده است. اخیراً انتقاداتی از طرف گروههایی که با سازمانهای تروریستی همکاری ندارند و از کانالهای حمایت شدهٔ رسمی خارجی نیستند، شده است. آنها با عبارتهایی که نسبتاً با دقت پرداخته شده تقاضا دارند که شاه سلطنت کند نه حکومت و همچنین تقاضای تجدید حیات آزادی بیان. باید دید آیا چیزهای بیشتری مطرح خواهد شد و دولت در قبال آن چه خواهد کرد. اما در آزادیخواهی به‌نظر می‌رسد که نیمه باز است. در حالی که تأکید مجددمان در مورد حقوق بشر هماهنگ و پذیرفته شده، ما معتقدیم که باید از هر اظهار نظر رسمی که به صحه گذاشتن بر مفاد انتقاد تعبیر شود اجتناب کنیم. (پایان خلاصه).

ضمائم:

۱ـ نامه به شاه

۲ـ نامه به نخست وزیر

۳ـ موضوع برای اطلاع شما

سابقه: دوبار در این قرن کوششهایی برای هم‌چشمی کردن با فرمهای غربی دولت، احزاب سیاسی، آزادی بیان و حق مخالفت در ایران انجام گرفته و منجر به شکست شده است. این مفاهیم اساساً در این رژیم سلطنتی غریبه هستند. وفاداریها و علاقه‌ها و به‌طور سنتی در مرتبهٔ اولویت به خانواده، قبیله و فقط به صورت فاصله‌داری به سلطان و ملت قرار دارد. تشریک مساعی، تلاشهای گروهی و کار در داخل مؤسسه‌ها قسمتی از میراث پارسی نیستند، و فقدان آنها بیانگر دلیل اساسی برای شکستهای گذشته در ریشه گرفتن و روییدن ارزشهای سیاسی غرب می‌باشد. نارضایتی و مخالفت به طور عمومی به عنوان کوششهایی برای سرنگون کردن رژیم مستقر و خنثی کردن هدفهای آن دیده شده است. با این حال این تصور که ایران که سرزمین متکی به خود نیست و باید با نفوذها و عقاید خارجی همسازی داشته باشد در حال قوت گرفتن است. جواب ما استقبال از انتقاد سازنده بوده است ولی آن را در محدوده‌های قابل کنترل باید نگهداشت.

بعضی از محافظه‌کاران و روشنفکران این موضوع را یک مجرای کافی و شایسته و راضی کننده نمی‌دانند. یک هسته از گروههای فناتیک قدیمی و مذهبی هنوز وجود دارند و رژیم شاه به طور دائمی خود را در رقابت با آنهایی که هنوز عقیده دارند سلسله صفویه (قرن هفدهم) به نقطهٔ اوج توسعه و سازمان

www.takbook.com



اجتماعی رسیده بود می‌بیند. مخالفت مذهبی با دولت ادامه یافته است و حتی رشد یافته و این به همان اندازه که گامهای مدرنیزه کردن از زمان انقلاب سفید (۱۹۶۳) تندتر شده است، می‌باشد. گروههای تروریست، احتمالاً در پرتو مجاهدین خلق، شروع به عضوگیری از میان جوانان تأثیرپذیر با زمینهٔ عمیق (مذهبی) مسلمان کرده است. بیشتر این جوانان به خاطر تنفر از برنامه رفرمی شاه به خصوص اصلاحات ارضی و اعطای حق رأی به زنان جذب آنان شده‌اند. دولت ایران بشدت مواظب امامهای رادیکال عمده است و برنامه‌هایی را برای بی‌اعتبار کردن بعضی و مواظبت دیگران شروع کرده. در همین دوره، ۱۹۷۵ـ۱۹۶۳ اعضای متمایل به چپ جبهه ملی که خیلی از آنها اعضای حزب توده «کمونیست» بوده‌اند از فعالیت دست کشیده‌اند.

بعضی به همکاری پذیرفته شدند، که تحت تأثیر اقدامات (تلاشهای) انقلابی شاه قرار گرفته‌اند. حداقل دو نفر از آنها وزیر شدند. بیشتر آنها به سادگی از سیاست خارج شدند و نسبت به آن بی‌علاقه شدند. چندین نفر از آنها استاد دانشگاه باقی ماندند، بعضی به تجارت پرداختند (و همان طور که ثروت ایران به سرعت در اواخر دهه ۶۰ و ۷۰ افزایش پیدا کرد ثروتمند شدند). خیلی به طور خصوصی منقد شاه، بدبین نسبت به دولت و بی‌تمایل نسبت به شرکت در فعالیتهای تحت حمایت دولت از قبیل رستاخیز باقی ماندند. خیلیها توسعه کشور را پذیرفتند ولی انتقادشان را بر نقصان آزادیهای مدنی و حضور سانسور در مطبوعات و انتشارات و روش حبس و غیره متمرکز کردند. به علاوه یک جنبش متمایل به چپ فزاینده در میان روشنفکران و جامعه علمی وجود دارد. نمایندگان این جنبش نه فقط در گروههای دانشجو، بلکه تا حدی در قسمتهای دیگر جامعه، به خصوص آنهایی که آموزش دانشگاهی خارجی داشته‌اند وجود دارد.

**تجزیه و تحلیل کردن سیستم سیاسی**

هم زمان با علاقه فزاینده ایران در مورد وجههٔ حقوق بشرش که در پاییز ۱۹۷۶ شروع شد، این تشخیص پیدا شد که مردم نسبت به قدرت دولت در جوابگویی به مسایل اقتصادی و اجتماعی انتقاد دارند. علاوه بر این بر رهبران ایران آشکار می‌شد که برای هماهنگ کردن و ادامه دادن رشد اقتصادی ایران چیزی بیشتر از افزایش تعداد طبقه متوسط لازم بود. به طور خلاصه، شاه و دولت ایران در بهار ۱۹۷۷ شروع به جستجو برای راههای ترغیب حمایت فعال زبده‌های (دولتمردان) جدید کردند. انتقاد در داخل حزب رستاخیز، شوراهای شهر و استان و مجلس تحمل شد تا جایی که خیلی از کسانی که مشتاقانه شرکت می‌کنند هم اکنون متحیرند که چه نتیجه خوبی گرفته شده است. آیا کسی گوش می‌دهد؟ برای اینکه اعتبار بیشتری به این مراحل داده شود، دولت ایران فعالیتهای کمیسیون سلطنتی، سازمان بازرسی شاهنشاهی و گروه مطالعه مشکلات ایران را احیا کرد. به هر گروه حکم جداگانه‌ای که گاهی تداخل با هم پیدا می‌کنند داده شده است.

کمیسیون سلطنتی روی سرپرستی توسعه اقتصادی، ریشه کن کردن و محو فساد کار می‌کند. سازمان بازرسی شاهنشاهی پیشرفت انقلاب اداری و از هفت ژوئن بازرسی اعلام نشدهٔ تمام وزارتخانه‌ها و دفاتر را مراقبت می‌کند. تیم مطالعهٔ مشکلات ایران ارزیابی و بحث در مورد سیاستها و مشکلات دولت ایران و ارسال گزارشات و انتقادهایشان به شاه را به عهده دارد. برای افتتاح مبارزهٔ جدید در ژوئن و جولای (خرداد ـ تیر ـ مرداد) جلسات کمیسیون از تلویزیون سراسری پخش شده، گزارشات کمیته و شهادتهای

www.takbook.com



وزارتخانه، بی‌کفایتیها (ناکارآیی) و کمبودها در برنامه توسعه اقتصادی ملی را آشکار کرد و تعبیر و تفسیر فراوانی بر روی آن انجام گرفت. خشم کمیسیون در مورد نیرو، کتاب درسی، سیمان، کمبودهای بیمارستانی بود و هیجانی به وجود آورد.

وزرایی که مورد حمله قرار گرفتند مجبور به دفاع از سیاستهای خود و یا قول برای تغییر شدند. در جلسه مشابهی در ژوئن که به وسیلهٔ گروه مطالعه تشکیل شد، نخست وزیر و دیگر مقامات بالا دربارهٔ عدم اداره صحیح و سَمبَل کاری مورد سؤال قرار گرفتند. بر طبق خلاصه‌ای که به وسیلهٔ یک عضو گروه مطالعه که در ضمن کارمند محلی خدمات اطلاعاتی ایالات متحده است، تهیه شده، خیلی از اعضا عدم اعتماد و انزجار عمیقشان را از دولت ایران ابراز کردند. چندین بار در طول جلسهٔ سؤال و جواب محرمانه با نخست وزیر، امانت و درستی دولت مورد اعتراض واقع شد و عمل آن مورد اعتراض قرار گرفت. در دو ماه گذشته سازمان بازرسی شاهنشاهی به عنوان سگ مراقب دولت ایران، به منظور رسیدگی به شکایتهای شهروندان و انجام تحقیقات مستقل و تهیه گزارشات برای شاه از نو طرح‌ریزی شده است. این سازمان پر قدرت‌ترین و مؤثرترین سازمان از سه گروه است و از اعتقاد کامل شاه برخوردار است. سؤالی که باقی می‌ماند این است که آیا شاه و نخست وزیر به وعده‌های خود عمل می‌کنند؟ و آیا قادر خواهند بود که یک توده شکاک را قانع سازند که قصد آنها جدی است؟

منابع نزدیک به نخست وزیر ادعا می‌کنند که این مبارزه‌ای که به دقت برای گشودن و اجازه دادن به انتقاد بیشتر از دولت طرح‌ریزی شده پیشقدمی بخشش شاه و عملیات اخیر نخست وزیر بود که به آن گزارشها اعتبار بخشید. در یک گفتار برای مطبوعات در پنجم ژوئن و در دوازدهم ژوئن برای .I.C هویدا گفت که هر ایرانی حق دارد که در تمام امور ملی جز جایی که اساس ملت ایران مطرح است انتقاد کند (به عنوان مثال: شاه، قانون اساسی، و انقلاب شاه و ملت).

او موقعیت دولت را عنوان کرد: «هیچ دلیلی نیست که چرا کشوری که از ضعف (با رهبری شاه) به موقعیت استحکام رسیده است از انتقاد هراسان باشد.»

اینکه این موضوع به سرانجام خواهد رسید هنوز معلوم نیست. پس از آنکه مقاله‌ای در کیهان در تاریخ ژوئن چاپ شد که از وجود سانسور انتقاد کرده بود،

نخست وزیر به روزنامهٔ کیهان تلفن کرده و آنها را متهم به تندروی کرد، وقتی که آنها انتقاد خود او را در مورد ترتیبات سانسور فعلی منعکس کرده بودند.

با این حال آشکارا به‌نظر می‌رسد که دولت ایران یک موضع قابل تحمل‌تری از گذشته دربارهٔ مخالفت با سیاستهای دولت گرفته است. حتی شایعه‌ای وجود داشته مبنی بر اجازه دادن به وجود یک حزب سیاسی دیگر، ولی تاکنون در حد شایعه باقی مانده است.

### تحریک مخالفت

نشانه‌های دیگری که از قانون اصلاحی دادگاه نظامی سرچشمه می‌گیرد و حملات متقابل بر علیه ادعاهای بین‌المللی در مورد شکنجه در ایران، بعضی گروهها و اشخاص را که سابقاً بی‌تفاوت بوده‌اند، به طور آزمایشی به صحنهٔ سیاسی بازگردانده است. این موضوع به وسیلهٔ عقیدهٔ آنها در باب اینکه خطر سرکوبی کمتر است (برای اینکه ایران می‌خواهد یک ذره فضای سیاسی را باز کند) تقویت شده است و

www.takbook.com



سیاست جدید حقوق بشر ایالات متحده کشورها به طور عمومی و به خصوص ایران را وادار کرد که پلیس را در سرکوبی مخالفین محدود کنند. بارزترین مدرک این بیدار شدن مجدد دو نامه هستند که به طور خصوصی انتشار پیدا کرده‌اند: یکی برای شاه فرستاده شده و دیگری برای هویدا، نخست وزیر. سفارت نسخه‌هایی از این نامه‌ها را به فارسی به دست آورده و به طور غیر رسمی به انگلیسی ترجمه کرده است (ضمیمه‌های ۱ و ۲).

نامهٔ شاه احتمالاً یک گزارش پرداخته شده در مورد آرزوهای لیبرالی مخالفین سابق است و به وسیلهٔ دوازده نفر نوشته شده است، که سه نفر آنها نامه را امضا کرده‌اند. هر سه نفر از ارشدهای جبهه ملی هستند که یکی قبلاً وزیر دادگستری بوده است. چندین نفر که نزدیک به این محفل هستند می‌گویند که کسان دیگری هستند که راههای شکستنی سکوتشان را مورد توجه قرار داده‌اند. یک عضو برجستهٔ سابق جبهه ملی، نوه مصدق، به دوستانش به طور خصوصی اشاره کرده است که خیلی از افراد محفل قدیم باقی هستند، و اگر واقعاً موضوع آزادی دادن باشد فعالیتهای بیشتری خواهد بود. اغلب آنهایی که در نوشتن نامه به شاه دخالت داشته‌اند از زمان مصدق به صورت باز و یا به آرامی و سکوت مخالف دولت بوده‌اند. این موضوع باعث شد که داریوش همایون قائم مقام دبیرکل حزب رستاخیز در حضور جمع به آنها به عنوان فسیلهای سیاسی که خارج از کانالهای قبول شده از همان ایده‌های خاک خورده قدیمی انتقاد می‌کنند اشاره کند.

نامه دوم که برای هویدا، نخست وزیر نوشته شده بود به وسیلهٔ ۴۰ (چهل) روشنفکر که تشکیل انجمن نویسندگان ایران را می‌دهند، امضا شده بود. بر طبق یک بررسی محلی سیاسی (ضمیمه ۳) در حقیقت این یک قسمت از یک سری می‌باشد که از چند ماه پیش شروع شده است. بر طبق گفته دو منبع در تهران، این نشان‌دهندهٔ یک خطر فکری است که در محفلهای مخالف برای چندین سال رایج بوده است، خطی که گاه گاهی در گذشته به وسیلهٔ رادیو مخفی پیک ایران اجرا می‌شد. مطابق گفته یکی از امضاء کنندگان نامه تمام جهل نفر نامه را امضا کرده‌اند به خاطر اینکه دولت در جو حاضر مسئلهٔ حقوق بشر جرأت نمی‌کند همهٔ ما را زندانی کند. لیست امضاء کنندگان تعدادی از روشنفکران مخالف قدیمی است، خیلیشان با هنر یا تعلیم سروکار دارند؛ دکتر غلامحسین ساعدی (موضوع تحقیقات حقوق بشر آمریکا یک نویسنده برجسته است که مدت زمانی در زندان بسر برده است؛ علی اصغر حاج سید جوادی یک روشنفکر ضد کمونیست برجسته است که دو سال پیش وقتی رادیو پیک ایران مقاله‌ای از او را پخش کرد به سختی آزرده شد. چندین نفر دیگر سابقه‌ای نزدیک به (حزب) توده تا جبهه ملی دارند. تاکنون دولت ایران به طور باز عکس‌العمل نشان نداده است بجز اینکه چنین پیشنهاداتی را بدون اشاره کردن به اسامی و یا تبلیغات کردن بدنام کرده است. کسانی که نامه‌ها را نوشتند خودشان را با تمایلاتی که در آنها بود معرفی کردند و منتظرند، که ببینند دولت ایران عاقبت چه خواهد کرد. امیدواری آنها به این است که انتقاد بیشتری را باعث شوند، شاید حتی به انتقادات قابل لمس (قانون اساسی، شاه، انقلاب شاه و ملت) نزدیک‌تر شوند.

### آشوب مذهبی

فعالیتهای گروههای مذهبی در ۶ ماهه گذشته تحریک مشابهی را نشان داده است هر چند جزئیات کمتری در مورد آنها دانسته شده است. مسلمانهای دست راستی تلاش کردند که گروههای حقوق بشر

www.takbook.com



خارجی را نسبت به سرنوشت آنهایی که به کشتن آیت‌الله شمس آبادی متهم شده بودند علاقه‌مند کنند، بر این اساس که آنها شهدای مذهبی بودند. این کار به نظر می‌رسد که موفق نبوده است بجز به مقدار خیلی کمی در بریتانیای کبیر، ولی اشاره‌هایی هست که علیرغم تعصب دست راستیشان بعضی از امامها و آیت‌الله‌های محافظه‌کار اصولی‌تر، می‌خواهند که از حقوق بشر برای اتحاد با آنهایی که در جناح چپ قرار دارند و علایق مشترک برای تطابق می‌تواند به وجود آید، استفاده کنند. علائم رقابت با رژیم از این بخش عمدتاً فرعی و ثانویه هستند. افزایش استفاده از چادر در میان زنان با تحصیلات دانشگاهی یک نشانه از مخالفت با دولت است، مقاومت در مقابل قانون حقوق زنان (تقریباً معادل تحمیل‌گری گروه فشار) و انتشار شوخیهای بی‌تملق درباره شاه.

سرکشی مذهبی به وسیلهٔ تجدید حیات طالعهای سیاسی اسلامی در صحنه‌های سیاسی همسایه تصویب شده است. پاکستان، جایی که مخالفت مذهبی حداقل تعادل قوایی را به‌نظر می‌رسد که از پارلمان جدید در دست داشته باشند، و عربستان سعودی جایی که شاه حقوق فناتیک اسلامی را بـه عـنوان مشکلات جدی برای هر سلطان سعودی که حکومت می‌کند، می‌بیند. شاه و دولت قدمهای با احتیاط و از روی دوراندیشی برداشته‌اند که این نوع مخالفت پنهانی را در کنترل نگهدارند. علاوه بر مواظبت عادی که از فرقه‌های مذهبی می‌شود، شاه بالاخره سفری به مشهد برای زیارت بارگاه امام رضا در ماه می انجام داد و با رهبران مذهبی ملاقات کرد و در گفتارش گفت که مسلمان مؤمن نباید به وسیلهٔ فریب توسط گروههای خرابکار به تروریسم کشیده شود. نخست وزیر و فرح در سفرهایشان به استانهای مختلف زمانی را به ایراد نطق و خطابه اختصاص دادند، برای اینکه مؤمنین را آرامش دهند و آنها را به آشتی و حمایت از دولت بکشانند. یک عضو باهوش و حساس دفتر مخصوص فرح اظهار می‌دارد که خانواده سلطنتی به دقت موقعیت مذهبی را مراقبت می‌کنند و تلاشهای بیشتری را به سوی تجددگرایی به وسیلهٔ مشارکت وسیع‌تر در پروژه‌های دنیوی بکشاند.

### دولت چه خواهد کرد؟

دولت ایران و حزب رستاخیز در حال همسان (یکسان)سازی این صعود ناگهانی انتقاد و مخالفت محدود هستند که به وسیلهٔ یک مجموعه از سیاستهای خود دولت و شرایط به ظهور رسیده است. در کوتاه مدت سه راه حل به‌نظر می‌رسد (یا مجموعه‌ای از روشها):

۱ـ دولت ممکن است با به وجود آوردن انگیزه و فشار تلاش کند که عملیات این مخالفین را زیر چتر حزب رستاخیز بیاورد، از انتقادکنندگان بخواهد که در حزب فعال شوند و یا انتقادهایشان را به واحدهای حزب ارائه دهند. دولت ایران می‌تواند مخالفت در حال پیدایش را به طور کامل در داخل سیستم سیاسی فعالی در بر بگیرد. این کار کاملاً امکان‌پذیر نخواهد بود چون سازمانهای دیگر مثل کمیسیون سلطنتی، گروه مطالعه مسایل ایران و سازمان بازرسی شاهنشاهی هستند که در این زمینه نقشی به عهده دارند. با معرفی بعضی از انتقادکننده‌ها از طریق امضاهایشان در نامه‌ها، ممکن است از این افراد خواسته شود که در حزب نقشی به عهده داشته باشند. بعضی ممکن است توجه کنند ولی احتمالاً اغلب آنها نخواهند کرد و همین‌طور که تلاش می‌کنند امتناع خودشان را از مشارکت به وسیلهٔ حمله به سیستم و شخص شاه توجیه کنند، این‌کار نهایتاً آنها را به اختلاف و کشاکش با خود سیستم می‌کشاند.

www.takbook.com



۲ـ هم شاه و هم دولت ممکن است به سادگی عقب بنشینند و به انتقاد بیشتری به عنوان بهای باز کردن سیستم سیاسی اجازه بدهند. این‌کار فقط در صورتی عملی می‌باشد که این نوع مخالفت به صورت امنی قابل اداره (در غالب عبارات امنیتی) باشد و دیگر اینکه سیستم به اندازه کافی باثبات باشد که بتواند چیزی را که شاه «تجملات مخالفین» می‌خواند تحمل کند. هر اشاره‌ای از حمایت خارجی و یا حتی حمایت عمومی برای گروههای مخالف از هر قسمتی احتمالاً یک شکست تند و تیز (شاید پیچیده) به دنبال خواهد داشت.

۳ـ دولت ممکن است به سادگی چنان انتقاداتی را سرکوب کند و یا آن را بر اساس ارجحیت امنیت کشوری محدود کند. این یک راه حل غیر محتمل به نظر می‌رسد، چون که هدف بازگشودن سیستم سیاسی را شکست می‌دهد. بدون شک شاه این روش را در پیش خواهد گرفت، خصوصاً اگر که انتقادات از کنترل خارج بشود و یا از حد مجاز افزایش پیدا کند و با اساس منظمی به شاه، قانون اساسی و یا انقلاب شاه و مردم حمله شود. حالت اخیر هویدا اشاره می‌کند که انتقاداتی که این بنیادهای اساسی را به سؤال می‌کشند مجاز نخواهند بود و یا انتقادکنندگان محکوم به سرکوبی و اذیت و محدود شدن خواهند شد.

در مقام علم، دولت ایران احتمالاً هر سه این راهها را (تحمل برای خارج کردن انتقاد، کوشش برای اینکه آن را به سمت حزب راهنمایی کند، و فرمهایی از کنترل برای حفظ آن از بی‌ثبات کردن سیستم سیاسی رو به رشد ایران) در شرایط مقتضی استفاده خواهد نمود. درجه سرکوبی بستگی دارد به ماهیت پیام انتقاد کننده.

اگر انتقاد مخالف در مورد مسایلی که برای ۱۰ـ ۷ سال گذشته (مثل انتقاد از حقایق فعلی زندگی) باشد، ممکن است که در یک حد نسبتاً بالای توبیخ قابل تحمل باشد. اگر انتقاد به منطقهٔ ممنوعه (شاه، انقلاب شاه و مردم یا قانون اساسی) تجاوز کند، رژیم احساس اجبار و قید خواهد کرد که آن را قطع نماید. البته هر انتقاد جدی باید که با یکی از ممنوعه‌ها ارتباط داشته باشد و تا این درجه فحوای انتقاد محکم خواهد بود. خود شاه ممکن است که برایش مشکل نباشد که به انتقاداتی که در مورد تعادل قانون اساسی و شاه می‌شود (اگر با یک طرح سازندگی انجام شود) تن در بدهد.

۴ـ طرز برخورد ایالات متحده

ایالات متحده در مراحل این افزایش انتقاد مستقیماً مداخله ندارد و نباید داشته باشد. انتقادکنندگان از دولت ایران ممکن است از سمبلهایی استفاده کنند که خیلی از آمریکاییها با آن همدردی کنند. ایالات متحده ممکن است به‌خاطر آن روابط نزدیک سنتی در زمان سلسله پهلوی با ایران زیر آتش قرار بگیرد. در هر دو مورد ما باید با مراحل انتقاد به عنوان یک موضوع داخلی ایران روبرو شویم. در مواقع بجا و در مکانهای صحیح به طور خصوصی برای ما ضرری نخواهد داشت که تأیید خودمان را در مورد باز کردن سیستم سیاسی ابراز داریم و فکری را که بدان منجر شده تقویت کنیم. به عبارت دیگر، ایالات متحده باید از اغوای انتشار اعلامیهٔ رسمی در مورد این موضوع که ممکن است به وسیلهٔ انتقادکنندگان و یا حامیان رژیم فعلی و یا هر دو بد تعبیر شود خودداری کند.

با در نظر داشتن اختلافات فرهنگی و دیدگاههای سیاسی بین نخبگان (دولتمردان) و اشخاص عادی در هر دو کشور و همچنین تاریخ طولانی ارتباط بین دسیسه‌های خارجی و مخالفت در ایران آمریکا هر چه کمتر در این جریانات ظاهر شود، بهتر است. (سولیوان)

www.takbook.com

www.takbook.com

# کتاب نهم

# بنی‌صدر

www.takbook.com

www.takbook.com

لهذا دیدید که آن روزی که این جوانهای بیدار عزیز ما این لانهٔ جاسوسی را گرفتند، این شیاطین به دست و پا افتادند، یکی گفت که اینها خط شیطان هستند و به دنبال این کردند که ما الآن اسیر آمریکا هستیم، نه اینکه نمی‌فهمیدند که نه اسیر آمریکا نیستیم.

می‌خواستند ما را از استقلال بیرون بیاورند و به دامن آمریکا بیندازند و قضیه گرفتن این محل جاسوسخانه ناگوار بود برای آنها، برای اینکه پرونده‌های اینها ظاهر می‌شد، پیدا می‌شد، این پرونده‌ها، این همه کوشش برای اینکه اینها را رها کنید بروند، ما در گرو آمریکا هستیم، اینها را بگذارید بروند. اینها، این جوانهای عزیز ما که می‌گفتند ما در خط اسلام هستیم، می‌گفتند بهشان که شما در خط شیطان هستید.

**از بیانات امام خمینی با خانوادهٔ شهدای**
**جنایت آمریکا در هفتم تیرماه ۱۳۶۰**

مجموعه اسنادی که طی این جزوه در اختیار ملت مسلمان و متعهد ایران قرار می‌گیرد، مربوط به آقای ابوالحسن بنی‌صدر می‌باشد.

قبل از اینکه به خود اسناد بپردازیم، لازم است نکاتی چند پیرامون زمان دستیابی به این اسناد و اینکه چرا هم اکنون به اطلاع ملت غیور می‌رسد، را به اطلاع برسانیم:

الف: اسناد اول تا هفتم این مجموعه در حدود دیماه ۱۳۵۸ به دست آمد، یعنی قبل از انتخابات ریاست جمهوری. در آن زمان نتیجهٔ ترجمه و بررسی ما این بود، که هفت سند اول بر این معنی دلالت دارد که سازمان سیا با توجه به جنبه‌هایی که در آقای بنی صدر دیده است، در وی طمع کرده و در پاریس یکی از جاسوسان برجسته سیا به عنوان یک تاجر آمریکایی با وی ملاقات نموده است و سپس قرار بر این شده که این جاسوس سیا به بهانهٔ تجارت به ایران آمده و در ایران ملاقات با آقای بنی صدر را ادامه دهد. حداقل مقصود و هدف سازمان سیا در این موقع این بوده که رضایت نامبرده را برای مشاورت یک شرکت آمریکایی جلب نماید و بعد تحت این پوشش تماسها را با وی دنبال کند.

اینها مجموعه اسنادی بودند که تا آن زمان از آقای بنی صدر به دست آمده بود. در آن موقع استدلال ما دربارهٔ آقای بنی صدر این بود که علیرغم اینکه سازمان سیا در وی طمع کرده است، ما از اینکه آقای راترفورد به ایران آمده باشد و توانسته باشد نظر آقای بنی صدر را جلب کند، مطمئن نیستیم. از سوی دیگر در پرسشی که از تام آهرن رئیس ایستگاه سیا در تهران آمده است و با آقای بنی‌صدر ملاقات کرده و وی را با حقوق ماهیانه ۱۰۰۰ دلار به عنوان مشاور شرکت آمریکایی استخدام کرده است.

لیکن از آنجایی که آهرن از کاندیداتوری آقای بنی صدر برای ریاست جمهوری مطلع بود، ما در یک چنین امر حساسی نمی‌توانستیم به گفته‌های وی استناد کنیم، از طرف دیگر صحت گفته‌های آهرن زمانی

www.takbook.com



به ثبوت می‌رسید که اسنادی که توسط خود وی در لحظهٔ اشغال لانهٔ جاسوسی به صورت رشته شده درآمده بود، به همت برادران و خواهران ما درست می‌شد، لذا ما ناچار باید منتظر می‌ماندیم که همین‌طور که به تدریج این اسناد درست می‌شدند، اسناد مربوط به ملاقات آقای بنی صدر و راترفورد به دست آید. هرچند که در همان زمان نیز این فکر بود که اسناد به همین صورت، بدون کم و کاست به اطلاع امام برسد، که در آن زمان حجت‌الاسلام آقای موسوی خوئینی‌ها به لحاظ فقدان دلایل کافی این امر را صلاح ندانستند.

ناگفته نماند که دانشجویان علیرغم مخالفتهای بی‌وقفه و اتهامات و دشنامهای فراوان آقای بنی صدر به دانشجویان و کل حرکت اشغال لانهٔ جاسوسی، هیچ‌گاه نخواستند از مسئله اسناد، به گونه‌ای انحرافی در مقابل آقای بنی صدر استفاده کنند، همچنان که پس از انتخاب آقای بنی صدر به عنوان رئیس جمهور، تعداد محدودی از برادران که از موضوع این اسناد اطلاع داشتند، از طرح کوچکترین مسئله‌ای در این رابطه منع شدند، مبادا که با پخش شایعه‌ای مبنی بر اینکه از آقای بنی صدر در رابطه با لانهٔ جاسوسی اسنادی موجود است، به مقام ریاست جمهوری و به تبع آن به کل جمهوری اسلامی صدمه و زیانی وارد آید. این مسئله مسکوت ماند تا اینکه در اوایل اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ اسناد شماره ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ از میان اسناد رشته شده به دست آمد و البته با توجه به شواهد موجود در همین اسناد، اسناد دیگری نیز باید در همین رابطه وجود داشته باشد، که هنوز آنها را به دست نیاورده‌ایم.

با به دست آمدن این اسناد و با توجه به عملکردها و سخنان آقای بنی صدر، لازم بود که امام امت در جریان امر قرار بگیرند، این اسناد به اطلاع ایشان رسید و ایشان فرمودند که اسناد فعلاً محفوظ بماند و همچنان مطابق امر امام عمل شد.

بعد از اینکه مسئله عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر در مجلس مطرح شد، طی تماسی که با امام امت گرفته شد دیگر از جانب ایشان اصراری برای حفظ اسناد در میان نبود و اسناد برای طرح در مجلس در اختیار موسوی خوئینی‌ها قرار گرفت، لیکن متأسفانه به علت کمی وقت، اسناد مورد بحث آن چنان که باید و شاید مطرح نشد.

لذا همان‌طور که در مجلس قول داده شده، ما این اسناد را برای اطلاع امت قهرمانمان در اختیار روزنامه‌ها قرار می‌دهیم و در آینده طی جزوه مستقلی جداگانه آن را به انتشار خواهیم رساند. باشد که مردم مسلمان و مبارز ایران از سیاستها و توطئه‌هایی که برای نابودی انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد از زبان اسناد خود این آمریکای جهانخوار مطلع گردند.

توضیح: (س، د، لور ـ ۱)، اسم رمز آقای ابوالحسن بنی صدر می‌باشد که در اسناد سیا به کار رفته است. این مسئله با توجه به شواهدی که در اسناد است فهمیده می‌شود، از جمله در سند شماره ۱ تلفن منزل وی ذکر شده است و در سند شماره هشت می‌گوید وی ناشر روزنامه انقلاب اسلامی است و همچنین در سند شماره ۱۱ می‌گوید که وی عضو شورای انقلاب عضو مجلس خبرگان، سرپرست بانکهای ملی شده و ناشر روزنامه می‌باشد و این مطلب در پرسشی که از تام آهرن رئیس قرارگاه سیا انجام گرفته نیز تأیید شده است که نوار فیلم آن موجود است.

www.takbook.com



**مقدمه و معرفی اسناد**

به منظور اینکه سیر اسناد مربوط به (س، د، لور ـ ۱) مشخص شود توضیحات زیر ارائه می‌شود:

**۱ـ جمع‌آوری اطلاعات**

آمریکا برای اینکه سلطهٔ خویش را بر مناطق و کشورهای مختلف حفظ نماید، قبل از شروع هر عملی احتیاج به اطلاعات دقیق نسبت به آن کشورها و مناطق دارد. این اطلاعات از معادن آن کشورها گرفته تا تاریخ و فرهنگ و مذهب و ... همه را شامل می‌شود. شاید میزان تحقیقات و اطلاعات اینان از کشور ما از خود ما در طول سیصد سال اخیر بیشتر باشد. از موارد دیگر جمع‌آوری اطلاعات که شاید از موارد قبلی مهمتر باشد، جمع‌آوری اطلاعات در مورد گروههای سیاسی مختلف یک کشور مخصوصاً گروههای مخالف رژیم می‌باشد. حتی اینها اطلاعات زیادی از گروههای موافق با خودشان نیز جمع‌آوری می‌کرده‌اند، چرا که می‌دانند آنچه در مواضع رسمی و سخنرانیهای رسمی بیان می‌شود با آنچه در پنهان مطرح است تفاوت دارد و این نکته را هم از رموز سیاست می‌دانند، چه بسیار افرادی که در رژیم شاه معدوم ـ هرچند کل رژیم وابسته بود ـ اطلاعات سرّی مملکت را به آنها می‌فروختند. جمع‌آوری اطلاعات و به خصوص اطلاعاتی که در پشت پرده سیاست می‌گذرد، امروزه یکی از پایه‌های تسلط ابرقدرتها بر مستضعفین می‌باشد، چرا که این اطلاعات هستند که آنها را قادر به انتخاب عمل می‌نمایند.

**۲ـ وزارت امور خارجه آمریکا و سیا**

این دو سازمان هر دو کار جمع‌آوری اطلاعات را به عهده دارند، ولی با این تفاوت که وزارت امور خارجه مصونیت سیاسی دارد. در واقع شکل رسمی دارد و افراد مشخصی دارد. بنابراین نمی‌تواند دست به هر کاری بزند و دامنه فعالیت محدودی دارد. اینها بیشتر کارشان مربوط به جمع‌آوری اطلاعات و تحقیقات در مورد مسایلی است که در خود جامعه مطرح است و اغلب این اطلاعات را از مهمانیهای رسمی و ملاقاتهای رسمی به دست می‌آورند. اما سازمان سیا که وظیفه جداگانه‌ای بر عهده دارد کارش بیشتر جمع‌آوری اطلاعات سرّی مملکت می‌باشد و این کار را با تعبیه جاسوسانی در مواضع حساس انجام می‌دهد، یا اینکه به افرادی که در مواضع حساس هستند نزدیک شده و با استفاده از نقاط ضعفشان آنها را به دام اندازد.

این سازمان مانند شیطان عمل می‌کند، و اگر در افراد مستعدی طمع نمود، با لطایف‌الحیل به آنها نزدیک شده تا آنها را به دام بیندازد، این شیطان در این هدف از هیچ کاری فروگذار نمی‌کند و تمامی اسباب فریب را آماده می‌نماید، حالا یا موفق می‌شود و آنها را با پول می‌خرد و یا با وعده مقام و پشتیبانی و غیره می‌خرد و اگر دید نمی‌تواند آنها را بخرد، اهداف خودش را در آنها القاء می‌کند، و اگر دید که فرد محکم است و آگاه، مجبور است رهایش کند.

**۳ـ آمریکا و انقلاب اسلامی**

در زمانی که انقلاب اسلامی در حال پیروزی بود، آمریکا دریافت که دیگر رژیم شاه رفتنی است و باید رژیم جدید را به خود متمایل سازد. چون از رژیم نو بنیاد اطلاعات زیادی نداشت، اولین پله، لزوم نزدیکی

www.takbook.com



به افراد مؤثر و مهم رژیم برای کسب اطلاعات بود. دیگر اینکه در صورت امکان افرادی از این رژیم را در اختیار خود گیرد تا بعد از طی زمانی دوباره سلطه خویش را بر ایران از سر گیرد.

این کار هم جز با کنار زدن امام از صحنه امکان‌پذیر نبود. اسناد سیا در لانهٔ جاسوسی نشان می‌دهد که تنها هدف آمریکا این بوده و هست که امام را از صحنه سیاسی این مملکت خارج نماید. عمدتاً این منظور را سیا با ایجاد قطبهای کاذب و پروبال دادن به اشخاص در مقابل امام، برای از بین بردن وحدت امت حول رهبری امام، انجام می‌داده و می‌دهد چرا که با هر فردی به هر حال می‌توان کنار آمد، جز با امام.

بعد از این توضیحات می‌پردازیم به اصل مطلب:

**سیر اسناد مربوط به س، د، لور ـ ۱**

**مقدمه**

یکی از افرادی که در پاریس برای اهداف شیطانی، مورد نظر سیا واقع شد، فردی با نام رمز (س، د، لور ـ ۱) می‌باشد. هدف از تماس با وی به دست آوردن اطلاعات در مورد نهضت بود و در این راه هدف نهایی، به استخدام درآوردن فرد مورد نظر بوده است. طبیعی است که ابتدا نمی‌توانستند با وی مطرح کنند که ما از طرف سازمان سیا مأمور تماس با شما هستیم، برای نزدیک شدن به وی محملی درست کردند، به این ترتیب که چون فرد مورد نظر به مسایل اقتصادی آشنایی دارد، مأموری از طرف سیا با اسم رمز راترفورد «ر» (اسم حقیقی او ورنون کاسین می‌باشد) که خود نیز در مسایل اقتصادی وارد است خود را به عنوان یک تاجر آمریکایی مهم به وی معرفی کند، در آنجا دو ملاقات با وی انجام داده و مطرح می‌کند که اگر من روزی برای تجارت به ایران آمدم، می‌توانم شما را ملاقات کنم یا نه؟ که س، د، لور ـ ۱ هم قبول می‌کند.

بعد از این ملاقاتهای ابتدایی، سیا شروع به تهیه مقدمات کار می‌کند. این ملاقاتها حدود یک ماه قبل از پیروزی انقلاب در پاریس بوده است.

**توضیح سند اول**

قشقایی، در ملاقاتی که با تام اهرن رئیس ایستگاه سیا در تهران انجام می‌دهد، به وی می‌گوید که اگر تا به حال با س، د، لور ـ ۱ تماس نگرفته‌اید. تماس بگیرید، البته این تشخیص قشقایی بوده است که س، د، لور ـ ۱، به درد سیا می‌خورد و اصرار می‌کرده که سیا با وی تماس بگیرد.

**توضیح سند دوم و سوم**

سیا خلاصه‌ای از جریان شروع تماس و ادامه کار را برای ایستگاه تهران می‌فرستد و در ضمن آن می‌گوید که اولین ملاقاتها با س، د، لور ـ ۱ حدود یک ماه قبل از پیروزی انقلاب در پاریس انجام شده و چون وی تمایل خودش را به دیدن راترفورد در تهران ابراز کرده، در طی این مدت سیا مشغول تهیه مقدمات سفر راترفورد به تهران بوده است. در ۲۳ خرداد ۱۳۵۸ راترفورد از آمریکا با س، د، لور ـ ۱ تماس می‌گیرد و به وی می‌گوید که در آینده نزدیکی از هندوستان به ایران آمده و س، د، لور ـ ۱ هم با دیدن وی موافقت می‌کند. سیا با یک شرکت تجاری که رئیس آن با سیا همکاری دارد، تماس می‌گیرد و مدارکی تهیه می‌کند که نشان می‌دهد، راترفورد شخصی است به نام ویلیام فاستر و نماینده کمپانی مزبور، پاسپورت و

www.takbook.com



سایر مدارک جعلی را نیز به همین نام برایش تهیه می‌نماید و وی را آماده سفر به ایران می‌نماید.

در این سند به ایستگاه تهران اطلاع داده می‌شود که راترفورد برای اینکه سوءظن کسی را برنیانگیزد، باید از نزدیک شدن به سفارت خودداری کند و در انتها انتقادات ایستگاه تهران را در مورد این برنامه جویا می‌شود.

**توضیح سند چهارم و پنجم**

بین سند سوم و چهارم باید اسناد دیگری هم موجود باشند، ولی ما تا به حال آنها را پیدا نکرده‌ایم، شاید در آینده در میان اسنادی که خرد شده (رشته شده) یافت شوند. قاعدتاً در طی این اسناد برنامه سفر راترفورد با توجه به انتقادات ایستگاه تهران تکمیل می‌شود.

چون در سند دوم تذکر داده شده که باید راترفورد از نزدیک شدن به سفارت اجتناب نماید و همچنین از طرفی لازم است که گزارش کارش را از طریق ایستگاه تهران به مرکز بفرستد و دستورات لازم را در مورد ادامه نحوه کار و انتقادات و پیشنهادات مرکز را دریافت کند، بنابراین برنامه‌ای ریخته می‌شود که در طی آن در تاریخ معینی در محلی خارج از سفارت رئیس ایستگاه تهران را ببینند، البته آنها قبلا همدیگر را ندیده بودند. جزئیات این ملاقات را ایستگاه تهران مشخص کرده و از طریق دستگاههای مخابراتی به آمریکا مخابره می‌کنند، تا به راترفورد اطلاع داده شود.

**توضیح سند ششم و هفتم**

مرکز در این سند که به تهران ارسال شده اظهار می‌دارد که راترفورد به این جهت که باید عادی جلوه نماید، مطالب مربوط به تجارت را هم از طریق تلکس به شرکت تجاری اطلاع می‌دهد. همچنین یک برنامه تماس اضطراری با ایستگاه تهران هم ریخته شده است، در زمانی که تغییراتی یا اشکالاتی در برنامه یا سفر یا ادامه کار راترفورد پیش بیاید.

**توضیح سند هشتم**

این سند مربوط به اولین ملاقات راترفورد با س، د، لور ـ ۱ در اقامتگاه س، د، لور ـ ۱ می‌باشد. در قسمتی از این سند می‌خوانیم «ل ـ ۱ تأکید کرد که وی جزء ۱۵ نفر اعضای شورای انقلاب هست» و کلاً جوّ این ملاقات به نحوی بوده که راترفورد در انتها می‌گوید:

«هرچند ملاقات مختصر بود، اما شواهدی به اندازه کافی وجود داشت که حاکی از این باشد که احتمالاً راهی برای جلب همکاری وی وجود دارد».

**توضیح سند نهم**

مرجع این سند تلگراف تهران ۵۴۱۵۴ می‌باشد که ما آن را نداریم، شاید بعدها در میان رشته‌ها سندش به دست آید، و این نشان می‌دهد که بین سند هشتم و نهم لااقل یک سند پیدا نشده است.

اما می‌توان حدس زد که این سند باید مربوط به دومین ملاقات راترفورد با س، د، لور ـ ۱ باشد.

سند شماره نهم ملاقاتی است که طبق برنامه‌ای که در سندهای چهارم و پنجم ذکر شده است بین

www.takbook.com



راترفورد و آهرن رئیس قرارگاه سیا، درون اتومبیل انجام می‌گیرد. طی این ملاقات راترفورد می‌گوید چون س، د، لور ـ ۱ در ۱۷ شهریور به خاطر تعطیلی خارج شهر بوده نتوانسته وی را ملاقات نماید. در این سند تأکید می‌شود که راترفورد بتواند حداقل مقصود یعنی استخدام س، د، لور ـ ۱ به عنوان مشاور شرکت را برآورد، راهی فرانکفورت می‌شود و الا سفرش را تا نیل بدین مقصود به تأخیر می‌اندازد.

**توضیح سند دهم**

این سند گزارشی است که راترفورد از سومین ملاقاتش با س، د، لور ـ ۱ به تام آهرن (رئیس قرارگاه سیا در لانه جاسوسی) داده و آهرن طی این تلگراف به مرکز مخابره کرده است. اکثر مسایل مطروحه در این ملاقات مربوط به مسایل اقتصادی ایران می‌باشد. در این ملاقات یکی از دوستان س، د، لور ـ ۱ به نام شندر نیز حضور دارد.

**توضیح سند یازدهم**

بعد از سومین ملاقات با س، د، لور ـ ۱، راترفورد گزارشی می‌نویسد و طی آن به تحلیل و ارزیابی س، د، لور ـ ۱ می‌پردازد و طی همین تلگراف پیشنهاداتی در مورد روش ادامه تماس با وی را تا رسیدن به مقصود ارائه می‌نماید (البته این سند هم با استفاده از نظرات راترفورد به وسیله تام آهرن نوشته شده است.)

در ابتدای سند راترفورد می‌گوید چون که وی مقامهای مهمی در رژیم کنونی دارد باید تماس با وی ادامه یابد و سپس اضافه می‌کند که وی آینده سیاسی درخشانی هم خواهد داشت. بعد می‌گوید که وی از وقتی به ایران آمده و عهده‌دار مسئولیتهایی شده است فرق کرده و سپس مواردی از این تغییر را ذکر می‌نماید.

سپس راترفورد ۷ جنبه مثبتی را که در وی وجود دارد می‌گوید (البته این ۷ مورد به نظر سازمان سیا، جنبه مثبت می‌باشد) و بعد هم ۵ جنبه منفی وی را ذکر می‌کند:

در قسمتی از این سند آمده است:

«چون او یک توطئه‌گر (طراح) کهنه‌کار است، اگر احساس کند که رژیم از اهداف انقلابی خود دور می‌شود یا اینکه به نفع خودش خواهد بود، ممکن است در آینده برای توطئه علیه رژیم مانعی سر راه خود نبیند.»

«اگر چه او احتمالاً در حال حاضر هیچ مشکل مالی ندارد، اما باید در نظر داشته باشد که ممکن است با یک تذکر کوتاه به خارج تبعید شود و در آن زمان می‌تواند از کمک مالی ما استفاده کند.»

**توضیح سند دوازدهم**

این سند متن گفتگویی است که با تام آهرن در تاریخ ۸ دیماه ۱۳۵۸ انجام گرفته است. وی در این گفتگو می‌گوید راترفورد حدود ۲۹ مرداد ۱۳۵۸ به تهران آمد و حدود سه هفته در تهران اقامت نمود و حداقل سه و شاید ۵ بار با س، د، لور ـ ۱ ملاقات کرد.

در آخرین جلسه بنی صدر موافقت کرده که به عنوان مشاور اقتصادی این کمپانی فعالیت نماید و پیشنهاد حقوق ماهانه ۱۰۰۰ دلار هم پذیرفته است.

***

www.takbook.com



این بود کل اسناد سازمان سیا که در مورد بنی صدر فعلاً در اختیار ماست. آیا بعد از پیشنهادات مطرح شده در سند یازدهم در تاریخ ۱۸ شهریور تا زمان اشغال لانهٔ جاسوسی (۱۳ آبان ۱۳۵۸) ملاقاتی صورت گرفته یا نه؟ نمی‌دانیم، آیا این جاسوس سیا یعنی راترفورد بعد از اشغال لانهٔ جاسوسی باز هم برای ادامه تماس و جلب همکاری آقای بنی صدر به ایران آمده است؟ این را هم نمی‌دانیم، اما اگر تا زمان اشغال لانهٔ جاسوسی ملاقات دیگری صورت گرفته باشد، احتمالاً اسنادش در باقیمانده رشته‌ها یافت می‌شود.

والسلام

والله اعلم بحقایق الامور

www.takbook.com



**سند شماره ۱**

**از: تهران ۵۳۳۶۵ (به کفالت گلگروف)[۱] ۱۷ خرداد ۱۳۵۸ اعضاء** **سرّی**

**به: رئیس**

**اخطار جاسوسی پخش محدود س، د، لور ـ س، د، داتر[۲]**

**عطف به: الف ـ رئیس ۴۴۶۷۵۲ ب ـ تهران ۵۳۲۶۰[۳]**

۱ـ س، د، راتر ـ ۴ (ر ـ۴) تأیید می‌کند که س، د، لور ـ ۱، (ل ـ ۱) و خانواده‌اش در تهران اقامت دارند، تلفن‌خانه او ۸۵۰۸۰۶[۴] می‌باشد. ر ـ ۴ گفت که (ل ـ ۱) با پسر عموی[۵] من در ۱۰ خرداد شام خورده است و از فعالیتهای قطب‌زاده و یزدی به تلخی گله کرده است، او حالا خودش را در ردهٔ مقابل آنها قرار می‌دهد. ر ـ ۴، گفت که ل ـ ۱ فرد جاه‌طلبی می‌باشد که هنوز فکر می‌کند اگر شایسته ریاست جمهوری نباشد، حداقل شایستگی وزارت را خواهد داشت.

۲ـ در ملاقات ۱۲ خرداد ر ـ ۴ اتفاقاً موضوع ل ـ ۱ را مطرح کرد. ر ـ ۴ دوباره اصرار کرد که اگر بعد از اولین جلسه ملاقات در پاریس ما هنوز با ل ـ ۱ تماس برقرار نکرده‌ایم، این کار را انجام دهیم.

۳ـ پرونده ۲۰۱ـ۰۶۳۵۲۷ و ۹۵۹۲۸۹ ـ ۲۰۱[۶] تا ۱۷ خرداد ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود.

تماماً سرّی سرّی

---

۱ـ هرگاه به عللی رئیس قرارگاه در قرارگاه نباشد ـ مثلاً مسافرت رفته باشد ـ معاون وی کفیل وی می‌باشد. در اینجا هم گلگروف که نام رمز یکی از جاسوسان است در غیاب رئیس قرارگاه وظایف وی را انجام می‌داده است.

۲ ـ س، د، راتر ـ ۴ اسم رمز یکی از عوامل سیا در ایران به نام خسرو قشقایی می‌باشد.

۳ـ دو تلگراف (الف) و (ب) که عطف به این تلگراف می‌باشند هنوز پیدا نشده‌اند.

۴ ـ این شماره تلفن منزل س، د، لور ـ ۱ است که توسط قشقایی به سیا داده شده است.

۵ـ ترجمه این لغت شامل پسر عمه و پسر خاله هم می‌شود.

۶ ـ این دو شماره به ترتیب شماره پرونده‌های خسرو قشقایی و ابوالحسن بنی‌صدر در سیا می‌باشد.

www.takbook.com



**سند شماره ۲**

**از: رئیس ۴۸۱۹۷۱ قسمت اول از دو قسمت[1] ۲ خرداد ۱۳۵۸ اعضاء** **سرّی**

**به: تهران با حق تقدم**

**اخطار جاسوسی بخش محدود س، د، لور**

**عطف به: رئیس ۴۵۹۱۵۸[2]**

۱ـ آنچه که در زیر می‌آید طرح‌ریزی مجددی است که برای عملیات س، د، لور ـ ۱. سفر «گای، دبلیو، راترفورد» (هویت الف)[3] به تهران برای نزدیک شدن به س، د، لور ـ ۱ انجام شده است. ما به طور آزمایشی در نظر داریم که سفر راترفورد به ایران را برای چهارمین هفته مرداد یا هفته اول شهریورماه برنامه‌ریزی کنیم. برای اینکه موضوع را در ذهن قرارگاه تهران در مورد این عملیات که مدت زیادی به تأخیر افتاده، تازه کنیم به اطلاع می‌رسانیم که راترفورد برای اولین بار (در دیماه ۱۳۵۷) در پاریس به س، د، لور ـ ۱ نزدیک شد که در آن موقع نامبرده در جمع اطرافیان خمینی فعالیت می‌کرد. راترفورد دو مرتبه با ل ـ ۱ ملاقات نمود و اگرچه ملاقاتها به واسطه حضور دانشجویان، روزنامه‌نگاران و بیکاران از همه نوع، درهم و برهم بودند ولی به نظر می‌رسد که راترفورد توانسته باشد زمینهٔ یک ارتباط محرمانه‌ای بین خودش و او بچیند. راترفورد بدون اینکه جزئیات یا اسامی واقعی را ذکر کند به س، د، لور ـ ۱ گفت که او یک تاجر آمریکایی است که مرکز تجاریش در اروپاست و تماسهایی در سطح بالا با بخشهای بازرگانی و حکومتی آمریکا، هر دو، دارد. ظاهراً ل ـ ۱ به قدر کافی مجذوب راترفورد شده بود تا با درخواست ملاقات خصوصی راترفورد، در صورت عبور وی از ایران، طی مسافرت تجاری آینده‌اش به خاور دور، موافقت نماید. راترفورد به او گفت که حدس می‌زند این مسافرت در اوایل بهار ۱۳۵۸ صورت پذیرد.

۲ ـ به علت تأخیرات متعدد ناشی از تحول اوضاع ایران، مسافرتهای خود ل ـ ۱ و مسئله پوشش مسافرت راترفورد به ایران، تا تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۵۸ هیچ تماسی بین این دو نفر برقرار نشد. در این تاریخ راترفورد (در حالی که تظاهر می‌کرد در بروکسل است) با وی تماس تلفنی گرفت که مفاد آن طی تلگرام مرجع[4] گزارش شد. (طی این تماس راترفورد گفت درنظر دارد تقریباً سر راه خود به اروپا ـ هنگام بازگشت از سفر هند ـ سری هم به ایران بزند و از ل ـ ۱ پرسید آیا در آن هنگام می‌تواند او را ببیند. ل ـ ۱ با این ملاقات موافقت نمود و راترفورد وعده کرد که با نزدیکتر شدن زمان ورودش به او تلفن کرده و موعد دقیق آمدنش را بگوید.)

۳ـ ضرورت تهیهٔ پوششی مطمئن و غیرقابل تردید برای راترفورد در مدت اقامتش در تهران از آنجا ناشی می‌شود که تجار و دیپلماتهای خارجی در معرض خطر دستگیری هستند. برای تهیهٔ آن چنان پوششی که راترفورد بتواند کاملاً نقش خود را ایفا کند، ستاد مرکزی تصمیم گرفت تا «امکانات جعل شده»

---

۱ـ این عبارت نشان می‌دهد که تلگراف شامل دو قسمت است که فقط قسمت اول آن به دست ما افتاده است.

۲ ـ این تلگراف که تلگراف حاضر به آن عطف شده است در دست نیست.

۳ـ در اسناد مربوط به سازمانهای جاسوسی و اطلاعاتی اسامی واقعی، شماره‌تلفنها و سایر مشخصات حساسی که بوسیله آن می‌توان جاسوسان را شناسایی کرد در متن تلگراف اصلی به کار نمی‌رود. در این گونه موارد تلگراف دیگری که فقط و فقط شامل همین اسامی واقعی و شماره تلفن است به تلگراف اصلی عطف می‌شود. در اینجا هم که نام رمزی واقعی آقای گای، دبلیو، راترفورد، ورنون کاسین می‌باشد.

۴ـ منظور از تلگرام مرجع همان تلگرامی است که در قسمت (عطف به) آمده یعنی (رئیس ۴۵۹۱۵۸). همان طور که قبلاً تذکر داده شد این تلگرام در دسترس نیست.

www.takbook.com



پوششی را با یک پوشش زندهٔ مجسم عوض نماید.[۱] این پوشش به نحوی طرح‌ریزی گشته که توضیحات دقیق و موجه را برای حضور و فعالیتهای راترفورد در اختیارش قرار می‌دهد تا در صورت نیاز در شرایط مختلف از آنها استفاده نماید. مثلاً موقعی که شک ل ـ ۱ را برانگیزد یا موقعی که یک کمیته محلی او را بازداشت یا زندانی کند، یا اینکه در جریان دیدارش از وزارتخانه‌های مختلف در هتل یا خیابان مورد سؤال یا ایذاء کسی قرار گیرد. این پوشش که جزئیات آن در زیر می‌آید زمینه آن کاملاً محکم کاری شده است و شامل یک شماره تلفن اضطراری می‌باشد که راترفورد می‌تواند ۲۴ ساعته از آن استفاده نماید.

۴ـ جزئیات عملی تهیهٔ این مجموعه پوشش اواسط خرداد با همکاری «دان میدز» مورد بررسی قرار گرفت. آقای دان میدز، یک بازرگان سرشناس آمریکایی است که چندین سال است در این زمینه سیا[۲] را یاری می‌دهد. سابقه فعالیتهای تجاری آقای میدز گوناگون بوده و از جمله شامل تعدادی تجارب بین‌المللی است که احتمالاً با نوع تجارتی که مورد توجه دولت موقت ایران است سازگاری دارد، مانند سیستم برق‌رسانی به روستاها، تجهیزات کشاورزی، ماشینهای خیاطی و غیره. ما معتقدیم با استفاده از این نوع پوشش راترفورد قادر خواهد بود علاوه بر نیل به پروردن و پختن ل ـ ۱ و تحویل نامبرده به مأمور سفارت، یک مأموریت اصیل بازرگانی را نیز به انجام برساند. میدز موافقت کرده برای راترفورد نوعی اشتغال واقعی فراهم نماید که مستلزم دیدار راترفورد از وزارتخانه‌ها و بانکها، تماس با افراد و نوشتن گزارش (و تلکس آنها به دفتر مرکزی میدز در پنسیلوانیا) باشد.

همچنین اگر راترفورد پول کم بیاورد می‌تواند با تلگراف از میدز وجوهات اضافی درخواست کند تا بدین ترتیب احتیاج به قرارگاه تهران در این زمینه منتفی گردد.

۵ـ راترفورد حامل نامه‌ای خواهد بود که وی را مشاور شرکت میدز «کارور اسوشیتز» معرفی می‌کند. این نامه مشتمل است بر مجوز مسافرت و شرح و نوع و مدت کاری که وی در ایران یا هندوستان یا هر دو انجام می‌دهد. اطلاعات مندرج در نامه برای اینکه راترفورد بتواند رویدادهای لازم برای ورود را حاصل کند، کفایت خواهند کرد. مثلاً یک ضمانت نامه مالی به دولت میزبان از جانب شرکت اصلی را در بردارد. طی هفته اول مردادماه راترفورد به دفاتر میدز در نزدیکی فیلادلفیا خواهد رفت تا با ماهیت کار شرکتش و نیز سابقه افراد و مکانهایی که به داستان پوششی شکل می‌دهند آشنا شود (در حال حاضر مشغول ارزیابی

---

۱ـ برای اینکه عبارات «امکانات جعل شده پوششی» و «پوشش زنده مجسم» روشن شود توضیح می‌دهیم که گویا در ابتدا قرار بود مدارکی را جعل نمایند که بر طبق آن آقای راترفورد نماینده یک شرکت آمریکایی می‌باشد، واضح است که چون این مدارک جعلی هستند، وقتی که راترفورد به عنوان مظنون مورد بازجویی قرار می‌گیرد با پیگیری شرکت آمریکایی مشخص می‌شود که یا شرکتی با این نام وجود ندارد و یا اینکه بر فرض وجود، نماینده‌ای با مشخصات راترفورد ندارد.

اینجاست که مشخص می‌شود که مدارک جعلی بوده و دست راترفورد رو می‌شود. این بود مفهوم «امکانات جعل شده پوششی».

اما برای اینکه سازمان سیا در چنین مواردی با این مشکلات مواجه نشود ابتدا با بعضی شرکتها که همکاری فعال با سیا دارند وارد مذاکره شده و با اطلاع رئیس شرکت برای جاسوسان خود مدارک نمایندگی و غیره تهیه می‌کند. این گونه پوششها برای مأموران سیا «زنده مجسم» هستند است چرا که در صورت پیگیری و مراجعه به آن شرکت هم مشخص می‌شود که این فرد نمایندهٔ آن است. بدین ترتیب این پوشش کاملاً طبیعی و مستند جلوه می‌کند.

در اینجا هم سازمان سیا تصمیم می‌گیرد به علت حساسی عملیات از مدارک جعلی و بلکه از یک پوشش کاملاً طبیعی و مستند استفاده نماید.

۲ـ در اسناد سازمان سیا هیچ‌وقت نام سیا به کار نمی‌رود. همواره نام رمز آن که «آر، تی، اکشن» است به کار می‌رود. شاید علتش این باشد که در صورت افشای این گونه اسناد در وهله اول مشخص نشود اسناد مربوط به سازمان سیا می‌باشد.

www.takbook.com



سفر واقعی راترفورد به هندوستان بر مبنای یک مأموریت فرضی و بازگشت وی از طریق تهران همراه با توضیحات مناسب در مورد عدم تکمیل آن هستیم. بدین طریق راترفورد در پاسپورت خود ورودیهای تازه خواهد داشت که به اعتبار توجیه پوشش وی خواهد افزود، علاوه بر آن او یک دستورالعمل برای کار ظاهریش در هندوستان خواهد داشت).[۱]

۶ـ قرار است راترفورد در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۵۸ به نام «هویت (ب)»[۲] پاسپورت عادی و جعلی ایالات متحده را دریافت کند. در مدتی که راترفورد در ستاد است اسناد کمکی از قبیل کارتهای اعتبار، خورده اشیاء جیبی و دفترچه واکسیناسیون و غیره برای وی تهیه خواهد شد، و نیز پیشنهاد می‌شود که راترفورد از طریق آتن (که وی آن را خوب می‌شناسد) به ایران یا هندوستان مسافرت نموده تا از این طریق ویزای تجاری را به عوض گرفتن در واشنگتن در آنجا بگیرد. ما در نظر داریم که راترفورد حداکثر دو هفته در تهران اقامت نماید، این عامل کنترلی بر چگونگی برقراری موازنه بین کسب حداکثر مصاحبت با ل ـ ۱ و در عین حال احتراز از برانگیختن ظن او به اینکه راترفورد «در این حول و حوش می‌پلکد» خواهد بود، پیش بینی شده که ۶۰ درصد وقت راترفورد در ایران صرف کار پوششی وی می‌شود که فکر می‌کنیم به قدر کافی وقت برای ملاقات وی با ل ـ ۱ باقی می‌گذارد.

۷ـ توصیه می‌شود که راترفورد از نزدیک شدن به سفارت آمریکا خودداری کند، ولی اتخاذ تصمیم برای شیوه‌های ارتباطی را به قرارگاه وا می‌گذاریم. برنامه‌ریزی نزدیک قرارگاه و راترفورد در این قضیه حکم تعیین کننده خواهد داشت، چرا که پیش‌بینی اینکه عبور از مرحله دوباره تا برقراری مجدد رابطه محرمانه استوار چه سرعتی ممکن است به خود بگیرد امری است دشوار، این دیگر به شعور راترفورد بستگی دارد که تصمیم بگیرد با چه شدتی و برای مقاصد چقدر دست بالایی، جدیت به خرج دهد.

در نظر داشته باشید که برنامه قبلی برای این قضیه بر این فرض استوار بود که ل ـ ۱ را از راههای معمولی نمی‌توان به استخدام درآورد و اینکه هدف ما به این صورت درآمده که ل ـ ۱ را تشویق کنیم تا محتاطانه با یک دوست مورد اطمینان در سفارت آمریکا که به مسایل اقتصادی علاقه‌مند است رابطهٔ محرمانه داشته باشد. تصمیمات مهم مشخصی مانند چگونگی تماس ل ـ ۱ با مأمور سفارت (چگونگی تماس مأمور سفارت با وی) و نیز زمان‌بندی چنین تماسی در رابطه با عزیمت راترفورد از ایران، مخصوصاً مستلزم طرح‌ریزی دقیق و مشترک خواهد بود.

۸ـ از قرارگاه تقاضا می‌کنیم در مورد طرحی که رئوسش در بالا آمده و اینکه آیا زمان‌بندی مسافرت پیشنهادی راترفورد به ایران برای قرارگاه مناسب هست، نظریاتش را ابراز دارد. هرگونه تحول دیگری را به اطلاع شما خواهیم رساند.

۹ـ پرونده ۹۵۹۲۸۹ ـ ۲۰۱، تا ۲ مرداد ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود. تماماً سرّی

---

۱ ـ بحث بر سر این است که برای اینکه داستان پوششی راترفورد کاملاً طبیعی جلوه کند، وی را به هند هم بفرستند که بعد از آن به ایران بیاید و مدارکی هم برایش تهیه کنند که نشان دهد راترفورد در هند به کار تجاری مشغول بوده، و بدین ترتیب در صورتی که وی توسط کمیته بازداشت شود، داستان وی خیلی طبیعی‌تر جلوه می‌کند چرا که پاسپورتش ورودی و خروجی هند را هم دارد.

۲ـ با مراجعه به ( هویت ب) مشخص می‌شود که راترفورد تمام مدارکش را با نام ویلیام ا. فاستر تهیه کرده است. بنابراین هر تماسی که وی در ایران داشته است و هر نشانه‌ای که از خود به جا گذاشته است با نام ویلیام ا. فاستر می‌باشد. برای جلوگیری از اشتباه تذکر می‌دهیم که نام حقیقی وی همان طور که در (هویت الف) آمده است ورنون کاسین می‌باشد و نیز راترفورد نام رمز نامبرده است که در مدارک سیا به کار رفته است.

www.takbook.com



**سند شماره ۳**

**از: رئیس ۴۸۱۹۸۸ ۳ مرداد ۱۳۵۸ اعضاء** **سرّی**

**به: تهران با حق تقدم**

**اخطار جاسوسی پخش محدود س، د، لور**

**عطف به: رئیس ۴۸۱۹۷۱** [۱]

۱ـ هویت الف... ورنون کاسین[۲]

هویت ب .... ویلیام، ا، فاستر[۳]

۲ـ پرونده ۹۵۹۲۸۹ ـ ۲۰۱ تا ۲ مرداد ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود. تماماً سرّی سرّی

**سند شماره ۴**

**از: تهران ۵۳۸۹۴ ۲۰ مرداد ۱۳۵۸ اعضاء** **سرّی**

**به: فوری فرانتک، رونوشت فوری برای رئیس، بن، آلمان دیرتک**[۴]

**اخطار جاسوسی پخش محدود ل، پ، گامین س، د، لور**

**عطف به رئیس ۴۹۲۲۱۹**[۵]

۱ـ ترتیبات تماسها به قرار زیر می‌باشند:

الف ـ راترفورد در یکی از روزهای هفته قبل از ساعت ۱۳ به یکی از شماره‌های «هویت الف» تلفن می‌کند و یکی از شماره‌های داخلی «هویت ب» را می‌خواهد (تماس تلفنی نباید از اتاق هتل انجام گیرد). خود را به نام «هویت ج» معرفی می‌کند و سراغ «هویت د» را می‌گیرد.[۶] فردی که تلفن را جواب می‌دهد می‌گوید که «هویت د» در اداره نیست و قرار است در یک ساعت معینی به اداره برگردد. ساعات معینی که گفته می‌شود روز ملاقات را تعیین می‌کند. بدین ترتیب که ساعت یک یعنی ملاقات در همان روز و ساعت دو یعنی ملاقات در روز بعد.

ب ـ علائم راهنمایی دیگر در خیابانهای اطراف هتل اینترکنتینانتال وجود ندارد، بنابراین راترفورد برای رسیدن به محلی که ماشین او را سوار می‌کند باید طبق برنامهٔ زیر عمل کند:

هتل را ترک کند، به سمت چپ پیچیده (در امتداد خیابان آریامهر سابق) به طرف غرب برود تا به اولین چهارراه برسد سپس به سمت چپ پیچیده و از سمت چپ خیابان امیرآباد سابق) به طرف جنوب برود.

---

۱ـ این تلگراف عطف به تلگراف قبلی می‌باشد.

۲ـ ورنون کاسین نام حقیقی آقای راترفورد می‌باشد.

۳ـ ویلیام، ا، فاستر نامی است که آقای راترفورد تمامی مدارکش را با آن تهیه نموده است.

۴ـ فرانتک و دیرتک از اداره‌های فنی سازمان سیا هستند که اولی به احتمال قوی در فرانسه می‌باشد.

۵ـ این تلگراف که تلگراف حاضر پیرو آن می‌باشد در دست نیست.

۶ـ با مراجعه به سندی که این هویتها را مشخص می‌کند روشن می‌شود که «هویت الف» شماره‌های تلفن سفارت و «هویت ب» شماره‌های داخلی مربوط به قرارگاه سیا می‌باشد، «هویت ج» جورج جانسون می‌باشد یعنی وقتی راترفورد تماس گرفت باید خود را جورج جانسون معرفی کند و سراغ «هویت د» یعنی آقای آهرن را بگیرد که رئیس قرارگاه سیا در تهران است. علت اینکه راترفورد خود را به نام جورج جانسون معرفی می‌کند این است که اگر تلفن سفارت کنترل بشود مشخص نگردد که چه کسی تماس گرفته است و همان‌طور هم که در ادامه سند ذکر شده است هیچ‌وقت ساعت و روز تماس به وسیله تلفن گفته نمی‌شود و این مسئله خود از شگردهای جاسوسی می‌باشد.

www.takbook.com



پگویین[1] سوار بر پیکان ۴ در زرد کمرنگ برای سوار کردن راترفورد به طرف شمال خیابان امیرآباد حرکت می‌کند. اگر راترفورد به چهارراه بعدی (تقاطع امیرآباد و کشاورز بلوار الیزابت دوم سابق) برسد باید همان جا منتظر بماند تا پکوئین برسد و سوارش کند.[2]

ج ـ راترفورد باید دقیقاً رأس ساعت ۰۰ـ۲۰ هتل را ترک کند.

۲ـ لطفاً به راترفورد اطلاع دهید که برای منتظر ماندن در خیابان و سوار ماشین شدن، لباس معمولی بهترین لباس است. از او بخواهید که مشخصات لباسی را که می‌خواهد بپوشد برای ما شرح دهد.

ما از توضیحاتی که شما در مورد مشخصات جسمانی نامبرده می‌دهید تشکر می‌کنیم.[3]

۳ـ با علم به اینکه برنامه سفر راترفورد جنبه آزمایشی دارد توصیه می‌کنیم که وی با احتساب دو یا سه روز بیشتر از حداقل مدتی که قرار است در تهران بماند، هرچه زودتر برای خروج از تهران بلیطش را رزرو نماید چرا که تمام صندلیهای پروازهای خطوط هوایی به مقصد غرب از چندین هفته جلوتر رزرو شده‌اند.

تا تاریخ ۲۰ مرداد ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سرّی سرّی

---

۱ـ پکوئین نام رمز رئیس قرارگاه سیا در تهران یعنی آقای تام آهرن می‌باشد.

۲ـ همان‌طور که در سندهای قبلی ذکر شده است راترفورد نباید به سفارت نزدیک شود چرا که احتمال دارد مظنون واقع شود اما از طرفی چون ناگزیر است با رئیس قرارگاه تهران رابطه داشته و پیشرفت کارها را به وی اطلاع دهد و در ضمن در این عملیات مهم و حساس با وی مشورت هم بکند بنابراین تمام برنامهٔ فوق‌الذکر بین آنها طرح‌ریزی شده است. هر وقت که راترفورد بخواهد آهرن را ملاقات نماید تلفنی به سفارت می‌زند و همان‌گونه که قبلاً ذکر شد عمل می‌نماید اگر به وی گفته شد که آهرن ساعت یک می‌آید راترفورد می‌داند که قرار ساعت ۲۰ همان روز است و اگر گفته شده که ساعت ۲ می‌آید یعنی قرار ساعت ۲۰ فردا شب است.

۳ـ اینکه قرارگاه تهران مشخصات جسمانی راترفورد را می‌خواهد، نشان می‌دهد که آهرن و راترفورد یکدیگر را نمی‌شناسند.

www.takbook.com



**سند شماره ۵**

**از: تهران ۵۳۸۹۵ ۲۰ مرداد ۱۳۵۸ اعضاء** **سرّی**

**به: فوری فرانتک، رونوشت فوری برای رئیس، بن، آلمان، دوپرتگ**

**اخطار جاسوسی پخش محدود ال، پی، گامین[1] س، د، لور**

**عطف به: ۵۳۸۹۴[2]**

«هویت الف» ـ ۸۲۹۰۵۱، ۸۲۰۰۹۱، ۸۲۴۰۰۱.

«هویت ب» ـ ۱۱۰۶ تکرار می‌شود ۱۱۰۶ یا ۱۱۳۵ تکرار می‌شود ۱۱۳۵.

«هویت ج» جورج جانسون.

«هویت د» آقای آهرن.

تا ۲۰ مرداد ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سرّی **سرّی**

---

۱ـ ال، پی گامین، نام رمز این عملیات است، اغلب عملیات سیا دارای نام رمز می‌باشند.

۲ـ این تلگراف عطف به تلگراف قبلی می‌باشد.

www.takbook.com



**سند شماره ۶**

**از: رئیس ۴۹۴۶۷۷ ۲۳ مرداد ۱۳۵۸ اعضاء** **سرّی**

**به: تهران رونوشت برای فرانتک، دیرتک، آنتک**

**اخطار جاسوسی پخش محدود ال.پی.گامین س.د.لور**

**عطف به: تهران ۵۳۸۹۴**[1]

۱ـ برای اطّلاع شما، راترفورد محل و برنامه‌های قطعی سفر خود را از طریق «ال، پی، نایت» (هویت)[2] اظهار می‌دارد که آن هم به ستاد مرکزی اطلاع می‌دهد. بعد از دریافت خبر، ستاد در زمان مناسب مسیر پنهانی و رزرو جا در هتل و رزرو بلیط راترفورد را به اطلاع قرارگاه خواهد رسانید، انتظار می‌رود که این تمهیدات امکان دهند ارتباطات به نحو نسبتاً سریعی انجام گیرد، زیرا که راترفورد در اغلب موارد به «ال، پی، نایت» تلگراف ارسال خواهد کرد. در نظر داشته باشید که در رابطه با احتمالات زیر نیز دستورالعملهایی برای تماس اضطراری ترتیب داده شده‌اند. الف ـ تأخیر در آتن حین گرفتن ویزا برای ایران یا هندوستان. ب ـ لزوم تماس با راترفورد در صورتی که، بنا به دلایلی، قرارگاه تهران با ستاد مرکزی تصمیم به الغاء مأموریت بگیرند (قابل اجراء فقط در دهلی‌نو و تهران). ج ـ ضرورت تماس با قرارگاههای آتن و دهلی‌نو در مواقع اضطراری.

د ـ به تعویق افتادن عمل، در زمانی که (بعد از یک یا دو ملاقات) ل ـ ۱ اظهار کند که به نظر او موضوعات مورد بحث راترفورد به اتمام رسیده، باید از تماس اضطراری استفاده شود، در چنین شرایطی خوب است راترفورد به نحوی مدتی خود را معطل نموده و بهانه موجهی بتراشد تا از ل ـ ۱ برای وعده غذا یا یک گفتگوی غیر رسمی دعوت نماید. بر این اساس راترفورد می‌تواند (با طرح سؤالی دربارهٔ سفر تجاری خود) تلگرافی به ال، پی، نایت، بزند که جواب آن فقط بعد از ۵ روز خواهد رسید. به این ترتیب راترفورد می‌تواند ادعا کند که منتظر پاسخ شرکت خود می‌باشد، اما به عبارت دیگر تا زمان عزیمتش وقت‌کشی کند، امید است تحت این شرایط ل ـ ۱،احتمالاً مخالفتی با یک یا دو ملاقات اجتماعی بیشتر ننماید. (در تمام احتمالات فوق‌الذکر اولین کانال ارتباط از طریق ال، پی، نایت خواهد بود.)

۲ـ برای ملاقات اولیه در تهران، اگر اوضاع جوی اجازه دهد راترفورد لباس عادی می‌پوشد که شامل شلوار خرمایی رنگ، پیراهن (بدون کراوات) و کت خواهد بود. قد وی تقریباً ۱۸۵ سانتیمتر است و ظاهری لاغر دارد، ۶۳ ساله و با قامتی کشیده است، چشمانش آبی و موهای اطراف شقیقه‌اش در حال خاکستری شدن است، نامبرده دفترچه نارنجی روشن برنامهٔ پرواز لوفت‌هانزا را در دست چپ خواهد داشت. (مشخصات جسمانی پگویین به راترفورد داده شده است.)

۳ـ پیشرفتهای (حاصل) در مسافرت راترفورد را به محض اطلاع خبر خواهیم داد. به هر حال در نظر داشته باشید که بهترین تخمینی که فعلاً می‌توان درباره زمان ورود راترفورد به تهران زد، ۲۸ مردادماه است.

۴ـ پرونده ۹۵۹۲۸۹ ـ ۲۰۱ تا ۲۳ مرداد ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود. تماماً سرّی **سرّی**

---

۱ـ این تلگراف که تلگراف حاضر پیرو آ می‌باشد همان سند شمارهٔ چهار است.

۲ـ با مراجعه به سند شمارهٔ هفت مشخص می‌شود که این «هویت» شرکت مشاورتی ران میدز «کارور اسوشیتز» است ضمناً ال، پی، نایت نام رمز این شرکت در تلگرافات سازمان سیا است.

www.takbook.com



**سند شماره ۷**

**از: رئیس ۴۹۴۶۸۳ ۲۳ مرداد ۱۳۵۸ اعضاء** **سرّی**

**به: تهران رونوشت برای فرانتک، دیوتک، آنتک**

**اخطار جاسوسی پخش محدود ال، پی، گامین س، د، لور**

**عطف به: رئیس ۴۹۴۶۷۷**[1]

۱ـ هویت: شرکت مشاورتی «دان میدز»، «کارور استوشیتز»[2]

۲ـ پرونده ۹۵۹۲۸۹ ـ ۲۰۱، تا ۲۳ مرداد ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود.تماماً سرّی

سرّی

---

۱ـ این تلگراف عطف به سند شماره شش می‌باشد.

۲ـ این تلگراف هویّت مذکور در سند شش را مشخص می‌نماید.

www.takbook.com



## سند شماره ۸

**از: تهران[1] ۸ شهریور ۱۳۵۸ ـ اعضاء[2]** **سرّی**

**به: رئیس**

**اخطار جاسوسی پخش محدود ـ ال، پی، گامین ـ س، د، لور**

۱ـ... تماسهای تلفنی ۷ شهریور، راترفورد موفق شد که برای ساعت ۸ صبح روز ۸ شهریور با س،د،لور در اقامتگاهش قرار ملاقاتی بگذارد. هر چند این ملاقات مختصر بود، اما ما را قادر ساخت که... را تجدید کرده و ملاقات دیگری را برای ۱۱ شهریور ترتیب بدهیم.[3]

۲ـ اگرچه ساختمان شامل سه آپارتمان است (هر طبقه یک آپارتمان به نظر می‌رسید که خانوادهٔ خواهر ازدواج کرده س، د، لور ـ ۱ (ل ـ ۱) و خانواده خود ل ـ ۱ هر سه واحد را در اختیار دارند.

۳ـ به نظر می‌رسد که س، د، لور ـ ۱ در وضع جسمی و روحی خوبی به سر می‌برد. او تأکید کرد که شبانه روز گرفتار است و وقت کمی برای صرف امور خانواده‌اش دارد. به نظر می‌رسد که وی از اینکه بار دیگر راترفورد را می‌بیند خوشحال است و همچنین تمایلش در صحبت با راترفورد در مقایسه با دوران اقامتش در پاریس درست کمی قبل از آنکه به تهران بازگردد، بیشتر بود.

او از زمانی که با همراهان خمینی به ایران برگشت به پاریس نرفته است (نظریه: ل ـ ۱ در پاسخ تلفنهای راترفورد به هتل تلفن زده بود اما راترفورد را با اسم کوچک سراغ گرفته بود، به وی گفته بودند کسی با چنین اسمی نامش (در دفتر هتل) ثبت نشده است.)

۴ـ ل ـ ۱ تأیید کرد که وی جزء ۱۵ نفر اعضای شورای انقلاب است. در مورد قدرت شورای انقلاب و نقش آن ل ـ ۱ نظر داد که این شورا آن طور که باید و شاید مؤثر عمل نمی‌کند. واضح بود که وی برای تمام اعضاء شورا ارزش زیادی قائل نیست.

۵ـ علاوه بر کار با شورای انقلاب او همچنین جزء ۷۲ نفر اعضای مجلس خبرگان که در حال حاضر مشغول بررسی قانون اساسی جدید هستند می‌باشد. او پیش‌بینی می‌کند که تقریباً ظرف یک ماه این کار تمام شود. (نظریه: او ملاقات ما را برای شرکت در یکی از جلسات خبرگان ترک کرد.)

۶ـ نسبت به دولت بازرگان ل ـ ۱ آن را به استهزاء گرفت و..... دولت..... او..... شجاعت ..... می‌داند، او تصدیق‌کرد..... در این مقطع تاریخی..... زیرا که..... حمایت و پذیرش ملت..... برای نامزدهای این مقام..... (نظریه:..... گزارشات منتشره، او شغلی در دولت نپذیرفته چرا که ارزش کمی برای آن قائل است.)

۷ـ با اغتنام فرصت برای طرح مسئله، راترفورد اشاره کرد از مجموع آنچه شنیده به نظر می‌رسد که اتخاذ تصمیمات مهم به خمینی واگذار می‌شود و بدون او امور از هم می‌پاشد. ل ـ ۱ به سرعت با اشاره به

---

۱ـ چون که تاریخ این سند ۸ شهریور مشخص می‌گردد که شمارهٔ این تلگراف باید حدود (۵۴۰۸۰) باشد.

۲ـ این تلگراف از اسنادی است که قسمتی از آن نابود شده است. بنابراین قسمتها در متن ترجمهٔ سند با نقطه چین مشخص گردیده است عباراتی که در روی نقطه چینها نوشته شده است عباراتی است که اطمینان صد درصد نسبت به درستی آنها وجود دارد.

۳ـ اسناد ورود راترفورد به ایران در دست نیست تا بتوان تاریخ دقیق ورود وی به ایران را مشخص نمود. اما با توجه به شواهد مشخص می‌گردد که وی اوایل شهریور به ایران آمده است. ملاقات ۸ شهریور که سند حاضر حاصل آن است باید اولین ملاقات راترفورد با آقای ابوالحسن بنی صدر باشد. طبق اظهار همین سند دومین ملاقات هم در تاریخ ۱۱ شهریور بوده (که سند مربوط به آن در دست ما نیست) و طبق سند شماره ده سومین ملاقات هم در تاریخ ۱۴ شهریور بوده است.

www.takbook.com



اینکه درباره توانایی و قدرت خمینی مبالغه شده، استثنایی بر این تحلیل عنوان کرد. او این مسئله را واضح کرد که خمینی قادر نیست کشور را به تنهایی اداره کند و باید به دیگران تکیه کند. (نظریه: این نظر تا حدی مطابق با آن چیزی است که در پاریس گفت «من به خمینی احتیاج دارم اما خمینی هم به من احتیاج دارد.» لحن این نظریه به نحوی بود که انسان استنباط می‌کند این ل ـ۱ فکر می‌کند نسبت به آنچه از خمینی می‌توان انتظار داشت محدودیتهایی وجود دارد.)

۸ـ او همچنین خاطرنشان کرد که دارد روزنامهٔ انقلاب اسلامی را انتشار می‌دهد، او ادعا می‌کند که روزانه صدهزار نسخه به چاپ می‌رساند.

۹ـ(نظریه: هرچند ملاقات مختصر بود اما شواهدی به اندازهٔ کافی وجود داشت که حاکی از این باشد که احتمالاً راهی برای جلب همکاری وی وجود دارد.)

۱۰ـ پرونده ۹۵۹۲۸۹ ـ ۲۰۱ تا ۸ شهریور ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود.

تماماً سرّی

سرّی

www.takbook.com



## سند شماره ۹

**از: تهران ۵۴۱۶۵ ۱۸ شهریور ۱۳۵۸ اعضاء** **سرّی**

**به: رئیس رونوشت برای فرانتک**

**اخطار جاسوسی پخش محدود ال، پی، گامین س، د، لور**

**عطف به: تهران ۵۴۱۵۴[1] (که مورد نیاز فرانتک نیست)**

۱ـ راترفورد در ملاقات مختصری که در تاریخ ۱۸ شهریور درون اتومبیل انجام شد، گزارش داد که وی قادر نبوده روز قبل س، د، لور ـ ۱ (ل ـ ۱) را ببیند. به او گفته شده که ل ـ۱ خارج شهر است، علتش را هم احتمالاً می‌توان اعلام روز ۱۷ شهریور به عنوان تعطیل مخصوص کشوری دانست.[2]

۲ـ راترفورد سعی می‌کند ل ـ ۱ را امروز یا یک وقتی در ۱۹ شهریور ببیند، اگر او این کار را بکند و حداقل مقصود ما برآورده شود، یعنی علاقه ل ـ ۱ به وضوح نسبت به شغل مشاورت جلب شود، راترفورد تصمیم خواهد گرفت که در تاریخ ۲۰ شهریور از طریق پرواز شماره ۶۰۱ لوفت هانزا[3] راهی فرانکفورت شود تا در ساعت ۱۲/۳۰ به وقت محلی به آنجا برسد. اگر این حداقل مقصود برآورده نشد ولی امکان نیل بدان در طول این سفر باقی بماند، عزیمت راترفورد به تأخیر می‌افتد. در این مورد ممکن است از او خواسته شود از مسیری غیر مستقیم برگردد، تا از تأخیر بیش از حد به واسطه رزرو بلیط جلوگیری شود.[4]

۳ـ پرونده ۹۵۹۲۸۹ ـ ۲۰۱ تا ۱۸ شهریور در بایگانی حفظ شود. تماماً سرّی سرّی

---

۱ـ این تلگراف که سند حاضر پیرو آن می‌باشد در دست نیست. با توجه به اسناد نزدیک به سند تهران ۵۴۱۵۴ که در دسترس هستند مشخص می‌شود که تاریخ این سند ۱۷ شهریور می‌باشد.

۲ـ چون در این سند آمده است که راترفورد قادر نبوده در ۱۷ شهریور س، د، لور ـ ۱ را ببیند و با مقایسه آن با سند شمارهٔ ده که ملاقات ۱۴ شهریور با س، د، لور ـ ۱ است و نیز سند شماره یازده که تحلیل ۱۶ شهریور راترفورد از س، د، لور ـ ۱ می‌باشد مشخص می‌گردد که قاعدتاً این سند باید بعد از سند شماره یازده آورده شود.

اما علت اینکه این تلگراف در اینجا آمده است، این است که تمامی تلگرافهای این مجموعه به ترتیب تاریخ و شماره تلگراف تنظیم شده‌اند و خود قرار در تهران این تلگراف را با وجود تأخر زمانیش نسبت به اسناد شماره دو و یازده زودتر مخابره نموده است. علت این امر هم این است که مواقع که مسئله‌ای نسبت به مسایل دیگر جنبه فوریت دارد زودتر مخابره می‌شود، در این سند به مسئله احتمال تأخیر در عزیمت راترفورد مطرح است که نسبت به مسایل دیگر اولویت دارد.

۳ـ این عبارت نشان می‌دهد که راترفورد پرواز شماره ۶۰۱ لوفت هانزا به مقصد فرانکفورت در تاریخ ۲۰ شهریور را رزرو کرده است.

آن‌طور که از یکی از اسناد ناقص ـ که هنوز رشته‌های آن به طور کامل پیدا نشده است و به همین دلیل در این مجموعه اسناد آورده نشده فهمیده می‌شود راترفورد در این تاریخ از ایران رفته است. یادآوری می‌شود که راترفورد تمامی مدارکش را با نام جعلی ویلیام، ا، فاستر تهیه کرده است. این دیگر به عهده کارکنان مسلمان و متعهد هواپیمایی و سایر ارگانهای مربوطه است که مشخص نمایند آیا این جاسوس کارکشته سازمان سیا در ادامه مأموریتش برای جلب همکاری آقای بنی صدر باز هم به ایران آمده است؟ مخصوصاً بعد از اشغال لانهٔ جاسوسی.

۴ـ منظور از عبارت مسیر غیر مستقیم این است که:

در صورتی که راترفورد چند روزی بیشتر در تهران بماند بلیطی را که رزرو کرده از دست می‌دهد و اگر هم بخواهد دوباره بلیطی به مقصد فرانکفورت رزرو نماید به علت شلوغی پروازها مدت زیادی معطل می‌شود. بنابراین به جای اینکه مستقیماً راهی فرانکفورت شود می‌تواند با هر پروازی به مقصد خارج ـ مثلاً رم، پاریس، لندن و غیره ـ که جا داشته باشد راهی خارج و بعداً از آنجا به فرانکفورت برود.

www.takbook.com



**سند شماره ۱۰**

**از: تهران ۵۴۱۷۳ ۱۸ شهریور ۱۳۵۸ ساعت ۱۴/۳۲ دقیقه اعضاء** **سرّی**

**به: رئیس**

**اخطار جاسوسی پخش محدود ال، پی، گامین س، د، لور**

مطالب زیر گزارش راترفورد از ملاقات ۱۴ شهریور با س، د، لور ـ ۱ می‌باشد.

۱ـ راترفورد در شب چهاردهم شهریور برای سومین بار با س، د، لور ـ ۱ به مدت یک ساعت و نیم در محل مسکونی ملاقات نمود. تقریباً ۱۰ نفر از اعضای خانواده و دوستانش در بخش عمده آن است حضور داشتند. یکی از دوستانش که نامش را شندر (با این تلفظ)[1] بیان می‌کرد مدیریت بازرگانی در دانشگاه کالیفرنیا خوانده و چهار ماه پیش به ایران آمده است. او و ل ـ ۱ اهل یک شهر (همدان) بوده و از قدیم‌الایام دوستان خانوادگی بوده‌اند. چون ل ـ ۱ او را دعوت کرد که به ملاقات خصوصی ما در اتاق بپیوندد، من مجبور بودم که اغلب اوقات روی مسایل اقتصادی تاکید کنم، (طی آن شب معلوم شد که شندر مدیریت بازرگانی خوانده و امیدوار است که وارد کار تجارت شود.)

۲ـ در بدو ورود به خانه برای ملاقات، راترفورد در آن طرف خیابان چند مرد مسلح دید و حدس زد که محافظان ل ـ ۱ باشند. تا خواست زنگ بزند پنج نفر از آن محافظان مسلح به طرف راترفورد یورش بردند و از وی پرسیدند چه می‌خواهد. خوشبختانه یکی از آنها راترفورد را از ملاقات اولش می‌شناخت بعد از اینکه محرز شد ل ـ ۱ منتظر یک ملاقات کننده است راترفورد تا طبقهٔ دوم ساختمان اسکورت شد.

۳ـ در حالی که شندر حضور داشت چشم‌انداز ارز خارجی ایران مورد بحث قرار گرفت، ل ـ ۱ گفت هرگونه محدودیتهایی که بر روی ارز خارجی اعمال شود بدان منظور خواهد بود که اطمینان حاصل شود که هرگونه سوءاستفاده‌های واقعی یا محتمل یا راه گریزهایی که در دوران رژیم گذشته تشویق یا اغماض می‌شد، اجازه داده نخواهد شد که در رژیم انقلاب اتفاق بیفتد. ل ـ ۱ گفت که در حال حاضر درباره مقررات ارز خارجی هیچگونه تغییرات عمده‌ای در نظر گرفته نشده است.

۴ـ در مورد مسایل مربوط به تعرفه، ل ـ ۱ گفت که هیچ اقدامی در مرحله کنونی برای بالا بردن جداول تعرفه‌ای در مورد کالای وارداتی مد نظر نیست، علاوه بر این قصد رژیم جدید این خواهد بود که زمینه مساعدی برای پایین آوردن تعرفه‌های اقلام و کالاهای ضروری به منظور تخفیف بار هزینه زندگی توده‌ها، فراهم کند. از سوی دیگر تعرفه کالای تجملاتی احتمالاً افزایش خواهد یافت.

۵ـ درباره ملی کردن، ل ـ ۱ گفت که حکومت وی قصدی برای آغاز برنامهٔ ملی کردن به مقیاس بزرگ ندارد. او استدلال کرد تنها علت ملی شدن بانکها این بود که آنها به واسطهٔ عرفهای بانکی و سوءاستفاده‌های تحت رژیم سابق، ناسالم تشخیص داده شده بودند. اقدام ملی کردن بانکها بیانگر کوششی برای اعادهٔ اطمینان (مردم) به سیستم بانکی بود. او هرگونه احتمالی را در این مورد که دولت قصد دارد اقداماتی در مورد ملی کردن تجارتهای کوچک انجام دهد رد کرد.

(نظریه راترفورد: بعد از نوشتن این مطلب راترفورد شماره اخیر مجله «ایرانیان» را دید که از قول ل ـ ۱ گزارش کرده اقدامات بیشتری برای ملی کردن در پیش است. ل ـ ۱ در ملاقات ۱۴ شهریور خلاف این را گفته است. همچنین طی تماس تلفنی تحت «پوشش نماینده کمپانی» با سیروس ابراهیم‌زاده معاون وزارت

---

۱ـ منظور این است که املای دقیق نام وی را نمی‌دانیم ولی نامش چیزی شبیه شندر بود.

www.takbook.com



اقتصاد و امور دارایی در تاریخ ۱۲ شهریور به راترفورد اطمینان داده شد که دولت هیچ گونه طرحی برای گسترش برنامه‌های ملی کردن ندارد و در حقیقت از سرمایه‌گذاریهای مؤسسات تجارتی خصوصی خارجی استقبال می‌کند.)

۶ـ راجع به امکانات فعالیت در بخش خصوصی فرد مورد نظر تأکید کرد که دولت همچنان مصمم است سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی هر دو را به فعالیت در تجارت خصوصی تشویق کند. به منظور تشویق سرمایه‌گذاران وامهای به مقیاس کوچک هم اکنون نیز در اختیار افراد قرار داده می‌شود. شرایط، ملزومات و امتیازات بر پایهٔ توافق مورد به مورد قابل مذاکره می‌باشند. به طور خلاصه، برای شرکتهای خارجی علاقه‌مند به رفع نیازهای اولویت دار و مهم ایران، دولت مایل است بیشترین امتیازات و تشریفات را اعطاء کند.

۷ـ در مورد اسلحه، ل ـ ۱ گفت که ایران فعلاً علاقه‌ای به تهیه اسلحه اضافی ندارد. در حال حاضر دولت در وهلهٔ اول علاقه‌مند به تهیهٔ لوازم یدکی برای تجهیزاتی است که قبلاً از آمریکا خریداری کرده است.

۸ـ نظریه راترفورد: در یک جا شندر از راترفورد پرسید که او در دولت است یا در تجارت. به او اطمینان داده شد که در دومی است. هرچند ل ـ ۱ ممکن است این سؤال را قبل از ورود راترفورد پیش کشیده باشد، راترفورد بیشتر عقیده‌اش بر این است که یک سؤال عادی بوده است.[۱]

---

۱ـ این سند کامل به دست نیامده است و احتمالاً یک صفحه دیگر دارد.

www.takbook.com



**سند شماره ۱۱**

**از: تهران ۵۴۱۷۴ قسمت اول از دو قسمت[1] ۱۸ شهریور ۱۳۵۸ اعضاء سرّی**

**به: رئیس**

**اخطار جاسوسی پخش محدود ال، پی، گامین س، د، لور**

آنچه در زیر می‌آید تحلیل و ارزیابی راترفورد در ۱۶ شهریور از قضیه س، د، لور ـ ۱ می‌باشد:

۱ـ با در نظر گرفتن مقامی که س، د، لور ـ ۱ در رژیم جدید دارد (یعنی عضو شورای انقلاب، عضو مجلس خبرگان، سرپرست بانکهای ملی شده و ناشر) این‌طور به نظر راترفورد می‌آید که فعالیتها برای جلب همکاریش باید ادامه یابد. یک فرد با امکاناتی که او از آن بهره‌مند است باید قادر باشد اطلاعات با ارزشی را در دوره‌ای که در پیش است در اختیار گذارد. حتی از این مهم‌تر «ر»[2] همچنان ل ـ ۱ را به عنوان فردی که آینده سیاسی درخشانی خواهد داشت به حساب می‌آورد. به نظر می‌رسد ل ـ ۱ که فردی جاه‌طلب و از لحاظ سیاسی زیرک است نقش خود را محتاطانه با چشم داشت به روزی که خمینی از صحنه کنار رود بازی می‌کند.

۲ـ جای تعجب نیست که ل ـ ۱ در تهران تصویری از خود بروز می‌دهد که تا حدی با آنچه در پاریس قبل از بازگشتنش داشت متفاوت است. در پاریس او یک توطئه‌گر (طراح) بود و تمامی وقت خود را به تنظیم نقشه‌هایی برای چگونگی از میدان به در کردن رژیم بر سر قدرت در آن زمان اختصاص می‌داد. او در خارج در بین روشنفکرانی که به او چشم داشتند و به وی احترام می‌گذاشتند، حاضر بود برای تحقق اهداف گروهش به هرگونه فداکاری دست بزند. او که زرنگ و باهوش بود و شبانه روز با استراحت کمی کار می‌کرد، به نظر می‌رسید که از مبارزه لذت می‌برد و به راحتی مخاطراتی را که درگیر این گونه فعالیتهای جسورانه است می‌پذیرفت.

۳ـ بر اساس سه ملاقات ما در تهران، روشن می‌شود که شخص مورد نظر همان طور که قابل پیش‌بینی بود از وقتی که مقامات مسئولیت‌آوری را در رژیم تازه تأسیس پذیرفته فرق کرده است. هنوز شبانه روز کار می‌کند اما به گونه‌ای دیگر. اگر چه در پاریس او یک انقلابی بود که با ظاهر امور سروکار داشت، اکنون او خودش را درگیر مسایل ظریف اداره یک مملکت می‌بیند. سعی او اکنون بر این است که وضع موجود را حفظ و پایه‌های آن را تحکیم نماید. او همچنان از مبارزه صحبت می‌کند. کاملاً واقف است که در بخش معتنابهی از مردم چندان اشتیاقی نسبت به تغییر رژیمها وجود ندارد و به نظر می‌رسد که اهمیت کاری را که در پیش است درک می‌کند. هرچند او همچنان خود را انقلابی می‌داند و به نظر می‌آید که از تبلیغات مقتضای مقامش در نهضت و مزایای قدرت (یعنی محافظانی که به عنوان یک عضو شورای انقلاب برایش گمارده شده‌اند) لذت می‌برد. در واقع امر به نظر می‌آید که او بیشتر یک دیوانسالار (بوروکرات) است تا یک انقلابی، هرچند او همواره روشنفکری ملایم طبع بوده. با وجود این حالا که در تهران جای گرفته به نظر می‌رسد دارد جا می‌افتد. او کمی شکم آورده، لباسهای کاملاً اندازهٔ سفارشی می‌پوشد و ساعت طلای جدیدش را که ظاهری گرانقیمت دارد به رخ می‌کشد. دیگر به نظر نمی‌رسد که گروهی دانشجوی ژولیده مانند آن روزها در پاریس، در خانه‌اش باشند. اینک او می‌تواند این گونه افراد را در دفترش در ساعات

---

۱ـ این تلگراف دارای دو قسمت است که تا به حال فقط قسمت اول آن پیدا شده است.

۲ـ «ر» مخفف راترفورد است.

www.takbook.com



«عادی» کار بپذیرد. اکنون منزلش برای استفاده از اوقات فراغت و ملاقات افراد به دقت انتخاب شده است.

مطالب فوق بدان معنی نیست که فرد مزبور قدرت تحرک خود را به عنوان یک اصلاحگر (رفرمیست) از دست داده است، برای توجه به این است که هر روزی که می‌گذرد به نظر می‌رسد که او بیشتر و بیشتر در دیوانسالاری (بوروکراسی) انقلابی که به موفقیت رسیده، فرو رفته است و اکنون وی با مبارزه‌ای برای به جریان انداختن امور حکومت به نحوی هموار مواجه است.

۴ ـ در ارزیابی فرد مورد نظر، در رابطه با تمایل وی در همکاری با ما، «ر» ملاحظات مثبت و منفی زیر را خاطر نشان می‌سازد:

**الف ـ مثبت**[1]

(۱) چون او یک توطئه‌گر (طراح) کهنه‌کار است، اگر احساس کند که رژیم از اهداف انقلابی خود دور می‌شود یا اینکه به نفع خودش خواهد بود، ممکن است در آینده برای توطئه علیه رژیم مانعی سر راه خود نبیند.

(۲) : اگرچه او احتمالاً در حال حاضر هیچ مشکل مالی ندارد، اما باید در نظر داشته باشد که ممکن است با یک تذکر کوتاه به خارج تبعید شود و در آن زمان می‌تواند از کمک مالی ما استفاده نماید.

(۳) : به عنوان یک روشنفکر او ترجیح می‌دهد که خودش تصمیم بگیرد تا اینکه کورکورانه از فرد دیگری پیروی کند.

(۴) : اگر چه او به خمینی احترام می‌گذارد، اما او را مصون از خطا نمی‌داند.

(۵) : او آگاه است که دار و دسته‌هایی در داخل رژیم در شرف تکوین است، و شاید آگاه است که باید در رفتار با اطرافیانش احتیاط کند. به عنوان مثال او گفت که تمام اعضای شورای انقلاب دارای صلاحیت یکسانی نیستند اما او مجبور است که سر کند و با آنها سرو کار داشته باشد، احتمالاً این عدم اعتماد مجبورش می‌کند که درهایی را باز بگذارد.

(۶) : او جاه‌طلبی سیاسی دارد. او احتمالاً روزنامه‌اش را به این منظور ایجاد کرده که از آن به عنوان پایگاه قدرتی جهت مقاصد سیاسی آینده‌اش استفاده نماید.

(۷) : هرچند در دوره‌های پرمشغله در پاریس و تهران از نظر وقت در مضیقه بود، برنامه خود را کنار گذاشته تا با ما ملاقات نماید. (نظریه «ر» : امید است توجه شود که دسترسی به وی از نقطه نظر ما همچنان یک مشکل است.)

---

۱ـ دقت در موارد مثبتی که راترفورد از شخص س، د، لور ـ ۱ تحلیل کرده است، مشخص می‌کند که افراد مورد توجه سازمان سیا برای به قدرت رسیدن و کنترل حکومت در ایران، چه کسانی می‌باشند. اگرچه فعلاً ملت مسلمان و متعهد ایران به طور کامل آقای ابوالحسن بنی صدر را شناخته‌اند و کاملاً به خصوصیات وی آگاه گشته‌اند و حتی نقاط ضعف بزرگتری از آنچه در این اسناد مذکور است از وی بروز کرده است با این حال با توجه به اینکه این تحلیل مربوط به ۱۶ شهریور ۱۳۵۸ و ماهها قبل از انتخاب آقای بنی صدر به ریاست جمهوری است قابل توجه و تعمق می‌باشد و با در نظر گرفتن اینکه آمریکا از شهریور ۱۳۵۸ می‌دانسته که نامبرده فردی است که در صورت لزوم حتی علیه رژیم جمهوری اسلامی توطئه هم می‌کند، فردی است که احتمال دارد تبعید شود و در تبعید به کمک مالی نیاز دارد، فردیست که معتقد به ولایت فقیه نیست، روشنفکر ـ به مفهوم آمریکایی‌اش ـ است... و بالاخره جاه‌طلب است. بسیاری از توطئه‌ها و حرکتهای آمریکا و عمال داخلی و خارجیش علیه امام خمینی و جمهوری اسلامی ایران معنی‌دار می‌شود.

www.takbook.com



**ب ـ منفی**

(۱) : چون موقعیت خود را در رژیم کنونی محکم کرده است شخص مزبور در حال حاضر واقعاً به ما احتیاج ندارد.

(۲) : افشا شدن روابط مخفیانه‌اش با ما احتمالاً به زندگی حرفه‌ای سیاسی فرد مزبور خاتمه خواهد داد، یقین است که او این نکته را از نظر دور نخواهد داشت.

(۳) : تجربه سالیان دراز بر این نکته تأکید دارد که ناشرین روزنامه به خودخواهی متمایلند و اغلب غیرقابل اعتماد هستند.

تصمیم او که یک روزنامه راه بیندازد شاید حاکی از این باشد که ل ـ ۱ تنها به آینده سیاسی خودش علاقه‌مند است و قصد ندارد با ما در خطهایی که ما درنظر داریم همکاری کند.

(۴) : هرچند اظهارات شخص مورد نظر علیه شرکتهای آمریکایی که در امور داخلی ایران دخالت می‌کنند، ممکن است نشانهٔ این باشد که او نمی‌خواهد کاری به کار دولت ایالات متحده داشته باشد، اما «ر» مایل است طور دیگری فکر کند.

(۵) : بر اساس این فرض که ما همچنان به استخدام ل ـ ۱ علاقه‌مند هستیم. مطالب زیر خلاصهٔ نظریات «ر» دوگونه روش نزدیک شدن به ل ـ ۱ می‌باشد.

**الف ـ تحت پوشش غیر رسمی:** یک شخص در پوشش غیر رسمی که به تهران مأمور شود، دو تا سه ماه بعد از ملاقات «ر» می‌تواند با شخص مورد نظر تماس بگیرد و (با استفاده از کارت پوششی کمپانی «ر») پختن وی را در شرایط راحت‌تری از سرگیرد. پنج یا شش ملاقات ظرف یک یا دو ماه احتمالاً فرد مأمور را قادر خواهد ساخت تا فرد مورد نظر را جهت نزدیکی و تماس به طور گام به گام در خطر قرار دهد.

**ب ـ تحت پوشش رسمی:** «ر» بیشتر عقیده‌اش بر این است طی این سفر می‌تواند ترتیب معرفی یک مأمور با پوشش رسمی را با فرد مورد نظر بدهد. ترجیحاً بنا به دلایل امنیتی این مأمور نباید در عملیات حساس دیگری دست داشته باشد. اگر بنا به دلایلی چنین مأموری در حال حاضر در دسترس نباشد او می‌تواند یکی از کارتهای ویزیت «ر» را در یک تاریخ بعدی به کار برد.

۶ ـ بعد از سومین ملاقات راترفورد توصیه می‌کند که تماس تحت پوشش غیر رسمی صورت گیرد تا قرارگاه محفوظ بماند، از سوی دیگر اگر تأخیر عملی نباشد ادامهٔ پختن توسط یک مأمور با پوشش رسمی بجا خواهد بود.

۷ ـ پرونده ۹۵۹۲۸۹ ـ ۲۰۱ تا ۱۸ شهریور ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود. تماماً سرّی

سرّی

www.takbook.com



**سند شماره ۱۲ شنبه ۸ / دی / ۵۸ ـ جلسه هشتم**

**موضوع: پرسش از تام آهرن**

به من گفته شده بود که دولت آمریکا به طور اعم و سیا به طور اخص، درنظر دارند که اگر امکاناتی موجود باشد، با افرادی که در انقلاب ایران می‌توانند نقشی داشته باشند تماس برقرار شود. لذا زمانی که امام در فرانسه بود یک افسر بازنشستهٔ سیا مأمور شد که به فرانسه رفته و با آقای بنی صدر تماس برقرار نماید. ایشان خود را به عنوان نماینده یک کمپانی معرفی کرده و اظهار داشته است که نسبت به آینده اقتصادی ایران و ارتباط آن با دنیای غرب مخصوصاً آمریکا علاقه‌مند به صحبت با بنی صدر می‌باشد؛ بنی صدر نیز با این مسئله موافقت داشت. زمان این ملاقات اولیه، کمی قبل از مراجعت امام به تهران است که در فرانسه قرار شده بود. زمانی که من به ایران آمدم، ستاد مرکزی هنوز علاقه‌مند به دنبال نمودن این مسئله بوده و در این ارتباط از من خواسته شد که نسبت به این مسئله کار نمایم. آن مرد در حوالی ۲۹ مرداد به تهران آمده و مدت سه هفته در ایران اقامت نمود، با بنی صدر حداقل ۳ بار و شاید حتی ۵ بار در این مدت ملاقات نموده است.

هدف نهایی ما: به استخدام درآوردن بنی صدر.

برنامه مرحله‌ای: در این مرحله تمامی مسایل رو نشود و صرفاً در این مرحله از وی به عنوان یک مشاور اقتصادی قابل اطمینان این کمپانی که نسبت به مسایل اقتصادی و همچنین مسایل سیاسی مربوط به امور اقتصادی و همچنین مسایل سیاسی اعم اظهارنظر می‌کند استفاده شود.

گامهای بعد: ملاقاتهای بعدی با وی در تهران و یا در پاریس (فرانسه) می‌تواند قدری بیشتر پیشروی نموده و نسبت به یک سری مسایل مهم سیاسی از وی سؤالاتی شود. در آخرین جلسه بنی صدر موافقت نموده که به عنوان مشاور اقتصادی قابل اطمینان این کمپانی فعالیت نماید و پیشنهاد حقوق ماهیانه ۱۰۰۰ دلار را نیز پذیرفت.

سؤال: آیا بنی صدر می‌دانست که طرف مقابل وی یک مأمور سیا است؟

جواب: قرار نبوده که به بنی صدر در این مرحله گفته شود که طرف مقابل سیا می‌باشد لذا به وی گفته نشده بود. اما یک مسئله بود که می‌تواند به وی این برداشت را داده باشد که عبارت است از نحوهٔ پیشنهاد ماهیانه ۱۰۰۰ دلار که بدون این ترتیبات معمولی تجاری انجام پذیرفته باشد مورد پیشنهاد و همچنین توافق قرار گرفت و این می‌تواند بیانگر حداقل باشد که این مسئله به این سادگی‌ها نیست.

مسئله دوم اینکه نسبت به زمینهٔ سؤالات راجع به مسایل اقتصادی، سؤالاتی مطرح شده بود. در رابطه با مسایل سیاسی که تا حدود زیادی ربطی به مسایل اقتصادی نداشته است و این مسئله هم می‌توانسته است به وی برداشت دیگری بدهد. یک نکته قابل ذکر هم اینکه تا به حال پولی به ایشان پرداخت نگردیده است.

نام فرد ملاقات کننده: ویلیام فاستر

البته این اسم حقیقی نبوده ولی پاسپورت و دیگر وسایل شخصی وی با این اسم بوده است، اسم رمز وی در تلگرافها ما کاسئلون[1] می‌باشد.[2]

---

۱ـ لازم به توضیح است که نام رمز این جاسوس سیا در اسناد راترفورد می‌باشدو آهرن این مسئله را اشتباه کرده است.

۲ـ نوار ضبط صوت این گفتگو در دست می‌باشد.

www.takbook.com

www.takbook.com

# کتاب دهم

# ملاقات

www.takbook.com

www.takbook.com

**معرفی کتاب**

«این ننگ را ما به کجا ببریم که برخی از اهالی مملکت حالا که آمریکا را ملت شکست داده است باز روابط با آمریکا دارند.»

**«امام خمینی»**

انقلاب اسلامی ایران در حقیقت تجلی شکوهمند یک تغییر است. پاسخی خونین به دعوت الهی برای تغییر انسان. ان‌الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم. امت به پا خاسته ما با دل و جان پذیرای این تغییر و تحول شدند و بر این سبیل به یاری خدا تا امروز استوار مانده‌اند و خواهند ماند، ان الذین قالوا ربناالله ثم استقاموا. این تغییر حکایت از گرایش یک امت به سمت الله و گسستن او از طاغوت است در تمامی مظاهر آن و طبیعی است که در مسیر این تغییر با تمامی موانعی که بخواهند راه او را سد کنند به مقابله برخواهد خاست و به اتکای نیروی لایزال الهی به پیش خواهد رفت. قویترین عامل تسریع و هدایت این تغییر، رهبری نهضت و انقلاب بوده است، رهبری که دقیقاً با عنایت خدای تعالی و بر اساس سنت او توسط مردم کشف می‌شود و این انقلاب جوشیده از متن مردم را به سمت قله فلاح رهنمون می‌شود. انقلاب اسلامی ایران یادآور نهضت صدر اسلام به رهبری پیامبر عظیم‌الشأن است که در چهارچوب هماهنگ مبانی و بنیادها، شکل گرفت و به ثمر رسید و شاید به جرأت بتوان گفت که پس از صدر اسلام، هرگز چنین حرکتی اصیل که ریشه در عمق مکتب دارد به خود صورت واقع نپذیرفته باشد. البته طبیعی است که در کنار این حرکت شکوهمند جریانهای انحرافی بسیاری با ظواهر گوناگون رشد کرد، ولی سیر انقلاب او را سرانجام به انزوا کشاند. این مجموعه حکایت جریانی است که از سرگیری فعالیت سیاسیش با تغییر رئیس جمهور آمریکا و طرح سیاست حقوق بشر آغاز می‌شود، حکایت جریانی است که با امید و الهام از سوی شیطان بزرگ به مبارزه با شاه برمی‌خیزد. آن هم نه مبارزه با شاه که با استبداد و خفقان!! و حتی در مقطعی از مبارزهٔ ضد استبدادی خود راضی به ماندن نظام شاهنشاهی هم می‌شود.

حکایت جریانی است که با مشورت و توصیه‌های شیطان بزرگ گام به گام به خیال خود نهضت را به پیش می‌برد و از ترس اینکه مبادا انقلاب اسلامی در دامن شرق تجاوزگر بیفتد، به دامن غرب جنایتکار پناه می‌برد و در این راه به تبادل اطلاعاتی بسیار وسیعی می‌پردازد و بسیار سخاوتمندانه اطلاعاتی را که از درون نهضت اسلامی دارد در اختیار جاسوسان شیطان بزرگ می‌گذارد.

حکایت جریانی است که بیگانه از ماهیت انقلاب اسلامی که هیچ مأمن و پناهگاهی جز خدا ندارد، با مذاکرات و نشست و برخاستهای مداوم با ایادی شیطان بزرگ، در کمال ساده‌اندیشی معتقد است که

www.takbook.com



خروج شاه و در نهایت پیروزی انقلاب ثمرهٔ این مذاکرات است. حکایت جریانی است که حتی پس از پیروزی انقلاب نیز دست از امدادهای پنهانی شیطان نمی‌شوید و با جدیت هرچه تمامتر، هـمکاری، نزدیکی و روابط حسنهٔ بیشتر طلب می‌کند و گویی با وجودی که همواره شعار خود را استقلال قرار داده، هیچگاه عملاً به استقلال نیندیشیده و همراه دیگر نیروهای مترقی مردمی را که آمریکای جنایتکار و شوروی تجاوزگر را به اتکاء خدا از خود طرد می‌کنند محکوم می‌کند و بالاخره حکایت جریانی است که پس از مراودت پیگیر برجسته‌ترین چهرهٔ آن صاحب عنوان [SDPLOD][1] می‌شود.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

---

۱ـ [SDPLOD حروف رمزی است از طرف سازمان سیا برای معرفی امیر انتظام در اسناد به کار می‌رفت.

www.takbook.com



**شماره : ۴۵۱۰**

**از: وزارت امور خارجه واشنگتن تاریخ: ۸ ژانویه ۷۹ محرمانه**

**به: سفارت آمریکا در تهران فوری ۵۷/۱۰/۱۸**

**موضوع: گزارش مجدد از ریچارد کاتم**

۱ـ کارشناس وزارتخانه ۷ ژانویه برای گزارش تکمیلی تلگراف مرجع با کاتم تماس گرفت. کاتم تأکید کرد که اطرافیان خمینی و مخالفان در تهران از یک کودتای ارتش که به یک اختناق خونین بینجامد، می‌ترسند.

او گفت که در روزهای آخرش در تهران ۳ ـ ۲ ژانویه مخالفین در اطلاعاتشان در مورد کودتا خیلی خیلی مطمئن بودند. آنها اسامی شش ژنرال، در میان آنها اویسی، ربیعی، خسروداد و سه‌تای دیگر را که کاتم به یاد نمی‌آورد، از رهبران اصلی ارتش گفته بودند. نقشه‌های کودتا در ساختمانی متعلق به «ساختمان تحقیقات» خیابان شاه عباس کشیده می‌شد. مخالفین می‌گویند برنامه‌ریزها، تهران را به شش منطقه تقسیم کرده‌اند؛ هرکدام تحت نظر یک ژنرال. اعمال قوانین شدید نظامی و دستگیریها با یک اشاره علامت شروع خواهند شد. خیلیها از مخالفین (رژیم) می‌ترسیدند که آمریکا از چنین کودتایی پشتیبانی کند.

۲ـ علیرغم کینه‌ای که نسبت به آمریکا در میان توده مردم دیده می‌شود، کاتم فکر می‌کرد که اطرافیان خمینی و مخالفین رژیم در تهران آماده‌اند تا در مواضع پیچیده و مفصلی در مورد روابط آینده با آمریکا فکر کنند. او آنها را این‌طور توصیف می‌کرد که از شوروی می‌ترسند و خواهان این هستند که برای امنیت، ایران به آمریکا متکی باشد. آنها خواستار روابط دفاعی رسمی نبودند ولی می‌خواستند تا آمریکا در مقابل تهدید شوروی از ایران پشتیبانی کند. پیروان خمینی معتقد هستند که مسکو از وجود دولتی در ایران تحت رهبری افرادی که می‌خواهند نفوذ خودشان را در وراء مرزها منجمله مسلمانان شوروی گسترش دهند، ناراحت است.

۳ـ کاتم در مورد امیرانتظام، یک تاجر ایرانی این‌طور گفته است:

احتمالاً یک رهبر خیلی مهمی از جناح خمینی است. امیرانتظام به کاتم گفت که می‌خواهد با سفارت در تماس باشد. کاتم ظاهراً او را در این جهت تشویق کرده است.

۴ـ مخالفین میانه‌رو به قول کاتم بختیار را تا زمانی که حرکت ضد شاه جریان داشته باشد، تحمل خواهند کرد و وقتی احساس کنند که تظاهرکنندگان دارند مأیوس می‌شوند، حملات خودشان را علیه بختیار آغاز خواهند کرد. از بختیار به عنوان یک شخصیت متزلزل که نتوانسته در برابر پیشنهاد شاه برای نخست‌وزیری مقاومت کند، حالا هر چند به سود ایران تمام شود، یاد می‌کنند.

۵ـ کاتم به طور مفصلتری مسئله شورای سلطنت (در پاراگراف ۴ تلگراف مرجع) را توضیح داد. شورا متشکل خواهد بود از یک ژنرال منتخب شاه، علی امینی (که شاه معتقد است که به او وفادار است ولی در واقع از مخالفین طرفداری می‌کند) بهشتی (سرهنگ اصلی خمینی در تهران) وکیل مترقی، نزیه و برای شکستن آراء مساوی فرح، سنجابی نخست‌وزیر می‌بود مجلس منحل می‌شد و انتخابات اعلام می‌شد و مجلس جدید احتمالاً قانون اساسی را تصریح می‌کند تا شاه را از آن حذف کند.

۶ـ بالاخره کاتم در مورد گفتگویی با یک (سرهنگ) بازنشسته توضیح داد و گفت که تمام سرهنگهای

www.takbook.com



بازنشسته (اخراج شده توسط شاه) انقلابی بودند، چون سواد (آگاهی) داشتند. بیشتر ژنرالها بی‌سواد بودند و به همین دلیل بود که شاه آنها را ارتقاء مقام می‌داد. ژنرالها وفادار خواهند ماند، ولی سرهنگها دیگر بیشتر از این نمی‌توانند فشار را تحمل کنند. می‌گویند تعداد زیادی از سرهنگها و افسرهای رتبه‌های پایین در تشکیلات خمینی همکاری می‌کنند. گروه خمینی تازگی به ارتش توجه و اهمیت بیشتر می‌داد.

**محرمانه**

**ونس**

www.takbook.com



**شماره : ۰۴۳۱/۱**

**از: سفارت آمریکا تهران ـ ۷۹/۱/۹ تهران ـ ۵۷/۱۰/۱۹** **محرمانه**

**به: وزارت امور خارجهٔ واشنگتن. فوری**

**موضوع: نظرات دو گروه از مخالفین ـ عقب‌نشینی**

**مرجع: تهران ۳۶۷**

**خلاصه**

منبع جدید نهضت آزادی می‌گوید، نهضت آزادی با دولت بختیار مقابله و رقابت نخواهد کرد و سعی خواهد کرد که رفتن شاه هر چقدر ممکن باشد آرام صورت می‌گیرد و از آمریکا می‌خواهد که جلوی ارتش را در سرکوبی افراد غیرنظامی بگیرد. رهبران میانه‌رو در جهت مشابهی تندتر حرکت می‌کنند تا سعی کنند از درد سر بعد از رفتن شاه پیشگیری بشود. منبع معتقد است، نمایندگان مذهبی در شورای سلطنتی به آرام شدن وضع کمک می‌کنند و می‌گوید شریعتمداری احتمالاً آماده است، شرکت کند. خلاصه تمام.

۱ـ در دو گفتگو، صبح ۹ ژانویه، مسئول سیاسی این‌طور برداشت کرد که هم رهبران میانه‌رو سیاسی و هم نهضت آزادی آماده‌اند که دولت بختیار را تحمل کنند. برای وقت محدودی تا تأثیر رفتن شاه از کشور تعدیل بیابد، و هر دو منبع معتقد هستند که شاه می‌خواهد فرار کند، آنها از توصیه مسئول سیاسی مبنی بر اینکه سازمانهایشان نقشه برنامه بعد از رفتن شاه را با نظم هر چه تمامتر بکشند، استقبال کردند.

۲ـ مسئول سیاسی با امیر انتظام عضو کمیتهٔ مرکزی نهضت آزادی برای اولین بار ملاقات کرد (قویاً محفوظ بماند) پروفسور ریچارد کاتم حسن نیت دو طرف را تأکید کرد و بحث فوراً به مشکلات بالقوه ایران بعد از شاه برگشت. انتظام نظر نهضت آزادی را بیان کرد که «اگر آمریکا مخالفت کند، ارتش نمی‌تواند علیه مردم برگردد». مسئول سیاسی جواب داد آمریکا در تماسهایی که با افراد ارتش داشته، خواهان پیروی از دولت ملی بوده است ولی نهضت بهتر است شناخت بیشتری در مورد حدود و عمق تأثیرات و گرفتاری دولت آمریکا در ارتش ایران پیدا کند. مخصوصاً در مورد مسایل حیاتی که دیدگاههای افسران زیاد نمی‌تواند متأثر از خارجیان باشد. بعد از بحث کوتاهی انتظام محدودیتها و نقش آمریکا را در این شرایط درک کرد.

۳ـ مسئول سفارت تکرار کرد که آمریکا مخالف مسئلهٔ کودتای نظامی است و فکر نمی‌کند که این بتواند یک راه حل دراز مدت برای مشکلات ایران باشد و این را چندین بار برای عموم و به طور خصوصی متذکر شده بود. برای همین دولت آمریکا مشخصاً علاقه‌مند بود که بداند نهضت آزادی و دیگران هنگام رفتن شاه برای پیش‌گیری از تحریک ارتش که به خونریزی و اغتشاش منجر می‌شود، چه کار می‌کنند؟ انتظام گفت: خیلی واضح است که حاضریم کمک کنیم. خمینی نمی‌خواهد که به ارتش آزار و ضرر بخورد. «به هر حال قسمتی از ملت است.» بعضی از وزرای بختیار به نهضت آزادی توصیه کرده بود که مقاومت کنند و یک دولت انتقالی لازم بود تا راه را برای یک دولت ملی از مردان خوب باز کند. او قول همکاری نهضت آزادی را داد که جلوی خشونت و کشتار گرفته شود و کوشش جدی از طرف نیروهای خمینی در جهت کنترل کردن جمعیتهای خیابانی انجام گیرد. مسئول سفارت گفت که این حتماً کوششهای ما را مبنی بر نگهداشتن اوضاع در خط قانون اساسی تحکیم می‌بخشد.

www.takbook.com



۴ـ در این زمان مسئول سفارت مسئله اینکه آیا نهضت آزادی می‌تواند جمعیت خیابانی را کنترل کند یا نه را مطرح کرد. انتظام گفت که نهضت آزادی در واقع نگران کسانی بود که در اعمال خشونت‌آمیز دست داشتند مانند «قتل». من می‌توانم مطمئناً بگویم که هیچ‌کدام از این افراد از این نهضت نیستند.» مسئول سفارت هنوز مشکوک بود و پرسید آیا نهضت آزادی و رهبران مذهبی می‌توانند از نفوذشان در آنجا استفاده کنند؟ انتظام جواب داد آنها حتماً سعی خواهند کرد.

۵ـ انتظام بعد از به قول خودش «مسئلهٔ حساس» در مورد زمان‌بندی دولت انتقالی را مطرح کرد. نهضت آزادی از بازگشت شاه می‌ترسد. شایعات می‌گویند که ژنرال اویسی با کارتر ملاقات کرده که برای یک کودتای متقابل پشتیبانی بگیرد. نهضت آزادی فکر می‌کرد، می‌توانست زیاد برای حرکت به طرف دولت ملی منتظر بماند. نهضت درک کرده که چرا بختیار باید تا زمانی که شاه نرفته در قدرت باشد، ولی فکر می‌کرد که در سه هفته تا یک ماه بعدی شورای سلطنت مجبور خواهد بود. دولت جدید مورد تأیید خمینی را روی کار بیاورد. مسئول سفارت شایعه اویسی را به عنوان یک دروغ مبتذل توصیف کرد و مسئله را به این محدود کرد که دولت آمریکا از هر دولت قانونی حمایت می‌کند ولی نمی‌خواهد روی اگر و شایدها فکر کند.

۶ـ کارمند سفارت از «امیر انتظام» پرسید آیا در مورد وضع اقتصادی کشور فکر شد؟ آیا انقلاب اسلامی وقتی شاه رفت اجازه خواهد داد که مردم به کار برگردند؟ اگر نه، کشوری نمی‌ماند تا انقلاب آن را تسخیر کند. تدریجاً انتظام لبخندی زده و گفت: «بله ما نقشه‌هایی داریم برای آن، او اشاره کرد که نهضت آزادی جداً در مورد تعدیل فشارهای اقتصادی بعد از رفتن شاه فکر کرده ولی او در جزئیات نمی‌رفت.

۷ـ ملاقات دوم با دکتر میناچی از کمیتهٔ دفاع از آزادی و حقوق بشر همان زمینه‌های صحبتهای قبلی بررسی شد. میناچی گفت جلسه روحانیت در ۸ ژانویه نقشه‌ای کشید که در آن روحانیون در تمام کشور خواستار آرامش در مساجد شده بود. این قبلاً در تهران از ۹ ژانویه در جریان بوده. میناچی گفت هیئت مدیره کمیته دفاع از آزادی حقوق بشر روز ۱۴ ژانویه جلسه داشتند تا با همکاری کامل با وزیر دادگستری بختیار را منصوب کنند ولی خاطرنشان ساخت که این همکاری به وزارت دادگستری محدود می‌شود و اهدافش مشکلات بشر هستند. مسئول سفارت این را تشویق کرد.

۸ـ میناچی گفت: رهبران مذهبی میانه‌رو قم در مورد رفتن شاه مقداری عصبی بودند. میناچی مسئله شورای سلطنت را با علی امینی در میان گذاشته بود و فکر کرده خوب است که از روحانیون هم در این شورا باشند. او ۱۰ ژانویه با شریعتمداری ملاقات می‌کند و گفت مسئله را عنوان خواهد کرد. او مطمئن بود که مثلث قم حاضر بودند در چنین کاری کمک کنند.

۹ـ میناچی گفت: مسایل شورای سلطنت هنوز مغشوش بودند. بختیار در مورد شورای قانونی در مادهٔ ۳۸ صحبت کرده بود. ولی شاه تحت مادهٔ ۴۲ می‌رفت که به او اجازه می‌داد هرکسی را برای شورای سلطنت انتصاب کند. میناچی گفت بحث اخیر در مورد شورای سلطنت ۷ نفره فقط با قسمتی از عضویت، قانونی مادهٔ ۳۸ بوده او نمی‌دانست تفکر فعلی چیست، ولی حدس می‌زد که بحثهای زیادی رد و بدل شود تا مسئله حل گردد.

www.takbook.com



**شماره : ۰۰۶۷۰**

**از: سفارت آمریکا تهران ـ تهران ـ ۱۴ ژانویه ۷۹** **محرمانه**

**به: وزارت امور خارجهٔ واشنگتن فوری**

**موضوع: نهضت آزادی در وقایع اخیر**

**خلاصه:** انتظام به کارشناس سفارت گفت که اعلام افراد شورای سلطنت برای نهضت آزادی مشکلی را پیش نخواهد آورد. نهضت آزادی فکر می‌کند مجلس، بختیار را تأیید کند.

برگشت خمینی در آینده به ایران که گزارشات مطبوعات می‌گویند آن قدر حتمی نیست. بعضی از گروههایی که امنیت را بر عهده گرفته‌اند، از گروههای نهضت آزادی هستند.در مورد دیگران اطلاعات کامل موجود نیست. تظاهرات تا آخر هفته ۱۸ ـ ۱۹ ژانویه ادامه خواهد داشت. ۱۳ ژانویه تظاهرات دانشگاه توسط نهضت آزادی برگزار و کنترل شد. نقشه‌های نهضت آزادی برای آرامش بعد از شاه پیشرفت می‌کند.

۱ـ کارشناس سیاسی استمپل با امیر انتظام عضو کمیتهٔ مرکزی نهضت آزادی ملاقات کرد تا وقایع اخیر را بررسی کنند. امیر انتظام گفت شورای سلطنت که ۱۳ ژانویه تعیین شده برای نهضت آزادی مشکلی پیش نمی‌آورد. وارسته و تهرانی مخالفین سابق بودند با سوابق خوب و علی آبادی هم در موردش نظر خوبی دارند.

۲ـ انتظام گفت که معتقد است که مجلس وقت گذرانی می‌کند ولی عاقبت از بختیار حمایت خواهد کرد؛ در حالی که بعضی از اعضای مجلس شاید خواهان روی کار آمدن ارتش باشند. (که همه معتقدند موجب کناره‌گیری بختیار خواهد شد اکثریت به مصالح کشور رأی خواهند داد.) نهضت آزادی محتاطانه با نمایندگان در مورد رای صحبت و تشویق خواهد کرد. چون رأی نهایی هنوز داده نشده.

۳ـ در مورد برگشت خمینی به ایران انتظام گفت علیرغم گزارشات مطبوعات خمینی هنوز تصمیم نگرفته چه موقع برگردد. گروه نهضت آزادی در این‌جا و از جمله سیدمحمد بهشتی ترجیح خواهد داد که خمینی سفرش را بیشتر از یک یا دو روز به عقب بیندازد. تا وضع ارتش و امنیت آرام گردد. انتظام گفت که در واقع به خاطر امنیت خمینی نگران است. مسلماً گروههای خارج از جنبش اسلامی هستند که خوبی خمینی را نمی‌خواهند. افراطیون در ۵۰ سال قبل خیلی از ملیون را کشته‌اند و انتظام نمی‌خواهد خمینی بعدی باشد.

وضع امنیتی در ایران، اگر خمینی موقع برگشت کشته شود، آنقدر وحشتناک می‌شود که نمی‌توان تصور آن را کرد.

۴ـ انتظام گفت: تعدادی از روزنامه‌های محلی فارسی منجمله آیندگان وقتی عنوان می‌کنند که خمینی به هر کشوری که به شاه پناه دهد، حمله می‌کنند اشتباه می‌کنند. انتظام گفت: ما امیدواریم که او در مورد گروه خمینی دقیق صحبت کند. خمینی درک می‌کند که ممکن است ضروری باشد که برای خارج ساختن شاه از ایران به او در آمریکا یا اروپا پناهندگی داده شود و کشور مذکور توسط نهضت اسلامی مورد مؤاخذه قرار نخواهد گرفت.

۵ـ گروههایی که در چند محل طبق گزارشات، مسئولیت امنیت را از پلیس گرفته‌اند احتمالاً گروههای

www.takbook.com



عملیاتی نهضت آزادی هستند. انتظام گفت: تمام آنهایی که شمال، اطراف تبریز و قسمتهای دیگر آذربایجان شرقی را به دست گرفته‌اند به طور حتم نهضت آزادی هستند.

گزارشاتی از شهرهای جنوبی مانند شیراز نداشتیم. همچنین نکته مثبت به قول انتظام تظاهرات مردم در دانشگاه روز ۱۳ ژانویه که در اوج خود ۲۰۰۰۰۰ نفر به گفتهٔ نهضت آزادی، ولی تماشاچیان باتجربه می‌گویند ۱۰۰/۰۰۰، صد در صد توسط جنبش اسلامی کنترل می‌شد. به گفتهٔ انتظام نهضت آزادی هم مانند ما از این مسئله تعجب کرده چون حزب توده در دانشگاههای قوی بوده. (نکته: انتظام به طور واضح فکر می‌کرد که این نتیجه کار تشکیلاتی خوبی بوده که نهضت آزادی انجام داده ولی حاضر نبود تمام اعتبار را به نهضت اختصاص دهد. چون او و دیگران معتقد بودند که مارکسیستها مقداری از این جریان خوشحال شده‌اند) نهضت آزادی در آخر هفته ۱۸ ـ ۱۹ ژانویه تظاهرات اساسی خواهد داشت چه شاه بماند چه نماند.

۶ـ انتظام گفت: که نهضت آزادی از قبل برای روز رفتن شاه برنامه‌ریزی کرده. آیت‌الله‌ها هم صحبتهای آرام کننده کرده بودند و خواهند کرد. نهضت آزادی خود گروههایی تشکیل داده تا از مجسمه و ساختمانهای عمومی حفاظت کنند. وقتی کارشناس سیاسی در مورد این گروهها و گروههایی که امنیت شهرها را به دست گرفته بودند، پرسید انتظام گفت: که آنها از گروههای مختلف مذهبی می‌آیند. (نظر: ما حدس می‌زنیم که مقداری از اینها و بیشتر تشکیل دهندگان یا مجاهدین و یا وابسته به مجاهدین هستند.)

**محرمانه**

**سولیوان**

www.takbook.com



**شماره : ۰۷۸۴**

**از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۱۶ ژانویه ۷۹ مطابق ۵۷/۱۰/۲۶**

**به: وزارت امور خارجهٔ واشنگتن ـ فوری**

**موضوع: برگشت خمینی به ایران عقب می‌افتد**

۱ـ امیر انتظام از نهضت آزادی ایران، عضو کمیتهٔ مرکزی، به مسئول سیاسی حدود یک ساعت و نیم بعد از رفتن هواپیمای شاه تلفن زد که سفارت را مطلع کند که آیت‌الله خمینی در آینده نزدیک برنمی‌گردد (تکرار) برنمی‌گردد. علت این مسایل را مسایل امنیتی ذکر کرد.

۲ـ مطلب بالا بهترین اطلاعات نهضت آزادی است. و طیف مخاطبها باید در نظر بگیرند که الف) محدوده زمانی مشخص نیست. ب) نهضت آزادی در روزهای اخیر در مورد برگشت فوری خمینی کمی بی‌تفاوت شده‌اند. البته اطرافیان خمینی در پاریس عقیده دیگری دارند که ممکن است خیلی زود تصمیم خمینی را عوض کنند.

سولیوان ۰۷۸۴

www.takbook.com



**شماره : ۰۸۳۳**

**از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ ۷۹/۱/۱۷** **محرمانه**

**به: وزارت امور خارجهٔ واشنگتن**

**گزارشگر: (STEMPEL) استمپل فوری ۵۷/۱۰/۲۷**

**موضوع: نهضت آزادی کمیته‌های اعتصاب تشکیل می‌دهد.**

مخالفان در مورد مراحل بعدی بحث می‌کنند.

**خلاصه:** نهضت آزادی معتقد است که اوضاع ایران تا ۲۱ ژانویه ثبات پیدا خواهد کرد. خمینی قصد ندارد قبل از ۲۱ ژانویه وارد ایران شود ولی بین ۵ روز تا یک هفتهٔ دیگر این کار را خواهد کرد. می‌خواهد شورای سلطنت و مجلس منحل شوند، ولی مخالفین میانه‌رو در گروه شریعتمداری به دنبال سازش هستند که به همکاری و یا ادغام دو شورا بینجامد. منبع نهضت آزادی می‌گوید خمینی کمیته‌ای تشکیل داده تا مسئلهٔ اعتصابات اصلی را حل کند و کارش را ۱۷ ژانویه آغاز کرده است. (پایان خلاصه)

عضو کمیتهٔ مرکزی نهضت آزادی امیر انتظام به کارشناس سیاسی «استمپل» گفت: که وضع بعد از رفتن شاه بهتر از آن شده که کسی فکر می‌کرد. او مفصلاً و خالصانه از آمریکا برای همکاری با ارتش در پیشگیری از برخورد تشکر کرد. انتظام گفت: نهضت آزادی با خمینی تماس گرفته و آیت‌الله تصمیم گرفته که در آینده نزدیک به ایران نیاید. وقتی که توضیح بیشتری خواسته شد، انتظام گفت: هنوز تصمیم قطعی گرفته نشده ولی نهضت آزادی معتقد است که اوضاع کم‌کم ثبات پیدا خواهد کرد. جمعیت راهپیماییهای روز ۱۹ ژانویه تا ۲۱ ژانویه فرصت بزرگی برای ابراز احساسات خواهند داشت. خمینی قبل از این برنمی‌گردد و شاید در ۷ روز آینده چنین کاری بکند، هنوز مسئلهٔ در پاریس بررسی می‌شود.

۲ـ در جواب سؤال کارشناس که وضع سیاسی چطور خواهد شد؟ انتظام گفت: خمینی از مجلس و شورای سلطنت خواهد خواست که منحل شوند، اگر حرف‌شنوی نکردند آنها را در فشار خواهند گذاشت. توسط زور هم اگر لازم بشود، برکنار خواهند شد.

کارشناس سیاسی جنبهٔ سازشکارانه‌تری از داستان را از زبان دکتر ناصر میناچی شنید که طرفدار شریعتمداری است که گفته نمایندگان تمام گروههای مخالف طی ۲۴ ساعت آینده ملاقات خواهند داشت تا ببینند مسئلهٔ دولت دوگانه شورای سلطنت و شورای انقلاب چطور حل می‌شود.

میناچی ترجیح می‌دهد که دو شورا در هم ادغام شوند و این برنامه پشتیبانی قوی دارد. امکانات دیگر مورد بررسی ملاقات مشترک این دو گروه و یا اعمال مشابه (مثلاً هر دو گروه یک نخست‌وزیر انتخاب کنند) می‌باشد. میناچی گفت: آیت‌الله منتظری حالا از پاریس برگشته است و در یک سری ملاقات شرکت خواهد کرد. میناچی وانمود می‌کند که نمی‌داند که منتظری چه پیغامی از پاریس دارد. (نظر: در حالی که موضع خمینی احتمالاً طی بحث روشن خواهد شد، انتظام عنوان می‌کند که نهضت آزادی در چنین جلساتی شرکت خواهد کرد ولی فقط به عنوان راه‌حل خواستار تشکیلات فعلی و استقرار تشکیلات خمینی خواهد شد. البته ظاهراً جای بحث و معامله هنوز باقی است.)

۳ـ انتظام گفت: خمینی به تازگی کمیته‌ای ۵ نفره ترتیب داده تا مسئلهٔ اعتصابات را حل کنند. بازرگان که رئیس کمیتهٔ نفت بوده جدا می‌شده تا بتواند مسئلهٔ نفت را کنترل کند. و عضو مسن نهضت آزادی، دکتر یدالله سحابی ریاست گروه جدید را به عهده می‌گیرد. انتظام از نام بردن افراد دیگر در این زمان خودداری

www.takbook.com



کرد. کمیته کارش را همان صبح شروع می‌کرد. و باید ممکن باشد که اکثراً اعتصابات را طی چند روز حل کنند. در جواب سؤالی در مورد امکان تلاش حزب توده برای جلوگیری از حل مسئلهٔ اعتصابات پرسیده شد. انتظام گفت:

مناطق نفتی مسئلهٔ خاصی بودند و چپی‌های رادیکال تهدید مهمی در برابر توافقهای دیگر نبودند. (نظر: به عنوان معتقدین قدیمی به قانون مورفی ما مطمئن نیستیم که جریان اینقدر آرام تمام شود.)

**سولیوان**

www.takbook.com



**شماره : ۰۹۲۶/۱**

**از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ ۷۹/۱۸/۱**

**به: وزارت امور خارجهٔ ـ واشنگتن**

**گزارشگر: استمپل (STEMPEL) ۵۷/۱۰/۲۸ مرجع تهران ۰۸۳۳**

**موضوع: نهضت آزادی ایران در تلاش فرونشاندن اوضاع و تسریع پیشرفتهای خود**

**خلاصه:** منبع نهضت آزادی که از طرف بازرگان صحبت می‌کرد، مصراً از سفارت خواست که به تحت فشار گذاشتن ارتش ایران ادامه دهند تا تیراندازی نکند و به جمعیت حمله نشود. بازرگان می‌خواهد آمریکا بداند که طرح وارد شدن نهضت آزادی در دولت باید سریعتر انجام گیرد تا جلوی نفوذ چپی‌ها گرفته شود. نهضت آزادی معتقد است که اختلاف بین شورای خمینی و دولت فعلی خود به خود با مشکلات کم، حل خواهد شد و دولت اسلامی روی کار خواهد آمد. این شایعات مبنی بر معامله بین بختیار و حرکت اسلامی را قوت می‌بخشد.

در ضمن سؤالات در مورد زمان بازگشت خمینی و دوستانش نشانگر این است که می‌خواهند قبل از بازگشت تمام اوضاع را بررسی کنند. (خلاصه تمام)

۱ـ محمد توسلی عضو عالیرتبهٔ نهضت آزادی ایران به دستور رهبر نهضت آزادی ـ بازرگان ـ با کارشناس سیاسی (استمپل) ملاقاتی برای مطرح کردن دو نکته داشته است:

الف: نهضت آزادی از آمریکا به خاطر جلوگیری از کودتای نظامی و تلاش او در ارتش تشکر می‌کند و آمریکا را تشویق می‌کند که به این روش ادامه دهد.

ب: برای جنبش اسلامی ضروری است که به منظور مقابله با نفوذ حزب توده و کسب موقعیت در جامعه سیاسی امروز هرچه بیشتر به سرعت برنامه‌های خود بیفزاید.

۲ـ در سؤالی که در رابطه با تحت کنترل نگهداشتن ارتش منبع نقطه نظرهای نهضت آزادی را به نقل از دو مأمور که در محل حضور داشتند یادآور شد. از غروب ژانویه، ارتش مجسمهٔ شاه را پایین آورد تا به آن هتک حرمت نشود و ملت خوشحالی کردند. روز بعد فرماندار نظامی خوزستان، ژنرال جعفریان، در یک نطق احساساتی برای سربازها توضیح داد که باید تا جای ممکن از شاه دفاع کرد و آخرین نامهٔ شاه را که در آن مصرانه خواسته بود که ملت را سلامت نگهدارند خواند. سربازها در مقابل طعنه‌های جمعیت عکس‌العمل نشان دادند و تیراندازی کردند. بعد تانکها را به داخل خیابانها آوردند که ماشینها را خورد می‌کرد و به مردم تیراندازی می‌کرد. این مسئله درگیری شدیدی بین ژنرال جعفریان و فرماندار نظامی، شمس تبریزی، به وجود آورد. در نتیجه یک نفر (ناشناس ولی در رابطه با مسئولین) گروه چماق به دستان را تشکیل داد که در شهر و دانشگاه جندی‌شاپور به مردم حمله کردند. تا بعد از ظهر ۱۷ ژانویه مردم در خانه‌هایشان پناه گرفته بودند و از بیرون آمدن می‌ترسیدند. نهضت آزادی حدود ۳۰ نفر کشته احتمال می‌دهد و مقدار زیادی هم زخمی (نظر: این زیاد دور از بقیهٔ گزارشات نیست.)

۳ـ نهضت آزادی می‌گوید وقایع مشابه ولی بدون اینقدر خشونت در دزفول، گیلان و اراک روی داده. نهضت آزادی اصرار کرد که دولت آمریکا ارتش را همواره تحت فشار قرار دهد تا از حمله به مردم خودداری کند.

کارشناس سفارت گفت: ما به کار خودمان ادامه خواهیم داد. ولی او شدیداً بر لزوم محدود کردن

www.takbook.com



احساسات مردم تأکید کرد و صحبت کردن مستقیم با رهبران ارتش که ما متقاعد شده‌ایم خواهان خونریزی نیستند را پیشنهاد کرد. منبع این دفعه خوشبین‌تر و راحت‌تر مطالب را پذیرفت.

۴ـ بحث به سیاستهای وضع فعلی رسید. توسلی گفت: که چپی‌ها قدرتمندتر شده‌اند. سخنرانان حزب توده به خصوص به‌آذین که اخیراً آزاد شده (محمود اعتمادزاده) و خواستار جمهوری تنها و نه جمهوری اسلامی شده بود امروزه همه جا سخنرانی دارد. گروههای دانشجویی همچنین فعال شده‌اند و مقداری درگیری هم در بین گروههای چپ و اسلامی دانشگاه، در دانشگاه تهران پیش آمده است.

۵ـ اوضاع طوری است که ایجاب می‌کند که جنبش اسلامی به سرعت به برنامه‌ریزی خود بیفزاید. بازرگان می‌خواست که دولت آمریکا بداند واقعیت همین است و خواستار حمایت و تفاهم ما شده بود.

وقتی پرسیده شد چه نوع حمایتی خواسته‌اند توسلی گفت: صرفاً درک این مسئله که نهضت به کجا می‌رود و با نفوذکردن در ارتش از اغتشاشاتی که ممکن است در ارتش به وجود بیاورد، جلوگیری بشود.

کارشناس سفارت گفت: آمریکا از یک راه‌حل صلح‌آمیز و آرام پشتیبانی خواهد کرد و از نهضت آزادی خواست که با دولت فعلی ایران کنار بیاید. توسلی گفت: این مسئله در جریان است.

۶ـ برنامه‌ریزی بر اساس قول بازرگان چنین می‌باشد:

خمینی اسامی اعضای شورای انقلاب اسلامی را در ۱۹ یا ۲۰ ژانویه اعلام خواهد کرد. بازرگان و رهبر جبههٔ ملی، کریم سنجابی حتماً در شورا خواهند بود، اما دیگر اسامی مشخص نیست. یک نکتهٔ مهم این است که در شورای انقلاب رهبران مذهبی نخواهند بود. توسلی گفت: طرحهایی که هنوز به طور کامل فاش و مشخص نشده شامل گروه ویژه مشورتی متشکل از رهبران مذهبی مانند طالقانی و منتظری می‌باشند.

به دنبال اعلام موجودیت شورای اسلامی احتمالاً استعفای اعضای مجلس و نخست‌وزیر که از ۱۷ ژانویه آغاز شده است ادامه خواهد داشت.

انتظار می‌رود که بختیار خود پیشقدم شود و قدرت را به شورای انقلاب اسلامی واگذار کند، که انتخابات منصفانه‌ای به زودی برنامه‌ریزی شود. (توسلی فکر می‌کرد که این کار حدود دو یا سه ماه به طول خواهد کشید ولی هنوز تصمیم قاطعی گرفته نشده است.)

۷ ـ در جواب سؤال ارتباط بین شورای خمینی و شورای سلطنت که ارتش به آن وفادار بود توسلی گفت: می‌داند که در این مورد تلاشهایی در جریان است که او از ماهیت آن خبر ندارد. (توضیح: توسلی آشکارا معلوم است که از تلاشهای میناچی خبری ندارد. مراجعه شود به:

مرجع A پاراگراف ۲ REF A PERT 2

۸ـ بازگشت خمینی هنوز قطعی نیست اما به طوری که بازرگان گفته خمینی بازگشتش را تا کسب قدرت واقعی توسط شورای انقلاب و تحت کنترل قرار دادن بیشتر ارتش به تأخیر خواهد انداخت. این تصمیم به طور مداوم تحت بررسی است. منبع خبری تصور کرده که این مسئله احتمالاً به این معنی است که خمینی در ۶ تا ۱۰ روز آینده به ایران باز می‌گردد. مذاکره به قول منبع خبری مبنی بر ادامهٔ تماسهای مداوم در روزهای آینده پایان یافت.

۹ـ نظریه و تحلیل: این خوش برخوردترین ملاقات توسلی با گزارشگر بوده است و به نظر می‌رسد که با برخورد خودش می‌گوید که آمریکا در ارزیابی اوضاع، واقع‌بین‌تر از سابق بوده است. او روشن ساخت

www.takbook.com



که بر اساس دستورات بازرگان صحبت می‌کرد. بازرگان فکر می‌کرد که مهم است نکاتی را که او ارائه داده است، آمریکا آنها را درک بکند. بر اساس این امتیاز، او به حدی به اهداف آیندهٔ نهضت آزادی خوش‌بین بود که تاکنون نسبت به هیچ‌چیز نبوده است و مایل بود که زمینه‌هایی را که او اطلاع کاملی از آنها نداشت مشخص بکند. در حالی که او یا از تلاشهایی که برای آشتی دادن شورای سلطنت و شورای خمینی (REF A) شده خبر نداشت و یا در ریاکاری مهارت دارد (گزارش دهنده به نظر اولی معتقد است). او متقاعد شده است که راه‌حل برای انتقال قدرت پیاده خواهد شد.

طریقه راحت و آرامی که انتظام و توسلی با مشکلات دولت قانونی در چهارچوب اسلامی برخورد می‌کنند به شایعات رایجی که خمینی با بختیار معامله و سازش کرده قوت و اعتبار می‌بخشد.

(مراجعه شود به گزارش (SRF = CIA) سیا)

اگر این حتی یک واقعیت باشد، به نظر می‌رسد که نهضت آزادی به نقش ارتش آگاهی ندارد که براساس اطلاعات ما به هیچ‌وجه آمادهٔ مسامحه کاری نیست و راه‌حل نهضت آزادی را بدون درگیری و بحثهای سخت می‌پذیرد.

۱۰ـ در جواب سؤال در مورد بازگشت خمینی، این اولین بار بود که یک شخص مسئول در نهضت احتمال می‌داد که خمینی ممکن است بازگشت خود را تا استقرار و چهارچوب اسلامی چه توسط مصالحه چه با زور، به تأخیر اندازد.

مشکل این طرح از نقطه‌نظر خمینی می‌تواند این باشد که او تاکنون از طرف گروههای مختلف داخل کشور برای بازگشت تحت فشار است. مطبوعات محلی تاکنون چند پیام مبنی بر درخواست بازگشت او گزارش کرده‌اند و بنا به گزارشات علی امینی در پاریس است تا از او بخواهد که برگردد.

ما حداقل بعضی از این درخواستها را حقیقی قلمداد می‌کنیم نه فقط آنچه که در فارسی به عنوان تعارف معمول است.

۱۱ـ مذاکره با مقامات نهضت آزادی در دو سه روز گذشته به اضافهٔ اظهارات مختلفی که از پاریس می‌آید (مراجعه شود به عنوان مثال REF B) این مسئله را نتیجه می‌دهد که تزلزل و تردیدهایی در فکر خمینی هست و همچنین نمایانگر افزایش اختلاف میان اطرافیان خمینی می‌باشد.

این نکته بر ما آشکار می‌سازد که زمانی که مذاکرات در اینجا ادامه دارد، در پاریس یک عدم است که ما نه در یک سردرگمی سیاسی هستیم و نه قوه پیشرفت تدریجی، و حل اختلافات مهم را متعهد شده‌ایم. تنها مشکل این است که خمینی به هر دلیل از بازگشت فوری صرف‌نظر کرده است. بنابراین امکاناتی برای مذاکرات بیشتر حداقل فعلاً حاصل شده است.

سولیوان

www.takbook.com



**شماره : ۹۵۷/۱**

**از: سفارت آمریکا در تهران تهران ۹۴۵ ـ تاریخ ۲۰ ژانویه ۷۹** **محرمانه**

**به: وزارت امور خارجهٔ واشنگتن. دی ـ سی فوری** **۵۷/۱۰/۳۰**

**موضوع: مخالفت مذهبی، فعالیتهای بعد از تظاهرات**

**خلاصه:** منابع نهضت آزادی با نتیجهٔ تظاهرات ۱۹ ژانویه راضی هستند. خشونتی گزارش نشده و فقط دو گروه چپی سعی داشتند دخالت کنند که توسط پاسداران راهپیمایی متفرق شدند. کمیتهٔ اعتصابات خمینی کارش را در ۲۰ ژانویه با برنامه‌ای که بخشهای اساسی منجمله کارگران عمومی بسر کار بازگردانیده شوند، شروع کرد.

نهضت آزادی خبر دارد که چپی‌ها خودشان در ۲۱ ژانویه در جنوب تهران تظاهرات خواهند داشت مذاکرات بین بختیار و گروههای مذهبی هنوز ادامه دارد. هیئت مذهبی احتمالاً به پاریس خواهد رفت تا بگوید که شورای اسلامی با یک زیربنای قانونی ایجاد شود. نهضت آزادی نگران است که بختیار و شورای سلطنت کنار نکشند. افرادی که موضوع را از پشت دنبال می‌کنند نباید بی‌جهت خوشبین باشند. (پایان خلاصه).

۱ـ کارشناس سیاسی استمپل با مأموران نهضت آزادی توسلی و انتظام (محفوظ بماند) عصر ۱۹ ژانویه ملاقات کرده و بعد دوباره با انتظام در ظهر ۲۰ ژانویه. هر دو از نتیجه راهپیمایی راضی بودند.

ادعا داشتند که در این برنامه ۲/۵ میلیون آدم شرکت داشتند (دیگران و مطبوعات می‌گویند ۱/۴، ۱/۸ میلیون) و روز بدون خشونت تمام شده بود. توسلی اشاره کرد که دو گروه چپی سعی داشتند داخل تظاهرات شوند، ولی توسط پاسداران به آرامی متفرق شدند. شعارها همه اسلامی بود. نهضت آزادی گفت، روحیهٔ مردم به خوبی عاشورا نبوده ولی هر دو (و دیگران که با آنها صحبت شده) این را ناشی از رفتن شاه می‌دانند حالا که او رفته مردم به مسایل دیگری فکر می‌کنند مانند هوا، حبوبات (مواد غذائی) و نبودن سوخت مصرفی.

۲ـ انتظام گفت: گروه منتخب خمینی در اعتصابات کار را امروز شروع کرده و دکتر یدالله سحابی به عنوان رئیس و محمد جواد باهنر رهبر مذهبی و مهندس علی اکبر معین‌فر به عنوان اعضاء این گروه معرفی شدند دو عضو دیگر را بعداً معرفی خواهد کرد. انتظام گفت: سحابی می‌خواهد بررسی کند که آیا انتظام را در این گروه بیاورد؟ چون او در جای دیگر هماهنگی بیشتری می‌تواند بکند. انتظام اضافه کرد که در هر حال کار کمیته را دنبال خواهد کرد. در جواب سؤالی انتظام تأکید کرد که برنامه کار کمیته هم در بخش خصوصی و هم کار دولتی بوده و هدف این بوده که کشور دوباره راه بیفتد.

کارشناس سیاسی اشاره کرد نخست‌وزیر قدمهای اساسی برداشته بود تا بخش خصوصی از ۲۰ ژانویه کار را آغاز کند. اگر هدف کمیته همین بوده خوب می‌شد اگر کار سریع پیش می‌رفت تا درگیری پیش نیاید چون هر دو طرف می‌خواهند، سر کار برگردند. انتظام مسئله را فهمید و تأکید کرد که توافق، چپی‌ها را هم در بر خواهد گرفت که سعی دارند در جنبش کارگری رخنه کنند. (نظر: ما امیدواریم تلاشها سریع باشند ولی خطر نزدیک است.)

۳ـ توسلی گفت: گردانندههای حزب توده خواستار تظاهرات چپی و ضد مذهبی احتمالاً برای صبح ۲۱ ژانویه شده‌اند. محل تظاهرات میدان قزوین، ۱ مایلی شمال ایستگاه ترن خیابان ششم بهمن

www.takbook.com



(توضیح: غیر از شرکت توده‌ایها و چپی‌های افراطی در فعالیتهای دانشگاهی این اولین امتحان حزب توده در جمع مردم خواهد بود. این اولین اجتماع متشکل چپی‌ها اگر تشکیل شود، ممکن است نهضت آزادی را وادار کند تا سرعت تلاشهایشان را در جهت ایجاد راه‌حل سیاسی میانه‌رو بیشتر کند.)

۴ـ در صحبت جداگانه‌ای دکتر میناچی (طرفدار شریعتمداری) تأیید کرد که صحبتها بین مخالفین و نمایندگان بختیار در مورد راه‌حل اختلاف بین شورای خمینی (اسلامی) و شورای سلطنت پیشرفت کرده است. میناچی گفت: شورای خمینی هنوز اعلام نشده چون مذاکرات در مورد روابط آینده آن با شورای سلطنت هنوز ادامه دارد. میناچی گفت: آیت‌الله رفسنجانی و منتظری احتمالاً ۲۰ یا ۲۱ ژانویه به پاریس می‌روند، البته اگر معامله ممکن به نظر آید. میناچی هم ممکن است همراهشان برود. هدف سفر این خواهد بود که خمینی را متقاعد کنند که شورای اسلامی باید یک وابستگی قانونی با رژیم فعلی داشته باشد وگرنه رهبران مذهبی میانه‌رو قبول نخواهند کرد. میناچی چگونگی این را نمی‌دانست ولی حدس می‌زد که شورای اسلامی بتواند بعضی از اعضایش را از شورای انقلاب بگیرد؛ به عنوان قسمتی از انتخابات.

۵ ـ انتظام نظر نسبتاً متفاوتی در مورد وضع سیاسی داشت. او گفت: خمینی درصدد اعلام شورای انقلاب است و نخست‌وزیر و کابینه انتخاب شده‌اند (او مدعی بود که اسامی را نمی‌داند ولی احتمالاً می‌داند). مسئله اینجاست که بختیار قبول نکرده استعفا بدهد. (مطبوعات خارجی گزارش کردند که بختیار حاضر نیست قدرت را به خمینی بدهد. او گفت: یک روحانی جای نخست‌وزیر را نمی‌گیرد.) انتظام معتقد بود شورای سلطنت و مجلس به زودی استعفا خواهند داد (نظر: این پیشداوری است.) و لازم است کوشش شود بختیار کنار برود. دولت آمریکا باید توصیه کند که استعفا دهد. کارشناس سیاسی اشاره کرد که بختیار نخست‌وزیر قانونی بوده و این عامل مهمی است که ارتش را پشت دولت غیر ارتشی نگه می‌دارد. کارشناس سفارت نظر شخصی خودش را گفت که اگر خمینی بخواهد برنامهٔ خودش را به طور واقعی پیاده کند، باید با جنبه‌های قانون اساسی مصالحه و سازش کند. انتظام که با صحبتهای مصالحه در پاراگراف قبلی آشنا نیست سرش را تکان داد و مسئله را تمام کرد.

۶ـ نظر و تحلیل: مقدار زیادی سردرگمی و تردید در میناچی و انتظام دیده می‌شود و این نشانگر این است که مخالفین نمی‌دانند که اگر بختیار و دیگر ارگانهای اجرایی از استعفا خودداری کنند، چه وضعی پیش می‌آید. میناچی که آدم خوش‌بینی است راه‌حلی برای مسئله مقابله با شورای سلطنت با شورای انقلاب نمی‌بیند. بختیار گفته که اگر او را اخراج کنند ارتش اوضاع را با خونریزی به دست می‌گیرد. مشکل عکس‌العمل ارتشیها به پیشنهادهای خمینی و اینکه راه حل خمینی خارج از چهارچوب قانون اساسی است موضع رهبران مذهبی میانه‌رو را قوی کرده است. با وجودی که او حاضر نبوده که در گذشته با خمینی علناً مخالفت کند لیکن آن‌طور که شنیده‌ایم شریعتمداری ۱۹ ژانویه مصاحبه‌ای داشته و تا حدی از بختیار دفاع کرده و اصرار دارد که شورای انقلاب اسلامی باید بر اساس قانون اساسی باشد. خمینی موقعیت برتری خودش را از دست نداده ولی مقداری تقلیل پیدا کرده. اگر تشکیلات مذهبی داخل کشور آماده باشد تا با استعفا نکردن بختیار بسازند در آن صورت است که جریانات خمینی را وادار خواهند کرد تا در جهت مصالحه گام بردارد و با وجود یکدندگی سازش کند.

۷ـ سفیر و دیگر کارشناسهای سفارت متوجه شده‌اند که منابع وزارتخانه در مطبوعات زمینه‌سازی کرده‌اند که ظاهراً قسمتی بر اساس گزارشات تلگرافی که در بالا به آن اشاره شد می‌باشد و آنها صورت

www.takbook.com



خوبی به مذاکرات در ایران در مورد وضع خمینی داده‌اند. میناچی اساساً یک فرد خوشبین است و خمینی همیشه یکدنده بوده. مذاکرات ایرانی هیچ‌گاه برنامه صاف و منطقی نبوده و همیشه در خطر بادهایی بوده که از بیرون می‌وزیده. برای چند روز هفتهٔ آزاردهندهٔ آینده، ما فکر می‌کنیم که در مورد این جریان لزومی به اظهارنظر نیست. مگر اینکه دلایل محکمتر و قانع‌کننده‌تر داشته باشند (و ما اینجا نمی‌توانیم تصور کنیم که چه می‌تواند باشند.)

اگر ضرورت داشته باشد که مطبوعات را در مورد گذشته و زمینه‌ها مطلع کنیم، معتقدیم که صحیحتر و عاقلانه‌تر است که یک دید خیلی محتاطانه و کمتر خوشبینانه به آنها بدهیم که در همان خط گفته‌های بسیار خوب هادینگ کارتر در مورد استخوانهای یخ زده باشد.

**سولیوان**

www.takbook.com



**شماره : ۱۰۷۷/۱**

**از: سفارت آمریکا در تهران ـ ۹۵۷ ـ ۷۹/۲۲/۱ مطابق ۵۷/۲۲/۲ محرمانه**

**به: وزارت امور خارجه ـ واشنگتن**

**گزارشگر: استمپل**

**موضوع: نهضت آزادی می‌خواهد توسط آمریکا فشار وارد سازد، اختلاف با میانه‌روها بروز می‌کند**

۱ـ تمام متن محرمانه است.

۲ـ خلاصه: انتظام، عضو نهضت آزادی به کارشناس سفارت گفت که نهضت آزادی مصراً خواستار ملاقات با افسران ارشد است تا بازگشت آرام خمینی را ترتیب دهند. نهضت آزادی می‌خواهد آمریکا نخست‌وزیر مجلس و شورای سلطنت را وادار به استعفا کند. کارشناس سیاسی گفت: این کاری نیست که آمریکا بتواند انجام دهد و حتی کوشش در این جهت خطرناک خواهد بود. حصول توافق ضروری و حیاتی است و تلاش خمینی برای برپایی دولت رقیب هنگام بازگشت، خیلی خطرناک خواهد بود. منبع گفت: نهضت آزادی می‌خواست که در مورد منافع آمریکا در ایران گفتگو کند تا از برخوردهای احتمالی آینده جلوگیری شود. در ضمن به منابع میانه‌رو مذهبی اشاره کرد که ملاقات با ارتش حیاتی بوده و گزارشات مبنی بر اختلافات در رهبری مذهبی را تأیید کرد.

۳ـ امیرانتظام، عضو کمیتهٔ مرکزی نهضت آزادی به مأمور سفارت، استمپل در ۲۲ ژانویه گفت که نهضت آزادی مصرانه می‌خواهد ملاقاتی بین بهشتی، بازرگان و ژنرال مقدم و ژنرال قره‌باغی ترتیب دهد. برای مذاکره در مورد اوضاع بازگشت خمینی؛ و مصرانه از آمریکا خواست که ارتش را در مورد این ایدهٔ خوب متقاعد سازد. میناچی (میانه‌رو و طرفدار شریعتمداری) نیز چنین مطلبی را در حدود یک ساعت بعد از انتظام گفت، کارشناس سفارت به هر دوی آنها جواب داد (انتظام، میناچی) دولت آمریکا این کار را شروع کرده و ادامه خواهد داد.

انتظام گفت که تلاش برای نزدیکی نهضت آزادی به ارتش احتمالاً به ملاقات در ظرف ۲۴ ساعت آینده منجر خواهد شد. یک محل بیطرف و بدون وابستگی تا کنون درنظر گرفته شده (انتظام نگفت کجاست) و ترتیب بازگشت صلح‌آمیز خمینی خیلی مهم است. (روشن است که انتظام و نهضت آزادی بازگشت خمینی را در ۲۶ ژانویه به عنوان یک حقیقت پذیرفته‌اند.)

۴ـ در مورد اوضاع سیاسی، نهضت آزادی گفت: مشکل فعلی نخست‌وزیر است که نمی‌خواهد علیرغم مذاکرات کنار بیاید. انتظام گفت: او و یکی از رهبران نهضت آزادی (مشخص نکرد) قرار ملاقاتی برای دیدن بختیار در ۲۲ ژانویه داشتند.

آنها نهضت آزادی را به توافق و مصالحه مجبور خواهند کرد تا جایی که شورای سلطنت قدرت را به شورای انقلاب منتخب خمینی واگذار کند.

انتظام گفت: که بهترین راه‌حل این است که آمریکا به بختیار فشار بیاورد که مجلس و شورای سلطنت استعفا بدهند و راه را برای جنبش اسلامی باز کنند.

۵ـ مأمور سفارت جواب داد که این کار را آمریکا نمی‌تواند بکند و نه مفید است که بکند. گیرندهٔ چنین توصیه‌ای احتمالاً بیشتر از فشار آمریکا داد و بیداد می‌کردند تا به آن توجه بکنند. انتظام گفت: این به نظر می‌رسد که تنها راه اجتناب از خونریزی و کودتا باشد.

www.takbook.com



مأمور سفارت جواب داد: به نظر می‌رسد که هنوز بهترین راه‌حل مصالحه و توافق می‌باشد. بختیار مشروعیت دارد حتی اگر خمینی آن را نپذیرد.

انتظام گفت: خمینی در حال حاضر مشروعیت هیچ ارگانی را نمی‌پذیرد، نه شورای سلطنت، نه نخست‌وزیر و نه مجلس. مأمور سفارت بی‌پرده گفت که شاید وقت آن است که کسی به خمینی توضیح دهد که توافق و سازش تنها راه‌حل جدی اجتناب از خونریزی است. به نظر نمی‌رسد که دولت آماده تسلیم باشد و یا ارتش به آن اجازه چنین کاری را، حتی اگر بخواهد، نمی‌دهد. تلاش خمینی به منظور تشکیل یک دولت رقیب بعد از ورودش می‌تواند خطرناک باشد.انتظام بعد از کمی تأمل پرسید: که آیا منظور از این حرف احتمال وقوع کودتاست؟ مأمور سفارت گفت: که این احتمال کاملاً از صحنه بیرون نرفته است در روزهای اخیر (احتمال وقوعش هست) هیچ‌کس، نه ارتش، نه آمریکا و نه مخالفین حقیقتاً نمی‌خواهند که کار به اینجا بکشد.

۶ـ سپس انتظام موضوع صحبت را عوض کرد و گفت: نهضت آزادی مایل است که با یک هیئت آمریکایی ملاقات کند برای مذاکره در مورد منافع آمریکا در ایران و تلاش برای اجتناب از درگیری بین آمریکا و جنبش اسلامی که خواستار روابط خوب با آمریکا است.

مأمور سفارت گفت: او همیشه مشتاق نظرات و نکاتی است که نهضت آزادی ارائه می‌دهد. اما به نظر می‌رسد که یک مقدار بی‌موقع است که روی این نکته بحث شود، در حالی که نیرنگهای سیاسی هنوز قوی هستند. انتظام گفت: فرصت برای پیشنهاد باقی و راه باز است.

۷ـ در خبرهای گوناگون گزارش شده است در پایان گفتگو، انتظام تأیید کرد که مأمور سفارت از توسلی (از نهضت آزادی) این خبر را که از حالا به بعد انتظام به عنوان عامل اصلی تماس نهضت آزادی با سفارت به شمار می‌رود، دریافت کرده بود. انتظام گفت: نهضت آزادی دو شایعه را شنیده است.

۱ـ شنیده است که ژنرال اویسی با یک هواپیمای ارتشی ایران به ایران بازگشته است.

۲ـ شنیده است که چند ژنرال در سفارت آمریکا پناه گرفته‌اند.

مأمور سفارت قویاً این شایعات را تکذیب کرد و انتظام آن را پذیرفت.

۸ـ در یک گفتگوی کوتاه جداگانه‌ای، مأمور سفارت توسط ناصر میناچی اطلاع یافت که ملاقات رهبران نهضت آزادی و سران ارتش احتمالاً در غروب ۲۲ ژانویه یا صبح زود ۲۲ ژانویه اتفاق خواهد افتاد.

میناچی نظرش این بود که خمینی تصمیم به بازگشت در ۲۶ ژانویه گرفته است. علیرغم نصایح همه متحدان سیاسیش در اینجا (توضیح: میناچی و انتظام هر دو نسبت به اطرافیان خمینی در پاریس بدگمان هستند و آنها را تحقیر می‌کنند. اگر چه مستقیماً حرفی در مورد معتمدین خمینی، یزدی و قطب‌زاده نمی‌گویند، ولی کاملاً از احساس آنها این مسئله پیداست.)

۹ـ میناچی همچنین به درگیری که بین رهبران مذهبی در ایران در رابطه با چگونگی حل مسئله خمینی وجود دارد اشاره کرد. میناچی بعد از ظهر ۲۲ ژانویه برای صحبت با آیت‌الله‌ها در مورد چگونگی به حداقل رساندن خشونت و درگیری در رابطه با آمدن خمینی به قم رفت. به نظر می‌رسد که او مطمئن است از اینکه مثلث آیت‌الله‌های قم از خط مشی خمینی تا جایی که پشتوانهٔ قانون اساسی داشته باشد، حمایت خواهند کرد.

www.takbook.com



(نظریه: ما قبلاً سخنان باشهامتی از گروه قم شنیده‌ایم، اما قبل از حملهٔ خمینی ارزشش را از دست داده بود و ما متقاعد نشده‌ایم که این دفعه هم فرقی کرده باشد.)

۱۰ـ توضیح و تحلیل: اوضاع حالت تشریفاتی به خود گرفته است. خمینی فشار می‌آورد. متحدین او در داخل کشور (نهضت آزادی ایران) در مورد نتیجهٔ کار نگران هستند و ناراحتند و تلاش می‌کنند که معامله کنند و شواهد زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه آمریکا باید دوطرفه بازی کند. میل شدید ایرانیان برای کنار گذاشتن سازش با جبههٔ مخالف تا آخرین ساعت ادامه می‌یابد و صحنهٔ سیاست را تبدیل به بازی (CHICKEN) می‌کند.

هر دو جبهه تا آخرین دقایق بدون اغماض جلو می‌آیند و هیچ‌کدام ول کن معامله نیستند. این مسئله وقتی مکرراً پیش می‌آید تأثیر ثابت و محکمی روی شرکت‌کنندگان نخواهد داشت (۵ نوامبر، محرم عاشورا، اربعین و حالا). ارتش با اعتصاب افسران (همافران) در اصفهان، همدان، دزفول، و مشهد رو به رو شده است. (طبق گزارش امیر انتظام)

از طرف دیگر به اقرار تمامی گروههای دست‌اندرکار، روحانیون مخالف میانه‌رو به تدریج از خط سازش خمینی به تنگ آمده‌اند. بهترین امید در شرایط فعلی این است که مشکلات درونی هر گروه آن را وادار به سازش کند و از برخورد رودررو جلوگیری به عمل آید.

**سولیوان**

www.takbook.com



**از: سفارت آمریکا ـ تهران**
**تهران ۱۳۷۹ ـ ۷۹/۱/۲۸ مطابق ۵۷/۱۱/۸**

**محرمانه**

**به: وزارت امور خارجه ـ واشنگتن**

**موضوع: دیگ سیاست بشدت می‌جوشد، تجدید خشونت افزایش پیدا می‌کند**

۱ـ متن کاملاً محرمانه است.

۲ـ خلاصه: اعلان بختیار مبنی بر اینکه او به پاریس می‌رود، ملاقاتها و مذاکراتی در تهران و بین تهران و پاریس به راه انداخته. رهبران مذهبی میانه‌رو ظاهراً از ترس خشونت می‌خواهند که او هرچه زودتر در مورد بازگشت خمینی مذاکره کند. نهضت آزادی ظاهراً بیشتر متوجه یک سازش سیاسی است. جمعیتی که از چند استان اجتماع کرده‌اند برای پیشواز آیت‌الله خمینی، ناآرام هستند. علمای تهران تقاضای ۴۸ ساعت آرامش کرده‌اند ولی احتمال خشونت خیلی قابل توجه است. (پایان خلاصه).

۳ـ در گفتگو با دلال (واسطه) سیاسی میانه‌رو میناچی و امیر انتظام روشن شد که در ۲۴ ساعت گذشته ظاهراً تصمیم بختیار مبنی بر رفتن به پاریس بالاترین نماینده اجرایی خمینی در تهران یعنی بهشتی و بعضی اعضای دیگر، همچنین مقدار خیلی زیاد مکالمه با پاریس انجام گرفت که ظاهراً معامله‌ای (شب ۲۷ ژانویه) انجام گرفت.

ملاقات امام و بختیار به زحمت گنجانده شد. رهبران عملاً یکسره ملاقات دارند. در طی روز ۲۸ ژانویه برای اینکه جزییات برنامه را پیاده کنند و جو شک و تردید رهبران خیلی قوی است.

۴ـ میناچی معتقد است که نقطهٔ حساس، کنار هم قرار دادن خمینی و بختیار است. تا هرچه زودتر وقتی برای برگشت خمینی تعیین کنند، جمعیتی که در تهران تجمع کرده‌اند قاطع و مقاوم می‌شوند. سخنرانان در مجلس عزاداری ۲۷ ژانویه قاطعانه گفتند که اگر خمینی ۲۸ ژانویه نیاید، جنگ مسلحانه ۳۰ ژانویه شروع خواهد شد و قشر میانه‌رو نهضت آزادی خیلی متوجه‌اند که تأخیر بی‌جهت در پیشرفت به طرف یک معامله سیاسی که خمینی را برگرداند به معنی خشونت در چند روز آینده خواهد بود. احتمال عکس‌العملهای کنترل نشده توسط گروههای شهرستانی زیاد می‌شود گزارشات پراکنده از غارتگری در جنوب تهران و اتفاقهای مشابه در جاهای دیگر بوده خیلی از منابع دانشگاهی ما می‌گویند گروههای رادیکال که چپ‌تر از حرکت مذهبی هستند، مردم را به یک مبارزه فعالتر که دعوت می‌کنند. ولی وضع فعلاً تحت کنترل است.

۵ـ عضو نهضت آزادی، انتظام، معتقد است که بختیار باید یک معامله کامل سیاسی در پاریس انجام دهد، چون در غیر این صورت وقتی که موقع توافق در تهران برسد، او گروگان ارتش خواهد بود. یک سناریو بختیار را نشان می‌دهد که به نوعی از خمینی حرف‌شنوی دارد و رضایت آیت‌الله مبنی بر اینکه تا زمان برگشت و سناریو بعدی بختیار توافق را جور می‌کند و برای آرام کردن ارتش و استقبال از امام برمی‌گردد.

۶ـ به دنبال کوششی که علمای تهران برای ایجاد زمان بیشتر برای انجام گرفتن این برنامه‌های سیاسی دارند آنها در ۲۸ ژانویه اعلامیه‌ای داده‌اند با امضای طالقانی که خواهان ۴۸ ساعت دیگر آرامش شده تا نخست‌وزیر برنامه برگشت خمینی را تنظیم کند. انتظام و میناچی فکر می‌کنند که مسئله ورود باید تا آن

www.takbook.com



زمان حل گردد وگرنه نهضت آزادی و دیگران مشکلاتی در کنترل کردن جمعیت خواهند داشت.

۷ـ نظرات: میناچی عموماً طرفدار خشونت نیست و مسلماً ناراحت است. چند تا از خبرنگاران آمریکایی در سه روز گذشته در شهر گشته‌اند. جو و حالت جمعیت و ارتش را کلاً خشن توصیف کرده‌اند.

سؤال اصلی حالا این است آیا پروسهٔ سیاسی می‌تواند به راه حلی برسد که قبل از اینکه سران داغ (انقلابی) امور را به دست بگیرند، حرکت انفجاری را خنثی کند.

**سولیوان**

www.takbook.com



**از : سفارت آمریکا** **شماره : ۱۴۴۷/۱**
**به : وزارت امور خارجه واشنگتن** **تاریخ : ۱/۲۹/۷۹**
**گزارشگر : STEMPEL (استمپل) ۵۷/۱۱/۹**
**بخش سیاسی** **سـرّی**

**موضوع : نهضت آزادی مجدداً برای معامله با دولت ایران تلاش می‌کند**

۱ـ کلیهٔ متن محرمانه است.

۲ـ خلاصه:

۳ـ امیر انتظام (نهضت آزادی) تقاضای ملاقات با مأمور سیاسی (استمپل) را کرد (و بر ضرورت آن تأکید کرد، حتی پیشنهاد کرد که شرایط سخت امنیتی در رستوران کاروانسرای سفارت باشد.)

در صبح ۲۹ ژانویه او خشم نهضت آزادی را نسبت به تیراندازی دو روز گذشته بیان کرد و گفت: نهضت آزادی تعداد کشته‌ها را در ۲۷ ژانویه ۴۳ نفر و تعداد زخمی‌ها را ۳۰۰ نفر گزارش داد. او همچنین اضافه کرد که پلیس در سنندج یورش وحشیانه‌ای در ۲۸ ژانویه بعد از کشته شدن یک پلیس روز قبل کرد و به طرف ۲۰۰ نفر تیراندازی شد.(نظریه: این ارقام احتمالاً بالاست).

انتظام گفت: که خود او شخصاً شنیده است که نخست‌وزیر در خلال ملاقات ۲۸ ژانویه بعد از خواندن گزارش ساواک که پلیس را مسئول حوادث اخیر معرفی کرده به ارتش دستور دستگیری کامل پلیس سنندج را داده است.

۴ـ کارمند سفارت اضافه کرد که به نظر می‌رسد که به خاطر حوادث دو روز گذشته مضطرب و پریشان است، اما اطلاعات ما نشان می‌داد که فعالیت‌های دو روز توسط دیگران شروع شده‌اند نه به وسیله نهضت آزادی. انتظام گفت: که نهضت او معتقد است که تیراندازی ۲۷ ژانویه در دانشگاه را عوامل حزب توده شروع کرده است ولی سنگ‌اندازی روز ۲۹ ژانویه توسط عوامل تحریک کننده دولت صورت گرفته است.

انتظام گفت ولی مقصر اصلی خشونت دولت است و این مسئله راه حل مصالحه با خمینی را به هم زده. مأمور سفارت گفت: شاید گروه سومی تلاش می‌کنند که راه سازش را ببندند.

گفتگوهای طولانی در مورد علل خشونت و اینکه درگیریها به خشم و کین افزوده بود و مانع راه حل سیاسی شده بود انجام گرفت.

۵ـ انتظام گفت: در حال حاضر مشکل این است که خمینی بختیار را به خاطر خونریزیها طرد و تکذیب خواهد کرد، علی‌رغم این، نهضت آزادی در صدد ملاقات با ژنرال مقدم و ژنرال قره‌باغی در روز ۲۹ ژانویه است تا تلاش خود را به منظور بازگشت خمینی به سلامت ادامه دهند.

مصاحبه مطبوعاتی بختیار در صبح روز ۲۹ ژانویه کمکی به وضع فعلی نکرد اما حداقل یادآور شد که فرودگاه باز است، انتظام شدیداً آمریکا را تحت فشار گذاشت تا از ارتش بخواهد که بر روی مردم آتش نگشایند و از روشهای دیگری برای کنترل جمعیت هرگاه که لازم باشد استفاده کند. این مسئله ممکن است امکان اصلاح اوضاع را افزایش دهد. حتی اگر چنین نیز باشد انتظام خوش‌بین نبود.

کارشناس سفارت بی‌پرده به انتظام گفت : که به نظر آمریکا جنبش اسلامی می‌بایست با ارتش و یا دیگران سازش می‌کرد که در غیر این صورت ممکن است آنها قربانی توطئه عده‌ای بشوند که به دنبال خشونت و آنارشیسم، نه آرامش بودند.

www.takbook.com



انتظام گفت : که مشکل می‌شود به بختیار اعتماد کرد. او در مورد آرامش ارتش قولش را حفظ نکرد. مأمور سفارت گفت : دولت ایران احساس می‌کند که نهضت آزادی به قولش وفا نکرده است، چـون خشونت و درگیری، دوباره اوج گرفته است.

مأمور سفارت و انتظام هر دو بر این مسئله که گروه سومی مسئله اعتماد را پیچیده و بغرنج می‌سازند توافق داشتند. ولی وضع خیلی حساس است و نباید بر گذشته‌ها تأکید کرد.

به هر جهت هر دو طرف می‌بایست به هر نحو شده ترتیب سلامت رسیدن خمینی را فراهم کنند.

۶ـ امیرانتظام گفت: این مسئله مهم است که خمینی به ایران آورده شود و افراد واسطه کنار گذاشته شوند. مأمور سفارت پرسید: که منظور اشخاصی که در پاریس هستند، می‌باشد؟ انتظام خیلی با دقت جواب داد یزدی خوب است و او (انتظام) مدت زیادی است که او را می‌شناسد. مأمور سفارت نسبت به بقیهٔ همراهان خمینی نظر انتظام را خواست، و روشن است که او چیزی را نمی‌گفت مگر چیزهای خوب و بنابراین هیچ چیز نگفت. رهبران مذهبی داخل کشور و نهضت آزادی خیلی میانه‌روتر از گروه پاریس هستند، موقعیت مملکت را بهتر درک می‌کنند و احترام سالمتری برای توانایی‌های چپی‌های رادیکال دارند تا گروه پاریسی. مأمور سفارت نهضت آزادی را تشویق کرد که مناسبات را ترتیب دهد. انتظام گفت: او خودش مقام مسئول نهضت آزادی است که با بختیار مذاکره کرده است و مایل است که هرگاه ضرورت داشته باشد، مجدداً آن کار را بکند. فعلاً نهضت آزادی فعالیتش را در ایجاد تفاهم با نیروهای امنیتی متمرکز کرده است. مذاکرات با این نتیجه که نهضت آزادی به تلاشهای خود برای رسیدن به توافق خواهد افزود و آنهایی که باعث در هم شکستن توافق می‌شوند، شناسایی خواهد کرد و آمریکا هم خواهان عدم خشونت در مقابله با مردم خواهد شد، پایان گرفت.

۷ـ نظریه: حوادث ۲۴ ساعت گذشته به روشنی گرفتاریهایی برای دو طرف به بار آورده است. اما عامل تشویق کننده این است که آنها تمایل دارند که دوباره تلاش بکنند. بر اساس حرفهای دکتر میناچی سیاستمدار میانه‌رو میانجی گر، ارتش نشان داد که خواستار ملاقات می‌باشد لیکن آنها در هفتهٔ گذشته منزوی بوده‌اند. انتظام از اینکه ملاقات امنیتی جلو بیفتد راضی به نظر می‌رسید. اما درگیر مشکلات ناشی از برگردانیدن جریان توافق سیاسی به خط اصلی خودش است. او روشن ساخت که در تلاشهای اولیه‌اش با بختیار به توافق رسیده که بختیار به خمینی خوشامد گفته و استعفا دهد. خمینی موافقت کرده بود که بختیار دوباره انتخاب شود و کابینهٔ خود را بالاخره تشکیل دهد. در توافق دوم بختیار پذیرفته است که بدون هیچ شرطی به پاریس برود که این بالاخره قابل پذیرش نشد. برنامه سناریو و مطلب بالا مطلوب به نظر می‌رسد، به جز اینکه خمینی به طور قطعی تصمیم گرفته که توافق اصلی اول را به هم بزند. (قبل از خشونت در جریانات ۲۹ ژانویه) از مذاکرات کاملاً روشن است که انتظام فکر می‌کند که همراهان پاریسی خمینی احتمالاً بعد از دریافت حقایق توافق اول را به هم زده‌اند. بر اساس حرفهای یک روزنامه‌نگار که در صبح روز ۲۹ ژانویه کنفرانس مطبوعاتی داشته، نخست‌وزیر از طرف خمینی یک موافقت نامه‌ای داشته که مسئله بالا را انکار می‌کند.میناچی احساس می‌کند که توافقنامهٔ اول احتمالاً هنوز قابل اجرا است. اگر بختیار یک مقدار از سیاست خمینی به طور علنی تعریف بکند. وضع ما برگشته به همان اوضاع ۵ روز قبل، فقط با این تفاوت که مواضع قدری سخت‌تر و قاطع‌تر شده و به مردم نیز توهین شده است. سولیوان

www.takbook.com



**از : سفارت آمریکا تهران** **محرمانه ۱۵۱۴ ـ ۳۰ ژانویه ۷۹ ۵۷/۱۱/۴**

**به : وزیر امور خارجه واشنگتن دی. سی. فوری**

**رونوشت : سفارت آمریکا پاریس**

**موضوع : برگشتن خمینی در انتظار تأیید ارفرانس**

۱ـ تمام متن محرمانه است.

۲ـ مقام ارشد نهضت آزادی انتظام به مسئول سیاسی ساعت ۱۳،۳۰ به وقت محلی تلفن کرد که بگوید توافق با دولت انجام گرفته. تنها مانع ماندن خمینی تقبل ارفرانس در انجام پرواز مخصوص است انتظام اشاره کرد (صحیح) که فرودگاه تهران باز است و احتمالاً الان دولت ایران تأیید نهایی خودش را به ارفرانس می‌دهد. نهضت آزادی امیدوار بود که تائید نهایی بعد از ظهر یا عصر حاصل گردد خمینی با شنیدن تقبل، پاریس را شب ۳۰ ژانویه ترک می‌کند و ۳۱ ژانویه حدود ساعت ۸،۳۰ به وقت تهران می‌رسد. برنامه‌ها کلاً همانهایی هستند که قبلاً برنامه‌ریزی شده بودند (مراجعه به تلگراف) خمینی وارد می‌شود کمیتهٔ منتخب از او استقبال می‌کنند بعد به بهشت زهرا از طریق شهیاد می‌رود (سخنرانی دارد) او بعد از سخنرانی در آرامگاه به محلش می‌رود تا ملاقاتیها را که علما و شاید نخست‌وزیر بختیار و کابینه او باشند ببیند او دو یا سه روز در تهران می‌ماند قبل از این که به قم برود.

۳ـ در ۳۰ ژانویه طی ملاقاتی با مسئول سیاسی دکتر میناچی اطلاعاتی راجع به معامله‌ای با دولت ایران که به برنامه‌های برگشت منجر می‌شد تبادل شد ژنرال مقدم (ساواک) و قره‌باغی (فرمانده قوا) با مهندس مهدی بازرگان و دکتر یدالله سحابی رهبران ارشد نهضت آزادی شب ۲۹ ژانویه ملاقات کردند متأسفانه حجت‌الاسلام بهشتی و آیت‌الله رفسنجانی (که قرار بود بیایند) آنجا نبودند. آنها از غیبت عذرخواهی کرده و گفتند که در تحصن دانشگاه تهران در اعتراض به کشتارهای ارتش در ۲۸ و ۲۹ ژانویه شرکت کرده‌اند (نظر : این در واقع دفعه دومی است که بهشتی از رو در رویی با رهبران اصلی ارتش سر باز زده. ولی ظاهراً قره باغی دستور دارد که معامله کند چون مشکلی پیش نیامده) هم مقدم هم بازرگان بعداً به میناچی گفته بودند که با وجود غیبت سران مذهبی ملاقات خیلی مفید بوده است. مردان ارتش و نهضت آزادی در تقسیم کار برای استقبال از خمینی به توافق رسیدند (ارتش باید از فرودگاه و جاده‌ای که به شهیاد منتهی می‌شد حفاظت کند و نهضت آزادی امنیت بعدش را به عهده داشته باشد) و گروه موافق بودند که ملاقاتهای دیگری هم در روزهای آینده مورد لزوم است. به قول میناچی افراد ارتش گفتند که با تغییرات سیاسی ضروری موافق هستند و ارتش در صورتی تغییرات اینها را قبول می‌کند که در چهارچوب قانون اساسی باشند.

۴ـ تحلیل و نظر : هم میناچی و هم انتظام مطمئن بودند که خطر اولیه برخورد بین ارتش و نهضت مسلمانان به اندازهٔ قابل توجه‌ای کاهش پیدا کرده. هیچ کدام نمی‌توانستند اطمینان دهند که خمینی جمهوری اسلامی اعلام نکند و بدین ترتیب مقابلهٔ سیاسی را برانگیزد، ولی میناچی فکر می‌کرد خمینی با دیگر علما قبل از اعلام مواضع قاطع توافق کامل کرده است. انتظام گفت که بر خلاف توصیهٔ نهضت آزادی خمینی تصمیم به برگشتن به ایران راگرفته بود. دلایل اصلی این تصمیم که خمینی شخصاً به وسیلهٔ تلفن به بازرگان و انتظام گفته بود از این قرار است (و انتظام به سفارت گفته) :

الف ـ احساس می‌شود که وجود خمینی برای کنترل تهدید رشد یابندهٔ کمونیست (که نهضت آزادی

www.takbook.com



(تکرار) خیلی جدی می‌بیند) لازم می‌باشد.

ب ـ لزوم برای رهبری شخصی تا راه حل مناسب را انجام دهد و مقابله با ارتش را، به حداقل برساند.

ج ـ معتقد است اگر مقابله پیش آید وجود او تضمین می‌کند که افراد ارتش به شکل جمعی دولت را تنها بگذارند و بدین ترتیب مرحلهٔ خشونت بار انقلاب به حداقل می‌رسد. به نظر ما اگر خمینی بدین ترتیب وارد ایران شود، آماده است که با وضع آن طور که هست برخورد کند و با مسایل بر اساس احساسی که در هنگام ورود دارد برخورد کند. به قول انتظام او خشونت نمی‌خواهد ولی پیروزی می‌خواهد. این احتمال وجود دارد که در غیاب فشارهای قوی بر علیه‌اش، او تمایل غیرقابل پیشگیری برای اعلام دولت اسلامی و پاک کردن بقایای رژیم سابق داشته باشد. بهترین امید در تقلیل خشونت ظاهراً نهضت آزادی است و رهبران مذهبی میانه‌رو که سعی دارند خمینی را متقاعد کنند که موقع ورود زیاد سخت نگیرد. این می‌تواند یک راه حل باشد.

www.takbook.com



**از : سفارت آمریکا در تهران** **گزارش : استمپل ۷۹/۳۱/۱**
**به : وزیر امور خارجه آمریکا** **محرمانه تهران ۵۷/۱۱/۱۰۱۵۴۷**
**موضوع : خمینی بازمی‌گردد و برخورد ظاهراً به تعویق افتاده است.**

۱ـ تمام متن محرمانه است.

۲ـ خلاصه : ورود خمینی قطعی است. آیت‌الله موافقت کرده است که قبل از درگیری با بختیار مشورت شود. در مورد تدارک امنیت ورود خمینی موافقت شده ولی راجع به جزئیات و ادامه امنیت برای خمینی و همراهانش باید راهی پیدا شود، آخر خلاصه.

۳ـ دکتر میناچی روز سی و یکم ژانویه به وابسته سیاسی اطلاع داد که برنامه ورود خمینی تنظیم شده است. ملاقات دوم سران نهضت آزادی ایران و ژنرال قره‌باغی و مقدم عصر سی‌ام ژانویه جهت آماده کردن بقیهٔ مسایل امنیتی و حفاظتی برقرار شده است. این ملاقات موفقیت‌آمیز بود. (میناچی قول داد که توضیح بیشتری در ملاقات ظهر بدهد.)

۴ـ در ضمن گفتگوی تلفنی عصر سی‌ام ژانویه که میناچی حضور داشت آیت‌الله خمینی شخصاً اطرافیانش را در تهران مطمئن ساخت که قبل از اعلام شورای انقلاب و یا دولت با آنها مشورت کند. رهبران مذهبی و نهضت آزادی (انتظام) عقیده دارند که مذاکرات از برخورد (با دولت بختیار) در موقع ورود جلوگیری خواهد کرد (نظریه : آسودگی آشکار آنها با توجه به ورود طوری بود که بسیاری از نگرانیها را می‌پوشاند) میناچی و امیرانتظام مانند بقیه مطمئن بودند که این توافق‌ها مواضع آنها را به قدر کافی معتدل خواهد کرد تا توافق با نخست‌وزیر و ارتش را ممکن سازد، ما کوششهای خودمان را ادامه خواهیم داد ولی مشخصاً تصمیم خمینی مبنی بر مشورت با دوستانش قبل از درگیری با بختیار قدم مهمی در جهت مثبت است.

۵ـ میناچی و منبع دیگری از اطرافیان بازرگان که عصر روز سی‌ام ژانویه با انگلیسیها صحبت کرد و گفت که باقی‌مانده مسایل امنیتی راجع به ورود خمینی که تاکنون لاینحل مانده قرار است در جلسهٔ آینده با سران نهضت آزادی و ارتش بررسی شود. جلسه در طی دو روز آینده است. سولیوان

www.takbook.com



**تهران ـ ایران**

**جناب آقای امیرانتظام معاون** **تاریخ :۱۳ مارس ۱۹۷۹**

**نخست‌وزیر ایران ـ تهران** **محرمانه**

**عالیجناب:**

پس از رفتن پرسنل آمریکایی از پادگان نیروی هوایی ایران در کپکان، من و شما اهمیت حفظ تمامیت تجهیزات آن موضع و موضع مشابه در پادگان نیروی هوایی در بهشهر را مورد بحث قرار دادیم.

در تعقیب این موضوع، سرتیپ زلالی بازرسی کل نیروی هوایی ایران اخیراً از وابستهٔ هوایی ما سرهنگ شیفر درخواست نمود برآوردی از نوع پرسنل حفاظتی که باید موضع و تجهیزات همراه آن را در وضع قابل استفاده نگاه دارند به وی ارائه دهد. سرهنگ شیفر این اطلاعات را به بازرسی کل تسلیم نمود. همچنین اشاره نمود که دولت ایالات متحده حاضر است همچنان حقوق این پرسنل را بپردازد تا زمانی فرا برسد که دولت ایران تصمیم بگیرد چه اقدامی در رابطه با این دو موضع اتخاذ کند.

تیمسار زلالی پس از مطالعه این اطلاعات و در میان گذاشتن آن با تیمسار ایمانیان، فرمانده نیروی هوایی ایران، پیشنهاد نمود که این سفارت شما را از مشکلاتی که نیروی هوایی ایران در اقدام به حفظ امنیت و تمامیت این دو موضع مواجه شده است آگاه سازیم. او درخواست نمود که شما اقدام مقتضی برای امکان‌پذیر ساختن انجام مسئولیتهای نیروی هوایی در این رابطه اتخاذ کنید.

اساس مشکلات مربوط می‌شود به ناتوانی نیروی هوایی ایران به اعمال تسلط بر دو پادگان خود زیرا کمیته‌های محلی که دو موضع را تصرف کرده‌اند در امور دخالت می‌ورزند. در بهشهر ستوان صفازاده فرمانده مأمور از نیروی هوایی گزارش می‌دهد که نیروی حفاظتی وی به تحلیل رفته و چپاولگری شروع شده است. در کپکان، تیمسار زلالی قادر به ارتباط با سروان محمدی که آخرین فرمانده منصوب در آنجاست نبوده است.

اعتقاد بر این است که اگر شما مدارکی برای تیمسار زلالی تهیه کنید که مؤید اختیار وی به نظارت بر مواضع باشد مشکل وی می‌تواند رفع شود. با داشتن این مدارک می‌تواند تیم‌های نیروی هوایی ایران را به بازدید مواضع بفرستد تا اقدامات حفاظتی لازم را ترتیب دهند. در همان زمان، وابسته هوایی ما می‌تواند ترتیب تصویب هزینهٔ حقوقی غیرنظامیان ایرانی را که عهده‌دار کار نگهداری تجهیزات هستند بدهد و سیستمی برای ادامه قابلیت استفاده از مواضع برپا کند.

اگر شما با این پیشنهاد موافقت دارید لطفاً مستقیماً با نیروی هوایی ایران تماس حاصل کنید و مرا از هر اقدامی که می‌خواهید وابسته نظامی ما در این زمینه انجام دهد مطلع فرمائید.

با عرض ارادت

ویلیام اچ. سولیوان ـ سفیر

www.takbook.com



**سری. غیر قابل رویت برای خارجیان ۵۷/۱۲/۱۱ (DAO) دفتر وابسته دفاعی DATT: شیفر : تی. اکی ـ سرهنگ نیروی هوایی آمریکا AAIRA: جانسون راچ، اف ـ سروان نیروی هوایی آمریکا**

**موضوع : سفر به کپکان**

**۱ـ گزارش اطلاعاتی (DAO) دوم مارس ۱۹۷۹ ـ جمعه، ۱۱ اسفند**

خلاصه : در تاریخ ۲۷ فوریه DATT و AAIRA به وسیلهٔ یک هواپیمای C/130 متعلق به نیروی هوایی اسلامی ایران (NIIAF) به ایستگاه هوایی رادار شمالی واقع در کپکان (۴۴ و ۵۸ و ۳۶۱۶ مختصات جغرافیایی منطقه است مترجم) برای آزاد نمودن ۲۲ تکنسین مخابرات آمریکا که در محل مانده بودند عزیمت نمودند. به ضمیمهٔ گزارش مربوطه و حوادث روزانه به انضمام توقفها در مهرآباد است.

اولین دیدار از مرکز مخابرات و مؤثر ۰۲۰۰

بازگشت به سفارت از مهرآباد.

۱ تا ۲۱ حذف شده (منظور مواد ۱ تا ۲۱ است که در صفحهٔ اول دیده می‌شود)

۲۲ ـ متن کامل : S/NO FORN سری غیرقابل رویت برای افراد خارجی) صبح زود ۲۷ فوریه ۱۹۷۹ DATT و AAIRA در سفارت با دو نفر از کارمندان امیرانتظام معاون نخست‌وزیر ملاقات نمودند. ما همراه با گارد مجاهدین و دو نفر عضو دفتر امیرانتظام آقایان سرمدی و نادر زاگر با ماشین به طرف فرودگاه راه افتادیم. تا هنگام ورود به قسمت نظامی فرودگاه اتفاقی نیفتاد. در آنجا جلوی ما را گرفتند و خواستار ارائهٔ مدارک شدند. اهمیت نامه امیرانتظام بستگی به نظر بازرس داشت هر ایستگاه بازرسی به نظر می‌رسید که واحدی کاملاً مستقل است و هر کدام در اختیار یک ایرانی که عبور کنندگان را بازرسی نماید همه رئیس و مسئول بودند و همه باید تأییدیه صادر می‌کردند. از در اصلی تا کمیته پایگاه نظامی راه کوتاهی بود (کمیته گروهی محلی شامل یک ملا و چندین عضو از محل و وسائلی) که می‌بایست دوباره به ما اجازه عبور دهد. بعد فعالیتهای پایگاه. پایگاه به طور نامنظمی مشغول به کار بود به ما گفتند که قسمت پرواز در اعتصاب است. ما یک تأییدیه دیگری از کمیتهٔ بزرگتری لازم داشتیم و یک دستور برای پرواز ۱۳۰ ـ C از سرپرست خلبانان. در اینجا خلبانان نوبتشان بود که تصمیم بگیرند که پرواز کنند یا نه. همان طوری که قبلاً نیز توضیح داده شد در انقلاب مردم آزادند هر طوری که دلشان می‌خواهد تصمیم بگیرند یک افسر نیروی هوایی به DATT گفت که قبل از انقلاب آنان فقط باید دستورات را انجام می‌دادند ولی حالا می‌توانند تصمیم بگیرند که آیا پرواز لازم و خوبی است یا نه.

به هر حال فرهنگ ایرانی سرنوشت ما را تغییر داد. همان طور که DATT و آقای نادر زاگر دنبال تأییدیه از کمیته بودند اتفاقاً با رئیس جدید نیروی هوایی تیمسار اصغر ایمانیان که یک جلسه با بعضی از همافران و افسران ارشد داشت، با نادر زاگر همکلاس بود برخورد کردند نتیجتاً پرواز فوراً تأیید شد و این بدان معنا بود که ما می‌توانیم بعد از ۴ ساعت اقامت در پایگاه نیروی هوایی پرواز نماییم. قبل از پرواز ما می‌بایست با سربازان مردمی ناهار بخوریم. نهار برخلاف دفعات گذشته که خیلی تشریفاتی بود شامل لوبیا پلو و نون لواش محلی بود. مسئله مهم دربارهٔ ناهار این بود که افسران آماده به خدمتها، همافران و دیپلماتها همه از یک ظرف و با هم غذا می‌خوردند. چیزی که قبلاً تصور آن نمی‌شد ـ ۲ تن از ستوانهای نیروی هوایی به AAIRA گفتند که آنها امشب پاس هستند و واقعاً هم در ساعت ۲ صبح سر پاس خودشان بودند. B ـ حدود ساعت ۱۳ ما به قسمت پرواز به دنبال هواپیمای خودمان می‌گشتیم هیچ کس شمارهٔ

www.takbook.com



هواپیما را نمی‌دانست تا این که یکی از اعضاء گروه پروازمان را دیدیم او شمارهٔ هواپیما را می‌دانست، وقتی که به هواپیما رسیدیم به یک خلبان و رئیس پرواز ضدآمریکایی برخورد کردیم. بعد از یک بحث داغ با افراد نخست‌وزیری و گاردهای ما، او به اکراه راضی شد که ما را ببرد. بعد از یک آزمایش زمینی برای تعمیر، هواپیمای دیگری پیدا شد و بالاخره به کپکان پرواز نمودیم که پرواز بدون حادثه سپری شد. خلبان در حقیقت خیلی ماهر و حرفه‌ای بود اگر سرسخت نمی‌بود، رسیدن به فرودگاه مثل هر حادثه آن روز بود. ما را در نگهبانی تا تأیید اوراقمان نگه داشتند، با وجود این که ما ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال پول همراه داشتیم خیلی زود اوراق ما را تأیید نمودند. رفتن به اردوگاه هم بدون حادثه‌ای برگزار شد.

دو تا دهکده گلی و بدون برق و تعداد زیادی مردم که آمده بودند تازه واردها را ببینند تمام جریانی بود که در مسیر دیدم. در اردوگاه دوباره ما را تحت نظر گرفتند و محلیهایی که منتظر حقوقشان بودند ما را نگاه می‌کردند تقریباً ۵ روز قبل تکنسینهای آمریکایی را گروگان گرفته بودند و گفته بودند که دستگاه را خاموش کنند. تا قبل از آمدن گروهها و سربازان و نیروهای خمینی با آنها بدرفتاری می‌شده ـ(وسایل شخصی آنها دزدیده شده) ـ این سربازان از پادگان مشهد آمده بودند. سربازان مشهدی از آمریکاییها به خوبی نگهداری می‌کردند و فقط آنها را نگه داشته بودند تا این که حقوقها و حسابها پرداخت شود پرداختن حسابها حدود ۵ ساعت به طول انجامید. نکتهٔ جالب توجه این که ستوان مسئول سربازان مشهد ادعا می‌کرد که از افراد PLO بوده و همراه یاسر عرفات می‌جنگیده. سربازان محلی از افراد مشهدی می‌ترسیدند. C ـ حدود ساعت ۲۲ تمام آمریکاییها آزاده شده و به DAO رفتند. پرواز ساعت ۲۳ در شب در ارتفاع ۳۹۰۰ پایی از بین دو رشته کوه صورت گرفت. خدمهٔ خلبان نیروی هوایی اسلامی ایران کارشان را واقعاً عالی انجام دادند ما به مهرآباد بازگشتیم و دوباره تحت نظر قرار گرفتیم مسئله این که با این ۲۴ آمریکایی چه باید کرد مطرح شد ساعتها در این مورد مذاکره صورت گرفت تا این که تصمیم گرفتند ما را به کمیته مرکزی خمینی در تهران بفرستند. به هر حال دوباره رسم و رسومات ایران به داد ما رسید. یک سرهنگ مجاهدین را که به سفارت در روز ۱۴ فوریه کمک نمود در آنجا دیدیم و به ما کمک کرد که به عوض کمیته به سفارت برگردیم. هنگام بازگشت گویا از سرزمین متروک عبور می‌کردیم. چندین بار جلوی ما را گرفتند و اتوبوس به وسیلهٔ افراد کاملاً مسلح محاصره گردید و تفنگها را به ما نشانه رفتند تا این که صحت مدارکمان ثابت گردید. حدود ساعت ۲/۳۰ بود که ما بالاخره سالم به سفارت رسیدیم.

D ـ زمانی که ما در مهرآباد بودیم DATT، سرهنگ همایون معاون فرماندهی سابق یک بخش حمل و نقل و سرهنگ حسینی را دید، مقام جدید آنها را نتوانست بفهمد. DATT همچنین تیمسار ایمانیان را در مرکز حمل و نقل یکم در لباس شخصی دید ولی اجازه ندادند با او صحبت کند.

توضیح و تفسیر مسئولان: سفر روشنگرانه‌ای بود و همان طوری که گزارش شد در هیچ قسمت کنترل مرکزی وجود ندارد و هر قسمت بازرسی به تنهایی کار می‌کند و زیر نظر فرماندهٔ خودش است. کارها صورت می‌گیرد ولی خیلی پراکنده است. حرکت کند است ولی چرخها می‌چرخند همافران مسئول بعضی قسمتها شده‌اند و چند مورد مشاهده شده که افسران زیر دست همافران کار می‌کنند. پایگاه در کپکان زیر نظر ستوان جاعل (JALL) از مشهد بود. بدون دوستی نزدیکی که بین تیمسار ایمانیان و افراد نخست‌وزیری بود به احتمال زیاد گروه نمی‌توانست پرواز کند.

www.takbook.com



**شماره سند ۳۱۶۷**

**از: سفارت آمریکا ـ تهران انتشار محدود ـ ۲۲ مارس ۷۹** **سرّی**

**به: وزارت امور خارجه واشنگتن ـ دی ـ سی. فوری**

**ارجاع به: تهران ۳۱۵۲**

**موضوع: اوضاع در آذربایجان**

۱ـ سرّی تمام متن

۲ـ در ۲۱ مارس به انتظام معاون نخست‌وزیر اظهار داشتم که من از یک دوست ایرانی چیزهایی دربارهٔ تشکیل کمیته‌های خود مختاری در آذربایجان شنیده بودم. انتظام گفت: وی هم اطلاعات مشابهی داشت و از مضامین آن برآشفته بود.

۳ـ به هر حال موقعی که از سفیر ترکیه پرسیدم که آیا چنین گزارشاتی دریافت داشته است؟ عقیدهٔ وی این بود که اطلاعات غلو شده است. او احساس می‌کرد آذربایجانیها باید از بازرگان راضی باشند. زیرا او یکی از خودشان است.

**سولیوان**

www.takbook.com



**از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ ۹ آوریل ۷۹ ـ ۲۰ فروردین ۵۸** **محرمانه**
**به: وزیر خارجه ـ واشنگتن**
**تهیه شده: توسط ناس**

**موضوع: ملاقات با معاون نخست‌وزیر «امیرانتظام»**

۱ـ تمام متن محرمانه است.

۲ـ دو روز پیش (۷ آوریل)، برای عرض ادب با امیرانتظام معاون نخست‌وزیر، یک ملاقات داشتم. او را مطلع ساختم که بر مبنای ملاقات اخیر وزیر (آمریکایی) و کاردار جدید ایران در واشنگتن و همچنین مکالمه‌های اخیر من در وزارتخانه، ایالات متحده علاقه‌مند است روابط خود را با ایران به حالت عادی برگرداند و من نیز متذکر شدم که علیرغم تغییرات انقلابی که در ایران به وقوع پیوسته، منافع مشترک می‌تواند پایه‌های روابط خوبی در آینده باشد. استقلال، ثبات، تمامیت ارضی و پیشرفت اقتصادی ایران برای ما دارای اهمیت شایانی است.

۳ـ همچنین به او گفتم به خاطر برخی دلایل، از زمان انقلاب تا کنون روابط ما در سطح پایین و محدودی بوده است. مهمترین این دلایل این بوده که آبروریزی و مشکل و دردسری در روند روزمرهٔ دولت جدید پیش نیاید. من متذکر شدم که در این دوره مسئولیتم از ارائه نظریاتی که او و دیگران در مورد گامهایی که هر دو طرف در جهت عادی کردن روابط می‌توانند بردارند، قدردانی کنم. و نیز پیشنهاد کردم که گفتگوهای بی‌پرده‌ای در اینجا و در واشنگتن داشته باشیم و اجازه ندهیم که سوءظنها عمیق‌تر شود.

برای نمونه به تبلیغاتی اشاره کردم که شوروی در سراسر ایران براه انداخته و در آن آمریکا را متهم به دخالت در کردستان و ترکمن صحرا نموده است و مطبوعات ایران نیز این تبلیغات را تکرار می‌کنند. آیت‌الله خمینی خود نیز اخیراً گفته که عوامل آمریکا مسئول ناآرامیها در این دو ناحیه هستند.

من از او خواستم که به آیت‌الله اطمینان بدهند که علاقهٔ اصلی آمریکا به استقلال و تمامیت ارضی ایران است و اینکه در حال حاضر و در آینده عملی در جهت بی‌ثباتی ایران انجام نخواهیم داد.

۴ـ امیرانتظام گفت که دولت وی نیز همچنان خواهان روابط خوبی با آمریکاست و در عین حال خواهان روابط خوبی با سایر کشورها می‌باشد. او متذکر شد که بازرگان اخیراً این تمایل را به طور علنی اظهار داشته است. او گفت در عین حال ایالات متحده باید این را درک کند که در طول ۲۵ سال، دولت آمریکا وابستگی نزدیکی با رژیم سلطنتی سابق داشته و در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) علیرغم خواست مردم، شاه را به قدرت رساند. به همین دلیل این موضوع قابل درک است که احساسات ضد آمریکایی در ایران شدید و گسترده باشد و عادی کردن روابط می‌بایست با دقت صورت گیرد. او از اطمینان خاطری که آمریکا در مورد درگیر نبودن در حوادث ناراحت‌کننده داد، سپاسگزاری نمود و اظهار امیدواری کرد که این موضوع حقیقت داشته باشد.

۵ـ در مورد مسایل دیگری که با معاون نخست‌وزیر مورد بحث قرار گرفت، به طور جداگانه گزارش خواهد شد.

ناس

www.takbook.com



**شماره سند ۳۶۷۴**

**سیاسی: لمبراکیس سفارت آمریکا ـ تهران** **محرمانه**

**وزارت امور خارجه واشنگتن دی ـ سی. فوری**

**آژانس ارتباطات بین‌المللی واشنگتن دی ـ سی. فوری**

**موضوع: دستگیری کارمند محلی آژانس ارتباطات بین‌المللی**

۱ـ (محرمانه و تمام متن)

۲ـ در ملاقات با امیرانتظام معاون نخست‌وزیر در ۷ آوریل، کاردار مسئله درگیری دکتر رضا امینی، کارمند آژانس ارتباطات بین‌الملل را مطرح نمود و او گفت: در این دستگیری بعضی ایرانیان دیگر که برای بنگاههای آمریکایی کار می‌کنند جریان معینی احساس می‌شود.

۳ـ انتظام از دیگر دستگیریهای مذکور بی‌اطلاع بود (کارکنان ایرانی AIU و موتور لا، تلکسی جداگانه)؛ اما گفت از قضیه امینی مطلع بود. اطلاعات مشخصی دریافت شده بود که امینی و پنج تن دیگر برای توطئه علیه انقلاب گرد هم جمع شده بودند. این اتهامات تحت بررسی قرار دارند. امیرانتظام گفت هیچ جریان ضد آمریکایی منظور نیست.

۴ـ کاردار گفت از اینکه می‌شنود چنین جریانی نبوده احساس آسودگی می‌کند اما متشکر خواهد بود اگر گزارشات بیشتری در مورد قضیه امینی و همچنین دیگران دریافت کند. امیرانتظام گفت: هرگاه که بتواند چنین خواهد کرد.

۵ـ کاردار گفت امینی مدت ۳۰ سال برای سفارت آمریکا (USIS) کار کرده است. او آنچه را که برای یک مشاور عالی معمول است انجام می‌دهد. کاردار مطمئن بود که چنین شغلی در سفارت ایران در واشنگتن نیز وجود داشته است. یک سال است که او دکتر امینی را می‌شناسد و صحت چنین اتهاماتی را نسبت به او مشکل می‌داند. مشاور سیاسی هم که حضور داشت عقیده شخصی خود را اظهار داشت که آن اتهامات اشتباهاً وارد شده‌اند. دکتر امینی به عنوان مشاور عالی سفارت آمریکا باید وقایع سیاسی اخبار دنیا را مورد بحث قرار دهد؛ او شخصی که توطئه بچیند نیست. انتظام سر تکان داد و یادداشت برداشت ولی هیچ نظر بیشتری ابراز نداشت.

۶ـ اظهارنظر : می‌ترسیم که این قضیه بیرون از حوزهٔ نفوذ انتظام باشد. کاردار درخواست ملاقات هرچه زودتر با یزدی، معاون نخست‌وزیر نموده است. وی بیشتر در امور کمیته‌ها وارد است. مشاور سیاسی همچنین ترتیب ملاقات دیگری با دکتر بهشتی ـ یار خمینی ـ برای جمعهٔ آینده (۱۳ آوریل) داده است. در آن روز قضیه دوباره مطرح می‌شود. البته اگر امینی تا آن موقع تحت بازداشت باشد.

ناس

www.takbook.com



**از: سفارت آمریکا در تهران ۱۶ آوریل ۷۹** **محرمانه**
**به: وزارت امور خارجه ـ واشنگتن دی. سی. تهران ۳۹۷۱ ـ ۵۸/۱/۲۷**
**گزارشگر: استمپل** STEMPEL

**موضوع: ملاقات با امیرانتظام معاون نخست‌وزیر دربارهٔ موارد زیر:**
**۱ـ گرفتن و خرید لوازم یدکی هلی‌کوپتر از آمریکا**
**۲ـ ترتیب انتقال ۸ میلیون دلار لوازم یدکی که در فرودگاه دالاس می‌باشد**
**۳ـ مراقبت و حفاظت انجمن ایران و آمریکا**

۱ـ متن تماماً محرمانه است.

۲ـ خلاصه: انتظام اقرار کرده که حکومت مشکلات داخلی دارد و به ما و دیگران شدیداً توصیه کرد که دخالت نکنیم. او گفت بررسی قراردادهای آمریکا تا دو هفتهٔ دیگر تمام خواهد شد. اشاره کرد که نیروی هوایی عملاً قطعات یدکی هلیکوپتر ندارد. تعویضها مشکل هستند چون در آمریکا اشکالاتی هست. او از هشت میلیون دلار قطعات یدکی دولت ایران که در تگزاس مانده یاد کرد. نسبت به حملهٔ کمیته به انجمن ایران و آمریکا موضع غیر مشخص گرفت. (خلاصه تمام).

۳ـ کاردار و رئیس فعال قسمت سیاسی روز ۱۵ آوریل با معاون نخست‌وزیر، انتظام، تماس گرفت تا مشکلات کوچکی را بحث کنند. مسایل زیر مطرح گردید:

۴ـ انتظام اشاره کرد که شورای انقلاب تصمیمات سیاسی کلی را می‌گیرد ولی به تلاشهای مسئولین سفارت تسلیم نشد و اسامی اعضاء را نگفت او گفت که اطلاعات هنوز محرمانه هستند. وقتی کاردار از او در مورد وضع انقلاب جویا شد، انتظام بحث را به قراردادهای آمریکا منحرف کرد و گفت وزیر دفاع، ژنرال ریاحی، رئیس کمیتهٔ ارزیابی تهدیدات نیروهای مسلح دولت ایران و بررسی قراردادهاست. انتظام گفت: ارزیابی باید تا یک یا دو هفته دیگر تمام شود. آن وقت می‌تواند بیشتر در مورد روابط آمریکا و ایران و آینده قراردادها صحبت کند. در ضمن دولت ایران یک «مشکلات داخلی» دارد و انتظام گفته امیدوار است آمریکا دخالتی نداشته باشد. دولت ایران دخالت قدرتهای خارجی را نمی‌خواهد.

کاردار این حرفهای قالبی و دیکته شده را قطع کرد (شاید به خاطر افراد دیگر ایرانی که گوشهٔ اتاق کتاب می‌خواندند) و قاطعانه گفت: که آمریکا دخالتی نداشته و ندارد؛ و بعد صحبت کم‌کم از حالت اعلام مواضع رسمی درآمد. انتظام گفت که او و نخست‌وزیر بازرگان با روسها ملاقات کرده‌اند و همچنین انگلیسیها و چینیها و بر سیاستهای مستقل ایران تأکید کرده و گفته است که ایران می‌خواهد که خودش تصمیم بگیرد. (مسئولین سفارت کمی در مورد افرادی که شایعه پراکنی می‌کنند و روابط خوب بین ایران و آمریکا را بهم می‌ریزند صحبت کردند و انتظام هم با سر تأیید کرد.)

۵ـ انتظام بعد گفت که دولت ایران این مشکل واقعی را دارد: هلی‌کوپترهایش قطعات یدکی ندارند و آمریکا بیش از ۱/۶ نیازهای ایران را تأمین نمی‌کند. کاردار جواب داد که گویا این مسئله در ارتباط با حکم منع صدور محمولات بهرینگ به ایران است. کاردار گفت که دولت ایران در این دادگاه نماینده‌ای نداشت ولی اگر نماینده می‌بود، احتمالاً دستور منع صدور را صادر نمی‌کردند. کاردار فکر می‌کرد که یک توافقی در جریان باشد. ولی به دولت توصیه کرد که یک وکیل خوب بگیرد تا در چنین مسایل پیچیده‌ای مربوط به قراردادها مشورت کنند تا این‌طور مسایل پیش نیاید.

www.takbook.com



۶ـ انتظام بعد گفت که دولت ایران کشف کرده که حدود ۸ میلیون دلار قطعات یدکی در فرودگاه دالاس دارد و نیروی هوایی ایران یازده «هواپیمای ۷۴۷» دارد که می‌تواند آنان را به دنبال وسائل به آمریکا بفرستد. کاردار پیشنهاد کرد که اگر مشکلی پیش آمد ارتش ایران این مسئله را با دفتر (MAGG مستشاری نظامی) در سفارت هماهنگ کنند.

۷ـ انتظام تأکید کرد که مشکلات آمریکا هنوز اساساً در محدودهٔ کار معاون نخست‌وزیری یزدی هستند؛ ولی داوطلب شد که در مورد جریان فردی از کمیتهٔ محل وارد انجمن فرهنگی ایران و آمریکا "TAS" شده و گفته دانشجویان اعتراض کرده‌اند که قیمت کلاسهای انگلیسی که الآن ثبت‌نام می‌شوند خیلی گران می‌باشد و دستور داده که آنها را پایین بیاورند. این فرد آزادانه از انتظام یاد کرده بود (این مسلماً انتظام را خیلی آزار داد. «آنها حق نداشتند که چنین کاری را بکنند».) او از مسئولین "TAS" خواست تا اسم، آدرس و شماره تلفن هر کسی را که سعی کرد در امور "TAS" دخالت کند به دفتر او گزارش کنند (تا در آینده اگر مشکلی پیش آمد).

ناس

www.takbook.com



**شماره : ۴۶۷۷**

**از: سفارت آمریکا در تهران**

**به: وزیر امور خارجه ـ واشنگتن دی. سی. ـ فوری**

**موضوع: رضا امینی** **«۱۷ اردیبهشت»**

۱ـ محرمانه. تمام متن یک گزارش خبری است.

۲ـ آخر ملاقات با نخست‌وزیر بازرگان (معاون، امیرانتظام و مشاور سیاسی فعال، استمپل هم حاضر بودند) من مسئله رضا امینی را پیش کشیدم و به طور مختصر اعتماد کاملمان را نسبت به او شرح دادم. امیرانتظام برگشت به طرف نخست‌وزیر و به فارسی گفت: «این همان مسئله‌ای است که گفته بودند و ما داریم روی آن کار می‌کنیم.» بدون دستوراتی از نخست‌وزیر، امیرانتظام به من گفت ما این مسئله را به شورای انقلاب رد می‌کنیم و توقع داریم به زودی کاری انجام دهند.

۳ـ یک منبع نزدیک به تشکیلات کمیته‌ها به مشاور سیاسی فعال در ۴ و ۶ ماه می‌گفت که معتقد است الآن راه برای کار مساعد روی مسئله امینی باز است. ما امیدواریم این‌طور باشد.

www.takbook.com



**سند : ۱۰**

**از: سفارت در تهران ـ ۲۷ می ۱۹۷۹ (۵۸/۳/۶)** **سرّی**

**به: واشنگتن ـ فوری شماره: ۵۴۹۱**

**گزارشگر:** TOMSETH **تامست**

**موضوع: تقاضای دولت موقت جهت اطلاعاتی دربارهٔ فعالیتهای خرابکار.**

۱ـ تمام موضوع سرّی است. کسب تکلیف می‌شود.

۲ـ در ملاقات کاردار با انتظام یک بار دیگر علاقهٔ دولت ایران به مبادله اطلاعات ابراز گردید. همانطوری که به یاد دارید ما قبلاً به او متنی در مورد افغانستان دادیم.

در ملاقات ۲۴ می، انتظام گفته بود که این اطلاعات مفید واقع شده ولی دولت موقت بیشتر به ناآرامیهایی که امنیت داخلی را به خطر می‌اندازد، علاقه دارد. در ملاقات ۲۶ می، افزود که دولت موقت نگران مداخلهٔ عراقیها در خوزستان و فعالیت فلسطینیها و لیبیاییهاست.

انتظام گفت که دولت موقت اطلاع یافته است که جرج حبش اخیراً از چند منطقهٔ خلیج فارس دیدن کرده است و شاید یکی از دلایل این سفر ایجاد ناراحتی برای ایران بوده است. (او افزود که دفتر فلسطین در اهواز موجب نگرانی دولت موقت شده است و سپس با جنبانیدن سر گفت که متأسفانه دولت هیچ کاری دربارهٔ این دفتر نمی‌تواند بکند، چرا که باز شدن این دفتر با تمایل خمینی انجام شده است.)

۳ـ کاردار به انتظام گفت که نظر صادقانه‌اش این است که مسئلهٔ حفاظت از اطلاعات امینی که به دولت موقت داده می‌شود، از اهمیت ویژه برخوردار است. انتظام به سرعت پاسخ داد که اطلاعات دربارهٔ افغانستان فقط به بازرگان گفته شده و پس از آن سندش نابود شده است. (نظریه: ما فکر می‌کنیم که این اطلاعات در یک سطح نسبتاً وسیعتری پخش شده، در صحبت کاردار با یزدی به نظر می‌رسید که مشارالیه نیز از موضوع باخبر است.) کاردار به انتظام گفت که من در مورد امکان تبادلات خبری بررسی می‌کنم تا اگر ممکن بود هرگونه اطلاعات که در مورد فعالیتهای مذکور داشته باشیم به شما بدهم.

۴ـ کسب تکلیف: اگر وزارت قبول کند که خطر مبادلهٔ اطلاعات دربارهٔ فعالیتهای خرابکاری فلسطین، لیبی و عراق به امکان روابط و همکاری نزدیک با دولت ایران می‌ارزد و لذا سند این اطلاعات جهت دادن به انتظام را درخواست کنید.

ناس

www.takbook.com



**۳ ژوئن ۱۹۷۹ ـ ۵۸/۳/۱۳ تهران** **سرّی**

**از: سفارت آمریکا در تریپولی ـ لیبی**

**به: وزیر امور خارجهٔ آمریکا ـ واشنگتن دی. سی.**

**موضوع: دریافت اطلاعات دربارهٔ خرابکاری لیبی**

دریافت نسخه‌ای از هر گونه گزارشی که دربارهٔ فعالیتهای خرابکاری لیبی در ایران که برای ارائه کردن به انتظام تهیه شده، باعث تشکر و قدردانی خواهد بود. از آنجا که به نظر می‌رسد مسئلهٔ لیبی، احتمالاً در مذاکراتی که در تهران با انتظام در پیش است، مطرح خواهد شد، دریافت نظریات معاون نخست‌وزیر (DEP - PM) در مورد مسافرت جلّود به ایران و توضیحات لیبی در مورد وضعیت امام موسی صدر موجب امتنان و سپاس خواهد شد.

بلوکر

www.takbook.com



**از: سفارت آمریکا در تهران تهران ۶۳۷۹ ـ ۱۹ ژوئن ۷۹ ـ ۲۹ خرداد ۵۸ محرمانه**
**به: وزارت امور خارجه آمریکا، فوری**

**مرجع ۱۵۳۳۱۶**

**موضوع: روابط ایران و آمریکا**

۱ـ متن تلگراف خبری کاملاً محرمانه است.

۲ـ خلاصه: در مراسم خداحافظی انتظام، معاون نخست‌وزیر، جریان جاری روابط ایران و آمریکا را بررسی کردیم. او تمایلات دولت را برای عادی کردن روابط اعلام داشت. ولی ظاهراً از موانعی که تشکیلات موازی دولت در دولت در این راه پیش آورده بودند، خیلی ناراضی بود. (پایان خلاصه).

۳ـ همراه با مشاور سیاسی (POLCOUNS) در ۱۸ ژوئن یک نشست خداحافظی با امیرانتظام برگزار کردم. من مطالب مندرج در تلگراف مرجع را برای او آماده کردم (او قبلاً آن را درخواست کرده بود).

او به دقت توجه کرد و گفت این مطالب در کنفرانس مطبوعاتی که قرار است در چند روز آینده برگزار کند سودمند خواهد بود. او همچنین گفت که در نظر دارد علاقهٔ دولت ایران را برای داشتن یک رابطهٔ خوب با آمریکا بازگو کند. او اضافه کرد که خودش و بقیهٔ همکارانش در دولت، امید پیشرفت روابط بین دو کشور را دارند. هر چند که عقیده دارند که این امر مدتی طول خواهد کشید. او گفت این امر ممکن است هفته‌ها و یا حتی ماهها به طول بینجامد ولی ما می‌دانیم که منافع مشترک خیلی زیادی داریم.

من جواب دادم که ما حداکثر سعی خویش را خواهیم نمود که با توجه به اینکه ما اختلاف عمده‌ای در خط مشی نداریم، جریان را عادی کنیم. من همچنین خاطر نشان کردم که نقطه‌نظرهای مشروعی وجود دارد که قابلیت انعطاف ما را در موضوعاتی مانند قراردادها محدود می‌کند. به هر حال من او را به حسن نیت خودمان مطمئن ساختم.

۴ـ بحث کوتاهی راجع به حملات مطبوعات به عمل آمد. انتظام در انتها اظهار داشت که نگرانی شدید او از بابت روابط دولت ایران با دولت ایالات متحده است، نه از بابت مطبوعات که ممکن است برای پول درآوردن مسایلی را بنویسند. در این باره او از من راجع به طرحهایمان برای سفیر سؤال کرد و من با صراحت جواب گفتم که عدم قبول کاتلر (CUTLER) به عنوان سفیر از طرف دولت ایران مسایلی را در واشنگتن به وجود آورده که فعلاً باید حل شوند. بنابراین متأسفانه امکان جایگزینی فوری برای وی وجود ندارد. در هر صورت من اضافه کردم که انتصاب و تأیید آن، جریانی نسبتاً طولانی است. لذا دولت ایران باید صبور باشد و بیان داشتم که نباید انتظار پیشرفت مهمی تا پاییز داشته باشد. در حالی که به وضوح تمایلی جهت جایگزینی سفیر داشت ولی به نظر می‌رسید که انتظام مشکلات را درک می‌کند.

۵ـ در طول گفتگوهایمان (که رئوس گوناگونی را در تلگرافهای ماه سپتامبر ذکر شده شامل می‌شد) انتظام با موضعی که در مقابل من گرفت، نشان داد که او و بقیهٔ اعضای دولت از ناراحتیهایی که در رابطه با سیستم دوگانه دولت برایشان پیش آمده، رنج می‌برند. او چندین بار بیان داشت که وقتی افراد غیر مسئول ولی سیاسی کار، اظهارات عجولانه‌ای می‌کنند، کار دولت را سخت‌تر می‌کنند. (او گفت بعد از سالها دیکتاتوری مردم آزاد شده‌اند. آنها فکر می‌کنند حق دارند هرچه می‌خواهند بگویند و هرکس می‌خواهد یک رهبر باشد).

در موضوع دیگری من از او در مورد انتصابش به سوئد پرسیدم. او جواب داد این برای ما ساده‌تر است

www.takbook.com



تا با یکدیگر در استکهلم صحبت کنیم. مقدمتاً فکر می‌کردیم که بیشتر از چند ماه به طول نخواهد انجامید تا مسایلمان را حل کنیم ولی این مردم دخالتهایشان را ادامه می‌دهند. ما امیدواریم که فرصت داشته باشیم که مسایلمان را حل کنیم. ما در این جهت به کمکهای شما نیاز داریم. ما باید صبر کنیم، هر چند ممکن است یکی دو سال به طول بینجامد، در حالی که انتظام ظاهراً خالصانه کوششهایش را در جهت بهبود رابطه با ما نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد که مانند تعداد کمی از ایرانیان اهمیت روابط ایران و آمریکا را در این روزها درک می‌کند. وقتی که یادآور شدم ( به او و خودم) که ایران یک انقلاب سیاسی خیلی شدید را تجربه کرده و این، زمان و صبر فراوانی می‌خواهد تا اوضاع دوباره مرتب شود، ناامیدیش راجع به عدم پیشرفت فقط مقداری تقلیل پیدا کرد.

**ناس ـ تهران ۶۳۷۹**

www.takbook.com



**طبقه‌بندی: محرمانه** **بخش: سیاسی**

**از: سفارت آمریکا در تهران** **۵۸/۳/۲۹**

**به: وزیر امور خارجه واشنگتن.** **فوری** **شماره: ۶۳۷۸**

**تاریخ ۱۹ ژوئن ۷۹**

**گزارشگر :** TOMSETH

**مرجع: ۱۳۰۸ بغداد** B **و ۶۲۹۲ تهران** A

**موضوع: روابط ایران و عراق**

۱ـ موضوع محرمانه ـ تلگراف توضیحی

۲ـ امیرانتظام در خداحافظیش در ۱۸ ژوئن از کاردار، اطلاعاتی را در مورد مقاصد عراق نسبت به ایران جویا شد. کاردار ابتدا اظهار داشت که نمی‌داند کدام طرف باعث ناراحتیهای موجود شده است.

کاردار انواع نگرانیهای موجود را که در اثر انقلاب به وجود آمده‌اند، برشمرد و تذکر داد که شاید عراقیها با به راه انداختن ناراحتیهای مرزی بخواهند از سیاست انگلستان در مورد خط دوران استفاده کنند. انتظام دربارهٔ این موضوع چیزی برای گفتن نداشت ولی وقتی کاردار به او تذکر داد که برنامه‌های رادیویی عربی ایران روش غیر دوستانه‌ای را نسبت به عراق پیش گرفته‌اند، بشدت تعجب کرد و یادداشتی برداشت و ظاهراً در آینده سعی خواهد کرد که این برنامه‌ها تعدیل بشود. ما امید و خوشحالی از موفقیت انتظام در این باره نداریم ولی این را خاطرنشان می‌سازیم که این نشان می‌دهد که اعضای دولت موقت حتی در دایرهٔ محدودیت دولت از هماهنگی برخوردار نیستند و به این نتیجه رسیدیم که صادق قطب‌زاده مدیر عامل جنجالی صدا و سیمای ایران ممکن است، بدون آگاهی دولت موقت سیاست خارجی ایران را دیکته کند.

ناس

www.takbook.com



**تاریخ: ۷۹/۶/۲۴ شماره: ۶۵۵۰ ـ ۵۸/۴/۳** **محرمانه**

**از: سفارت آمریکا در تهران**

**به: سفارت آمریکا استکهلم**

**موضوع: سفیر ایران (جدید) در سوئد**

۱ـ متن کاملاً محرمانه است.

۲ـ عباس امیرانتظام به عنوان معاون نخست‌وزیر در دولت موقت اسلامی و انقلابی بازرگان زمانی که در فوریه این سال به قدرت رسید خدمت می‌کرده است. او مسئول دفتر ارتباطات مطبوعات (به عنوان سخنگوی دولت) و امور خارجه و نخست‌وزیری بوده است.

۳ـ امیرانتظام، در حدود ۴۶ سال دارد. او در نیمهٔ ۱۹۵۰ با مدرک مهندسی الکترونیک از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد، او سپس در دانشگاه پاریس بود که مدرک فوق لیسانس گرفت و در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی مدرک مهندسی ساختمان را گرفت. طبق گزارشی که به ما رسیده است او با یک آمریکایی ازدواج کرد و بعد از فارغ‌التحصیل شدن برای مدتی در منطقهٔ سانفرانسیسکو کار کرد. اما بعداً به ایران بازگشت ابتدا برای یک شرکت مشاور خصوصی کار کرد، اما بعداً شرکتهای خودش را در کار وارد کردن لوازم سنگین بود، تأسیس کرد.

۴ـ امیرانتظام یکی از مؤثرترین مدافعین عادی کردن روابط بین ایران و آمریکا در کابینهٔ بازرگان بوده است. گاهگاهی به دلیل ارتباط آمریکاییش به عنوان یک عامل آمریکا به او حمله شده است.

اما او به طور کلی به وسیلهٔ این تهمتها ترس به خودش راه نداده است. اخیراً در ۲۱ ژوئن در یک مصاحبه مطبوعاتی با یک برخورد منطقی ضرورت تفاهم بین ایران و ایالات متحده را توضیح داد.

۵ـ در همان حال امیرانتظام به موجب ناتوانی دولت در تحکیم اقتدارش ناامیدتر شده است. به کاردار قبلی ما گفت که او و شریکش در اینکه فکر می‌کردند می‌توانند موقعیت اینجا را در عرض چند ماه به حالت طبیعی (عادی) برگردانند، اشتباه کرده‌اند.

او همچنین در مورد ادامهٔ دخالت افراد نیرومند سیاسی خارج از دولت در مسایل اداری شکایت کرد. در حالی که ما نمی‌توانیم از مقتضیات عزیمت او از کابینه مطمئن باشیم. اما فکر می‌کنیم که آن یک حرکتی است که او ممکن است به خوبی پذیرفته و حتی تشویق کرده باشد.

**لینگن**

www.takbook.com



**تاریخ سند: ۱۳۵۸/۴/۱۲ ـ ۳ ژوئیه ۷۹**

**از: سفارت آمریکا در تهران**
**به: امیرانتظام**

**موضوع: نامه از لینگن به امیرانتظام**

**عالیجناب**

همان طوری که احتمالاً اطلاع دارید، من به تهران آمدم که موقتاً به عنوان کاردار این سفارت جایگزین چارلی ناس شوم تا سفیر جدیدی از کشورم وارد شود.

چارلی ناس برای این از توجهاتی که شما طی چند ماه گذشته به مناسبتهای مختلف به او، و از طریق او به این سفارت مبذول داشته‌اید، تعریف کرده است. دولت من خواسته است که مخصوصاً قدردانی خود را به سبب بیاناتی که شما در ۲۱ ژوئن در یک برنامهٔ همگانی در مورد روابط ایران و ایالات متحده ایراد فرمودید ابراز دارم. همان‌طوری که دیروز به وزیر خارجه یادآور شدم بیاناتی از این قبیل و اعلامیه ۲۷ ژوئن وزیر خارجه نیز، به طور وسیعی به پیشرفت تفاهم بهتر میان دو ملت و دولتهایمان در عمل مشکل ولی مهم بازسازی یک رابطهٔ جدید کمک می‌کند که واقعیتهای جدید را در ایران منعکس می‌سازد.

من مطمئنم که شما به طور زیادی گرفتار مقدمات عهده‌دار شدن منصب جدیدتان در اسکاندیناوی هستید.

لطفاً اجازه بدهید تبریکات خود را به مناسبات منصبتان و بهترین آرزوهای خود را برای ادامهٔ موفقیت در آن را تقدیم دارم.

ارادتمند شما
ال ـ بروسل لینگن
کاردار موقت

www.takbook.com



**مرجع: تهران ۶۹۴۱ ـ A ـ وزارت ۱۷۵۱۶۶ ـ B**
**از: سفارت آمریکا در تهران** **تاریخ: ۸ ژولای ۷۹**
**به: وزیر امور خارجه، آقای ونس، واشنگتن ۷۰۶۴/۱**

**موضوع: ملاقات با معاون نخست‌وزیری آقای امیرانتظام**

۱ـ این موضوع کاملاً سرّی است.

۲ـ خلاصهٔ گزارش: در ملاقات مورخ ۷ جولای ۷۹ با آقای امیرانتظام، معاون نخست‌وزیر، تمایلات آمریکا را برای عادی کردن روابط با ایران مجدداً متذکر شدم. همچنین در مورد چند مطلب تجاری و غیر تجاری از قبیل قراردادهای نظامی مهم، تلفنهای GTE الکترونیکی ساخت آمریکا و رفتار با اقلیتهای مذهبی گفتگو شد. انتظام به ضعف دولت موقت اشاره کرد و مشکلاتی را که دولت موقت در اعمال قدرت بر سیستمهای موازی غیر رسمی یعنی کمیته‌های انقلاب داشته، توضیح داد. او مجدداً خواهش کرد که تبادل اطلاعات در مورد فعالیتهایی که در داخل و یا در کشورهای مجاور صورت می‌گیرد داشته باشیم. چرا که اینگونه اطلاعات از نظر امنیتی داخلی ایران حائز اهمیت‌اند. (پایان خلاصه گزارش)

۳ـ نحوهٔ برخورد من با مسئلهٔ روابط ایران و آمریکا درست همان شیوه‌ای بود که در برابر یزدی به کار بردم. (مرجع A). من از انتظام به خصوص در مورد اقداماتش برای تسهیل حرکت به طرف عادی کردن روابط مفید دو جانبه در دورهٔ بعد از انقلاب تشکر کردم و متذکر شدم که به نظر ما مصاحبه‌اش در ۲۱ ژوئن در این مورد بسیار مفید بوده است. در مورد فرستادن سفیر به ایران من پیشنهاد کردم، همان‌طور که به یزدی پیشنهاد کرده بودم، که در حال حاضر اوضاع به همین صورت باشد در این مورد هرچه کمتر گفته شود بهتر است و این در واقع همان نظریه‌ای است که سخنگوی وزارت امور خارجه اظهار داشته است. به طور غیر رسمی به او توجه دادم که ما نمی‌توانیم سفیری به ایران بفرستیم که مورد قبول ایرانیان نیست. سپس افزودم که مدتی وقت لازم است تا این مورد طوری حل شود که رضایت همه را تضمین نماید. اوقات خوشی را در استکهلم برای او آرزو کردم.

۴ـ همچنین از تلاشهای انتظام در مورد انتقال ذخایر و خوار و بار ارتش آمریکا در ایران و بازگشت دادن وسایل مخابراتی نظامی تشکر کردم و به او توجه دادم که ما همچنان به خاطر تعدد مراکز قدرت با مشکلاتی در مورد کنترل وسایل و اموال مربوطه رو به رو شده‌ایم. انتظام تعجب کرد که چرا هنوز مسئلهٔ ذخایر خواروبار حل نشده است. او تمایل دولت موقت را در مورد خرید آنها تکرار کرد و گفت که درباره آن با وزیر بازرگانی تماس خواهد گرفت. وقتی من به این تمایل اشاره کردم که تمام مسایلی که از دورهٔ قبلی همکاریهای نظامی به جا مانده باید به طور منظم دور ریخته شوند، تا ما بتوانیم دوباره وسعت و ماهیت روابطی که ایران در این مورد می‌خواهد را تعیین کنیم، انتظام پاسخ داد که این موضوع از حساسیت خاصی برخوردار است و به علت فشارهای وارده به دولت موقت به ویژه از طرف گروههای چپ، باید در مورد آن محتاطانه عمل شود.

۵ـ موضوع GTE را مطرح کردم. همچنین احتیاج به مصالحه در بعضی از موارد که کمپانیهای آمریکا حاضرند که دربارهٔ این موارد با خلوص نیت مذاکره کنند را به او یادآور شدم و اشاره کردم که کمپانیهای دیگر به مذاکرات توجه دارند و بینش آنها نسبت به انعطاف پذیری ایران از این مذاکرات، متأثر خواهد بود. در این مورد انتظام بی‌اطلاع به نظر می‌رسید؛ ولی گفت که با وزیر پست و تلگراف و تلفن گفتگو خواهد کرد

www.takbook.com



و نظریات من را به او خواهد گفت. همچنین به هیئت اجرایی کمپانی دوپونت اشاره کردم. در این موقع انتظام بلافاصله به من اطمینان داد که خسارت سهامداران خارجی که در شرکتهای ملی شده ایرانی سهام داشتند جبران خواهد شد. سرانجام به مسئلهٔ اقتصاد اشاره شد و توجه او را به خلاصهٔ اطلاعاتی که به سفارت ایران در واشنگتن دربارهٔ کاهش صدور اجناس به ایران داده شده است، جلب کردم و نیاز به سرعت عمل در مورد خریدهای مهم بررسی شد.

۶ـ در مورد رفتار با اقلیتهای ایران من به انتظام یادآوری کردم که این موضوع در آمریکا و به خصوص در کنگره از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. سپس در مورد آقایان، هایی و دانیل‌پور (مرجع) صحبت کردم و به او گفتم که از واشنگتن از ما خواسته‌اند که در مورد صحت این خبر که اینها الآن تحت محاکمه هستند، اطلاعاتی کسب کنیم. انتظام حتی از دستگیری این افراد اظهار بی‌اطلاعی کرد و قول داد که مطلب را بررسی کند و نتیجهٔ تحقیقاتش را به ما بگوید.

۷ـ سپس از نظرهای انتظام دربارهٔ نحوهٔ عمل دولت موقت در سطح مملکت با توجه به ملاقاتهایی که بین کابینه و شورای انقلاب با خمینی در هفته گذشته انجام شده بود، جویا شدم. انتظام پاسخ داد که دولت موقت همچنان مشکلات فراوانی دارد و بیشتر این مشکلات به وسیلهٔ افراد ایده‌آلیستی که می‌خواستند کمک کنند، ایجاد می‌شود. او افزود که حل این مشکلات به زمان احتیاج دارد و ما و شما (آمریکا) باید صبور باشیم. او در دنبالهٔ سخنانش خاطر نشان ساخت که دولت موقت در اعمال قدرت مشکلاتی دارد ولی او مسئول تمام کارها شناخته می‌شود. مردم زیادی که در خارج از کادر دولتند، به دولت اجازه نمی‌دهند که خودش امور مملکتی را انجام دهد و این مردم حتی دانش و یا تخصص ادارهٔ مملکت را ندارند. انتظام همچنین گفت که دولت موقت به کرات سعی کرده است که این افراد را قانع کند که دست از مزاحمت بردارند و این تلاش از پشتیبانی خمینی برخوردار بوده است. او سپس به گروههای چپ حمله کرد و گفت قصد دارند که انقلاب را نابود کنند و برای این کار به وسیلهٔ شوروی پشتیبانی می‌شوند. در این زمینه او افزود که امیدوار است که آمریکا دولت موقت را از چنین فعالیتهای خرابکارانه آگاه کند.

۸ـ من به او متذکر شدم که بعضی افراد سیاسی مهم اظهاراتی می‌کنند که موجب دردسر برای ایران می‌شود و دیگران این را تحریک‌کننده تلقی می‌کنند. انتظام آهی کشید و گفت یکی از عواقب این انقلاب این بوده است که هر کسی خود را صدای ملت بپندارد. او گفت در این مورد حتی بین افراد دولت نیز اختلاف‌نظر وجود دارد. روش ایران همیشه داشتن روابط مناسب با همهٔ کشورها به خصوص همسایگانش می‌باشد. ولی در همان روز صادق طباطبائی، سخنگوی دولت، برخلاف روش و سیاست دولت در مورد عراق اظهاراتی می‌کند و همین مسئله نیز در رادیو و تلویزیون به وسیلهٔ صادق قطب‌زاده مطرح و تکرار می‌شود. بودجهٔ صدا و سیما را دولت می‌پردازد ولی عملاً هیچ کنترلی در پخش برنامه‌های آن ندارد.

۹ـ انتظام گفت که بلافاصله بعد از انقلاب، دولت موقت به این نتیجه رسید که همه از امام گرفته تا کمیته‌ها و پاسداران انقلاب و دادگاههای انقلاب بر ضد دولت موقت کار می‌کنند. نخست‌وزیر و کابینه صدها بار با خمینی تماس گرفته ولی تا دو هفته قبل که دولت موقت تصمیم به اتخاذ یک موضع قاطع گرفت نتیجه مطلوبی حاصل نشد. او افزود که دولت موقت می‌خواهد اوضاع را سریعاً به وضع عادی بازگرداند و پیش‌بینی کرد که در عرض یک یا دو هفته سیاست و تشکیلات کلی دولت برای عموم اعلان

www.takbook.com



می‌شود، و این نتیجهٔ ملاقات و توافق اخیر با رهبر انقلاب بوده است. او در جواب سؤال من گفت که بازرگان مصمم است که وظیفه‌اش را به نحو احسن تا پایان (به طور موفقیت‌آمیز) انجام دهد. او بازرگان را شخص ایده‌آلی برای این کار توصیف کرد و گفت که او تنها کسی است که غیر عملی بودن برنامه‌ای که به وسیلهٔ عوامل مذهبی ارتجاعی پیشنهاد شده است را تشخیص می‌دهد چرا که آنها می‌خواهند زمان را ۱۰۰۰ سال به عقب برگردانند. ولی با وجود این تسلیم چپگرایان نخواهند شد.

۱۰ـ انتظام خوشبین بود که سفرش به سوئد باعث این نخواهد شد که وظیفه‌اش به عنوان کانال ارتباطی بین دولت ایران و آمریکا قطع شود. او حتی گفت که ارتباط ساده‌تر نیز خواهد شد. در آنجا بهتر از واشنگتن و تهران می‌توانیم حرفهای خود را بزنیم. به علاوه او به طور منظم، دو ماه یک بار، به ایران خواهد آمد. وقتی از او در مورد تعیین سفیر برای آمریکا سؤال شد گفت که ممکن است یکی دو ماه طول بکشد و خوشبین بود که خودش نامزد این مقام خواهد شد. انتظام سپس از من جویای اطلاعاتی دربارهٔ کشورهای همسایهٔ ایران شد و من هم نظر کلی خود را در مورد برداشت عراق از روابط با ایران (براساس مرجع D) بیان کردم.

www.takbook.com



**از: کاردار سفارت در تهران ۵۸/۴/۱۸** **شماره: ۷۰۹۸ تهران**
**به: واشنگتن وزیر خارجه. فوری** **تاریخ: ۹ ژولای ۱۹۷۹**
**گزارشگر:** LAINGEN **لینگن مرجع: ۵۴۹۱ تهران** A **ـ ۷۰ تهران** B
**طبقه‌بندی: محرمانه بخش: کاردار** CHG CHRON

**موضوع: علاقهٔ امیرانتظام به اطلاعات مشترک**

۱ـ تمام مطالب محرمانه است.

۲ـ همان‌طوری که مرجع اطلاعاتی نشان می‌دهد معاون قبلی نخست‌وزیر، انتظام (که اکنون سفیر تعیین شده برای پنج کشور اسکاندیناوی است) در ملاقات با من قویاً خواستار مبادلهٔ هرگونه اطلاعات در مورد سیاستهای داخلی ایران و مقاصد عراق نسبت به ایران شد. ما قصد نداریم که در سیاست داخلی ایران مداخله کنیم ولی متشکر خواهیم شد. اگر وزارت در نظر بگیرد که آیا جواب دادن در مورد عراق برای ما مفید نیست؟

۳ـ امیرانتظام اظهار داشت که نگرانی خود را در مورد مقاصد عراق قبلاً با ناس مطرح کرده و بازرگان نیز حداقل در یکی از ملاقاتهای خود با سولیوان به این مطلب اشاره کرده است. انتظام در برخوردش با من گفت که نگرانیش مربوط به وضعیت رهبران بغداد و شوروی نسبت به ایران می‌باشد و بر این تأکید کرد که معتقد است این یکی از نکات منافع مشترک بین دولت موقت و آمریکاست.

۴ـ همچنان که در منبع اطلاعاتی B منعکس شده است جوابهای من به انتظام یک سلسله ملاحظات کلی از گزارش موجود در سفارت از بغداد بود. سپس گفتم که قسمت منافع آمریکا از آنجا چند مورد به دولت ایران دربارهٔ علاقه ما به صلح بین ایران و عراق اشاره کرده بود و نگرانی خود را دربارهٔ ناراحتیهای موجود بین عراق و ایران ابراز داشتم. سپس گفتم که ما این مسئله را بررسی خواهیم کرد تا ببینیم آیا در موقعیتی هستیم که اطلاعات دقیقتری بدهیم؟

۵ـ سپس به خروج احتمالی انتظام به استکهلم اشاره کردم و از رابطه‌های ما در آنجا جویا شدم. او پیشنهاد کرد که سخنگوی دولت، طباطبائی، جای او را خواهد گرفت و قبول کرد که دکتر یزدی هم می‌تواند یک رابط مفید باشد.

۶ـ من راهنمایی وزارت را در این مورد خواستارم. از نقطه نظر منافع ما در اینجا جواب مثبت می‌تواند عواقب سودمندی داشته باشد. سهیم کردن دولت موقت در ارزیابیهای ما از وضع عراق می‌تواند معرف این باشد که آمریکا همان طور که می‌گوید توجه زیادی به ثبات در منطقه خلیج‌فارس دارد. فرض کنیم که می‌توانیم چیزهایی بدهیم که مبنی بر اینکه عراق قصد جنگ ندارد و به این مسایل تعادل بخشیم. این ممکن است مواضع میانه‌روی را تقویت کند؛ مثل صدا و سیمای ایران که همان طور که به انتظام گفتم نسبت به ما روش خصمانه‌ای دارد. در مورد روابط دوجانبه ما با دولت موقت پذیرش این موضوع می‌تواند اعتماد ما را به آنها بفهماند و تمایل ما برای همکاریهای سودمند متقابل مفید واقع شود.

۷ـ البته موضوع سفر احتمالی انتظام نیز وجود دارد. ما طباطبائی را به عنوان رابط پیشنهاد نمی‌کنیم، چرا که اطلاعات ما در مورد او خیلی کم است. ترجیحاً ما می‌توانیم از پیشنهاد امیرانتظام در مورد ارتباط با یزدی استفاده کنیم، چرا که او نیز مانند انتظام در مورد روابط ایران و عراق نگران است و همچنین او کسی است که می‌تواند برای توسعهٔ روابط مطمئن مفید واقع شود. همچنین ادامهٔ تماس با انتظام دربارهٔ این

www.takbook.com



موضوع خالی از فایده نخواهد بود چرا که ما معتقدیم که علاقه و درگیریش نسبت به امورات داخلی همچنان قوی خواهد بود.

۸ـ با گفتن تمام این، من تشخیص می‌دهم که منافع وسیعتری مطرح است؛ همچنین منافع ما در عراق. با وجود این به نظر من ما می‌توانیم منافع خود را در اینجا تضمین کنیم و در عین حال در مورد عراق نیز در این مورد خاص ضرر نخواهیم کرد.

۹ـ اما در مورد اطلاعاتی که ما مبادله می‌کنیم می‌تواند از نوع ارزیابیهای ۲۱ ژوئن ۱۹۶۲ بغداد باشد؛ البته باید به صورتی که لازم است سانسور شود. ولی اطلاعات در مورد نقل و انتقالات نیروهای عراقی و توانایی آنها از حساسیت بیشتری برخوردار است ولی در این مورد نیز ممکن است مواردی وجود داشته باشد که تبادل آنها در منافع ما باشد.

۱۰ـ سرانجام باید بگویم که اگر اطلاعاتی از اشتغال این هیئت در این‌طور مأموریتها در گذشته دارید برای من بنویسید؛ چرا که افراد سفارتخانه چنین موردی را به یاد ندارند.

www.takbook.com



**محرمانه تهران ـ ایران**
**اداری ـ غیر رسمی ۱۰ ژوئیه ۱۹۷۹**
**جناب آقای مینوت ـ رادنی کندی**
**استکهلم، سوئد**
**آقای سفیر عزیز**

شما به زودی همکاری ایرانی به نام عباس امیرانتظام، معاون سابق نخست‌وزیر و سخنگوی دولت را در کنار خواهید داشت. او توسط دولتش به مقام سفیر سفارت سوئد با اعتبارنامه برای نروژ، فنلاند، دانمارک و ایسلند منصوب شده است. چه مرد خوشبختی!!!

من نسخه‌هایی از این نامه را به هر یک از همکارانت در این چهار کشور دیگر می‌فرستم.

ما جداگانه اطلاعات مشروحی دربارهٔ زندگی امیرانتظام را برای شما خواهیم فرستاد. به طور مختصر، وی یک ایرانی فوق‌العاده با نزاکت، مؤدب و غربی‌منش است. خیلی زیاد در اینجا محصور انقلاب و در پوسته درونی انقلاب است، اما به سختی در روش و ظاهر، انقلابی به نظر می‌آید. او مدت قابل توجهی را در کشور ما گذرانده است و ایالات متحده را بسیار خوب می‌شناسد و آنجا را دوست دارد. مطمئناً شما از او خوشتان خواهد آمد.

یکی از سؤالاتی که فعلاً در حوزه دیپلماتیک اینجا به طور متناوب مطرح است این است که «چرا انتظام می‌رود». ما هنوز پاسخ خوبی در این مورد نداریم. او اینجا به بعضی از ما گفته است که امکان دارد در استکهلم در موقعیتی بهتر از اینجا برای پاسخگویی به آن باشد. فرض بر این است که رفتن او لااقل تا اندازه‌ای ناشی از پیچیدگیها و مانورهای حلقهٔ داخلی انقلاب می‌باشد و این باعث شده که امیرانتظام احساس کند که در حال حاضر در خارج از ایران راحت‌تر خواهد بود. او به ما می‌گوید علیرغم مسافت زیاد قصد دارد به شرکت فعالش و توجهش به آنچه در اینجا (ایران) می‌گذرد ادامه دهد.

با گفتن همه اینها، ما اعتراف می‌کنیم که چندان آگاهی واقعی نسبت به رفتن او نداریم. او ملاقات و صحبت با شما را استقبال خواهد کرد و ما هر چیزی که شما بتوانید از آن مسافت در مورد نظرات و گفته‌های او به ما بگویید استقبال خواهیم کرد. در واقع هر مطلبی که وی ممکن است در مورد حلقه‌های داخلی رهبری و روابط داخلی آنها برای ارائه داشته باشد مورد علاقهٔ ما می‌باشد.

**ارادتمند شما**

www.takbook.com



**با سلام گرم ال ـ بروس لینگن کاردار موقت**

**تهران، جولای ۱۹۷۹ ـ ۵۸/۴/۲۰**

**آقای سفیر عزیز**

مجدداً از اینکه با وجود برنامهٔ کار زیاد خودتان فرصتی دادید که من شما را قبل از عزیمتتان ملاقات کنم تشکر می‌کنم. محبت شما دلیل دیگری که بر آن چیزی است که اعتقاد دارم ادامه می‌یابد تا ذخیرهٔ دوستی خوبی نسبت به کشورم در ایران باشد. من به هر یک از سفرایمان در اسکاندیناوی نامه نوشته به آنها راجع به شغل شما و ورود قریب‌الوقوع شما گفته‌ام. من می‌دانم که آنها دیدار شما را خوشآمد خواهند گفت.

مجدداً بهترین آرزوهایم را برای موفقیت شما در اولین بازگشتتان به تهران هستم.

باگرمترین سلامها ـ دوستدار شما

ل ـ بروس لینگن

کاردار سفارت آمریکا در ایران

**استفاده اداری محدود**

**از: سفارت آمریکا ـ تهران تاریخ: ۱۵ ژوئیه ۷۹**

**به: سفارت آمریکا ـ استکهلم**

**برای سفیر**

**موضوع: سفیر جدید ایران در سوئد**

۱ـ من نامه‌ای برای شما در مورد سفیر جدید ایران در سوئد (که برای چهار کشور دیگر اسکاندیناوی هم منصوب می‌شود) فرستاده‌ام.

به هر حال، سرویس پستی (خدمات پستی) اینجا به آن بخش جهان بدون شک از سرعت کمی برخوردار است و بنابراین باید شما را از ورودش به آنجا در هفته گذشته مطلع کنم.

۲ـ عباس امیرانتظام که معاون نخست‌وزیر دولت موقت و سخنگوی دولت بود شخصی است دلپذیر، مؤدب و غربی‌منش که مدت قابل ملاحظه‌ای در آمریکا زندگی کرده است. اما وی همچنین عضو فعالی در حلقهٔ داخلی انقلاب بوده است. اینکه وی چرا عازم شده است برای ما کاملاً روشن نیست و هر چیزی که در این زمینه از وی به دست آورید، سودمند خواهد بود. وی برای حفظ ارتباط با ما دچار دغدغه است. بنابراین مطمئنم که در اولین فرصت در پی شما خواهد بود. ما به گرمی وی را توصیه می‌کنیم.

لینگن

www.takbook.com



**شماره : ۳۶۳۸**

**از: وزارت امور خارجه ـ واشنگتن. دی. سی ۱۹ جولای ۱۹۷۹**
**به: سفارت آمریکا، استکهلم با اطلاع: سفارت آمریکا،تهران**
**ارجاع به: استکهلم ۲۴۹۲، تهران ۶۵۵۰**
**موضوع: (بدون طبقه‌بندی) اطلاعاتی در مورد شرح زندگی عباس امیرانتظام سفیر جدید ایران به سوئد.**

۱ـ (محرمانه) وزارتخانه چیز زیادی برای افزودن به تلکس مرجع ندارد. به هر حال، شاید برای استکهلم جالب باشد که بداند امیرانتظام همیشه بین دولت ایالات متحده و مردم آمریکا تمایز قائل می‌شود. او می‌گوید که به مردم آمریکا بسیار احترام می‌گذارد. وی همچنین ادعا می‌کند که در سرتاسر ایالات متحده صاحب دوستانی هست.

۲ـ (استفاده اداری محدود) وزارتخانه از دریافت هرگونه اطلاعات اضافی دربارهٔ شرح زندگی یا عکسهایی از امیرانتظام، که در مدت انتصابش در استکهلم به دست آید تشکر خواهد نمود. همچنین نظراتی که به وسیله آنها بتوان فعالیت وی را برآورد کرد مفید می‌باشند.

**از: وزیر امور خارجه ـ واشنگتن ـ دی. سی. ۳۱ / جولای ۷/۹ ـ ۵۸/۵/۹)**
**به: سفارت آمریکا در استکهلم**
**پیوست به: سفارت آمریکا ـ تهران**
**تهران سرّی ۸۰۶۰**

**موضوع: سفیر امیرانتظام**

۱ـ تمام متن سرّی

۲ـ قبل از اینکه ایران را به قصد مأموریت جدیدش به عنوان سفیر در استکهلم ترک نماید، امیرانتظام به مسئول ما گفت که مایل است که با کارمندان دولت آمریکا در خارج از ایران گفتگو نماید. انتظام اگر می‌خواست می‌توانست دید ما را نسبت به حالت و چگونگی مسایل سیاسی ایران، زمانی که به عنوان معاون نخست‌وزیر بود، به عنوان یک عضو حساس در دولت موقت ایران روشن نماید، بهبود بخشد.

۳ـ اگر شما موافق هستید ممکن است که در اولین فرصت با او ملاقات کرده و موارد زیر را محتاطانه با او در میان گذارید:

... ما یادمان هست که او متذکر گردیده که مایل است وقایع ایران را پس از رسیدن به استکهلم تحلیل نماید... اگر سفیر (انتظام) موافق باشد ما آماده هستیم که کارمند سیاسی سابق تهران، جان استمپل، را برای ملاقاتی اعزام داریم. ترتیب این ملاقات را فوراً می‌شود داد. این مسئله می‌تواند با احتیاط مطرح گردد. استمپل (مقام سرویس خارجی آمریکا در آکادمی نیروی دریایی در پست معاونت) کارش را شروع نموده و ما امید داریم که در صورتی که مایل باشد ترتیب مسافرتی را در هفتهٔ آینده بدهیم.

**ونس**

www.takbook.com



**از: سفارت آمریکا در استکهلم** **تاریخ: اگوست ۷۹**
**به: وزیر امور خارجه ـ واشنگتن** **شماره : ۳۱۵۹ استکهلم / فوری ـ ۱۱ مرداد ۵۸**
**موضوع: مکالمه با سفیر ایران امیرانتظام**

۱ـ تمام متن سرّی است.

۲ـکاردار عصر روز ۳۱ ژوئیه در دفتر کار سفیر ایران در سوئد با امیرانتظام ملاقات کرد. معاون سابق نخست‌وزیر دولت انقلابی ایران اواخر ژوئیه به استکهلم وارد شده بود. محل سکونت وی در استکهلم خواهد بود، ولی در عین حال سفیر منتصب به پنج کشور اسکاندیناوی خواهد بود.

طبق برنامهٔ ۲۸ اوت او استوارنامهٔ خود را به کارل گوستاو ۱۶ پادشاه سوئد تقدیم خواهد کرد. انتظام از روزهای دانشجویی خود در برکلی، تحسین او از موفقیتهای آمریکا ـ تأسف او از فساد سیاست ۲۵ سالهٔ آمریکا در ایران و تصمیم او به بهبود روابط دوجانبه تنها در شرایط احترام متقابل، عدم دخالت در مسایل داخلی ایران و عدم تعرض به استقلال ایران میسر است. او گفت که ما و دیگر کشورها نباید موقعیت آشفتهٔ سیاسی امروز ایران، آنها را به بیراهه بکشد. مردم ایران مشغول ساختن یک کشور نمونهٔ اسلامی هستند. (اگرچه با جذر و مدها و درد و رنجهای زیاد) به هر حال سالها بعد کشورهای دیگر ایران را الگو قرار خواهند داد که ایران خواهان روابط خوب با آمریکا، شوروی و چین است. ولی آنها وقتی موفق خواهند شد که بر مبنای احترام به ایران و حکومت اسلامی آن و تمامیت و حاکمیت ملی و استقلال آن قدم بردارند. اگر آمریکا درسی از انقلاب ایران نیاموزد و تلاشهایی که هم اکنون یا بعداً برای بازگرداندن روابطی از نوع روابط ویژه‌ای که در زمان شاه وجود داشت از سر بگیرد، در این صورت دشمنی نسبت به آمریکا در طی ۶ ماه گذشته بر افکار عمومی ایران حاکم بوده، در آینده نیز تعیین کنندهٔ سیاست دولت و افکار عمومی مردم ایران خواهد بود. مردم ایران از دیرباز از تجاوزات شوروی نیز می‌ترسیدند و به آن مشکوک بوده‌اند. بنابراین چنین اخطاری به مسکو نیز فرستاده شده است.

۳ـ در مقابل سؤالهای مختلف، انتظام گفت که او درصدد است که یک سفیر فعال باشد. می‌خواهد نه تنها در کشورهای اسکاندیناوی (محل مأموریتش) بلکه به عنوان سفیر سیار در است تمام اروپا انجام وظیفه کند. او اشاره کرد که از نزدیک مراقب روابط ایران با کشورهای دیگر اروپایی است. و نیز مراقب سفرای آنها در این کشورها. او گفت که هدف این است که این مسئولیت ویژهٔ سیاسی ـ اداری از دوش دولت بازرگان برداشته شود. او به عنوان جمله معترضه گفت: به احتمال زیاد برای حل یک مسئله کوچک به زودی به آلمان خواهد رفت و در سوئد او درصدد است که به طور مرتب با هموطنان خود ملاقات کند (بیشتر آنها از طبقهٔ دانشجو می‌باشند). در این دیدارها او اظهار امیدواری کرد (خواهد کرد) که تمام ایرانیان، از جمله کسانی که در حزب کمونیست عضو هستند می‌توانند برای سربلندی ایران کار کنند. بدین ترتیب تاکنون با صدها دانشجوی ایرانی ملاقات کرده تا همکاری آنها را جلب کند ونیز به آنها در مورد علت قطع کمک مالی دولت برای یک دورهٔ تحصیلی توضیح بدهد.

انتظام گفت که او «دانشجویان حرفه‌ای» و کسانی که از لحاظ درسی ضعیف هستند را تصفیه خواهد کرد و از کسانی که سابقه درسی خوبی دارند حمایت خواهد کرد.

۴ـانتظام به سابقهٔ فعالیتهای خود در جنبش مقاومت ملی در سالهای ۵۰ اشاره کرد. یکی از دوستان خوب مردم در آن زمان در سفارت آمریکا ریچارد کاتم، کارمند سیاسی بود. او گفت کوتام یکی از

www.takbook.com



سیاستمداران معدود آمریکایی است که در آن زمان عواقب احتمال اصرار آمریکا در به قدرت رساندن شاه را درک کرد.

انتظام گفت: کوتام که علاقه‌اش به ایران را حفظ کرده در اکتبر گذشته در پاریس با امام خمینی ملاقات کرد و در نوامبر گذشته به تهران مسافرت کرده. او فکر می‌کرد که حالا در یک دانشگاه در سواحل پرینستون (پنسیلوانیا) تدریس می‌کند. او توصیه کرد که به عنوان قدم عاقلانه‌ای آمریکا باید کوتام COTTAM را به عنوان سفیر آینده به ایران بفرستد.

۵ـ در مراسم استقبال از انتظام در استکهلم، کاردار ما او را از علاقهٔ سفارت به حفظ همکاری نزدیک با هیئت او مطمئن ساخت و تأکید کرد که ما دوست داریم در مواقع لزوم کمک کنیم. انتظام گفت: ما از این ملاقات مقدماتی بسیار خوشحال شدیم و اظهار امیدواری کرد که ما مسایل خودمان را به او ارجاع کنیم. اطلاعات جدیدی از علایق دو جانبه را هر زمان که به دست می‌آمد به او بدهیم.

۶ـ تفسیر: توصیف کاردار لینگن از امیرانتظام به عنوان یک شخص با هوش و نمایندهٔ بسیار ماهر دولت انقلابی ایران در سخن گفتن کاملاً صحیح است. انتظام در حقیقت علاقه به ادامهٔ تماس با آمریکا دارد و به نظر می‌رسد که خالصانه می‌کوشد تا دوباره روابط دوجانبهٔ خوبی را بین ایران و آمریکا برقرار کند. سفارت گفتگو با امیرانتظام را در حد امکان ادامه خواهد داد.

CANNEY

www.takbook.com



**شماره : ۷۱۰**

**از: وزیر خارجه ـ واشنگتن ۳ اوت ۱۲۷۹ ـ مرداد ۵۸** **سرّی**

**به: سفارت آمریکا در استکهلم ـ فوری**

**گزارشگر: کریستوفر**

**اطلاع: سفارت آمریکا در تهران**

**موضوع: امیرانتظام سفیر**

۱ـ تمام متن سرّی.

۲ـ استمپل در روز یکشنبه پنجم اوت به وسیلهٔ پرواز شماره ۳۰ در ۹/۱۵ صبح به تهران خواهد آمد و در سه‌شنبه اینجا را ترک خواهد گفت. به استقبالش بروید و به او جا بدهید. لطفاً قرار ملاقات او را با انتظام فراهم کنید. یکشنبه دیروقت خوب است و امکان یک ملاقات بعدی برای دوشنبه هم می‌ماند.

کریستوفر

www.takbook.com



**از: واشنگتن وزیر امور خارجه ۸ آگوست ۷۹ مطابق با ۱۷ مرداد ۵۸** **سرّی**
**به: سفارت در تهران ـ فوری** **شماره : ۱۰۶۷۲۹**
**گزارشگر: ونس** **موضوع: مبادلهٔ اطلاعات با دولت موقت**

خلاصهٔ گزارش: تقاضا و تمایل زیاد دولت موقت برای مبادلهٔ اطلاعات در مورد تهدیداتی که در قبال دولت موقت صورت می‌گیرد. محل مبادلات تهران خواهد بود. تاریخها بعداً تعیین خواهد شد. (پایان خلاصه).

۱ـ تمام موضوع سرّی است.

۲ـ در اثنای گفتگوهایی که بین سفیر ایران در سوئد (انتظام) و افسر خدمات خارجی (استمپل) در مورخهٔ پنجم اوت در استکهلم انجام گرفت. انتظام قویاً تمایل دولت موقت را برای مبادلهٔ اطلاعاتی که مربوط به حمایت دولتهای خارجی از تهدیدات داخلی ایران است، خواستار شد. این پیشنهاد را در اول لیست کارهایی که آمریکا باید برای بهبود روابط انجام دهد، گذاشته و افزود که تصمیم شرکت در این ملاقاتها به وسیلهٔ خمینی شخصاً تأیید شده است.

۳ـ در روز بعد استمپل افسر سابق سیاـ CIA، SRF ـ در تهران آقای جرج کیو را به انتظام معرفی کرد. تا اهداف این تبادل اطلاعات و زمینه‌ها را برای او توضیح دهد. کیو ماهیت حساس این موضوعات را شرح داده و اقدامات حفاظتی مربوط به آن را بیش از حد لازم می‌دانست. انتظام گفت که دولت موقت می‌خواهد این اطلاعات در تهران مبادله شود، چرا که به صحنه عملیات نزدیکتر است. کیو گفت که دولت آمریکا مأمور ارشد اطلاعاتی خود را به تهران خواهد فرستاد. و کاردار در تهران هماهنگیهای لازم را به عمل خواهد آورد. انتظام در پاسخ گفت که امیدوار است که این برنامه مداوم باشد و کیو گفت: دولت آمریکا این برنامه را هر ۳ یا ۶ ماه انجام خواهد داد و اگر مواقعی تبادل اطلاعات فوری خارج از برنامه لازم باشد انجام خواهد گرفت. انتظام پرسید آیا آمریکا می‌تواند یک رابط دائم در تهران داشته باشد و کیو گفت که این موضوع برای آینده است و الآن کسی در تهران نیست.

(تبصره: کیو به عنوان افسر ارشد اطلاعاتی معرفی شد و واژهٔ CIA ـ سیا هرگز به کار نرفت.)

۴ـ در این گفتگو سؤالاتی درباره تاریخ مبادلهٔ اطلاعات نیز به میان آمد. انتظام تاریخ ۲۷ آگوست را رد کرد. چرا که او باید استوار نامه خود را در ۲۸ آگوست به مقامات سوئدی در استکهلم بدهد. سپس قرار شد که دولت آمریکا توسط کاردار خود در استکهلم با انتظام تماس بگیرد و تاریخ ۳۰ آگوست یا اوایل سپتامبر را به او بدهد. انتظام پاسخ داد که او برای دورهٔ اول ملاقاتها در تهران خواهد بود ولی در دوره‌های بعد او الزاماً در تهران نخواهد بود. در جواب به نگرانی آمریکا از لحاظ امنیتی جریان، انتظام توضیح داد که گیرندگان این اطلاعات به بازرگان، یزدی و یک افسر ارشد اطلاعات که نامش بعداً مشخص خواهد شد، و خودش محدود خواهد شد. کیو به این حقیقت اشاره کرد که مطالب بسیار محرمانه نمی‌تواند به صورت نوشته عرضه شوند و به صورت شفاهی انجام می‌گیرند. این مسئله‌ای برای انتظام نبود.

۵ـ ما از عکس‌العمل شما در جهت انجام این مبادلات قدردانی می‌کنیم و پیشنهادات شما در مورد اجرای این کار مفید خواهد بود. آیا می‌خواهید که برنامهٔ ملاقاتها و زمینه‌های مربوط به آن را در ملاقات خود با بازرگان در ۱۱ آگوست مطرح کنید؟

تذکر: این گزارش برای کاردار ـ آهرن و تامست هم فرستاده شده است. ونس

www.takbook.com



**شماره : ۸۹۴۶**

**از: سفارت در تهران** **تاریخ ۵۸/۵/۱۸**
**به: وزیر امور خارجه واشنگتن فوری** **طبقه‌بندی: سرّی**
**گزارشگر: لینگن** **مرجع: STATE ۲۰۶۷۲۹**
**بخش: CHO**

**موضوع: (مبادلهٔ اطلاعات با دولت ایران)**

۱ـ موضوع تماماً سرّی است. تلگراف برای کسب تکلیف.

۲ـ مبادلهٔ اطلاعات بین امیرانتظام و کارشناس خدمات خارجی استمپل (STEMPEL) درست همان چیزی است که ما انتظار داشتیم. به خصوص در مورد مطالبی که انتظام قبلاً اشاره کرده بود. به ناس و من (لینگن LAINGEN) اشاره کرده بود. فکر می‌کنم که بخواهیم این موضوع آزمایشی را با دقت دنبال کنیم و اولین ملاقات را طوری ترتیب دهیم که حاکی از حسن نیت تمام باشد. ولی در عین حال احتیاط در دور اول مبادلات مناسب به نظر می‌رسد، چرا که این یک کار بسیار حساس است و شخصیتهایی در آن درگیر می‌شوند که اطلاعات امنیتی ما در مورد آنها هنوز محدود است.

۳ـ ما فکر می‌کنیم که در ملاقاتهای اولیه تا جایی که ممکن است باید به دولت تأکید کنیم که تهدیدات داخلی ایران کاملاً از پشتیبانی کشورهای خارجی برخوردار است و طوری وانمود کنیم که ما را از آشوبهای داخلی دولت و کشور مبرا سازد. البته این کار مشکل خواهد بود، ولی باید با یک تلاش مداوم پیگیری شود.

۴ـ احتمالاً شروع کار مشکل خواهد بود ولی ما باید سعی کنیم که در این آزمایش بعضی از اطلاعات نیز در عوض به آمریکا داده شود. مثال: روش دولت موقت نسبت به عراق، پشتیبانی ایران از شورشیان افغانستان، روش روسیه در روابط مستقیم با دولت موقت، حزب توده و غیره.

۵ـ ما با مخالفت کیو (CAVE) با انتظام در مورد تماس دائم در تهران برای مبادله بدون وقفه اطلاعات موافق هستیم و آمدن مأمور اطلاعاتی از واشنگتن به مخفی‌کاریها و پوششهای اینجا کمک خواهد کرد. با وجود این، ما می‌توانیم دربارهٔ مسئله تجدیدنظر نماییم و این تجدیدنظر بستگی به توسعه کارها دارد.

۶ـ در مورد زمان ملاقات که ۲۰ آگوست پیشنهاد شده است تنها در صورتی که مأمور تماس بتواند به موقع در اینجا حاضر شود مشکلی نخواهیم داشت. اگر طرحهای کنونی تأیید شود کاردار در ۲۷ آگوست به واشنگتن خواهد آمد. تاریخ پیشنهاد شدهٔ دیگر از آغاز هفته دهم سپتامبر است.

۷ـ من در مورد پیش کشیدن موضوع با بازرگان مشکوکم و در ملاقاتم در ۱۱ آگوست در صورتی که او در این باره صحبت خواهم کرد که قبلاً انتظام در مورد تبادل با کیو (CAVE) و استمپل (STEMPEL) با او صحبت کرده باشد. در تلگراف مشخص نیست که بازرگان و دیگران در مورد این ملاقاتها چیزی می‌دانند یا نه، من می‌توانم در این مورد طی گفتگو جویا شوم ولی توضیحات در این باره از وزارت می‌تواند مثمر ثمر واقع شود.

لینگن

www.takbook.com



**شماره : ۶۸۹۱**

**از: وزیر امور خارجه واشنگتن** **تاریخ: آگوست ۷۹ برابر با ۱۸ مرداد ۵۸**
**به: سفارت در تهران ـ فوری** **نسخه آن به کاخ سفید**
**گزارشگر: ونس** (VANCE)

**موضوع: مذاکره با امیرانتظام**

خلاصه: انتظام نظراتی برای بهبود روابط ایران و آمریکا دارد. او به عنوان یک سفیر فوق‌العاده از طرف دولت موقت انقلابی ایران در اروپا خدمت می‌کند. انتظام نسبت به نفوذ مذهب افراطی در دولت و خمینی اظهار نگرانی می‌کند. اصطکاکهای قابل ملاحظه‌ای بین گروههای خیلی مذهبی (رادیکال) افراطی اطراف خمینی و کسانی که صرفاً «مسلمانان خوب» در نهضت آزادی خوانده می‌شوند و هم اکنون ملت را اداره می‌کنند، وجود دارد. انتظام ظاهر شدن دوبارهٔ بختیار در صحنهٔ سیاست را مسئلهٔ مهمی قلمداد نمی‌کند. اگر دولت به طور جدی عمل کند، خطر چپ مسئله‌ای نخواهد بود.

انتظام در مورد انتخابات، تشکیلات دولت موقت، تهدیدات خارجی و روابط سخنانی ایراد کرد. هم اکنون پیشنهادهای اساسی اقتصادی به منظور بهبود اوضاع اقتصادی به وسیلهٔ شورای انقلاب تحت بررسی است. (خلاصه تمام)

**جزوه‌های بیوگرافی**

۱ـ تمام متن سرّی است.

۲ـ در ۵ آگوست (۴ مرداد) استمپل مقام سرویس خارجی، به منظور تبادل نظر با امیرانتظام (سفیر ایران در سوئد) در مورد مسایل جاری ایران، به سوی سوئد پرواز کرد. در دو روز گذشته حدود ۴/۵ ساعت گفتگو شد. گزارشهای تلگرافی زیر مهمترین قسمتهای این گفتگوهاست و به صورت موضوعی تنظیم شده است.

۳ـ استمپل گفتگو را با اطمینان خاطر و حسن نیت دولت آمریکا نسبت به دولت ایران شروع کرد. سپس گفتگوی مختصری در خصوص روابط ایران و آمریکا در پی آن انجام گرفت. مهمترین نکاتی که به وسیلهٔ امیرانتظام عنوان شد، عبارتند از:

الف: عادی کردن روابط با آمریکا باید به آهستگی پیش رود، تا سوءظن کسانی را که نظر خوبی نسبت به آمریکا ندارند، برنینگیزد.

ب: در رابطه با ارتباط با دولت موقت احتمالاً بهترین شیوه حفظ تماس با خود نخست‌وزیر، هر ۲۰ ـ ۱۵ روز یک بار می‌باشد. مسلماً الآن خیلی زود است که بشود یا آیت‌الله خمینی ملاقات کرد.

ج: تبادل سفیر احتمالاً در پاییز مناسب خواهد بود. شاید زمانی که دولت جدید دائمی مستقر شده باشد انتظام افرادی نظیر «ریچارد کات» و «رمزی کلارک» را به عنوان سفیر پیشنهاد کند.

۴ـ انتظام گفت که چند چیز است که آمریکا برای نشان دادن صمیمیت خود نسبت به رژیم جدید می‌تواند انجام دهد و اینها می‌تواند به دولت موقت ایران در برخورد با جنبشهای انقلابی داخل و خارج که نسبت به اعمال گذشتهٔ آمریکا عمیقاً نفرت دارند، کمک کند. «شرح نقطه‌نظرها»

الف ـ تهیهٔ اطلاعاتی در مورد هر نوع تهدید داخلی که با حمایت خارجی صورت می‌گیرد.

www.takbook.com



ب ـ حداکثر کمک در مورد لوازم یدکی مورد نیاز ارتش.

ج ـ مبلغ ۱/۳ میلیارد دلار جریمهٔ دیرکرد مربوط به بازپرداخت وامها را لغو کنید. (SIC)

د ـ در تهیهٔ مواد اولیهٔ مورد نیاز صنایع، که برخی شرکتهای آمریکایی از فرستادن آنها خودداری می‌کنند، کمک شود.

هـ ـ دفتر صدور ویزا در تهران را دوباره باز کنید. زیرا هزاران ایرانی می‌خواهند که به آمریکا بروند. انتظام گفت: خود او شخصاً می‌خواهد که دانشجویان زیادی به آمریکا و دیگر کشورهای انگلیسی زبان بروند. مثلاً هندوستان امسال به جای ۱۵۰۰ ویزا که پارسال داد، ۶۰۰۰ ویزا برای دانشجویان ایرانی صادر کرد. او اظهار امیدواری کرد که آمریکا از آن پیروی کند.

۵ـ استمپل گفت: که پیشنهادهای انتظام را گزارش خواهد کرد و به دولت ایران اصرار خواهد کرد که در مورد لوازم یدکی نظامی و مواد اولیه کارخانه‌ها با سفارت در تماس باشند. برداشت ما چنین بود که جز در مواردی که صورت حسابها پرداخت نشده باشد، هیچ وقفه‌ای نباید صورت پذیرد.

در مورد سؤال مربوط به تکنسینهای خارجی استمپل یادآور شد که فعالیت دادگاه انقلاب علیه خارجیان و زندانی کردن آنها یا جلوگیری از خروج آنها از کشور در مورد هیئت‌های تجاری آمریکا هم صورت گرفته و نهایتاً به ضرر حل مسایل خواهد بود. در مورد ویزا به انتظام گفته شد که تسهیلات جدید آمریکا تا آخر آگوست آماده خواهد شد، ولی پیش از گشایش باید مسایل امنیتی آن کاملاً حل شود. این بدان معنی است که کمیته‌های گاردهای فعلی سفارت باید بروند و به جای آنها پلیس یا افراد ارتشی متحدالشکل در بیرون محوطه گمارده شوند. انتظام یادداشت کرد و گفت: که در ملاقات آینده‌اش در تهران، هفتهٔ آینده مسئله را فقط به خاطر جلب «رضایت خاطر ما» حل خواهد کرد. استمپل به او توصیه کرد که در مورد بازگشتش به تهران با کاردار «لینگن» تماس بگیرد.

۶ـ انتظام گفت که او از طرف نخست‌وزیر به عنوان «سفیر فوق‌العاده» در اروپا خدمت می‌کند تا انقلاب را به مقامات حساس توضیح داده و با مشکلاتی که در تمام این کشورها ظاهر می‌شود، درگیر شود. تا این تاریخ تنها کسانی به عنوان سفیر انتصاب شده‌اند که یا «مذهبی افراطی (فناتیک) بودند و یا افراد قدرت‌طلب که هیچ نزدیکی با انقلاب ندارند. او به این خاطر سوئد را به عنوان پایگاه انتخاب کرده که در روابط ایران و سوئد عملاً هیچ مشکلی وجود ندارد و این دست او را باز می‌گذارد.

۷ـ انتظام خیلی نگران نفوذ مذهب بر سیاست ایران بود. انتقال اخیر افراد شورای انقلاب به دولت و برعکس حالتی بود که در آن شورای انقلاب قدرت بیشتری به دست آورد تا از دست بدهد. شورای اخیر خبرگان شامل اکثریتی از روحانیون است و انتظار می‌رود که در یک ماه آینده بررسیهای خود را در مورد قانون اساسی تمام کند.

انتظام گفت که طرح فعلی شامل انجام رفراندوم قانون اساسی در نیمهٔ سپتامبر و بعد انتخابات ریاست جمهوری و مجلس در یک ماه یا یک ماه و نیم آینده خواهد بود. خمینی آدم خوبی است و اعتقاد به برتری آخوندیسم در هر مورد ندارد. ولی او تحت فشار دائمی از جانب اطرافیان تندرو که خواهان برکنار کردن «مسلمانان خوب و خالص» و روی کار آمدن روحانیون می‌باشند، است.

انتظام بدین حقیقت اقرار کرده که روحانیون در انتخابات آینده بیش از نیمی از کرسیهای مجلس را به دست خواهند آورد و به آمریکا و دیگران تذکر داد که مجبور خواهند بود به مدت چهار سال با روحانیون

www.takbook.com



درگیر باشند. انتظام با تردید اظهار امیدواری کرد که میانه‌روها بعد از انتخابات بتوانند دولت را به دست آورند. او این مسئله را برای باز گرداندن اعتماد به طبقهٔ متوسط و نیز برای حیات اقتصادی ضروری می‌داند.

۸ـ در جواب سؤال مستقیمی دربارهٔ بختیار در صحنهٔ سیاست، انتظام مسئله را منتفی دانسته گفت که بختیار می‌کوشد کتاب خاطراتش را به اتمام برساند. او بختیار را تهدیدی برای دولت موقت نمی‌داند.

جبههٔ ملی و جبههٔ دموکراتیک قادر به رقابت با احزاب مذهبی در انتخابات نیستند و درصدد ایجاد آشوب نمی‌باشند. حزب جمهوری اسلامی به رهبری آیت‌الله بهشتی قویترین گروه خواهد شد. این مسئله انتظام را آزار می‌دهد. چون (بهشتی، رفسنجانی و موسوی) از مهمترین روحانیونی هستند که اصرار دارند خمینی دولتی متشکل از روحانیون داشته باشد. انتظام گفت خوب است خمینی به تهران بیاید، جایی که دولت موقت بتواند وی را بیش از سه ساعت در هفته ببیند.

۹ـ در مورد ریاست جمهوری، انتظام گفت که طالقانی و بهشتی در انتخابات شرکت خواهند کرد؛ با وجود اینکه طالقانی خودش می‌گوید «نه». به عقیدهٔ بازرگان در مورد شرکت در انتخابات بی‌میل است معهذا شرکت خواهد کرد و وی بهترین انتخاب خواهد بود. اگر دولت موقت قاطع عمل کند و قدمهای حساب شده بردارد فداییان و چپها مسئله‌ای نیستند. انتظام خصوصاً نگران حمایت خارجی شوروی، لیبیاییها و عراقی از گروههای قومی مخصوصاً کردها و عربها بود (خوزستان).

به استثناء دخالت خارجی، اقوام و اقلیتهای مذهبی مشکلات بزرگی نخواهند بود. انتظام گفت که عدهٔ زیادی از قانون اساسی جدید خوشحالند و کردها اگر دولت موقت، ارتش را به حرکت درآورد، حاضر به مصالحه خواهند بود.

۱۰ـ انتظام نتایج دگرگونی اخیر در دولت موقت را شرح داد. او گفت که پنج نفری که از شورای انقلاب وارد دولت موقت شده‌اند، حالا شناخته شده‌اند اما کسانی که از دولت به شورا رفته‌اند، شناخته نشده‌اند. او به خاطر مسایل امنیتی از دادن نام آنها خودداری کرد. شورا به وسیلهٔ ۲۵ نفر تثبیت شده است و به همین تعداد می‌ماند (این بیشتر از آن چیزی است که ادعا شده است). ارتباط بین شورا و دولت موقت بهتر شده است. آیت‌الله رفسنجانی معاون وزارت کشور شده و مسئولیت سپاه پاسداران را از دکتر چمران که معاون نخست‌وزیر بوده و اخیراً به سمت وزارت دفاع منصوب شده به دست گرفته است. دیگر معاون وزارت دفاع آیت‌الله خامنه‌ای است. همچنین آیت‌الله مهدوی کنی نیز به وزارت کشور رفته که تصدی کمیته‌ها به عهدهٔ وی بوده است و همان نقش را در وزارت کشور به عهده دارد. این برنامه بیش از آنچه انتظام فکر می‌کرده موفق بود.

۱۱ـ چهارمین عضو شورای انقلاب ابوالحسن بنی‌صدر است که پست معاونت وزارت اقتصاد در امور بانکی به او پیشنهاد شده است اما او آن مقام را قبول نکرده، ولی به کار مشغول شده. وی تغییر سیستم بانکی را به عهده دارد. میانه انتظام با بنی‌صدر خیلی بد است. او گفت که وی مزاحمی است که دائم حرف می‌زند و شکایت می‌کند اما از مسئولیت گریزان است. کلماتش شبیه و گاهی با لحن آرامتری نسبت به آشنای قدیمیش، صادق قطب‌زاده می‌باشد که سرپرست صدا و سیمای ایران بوده و در مورد او گفته که از وفاداران به خمینی اما نسبت به دولت موقت غیرمسئول است.

۱۲ـ علاوه بر چمران، ابوالفضل بازرگان (پسر برادرش)، صادق طباطبائی، معاونان بازرگان هستند.

www.takbook.com



عباس سمیعی رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و برادر دکتر یزدی (وزیر خارجه) معاون وزارت بهداری است.

۱۳ـ دربارهٔ تهدیدات خارجی: انتظام از شواهدی که دولت موقت از توطئه‌های شوروی در ایجاد فرستنده ۵ واتی در محلهای مختلف تهران که برنامه‌های خرابه کاری را پخش می‌کند در دست دارد، صحبت کرد. وزارت مخابرات آنها را توقیف کرده است. پروازهای شوروی هم یک مسئله است. در یک مورد دولت موقت اجازهٔ عبور از مازندران تا ۲۱ پایی را داده است. هواپیماها در ۴۰۰۰ پایی به طرف خلیج فارس پرواز می‌کنند و حداقل یک پاکت برای کردهای شورشی فرو می‌ریزند. دولت موقت درخواستهایی برای پرواز بلوچستان دریافت داشته ولی به آنان پاسخ مثبت نداده است. انتظام گفت دولت موقت اکنون مطمئن شده که جرج حبش سه مرتبه در کردستان بوده و به کردها کمک مالی کرده است.

۱۴ـ انتظام گفت که شورای انقلاب در حال حاضر انقلاب اقتصادی برای بازسازی کشور را مورد بررسی قرار می‌دهد انتظام گفت که خود او روشهای زیربنایی را تدارک دیده که در صورت اجرا، ۲ تا ۳ میلیون بیکار به سر کار برمی‌گرداند. طرح دیگری که از اقدامات نرمتری شامل می‌شود، ۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر را مشغول به کار می‌کند. او از توضیح بیشتر خودداری کرد.

۱۵ـ یادداشتهای بیوگرافیک : در گفتگو مسایل زیر روشن شد:

انتظام در سال ۱۹۵۵ در رشتهٔ مهندسی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد، سپس به عنوان مهندس مشاور شروع به کار کرد. در سال ۱۹۶۳ به مدت ۱۱ ماه به پاریس رفت. از ۶۶ـ۱۹۶۴ در دانشگاه برکلی کالیفرنیا مشغول تحصیل بود و در رشتهٔ اقتصاد درجهٔ فوق لیسانس گرفت. از ۱۹۶۶ تا اواخر مارس ۱۹۶۹ در آمریکا کار کرد، بعد به عنوان مهندس مشاور به تهران برگشت. در سال ۱۹۷۱ شرکتی را تأسیس کرد که اخیراً منحل گردید. او تمام داراییهایش را که غیرنقدی بود فروخت. غیر از سهامی که در یک کارخانه کوچک مواد غذایی داشت (چیزی که فداییان او را به خاطر آن متهم به سرمایه‌داری کردند). او ازدواج کرده و داری یک دختر بزرگ و دو پسر ۴ و ۶ ساله است. همسرش از آمدن به استکهلم خوشحال بود. ولی اخیراً دلش برای وطن تنگ شده است.

VANCE

**وزیر امور خارجه ونس**

www.takbook.com



**شماره : ۸۷۷۹**

**از: وزیر امور خارجه ـ واشنگتن دی. سی.** **تاریخ: ۵۸/۵/۱۹**
**به: سفارت آمریکا در تهران ـ فوری**
**گزارشگر: کوپر** COOPER
**طبقه‌بندی: سرّی**

**موضوع: تبادل اطلاعات**

۱ـ موضوع تماماً محرمانه است.

۲ـ سیا (CIA) از کاردار آمریکا در استکهلم می‌خواهد که به انتظام اطلاع دهد که ما حاضریم تبادل اطلاعات بعد از دهم سپتامبر انجام شود. کاردار از انتظام خواهد خواست که با یزدی تماس بگیرد و یزدی با شما تاریخ دقیق تبادل اطلاعات را تعیین کند. هدف ما از انجام این روش این است که اطمینان حاصل شود که یزدی و انتظام در مواضعشان نسبت به این ملاقاتها هماهنگی کامل دارند.

۳ـ در این زمان شما نباید موضوع ملاقات را با یزدی و نخست‌وزیر در میان بگذارید. اگر این سؤال به میان آمد، شما باید از تمام مقامات رسمی که در این جلسه شرکت خواهند کرد آگاه شوید و بگویید که بعد از تماسهای بیشتر با واشنگتن به آنها جواب خواهید داد.

۴ـ امکان دارد که جرج کیو برای گفتگوهای بیشتر با انتظام سفر دیگری به استکهلم بنماید و ما تصویب سفر را تا تصمیم و بررسی نهایی واشنگتن به تعویق انداخته‌ایم.

کوپر

**از: سفارت آمریکا در استکهلم** **سرّی تهران ۳۳۲۸**
**به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی ـ سی. فوری** **۱۴ اوت ۷۹ ـ ۵۸/۵/۲۳**
**گزارشگر: کندی ـ مینوت**

**موضوع: تبادل اطلاعات (سرّی)**

۱ـ تمام موضوع سرّی

۲ـ همان‌طوری که در مرجع اطلاعاتی ب اشاره شده است، انتظام از ۱۸ تا ۲۲ آگوست در تهران خواهد بود. او در ۱۵ آگوست، استکهلم را به قصد بن ترک خواهند نمود تا «مشکلات دانشجویی» را حل کند و سپس از فرانکفورت در ۱۷ آگوست به ایران رهسپار خواهد شد.

۳ـ خبر پرشت توسط معاون رئیس اطلاعات به ما رسید. انتظام گفت که او قبل از سفرش به ایران و یا به محض ورود به ایران با دکتر یزدی در مورد تبادل اطلاعات تماس خواهد گرفت. انتظام می‌داند که این اطلاعات ممکن است از نظر محتوی کامل نباشد و اگر ملاقات در دهم سپتامبر انجام می‌گرفت، ممکن بود از محتوای بهتری برخوردار باشد. انتظام به کاردار گفت که با یزدی تماس خواهد گرفت و ترتیب ملاقات را خواهد داد. انتظام گفت با کاردار «لینگن» بعد از گفتگوی او با یزدی تماس گرفته خواهد شد تا مناسبات را فراهم آورد.

KANNEDY - MINATT

www.takbook.com



**از: واشنگتن دی. سی تهران ۸۶۶۴ ـ ۲۰ اوت ۷۹ ـ ۵۸/۵/۲۹** **سرّی**
**به: سفارت آمریکا در تهران**
**گزارشگر: کریستوفر**

**موضوع: ملاقات برای تبادل از اطلاعات.**

۱ـ مطالب تماماً سرّی است.

۲ـ افسر اطلاعاتی «رابرت کلیتون امس» در ساعت ۱۰ صبح ۲۱ آگوست از پاریس وارد تهران خواهد شد. او حامل یک جواز مخصوص خواهد بود برای اینکه بتواند از مطالب اطلاعاتی مورد تملک خود محافظت کند.

شمارهٔ پاسپورت «امس» ۱۳۵۱۳۱ و تاریخ صدور آن اول ژوئن ۱۹۷۸ و محل صدور آن واشنگتن است. لطفاً به استقبال او آمده و او را یاری کنید. اگر ممکن است پیشنهاد می‌کنم که شما نحوهٔ این گفت و شنود اطلاعاتی را به امس تذکر دهید، تا قبل از ملاقاتش با مقامات ایرانی از آنها آگاه شود.

کریستوفر

www.takbook.com



**شماره : ۳۶۳۸**

**از: سفارت آمریکا استکهلم ۱۳۵۸/۶/۱۰ ـ اول سپتامبر ۷۹ محرمانه ـ**

**به: وزارت خارجه واشنگتن دی ـ سی. با حق تقدم**

**ارجاع به: استکهلم ۳۶۲۹**

**موضوع: صحبت با سفیر جدید ایران**

۱ـ (محرمانه ـ تمام متن)

۲ـشروع خلاصه: عباس امیرانتظام سفیر ایران در سوئد (و دیگر کشورهای شمال اروپا) روز ۳۰اوت یعنی کمتر از ۴۸ ساعت پس از تسلیم استوارنامه‌اش به کارل گوستاو شانزدهم (پادشاه سوئد) به ملاقات سفیر آمد. انتظام در یک مذاکرهٔ پردامنه در مورد مقاصد هیئت دیپلماتیک خود، شورش کردها، روابط ایران و آمریکا، و نارضایتیش از وسایل ارتباط جمعی سوئد صحبت کرد. (پایان خلاصه).

۳ـعباس امیرانتظام، معاون سابق نخست‌وزیر در دولت بازرگان و رهبر نهضت مقاومت ملی ایران، در ۲۸ استوارنامه‌های خود را تسلیم کارل گوستاو شانزدهم پادشاه سوئد کرد. در ۳۰اوت همراه همسرش به منظور ابراز احترام در اقامتگاه سفیر به ملاقاتش آمد. این، ملاقاتی دلپذیر، بی‌آلایش و صمیمانه بود که طی آن انتظام به خواست خود، اطلاعاتی در مورد مقاصد هیئت خود، روابط ایران و آمریکا، مسئله کردها و وسایط جمعی سوئد ارائه نمود.

۴ـانتظام با لحنی جدی و جدا از مهمل‌گویی گفت که وظیفهٔ عمده‌ای که در پیش دارد اقدام به مسافرت وسیع در اروپاست (از وی این‌طور استنباط شد که تمام اروپا را می‌گوید) تا با دو گروه مقدم ایرانی یعنی دانشجویان و صاحبان مهارت مثلاً ایرانیانی که مهارتهای مدیریت و تکنیکی دارند تماس حاصل کند، و آنها را از «واقعیات» و «حقیقت» انقلاب آگاه کند. او گفت که تعداد ایرانیان در اروپا، خصوصاً دانشجویان، بسیار بیشتر از آن چیزی است که آمار رسمی نشان می‌دهد زیرا در خلال رژیم شاه، اگر نگوییم اکثر، بسیاری از دانشجویان از آشکار ساختن خود به سفارتخانه‌ها خودداری می‌کردند. وی به عنوان اعتراض افزود که خیلی از دانشجویان ایرانی هم عوامل ساواک بوده‌اند. انتظام گفت جهت دستیابی به ایرانیان تلاش ریشه‌داری به وسیلهٔ گروههای مذاکره کننده، سمینارها و کنفرانسهای مطبوعاتی خواهد کرد. به هر حال وقتی که برمی‌گردند، دولت ایران قادر به تأمین کمکهای مالی آنها و یا وعدهٔ برنامه یا استخدام آنها نخواهد بود. او اعتقاد داشت که ایمان مذهبی و نوعی حس ناسیونالیسم و غرور باید باعث بازگشت آنها شود. او تعداد دانشجویان ایرانی سوئد را بین ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ نفر تخمین زد. این رقمی است که به میزان قابل ملاحظه‌ای بیشتر از آن است که قبلاً اظهار می‌شد. انتظام بین ایرانیان و دانشجویان ایرانی کرد الاصل تمایزی قائل نمی‌شد و صحبتی از ۲۰۰ تن از کردها که روز ۲۵ اوت در سفارتخانه‌اش تظاهرات کردند، نکرد و همچنین صحبتی از دانشجویان کرد که در سراسر این هفته با پیاده‌روی جلوی سفارت را به اشغال خود درآوردند، و به اعتراض به زد و خوردهای کردستان دست به اعتصاب غذا زده بودند به میان نیاورد.

۵ـانتظام گفت وی شخصاً مطمئن است که شورویها «غیر مستقیم» ـمستقیماً «هرگز» ـر شورش فعلی حزب دموکرات دست دارند، و فکر می‌کند ارتش به زودی آن را سرکوب خواهد کرد. او گفت که پیام اخیر خمینی که در آن مردم را به «مسلح شدن فرا خوانده» است عملی لازم و پر اهمیت بوده و کارایی آن با جواب تمام ایرانیان حقیقی ثابت شد. او گفت همان‌طوری که جریان وقایع آینده نشان خواهد داد، دولت

www.takbook.com



وی قادر به ریشه‌کنی فکر مارکسیست ـ لنینیستی و مائوئیستی می‌باشد. وقتی پرسیده شد که چه مدتی برای ثبات یافتن اوضاع لازم می‌باشد؟ او گفت بین شش ماه تا یک سال.

۶ـ انتظام گفت در عین حالی که نیازهای ایران عظیم می‌باشد ولی آنقدری که به قطعات یدکی مخصوصاً قطعات هلیکوپتر و هواپیما نیاز هست به اسلحه احتیاج نیست، او برآورد کرد که تقریباً ۱۰۰۰ هلیکوپتر به علت نگهداری نادرست و فراهم نبودن قطعات یدکی بر زمین هستند. او این نیاز مشخص را «حیاتی» خواند. وی توضیح داد که انبارهای قطعات یدکی هلیکوپتر و هواپیما مملو از تجهیزات پیشرفته هستند اما قطعات اصلی فلزی که مورد نیاز می‌باشند در قلت به سر می‌برند. او از سفیر پرسید که آیا کمک خواهد کرد تا این پیام به مقامات ایالات متحده برسد و سفیر اطمینان داد که توصیف وی از اوضاع به اطلاع واشنگتن خواهد رسید.

۷ـ انتظام و سفیر بر سر این موضوع توافق داشتند که اینک به تلاش وسیعی احتیاج هست تا هم ایرانیها و هم آمریکاییها از مسایل مورد نظر یکدیگر و وقایع ایران آگاه شوند. سفیر به انتظام اطمینان داد که مایل است با وی در تماس نزدیک باشد. انتظام اظهار تشکر کرد و گفت که وی تاکنون صحبتهای سودمندی با معاون هیئت رئیسه که قبلاً کاردار بود، داشته است و البته تمایل دارد که ارتباط نزدیک با کارمندان سفارت آمریکا را ادامه دهد.

۸ـ انتظام نارضایتی خود را از نحوهٔ برخورد وسایل ارتباط جمعی سوئد در رابطه با اوضاع ایران خصوصاً اوضاع کردها و تشریح آنها در مورد شخص خودش ابزار کرد. همان‌طوری که در تلکس مرجع آمده است مطبوعات سوئد به انتظام به عنوان نمایندهٔ جاهلیت خمینی که باعث سرکوب وحشیانهٔ کردها شده است شدیداً حمله کرده‌اند. انتظام گفت که از بیاناتی هم که نخست‌وزیر سوئد در مورد تلاش نظامی و سیاسی دولت ایران بر علیه کردها ایراد کرده است نامسرور است.

۹ـ انتظام روز ۴ سپتامبر برای چهار روز وارد کپنهاک می‌شود و طی آن استوارنامه‌های خود را تقدیم می‌کند. پس از آن به همان منظور سفر خود را به ترتیب به اسلو، هلسینکی و ریکیاویک ادامه می‌دهد.

۱۰ـ طی صحبت، انتظام بی‌نهایت مشتاق، بی‌آلایش، صمیمی و در عین حال موقعی که از وقایع جاری در ایران بحث می‌کرد خیلی جدی بود. وی ابزار امیدواری کرد که آمریکا دیگر هرگز به خود اجازه ندهد برای مدت طویلی مثل ۲۵ سال از حقیقت جدا افتد. او گفت آمریکا می‌توانست احساسات حقیقی مردم را بشناسد؛ ولی اشخاص معینی بین شما مایل نبودند که حقیقت را بشناسند.

۱۱ـ انتظام و همسرش، که دانشجوی سابق دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو است با اشتیاق دربارهٔ اقامتشان در کالیفرنیا صحبت کردند.

انور انتظام، زن ریز نقش و زیبایی است که صاحب استعداد طنز خوب و رفتار بی‌آلایش و مهرآمیز هم می‌باشد. وی انگلیسی را با لهجهٔ عامیانهٔ آمریکایی صحبت می‌کند و در لباس پوشیدن ذوق به کار می‌برد.

خانم و آقای انتظام سه فرزند ۹، ۷، ۲ ساله دارند.

**مینوت کندی ۳۶۳۸**

www.takbook.com



**شماره : ۱۹۶۴**

**از: سفارت آمریکا ـ استکهلم** **تاریخ: ۹ اکتبر ۷۹**

**به: وزارت امور خارجه ـ واشنگتن ـ فوری**

**بااطلاع: سفارت آمریکا ـ تهران ـ فوری**

**ارجاع به: (A) آمریکا ۲۵۸۴۱۵، (B) تهران ۱۰۴۶۸**

**موضوع: مذاکره با انتظام**

۱ـ (سرّی ـ تمام متن)

۲ـ وزیر مختار در ۵ اکتبر به امیرانتظام تلفن زد تا همان طور که تلکس مرجع پیشنهاد کرده بود تحولات اخیر ایران را مورد بحث قرار دهند. به هر حال انتظام به بحث در مورد تحولات خاصی از قبیل شخصیتهای جدید کابینه اظهار تمایل کرد ولی تمایلی به بحث در مورد روابط عمومی آمریکا و ایران نداشت. وی به تفصیل تأسف خود را از کوتاهی آمریکا در اتخاذ اقدامات عملی ابراز نمود. اقداماتی که بلافاصله باعث بهبود روابط دو جانبه شود و بازرگان و اطرافیان او مثل انتظام که علیرغم «امتناع آمریکا» هنوز با اصرار هرچه تمامتر طرفدار غرب هستند تقویت کند و به تدریج حرکات ضد آمریکایی آیت‌الله خمینی را «رهبری که شما (آمریکا) باید با او کنار بیایید» ملایم کند.

۳ـ از همان اوایل روشن بود که فکر و قلب او در جهت توصیف اعضای جدید کابینه نبود و نخواهد بود. در مجموع وی این واقعیت را بیان داشت که تغییرات کابینه تأثیر بسیار کمی بر مقاصد اقتصادی دولت تا تحولات ایران خواهد داشت. اگر تأثیری هم باشد، این خواهد بود که این شخصیتهای جدید باعث تقویت تصمیم به محو آثار گذشته و کار تبدیل ایران به یک جمهوری اسلامی حقیقی در چند سال آینده خواهد شد. چند عضو جدید مخصوصاً یدالله سحابی و پسرش عزت‌الله سحابی «خیلی مذهبی» هستند، و خوشبختانه کمک خواهند کرد تا تمایزات بین چهره‌های مذهبی و غیر مذهبی کمتر نمایان شود.

۴ـ انتظام به طور مختصر اسامی اعضای جدید کابینه را به شرح زیر بیان داشت:

... چمران ـ مهندس بسیار عالی، عمر خود را تماماً وقف انقلاب یا کار نموده است، رهبر جنبش مقاومت، ۱۵ سال در آمریکا گذرانده است، در لابراتوارهای بل روی طرحهای تحقیقاتی فضایی کار می‌کرد تا اینکه آمریکا وی را به جهت نظرات سیاسیش «بیرون انداخت». چمران یکی از بزرگترین رهبران انقلاب خواهد بود. علیرغم رفتار خشن آمریکا، چمران می‌خواهد با آمریکا رابطه داشته باشد. برای کشور حماقت است اگر چمران و نیازهای (دفاعی) ایران نادیده گرفته شود.

... فروهر ـ وکیل عالی، حدود ۵۰ ساله، رهبر حزب ملت ایران بود...

شهیدی چهل و اندی ساله، عضو حزب آزادی «مثل خودم» (احتمالاً اینجا اشارهٔ انتظام به نهضت آزادی ایران بود.)

...عزت‌الله سحابی ـ مهندس، فارغ‌التحصیل دانشگاه تهران، حدود ۵۲ ساله، عضو نهضت مقاومت با انتظام.

...بنی‌اسدی ـ اوایل دوره چهل سالگی، فارغ‌التحصیل یک کالج آمریکایی.

... حبیبی ـ عضو حزب آزادی، اقامت در فرانسه، حدود ۴۸ ساله.

...یدالله سحابی ـ حدود ۴۷ ساله، «خیلی مذهبی»، پدر عزت‌الله سحابی.

www.takbook.com



۵ـ دربارهٔ نزیه، انتظام گفت او جای «امنی» پنهان است. وکیل و مدیر عالی است ولی در انتقادات خود بصیرت ندارد. مدتی قبل، طی سخنرانی، نزیه با بیان چندین موضوع و ابزار خشم و ایجاد سوءظن نسبت به رشد آهستهٔ اقتصاد، سرانجام باعث اخراج شوم او از شرکت نفت شد. انتظام گفت او و دیگر دوستان نزیه «اعتقاد دارند که او می‌تواند نجات داده شود.»

۶ـ توجه انتظام هیچ‌گونه از موضوع روابط ایران و آمریکا پرت نشده. او یأس جدی را که خودش و دیگر ایرانیانی که در فرنگ تحصیل و مسافرت کرده‌اند، متحمل آنند را تشریح نمود. علت یأس کوتاهی آمریکا در نشان دادن آن علاماتی که حاکی از قبول انقلاب ایران و تمایل آمریکا به ارتباط با انقلاب بر اساس برابری و احترام می‌باشد.

انتظام گفت که آمریکا دقیقاً می‌داند که چگونه به نیازهای فعلی ایران پاسخ گوید... قطعات یدکی هواپیما، از بلوکه خارج نمودن وجوه ایران در آمریکا، مواد خام برای صنایع ایران، و غیره... در حالی که مقامات آمریکایی در تهران و واشنگتن الفاظ امیدوارکننده‌ای بر زبان می‌آورند از اتخاذ اقداماتی که پشتوانهٔ آنها عاجز شود، عاجزند. در بین آنها که آمریکا را بهتر از همه می‌شناسند این سوءظن رشد می‌کند که آمریکا در حال بازی یک سیاست انتظار است. انتظام گفت که اگر استراتژی همین است، شکست خواهد خورد. ایران به اندازه کافی مشکلات دارد و پنهان نمی‌شود که اختلافات جدی در مورد اینکه تا کجا و به چه سرعتی با انقلاب همراهی شود. اما همه بر این اتفاق نظر دارند که به «شاهی که شما حمایتش می‌کردید» یا هر شاه دیگری اجازه داده نخواهد شد که حکومت کند. آمریکا بهای زیادی برای این بازی سیاست انتظار خواهد پرداخت. انتظام نسبت به این توضیحات که قوانین و نه سیاست آمریکا باعث تأخیر ارسال چیزهایی مثل قطعات یدکی هلیکوپتر شده است اعتنایی نکرد. او گفت زمانی که شاه چیزی را می‌خواست، آمریکا با موفقیت راههایی برای تهیهٔ آنچه شاه می‌خواست پیدا می‌نمود. الآن آمریکا می‌تواند به آسانی ـ در یک لحظه ـ راههایی را برای کمک به تهران پیدا کند.

۷ـ انتظام به بدگمانی رهبران انقلاب نسبت به اتحاد جماهیر شوروی اشاره نمود. در عین‌حال سفیر شوروی فعالترین شخص در تهران است. روزانه از مؤسسات دولتی با پیشنهادات هر نوع کمک دیدن می‌کند. او مداوم پس زده می‌شود ولی دوباره پدیدار می‌شود تا دوباره کوشش کند. امیرانتظام گفت فعالیت شوروی مشخصاً مقابل موضع آمریکا، که به چشم خیلی از ایرانیانِ والامقام کاملاً انفعالی است، قرار دارد. وزیر مختار در جواب گفت که این اشتباه بزرگی است که حرف آمریکا را که واقعاً قصد برقراری روابط حسنه بر پایه احترام متقابل و منافع دارد باور نشود. پیشنهاد شد که انتظام می‌تواند بعداً که به تهران برمی‌گردد به لینگن، کاردار تلفن بزند و سیاست آمریکا را مورد بحث قرار دهند. انتظام گفت که چنین خواهد کرد و اشاره نمود که از ۹ تا ۱۷ اکتبر در تهران خواهد بود.

۸ـ انتظام ۶ اکتبر عازم پاریس شد. هدف عمده در آنجا برپا کردن یک «روزنامه ایرانی است که به آلمانی، فرانسه و انگلیسی چاپ می‌شود تا در سرتاسر اروپا منتشر شود.» او گفت این شبیه به فعالیتی است که هم اکنون در واشنگتن اجرا می‌شود ـ صدای ایران ـ و منظور از آن توضیح اهداف، روشها و سیاستها و مشکلات ایران می‌باشد.

۹ـ انتظام در ۱۸ اکتبر به استکهلم باز خواهد گشت و مدت کوتاهی پس از آن اعتبار نامه‌های خود را در اسلو و هلسینکی تسلیم خواهد نمود.

www.takbook.com



**سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران، ایران ۱۵ اکتبر، ۱۹۷۹**

**آقای سفیر عزیز**

وقتی، روز بعد صحبت کردیم شما از من یک ورقهٔ کاغذ که موقعیت انتقالات بخشهای اضافی را آن طور که ما در نظر داریم تشریح کند، درخواست نمودید. یک ورقهٔ کاغذ از این نوع ضمیمه است، امیدوارم مفید باشد.

من از فرصتی که برای گفتگوی بی‌پرده راجع به بعضی از مشکلات در روابط بین ایران و آمریکا دادید قدردانی می‌کنم. همانطور که وزیر در نیویورک به دکتر یزدی اشاره کرد، هدف ما این است که با دولت شما به طور صمیمانه کار کنیم تا یک رابطهٔ استوار بر واقعیتهای جدید در ایران را ایجاد نمایم.

**باگرمترین سلامها**

**دوستدار ـ ل. بروس لینگن**

**کاردار سفارت آمریکا در ایران**

ضمیمه دارد.

www.takbook.com



**شماره : ۱۰۹۷۷/۱**

**از: سفارت آمریکا در تهران** **محرمانه ۵۸/۷/۲۳**

**به: واشنگتن ـ فوری**

**رونوشت: سفارت آمریکا در استکهلم ۱۲۵**

**جناب آقای امیرانتظام سفیر وزارت امور خارجهٔ تهران ـ ایران**

**موضوع: مکالمه کاردار با سفیر امیرانتظام**

۱ـ کل متن محرمانه است.

۲ـ خلاصه: کاردار ۴ در تاریخ ۱۳ اکتبر با سفیر ایران در سوئد، انتظام، ملاقات کرده تا دربارهٔ روابط ایران و آمریکا با او بحث کند. در طول بحث امیرانتظام به سوءظن ایرانیان اشاره کرد که آمریکا یک «بازی انتظار» را در پیش گرفته است و امیدوار است که دولت جدید ایران سقوط کند. او خواست که ایالات متحده ابتکار پیشنهاد برای حل مشکلات حکومت فعلی ایران مثل قسمتهای یدکی پیچیده ارتشی و قراردادهای تجاری را به دست گیرد. انتظام پیشنهاد کرد که کاردار کلیهٔ تماسهای خود را با کلیهٔ مشاوران حکومت فعلی ایران و دیگران از طریق وزیر خارجه یزدی برقرار کند، تا او قادر باشد به شکل صحیحی مشاوران را روشن کند. کاردار با حالت اعتراض اشاره کرد که کلیهٔ تلفنهای بین سفارت و مشاوران حکومت فعلی ایران از طریق ادارهٔ تشریفات وزارت خارجه درخواست شده است. در پایان مکالمه امیرانتظام اشاره کرد که خمینی به ما اطمینان دارد (خودش، یزدی و بازرگان). اما اشاره کرد که این کمک بزرگی به این گروه است اگر آمریکا بتواند کمک کند تا آنها راه حلی برای مشکلات بین ایران و آمریکا پیدا کنند. (پایان خلاصه)

۳ـ کاردار از تاریخ ۱۳ اکتبر، ملاقاتی با امیرانتظام سفیر ایران در سوئد کرد که در ادارهٔ نخست‌وزیری بود (او به تازگی به اتاق هویدا نقل مکان کرده است) که این نشان می‌دهد که او به رابطهٔ نزدیکش با بازرگان ادامه می‌دهد. فضای مذاکره در ابتدا سرد بود ولی در انتهای مذاکره به گرمی گراییده بود. انتظام در میان نقطه نظر دولت فعلی ایران انعطاف‌پذیری از خودش نشان نداد و نمی‌توانست با دیدهٔ اغماض از این جرم آمریکا بگذرد که اگر آمریکا می‌خواهد روابطش را با ایران بهبود بخشد باید یک روش اصلاحی در پیش گیرد. انتظام صریحاً خودش را از یک گروه نخبهٔ مدرنیستها (بازرگان، یزدی، چمران) می‌داند که مورد اعتماد خمینی هستند و کسانی هستند که رابطهٔ ایران و آمریکا را حمایت می‌کنند و در برابر یک اکثریت محافظه‌کار.

۴ـ صدور تجهیزات نظامی: کاردار سر صحبت را با بیان قدردانی ما از صحبتهای مفید انتظام با سفارت آمریکا در استکهلم بازکرد. او اشاره کرد به اتفاقات اخیر در روابط ایران و آمریکا با تأکید بر اینکه آمریکا می‌خواهد روابطش را با ایران بهبود ببخشد و بازی انتظار که امیرانتظام با سفارت ما در استکهلم مطرح کرده بود نبوده است. کاردار سپس به مسئلهٔ تجهیزات نظامی پرداخت با اشاره به اینکه اگر چه دکتر یزدی در نیویورک ما را متهم کرده بود که تحویل تجهیزات را به تأخیر می‌اندازیم، ولی بیشتر تأخیر به خاطر آماده نبودن وسایل حمل و نقل ایران بوده است.

۵ـ انتظام بیان کرد که این برداشت او بود که یکی از مشکلات بزرگ حل نشده تحویل قطعات طبقه‌بندی شدهٔ نظامی به ایران بوده است. کاردار تشریح کرد که مسایلی در رابطه با مقررات ما وجود دارد

www.takbook.com



که دلیل بر این تأخیر باشد و همچنین ما احتیاج داریم که از امنیت این تجهیزات مطمئن شویم. او گفت که ما هنوز مشکلات بزرگی در دسترسی ساده به 14 - Fها داریم. لازم است که این مسایل به طور مجزا بررسی شود. انتظام گفت که به نظر می‌رسد که شما منتظر نتیجهٔ انقلاب هستید تا اینکه توطئه جدید بر علیه کشور مطرح کنید. انتظام گفت که او شخصاً درک می‌کند که این مسئلهٔ حقیقت ندارد، ولی این چیزی نیست که ملت ایران به طور کلی به آن اعتقاد دارند.

اگر آمریکا می‌خواهد ثابت کند که صداقت دارد، باید با پیشنهاداتی برای حل مشکلات اساسی پیش آید. دولت فعلی ایران فکر می‌کند که ایالات متحده در مورد قراردادهای نظامی دولت گذشته ایران را فریب داده است و اگر حالا دولت آمریکا در درخواستش برای بهبود در روابط صادق است باید این مشکلات را تصحیح کند.

۶ـ کاردار به خلاصهٔ اعمالی که تا به حال انجام شده در جهت حل مسئله تجهیزات FMS نظامی از قبیل سرمایه‌گذاری مطمئن، تبادل اطلاعات و چیزهای دیگر پرداخت. او گفت که می‌فهمد که بعضی از ایرانیها فکر می‌کنند که این تأخیرات از جهت حکومت آمریکا بوده است در حالی که در داخل خود آمریکا در بین مردم این انتقاد وجود دارد که هنگامی که جنگ در کردستان ادامه دارد دولت آمریکا به ایران قطعات یدکی می‌دهد.

۷ـ در این حال بارها مکالمه برمی‌گشت به مسئله تجهیزات FMS نظامی و هر وقت کاردار می‌خواست توضیح دهد که چه کارهایی در این مورد تا به حال انجام شده با این جواب انتظام رو به رو می‌شد که آمریکا باید خود را بیشتر مایل جلوه دهد. خصوصاً او درخواست نامه‌ای را می‌کرد که در آن مشخص شود که در چه مواردی دولت ایران خودش باعث تأخیر در دریافت این تجهیزات شده است. (سفارت مشغول تهیهٔ خلاصه‌ای از این است) و درخواست کرد که آمریکا پیشنهاداتی در جهت رفع دیگر مشکلات نیز تهیه کند (به نفع دولت ایران). او چندین مرتبه درخواست کرد که جلسه‌ای برای ملاقات با طرفهای آمریکایی بعد از اینکه آنها پیشنهادات خود را تهیه کردند برگزار شود. اگرچه امیرانتظام نامه‌ای در جهت حل مسئله قطعات یدکی طبقه‌بندی شده می‌خواست کاردار تشریح کرد که مسایل باید به طور جداگانه‌ای هر کدام بررسی شوند. در چندین جا امیرانتظام توضیح داد که روسها خیلی آماده برای همکاری بودند و با پیشنهادهای تازه به طور مداوم می‌آمدند در حالی که آمریکاییها هیچ پیشنهادی نداده بودند.

۸ـ امور اقتصادی: در طول مکالمه امیرانتظام همان مطلب را نیز در مورد مسایل اقتصادی همانند معاملات نظامی بیان کرد. حکومت ایالات متحده می‌تواند خیلی بیشتر از آن چیزی که فعلاً انجام می‌دهد در جهت کمک به حکومت فعلی ایران در حل مسایل اقتصادی دادگاهی انجام دهد، امیرانتظام گفت که ما هر روز میلیونها دلار برای این قراردادها ضرر می‌دهیم در حالی که حکومت آمریکا خیلی به کندی با ما پیش می‌آید. کاردار گفت که او نمی‌تواند این طرز بیان را بپذیرد. کاردار محدودیتهای ما را در انجام آنچه که از نظر قضایی از دست ما برمی‌آید (تحت نظام قضایی خودمان) توضیح داد و شرح مختصری از کارهایی که تا حال شده بود داد.

۹ـ مدارک و اسناد تماسهای رسمی: در طول صحبت کاردار، زمینه‌های صحبتش با صباغیان در مورد اعدام سه سناتور را برای انتظام توضیح داد. او گفت که صحبت با صباغیان سودمند و جالب بوده است. همچنین او گفت که ما متأسفیم که این مسئله برای عموم عنوان شده است. انتظام تکرار کرد که امیدوار

www.takbook.com



است در آینده کاردار چنین تماسهای اساسی را به یزدی و بازرگان و چمران محدود کند. اگر او بخواهد دیگر مقامات رسمی حکومت فعلی ایران را ببیند، باید ابتدا مستقیماً با یزدی مطالبش را مطرح کند. انتظام گفت که ما در اقلیت هستیم. اکثر رهبران دیگر حکومت فعلی ایران در واقع درک نمی‌کنند که چه موازنهٔ حساسی را ایران باید بین آمریکا و شوروی حفظ کند. آنها ممکن است آنچه را که در ملاقات می‌گذرد بیشتر از حد خود جلوه دهند و مردم را از آن مطلع کنند. مسئله صباغیان، اگر با یزدی یا انتظام از ابتدا مشورت می‌شد، این به آنها فرصتی می‌داد تا مقامات رسمی مورد نظر را توجیه کند. او و یزدی نمی‌خواهند روابط کاردار را با مردم قطع کنند بلکه می‌خواهند مطمئن بشوند که مشکلی رخ نمی‌دهد. کاردار به طور مؤدبانه‌ای اعتراض کرد که کلیهٔ قرار ملاقاتهای او از طریق ادارهٔ تشریفات وزارت امور خارجه است. او اشاره کرد که سفارت معتقد است که باید تماسهای بیشتری با ایرانیان خصوصاً «رهبران اسلامی داشته باشند. امیرانتظام موافق بود ولی پیشنهاد کرد، کاردار چنین مطالب مهمی را در این جلسات مطرح نکند.» اگر شما چنین عمیق وارد مسایل بشوید، نتیجتاً همه چیز نابود خواهد شد. مثل سفیر شوروی باشید او هرگز نقطه نظری را پیشنهاد نمی‌کند. در حقیقت او حتی وقتی که یزدی و امام به دولتش حمله می‌کنند چیزی نمی‌گوید. او چنین بیاناتی را فراموش می‌کند (به نظر می‌رسید انتظام کلیهٔ رهبران حکومت فعلی را بجز احتمالاً چمران در لیستی می‌بیند که باید توسط یزدی چک شود).

۱۰ـ حمله مطبوعات به ایالات متحده: به منظور مقابله با تأکید انتظام در این مورد که حکومت ایالات متحده سعی کافی در جهت حل مشکلات روابط ایران و آمریکا انجام نداده است. کاردار زمینه‌هایی را مطرح کرد که دولت ایران کاری برای کمک انجام نداده بود. مانند دستیابی به اموال آمریکا (نظامی)، پرداخت غرامت به سفارت در جهت ترمیم خسارات وارده بعد از اشغال آن (اشاره به حمله به سفارت بعد از انقلاب)، زندانی کردن اتباع آمریکایی بدون جرم، اخراج روزنامه‌نگار ما و مشکلات ما با پاسداران در داخل سفارت هنگامی که ما سعی می‌کنیم مفید باشیم، مانند تأمین نفت سوختی ما، خودمان را مورد انتقاد قرار می‌دهند. حکومت فعلی ایران ظاهراً تشخیص نمی‌دهد. که این‌طور مسایل همراه با فقدان عملکرد صحیح در سیستم دادگاهی چه تأثیرات جدی روی افکار عمومی آمریکا می‌گذارد. مسئله با یک سری حملات مداوم و بی‌پایه در نشریات تهران که نیمه دولتی هستند، تشدید می‌شود. این اتهام که سه سفیر قبلی CIA سیا همدست شده بودند و بر علیه انقلاب توطئه چینی می‌کردند و می‌خواستند انقلاب را سرکوب کنند مثال خوبی برای این جریان است.

۱۱ـ انتظام بیان کرد که دولت فعلی ایران چنین چیزی را مطرح نکرده است. این کار مطبوعات بوده است. کاردار مطرح کرد که معاون نخست‌وزیر، طباطبائی، جملات عرفات را در این مورد تکرار کرد. به نظر می‌رسید که امیرانتظام به خوبی خجالت کشید و گفت: ولی ما قبلاً این جریان را اصلاح کرده‌ایم. آیا شما این مسئله را در روزنامه‌های امروز ندیدید؟ انتظام ادامه داد که در صحبت با بازرگان و طباطبایی این توافق به دست آمده بود که یک مقاله در جهت پس گرفتن این حرف ابتدا در خبرگزاری پارس و سپس توسط کلیه نشریات ایرانی پخش شود (نکته: تابه حال هیچ مقاله‌ای در جهت پس گرفتن این حرف در هیچ‌یک از نشریات چاپ نشده).

۱۲ـ دانشجویان: انتظام گفت که حدود ۳۲۰۰ دانشجوی ایرانی در سوئد و ۳۰ تا ۴۰ هزار در اروپا هستند. او نگران که به این مسئله بود که دانشجویان در سوئد فقط زبان سوئدی را فرا می‌گیرند به جای

www.takbook.com



فراگیری یک زبان بین‌المللی و او معتقد بود که آنها باید زبان بین‌المللی را فراگیرند. کاردار تکرار کرد که سفارت ایالات متحده در بخش کنسولگری امکانات خود را محدود کرده و شرایط نمره روی اعتبار مدارس تأکید کرد: ما امیدواریم که حکومت فعلی ایران درک کند که چرا درصد رد ویزای دانشجویی اینقدر زیاد است. ما سعی می‌کنیم که مطمئن بشویم که فقط دانشجویان با کیفیت لایق به ایالات متحده پذیرفته شوند. انتظام گفت که او مسئله را درک می‌کند و در حقیقت در خارج سعی می‌کنند به دانشجویان بفهمانند برای همیشه نمی‌توانند دانشجو بمانند.

۱۳ـ در انتهای مکالمه کاردار دوباره بیان کرد که امیدوار است انتظام دولت فعلی ایران را متقاعد سازد که حکومت ایالات متحده در فکر حل مشکلات در روابط دو کشور هست. ما امیدواریم که انتظام بتواند کاری کند که تبلیغات ضد آمریکایی در نشریات ایرانی کاهش یابد. انتظام تکرار کرد که او صادقانه فکر می‌کند که رابطهٔ بین ایران و آمریکا باید بهبود یابد و دوباره درخواست کرد که ایالات متحده سعی کند هرچه زودتر راه‌حلهایی برای مشکلات متقابل دو کشور پیدا کند. در جواب یک سؤال کاردار انتظام گفت که خمینی به آمریکا اطمینان ندارد. او به بازرگان و یزدی و انتظام اطمینان دارد. به این دلیل است که ما اینجا هستیم. انتظام گفت که اگر بتواند در حل مشکلات آمریکا در ایران موفق شود، این موضوع آنها را قوی خواهد کرد. انتظام اشاره کرد که کاردار باید از یزدی بخواهد یک قرار ملاقات از خمینی برای او ترتیب دهد.

www.takbook.com



**از: سفارت آمریکا در تهران تهران ۱۱۰۸۹** **محرمانه**
**به: وزیر امور خارجهٔ آمریکا** **۵۸/۷/۲۶**

**موضوع: یزدی و انتظام ـ ملاقات اطلاعاتی**

۱ـ تمام متن محرمانه است.

۲ـ بعد از ظهر ۱۵ اکتبر کاردار به همراه R. SMITH و G. CAVE برای دو ساعت با وزیر خارجه یزدی و سفیر ایران در سوئد، عباس امیرانتظام ملاقات کردند. دکتر چمران هم قرار بود بیاید. وی در کردستان بوده است.

۳ـ کاردار مقدمتاً توجه یزدی را به تفسیر تندی که در تاریخ ۱۵ اکتبر از رادیو پخش شده بود جلب نمود. یزدی موافقت کرد به مقاله نظری بیندازد و برخورد با مطبوعات مسئلهٔ اصلی در طی ملاقات بود. یزدی اصرار داشت که توطئه‌ای از طرف مطبوعات آمریکا بر علیه (انقلاب) ایران تدارک دیده شده و گفت موقعی که نیویورک بوده عدهٔ زیادی از نمایندگان وسایل ارتباط جمعی آمریکا با وی ملاقات کردند. وی نگفت چه کسانی و در کجا و کی ملاقات داشتند. ما اثری از گزارش مطبوعاتی در مورد چنین ملاقاتی در موقع اقامت او در نیویورک پیدا نکردیم.

۴ـ یزدی پرسید که چه عکس‌العملی از طرف دولت آمریکا نسبت به ملاقاتهای وی با سایروس ونس و مقامات برجستهٔ آمریکایی مشاهده شده؟ به یزدی گفته شد که از نظر مقامات آمریکایی ملاقات خوب نبوده. ما توقع داشتیم که ملاقات با وزیر خارجهٔ آمریکا پایهٔ بهبود روابط ایران و آمریکا را بریزد. اما مواضعی که یزدی اتخاذ کرده به ما نشان داد که هر بهبودی در روابط دوجانبهٔ ایران و آمریکا یک مرحله از آنچه پیش‌بینی می‌کردیم کندتر خواهد بود. مسایل از واقعیات خود بزرگتر تصور شده بودند. در این ملاقات یزدی از ملاقاتهای اخیر آرامتر به نظر می‌رسید.

۵ـ در زمانی که گفتگو برای حل مشکلات قطعات یدکی و وسایل نظامی جریان داشت وی (یزدی) تصدیق کرد که بعضی از این مشکلات به علت عدم هماهنگی مؤثر از طرف دولت ایران بوده اما او مؤکداً اظهار کرد که عملاً در جستجوی شواهدی از حسن نیت آمریکا در جهت حل مشکلات می‌باشد. او از شنیدن مشکلات در منطقهٔ امنیتی MOV خیلی ناراحت شد. وی گفت که نه سفارت و نه وزارت دفاع به وی در این رابطه حرفی نزده است. کاردار بر آمادگی دولت ایالات متحده در جهت حل مشکلات تأکید کرد. یزدی خاطرنشان کرد که مایل می‌باشد توسط گروه سه طرفه‌ای از سفارت، وزیر خارجه MFA و MONO وزارت دفاع، یک هیئت فعالی برای مقابله با مشکلات تشکیل گردد.

۶ـ هم امیرانتظام و هم یزدی به نظر می‌رسیدند که از ملاقات با SMITH و CAVE راضی بودند. یزدی مخصوصاً نسبت به خلاصه‌ای که در مورد مسایل انرژی آمریکا بوده خیلی علاقه‌مند بود ولی از تأثیری که فسخ کردن قرارداد گاز شوروی بر روی برنامه‌های انرژی شوروی می‌گذارد بی‌خبر بود. او گفت ایرانیان می‌کوشند که قیمت نفت گاز را از ۷۲ سنت در هزار فوت مکعب بالاتر ببرند. او همچنین از اتفاقات سیاسی که به خاطر اینکه شوروی بین ۸۳ ـ ۸۱ وارد کنندهٔ نفت خواهد شد ممکن بود صورت گیرد، نگران بود و می‌پرسید منتظر چه جور فشارهایی باید باشد؟ او اشاره کرد که نظرات شوروی اخیراً خیلی دوستانه بوده.

۷ـ در مورد اینکه روسها وقتی که با نیاز وارد کردن نفت رو به رو می‌شوند ممکن است چه کار کنند، موضعی که از طرف آمریکا گرفته شد این بود که اساساً ما علاقه‌مند به بیان اطلاعات و واقعیات هستیم.

www.takbook.com



ایرانیان خودشان باید نتیجه‌گیری بکنند. ما به یزدی خاطرنشان ساختیم که برای روسها خیلی مشکل خواهد بود که پول نفت را در ارز قوی بدهند، چون این جلوی پیشرفت اقتصادی را می‌گیرد. در حال حاضر ۴۰٪ از درآمد تبادلات ارزی شوروی از نفت می‌آید و نتیجتاً از دست دادن چنین درآمدی ضربهٔ سهمگینی به برنامه‌های اقتصادی آنها خواهد بود. مسئله‌ای که این موضوع را حاد می‌کند این است که این ضربه نسبتاً زود می‌آید. اول ما فکر می‌کنیم روسها سعی خواهند کرد که نفت را در شرایط سهلی بخرند و احتمالاً روی ایران فشار خواهند گذاشت تا با چنین قراردادی موافقت کند. یزدی فکر می‌کرد که این خیلی بعید است که ایران با چنین برنامه‌ای موافقت کند.

۸ـ طی بحث نفت، موضوع رئیس قبل شرکت نفت حسن نزیه، توسط کاردار پیش کشیده شد. یزدی توضیح داد که نزیه خطای مهمی کرده که با ایدئولوژی اسلامی انقلابی درافتاده است. آن طور که یزدی بیان کرد این یک اشتباه نابخشودنی از طرف نزیه بوده. یزدی سعی کرد وضع نزیه و آندرو یانگ در آمریکا را با هم تشبیه کند. کاردار جواب داد که چنین تشابهی خیلی غلط است. وقتی از محل نزیه پرسیده شد یزدی جواب داد که او زنده است و در تهران می‌باشد.

۹ـ مقدار زیادی از گفتگو به کردستان اختصاص داده شد. یزدی قانع شده بود که یک پشتیبانی قوی خارجی برای آشوب کردها وجود دارد. او وضع آنجا را وخیم توصیف کرد. دولت ایران اطلاعاتی داشته که به نظرشان قابل اعتماد بوده مبنی بر اینکه، آمریکا و اسرائیل هم با عراق در اخلال همدست بوده‌اند. کاردار سعی زیادی کرد که نشان دهد، آمریکا منافع خیلی کمی در کمک به شورشیان کرد دارد. نظر آمریکا در ثبات و تمامیت ایران است. علاقهٔ عمدهٔ آمریکا در ایران این است که نفت جریان داشته باشد. هر وضعی در ایران که این جریان را تهدید کند، به ضرر منافع و علایق آمریکا خواهد بود.

۱۰ـ ما سعی کردیم که مسخرگی مسئله دخالت اسرائیل با عراق را در نظر بگیریم. نوع حمایتی که کردها لازم داشتند، به دخالت اسرائیل احتیاجی نداشت. تازه عراق نمی‌توانست احتمال افشای همکاریش با اسرائیل را تحمل کند. یزدی به نظر می‌رسید فکر می‌کرد که عراق از طرف خودش از کردها حمایت نمی‌کند. ما توضیح دادیم که شاید عراق از نفوذ ملی‌گرایی شیعه نگران شده، و برای ضعیف کردن دولت ایران تصمیم به تقویت کردها گرفته. یزدی گفت که اطمینان کافی به صدام حسین در مورد اکثریت شیعه در عراق داده شده. یزدی گفت که اگر دخالت عراق ادامه پیدا کرد، ایران مسئله ایجاد تحرک میان جامعهٔ شیعهٔ عراقی را بررسی خواهد نمود.

۱۱ـ اینها و نظرات دیگر یزدی نشانگر مقدار زیادی خیالات واهی در مورد سیاست آمریکا نسبت به ایران می‌باشد. او گمان می‌کرد که گروهی داخل دولت آمریکا (احتمالاً سیا CIA) در فعالیتهایی دست دارند، مبنی بر برانداختن دولت ایران و این بدون اطلاع مقامهای ارشد آمریکا صورت گرفته. CIA سیا چنین کارهایی را در گذشته هم کرده است.

www.takbook.com



**شماره : ۱۱۵۱**

**از: سفارت آمریکا ـ تهران** **۱۳۵۸/۷/۳۰ ـ ۲۲ اکتبر ۷۹**

**به: وزارت خارجه ـ واشنگتن دی. سی. فوری**

**طبقه‌بندی: سرّی برای نیوسام معاون وزیر** **انتشار ممنوع ـ چروکی**

**ارجاع به: تهران ۱۱۳۳**

**موضوع: بازدید جرج کیو از تهران**

۱ـ (سرّی ـ تمام متن)

۲ـ همان طوری که تلکس مرجع آشکار می‌کند، انتظام بین گروهی بود که من در مورد بیماری شاه برایشان توضیح دادم و تصمیم به سفر به آمریکا داشت. انتظام مانند هر کس دیگری از دولت موقت، نیاز به کنترل عکس‌العملی سیاسی را درک می‌کند.

۳ـ چون زمانی که ما دیروز توضیحات خود را ارائه دادیم جرج کیو تهران را ترک کرده بود من این طور فرض می‌کنم که او باز نخواهد گشت و نیازی به بازگشتن وی نیست. اینک من اطلاع دارم که دفتر نمایندگی به وی دستور داده است که از پاریس بازگردد و وی فردا صبح وارد خواهد شد. من به فرض اینکه وی دستوراتی دارد که مورد تأیید شماست و باعث باز شدن دست ما در اینجا می‌شود در این رابطه هیچ‌گونه مشکلی ندارم.

به هر حال من مایلم که بگویم که از لحاظ صرفهٔ خودمان و در رابطه با روابطمان با انتظام (که اکنون سفر خود را به استکهلم تا آخر این هفته به تعویق انداخته است) حضور او ضروری به نظر نمی‌رسد.

www.takbook.com



**از: سفارت آمریکا در الجزیره** **سرّی: تهران ۳۰۲۵**

**به: وزیر امور خارجه در واشنگتن و سفارتهای آمریکا در مادرید، موترویا، پاریس، تهران، رباط، تریپولی، تاریخ ۵۸/۸/۸**

**موضوع: جشن بیست و پنجمین سالگرد انقلاب الجزیره.**

۱ـ تمام متن سرّی است.

۲ـ با توجه به زمان‌بندی ملاقات بین دکتر برژینسکی و بن جدید، رئیس جمهور حکومت الجزایر و با وزیر امور خارجه، بن یحیی، به امکان تماس و ملاقات دکتر برژینسکی با رئیس هیئت کشورهای ذیل که در جشن شرکت می‌کنند، بستگی دارد:

اسپانیا: سفیر اسپانیا در الجزیره و مقامات دیگری از آن کشور از دکتر برژینسکی درخواست ملاقات کرده‌اند.

فرانسه: سفیر فرانسه در اسپانیا درخواست ملاقات یکی از وزراء را کرده است.

لیبی: اگر قذافی به الجزیره برود، سفیر لیبی در الجزایر تمایل محتاطانهٔ خود را برای تهیهٔ مقدمات ملاقات قذافی با دکتر برژینسکی نشان داده است.

ایران: کاردار ایران در الجزیره امروز به من اطلاع داد که با تهران تماس خواهد گرفت تا امکان تمایل بازرگان یا یکی دیگر از هیئت دولت ایران را برای ملاقات با دکتر برژینسکی یا مقامات دیگر آمریکایی که از الجزیره دیدن می‌کنند، سؤال کند.

مسایل ذکر شده نشان دهنده قسمتی از تمام موضوعات در ارتباط با سیاست خارجی ما که هم اکنون در الجزایر اجرا می‌شود می‌باشد. (مقامات دولت الجزایر، دیپلماتها و خبرگزاریها) در حقیقت دولت آمریکا زمینهٔ یک هیئت نمایندگی پرقدرت را ریخته که مهرهٔ اصلی آن دکتر برژینسکی است. شانس دکتر برژینسکی برای تماسهای مؤثر با دیگران در الجزایر، فراوان می‌باشد. هم هیئت‌های نمایندگی و هم دیگران واقفند که دکتر برژینسکی عامل تهیه کنندهٔ اسلحه برای مراکش شناخته شده است.

**هیتز**

www.takbook.com



**قسمت دوم**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

اسنادی که در این بخش از کتاب ارائه می‌شوند، اسناد سازمان جاسوسی سیا می‌باشد. همان طور که خود ملاحظه خواهید کرد این اسناد از نظر شکل ظاهری و نوع مطالب با اسناد وزارت امور خارجه تفاوت دارند. اینک برای آشنایی بیشتر ابتدا فرم اسناد توضیح داده می‌شود.

فرم اسنادی که در این بخش خواهد آمد بر دو قسم است:

الف ـ اسناد تلگرافی: فرم این اسناد مطابق نمونه زیر است:

**سرّی ۲۵ مهر اعضاء سیا**
**از: تهران ۵۴۵۲۲**
**به: رئیس**
**موضوع.**

اسناد شمار (۱)، (۲)، (۳)، (۴)، (۵)، (۸)، (۹)، (۱۰)، (۱۱)، و ... از این نوع می‌باشند.

ب ـ گزارشات: فرم این اسناد مطابق نمونه زیر است:

**طبقه‌بندی گزارش سرّی.....**
**موضوع:.....**
**منبع:.....**

اسناد (۶) و (۷) از این نوع می‌باشند. این گزارشات همواره دارای ضمیمه‌ای هستند که در این ضمیمه اسم رمز منبع مذکور است.

**********

حال توضیحات و تذکرات زیر را در مورد اسناد به عرض می‌رسانیم:

۱ـ اسم رمز منابع: سیا برای محافظت منابع و عدم شناسایی هویت واقعی آنها در اسناد خود برای هر منبع اسم رمزی را انتخاب کرده است. این اسامی از سه قسمت تشکیل یافته است.

الف ـ دو حرف اول مشخص کنندهٔ کشوری است که منبع در رابطه با مسایل آن کشور فعال است. به طور مثال این دو حرف برای ایران می‌باشد که به س. د. ترجمه شده است.

ب ـ بعد از این دو حرف خود اسم رمز می‌آید که ممکن است دارای معنی یا بی‌معنی باشد. در ترجمه چنانچه اسم رمز با معنی باشد معادل فارسی آن و الا تلفظ انگلیسی آن به کار رفته است.

ج ـ بعد از اسم رمز شماره‌ای به کار رفته است که بعد از علامت قرار دارد. این شماره اکثراً یک می‌باشد. مانند SDTRAMP/1 که ترجمه‌اش می‌شود س. د. صدای پا ـ ۱ و یا اسم رمزی که در این اسناد می‌باشد SDPLOD/1، س. د. آهسته‌رو ـ ۱ این اسم رمز متعلق به عباس امیرانتظام است.

۲ـ اسم رمز مأمورین و کارمندان سیا: کلیه مأمورین سیا دارای یک اسم رمز و یک شماره رمز می‌باشند. که در اسناد از این اسم یا شمارهٔ رمز استفاده می‌شود. همچنین جعل پاسپورتهای تقلبی برای

www.takbook.com



مأمورین یا جاسوسانشان هم امری عادی است. به طور مثال اسم رمز آقای جرج کیو یکی از مأموران سیا آدلیسک می‌باشد، که در این اسناد برای ملاقات با امیرانتظام به تهران و استکهلم مسافرت می‌نماید.

۳ـ تلگرافات ضمیمه: برای رعایت امنیت بیشتر سیا هیچ‌گاه اسم حقیقی، محل سکونت، شماره تلفن یا مشخصات دیگری را که باعث شناسایی منابع می‌شود در یک سند همراه اسم رمز آنها نمی‌آورد. در این موارد این گونه مشخصات حساس در سند دیگری همراه با سند اولی ارسال می‌شود و به سند اولی رجوع داده می‌شود. مثلاً در مورد سند دوم شماره تلفن در تلگراف ضمیمه ارسال می‌شود.

۴ـ نوار ماشین تایپ: بعضی اسناد این بخش از کتاب از روی نوار ماشین تایپ پیاده شده‌اند که در پاورقی ذکر می‌شود. لازم به تذکر است که بعد از تایپ شدن هر سند و تصحیح نهایی آن گزارش به اتاق مخابرات می‌رود و در آنجا شماره می‌خورد. بنابراین گزارشاتی که از روی نوار پیاده شده‌اند دارای شماره نمی‌باشند، مگر در مواردی که بنابر قرائنی شماره سند را تشخیص داده باشیم مانند اسناد شماره (۶) و (۷).

۵ـ ترتیب اسناد: اسنادی که ارائه می‌شوند به ترتیب تاریخ مرتب شده‌اند و هرجا که سندی مربوط به اسناد دیگر بوده است در پاورقی توضیح داده شده است.

۶ـ پاورقیها: هرجا که در متن سند مطالب مبهمی باشد یا یک سند احتیاج به توضیحات دیگری باشد این‌گونه توضیحات به صورت پاورقی پایین هر صفحه ذکر شده‌اند.

والسلام

www.takbook.com



**سند شماره ۱**

**از: استکهلم ۲۶۲۸۶ سرّی ۱۳ مهر ۵۸ اعضاء سیا**

**به: رئیس با حق تقدم، رونوشت تهران با حق تقدم**

**اخطار جاسوسی پخش محدود.... اداره خاور نزدیک اقدام نماید س. د. آهسته رو**

**مرجع: رئیس ۵۲۵۳۸۱**

۱ـ در ۱۳ مهر، اسناد اسبکس و توضیحات مرجع رد شد. س. د. آهسته‌رو ـ ۱ قصد دارد تا ۲۵ مهر در تهران بماند، بعد به استکهلم بر خواهد گشت تا استوارنامه‌اش را در اسلو و هلسینکی ارائه نماید. بین سی تا چهل روز پس از آن جهت انتخابات و تشکیل دولت جدید به تهران باز خواهد گشت. او مطمئن نیست که چه مدت در استکهلم مأموریت خواهد داشت و اضافه کرد که او در این مورد بی‌تفاوت است زیرا او «فقط یک سرباز» در خدمت دولتش است.

۲ـ س. د. آهسته‌رو ـ ۱ بلافاصله از فرصت استفاده نمود و موضوع نارضایتی از روابط بین دولت آمریکا و ایران را مطرح کرد. دولت جدید حدود ۸ ـ ۹ ماه است که بر سر قدرت بوده و ایالات متحده هیچ‌گونه ابتکاری در حل مسایل دوجانبه از خود نشان نداده است. اگرچه، بنا به گفته س. د. آهسته‌رو ـ ۱ ما این مسایل را می‌دانیم و راه‌حلش را نیز داریم. این موضوع ایرانیان را با این تصور باقی گذاشته که ایالات متحده دارد بازی می‌دهد و منتظر است ببیند، در آینده چه می‌شود، با این هدف که در آینده در امور داخلی ایران دخالت کند. با درنظر گرفتن گذشته، این به ما بستگی دارد که پیشنهاداتی بکنیم و اکثر «از خود گذشتگی» را ما باید بنماییم. س. د. آهسته‌رو ـ ۱ گفت «آنها» روسها را دوست ندارند، اما سفیر روسیه ۱۰۰ بار به دیدن دولت موقت آمده است و ۱۰۰ بار هم بیرونش انداخته‌اند. اما او برای دادن کمک و راه‌حلها پافشاری دارد. سؤال شد که او به چه «مسایلی» اشاره داشت. س. د. آهسته‌رو ـ ۱ فقط به وسایل یدکی و پولهای بلوکه شده اشاره کرد.

۳ـ من دیگر هیچ‌گونه نظریه‌ای در خلال این گفتگو یکجانبه که خیلی مؤدبانه و قاطعانه ارائه شد ندادم. بجز البته نفی اینکه ایالات متحده قصد هیچ‌گونه دخالتی در مسایل ایرانیان را دارد. س. د. آهسته‌رو ـ ۱ گفت که این ممکن است که راست باشد اما نبودن پیشقدمی از طرف آمریکا با بهره‌گیری از وضعیت گذشته و حال رژیم، به اضافه اظهارات اخیر کاردار در تهران در مورد دستگیریهای مجدد و اعدامها، دولت ایران را در این توهم باقی گذاشته است. س. د. آهسته‌رو ـ ۱ بارها گفت که او صادقانه صحبت می‌کند و می‌خواهد که من این اظهارات را به دولت ایالات متحده منعکس نمایم.

۴ـ بنا به دستورات وزارت امور خارجه کاردار، ساعت ۱۴ امروز (۱۳ مهر) با س. د. آهسته‌رو ـ ۱ قرار ملاقات دارد. قبل از اینکه کاردار برای ملاقات برود دربارهٔ آنچه که در بالا آمده است توجیه خواهد شد تا از بی‌ارتباطی و عدم رد کردن اطلاعات اجتناب شود.

۵ـ پرونده ۹۶۲۰۵ ـ ۲۰۱، تا تاریخ ۱۳ مهر ۷۸ در بایگانی نگهداری شود.

**طبقه‌بندی طبق د. ۹.ث.۱**

www.takbook.com



## سند شماره ۲

**از: تهران[1] سرّی ۱۹ مهرماه ۱۳۵۸ اعضاء سیا.**

**به: رئیس با حق تقدم**

**اخطار جاسوسی پخش محدود[2] س. د. آهسته‌رو ـ ۱[3]**

**مرجع رئیس ۵۲۷۷۱۵**

۱ـ س. د. آهسته‌رو ـ ۱ به کاردار گفت که به خاطر دلایل امنیتی شب را در محلهای مختلف می‌گذراند. او گفت که معمولاً تا ساعت ۱۹ در (محل مذکور در گزارش بعدی)[4] می‌توان با او تماس گرفت.

۲ـ آدلسیک[5] و مأمور توجیه ملاقاتی خواهند داشت. چنانچه در فرودگاه مشکلی پیش آید آقای آدلسیک باید با سفارت تماس بگیرد. ترجیحاً قبل از تماس با س. د. آهسته‌رو ـ ۱. شماره‌ها عبارتند از ۸۱۰۰۹۱، ۸۲۵۰۹۱، ۸۲۹۰۵۱ و شمارهٔ داخلی کاردار در ساعات اداری ۱۶۰۰ و یا ۱۶۰۲ و شماره گارد محافظت ۱۲۱۴ می‌باشد.

۳ـ لطفاً مسیر را اطلاع دهید.

۴ـ بدون پرونده ـ تا ۱۹ مهرماه ۱۳۷۸[6] در بایگانی نگهداری شود. طبقه‌بندی د. ۹. ث. ۱.

سرّی ـ پگویین ـ تماماً سرّی

## ضمیمه سند شماره ۲

**از تهران[7].....** **سرّی: ۱۳۵۸ اعضاء سیا**

**به: رئیس فوری**

**اخطار جاسوسی پخش محدود.[8] س. د. آهسته‌رو**

**مرجع: تهران**

۱ـ مشخصات: ۸۵ ـ ۶۸ ـ ۶۶ تکرار می‌شود ۹۶۶۶۸۸۵

۲ـ بدون پرونده ـ تا تاریخ ۱۹ مهرماه ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه‌بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی

سرّی
پگویین

---

۱ـ این سند از اسنادی است که از روی نوار ماشین تایپ شده و بنابراین شماره ندارد.

۲ـ در متن سند کلمه FGI آورده شده که متأسفانه نتوانستیم معنای آن را بفهمیم.

۳ـ س. د. آهسته‌رو ـ ۱ اسم رمز عباس امیرانتظام می‌باشد.

۴ـ همان گونه که قبلاً متذکر شدیم اسامی و یا شماره تلفن یا آدرس در خود تلگراف نمی‌آید بلکه در تلگراف ضمیمه می‌آید و در اینجا هم از گفتن شماره تلفن محل خودداری شده است.

۵ـ آدلسیک اسم رمز یکی از مأمورین سیا به نام جورج کیو می‌باشد.

۶ـ اسناد سیا تا بیست سال در بایگانی نگه داشته می‌شوند بعد از بیست سال مورد ارزیابی مجدد قرار می‌گیرند. اگر لازم تشخیص شدند در بایگانی می‌مانند و الا نابود می‌شوند.

۷ـ این سند هم از روی نوار ماشین تایپ پیاده شده و ضمیمه گزارش قبلی می‌باشد.

۸ـ در این سند هم کلمهٔ FGI آورده شده است.

۹ـ اطلاعات حساس مانند شماره تلفن و آدرسها به خاطر جلوگیری از اشتباه تکرار می‌شوند.

www.takbook.com



## سند شماره ۳

**از: تهران ۵۴۵۰۲** **سرّی ۲۵ مهرماه ۵۸ اعضاء سیا**

**به: رئیس با حق تقدم**

**اخطار جاسوسی پخش محدود س. د. آهسته‌رو**

۱ـ در بعد از ظهر ۲۴ مهر کاردار،[۱] آقای ران اسمیت[۲] و آقای آدلسیک به مدت ۲ ساعت با یزدی و س. د. آهسته‌رو ـ ۱ ملاقات کردند. نکات مورد بحث این ملاقات به وسیلهٔ کاردار از طریق وزارت امور خارجه گزارش داده شده است. س. د. آهسته‌رو ـ ۱ گفت که چمران نتوانست در این ملاقات شرکت نماید، زیرا که در کردستان معطل شده بود. آنها هر لحظه منتظر بازگشت وی به تهران بودند. آدلسیک برنامه ریخته است که به امید ظاهر شدن چمران دو روز در تهران بماند. بر طبق نظر س. د. آهسته‌رو ـ ۱ آنها همیشه علاقه‌مند به برقراری دوبارهٔ روابط نزدیک می‌باشند.

۲ـ قسمت اعظم مذاکره در مورد مسئلهٔ عراق و کردستان بود. یزدی بی‌هیچ تردیدی عقیده دارد که اسرائیل و آمریکا شدیداً همراه با عراقیها در حمایت از شورش کردها دست دارند. ما موفق شدیم که نشان دهیم که این عقیده چقدر نامحتمل است. اما حقیقتی که به زودی مطرح کرد به عنوان تلقی جدی ایرانیان حاکی از شدت بی‌اعتمادی و شکاکی نسبت به خارج، در دولت بازرگان است.

۳ـ آقای اسمیت اطلاعات خلاصه خیلی خوبی راجع به مشکلات برنامهٔ انرژی شوروی داد. با مباحثاتی که با یزدی انجام شد واضح شد که آنها از نتایج لغو قرارداد گاز با شوروی آگاه نیستند. باور بفرمایید که دادن این اطلاعات خلاصه همراه با اطلاعات خلاصه‌ای که آدلسیک داده است به آنها یک سرّی اطلاعات حقیقی برای جمع‌بندی و ارزیابی می‌دهد برای وقتی که دولت اثرات اقدامات خود را بررسی می‌نماید. در یک مورد در این مذاکرات یزدی به طور ساده لوحانه‌ای گفت که بعضی نظرات ما را در مورد پیشنهادهای روسیه به او که اخیراً هم خیلی دوستانه بوده‌اند، نمی‌فهمد. ما خاطرنشان کردیم که او در شرایط جاری شوروی چاره‌ای جز دوستانه رفتار کردن در حال حاضر ندارد. سروصدا موقعی ایجاد می‌شود که که شوروی وارد کنندهٔ خالص نفت بشود.

۴ـ س. د. آهسته‌رو ـ ۱ خروجش را تا روز ۳۰ مهر به تأخیر می‌اندازد. در خلال جریان ملاقات به نظر می‌رسد که وی با دلایل ما بیشتر موافق بود تا با دلایل یزدی. موضوعی که کاردار را بر جای خود میخکوب کرد، این بود که یزدی طرز تلقی خصومت آمیزی را که در ملاقاتهای اخیر بروز داده بود، متوقف کرده بود و حتی اشاره به پیشرفتهایی در حل مسایل معوقه بین دو کشور نمود. او تا آنجا پیش رفت که پذیرفت ادامهٔ بعضی مشکلات مربوط به عدم هماهنگی از جانب ایرانیان است.

۵ـ در اواخر ملاقات آدلیسک هم به یزدی و هم به س. د. آهسته‌رو ـ ۱ خاطر نشان ساخت که قسمت اعظم آن نوع اطلاعات تاکتیکی که آنها راجع به عراق و افغانستان می‌خواهند به وسیلهٔ وسایل فنی قابل جمع‌آوری می‌باشد و آنها را به استفاده از امکاناتشان ترغیب نمود.

۶ـ پرونده ۹۶۲۰۵۴ ـ ۲۰۱، تا ۲۵ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه‌بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی سرّی

---

۱ـ نام کاردار بروس لینگن می‌باشد.

۲ـ ران اسمیت از متخصصان امور نفت و همکار سازمان سیا است.

www.takbook.com



**سند شماره ۴**

**از: تهران ۵۴۵۱۱** **سرّی ـ ۲۶ مهرماه ۵۸ اعضاء سیا**

**به: رئیس با حق تقدم، رونوشت به پاریس، لندن.**

**اخطار جاسوسی پخش محدود س. د. بهانه**

۱ـ علاقه‌مندیم که با ستاد مرکزی این سؤال را مطرح کنید که آیا عاقلانه است که آدلسیک سر راه سفرش توقف کوچکی در لندن بنماید یا خیر؟ گمان نکنید که ما در حال حاضر قصد داریم که سازمان جاسوسی انگلیس[1] را در جریان ملاقات با یزدی و س. د. آهسته‌رو ـ ۱ قرار دهیم. تصور نکنید در شرایطی که ما قرار نیست نفع زیادی ببریم هیچ‌گونه شایستگی و تمجیدی در دیدن آنها (انگلیسیها ـ مترجم) وجود دارد، چون که ما عقیده داریم که اگر آنها را ملاقات کنیم عاقلانه نیست که واقعیت سفر آدلسیک به تهران را از آنها مخفی نماییم.

۲ـ علاوه بر آن به نظر نمی‌آید که هیچ دلیل ضروری وجود داشته باشد که در حال حاضر س. د. بهانه ـ ۱(۲) را ببینیم. زیرا که هنوز با آدلسیک تماس نگرفته پس احتمالاً خبر جدیدی در مورد س. د. جانوس ۳۲[2] ندارد. تمام آنچه ما می‌توانیم از او به دست آوریم شایعاتی است که اخیراً بین جامعهٔ ایرانیان در لندن رواج دارد.

۳ـ لطفاً نقطه‌نظرهای ستاد مرکزی را اطلاع دهید.

۴ـ پروندهٔ ۲۱۵۱۷۷ ـ ۲۰۱ تا ۲۶ مهرماه ۷۸. در بایگانی نگهداری شود.

طبقه‌بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی. سرّی

---

۱ـ اسم رمز سازمان جاسوسی انگلیس GN GRAPH می‌باشد. و همچنین اسم رمز کلیه منابعی که در رابطه با انگلستان کار می‌کنند با G N شروع می‌شود.

۲ و ۲ـ س. د. بهانه ـ ر و س. د. جانوس ـ ۳۲ اسم رمز دو تن از مأموران ساواک می‌باشد. س. د. بهانه ـ ۱ در انگلستان اقامت دارد و با سیا همکاری می‌کند.

www.takbook.com



## سند شماره ۵

**از: تهران ۵۴۵۲۶** **سرّی ۲۶ مهرماه ۵۸ اعضاء سیا**

**به: رئیس**

**اخطار جاسوسی پخش محدود س. د. آهسته‌رو**

**مرجع: الف ـ تهران ۵۴۵۲۷**

**ب ـ تهران ۵۴۵۲۸**

۱ـ بعد از ظهر ۲۶ مهر آدلسیک به مدت یک ساعت و نیم به تنهایی س. د. آهسته‌رو ـ ۱ (آ ـ ۱) را ملاقات نمود. گزارش این ملاقات جداگانه از طریق جاسوسی ارسال خواهد شد. س. د. آهسته‌رو ـ ۱ گفت که بعد از جلسات توجیهی یکشنبه ۲۳ مهر او، یزدی و بازرگان را ملاقات کرده و دربارهٔ نکات مذکور در آن جلسات بحث نمودند. اگر چه توضیحات جالب بودند اما دقیقاً آنچه دولت بازرگان احتیاج داشت نبودند.بنا به گفته س. د. آهسته‌رو ـ ۱ در حال حاضر احتیاج دولت به اطلاعات نظامی درباره وضعیت کردها و اطلاعات سیاسی در مورد اینکه چه کسی از کردها پشتیبانی می‌کند و چرا می‌باشد.

این باعث یک بحث طولانی شد که آدلسیک با موفقیت س. د. آهسته‌رو ـ ۱ را از این اشتباه که اسرائیلیها با عراقیها در پشتیبانی از شورش کردهای ایرانی همکاری می‌کند درآورد. س. د. آهسته‌رو ـ ۱ گفت که آنها آرزو داشتند که آدلسیک پیشنهادهای سازنده‌ای برای اینکه دولت ایران چگونه می‌تواند خود را از مسئله کردها خلاص نماید داشته باشد.

اگرچه باور نکردنی به نظر می‌رسد اما آنچه واقعاً از ما می‌خواهد این است که راه‌حلی برای مسئله پیدا کنیم. آدلسیک پیشنهاد کرد که برای حل مسئله کردها دولت ایران راه‌حل قدیمی میانجیگری کشور سومی را پیش گیرد. ترکها در مورد هر گونه ناآرامی در کردستان نگرانند و احتمالاً خوشحال خواهند شد که دربارهٔ این مسئله ایرانیها با ایشان داخل مذاکره شوند. س. د. آهسته‌رو ـ ۱ سؤال کرد که آیا ایالات متحده می‌تواند محرکی و بانی‌ای برای کشورهای ترکیه و عراق تهیه نماید یا ارائه دهد که این کشورها در حل مسئله کردستان به ایران کمک کنند. به آ ـ ۱ گفته شد که ما با دولت عراق روابط دیپلماتیک نداریم، اما از این فرصت به دست آمده، من فکر می‌کنم که دولت ایالات متحده همکاری ایران و ترکیه را برای حل مسئله کردها تشویق می‌نماید؛ با تذکر و تأکید این مطلب به آ ـ ۱ که اگرچه شواهدی از پشتیبانی کردها توسط عراقیها هست، اما آخرین چیزی که عراق می‌خواهد تشکیل یک جمهوری کردستان مستقل در خاک ایران است.

۲ـ در مورد «رابط» س. د. آهسته‌رو ـ ۱ گفت که برای آینده نزدیک ترجیح می‌دهد که ارتباط با خود او باشد. آدلسیک شمارهٔ منزل خودش را در آمریکا به او داد و آ ـ ۱ گفت اگر مسئله‌ای اتفاق افتاد از اروپا تلفن خواهد کرد. او چندین تقاضا در مورد اطلاعات دیگر نمود که آدلسیک در برگشت مطرح خواهد کرد. آ ـ ۱ سؤال کرد آیا برای ما مشکلی ایجاد نمی‌کند که تماس ما با او ادامه یابد؟ آدلسیک گفت که نه؛ ما ترتیب را این‌طور داده بودیم که با همان سرعتی که او پیش می‌رود پیش برویم. (منطبق با او باشیم.)

۳ـ پرونده، ۹۶۲۰۵۴ ـ ۲۰۱ تا ۲۶ مهر ۷۸ در بایگانی نگهداری شود.

طبقه‌بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی. سرّی

www.takbook.com



## سند شماره ۶

**طبقه‌بندی گزارش سرّی ـ اخطار جاسوسی ـ غیرقابل رؤیت برای خارجیان ـ غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران و یا مشاوران پیمانکاران.**

**کشور: ایران**

**موضوع: اثرات جنگ کردها بر روی روابط ایران و عراق**

۱ـ در هفته گذشته، اوضاع کردستان ایران به طور قابل ملاحظه‌ای وخیم گردیده است. در هفته گذشته ارتش ایران بیش از صد نفر زخمی و مجروح داشت. نخست‌وزیر مهدی بازرگان با عجله سعی دارد که شرایط جنگ را از راههایی تغییر دهد. اگر چه دولت نظرش این است که آرامش دائمی برای مسئلهٔ کردها فقط از راه توسعه اقتصاد منطقه عملی است و این کار را نمی‌توان شروع کرد، مگر اینکه شرایط به حالت عادی برگردد.

۲ـ وزیر امور خارجه، ابراهیم یزدی ضمن مسافرتش به هاوانا مباحثه‌ای طولانی با رئیس جمهور عراق صدام حسین داشت. در ضمن این مباحثه، یزدی، حسین را مطمئن ساخت که ایران در ناآرامیهای جامعهٔ شیعیان عراق دست نداشته و اضافه بر آن ایران هیچ‌گونه طرح و نقشه‌ای برای بحرین ندارد و اینکه انقلاب ایران به کشورهای دیگر صادر نخواهد شد. در آن موقع یزدی و حسین توافق نمودند که بعداً دوباره یکدیگر را در تهران یا بغداد ملاقات نمایند. یزدی به حسین گفت که در آن موقع هر دو می‌توانند توافقنامهٔ بین دو کشور را بر اساس معاهده مارس ۷۵ مورد بحث قرار دهند.

۳ـ یزدی در برگشت به ایران توسط روزنامهٔ جمهوری اسلامی به خاطر گفتگوهایش با صدام حسین در هاوانا مورد انتقاد قرار گرفت. به خاطر اوضاع وخیم کردستان ایران در حال حاضر یزدی از آن می‌ترسد که هرگونه پیشنهاد علنی در رابطه با دولت عراق موج انتقاد را در ایران برانگیزد. دولت بازرگان فکرش را کرده بود که آیت‌الله روح‌الله خمینی یک اعلام عمومی بنماید مبنی بر اینکه ایران درصدد صدور انقلاب نیست و در حال انجام هیچ‌گونه عملی علیه تمامیت ارضی عراق نمی‌باشد. اما اشکال در اینجاست که رهبر جامعه شیعیان در عراق مستقل از خمینی هستند و اگر او تصمیم بگیرد که به اظهارات خمینی بی‌توجهی نماید، یا مورد سؤالشان قرار دهد آن وقت روابط بین دو کشور وخیم‌تر خواهد گردید.

۴ ـ این گزارش در تاریخ ۲۶ مهر ۵۸ تهیه گردیده است.

۵ ـ محدوده پخش گزارش ـ سفارت و وابسته دفاعی در تهران به واحدهای عمان، بیروت، قاهره، اسلام‌آباد، جده، کراچی، کویت، منامه، دهلی نو، و تل‌آویو ارسال شد.

طبقه‌بندی گزارش سرّی: اخطار جاسوسی ـ منابع و روشهای جاسوسی درگیر بوده است. غیر قابل رؤیت برای خارجیان ـ غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران و یا مشاورین پیمانکاران، پخش و اقتباس اطلاعات در اختیار گزارشگر است. تا تاریخ ۲۶ مهر ۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه‌بندی طبق د. ۹. ث. ۱. طبقه‌بندی شده توسط مأمور گزارشگر قید شده، کلیه قسمتهای سند طبقه‌بندی و کنترل کل مدرک را داراست.

www.takbook.com



## اطلاعات تکمیلی سند شماره ۶

**از: تهران ۵۴۵۲۷**[1] **سرّی ۲۶ مهرماه ۵۸ اعضاء سیا**

**به: رئیس رونوشت به عمان، بیروت، قاهره، اسلام‌آباد، جده، کویت، منامه، دهلی نو، تل آویو.**

**اخطار جاسوسی س. د. آهسته‌رو جاسوسی**

اطلاعات تکمیلی گزارش ضمیمه: برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ مشخصات س. د. آهسته‌رو ـ ۱ ستاد مرکزی می‌تواند به گزارش شماره...[2] تهران که برای پخش نیست مراجعه نماید، بدون واسطه شماره پرونده و ردیف ندارد.

این گزارش به وسیلهٔ آدلسیک گرفته شده است. شماره گزارش جریان محلی (۱۰۷۷۸ خاور نزدیک ایران تهران) است و طبقه‌بندی توسط ۳۱۵۳۵۶[3] تأیید گردیده است.

**پگویین**

---

۱ـ این سند از روی نوار ماشین تایپ پیاده شده و بنابراین شماره ندارد ولی با توجه به گزارش تهران ۵۴۵۳۶ سند شماره (۱۱) مشخص می‌شود که شماره‌اش ۵۴۵۲۷ است.

۲ـ شماره این گزارش را ندیدیم و این به علت این است که این شماره‌ها را باید دستگاه مخابرات بزند ولی این سند از روی نوار پیاده شده است.

۳ـ این شمارهٔ رمز آقای تام آهرن رئیس سیا در تهران است که این سند را سرّی طبقه‌بندی نموده است.

www.takbook.com



**سند شماره ۷**

**طبقه‌بندی گزارش سرّی ... اخطار جاسوسی ...**[۱]
**غیرقابل رؤیت برای خارجیان ... غیر**
**قابل رؤیت برای پیمانکاران ... یا مشاوران پیمانکاران ...**
**کشور: ایران** **موضوع:**[۲]
**منبع:(۳)**

۱ـ قرار است رفراندوم قانون اساسی ایران در آیندهٔ ایران نزدیکی برگزار گردد. انتخابات مجلس بلافاصله متعاقب آن خواهد بود. مهدی بازرگان نخست‌وزیر مصمم است که هرگونه کوششی باید انجام گیرد تا روحانیون در مجلس اکثریت را به دست نیاورند. در اواخر مهر رهبران سیاسی دولت بازرگان از جمله خودش، ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه و عباس امیرانتظام سفیر ایران در سوئد دربارهٔ این موضوع با آیت‌الله خمینی مذاکره کردند. آنها می‌خواستند روشی را برای قانع کردن خمینی مبنی بر اینکه مجلس باید غیرروحانی داشته باشد، شروع کنند. آنها همچنین قصد داشتند که وی را از حمایت کردن تعداد زیادی از روحانیون باز دارند؛ چراکه معتقد بودند هر کس که علناً توسط خمینی حمایت شود برنده می‌شود.

۲ـ علیرغم اینکه دولت بازرگان نیاز به توسعهٔ پایگاه خود قبل از انتخابات دارد، ولی هنوز چندان کاری برای ایجاد احساساتی که باعث تقویت آن می‌شود انجام نداده است. پیشرفت کمی در بازسازی ارتش حاصل شده است. و این باید مقداری دولت را کمک کند. به هر حال تلاشها برای در آوردن پاسداران تحت کنترل مستقیم ارتش بی‌نتیجه بوده‌اند. هنوز شورای انقلاب پاسداران را کنترل می‌کند.

۳ـ در دولت بازرگان شکاف وجود دارد. این شکاف عمدتاً بر سر مسایل اقتصادی می‌باشد. عباس امیرانتظام قائم مقام نخست‌وزیر اصول سیاست اقتصادی را تشریح کرده است. این سیاست بر اساس وام آزاد و شامل یک برنامه دو بخشی بود:

الف ـ فراهم آوردن پول برای صنایع با شرایط آسان تا صنعتی کردن کشور ادامه یابد.

ب ـ فراهم آوردن وسیع وجوه برای طرحهای ضربتی اشتغال‌زا به نحوی که میزان بیکاری را کاهش دهد. علی معین‌فر، وزیر نفت با عنوان کردن طرح خودش که در آن شرایط در اختیار گذاشتن پول به سختی انجام می‌شد با این طرح مخالفت کرد. کابینهٔ با ۱۲ رأی موافق طرح امیرانتظام را تصویب نمود ولی به هر حال معین‌فر توانست دولت را قانع کند که تا در اجرای آن عجله نکند. در نتیجه، عمل معین‌فر تغییراتی در طرح امیرانتظام به وجود آورده است ولی این تغییرات ذاتاً جزیی بودند و طرح امیرانتظام آمادهٔ اجراست.[۳]

---

۱ـ این گزارش از روی نوار ماشین تایپ پیاده شده است. ترجمه‌ای که ملاحظه می‌نمایید ترجمهٔ تلفیقی از دو گزارش است که از دو نوار ماشین تایپ مختلف به دست آمده است و چون هر دو گزارش در قسمت (۱) مشترک بوده‌اند واضح است که این دو گزارش یکی هستند.

۳ و ۲ـ در این نوع گزارشها همواره موضوع گزارش و توضیحاتی در مورد منبع گزارش ذکر می‌شود ولی چون احتمالاً این گزارش چرک‌نویس گزارش اصلی می‌باشد که مأمور گزارش پس از مشورت با رئیس ایستگاه عنوان مناسب برای موضوع و منبع انتخاب خواهد نمود، بنابراین این متن فاقد شرح و موضوع و منبع می‌باشد.

۳ـ این گزارش در مقایسه با گزارشهای مشابه ناقص است چراکه محدوده پخش گزارش و زمان به دست آوردن گزارش در آن قید نشده است. بنابراین می‌توان احتمال داد که این گزارش پیش‌نویس گزارش نهایی باشد.

www.takbook.com



## اطلاعات تکمیلی سند شماره ۷

**از: تهران[1] ۵۴۵۲۸ سرّی ۲۶ مهر ۱۳۵۸ اعضاء سیا**

**به: رئیس، رونوشت برای: عمان، بیروت، قاهره، اسلام آباد، جده، کراچی، کویت، منامه، دهلی نو و تل‌آویو.**

**اخطار جاسوسی س. د. آهسته رو. جاسوسی**

اطلاعات تکمیلی گزارش ضمیمه: س. د. آهسته‌رو ـ ۱. رئیس به گزارش شماره تهران[2] که برای پخش، نیست مراجعه کند.

بدون واسطه. شمارهٔ پرونده و ردیف ندارد. گزارش به وسیلهٔ آدلسیک گرفته شده است. شماره گزارش جریان محلی ـ ۱۰۷۷۹ خاور نزدیک ایران تهران) توسط ۰۱۵۳۵۶ تأیید گردیده است.

**پگویین**

---

۱ـ این سند اطلاعات تکمیلی گزارش بعدی می‌باشد. این سند چون از روی نوار پیاده شده شماره ندارد ولی با توجه به گزارش تهران ۵۴۵۳۶ سند شمارهٔ (۱۱) شمارهٔ آن به دست می‌آید.

۲ـ چون گزارش از روی نوار پیاده شده است شماره این گزارش را ندارد.

www.takbook.com



## سند شماره ۸

**از: رئیس ۵۳۵۲۳۵** **سرّی ۲۶ مهر ۵۸ اعضاء سیا**

**به: تهران با حق تقدم، رونوشت: پاریس، لندن**

**اخطار جاسوسی پخش محدود س. د. بهانه**

**مرجع: تهران ۵۴۵۱۱**[1]

۱ـ ما در این مورد موافق هستیم که دلیلی وجود ندارد که مسافرت آدلسیک به ایران و یا کوششهای ما مبنی بر پاسخ به دولت موقت ایران را در جلسه توجیهی اطلاعاتی به سازمان جاسوسی انگلیس افشا کنیم. با این وجود در نظر اخیر مبادلهٔ اطلاعات با سازمان جاسوسی انگلیس دربارهٔ وضعیت ایران، اعتقاد بر این است که با مأموریت موقت به لندن در سر راه به ستاد مرکزی مختصراً برای بحثهای عمومی مقامات تحقیقی سازمان جاسوسی انگلیس دربارهٔ ایران به عنوان توقف سر راه[2].... با توافق رئیس ایستگاه یا رئیس هیئت نمایندگی بررسی شود.

۲ـ موافق هستیم که در این سفر با س. د. بهانه تماس گرفته نشود.

۳ ـ از گزارش در مورد هرگونه مذاکره‌ای که تابحال س. د. آهسته‌رو ـ ۱ دربارهٔ از سر گیری نوعی روابط اطلاعاتی انجام شده قدردانی می‌کنیم.

۴ ـ بدون پرونده. تا تاریخ ۲۶ مهر ۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه‌بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی. سرّی

---

۱ـ این تلگراف جواب تلگراف تهران ۵۴۵۱۱ سند شماره (۴) می‌باشد.

۲ـ چون این سند از درون ماشین پودر کننده اسناد به دست آمده لذا بعضی از قسمتهای آن خوانا نیست.

www.takbook.com



**سند شماره ۹**

**از: پاریس ۱۳۶۹۴** **سرّی ۲۷ مهر ۵۸ اعضاء سیا**

**به: تهران رونوشت به رئیس**

**اخطار جاسوسی پخش محدود س. د. آهسته رو.**

۱ـ لطفاً کلیهٔ تلگرافهای راجع به س. د. آهسته‌رو ـ ۱ به پاریس و لندن برای اطلاع آدلسیک مخابره نمایید. ۲ ـ بدون پرونده. تا ۲۷ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه‌بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی. سرّی

**سند شماره ۱۰**

**از: تهران ۵۴۵۳۳** **سرّی ۲۷ مهر ۱۳۵۸ اعضاء سیا**

**به: رئیس فوری**

**اخطار جاسوسی پخش محدود**

**مرجع: رئیس ۵۳۶۱۷۰**

آقای کیو تهران را به مقصد پاریس در صبح جمعه ۲۷ مهرماه ترک کرد. تا ۲۷ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه‌بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی. سرّی

**سند شماره ۱۱**

**از: تهران ۵۴۵۳۶ (جاموتی قائم مقام رئیس)** **سرّی ۲۸ مهر ۵۸ اعضاء سیا**

**به: پاریس، لندن، رونوشت به رئیس**

**اخطار جاسوسی، پخش محدود س. د. آهسته رو.**

مرجع: الف ـ تهران ۱۳۶۹۴ (که به لندن فرستاده نشده است.)[1]

ب ـ تهران ۵۴۵۲۶

ج ـ تهران ۵۴۵۲۷ (۱۰۷۷۸ خاور نزدیک ایران تهران)

د ـ تهران ۵۴۵۲۸ (۱۰۷۷۹ خاور نزدیک ایران تهران)

هـ ـ تهران ۵۴۵۰۲

۱ـ گزارشهای ب الی هـ به پاریس و لندن بنا به درخواست مرجع الف مخابره گردید.

۲ـ پرونده ۹۶۲۰۵۴ ـ ۲۰۱. تا ۲۸ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه‌بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی.

سرّی

---

۱ـ این تلگراف در پاسخ به تلگراف پاریس ۱۳۶۹۴ سند شماره (۹) می‌گوید که گزارشهای درخواستی فرستاده شد.

www.takbook.com



## سند شماره ۱۲

**از: تهران ۵۴۵۳۹[1] (جاموتی قائم مقام رئیس)[2]** **سرّی ۲۹ مهر ۱۳۵۸ اعضاء سیا[3]**

**به: پاریس، فوری، رئیس**

**اخطار جاسوسی پخش محدود شاه.**

**مرجع: الف ـ رئیس ۵۳۶۷۶۶**

**ب ـ پاریس ۱۳۷۱۵**

۱ـ صبح روز ۲۹ مهر، بر طبق برنامه‌ای که قبلاً به وسیلهٔ تلفن ریخته شده بود، کاردار و آقای هنری پرشت با س. د. آهسته‌رو ـ ۱ ملاقات کردند. س. د. آهسته‌رو ـ ۱ به کاردار گفت که هنوز برنامه‌اش این است که ۳۰ مهر به استکهلم برود. کاردار در مورد مسئلهٔ شاه با س. د. آهسته‌رو ـ ۱ صحبتی نکرد.

۲ـ تا ۲۹ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه‌بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی.

سرّی

---

۱ـ با توجه به سندهای موجود قبل و بعد از ۲۹ مهرماه مشخص می‌گردد که شماره این تلگرافها باید ما بین ۵۴۵۳۶ و ۵۴۵۵۰ باشد. از طرفی با توجه به مرجع سند شماره (۱۳) مشخص می‌گردد که شمارهٔ تلگراف ۵۴۵۳۹ است.

۲ـ چون روز ۲۹ مهر رئیس ایستگاه تام اهرن به کشورهای عربی مسافرتی نموده، جورج اکیف که نام رمزش جاموتی می‌باشد به عنوان قائم مقام وظایف وی را برعهده دارد.

۳ـ این سند را از روی نوار پیاده شده است و شماره ندارد.

www.takbook.com



## سند شماره ۱۳

**از: تهران[۱] (جاموتی قائم مقام رئیس)[۲]** **سرّی ۲۹ مهر ۱۳۵۸ اعضاء سیا[۳]**

**به: پاریس، فوری، رئیس**

**اخطار جاسوسی پخش محدود ـ در مورد سلامت شاه.**

**فقط رئیس ایستگاه پاریس و آقای جورج کیو حق رؤیت دارند.**

**مرجع: الف ـ رئیس ۵۳۶۷۶۷**

**ب ـ پاریس ۵۴۵۳۹**

۱ـ همان گونه که در مرجع ب اطلاع داده شده است در جلسه‌ای که کاردار و آقای هنری پرشت با نخست‌وزیر بازرگان و وزیر امور خارجه، یزدی، جهت رساندن پیغام در مورد سلامت شاه و سفر قریب‌الوقوعش به آمریکا داشته‌اند س. د. آهسته‌رو ـ ۱ هم شرکت داشته است. عکس‌العمل س. د. آهسته‌رو ـ ۱ این بود که این جریان زحمات آن کسانی را که خواهان گسترش روابط با آمریکا هستند مشکلتر می‌کند.

۲ـ یزدی در مورد ضرورت معالجه در نیویورک و یا حتی آمریکا قدری مشکوک بود و پیشنهاداتی بنابر تجارب تخصصی خودش کرد.

۳ـ از آنجا که فعلا از جریان شاه اطلاع دارد، احتمالاً ضرورتی ندارد که به او اطلاع بدهیم که آقای کیو اطلاعات جاسوسی مهمی برایش دارد. لطفاً به ما اطلاع بدهید، که آیا ستاد مرکزی هنوز از ایستگاه می‌خواهد که به س. د. آهسته‌رو ـ ۱ بگوید که آقای کیو می‌خواهد هر چه زودتر او را در اروپا ملاقات کند یا نه؟

۴ـ تا ۲۹ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه‌بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی.

سرّی

## سند شماره ۱۴

**۶۶۶ ـ ۸۸۵**

آقای کیو علاقه‌مند است که در مورد موضوعی که در ملاقات با کاردار فاش گردید گفتگو نماید. آقای کیو بعد از ورود امیرانتظام در ۳۰ مهرماه در استکهلم خواهد بود.

---

۱ـ با توجه به تلگرافهای موجود قبل و بعد از ۲۹ مهر مشخص می‌شود شمارهٔ این تلگراف باید مابین ۵۴۵۳۹ و ۵۴۵۵۰ باشد.

۲ـ چون روز ۲۹ مهر رئیس ایستگاه تام اهرن به کشورهای عربی مسافرتی نموده جورج اکیف که نام رمزش جاموتی می‌باشد به عنوان قائم مقام وظایف وی را برعهده دارد.

۳ـ این سند از روی نوار پیاده شده است.

www.takbook.com



## سند شماره ۱۵

**از: تهران[1] (جامویی قائم مقام رئیس)** **سرّی ۲۹ مهر ۱۳۵۸ اعضاء سیا[2]**

**به: پاریس، فوری، رئیس**

**اخطار جاسوسی پخش محدود ـ شاه.**

**فقط رئیس ایستگاه پاریس و آقای جورج کیو حق رؤیت دارند.**

**مرجع: رئیس ۵۳۶۷۶۹**

۱ـ قائم مقام ایستگاه در بعد از ظهر ۲۹ مهرماه با س. د. آهسته‌رو ـ ۱ در دفتر کارش تماس گرفت و به او گفت که آقای جورج کیو فردا در استکهلم می‌خواهد دربارهٔ موضوعات مطرح شده در گزارش مرجع با او ملاقات نماید. س. د. آهسته‌رو ـ ۱ گفت برنامهٔ او تغییر کرده و تا پنجشنبه ۳ آبان در تهران خواهد بود. قائم مقام ایستگاه به س. د. آهسته‌رو ـ ۱ گفت که آقای جورج کیو سعی خواهد کرد که قبل از سوم آبان برای ملاقات به تهران بیاید. س. د. آهسته‌رو ـ ۱ گفت ملاقات در تهران برای او قابل قبول نیست.

قائم مقام ایستگاه به س. د. آهسته‌رو ـ ۱ گفت در صورتی که آقای کیو نتوانست قبل از ۳ آبان برای ملاقات به ایران بیاید ما با شما در تماس خواهیم بود تا برنامهٔ پرواز شما را داشته باشیم.

۲ـ شماره تلفن دفتر س. د. آهسته‌رو ـ ۱ ۸۸۵ ـ ۶۶۶ تکرار می‌شود ۸۸۵ ـ ۶۶۶ و شماره تلفن منزل وی در دسترس نمی‌باشد.

۳ـ تا ۲۷ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه‌بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی.

سرّی

---

۱ـ با توجه به تلگرافهای کامل قبل و بعد از ۲۹ مهرماه مشخص می‌شود که شماره این تلگراف باید مابین ۵۴۵۳۹ و ۵۴۵۵۰ باشد.

۲ـ این سند از روی نوار پیاده شده و شماره ندارد.

www.takbook.com



## سند شماره ۱۶

**از: رئیس ۵۴۳۲۱۶** **سرّی ۹ آبان ۱۳۵۸ اعضاء سیا**

**به: استکهلم، رونوشت برای تهران**

۱ـ بنا به گفتهٔ س. د. آهسته‌رو ـ ۱ او برنامه‌ریزی می‌کرد که تهران را برای استکهلم در تاریخ ۳ آبان ترک نماید. او قصد داشت به استکهلم برود و همسرش را بردارد و در ادامهٔ برنامه به اسلو رفته تا استوارنامه‌اش را ارائه دهد. در مدت اقامت در تهران س. د. آهسته‌رو ـ ۱ راجع به بدتر شدن روابط بین ایران و عراق خیلی نگران بود و از ما خواست اگر احتمالاً اطلاعاتی در مورد روابط ایران و عراق داشته باشیم به او بدهیم. ما خیلی ممنون می‌شویم که اگر مأموران مربوطه در اولین فرصت با س. د. آهسته‌رو ـ ۱ تماس گرفته و اطلاعات زیر را به س. د. آهسته‌رو ـ ۱ بدهند و تأکید کنند که این گزارش به وسیلهٔ آدلسیک در جواب درخواست و اظهار علاقه‌ای که س. د. آهسته‌رو ـ ۱ در تهران کرده بود ارائه می‌شود.

۲ـ موضوع گزارش به قرار زیر است:

تا اوایل مهر اعضای عالیرتبهٔ دولت عراق متقاعد شده بودند که سیاست ایرانیان این بوده که فعالانه ادعاهایشان را در مورد جزیرهٔ بحرین ادامه دهند. نظر عراقیها بعد از مطالعهٔ دقیق بیانات متعدد رهبران مذهبی‌ای که به تفصیل در مورد ادعای ایرانیان نسبت به بحرین سخن گفته بودند، به دست آمده است. قبل از نتیجه‌گیری مبنی بر اینکه ایران فعالانه ادعایش را در مورد بحرین دنبال می‌کند، رهبر عراق صدام حسین فکر می‌کرد که امکاناتی در مورد مذاکره با دولت موقت ایران وجود دارد، مخصوصاً بعد از مذاکره‌اش با وزیر امور خارجهٔ ایران ابراهیم یزدی در خلال مدت کنفرانس کشورهای غیر متعهد در هاوانا. دولت عراق به هر حال مشکلات و مسایلی در رابطه با تعیین راه صحیح و مناسب در مورد رفتار موقت ایران دارد. ابتدا صدام حسین امیدوار بود که مستقیماً با نخست‌وزیر بازرگان طرف معامله باشد. در حال حاضر عراقیها دربارهٔ دولت موقت ایران نامطمئن هستند. به طوری که به طور روزافزون عقیده پیدا می‌کنند که دولت بازرگان نمایندگی و نمایش زیادی ندارد و قدرت حقیقی دست جامعهٔ روحانیت ایران است که با عراق خصومت دارند. با وجود عدم موفقیت در دنبال کردن پیشنهاداتی که در مذاکرات هاوانا بین یزدی و صدام حسین مورد بحث قرار گرفته بود. عراق هنوز دوست دارد که اختلافش را با ایران از طریق مذاکره رفع نماید. ترجیح آنها این است که با دولت بازرگان مذاکره نمایند.

دلواپسی آنها این است که دولت بازرگان امکان دارد کنترل کامل نداشته باشد، و صدام حسین هم نمی‌خواهد که وارد مذاکره با رهبران مذهبی ایران بشود.

۳ـ از همکاری استکهلم در مورد مسئله س. د. آهسته‌رو ـ ۱ قدردانی می‌کنیم.

۴ـ پرونده ۹۶۲۰۵۴ ـ ۲۰۱، تا ۷ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود.

طبقه‌بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی.

بی تی

شماره ۱۳۹۴۵[1]

---

۱ـ این سند مورخ ۹ آبان ۵۸ می‌باشد و سند قبلی ۲۹ مهر ۵۸. ما بین این دو سند احتمالاً اسنادی بوده که یا پودر شده‌اند و یا در میان رشته‌ها به دست خواهند آمد. در هر حال هرگونه سندی که بعداً در این رابطه پیدا شود جداگانه در اختیار مردم مسلمان قرار خواهد گرفت.

www.takbook.com



## سند شماره ۱۷

**از: تهران ۵۴۶۳۶** **سرّی ۹ آبان ۱۳۵۸ اعضاء سیا**

**به: رئیس**

**اخطار جاسوسی پخش محدود س. د. آهسته‌رو ـ س. د. صدای پا**[1]

۱ـ س. د. صدای پا ـ ۱ در جلسهٔ ۷ آبان گفت که ناصر میناچی وزیر ارشاد ملی از او در مورد انتشار روزنامهٔ پیشنهادی امیرانتظام کمک خواسته است. س. د. آهسته‌رو ـ ۱ در یکی از جلسات طرح‌ریزی شرکت کرده است و این‌طور به نظر می‌رسد که این طرح هنوز مراحل اولیه را می‌گذراند. هنوز در مورد تیراژ، مندرجات، سرمقاله‌ها، تعداد زبانهایی که روزنامه باید به آن چاپ شود و محل روزنامه (مثلاً تهران یا محلی در اروپا) تصمیمی گرفته نشده است.

۲ـ س. د. صدای پا ـ ۱ اظهار داشت امیدواری کمی موجود است تا این برنامه در خدمت تبلیغ انقلاب به طرز مؤثری به کار آید، حتی اگر کارش بگیرد.

۳ـ ما پیشرفت این فعالیت را کنترل و دنبال کرده و آن‌طور که مناسبت دارد شما را از آن مطلع خواهیم ساخت.

۴ـ پرونده ۸۶۷۷۶۴ ـ ۲۰۱ تا ۹ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه‌بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی.[2]

سرّی

---

۱ـ این فرد که نام اصلی وی سیمون فرزامی بود در رابطه با اسناد لانه جاسوسی و ارتباطش با سازمان سیا دستگیر و به اعدام محکوم شد.

۲ـ شاید این سند در رابطه با سندهای قبلی بی‌ارتباط به نظر آید ولی درهر حال چون مربوط به س. د. آهسته‌رو ـ ۱ است این سند در این قسمت آورده شده است.

www.takbook.com



## سند شماره ۱۸

۱ـ هیچ مسئله‌ای آدلسیک....[۱]

۲ـ پیشنهاد تمدید اقامت آدلسیک سؤالاتی دربارهٔ امنیت او و ترس ابراز شدهٔ س. د. آهسته‌رو ـ ۱ دربارهٔ اقدامات سیا علیه انقلاب را مطرح می‌کند. با اطلاعات کمی که ما از پرونده آدلسیک دربارهٔ مسافرتهای قبلی او به اینجا دادیم جواب سؤال امنیت فردی او را با درنظر گرفتن یک سری ملاقاتهای عملیاتی به عهده خود او و ستاد مرکزی می‌گذاریم. دربارهٔ شکست سیاسی احتمالی ما فکر می‌کنیم که آدلسیک زیادی در کار است و کاردار نیز نگرانی خود را ابراز داشت. ما فکر می‌کنیم که اقامت طولانی آدلسیک را نمی‌توان از ایرانیها پوشیده نگه داشت و اینکه هیچ گونه بهانه بی‌ضرری مانند تروریزم قابل قبول نخواهد بود. بنابراین حداقل بعضی از ملاقاتهای پیشنهاد شده را محتملاً باید به س. د. آهسته‌رو ـ ۱ و همکاران اعلام نمود.[۲]

---

۱ـ این سند از درون دستگاه پودر کننده بیرون کشیده شده است و چون دستگاه در حین کار خراب شده بود قسمتی از سند درون ماشین باقی مانده بود.

۲ـ با توجه به متن این پاره سند مشخص می‌گردد که تاریخ این سند باید در زمانی باشد که آدلسیک در تهران بوده است و می‌خواسته‌اند مدت اقامتش را طولانی‌تر نمایند. با توجه به اینکه آدلسیک تهران را در صبح جمعه ۲۷ مهرماه ترک کرده است، تاریخ این سند احتمالاً مربوط به حدود ۲۵ مهر می‌باشد. بنابراین این سند اگر مابین سند شماره (۳) و (۴) قرار گیرد بی‌مناسبت نمی‌باشد.

www.takbook.com

## کتاب یازدهم

# آمریکا حامی اشغالگران قدس

www.takbook.com

www.takbook.com

**معرفی کتاب**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**«آمریکا و اسرائیل در رأس دشمنان اسلامند.»**
**«اسرائیل دشمن بشریت و انسان است.»**
**امام خمینی**

مشخصهٔ بارز و اصلی رژیمی که با نام اسرائیل در قرن اخیر موجودیت یافت، اتکای به غیر و حمایت خارجی است. رژیمی که به ابتکار امپریالیسم انگلیس و با غصب سرزمین مسلمانان محروم نطفهٔ آن بسته شده و در دامان امپریالیسم آمریکا رشد نمود. در ابتدا انگلیسیها برای بسط سلطهٔ شیطانی خود، با شعار "تلاش برای برپایی حکومت ملی یهودیان" به کمک صهیونیستها دست به اشغال بخشی از سرزمینهای مسلمین زدند و در واقع پایگاهی را بنیاد نهادند که همهٔ قدرتهای شیطانی عالم در قلب سرزمینهای اسلامی از آن بر علیه اسلام به ستیز برخیزند و هر روز با تهاجم غیرانسانی خود برجان و مال مسلمین یورش برده و با نیرنگ و تزویر جهان اسلام را به ضعف و نابودی بکشانند.

اساساً انگیزهٔ اصلی ایجاد رژیم نژادپرست صهیونیستی در سرزمین اشغالی، مقابله با اسلام بود، زیرا اگر مسلمین به اتحاد می‌رسیدند استکبار جهانی را به نابودی می‌کشاندند و بی‌دلیل نیست که امام روز قدس را روز اسلام می‌داند.

با افول سلطه جهانی انگلیس، دوست و متحد قویتری چون امپریالیسم آمریکا به مدد اسرائیل می‌آید و سیل کمکهای بی‌دریغ نظامی و اقتصادی آمریکا این جمعیت قلیل و اندک را جسورتر می‌کند تا هر روز فاجعه‌ای و حادثه‌ای تازه بیافریند. از کشتارها و جنایات رژیم اشغالگر قدس و اینکه چگونه شبکهٔ صهیونیستی حاکم بر آن علاوه بر قدرتهای استکباری با تمام رژیمهای فاسد و خائن وابسته به همکاری و هماهنگی دارد، بسیار شنیده‌ایم. و به همین خاطر است که یک چنین رژیمی از هیچ خشونت سبعانه‌ای در حق مردم محروم و مظلوم فلسطین دریغ نمی‌ورزد. همان طور که می‌دانیم تا زمانی که شاه جنایتکار به عنوان دست‌نشاندهٔ شیطان بزرگ بر مقدرات مردم ایران مسلط بود، می‌بایستی نفت کشور ما به سوی اسرائیل جنایتکار جریان می‌یافت، تا ماشین قتل و جنایت اسرائیل یک لحظه از فعالیت باز نایستد و زمانی که با خروش ملت قهرمان ما و با یاری خدا و رهبری امام رژیم دست نشاندهٔ آمریکا سقوط می‌کند، امپریالیسم آمریکا بیکار نمی‌نشیند و این بار گستاخی را به جایی می‌رساند که رژیم‌های وابسته‌ای که به

www.takbook.com



ظاهر در مقابل اسرائیل هستند را وادار به ارسال نفت به رژیم خیانتکار اسرائیل می‌کند. به طور کلی سیر جریانات در خاورمیانه با ابتکار و هدایت امپریالیسم آمریکا به صورتی است که جماعت نژادپرست صهیونیستی که هیئت حاکمه جنایتکار اسرائیل را تشکیل می‌دهند، از هر لحاظ بر اوضاع منطقه مسلط باشند و هر طرح و برنامه‌ای که بخواهند را به یاری شیطان بزرگ به اجرا بگذارند و در این راه از مساعی فراوان سایر رژیم‌های دست نشاندهٔ عربی که به نا حق بر کشورهای اسلامی سلطه یافته‌اند و سر در آخور امپریالیسم دارند بهره می‌برد. در اینجا همواره امت اسلام است که مورد ظلم واقع شد. ظلمی که از کینه و عداوت عمیق کفر جهانی نسبت به اسلام و مسلمین ناشی می‌شود. این اتحاد نامقدس اسرائیل غاصب را آنچنان جسور می‌کند که در ژوئن ۱۹۶۷ دست به اشغال بیت‌المقدس، سرزمین پیغمبران و اولیاء خدا می‌زند. اکنون سالها است که قدس عزیز، این اولین میعادگاه پیروان دین حنیف و اولین قرارگاه عاشقان لقاءالله در چنگال سدکنندگان سبیل‌الله است و خاک مقدسش جولانگاه تاخت و تاز دشمنان خدا و خلق و قاتلان پیامبران و مردان بزرگ الهی است. قدس عزیز، هم اکنون از جانب رژیم صهیونیستی، پایتخت رژیم «جور و ستم و غصب و تجاوز» اعلام شده است. با حمایت قدرتهای استکباری جهان و در رأس آن آمریکای جنایتکار، رژیم اشغالگر قدس اکنون خاستگاه انبیاء الهی و سرزمین فرزندان هابیل را قرارگاه وارثان قابیل نموده و بساط حکومت اعقاب نمرود را در پرورشگاه حضرت ابراهیم(ع) گسترده است. اکنون در همین زمان این حکام خود عملیاتی وحشیانه را علیه صاحبان حقیقی قدس، فلسطینیان مظلوم و شجاع و علیه مردم قهرمان و شهید داده لبنان و نهایتاً علیه تمامی مسلمانان جهان آغاز کرده و خون صدها انسان بی‌گناه را بر زمین ریخته است.

اما آنچه که امروز بر تمامی مردم آزادهٔ دنیا روشن شده این است که رژیم اشغالگر قدس در قلب جهان اسلام هرگز نمی‌تواند، بدون پشتیبانی آمریکا به حیات خود ادامه دهد. چه رسد به اینکه با این جسارت به مال و عرض و ناموس مسلمین تجاوز کند و به همین دلیل مبارزه با این سرطان مخوف، لازمه‌اش نبرد بی‌امان با آمریکای جنایتکار است و لذا در صف نبرد جایی برای نوکران آمریکا نیست زیرا رژیمهای دست نشانده‌ای از قبیل عربستان و عراق و اردن به سبب وابستگی خود توان نبرد مقدس با رژیم صهیونیستی را ندارند.

گوشه‌هایی از اسناد باقیماندهٔ لانهٔ جاسوسی که حکایت از اتحاد امپریالیسم آمریکا و رژیم صهیونیستی دارد را بنا بر وظیفه‌ای که داشتیم و تعهدی که نموده بودیم در این مجموعه گرد آوردیم. باشد که با آگاهی بیشتر جهان اسلام و مستضعفین عالم از این پیوندهای نامقدس، مسلمین محور واقعی مبارزه را که تنها اسلام است و نه قومیت که رنگ و بویی از شرک و نژاد پرستی دارد را یافته و همگام با انقلاب شکوهمند اسلامی ایران پایه‌های سلطهٔ استکبار جهانی را یکی پس از دیگری در سراسر عالم محو و نابود سازند.

سند اول جزوهٔ نسبتاً مفصلی است پیرامون سرویسهای جاسوسی و امنیتی اسرائیل که توسط جاسوسان شیطان بزرگ تهیه و تنظیم شده است. در این سند در حقیقت آمریکای جنایتکار تصویر روشنی از جنایات و عملیات ضدانسانی دستگاه جاسوسی رژیم نژادپرست تحت‌الحمایهٔ خود را ترسیم نموده است. رژیمی که موجودیت خود را مرهون قدرتهای استکبار جهانی است، الزاماً در منطقه‌ای با وسعت ناچیز و جمعیت اندک بایستی دست به تشکیل یک چنین مجموعهٔ عظیم جاسوسی و امنیتی بزند. همچنان

www.takbook.com



که به تصریح خود سند، حوزهٔ فعالیت دستگاههای جهنمی جاسوسی اسرائیل نه تنها به منطقه و کشورهای مسلمان بسنده نمی‌کند، بلکه در برگیرندهٔ کل جهان است و در هر کجای عالم که رژیم فاسد و وابسته‌ای وجود دارد از یاری و همکاری دستگاههای اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل بی‌بهره نیست. عملیات موساد که تنها بخشی از این مجموعهٔ شیطانی را تشکیل می‌دهد، آنقدر گسترده است که شوروی، آمریکا و سازمان ملل متحد و اروپای شرقی را به لحاظ جمع‌آوری اطلاعات سیاسی و اقتصادی و علمی در برمی‌گیرد. در بخشی از این سند آمده است:

"موساد در اکثر پایتختهای اروپایی، ترکیه، ایران و مراکز استراتژیک در آمریکای لاتین، آفریقا و خاور دور پایگاههایی (اطلاعاتی و جاسوسی دارد و عملیات گوناگونی از "روابط وابستهٔ رسمی" با سرویسهای میزبان (مثل سیا و ساواک)، برای رد و بدل نمودن اطلاعات، تا انجام عملیات ویژهٔ اجرائی که مستقیماً بر علیه تروریستهای عرب می‌باشد، به انجام می‌رساند." (تأکید داخل پرانتز از ما است.)

اینها پا را از هم فراتر گذاشته، حتی از جاسوسی ارباب خود نیز کوتاهی نمی‌کنند، به طوری که در دفتر سفیر آمریکا، میکروفن مخفی نصب کرده‌اند.

این سند همچنین مبین توطئه‌ها و جنایتهایی است که با پوشش به اصطلاح دیپلماتیک توسط کارگزاران صهیونیسم در سفارتخانه‌های اشغالگران قدس در پهنهٔ گیتی صورت می‌گیرد؛ به طوری که در قسمتی از آن چنین آمده است: «ادارهٔ "جمع‌آوری"، یکی از ادارات هشتگانهٔ موساد و بزرگترین اداره آن، تحت پوششهای دیپلماتیک در کشورهای خارجی فعالیت می‌کند.» اکنون دیگر کاملاً مشخص است که اشخاصی که به عنوان سفیر و کاردار و غیره در مراکز توطئهٔ خود یعنی سفارتخانه‌ها، مشغولند، عهده‌دار چه نقشی هستند.

همان گونه که قبلاً نیز اشاره کردیم، در هر کجای عالم که رژیم فاسد و فاجر مصدر امور است، دستگاههای اختناق و سرکوب آن، از همکاری صمیمانه موساد و دیگر سرویسهای جاسوسی اسرائیل برخوردار است. مشخصاً خود سند موارد زیر را تصریح می‌کند:

«موساد مسئولیت آموزش سرویسهای اطلاعاتی ترکیه، غنا و ژاپن را دارد.»

«اسرائیل با سرویسهای اطلاعات و امنیت آفریقای جنوبی همکاری دارد.»

طبیعی است که دستگاه ساواک، عامل سرکوب مبارزین و انقلابیون مخالف رژیم جنایتکار شاه نیز در این همکاریها از سهمی بسزا و دیرینه برخوردار است:

«در اواخر ۱۹۵۸، یک سازمان وابسته رسمی سه جانبه، شامل موساد، سرویس امنیت ملی ترکیه و ساواک تشکیل شد، که این سازمان نیزهٔ سه سر نامیده شده بود.»

«علاوه بر تداوم مبادلات اطلاعاتی، جلساتی نیز در هر نیمسال، در سطح رؤسای سرویسها داشته است.»

البته ظاهراً محصول این همکاری مداوم و مستمر چیزی فراتر از آموزش اعضاء پرسنل خود فروخته جنایتکار ساواک بوده و موساد از این طریق سیاستهای صهیونیسم بین‌المللی را بر رژیم آمریکایی شاه تحمیل می‌کرده و با تمام توان زمینه‌های سرکوبی مسلمانان اعم از ایرانی یا عرب را در منطقه فراهم می‌کرده‌اند. این مطلب را خود سند به وضوح به شکل زیر بیان می‌کند:

«هدف اصلی روابط اسرائیل با ایران، ایجاد و توسعهٔ سیاستهای ضد عربی و موافق اسرائیل در

www.takbook.com



تصمیمات مقامات ایرانی بود. از اواخر ۱۹۵۰ به بعد، در طی سالها، موساد در عملیات مشترکی با ساواک، همکاری داشته است. موساد به فعالیتهای ساواک یاری داده است و کردهای عراق را حمایت کرده است.» آشکارا دیده می‌شود که چگونه ساواک و موساد از یک سو بر علیه اعراب مسلمان دست به توطئه می‌زدند و از سوی دیگر انقلابیون مسلمان را در ایران به خاک و خون می‌کشیدند و به این ترتیب طبیعی است که این دستگاه شیطانی، یعنی موساد، وجود جمعیتهای مختلف مسیحی و مسلمان را در لبنان بهترین زمینه برای عملیات جاسوسی و اطلاعاتی بداند و دست به ایجاد یک تشکیلات مخفی در این مسیر بنماید.

به طور کلی سند اول یک چارت سازمانی دستگاههای جاسوسی اسرائیل را با اجزاء و خصوصیات کامل آن نشان می‌دهد و می‌تواند راهنمای خوبی برای شناخت بیشتر مبارزین مسلمان از این دستگاه جهنمی باشد، تا به اتکای الله و با وحدت کلمه با تمامی قوا هر روز ضربهٔ جدیدی بر پیکرهٔ پوسیده و رو به زوال آن وارد آورند، که عاقبت امر ظالمان در دنیا و عقبی جز خسران چیزی نیست.

در سند دوم که مربوط به ۱۹۶۵ می‌شود، دیده می‌شود که چگونه رژیم اسرائیل فعالیتهای خود را در ایران گسترش می‌دهد و به رژیم شاه نزدیک می‌شود و در این راه حتی از طرحهای کشاورزی و صنعتی استفاده می‌کند، البته بدون سر و صدا و با پوشش، که در این زمینهٔ مساعی فراوان سفیر آمریکا با نمایندهٔ رژیم اشغالگر قدس که در آخر سند آمده است، قابل توجه است.

در سند سوم، شاهد حمایت بیدریغ و همه جانبهٔ شاه از اسرائیل هستیم، که با فروش نفت نه تنها به ادامهٔ بقای اسرائیل کمک می‌کند، بلکه از سوی دیگر به یکپارچگی جهان اسلام ضربات فراوان وارد می‌کند. طبیعی است که شاه عامل شماره یک امپریالیسم آمریکا در منطقه و یار وفادار اشغالگران قدس شکست اسرائیل را محال بپندارد. چنان که به زعم او خودش نیز شکست‌ناپذیر بود. غافل از اینکه همان گونه که توده‌های مسلمان با اتکای به خدای تعالی و احکام اسلام شر او را از سر مسلمین کم نمودند. بار دیگر تمامی مسلمین در سر تا سر منطقه با مسلسلهای متکی بر ایمان، و توکل بر خدا اسرائیل غاصب را به سزای جنایاتش خواهند رساند، هر چند که رژیمهای وابسته‌ای همچون عربستان جانشین شاه در تأمین نفت اسرائیل و آمریکا شده باشند.

در سند شمارهٔ یک گفته شد که چگونه در پوشش سفارت و مورد دیپلماتیک مأمورین اطلاعاتی درجهٔ اول صهیونیسم مشغول به کار هستند. اسناد چهارم و پنجم مصادیق جزئی این مطلب در ایران هستند.

آقای بن‌یوحنان که زمانی از مشاوران نزدیک نخست وزیر و وزیر امور خارجه رژیم اشغالگر قدس، بوده بعنوان کاردار در هیئت نمایندگی جاسوسان اسرائیل مشغول است و آنقدر این جناب ناظر به امور مختلفه است که جاسوسان شیطان بزرگ نیز دست به دامن او می‌شوند تا دانسته‌های خود را در اختیار آنان قرار دهند. جاسوس آمریکایی نیز مشفقانه خبر گرایش رژیم دست‌نشاندهٔ شاه به اسرائیل را در اختیار عامل صهیونیسم در ایران قرار می‌دهد.

سند شمارهٔ ۶ پرده از حمایت بیشمار شاه از اسرائیل در زیر چتر حمایتی اربابشان، آمریکا، برمی‌دارد. عوامل اسرائیل از ترس خشم توده‌های مسلمان در ایران، بدون نمود خارجی در سطح وسیعی مانند به اصطلاح سفارتخانه‌های سایر دول امپریالیستی مشغول چپاول بیت‌المال مردم محروم این دیار بوده‌اند. نزدیکی رژیمهای اسرائیل و شاه که حیات سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را مدیون حمایتهای مستقیم

www.takbook.com



آمریکا هستند، امر غریبی نیست. بلکه اطلاع سفارتخانه‌های عرب از این همکاریها و سکوت و رضایت آنها سؤال برانگیز است. همان رژیمهایی که پس از سرنگونی رژیم آمریکایی شاه بر اثر انقلاب خونبار اسلامی و قطع تمام روابط با اسرائیل و در مقابل ایجاد روابط با مردم فلسطین، به فغان آمدند و کار به جایی رسید که آنها همگام با اسرائیل غاصب دست به توطئه‌های مشترک برای براندازی جمهوری اسلامی می‌زنند.

در سند هفتم حضور جاسوس دیگری از وابستگان رژیم اشغالگر قدس را در تهران می‌بینیم، که البته این بار جاسوسان شیطان بزرگ به صراحت قید می‌کنند که وی فعالیتهای جاسوسی در ایران دارد.
در سند هشتم نیز شاهد تبادل نظر جاسوسان دوست و متحد(!) در مورد مسایل ایران هستیم که هماهنگی لازم را در چپاول مردم و سرکوبی مبارزین با یکدیگر به عمل می‌آورند. همان طور که در سند شماره یک از همکاری مستقیم ساواک و موساد و تشکیل سازمان «نیزهٔ سه سر» یاد شده بود، در سند هشتم نیز کارمند رژیم صهیونیستی، دوست آمریکایی خود را در جریان دقیق ماوقع یکی از عملیات ساواک و خشونت وحشیانهٔ ساواک (به تعبیر خود جاسوس صهیونیست) قرار می‌دهد. همین همکاری خائنانه را در سند نهم به وضوح می‌بینیم و به این ترتیب عجیب نیست که اسرائیل غاصب از پیامدهای انقلاب اسلامی این چنین هراسناک است و دوستان قدیمی خود را در ساواک، امروزه در کردستان و سایر مناطقی که نیروهای ضدانقلابی بر علیه جمهوری اسلامی ایران مشغول توطئه هستند، یاری می‌رساند. نکتهٔ قابل توجه دیگر در سند نهم، نگرانی اسرائیل جنایتکار، از عدم توافقی احتمالی بین ایران و آمریکا در تمامی زمینه‌ها است! این نکته وابستگی حیات نامیمون اسرائیل را به سلطه جهانی آمریکا نشان می‌دهد.

سند دهم نیز گزارشی است از سیا که سوابق جاسوسان مرکز توطئهٔ رژیم اشغالگر قدس راکه عموماً در دستگاههای جاسوسی و نظامی اسرائیل سالیان متمادی به کشتار و قتل عام اعراب مسلمان اشتغال داشته‌اند و سپس برای ادامهٔ سلطهٔ شیطانی صهیونیسم به جنایات خود در ایران ادامه می‌دهند را نشان می‌دهد؛ البته با نظارت شیطان بزرگ!

سند یازدهم نیز مانند سایر اسنادی که ذکر آن رفت، هدایت و هماهنگی آمریکا در ارتباط با فعالیتهای رژیم صهیونیستی و شاه معدوم را نشان می‌دهد و علاوه بر آن اتحاد و یگانگی آمریکا و اسرائیل را در مقابله با نهضتها و حرکتهای انقلابی مردم مسلمان فلسطین و سایر رژیمهای انقلابی عرب مسلمان به وضوح آشکار می‌کند. این مطلب با وضوح و جزئیات بیشتر در اسناد دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم نیز مشاهده می‌شود. سند شانزدهم نیز اطلاعات دقیق جاسوسان شیطان بزرگ از سلاحی است که به دست رژیم صهیونیستی برای سرکوبی مسلمین ساخته شده، که امیدواریم افشای آن برای رژیم صهیونیستی نتایج زیانباری همراه داشته باشد.

.... و نهایتاً سند هفدهم یعنی آخرین سند، گزارش زندگینامهٔ یکی از سران رژیم صهیونیستی، یعنی اسحق رابین جنایتکار است که توسط جاسوسان سیا تهیه و تنظیم شد؛ مردی که با کشتار مردم قهرمان فلسطین پله‌های ترقی را تا نخست وزیری رژیم صهیونیستی طی کرد و عکس‌العمل او در قبال حملهٔ اعراب در ۱۹۶۷ چیزی جز ترس و غش نبود.

ویژگی بارز اسنادی که شرح مختصری از آن را آوردیم، وحدت عمل و هماهنگی کامل رژیم صهیونیستی با آمریکای جنایتکار در عملیات خائنانهٔ خود در سراسر جهان و خصوصاً منطقه است و به

www.takbook.com



وضوح دیده می‌شود، که اگر یک آن حمایت مستقیم شیطان بزرگ از این غاصبان حقوق مسلمین قطع شود، دیگر ادامهٔ حیات بر آنان مقدور نیست.

به همین دلیل باز بر این نکته تأکید می‌کنیم که این جهاد مقدس بر علیه اشغالگران قدس، نبرد بی‌امان بر علیه شیطان بزرگ را طلب می‌کند و در این صف، نوکران آمریکا، آنان که هماهنگ با رژیم شاه بـا صهیونیسم همراهی می‌کردند و امروز جانشین شاه در تأمین نفت اسرائیل هستند، هرگز نمی‌توانند ایفای وظیفهٔ تاریخی خود را بنمایند.[1] به این امید که همهٔ مسلمین حول مکتب حیات آفرین اسلام با مسلسلهای متکی بر ایمان با اتحاد و یگانگی این پایگاه استکبار جهانی در قلب امت اسلام را محو و نابود سازند و برای این پیکار مقدس، انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران که ادامهٔ نهضت انبیاء است،

بهترین الگوست و اطمینان داریم که نابودی این پایگاه کفر، که مطابق سنن الهی دوام چندانی هم ندارد، زمینه‌ساز حکومت حضرت ولی عصر(ع) و نوید بخش رهایی مستضعفان از چنگال مستکبران است.

والسلام

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

توضیح: در اسناد شمارهٔ ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ به علت طولانی بودن متن فقط به ترجمه مطالب مهم اکتفا شده و اصل سند به طور کامل به چاپ رسیده است.

---

۱ـ جالب اینجاست که همان رژیمهایی که به تصریح اسناد جاسوسی آمریکا هیچ مخالفتی با فعالیتهای اسرائیل در ایران با علم بـه وجـود آن نداشتند امروز همگام با امپریالیسم آمریکا! انقلاب اسلامی ایران را متهم به ارتباط با اسرائیل می‌کنند!!

www.takbook.com



## سند شمارهٔ (۱)

**سری**

**غیرقابل رؤیت و تحویل به اتباع بیگانه** **مارس ۱۹۷۹**

**غیرقابل تحویل به کنتراتچیان یا مشاورین کنتراتی**

**حق اقتباس و انتشار اطلاعات تحت نظر ناشر (تهیه‌کننده) امکان‌پذیر است.**

**سرویسهای اطلاعات خارجی و امنیت اسرائیل**

این یک «بررسی» از سرویسهای امنیت و اطلاعات خارجی اسرائیل است، که توسط کارکنان «مدیریت عملیات ضد اطلاعاتی» (DOCS)، «سازمان مرکزی اطلاعات» (CIA)، با همکاری و هماهنگی «سازمان اطلاعاتی دفاع» (DIA) تهیه و انتشار یافته است. این «بررسی» جانشینی برای «بررسی اطلاعات ملی» (NIS) بخش ۵۶، امنیت و اطلاعات می‌باشد، و حدوداً در همان فاصلهٔ زمانی که «بررسی اطلاعات ملی» چاپ می‌شود، اصلاح و دوباره چاپ و تکثیر خواهد شد و یا بر حسب آنچه پیشرفت امور تجویز و تضمین کند، منتشر خواهد شد.

اجازهٔ انتشار، نسخهٔ اصلی، یا کپی اضافی این «نوشتار»، از طریق کانالهای وضع شده در «سازمان مرکزی اطلاعات» (CIA) می‌تواند به دست آید.

اخطاریه: منابع و متدهای اطلاعاتی عنوان و مورد بحث قرار گرفته (WN) است.

(یادداشت اخطاریهٔ اطلاعاتی WNINTEL)

اطلاعات امنیت ملی (NSI): افشای غیر مجاز، مشمول جرایم جزائی می‌باشد. (UDSCS)

اختصارات برای کنترل انتشاراتی: NOFORN (NF)f غیرقابل رؤیت و تحویل به اتباع بیگانه.

NOCONTRACT (NC) غیرقابل رؤیت و تحویل به کنتراتچیان یا مشاورین کنتراتی.

PROPIN (PP) احتیاط ـ شامل اطلاعات اختصاصی است.

NFIBONLY (NO) فقط برای ادارات NFIB

ORCON (OC) حق اقتباس و انتشار تحت ناظر ناشر (تهیه‌کننده) امکان‌پذیر است.

REL..... این اطلاعات برای تحویل به..... مجاز می‌باشد.

FGI اطلاعات دولت بیگانه

این نوشتار به صورت میکروفیش موجود است. برای اخذ میکروفیش از این نوشتار به 7177(OCR/DSB) تلفن بزنید. برای اخذ چاپهای بعدی به علاوه یا به جای کپی به 5203(PPG/RDB) تلفن بزنید. طبقه بندی مشتقات توسط ۰۵۹۹۱۰ ـ تجدید نظر ۳۰ سال پس از تاریخ کنونی نوشتار خواهد بود. مشتق شده از D9b.1

بررسی «سرویسهای اطلاعات و امنیت بیگانه» جزء اطلاعات ملی است و نباید در اختیار و رؤیت نمایندگان دول بیگانه یا هیئتهای بین‌المللی قرار گیرد، بجز در مواردی که اجازه نامهٔ ویژه از رئیس (CIA) دریافت شده باشد، آن هم بر طبق مقررات «شورای امنیت ملی» (NSC) مقررات اطلاعاتی شمارهٔ ۱.

کلیه مطالب مندرج در این صفحه «محرمانه» تلقی می‌شود. سرّی / NOFORN / NOCONTRACT ORCON

www.takbook.com



فهرست مندرجات

الف. (A). کلیات
۱ ـ سوابق و توسعهٔ سرویسها
۲ ـ اهداف و ساختمان
۳ ـ جنبه‌های سیاسی
یک ـ روابط و مناسبات بین دولت و سرویسها
دو ـ روابط و مناسبات بین مردم و سرویسها
۴ ـ معیارهای حرفه‌ای
یک ـ درستی و تمامیت
دو ـ کارآیی
سه ـ امنیت
چهار ـ روشهای اخلاقی و انضباطی
ب. (B). موساد ـ سرویس اطلاعات سری (SIS) - MOSSAD
۱ ـ وظایف
۲ ـ سازماندهی
۳ ـ عملیات اداری
یک ـ تعلیمات و آموزش
دو ـ حقوق و مزایا
۴ ـ روشهای عملیاتی
یک ـ روابط با سرویسهای دیگر
دو ـ روابط وابسته با سرویسهای بیگانه
ج. (C). شین بث ـ سرویس امنیت داخلی و ضدجاسوسی
۱ ـ وظایف (EISS) SHIN - BETH
۲ ـ سازماندهی
۳ ـ عملیات اداری
۴ ـ روشهای اطلاعاتی
د. (D). اطلاعات نظامی (MI)
۱ ـ وظایف
۲ ـ سازماندهی
یک: اطلاعات نیروی هوایی (AFI)
دو: اطلاعات نیروی دریایی (NI)
۳ ـ عملیات اداری
۴ ـ روشهای عملیاتی
۵ ـ روابط با سرویسهای دیگر

www.takbook.com



هـ (E). مرکز تحقیقات و طرح‌ریزی سیاسی (RPPC)
و. (F). پلیس ملی (NP)
ز. (G). افراد عالیرتبهٔ اصلی (سران) (KO)
ح. (H). نظریات در مورد منابع اصلی
۱ ـ مطالب منبع
۲ ـ انتشارات آشکار تکمیلی

**اشکال**

شکل ۱ عامل روسیه «اسرائیل بیر» (عکس)
شکل ۲ تشکیلات سرویسهای اطلاعات و امنیت اسرائیل، ۱۹۷۷ (چارت)
شکل ۳ تشکیلات موساد، ۱۹۷۷ (چارت)
شکل ۴ فرستندهٔ الیاهوبن شائول کوهن در حال نمایش در دمشق ۱۹۶۵ (عکس)
شکل ۵ ژوهان ولفگانگ لوتز به هنگام محاکمه‌اش در قاهره موارد استعمال فرستنده را توضیح و ارائه می‌دهد، ژوئیه ـ اوت ۱۹۶۵ (عکس)
شکل ۶ تشکیلات شین بث، ۱۹۷۷ (چارت)
شکل ۷ تشکیلات اطلاعات نظامی، ۱۹۷۷ (چارت)
شکل ۸ تشکیلات اطلاعات دریایی، ۱۹۷۴ (چارت)
شکل ۹ تشکیلات پلیس ملی اسرائیل، ۱۹۷۷ (چارت)
شکل ۱۰ مقر فرماندهی پلیس ملی اسرائیل، اورشلیم، نوامبر ۱۹۷۲ (عکس)
شکل ۱۱ پاسگاه گارد مرزی اسرائیل در حال ساختمان در «کفار روزنوالد» (Kefar Rosenwald) زریت (Zarit)، ژوئن ۱۹۷۵ (عکس)

**فرهنگ لغات**

| معنی | اختصار |
|---|---|
| سازمان دفاعی (DO) نیروی مقاومت | Haganah (هاگانا) |
| جنبش آزادی (FM) | Herut (هروت) |
| فدراسیون عمومی کار در اسرائیل (GFLI) | Histadrut (هیستادروت) |
| نیروهای ارتش اسرائیل (IDF) | IDF |
| حزب کار اسرائیل (ILP) | ILP |
| سازمان ارتش ملی (NMO) | Irgun (ایرگون) |
| بخش تحقیقات (RD) | — |
| اطلاعات سیاسی (PI) | — |
| حزب کمونیست اسرائیل (ICP) | MAKI |
| حزب کارگران اسرائیل (IWP) | MAPAI |

www.takbook.com



| | |
|---|---|
| حزب کارگران متحد (UWP) | MAPAM |
| اطلاعات نظامی (MI) | MI |
| سرویس اطلاعات سری (کلمه بکلمه: مؤسسهٔ مرکزی اطلاعات و وظایف ویژه). (SIS) | MOSSAD (موساد) |
| گروه‌های سرنیزه‌ای (خط اول)، (SG) | Palmach (پالماچ) |
| جمع‌آوری و تولید مخفیانه (CCP) | — |
| کارگران چپ‌گرای اسرائیل (IWL) | RAFI |
| کمونیستهای جدید چپ‌گرا (NCL) | RAKAH |
| سرویس اخبار (اطلاعات) (IS) | Shay (شی) |
| چپ جدید اسرائیل (NCL) | SIAH |
| سرویس امنیت داخلی و ضدجاسوسی (CISS) | Shinbeth (شین بث) |
| شاخهٔ پلیسی اطلاعات نظامی (PBMI) | — |
| سرویس امنیت و اطلاعات دریایی (ISS) | — |
| کمیتهٔ سران سرویسها (CHS) | Va adat (وعدت) |

**الف (A) کلیات**

مرجع اصلی اطلاعات و امنیت اسرائیل «وعدت راشه‌ای‌ها شروتیم» (کمیتهٔ سران سرویسها) است. که معمولاً به عنوان «وعدت» شناخته می‌شود. «وعدت» فعالیتها و عملیات اعضای خویش را هماهنگ می‌سازد. «موساد لتافکدیم میوچادیم» (سرویس اطلاعات سری) یا موساد که اسم معمول آن می‌باشد، مسئولیت عمدهٔ عملیات خارجی را عهده‌دار است و تحت نظر و تابع نخست وزیر می‌باشد.

«شروت بیتاچون کلالی» (امنیت داخلی و ضدجاسوسی) که معمولاً به شین بث مشهور است، مسئول امورات امنیتی است و مستقیماً تحت نظر نخست وزیر می‌باشد.

«اگاف مودین» (اطلاعات نظامی)، مسئولیت اصلی «اطلاعات استراتژیکی نظامی» و «اطلاعات ارتباطاتی» را عهده‌دار است و تحت فرماندهی رئیس ستاد نیروهای ارتش اسرائیل می‌باشد.

وزارت امور خارجه، حمایت «تحقیقاتی و طرح‌ریزی سیاسی» جامعهٔ اطلاعاتی اسرائیل را مهیا می‌سازد.

وزارت کشور، «پلیس ملی» را با کمک «بازرسی پلیس» و «حفظ امنیت مرزهای کشور» یاری می‌دهد.

**۱ـ سوابق و توسعهٔ سرویسها:**

در سال ۱۹۴۸، هنگامی که قیمومیت انگلستان پایان یافت، جمعیت یهودی سرزمین فلسطین، کشور اسرائیل را تأسیس نمود. در میان سازمانهای دولتی که ایجاد شدند، واحد امنیتی و اطلاعاتی نیز وجود داشت که به «سرویس اخبار (اطلاعات)» (شی) معروف بود. این سازمان، که بازوی اطلاعاتی «نیروی مقاومت زیرزمینی» (هاگانا) صهیونیستها بود، در زمان قیمومیت انگلستان، با تأسیس «آژانس یهود» در سال ۱۹۲۹، در کنگرهٔ صهیونیستها در زوریخ سوئیس، شروع به عملیاتی در مقیاس جهانی زد. در آن

www.takbook.com



زمان، «آژانس یهود» متشکل از صهیونیستها و غیرصهیونیستها، از جمله شرکت و حضور فعالانه و گسترده آمریکاییان بود. «آژانس یهود» که جهت حمایت و پشتیبانی یهودیان تحت فشار و محروم، و حفظ جامعهٔ یهودی فلسطینی ایجاد شده بود، در طی سالیان دراز، به طور مؤثری تحت کنترل صهیونیستها قرار گرفته است.

این «آژانس» به عنوان پوششی برای «شی» به کار می‌رفت و عملیات مخفی خود را در اروپای غربی و ایالات متحده گسترش داد.

از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۴۸، اهداف «شی» بدین قرار بود: پیشبرد امر تأسیس یک کشور مستقل اسرائیلی، نفوذ در تأسیسات و تشکیلات قیمومیتی انگلستان به منظور مطلع نمودن رهبران صهیونیست از طرز تفکر آنان و ارائه طرحهای عملیاتی، جمع‌آوری اخبار و اطلاعات سیاسی جهت بهره‌گیری در تبلیغات صهیونیستی، نفوذ در احزاب و دستجات عرب و ضدصهیونیستی در فلسطین و کشورهای مجاور، نظارت و کنترل همهٔ گروههای افراطی در میان جوامع یهودی در فلسطین و خارج از آن،حفظ امنیت قاچاق اسلحه و برنامه‌های مهاجرت غیرقانونی «هاگانا»، و نهایتاً جمع‌آوری اطلاعات از آلمانهای نازی به منظور تأمین و تضمین امنیت نیروهای زیرزمینی یهود و کانالهای گریز در سرتاسر اروپا در قبل و حین و بعد جنگ جهانی دوم بوده است. «شی» از بخشهای زیر تشکیل یافته بود:

اطلاعات سیاسی، امنیت داخلی و ضدجاسوسی، اطلاعات نظامی، شاخهٔ پلیسی اطلاعات نظامی، و بالاخره اطلاعات و امنیت دریایی. این سرویسها هر کدام مستقلاً از طرف وزارتخانه‌های مختلفی که شخصاً در قبال آنها مسئول بودند، عمل می‌نمودند. این مجامع امنیت و اطلاعات در رقابت با یکدیگر بوده و مکرراً به طور مستقل عمل می‌نمودند. این هرج و مرج محصول کلی و عمومی بعد از جنگ بود که انجام عملیات و وظایف فوری زیادی را، در هر زمان که ایجاب می‌نمود، کاملاً الزامی می‌دانست. در تعدادی از پایتختهای اروپای غربی، تمامی سرویسها حضور داشته و برای عمال و منابع مشخص و یکسانی در رقابت با یکدیگر بودند.

در آوریل سال ۱۹۵۱ نخست وزیر و کابینه‌اش به سبب جو حسادت متقابل و عدم اعتماد غالب و شایع در بین سرویسها، که به قیمت گزافی از جهت عدم هماهنگی تلاشهایشان، در این زمینه منتهی شده بود، شدیداً احساس خطر کرده و تصمیم به دوباره‌سازی کامل ساختمان اساسی جامعهٔ امنیت و اطلاعات اسرائیل گرفتند.

نیروی متحرکی که پشتوانهٔ این طرح بود، مرد فقیدی به نام «ریوون شیلوا» (Reuven Shiloah) بود، که دوباره‌سازی سرویسها را بر طبق وظایف، عملکرد و مسئولیتهایشان عملی کرده و مکانیسمی را که عملیات آنان را هماهنگ کند، تأسیس نمود. «شیلوا» رئیس این مرجع که «کمیتهٔ سران سرویسها» یا «وعدت» نام گرفت، بود. او «سرویس اطلاعات و امنیت دریایی» و واحد نوبنیاد «اطلاعات هوایی» را در «اطلاعات نظامی» ادغام نمود. «سرویس اطلاعات سیاسی» را از وزارت خارجه جدا و مستقل نمود و در شکل «سرویس اطلاعات سری» دوباره‌سازی کرد (موساد). تنها وزارت خارجه بخش تحقیقات را حفظ نمود. «سرویس امنیت داخلی و ضد جاسوسی» (شین بث)،غیر از تغییرات داخلی همچنان دست نخورده باقی ماند. «بخش وظایف ویژه» (STD) در ادارهٔ «بازرسی پلیس» یک جزء جدید این دستگاه گشت. دوباره‌سازی «شیلوا» در ساختمان امنیت و اطلاعات، جامعهٔ مؤثر و بسیار هماهنگی را به وجود آورد.

www.takbook.com



سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل این استخوان‌بندی را نسبتاً بدون تغییری، در طی جنگهای اعراب و اسرائیل در اکتبر و نوامبر ۱۹۵۶، جنگ ۶ روزه در ژوئن ۶۷، و جنگ «یوم کیپور» در اکتبر ۷۳، حفظ نمودند. به هرحال، در طی اوایل و اواسط دهۀ ۱۹۶۰، دولت اسرائیل تغییراتی را در ساختمان و وظایف هر یک از سرویسهای جامعۀ امنیت و اطلاعات در نظر گرفته بود. علیرغم دوباره‌سازی اولیه «شیلوا»، اغلب آنچه که در سرویسهای امنیتی در این دوره اتفاق افتاد، بستگی به روابط شخصی بین «بن گوریان» و رؤسا و مدیران جامعه بود. در اوایل ۱۹۶۳، درست قبل از بازنشستگی و کناره‌گیری وی، بن گوریان کمیته‌ای را برای بررسی اوضاع، تعیین و انتخاب نمود. او نگران آن بود که تأسیسات و تشکیلات امنیتی و اطلاعاتی که به سبب نقش او به عنوان نخست وزیر و وزیر دفاع، معمولاً رضایت‌بخش عمل می‌نمود، با کناره‌گیری وی رو به زوال رود. طبق گزارشات، او نیز از عدم صراحت و روشنی در زنجیر فرماندهی و عملیات این جامعه، ناراضی بود و به کمیتۀ مزبور دستور داد تا وظایف چگونگی وابستگی هر یک از سرویسها را تعریف و معین نماید.

در ژوئیۀ ۱۹۶۳، کمیته گزارش خود را تسلیم نخست وزیر جدید، لوی اشکول (Levi Eshkol) فقید نمود. کمیته چنین عنوان نمود که در حالی که وظایف نخست وزیر و وزیر دفاع الزاماً نباید در دست یک فرد متمرکز شود. معهذا نخست وزیر باید از همۀ فعالیتهای «اطلاعات و امنیت ملی» هر یک از سرویسها مطلع گردد و «ارزیابیهای منتقدانۀ اطلاعاتی» به توسط و براساس نقطه نظرهای مختلفی که از منابع گوناگون به دست می آید، متعادل و تصحیح شود. به منظور نیل به این اهداف، کمیته توصیه نمود که «بخش تحقیقات» وزارت امور خارجه تقویت شود. که توانایی ارائه «ارزیابیهای سیاسی مستقل» دربارۀ مسایل خاورمیانه و موضوعات سیاسی دیگر را داشته باشد.

با رشد کیفی و تقویت بخش تحقیقات، کمیته معتقد بود که بدین نحو، «تعادل و توازن مشخصی» برای ارزیابیهای امنیتی و سیاسی، که تقریباً تا آن زمان، تنها توسط «ادارۀ تولیدات» سرویس اطلاعات نظامی تهیه می‌شد، به وجود آید. همچنین کمیته مشاهده نمود که وجود «موساد» که کنترل «جمع‌آوری مواد اطلاعاتی سری» را به عهده داشت، بتواند تا حدودی واحد ارزیابی مستقل دیگری را تسهیل و احتمالاً تشکیل دهد. کمیته انتخاب «مشاور مخصوصی» را که تنها وابسته به نخست وزیر باشد، نیز امری مهم و حیاتی تلقی نمود. مشاور باید شخصیتی با صلاحیت و کارایی عالی باشد که نخست وزیر را در حفظ تماس و کنترل فعالیتهای مختلف سرویسهای اطلاعاتی و امنیتی یاری دهد. توصیه‌های اساسی کمیته، در این زمان تکمیل و به کار برده نشد و تنها به وجود پست «مشاورت» و جا به جایی اختیار و مسئولیت «شین بث» از وزیر دفاع به نخست وزیر، جامۀ عمل پوشانده شد. در فاصلۀ کوتاه زمانی، بین سپتامبر ۶۵ تا ژوئیه ۶۶، ایزر هارل (Isser Harel) رئیس قبلی «وعدت» و رئیس «موساد» به عنوان مشاور مخصوص نخست وزیر «اشکول» در مسایل امنیتی و اطلاعاتی انجام وظیفه نمود. هارل در اثر مشاجراتی دربارۀ رویه‌ها و سیاستهای داخلی جامعه استعفاء نمود و در این زمان جانشینی دیگر به جای او انتخاب نگشت.

به دنبال شکست و افت اطلاعاتی عنوان شده در جنگ «یوم کیپور»، دولت اسرائیل در نوامبر ۱۹۷۳، «کمیسیون آگرانت» (Agranat) را برای تحقیق مسایلی که مرتبط به «عملیات جنگی» و «اجراء» سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی بود، تعیین کرد. کمیسیون در گزارش کوتاه و مقدماتی خود در آوریل ۱۹۷، سه پیشنهاد تقویت و فعال نمودن پست «مشاورت مخصوص نخست وزیر» را در امور امنیت و اطلاعات

www.takbook.com



مطرح نمود. کمیسیون همچنین تغییراتی در نیروهای امنیت و اطلاعاتی را از طریق تأسیس یک واحد «تحقیقات و ارزیابی» و در «موساد» و ارتقاء و توسعهٔ «بخش تحقیقات» و در وزارت امور خارجه، پیشنهاد نمود. هدف این اصلاحات و تغییرات دوری نمودن از اعتماد و اتکاء «فوق‌العاده و منحصرانه» به اطلاعات نظامی، در ارزیابیها و تخمینهای گسترده و اساسی بود. کمیسیون همچنین، نیاز به هماهنگی عملیاتی بهتری در زمینهٔ «جمع‌آوری اطلاعات» در بین سرویسها را تأکید نمود، ولی مخالف هماهنگی در قضاوتهای «اطلاعات تکمیلی نهایی» بود. گزارش کامل و نهایی کمیسیون، البته اگر تهیه و انتشار یافته باشد، هیچ گاه به طور عمومی مطرح نشد.

از سال ۱۹۷۴ تا۱۹۷۶، توصیه‌های گزارش مقدماتی کمیسیون آگرانت، اعمال شد. نخست وزیر، ارتشبد مخصوص «رهاوم زیوی» (Rahavam Zeevi)، را به عنوان مشاور مخصوص خود برگزید. پستی که کاملاً جنبهٔ مشورتی داشت و هیچ گونه قدرت و مسئولیت اجرائی در بر نداشت. «زیوی» متصوراً این شغل جدید را علاوه بر نقش مشاورت نخست وزیر در مسایل «ضدتروریسم» در اختیار داشت. «زیوی» همچنین وابستهٔ نخست وزیر در «اطلاعات نظامی» بود و نیز نخست وزیر را از اختلاف نظرات میان سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی، با خبر می‌ساخت.

به هر حال، در اکتبر ۱۹۷۶، «زیوی» از این پست استعفا داد و سرتیپ بازنشسته، و رئیس قبلی «اطلاعات نظامی»، «یهوشافت هرکبی» (Yehoshafat Harkabi)، جانشین وی شد. در ژانویه ۱۹۷۵، مرکز «تحقیقات و طرح‌ریزی سیاسی» وزارت امور خارجه، شروع به کار و فعالیت نمود. تغییراتی در ساختمان «اطلاعات نظامی» صورت گرفت و واحد جدید «تحقیقات و ارزیابی» برای بررسی و ارزیابی اطلاعات و اخبار، در داخل موساد تأسیس شد. منصوبین جدیدی برای اکثر سرویسها و واحدهای امنیت و اطلاعات تعیین شدند، و در ژوئن ۱۹۷۷، دولت اسرائیل یک کمیتهٔ اجرائی در «امور امنیتی» را تأسیس نمود.

**۲ـ اهداف و ساختمان:**

اهداف و مقاصد اساسی سرویسهای اطلاعات و امنیت اسرائیل عبارتند از: (۱) کشورهای عربی ـ توانایی و قدرت آنها، مقاصد و نظریاتشان دربارهٔ اسرائیل، روابط آنها با شوروی و سایر قدرتها، تأسیسات رسمی و نمایندگان آنها در سرتاسر جهان، رهبران، سیاستهای داخلی و سیاستهای بین اعراب، خصوصیات اجتماعی و نظامی، آمادگی نظامی و دیگر امورات جنگی، (۲) جمع‌آوری اطلاعات دربارهٔ سیاستهای سری ایالات متحده و یا تصمیمات آن، در صورتی که دربارهٔ اسرائیل باشد، (۳) جمع‌آوری اطلاعات علمی در آمریکا و سایر کشورهای پیشرفته، (۴) تصمیمات و سیاستهای دولت شوروی و کشورهای اروپای شرقی در قبال اسرائیل و مسایل و مشکلات مهاجرت یهودیان از این مناطق، (۵) نظارت و تعقیب نزدیک از همهٔ فعالیتهای ضد صهیونیستی در سرتاسر جهان و (۶) جمع‌آوری اطلاعات سیاسی و اقتصادی در همهٔ مناطق مورد توجه و علاقهٔ خود، نظیر آفریقا. سرویسهای اسرائیل همچنین کوششهای ویژه‌ای را بر علیه تبلیغات اعراب و خنثی نمودن فعالیتهای ضدصهیونیستی به عمل می‌آورند. در سالهای اخیر، اسرائیل بسیاری از فعالیتهای عملیاتی خود را مصروف ستیزه‌جویی و مبارزه بر علیه تروریسم عرب نمود. تروریسم در سالهای متمادی، توسط فداییان فلسطینی که به حملات پرجرأت و

www.takbook.com



مرگ‌آور، از طریق «مناطق بین مرزی مجزا شده» دست زده، و یا اغلب در سطح بین‌المللی بر علیه پرسنل و اموال اسرائیل اقدام نموده‌اند، رشد و گسترش یافته است. اسرائیلیها در مقیاس جهانی، برنامه‌های عملیاتی گستردهٔ سری «اقتصاد، سیاسی و شبه نظامی» را نیز، به خصوص در آفریقا، برعهده دارند.

اجازه و اختیار تشکیلات اطلاعات خارجی و امنیت داخلی، در حالی که به وسیلهٔ دستور و قانون به خصوصی تشریح نشده است، تلویحاً در قانون اسرائیل قرار دارد. بند ۲۹ از قوانین کشوری می‌گوید: «دولت موظف و مجاز است، به خاطر مصالح کشور، مطابق هر قانون، هر عملی که کاربرد آن قانوناً به هیچ مسئول و عامل دیگری تعلق نگیرد را اعمال نماید.» این قانون تلویحاً مدیریت امورات اطلاعات و امنیت کشور را به عهدهٔ دولت می‌گذارد، زیرا که عامل و مسئول مجاز دیگری اجازهٔ عمل در این حوزه را، طبق قانون دیگری دارا نمی‌باشد. کوششهایی در طی سالها توسط مسئولین دولتی و جامعهٔ اطلاعات و امنیت برای تصویب قانونی که وضعیت و عملیات سازمانهای اطلاعات خارجی و امنیت را تعریف کند، به عمل آمده، ولی تاکنون نتیجه‌ای از این تلاشها حاصل نشده است.

از طرف دیگر، امنیت داخلی مشخص‌تر در قانون تعریف شده است. قوانین دفاع (اضطراری) ۱۹۴۵ که (در زمان قیمومیت انگلستان وضع شده است.) قانون نظامی در ۲۱ ژوئن ۱۹۵۵ و قانون تجدید نظر جزائی (امنیت کشور) در ۳۱ ژوئیه ۱۹۵۷، که معادل احکام رسمی سری انگلستان می‌بود، همگی دربارهٔ امنیت داخلی می‌باشد. قوانین اضطراری ۱۹۴۵، به ادارهٔ ارتش قدرت دستگیری و تبعید عوامل مزاحم و مخرب و اینکه مناطق مخصوصی را به عنوان «مناطق محصور غیرقابل عبور» مشخص و علامت‌گذاری نماید و از ساکنین محلی تقاضای اجازهٔ عبور و مرور از این مناطق را بکند، داده است. در حالی که این قوانین در اصل دربارهٔ یهودیان و اعراب موجود در فلسطین، تعیین و به اجراء گذاشته شده است، ولی در حال حاضر در سطح وسیعی جامعه عرب را در اسرائیل کنترل و محدود می‌کند. اجراء قوانین از ارتش به پلیس در سال ۱۹۶۶ محول شده است و طبق گزارشات، ارگانهای امنیت داخلی، فعالیت عناصر خود را برای انجام و تقبل این مسئولیت افزایش داده‌اند.

قوانین اسرائیل تنبیه و مجازات سختی را از مجازات اعدام یا زندان ابد، برای خیانت یا همکاری با دشمن، تا زندان ۳ تا ۱۵ ساله برای جاسوسی و تماس با عمال خارجی، و همکاری و دستیاری در خیانت بر علیه کشور و افشای غیر مجاز اطلاعات، توسط کارمندان و پرسنل عمومی را مقرر نموده است. هیچگونه وضعیت و تعیین زمان و محدودیت جزائی در رابطه با افشاء غیرمجاز اطلاعات طبقه‌بندی شده، وجود ندارد.

تشکیلات مرکزی جامعهٔ اطلاعات و امنیت اسرائیل «وعدت» است، که وظیفه اصلی و اولیه آن هماهنگی کلیه فعالیتهای امنیتی و اطلاعاتی در داخل و خارج اسرائیل می‌باشد. «وعدت» شامل رئیس موساد، رئیس اطلاعات نظامی، رئیس شین بث، رئیس کل بازرسی، مدیر کل وزارت امور خارجه، رئیس مرکز تحقیقات و طرح‌ریزی سیاسی وزارت امور خارجه، و مشاورین سیاسی، نظامی، اطلاعاتی، و ضدتروریستی نخست وزیر می‌باشد. رئیس بخش «وظایف ویژه» در اداره بازرسی پلیس نیز، گاهی در نشستهای «وعدت» شرکت می‌کند و یا به جای رئیس کل بازرسی پلیس در جلسه حضور می‌یابد. نشستها هر دو هفته یک بار برگزار می‌شود، ولی می‌تواند بیش از این تعداد تشکیل گردد. در این جلسات رؤسای هر سرویس، معمولاً خلاصه‌ای از فعالیتهای مهم سرویس خود را در دو هفتهٔ گذشته ارائه می‌کند.

www.takbook.com



رئیس موساد ریاست «وعدت» را به عهده دارد، و به همین اندازه، در برابر نخست وزیر مستقیماً مسئول می‌باشد. اعضاء «وعدت» دارای موقعیت و مقام «نسبتاً مساوی» می‌باشند و واژهٔ «ممیون» (Memune) به رئیس موساد که عنوان ریاست «وعدت» را دارد، به عنوان یک نوع برتری و مقام عالیرتبه در برابر بقیه، به نام او الحاق شده است؛ هر چند که در حقیقت، ریاست اطلاعات نظامی، هم اکنون ریاست موساد را از جهت قدرت و اهمیت تحت‌الشعاع قرار داده است. این پیشرفت و تحولات منتج از ادامهٔ اعتماد و تکیه اسرائیل به آمادگی ارتش، در حفظ بقای ملی می‌باشد.

موساد مسئول جمع‌آوری اطلاعات خارجی و اجراء و ادارهٔ برنامه‌های عملیات مخفی در خارج از اسرائیل می‌باشد. شین بث مسئول ضداطلاعات و امنیت داخلی است، و به عنوان مسئول مجاز دولتی در مسایل امنیت پرسنل دولتی، انجام وظیفه می‌کند. شین بث مسئول و مأمور امنیت فیزیکی بنادر، فرودگاهها و تأسیسات حیاتی نظامی ـ اقتصادی داخل اسرائیل و حفاظت هیئتهای اسرائیل و عملیات ال عال در خارج از اسرائیل می‌باشد. شین بث قدرت دستگیری و بازداشت ندارد. این وظیفه توسط بخش «وظایف ویژه» در ادارهٔ بازرسی پلیس که در رابطه و همکاری نزدیکی با شین بث عمل می‌کند، صورت می‌پذیرد.

در مناطق و سرزمینهای اشغالی که تحت حیطه و کنترل نیروهای ارتش اسرائیل می‌باشد، شین بث تعهد دستگیری و جستجو، را به ارتش واگذار کرده، و از آنان مسئولیت می‌خواهد. یکی از واحدهای مخصوص که تحت ادارهٔ «بازرسی کل پلیس» می‌باشد، گارد مرزی است که مأموریت آن حراست از خطوط آتش بس در برابر نفوذ اعراب و کشف و شناسایی تروریستهای فدایی می‌باشد. در سالهای اخیر، واحدهای گارد مرزی به طور فزاینده‌ای در کنترل و سرکوب اغتشاشات و تظاهرات منطقه کرانهٔ غربی به کار گرفته شده‌اند.

سرویس اطلاعات نظامی، علاوه بر مسئولیت کسب اطلاعات تاکتیکی و استراتژیک، بررسی و تخمینهای اطلاعات ملی، و ارزیابی تمامی اخبار مرتبط به اعراب را تهیه می‌کند. همچنین مسئول تولید، توسعه و تعمیم، و حفاظت کدهای ارتباطاتی و روشهای نوشتارها و شماره‌های سری ارتباطاتی، برای تمامی سرویسها، از جمله وزارت امور خارجه و نیز برای دستگاههای ارتباطاتی می‌باشد.

مرکز تحقیقات و طرح‌ریزی سیاسی، که قبلاً بخش تحقیقات وزارت امور خارجه بوده آنالیز مواد خام اطلاعاتی به دست آمده از منابع مختلف را، برای مسئولین و مقامات رسمی کشور، در سطح تعیین خط مشی سیاسی تهیه می‌نماید.

سایر سازمانهای دولتی که حمایت و پشتیبانی از جامعهٔ اطلاعات و امنیت را فراهم می‌آورند، وزارتخانهٔ دارایی و امورات مالی (گمرکات و مالیات، سرمایه‌گذاری و اوراق بهادار) و وزارتخانهٔ جهانگردی، خطوط هواپیمایی ملی، ال‌عال (ELAL)، و خط کشتیرانی ملی، زیم (ZIM) می‌باشد. در مواقع لزوم، سازمانهای غیر رسمی صهیونیستی که مستقر در اسرائیل بوده و محافل یهودی در سرتاسر جهان، به عملیات و فعالیت اسرائیلی‌ها کمک و یاری می‌دهند.

حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر پرسنل، که تقریباً ۵۰۰ نفر از آنان افسر می‌باشند، در موساد کار می‌نمایند. شین بث حدود ۱۰۰۰ پرسنل دارد که ۵۵۰ نفر از آنها درجات نظامی دارند. در اطلاعات نظامی حدود ۷۰۰۰ پرسنل فعالیت دارد که ۴۵۰ نفر از آنان افسران و بقیه به عنوان شاغلین و کارمندان غیرنظامی

www.takbook.com



رده‌بندی شده‌اند.

تعداد کارمندان رسمی مرکز تحقیقات و طرح‌ریزی سیاسی وزارت امور خارجه، بین ۷۵ تا ۱۰۰ نفر می‌باشد. افراد پلیس ۱۲ هزار تن بوده و گارد مرزی حدود ۶ هزار نفر می‌باشد.

از آنجایی که بودجه و وضع مالی سرویسهای اطلاعات و امنیت، بسیار سری نگاهداشته می‌شود، بسیار دشوار است که اطلاعات صحیح و دقیقی دربارهٔ مجموع مبالغ و مخارج و هزینه‌های در این راه صرف شده، به دست آید. مقدار بودجهٔ اختصاص داده شده، در بودجه نظامی نهفته شده است و تنها نخست وزیر، وزیر دفاع، یک یا دو نفر از دستیاران عالیرتبه، وزیر دارایی، حسابرسی کشور و بازرسان دفاعی وی، از مبلغ آن آگاهی دارند. حسابرسی کشور مستقیماً با رؤسای سرویسها، که درخواست بودجه در اول سال مالی در ماه آوریل می‌نمایند، در تماس است. حدود و تخمین مخارج به توسط رؤسای سرویسها که به درستی و امانت مشهورند، معمولاً به عنوان نقطهٔ آغاز «مذاکرات بودجه» قابل قبول می‌باشد. وزارت دارایی، تصویر و ارقام ده ساله از مخارج مالی را لازم می‌داند (عمل غیرممکنی که چندان جدی گرفته نشده است.) (احتمالاً هم در گذشته، و هم در آینده منظور می‌باشد. م) حسابرسی کل، نشستهایی را با سران سرویسها و کادر اداری آنان، برای بررسی و بازبینی برنامه‌های مفصل آنها، تا حد جزئیات برگزار می‌کند. این نشستها در طول ماه مه ادامه می‌یابد و منتج به تعریف کامل و مشخصات دقیقی، از کلیه کوششها و مخارج سرویسها می‌گردد. در اکتبر، تصمیمات دربارهٔ، مقدار مشخص بودجهٔ مورد نیاز، براساس آنالیز برنامه‌های تکمیلی در ماه می، اتخاذ می‌شود. سپس این بودجه برای تصویب مقامات عالیرتبه ارسال می‌گردد و دقیقاً بودجه‌بندی و طرح‌ریزیها، براساس بودجه، توأماً برای آغاز دورهٔ جدید کامل می‌شود.

اغلب کمکها و پشتیبانی اداری سرویسها، توسط وزارت دفاع بر آورده می‌شود. انواع گوناگون پوشش و حفاظت توسط نیروهای ارتش اسرائیل (IDF)، تهیه گردیده و مخارجش را خود می‌پردازد. همکاری نزدیک حرفه‌ای بین سرویسهای امنیت و اطلاعات غیرنظامی و اطلاعات نظامی وجود دارد. همهٔ این سرویسها نظیر ادارات و بخشهای دولتی تحت بازرسی دفتر حسابرسی کشور می‌باشند. معاون مدیر کل حسابرسی کشور، مسئول بازرسی سرویسهای دفاع و امنیت، پلیس و وزارت امور خارجه می‌باشد. بازرسی سالانه شامل حسابرسی، مدیریت مالی و نحوهٔ ادارهٔ تشکیلات اداری است. حسابرسی کشور موظف است، که مقرون به صرفه‌بودن عملیات سرویسها، و مؤثر بودن آنها و اینکه آیا بااخلاق و غیرقابل سرزنش و انتقاد عمل کرده‌اند را، مشخص نماید. بخشها و دوایر و دفاتر دولتی اسرائیل، به طور مداوم، پول، پرسنل، تجهیزات و وسایل از یکدیگر قرض می‌نمایند و حقوق توسط دفتری که شخص مربوطه بدانجا منتقل شده است، پرداخت می‌شود. یک افسر اطلاعاتی و یا کارمند رسمی وزارت امور خارجه که در نیویورک مستقر است و به آژانس یهود فرستاده می‌شود، حقوق و مزایای خود را از آژانس دریافت می‌کند. ولی موقعیت بازنشستگی و رتبهٔ خود را در حین این گونه خدمات و وظایف از دست می‌دهند.

**۳ـ جنبه‌های سیاسی**

یک ـ روابط و مناسبات بین دولت و سرویسها: جامعهٔ اطلاعات و امنیت، از موقعیت مستحکمی در دولت برخوردار است، و فعالیتهای آنها به خوبی به شکل عملیات نسبتاً عمومی درآمده است. اعضای

www.takbook.com



نسلی که برای تأسیس کشور اسرائیل تلاش نمودند، همراه و یاور طولانی سربازان اولیه‌ای، که برای تأسیس این کشور، فعالیتهایی نظیر مهاجرت غیرقانونی و قاچاق اسلحه نمودند، می‌باشند. بسیاری از رهبران فعلی، از میان نظامیان عالیرتبه، که در سلسله جنگهای با اعراب شرکت داشته، و وابسته به یکی از احزاب مهم سیاسی اسرائیل بودند، انتخاب شده‌اند. همهٔ آنها تجاربی در مسایل پنهانی داشته و شخصاً به سبب دروس سختی که دربارهٔ ارزش فوق‌العاده امنیت و اطلاعات گرفته‌اند، به آن متقاعد و معتقد شده‌اند.

سرویسهای اطلاعات و امنیت کمک و حمایت فوق‌العاده‌ای را از وزارت امور خارجه دریافت می‌دارند. بسیاری از دیپلماتهای عالیرتبه قبلاً از افسران اطلاعاتی بوده‌اند و بنابراین با مسایل و عملیات اطلاعاتی به خوبی آشنایی دارند. اینها با مشاهدات تجربی و استعدادهای سرشار و متعدد خود، دستیارهای ذیقیمتی برای همکاران سری سرویسها می‌باشند؛ که با پوششهای بسیار مناسب دیپلماتیک توسط فعالیتهای مداوم وزارت امور خارجه حفظ می‌شوند. علاوه بر این، تقریباً هر دیپلمات اسرائیلی در خارج از کشور، زبان خارجی را به خوبی صحبت می‌کند و دارای دانش و بینش، از حوزهٔ تحت فعالیت خود می‌باشد. به علاوه دارای تخصص و خصوصیاتی بوده که فعالیت گسترده‌تر اجتماعی را برای آنان فراهم می‌سازد و نتیجتاً تماسها و آشنایان فراوانی می‌یابند که قابل مقایسه با سرویسهای خارجی دیگر نیست. در خیلی از موارد، افسران سفارت، از جمله رؤسای هیئتهای دیپلماتیک، قبلاً تبعه کشورهایی که بدان مأمور شده‌اند، بوده‌اند. اطلاعات و اخبار به دست آمده توسط دیپلماتهای اسرائیلی در اختیار جامعه امنیت و اطلاعات برای بهره‌برداری فوری در عملیات اطلاعاتی یا لیست‌برداری و طبقه‌بندی آرشیوی گذارده می‌شود، برای آخرین توجه و امکان در پوشش پرسنل اطلاعاتی، زندگی متعادل دیپلماتیکی متنوع و متعددی، با ظرافت خاص در خارج از مکان کار او تهیه می‌شود که معمولاً امکان کشف و کنترل افسران اطلاعاتی را به سبب پیچیدگی، توسط کشور میزبان به سختی دشوار می‌کند. نظیر این گونه حمایت مؤثر در، قبال فعالیتهای عملیاتی توسط وزارت دفاع و آژانس یهود، تأمین می‌شود.

سرویسهای امنیت و اطلاعات اسرائیل نقش مهمی را در داخل دولت و بخشهای خصوصی بازی می‌کنند. بسیاری از رهبران چه در خدمات شهری و یا صنعتی، زمانی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم با جامعه اطلاعاتی همکاری می‌نمودند. وظایف و مأموریتهای اطلاعاتی، به عنوان شغل نهایی تلقی نمی‌شود و غالباً افرادی با سوابق امنیتی و اطلاعاتی برای مشاغل دولتی برگزیده می‌شوند. بدین طریق، سرویسها فعالیتهای خود را توسط افرادی که آشنا و ادامه دهندهٔ روابط و مأموریتهای خود در مسئولیتهای اطلاعاتی و امنیتی می‌باشند و در پستهای عالیرتبه، در بخشهای خصوصی و دولتی قرار می‌گیرند، تکمیل می‌کنند. به طور رسمی، کلیه سرویسها جنبه غیرسیاسی داشته و اعضاء جامعه برای عضویت در احزاب و یا درگیری در فعالیتهای سیاسی ترغیب نمی‌شوند. کمیته امورات دفاعی و خارجه مجلس اسرائیل «کنست» (Knesset) معمولاً مکان دولت، برای بحث و بررسی، بازبینی و تحلیل سیاستها و فعالیتهای حساس خود می‌باشد. رئیس موساد و رئیس شین بث، اغلب در نشستهایی که به آنان مربوط شده و یا مورد توجهشان است، شرکت می‌کنند.

دو ـ روابط و مناسبات بین مردم و سرویسها: موقعیت و کیفیت فعلی روابط بین سرویسها و مردم، البته به خاطر شرایط کنونی سرویسها که حافظین کشور و مردم اسرائیل بوده و در پیشاپیش جبهه مبارزهٔ بر علیه تروریسم عرب و نیروهای نظامی اعراب عمل می‌کنند، خوب است. اکثر اسرائیلیها، هوشیارانه از این

www.takbook.com



موقعیت آگاهی داشته و بنابراین از سرویسها و عملیاتشان حمایت می‌کنند. پیشرفت و ترقی تاریخی اسرائیل و مبارزهٔ طولانی و مداوم بر علیه اعراب، چنین جو هماهنگ و یکنواختی را ایجاد کرده است.

در زمانهای گذشته، به علت رقابتها و درگیریهای سیاسی و اختلاف نظرهایی که در مورد جریاناتی که باید در اسرائیل حاکم باشد، وجود داشت، گاهی منتج به حملات لفظی و مطبوعاتی بر علیه سرویسها، به عنوان ابزار یک رژیم پلیسی می‌گشت. در چندین مورد برای نمونه، به ناچار نمایندگان سرویسها، در نشستهای دربسته و غیرعلنی دادگاه برای دفاع از جامعه امنیت و اطلاعات و پاسخگویی بر علیه اتهاماتی نظیر وحشیگری، اعمال غیرقانونی و آدم‌ربایی حضور یافته‌اند. اگر چه مباحثات و مشاجرات مجلس «کنست» گاهی احتمالاً فعالیتها و روش‌های غیرقانونی سرویسها را منعکس می‌کند، ولی جامعه اطلاعات و امنیت، کاملاً وفادار است و اگر دولت درخواست انجام وظایف مشخصی، چه قانونی و یا غیرقانونی را بنماید، مطمئناً اجراء خواهد شد.

اطمینان و اعتماد به جامعه اطلاعات و امنیت، بعد از جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ افزایش یافت و توجهاتی را به خود معطوف داشت. قسمتی که به وسیلهٔ اطلاعات نظامی، شین‌بث و نیروهای پلیس، در مشارکت، پیروزی و کنترل مناطق جدید اشغالی اعراب به توسط اسرائیل اجرا شد، مورد احترام و افتخار فوق‌العاده در همهٔ رسانه‌های عمومی اسرائیل قرار گرفت، به هر صورت آنچه که به نام «شکست اطلاعاتی» در جنگ یوم‌کیپور سال ۱۹۷۳ مشهور شد، سبب تضعیف اعتماد عمومی به سرویسها گردید. فعالیت بلافاصله کمیسیون اگرانت، که مسئولیت ارزیابی جامعه و شناسایی کمبودها و نواقص، و بهبودی روابط و همکاری بین اعضاء جامعه را به عهده داشت، نسبتاً موجب اعتماد جدیدی در جامعه شد. ادامهٔ مبارزه سرویسها بر علیه تروریسم نیز وفاداری اسرائیلیها را به جامعه حفظ نمود. حملهٔ «انتبه» (Entebbe) در ژوئیه ۱۹۷۶، که منتج به نجات گروگانهای ربوده شده اسرائیلی شد، یکی از عملیات چند سال اخیر بود که تخیلات عمومی جامعه را برانگیخت و به عنوان مثالی از عملیات سرویسها، که بسیار خوب طراحی، هماهنگ و عمل شده است، به یاری جامعه آمد. این حمله موفقیت‌آمیز نظیر هیچ مسئله دیگری در سالهای اخیر، سبب حفظ اعتماد اسرائیلیها نشده است و مطمئناً نماینده شایستگی و اوج جامعهٔ اطلاعات و امنیت اسرائیل می‌باشد.

### ۴ـ معیارهای حرفه‌ای

۱ـ درستی و تمامیت: رؤسا و کارمندان عالیرتبهٔ جامعه امنیت و اطلاعات دارای عالیترین معیارهای حرفه‌ای در درستی و امانت‌داری بوده و این گونه استانداردها را بر اعضای زیر دست خود اعمال می‌دارند. اختلافات نسبتاً ناچیزی بین حقوق اولیه کارمندان جدید و کارمندانی که از رتبه‌های عالی برخوردارند، وجود دارد. تفاوت ناچیزی که می‌باشد حاصل از اعطای موقعیتهای «جبران مادی» و امتیازاتی نظیر حسابهای قابل بهره‌برداری و خرج، خرید اجناس خارجی که به کشور وارد می‌شود، از طریق کانالهای فرعی که مالیاتی بدان تعلق نمی‌گیرد و لغت اعجازانگیزی در اسرائیل به نام «پروتکتسیا» وجود دارد، که به معنای فردی است که می‌تواند اجناس، امتیازات و خانه را از طریق روابط با نفوذ دولتی، با قیمت نازلی به دست آورد. به هر صورت، این یک عمل معمول در تمامی تأسیسات دولتی است. از آنجا که سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی، مخصوصاً «شین بث» پوششهای سختی را در داخل جامعه خود برقرار

www.takbook.com



کرده‌اند، اطلاعات پرسنلی، بودجه و حسابها تنها توسط تعداد قلیلی از مقامات عالیرتبه دولتی حفظ می‌گردد و مشمول کنترل، بازبینی و دوباره‌خوانی گسترده بوروکراتیک نمی‌گردد. مقامات عالیرتبه خارجی که توسط مقامات زیردست مصرف می‌شود، را کنترل می‌کنند و در صورتی که اختلاس و نادرستی مالی کشف شود، با فرد مقصر و خاطی، برخوردی بسیار سخت خواهد شد.

۲ـ کارایی: سرویسهای امنیت و اطلاعات اسرائیل از بهترین نوع خود در جهان می‌باشند. پرسنل ماهر و تکنیکهای پیچیده، این سرویسها را از تأثیر فوق‌العاده‌ای برخوردار کرده است. این سرویسها توانایی برجسته‌ای در زمینه‌های تشکیلاتی، جلوگیری از خرابکاری سیاسی و ضدجاسوسی و ارزیابی اطلاعاتی، که از پرسنل و عمال تازه‌کار یا محافل یهودی و دیگر منابع در سرتاسر جهان به دست می‌آورند، دارند. توانایی اطلاعاتی، امتیاز برجسته و تفوق فوق‌العاده‌ای را به اسرائیل، نسبت به دولتهای عرب داده است. امتیازی که عامل مهمی در جنگ ۱۹۶۷ بود.

اعضائی از جامعهٔ اطلاعات و امنیت کشور، که سابقاً در سرویس اخبار (اطلاعات) عضویت داشته‌اند، و دیگر بخشهای «هاگانا» (نیروی مقاومت زیرزمینی)، که در قبل و ضمن جنگ جهانی دوم، فعالیت داشته‌اند، عامل ترقی و کسب استانداردهای عالی و کارایی مؤثر بوده‌اند. تشکیلات این جامعه، از آغاز تأسیس کشور اسرائیل، در جذب مجموعه تیمی توانا و پرسنلی بسیار تحصیلکرده و باسواد، از اروپا و خاورمیانه کاملاً موفق بوده است. افرادی که بدون آنکه سخنی از چگونگی جذب آنان نماییم، پیدا نمودن نظایر آنان مشکل است. برای مثال پرسنل «گارد کهنه» کاملاً به چهار یا پنج زبان خارجه مسلطند؛ خصوصیتی که به تنهایی معدل کل شایستگی عملیاتی آنان را بالا می‌برد. نسل جوانتر تعلیمات و تمرینات سختی را دیده، از جمله برای کمک در کسب این گونه ملاکها و لیاقتها، در خارج از اسرائیل به تحصیل می‌پردازند. برای این دانشجویان درگیری در عملیات سری، حین ادامهٔ دروس، امری غیرعادی نمی‌باشد. موفقیتهای سیستم ارسال و دریافت علائم اطلاعاتی، بر علیه اعراب در گذشته از آنچنان سطحی برخوردار بود که همزمان نیازی به عملیات عالی عمال انسانی بر علیه دشمن، وجود نداشت. جزئی از این موفقیت به سبب ضعف امنیت ارتباطات و مخابرات اعراب بود. اسرائیلیها هم اکنون با مشکلاتی به سبب بهبود تدریجی امنیت ارتباطاتی اعراب، روبرو شده‌اند. «شکست اطلاعاتی» جنگ یوم کیپور، مثالی از کمبود و نقص تواناییهای ارتباطات و مخابرات اطلاعاتی در آن زمان بوده است. در سالهای اخیر نیز غیر از اطلاعات مخابراتی، علائمی از نقصهای کیفی اطلاعاتی دربارهٔ اعراب و عدم موفقیت در عملیات عمال انسانی وجود داشته است.

یکی از ضعفهای اساسی، در سیستم اطلاعات و امنیت اسرائیل، حاصل از تولید اکثر ارزیابی‌های ملی و تهیه گزارشات نهایی اطلاعاتی، تنها به توسط سرویس «اطلاعات نظامی» بود، تا آنکه به دست یک سرویس مستقل فراهم شود. خطر بالقوه‌ای، در اینگونه ترتیبات تشکیلاتی وجود دارد، زیرا که سرویسهای نظامی نمی‌توانند در مشاهده و گزارش تحولات خارجی و تهیه ارزیابی‌های اطلاعات ملی، به اندازه کافی منتقدانه و رک عمل نمایند، این مسئله مشکل اساسی در جنگ «یوم کیپور» بود. از سویی علاقه و توجه بالقوه‌ای در سرویسهای نظامی برای انجام عملیات نظامی وجود دارد که در ارزیابی‌های اطلاعاتی آنان اثر خواهد گذاشت. کمیسیون آگرانت این مشکل را تشخیص، و تغییرات لازمه را توصیه نمود.

www.takbook.com



۳ـ امنیت: طبق گزارشات واصله، امنیت فیزیکی مقرهای فرماندهی و ادارات مرکزی امنیت و اطلاعات نظامی و غیرنظامی در «تل‌آویو» بسیار عالی است. دو سرویس، «موساد» و «اطلاعات نظامی»، در ابتدا در یک مجموعه نظامی عظیم در قلب شهر قرار داشت. ساختمانها توسط گاردهای ارتش و موانع سیم خاردار محکمی حفاظت می‌شود. «اطلاعات نظامی»، در همین محل باقی مانده است، ولی «موساد» هم اکنون بخشی از یک ساختمان چند طبقه که دارای دفاتر تجارتی است را در آن سوی خیابان این مجموعه نظامی اشغال کرده است. شین بث، که قبلاً در تعدادی ساختمان در شهر جافا (Jaffa) مستقر بود، در مکان جدیدی که درست در شمال «تل‌آویو» می‌باشد، در ژوئن ۱۹۷۰ اسکان یافت. این تأسیسات جدید، که برای استفاده این سرویس طراحی و ساخته شده است، دارای آزمایشگاه فنی و دفاتر معمولی کار می‌باشد. درب ورودی توسط گارد کنترل و حفاظت می‌شود و کارمندان در داخل محوطه، کارت شناسایی عکس‌دار باید بر سینه نصب کنند. خانه‌های حفاظتی بسیار مناسب دولتی، برای تمرین و اسکان افسران خارجی اطلاعاتی میهمان، مقامات عالیرتبه خارجی و عمال مهم و حساس، در نظر گرفته شده است.

حدود ۱۰۰۰ نفر، به عنوان افسران کادر در «موساد» و «شین بث» فعالیت می‌کنند، همه این افراد بازرسی کامل و طولانی امنیتی را گذرانده‌اند. اگر کوچکترین شکی درباره فردی بروز کند، متقاضی رد خواهد شد. پرسنلی که دارای سوابق فعالیتهای کمونیستی می‌باشند، معمولاً از طرف اعضای عالیرتبه رهبری سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی، مورد اعتماد قرار نخواهد گرفت. این طرز تلقی شامل اعضای سابق احزاب کمونیست اروپا، که تعدادی از آنان، برای سرویس سری مناسبند، نخواهد شد؛ مخصوصاً اگر آنها ایدئولوژی کمونیست را ترک نموده و وابستگی به «حزب کار اسرائیل» داشته باشند. به هر صورت، این استثناء بعد از بروز و ظهور تعدادی از جاسوسهای برجسته، در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰، دیگر در دوایر دولتی و سیاسی به کار گرفته نشده است. حادثهٔ آهرون کوهن، متخصص مسایل خاورمیانه و عضو «حزب کارگران متحد»، اسرائیل بیر (عکس ۱)، کارمند پیمانی وزارت دفاع و سرهنگ دوم ذخیرهٔ نیروهای ارتش اسرائیل، که جاسوس شوروی بود و دکتر کورت سایت (Kurt Sitte)، پرفسور فیزیک غیر یهودی در تکنیکون حیفا (Haifa) که برای سرویس اطلاعات چکسلواکی کار می‌کرد، سبب شد که «شین بث» در شرایط امنیتی خود تجدید نظر کند. در ضمن این حوادث سبب تحریک، شک و تردید بسیار «شین بث» دربارهٔ اعتماد به افرادی که سابقاً مارکسیست بوده‌اند، شد. سرویسها، سیستمهای امنیت داخلی را چنان طرح‌ریزی کرده‌اند که ضعفهای ایدئولوژیک توسط بازرسی مکرر و کامل امنیتی آشکار گردد. اسرائیلیها معتقدند که افرادی با ضعفهای ایدئولوژیک، احتمالاً در دراز مدت خطرات امنیتی خواهند داشت. ساکنین اسرائیل موظف به انجام ضوابط سخت اسم‌نویسی و حمل دائمی مدارک و مشخصات فردی می‌باشند. در داخل جامعه اطلاعات و امنیت اسرائیل مشکلات و دشواریهایی برای آنکه مشخصات پرسنلی خود را آشکار ننمایید، وجود دارد. حتی این امر برای کارمندان معمولی دولت به طور گسترده وجود دارد. تقسیمات مجزای سازمانی بین کلیه سرویسها بشدت وجود داشته و با افراد شخصی که معمولاً از اعضاء (Hard - core) می‌باشند، می‌توان به داخل سازمان دیگر رفت و آمد نمود. پرسنل امنیتی و اطلاعاتی، به طور گسترده از اسامی مستعار استفاده می‌نمایند و مکرراً آن را نیز تغییر می‌دهند. عادت ملی استفاده از اسامی یهودی اروپایی و آمریکایی در ابتدای تولد نیز شناسایی بعضی از

www.takbook.com



اسرائیلی‌ها را مشکل می‌نماید. در داخل اسرائیل، مقامات خارجی میهمان و عمال هرگز از یک وسیله نقلیه دوبار در ملاقات پنهانی با افسران اسرائیلی استفاده نمی‌کنند. تعدادی از شماره تلفنهای خارج از لیست عمومی و تلفنهای خصوصی که متعلق به مقامات رسمی و پرسنل است، تنها در اختیار افراد معدودی می‌باشد. به کارگیری این نوع رفتار و روش حرفه‌ای در داخل کشور، بهترین تمرین روزانه برای پرسنل امنیت و اطلاعات، قبل از دریافت وظایف خارجی می‌باشد.

اطلاعات طبقه‌بندی شده نباید در خطوط تلفن مورد بحث قرار گیرد. علیرغم استاندارد نسبتاً بالای امنیتی، به هر صورت طبق گزارشات مقامات اسرائیل گاهی در رعایت این مقررات سستی و تعلل می‌نمایند. از سویی اسرائیل نیز دارای یک «شبکه پسران کهنه‌کار» (Network old Boy)، بسیار شبیه انگلستان می‌باشد. اسرائیلیهایی که تمایل به توضیح و صحبت از موضوعات طبقه‌بندی شده دارند، بدون توجه به آنکه اهمیت و نیازی به دانستن آن باشد، از این شبکه استفاده می‌کنند. اسرائیلیها مشکلاتی در معامله با یهودیان در آن سوی مرزها، که به حمایت آنها نیازمندند، نیز دارند. ولی از جهت امنیتی، ممکن است آنان قابل اعتماد نبوده، و امکان عدم وفاداری وجود دارد.

تأسیسات و محتوای ذخائر و بایگانی باید با استانداردهای سخت امنیتی تطبیق کند. رده‌های طبقه‌بندی، خیلی سری ـ سری ـ محرمانه و محدود (برابر با «تنها برای استفاده اعضاء») به کار رفته است. مدارک سری و خیلی سری، تنها توسط پیک و در پاکتهای دوبل حمل می‌شود و دو رسید دریافت می‌شود، یکی برای بسته و یکی برای محتوای آن. مدارک هنگام ورود و خروج به وسیله، تاریخ، شماره مدارک و اسناد، موضوع و یا نام، و اداره و دفتری که مسئولیت مدارک را پذیرفته است، کنترل و ضبط می‌شود. حداقل سه بار در هر سال لیست‌برداری می‌شود. ثبت اسناد، چاپ کامپیوتری کلیه مدارک «خیلی سری» را که هر واحد مسئول و حافظ آن است، به طور مرتب، چهار مرتبه در سال تهیه می‌کند. ارتباطات الکتریکی تماماً توسط دستگاه «تله‌تایپ» و دیگر وسایل «ارتباطات امنیتی» صورت می‌پذیرد. لیستی از کلیه مدارکی که باید از بین رود تهیه گردیده و افسران امنیتی باید ناظر بر نابودی تمامی اسناد سری و خیلی سری باشند.

همه پرسنلی که باید «تأییدیه» دریافت نمایند، تاریخچهٔ پرسنلی خود را کامل کرده و تحت تحقیقات و بازرسی عادی قرار می‌گیرد. برای دریافت «تأییدیه عالی»، بازرسی می‌تواند شامل تمامی فامیل متقاضی و بازرسی کامل صحرایی گردد. مهاجرین جدید از شوروی و کشورهای اروپایی شرقی، به طور عادی به مدت ۴ یا ۵ سال، از دستیابی به اطلاعات طبقه‌بندی شده ممانعت می‌شوند. این قوانین به سبب مشکلات حاصل از «پروتکتسیا» همواره قابل اعمال نمی‌باشد. در داخل نیروهای ارتش اسرائیل، «مخاطرات امنیتی»، «به شین بث» گزارش می‌شود و توسط افسران واحد امنیت که مسئول تهیهٔ گزارشات مرتب مدت‌دار از فعالیتهای افرادند، بشدت نظارت و مراقبت می‌شوند. برای تحریک و ارزیابی هوشیاری امنیتی کادرهای نیروهای ارتش اسرائیل، پرسنل امنیت صحرایی، در میان افراد نظامی رفت و آمد نموده و سعی به جمع آوری و بیرون کشیدن اطلاعات نظامی از آنان می‌کنند.

۴ـ روشهای اخلاقی و انضباطی: «موساد» و «شین بث» جزء ساختمان سرویسهای غیرنظامی اسرائیل بوده و متقاضیان باید به وسیله امتحانات سرویسهای غیرنظامی پذیرفته شوند. کسانی که دارای درجهٔ دانشگاهی و در سنین ۲۰ تا ۳۰ سالگی باشند، ترجیح داده می‌شوند، اگر چه افراد دیگری که

www.takbook.com



خصوصاً دارای خصوصیات مطلوبی هستند، نیز پذیرفته شده‌اند. سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی، در رقابت مستقیم با وزارت امور خارجه می‌باشند و بنابراین رشد و گسترش جامعهٔ تجارتی کشور، در شرایط نامساعدی قرار گرفته است. اکثر جوانان اسرائیل، گمنامی سرویسهای اطلاعاتی را دوست نداشته و به کسب درآمد در جهان تجارت و معاملات تمایل بیشتری دارند.

پرسنل امنیت و اطلاعات، که نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند خود را با زندگی بسته و محدودی که مقررات امنیتی، و ضروریات و خواص عملیاتی آن را محدود نموده، وفق و عادت دهند، برکنار شده و یا در صورتی که اعمالشان «سرویس» و یا کشور را به خطر اندازد، به سختی تنبیه می‌شوند. برای تقویت روحیه و اخلاقیات افسران کادر اطلاعاتی، سرویسها در اوائل دهه ۱۹۶۰، برای جبران مخاطرات و گمنامی حاصل از مشاغل پرسنل خود، درخواست پاداش نموده و مجلس اسرائیل نیز با پاداش ۳۰ درصد در سال موافقت نمود. (شکل ۲)

**ب ـ (B) موساد ـ سرویس اطلاعات سری**

**۱ـ وظایف**

موساد مسئول جمع‌آوری اطلاعات خارجی، عملیات سیاسی، و فعالیتهای ضدتروریستی می‌باشد. در انجام مأموریت جمع‌آوری اطلاعات صحیح و مثبت، وظیفه اصلی موساد در اجراء عملیات انسانی عمال، بر علیه کشورهای عرب و مقامات و نمایندگان رسمی، و تأسیسات آنها در سرتاسر جهان، تنظیم شده است. خصوصاً در اروپای غربی و ایالات متحده در هر نقطه که منافع ملی اعراب، با منافع اسرائیل در خاورمیانه، برخورد کند. موساد به جمع‌آوری اطلاعات در زمینه آمادگی، روحیه و اخلاقیات، تسلیحات و تجهیزات، و چگونگی اداره و رهبری هر یک از ارتش‌های عرب که در صورت بروز جنگ می‌تواند وارد کارزار بر علیه اسرائیل شود، می‌پردازد. همه گونه اطلاعات که سیاستهای داخلی اعراب و روابط میان رهبران اصلی آنان و فعالیتهای دیپلماتیکی همه کشورها در جهان عرب را به خوبی منعکس نماید، مورد جمع‌آوری قرار می‌گیرد. موساد فعالیتهای تجاری اعراب را، مخصوصاً در زمینهٔ خرید تسلیحات از غرب، ردیابی می‌کند و کوششهایی در جهت خنثی نمودن استخدام متخصصین نظامی، اقتصادی و سیاسی توسط اعراب، به عمل می‌آورد. در این زمینه تمایل اصلی در استخدام و به کارگیری این افراد به عنوان عمال اطلاعاتی است در صورت عدم موفقیت، موساد یا آنان را از یاری اعراب منصرف می‌کند یا به کشف وظایف و مسئولیتهای آنان به طور دقیق مبادرت می‌ورزد. از سویی موساد مسئول تحریکات کاملاً حساب شده، آزردگیها و مزاحمتهایی، برای ایجاد عدم اعتماد متقابل در میان اعراب نیز می‌باشد. دور نمودن ترحمات و توجهات غرب از اهداف اعراب و ردیابی و خنثی‌نمودن تبلیغات منفی اعراب، و تعقیب و مقابله با تروریسم عرب از وظایف دیگر آن است. در حوزهٔ فعالیتهای ضدتروریستی، در مواقع بسیاری، اسرائیلی‌ها به وسیلهٔ انجام عملیاتی، جنگ و مقابله را به تروریستهای عرب، به خصوص در قسمتهایی از خاورمیانه و اروپای غربی، تحمیل نموده‌اند. لبنان در واقع بسبب جمعیتهای مختلف مسیحی، دروز (Druze)، و مسلمان جاذبترین کشور برای طرحهای اطلاعاتی است.

اسرائیلیها در لبنان، دارای تشکیلات مخفی بوده و عملیاتی را در این همسایه شمالی خود انجام می‌دهند. اسرائیل در گذشته، عملیات اجرای و شبه نظامی خود را برعلیه اعضاء، پایگاهها و رهبران

www.takbook.com



تروریستهای فلسطینی در لبنان افزایش داده بود. همچنین اسرائیل در جنگهای داخلی لبنان، از مسیحیان راستگرا، حمایت و پشتیبانی نموده است.

موساد علاوه بر اجرای عملیاتی بر علیه اعراب، برای حمایت از کشور اسرائیل، صهیونیسم و به طور کلی یهودیان، اطلاعات سیاسی، اقتصادی و علمی در کشورهای اروپای شرقی و غربی، جمع‌آوری می‌کند.

کوششهای جمع‌آوری اطلاعات، به خصوص در کشورهای شوروی، ایالات متحده، و سازمان ملل متحد که تصمیمات و خط مشی آن می‌تواند اثرات و انعکاساتی بر اسرائیل و اهداف صهیونیسم داشته باشد، متمرکز شده است. هدفهای اطلاعاتی در اروپای شرقی و شوروی شامل روشن نمودن سیاستهای دولتی آنها دربارهٔ اسرائیل، مسایل مهاجرتهای یهودیان، استخدام افرادی که در مکانهای استراتژیکی، بوروکراسی شوروی و اروپای شرقی قرار داشته و به علت اعتقاد و تمایل و یا فساد، علاقه‌مند به یاری فعالیتهای صهیونیستی در این کشورها می‌باشند. از سویی به کسب آگاهی از مقدار و کیفیت کمکهایی که به گروه‌های مستقر در خاورمیانه، چه در داخل اسرائیل یا کشورهای عربی، توسط دول اروپای شرقی و شوروی اختصاص داده شده است، نیز می‌پردازد.

هدفهای اسرائیل در کشورهای غربی به همان مقدار که دربارهٔ بلوک شرق متذکر شدیم، از اهمیت متساوی برخوردار است. موساد اطلاعاتی در قبال سیاستهای کشورهای غربی، واتیکان، و سازمان ملل متحد، درباره خاورمیانه جمع‌آوری می‌نماید. تلاش در افزایش معاملات تسلیحاتی که بنفع نیروهای ارتش اسرائیل است و کسب اطلاعات برای بهره‌برداری، در خاموش نمودن دستجات ضداسرائیلی در جهان غرب به عهدهٔ موساد است.

**۲ـ سازماندهی**

موساد از ۸اداره تشکیل شده است: (۱) طرح‌ریزی عملیاتی و هماهنگی (۲) جمع‌آوری (۳) عملیات سیاسی و روابط وابسته (۴) پرسنلی، مالی، لجستیکی، و امنیت (۵) آموزش و تعلیمات (۶) تحقیقات (۷) عملیات تکنیکی و (۸) تکنولوژی. (شکل ۳)

اداره «طرح‌ریزی عملیاتی و هماهنگی» با مدیریت کلیه «منابع و تجهیزات» موساد سروکار داشته و مسئول مدیریت داخلی و هماهنگی عملیاتی، اجرائی و اداری تشکیلات موساد و روابط و تماسهای این سرویس با کل جامعه امنیت و اطلاعات اسرائیل می‌باشد. این اداره نیز با نیازها و ضوابط موساد، و توسعهٔ طرحهای کلی جمع‌آوری اطلاعات سروکار دارد. اداره «جمع‌آوری» مسئول اجراء عملیات مخفی خارجی، و ایجاد مقدمات، تهیه و تولید گزارش از منابع مخفی می‌باشد. این اداره بزرگترین واحد موساد است و دارای دفاتری در خارج از کشور و به خصوص اروپا، تحت پوششهای دیپلماتیک و همچنین غیررسمی می‌باشد، که از طریق عملیات در کشور ثالثی برنامه‌های خود را بر هدفها و منابع عرب متمرکز و اجراء می‌نماید.

مدیریت ادارهٔ «عملیات سیاسی و روابط وابسته» مسئول عملیات سیاسی و روابط با سرویسهای خارجی دوست می‌باشد. همچنین این اداره مسئول حفظ تماس با کشورهای و گروههای سیاسی که روابط عادی دیپلماتیک با اسرائیل ندارند، نظیر کشورهای آفریقایی، لبنان و یا دستجات راستگرای

www.takbook.com



مسیحی لبنان و اندونزی، می‌باشد، بخش «عملیات ویژه» و یا بخش «جنگهای روانی» نیز احتمالاً تحت تکفل این اداره می‌باشد. این بخش عملیات بسیار حساس مخفی را بر علیه تروریستهای عرب و نازیهای سابق، خرابکاری، جنگهای روانی و شبه نظامی نظیر طرحهای ترور شخصیتها و تبلیغات منفی دقیق در تضعیف روحیه دشمن، را به عهده دارد.

در غیبت رئیس موساد، مدیر اداره «طرح‌ریزی عملیاتی و هماهنگی» به عنوان رئیس عمل می‌کند. در حالی که در سالهای قبل، در این گونه شرایط، رئیس اداره «جمع‌آوری» به عنوان رئیس موساد انجام وظیفه می‌نمود. با حرکت و تحرک در جهت بهبود و گسترش هماهنگی در جامعه امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل، رئیس ادارهٔ «طرح‌ریزی عملیاتی و هماهنگی» عملاً بر مدیر ادارهٔ «جمع‌آوری» سبقت جست.

در مقر فرماندهی (اداره مرکزی)، رؤسای دو ادارهٔ مدیریت منطقه‌ای، عملیاتی، اجرائی و اداری، و مالی هر یک قسمتی از «کنترل مناطق» را به عهده دارند. ادارات منطقه‌ای که تحت کنترل ادارهٔ «جمع‌آوری» و اداره «عملیات سیاسی و روابط وابسته» می‌باشند به قرار زیر است:

(۱) آمریکای مرکزی (۲) آمریکای جنوبی (۳) اروپای شرقی و شوروی (۴) آفریقا (۵) آسیا و اقیانوسیه (۶) حوزه مدیترانه و خاورمیانه (۷) اروپا (۸) آمریکای شمالی. در زیر نظر هر یک از این «کنترل مناطق» شاخه‌ها و بخش‌هایی که مسئول یک یا چند کشورند، فعالیت می‌نمایند.

گزارشات مثبت نهایی دربارهٔ اطلاعات و ضداطلاعات به اداره مرکزی موساد در «تل‌آویو» فرستاده می‌شود و توسط اداره تحقیقات، ارزیابی می‌شود و در ادارات مختلف دولتی پخش می‌گردد. گزارشات اطلاعاتی درباره اعراب توسط موساد به ادارهٔ تحقیقات مدیریت سرویس اطلاعات نظامی فرستاد می‌شود، در حالی که گزارشات ضدجاسوسی از طریق موساد به شین بث منتقل می‌شود. تمامی این اطلاعات و گزارشات مراحل مخصوصی را توسط ادارات بازرسی ضداطلاعات طی می‌کنند.

موساد کنترل همه فعالیتهای اطلاعات خارجی اسرائیل را به دست دارد. تنها استثناء برای اجرای عملیاتی از داخل اسرائیل، بر علیه هدفهای نظامی در مناطق و حوزه‌های احاطه‌کنندهٔ کشورهای غربی است که در قلمرو مدیریت «اطلاعات نظامی» است. عملیات خارجی موساد به دو طبقه اصلی تقسیم می‌شود: طبقه اول در خاورمیانه، به عنوان خط اول دفاعی، و طبقه دوم، قسمتهای دیگر جهان است. اسرائیل، مصر را به عنوان هدف اصلی حوزه‌ای، برای استقرار شبکه اطلاعاتی برگزیده است. در سال ۱۹۷۰، تخمینهای اسرائیل نشان داد که حدود ۵۰ درصد تلاشهای عملیاتی بر علیه مصر انجام پذیرفته است. اولویت بعدی نیز سوریه می‌باشد. بسیاری از این فعالیتها بر علیه اعراب در خاورمیانه، براساس پوششهای عمیق و پیچیده عملیاتی توسط اسرائیلیها، به طرق غیرقانونی، با استخدام و بکارگیری اعراب در کشورهای جهان سوم، و بدنبال آن بازگشت عادی آنها به کشورهایشان در منطقه عربی صورت می‌پذیرد. دو مثال خوب از پوششهای عمیق عملیات غیرقانونی اسرائیل، حادثه «کوهن» و «لوثر» است.

«الیاهوبن کوهن» یک یهودی متولد مصر بود که در عملیات خرابکاری اسرائیل بر علیه تأسیسات آمریکا و انگلیس، در سال ۱۹۵۲ در مصر، دخالت داشت. کوهن در حین تعقیب، موفق به فرار شد و به اسرائیل رفت، در حالی که اعضای این حلقه خرابکاری توسط مصریان دستگیر شدند. بالاخره، موساد، کوهن را برای عملیات غیرقانونی که به منظور توسعه شبکه‌های اطلاعاتی و کسب اطلاعات نظامی و سیاسی در سوریه، طراحی شده بود، به استخدام خود درآورد. او تمرینات و تعلیمات سخت و فشرده‌ای را

www.takbook.com



دید و شخصیت جدیدی به نام کامیل امین ثابت (Kamil Amin Thabet) فقید را که یک تاجر متولد سوریه بود، انتخاب کرد. او به آرژانتین مهاجرت کرد و در آنجا به یک عضو فعال «جامعه مهاجران عرب» تبدیل شد. در نهایت کوهن به سوریه رفت و در آنجا به وسیله دو عرب دیگر که قبلاً به استخدام اسرائیل درآمده بودند، یاری شد. از ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۵، کوهن به نحو غیرقانونی در دمشق زندگی و فعالیت می‌کرد، و موفق به ایجاد تماسهای متعدد با شخصیتهای سیاسی و نظامی سوری در تأسیسات سوریه شد. کوهن گاهی سفرهایی به اروپا و اسرائیل برای رد و بدل نمودن و کسب اطلاعات لازمه می‌نمود. بالاخره، در ژانویه ۱۹۶۵، سوریها او را تعقیب نموده و حین انتقال و ارسال اطلاعات به تل‌آویو شناسایی و دستگیر نمودند. عامل شکست او، به سبب استفاده از تجهیزات رادیویی «مورس دستی» بود و در روز دستگیری به مدت طولانی یک ساعت، در حال مخابره بود (شکل ۴). دادگاه سوریه، کوهن را محاکمه و او را متهم به جاسوسی نمود. کوهن در می ۱۹۶۵، در مقابل عموم در دمشق به دار آویخته شد.

ژوهان ولفگانک لوثر (معروف به زیوگوزاریه)، یک افسر «اطلاعات نظامی» بود. در ۱۹۵۹ در یک جلسه «وعدت»، موساد نیاز خود را برای مردی که به نحو غیرقانونی تحت پوشش یک افسر سابق نازی، مقیم قاهره شود، اعلام نمود. «لوثر» این مأموریت را که اساساً بر علیه فعالیتهای سلاحهای مخصوص که توسط دانشمندان آلمانی در مصر به کار افتاده بود، پذیرفت. او آموزشهای سخت و گسترده آلمانی در اسرائیل گذراند، از جمله حتی آموزش اسب سواری نیز دید. در اوائل ۱۹۶۰، او به آلمان رفت و به عنوان یک پناهنده آلمان شرقی و افسر سابق مستقر در آفریقا خود را معرفی نمود. اگر چه «لوثر» همسری در اسرائیل داشت، ولی برای منطقی جلوه دادن داستان خود با یک زن آلمانی ازدواج نمود. در ۱۹۶۱، او به قاهره رفت و در آنجا یک آکادمی اسب سواری تأسیس کرد. «لوثر» حین فعالیتهای خود تماسهای متعدد با محافل آلمانیها در قاهره برقرار نمود و با تعدادی از شخصیتهای معروف و مسئول مصری آشنا شد. او سفرهایی نیز از مصر به کشورهای اروپای غربی، برای رد و بدل و کسب نمودن اطلاعات کرد. در ۱۹۶۴، لوثر نامه‌های تهدید کننده، برای متخصصین آلمانی مقیم مصر ارسال داشت. در فوریه ۱۹۶۵، او توسط مصریان دستگیر و محاکمه و زندانی شد. بالاخره در ۱۹۶۸، آزاد شد و به اسرائیل رجعت نمود. اسرائیل اعلام کرد که این عملیات حدود ۲۵۰ هزار دلار خرج داشته است. آنها اشتباهات «لوثر» را ناشی از عدم کفایت در استفاده از وسایل ارتباطی و بهره‌برداری از آن در عملیات اجرائی دانستند. «لوثر» مجبور به اقرار همه عملیات در طول دوره حبس خود شد. (شکل ۵)

مقر موساد، در خارج از منطقه عربی خاورمیانه، اکثراً تحت پوششهای دیپلماتیک، در داخل سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای اسرائیل می‌باشد. موساد در ایالات متحده، اکثر پایتختهای اروپایی، ترکیه، ایران و مراکز استراتژیک در آمریکای لاتین، آفریقا و خاور دور، پایگاه‌هایی دارد و عملیات گوناگونی از "روابط وابستهٔ رسمی" با سرویسهای میزبان، برای رد و بدل نمودن اطلاعات، تا انجام عملیات ویژه اجرائی، که مستقیماً بر علیه تروریستهای عرب می‌باشد، به انجام می‌رساند.

مدیریت "جمع آوری" و مدیریت "عملیات سیاسی و روابط وابسته" اجزاء جداگانه‌ای در موساد می‌باشند و به نحو دقیقی در مقر فرماندهی از یکدیگر تفکیک شده‌اند. دو اداره فوق، دارای کادرهای ثابت و جداگانه‌ای در مقرهای معظم خارج از اسرائیل می‌باشند. البته یا دو پایگاه موساد، یا دو بخش جداگانه در یک پایگاه، در بعضی کشورها وجود دارد، که یکی برای "جمع آوری مخفی به طور یکجانبه" و دیگری

www.takbook.com



برای "روابط وابسته" اطلاعاتی با سرویسهای خارجی است. برای مثال، در حال حاضر، اسرائیل در پاریس، یک سفارتخانه، یک سرکنسولگری و یک هیئت از وزارت دفاع اسرائیل دارد. در زیر پوشش سفارت، موساد یک مدیریت جمع آوری "کنترل منطقه‌ای" دارد. مجموعهٔ مستقر در پاریس، در طی سالها، نقطه اتکاء فعالیتهای اطلاعاتی اسرائیل در قاره اروپا بوده است.

در سوئیس، اسرائیل دارای یک سفارت در "برن" و یک سرکنسولی در زوریخ می‌باشد، که پوشش لازم را برای افسران اداره "جمع‌آوری" که در عملیات یکجانبه دخالت دارند، به وجود می‌آورند. این تأسیسات دیپلماتیک، روابط نزدیکی با کشور سوئیس در سطح داخلی نیز برقرار کرده، و در زمینه عملیات آشکار، نظیر امنیت فیزیکی از مقامات اسرائیلی و تأسیسات تجاری در این کشور، و حفاظت اعضاء کادر اسرائیلی و ملاقات کنندگان اسرائیلی همکاری می‌کند. همچنین همکاری نزدیکی بین اسرائیل و سوئیس، در زمینه‌های علمی و تکنیکی، مرتبط به عملیات اطلاعاتی و امنیتی برقرار است. مقامات سوئیسی سفرهای متعددی به اسرائیل نموده‌اند و اسرائیلیها نیز به طور مداوم به سوئیس و از طریق سوئیس رفت و آمد می‌کنند. این گونه ملاقاتها، به هر صورت، معمولاً توسط واحد "کنترل منطقه‌ای" عملیات سیاسی و روابط وابسته مستقر در سفارت اسرائیل در پاریس، مستقیماً با سوئیس، و نه از طریق مقامات مستقر در سفارت اسرائیل در "برن" انجام می‌پذیرد، هر چند که سفارت "برن" نیز از آن مطلع می‌گردد.

از طرفی در اسپانیا، هیچ تأسیسات رسمی و یا نیمه رسمی اسرائیلی وجود ندارد. هر چند که برای مدتی، تماسهایی بین مقامات رسمی مدیریت اداره «عملیات سیاسی و روابط وابسته» موساد با سرویس اسپانیا برقرار شد. ملاقاتهای اصلی ظاهراً در اواخر دهه ۱۹۶۰ در پاریس بوده است، بعد از آن تماسهای دیگری در مادرید و پاریس گرفته شد. امکان وجود یک پایگاه از اداره «جمع‌آوری» مخفی مستقر در اسپانیا وجود دارد. در ژانویه ۱۹۷۳، باروح آشرکوهن، یک افسر موساد، در مادرید توسط اعراب ترور شد. «عملیات ویژه» براساس هدفهای خاصی توسعه یافته‌اند. اداره مرکزی، تلاش در هدایت و مدیریت آن از داخل اسرائیل می‌نماید و افسران و عمال موساد را برای «وظایف موقت ویژه‌ای» به کار می‌گیرد. در ژوئیه ۱۹۷۳، یک جوخه ترور مرکب از ۱۶ اسرائیلی در قتل یک عرب مراکشی در «لیله هامر» نروژ شرکت داشتند. مسئولین نروژی شش نفر از این گروه را دستگیر، محاکمه و زندانی نمودند، بقیه نیز گریختند. در جریان محاکمه، معلوم شده که اینان از افسران اسرائیلی موساد و یهودیان اروپایی بوده‌اند، که برای انجام مأموریت مخصوص استخدام شده و اکثر کارها و آمادگیهای لازمه را در پاریس گذرانده‌اند و سپس به نروژ، برای انجام مأموریت خود که قتل تروریستهای عرب بود، وارد شده‌اند. بعد از این ترور، ۲ تن از اعضاء جوخه به همراه یک افسر امنیتی سفارت اسرائیل، تقاضای پناهندگی نمودند. دولت نروژ اگر چه که این افسر امنیتی سفارت ظاهراً، در عملیات شرکت نداشته بود، به او پناهندگی سیاسی اعطا نکرد.

### ۳ـ عملیات اداری

نخست وزیر رئیس موساد را انتخاب می‌کند. نخست وزیر، احتیاجی به تصویب کابینه خود و یا مجلس «کنست»، برای این انتصاب ندارد. مدیران ایستگاهها (یا پایگاهها) و کارمندانشان، افسران کادر موساد می‌باشند، ولی در خارج از کشور در قبال همه سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی عمل می‌نمایند. اگر

www.takbook.com



یکی از اعضاء شین بث یا نیروهای ارتش اسرائیل، شایسته‌ترین فرد در جامعه برای انجام وظیفه ویژه‌ای، در خارج از کشور شناخته شود، با حفظ عضویت سازمانی خود، آن مأموریت به او واگذار و تکلیف می‌شود و تا زمانی که در خارج از مرزهای اسرائیل به سر می‌برد، تحت کنترل موساد می‌باشد. این قانون، به هر حال شامل «آتاشه نظامی (زمینی، دریایی، هوایی)» که تحت تکفل مدیریت «سرویس اطلاعات نظامی» باشند، نمی‌گردد.

موساد دارای یک برنامه منطقی ارتقاء مشاغل و رتبه نمی‌باشد. سازمان افسرانی راکه در مأموریتهای محوله موفق بوده‌اند، را تا مشاغل عالی مدیریت ارتقاء رتبه می‌دهد. نتیجه این گونه رویه‌ها سبب درهم ریختگی شده است، زیراکه اغلب، بعضی از مجریان موفق عملیاتی، ضرورتاً مدیران و اداره کنندگان لایق و عالی نمی‌باشند.

الف ـ تعلیمات و آموزش: دوره آموزشی موساد، مشتمل بر دروس اساسی عملیاتی برای اعضاء جدید و پرسنل معمولی است. از جمله دروس عمومی عملیاتی و دروس تخصصی عملیات صحرایی، مرتبط به مشاغل می‌باشد. همه افسران جدید، ملزم به گذراندن دروس پایه عملیاتی به مدت چهار ماه، قبل از شروع به انجام وظایف و مشاغل می‌باشند. کلیه دورهٔ آموزش، تقریباً دو سال به طول می‌انجامد و به طور کلی به دوازده کلاس تقسیم می‌شود. اکثر دوره آموزشی در حومهٔ «تل‌آویو» گذرانده می‌شود. مدرسین این دروس، معلمین دائمی و افسران اطلاعاتی که موقتاً بدین وظیفه گمارده شده‌اند و کادرهای اداره مرکزی موساد می‌باشند که شامل رئیس موساد و مدیران ادارات است، که گاهی در رشتهٔ تخصصی خویش سخنرانی می‌نمایند.

هر سه سرویس، مدرسهٔ عالی مشترکی را در اورشلیم اداره می‌نمایند که دروس تخصصی را به مدت دو تا سه ماه در مسایل سیاستهای بین‌المللی، هدفهای سیاسی و اقتصادی اسرائیل، وسایل و تجهیزات تکنیکی جدید عملیاتی و مطالعه آخرین اطلاعات دربارهٔ سرویسهای اطلاعاتی خارجی را می‌گذرانند. همه افسرانی که در اواسط سابقه کاری خود هستند، ملزم به شرکت در این «مدرسه عالی»، بعد از بازگشت از یک مأموریت خارجی می‌باشند. طبق گزارشات حدود ۴۰ تا ۵۰ دانشجو، در یک دوره این دروس اسم‌نویسی می‌کنند. مدرسین و کارمندان این مدرسه مشتمل از نمایندگان سه سرویس بوده و مستقیماً تحت نظر مدیریت موساد انجام وظیفه می‌کنند.

نخست وزیر و یا تعدادی دیگر از مقامات عالیرتبه، در مراسم کلاسهای فارغ‌التحصیلان شرکت و سخنرانی می‌کنند. تعدادی از افسران جوان موساد، که در بعضی رشته‌های آموزش عالی و یا زبانهای خارجی ضعیف می‌باشند، برای کسب درجات عالی به دانشگاههای خارج از اسرائیل فرستاده می‌شوند و همزمان با استفاده از پوشش تحصیلی، به فعالیتهای عملیاتی خارج از دروس دانشگاهی خود می‌پردازند. یکی از اهداف تثبیت شده در سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل تسلط کامل تمامی افسران، به زبان عربی است. دروس فشرده زبان عربی مدت ۹ ماه هر سال در حومه تل‌آویو به دانشجویان سرویسها تدریس می‌شود. وزارت امور خارجه نیز دو یا سه عضو خود را برای این دروس می‌فرستد. افسران موساد که به عملیات در مناطق عربی اعزام خواهند شد، نیز نظیر افسران شین بث، دوره مشابه آموزش زبان عربی را می‌گذرانند. برای تمرین بیشتر، این افسران موساد در مناطق تحت اشغال اسرائیل به مدت دو سال کار می‌کنند، تا مهارت زبان خارجی خود را قبل از اعزام به مناطق تعیین شده گسترش دهند. در طول این

www.takbook.com



مدت معمولاً این افسران در سینا و اغلب با ارتباط و هماهنگی با سرویس «اطلاعات نظامی» به فرستادن عمال بدوی به داخل مصر، انجام وظیفه می‌نمایند. همه افسران موساد در استفاده از سلاحهای کوچک آموزش دیده و ملزم به شلیک آنها در مقاطع زمانی مرتبی می‌باشند.

ب ـ حقوق و مزایا: رئیس موساد یک افسر، در لیست درجه یک حقوقی سرویسهای غیرنظامی است. او حقوق قابل توجهی، به علاوه فوق‌العاده و مزایای پذیرائی دریافت می‌کند. بر طبق گزارشات چندین رتبه درجه ۲ و ۳ برای افسران موساد وجود دارد. حقوق متوسط ماهانه افسران موساد بعد از کسر مالیات به علاوه پاداش و مزایای خانوادگی و مسکن، مجموعاً ۴۰۰۰ لیر اسرائیل (۴۶۰ دلار آمریکا) می‌باشد، این افسران مزایا و مخارج پذیرایی نیز دریافت داشته و یک وسیله نقلیهٔ سواری و کوپن بنزین به آنان داده می‌شود. مدارک عالی دانشگاهی، افسران اطلاعات را به رتبه بالاتر حقوقی خواهد برد. بنابراین یکی از مدیران هیئت رئیسه، با داشتن درجه عالی تحصیلی، درآمدی مشابه رئیس کل سازمان دارد. یک افسر متوسط با دریافت فوق‌العاده برای بستگان خود بیشتر از افسران ارشد حقوق دریافت می‌کند به طور کلی، حقوق رتبه‌های عالی سرویسهای غیرنظامی، به سختی قابل مقایسه با افسران ارشد نظامی می‌باشد. تفاوت نسبتاً ناچیز بین رتبه‌ها، به کمک فوق‌العاده‌های خوبی جبران می‌شود. این امر به خصوص در رتبه‌های عالی دیده می‌شود. افسران مأمور در خارج از اسرائیل، مزایا و فوق‌العاده زندگی قابل توجهی را دریافت می‌کنند، که مطابق آنچه که باید به یک افسر امور خارجه معمولی داده شود، می‌باشد. برای رعایت مقاصد پوششی، این حقوقها توسط وزارت امور خارجه، پرداخت می‌شود. اگر به هر حال، یک افسر اطلاعاتی نیازمند آپارتمان بزرگتر یا خانه‌ای برای ملاقات و ارائه کار، مقاصد عملیاتی و یا ضروریات خانوادگی باشد، سرویس او، بی سر و صدا تفاوت مخارج را خواهد پرداخت.

افسران و خانواده‌هایشان، هر زمان که امکانی می‌یابند، با وسایل حمل و نقل توریستی اسرائیل مسافرت می‌کنند. هر پایگاه در خارج اسرائیل، دارای بودجه برای مخارج خود و مخارج پذیرایی می‌باشد.

مسئولین بیش از اندازه میهمانی نمی‌دهند و اگر میهمانی داده شود، مفصل است. برای مقامات و افسران عالیرتبهٔ اطلاعات بیگانه و یا عمال برجسته، که میهمان اسرائیل می‌باشند، کوششها و مهمانیهای پرخرجی برای گسترش دوستی و همکاری در اداره مرکزی موساد در اسرائیل برپا می‌شود.

### ۴ـ روشهای عملیاتی

موساد در طی سالها، از تماس و ارتباط نزدیک با شخصیتهای بلند پایه و دفاتر دولتی، در همه کشورهایی که مورد توجه و اهمیت اسرائیل می‌باشند، برخوردار بوده است. در محافل یهودی، تقریباً در تمامی کشورهای جهان، صهیونیستها و دیگر مشتاقانی که حمایت فوق‌العاده‌ای از کوششهای اطلاعاتی اسرائیل می‌نمایند، وجود دارد. این گونه تماسها به دقت رشد و گسترش داده می‌شود، و به عنوان کانالهای اطلاعاتی، مواد گمراه کننده، تبلیغات منفی و دیگر مقاصد به کار می‌روند. موساد عملیات مخفی، را در سرتاسر اروپا از جمله شوروی و کشورهای اروپای شرقی، آمریکای جنوبی و شمالی، خاورمیانه، آفریقا، خاور دور هدایت و مدیریت می‌کند. فعالیتهای موساد به طور کلی، از طریق مراکز و تأسیسات رسمی و نیمه رسمی، مؤسسات پیچیده پوششی، به اشکال مختلف، سازمانها و تجارتخانه‌ها و دفاتر که بعضی از

www.takbook.com



آنها مخصوصاً برای مقاصد موساد تأسیس می‌شود، یا آن که برای هدف مشخصی قابلیت تطبیق دارد، صورت می‌پذیرد. موساد با نفوذ مؤثر، در داخل تشکیلات ملی غیرصهیونیستی و سازمانهای بین‌المللی یهودی نیز به کار می‌پردازد.

وظایف افسران اطلاعاتی در تحت پوششهای دیپلماتیک، تنظیم مبادلات اطلاعاتی با مقامات رسمی سرویسهای محلی کشورها، ادارهٔ مسایل ارتباطاتی و وسائل مخابراتی، حفظ آدرسهای مسکونسرویسهاهای پرداخت حقوق و امورات مالی، و هدایت عمال به سوی هدفهای مورد نظر می‌باشد. تشکیلات رسمی که برای پوشش به کار می‌رود شامل: هیئت‌های خرید اسرائیلی و شرکتهای توریستی دولتی اسرائیل، نظر ال‌عال و دفاتر زیم (ZIM) می‌باشد. مؤسسات ساختمانی اسرائیل گروههای صنعتی و سازمانهای بین‌المللی تجاری اسرائیل، نیز پوششهای غیررسمی می‌باشند. افرادی که تحت پوششهای پیچیده و یا غیرقانونی فعالیت می‌نمایند، معمولاً برای هدفهای نفوذی که نیازمند به کاربری نحوه‌های ظریف و عمق و وسعت، و زمان طولانی است، و یا دولت اسرائیل هیچ گاه مشارکت در آن را نمی‌پذیرد، به کار می‌روند. بسیاری از اسرائیلی‌ها، در کشورهای عربی بدنیا آمده، و در آنجا رشد و تحصیل نموده‌اند و بعد به اسرائیل هجرت کرده‌اند و بیشتر در سخن، رفتار و آداب، و طرز تفکر به اعراب نزدیکتر و مسلط تر می‌باشند تا به اسرائیلیها. موساد به وسیله پاسپورتهای تقلبی و مدارک شناسایی عربی و غربی، و تهیه داستانهای منطقی، از سابقه و گذشته افراد و پوششهای مناسب دیگر، به طور موفقیت‌آمیزی افراد خود را به داخل مصر و کشورهای عربی دیگر به طرق نامشخصی، با مدارکی که ملیت عربی یا اروپایی او را ثابت می‌کند، انتقال می‌دهد. در اسرائیل افراد متعددی که دانش منطقه‌ای و زبان خارجی کشورهایی که مورد نظر سرویسهای اطلاعاتی باشد را بدانند، زیاد زندگی می‌کنند. این متخصصین مناطق جهان، قادرند که کمک ارزشمند و ذیقیمتی در تحلیل اخبار اطلاعاتی و جمع‌بندی نیازها و ضوابط کشورها بنمایند. بدین طریق سهم مهمی در افزایش پتانسیل عملیاتی خواهند داشت، زیرا که آنها افسران اطلاعاتی اسرائیل را در تخمین و ارزیابی سریع و مؤثر، و معتمد بودن عمال و خبر دهنده‌هایشان یاری می‌دهند. این اشخاص به خاطر امکان عبور کامل به عنوان تبعه کشور مورد نظر، نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. استعداد خوب اسرائیل برای جعل و تهیه پاسپورت تقلبی و توانایی تهیه مدارک، به واقعی جلوه‌دادن افراد کمک بسیاری می‌کند.

سرویس اطلاعات اسرائیل، اتکاء بسیاری بر محافل و سازمانهای مختلف یهودی در خارج از کشور، برای استخدام عمال و کسب و بیرون کشیدن اطلاعات عمومی دارد. طبیعت خشن و تهاجمی ایدئولوژی صهیونیسم، که تأکید بر آن دارد که همه یهودیان متعلق به اسرائیل بوده و باید به آن باز گردند، سبب انصراف، رد و عدم حمایت از عملیات اطلاعاتی اسرائیل به توسط تعدادی از یهودیان شده است. بهر صورت، البته تعداد قابل توجهی از یهودیان سرتاسر جهان، مخالف صهیونیسم می‌باشند. نمایندگان اطلاعات اسرائیل، با آگاهی از این حقیقت، معمولاً در محافل یهودی با محافظه‌کاری بسیار به عملیات پرداخته و براساس مقررات، مأموریتهای خود را باید با ظرافت و کاردانی فوق‌العاده‌ای که هیچ مزاحمت و ناراحتی برای اسرائیل به وجود نیاورد، به انجام رسانند.

از سویی موساد نیز تلاش می‌کند که به محافل ضدصهیونیستی نفوذ کرده و مخالفتها را خنثی کند. علیرغم همه مراقبتها و محافظه‌کاریها، اسرائیل مکرراً ناچار به عقب‌نشینی شده است و حوادث مختلفی

www.takbook.com



تاکنون در رد تلاشهای موساد در استخدام یهودیان آمریکایی، به توسط یهودیان افشاء و به مقامات ایالات متحده، گزارش شده است. برنامه‌های اسرائیل برای افزایش رشد تکنولوژیک، علمی و نظامی با سرعت زیادی به واسطه بهره‌برداری از «برنامه‌های مبادلات علمی» رو به بهبود رفته است. موساد نقش مهمی را در این تلاش بازی می‌کند. علاوه بر کسب مقادیر زیادی از مقالات علمی و مجلات تکنیکی چاپ شده، در سرتاسر جهان از طرق کانالهای آشکار، اسرائیل بسیاری از عملیات مخفی خود را در بدست آوردن اطلاعات علمی و تکنیکی صرف می‌نماید. این گونه عملیات شامل تلاش در نفوذ و دستیابی به طرحهای مشخص طبقه‌بندی شده نظامی ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی است.

سازمان ملل متحد، یک هدف اصلی برای نفوذ و دستیابی موساد است، زیرا که مکان اصلی برای مبادلات بین‌المللی در همه رشته‌ها می‌باشد، و از سویی اهمیت و سهم مهمی در حل اختلافات، بین اعراب و اسرائیل دارد. عمال اسرائیل در سازمان ملل، تحت پوششهای دیپلماتیک و مطبوعاتی فعالیت می‌کنند.

استخدام موساد، آموزش و کنترل عمال، به طور گسترده‌ای متغیر است و بستگی به هدف، منطقهٔ عملیات و واحد آن در اداره مرکزی دارد. در حالی که به مقدار مشخصی، معیارهای عملیاتی وجود دارد، ولی افسران اطلاعات اسرائیل ظاهراً از آزادی قابل توجهی در انجام عملیات برخوردارند. هیچ گونه قانون مشخصی که قبل از استخدام و به کارگیری عامل، تصویب ویژه اداره مرکزی را ملزم بداند وجود ندارد و تنها استثناء، کشورهای کمونیستی می‌باشد. اسامی و مشخصات عمال برای پرونده‌های قطور اداره مرکزی لازم می‌باشد، ولی این یک طریقه عادی منظم نیست. عملیات اندیشیده شده بر علیه شوروی و کشورهای اروپای شرقی، به هر حال با دقت بسیار بررسی و عمل می‌شود و نیازمند مقادیر زیادی طرح‌ریزی و کنترل توسط اداره مرکزی است، و حتی یک گروه مخصوص متشکل از «متخصصین منطقه‌ای» مسئول اجازه و تصویب و اداره این گونه فعالیتها می‌باشند. موساد به خصوص علاقمند به کسب اطلاعات فوری، درباره تحولات، جابه جایی و انتقال واحدهای ارتش روسیه از شوروی به خاورمیانه می‌باشد. همچنین یک واحد کوچک، وابسته و یا درون موساد می‌باشد، که تنها هدف و مسئولیتش تذکر به روسها از طریق تماس و تبلیغات منفی درباره مسئله یهودیان در هر منطقه از جهان است. هر نوع شخصیتی، حتی سیروس ایتان (Cyrus Eatan) تحریک به طرح مسئله یهودیان شد. تلاشهای اسرائیل باید تأثیر مداومی داشته باشد، که روسها را اغلب وادار به حمله و عکس‌العمل بر علیه سرویس اسرائیل می‌کند و در تبلیغات منفی خود به افشای مفصل توطئه‌های اسرائیل بر علیه تودهٔ بی‌گناه شوروی می‌پردازد.

تقریباً به نحو منحصرانه‌ای، اسرائیل همه عمال خود را از افراد نژاد یهود انتخاب می‌کند. به هر حال این امر، دارای خطرات امنیتی است، زیرا که ممکن است، تردیدی در وفاداری به کشور صهیونیستی اسرائیل و یا وطن خویش، وجود داشته باشد. استخدام افراد غیریهود نسبتاً نادر است.

بسیاری از عربها، به خصوص داوطلبین آنها، به طور مستقیم و غیرمستقیم سرویسها را یاری می‌دهند. این امر حاصل از هوسهای مادی و پولی است. به هر حال اسرائیلی، این اعراب را منابع خوبی برای کسب اطلاعات موثق نمی‌دانند. اسرائیل اغلب فلسطینی‌ها را بر بقیه به سبب کنترل بیشتر آنان، ترجیح می‌دهد، زیرا که اکثر پس‌انداز و درآمدشان بعد از جنگ ۱۹۴۸، در اسرائیل مسدود شده است. در شرایط مشخصی، این سپرده‌های بانکی، به جهت خدمات اطلاعاتی این افراد آزاد شده است. اسرائیلیها تقریباً از

www.takbook.com



هر نوع تمایلات و گرایشات عمال بهره‌برداری می‌کنند. تلاش زیادی برای اتکاء به نژاد یهود، گرایشات طبیعی مذهبی، طرفداری از صهیونیسم، تنفر از افکار و اعمال ضد نژاد سامی، احساسات ضدروسی در موقع لزوم و غرایز انسانی، می‌نمایند. تهدید به اخاذی نیز به کار می‌رود. تکنیکهای استخدامی دیگری نظیر، پیشنهاد پول، فرصتهای شغلی و یا آزاد ساختن از زندان نیز، مورد استفاده است.

پول در میان اعراب اثر مخصوصی دارد. اسرائیل تاکنون به طور موفقیت‌آمیزی بر نقاط ضعف دیگر اعراب نیز نظیر حسادت، رقابت، ترس و اختلافات سیاسی بین آنها، تکیه و بهره‌برداری کرده است.

اسرائیل از مکانهایی که با پرچم کشورهای بیگانه مزین شده، نیز بنحو موفقیت‌آمیز و گسترده‌ای، برای استخدام افراد استفاده می‌کند. در حوادث متعددی اسرائیل به اتباع کشورهای اروپای غربی، تحت پوشش سازمان ملی اطلاعات ناتو، نزدیک و متوسل شده و آنها را به استخدام خود درآورده است، تا عملیاتی در کشورهای مشخص عربی انجام دهند.

در حالی که افسران اطلاعات، عملاً به اهمیت مسایل امنیتی آگاهی دارند، با همه این اوصاف، بی‌دقت می‌باشند. اگر چه تعلیمات بسیار خوبی دیده‌اند، افسران اطلاعاتی اسرائیل اغلب در استفاده از تلفن در خارج از کشور بی‌ملاحظه‌اند. همچنین آنها اغلب مقادیر زیادی اطلاعات به خاطر اعتماد فوری و تماس با عمالی که تنها روابط مختصری با آنان داشته‌اند، بروز می‌دهند. معهذا، آنها هر چند صباحی، اصول اساسی حرفه خود را به کار می‌برند و برای مدتی زندگی عمال خود را با مقررات متعدد امنیتی، که ناچار به تحمیل آن می‌باشند، سخت و دشوار می‌کنند. گاهی در ملاقاتهای از پیش تعیین شده، بین یک افسر و یک عامل، «ضد مراقبت» توسط دو یا چند افسر دیگر، برای شناسایی تأمین مراقبتهای احتمالی، مکان ملاقات و حفاظت افسر رابط، انجام می‌پذیرد. در مراحل استخدام عمال، افسران تماماً از اسم مستعار استفاده کرده و موافقتهای محرمانه‌ای با عامل مورد نظر به اجراء می‌گذارند و برای او نیز اسمی فرضی یا مستعار انتخاب می‌کنند. هرگاه پول یا پاداشی به عامل داده می‌شود، افسران می‌کوشند که با دریافت رسیدی که به دستخط اوست، تضمینی دریافت کنند. اگر چه گاهی ممکن است یک عامل برای کسب آموزش ویژه به اسرائیل فرستاده شود، ولی اجرای آن آسان و ارزان تمام نمی‌شود. بنابراین، معمولاً افسران اطلاعاتی شخصاً مسئول آموزش عمال بوده و اساسی‌ترین مهارتهای حرفه‌ای، مسایل حفاظت و امنیت، و استفاده از دستگاههای رادیویی و بهره‌برداری از کدهای ارتباطاتی، را به او یاد می‌دهند. اگر فوریت شرایط، آموزشهای ویژه‌ای را ایجاب کند، افسران اسرائیلی آپارتمانی را برای مقاصد خود در پاریس یا نیویورک اجاره می‌کنند. عمالی که این گونه تعلیم دیده‌اند، استفاده از مرکب سری و ترکیبات آن را آموخته و نحوه پنهان نمودن مدارک و نامه‌ها را در بدن و لباس می‌آموزند. همچنین تسلیم اطلاعات به مکانهای مخفی تضمین شده و یا چگونگی تماس و ارتباط با افسر مربوطه و یا اداره مرکزی را یاد می‌گیرند.

متدهای ارتباطی بسیار مختلف است و به مکانها و شرایط بستگی دارد. تماس برای ملاقاتهای شخصی بین عامل و افسر رابط از طریقه نوشته‌های سری، نوشتارهای باز، و یا پیغام شفاهی به توسط پیک (وابسته یا رابط موثقی) انجام می‌گیرد. مراکز و شهرهای مورد استفاده، دارای اسم کد بوده و مکانهای ملاقاتی در وقتهای مشخص، با زمانها و مکانهای دیگر اضافی مشخص می‌شود. در مواقع حساس و فوری، عامل به وسیله کد باز تلفنی یا تلگرافی، که از قبل تعیین شده یا نامهٔ کددار، افسران اطلاعاتی را با

www.takbook.com



خبر می‌کند. در صورتی که زمان اجازه دهد، از طریق نوشته‌های سری یا پیک، افسر مزبور مطلع می‌گردد.

اسرائیلیها تأکید بسیاری بر روابط شخصی، با عمال خود دارند. آنها به سبب دست و دلبازی فوق‌العاده در اعطاء امتیازات فردی و کمکهای پولی برای حفظ خشنودی عمال، شناخته شده و مشهورند. یکی از این افراد، یک روزنامه‌نگار در پاریس بود که مسئولین فرانسوی را به استخدام خود در می‌آورد و به کسب اطلاعات از خبردهندگان ناشناس و یا شناخته شده در جهان سیاسی فرانسه می‌پرداخت. او مبلغی برابر ۱۰۰۰ دلار آمریکایی هر ماه دریافت می‌کرد. بعد از سالها فعالیت مداوم و یک رشته همکاری با افسران اسرائیلی، به خدمات او به تدریج، ولی نسبتاً فوری خاتمه داده شد. پرداخت معینی که به طریق نرخ یک ماه حقوق برای هر سال خدمت حساب می‌گردد، برای تخفیف احساس آزردگی عامل به او پرداخت می‌شود. از جهت دیگر، اسرائیلیها می‌توانند مطلقاً با افسران اطلاعات و عمال خود، با بیرحمی و خشونت عمل کنند؛ به خصوص اگر بی‌وفایی و خیانت، عملیات حساسی را تهدید و یا امنیت کشور اسرائیل را به خطر اندازد. حوادث مختلفی درباره یهودیان اروپایی، که حین یا بعد از کار برای سرویس اسرائیلی با مصریان نیز، برای مبلغ قابل توجهی پول، وارد معامله شده‌اند، اتفاق افتاده است. این گونه یهودیان که تشویق و تحریک به سفر به اسرائیل، یا عبور غیرقانونی شده‌اند، در دادگاه اسرائیل محاکمه شده و به اشد مجازات ۱۰ تا ۱۴ سال زندان محکوم شده‌اند.

اداره مرکزی موساد، بایگانی، جریان و نشر گزارشات را با روش دشواری کنترل می‌کند که با آزادی زیادی که در انجام عملیات، اجازه داده شده است، متناقض است. یک افسر اطلاعاتی اسرائیل، در خارج از کشور باید همهٔ اطلاعات گزارش شده توسط عامل خود را بپذیرد، و نباید حتی یک لغت را نیز تغییر دهد. افسران اطلاعاتی از اداره مرکزی سؤالهای آماده و مفصلی دریافت می‌کنند و تنها مقدار ناچیزی از محتوی درخواست شده را می‌توانند تغییر داده، و سپس مطالب را کامل تحویل دهند. بسیاری از عمال، از سطح دانش ضعیفی برخوردارند و افسران اطلاعاتی حین ملاقات از آنان، براساس سؤالات اداره مرکزی، بازپرسی می‌کنند، تا اطلاعات دقیق را کسب کنند. افسر اطلاعات سپس باید همهٔ گفته‌های عامل راحتی اطلاعات آشکار را نیز گزارش کند. افسر اطلاعات، در صورتی که بخواهد، می‌تواند یادداشتها و تذکرات خود را نیز با گزارش عامل ارسال کند.

اداره مرکزی موساد، گزارشات عمال را برای همه آژانسهای مشتری خود ارسال نمی‌دارد. حجم قابل توجهی از گزارشات برای یک واحد ویژه «بررسی و آنالیز» فرستاده می‌شود. برای مثال، معمولاً گزارشاتی که درباره مسایل اعراب است به سرویس اطلاعات نظامی و گزارشات ضد اطلاعاتی به شین‌بث منتقل می‌شود. به هر صورت، گزارشات استثنائی نیز برای مقاماتی که خط مشی سیاسی اسرائیل را تعیین می‌کنند، فرستاده می‌شود. افسران اطلاعات موساد، کپی گزارشات را به سفرای اسرائیل نشان نمی‌دهند و تنها به اداره مرکزی در تل‌آویو ارسال می‌دارند.

سرویسهای اسرائیل علاقه بسیار وافر و هوشیارانه‌ای در بهره‌برداری و توسعه تجهیزات تکنیکی دارند. از سالهای ۱۹۴۷ ـ ۱۹۴۸ سرویس اخبار و اطلاعات عملیات سری "تأمین مراقبت تکنیکی" را بر علیه اعراب و هیئتهای انگلیسی در سازمان ملل متحد به کار می‌برد. موساد با همکاری شین‌بث، آموزشهای تکنیکی را به سرویسهای امنیت و اطلاعات ترکیه و غنا تعلیم می‌دهد. مبادله تجهیزات و اطلاعات تکنیکی با سرویسهای اطلاعات و امنیت ژاپن نیز برقرار شده است. موساد در عملیات تکنیکی،

www.takbook.com



در خارج از اسرائیل، توسط شین‌بث و اطلاعات نظامی یاری می‌شود. قدرت و توانایی تکنیکی سرویسهای اسرائیل، برای تقاضاهای عادی کافی است. علاوه بر این، هماهنگی بسیار نزدیکی بین سرویسها و نیازهای صنعتی کشور وجود دارد. صنایع کشور تهیه و توسعه کشور تهیه و توسعه تجهیزات تکنیکی مورد نیاز سرویسها را برای ادامه عملیات ارتباطاتی و مخابراتی، تضمین و حمایت می‌کند. وجود برنامه‌های محدود تحقیقاتی، که همراه و آمیخته با لیاقت و مهارت عالی اسرائیل در مسایل تکنیکی است، چنین نشان می‌دهد که اسرائیل قصد ندارد که از پیشرفتهای حاصل در وسایل تأمین مراقبتهای ارتباطاتی و مخابراتی و دستگاههای خنثی‌سازی آن عقب بماند.

یک ـ روابط با سرویسهای دیگر: موساد روابط خوبی با شین‌بث سرویس اطلاعات نظامی، مرکز تحقیقات و طرح‌ریزی سیاسی وزارت امور خارجه و بخش "وظایف ویژه" پلیس دارد. موفقیتهایی نظیر حمله انتبه، نمونه‌ای از طرح‌ریزی و اجرای هماهنگ و دقیق می‌باشد. این حادثه گواهی، بر روابط خوب میان سرویسهای اسرائیل است. کمیسیون "آگرانت" از هماهنگی بیشتری بین سرویسها حمایت نمود و پست و نقش مشاورین اطلاعاتی را برای کنترل و تحت نظر داشتن اختلافات و مشاجرات مدیریت داخلی سرویسها، را احیاء نمود. مبادلات بین موساد و سرویسهای دیگر از طریق "وعدت" که مکانیزم هماهنگی است، و به کارگیری کمیته‌های ویژه هماهنگی در مسایل مشخص، به هر صورت همکاری و هماهنگی بین سرویسها را تضمین و تداوم می‌بخشد.

دو ـ روابط وابسته با سرویسهای بیگانه: موساد روابط وابسته با بسیاری از سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی سراسر جهان دارد. غیر از چند استثناء، مدیریت اداره "عملیات سیاسی و روابط وابسته خارجی" مسئول تماس با اکثر سازمانهای خارجی است. در اکثر ملاقاتها، نقطهٔ تماس در پایتخت کشورهای خارجی است؛ هرچند که تعدادی از سرویسهای خارجی به روابط وابسته در خود اسرائیل پافشاری می‌کنند.

در حال حاضر، موساد با همکاری شین‌بث، روابط وابسته‌ای با سرویسهای اطلاعاتی و امنیتی بیگانه از طریق عضویت در گروه "کیلووات" حفظ کرده است. این گروه تشکیلاتی است که با مسایل تروریسم عرب سروکار دارد و مشتمل از کشورهای آلمان غربی، بلژیک، ایتالیا، انگلستان، لوکزامبورک، هلند، سوئیس، دانمارک، کانادا، فرانسه، ایرلند، سوئد، نروژ، و اسرائیل است. اسرائیل روابط و تماس‌های غیر رسمی با کشورهای دیگر اروپایی نظیر اسپانیا، پرتغال و اطریش در مسایل تروریسم نیز دارد.

اسرائیل در طی سالها کوشید، تا حلقهٔ محاصره اعراب را با ایجاد روابط با کشورهای غیر عرب مسلمان در خاورمیانه بشکند. در اواخر ۱۹۵۸، یک سازمان روابط وابسته رسمی سه جانبه، شامل موساد، سرویس امنیت ملی ترکیه (TNSS) و سازمان اطلاعات و امنیت ایران (ساواک)، تشکیل شد، که این سازمان "نیزهٔ سه سر" نامیده شد. بر اساس توافقات، این سازمان چیزی علاوه بر روابط دوجانبه موساد، با هریک از این سرویسها بود. تشکیلات "نیزهٔ سه‌سر" علاوه بر تداوم مبادلات اطلاعاتی، جلساتی نیز هر نیم سال، در سطح روسای سرویسها داشته است. مبانی کلی اصل توافق با ترکها، علاوه بر تصویب قانونی روابط وابسته بین دو کشور اسرائیل و ترکیه، تأکید نموده است، که موساد اطلاعاتی از فعالیتهای عمال شوروی در ترکیه، و کسانی که بر علیه ترکیه در سراسر خاورمیانه عمل می‌کنند، را در اختیار سرویس ترکیه قرار دهد. در مقابل، ترکها موافقت نمودند که هرگونه اطلاعات از مقاصد سیاسی

www.takbook.com



کشورهای عربی را که بر امنیت اسرائیل اثری دارد، در اختیار اسرائیل بگذارد.

در ضمن ترکیه فعالیتها و مشخصات عمال مصری، که بر علیه اسرائیل فعالیت می‌کنند را در اختیار آنها قرار دهد. همچنین سرویس اسرائیل تعلیمات تکنیکی و ضد جاسوسی ترکها را به عهده گرفته است.

هدف اصلی روابط اسرائیل با ایران، ایجاد و توسعه سیاستهای ضد عربی و موافق اسرائیل، در تصمیمات مقامات ایرانی بود. از اواخر دهه ۱۹۵۰ به بعد، در طی سالها، موساد در عملیات مشترکی با ساواک، همکاری داشته است. موساد، به فعالیتهای ساواک یاری داده است و کردهای عراق را حمایت نموده است. اسرائیل مرتباً گزارشاتی دربارهٔ فعالیتهای مصر در کشورهای عربی، تحولات و حوادث عراق، و فعالیتهای کمونیستها، که اثراتی بر ایران داشت، به سازمان اطلاعات ایران منتقل می‌کرده است.

روابط وابسته اسرائیل در آفریقا، به نحو قابل توجهی "کشور به کشور" متفاوت است، و به فوریت شرایط بستگی دارد. فعالیتهای اطلاعاتی اسرائیل در آفریقا، معمولاً تحت پوششهای تعلیمات و آموزشهای نظامی و پلیسی، فروش تسلیحات به قوای نظامی کشورها و برنامه‌های کمک و توسعه، انجام می‌پذیرد.

کشورهای عرب توأم با سازمان "وحدت آفریقا"، فشار فوق‌العاده‌ای بر اکثر کشورهای آفریقا، در قطع همه روابط رسمی با اسرائیل وارد آورده‌اند. علیرغم قطع روابط دیپلماتیک بین اسرائیل و بسیاری از کشورهای آفریقایی، اسرائیل هنوز روابط وابسته خوب اطلاعاتی، را با تعدادی از سرویسهای آفریقایی، حفظ کرده است. اسرائیل نیز روابطی با سرویس کنیا دارد. در آفریقای مرکزی، اسرائیل هنوز در زئیر فعالیت است. در غرب آفریقا، اسرائیل سرویس امنیت و پلیس لیبریا، را آموزش می‌دهد. همچنین در تأسیس سرویس اطلاعات نظامی غنا همکاری داشته است. در آفریقای جنوبی، اسرائیل روابطی با سرویسهای اطلاعات و امنیت آفریقای جنوبی دارد.

اسرائیل در طی سالها، در آمریکای لاتین بسیار فعال بوده است. یکی از بزرگترین موفقیتهای اطلاعاتی، دستگیری آدولف آیشمن، رهبر سابق نازی بود که در آرژانتین به وقوع پیوست. اخیراً، اکثر فعالیتهای "روابط وابسته" در آمریکای لاتین، در مسایل آموزشی و عملیات ضد تروریستی متمرکز شده است. برای مثال، کنسولگری اسرائیل در ریودوژانیرو، پوششهای لازمه را برای پایگاه منطقه‌ای موساد فراهم آورده است که شامل کشورهای برزیل، آرژانتین، شیلی و اروگوئه می‌باشد. افسرانی از این مرکز برای تعلیم به سرویس آرژانتین به بوینس‌آیرس می‌روند. در جریان این گونه تماسها، افسران اسرائیلی درگیری گسترده‌تری را در عملیات مشترک ضد تروریستی، توصیه می‌کنند. اسرائیل "روابط وابسته‌ای" با سرویسهای امنیتی مکزیک، نیکاراگویه، کاستاریکا، پاناما، جمهوری دومینیکن، ونزوئلا، کلمبیا، اکوادور و پرو نیز حفظ کرده است. کاراکاس مرکز منطقه‌ای برای آمریکای مرکزی، شمالی و غربی آمریکای لاتین است.

اسرائیل مدت زمانی در آسیای شرقی فعالیت می‌نمود. آنها آموزش اطلاعاتی را در اختیار دولت جمهوری چین (ملی) قرار می‌دادند و "روابط وابسته‌ای" با آنان داشتند. اسرائیل روابطی نیز با ژاپن، تایلند، اندونزی و سرویسهای کره‌جنوبی، به خصوص در مسایل تروریستی دارد. بزرگترین مرکز منطقه‌ای موساد در آسیای شرقی در سنگاپور می‌باشد. رئیس پایگاه موساد در سرتاسر این منطقه، مکرراً سفر کرده و با سرویسهای کشورهای مجاور معاملات و قراردادهایی می‌بندد. اندونزی به عنوان یک

www.takbook.com



کشور مسلمان، روابط دیپلماتیک رسمی با اسرائیل ندارد. بنابراین، روابط دوجانبه موساد ـ اندونزی، خیلی محافظه‌کارانه می‌باشد.

نمایندگان موساد در سنگاپور، مورد تأیید و تصویب سرویس اندونزی می‌باشند. همچنین افسران موساد در جاکارتا، نیز تحت پوششهای تجاری فعالیت می‌کنند. دلیل اولیه "روابط وابسته" با اندونزی، کسب کمک در تلاشهای ضد تروریستی می‌باشد. از سوی دیگر، بدین طریق، اسرائیل نه تنها در عملیات ضدتروریستی درگیر می‌شود، بلکه فرصتی نیز برای جمع‌آوری اطلاعات و درگیری در فعالیتهای سیاسی یک کشور مسلمان نیز می‌یابد.

## ج ـ (C) شین‌بث ـ سرویس امنیت داخلی و ضدجاسوسی

### ۱ـ وظایف:

شین‌بث در اسرائیل، مسئولیت امنیت داخلی و ضد جاسوسی را به عهده دارد و اساساً فعالیتهای آن محدود به داخل اسرائیل می‌باشد. مسئولیتهای اولیه و عمدهٔ شین‌بث شامل: جمع‌آوری اطلاعات از تشکیلات اطلاعاتی بیگانهٔ دوست و دشمن است و با فعالیتهای آنان حفاظت امنیتی مقامات و تأسیسات اسرائیل در خارج از کشور و تعقیب و تحقیق دربارهٔ همه‌گونه اشکال براندازی (نظیر انهدام، خرابکاری و تروریسم) است که توسط نیروهای داخلی و یا خارجی، چه در داخل و یا خارج اسرائیل به وقوع می‌پیوندد. شین‌بث همهٔ اخبار به دست آمده را ارزیابی کرده، سپس با مطالب دیگر جاری و آشکار موجود از منابع اسرائیلی و خارجی، ترکیب و طبقه‌بندی می‌کند و گزارشات نهایی ارزیابی شده را در اختیار آژانسهای دولتی ذیربط، برای اجرا قرار می‌دهد. شین‌بث برای مقابله با دو مخالف اصلی خود یعنی سرویسهای امنیت و اطلاعات اعراب و کشورهای شوروی و اروپای شرقی عمل می‌کند.

شین‌بث زمانی در عملیات مثبت اطلاعاتی و امور مهاجرت، در کشورهای بالکان به خصوص رومانی، بلغارستان، یوگسلاوی و لهستان به نحو موفقیت‌آمیزی دخالت داشته است، ولی دیگر بدان ادامه نمی‌دهد. شین‌بث مقام مسئول در مسایل امنیت فیزیکی و امنیت کارکنان می‌باشد. در ضمن مسئول حفاظت و امنیت شخصی رئیس جمهور، نخست‌وزیر و وزیر دفاع است. شین‌بث قدرت دستگیری کسی را ندارد و این تنها بر عهده بخش "وظایف ویژه" اداره بازرسی پلیس اسرائیل است، که یک نیروی ملی است، و اداره مرکزی آن در اورشلیم واقع شده است. زمانی که دستگیری فردی لازم است، شین‌بث گزارش مفصلی را دربارهٔ آن فرد، به علاوه درخواست حکم جلب، را به وزارت دادگستری تسلیم می‌کند. اداره حقوقی، درخواست را به بخش "وظایف ویژه" می‌فرستد که حکم جلب را صادر و فرد خاطی را دستگیر می‌کند. زمانی که اقدام فوری لازم و ضروری است، شین‌بث مستقیماً بخش "وظایف ویژه" را باخبر می‌کند. این بخش قدرت دستگیری مظنون و زندانی نمودن موقت او را داشته و می‌تواند صدور قبض ضمانت را به تعویق اندازد. گاهی افسر شین‌بث، به عنوان مشاور مخصوص در دادگاه کنار اعضای دادستانی حضور می‌یابد.

### ۲ـ سازماندهی:

شین‌بث، هشت (۸) اداره برای انجام وظایف و عملیات خود تشکیل داده است. (۱) اداره امور اعراب؛

www.takbook.com



(۲) اداره امور غیر عرب؛ (۳) اداره امنیت حفاظتی؛ (۴) اداره پشتیبانی عملیاتی؛ (۵) اداره تکنولوژی؛ (۶) اداره مشاورت حقوقی و بازپرسی؛ (۷) اداره هماهنگی و طرح‌ریزی؛ (۸) امور اداری.

ادارات منطقه‌ای صحرایی شین‌بث: مناطق "غزه ـ سینا" با اداره مرکزیش در اشگلون (Ashgelon)، منطقه شمالی که اداره مرکزیش در حیفا است و منطقه کرانه غربی با اداره مرکزی خود در اورشلیم واقع شده است. یک واحد در داخل اداره مرکزی ملی شین‌بث در تل‌آویو می‌باشد، که بعنوان چهارمین اداره منطقه‌ای، انجام وظیفه می‌نماید. این دوایر منطقه‌ای خود نیز به بخشهای متساوی دیگری تقسیم شده‌اند، ولی از تشکیلات اصلی مادر کوچکتر می‌باشند. (شکل ۶)

دایره "امور اعراب"، مسئول نظارت بر فعالیتهای اعراب در زمینه‌های ضدجاسوسی، عملیات ضد تروریستی، کنترل براندازیهای سیاسی، تحقیقات، حفظ و نگهداری اندکس (لیست اسامی و موضوعات) ضد اطلاعاتی درباره اعراب است. واحدها و اجزایی که این گونه فعالیت‌ها را به عهده دارند، از قسمتهای تدافعی و تهاجمی تشکیل شده‌اند. این اداره از طریق دفاتر صحرایی که توسط افسران منطقه‌ای کنترل می‌شود، عمل می‌نماید. این گونه افسران گزارشات خود را به فرماندهان منطقه‌ای می‌دهند، ولی اتکاء آنها بر دایره "امور اعراب" برای راهنمایی و پشتیبانی است، که شامل کمک در مسایل ضد جاسوسی، ضد خرابکاری، و تأمین مراقبت مخفی و پشتیبانی تحقیقاتی، ضبط و بایگانی است. وظایف نهائی اداره مرکزی (مقر فرماندهی کل) تعیین دکترین، نظارت و سیستماتیک نمودن فعالیتها می‌باشد.

دایره "امور غیر عرب"، نفوذ به داخل احزاب سیاسی افراطی نظیر حزب کمونیست اسرائیل (MAKI)، کمونیستهای جدید چپگرا (RAKAH) که گروه عظیمی از منشعبین بوده و حامی اعراب می‌باشند، چپ جدید اسرائیل (SIAH)، ضد صهیونیستها و سازمانهای راست افراطی را به عهده دارد.

این اداره همچنین تقلبات، بازار سیاه، قاچاق پول و اجناس به داخل و خارج از کشور و نقض قوانین کنترل اقتصادی را تحقیق و تعقیب و رسیدگی می‌کند. شین‌بث مسئول ضبط خطوط تلفنی، قطع یا ضبط صحبتهای دیپلماتیک تلفنی، و تلفنهای داخل کشور می‌باشد.

دایره "امور غیر عرب" مسئول "روابط وابسته" با بیگانگان و انجام همه تماسهای مکاتباتی شین‌بث با دیگر سرویسهای اطلاعاتی و امنیتی بیگانه می‌باشد. بازپرسی از مهاجران یهودی که از شوروی و کشورهای اروپای شرقی آمده‌اند، نیز توسط این دایره تقبل شده است.

اداره "امنیت حفاظتی" مسئول حفاظت از ساختمانهای دولتی و سفارتخانه‌های اسرائیل، تأسیسات ال‌عال و زیم (ZIM) و کشتیهای تجاری تأسیسات علمی و صنایع نظامی و حفاظت از رهبران کشور می‌باشد. در ضمن این اداره از همه مجتمعهای صنعتی مهم و حیاتی، مخصوصاً صنایعی که دارای ارزش عینی و یا بالقوه نظامی است، حفاظت می‌کند. در جلوگیری از درز و افشای اسرار صنعتی نظیر اختراعات، مراحل عمل، آمار و غیره دخالت دارد. همچنین روابط و تماس وابسته با کلیه افسران امنیتی که در داخل دولت اسرائیل فعالیت می‌کنند، نیز دارد. اگرچه افراد گارد و افسران امنیتی، حقوق خود را از مؤسساتی، که در آن فعالیت دارند، دریافت می‌کنند: ولی استخدام آموزش و کنترل آنان در مسئولیت شین‌بث است. اداره امنیت حفاظتی کنترل امنیت ارتباطات داخلی و اطلاعات سری را نیز در اختیار دارد. برای مثال، یک واحد کوچک در داخل این اداره تمامی مسایلی که در رابطه با جاسوسی است، با دفتر سانسور نامه و تلگراف رتق و فتق می‌کند.

www.takbook.com



ادارهٔ "امنیت حفاظتی" فعالیتهای امنیتی شین‌بث را در خارج از کشور نظیر حفاظت از پرسنل، دفاتر حمل و نقل، بخشهای دیپلماتیک، تجهیزات و وسایل را اداره می‌کند. اگرچه موساد، مسئول عملیات یکجانبه و مسایل "روابط وابسته" اطلاعاتی است و سرویس اطلاعاتی نظامی، کنترل سیستم آتاشه نظامی و "روابط وابسته" نظامی را در اختیار دارد. شین‌بث نیز امنیت حفاظتی و "روابط وابسته" با سرویسهای امنیتی محلی کشورهای بیگانه را در حفاظت از اموال و پرسنل اسرائیلی را به اجرا درمی‌آورد. برای مثال، یک دفتر منطقه‌ای "امنیت حفاظتی" در پاریس وجود دارد که وظیفه و توجه عمده آن به امنیت از ال‌عال و زیم (ZIM) معطوف می‌باشد.

اداره "پشتیبانی عملیاتی" مسئول پشتیبانی و یاری ادارات عملیاتی با تأمین مراقبت مخفی، مشاهدات، امنیت فرودگاهها، سانسور، تجهیزات استراق سمع، وظایف ویژه و پشتیبانی در خنثی سازی امواج صوتی و ایجاد پارازیت می‌باشد. این اداره دارای واحدهای تاکتیکی است، که عملیات ضد اطلاعاتی، حفاظت مقامات عالیرتبه کشوری، و ضبط تلفنی را یاری می‌رساند. این اداره، با به کارگیری یک دستگاه گیرنده فوق‌العاده پیشرفته، که به وسیله یک دستگاه کنترل با صفحات کلیدی که در دفاتر شین‌بث نصب شده است، سرویس را پشتیبانی می‌کند. این دستگاه شین‌بث را از ضبط تلفی از طریق جعبه‌های محلی انشعابات تلفنی، و حتی از طریق مراکز تلفن که تحت نظارت وزارت خدمات مخابراتی و تلفنی می‌باشد بی‌نیاز می‌کند. و نیز از امکان بهره‌برداری سوء کارمندان چپگرای "خدمات تلفنی" بدین نحو جلوگیری می‌کند.

اداره "تکنولوژی" پشتیبانی خود را در اختیار ادارات عملیاتی، در زمینه‌های زیر قرار می‌دهد:

الکترونیک، مکانیک و شیمیایی: این اداره پشتیبانی تکنیکی خود را در حوزه‌های عملیاتی نظیر تأمین مراقبت مخفی صوت و تصویری، ارتباطاتی، عکسبرداری، دخول سری، ضبط تلفنی، سانسور نامه، و وسایل امنیتی و غیره، در اختیار ادارات عملیاتی می‌گذارد.

اداره "مشاورت حقوقی و بازپرسی" مسئولیت همه بازپرسیهای ضد اطلاعاتی و امنیتی، که به بخش "وظایف ویژه" پلیس واگذار نمی‌شود را برای ادارات عملیاتی شین‌بث انجام می‌دهد. این اداره بهره‌برداری ویژه‌ای از دستگاه دروغ‌سنج می‌نماید. همچنین بر موثق بودن منابع موساد رسیدگی نموده و جعل‌کنندگان و یا عمال دوجانبه مظنون را مورد، نظارت و رسیدگی خود قرار می‌دهد. پرسنل بخشهای این اداره، به مناطق مختلف کشور سفر کرده، و آزمایش دروغ‌سنجی و بازپرسی را انجام می‌دهند. در ضمن در تهیه پرونده‌های محاکمه افراد و دیگر مسایل حقوقی مورد نیاز، ادارات عملیاتی شین‌بث را یاری می‌کند.

اداره "هماهنگی و طرح‌ریزی" مسئول هماهنگی متدولوژی ضد اطلاعاتی و امنیتی، کارآموزی، ارزیابی و تقویت امنیتی و بایگانی و ثبت مرکزی است. این اداره پرونده‌های "کارت و مشخصات" افراد غیر عرب را نگهداری می‌کند. علاوه بر مراحل عادی صدور کارت مشخصات، بایگانی و ثبتی نیز درباره تمام افرادی که در پلیس کشور پرونده‌ای دارند، می‌باشد. بدین طریق همه دفاتر دولتی به سرعت می‌توانند از طریق شین‌بث، پرونده پلیس کارمندان کنونی و یا آینده را رسیدگی و مشاهده کنند. همه‌گونه نتایج حاصله از مراحل "ردیابی" از قبیل رسیدگی به صحت اسامی تا تحقیق و بازجویی از همسایگان، به این اداره کانالیزه شده است. این بایگانی از یک کامپیوتر نظامی استفاده می‌کند. بایگانی اسامی و مشخصات

www.takbook.com



اعراب هنوز به سبب مشکلاتی که در اسامی عربی وجود دارد، به کامپیوتر مجهز نشده است.

"امور اداری" مسایل و وظایف عادی نظیر اداره پرسنلی، مالی، تدارکات و حمل و نقل، ارتباطات و امنیت را به عهده دارد.

تشکیلات تعیین خط مشی در داخل شین‌بث "مدیریت سرویس" نامیده می‌شود. این مجتمع یک بار در ماه تشکیل می‌شود و اعضاء آن مشتمل از مدیران ادارات (از جمله مدیران منطقه‌ای) است، که از یک رتبه و درجه مساوی برخوردار می‌باشند.

### ۳ـ عملیات اداری

رئیس شین‌بث، توسط نخست‌وزیر انتخاب می‌شود. نخست‌وزیر ممکن است برای انتخاب، با کسانی مشورت کند و یا درخواست توصیه نماید، ولی به تصویب مجلس کنست و کابینه نیازی ندارد.

شین‌بث، مسئول حفاظت از همه پرسنل اطلاعاتی غیرنظامی و پرسنل امنیتی است. علاوه بر این، شین‌بث پرسنل را براساس خصوصیات مشخصی که بر اصل وفاداری به کشور، تحصیلات قابلیت و استعداد و توانایی استوار است، انتخاب می‌کند و در معرض پذیرش و تصویب سرویسهای غیرنظامی کشور قرار می‌دهد، تا نهایتاً به استخدام آنان درآید. ارتش در قبال مراحل امنیتی، که مرتبط به پرسنل نظامی است. نسبتاً خودمختار است، زیرا که واحدهای امنیت نظامی اکثر این مقدمات را شخصاً به عهده دارد. به هر صورت، شین‌بث معیارها رویه‌ها و سیاستها را برای کنترل امنیتی ارتش وضع و تنظیم می‌کند.

از میان ۵۰۰ افسر شین‌بث، حدود ۱۰۰ نفر ابتدا انتخاب، سپس غربال شده و نهایتاً به عنوان افسر امنیتی تعلیم و آموزش داده شده‌اند تا در تمام تشکیلات دولتی، به فعالیت بپردازند. این گونه افسران در دفتر نخست‌وزیر، سرویسهای اطلاعاتی و امنیتی از جمله موساد، انستیتوهای علمی، تأسیسات ال‌عال و مقرهای خدمات خارجی مستقر شده‌اند.

اکثر کارمندان کادر، که تعدادی از آنان نیز زنان اسرائیلی می‌باشند، از سوابق تحصیلی عالی و تجارب گسترده‌ای برخوردارند. حدود ۱ افسران شین‌بث در ابتدای شروع کار خود، به عنوان افسران امنیتی در خارج از کشور عهده‌دار وظایفی[۳] گردیده، و تحت کنترل اداری و عملیاتی موساد قرار می‌گیرند. پس از اتمام تکلیف خارجی و بازگشت به کشور، افسران شین‌بث به سرویس امنیتی داخلی بازگردانده می‌شوند. از آنجا که افسران عالیرتبه موساد و شین‌بث تحت کارآموزی و آموزش مشابه‌ای در مدرسه "عملیات عالی مشترک" قرار گرفته‌اند، متد عمل و سبک کار مشابهی دارند.

تبادل پرسنل، به مقدار زیادی در بین سرویسهای معمول است. شین‌بث ممکن است، یک سرگرد ارتش را برای وظایف موقتی بپذیرد، یا آنکه یک افسر بازنشسته را بر اساس کار دائم به استخدام خود در آورد. تمام کسانی که به استخدام شین‌بث در می‌آیند، در معرض تحقیقات کامل «سوابق امنیتی» و حداکثر آزمایشات جسمی، امتحان دروغ سنجی و آزمایشات دقیق روانکاوی را باید با موفقیت بگذرانند. رسیدگی امنیتی از متولدین اسرائیل، نسبتاً آسان است. زیرا که اسرائیلیهای جوان زندگی کاملاً تدوین شده‌ای دارند، و به سختی از راحت‌طلبیهای زندگی برخوردار شده‌اند. پرونده‌های پلیس، کارنامه مدرسه‌ای، معلمین و پروفسورهای دانشگاهی، کارنامه نظامی، جنبشهای دانشجویی، گرایشات سیاسی، کارنامه رأی آنان، تاریخچه خانوادگی، تمایلات سیاسی، و دوستان آنان، با دقت از نزدیک مورد بررسی و

www.takbook.com



آزمایش قرار خواهد گرفت. اگر متقاضی متولد خارج از اسرائیل است، کارنامه مفصل مهاجرت او ممکن است اطلاعات مناسبی را آشکار کند. که با «بازپرسی روبرو» می‌توان آن را دوباره بازرسی و چک نمود. وفاداری به اسرائیل، ملاک اساسی می‌باشد. اگر متقاضی از جوانی، یک صهیونیست بوده باشد، او به طبقه‌بندی ویژه تعلق دارد اگر او هرگز به احزاب چپ نظیر MAPAM، MAKI و RAKAH یا به حزب دست راستی، نظیر هروت (HERUT) وابسته نبوده باشد، امکان استخدام وی نسبتاً بهبود می‌یابد. این امر که یک یهودی گذشته‌اش، ناشناس باشد، نسبتاً غیر ممکن است، زیرا که او زمانی در اختیار مسئولین کشور بوده است. در ضمن، چون در اسرائیل افراد کاملاً مطمئن، که دارای مجالس و محافل یهودی بوده و یا می‌باشند، از هر کشور بیگانه‌ای، بسیار زیاد است. آنها می‌تواند مورد مشورت اطلاعاتی، درباره متقاضیان قرار گیرند.

رئیس شین‌بث، یک افسر رتبه اول، از یک سرویس غیر نظامی، می‌باشد و دارای حقوق و مزایای پذیرایی است. تفاوت نسبتاً ناچیزی بین رتبه‌ها وجود دارد، که به واسطه مزایای نسبتاً خوبی نظیر، منازل مسکونی، وسایل حمل و نقل و مسافرت، مخصوصاً در رتبه‌های بلند پایه جبران شده است.

**۴ـ روشهای عملیاتی:**

عملیات شین‌بث، در داخل اسرائیل، می‌تواند به ۴ دسته ذیل تقسیم شود:

(۱) عملیات بر علیه بیگانگان به طور عموم. (۲) بر علیه اعراب. (۳) بر علیه کمونیستها. (۴) بر علیه اسرائیلی‌ها. به نظر می‌رسد که در عملیاتها، تفاوت ناچیزی در به کارگیری تکنیکها وجود داشته باشد. ولی دارای تفاوت بیشتری در شدت و دامنه آن می‌باشد، زیرا که اکثر آن بر علیه اعراب، جهت داده شده است.

فعالیتها و عقاید دیپلماتها، چه در داخل و چه در خارج از تأسیسات دیپلماتیک موجود در اسرائیل، از مهمترین مسایل مورد توجه شین‌بث می‌باشد. دولت اسرائیل ترجیح می‌دهد که حضور دیپلماتها را به عنوان جستجو، کنجکاوی و جمع‌آوری اطلاعات تلقی کرده، تا آنکه برای ارتقاء روابط صمیمی، به اسرائیل آمده باشند.

درجه ظن و شدت عملیات بر علیه دیپلماتها، توسط روابط غالب بین کشورها و اهداف بلند مدت دیپلماتیک آنها تعیین می‌شود. عملیات شین‌بث، با پلیس و اطلاعات نظامی، بسیار خوب تنظیم و هماهنگ شده است. پلیس اسرائیل بسیار نزدیک با شین‌بث، در حفاظت از تأسیسات داخلی نظیر سفارتخانه‌ها و کنسولگریها فعالیت می‌کند و در تأمین مراقبتهای مخفی دیپلماتها، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران خارجی، و توریستهای مورد توجه شین‌بث، با آن همکاری می‌کند. افسران پلیس مراقبت ۲۴ ساعته، در مقابل همه سفارتخانه‌ها، کنسولگریها، نمایندگیها و مکانهای هیئتهای مسکونی و محلهای ورود و خروج پرسنل خارجی، بخصوص افسران دیپلماتیک را که بعد از ساعات عادی اداری، یا در تعطیلات، در محل کار خود حضور می‌یابند، را ضبط می‌کنند. در ضمن آنها شماره نمره اتومبیلی که افسران با آن حضور یافته و یا خارج می‌شوند، را یادداشت می‌کنند. نمره‌های دیپلماتیک، در رنگ با اتومبیلهای خصوصی تفاوت دارد، و دارای اعداد پیشوندی است، که کشور به خصوصی را نشان می‌دهد.

امنیت مناطق مرزی و سرزمینهای اشغالی، اساساً در مسئولیت سرویس اطلاعات نظامی، گارد مرزی

www.takbook.com



و شین‌بث است. با استفاده از خبردهندگانی که احتمالاً از اعراب محلی یا یهودیان فلسطینی است، و بسیار شبیه اعراب می‌باشند، شین‌بث توانسته است، در عناصر مخرب غرب از جمله هسته‌های کمونیستی و گروههای ناسیونالیست عرب نفوذ کند. این خبردهندگان، حین بازگشت به کشورهای مجاور، عوامل جاسوس محلی عرب را نیز با خود همراه کرده، و با هماهنگی با اطلاعات نظامی آنها را به عمال دوجانبه تبدیل می‌کنند.

غیر از اعراب، شین‌بث نظر خود را، اساساً به عناصر مخرب چپ، معطوف ساخته است. احزاب RAKAH و MAKI که وفاداری خود را به شوروی اعلام نموده، و آن را جزء وظایف خود می‌دانند، از احزاب قانونی شناخته شده‌اند و در مجلس کنست نمایندگانی دارند. شین‌بث به نحو کاملی، در هسته‌های تشکیلاتی کمونیستها نفوذ کرده و از طریق خبردهندگانشان، فعالیتهای آنان را دنبال می‌کنند، و عملیات تکنیکی و تأمین مراقبت مخفی را بر علیه آنان اجرا می‌نمایند. عمال شین‌بث در بسیاری از جلسات «جبهه بین‌الملل کمونیست» شرکت کرده‌اند.

از آنجا که همه خارجیان، بدون توجه به ملیت یا مذهب که شامل یهودیان نیز می‌شود، به عنوان خطرات بالقوه، برای کشور اسرائیل به حساب آورده می‌شوند، سبب آن شده است که شین‌بث تعداد زیادی از خبردهندگان خود را از میان مردم محلی اسرائیل، که به جهت کار و یا فعالیت در تماس با خارجیان می‌باشند، استخدام می‌کند. برای مثال کارمندان مشروب فروشی، منشیهای هتل، تلفنچی، سکرتر، رانندگان تاکسی، مستخدمین، فروشندگان خواروبار فروشی، و شیرینی‌جات، فاحشه‌ها، شوفرها و گارسونها، در یک طبقه‌بندی ویژه این گونه کارها می‌باشند. همچنین در این طبقه‌بندی اعضاء اتحادیه‌های تجاری، دانشمندان و کسانی که در زمینه‌های علمی می‌باشند، نیز قرار دارند.

در اسرائیل قانونی وجود دارد که به پلیس و سرویسهای امنیتی اختیار می‌دهد که هر تبعه اسرائیلی را، که در تماس با خارجیان است، دستگیر و بدون اجازهٔ رسمی یا بدون دلیل موجه و آشکاری نظیر «استخدام» و یا «انجام معاملات» برای بازجویی حبس نمایند.

چون همه دیپلماتها، در معرض تأمین مراقبتهای مخفی می‌باشند، شین‌بث به راحتی از تماس آنها با اتباع اسرائیلی آگاه می‌شود. زمانی که طرح و نقشه‌ای وجود داشته، و شین‌بث تحریک و ظنین شود، برای افزایش و کسب اطلاعات بیشتر، از وسایلی برای ضبط تلفن و تلگراف و استفاده از دیگر روشهای تکنیکی می‌کوشد. احضار اتباع اسرائیل و تلاش در جهت همکاریهای آنان، توسط اعضای شین‌بث امری غیرعادی نمی‌باشد. در صورتی که فرد مزبور، از این کار خودداری کند، متمم قانون جنایی (امنیت کشور)، برای او تذکر داده می‌شود و نتایج شوم آن را به او اخطار می‌کند. این امر معمولاً شخص را وادار به قبول می‌نماید. مقامات امنیتی اسرائیل به دنبال آثار و علائمی از روابط نامشروع افراد می‌باشند، تا بتوانند آن را به عنوان مستمسکی برای جلب و پذیرش همکاری آنان به کار برند. برای مثال، شین‌بث تلاش می‌کند که بتوسط یک کارمند دفتری که روابطی با یک دختر اهل اورشلیم داشت، به دفتر سرکنسول ایالات متحده، در اورشلیم نفوذ کند. آنها کوشیدند که با صحنه‌سازی، و حیلهٔ سقط جنین دروغین، این کارمند را در یک تلاش ناموفق به استخدام خود درآورند. آنها قبل از تلاش به اخاذی و تهدید به او کوشیدند، تا به توسط این دختر اسرائیلی، از او اطلاعاتی را بیرون کشند.

دو هدف بسیار مهم دیگر، برای شین‌بث در اسرائیل، سفارت آمریکا در تل‌آویو و تشکیلات نظارت بر

www.takbook.com



آتش‌بس سازمان ملل متحد (پاسداران صلح) (UNTSO)، که دارای یک اداره مرکزی در اسرائیل است، می‌باشد. دو یا سه کوشش ناتمام و عقیم، در استخدام گاردهای دریایی (MARINE)، به وسیله پاداشهای پولی انجام پذیرفته است. عملیات شین‌بث، در استخدام پرسنل (UNTSO)، روشهای تهدید، ترس و اخاذی می‌باشد.

در سال ۱۹۵۴، یک میکروفن مخفی، که توسط اسرائیلیها، در دفتر سفیر آمریکا در تل‌آویو کارگذارده شده بود، کشف شد. در ۱۹۵۶ یک ضبط تلفنی که متصل به دو تلفن محل مسکونی هیئت نظامی بود، پیدا شد. در ۱۹۶۰، یک میکروفن، در پشت گچ دیوار، دفتری که اتاق افسران عملیاتی، کمیسیون مشترک آتش‌بس، اسرائیل و اردن بود، کشف شد.

رئیس شین‌بث اخیراً در شهادت در مقابل کمیتهٔ قضائی مجلس کنست، اظهار کرد که شین‌بث مکرراً دست به دخول غیرقانونی و ضبط تلفنی در اسرائیل زده است. برطبق گزارشات، آنچه مورد توجه اعضاء کمیته بوده است، مسئله تهیه اطلاعاتی است که مرتبط به "امنیت ملی" نمی‌باشند. این گونه تذکر داده شده است که این گونه فعالیتها، براساس هیچ قانونی نمی‌باشد و تنها با اجازه و اختیار رئیس شین‌بث بدان عمل شده است.

اسرائیلیها خود را در اجرای ماهرانه تأمین مراقبتهای مخفی و دخول سری، بسیار خوب نشان داده‌اند. زنان و مردان اغلب با هم در تیمهای تأمین مراقبت و تعقیب مخفی، به منظور تخفیف شک و ظن قرار داده شده‌اند. اگر شخص مورد تعقیب، برای استفاده از تلفن، در کنار کیوسکی توقف کند، بلافاصله تیم تأمین مراقبت شرایط را به مرکز کنترل اطلاع داده که آنها تیم "ضبط تلفنی" را باخبر کرده و تلاش به ضبط آن نمایند. گفتار و یا اطلاعات مربوطه، بلافاصله به تیم تأمین مراقبت، در خیابان منتقل می‌شود. پرسنل شین‌بث در دخول به منازل خصوصی مهارت داشته و در آنجا با مهارت به بازرسی اسباب و نامه‌های افراد می‌پردازند. تجهیزات عکسبرداری قابل حمل مخصوصی برای این گونه مقاصد به کار رفته و ظهور آن در لابراتوار شین‌بث به دست می‌آید.

تکنیسنهای شین‌بث، فرستنده‌های رادیویی را در کیفهای فونوگراف (دستگاه ضبط صدا)، در کفه قلابی زیرین قوطی‌های قهوه کار می‌گذراند. همچنین در انتهای اجاقهای خوراک‌پزی دستی که می‌توان بدون درآوردن وسایل ارتباطاتی (گیرنده ـ فرستنده) از آن به عنوان اجاق استفاده نمود، نصب می‌کنند.

www.takbook.com



**سند شماره (۲)**

**صورت مذاکرات**

**طبقه‌بندی : محرمانه**

**شرکت‌کنندگان : آقای دیوید تورگمن دبیر دوم هیئت نمایندگی اسرائیل، توماس گرین کارمند سیاسی**

**مکان : باغ رستوران هتل پالاس تهران ـــ زمان: جمعه ۲ آوریل ۱۹۶۵ ساعت ۱۱/۳۰ پیش از ظهر**

آقای تورگمن اظهار کرد که عملیات اسرائیل در ایران بیشتر نهانی است. او گفت در حالی که دولت وی مایل است روابطش را با ایران گسترش دهد، موقعیت حساس ایران را در شناسایی اسرائیل و نیز بسیاری از دولتهای عرب، درنظر می‌گیرد و بنابراین زیاد بر روی تماسها و روابط پافشاری نمی‌کند.

او گفت که با توجه به موقعیت یهودیان ایرانی که به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند، ایرانیها که در آنجا تحصیل می‌کنند می‌توانند توسط ایرانیهای سابق به فارسی تعلیم داده شوند.

این به اسرائیل یک موقعیت حساس و نادر می‌دهد تا به تکنیسنهای کشاورزی، تعلیماتی برای برنامه‌های کوچک و طرحهای صنعتی کوچک، بدهد. تورگمن می‌گوید دولت وی سعی خواهد کرد که محتاطانه کمکهای اسرائیل را به ایران در سال آینده توسعه دهد.

نظریه: تورگمن خیلی صمیمی بود و به نظر می‌رسید که مایل است روابطش را با سفارت آمریکا بیشتر کند. مکالمهٔ ما بیش از یک ساعت طول کشید.

**سند شماره (۳)**

**سری**

**وزارت امور خارجه** **تاریخ: ۱۳ فوریهٔ ۱۹۶۹ ـ ۲۴ بهمن ۱۳۴۷**

**اداری غیررسمی اجناب مستطاب سفیر آمریکا در تهران ـ ایران: آرمین اچ. مایر**

**آقای سفیر عزیز :**

در جلساتمان با شرکتهای نفتی و انگلیسیها، به هنگام مقایسهٔ یادداشتهای مربوط به ملاقات شاه با نمایندگان کنسرسیوم در تاریخ ۳۱ ژانویه، از گفته قطعی شاه در مورد خط لولهٔ اسرائیل اطلاع یافتیم. او گفته است این خط برای ایران سود مالی دارد و ایران درنظر دارد بدون توجه به شکایات اعراب، استفاده از آن را ادامه دهد.

او اضافه کرده است که مطمئن است اعراب قادر به شکست دادن اسرائیل نیستند و اسرائیل برای ایران منزلت یک دوست را دارد. با بهترین سلامها

ارادتمند

تئودور ل. الیوت، جونیور

www.takbook.com



**سند شماره (۴)**

**به : کاردار** **محرمانه**

**از : دوناد آر. توسانیت** **یادداشت تاریخ : ۱۰ نوامبر ۱۹۷۰ برابر با ۱۹ آبان ۱۳۴۹**

**موضوع : ملاقات شما با آقای بن یوحنان از هیئت نمایندگی اسرائیل در ۱۲ نوامبر ساعت ۱۱ صبح**

آقای بن‌یوحنان کنسول هیئت نمایندگی اسرائیل در تهران شما را بنا به تقاضای خودش در ۱۲ نوامبر ساعت ۱۱ صبح، ملاقات می‌کند. آقای بن‌یوحنان فقط در حدود ۳ ماه در تهران بوده است و پرونده‌های بیوگرافی ما در مورد او حاوی هیچ اطلاعاتی نیست. با توجه به حمایت ایران از رأی اصلی آفریقا ـ آسیایی مذاکرات مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به عنوان یک نقطه شروع، شما ممکن است آن را برای دریافت نظرات یوحنان به طور غیرمستقیم در مورد موقعیت جاری روابط ایران ـ اسرائیل و به منظور دریافتن اینکه آیا اسرائیلیها یک تغییر جزئی در گرایش ایران نسبت به اسرائیل را کشف کرده‌اند (همان طور که ما کرده‌ایم) مفید بیابید. ما برای اطلاع شما یک نسخه از A - 148 مورخ ۱۲ می ۱۹۷۰ خودمان را ضمیمه می‌کنیم.

جالب خواهد بود که ارزیابی او را در مورد دلایل و مقاصد در پشت تجدید روابط ایران ـ جمهوری متحده عربی را به دست آورید و نظر او را به طور غیر مستقیم در مورد عراق جویا شوید. ما از طریق مطبوعات مطلع شده‌ایم که چندین افسر بلندپایه ارتش عراق (احتمالاً طرفداران ژنرال هردان تکریتی که تبعید شد) اخیراً اعدام شده‌اند. تا آنجا که ما می‌دانیم رادیو بغداد به این موضوع هنوز اشاره ننموده است. تمام نشانه‌ها اشاره بر این دارد که یک کشمکش بر سر قدرت برای مدتها در عراق ادامه داشته است. آیا اسرائیلیها هیچ اطلاعاتی در این مورد که در آنجا چه می‌گذرد، دارند؟

ما شنیده‌ایم که آمار مناطق کردنشین به تعویق افتاده است و دیگر اینکه اختلافات فیمابین بارزانی و دولت در بغداد بالا گرفته است. آیا اسرائیلیها هیچ اطلاعی در مورد تحولات در کردستان عراق دارند؟

سرانجام، آیا اسرائیلها اطلاعاتی در مورد نیروهای عراقی در اردن دارند.

www.takbook.com



**سند شماره (۵)**

**یادداشت** **محرمانه**

**به : آقای توسانیت** **تاریخ: ۱۲ نوامبر ۱۹۷۰ برابر با ۲۱ آبان ۱۳۴۹ ــ**

**از : داگلاس هک**

**موضوع : ملاقات آقای بن‌یوحنان از هیئت نمایندگی اسرائیل**

آقای بن‌یوحنان می‌گوید که او در حدود ۲ سال و نیم در تهران بوده است. او پس از ۸ سال از اسرائیل به اینجا آمد و گفت خیلی راضی است که تغییری در مأموریت وی از داخل اسرائیل حاصل می‌گردد. او ۵ سال در اسرائیل در جوار دفتر نخست‌وزیر به عنوان مشاور سیاسی و ۲ سال گذشته را با همان مقام با وزیر خارجه ـ ابان ـ گذراند. او گفت شغل دوم او را در مأموریتهای مختلف مشغول نمود و وقت کمی برای خودش (در خانه) داشت. قبل از این مأموریت او در هیئت نمایندگی اسرائیل در هلسینکی خدمت نمود. او خود را یک مأمور حرفه‌ای سرویس خارجی می‌بیند.

بن‌یوحنان آینده زیادی را برای موقعیت روابط ایران ـ جمهوری متحده عربی نمی‌دید. او گفت که روابط اقتصادی با اسرائیل در حال بهبود یافتن است که به یک تعداد فزایندهٔ قرارداد برای ساختمان و غیره در ایران رسیده است. از نظر سیاسی او گفت که روابط در طول ۵ تا شش سال گذشته تغییری نکرده است.

در مورد سؤال نیروهای عراقی در اردن، او اطلاعاتی که اشاره به موفقیت شاه حسین در بیرون کردن آنها داشته باشد، نداشت. در حقیقت شکست نیروهای عراقی در شرکت در کشمکش اخیر بین اردن و فلسطینیها ممکن است، ترتیب خارج کردن آنها را از اردن را برای شاه حسین مشکلتر کند.

بن‌یوحنان گفت حدوداً ۳۰۰۰ یهودی در عراق باقی مانده‌اند. او در این مورد که امید زیادی به خروج نزدیک آنها از عراق وجود دارد مشکوک بود. مسایل در عراق به شدت بی‌ثبات هستند و شایعاتی در مورد اعدامهای جدید وجود دارد، ولی او اطلاعات قطعی نداشت.

www.takbook.com



## سند شماره (۶)

**صورت مذاکرات** **محرمانه**

**شرکت‌کنندگان : آقای آمون بن‌یوحنان ـ وزیر اسرائیل در تهران، آندرو آی، کیلگور ـ کنسول سیاسی**

**مکان : هیئت نمایندگی اسرائیل ـ تهران**

**موضوع : وضعیت غیرعادی هیئت نمایندگی اسرائیل در تهران**

آقای بن‌یوحنان اظهار داشت که هیئت نمایندگی اسرائیل در تهران در هر رابطه حقیقی (واقعی) از طرف دولت ایران مثل هر سفارتخانه دیگری با آن محترمانه رفتار می‌شود. سفیر کبیر مئیر عزری (ازری) به سهولت به شاه و دیگر مقامات بالای ایران دسترسی دارد. وقتی سفیر کبیر در مسافرت است آقای بن‌یوحنان نیز قادر است که مقامات بالای ایرانی منجمله شاه را که او برای انجام امور بین ایران و اسرائیل احتیاج دارد ببیند، ملاقات نماید. فقط در جنبه‌های تشریفاتی است که با هیئت نمایندگی اسرائیل به صورت متفاوت از دیگر سفارتخانه‌های معمولی در تهران رفتار می‌شود. پرچمی از اسرائیل در هیئت نمایندگی افراشته نیست و هیچ علامتی در جلوی ساختمان آن را به عنوان هیئت نمایندگی اسرائیل مشخص نمی‌کند. سفیر کبیر عزری در تشریفاتی که آداب و رسوم دیگر سفرا را ملزم به شرکت می‌کند، حضور پیدا نمی‌کند. به هر صورت بن‌یوحنان ارجحیتی در عدم اجبار به بازی کردن نقش تشریفاتی که اغلب وقت زیادی از دیگر سفرا می‌گیرد، می‌بیند.

بن‌یوحنان گفت که سفارتخانه‌های کشورهای عرب در تهران کاملاً آگاهند که هیئت نمایندگی اسرائیل در اینجا بجز برای موارد تشریفاتی در حقیقت مثل تمام سفارتخانه‌های دیگر می‌باشد. آنها کاملاً این وضعیت غیرعادی امور را قبول داشته‌اند و هیچ نکوهشی در مورد آن به دولت ایران نکرده‌اند. وزیر اسرائیلی ادامه داد که بنابراین موقعیت آنچنان است که تا زمانی که استحکام واقعی مهیا باشد و مادامی که اعراب بتوانند استحکام روابط نزدیک ایران و اسرائیل را تحمل کنند و تا جایی که این جریان از نشانه‌های سطحی، آشکار نباشد، اسرائیلیها متمایل به پیش رفتن با حقه‌های دیپلماسی تشریفاتی هستند. بن‌یوحنان تشخیص می‌دهد که جهت اسلامی قوی خیلی از ایرانیان آنها را متمایل می‌کند که با همکیشان مسلمانشان در مشاجرات اسرائیل ـ اعراب همدردی کنند و آن را برای ایران سودمند می‌سازد، که سیاستهای حقیقی خود را به وسیله وانمود کردن اینکه اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد، بپوشاند.

### شاه یک رهبر بااستعداد است

در زمینه ظهور سریع ایران به عنوان یک کشور جلودار در این قسمت از دنیا، وزیر اسرائیل به سفر جاری شاه به اتحاد شوروی اشاره کرد. با نگرشی به حرکتهای داخلی و بین‌المللی شاه در ۱۰ سال گذشته، بن‌یوحنان پادشاه ایران را یک مرد فوق‌العاده زیرک برای رهبری یافته بود. وقتی من از وزیر سؤال نمودم که آیا او فکر نمی‌کند که جاه‌طلبیهای شاه برای ایران از احتمالات واقع‌بینانه کشور فراتر رفته است، او پاسخ داد این طور فکر نمی‌کند. وقتی شاه گفت که ایران خودش را در طول یک یا دو دهه در هر جنبه‌ای به حد بریتانیای کبیر بالا خواهد برد چه کسی می‌توانست بگوید که او اشتباه می‌کند. البته شاه مجبور است که سرمایه سنگینی در زمینه آموزش و پرورش به منظور داشتن مردمی با سطح علمی و تکنیکی لازم برای اداره جامعه‌ایکه او در نظر دارد، مصرف نماید. به هر حال از نظر افزایش سریع درآمد از نفت و دیگر منابع

www.takbook.com



هیچ دلیل قابل مشاهده‌ای برای اینکه چرا این کار نمی‌تواند انجام پذیرد، وجود ندارد.

**یادداشت بیوگرافیکی**

بن‌یوحنان احتمالاً نزدیک به ۵۰ سال دارد. او انگلیسی را خیلی خوب صحبت می‌کند و می‌گوید که یک دیپلمات اسرائیلی حرفه‌ای است. وی چندین سال در دفتر نخست‌وزیر مرحوم اسرائیل ـ لوی اشکول ـ کار کرد. پس از آن بیش از ۲ سال برای آباابان ـ نخست‌وزیر که نسبت به او خیلی علاقه‌مند است کار کرد. او گمان می‌برد چنانچه ژنرال موشه دایان و پنیاس سفیر ـ وزیر مالیه ـ برای نخست‌وزیر شدن به بن‌بست رسید آبان ـ وزیر خارجه ـ شانس نخست وزیری اسرائیل شدن را دارا می‌باشد. آشکار بود که او امیدوار بود که وقایع به این طریق صورت پذیرد. بن‌یوحنان برای ۲ سال در تهران بوده است و انتظار دارد که حداقل یک سال بیشتر نیز اقامت داشته باشد و شاید هم ۲ سال. او فوق‌العاده باهوش و در مورد امور ایران با اطلاع به نظر رسید.

www.takbook.com



**سند شماره (۷)**

**سفارت آمریکا ـ تل‌آویو** **تاریخ : ۳۰ آوریل ۱۹۷۶ ـ ۱۳۵۵/۲/۱۰**

**محرمانه ـ آقای هاوتورن میلز ـ کنسول امور سیاسی ـ سفارت آمریکا ـ تهران**

**هاوک عزیز :**

من دربارهٔ یک اسرائیلی که به مدت نامعلومی برای اقامت به تهران می‌آید و در اینجا در سفارت نسبت به ما دوستانه و سودمند بوده است، مطلب می‌نویسم.

او ادیا دانون دستیار مخصوص کمیسیونر ملی پلیس برای امور مناطق اشغالی از سال ۱۹۶۸ بـه اینطرف بوده است. در آن مقام، او یک رابط عادی قسمت سیاسی بوده است و در تهیهٔ اطلاعات در رابطه با سیاستها و فعالیتهای اسرائیل در ساحل غربی خیلی مورد استفاده بوده است. او یک یهودی‌زادهٔ مصری است.

او در آیندهٔ نزدیک برای یک مأموریت در رابطه با سازمان یهودیان به تهران می‌آید. او به ما گفته است که رهبران اسرائیلی کمی راجع به جامعهٔ یهودیان در ایران نگرانند، وی آن جامعه را برای ما ثروتمند، ولی تا درجهٔ زیادی در حال ایرانی شدن، توصیف کرد. جامعه به طور کلی حامی اسرائیل بوده است ولی نه به حدی سودمند که مطلوب باشد. شغل دانون آنطوری که خود او آن را برای ما توصیف نمود با امور فرهنگی و سنن یهودیان مرتبط است، ولی ما معتقدیم که قصد اولیهٔ وی انجام هرآنچه که می‌تواند، برای مستحکم کردن روابط بین جامعهٔ یهودیان و اسرائیل، می‌باشد. برای اطلاع شما ما همچنین معتقدیم که وی ممکن است قدری در فعالیتهای جاسوسی اسرائیل شرکت داشته باشد.

شماره این هفته مجله نیوزویک دارای یک مقاله راجع به راهپیمایی عید پسه در مناطق اشغالی ساحل غربی به وسیله متعصبین گروه گوش امونیم می‌باشد؛ شما در آن یک نقل قول جالب از دانون پیدا خواهید کرد.

با بهترین آرزوها، دوستدار شما
جان ای. کرومپ ـ کنسول سیاسی

www.takbook.com



**سند شماره (۸)**

**صورت مذاکرات** **محرمانه**

**تاریخ سند : ۶ مارس ۱۹۷۷ ـ ۱۵ اسفند ۵۵ ـ**

**شرکت‌کنندگان : یورام شانی، دبیر اول هیئت نمایندگی اسرائیل ـ ایران، جان دی استمپل، سفارت آمریکا، تهران ــ زمان و مکان : محل اقامت شانی، ۶ مارس ۱۹۷۷**

**موضوع : موضوعات سیاسی ایران**

شانی من و همسرم را برای گفتگو دربارهٔ سفر آینده‌مان به اسرائیل برای شام دعوت کرده بود. در خلال میهمانی موضوعات قابل توجه زیر مطرح شد.

۱ـ طبق گفتهٔ منابع شانی، در حدود سه یا چهار ماه قبل ساواک در یک یورش به تروریستها خانه‌ای را اشتباهی محاصره نمود. او نمی‌توانست دقیقاً زمان آن را مشخص کند. ولی ظاهراً قبل یا در طول دستگیریهای نوامبر ـ دسامبر ۱۹۷۶ بود. ساواک به طور نسبتاً بد و وحشیانه‌ای به طرف خانه آتش گشود و همهٔ ساکنان را کشت که از پس آن تروریستها از یک ساختمان در نزدیکی (احتمالاً خانه بغلی) ظاهر شدند و در یک تیراندازی تمام عیار با نیروهای امنیتی که منجر به مرگ تمام تروریستها و دو یا سه مأمور امنیتی شد، درگیر شدند. شانی گفت این واقعه تنها اشتباه بزرگ در شناسایی است که او از آن با اطلاع می‌باشند و منجر به مرگ غیر ضروری "چندین" غیر نظامی شد.

۲ـ فریبرز عطاپور، یک روزنامه‌نگار برجسته ایرانی، مرد بدذات مورد توجه هیئت نمایندگی اسرائیل است. در حدود ۱۸ ماه قبل شانی یکسری از نوشته‌های ضد اسرائیلی عطاپور را جمع‌آوری کرد و به وزارت خارجه شکایت نمود. آنها قول دادند که جلوی عطاپور را بگیرند، و تا زمانی که شانی برای سه ماهه گذشته تقاضایش را هر دو هفته یک بار تکرار نکرده بود این کار را انجام ندادند. در طی عمل شانی فهمید که عطاپور مبلغ قابل ملاحظه‌ای پول از دولت سوریه دریافت کرده و در حقیقت به وسیلهٔ دوستانش به عنوان یک مرد خیلی فرصت‌طلب نگریسته می‌شد. شانی گفت از میان تمام روزنامه‌نگارانی که او ملاقات کرده است، فقط عطاپور به طور غیر معمولی خشن و گستاخ بوده است.

۳ـ شانی گفت که او در طول دو سال و اندی که در ایران بوده است به مقدار زیادی مسافرت کرده ولی همیشه در هتلها خود را به عنوان یک استرالیایی معرفی نموده که از آبروریزی برای دولت ایران اجتناب ورزیده باشند. این به بحث روی روابط اساسی ایران و اسرائیل منجر شد. شانی گفت این روابط در بیشتر سطوح خیلی آزاد و آشکار بوده است. در جواب به سئوال بدون مقدمه دربارهٔ روابطش با جامعهٔ محلی یهودیان، او گفت تلاشهای به خصوص انجام نپذیرفته. به هر حال، در بحثها دربارهٔ ایران آشکار بود که تماسهایش در جامعه یهودی ـ ایرانی عالی هستند. خود شانی ۳۸ سال دارد و در حدود ۱۲ تا ۱۴ سال در وزارت خارجه بوده است. او در اورشلیم خدمت کرده است و یک تور ۴ ساله را در سیدنی گذرانده است. فارسی او متوسط رو به خوب است و خودش را به عنوان مأمور سیاسی هیئت نمایندگی (اسرائیل) معرفی می‌کند. او می‌گوید که اغلب تماسها با بخش هشتم سیاسی وزارت خارجه را او انجام می‌دهد.

رایا، زن او، یک مورخ هنری جذاب ۳۰ ساله می‌باشد که برای گرفتن یک PHD در هنرهای اسلامی در دانشگاه هیبرو کار می‌کند. آنها یکدیگر را در اورشلیم حدود ۴ سال پیش کمی قبل از آمدن به ایران ملاقات کردند. هردو آنها انگلیسی را عالی ولی با لهجه صحبت می‌کنند. آنها هیچ فرزندی ندارند.

www.takbook.com



**سند شماره (۹)**

**سری ـ غیرقابل رؤیت برای بیگانگان ـــ صورت مذاکرات**

**شرکت‌کنندگان : جان دی. استمپل، مأمور سیاسی، سفارت آمریکا، یوارم شانی، دبیر اول اسرائیل (سفارت)**

**موضوع : تروریستها در ایران و (مطالب) متفرقه**

**زمان و مکان : ۸ می ۱۹۷۷ ـ ۵۶/۲/۲۸، رستوران گرانادا ـ تهران**

من شانی را در مورد سفر ونس، وزیر خارجه، توجه نمودم و اشاره کردم که سفر خیلی خوب انجام شده. شانی گفت که او شنیده است که نگرانیهایی در مورد اظهارنظر ونس، که به این اشاره می‌کند که ایران و ایالات متحده در مورد همه چیز موافقت نداشته‌اند، وجود داشته است. من پیشنهاد کردم که نسخه‌ای از مصاحبهٔ مطبوعاتی، برای نشان دادن اینکه این نگرانی لزومی ندارد، برای او فراهم نمایم.

**فعالیت منتسب تروریستی در سازمان مهاجرت یهودیان**

شانی گفت گزارشات روزنامه در مورد تلاش دو تروریست برای وارد شدن به سازمان یهودیان به وسیله تیراندازی فقط نیمی از حقیقت بوده‌اند. دونفر در این کار شرکت داشته‌اند و هر دو کشته شدند. اگرچه یکی از آنها یک دوره محکومیت به زندان را، به خاطر جرائم منتسب بر علیه کشور، طی نموده، و لیکن آنها هیچ ارتباطی با جنبشهای شناخته شدهٔ تروریستی نداشته‌اند. شانی گفت حتی روشن نبود که این زوج قصد حمله به سازمان یهودیان را داشتند. پلیس آنها را در خیابان متوقف نمود، آنها به طرف پلیس آتش گشودند و در تیراندازی که به دنبال آن صورت گرفت یک تروریست به داخل سازمان یهودیان پناهنده شد، که در آنجا کشته شد. ایرانیها معتقدند که آن دو نفر مسلمانهای متعصب دست‌راستی بوده‌اند که ممکن است سازمان یهودیان را برای عملیات آینده درنظر داشته‌اند.

**یک نبرد تروریستی دوم؟**

شانی گفت که دوستان او گزارش کرده‌اند که یک درگیری مسلحانه در ۱۶ می در جایی در تهران وقتی که پلیس گروهی را در دو خانهٔ تیمی محاصره کرده بود، صورت گرفت. نبرد دو ساعت به طول انجامید به طوری که گزارش شده نیروهای امنیتی ۷ نفر را از دست دادند و چندین نفر از تروریستها کشته شدند، اما اشاره کرد که دوست او گفت که تمام کسانی که در تیراندازی درگیر بودند، سرانجام مورد اصابت تیر قرار گرفتند.

**تعبیر محلی جدید از قتل (کارکنان) راک ول**

شانی گفت که یک دوست نزدیک او، که گفته است که با یک عضو ثانوی گروه تروریستی که سه کارمند راک ول را در اوت ۱۹۷۶، مضروب ساخت، صحبت کرد. داستان زیر را که به وسیله گروه تروریستی شایع گردیده برای او نقل نمود: گروه تروریستی حقیقتاً به دنبال فقط یک نفر از افراد بوده است ـ یک سرگرد CIA که حدود ۱۴ ساعت قبل از قتل، ظاهراً با یک طرح کامل برای کنترل سری خطوط تلفنی تهران به ایران وارد شده بود، دو نفر دیگری که کشته شدند به خاطر این بوده که هفت تیر کشیده‌اند، ولی هدف اصلی

www.takbook.com



عملیات سرگرد CIA بود. (نظریه: تمام کارمندانی که کشته شدند برای مدتی در ایران زندگی می‌کردند، اگرچه یکی از آنها شب قبل تازه از مـرخصی بازگشته بود، هیچ کدام اسلحه حمل نمی‌کردند. عیوب این داستان اشاره بر یک تلاش تبلیغاتی آشکار دارد.)

**انتخابات اسرائیل**

در جواب پرسش من، شانی گفت وضعیت در اسرائیل کاملاً درهم ریخته است. پیروزی بگین همه را در هیئت نمایندگی اسرائیل حیرت زده کرد و مردم تازه شروع به دسته‌بندی کردن مفاهیم اولین تغییر، در دولت از زمان استقلال نموده‌اند.

**ناصر عصار**

شانی گفت: یک نفر نزدیک به عصار گفت که عصار از مرخص شدنش پس از مصاحبه مطبوعاتی اخیرش، که به طوری که گزارش شده شاه را آزرده خاطر گردانید، خیلی خشمگین بود. طبق گفته دوست وی، عصار، خلعتبری ـ وزیر خارجه، و شاه مصاحبه مطبوعاتی را قبلاً مورد بحث قرار دادند و عصار موافقت شاه را برای مطرح کردن تمام موضوعاتی که او بدانها اشاره کرد دریافت کرده بود. ظاهراً، عصار برای تسکین آزردگیش به سمت سفیر ایران در پاریس منصوب خواهد شد.

www.takbook.com



## سند شماره (۱۰)

**یادداشت شماره ۱۱۷ (سیا)** SRF **سری**

**۲۱ جون ۱۹۷۷ ـ مصادف با ۵۶/۴/۳۰**

**موضوع : سابقهٔ اطلاعاتی در مورد هیئت بازرگانی اسرائیل ـ تهران**

مطالب زیرین پیگیری‌های ستاد SRF (سیا) در مورد اعضای هیئت بازرگانی اسرائیل می‌باشد:

۱ـ اوریل لوبرانی، در ۷ اکتبر ۱۹۲۶، متولد شد و از ژوئن ۱۹۷۳ تاکنون سفیر غیر رسمی در ایران بوده است. درجه لیسانس علوم انسانی (افتخاری) از دانشگاه لندن دریافت کرده است. در نیروهای دفاعی اسرائیل و هاگانا (مقاومت) از ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۸ خدمت کرده است. در ۱۹۵۰ به وزارت خارجه وارد شد و اول بار در قسمت خاورمیانه، و سپس به عنوان دبیر خصوصی شارت، وزیر امورخارجه، از ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳ خدمت نمود. از ۱۹۵۲ تا ۵۶ به مأموریت در لندن گمارده شد. از ۱۹۵۷ تا ۶۱ دستیار مشاور، و سپس مشاور بن‌گورین (نخست‌وزیر) در امور اعراب بود. (در طول این دوره، گرایش غیر دوستانه‌اش (ناموافقش در جهت اعراب حداقل دوبار انتقاد مطبوعات اسرائیل را درپی داشت.) وقتی که بن‌گورین در ۱۹۶۳ استعفا نمود، به عنوان سفیر در برمه منصوب شد، ولی هرگز پستش را در دست نگرفت. به عنوان دبیر سیا و رئیس دفتر خصوصی اشکول، نخست‌وزیر، باقی ماند. از ۱۹۶۵ تا ۶۸ سفیر اسرائیل در اوگاندا، رواندا، و بروندی بود که در طول آن زمان برنامهٔ کمک اسرائیل را، که مشاورانی در ارتش نیروی هوایی و پلیس اوگاندا قرار داد، اجرا نمود؛ این روابط او را به یکی از مطلع‌ترین اشخاص در اوگاندا تبدیل نمود و سفارت ایالات متحده او را دوستی با ارزش و همیاری‌کننده یافت. از ۱۹۶۸ تا ۷۱ سفیر اسرائیل در اتیوپی بود. از ۱۹۷۱ تا ۷۳ در هیئت مدیریت صنایع کور (KOOR) به عنوان رئیس پروژه‌ها و تشکیلات اقتصادی مشترک در خارج بود، این هیئت سیاست اساسی صنایع کور، بزرگترین شرکت صنعتی اسرائیل را تعیین می‌کند. با سارا نی لوی ازدواج کرد و دارای ۴ فرزند است. گفته می‌شود که یک کارمند لایق دولت، ولی یک شخص نسبتاً بی‌مزه (کودن و بی‌محتوا) می‌باشد.

۲ـ آریه لوین، که قبلاً لوا لوین نامیده می‌شد، در حدود سال ۱۹۲۷ در ایران متولد شد، و گمان می‌رود که مأمور اطلاعاتی باشد. ظاهراً افسر سابق نیروهای دفاعی اسرائیل (سرهنگ دوم) که به وزارت خارجه عاریه داده شده است. از ۱۹۶۳ تا ۶۵ دبیر اول در آدیس‌آبابا بود. از ۱۹۶۶ تا تاریخی نامشخص کاردار در کیگالی و رواندا بود. از ۱۹۶۵ تاکنون افسر رابط ارشد خارجی بوده است (یک آریه لوین، احتمالاً مشابه،

از ۱۹۶۸ تا ۱۹۶۹ رئیس سانسور ارتش، و رئیس اطلاعات نیروهای دفاعی اسرائیل بود.) از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۰ کنسول، در پاریس بود. به عنوان متخصص در مورد ایران، جایی که بزرگ شده است توصیف شده. در مدارس میسیون پروتستان ایالات متحده تحصیل کرده است. به روسی (زمینهٔ یهودی روسی دارد)، فرانسه، انگلیسی، عبری، و عربی سلیس صحبت می‌کند. به طوری که گزارش شده در ایالات متحده مسافرت و زندگی کرده است. (تاریخی در دست نیست). خیلی آشکار طرفدار ایالات متحده است. زمانی که در رواندا بود، موضوع مورد علاقه روسها بود.

۳ـ یورام شانی، در حدود سال ۱۹۳۹ متولد شده است، از ۱۹۷۳ دبیر اول (اسرائیل) در تهران بوده است. از حدود ۱۹۶۵ در وزارت خارجه بوده است. در اورشلیم (که تاریخ آن نامعلوم است) و به عنوان

www.takbook.com



معاون کنسول در سیدنی، و استرالیا برای چهار سال خدمت کرده است (در حدود سال ۱۹۶۹).

۴ـ الیزر یوتوات (یا یوتواث) در کنسولگری اسرائیل در نیویورک به عنوان مسئول آرشیو و پیکهای دیپلماتیک از ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۱ خدمت نمود. بین ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۲ دبیر دوم (سفارت اسرائیل) در رم بود. در ۱۹۷۰ یک کلنل یوتوات (Milatt) وابستهٔ نظامی در توکیو، به طوری که گزارش شده به تایوان سفر نمود تا خریدهای جنگ‌افزار اسرائیل را مورد گفتگو قرار دهد.

۵ـ آبراهام لونز، اکارمی لونز (یا لونتز) در فوریه ۱۹۳۱ در تبریاس، اسرائیل، متولد شد و از ۱۹۷۵ تاکنون در تهران Milat (وابستهٔ نظامی) بوده است. قبل از این مأموریت، رئیس اطلاعات نیروی دریایی، نیروهای دفاع اسرائیل (از ۱۹۷۱ به بعد) بوده است. به عنوان یک افسر خیلی لایق و باهوش توصیف شده است و ظاهراً هیچ آموزش اطلاعاتی رسمی نداشته است. در الکترونیک و فرماندهی دریایی با تجربه است. به عنوان فرماندهٔ قایق مأمور تعقیب زیردریایی (در ۱۹۶۴) و به عنوان قائم مقام فرمانده پایگاه دریایی حیفا (در ۱۹۷۱) خدمت کرده است. آموزش افسری را در مدرسهٔ نیروهای دریایی فرانسه، در برست فرانسه، از ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ دیده است و مدرسهٔ هدایت و دریانوردی نیروی دریایی سلطنتی را ساوث ویک، انگلیس، را در ۱۹۶۲ دیده است. به انگلیسی و فرانسه خوب، و احتمالاً کمی عربی، صحبت می‌کند. همسرش آدا، در سال ۱۹۳۲ در حیفا متولد شد، و قبلاً (قبل از ۱۹۶۳) در نیروی دفاعی اسرائیل نرس بوده است. برادر زنش (شوهر خواهرش) سروان امانوئل کلمپرر، قائم‌مقام کمیسیونر کشتیرانی در سال ۱۹۶۹ بود. لونز و قائم‌مقامش، موشه موسی لوی، هردو شخصاً و به طور حرفه‌ای از نظر دفتر وابسته دفاعی در تل‌آویو در سال ۱۹۷۵ به عنوان افسران اطلاعاتی برجسته شناخته شده بودند.

۶ـ (سرهنگ دوم) موشه موسی لوی قبل از مأموریتش در تهران ۱۹۷۴ افسر رابط خارجی در ستاد نیروهای دفاعی اسرائیل بود. در اوت ۱۹۶۶ یک سرگرد لوی (احتمالاً قابل تشخیص) به طوری که گزارش شده، با استاد ایرانی در مدرسه اطلاعاتی تازه تأسیس همکاری می‌کرد؛ ظاهراً کمک نمود که برنامه‌های آموزشی را مرتب کنند و مواد درسی را سازماندهی نمایند. این شخص، که در ایران به عنوان کمکی کار می‌کرد، بعداً فرماندهٔ "سازمان جمع‌آوری (اطلاعات) سری مستقیم" در مرز اسرائیل ـ اردن بود.

سرهنگ دوم لوی، یک کارشناس چند زبانه (به عربی، فرانسه، انگلیسی، عبری صحبت می‌کند و فارسی را دارد یاد می‌گیرد) به طوری که گزارش شده در ابتدا وقتی که مقام جاریش را به دست گرفت، به خاطر کمبود کار ناراضی بود. به هر حال، او خیلی زود برای خودش وظایفی به وجود آورد. منجمله اطلاعاتی در مورد آرایش جنگی ایران و بهتر کردن افسران ایرانی، همسرش سکرتر سفیر و همچنین چند زبانه است. هر دو به عنوان اشخاص با شخصیت (جذاب) و ماهر در به وجود آوردن ارتباط میان محفلهای نظامی خارجی، منجمله پرسنل نظامی ایالات متحده توصیف شده‌اند.

www.takbook.com



**سند شماره (۱۱)**

**سری ـ تهران ـ ۱۹ فوریه ۱۹۷۸ ـ ۲۰ بهمن ۱۳۵۷**

**آقای وزیر عزیز:**

پیوست گزارش خلاصه‌ای از نتایج سفر اخیر وزیر خارجه ـ دایان به واشنگتن است، که من از رسانیدن آن به نظر شاهنشاه به توسط شما و در اولین فرصت قدردانی می‌کنم. من تهران را به قصد واشنگتن در صبح روز ۲۰ فوریه برای شرکت در جلسه کمیسیون مشترک ایران ـ و ایالات متحده ترک خواهم نمود. اگر شما یا اعلیحضرت سؤالی دربارهٔ پیوست داشته باشید، و یا هر نظریه‌ای که می‌خواهید به واشنگتن رسانیده شود، معاون من، جک میکلوس، که در غیاب من متصدی خواهد بود، در جریان می‌باشد و البته در اختیار شما خواهد بود. ما از اعلیحضرت برای ادامهٔ تبادل نظر راجع به این موضوع قدردانی می‌کنیم و منتظر شنیدن نتایج ملاقات اعلیحضرت با میهمان مهم این هفته می‌باشیم.

**با احترامات فائقه و درودهای گرم شخصی**
**ارادتمند، ویلیام اچ. سولیوان ـ سفیر کبیر**

**جناب امیر عباس هویدا وزیر دربار ـ تهران**

**سرّی**

سفر کوتاه دایان به واشنگتن هیچ تحولی مهمی را در پی نداشت، او معتقد است که به تلاشها برای موافقت بر یک بیانیهٔ اصول مشترک با سادات باید ادامه داد، ولی به بحث راجع به محتوای اعلامیه در زمانی که در اینجا بود علاقه‌مند نبود. او از ما برای از سرگیری جلسات کمیتهٔ سیاسی، بر این اساس که عدم تقارنهای نامطلوبی در جلسات مستمر کمیتهٔ امنیتی در قاهره هنگامی که کمیتهٔ سیاسی به حالت تعلیق درآمده بود، وجود داشت؛ تقاضای کمک نمود. ما تقبل کردیم که این را با مصریها مطرح کنیم ولی اشاره کردیم که فکر نمی‌کنیم او تا بیانیهٔ اصول مشترک مورد موافقت قرار نگرفته، جوابگو باشد. دایان همچنین، نگرانی اسرائیل را از فروش هواپیما به عربستان سعودی ابزار نمود (مقدار خیلی کمی راجع به فروش پیشنهادی به مصر گفته شد).

اسرائیلیها نسبت به اشارهٔ ما به تخلیهٔ تمام جبهه‌ها تحت قطعنامهٔ ۲۴۲ سازمان ملل اظهار ناخشنودی کردند. وزیر (خارجه آمریکا) به دایان برای قبول اسرائیلیها در این باب فشار آورد که قطعنامهٔ ۲۴۲ مستلزم تخلیه از تمام جبهه‌ها می‌باشد، و تصور می‌شود که موافقتهایی در مورد تعدیلات مرزی، ترتیبات امنیتی و رابطهٔ سیاسی در ساحل غربی با اردن می‌تواند بدست آید. دایان از پاسخ مستقیم اجتناب ورزید و فقط این را گفت که اسرائیلیها برنامهٔ خودشان «برنامهٔ بگین» را برای ساحل غربی دارند. از تبادل نظرهای اخیر ما با اسرائیلیها، آشکار است که بگین هنوز آماده قبول اصول تخلیه از ساحل غربی نیست، که از نظر تعهدات ایدئولوژیکی که به مدت طولانی به آنها معتقد بوده قابل فهم است؛ ولی اگر قرار است که راه‌حل موفقیت‌آمیز برای مشکل و جنبه‌های آتی استقرار صلح باشد، از اهمیت قاطعی برخوردار است.

ما معتقدیم که این مشکلترین تصمیم برای اسرائیلیها در هفته‌های آینده است. ما مطمئن هستیم که اعلیحضرت اهمیت این نکته به خصوص را تشخیص می‌دهند.

www.takbook.com



**سند شماره (۱۲)**

**از : وزارت خارجه ـ واشنگتن، دی. سی.** **تاریخ : ۱۰ می ۱۹۷۹ ـ ۱۳۵۸/۲/۲۰**

**طبقه‌بندی : سری**

طرح خودمختاری که هفته پیش بگین به کمیته وزرا ارائه داد، ظاهراً بر اساس برنامه خود مختاری اصلی بگین در دسامبر ۱۹۷۷ می‌باشد. طرح جاری فرمول کمپ دیوید را به حساب می‌آورد. مفسر هاآرتز گفت که برنامه بگین دو اعلامیه یک جانبه را استنتاج می‌کند. اعلامیهٔ اول اظهار می‌دارد که اسرائیل نه اجازه می‌دهد که یک کشور فلسطینی در مناطق جودا، ساماریا و غزه تشکیل شود و نه آن را تحمل خواهد کرد.

دومین اعلامیه اظهار می‌دارد که در پایان ۵ سال خودمختاری، اسرائیل متقاضی تشخیص حق حاکمیت غیر قابل شک خود بر مناطق یاد شده، خواهد بود.

گزارشات مطبوعات اشاره می‌کند که چندین ماده در برنامه بگین بحثی را در کمیته وزرا به وجود آورد. حریف، یک ناظر مطلع و مفسر مآریو گزارش می‌کند که در جلسه ۸ می کمیته وزرا از چندین وزیر انتظار می‌رفت که موضوع اینکه طرحها باید اظهار دارند که سرچشمه اختیار شورای اداری از اسرائیل ناشی می‌شود، را مورد بحث قرار می‌دهند.

اعلامیه‌های بگین مبنی بر اینکه اسرائیل هرگز یک کشور فلسطینی را قبول نخواهد کرد و روی حاکمیت اسرائیل بر جودا، ساماریا و غزه پس از ۵ سال خودمختاری تأکید می‌کند، آشکارا برای مطمئن ساختن موافقین جنگ در داخل هروت و حزب ملی مذهبی طرحریزی شده است.

منابع دولتی می‌گویند که پیشنهاد بگین برای مذاکره با لبنانیها، حداد را برای به مخاطره انداختن دهکده‌های جنوب لبنان به منظور آماده شدن برای یک حمله سراسری نظامی اسرائیل تشویق نمود.

مشکلات بگین همان طوری که به مذاکرات نزدیکتر می‌شود، هم سیاسی و هم روانی هستند. در مورد جبهه سیاسی او مجبور است که بین تقاضاهای سیاستهای داخلی و سیاستهای مربوط به مذاکرات قدم بردارد. از لحاظ روانی بگین باید خودش را متقاعد سازد که او به اصول خودش خیانت نمی‌کند.

در ۸ می آسوشیتدپرس گزارش کرد که کابینه اسرائیل به برقراری دو محل اسکان جدید در ساحل غربی رأی داد. یاوین معاون نخست‌وزیر و عده‌ای از وزرا با این حرکت مخالفت نمودند. رادیو اورشلیم گزارش کرد که گروه صف در کنیسه (پارلمان) به خاطر آزاد کردن چریکهای فلسطینی به ازای یک سرباز اسرائیلی در دو ماه قبل، رأی عدم اعتماد خواهد داد.

کمیته مقدماتی کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی پیشنهاد می‌کند، که عضویت مصر از سازمان کنفرانس اسلامی به تعلیق درآید. خبرگزاری خاور میانهٔ مصر، اظهار می‌دارد که این تصمیم به وسیله مانورهای مراکش برای ممانعت از حضور مصر در کنفرانس به عمل آمده است.

بنا به گزارش رویتر مراکش به طور رسمی به مصر اعلام نموده که به هواپیمایی که مقامات مصری را ح عمل می‌کند، اجازه فرود نخواهد داد.

سفارت آمریکا در صنعا گزارش می‌کند که یک تیم ۸۱ نفره تایوانی با ۶ هواپیما از ۱۶ هواپیمای F ـ 5 به یمن وارد شدند. این برنامه که با استفاده از هواپیماهای آمریکایی و خلبانان تایوانی که تماماً بوسیله سعودی‌ها پرداخت می‌شود، یک شروع خجالت‌آور است. میگهای روسی از زمان ورود هواپیمای F ـ 5

www.takbook.com



به پایتخت یمن روزانه پروازهایی بر فراز فرودگاه و محل پارکینگ هواپیماهای F - 5 نموده‌اند.

فرانسیس یونسه وزیر خارجه فرانسه در یک سخنرانی در مجلس ملی گفت که موضع دولت فرانسه نسبت به پیمان مصر و اسرائیل نه خصومت و نه مخالفت می‌باشد. در روابط بین اسرائیل و کشورهای عربی مشکل فلسطینیها وجود دارد که اکثریت آنها در تبعید هستند و آرزوی یک کشور از خودشان را دارند و بدون پیدا کردن یک راه‌حل درست برای این مشکل یک صلح بادوام وجود نخواهد داشت.

یک سرویس خبری غربی از مقامات فرانسوی نقل قول می‌کند که عراق به زودی یک قرار ۱/۵ میلیارد دلاری با فرانسه برای خرید ۱۰۰ هواپیمای F - 1 میراژ و دیگر سلاحهای پیچیده امضاء خواهد نمود.

www.takbook.com



**سند شماره (۱۳)**

**از : وزارت خارجه ـ واشنگتن دی. سی.**

**طبقه‌بندی : محرمانه** **تاریخ : ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۹ ـ ۱۳۵۸/۴/۲۷**

دو فدراسیون بزرگ مزارع اشتراکی اسرائیل که هر دو به فرقه‌هایی از حزب کارگر وابسته هستند، اعلام کرده‌اند که در آینده نزدیک در یکدیگر ادغام خواهند شد. یک تحلیل سیا بر این اشاره دارد که ادغام به جنبش کوچک مزارع اشتراکی اجازه مشارکت در تصمیم‌گیریهای حزب کارگر را می‌دهد. ایگال آلون وزیر اسبق خارجه ممکن است از اتحادیه مزارع اشتراکی به عنوان پایگاهی برای مقابله با رئیس حزب کارگر ـ شیمون پرز ـ استفاده کند. دو جنبش اشتراکی یعنی ایهود و موحد از سال ۱۹۵۱ به خاطر اختلافات ایدئولوژیکی در آن زمان از یکدیگر جدا بوده‌اند. ولی یک نسل جدید از رهبران که در مشاجره اصلی شرکت نداشته‌اند ادغام را برای هر دو جنبش قابل قبول اعلام کرده‌اند. اگرچه جنبش مزارع اشتراکی شامل کمتر از ۳ درصد جمعیت اسرائیل می‌شود ولی منابع مالی، سازمانی و انسانی آن می‌تواند به طور جدی در انتخابات ملی اهمیت داشته باشد. وظیفه اولیه فدراسیون جدید، بازسازی ایدئولوژی سوسیالیستی حزب کارگر می‌باشد. اغلب اعضای مزارع اشتراکی (کیبوتز) این باور خود را پنهان نمی‌سازند که حزب کارگر در انتخابات سال ۱۹۷۷ به این خاطر شکست خورد که ایدئولوژی سوسیالیستی خود را بی‌اهمیت کرد و چهره یک ماشین سیاسی فاسد و کم‌بها را بدست آورد.

رهبران کیبوتز (مزارع اشتراکی) همچنین خواهان پایان بخشیدن به چیزی که آنها سیاستهای گمراه‌کننده لیکود (حزب لیکود) می‌نامد، می‌باشند. چندین نفر از رهبران کیبوتز در مراسم گشایش فدراسیون بر علیه سیاست اسکان دولت بگین صحبت کردند. رهبران کیبوتز قطعنامه‌ای را برای ضمیمه‌سازی جولان تصویب نمودند.

فدراسیون جدید کیبوتز ممکن است نقشی اساسی در کشمکش بر سر رهبری حزب کارگر بازی کند. آلون و رابین شروع به تجهیز حمایت به منظور مقابله با شیمون پرز برای کنترل حزب نموده‌اند. نسل جوانتر رهبران کیبوتز منجمله حریف که به نظر می‌رسد پیروان زیادی داشته باشد روشن ساخته‌اند که می‌خواهند نقش سیاست با روشهای قدیمی را کاهش دهند و مشتاق حمایت از برنامه‌های آلون ۶۱ ساله نیستند. نفوذ سیاسی اتحادیه کیبوتز احتمالاً با اتحاد بیشتر بین رهبری آن و یک شاخه که بوسیله رئیس هیئت مدیره بانکها پولیم لوینسون رهبری می‌شود بالا برده خواهد شد. لوینسون و حریف، متحدین دیرینه سیاسی هستند.

در یک مقاله در اورشلیم پست در ۱۷ ژوئیه راجع به بحث در مورد فعالیتهای سرکنسولگری آمریکا در اورشلیم چنین نوشته شد که هر اقدام اسرائیل بر علیه مقامات کنسولگری آمریکا نتیجه معکوس بر اقدامات هیئت‌های نمایندگی اسرائیل در خارج خواهند داشت. مقاله می‌گوید که مقامات کنسولی آمریکا از دخالت در فعالیتهای سیاسی در ساحل غربی منع شده‌اند ولیکن منابع سیاسی خلاف این را می‌گویند. یک وکیل اسرائیلی که ۲ مورد دعوای فلسطینیها در زمینه مصادره زمین در دادگاه اقامه می‌کند به سرکنسولگری آمریکا در اورشلیم گفت که این دعواها بر اساس حقوق بشر بین‌المللی مطرح گردیده است. رادیو اورشلیم در ۱۷ ژوئیه گزارش کرد که دو مورد استقرار نظامی سال قبل به غیرنظامی تبدیل شده، ولی تغییر در وضعیت استقرار بر حسب دستورات یک مقام بالا اعلام نشده بود.

www.takbook.com



رادیوی نیروهای دفاعی اسرائیل گزارشی در مورد نظرات بگین در مورد صحبتهایش با سادات پخش کرد. بگین گفت هر دو موافقت نمودند که تانکرهای اسرائیلی روز بعد از استرداد مناطق نفتی آلما به مصر با نفت مناطق آلما پر شوند. بگین گفت او و سادات موافقت نمودند که در مورد اسکانها مخالف باشند. در مورد خودمختاری او گفت که اسرائیل به همکاری کامل مردم ساحل غربی و غزه برای مطمئن ساختن آنها از خودمختاری کامل نیاز دارد، ولی این (همکاری) آنها را ملزم به شرکت در انتخابات نمی‌کند. بگین گفت او و سادات در شورای اروپا شرکت نخواهند کرد، ولی وزرای خارجه خود را به شورا خواهند فرستاد.

وزیر کشور کویت در ۱۷ ژوئیه گفت دولت او از برنامه انرژی پرزیدنت کارتر استقبال می‌کند و برای همکاری سازند، بین ملل مصرف‌کننده و تولیدکننده نفت در امور انرژی اظهار امیدواری می‌کند.

www.takbook.com



**سند شماره (۱۴)**

**از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی تاریخ سند: ۳ اوت ۱۹۷۹ ـ ۱۲ مرداد ۱۳۵۸**
**شماره سند: ۱۹۵۹**

**طبقه‌بندی: سری**

۱ـ پیش‌بینی برای سقوط دولت بگین: جدا از یک تغییر در دولت که از مرگ، ناتوانی، یا استعفای بگین نخست‌وزیر ناشی می‌شود، امکان دارد که دولت به طور ناگهانی سقوط کند. این مورد که دولت رأی اعتماد را در کنیسه از دست بدهد، یا اگر در مقام پیش‌بینی چنان شکستی استعفا دهد، اتفاق خواهد افتاد. در آتمسفر فعلی سیاسی و روانی، چنین سقوطی احتمالاً به وسیلهٔ یک انتخابات جدید دنبال خواهد شد، تا با اصلاح کردن ائتلاف با استقرار یک کابینهٔ کارگری.

۲ـ سه موضوع وجود دارد که می‌تواند سقوط دولت را به دنبال داشته باشد: مذهب، اقتصاد و سیاست خارجی.

۳ـ بحثهای مذهبی شدیداً در اسرائیل التهاب‌پذیر هستند. نه فقط ائتلاف برای بقاء وابسته به آراء احزاب مذهبی می‌باشد (حزب مذهبی ملی و آگودت اسرائیل)، بلکه اجزا دنیاپرست جنگ‌طلبی در ائتلاف وجود دارند که با معتقدین دوستانه نیستند (حزب لیبرال و جنبش دموکراتیک، خصوصاً در لحن بسیار دنیاپرستانه هستند)، به علاوه، عوامل ماوراء مذهبی (معتقد) که فقط در حرکت اسرائیل به طرف یک حالت مذهبی‌تر علاقه‌مند هستند، فشار مداومی روی احزاب مذهبی اعمال می‌کنند. در نتیجه، یک عکس‌العمل، که با فشار عمومی از تاتوری کارتا ماوراء مذهبی شروع می‌شود و با خارج شدن احزاب مذهبی از ائتلاف به نقطهٔ اوج می‌رسد، می‌تواند به سرعت اتفاق بیافتد.

۴ـ مسایل اقتصادی نیز می‌تواند یک نقطه اشتغال سیاسی فراهم بیاورد. عدم رضایت عمومی از سیاستهای اقتصادی دولت بگین در داخل کنیسه و حتی در میان ائتلاف منعکس شده است. مخالفین بی‌شمار دولت فعلی می‌توانند از رأی در مورد یک مسئله اقتصادی به عنوان بهانه‌ای برای رأی دادن برعلیه کابینه استفاده کنند، یا آنها می‌توانند در یک لحظه بحرانی امتناع ورزند و یا غیبت نمایند.

۵ـ سرانجام، امتیازاتی در مورد مسایل حساس مرتبط با خودمختاری چیز بی‌ارزشی است که می‌تواند پشت دولت را بشکند. امتناع یا غیبت چندین عضو کنیسه از لیکود و حزب ملی مذهبی در یک رأی‌گیری نزدیک می‌تواند پایان را برای کابینه هجی کند.

۶ـ (طبقه‌بندی نشده) عکس‌العمل در مقابل مصاحبه رئیس جمهور با نیویورک تایمز: یادین معاون نخست‌وزیر اسرائیل گفت هر تلاشی برای تغییر رأی ۲۴۲ سازمان ملل برای پیشدستی کردن مخالفت سازمان آزادیبخش فلسطین یک مانع خطرناک برای پیشبرد مذاکرات در جهت صلح خواهد بود. یادین گفت مقایسه مشکل فلسطینیها با جنبش حقوق مدنی ایالات متحده "مایهٔ تاسف" است.

الف: تامیر وزیر دادگستری گفت "موضوع نفت" ایالات متحده را به کوشش و تسریع مذاکرات برانگیخته است. او گفت یک توافق "عام ملی" اسرائیلی در مقابل تلاش برای گذشتن از وراء خودمختاری اداری برای فلسطینی‌ها مقاومت خواهد نمود.

ب: یک مقالهٔ یدیوت آهارونات گفت سیاست ایالات متحده در زمینه مذاکرات با سازمان آزادیبخش فلسطین یک "نگرانی بزرگ" برای اسرائیل می‌باشد. روزنامه در شگفت است که آیا از اسرائیل تقاضا شده

www.takbook.com



که "یک کشور سازمان آزادیبخش فلسطین" را به رسمیت بشناسد.

ج: مآریو گفت نظرات رئیس جمهور یک اساس ایدئولوژیک، برای فشار به اسرائیل در مذاکرات خودمختاری به وجود می‌آورد.

۷ـ عکس‌العمل مطبوعات ساحل غربی مختلط بود، یک روزنامهٔ میانه‌رو به وسیله سخنان رئیس جمهور ترغیب شده بود و دو روزنامهٔ دیگر مصاحبه را رد می‌کردند.

۸ـ (محرمانه) برگ ـ مذاکرات خودمختاری: برگ، وزیر کشور اسرائیل، از چیزی که او در گزارش به کمیتهٔ وزراء در مورد مذاکرات خودمختاری، به عنوان نقش ایالات متحده در آخرین دور مذاکرات خودمختاری مشخص می‌نمود؛ انتقاد کرد. او "مداخله" ناروای ایالات متحده در گفتگوها را محکوم کرد و از پیشنهادهای "یک طرفه‌ای" که به طوری که گفته شده ایالات متحده ارائه داده، اظهار شگفتی نمود.

"برگ گفت ما اکنون به یک منطقهٔ مین‌گذاری شده وارد می‌شویم". او نظر خودش را که ایالات متحده فقط زمانی می‌تواند پیشنهاد ارائه دهد که مذاکرات با بن‌بست مواجه شود، تصریح نمود. سفارت آمریکا در تل‌آویو گزارش می‌کند که مطبوعات اسرائیل، به تعبیر برگ از مذاکرات اعتراض نمی‌کنند. سفارت در تل‌آویو همچنین اظهار نظر می‌کند که با رسیدن مذاکرات خودمختاری به اصل موضوع، انتقادات از جانب اسرائیل احتمالاً غیرقابل اجتناب خواهد بود، مگر اینکه ایالات متحده تصمیم به باقی ماندن در یک حالت انفعالی بگیرد.

۹ـ (طبقه‌بندی نشده) اسرائیل ـ نظرخواهی: هاآرتز گزارش می‌کند که محبوبیت بگین همان طور پایین باقی می‌ماند. در یک نظرخواهی در ژوئیه، فقط ۴۳ درصد از جواب‌دهندگان نسبت به نخست‌وزیری بگین اظهار رضایت کردند، که در مقابل ۶۰ درصد در سال قبل ۴۰/۶ درصد در ماه قبل قرار می‌گیرد.

۱۰ـ سازمان آزادیبخش فلسطین ـ سیاستهای داخلی: رویتر گزارش می‌کند که جبهه خلق برای آزادی فلسطین تحت رهبری جرج حبش مجدداً مکانی در کمیته اجرای ۱۵ نفره سازمان آزادیبخش فلسطین پس از یک غیبت تقریباً ۵ ساله به دست می‌آورد. جایگزینی عضو سابق کمیته، مرحوم زهیر محسن، به طوری که گفته شده فرصتی برای تجدید بنای کمیته فراهم می‌آورد. رویتر بعداً گزارش می‌کند که دو فرقهٔ افراطی فلسطینی که به وسیلهٔ عراق حمایت می‌شوند، (جبهه مجاهدت خلق و جبهه آزادیبخش فلسطین) نیز ممکن است مکانهایی در شورا به دست آورند. ما اشاره می‌کنیم که گروه حبش قرار بود که دوباره به کمیتهٔ سابق در فوریه امسال و در جریان شورای ملی فلسطین، ملحق شود. ولی گروه به خاطر منازعه در کمیتهٔ قبلی بین فرقه‌های واپس‌گرا و الفتح، بر سر دو سازمان افراطی که قبلاً اشاره شد، به کمیته ملحق نشد. ما هیچ گونه تأییدی از اینکه توافقی صورت گرفته باشد که به جبههٔ خلق برای آزادی فلسطین اجازه داده باشد که جایش را در کمیتهٔ قبلی به دست آورد، نداریم.

۱۱ـ (طبقه‌بندی نشده) مصر ـ مذاکرات سه جانبه: سازمان خبرگزاری خاورمیانه مصر گزارش می‌کند که اطلاع پیدا کرده است که مصر تصمیم نهائی در مورد موضوع شرکت در ملاقات سه جانبه‌ای که از طرف ایالات متحده درخواست شده را پس از بازگشت خلیل نخست‌وزیر و وزیر کشور پطروس‌غالی از اسرائیل، آغاز خواهد نمود.

۱۲ـ (محرمانه) عراق ـ محاکمه توطئه‌گران: دادگاه ویژه که توطئه‌گران را در عراق محاکمه می‌کند

www.takbook.com



دومین جلسهٔ خود را در دوم اوت برگزار کرد. هنوز هیچ نتیجه‌ای اعلام نشده است. قسمت حفاظت منافع آمریکا در بغداد گزارش می‌کند، که شهر به حالت عادی بازگشته است. ایدهٔ مداخله سوریه در توطئه ادامه پیدا می‌کند. دو بعثی برجستهٔ سوری، که هر دو از نظر رهبران سوریه مرتد شناخته می‌شوند، در یک مراسم در دوم اوت که در مورد آن خیلی تبلیغ شده بود، شرکت کردند. این یک تودهنی عراقیها به دمشق می‌باشد؛ اگرچه هیچ مدرکی وجود ندارد که عراق تاکنون مستقیماً حافظ اسد را برای وقایع عراق سرزنش کرده باشد.

۱۳ـ(طبقه‌بندی نشده) ضربهٔ کماندوهای اسرائیلی: رادیو اورشلیم اعلام کرده است که در شب دوم و سوم اوت یک نیروی حملهٔ نیروهای دفاعی اسرائیل به پایگاههای تروریستها در جنوب فتح‌الاند حمله نمود. نیروی اسرائیلی هیچ تلفاتی را متحمل نشد، و برطبق گفتهٔ سخنگوی نیروهای دفاعی اسرائیل، ۷ تروریست کشته شدند.

www.takbook.com



**سند شماره (۱۵)**

**از : وزارت خارجه ـ واشنگتن‌دی. سی.** **تاریخ: اول نوامبر ۱۹۷۹ـ۱۳۵۸/۹/۱۰**

**طبقه‌بندی : سری**

**موضوع : خلاصه اطلاعاتی (جاسوسی) ۹۲۹ ـ اول نوامبر ۷۹**

تجدید سازمان کابینه دولت اسرائیل در ۲۹ اکتبر که بگین را به عنوان سرپرست وزارت خارجه تعیین نمود، بایستی که پایگاه ائتلاف را در کنیسه مستحکم‌تر نماید. به نظر ما بگین قادر نخواهد بود که وزارت خارجه را علاوه بر نخست‌وزیری اداره نماید. دو جنبه مهم ترمیم کابینه قصور در انتصاب یک وزیر خارجه عادی و پذیرفتن هوارتیز در کابینه بودند.

عدم توانایی بگین در پیدا نمودن یک جانشین شایسته برای دایان گواه شدت اختلافات داخلی ائتلاف و همچنین عدم توانایی فزاینده بگین برای به کار گرفتن یک رهبری قوی می‌باشد. بگین به یادین و برگ برای به دست گرفتن پست وزارت خارجه مراجعه نمود. به طوری که گزارش شده یادین تقاضا کرد چنانچه او وزیر خارجه گردد مذاکرات خودمختاری را انجام دهد و همچنین کاتز ـ وزیر کار ـ که عضوی از جنبش دموکراتیک او می‌باشد پست خود را حفظ نماید. بگین این تقاضاها را نمی‌توانست بپذیرد. آنها (تقاضاها) به جنبش دموکراتیک اجازه می‌دهد که مقامات اساسی کابینه را علیرغم این حقیقت که جنبش فقط ۷ عضو در کنیسه دارد، برای خود حفظ نماید. علاوه‌بر این مذاکرات خودمختاری برای حزب ملی مذهبی که به طور مکرر راجع به بیش از حد بودن اعضای جنبش در کابینه اعتراض داشته است، خیلی مهم است و حزب از نقش اساسی خود در مذاکرات چشم‌پوشی نخواهد نمود.

برگ بیش از همه در چشم‌پوشی از وزارت کشور بی‌میل بود. علاوه براین برگ درحال حاضر یک نقش اساسی مهم را که متعلق به وزیر خارجه در هدایت مذاکرات خودمختاری می‌باشد داراست. وزارت خارجه به عنوان یک مؤسسه، هرگز یک نقش مسلط در تشکیل سیاست خارجی اسرائیل ایفا ننموده است. اهمیت ترمیم کابینه تا جایی که مربوط به وزارت خارجه می‌شود در عزیمت دایان، که نفوذ زیادی روی بگین و در نتیجه روی سیاست خارجی اسرائیل داشته است، می‌باشد. پذیرش هوارتیز در کابینه یک علامت در مورد روش آتی سیاست خارجی می‌باشد. هوارتیز در مخالفت با امتیازاتی که موافقت کمپ‌دیوید را دربرداشت استعفا نمود. اگر دولت بگین بحران فعلی کابینه را سپری نماید، شانسی وجود دارد که بگین، بن‌میر عضو کنیسه را به عنوان قائم‌مقام وزیر خارجه معرفی نماید.

یک نظرخواهی عمومی که به وسیله هاآرتز منتشر شد، نشان می‌دهد که اگر انتخاباتی اکنون برگزار شود حزب کارگر ۳۸/۵ درصد از آراء و لیکود ۱۶/۵ درصد و حزب جدید ماوراء راست تهایار ۳ درصد از آراء را دریافت خواهند نمود. دیگر نتایج به این شرح هستند: ۸۴ درصد به طور کلی از نقش دولت بگین ناراضی هستند.

فقط ۳۰/۸ درصد از نقش بگین به عنوان نخست‌وزیر راضی هستند. ۵۰ درصد آماده هستند که امتیازات ارضی در مقابل صلح بدهند، گرچه ۸۲ درصد مخالف تقسیم اورشلیم با هر دولت دیگری هستند.

برطبق رادیو اورشلیم رئیس سازمان اسکان یهودیان در ۳۱ اکتبر اعلام نمود که اسرائیل امسال ۳ اسکان جدید در بلندیهای جولان برقرار خواهد نمود.

www.takbook.com



رویتر گزارش می‌کند که ویتنام به ازاء وام ۷۰ میلیون دلاری عراق ۷۵ خلبان به عراق خواهد فرستاد. سفارت آمریکا از صنعا ـ یمن گزارش می‌کند که تغییرات اخیر در ارتش نشان دهندهٔ این است که پرزیدنت صالح ممکن است در حال تشکیل دادن یک ارتش جدید برای نگهداشتن خودش در قدرت باشد. نشانه‌هایی هست که از مبالغ مهم تجهیزات آمریکایی که در شش ماهه گذشته به یمن منتقل شده در تسلیح این ارتش استفاده شده است. رویتر به نقل از رئیس سرویس مخفی آلمان گزارش می‌کند که او اظهار داشته دولت آلمان نمی‌تواند از همکاری بیشتر با اطلاعات اسرائیل (سازمان) جلوگیری کند. رویتر همچنین گزارش می‌کند که سفرای سوریه، عراق و کویت از وزارت خارجه آلمان تقاضا کردند که راجع به بازجویی چریکهای زندانی فلسطینی به وسیله مأموران مخفی اسرائیلی گفتگو کنند.

www.takbook.com



**سند شماره (۱۶)**

**تاریخ سند: ۱ نوامبر ۱۹۷۹ ـ ۱۰ آبان ۱۳۵۸**

**طبقه‌بندی: محرمانه** **شماره سند: ۱۴۳۷ ـ**

**موضوع: DIA اطلاعات دفاعی اسرائیل تانک جدید**

۱ـ در ۲۹ اکتبر نیروی دفاعی اسرائیل (IDF) به طور رسمی تانک مرکاوا را قبول کرد. این پس از حداقل ۶ سال کار برای تهیه یک تانک اصلی جنگی مناسب برای تاکتیکها و دکترینهای اسرائیلی به دست آمده. اولین گروه ۱۲ تایی از تانکهای مرکاوا در بلندیهای جولان برای تیپ هفتم نظامی قسمت سی و ششم فرستاده شده.

۲ـ در جشنی برای این موضوع سرلشکر، اسرائیل تال طراح و مدیر برنامه تانکهای اسرائیلی بـه افسران گفت که مرکاوا تانک خیلی خوبی است.

۳ـ نکات قدرت این تانک عبارتند از: (۱) یک توپ اصلی (۲) حفاظ خوب برای سرنشینان (۳) مهمات مخصوص (۴) خروج و ورود راحت از در عقب (۵) پرسنل پیاده نظام را می‌تواند حمل کند (۶) راندن راحت (۷) موتور جلو بودن.

این تانک از نقطه نظرات زیر محدود شده: قدرت موتورش از تانکهای استاندارد کمتر است و (طرح) نیمرخ نسبتاً بلندی دارد.

تانکهای جدید به اندازهٔ ۱۰ تا در ماه تولید می‌شود و تا ۴ الی ۵ سال آینده تل‌آویو دارای ۴۳۵ مرکاوا خواهد بود. این مدل جدید قدرت نیروی دفاعی اسرائیل را تا سال ۱۹۸۰ زیاد خواهد کرد.

**تانک اسرائیلی ۱۹۸۰ به بعد**

نفرات سرنشین: ۴

وزن: ۵۶ MT (بدون بار)

سرعت: ۵۰ کیلومتر در ساعت

محدودهٔ عملیات: ۵۰۰ کیلومتر تقریباً

موتور: دیزل ۹۰۰ قوهٔ اسب

کنترل آتش: محدوده‌یاب لیزر و کامپیوتر بالستیکی

مهمات: توپ ۱۰۵ میلیمتری

۲ عدد مسلسل ۷/۶۲ میلیمتری

حفاظ: حفاظ فضادار، هم HOLL هم TURRET

سازنده: HOBRLE، MAJOR آمریکا J31-5

www.takbook.com



**سند شماره (۱۷)**

**محرمانه**

**تاریخ: ژوئن ۱۹۷۴ ـ خرداد ۱۳۵۳**

**اسرائیل ـ گزارش بیوگرافیک ـ اسحاق رابین ـ نخست وزیر**

در ۲۲ آوریل ۱۹۷۴ حزب کارگر اسرائیل اسحاق رابین را نامزد نمود تا به عنوان نخست‌وزیر بر گلدامایر پیشی بگیرد. او مسئول تشکیل دولت شد تا جایگزین دولتی شود که ماه قبل وی به عنوان وزیر کار به آن پیوسته بود. رابین، ناتوان در رسیدن به موافقت با حزب ملی مذهبی، یک شریک ائتلافی سابق، کابینه‌ای متشکل از اعضای صف کارگر (ILP و MAPAM ـ حزب کارگران متحد)، حزب مستقل لیبرال و جنبش حقوق شهروندان (CRM) تشکیل داد. ائتلاف جدید ۶۱ رأی از ۱۲۰ رأی کنیسه (پارلمان) را به دولت که آن را در سوم ژوئن تأیید کرد می‌دهد. مطمئناً رابین بیشتر از خیلی از اعضای ILP خودش با قراردادن CRM دست‌چپی در ائتلاف مخالف است و این کار تعدادی از همکاران منجمله نخست‌وزیر قبلی ـ گلدامایر ـ را رنجانیده است.

به خاطر اینکه او رئیس ستاد ارتش در جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل بود، رابین یک شخصیت محبوب عامه است، ولی قدرت سیاسی او از روابطش با اعضای اصلی نخبگان حاکم ناشی می‌شود تا از هر نوع پایگاه قدرت سازمانی، تأیید پینچاز ساپیر وزیر پرقدرت سابق مالیه در انتخاب شدن او اساسی بود. پس از بازگشت از یک مأموریت ۵ ساله به عنوان سفیر اسرائیل در ایالات متحده در اوائل ۱۹۷۳، رابین روی مبارزه انتخاباتی صف کارگر در ۱۹۷۳ کار کرد. او در ابتدا به نمایندگی در کنیسه در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۳ به عنوان عضوی از MAPAI (حزب کارگران اسرائیل)، بزرگترین شاخهٔ ILP انتخاب شد. به خاطر اینکه او در دولت قبل از اکتبر شرکت نداشت، رابین نمی‌توانست به خاطر شکستهای دولت در انجام جنگ اکتبر ۱۹۷۳ در هیچ مسئولیتی شریک شود.

کمیتهٔ مرکزی ILP در انتخاب رابین به عنوان رهبرش خواست که تحت تاثیر این اتهامات که رابین در شب جنگ ۱۹۶۷ در یک حالت اضطراب حاد غش کرد، نباشد. این ادعاها که در یک یادداشت رسمی بود به وسیله معاون سابق رئیس ستاد او، سرلشکر عزر وایزمن درست قبل از رأی کمیته مرکزی فاش شد و یک عکس‌العمل منفی قوی در مدافعین رابین منجمله رهبران بلوک محافظه‌کار مخالف لیکود (اتحاد) به وجود آورد. برای چندین سال این سبب از پا درآمدن رابین (غش کردن) در آگاهی عمومی بوده است. رابین به سادگی قبول می‌کند که او از وایزمن درخواست کرد که برای ۲۴ ساعت مسئولیت را به عهده بگیرد، ولی اظهار می‌دارد که فقط به این خاطر بود که او خسته بود و احتیاج به استراحت داشت.

رابین همچنین متهم شده بود که مبالغی برای حضور پیدا کردن (در مراسم) زمانی که او در ایالات متحده سفیر کبیر بوده، قبول کرده است. رابین اظهار داشته که این کار کلاً قانونی بوده و او به این خاطر سخنرانی می‌کرد که سیاست اسرائیل را تشریح کند و یا به منظور جمع‌آوری اعانه و بدون دریافت مبلغی این کار را انجام می‌داده است.

**پسران نسل....**

رابین نمایانگر یک انقطاع مشخص با نسل گذشته رهبران اسرائیلی می‌باشد و تغییرات زیادی را که

www.takbook.com



جامعه مصرانه خواستار آن بوده عینیت می‌بخشد. او اولین نخست‌وزیر سابرا (متولد اسرائیل) می‌باشد و در ۵۲ سالگی جوانترین است. خود جریان انتخابات مثل جزء جزء شدن سیاست در ILP طوفانی شد (برای اولین بار ماشین حزب نتیجه را از پیش تعیین نکرد). رابین و مخالفش از RSFI و بعد وزیر اطلاعات شیمون پرز بر یک اساس شخصی و بدون رجوع به وابستگی فرقه‌ای‌شان به ILP ، فعالیت نمودند، و رأی‌گیری به صورت مخفی بود. رابین در قبول نامزدی گفت، "پسران نسل سر راهی رشد کرده‌اند و با آنها، مهاجرینی که از زمان استقلال ملی آمدند .... نسلی که به دنبال استمرار است ولی یگانگی خود را دارا می‌باشد." ژنرال مرتب و منظم سابق همچنین قبول کرد که او شخصاً دو سخنرانی آماده کرده بود.

**شاهین نظامی ـ فاخته سیاسی**

امنیت اسرائیل برای رابین از سند واقعی صلح مهمتر است چون که او به امنیت به عنوان کلیدی برای به دست آوردن تشخیص رسمیت بدون شرط از جانب اعراب، نظر دارد. به نظر او اسرائیل برای به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک کشور مستقل جنگ می‌کرده است نه برای قلمرو. نخست‌وزیر جدید به عنوان یک شاهین نظامی و یک فاخته سیاسی توصیف شده است (متعهد جستجو برای یک صلح گفتگو شده و لیکن آماده برای استفاده از زور برای محافظت از امنیت اسرائیل می‌باشد.) او معتقد است که مذاکرات با کشورهای عربی زمان می‌برد و فکر می‌کند که اسرائیل باید در یک حالت همیشه آماده برای هر نوع اضطرار نظامی باقی بماند. او واقع بین و کمتر از رهبران قبلی اسرائیل اصولی می‌باشد. رابین احساس می‌کند که دولت باید برای صلح مجالی بدهد و قابلیت انعطاف نشان دهد. رابین توجه کمی به سودمندی سازمانهای بین‌المللی در مذاکرات صلح دارد. در ژوئیه ۱۹۷۱ او سازمان ملل را محل عوام فریبی خواند و آن را متهم نمود که برای ۱۵ سال یک نقش منفی درباره اسرائیل بازی کرده است. پیش از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل رابین معتقد بود که اسرائیل می‌تواند بیشتر قلمروهای اشغالی را بازپس دهد و فقط شرم‌الشیخ و قسمتهای استراتژیک بلندیهای جولان و ساحل‌غربی را حفظ کند. از زمان جنگ او به طور رسمی از جداسازی بلندیهای جولان و سینا به سه منطقه (یکی تحت حاکمیت اسرائیل، یکی با حضور نظامیان اسرائیل و یکی به صورت غیرنظامی در آمده ولی تحت کنترل اعراب) طرفداری می‌کرد.

رابین از بازگشت مناطق عرب‌نشین ساحل غربی به اردن و تجدید اسکان و تجدید استقرار پناهندگان طرفداری می‌کند و معتقد است که این اعمال سرانجام به فلسطینی‌کردن اردن منجر می‌شود. در عین حال او معتقد است که استقرار غیرنظامیان در ساحل غربی یک جزء جداناشدنی اسرائیل می‌باشد.

در خلال یک مصاحبه در مارس ۱۹۷۴ با یک خبرنگار انگلیسی، رابین گفت اسرائیل نمی‌تواند یک کشور جداگانه فلسطینی را بپذیرد. بعداً در بین یک مکالمه محرمانه با همان خبرنگار، رابین گفت او احساس می‌کند که تاریخ در جهت یک کشور جداگانه حرکت می‌کند و اسرائیل ممکن است، مجبور باشد که با آن حرکت کند. رابین متمایل است که به یک توافق با مصر قبل از شروع هر نوع مذاکره‌ای با اردن برسد.

**ژنرال به عنوان سفیر کبیر**

تنها مأموریت دیپلماتیک رابین یعنی سفیر کبیر در ایالات متحده با یک بهبود بی‌سابقه در روابط

www.takbook.com



ایالات متحده ـ اسرائیل و بدتر شدن روابط شخصی او با وزیر خارجه ـ آباابان و سلسله مراتب وزارتخانه مشخص شد. رابین با روش ساده و بی‌پرده خود به دنبال هدفهای اولیه‌اش در ایالات متحده یعنی تسلیحات و حمایت اقتصادی برای اسرائیل و اطمینان از اینکه ایالات متحده یک بازدارنده اتحاد شوروی در مدیترانه باقی بماند، بود. رابین احساس می‌کرد که یک سفیر کبیر باید کمک کند که به سیاست شکل بدهد نه اینکه فقط دستورات را اجرا نماید. او از نیرنگهای تشریفاتی وزارتخانه انتقاد می‌کرد. او اغلب از ابان می‌گذشت که مستقیماً در مورد موضوعات مهم با نخست‌وزیر روبرو شود و نخست وزیر به او به خاطر داشتن درک عمیق سیاستهای آمریکا و فهم خوب روابط اسرائیل ـ ایالات متحده اعتبار می‌داد.

در ژوئن ۱۹۷۲ رابین با عباراتی به کاندیداهای ریاست جمهوری ایالات متحده رجوع کرد که هیچ شکی باقی نمی‌گذاشت که او فکر می‌کرد، ریچارد نیکسون تا جایی که مربوط به اسرائیل می‌شود بهترین رئیس جمهور خواهد بود. ابان حس می‌کرد که اسرائیل باید خارج از سیاستهای ایالات متحده باقی بماند. رابین همچنین بعضی اعضای مؤسسه یهودیان آمریکایی را به واسطه امتناع از استفاده از آنها به عنوان واسطه در رودررویی با دولت آمریکا از خود رنجاند. یک مقام ایالات متحده گفت که رابین می‌تواند گاهی اوقات یک S.O.B به نظر آید ولی او یک S.O.B مؤثر می‌باشد. یک مقام عالی رتبه ایالات متحده به رابین با نیرومند بودن در مبادلات دو طرفه دیپلماتیک و استاد حقایق بودن اعتبار می‌دهد، با استعداد در تحلیل، ماهر در ارائه نظرات و متقاعد کننده در بحث.

**قهرمان مهاجرت دسته‌جمعی**

اسحاق رابین در اول مارس ۱۹۲۲ در اورشلیم متولد شد. او می‌خواست که یک کشاورز شود. بنابراین به کالج کادوری که یک مدرسه شبانه‌روزی کشاورزی است وارد شد. به محض فارغ‌التحصیل شدن در سال ۱۹۴۰ رابین یک جایزه بورس از کمیسیونر انگلیسی فلسطین دریافت نمود. بعداً در همان سال ایگال آلون فرمانده پالماچ (گروه حملهٔ هاگانه، سازمان زیرزمینی یهودی) او را استخدام نمود که به سازمان ملحق شود. در طول جنگ جهانی دوم جهانی رابین برای انگلیسیها جنگید و در مناطق ویشی فرانسه در لبنان و سوریه در جنگهایی شرکت کرد.

در ۱۹۴۶ یک بار دیگر با پالماچ او به مدت ششماه به وسیله انگلیسی‌ها به اتهام قاچاق پناهندگان به فلسطین زندانی شد. کارهای برجسته او در طول ۴۸ـ۱۹۴۶ شامل حملاتی برای آزادی بازداشتیهایی که به طور غیرقانونی مهاجرت کرده بودند، خیلی از وقایعی را که بعداً لئون اوریس کاراکتر داستانی آری بن ـ کانن را در کتابش به نام مهاجرت (دسته‌جمعی یهودیان) توصیف کرد القاء نمود.

در طول جنگ ۱۹۴۸ اعراب ـ اسرائیل رابین فرماندهی یک تیپ که جاده منتهی به اورشلیم را حفاظت می‌کرد برعهده داشت. او همچنین افسر اجرائی ستاد برای آلون و بعداً رئیس پالماچ بود. در زمانی در طول جنگ در نژو، رابین و رئیس جمهور مصر جمال عبدالناصر و بعد یک افسر ارتش ملاقات کردند و راجع به موقعیت نظامی بحث کردند و ظرف میوه‌ای را تقسیم نمودند. رابین نماینده‌ای در گفتگوهای صلح موقت اعراب و اسرائیل در جزیره رودز در ۱۹۴۹ بود. در آن مناسبت گمان می‌رود که اولین باری بود که رابین کراوات می‌زد.

رابین، جوانترین سرهنگ ارتش اسرائیل به مسئولیت مدرسه آموزش فرماندهان ارتشی گمارده شد،

www.takbook.com



او همچنین به عنوان رئیس عملیات در ستاد کل ارتش عمل می‌نمود. پس از حضور در کالج ستاد در کمبریج ـ انگلستان بین ۵۳ـ۱۹۵۲ رابین به عنوان رئیس آموزش نظامی منصوب شد. او به عنوان فرمانده فرماندهی شمال از ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۹ خدمت نمود که در آن موقع او رئیس عملیات ستاد کل شد. او در ۱۹۶۰ قبل از اینکه به اسرائیل بازگردد ۲ ماه یک دوره آشنایی با سلاحهای مدرن را در تگزاس گذراند که پس از آن به قائم‌مقامی رئیس ستاد منصوب شد. در ۱۹۶۴ رابین به مقام ریاست ستاد نیروهای دفاعی اسرائیل ترفیع پیدا نمود. او که یک متخصص فنون جنگی با استعداد است مدرنیزه کردن نیروهای دفاعی اسرائیل را هدایت نمود و استراتژی اساسی که با موفقیت در جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل به کار گرفته شد را تهیه نمود.

رابین مردی که بندرت احساسات خود را بروز می‌دهد عمیقاً به وسیله مسئولیتهایش در ۱۹۶۷ تحت تأثیر قرار گرفته بود. فشار ناشی از تقاضاهایی که در روزهای سخت پیش از جنگ از او می‌شد شروع به ظاهر شدن روی رئیس ستاد کردند: او کم می‌خوابید و به طور مداوم سیگار می‌کشید. در ۲۳ می رابین دیگر قادر به انجام وظایفش نبود (یا به خاطر از حال رفتن و غش کردن که از طرف وایزمن ادعا شد، یا به خاطر مسمومیت از نیکوتین که به وسیله کارمندان او گزارش شده و یا به خاطر خستگی فوق‌العاده که به وسیله خود او قبول شده است و یا مجموعه‌ای از هر سه) و او از معاون خود خواست که مسئولیت را به عهده بگیرد. عصر روز بعد رابین فرماندهی را مجدداً از سرگرفت و اعتبار نهائی برای پیروزی اسرائیل در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ به نیروهای نظامی که به وسیله او بنیاد نهاده و هدایت شد داده شده است.

**اعتقاد قوی و احتیاط فوق‌العاده**

شخصیت نخست‌وزیر به عنوان مجموعه‌ای از اعتقاد قوی و احتیاط فوق‌العاده توصیف شده است. او معروفیتی برای درون گرایی و برای مشاهده یک مشکل به طور دایره‌وار و برای گرایش به نگران بودن دارد، ولی برای اقدام به طور مصمم وقتی که تصمیمی گرفته شده است نیز معروف است. رابین که یک فرد سمج در مورد جزئیات و یک کمال‌گرای باحافظه‌ای نظیر دائره‌المعارف است اصرار دارد وقتیکه متقاعد می‌شود که حق با اوست کارها به طریق او انجام شوند و او شخصاً آنها را چنین می‌بیند (که به طریق او انجام شوند). در عین حال او حتی از نظر دادن در مورد موضوعاتی که او با آنها آشنا نیست خودداری می‌ورزد. رابین در پست جدیدش که تلفن را برای ارتباط ترجیح می‌دهد، معمولاً در حدود ساعت ۷ صبح به دفترش وارد می‌شود و یکسره تا ساعت ۱۱ شب کار می‌کند. رابین که یک درون‌گراست در اجتماعات ناراحت است. او در محفلهای اجتماعی کم حرف است و در حرفهای بیهوده مشارکت نمی‌جوید، اگرچه در جمع دوستان نزدیک او مرکز توجه، پرحرف و اجتماعی است. وقتی فرزندانش متولد شدند به طوری که گفته شده، رابین تمام شب را خارج از بیمارستان صبر کرد و خجالت می‌کشید که وارد شود. او از تشریفات خوشش نمی‌آید و پیراهن‌های یقه‌باز و سیب‌خوردن، سمبولهای او به عنوان متصدی ریاست ستاد شد. رابین از شوخیهای بی‌مزه متنفر است و مشروبات الکلی نمی‌خورد. قبلاً یک سیگارکش قهار بود که تلاش نموده است این عادت را کم کند. او یک عکاس آماتور تربیت شده است و از فیلم‌های پرهیجان لذت می‌برد ولی به ندرت وقت آن را دارد که که فیلم ببیند.

فوراً پس از جنگ ۱۹۶۷ یک دکترای افتخاری از طرف دانشگاه هیبرو به او اعطاء شد. او همچنین ۴

www.takbook.com



درجه افتخاری از مدارس ایالات متحده دریافت کرد. او دوست دارد که شنا کند و تنیس بازی کند. رابین انگلیسی را بجز مواردی که عصبی است به طور سلیس صحبت می‌کند.

## یک خانواده جنگی (جنگجو)

پدر و مادر رابین در روسیه به دنیا آمدند. پدر او، نهیمیا، قبل از داوطلب شدن برای خدمت در لژیون یهودیان در فلسطین در زمان جنگ اول جهانی، ۱۵ سال را در ایالات متحده بسر برد. در آنجا او رزا کاهن دختر یک تاجر ثروتمند چوب را ملاقات کرد و با او ازدواج کرد. هردو آنها در جنبش کارگری یهودیان و هاگانا فعال بودند. رزا در هاگانا یک فرمانده بود. او که به پرستار رزا معروف بود مقاومت یهودیان را در طول آشوبهای ۱۹۲۰ اعراب ترغیب نمود و تسلیحاتی به طور قاچاق برای واحدهای دفاع از خود یهودیان فراهم کرد. او همچنین یکی از بنیانگذاران سیستم بانکی تعاونی بود. اسحاق و خواهرش اغلب به حال خود تقریباً تا درجه غفلت رها می‌شدند. ولی با این حال اسحاق مادرش را ستایش می‌کرد. وقتی او ۱۷ ساله بود مادرش مرد. نهیمیا رابین تا زمان مرگش در سال ۱۹۷۱ با دخترش راشل در کیبوتز مانارا زندگی کرد.

همسر نخست‌وزیر، لیه شلاسبرگ نیز در پالماچ فعال بود که او پس از فارغ‌التحصیل شدن از دبیرستان در ۱۹۷۴ به آن پیوسته بود. او در آلمان متولد شد و با خانواده‌اش در ۱۹۳۳ به فلسطین مهاجرت نمود. خانم رابین که یک برون‌گرای فعال است ادعا می‌کند که هرگز برایش اتفاق نیفتاده که برای خود بترسد. در زمان مأموریت شوهرش به عنوان سفیر کبیر در ایالات متحده، او فعالیتهای سفارت را از ترس وقایع احتمالی کم نمی‌کرد. او می‌گوید به این خاطر که رضایت دادن به تروریستها برای متوقف کردن کارها "خیلی زیاد است".

خانم رابین که به طور دلپذیری صریح است در پی حمایت برای خواست اتحاد یهودیان و تضمینهای اسرائیلی در سراسر ایالات متحده مسافرت نموده است. او اصرار دارد که سخنرانیهایش را خودش بنویسد. خانم رابین که به بازی تنیس علاقه دارد، می‌گوید تنها سودی که از آموزشهای سخت پالماچ برای او مانده است، این است که به او کمک می‌کند در زمین تنیس راحت نفس بکشد. خانم رابین انگلیسی، آلمانی و فرانسوی سلیسی را صحبت می‌کند.

خانواده رابین خیلی به هم نزدیک هستند. آنها دو فرزند دارند (یک دختر، دالیا، که بیست و چند سال دارد و یک پسر یوال که ۱۹ ساله است. دالیا با یک افسر نیروهای دفاعی اسرائیل ازدواج کرده و انتظار اولین فرزندش را دارد. یوال درست پیش از جنگ ۱۹۷۳ به خدمت نظام وارد شده و گفته می‌شود که به خاطر این که به او به جای یک پست در خط مقدم جبهه، پست نگهبانی داده شده خیلی ناراحت بود. خواهر خانم رابین آویوا با سرتیپ آوراهام یوفه ازدواج کرده است. یوفه که رئیس امور منابع طبیعی از سال ۱۹۶۴ بوده است در سال ۱۹۷۳ به نمایندگی کنیسه به عنوان عضوی از گروه لیکود انتخاب شد.

www.takbook.com

**کتاب دوازدهم (۱)**

# دخالتهای آمریکا در ایران (۲)

www.takbook.com

www.takbook.com

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

هرچند که اکنون چهرهٔ کریه شیطان بزرگ برای تمام مردم مسلمان و انقلابی ایران چهره‌ای آشنا است، بر آن شدیم که به دنبال انتشار اسناد تحلیلی لانهٔ جاسوسی، مربوط به سال ۱۹۷۷ و پیش از آن در «کتاب شمارهٔ ۸ اسناد لانه جاسوسی»، تحت عنوان «دخالتهای آمریکا در ایران» دنبالهٔ آن اسناد را در کتاب شمارهٔ ۱۲ در دو جلد و تحت همان عنوان منتشر کنیم. امیدواریم که این اسناد که توسط عوامل شیطان بزرگ تهیه شده‌اند، وسیله‌ای باشد برای بهتر شناختن چهرهٔ امپریالیسم آمریکا و نقشه‌های پلیدش.

**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**امام خمینی:**

... تا قطع تمام وابستگیها به تمام ابرقدرتهای شرق و غرب مبارزات آشتی‌ناپذیرانه ملت ما علیه مستکبرین ادامه دارد، همه می‌دانیم که جهان اسلام در انتظار به ثمر رسیدن کامل انقلاب ما است.

با توجه به نقش آمریکا در سیاستهای مختلفی که در ایران پیاده می‌شد، برای بررسی چگونگی برخورد آمریکا با انقلاب اسلامی ایران در هریک از مراحل رشد تا پیروزی، ابتدا باید اهداف آمریکا در ایران مورد توجه قرار گیرند و کلیهٔ موضعگیریهای آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران باید در این رابطه مورد بررسی قرار گیرند. کتاب حاضر تا حدی این مسئله را با توجه به اسنادی که از لانهٔ جاسوسی آمریکا در تهران به دست آمده‌اند، مورد بررسی قرار داده است. لازم به تذکر است که اسناد این کتاب عمدتاً «جنبهٔ تحلیلی» دارند.

بعد از کودتای آمریکایی سال ۱۳۳۲ که شاه بار دیگر در ایران به تخت سلطنت می‌نشیند و رژیم پلیسی او بر تمام ارگانهای مملکت سایه می‌گستراند و چنان اختناقی بر کشور حاکم می‌کند که خود و اربابش امکان هیچ گونه حرکتی از جانب ملت مسلمان ایران را نمی‌دهند، محیطی به وجود می‌آید که آمریکا به راحتی می‌تواند در آن به اهدافش که عمدتاً شامل دسترسی به منابع اقتصادی و به ویژه نفت برای خود و دوستان اروپاییش و استمرار دسترسی به بازار در حال توسعهٔ ایران می‌باشند، برسد؛ و در این بین اهدافی نظامی مانند حق پرواز بر فراز ایران و دسترسی به بنادر ایران برای کشتیهای نیروی دریایی آمریکا را که در جهت بسط سلطهٔ نظامی و سیاسیش در منطقه است را نیز دنبال می‌کند و در این راه شاه را به عنوان بهترین مهرهٔ داخلی برای رسیدن به این اهداف می‌داند و اذعان می‌دارد که شاه از عهدهٔ حفاظت منافع

www.takbook.com



اصلی امنیتی آمریکا در ایران برمی‌آید و بدین منظور آمریکا حتی حاضر است با وجود اختلاف مواضعی که با شاه دارد (بر سر قیمت‌گذاری نفت) از شاه و برنامه‌های اصلاحی او که منتهی به شرایط اساسی دنبال‌گیری اهداف آمریکا می‌باشد، به عنوان الگوی قدرت و سمبل وحدت ملی دفاع کند. (سند شماره ۱)

امپریالیسم آمریکا در هر زمانی برای رسیدن به این اهداف کلی خود سیاستی مناسب با زمان اختیار می‌کرده است. چنانچه بعد از درگیریهای نظامی آمریکا و شکست فاحش آنها در جنگ ویتنام و در نتیجه بدنام شدن آمریکا در خارج و مورد اعتراض واقع شدن دست‌اندرکاران حکومت آمریکا در داخل کشور خود، گردانندگان امپریالیسم آمریکا که دیگر نمی‌توانستند با قدرت نظامی حاکمیت خود را بر کشورهای مختلف اعمال کنند، ساز دیگری کوک کرده و چهرهٔ کریه خود را در زیر پوششی زیبا به نام دفاع از حقوق بشر پنهان کردند. مسلم است که تغییر موضعگیریهای آنها در جهان بر روی موضعگیریهای ایادی آنها، منجمله شاه، تأثیر فراوان داشت. چنانچه اجرای برنامهٔ حقوق بشر را «ظریفترین جنبهٔ روابطشان با ایران» می‌دانستند (سند شمارهٔ ۵) و برای این کار نه‌تنها از راه صحبت با مقامات ایرانی و به ویژه شاه وارد می‌شدند، بلکه گاهی به صورت مخفی و به شکل یک سازمان حقوق بشر به ظاهر ایرانی وارد عمل شده و پیشنهادهای مردم‌فریبی را ارائه می‌دادند. چنانچه سولیوان، جاسوس آمریکایی چنین می‌گوید: «یک راه مؤثرتری که من برای درافتادن با این مسئله پیدا کرده‌ام این است که از طریق میانجیگری یک سازمان خصوصی غیردولتی کار کنیم. یک نماینده برجستهٔ آن سازمان که نسبت به پیشنهادات من تأثیرپذیر است به نام خودش طرحهایی برای اصلاح حقوق بشر به مقامات ایرانی ارائه می‌دهد. البته با وجود اینکه او در مورد تاکتیکهایش با من مشورت می‌کند ولی خودش مسئولیت تمام پیشنهاداتش را به عهده می‌گیرد. به این وسیله ایرانیها می‌توانند و توانسته‌اند که اجرای حقوق بشر را توسعه دهند بدون اینکه اینجا نشان داده شود که آنها توسط یک دولت خارجی، اگرچه دوست، به این لاف‌زدنها پرداخته‌اند.» (سند شماره ۵)

با پیاده شدن سیاست آمریکایی حقوق بشر در ایران با این هدف که چهرهٔ آمریکا و ایادی داخلیش در زیر این ماسک پر زرق و برق پوشانده شود، اینها به خیال خودشان نه‌تنها مشروعیتی برای رژیم عامل امپریالیسم کسب می‌کنند، بلکه می‌خواهند بدین وسیله جلوی ایجاد هرگونه هستهٔ حرکت انقلابی را بگیرند و حتی بعد از قیام مردم مسلمان قم در ۱۹ دی‌ماه ۱۳۵۶ نیز اینها خیال می‌کنند که با ادامهٔ این سیاست احتمال سازماندهی دوباره مردم مسلمان توسط رهبران مذهبی و ترتیب دادن تظاهرات دیگری وجود ندارد، ولی به این نکته پی می‌برند که باید بر روی مسئله جدایی انقلابیون مسلمان از سیاستمداران سازشکار تکیه داشته باشند و به همین دلیل نه تنها در تحلیل‌هایشان از این مسئله صحبت می‌کنند، بلکه در عمل سعی در جدا نگهداشتن رهبران مذهبی خواستار تغییرات اساسی، از غیر مذهبیون طرفدار مدرنیزه شدن بودند. (سند شمارهٔ ۶) مسلم است که افرادی که می‌توانستند در داخل ایران در جهت آمریکا کار کنند نمی‌توانستند از گروه اول یعنی روحانیون، باشند. به همین جهت آمریکای جنایتکار بر روی حرکتی که آشکارا برای منزوی کردن روحانیت بیدار و مبارز و محو اسلام به طور منظم در ایران طرحریزی شده بود صحه می‌گذارد و آن را به عنوان یک‌عمل دلسوزانه و مفید معرفی می‌کند (سند شمارهٔ ۶ در ظرف ۱۵ سال). بنابراین در این زمان امید امپریالیسم به گروه دوم یعنی غیرمذهبیون طرفدار مدرنیزه شدن و نیز جناح میانه‌رو و به ظاهر مذهبی است تا با حرکت دقیق در خط آمریکا بتوانند شاه و از آن مهمتر

www.takbook.com



موقعیت استراتژیک و نفت ایران را برای آمریکا حفظ کنند و قابل توجه است که برای تکمیل این حرکت، این جاسوس کهنه‌کار، فعالیت گروهی را که او آنها را مارکسیست اسلامی می‌نامد، لازم می‌داند: «به هرحال مشکل بتوان پیش‌بینی کرد که وضع موجود تا چه حد قابل دوام است مگر این که زمانی برسد که آیت‌الله‌های مترقی قادر به اعمال نفوذ باشند و این نفوذ را به طرزی دقیق و اکید روی مقلدین خود از طریق وضع مقررات سخت پیاده کنند و این مسئله به خاطر تجارب گذشته محتمل به نظر می‌رسد، خصوصاً اگر این وسط مارکسیستهای اسلامی آب را گل‌آلود کنند.» (سند شمارهٔ ۶) همان طور که دیدیم پیش‌بینی آمریکا در مورد این گروه صحیح بود و برق سیاستهای عوام فریبانهٔ حقوق بشر چشم گروهی که در ایران همواره از ناآگاهی مردم می‌نالیدند را خیره کرده بود. به طوری که حتی بعضی معتقد بودند که می‌توان با واسطه قرار دادن آمریکا، شاه را به برآوردن خواستهای آزادیخواهانه‌شان وادار کنند !! امری که به گفتهٔ عامل سرسپردهٔ CIA، «سولیوان»، آمریکا یا نمی‌خواهد و یا در بعضی موارد نمی‌تواند انجام دهد! (سند شمارهٔ ۸: اگر عناصر مخالف همان طور که بسیاری از افراطیون...).

آن طور که پیدا بود و قبلاً نیز ذکر شد، آمریکا اوائل و حتی بعد از قیام مردم مسلمان قم، به این حرکت اسلامی بهایی نمی‌داده است و نه تنها این حرکت را چیزی نمی‌شمارد بلکه احتمال حرکت مشابه دیگری را نداده و به فکرش نمی‌رسد که انقلابی در حال تکوین است، بلکه آن را حادثه‌ای می‌داند که برای شاه قابل کنترل بوده و می‌توان جلوی حرکات مشابه را با قدرت کامل گرفت. ولی پس از چندی با ادامهٔ حرکت مردم قم در تبریز و دیگر شهرهای ایران، به فکر بررسی حرکت می‌افتد و برای این کار ابتدا رهبری آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد تا شاید بتواند از این راه یا انقلاب را از بین برده و یا آن را از مسیر اصلی منحرف سازد. طبق تحلیل آنها ثبات داخلی ایران توسط اتحاد نیروهای محافظه‌کار مذهبی و نخبگان متجدد رژیم پهلوی تأمین می‌شد و هر شکافی بین این دو گروه جداً به عدم ثبات داخلی منتهی شده و شرایطی به وجود می‌آمد که جناح قدیمی مخالف سلطنت و جبههٔ ملی از آن استفاده نمایند و برداشت آنها از رهبری جنبش نیز چنین است که: «خمینی در عراق نشسته و یک جریان افراطی به راه انداخته است و رهبران محافظه‌کار سودمند تشخیص داده‌اند که با وی همراه شوند، گرچه انگیزهٔ آنها متفاوت است. این رهبران بیشتر می‌خواهند تا توجهات را به شکایاتشان جلب کنند و به همین دلیل تا وقتی که دولت توجه کمی به آنان می‌نمود، آنها دلیلی برای خودداری از حمایت از خمینی نداشتند!!»[1]

آنچه مهم است این است که تا این مراحل هنوز روی شاه به عنوان بهترین حامی منافع آمریکا در ایران حساب می‌شد، بنابراین هرگونه برنامه‌ای در قالب سلطنت شاه ریخته می‌شد، زیرا شاه را «مناسبترین فرد برای رهبری مردم به سوی یک سیستم دمکراتیک‌تر» (سند شمارهٔ ۴۸) و سلطنت را مهمترین نهاد اجتماعی ایران می‌دانستند و می‌خواستند زمینه را به شکلی آماده کنند که شاه، دور از دسترس مردم و با چهره‌ای دمکراتیک خدمت به آمریکا را ادامه دهد. ولی آمریکا همزمان با پشتیبانی از شاه سعی در استفاده از اختلاف نظر بین افرادی داشت که در رهبری انقلاب نقش مؤثری داشتند، و می‌خواست که شخص محافظه‌کار، مذهبی یا غیرمذهبی را به عنوان رهبر انقلاب به مردم معرفی کند: «میانه‌روهایی مانند آیت‌الله شریعتمداری در این زمان خودشان را برای مخالفت آشکارا با خمینی توانا نمی‌بینند. اگرچه به

---

۱ـ از همین اختلاف انگیزه‌ها می‌توان ریشه‌های مخالفتهای جناح محافظه‌کار (مذهبی یا غیرمذهبی) با خط اصیل انقلاب یعنی همان رهبری سازش‌ناپذیر امام را شناخت.

www.takbook.com



طوری که گزارش شده آنها هنوز برای متعادل کردن جنبش مذهبی تلاش می‌کنند و بدون شک از فرصت مشارکت در جریان انتخاباتی که آنها را به طور کامل تابع خمینی که در خارج کشور است ننماید، استقبال می‌کنند.» (سند شماره ۴۳) و یا به دنبال افرادی هستند که فقط با شاه مخالفت داشته باشند و بر علیه منافع آمریکا سخنی نگویند.

همان طور که گفتیم آمریکا روی رهبران میانه‌رو حداقل به عنوان جناحی معتدلتر نسبت به امام، امیدوار بوده است و همراه با اوج‌گیری انقلاب، آمریکا نیز به تلاشهای خود ادامه می‌داده است تا اینکه به ماه رمضان یعنی فراز دیگری از انقلاب اسلامی می‌رسیم. در یکی از اسنادی که در این ماه نوشته شده چنین آمده: «بسیاری از ناظران در اینجا امیدوارند که در پایان ماه رمضان واقعه به پایان می‌رسد، ولی ما رفته رفته بیشتر مردد می‌شویم. ما معتقدیم که رهبران مذهبی حتی میانه‌روها احساس تسلط می‌کنند و فکر نمی‌کنیم که بخواهند فشار را کم کنند، مگر اینکه دست کم رضایتهایی به دست آورند. شاه در حال حاضر روی عصای شکسته تکیه دارد. یقیناً او تقریباً می‌توانست به طور موفقیت‌آمیزی جنبش مذهبی را در حال حاضر با دستگیریهای دسته جمعی و به کمک خونریزی زیاد فرو بنشاند. اما این عمل کار ساده‌ای نیست. زیرا برخلاف ۱۹۶۳ فعالیتهای ناراضیان در سطح کشور گسترده است و خرابکاریها معمولاً توسط تعدادی گروهها در بخشهای جداگانه شهرهای کوچک و بزرگ اعمال می‌شود. اگر او این کوره راه را انتخاب کند نقی ادعای اعطای آزادی او خواهد بود و انتقادات خارجی مهمی را که نسبت به آنها حساس است به خود وارد خواهد کرد.» (سند شماره ۴۳) و در اواخر ماه رمضان است که می‌خواهند فردی از ایادی پلید خودشان را که تاحدی چهرهٔ مذهبی داشته باشد بر سر کار آورند و به همین دلیل شریف‌امامی متظاهر به مذهب به جای آموزگار که در برخورد با عناصر مذهبی صرفاً از روی یکدنگی عمل می‌کرد به نخست‌وزیری منصوب می‌شود و در ظاهر شروع به اقدامات اصلاحی مانند آزادی تشکیلات حزبی و فعالیتهای سیاسی، آزادی مطبوعات و بردن لایحه‌هایی مانند لایحهٔ استقلال دانشگاه و غیره به مجلس می‌کند. به مجلس اجازهٔ انتقاد از دولت (بدون آنکه از شاه و آمریکا صحبتی بشود) می‌دهند و رسانه‌های گروهی این انتقادات را منتشر می‌کنند، که این بنا به گفتهٔ یکی از مفسران لانهٔ جاسوسی فقط می‌تواند سوپاپ اطمینانی برای جامعهٔ ایران باشد. در این سند به خوبی موقعیت شاه در مقابل مردم نشان داده شده و بیان می‌شود که اگر شاه راه حل نظامی را در پیش گیرد این نقی برنامه‌های اعطای آزادی او خواهد بود. دیدیم که مدت کمی بعد از این تحلیل ۱۷ شهریور فرا می‌رسد و ماهیت برنامه‌های اعطای آزادیهای دمکراتیک شاه بر مردم بیشتر روشنتر می‌شود و شاه در ۱۷ شهریور کوره راه مذکور را در حالی انتخاب می‌کند که یکی از رهبران بلوک شرق را به عنوان مهمان در کنار خود داشت و پس از خونریزی نیز نه تنها انتقاداتی از طرف مجامع غربی به او وارد نشد، بلکه برای او در اجرای سیاست حقوق بشر اظهار امیدواری نیز شد (تلگراف کارتر به شاه). آنچه در کل جریانات از اول انقلاب تا این مرحله واضح است، این است که آمریکا به علت سیاست حقوق بشری که در پیش گرفته بود و برای پنهان کردن چهرهٔ کریه خود با راه‌حلهای نظامی موافق نبوده، ولی در این مرحله مشاهده می‌شود که بعد از دسته‌گلی که حکومت نظامی به آب می‌دهد نه تنها مخالفتی نمی‌کند، بلکه برای شاه و دولتش آرزوی موفقیت نیز می‌نماید. به هر حال دولت شریف‌امامی بسرکار می‌آید و یک سری آزادیهای ظاهری می‌دهد و آن طور که دیدیم این آزادیها از نظر بسیاری از آنهایی که در حقیقت تحت تأثیر فرهنگ غربی بودند، صادقانه و صحیح بود و جالب اینجا

www.takbook.com



است که آمریکا هم برای دادن این آزادیها به شاه فشار می‌آورد: «ما باید مصراً به شاه در مورد دادن آزادی فشار بیاوریم و در این صورت ایرانیانی که این را می‌بینند، حداقل اعتماد پیدا خواهند کرد که این منظور ما است و ما به طور مشابه نسبت به رژیمهای آینده استوار خواهیم بود. اگر شاه واقعاً در جهت انتخابات آزاد، احزاب سیاسی، یک مجلس آزادتر و آزادی بیان سیاسی حرکت کند، او شروع خواهد کرد که مملکتش را از عقب‌افتادگی کامل سیاسی نجات دهد و به یک آیندهٔ معقولانهٔ با ثبات پس از خودش امید داشته باشد. حاصل این کار می‌تواند تا حدی حمایت یکسرهٔ ما را از شاه در گذشته جبران کند و به ایران بهترین شانس درازمدت را بدهد که یک ملت قابل دوام قادر و متمایل به ایفای نقشی که برایش آرزومندیم باشد.» (سند شماره ۵۶) می‌بینیم که به طور واضح بیان می‌شود که آنها هستند که به شاه برای دادن آزادیهای سیاسی فشار وارد می‌آورند و این برنامه به بهترین وجهی در زمان شریف‌امامی دنبال می‌شود. مسلم است که هدف آمریکا از این برنامه رسیدن به اهداف واقعی خود که در ابتدای مقدمه تشریح شد می‌باشد، وگرنه آمریکا معتقد است که «مردم نمی‌دانند چه می‌خواهند و اگر انتخابات برگزار شود معلوم نیست که چه کسی باید آن را برگزار کند و اگر مجلس آزادی تشکیل شود، نمایندگان نمی‌دانند چه بکنند به ناچار شاه باید به حکومتش ادامه دهد». (سند شماره ۶۰) این تحلیل انسان را به یاد حرف کارتر می‌اندازد که در همان اوقات گفت که چون آزادی برای مردم ایران زود است، شاه مجبور به کشت و کشتار شده است. از طرف دیگر در این سند بیان شده است که هدف آمریکا از این فشار نسبت به شاه خوب جلوه دادن چهرهٔ خودش در ایران است تا اگر شاه نتوانست منافعش را حفظ کند و رژیم دیگری بر سر کار آمد بتواند از آن رژیم نیز در جهت اهداف خود استفاده کند، هرچند که در آن زمان هنوز به بقای شاه تا حدی امیدوار بود.

در زمان شریف‌امامی گفتگو با سیاستمداران به طور وسیعتری ادامه می‌یابد و حتی خیلیها جذب می‌شوند، ولی اینها درمی‌یابند که هرچند عده‌ای را به طرف خود بکشند و مجذوب برنامه‌های عوام‌فریبانهٔ خود کنند، باز این روحانیون شیعه هستند که با وجود اختلافات داخلی خود هنوز مؤثرترین گروه مخالف را تشکیل می‌دهند: «روحانیون شیعه که مؤثرترین گروه مخالفین را تشکیل می‌دهند، همچنین در میان خود با یکدیگر متفاوتند. بانفوذترین رهبر آنها، آیت‌الله خمینی تبعید شده، سالها خواستار سرنگون کردن شاه و برقراری یک حکومت الهی بوده است و بنابراین عملاً هیچ شانسی نیست که شاه یا هرگونه حکومت غیرمذهبی با او به یک راه حلی برسد. چهره‌های مترقی مذهبی در ایران از جمله شریعتمداری روحانی سرشناس خواستار نقش کاهش‌یافته‌تری برای شاه و اجرای نظارت بر قوانین از سوی یک کمیته روحانیون هستند که تطبیق قوانین را با تعالیم اسلامی تشخیص دهند.» (سند شماره ۶۴) بنابراین واضح است که آمریکا که دیگر امید چندانی برای سازش با رهبران مذهبی نداشته، دل به سیاستمداران جبههٔ ملی می‌بندد: «سیاستمداران به ویژه آنهایی که با جبههٔ ملی وابستگی دارند و همچنین رهبران احزاب مستقل کوچک که به پیش‌بینی انتخابات ۱۹۷۹ تشکیل شده است، اکثراً تقاضا دارند که نقش شاه به نحو محسوسی کاسته شود و یک سلطنت مشروطه با نخست‌وزیر مستقل از شاه برقرار شود. این گروه از سوی بخش مهمی از طبقهٔ متوسط مدرن پشتیبانی می‌شود، ولی از داشتن حمایت پیروان متعصب ملاها برخوردار نیست. این ملغمه از مخالفان غیرنظامی از لحاظ اصولی با برنامهٔ شاه دربارهٔ مدرنیزه کردن جامعه و اقتصاد ایران مخالفتی ندارد و از هرگونه توسعهٔ آزادیهای سیاسی بیشترین استفاده را می‌برد. بنابراین شاه و حکومت شانس بهتری از سازش با این گروه را دارد تا با هرگونه عنصر

www.takbook.com



دیگری از مخالفان...» (سند شماره ۶۴) البته مردم ایران خود شاهد اعمال چنین سیاستمدارانی بودند و لازم به توضیح در این مورد نیست، ولی یک سؤال پیش می‌آید که آیا اینها مگر خواب بودند و مردم را نمی‌دیدند و صدای مرگ بر شاه مردم را در زیر رگبار مسلسلهای شاه نمی‌شنیدند که با شجاعت تمام! خواستار نقش کاهش‌یافته‌تری برای شاه می‌شدند و لابد وقتی که شاه آمریکایی که برای ادامهٔ سیاستهای وابسته‌اش به اینها دلبسته بود و به اینها مقامی پیشنهاد می‌کرد، این را دلیل پیروزی خود نیز می‌دانستند!! سند اخیر مشخص می‌کند که این سیاستمداران فقط از طرف طبقهٔ متوسط مدرن پشتیبانی می‌شدند و بین تودهٔ مستضعف پشتیبانانی ندارند و تحلیلگران آمریکایی اذعان می‌دارند که هرچقدر اینها سازمان‌یافته باشند، نیرویشان از نیروی متکی به مردم کمتر است: «دهها هزار ملای شیعه هرچند از لحاظ سیاسی خوب سازمان یافته نیستند، تماس مستقیم‌تر و منظم‌تری با توده‌های ایران دارند تا حکومت یا مقامات حزبی...» (سند شماره ۶۴) ولی با این همه پیش‌بینی یک حکومت مذهبی را نمی‌کنند: «ما پیش‌بینی نمی‌کنیم که یک حکومت تحت کنترل رهبران مذهبی روی کار آید، هرچند احزابی که شالودهٔ مذهبی دارند ممکن است به وجود آید.» بعد از مدتی که شریف‌امامی یعنی آخرین مهرهٔ مؤثر در ادامهٔ سیاستهای حقوق بشر آمریکایی نتوانست دردی را دوا کند، مسئلهٔ جانشینی شاه توسط بازماندگانش یا یک گروه نظامی یا رژیم دیگر برای آمریکا مطرح می‌شود. در این زمان می‌بینیم که برخلاف روشهای حقوق بشری آمریکا که موافق راه‌حلهای نظامی نمی‌باشند، به فکر جانشینی شاه توسط یک رژیم نظامی و اقدامات نظامی دیگر می‌افتند و به تجزیه و تحلیل روشهایی می‌پردازند که با استفاده از زور اعتصابیون را به سر کار بازگردانند، یعنی کم کم شاهد کنار رفتن ماسک حقوق بشر از چهرهٔ کریه امپریالیسم آمریکا می‌شویم: «شما بهترین تجزیه و تحلیل خود را در مورد روشهای کوتاه مدت و درازمدتی که در آنها با استفاده از زور اعتصابیون را به سر کارهاشان بازگردانده و تظاهرکنندگان را از خیابانها دور نگه می‌دارد برای ما بفرستید. می‌توان گفت در کنار چنین سیاستی دربند کشیدن (کنترل) مطبوعات و دانشگاهها لازم است.» می‌بینیم که چه ساده از سرکوبی تظاهرکنندگان صحبت کرده و برای گرفتن آزادیهایی (!) که برای دادن آن به شاه فشار وارد می‌آوردند، نقشه می‌کشند و دیدیم که چه ساده با همت مردم مسلمان ایران تحت رهبری سازش‌ناپذیر امام، در اواخر دولت شریف‌امامی، آمریکا همهٔ رشته‌هایش را پنبه شده دیده و درمی‌یابد که در این مملکت دیگر شاه نمی‌تواند برایش نقشی ایفا کند، زیرا حرفهایش را دیگر کسی باور نمی‌کند، پس کم کم به فکر تعویض وی می‌افتد. دولت شریف امامی نیز که با کشتار ۱۷ شهریور خدماتش را شروع کرده بود، با کشتار ۱۳ آبان وظیفه‌اش به پایان می‌رسد و آمریکا تن به چیزی می‌دهد که طبق سیاست حقوق بشر به آن راضی نبود، یعنی دولت نظامی، یا بهتر بگوییم ماهیت واقعی آمریکا روشنتر می‌شود... لازم به تذکر است که اسناد تحلیلی که در این رابطه در لانهٔ جاسوسی به دست آمده‌اند، به همین اسناد محدود نمی‌شود، بخشی از این تحلیلها که به قبل از ۱۹۷۸ برمی‌گردد در کتاب شماره ۸ آمد و دنبالهٔ این اسناد تا تاریخ اول نوامبر ۱۹۷۸ در این کتاب آورده می‌شود و ادامهٔ این تحلیلها را تا تاریخ ۲۲ بهمن، پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پس از آن تا اشغال لانهٔ جاسوسی را در کتابهای دیگری خواهیم آورد.

لازم به یادآوری است که بخاطر حجم زیاد این کتاب مجموعه آن در دو جلد ۱۲ و ۱۳ به طبع رسیده است.

**«دانشجویان مسلمان پیرو خط امام»**

www.takbook.com



## سند شماره (۱)

**سری**

**خط‌مشی کشوری و تحلیل برنامه، ایران**

الف: اهداف خط‌مشی اصلی و کاربرد آن

۱ـ جهت حصول حاکمیت مستقل و تشکل منطقه‌ای ایران، لازم است.

aـ خواست ایران مبنی بر مستقل ماندن و دفاع از خود.

bـ توانایی خنثی کردن حملات محدود روسها در خاک ایران و در صورت تجاوز روسیه یا کشورهایی به حمایت او، تعویق حمله تا فرا رسیدن عکس‌العمل هم‌پیمانان ایران.

cـ اطمینان از وفاداران داخلی، مخصوصاً در نواحی که ممکن است شورشهای وابسته به خارج در آنجاها روی دهد.

dـ توانایی کنترل اغتشاشات در صورت وقوع.

eـ توانایی خنثی کردن و در صورت لزوم مقاومت به تنهایی در برابر حملهٔ کشورهای همسایه بدون حمایت روسیه.

۲ـ جهت حصول روابط همکاری بین آمریکا و ایران به خصوص در موضوعات نظامی، لازم است:

aـ ادامهٔ توجه ایرانیان به دوجانبه بودن منافع ایران و جهان آزاد.

bـ فواید دوجانبهٔ روابط نظامی بین ایران و آمریکا.

cـ داشتن تصور مطلوبی از آمریکا به صورت تضمین‌کنندهٔ مؤثر امنیت ایران و اینکه آمریکا دولت قدرتمندی است که در مورد استقلال و پیشرفت ایران علاقمند است.

dـ خصوصاً این تصور که قبول کند که آمریکا نه‌تنها به صورت حامی طبقهٔ برگزیدهٔ فعلی است، بلکه مدافع جانشینان این نخبگان نیز می‌باشد.

eـ اثبات علاقهٔ شدید ما به این هدف که خواهانیم ایران کمتر وابسته به کمک خارجی باشد.

۳ـ برای اطمینان از ثبات توأم با تغییرات تکاملی لازم، به طور منظم لازم است که :

تکاملی لازم، به طور منظم لازم است که:

aـ حفظ موقعیت شاه به عنوان الگوی قدرت و سمبل وحدت ملی.

bـ تعادل صحیح بین برنامه‌های نظامی و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی.

cـ رشد اقتصادی سریعتر از رشد جمعیت و تأمین منافع ملموس مردم ایران یا وعدهٔ سعادتمندی در آتیهٔ نزدیک با برخورداری از منافع ملموس.

dـ احساس تحرک، روح اصلاح و انتظار عدالت اجتماعی.

eـ توانایی کنترل بینظمی‌های داخلی و حفظ امنیت داخلی بدون توسل به سرکوبی مستبدانه.

fـ بالا بردن هوشیاری ملی خصوصاً در ایرانیان شهرنشین با این احساس که «با رضایت مردم حکومت انجام می‌گیرد».

gـ بالا بردن سطح مهارت در کاربرد اقتصاد جدید و حکومت مؤثر.

۴ـ برای اطمینان از امکانات نفت ایران برای دوستان اروپایی ما، لازم است:

نگهداری جو همکاری موجود بین ایران و شرکتهای نفتی غربی.

www.takbook.com



**سری ـ غیرقابل رؤیت برای خارجیان**
**برگ خط‌مشی ملی**
**ـ اهداف آمریکا ـ**

اهداف آمریکا در ایران منوط به چهارچوب خاص روابط با رژیم سلطنتی کشور است. پادشاهی ایران آرامشی را که هنوز داده نشده است، از طریق نهادهای عمومی یا تجربیات طولانی سازمان یافته در امور سیاسی تأمین می‌کند. این امر در حال حاضر تنها عاملی است که می‌تواند در کشور استمرار خط‌مشی عمومی را تأمین کند. در حالی که اختلاف مواضعی بین ما و شاه وجود دارد، اما این امر بیشتر جنبهٔ تأکید دارد تا اصالت و این مسئله با توجه به اشتراک عقایدی که ما در اغلب مسایل اساسی در خط‌مشی داخلی و خارجی با او داریم، چندان مهم نیست. در حالی که آمریکا تعهدی در حمایت از هیچگونه شکل حکومتی خاص در ایران ندارد، شاه فعلاً از عهدهٔ حفاظت منافع اصلی امنیتی ما در ایران برمی‌آید و تنها شخصیتی است که می‌تواند راهبر ایرانیان شورشگرا باشد. بدین طریق تا ظهور منبع قدرت مؤثر دیگری که ما انتظار آن را طی ۲ تا ۵ سال آینده نداریم. حمایت از شاه و برنامه‌های اصلاحی او منتهی به شرایط اساسی دنبال‌گیری اهداف زیرین ما می‌گردد:

۱ـ یک ایران مستقل و شدیداً متکی به خود، آزاد از هرگونه وابستگی یا تجاوز خارجی که بخواهد با غرب در مسایل زیر همکاری نماید:

aـ انجام اقداماتی در رابطه با قدرت ایران جهت عقیم گذاشتن فعالیتهای نامشروع شوروی در ایران و جلوگیری از توسعه‌طلبی روسها در مورد سوئز و خلیج‌فارس.

bـ در دست قرار دادن خاک ایران برای نیروهای غربی در صورت درگیری که شامل امتیازات پروازی است.

cـ ترغیب توسعهٔ روابط با کشورهای همسایه به طریقی که در اثر مرور زمان روابط دوستانه‌ای بین ایران و کشورهای غیرکمونیست همسایه به منظور حصول ثبات بیشتر و همکاری خاورمیانه‌ای به خصوص در ناحیهٔ خلیج‌فارس برقرار شود.

۲ـ تکامل روابط دوجانبهٔ جدید بین آمریکا و ایران در جوی که درک عمومی ایرانیان رو به افزایش می‌باشد و نقش ایالات متحده در کمک به ایران برای توسعهٔ ملی بیشتر به جای هدایت مسیر آن.

۳ـ یک دولت مؤثر در ایران، از راه افزایش نیرو و بهبود وضع اداری، منجر به کسب احترام بیشتری به خصوص بین روشنفکران (معلمین، دانشجویان، افراد متخصص یا مقامات محلی و غیره) خواهد شد.

۴ـ یک اقتصاد سالم که هزینه‌های نظامی و توسعهٔ کشور را متعادل سازد، تا اینکه رشد سریع فعلی ثروت کشور منظماً به کار رفته تا باعث رشد اقتصادی خودکفا و بالابردن سطح زندگی شود.

۵ـ توسعه و تقویت نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که وسایل انتقال منظم و صلح‌جویانه قدرت را در صورت لزوم تأمین کرده و در درازمدت اشتراک رو به افزایش بخشهای رو به توسعه اجتماع را در دولت خود تسهیل کنند.

۶ـ استمرار دسترسی غرب به منابع ایران، به خصوص نفت، با مواضع قابل قبول.

۷ـ استمرار دسترسی آمریکا به بازار در حال توسعهٔ ایران.

www.takbook.com



**سند شماره (۲)**

**از : وزیر امور خارجه ـ واشنگتن** **تاریخ: ۱۱ دسامبر ۱۹۷۷ـ ۲ آذر ۱۳۵۶**
**به : سفارت آمریکا ـ تهران ۱۰۲۵**
**طبقه‌بندی : سری**

**شماره سند: ۱۱۲۶۹**

**موضوع : اهداف و مقاصد سفیر در ایران.**

۱ـ این تلگرام حاوی بیان و اهداف و مقاصد سیاست خارجی ایالات متحده در ایران است. پیام جداگانه‌ای اطلاعات مشروح را در مورد طرحها و تکمیل آنها و مرور مطالب تهیه خواهد کرد.

۲ـ آغاز متن:

الف) یک رابطه سیاسی ـ اقتصادی مستحکم بر مبنای اعتماد و اطمینان...توسعه و تحکیم یک رابطهٔ براساس اعتماد و اطمینان با شاه.

...تشخیص دادن دامنهٔ تماسهای سفارت در قسمتهای مهم جامعهٔ ایرانی و برداشتن گامهای لازم، گسترش روابط، همچنین در نظر گرفتن موقعیتهای احتمالی که از سیاست لیبرالیستی (آزادی ۰ فضای باز سیاسی) جدید ایران به وجود می‌آید.

...با نخست‌وزیر آموزگار و اعضای کابینه‌اش تا حد امکان همکاری نموده در متعادل نمودن اوضاع که در سه سال قبل به وجود آمده وی را یاری دهید.

ب) افزایش روابط بین ایران و آمریکا در زمینه‌های غیرنظامی.

تشویق ایران به سیاست تأمین‌کننده نفتی قابل اعتماد برای ایالات متحده و نزدیکترین دوستانش و اتخاذ یک سیاست میانه‌روی در قیمت‌گذاری نفت، برنامه‌ها و سیاستهای انرژی ایالات متحده و نیاز اقتصاد جهانی به یک قیمت نفت معتدل را تشریح نمایید.

...سهم قابل ملاحظه‌ای در بازار داخلی ایران را به نفع آمریکا به دست آورده، و از نفوذ دفتر سفیر سفیر (سفارت آمریکا) در صورت عدم دسترسی به مراکز بازرگانی آمریکایی برای استفاده از فرصتهای تجاری استفاده نمایید.

...تشخیص این مسئله که چگونه می‌توان همکاریهای دوجانبهٔ ایران و آمریکا را مؤثرتر نمود، و اینکه چگونه می‌توان بخش خصوصی ایالات متحده را بیشتر در این مسئله وارد کرد.

...به طور نزدیک با شاه و دکتر اعتماد از سازمان انرژی اتمی ایران همکاری کنید، تا راهی پیدا کنید که بتوانیم به اهداف عدم ازدیاد (سلاح) رئیس جمهور برسیم و به یک موافقت دوجانبه با ایران دست یابیم.

...تجهیزات گردآوری اطلاعات در ایران را تأسیس و حفظ نمایید.

...حمایت از کوششهای در حال انجام برای به کار گرفتن بیشتر دولت ایران در برنامهٔ مواد مخدر برای افغانستان.

...بهبود روشهای مرتبط به دانشجویان ایرانی خواستار تحصیل در دانشکده‌های ایالات متحده و انجام همکاریهای لازم برای پیشرفت سیستم دانشگاهی ایران.

...ادامهٔ فشار بر ایران برای پرداخت کامل بدهیهای عقب‌مانده به آمریکا.

ج) هماهنگی در روابط نظامی که شامل برنامهٔ تهیه وسایل نظامی نیز هست.

www.takbook.com



...صحبت محتاطانه‌ای را با شاه در مورد احتیاجات نظامیش آغاز کنید، با این هدف که توجه او را از تقاضای خرید تجهیزات نظامی غیرضروری منحرف سازید.

...با دقت موارد فروش وسایل نظامی خارجی (غیرآمریکایی) حاضر و پیش‌بینی شده را تحت کنترل بگیرید.

...به دقت فعالیتهای نمایندگان سازندگان اسلحهٔ ایالات متحده را تحت نظر بگیرید تا مطمئن شوید که آنها قوانین جدید را در مورد بالا بردن میزان فروش رعایت می‌کنند، و راههایی پیدا کنید که تعداد کارکنان قراردادی وابسته دفاعی ایالات متحده در ایران را به تعداد لازم کاهش دهید.

...رابطهٔ تهیه وسایل نظامیان را کنترل کنید تا مطمئن شوید که احتیاجات مشروع دفاعی ایرانیان در چهارچوب قوانین جاری انتقال سلاح برآورده می‌شود.

حق پرواز بر فراز ایران را نگهدارید و اجازهٔ ورود کشتی‌های نیروی دریایی را به بنادر ایران بگیرید. د) ابقاء کیفیت متعادل ایران در امور منطقه‌ای.

...ایران را به اتحاد سیاستی معتدل در قبال مسئلهٔ اعراب و اسرائیل و حمایت از سیاست ما دربارهٔ مذاکرات صلح در خاورمیانه وادار سازید.

ادامه روابط مثبت ایران با اسرائیل را که شامل تهیه نفت هم باشد، تشویق کنید.

...مخالفت ایران با فعل و انفعالات پاکستان را تداوم بخشید.

...از همکاری ایران و عربستان سعودی در رابطه با امنیت خلیج‌فارس حمایت کنید و همراه ایران در جریان امور پیشرفتهای امنیتی مربوطه، در میان همسایه‌های ایران، قرار داشته باشید.

...ایران را تشویق کنید از ابتکارهای اساسی ما در آفریقا حمایت کند.

ه) پیشرفت در اجرای حقوق بشر ایران.

...با شاه و دیگران، در موقعیتهای مناسب، سیاستهای حقوق بشر ایالات متحده را مرور کنید. بهبود وضعیت حقوق بشر را در ایران تشویق کنید، مثلاً با اشاره کردن به پیشرفتهای مثبت مورد علاقه و با توضیح انعکاسهای ناشی از تصویر نامساعد حقوق بشر ایران در جهان، توجه وی را به این مسئله جلب نمایید.

**پایان متن**
**کریستوفر**

www.takbook.com



**سند شماره (۳)**

**تلگرام**

**تاریخ : ۲۱ دسامبر ۱۹۷۷ ـ ۳۰ آذر ۱۳۵۶**

**از : سفارت آمریکا در تهران**

**برای اقدام : وزارت امور خارجه**

**شماره : تهران ۱۱۲۶۹**

**استفادهٔ محدود اداری**

**موضوع : هیئت نمایندگی کنگره (به ریاست) ولف**

۱ـ نخست‌وزیر پیشنهاد کرده است که برای هیئت نمایندگی کنگره (به ریاست) ولف ضیافت نهاری برای کسب اطلاع دربارهٔ کار و علائق این هیئت نمایندگی ترتیب دهد. در این ضیافت نهار نمایندگان کنگره به اضافهٔ کارمندان ارشد این نمایندگان حضور خواهند داشت. سفارت قبل یا بعد از نهار ترتیب گزارش خلاصه را خواهد داد و این بستگی به ترتیب زمان خواهد داشت. به همسران و بقیهٔ کارمندان فرصت داده خواهد شد تا از شهر با اتوبوس دیدن کنند و به دیدن بنای یادبود شهیاد بروند. همچنین اگر هیئت نمایندگی کنگره مایل باشد، نخست‌وزیر مایل است بدون صرف نهار خلاصهٔ مطالب را با تمام گروه در میان بگذارد.

۲ـ سفیر شدیداً به هیئت نمایندگی کنگره توصیه می‌کند دعوت‌نامهٔ نخست‌وزیر را بپذیرند. آموزگار یک فرد زیرک و باریک‌بین و در عین حال زباندار و پرتحرکی است که نقش مهمی را در حکومت ایران از اواخر دههٔ ۵۰ به ویژه در سالهای اخیر به عنوان نمایندهٔ اوپک ایفا کرده است و هنگامی که در سالهای ۷۶ـ ۱۹۷۴ وزیر کشور بود چهرهٔ مهمی در برنامهٔ کنترل مواد مخدر ایران به شمار می‌رفت.

۳ـ پس از اینکه وزارت دربار (شاه) از نخست‌وزیر خواسته است که این وظیفه را انجام دهد، در صورتی که هیئت نمایندگی کنگره جلسهٔ ملاقات با وی را لااقل در سطح دادن گزارش خلاصه رد کند، این امر سوء تعبیر خواهد شد و اثر منفی خواهد داشت، ولی ما یقین داریم هیئت نمایندگی کنگره میل ندارد یک چنین تأثیری برجا گذاشته شود.

۴ـ خواهشمند است مشورت نمایید.

**میکلوس**

www.takbook.com



**سند شماره (۴)**

**از : سفارت آمریکا در تهران** **تاریخ : ۱۰ ژانویه ۱۹۷۸ ـ ۲۰ دی ۱۳۵۶**
**به : وزیر امور خارجه ـ واشنگتن**
**طبقه‌بندی : محرمانه**

**موضوع : اهداف و مقاصد در ایران**

۱ـ با قدردانی از مرکز شناسایی، توجه می‌دهیم که اظهارات و بیانیه‌های مربوط به اهداف و مقاصد در ایران نباید به صورت نظریه‌ای ثابت و لایتغیر، عنوان شود. ما با احتیاط این مسایل را از پیش در تلگراف مرجع B آزموده‌ایم.

اعتقاد داریم که آنها به گونه‌ای واقع‌گرایانه انجام شدنی بوده و هماهنگ با منافع اصلی ما در ایران هستند. اما این بیانیه را جرح و تعدیل کرده و آن را بسط داده‌ایم تا پیشرفتهای جدید و دریافتهای جزئی تغییر یافته را در مورد اینکه اهداف و مقاصد جاری ما چگونه باید باشد، در آن بگنجانیم.

بیانیهٔ مجدد را در قالب جدید که در تلگراف مرجع B به کار برده شده، ذیلاً می‌آوریم:

۲ـ شروع متن

الف. استحکام روابط سیاسی اقتصادی بر پایهٔ اعتماد، اطمینان و احترام دوجانبه.

ـ حفظ و تقویت رابطهٔ اعتماد و اطمینان که با شاه داشتیم.

ـ ارزیابی کاربرد تماسهای سفارت در قسمتهای مهم جامعهٔ ایران و گامهای اولیه برای توسعه روابط خود، تا حد ممکن، با نیروها و گروههایی که به موازات مدرنیزه شدن ایران، تبدیل به مراکز مهم نفوذ می‌شوند. این امر بایستی فرصتهایی را که اخیراً در راه تسهیل فعالیتهای سیاسی تحقق یافت، بشمار آورد و توجه شود که در بعضی موارد ممکن است متضمن خطرهایی باشد. لازمهٔ احتراز از چنین خطراتی دست به عصا راه رفتن است.

ـ تشویق آموزگار و کابینهٔ او برای اندیشیدن روی هدفهای اقتصادی دراز مدت ایران و طرح برنامه‌ای جامع و کامل که هدف اولیه آن ابقای گردش چرخ اقتصادی در قبال از میان رفتن محتوم درآمد نفت است. در این خصوص ایرانیها را باید در جستجوی مشاورین خارجی تشویق و حمایت نمود و از طریق IBRD و دیگر منابع مناسب رهنمود داد.

ـ مطلع نمودن تصمیم‌گیرندگان و صاحبه نظران ایرانی از سیاستها و گرایشهای ایالات متحده در خصوص منافع ایران و روابط ایران و آمریکا توسط فعالیت همه جانبهٔ کادر USIS (وزارت اطلاعات آمریکا).

ب. افزایش روابط ایران و آمریکا در زمینه‌های غیرنظامی.

ـ تشویق به ادامهٔ ذخیرهٔ قابل اطمینان نفتی برای ایالات متحده و متحدان بسیار نزدیک آن و اتخاذ سیاست معتدل قیمت‌گذاری. سیاستها و برنامه‌های انرژی آمریکا و نیاز اقتصاد دنیا برای نفت با قیمت تحمل‌پذیر تبیین شود.

ـ تسهیل افزایش سهام آمریکا در بازار ایران و آمادگی برای استفاده از نفوذ دفتر سفیر به منظور حمایت، و حداقل نفوذ نامشخص تجارتخانه‌های آمریکایی در فرصتهای شغلی در ایران.

ـ ارزیابی چگونگی فعالتر نمودن کمیسیون مشترک ایران و آمریکا، از جمله چگونگی وارد نمودن

www.takbook.com



کامل بخشهای خصوصی آمریکا.

ـ پیگیری تدوین متن نهائی توافقنامهٔ همکاری هسته‌ای ایران و آمریکا که منطبق با اهداف کارتر در موارد عدم گسترش سلاحهای اتمی باشد، بهمراه دکتر اعتماد و همکاران سازمان انرژی اتمی او.

ـ ابقاء امتیازات اطلاعات جاسوسی آمریکا در ایران و ادامهٔ فراهم آوردن سیاستهای بده‌بستان در پاسخ به این امتیازات. هرگونه پیشنهاد برای امتیازات اضافی باید به دقت سبک سنگین شود تا اطمینان حاصل شود که منافع فعلی را در خطر نمی‌اندازند.

ـ یافتن راهی برای وارد کردن کامل ایران در امور مواد مخدر منطقه‌ای، که هدف آن کاهش تولید مواد مخدر در افغانستان و پاکستان و تقلیل قاچاق مواد مخدر در داخل و خارج ایران می‌باشد.

ـ همکاری با وزیر آموزش و پرورش به منظور گسترش اقدامات در ارزشیابی و به جریان گذاشتن کار ایرانیانی که خواستار تحصیل در آمریکا می‌باشند. گسترش فرصتها برای دانشجویان ایرانی که برنامهٔ تحصیل در آمریکا دارند به منظور دادن راهنماییهای مناسب، مشورت و تعلیم انگلیسی پیش از عزیمت آنها.

ـ ادامهٔ زیر فشار گذاشتن ایران برای پرداخت کامل قرضهٔ مازاد اختلاس شده.

ج. روابط نظامی هماهنگ و دقیق، منجمله برنامهٔ ذخیره نظامی.

ـ ابقای گفتگوی مداوم با شاه و مشاورین اصلی نظامی او در مورد نیازهای نظامی‌اش به منظور رد تقاضاهای فروش اسلحهٔ غیر ضروری.

ـ زیر نظر گرفتن کامل موارد فروش اسلحه خارجی به ایران، چه آنها که فعلاً در جریان است و چه آنها که پیش‌بینی می‌شود.

ـ زیر نظر داشتن دقیق فعالیتهای نمایندگان کارخانجات اسلحه آمریکا، به منظور اطمینان دادن به اینکه آنها متوجه قوانین جدید در خصوص بالا رفتن قیمت خرید هستند و به دنبال یافتن راههایی برای کاهش تعداد پرسنل مربوط به قرارداد دفاعی در ایران می‌باشند.

ـ زیرنظر داشتن روابط ذخیره نظامی ما به منظور اطمینان یافتن به اینکه نیازهای مشروع دفاعی ایران در چهارچوب دستورالعمل‌های جاری نقل و انتقال اسلحه منطبق شده است. روابط همکاری نظامی ایران و آمریکا باید مورد آزمایش مجدد قرار گیرد تا اطمینان حاصل شود که با قانون همگانی ۹۵ـ ۹۲ انطباق دارد.

ـ تشویق دولت ایران به منظور پذیرفتن مسئولیت افزایش یابندهٔ توسعهٔ مدیریت، برنامه‌ریزی و شیوه‌های اداری داخلی نظامی با هدف غائی از بین بردن وابستگی ایران به نصایح و کمک نظامی آمریکا.

ـ ابقای حقوق پرواز ایالات متحده و دست‌یابی به بنادرِ ایران برای کشتی‌های نیروی دریایی.

د. ابقاء موقعیت متعادل ایران در امور منطقه‌ای.

ـ تشویق ادامهٔ نزدیکی تعادل یافتهٔ ایران به امور عرب و اسرائیل و حمایت ایران از مذاکرات صلح ما در خصوص خاورمیانه.

ـ تشویق حفظ روابط مثبت ایران با اسرائیل، منجمله روابط نفتی.

ـ ابقای مخالفت ایران با تغییر مجدد (نوسازی) پاکستان.

ـ حمایت از همکاری ایران با عربستان سعودی، عمان و دیگر ایالات شبه‌جزیره عربی امنیت

www.takbook.com



خلیج‌فارس. از توسعهٔ امنیتی در عراق و دیگر همسایگان منطقه‌ای ایران باید مرتب باخبر بود.

ـ تشویق ادامهٔ همکاری مسئولانه ایران با افغانستان، پاکستان و هندوستان در قلمروهای سیاسی ـ اقتصادی.

ـ تشویق حمایت ایران از سیاستهای اصلی ما در آفریقا.

هـ پیشرفت در اجرای حقوق بشر در ایران.

ـ مطالعه و بررسی سیاستهای حقوق بشر آمریکا با شاه و دیگر مسئولان در موقعیتی مقتضی، با تمرکز بر روی گسترش حقوق بشر (که قابل حصول است) که در تضاد با تغییرات سیستم سیاسی است (که ممکن است مداخلات خارجی را از بین برده و مضر باشد). باید توجه داشت که تصویر نامطلوب همگانی ایران در این موضوع می‌تواند چه تأثیری بر روی موقعیت بین‌المللی ایران در آمریکا و سایر جاها بگذارد.

**سولیوان**

www.takbook.com



**سند شماره (۵)**

**از : سفارت آمریکا ـ تهران** **تاریخ : ۱۱ ژانویه ۷۸ ـ ۲۱ دیماه ۱۳۵۶**

**به : وزارت امور خارجه**

**طبقه‌بندی : سری**

**مراجع : (A) وزارت خارجه ۲۹۵۴۸۶، (B) وزارت خارجه ۲۹۱۲۷۷، (C) تهران ۳۶۷.**

**موضوع : هدفها و مقاصد سفیر در ایران**

من با کمال خوشحالی استفاده می‌کنم تا در این تلگرام هوایی در مورد مسئله زیر با شما بحث کنم. یعنی مسئله راههایی که من ادامه می‌دهم تا اطمینان حاصل کنم که این هیئت اعزامی به صورت فعالی اهداف و مقاصدی را که دولت ایالات متحده امیدوار است در ایران داشته باشد، دنبال می‌کند. در مرجع (C) «تیم کشوری» و من نظریاتمان را در مورد اظهار نظرهایی که مرجع A فرستاده بود اظهار داشتیم. ما گفتیم که آن اظهارنظرها را یک برنامهٔ رضایتبخش و منطقی برای دیپلماسی خودمان می‌دانیم.

اولین کار من برای رسیدن به این برنامه، سازماندهی بود. من سعی کرده‌ام که تیم کشوری را به صورت یک تشکیلات یکپارچه و متحد درآورم. برای انجام این کار من جلسات روزانه‌ای برای این تیم ترتیب داده‌ام و مخصوصاً رئیس مستشاری نظامی را در این جلسات روزانه شرکت می‌دهم. نظر به این که او کنترل عظیم‌ترین عنصر مأموریت (یعنی بیش از ۱۳۰۰ افسر نظامی ایالات متحده، افراد نام‌نویسی کرده و کارمندان معمولی ایالات متحده) را به دست دارد و ادارهٔ پرخرج‌ترین برنامه را (یعنی ۱۸ میلیارد دلار) به عهده دارد. من معتقدم که این حرکت من فعال بودن سازمان این مأموریت را به طور چشمگیری افزایش داده است. بدنبال طرحهایی که من در مأموریتهای بزرگ دیگرم به کار بردم سعی می‌کنم که بیشترین حجم ممکن فعالیتهایمان را در جلسات روزانه متمرکز کنم، تا هر عنصر تیم کشوری از فعالیتها و مشکلات بقیهٔ اعضای تیم آگاهی پیدا کند. من گسترده‌ترین تشریک مساعی اطلاعاتی ممکنه را در بین اعضای تیم کشوری، و شرکت اعضاء را در تنظیم صلاحدیدهای سیاسی تحت ریاست معاون هیئت اعزامی تشویق می‌کنم.

بر مبنای این پایهٔ تشکیلاتی، هیئت اعزامی این وظیفه را به عهده گرفته که طرحهای متعدد و پیچیده را عملی سازد. من آنها را تحت عنوانهای اصلی که در مرجع A به کار رفته دوباره بررسی خواهم کرد.

الف) یک رابطهٔ سیاسی اقتصادی طولانی و محکم بر پایهٔ اعتماد و اطمینان.

زمانی که دولت کارتر سرکار آمد، شاه و دولت ایران دربارهٔ علاقهٔ او به این منطقه از جهان، تعهدات او به توافقنامه‌های گذشته و موضعگیریش در مورد شاه به عنوان یک حاکم مطمئن نبودند. در نتیجهٔ دیدار شاه از ایالات متحده در واشنگتن در نوامبر و دیدار رسمی پرزیدنت کارتر از تهران در اواخر دسامبر، این شک و تردیدها کاملاً از بین رفت. در نتیجهٔ انعکاس این وضعیت، من احساس می‌کنم که توانسته‌ام آن رابطهٔ اعتماد و اطمینان را با شاه توسعه دهم. من به طور منظم با او صحبتهای طولانی در مورد تمام مسایل داشته‌ام و این صحبتها و مباحثه‌ها از دو طرف با کمال صراحت و صداقت همراه بوده است.

برای ادامه دادن این نوع رابطه لازم است که من برای او اطلاعات مهمی در مورد مسایلی که مورد علاقهٔ دو طرف است، مانند خاورمیانه، مذاکرات سالت، مذاکرات اقیانوس هند و غیره تهیه کنم. با وجود اینکه رئیس جمهور به طور واضح مشخص کرده که مایل است این نوع اطلاعات به شاه برسد، ولی

www.takbook.com



بوروکراسی حاکم بعضی مواقع مانع از آن می‌شود که این مطالب به موقع به نظر شاه برسد. من در مورد این مسایل همچنان بر واشنگتن فشار خواهم آورد.

من همچنین پیشنهاد می‌کنم که گاهگاهی رئیس جمهور به طور مستقیم با شاه ارتباط برقرار نماید. این تماسها در مورد مسایلی خواهد بود که بین دو رهبر (کارتر و شاه) بحث شده است. البته من از هر مکاتبه‌ای که از طرف رئیس جمهور به ابتکار خود واشنگتن به وجود بیاید قدردانی می‌کنم. نظر به اینکه کادر رهبری این کشور بسیار شخصی و خصوصی است، بنابراین این گونه ارتباطهای شخصی بهترین وسیله برای به وجود آوردن اعتماد است.

در رابطه با سیاست جدید آزادی در ایران، سفارت نامه‌ها و تماس‌هایی از طرف گروههای مخالف داشته است. ما به اینها جواب داده‌ایم و محتاطانه سعی کرده‌ایم که طیف وسیعی واسطه در این گروهها که خارج از «حلقهٔ رسمی رابطهای سفارت» هستند به وجود بیاوریم.

در مورد مشکلات اقتصاد بزرگ، ما گفتگوهای متمرکز را با وزرای جدید و جوان کابینهٔ آموزگار که از نظر فنی صالح هستند، شروع کرده‌ایم. به عقیدهٔ من هم برای ایالات متحده و هم برای ایران مفید خواهد بود اگر ما از هیئت خارجی بین‌المللی مانند بانک جهانی بخواهیم که مطالعات متمرکزی را در مورد آیندهٔ اقتصاد ایران، در زمانی که منابع نفتی دیگر پیشرفت ایران را پی‌ریزی نخواهد کرد، انجام دهد. با وجود اینکه این بانک موافق این برنامه است، ولی من مقاومتهایی از جانب ایرانیان در مورد این عقیده مشاهده نموده‌ام، اما به کوششهایم در این مورد ادامه می‌دهم.

ب) روابط رو به افزایش در زمینه‌های غیر نظامی بین ایران و آمریکا.

ما معتقدیم که موفقیت چشمگیری در توسعهٔ روابط ایران و آمریکا در زمینهٔ انرژی، بخصوص نفت داشته‌ایم. ایران اولین کشوری بود که خواستار ثابت نگهداشتن قیمت نفت اوپک در سال ۱۹۷۸ شد. ایران همچنان به عنوان یک منبع نفتی مطمئن برای ایالات متحده و نزدیکترین دوستان ما باقی می‌ماند. یک قسمت از این پیشرفت به خاطر وضعیت ذخیرهٔ نفتی جهان بود، قسمتی دیگر به خاطر برنامه‌های انرژی دولت کارتر بود و یک قسمت هم به خاطر صحبتهای بی‌پرده با شاه در مورد مشکلاتی که به خاطر سیاستهای قیمت‌گذاری ایران، بین روابط دوجانبهٔ ما، در حال به وجود آمدن بود. اگر ما به طور قانع‌کننده‌ای نشان دهیم که برنامهٔ انرژی ما از واردات انرژی ما می‌کاهد و به طور جدی از منابع دیگر انرژی بهره‌برداری می‌کند. من معتقدم که ما خواهیم توانست ایران را در گروه میانه‌روها نگهداریم.

این فشار با تورم پایین‌تر ایالات متحده و تمایل بازرگانی ایالات متحده همراه با حمایت دولت آمریکا از آن، برای ترتیب دادن خریدهای نفتی نظیر جهت جبران هزینه‌های دلاری قراردادهای ایالات متحده با ایران پشتیبانی می‌شود.

یکی از فروشهای تجارتی بزرگ آمریکا به ایران در ظرف چند سال آینده حدود ۱۰ میلیارد دلار ارزش خواهد داشت و آن راکتورهای اتمی نیرو است، که نتیجهٔ یک موافقت دوجانبهٔ بین ایران و آمریکا در مورد استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی اتمی می‌باشد. رئیس جمهور و شاه در تاریخ ۳۱ دسامبر اعلام کردند که در اصول توافق شده و من امیدوارم که در کمیسیون مشترکی که نمایندگان ایران و آمریکا در ۲۸ فوریه خواهند داشت، این موافقتنامه به طور رسمی امضاء شود. اگر مجلس سنا تا آن زمان این فروش را تصویب نکند این تاریخ ممکن است به تعویق افتد. این مسئله به عنوان برنامه‌ریزیهای دیگر در

www.takbook.com



زمینه‌های خانه‌سازی، کشاورزی و هواپیمایی کشوری، قاعدتاً باید ما را قادر سازد که وضعیت کمیسیون مشترک را پی‌ریزی کنیم. کمیسیونی که بخش تهران آن را من مستقیماً به دفتر خودم آورده‌ام.

همکاریهای اطلاعاتی ما با ایران همچنان به خوبی پیش می‌رود و من معتقدم با طرحهای مشخص فنی جدید که ما انتظار داریم در آیندهٔ نزدیکی بدهیم، این همکاریها افزایش خواهد یافت به همکاریهای ما با ایران در زمینهٔ مواد مخدر برای افغانستان، در سال ۱۹۷۸ توجه بیشتر خواهد شد.

مشکل رفتن دانشجویان ایرانی به آمریکا مشکلی است که برای سالهای زیادی برای ما وجود خواهد داشت. ما در چند ماه گذشته با همکاری وزارت علوم و آموزش عالی پیشرفتهای زیادی در زمینه برقراری برنامه‌های آشناسازی و تحقیق در مورد افراد داشته‌ایم. ما همچنین تعدادی طرح برای تصحیح و کامل کردن به واشنگتن داده‌ایم که معتقدیم از نظر مطالب، این طرحها کمک زیادی به پیروزی ما بر این مشکل خواهد کرد، بخصوص در به کارگیری فرم ۲۰ـ در رابطه با ادارهٔ مهاجرت و تابعیت.

در مورد مسئله وصول تمام پرداختی بدهی عقب‌افتادهٔ اموال اضافی، من با مشکلاتی مواجه شده‌ام که وضع حقوقی غامضی ناشی می‌شود که در آن ایرانیها تصور می‌کنند در قبال خسارتی که به راه‌آهن ایشان وارد شده پرداختهای جبران‌کننده‌ای باید وجود داشته باشد. با به میان کشیدن نقش بریتانیاییها در زمان جنگ در این مورد و عدم علاقه و دولتهای بریتانیا و ایران در مورد تهیهٔ مدارک مربوط برای ما، پیشرفت در این کار بغرنجتر می‌شود. ما به فعالیتهای خود در این مورد ادامه می‌دهیم.

ج) روابط نظامی به دقت متناسب شده، که شامل برنامهٔ تهیهٔ وسایل نظامی نیز هست.

در نتیجهٔ تغییرات قوانین اداری که به خاطر سیاست خلع سلاح رئیس جمهور بود، من برای خود یک نقش مستقیم بسیار بیشتری نسبت به افراد قبل از خود در مورد تهیهٔ تجهیزات نظامی برای ایران دیدم در اجرای این نقش، من با شاه و افسران نظامیش یک طرح درازمدت در مورد احتیاجات ایران در تجهیزات نظامی که باید از آمریکا به دست آید، تهیه کرده‌ام. به خاطر چند عامل این طرح به طور محسوسی از طرحهایی که قبلاً پیشنهاد شده بود، معتدل‌تر است. این برنامه کم شده در آیندهٔ نزدیکی در کنگره مورد بحث قرار خواهد گرفت. من همچنین برای مطابقت با سیاست رئیس جمهور با تمام کنتراتچی‌های دفاعی ایالات متحده در اینجا ملاقات کرده‌ام و سیاستهای جدیدمان را برای آنها توضیح داده‌ام و آنها را از خواستهای جدیدی که قوانین جدید به وجود آورده، آگاه کردم.

د) ابقای وضع متعادل ایران در امور منطقه‌ای:

اکثر بحثهای طولانی من با شاه در ماههای اخیر در مورد مسایل منطقه‌ای بوده است. همچنین در مورد همین مسایل بحثهای بسیار زیادی با خلعتبری وزیر امور خارجه داشته‌ام. از این بحثها من نتیجه می‌گیرم که سیاست خارجی ایران مسئولانه و سازنده است و اینکه ما می‌توانیم با تأثیرگذاری بر آن به همین صورت نگاهش داریم. در نزاع اعراب و اسرائیل، در اقیانوس هند، در عدم ازدیاد سلاحهای اتمی، در شاخ آفریقا و آفریقای جنوبی، ایران نقشهای سازنده‌ای بازی می‌کند. برای ادامهٔ نفوذ خود در آن نقشها، من احتیاج دارم که حداقل به اندازهٔ هم‌صحبتهای خود در مورد این مناطق و حوادثی که در آنجا اتفاق می‌افتد، اطلاع داشته باشم. به این دلیل من از رسید خلاصهٔ اطلاعات مختلف مخصوصاً اخبار روزانهٔ داخلی خاورمیانه استقبال می‌کنم. من همچنین از دریافت نشریات سیاسی از NSC یا S/P که در رابطه با این موضوعات است، به همان صورتی که تهیه می‌شود، استقبال می‌کنم.

www.takbook.com



ه) پیشرفت در اجرای حقوق بشر ایران:

این ظریفترین جنبهٔ روابط ما با ایران است. من معتقدم که ما در چند ماه گذشته پیشرفتهایی در این موضوع کرده‌ایم. با صحبت کمی با ایرانیان، به خصوص شاه، در رابطه با غرورشان در بارهٔ تصویر بین‌المللی از آنها روی این موضوع، ما به این پیشرفتها دست یافتیم. درباره صحبتی که رئیس جمهور در این مورد با شاه داشته نیز سهم بزرگی در این پیشرفت داشته. یک راه مؤثرتری که من برای در افتادن با این مسئله پیدا کرده‌ام این است که از طریق میانجیگری یک سازمان خصوصی غیردولتی کار کنیم. یک نمایندهٔ برجسته آن سازمان که نسبت به پیشنهادات من تأثیرپذیر است، به نام خودش طرحهایی برای اصلاح حقوق بشر به مقامات ایرانی ارائه می‌دهد. البته با وجود اینکه او در مورد تاکتیکهایش با من مشورت می‌کند، ولی خودش مسئولیت تمام پیشنهاداتش را به عهده می‌گیرد. به این وسیله ایرانیها می‌توانند و توانسته‌اند که اجرای حقوق بشر را توسعه دهند بدون اینکه اینجا نشان داده شود که آنها به وسیله یک دولت خارجی، اگرچه دوست، به این لاف‌زدنها پرداختند.

**سولیوان**

www.takbook.com



**سند شماره (۶)**

**از : سفارت آمریکا ـ تهران** **تاریخ : ۱۹ ژانویه ۱۹۷۸ ـ ۲۹ دی ۱۳۵۶**

**به : وزارت امور خارجه ـ واشنگتن دی. سی.**

**طبقه‌بندی : محرمانه** **شماره : ۰۰۷۱۹**

**موضوع : هیئت نمایندگی ویلیامز ـ استیونس**

۱ـ خلاصه هیئت نمایندگی ویلیامز ـ استیونس در تاریخ ۹ تا ۱۱ ژانویه دیدار ۳۶ ساعتهٔ سودمندی از ایران به عمل آورد. سناتورها در تاریخ ۱۰ ژانویه با شاه نهار صرف نمودند که ظاهراً رخدادی در دیدار کوتاهشان به شمار می‌رفت. این هیئت با نخست‌وزیر ایران آموزگار نیز به تبادل نظرهای مهمی پرداختند و در هنگام صرف نهار با ژنرال طوفانیان از تلاشهای ارتش در جهت نوسازی نیز آگاه گردیدند. (پایان خلاصه)

۲ـ همچنین این هیئت توانست در تاریخ ۱۰ ژانویه پس از بازگشت شاه از ملاقات با سادات در آسوان و توقف کوتاه ایشان در ریاض جهت ملاقات با ملک خالد و مقامات سعودی، به تبادل نظر در طول نهار بپردازد. موضوع بحث به هنگام نهار نیز پیرامون مسایل خاورمیانه و آیندهٔ صلح متمرکز بود. دیگر عناوین بحث شامل شاخ آفریقا و وضع امنیت در این منطقه بود.

۳ـ شاه به سناتورها این گونه فهماند که سادات بیش از حد فداکاری نموده است در حالی که اسرائیل هنوز نتوانسته است به وی جواب کافی بدهد. بحث بسیار صمیمانه و دوستانه انجام گرفت و شاه بسیار خوشحال به نظر می‌رسید. وی اظهار داشت که موفقیت روش پیشنهاد شده توسط سادات بستگی به تصمیم اسرائیل دارد. شاه به خوبی می‌داند که انجام مذاکرات به سادگی امکان‌پذیر نیست، لیکن مهم است که اسرائیل به سادات به گونه‌ای جواب دهد که گل ظریفی که به وسیلهٔ سادات چشم به زندگی گشاده، پژمرده و پرپر نشود.

۴ـ جلسهٔ دوساعته هیئت با نخست‌وزیر آموزگار با ارائه نمایشی توسط وی از طرحهای توسعهٔ پیشرفت و آن طور که اذعان شد مشکلات بزرگی که برای نیل به موفقیت می‌بایست بر آنها غلبه کرد، شروع شد.

نخست‌وزیر همچنین در جواب به سؤالی که شد، نمایشی اضافی از وضع امنیتی ایران در قبال هریک از همسایگانش به علاوه وضع عمومی منطقه ارائه کرد. پیرامون تعرفه و انتقال تکنولوژی نیز بحث شد. واضح است که سناتورها و نخست‌وزیر از نتایج این بحث استفاده‌های شایان برده‌اند. سناتور بیکاف در پایان اظهار داشت که ما معتقدیم که هیچ کس اطلاعات کافی در اختیار نداشته و ایرانیان و آمریکاییها باید با صراحت به بحث و تبادل نظر پیرامون مسایل دوجانبه بپردازند تا هرچه بیشتر از یکدیگر بیاموزند.

۵ ـ ژنرال طوفانیان وضع سررشته‌داری در ایران را تشریح نمود. سفیر چگونگی کمکهای امنیتی عمومی به ایران و مدیریت آمریکایی برنامه‌های مستشاری نظامی را در ایران برشمرد.

۶ـ سناتورها به هنگام صرف صبحانه موفق به دیدار اتاق بازرگانی ایران ـ آمریکا شدند و پیرامون این موضوع نیز به بحث و تبادل نظر پرداختند. بحث جریان بسیار جالبی را طی نمود و در ابتدا رئیس اتاق آقای لفلدت از حضار خواست تا موضوع مالیات را پیش نکشند، تا جلسه فرصت تبادل نظرهای کلی‌تر و جامعتر را پیدا کند.

**سولیوان**

www.takbook.com



**سند شماره (۷)**

**محرمانه**

**از: سفارت آمریکا در تهران** **تاریخ: ۲۴ ژانویه ۱۹۷۸ ـ ۴ بهمن ۱۳۵۶**

**به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی ـ سی.**

**مرجع: (A)ـ تهران ۰۵۴۸ (B)ـ ۰۳۸۹**

**(C) ـ تهران ۰۶۶۵ (D)ـ ۷۷ تهران ۱۲۴**

**موضوع: مذهب و سیاست ـ قم و عواقبش**

خلاصه متن: آشوبهای مذهبی در طول آخر هفته ۱۵ـ ۱۴ ژانویه به طرز گسترده‌ای وجود داشت. مصاحبه آقای شریعتمداری با سه خبرنگار خارجی آشکارا و بی‌سابقه تکذیب عمومی اظهارات و بیانیه‌های دولتی بود. به عنوان ماحصل رویدادهای قم می‌توان گفت، این حرکت سیاسی مذهبیون، سازمان‌یافته‌ترین و پرتوان‌ترین و شکل‌یافته‌ترین جنبش آنان از سال ۱۹۶۳ تاکنون بوده. مسلمانان به طور کلی صرف نظر از بعد تقدیس متحد شده‌اند. دولت ایران تظاهر می‌کند که هنوز مقدار نسبتاً قابل توجه وقایع پیش‌بینی نشده در طول مبارزات وجود دارد که ممکن است ورق را به نفع دولت برگرداند. (پایان خلاصه متن)

۱ـ توضیحاتی که ذیلاً خواهید دید شرح وقایعی است که از تماسهایی که با ایرانیان نزدیک به رهبران مذهبی اخذ شده است، یا از دو خبرنگاری (از سه خبرنگار) که با آقای شریعتمداری یا سایر رهبران مذهبی ـ مصاحبه کرده‌اند. ارزیابی و تشخیص سفارت از وقایع مهم و پرمعنی قم و نیز عواقب آن در پاراگراف ۶ تا ۹ داده شده است.

۲ـ اخبار کاملی که به دست ما رسیده است حکایت از آن دارد که در ۱۵ـ ۱۴ ژانویه تظاهرات وسیع مذهبی در مشهد ـ آبادان ـ اهواز ـ دزفول ـ خرمشهر ـ شوشتر ـ زنجان و یا شاید شهرهای دیگر دیده شده است. بازار اهواز به مدت ۲ روز بسته بود. نیز گزارش گردید که ۵۰ شهروند اهوازی به زور از محل سکونت خود به قم تبعید شده‌اند و این امر بدنبال شرکت آنان در تظاهرات صورت گرفته است. شایعات تأیید نشده حاکی از این است که تعدادی از مردم شهر کشته شده‌اند و نیز در نقاط دیگر هم تعدادی مجروح وجود داشته است. شایعهٔ تأیید نشده‌ای در تهران حاکی از آن است که سه نفر از مردم به دنبال مجروح شدن در دانشگاه صنعتی آریامهر کشته شده‌اند. (۱۱ و ۱۲ ژانویه) به نظر می‌رسد بسیاری از ایرانیان از باور کردن گزارشات مربوط به وقایع مذهبی مندرج در روزنامه‌ها دست برداشته‌اند و آن را ضد تظاهرات که ملهم از دولت است، تلقی می‌کنند.

۳ـ به نظر می‌رسد خبرنگارانی که با آیت‌الله شریعتمداری مصاحبه کرده‌اند تحت تأثیر صمیمیت او قرار گرفته‌اند.

آیت‌الله مایل به مصاحبه برای انتشار در روزنامه نبود، ولی نهایتاً قانع شد که اگر اظهارنظر ایشان با نامشان همراه نباشد برای مردم کمتر معنا خواهد داشت. شریعتمداری مستمراً تأکید می‌کرد که مایل نیست در زدوخوردها و کشمکشها با مقامات دولتی درگیر شود. او گفت که او به بازار شهر دستور نداده است که بسته شوند و او رهبران مذهبی در هر شهر را تشویق کرده است که خودشان تصمیم بگیرند که چگونه مراسم یادبود آنهایی که در قم کشته شده‌اند، انجام یابد.

www.takbook.com



به هر حال بیانیه‌های شریعتمداری که در واشنگتن پست هم آمده است (۲۰ ژانویه) به عنوان یک مبارزهٔ مستقیم با دولت ایران که مسلحانه روبروی مردم قم در تظاهرات اخیر ایستاده است، تلقی می‌شود.

۴ـ احترامی که از جانب سایر رهبران مذهبی (یا افراد روحانی که در مدرسهٔ مذهبی شهر قم کار می‌کنند) در طول مصاحبه حضور داشتند، نسبت به شریعتمداری واضح و آشکار بود. رهبران مذهبی همگی توافق داشتند که پلیس بیش از حد لزوم خشونت به خرج داده و تیراندازی‌اش بسوی مردم کاملاً بدون انگیزه بوده است. آیت‌الله سؤالی مطرح کرد: (که البته سؤال به وسیلهٔ مخبرین گزارش نشده است) چرا پلیس از گاز اشک‌آور و یا از شلنگ آب‌پاش برای متفرق کردن مردم استفاده نکرد؟ شریعتمداری و همقطارانش گفتند که جمعیت اصلی (اولیه) حدود ۵۰۰۰ نفر بوده‌اند. او گفت چیزی حدود ۳۰ نفر به طور پراکنده وقتی تیراندازی شروع شد، کشته شده‌اند و بعداً تعداد بیشتری کشته شده‌اند که جمعاً ۷۰ نفر کل آمار کشته‌شدگان وقایع اخیر است. (نظریه سفارت: گزارشاتی که سفارت از طریق خبرگزاری پارس دریافت کرده است، بعد از اولین خبرها، مبنی بر این بوده است که آمار کشته‌شدگان ۷۶ نفر است که این رقم به دستور دولت ایران به کار برده نشده است. به قضاوت ما رقم صحیح و درست‌تر همان آماری است که به وسیلهٔ گروه اطلاعاتی مخالفان گزارش شده است که ادعا می‌کند که ۱۴ نفر از کشته‌شدگان به طور رسمی شناسایی شده‌اند و علامت‌گذاری گردیده‌اند. (به یادداشت مذاکرهٔ جداگانه رجوع شود) این خبر اخیر از خبرهای قابل اطمینانی بوده است که سفارت به تازگی دریافت کرده است.

۵ـ در ادامهٔ بحث با خبرنگاران خارجی شریعتمداری همچنین عنوان کرده است که مساجد و مدارس علوم مذهبی اهواز به مدت ۵ روز بسته بوده‌اند و این به خاطر این است که در آنجا روحانیون اثر زیادی گذاشته‌اند. دو نفر از روحانیونی که به تازگی از استان خوزستان برگشته‌اند، از اثرات سازماندهیشان در آنجا سخن گفتند. برداشت خبرنگاران این بود که شریعتمداری به عنوان یک رهبر پیشرو در مقابل عکس‌العمل مردم در برابر دولت قرار دارد. سایر منابع سفارت او را یکی از ۸ رهبر بزرگ مذهبی ایران و یا احتمالاً بزرگترین و مهمترین آنها توصیف کرده‌اند. بعد از زندانی شدن آیت‌الله طالقانی و نیز تبعید تنی چند از رهبران مذهبی در پاییز امسال در واقع شریعتمداری مهمترین رهبر مذهبی ایران قلمداد می‌شود. کسی که اسلام اصلاح شدهٔ اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم را مطالعه کرده است.

خبرنگاران خارجی توسط افرادی که در حسینیهٔ ارشاد مقام بالا و ارشد و سابقه‌داری دارند به آیت‌الله معرفی شده‌اند. حسینیهٔ مرکزی است مذهبی که با شریعتمداری و دیگر آیت‌الله‌ها تماس دارد.

۶ـ تحلیل سفارت: از نقطه نظر سیاسی جالبترین قسمت مصاحبهٔ شریعتمداری آن است که او اشاره به پوشش و حجاب زنان می‌کند. نیز عنوان می‌کند که اسلام مخالف اصلاحات ارضی نیست و اگر مخالفتی هست مربوط به روش اجرائی آن است که دولت اعضاء خاصی را برای انقلاب شاه و مردم در نظر گرفته است. دو نفر از واسطه‌های محلی ما که به امور و جریانات مذهبی آشنا هستند، اعتقاد دارند اگر شریعتمداری بتواند از این موقعیت که در حال حاضر دارد به عنوان محور اصلی گردهم‌آیی مخالفین مذهبی استفاده کند، می‌تواند جهت حرکت نهضت را به دست کسانی بدهد که تا به حال از مخالفتهای سیاسی دور بوده و به مذهب ارتجاعی هم علاقه ندارند و اعضاء طبقهٔ متوسط ایران هستند.

۷ـ در ماههای آتی سفارت سعی خواهد داشت که بر روی وظیفهٔ ذاتاً دشوار یادگیری بیشتر دربارهٔ اجزای دینی جنبش مخالفین منجمله عقایدی که در حال حاضر هم مترقیون و هم مرتجعین آنها را باور

www.takbook.com



دارند کار کنیم. به هر حال آنچه که واقعهٔ قم و عواقب آن انجام داده است این بوده که مخالفت دینی را به جایگاه نمایان و برجسته‌تری در بین کسانی که تا اینجا از اعطای آزادیهای اخیر نفع برده‌اند ارتقاء داده است. پیروزیهای آیت‌الله‌ها و ملاها در ایجاد تجمعات در جواب به وقایع قم تحسین‌برانگیز است. هرچند برای آنها مشکل خواهد بود که در غیاب رویدادهای تبلورساز (تحقق بخش) دیگر، صرفاً برای مقاصد سیاسی، تظاهرات فوری برپا کنند. (تظاهرات قم به دنبال درج مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات شروع شد که در آن مقاله به رهبر دینی و تبعیدی ایرانیان، خمینی، چند بار به طور پراکنده حملاتی شده بود) برای مثال در این مورد تردید وجود دارد که آیا در آیندهٔ نزدیک بتوانند جهت حمایت از یک قانون یا برای تظاهرات به نفع اصلاح قانون اساسی بسیج شوند. به هرحال ترکیب و آموزش بالقوهٔ سیاست و مذهب چیزی است که شاه و دولت ایران را از خطر آمیزش روحانیت در سیاست آگاه کرده است.

۸ ـ به نظر می‌رسد نخستین علائم حاکی از آن است که دولت ایران قادر نبوده است، طبقهٔ متوسط ایرانی را با این شعار که: تظاهرات مذهبی قم تلاش نومیدانهٔ مرتجعین بوده است، به طرف خود جلب کند و آنها را به نفع خود بسیج نماید. با این وجود هستند کارگران، روستاییان، کسبه، کارمندان دولت، دانش‌آموزان و بعضی از روشنفکرانی که بنا به حس وظیفه‌شناسی به نفع دولت ایران تظاهرات کنند. ولی حتی این امر هم باعث نشده که طبقه متوسط ایرانی به دولت نزدیک شود. البته خطر بالقوه این است که امکان دارد دولت کنترل خود را روی عوامل مذهبی خود از دست بدهد.

در ظرف ۱۵ سال اخیر سیاستهای ایران ذاتاً به سویی رهبری شده‌اند که رهبران مذهبی که خواستار تغییرات اساسی هستند، کاملاً از غیرمذهبیونی که طرفدار مدرنیزه شدن ایران هستند دور نگاه داشته شوند، چرا که نوع این برخورد مسلماً خطرناک خواهد بود و به این جهت باید حتماً از آن احتراز شود.

۹ـ بنابر آنچه گذشت، آمریکا و سایر دول خارجی خود را مستقیماً و یا غیرمستقیم در حمله به دولت ایران دخالت نداده‌اند. رگهٔ تمایل به تنفر از بیگانه به طرز عمیقی در مسلمین اصلاح‌طلب دیده می‌شود. به هر حال مشکل بتوان پیش‌بینی کرد که وضع موجود تا چه حد قابل دوام است، مگر اینکه زمانی برسد که آیت‌الله‌های مترقی قادر به اعمال نفوذ باشند، و این نفوذ را به طرزی دقیق و اکید روی مقلدین خود (از طریق وضع مقررات سخت) پیاده کنند و این مسئله به خاطر تجارب گذشته محتمل به نظر می‌رسد. خصوصاً اگر این وسط مارکسیستهای اسلامی آب را گل‌آلود کنند.

**سولیوان**

www.takbook.com



**سند شماره (۸)**

**از : سفارت آمریکا در تهران** **تاریخ : اول فوریه ۱۹۷۸ ـ ۱۲ بهمن ۱۳۵۶**

**به : وزارت کشور**

**طبقه‌بندی : سری**

**موضوع : مخالفین ایرانی**

خلاصه مطلب: این تلگرام نمایانگر گروههای مخالف و افرادی است که در خلال ۸ ماه گذشته که دولت ایران تسامح بیشتری در مقابل نظرات مخالف نشان داده، ظاهر شده‌اند. این گروهها شامل افراد چپ و راست و گروههایی است که با گروههای تروریستی در تماسند. سخنگویان چیره‌دست آنها را، احتمالاً «لیبرال میانه‌رو»های مخالف تشکیل می‌دهند که بازگشت به حکومت مشروطه منجمله انتخابات جدید و استقلال بیشتر برای قوه قضائیه را خواستارند. در هفته‌های اخیر یک مخالف مذهبی بسیار محافظه‌کار، علناً اظهار وجود کرده است. ادامهٔ نارضایتی که در رابطه با عقاید مذهبی است همچنان بزرگترین خطر بالقوه علیه دولت ایران به شمار می‌آید. دولت برای اجتماعات عمومی محدودیتهایی قائل شده ولی از توزیع نامه‌ها و اعلامیه‌های گروههای ناراضی جلوگیری به عمل نمی‌آورد. از طرف دیگر دولت از طریق تنها حزب سیاسی یکایک افراد را برای تظاهرات به طرفداری از خود بسیج کرده است. در حال حاضر اکثر این گروههای مخالف در داخل یا در کنار این سیستم حکومتی کار می‌کنند. اگر آنها بدانند که دولت به این ترتیب تحت تأثیر قرار نخواهد گرفت، حداقل بعضی از آنها به ایجاد خشونت و بلوا دست خواهند زد. اکثر این گروههای مخالف، آمریکا را قدرتی می‌شناسند که می‌تواند در دولت ایران از طریق اعمال نفوذ برای آنها جایی باز کند. اگر از این سو ناامید شوند، احساسات ضعیف ضد آمریکایی (و شگفت‌آور) جای خود را به احساسات و فعالیتهای ضد آمریکایی شدیدتر خواهد داد. (پایان خلاصه مطلب)

**مقدمه:**

این تلگرام تلاشی است در جهت ترسیم دانسته‌های ما دربارهٔ گروههای مخالفی که در ۸ ماه گذشته در نتیجه انعطاف‌پذیری بیشتر دولت ایران در برابر اظهار مخالفت عمومی ظاهر شده‌اند. چون جناح مخالف ایرانی مدتهای مدید «مخفیانه» کار می‌کرده است و هنوز هم در ظاهر شدن در برابر بیگانگان با احتیاط عمل می‌کند، نمی‌توان این تلگرام را تحقیقی جامع دربارهٔ گروههای مخالف و یا تحلیلی خاص دربارهٔ همهٔ افراد حاضر در صحنه دانست. دلیل دیگر بر این مدعی این است که عده‌ای از مخالفین عضو چند سازمان و یا گروه مشخص هستند. تشریح زیر با گروههایی که در چپ طیف قرار دارند، آغاز شده به مخالفین «میانه‌روِ لیبرال» و محافظه‌کاران مذهبی راست می‌انجامد.

**گروههایی که ممکن است دارای روابط تروریستی باشند:**

در چپ‌ترین جناح طیف ایدئولوژیکی، گروههای انقلابی چپ گرایی، چون سازمان انقلابی حزب توده که در اروپا فعالیت نموده و در تهران نیز سازمانی یک پارچه را ایجاد کرده، قرار دارند. درباره این گروه اطلاعات چندانی نداریم، فقط می‌دانیم که یکی از اعضای آن در یک تیراندازی تروریستی در

www.takbook.com



دسامبر ۱۹۷۶ دستگیر گردیده است. دیگر گروههای مارکسیستی نیز در اروپا وجود دارند، ولی از نظر ما سازمانهایی کوچک بوده و نمی‌توانند تأثیر چندانی بر ایران داشته باشند. که نهضت آزادی ایران از آن منشعب گردیده است. جبهه آزادیبخش ملی به وسیلهٔ بنی صدر در سال ۱۹۶۴ در پاریس سازمان یافت. صادق قطب زاده که یکی از اعضای اصلی و رابطین این سازمان در پاریس به شمار می‌رود، مسئول مکاتبه با افرادی چند در ایران است. با وجود اینکه جبهه آزادیبخش ملی روابط تروریستی دارد، ولی تلاش می‌نموده است که خود را سازمانی حامی گروههای مخالف میانه‌رو راست مارکسیستی قلمداد کند، ولی این ادعا برای بسیاری قابل قبول نیست. ظاهراً جبهه آزادیبخش ملی گروههای یک پارچه و کوچکی را در تهران و چند شهر اروپایی و آمریکایی ایجاد کرده است. بنابه گزارشی مقر این سازمان در آمریکا در هوستون می‌باشد. رابط اصلی آن در تهران ممکن است احمد صدرحاج سیدجوادی باشد که قبلا بـه قضاوت مشغول بود و در چند برنامهٔ مخالفت منجمله، مکاتبه اخیرش با رئیس سازمان ملل ـ والدهایم ـ دست داشته است. بعضی از آیت‌الله‌ها با مجاهدین خلق (مبارزین مردم) در تماس هستند. لیکن تا آنجا که ما می‌دانیم اینها گروه خاصی را به این منظور تشکیل نمی‌دهند. در حال حاضر از نحوهٔ ایجاد این تماسها مطلع نیستیم ولی از طرف افرادی که با جناح مخالف سروکار داشته‌اند اشاراتی در این‌زمینه شده است. از طریق این آیت‌الله‌ها مخالفین مذهبی ضد چپ در رابطه با بعضی از بخشهای مجاهدین قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد که تیمهای دارای فعالیت تروریستی دور از دسترس این رابطین نگاهداشته می‌شوند. علاوه بر این، بازار که مرکز مهم طیف مخالف سیاسی در حال حاضر است از نهضت مخالفین / مذهبی حمایت بسیار به عمل می‌آورد. در حالی که تعدادی از مردم خود راکمونیست و یا حامیان حزب توده می‌دانند ولی حزب توده سازمانی غیر قانونی است و به صورت زیر زمینی کار می‌کند. سفارت معتقد است که رهبر این حزب همان عبدالعلی پرتوی علوی، استاد سابق دانشگاه و رئیس سابق سازمان جبهه توده و برادر بزرگ علوی رهبر این حزب در تهران، که اکنون در آلمان شرقی در تبعید بسر می‌برد، می‌باشد. دربارهٔ دیگر اعضای احتمالی این گروه اطلاعات کافی در دست نیست، ولی در دیگر دانشگاههای ایران شخصیتهای چپ در رابطه با آن قرار دارند و بنابه اعتقاد بسیاری از اساتید دانشگاهی، هم‌مسلکان این گروه نفوذ ایدئولوژیک و فکری بسیاری بردانشجویان دارند.

بازماندگان میانه روتر جبهه ملی پیشین

ماهیت متغیر هسته مرکزی نهضت مخالفین، شناخت دقیق آن را مشکل می‌سازد. با این وصف، عناصر اصلی زیرین را رؤیت کرده‌ایم که بسیاری از شخصیتهایشان در دو یا چند گروه عضویت دارند. اتحادیهٔ نیروهای جبهه ملی ایران که در نوامبر ۱۹۷۷ سازمان یافت افرادی چند از قبیل داریوش فروهر، دکتر کریم سنجابی، شاهپور بختیار و علی شایگان راگرد هم آورده است. تلاش این گروه در جهت بازگرداندن حکومت مشروطه واز بین رفتن «دیکتاتوری» شاه بوده است.

علی اصغر حاج سید جوادی را آنچنان که در نامه‌ای ۲۰۰ صفحه‌ای‌اش در آوریل ۱۹۷۷ به تحریر آورده است می‌پذیرند. سفارت سعی کرده است که یک نسخه از این نامه را به چنگ آورد... ولی تا کنون موفق نشده است، اتحادیه دارای گرایشهای چپ بوده و شامل بسیاری از پیروان جبهه ملی (دوره مـصدق) می‌باشد.

نهضت رادیکال ایران در سال ۱۹۷۵ به وسیله مهندس رحمت‌الله مقدم مـراغـه‌ای و چـند تـن از

www.takbook.com



دوستانش پایه گذاری شد. بنابه اعتقاد سفارت، محمد حسین ملکی و مهندس کاظم حسیبی از جمله اعضاء و یا رابطین این واحد خاص به شمار می‌آیند. نهضت رادیکال ایران سیاستی مشابه اتحادیهٔ نیروهای جبهه ملی دارد و خواستار لغو تنها حزب ایران، آزادی مطبوعات انتخابات جدید و آزاد و آزادی قوه قضائیه می‌باشد. تنها وجوه تمایز آن با اتحادیه نیروهای جبهه ملی همان نقطه نظرهای شخصیتهایی است که ۳۰ ـ ۲۵ سال قبل اظهار شده است. ظاهراً کمتر گرایش به چپ داشته (مانند «حزب رادیکال» در فرانسه) ولی گرایش کمی نسبت به آمریکائیها در آن به چشم می‌خورد.

حزب زحمتکشان به وسیله دکتر مظفر بقایی رهبری می‌گردد. این حزب ابتکار شخص دکتر است که خود سالها نویسنده‌ای سر سخت بوده و زمانی به حمایت از دکتر مصدق پرداخت، ولی بعدها در سال ۱۹۵۳ از نخست وزیر جدا شد.

اعضای برجستهٔ دیگری نیز در این گروه وجود دارند، که بسیاری از آنها از جمله اعضای کانون نویسندگان ایران فراری هستند، که سعی در تجدید سازمان خود دارند: هدایت‌الله متین‌دفتری که قاضی اهل تهران و نوهٔ بزرگ مصدق است؛ علی امینی، نخست وزیر آزادیخواه سابق و حامی نزدیک بسیاری از گروههای مخالف؛ فریدون آدمیت سفیر پیشین ایران در هلند و هند ؛ مقدم مراغه‌ای از حزب رادیکال (بالا) ؛ و مهندس مهدی بازرگان اولین رئیس شرکت ملی نفت ایران و مخالف دیرین شاه از این جمله می‌باشند. در بسیاری از راهپیماییها، بازرگان مهارت خود را در سخنوری نشان داده است و خواستار حکومت مشروطه، آزادی وسیع مطبوعات، استقلال کامل قوه قضائیه و انتخابات کاملاً جدید و آزاد مجلس می‌باشد.

بسیاری از این افراد و گروهها خود را در یک جبهه ملی جدید با هیئت مدیره‌ای هفت نفره که مرکب از مهندس مقدم مراغه‌ای، مهندس بازرگان، کریم سنجابی، دکتر کاظم سامی، آیت‌الله حاج سید ابوالفضل موسوی زنجانی و آقای صمغ آبادی است، سازمان داده‌اند. این گروه با کمیته حقوق بشر تازه تأسیس یافته که در ژانویه ۱۹۷۸ تشکیل شده بود همکاری داشته و در حقیقت دارای عضویت مشترک هستند.

با گروه دکتر فروهر نیز همگامی دارد، ولی علیرغم حضور شخصیتهای مذهبی در جبهه ملی جدید بنظر نمی‌رسد که هماهنگی بسیاری با متعصبین و محافظه‌کاران مذهبی داشته باشد.

علاوه بر این مخالفین دیرینه، چند شخصیت دیگر نیز اهمیتی کسب کرده‌اند که می‌توان گفت یا به خاطر وقایعی بوده است که در آن درگیر بوده‌اند و یا به خاطر روابط خارجیشان است. مهمترین افراد این گروه عبارتند از غلامحسین ساعدی نویسنده‌ای که توجه ناشرین آمریکایی را به خود جلب نموده است ؛ دکتر هما ناطق استاد تاریخ دانشگاه تهران (و عضو کانون نویسندگان) ؛ و علی اصغر مسعودی، افسر پیشین ارتش و مشاور سابق زندانیان سیاسی در دادگاههای نظامی. بسیاری از این مخالفین میانه‌رو از خشونت اجتناب ورزیده، معتقدند که آمریکا می‌تواند شاه را وادار به برآوردن خواستهای «آزادیخواهانه» آنها سازد. همین اتکای آنها به نقش آمریکاست که آنان را وادار به تقاضای توقف فعالیتهای تروریستی از طریق واسطه‌هایشان از گروههای تروریستی کرده است. لیکن اگر اکثر آنها متوجه شوند که آمریکا نمی‌تواند شاه را وادار به کنار آمدن با آنها بکند، تبدیل به نیروی بسیار خطرناک خواهند شد. در حالی که می‌دانیم که دولت ایران از تلاشهای آمریکا در این زمینه حساسیت نشان می‌دهد، ولی تا کنون از طرف دولت نسبت به تمایل سفارت با این گونه افراد، یا افراد نزدیک به آنها، و یا دیگر حامیان

www.takbook.com



جناح مخالف عکس‌العمل شدیدی مشاهده نگشته است. البته اگر دولت از این عمل احساس خطر کند و یا نسبت به پشتیبانی اساسی دولت آمریکا مشکوک شود، می‌توان احتمال داد که وضع تغییر خواهد کرد.

گروههای دارای تمایلات مذهبی در دو هفته گذشته بخصوص به دنبال وقایع قم (عطف به قسمت ب). نقطه نظرهای جناح مخالف مذهبی نیز روشن‌تر شده است. آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری نیز به خصوص بعد از مصاحبه‌اش با سه روزنامه نگار خارجی به عنوان سخنگوی این گروه شناخته شده است (تهران ۹۶۱) حامی پشت صحنه این آیت‌الله‌های مترقی و رابط گروه مذهبی تهران دکتر ناصر میناچی است که وکیل دادگستری بوده و نیز سمت رئیس هیئت مدیره حسینیه ارشاد را که یک مرکز مذهبی بود و در کنار مسجد جامع جاده شمیران واقع است، داشته است. این مرکز ۵ سال قبل به علت ایراد سخنرانیهایی علیه حکومت تعطیل گردید. در چند ماه گذشته دولت ایران اجازه باز شدن آن را مخفیانه داد و به نظر می‌رسد که محل تجمع و ابراز نظرات مذهبیونی خواهد شد که تا حدی تند نیستند. یک آیت‌الله دیگر بنام حاج سید ابوالفضل موسوی زنجانی نیز در رابطه با مخالفین میانه‌روتر یاد شده در بخش آخر شناخته شده است.

ظاهراً چند گروه مذهبی وجود دارند که در اطراف آیت‌الله شریعتمداری گرد آمده‌اند. اکثر آنها آیت‌الله خمینی را که در سال ۱۹۶۳ به عراق تبعید شده بود، رهبر واقعی شیعیان می‌دانند. شاگرد اصلی خمینی آیت‌الله محمود طالقانی است، یکی دیگر از اینها که یار نزدیک طالقانی است، حسین‌علی منتظری می‌باشد که او نیز مدتها در زندان به سر برده است. بنا به تحقیق سفارت تعدادی بالغ بر ده نفر از این آیت‌الله‌ها و ملاها در پاییز ۱۹۷۷ به علت بیانات ضد حکومتی یا به زندان افکنده شدند و یا به تبعید محکوم گردیدند. بنا به اظهارات یکی از منابع مطلع، بعضی از رهبران مذهبی به همین دلیل حرکت آنها را ارتجاعی خوانده و پذیرش آنها توسط دولت ایران را به همین دلیل می‌دانند.

واقعه قم باعث شده است که شخصیتهای مذهبی به شرایط سازمانی خود بیشتر دقیق شوند ساخت پراکنده و همه‌گیر مذهبی ایران را شاید بتوان تنها منطقه مناسب برای فعالیت یک گروه مخالف در یک شبکه سرتاسری مملکت دانست. به خاطر تلاشهای پیگیر ساواک به خاطر اینکه (ما معتقدیم) رهبران مذهبی دائماً نتیجه برخوردشان را با دولت ناخوشایند تلقی کرده‌اند، احساسات ضد دولتی هنوز چندان آشکار و رایج نشده است. هنوز حقایقی در دست نیست، ولی نشانه‌هایی در دست است مبنی بر اینکه مخالفین میانه رو و رهبران مذهبی مترقی قرار است برای انجام یک تظاهرات مشابه آنهایی که منجر به برخورد با دولت ایران در سال ۱۹۶۳ گردیده بودند متحد شوند. شرایط از اهمیت خاصی برخوردار است... زیرا اگر وقایعی در رابطه با جامعهٔ مذهبی چون آتش گشودن بر روی راهپیمایان، اتفاق بیافتد، علائق مذهبی، نیروی انسانی عظیمی را برای انجام تظاهرات فراهم خواهد نمود.

گردآوری منابع صحیح درباره عقاید مذهبی و سیاسی، کاری است بسیار دشوار. شخصیتهای مترقی به گونه‌ای که نشان دهندهٔ حمایتشان از یک دولت غیر مذهبی است سخن می‌گویند. آنها «حقوق بشر» را می‌پذیرند، و خواهان اصلاحات ارضی و در عمل خواستار جدایی سیاست از مذهب هستند. ولی اصول پایه شیعه همیشه تأکید بر اهمیت مذهب در زندگی دارد و در ایران، تشیع همیشه با ناسیونالیزم ایرانی در رابطهٔ نزدیک بوده است. کسانی که با اصول تشیع آشنا هستند، معتقدند که ملاهای شیعی نمی‌توانند حامی اصول پیشرفته باشند. این موضوع از یک طرف متشکل از افراد عادی و روحانی هستند و خواستار

www.takbook.com



جدایی سیاست از مذهب و خواهان ارجاع مطالبی نظیر حجاب به وجدان افراد هستند و آنهایی که مصرانه کاربرد اصول واقعی تشیع را بر تمام جنبه‌های زندگی بشری خواستارند. جناح اخیر با عقاید طبقه متوسط نو ظهور ایرانی منافاتی نداشته و می‌تواند حمایت بسیاری از مذهبیون مخالف مذهبی که بر اصول تشیع تکیه دارد، احتمالاً بسیاری از روشنفکران میانه‌رو را به اتحاد نامیمون با دولت وادار خواهد نمود.

## گروههای مرکب

این نامهٔ هوایی نتوانسته است به گروههایی که عملاً در رابطه با فعالیتهای تروریستی بوده‌اند چون مجاهدین خلق و چریکهای فدایی خلق، بپردازد. تاکنون نتوانسته‌ایم نشانه‌ای از رابطه بین تیمهای فعال هر یک از این گروهها و مخالفین میانه‌روتر به دست آوریم که خود ممکن است به دلیل اعمال روشهای امنیتی بوده باشد. به نظر می‌رسد (حتماً نیست) مخالفین میانه‌رو از این گروههای تروریستی خواسته‌اند که به فعالیتهای خشونت بار خود خاتمه دهند تا ببینند که آیا دولت کارتر می‌تواند بر شاه و یا دولت ایران اعمال نفوذ نماید یا خیر.

در سال گذشته وقایع خشونت‌آمیز بسیاری رخ داده است که چند تای آنها در رابطه با دیدار کارتر از ایران در ۳۱ دسامبر و اول ژانویه می‌باشد و حاکی از عدم انضباط گروهها و یا جدی نبودن اخطار است. ولی می‌توان پذیرفت که یک هماهنگی نسبی بین شخصیتهای مخالف متعدد و نهضت تروریستی وجود دارد. گاهی میانه‌روها بر افراطیون اعمال فشار می‌نمایند؛ و ممکن است که افراطیون برای تحریک (یا حداقل چشم‌پوشی) خشونت بیشتر بر میانه‌روها اعمال نفوذ نمایند.

## عکس‌العمل دولت ایران

دولت ایران بعضی از اجتماعات عمومی را تاکنون مجاز دانسته است، اگر چه بعضی از آنها را در نوامبر و دسامبر ۱۹۷۷ بشدت سرکوب کرده است. به ناراضیان اجازه داده شده است که مقالاتی منتشر سازند، ولی اکثر آنها به طور پراکنده (یا با حالتی منفی) در مطبوعات درج گردیده‌است. نشانه‌هایی مبنی بر قصد دولت ایران برای بسیج گروهها و افراد از طریق حزب رستاخیز جهت انجام تظاهراتی به حمایت از برنامه‌های دولتی علیه فعالیتهای مخالفین ارتجاعی وجود دارد. چنین تظاهراتی در ۲۲ نوامبر ۱۹۷۷ به وقوع پیوست و اوج آن در ۲۶ ژانویه بود که به طرفداری از انقلاب شاه و ملت انجام گرفت.

ولی دولت هنوز درباره این ادعای مخالفین که ایران از مشروطیت منحرف گشته، کاری انجام نداده است. بلکه معتقد است که سلطنت، قانون اساسی و انقلاب شاه و ملت عناصر اصلی توافق میان بخشهای مختلف ملت ایران است. دولت ایران هنوز خط متمایز کننده‌ای بین دولت به عنوان یک نیروی مترقی و همه مخالفین به عنوان ارتجاعی رسم نکرده است، ولی بیانات سخنگویان راهپیماییهای طرفدار حکومت حاکی از همین مطلب می‌باشد. بر مخالفین دولت ایران اکثراً برچسب استعمار مجدد زده می‌شود (با در نظر گرفتن مفهوم تاریخی وسیعتر) تا بگویند که مداخلهٔ روسیه و بریتانیا در امور ایران از طریق چنان مخالفتهایی تجدید خواهد گردید. با پوشاندن حکومت ۴۰ سالهٔ شاه در لوای میهن پرستی، سخنگویان سعی دارند، پرداختن دولت به اموری فراتر از حزب یا انقلاب شاه و مردم را به طور کلی نشانه‌ای از وطن پرستی بشناسانند.

www.takbook.com



بعضی از مقامات دولت ایران و حزب رستاخیز معتقد هستند که سرانجام بعضی از مخالفین در رابطه با حزب رستاخیز به فعالیت خواهند پرداخت. ولی در حال حاضر این موضوع رؤیایی بیش نیست.

آنهایی که احتمالاً این رویه را در پیش خواهند گرفت مخالفین سرسختی که در بالا از آنها یاد شده نمی‌توانند باشند بلکه از جمله کسانی خواهند بود که در نظام سیاسی ایران هیچ گونه شرکت فعالانه‌ای نداشته‌اند ؛ یعنی طبقهٔ متوسط نو ظهور ایرانی. یقیناً می‌توان گفت که مبارزهٔ ماهها و سالهای آینده بین دولت ایران و مخالفین در جهت به تبعیت در آوردن اکثریت عظیم ایرانیانی است که در زمرهٔ گروههای مروزی شده قرار می‌گیرند. اگر دولت بتواند با این گروه متحد شده خود را تقویت کند می‌توان گفت که مخالفین وجههٔ چندانی را در صحنهٔ ملی به دست نخواهند آورد. بر عکس اگر مخالفین بتوانند به بسیاری از افراد واقع در این طبقهٔ اجتماعی بپیوندند، راه برای یک تجزیه شدید مشابه آنچه که در سال ۱۹۶۳ اتفاق افتاد بخصوص با نیروی اختناق جنون‌آمیز داخلی مشابه، هموار خواهد گشت.

## امکان افزایش احساسات ضد آمریکایی

تا سال ۱۹۷۷ فعالیت فزایندهٔ مخالفین منجر به پیدایش احساسات ضد آمریکایی شدید نشده بود. ولی از دسامبر به این طرف، اعلامیه‌هایی چه از طرف مارکسیستهای چپ و چه از طرف مذهب‌گرایان راست طیف، به وضوح و آشکارا احساسات و بیانات ضد آمریکایی را به همراه داشته است و بر میزان این گونه اعلامیه‌ها نیز در ماه گذشته افزوده شده است. با وجود تداخل آمریکا در همهٔ سطوح ایـران و اصطکاک ناشی از تماس دو فرهنگ، حدود و میزان خودداری از ابراز احساسات ضد آمریکایی به این نحو آشکار بسیار عجیب به نظر می‌رسد. یکی از دلایل اساسی توافق مخالفین بر این مسئله است که (گر چه علت آن را نمی‌دانیم) که دولت آمریکا با نفوذ عمده و قدرت خود در ایران قادر است شاه را وادار به بازسازی نظام سیاسی بنماید. به همین علت مخالفین نارضایتی خود را از آنچه که به نظر «حمایت» آمریکا از شاه است کمتر اعلام کرده، از مخالفین مذهبی نیز خواسته‌اند احساسات ضد خارجی خود را کمتر بروز دهند.

اگر عناصر مخالف همان طور که بسیاری از افراطیون تاکنون فهمیده‌اند. فکر کـنند کـه آمـریکا نمی‌خواهد و یا نمی‌تواند به عنوان واسطه‌ای برای ورود مخالفین به نظام سیاسی عمل کند، احساسات ضد آمریکایی خفته می‌تواند به صورت آشکار و فزاینده‌ای تجلی یابد. سفارت درباره این پدیده در متون دیگر به اظهار نظر بیشتر خواهد پرداخت.

www.takbook.com



**سند شماره (۹)**

**از : سفارت آمریکا در تهران تاریخ : ۳ فوریهٔ ۱۹۷۸ـ۱۴ بهمن ۱۳۵۶**

**به : وزیر خارجه، واشنگتن، دی ـ سی. دارای حق تقدم ۳۶۵۹**

**طبقه بندی : محرمانه**

**تهیه کنندهٔ گزارش : لمبراکیس تهران ۱۶۹۱/۱**

**موضوع : ایران، بررسی نهضت تشیع (مسلمانان شیعی مذهب)**

۱ـ (محرمانه ـ تمام متن)

۲ـخلاصه: گر چه اطلاعات موجود در این زمینه کافی نیست، ولی آنچه که می‌توان تا این تاریخ گفت این است که نهضت شیعی مذهبها به رهبری آیت‌الله خمینی از سازمان‌یافتگی بهتری برخوردار است و برخلاف آنچه که دشمنان این نهضت بیان می‌دارند، اینان با داشتن زمینهٔ فکری خاص قادر به مقاومت در برابر کمونیسم هستند. این امر در افکار مردم ایران ریشه‌ای عمیقتر از ایدئولوژیهای غربی و حتی کمونیسم دارد. لکن رویه‌های حاکم جایی برای فشارهای روشنفکرانهٔ ضد روحانیت که در صف مخالف وجود دارد ایجاد کند. که بیش از آنچه به نظر می‌رسد منجر به چیزی شبیه به جریانات دمکراتیک غربی شود.

۳ـهمان طور که وزارت امور خارجه و دیگر مخاطبین آگاهند، مدتهاست در تلاش هستیم تا وسعت و عمق این نهضت نوظهور شیعی ـ اسلامی ایران را درک کنیم تا بتوانیم در تحلیلها و اتخاذ روشهایمان در آینده استفاده نمائیم. ولی مطالعات ما هنوز به مرحله نتیجه‌گیری و پایانی نرسیده است. اما خالی از فایده نیست اگر بتوانیم درباره این انقلاب در حال پیشرفت در ایران، در این مرحلهٔ بحرانی قضاوتی آزمایشی بکنیم.

۴ـابتدا توانسته‌ایم تا این تاریخ مدارک کافی گردآوریم که منطقاً مطمئن باشیم که نهضت اسلامی در رأس انقلاب ایران قرار گرفته و رهبر فردی و سمبلیک آن آیت‌الله خمینی و سازمانهای مرتبطی که از او حمایت می‌کنند، می‌باشد. سخنگویان حکومت ایران مدتهاست که پیروان خمینی را کمونیست یا چپ‌گرایانی از تیرهٔ مارکسیستها می‌خوانده‌اند. دیگر ایرانیان مطلع از قبیل روزنامه نگاران، تجار و کارمندان دولتی نیز در این باره هم عقیده‌اند. اینان ادعا می‌کنند که از سالها قبل جوانان کمونیست در مدارس مذهبی رخنه کرده و امروز به صورت ملاها و دیگر سازمان‌دهندگان نهضت اسلامی عمل می‌کنند و دلیل این ادعای ایشان نیز این است که مذهبی‌های ایران به خصوص و مردم ایران به طور کلی از تشکیلات و سازماندهی سر در نیاورده و نمی‌توانند یک چنین نهضتی را انسجام بخشند. مگر اینکه تنها گروه سازمان یافته در ایران یعنی حزب توده آنان را در این راه یاری داده باشد.

۵ـاین مخالفان به نظر می‌رسد که در نادیده گرفتن نهضت اسلامی در بعضی موارد بیش از ناظران غربی تلاش می‌کنند. در زمان دو شاه پهلوی، غربگرایی مشروعیت و مقامی کسب کرده بود و توانسته بود خاطرات گذشتهٔ اسلامی را از اذهان بسیاری از افرادی که به مدارس غربی شده می‌رفتند و یا تحصیلات عالیهٔ خود را در خارج از کشور می‌گذرانیدند، عملاً بزداید. پس از کمال آتاتورک در ترکیه و بعد از جنگ جهانی دوم، شاهان پهلوی دائم در تلاش بودند که نهادهای اسلامی را به عنوان بقایای ارتجاعی گذشته‌ای که دیگر مناسب زمان حال نبوده مطرود است به مردم بشناسانند. برای اینکه این پیشگوییشان باور مردم شود، در این زمینه و جهت گامهایی نیز برداشتند. مثلاً حکومت سعی می‌کرد که از کمکهای مالی مستقیم

www.takbook.com



مردم به ملاها جلوگیری کرده و آنان را متکی به مستمریهای دولتی نماید. به وسیلهٔ دورکردن و جداسازی ملاها تا حد امکان از انظار عموم، به تمسخر گرفتنشان، به بند کشیدن بسیاری از رهبرانشان در زندانهای ساواک، و اصرار بر این که ایران باید آینده‌ای غیر مذهبی داشته باشد، شاهان ایران سعی داشتند که ایران را به اجبار از طریق یک مرحلهٔ غربی شدن که شامل جدایی حکومت از مذهب باشد که در اروپا طی طریقی چند صد ساله داشت، بگذارنند

۶ـ معذالک، بر همه روشن است که اسلام عمیقاً در زندگی اکثریت وسیعی از مردم ایران ریشه دارد و به صورت تشیع، قرنها است که ناسیونالیسم ایرانی نام گرفته، قبل از آنکه حتی پای ناسیونالیسم امروزی به شرق رسیده باشد. خاندان پهلوی سعی داشت ناسیونالیسمی امروزی‌تر بر اساس بازگشت به سنتها، افسانه‌ها و عظمت قبل از اسلام را جانشین این ناسیونالیسم کهنسال نماید. البته اگر این تلاش به مدت چند دهه یا چند قرن بی رقیب می‌ماند، حتماً موفق می‌شد. این موفقیت نیز تنها از طریق ایجاد نهادهایی که بتوانند در میان مردم ریشه دوانده و به رقابت با اصول تشیع اسلامی برخیزند به وجود می‌آمد.

۷ـ ولی خاندان سلطنتی پهلوی رفرمیست از همان اوان با مقاومت یک ایدئولوژی غربی دیگر یعنی کمونیسم نیز روبرو شدند. پارلمان نوپا و دیگر نهادهای حکومتی در اواخر سالهای ۱۹۴۰ و اوائل دههٔ ۱۹۵۰ تقریباً تحت تأثیر غربی‌سازی به روش کمونیسم قرار گرفتند. مبارزهٔ توأم با موفقیت شاه فعلی علیه آن مقاومت و مجذوب شدن وی در ایجاد ایرانی مدرن، غیر مذهبی و صنعتی او را در مورد مقاومت دیر پای اسلام و تأثیر آن بر مردم کور کرده بود. در حالیکه تمام تلاشهای او شخصاً متوجه تأسیس یک ایدئولوژی ایرانی بر اساس ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایرانی «و رسیدن به تمدن بزرگ» شده بود و به نظر می‌رسید که کمی هم پیشرفت کرده باشد، ولی امروز به وضوح می‌توان دریافت که تمام این اعمال باعث عمیق شدن تنفر مسلمانان شیعه و گسترش مخالفت طبقات مختلف مردم نسبت به رژیم گشته بود. امروزه حتی فارسی سخن گفتن شاه نیز به مسخره گرفته می‌شود.

چون شاه هنگام کاربرد کلمات فارسی دچار اشتباه می‌شود و این نیز در نظر مردم دلیلی دیگر می‌شود، برای اینکه بگویند که او عامل و حافظ منافع خارجیها است، نه مردم.

۸ـ از نظر تاریخی، علمای اسلامی پیدایش تشیع را به مقاومت در برابر حکام در چند مرحلهٔ زمانی نسبت می‌دهند. تشیع ابتدا نشانهٔ مقاومت پارسیها علیه مهاجمین عرب و مغول بود و به تدریج تشیع ایرانی جدا گردیده و قسمت اعظم آن بعد از آنکه حکام صفوی تشیع را مذهب رسمی دربار خواندند مخفی شد و به کارهای «زیرزمینی» اشتغال ورزید. بنابه گفتهٔ دانشمندان ایرانی این حکام نیرومند پارسی بعداً تشیع را به صورت نوعی تسنن در آوردند. یعنی از بعضی از نهادهای شیعی درخواست پیروی از شاه را نمودند. به عبارت دیگر قرار بر این شد که در غیاب امام دوازدهم شاه تصمیمات عرفی و غیر روحانی را اتخاذ نماید. همزمان با این نیروی رسمی (صفوی) نیروی مقاوم غیر رسمی دیگری (علوی) به وجود آمد که متکی بر اصل اختفای تشیع کهن بود و اعلام مخالفت و نبرد علیه حکام ظالم و فاسد را نمود.

۹ـ نشانهٔ بارز وجودی این دو نیرو را در ایجاد دو نوع مسجد و مقبره در بسیاری از شهرهای ایران، به خصوص از زمان فتحعلیشاه قاجار، یعنی آنها که توسط شاه ساخته و حمایت می‌شدند و آنها که مردم می‌ساختند و در آنها برای انجام فرایض دینی حاضر می‌شدند، می‌توان مشاهده کرد. ائمه جمعه‌ای که توسط شاه برگزیده می‌شدند، تا بر مساجد شاه نظارت داشته باشند، مورد بی احترامی مؤمنینی واقع

www.takbook.com



می‌شدند که خود به دنبال ملا و مجتهد خود می‌رفتند و از آنها پیروی کرده و زکوة خود را نیز تنها به آنها می‌پرداختند. همین مقاومت «علوی» مخفیانه سرانجام در قرن ۱۹ به صورت نهضت تنباکو که نمایانگر مخالفت شدید مردم تحت رهبری روحانیت علیه اعطای امتیاز تنباکو که توسط شاه وقت به انگلیس بود، به صورت عصیانی آشکار پا به عرصه گذاشت و عامل اصلی نهضتی بود که در ابتدای قرن منجر به وضع قانون اساسی در سالهای ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ گردید. با وجود اینکه شاهان پهلوی سعی داشتند از آن یک عامل غیر فعال بسازند، ولی تشیع علوی قلب انقلاب امروزی است.

۱۰ـ در ایران امروز به دنبال سازمانهای سیاسی بودن کاری است بیهوده. دموکراسی پارلمانی مدرن در مدت کوتاهی که در ایران عرضه شد، موقعیت چندانی را در این جهت به دست نیاورد و باید اضافه کرد که تنها حزب سیاسی نسبتاً موفق در گذشته این کشور حزب کمونیست یا حزب توده بوده است و بس. اشخاص مهم و نیرومند از قبیل ملاها در پارلمان، نمایندگانی که حافظ منافع شخصی آنها باشند نیز داشتند. که گاهگاهی با یکدیگر پیمانهای موقتی می‌بندند، ولی کارهای با ارزشی در جهت توسعه و پیشبرد حکومت دمکراتیک به مفهوم غربی انجام نداده‌اند. مصدق تنها نخست وزیری که توانست میزان قابل توجهی قدرت به دست آورد و رقیبی برای شاه شناخته شود نیز شخصاً بصورت خود مختار عمل می‌کرد. وی یک خاطره و میراث سیاسی در ایران به جای گذاشت، ولی سازمان سیاسی و یا نویدی برای شکل گرفتن این حرکت در آینده به چشم نمی‌خورد. خلاصه اینکه، برای حکومت بر ایران نیرویی تمرکز یافته که مسلط بر مردم نیز باشد همواره برای حکمروایی در ایران ضرورت داشته است.

۱۱ـ نهاد اسلامی از طریق بسیاری از وسایل آموزشی و سوادآموزی که قسمت اعظم جمعیت ایران را در طول چهار، پنج دهۀ گذشته تغییر داده، تجدید قوا نموده است. رهبران مسلمان می‌توانند بسیاری از جوانان مسلمان تحصیلکرده را که ذفن تبلیغ و سازماندهی را در دانشگاههای اروپایی و آمـریکایی فراگرفته‌اند، به سوی خود فراخوانند. حرکت اسلامی که در ابتدا مورد حملۀ کمونیسم قرار گرفته بود در طول دو یا سه دهۀ گذشته تا آنجا پیش رفت که می‌توان گفت در برابر این ایدئولوژی غربی مصونیت یافته است و در همان حال سعی بر آن داشته تا بسیاری از فرایض خود را به صورت امروزی‌تر و مناسب جهان حال امروزی در آورده، نقش تشیع را در حکومت ایران مشخص سازد.

۱۲ـ بنابه توضیحات رسیده از طرف دانشمندان اینجا، مروجین شیعی اسلامی، نه تنها بر ارزشهای تغییرناپذیر قرآن و سنت (گفتار و کردار پیغمبر) پافشاری می‌کنند، بلکه معتقدند که باید تعبیر و تفسیری نو از آنها داده شود که مطابق تغییرات زمانی نیز باشد.

آن دسته از اصول اسلامی که به نظر می‌رسد در این زمینه پویایی داشته باشند، عبارتند از «اجتهاد» یا تعبیر و تفسیر فلسفی حقایق جاودانی و «اجماع» یا توافق عام یعنی اینکه بعضی از تعبیر و تفسیرهای جدید از طریق توافق رهبران مذهبی قانونی شناخته شده و می‌توانند به صورت قانون در آیند. به این ترتیب می‌توان گفت که نتیجۀ تسلط نظام روحانی به مردم ایران حداقل تا حدی مدرن‌ساز است و از منابع مالی خود نیز تغذیه می‌گردد و می‌تواند کانالهای ارتباطی مخصوص به خودش را نیز بین مؤمنین برقرار سازد .دیگر شکی نیست که گروهی از تجار بازار حمایت خویش را از رهبر مذهبی به وسیلۀ پرداخت هزینه‌های مکرر و متوالی اعلام می‌دارند. هر هفته میلیونها دلار میان آیت‌الله‌ها دست به دست می‌گردد. این منابع صرف بسیاری از کارهای شایسته و حمایت از نهضت می‌شود.

www.takbook.com



۱۳ـ نمونه‌ای از سازمانهای مربوطه یک نظام مدرسه مذهبی است که ۳۲ سال قبل توسط یک آیت‌الله که هنوز هم زنده است پایه گذاری گردید و رفته رفته تبدیل به ۱۵۰۰ مدرسه از این نوع در سراسر ایران گردید. از نظر مادی این گونه مدارس کاملاً به وسیله بازاریان حمایت می‌شود. دانش آموزانی که از خانواده‌های مهم مذهبی، بازاری و غیره هستند، در این گونه مدارس نه تنها دروسی که در مدارس دولتی تدریس می‌شود، بلکه دروس ممنوع اعلام شده از طرف دولت را نیز فرا می‌گیرند. تلاش دولت نیز باری تصرف این مدارس آخرین بار توسط مقاومت شدید مذهبیون و بازاریان کاملاً درهم شکست. اساتید دانشگاهی و افراد تحصیلکردهٔ بسیاری داوطلبانه در اینگونه مدارس خدمت می‌کنند تا دانش‌آموزان علم و دانش کافی برای راه یافتن به دانشگاه کسب کنند. کتابها و کتابچه‌های بسیاری را که برای استفاده در این گونه مدارس تولید شده بارها دیده‌ایم که خود نشان دهنده پیشرفت این سازمان در جامعهٔ مسلمان ایران است.

۱۴ـ برای اثبات این ادعا که شبه نظامیان مذهبی همان کمونیستهای لباس عوض کرده هستند، دلیل کافی در دست نیست، ولی می‌توان گفت که شاید کمونیستها در رده‌های پایینی اردوی خمینی رخنه کرده باشند. نهضت اسلامی آن طور که حکومت شاه و دیگر ناظرین غربی اعلام می‌کنند، نه ضعیف است و نه کور. تسلط آن بر احساس مردم و پول بازاریان بسیار قویتر از هر گروه دیگر است. از بسیاری از جهات ایران اصلاح یافته و سنت گرایی را که اسلام نوید می‌دهد، ایرانیان جالب‌تر و جاذب‌تر از نمونه‌های روسی و چپی می‌یابند.

۱۵ـ از طرف دیگر هیچ گونه تضمینی وجود ندارد که عملکرد (حکومت اسلامی ـ مترجم) بر اساس دموکراسی پارلمانی به مفهوم ما غربیها باشد. در حقیقت عقیدهٔ «تقوی سالاری» در روش آن به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد که قدرت نیز در اختیار جمع باشد (همچنان که از اجماع بر می‌آید) تا اینکه دست فرد. یعنی حتی امام خمینی نیز نمی‌تواند خود در دست‌گیرندهٔ قدرت باشد. بسیاری از اختیارات به وسیلهٔ یک شورای اسلامی اعمال خواهد شد، ولی از ساخت آن هیچ گونه اطلاعی در دست نیست. رهبران سیاسی احتمالاً بیش از ملاها در برنامه‌های انقلاب تعیین خط مشی کرده و در اجرای آنها نقش خواهند داشت. به قولی پیشنهاد شده است که متخصص باید مورد قضاوت و داوری رهبران مذهبی قرار گیرد، تا بتواند تخصص خود را در بخشهای مختلفه اقتصادی به کار بندد. بنابراین با یک نظر اجمالی چنین فهمیده می‌شود که مفهوم احزاب سیاسی در پارلمان غربی برداشته شده و جای آن را چند گروه گرفته است که از طریق تصمیم‌گیری غیر رسمی و سنتی به توافق عمومی دست می‌یابند.

۱۶ـ تمام آنچه متذکر شدیم در حال حاضر مبهم است و احتمال می‌دهیم که نهضت اسلامی نتواند به طور کلی در تشکیل حکومت خود از بسیاری از عقاید غربی که در بین جناحهای مخالف نیز جریان دارد دوری ورزد. برای اثبات این موضوع نیز زمانی طولانی‌تر لازم است و در زمانی کوتاه نمی‌توان چنین نتیجه‌ای گرفت. در همان حال می‌توان انتظار داشت که یک نهضت از مرز انقلابی گذشتهٔ تشیع اسلامی بتواند مورد حمایت بسیار مردم قرار گیرد. و احتمالاً بنای مخالفت را با کمونیسم به عنوان یک واردات خارجی و با بسیاری از جنبه‌های غربگرایی، با تمام قوا بگذارد.

سولیوان

www.takbook.com



**سند شماره (۱۰)**

**تاریخ : ۵ فوریه ۱۹۷۸ ۱۶ ـ بهمن ۱۳۵۶**

**آقای : ویکتور تامست (مایکل مترینکو، دیویدمک گافی)**

**کنسولگری آمریکا ـ شیراز (اصفهان، تبریز)**

**طبقه بندی : سری ـ غیر قابل رؤیت برای خارجیها**

**ویکتور (مایکل، دیوید) عزیز:**

ضمیمهٔ این نامه راهنماییهایی جهت گزارش اقتصادی و سیاسی از حوزهٔ مأموریت شما در سال آینده است. طبیعتاً ما نمی‌خواهیم شما را که در متن اوضاع محل هستید در تهیهٔ گزارش از محل مأموریت خود محدود کنیم. ما میل داریم این خطوط راهنما را به منظور آگاه کردن شما از عناوین و موضوعاتی که ما در تهران فکر می‌کنیم اهمیت بیشتری را داراست و آنها را که اطلاعات بیشتری را در موردشان می‌خواهیم به شما بدهیم. در مجموع من فکر می‌کنم گزارشات از آن ناحیهٔ ایران عالی بوده است اما این احساس را هم دارم که می‌تواند بهتر شود و یا شاید گزارشات دقیقتر توضیح داده شود. همچنین میل دارم نظرات شما را در مورد ضمیمهٔ این نامه بدانم که آیا با قسمتی از آن مخالفت شدید دارید یا نه؟

من همچنین درک می‌کنم که این ضمیمه خیلی جامع است و ما نمی‌توانیم همه چیز را فوراً انتظار داشته باشیم. معهذا امیدوارم که سودمند باشد.

همان طور که همهٔ شما درخواست کرده‌اید ما ملاقاتهای بیشتری بین کارمندان عالی خواهیم داشت و با امیدواری باید گفت که ملاقات بعدی اواخر مارس یا اوائل آوریل باشد. موضوعات اولیه مسایل کنسولی و اداری خواهد بود و همچنین می‌توانیم در مورد راهنمای گزارش نویسی سیاسی ـ اقتصادی دقیقتر بحث کنیم.

با بهترین آرزوها

جک سی ـ میکلوس

این نامه برای: مایکل مترینکو، ویکتور تامست و دیوید مک گافی، کنسولهای آمریکا در تبریز، شیراز و اصفهان فرستاده شده است.

www.takbook.com



**سری ـ غیر قابل رؤیت برای اتباع خارجی**
**نکات راهنمای گزارش نویسی سیاسی ـ اقتصادی برای اصفهان**
**سیاسی**

اصفهان به چند دلیل مورد خاصی محسوب می‌شود؛ اما در رابطه با گزارش‌نویسی، دلیل اصلی این است که از آغاز بازگشایی کنسولگری در سال ۱۹۷۵ تعداد گزارشات جامعی که از آنجا فرستاده شده است زیاد نبوده است. دلایلی برای آن وجود داشت. اما اینک در رابطه با اطلاعات عمومی زمینهٔ کار، ما نیازمند دو تحلیل طولانی‌تر می‌باشیم که ساخت اساسی قدرت در شهر و استان و وضع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را نشان دهد. در عین حالی که در ایران تصمیمات عمده در مرکز اتخاذ می‌شوند. این امر در حوزهٔ اقتصادی و حتی سیاست عدم تمرکز و تشکیلات حزبی مصداق کمتری دارد. اصفهان و دیگر کنسولگریها نمودارهای خوبی فراهم می‌آورند تا با استفاده از آنها پیشرفت یا عدم پیشرفت کار تهران و ادعای (حزب) رستاخیزیان معلوم گردد. به ما گفته شده آموزگار قصد دارد به کار حزبی اصرار بیشتری ورزد و می‌خواهد کار گروهی بر مبنای علاقه و فعالیت در زمینهٔ تخصیص منابع ـ حداقل گردآوری در امور اولویت دار ـ را در مجامع حزب تشویق نماید. دریافت نظرات شما در این مورد، تا نوروز حداقل به شکلی مقدماتی سودمند خواهد بود. مشابه آن، سیاست عدم تمرکز لااقل در حرف مورد توجه قرار گرفته است. عکس‌العمل «زاد» فرماندار آنجا نسبت به این تلاش اخیر آموزنده خواهد بود. در این رابطه اگر بتوانید تناسب بین فعالیت سیاسی و سیاست عمرانی رانشان دهید سودمند خواهد بود.

از آنجایی که اصفهان از شهرهای مقدس است، ما هم به شما بیش از دیگر کنسولگریها توجه داریم تا دربارهٔ جامعهٔ مذهبی و به طور کلی فعالیتهای مذهبی، خصوصاً آنهایی که در خود نوعی نارضایتی یا مخالفت احتمالی نهفته دارند یا نهایتاً به آنجا منتهی می‌شوند، بینشی به دست آوریم. شاید مسلمانان متعصب‌تر اصفهان واقعاً بخش برجسته‌ای از ساخت آنجا باشند، زیرا در دیگر نقاط ایران چنین نیست.

در حالیکه دیدار امیدوار کنندهٔ کارتر یک مقداری از حالت دستور فوری مسالهٔ حقوق بشر کاسته است، اما هنوز موضوع عمده‌ای است که بخش سیاسی با داشتن موضعی که بزحمت می‌تواند آن را موضع سیاسی دانست با آن سر و کار دارد. اطلاعات دربارهٔ این موضوع همیشه مفید است. ما همچنان از گزارشان تلفنی شما استقبال می‌کنیم و با خوشحالی آنها را با مال خودمان یکی خواهیم کرد، همان طور که طی سال گذشته در چندین مورد این کار با موفقیت انجام شده اگر آن دوستانی که به تلفنها گوش می‌دهند، بفهمند که ما توجهمان جلب این موضوع است. البته اگر گزارشها صرفاً شرح ماوقع باشند یا بتوان جنبهٔ حساس آنها را حذف کرد، من شخصاً اهمیتی نمی‌دهم که دوستان با گوش دادن به تلفن ما بفهمند که ما همچنان به این موضوع توجه داریم).

موضوع دیگر در این رابطه، جوّهای بحرانی است که بر اثر توسعهٔ صنعتی به وجود می‌آیند و همیشه خواندنی هستند؛ مخصوصاً اگر مقداری از وقتتان را صرف تهیهٔ یک گزارش منسجم از نظریاتتان پیرامون حوادثی از قبیل اعتصاب چند روز پیش کارخانهٔ آرد و دیگر ناآرامیهای کارگران آمریکایی یا جهان سومی بکنید.

با گذشت مدتی از سال، تجدید کردن نامهٔ جین دربارهٔ جماعت آمریکایی اصفهان و مشکلات و آینده و امور دیگر ایشان یک متن خواندنی به دست خواهد داد. (اگر مسئله فوری یا در شرف وقوعی در رابطه با

www.takbook.com



ما وجود داشته باشد زود مشغول شوید و برای نوشتن متن طولانی معطل نمانید.)

باز هم به عنوان نمودار، اطلاعات دربارهٔ فعالیتهای دانشگاهی، که به حرکتهای احتمالی مخالف مربوط می‌شوند و مواضع کلی دانشجویان، بدرد می‌خورد. در بخش آموزش ناآرامی وجود دارد و همان‌طور که در گذشته اتفاق افتاده است، ممکن است دوباره شرکت کنندگان و تحریکات آن از جانب اصفهان باشد.

از آنجایی که یک کنسولگری شوروی هم با شما مقیم آنجاست، ما امیدواریم حداقل چند نوشته از طرز برخوردهای آن کنسولگری را برای گزارش CERP-2 در مورد روابط با کشورهای کمونیست گرد آورید.

مهلت گزارش تا ۱۵ نوامبر است، ما در صورت امکان مایلیم گزارش شما را یک ماه قبل از آن موعد در دست داشته باشیم.

**سیاسی ـ نظامی :**

واضح است که در زمینهٔ سیاسی ـ نظامی اگر نه همهٔ امور، ولی بیشتر آنها(منجمله گزارش نویسی) که مربوط به کوششهای مصروف نوسازی ارتش ایران و برنامهٔ یاری امنیتی ما است، بوسیلهٔ بخش سیاسی ـ نظامی سفارت و هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران انجام می‌شود. در برنامهٔ اجرای امور عملیات روزمرهٔ بخشهای وسیعتر سیاسی ـ نظامی، بر عهده بخش سیاسی ـ نظامی و ادارهٔ رایزنی نظامی است. با این همه هنوز مفیدترین گزارشها، توضیحات و حتی تحلیلها در زمینه سیاسی ـ نظامی، باید توسط کنسولها نوشته شود. برای نمونه، در حوزه‌های کنسولی همه شما تأسیسات و پایگاههای نظامی دایر هست. بسیار مفید است که شما در اصفهان، شیراز، و تبریز و مسافرت در حوزه‌های خود، اثر چنین پایگاهها و تأسیسات (افراد آنها نیز) را در مناطقی که قرار دارند به نظر بیاورید. باید بتوانید، حداقل به مرور زمان، این تشخیص را به دست آورید که آیا پایگاهها و تأسیسات باعث توسعهٔ بخش خصوصی هستند، با اینکه جریان به عکس است، یا اینکه این دو رابطهٔ متقابل با یکدیگر دارند. به عبارت دیگر در نتیجه واقع بودن پایگاه در آن منطقه، ممکن است جاده‌ها و مدارس جدید، یا امکانات دیگر مراکز آبرسانی و برق دهی ساخته شده باشد. حتی شاید مراکز بازرگانی کوچک، مغازه و دیگر فعالیتهای تجارتی نیز به دنبال ساختن یا فعالیت پایگاه (هر کجا که باشد) پدید آمده باشد.

امیدواریم که استاندار منطقه طرحهای پایگاهها و تأسیسات جدید را جزئی از برنامهٔ عمرانی کلی منطقه خود حساب کند. در این رابطه به دست آوردن مقداری اطلاعات باید امکان‌پذیر باشد به علاوه علاقمندیم که از طرز فکر ارتشیانی که در هر منطقه مشخص زندگی می‌کنند بهتر آگاهی داشته باشیم.

ـ ـ آیا آنها از مشاغل ارتشی خود راضیند ؟

ـ ـ آیا وظایف خود را خو ب انجام می‌دهند؟

ـ ـ آیا پایگاه یا تأسیسات مورد نظر کارآیی دارد؟

ـ ـ به طور کلی تلقی شان از شاه و نحوهٔ پیشرفت عمرانی در ایران چیست؟ نظر شخصی ایشان چیست؟ همچنین دانستن اینکه افراد ارتش، خود را تا چه میزان وقف شغلشان می‌کنند، جالب خواهد بود. مثلاً آیا در خیلی از آنها این تمایل وجود دارد که در پایان مأموریت خود در پایگاه مورد نظر، خدمت خود را ترک

www.takbook.com



کنند (با فرض اینکه وضع خدمت وظیفه یا حرفه‌ای ایشان امکانی را می‌دهد) یا اینکه اکثریت می‌خواهند به پستهای جدید نظامی بروند؟ شاید هیچ تمایلی در بین نباشد. آیا کارگر به اندازهٔ نیاز پایگاه موجود است؟ آیا نیازهای نیروی انسانی بخش خصوصی بر اثر احتیاجات پایگاه عاطل مانده‌اند؟

ما می‌فهمیم که بدست آوردن بعضی از این اطلاعات مشکل و در بعضی موارد غیر ممکن است. همچنین می‌دانیم که به هر صورت دسترسی به آنها مقداری زمان لازم دارد. در حقیقت بسیار متشکر خواهیم شد اگر دربارهٔ این موضوع کلی فکر کنید و سئوالات اضافی را که دنبال کردنشان مفید است و حتی موضوعات بیشتری را که برای بخش سیاسی ـ نظامی مفید باشد، پیشنهاد کنید.

حتی اگر اطلاعاتی به دست آوردند که به نظر کامل یا تماماً شکل یافته نباشند قبل از اینکه آن را در هر نوع گزارش رسمی به کار برید، بهتر است که آنها را حتی به صورت غیر رسمی به بخش سیاسی ـنظامی سفارت بفرستید. در ابتدا احتمالاً این امر بیشتر موقعی اتفاق خواهد افتاد که ما با بخش سیاسی ـ نظامی کار می‌کنیم تا سودمندترین و هماهنگ‌ترین رابطهٔ همکاری را در تمامی تلاش هیئت (دیپلماتیک ) در بخش سیاسی ـ نظامی برقرار کنیم.

**اقتصادی :**

در زمینه اقتصادی با محدودهٔ کاری پر محتوایی سرو کار دارید. گزارش سالیانه یا گزارش محلی در مورد کارخانه NISOC و طرحهای NISIS (هر دو مربوط به کارخانه ذوب آهن) هم برای ما و هم برای واشنگتن مفیدند. دیدارهای محلی از صنایع برجسته، ملاقات با بازرگانان درجهٔ اول، بانکداران و مقامات اتاق اصناف موضوعات خوبی برای گزارش هستند. شما که در نوشتن گزارشهای اقتصادی سوابق همکاری فراوان دارید، مشکلتان زمان خواهد بود، نه مهارت؛ اما فهرستی از موضوعات می‌تواند شما را در تشخیص تقدم و تأخر انجام تحقیقات صنعتی و اقتصادی یاری دهد.

ـ ـ سرمایه داری: تأسیس، کارکنان اصلی، مقدار و تاریخ سرمایه‌گذاری، منبع سرمایه، نوع و شکل فعالیتهای تجاری، در صد درآمد وسعت و محل، طرحهای توسعه.

ـ ـ روابط خارجی: میزان درآمد، حق‌الامتیازها، اجاره نامه‌ها (در این صورت، شرایط از قبیل شرایط صادرات) حضور مدیریت و تکنسینها و خصوصیت.

ـ ـ طرحهای آموزشی، تحقیق خدمات و بازاریابی.

ـ ـفعالیت: میزان محصول سالهای اخیر به درصد ظرفیت، استعداد تولیدی (در صورت امکان با معیارهای ایالات متحده، ژاپن و اروپا مرتبط سازید) کنترل کیفیت، موانع زیربنائی (برق، آب و غیره) تعداد نوبتهای کار پیش‌بینیها.

ـ ـمصرف و تولید: کشور منبع مصرفهای عمدهٔ مشکلات (از قبیل تهیهٔ تجهیزات اصلی ـ عدم تمایل به عوامل که باعث رقابت می‌شوند) میزان کالاهای انبار شده و برنامه در مورد آنها، بازارهای فعلی و آینده (داخلی و خارجی) سرویس محصولات.

ـ ـدخالت دولت: مالیات و دیگر کمکها و تعرفه و دیگر حمایت در بازار رقابت، مشکلات در رابطه با دولت، مشکلات نرخ گذاری و غیره

ـ ـمالی: عایدیهای خالص و ناخالص فعلی و پیش‌بینی شده، بازگشت سرمایه، سهام (اگر عمومی است) و

www.takbook.com



شرکت در برنامه تقسیم سهام، برخوردهای مالیاتی (مثلا دعواها) و هر گونه مشکل در اعتبار گرفتن، بدهی خدماتی و غیره.

ـ ـ نیروی انسانی: تعداد و خصوصیت کارکنان (مثلاً مرد، زن، کارگر و کارمند، خارجی) چگـونگی استخدام و آموزش آنها، میزان اصلاح سازمان و تغییر پرسنل سازمان و کارآیی، نرخهای حقوق، تمایلات و چگونگی میزان تشخیص آن سهم از منفعت، امتیازات، مشکلات. چنین گزارشی همچنین باید حاوی یک جنبهٔ اطلاعاتی در مورد فرصتهای استفاده ایالات متحده مثلا در یک برنامه توسعه و مرتبط با یک تمایل به کسب مجوز فعالیتهای خارجی باشد. گزارش شما در امور اقتصادی مملکت از قبیل موارد ذیل مورد استفاده قرار خواهد گرفت: سیاست کنترل قیمتها، تورم (قیمتهای معمول زمین و اجاره) به تعیین حقوق، دور نما و وضعیت فعلی برنامهٔ تقسیم سهام (اصل ۱۳) مشکلات و اصلاحات تأمین و پخش (مانند سیستم ترابری، انبار داری، بازارها) موجود بودن و تخصیص اعتبار ؛ اوضاع سرمایه‌گذاری / تجارت به طور کلی (شامل میزان بالارفتن سرمایه) عوامل موثر در آن اوضاع (مثلاً تصمیم به سرمایه‌گذاری یا عدم آن) و فعالیتهای دولتی (کارآیی بوروکراسی، اتخاذ تصمیمات محلی یا همه در تهران) ؛ تأثیر خرجها، تقلیل طرحهای عمرانی و غیره.

www.takbook.com



**سری ـ غیر قابل رؤیت برای خارجیان**
**راهنمای گزارش‌نویسی سیاسی و اقتصادی برای شیراز**
**سیاسی :**

ابتدا عکس‌العمل ما نسبت به طرح بسیار خوب شما: با توجه به گزارش سیاسی این مسئله صحیح است که مرکز کنترل می‌کند. معذالک با توجه به آشوبهای دانشگاهی، تجزیه و بالا گرفتن احساسات مذهبی، آنچه که در شیراز اتفاق می‌افتد مهم است، اگر چه تنها به عنوان ملاکی برای اندازه‌گیری آنچه در تهران اتفاق می‌افتد، باشد. در مورد «حقوق بشر» که به طور وسیع تعریف شده به طور مهمی به ما کمک کرده است. البته ما میل داریم چیزی در مورد بررسی احساسات مذهبی در شیراز و اینکه چگونه این احساسات در عرصه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ظاهر می‌شود در نیمهٔ سال و یا زودتر ببینیم. (مثلا در اصفهان نامه‌هایی به مؤسسات اقتصادی فرستاده شده که در آن گفته شده است که بهائیان نباید استخدام شوند.)

اگر این مسئله در بررسی ناآرامیها می‌گنجید، نیر خوب است. این مسئله نیز مورد علاقهٔ ما است که بدانیم که آیا نتیجهٔ این گسترش به طور عملی یا بالقوه مشکلاتی را در مورد جامعهٔ آمریکاییهای ساکن ایران در بر دارد.

در مورد عدم مرکزیت و حکومت ایالتی ما مایل هستیم که از هر تغییر پرسنل مهم سریعاً آگاه شویم؛ اما در غیر این موارد شما اتفاقات مهم و اساسی را می‌توانید در توضیح کلی که از حوادث جاری می‌دهد ذکر کنید. مثلاً اگر زمانی پیش از نوروز گزارشی در مورد برخورد با حکومت آموزگار در شیراز و ناحیه مأموریت خود داشته باشید، بسیار مفید خواهد بود، هر چند این گزارش منفی و یا خنثی باشد.

ما در این مسئله با شما هم عقیده هستیم که سیاست و اقتصاد به هم پیچیده‌اند، ولی برای گزارش‌نویسی می‌توان بعضی چیزها را از هم جدا کرد. ما با این گفته موافقیم که گزارشات شش ماهه از شرایط بندر ضروری به نظر می‌رسد. بخش سیاسی میل دارد در صورت امکان یک بررسی در مورد گسترش اقتصادی همراه با تقسیم بودجه داشته داشته باشد. البته در صورتی که این بررسی خیلی شبیه سعی در تجزیهٔ یک آمیب در زیر میکروسکوپ الکترونی نباشد.

ما در اینجا به این نتیجه رسیده‌ایم که یادداشتهای شما از مکالمات ( memcon) به اندازهٔ کافی بوده و توجهتان را بر روی گزارشات و مقاله‌های تحلیلی تمرکز دهید که طی این گزارشات پیشرفتها را توضیح دهید، ولی بیش از حد، مانند مطالعات تحقیقی و اطلاعاتی INR طویل نباشد.

مثلاً علاوه بر روی کار آمدن مذهب، دانشگاه پهلوی و رئیس دانشگاه آقای مهر دو موضوع خیلی جالب هستند. دانشگاه پهلوی از این جهت که منعکس کننده مشکلات ناشی از توسعه سریع آکادمیک است (که این گونه مشکلات به شکل یک اپیدمی ملی در آمده است) و آقای مهر به دلیل اینکه نه تنها او یکی از صریحترین و شایسته‌ترین رؤسای دانشگاه است، بلکه جانشینی برای وزیر آموزش فعلی و با یک شغل دانشگاهی است، شاید ریاست دانشگاه تهران و یا مسئولیت تمام دانشگاهها در پست معاونت عالی می‌باشد. وضعیت آزمون نیز چنین است.

او در اینجا موضوع جالبی است و روش او به وسیله کسانی که او را می‌شناختند و یا به تغییر کابینه علاقمند هستند مورد توجه است.

www.takbook.com



ما هنوز علاقمند به گزارشاتی در مورد حقوق بشر هستیم. گرچه درخشش امید بخشی که ملاقات نمایندگان را احاطه کرده است، مقداری از حرارت مستقیم را رفع نموده است. اگر شما میل دارید که طی ملاقات خلاصه تلفنی تماس بگیرید، این تماسها استقبال خواهند شد. من شخصاً فکر نمی‌کنم که به دوستان شنونده ما از یادآوری علاقه ما نسبت به این موضوع آسیب رسد، البته در صورتی که گزارش یا منبع زیاد حساس نباشد.

با توجه به فعالیت کمونیستها، اگر از این نوع فعالیتها در حوزه شما هست، ما میل داریم اطلاعاتی برای گزارش (cerp-2) یک ماه قبل از شروع به کار گزارش (که حدوداً ۱۵ نوامبر است) در دست داشته باشیم.

**سیاسی نظامی:**

(قسمت سیاسی ـ نظامی این راهنما دقیقاً مشابه بخش سیاسی نظامی در راهنمای گزارش‌نویسی در مورد شهر اصفهان است ـ مترجم)

**اقتصادی:**

گزارشات و یادداشتهای مکالمه‌ای شما از دیدار از صنایع و سایر مسایل اقتصادی بسیار عالی بوده‌اند. از آنجایی که بیشترین توجه در ناحیه شما بر روی مسئله انرژی متمرکز است، یک ارزیابی از منابع جدید انرژی مثلاً سد رضاشاه و تاثیر محلی و ملی آن مؤثر و مفید است. همان طور که قبلاً بحث کرده‌ایم ما سعی در تشویق شما در جدا کردن مطالب دولتی و غیر دولتی به شکل طبقه‌بندی نشده و طبقه‌بندی شده داشته‌ایم. مخصوصاً این در نقلها و گزارشات شما از بندر بسیار مفید است و نیز منابع بازرگانی زیادی دارد. هنگامی که شما از صنایع دیدن می‌کنید، لیست موضوعاتی را که در زیر آورده می‌شود ممکن است برای شما مفید باشد، که البته این لیست جامع نیست:

(توضیح مترجم: باقیماندهٔ راهنمای گزارش‌نویسی اقتصادی در مورد شیراز دقیقاً مشابه راهنمای گزارش‌نویسی اقتصادی برای اصفهان است که قبلاً آمده است).

www.takbook.com



**سری ـ غیرقابل رؤیت برای خارجیان**
**راهنمای گزارش‌نویسی سیاسی و اقتصادی برای تبریز**
**(برای مایک مترینکو ـ تبریز)**
**سیاسی:**

طی دو سال گذشته ما گزارشات خوبی از منطقهٔ تبریز داشته‌ایم. خیلی خوب خواهد بود اگر بتوانید در شش ماه آینده ساخت اساسی استان را ترسیم کنید و معلوم کنید چه کسی قوی است، چه کسی با وی مخالف است (اگر هست) و فعالیتها و رهبران اصلی حزب (اگر باشند) چگونه است. این کار با یک، دو یا سه نامهٔ هوایی می‌تواند تمام شود. چگونگی انجام آن بیشتر با خودتان است. بی فایده نیست اگر مانند دیوید مک‌گافی در سال گذشته، زمانی در بهار، نامهٔ مربوط به وضع امنیتی را تجدید کنید. اگر لازم بود می‌توانید گروههای مخالف را هم در آن بگنجانید، فعالیت تروریستی در تبریز را تخمین بزنید و میزان کارآیی پلیس را به نظر آرید.

اگر شما فرصت تهیهٔ یک خلاصهٔ جامعتر دربارهٔ حضور نظامی ایران در ناحیهٔ مرزی تبریز ـ شوروی داشته باشید، مطمئنم که همکاران در ادارهٔ وابستهٔ دفاعی و بخش سیاسی ـ نظامی آن را مفید خواهند یافت. آن را ای شروع گزارشهای منطقه‌ای، به سراغ مسئلهٔ کردها می‌رویم. از آنجایی که گزارشات مربوط به بخش کردنشین مورد توجه کشورها است، فعالیت تبریز در هفت سال گذشته عمدتاً صرف این امر شده است. ما امیدواریم که شما بتوانید روابط جدیدی را برقرار و حفظ نمایید تا حداقل در هر نیمسال ما را از عقاید کردها در مورد مسایلی از قبیل برادران عراقیشان، استعداد آنها برای حمایت از ناراضیان در عراق و دیدشان را نسبت به آمریکا، مطلع سازید. از صحبتهایمان در تهران شما می‌دانید که در عراق کردهای ناراضی فعال هستند. این همراه با بعضی فعالیتهای عراق در چند ماه اخیر، مسئلهٔ حقوق انسانی کردهای عراقی را هم در آمریکا و هم در صحنهٔ سازمان ملل متحد به صورت علنی مطرح ساخته است. هرگونه شواهدی که شما در مورد نحوهٔ رفتار خوب، بد و یا میانهٔ آنها به دست آورید بسیار استقبال می‌شود. نحوهٔ رفتار خوب، بد و یا میانهٔ آنها به دست آورید بسیار استقبال می‌شود.

از لحاظ علائق سیاسی فعلی، ما از شما می‌خواهیم که همچنان ناظر صحنهٔ دانشگاهها باقی بمانید. این شاید بیش از آنچه شما فکر می‌کنید برای ما مفید باشد. زیرا شما با ناحیه‌ای حساس سروکار دارید. اینجا متناوباً اطلاعات غلط از اطلاعات بیشتر می‌شود و گزارشهای تهیه شده توسط شما و دیگر کنسولها معیار اصلی قضاوت ما خواهند بود. مخصوصاً به هرگونه شواهدی دال بر جنب و جوش حزب رستاخیز چه در کانالهای رسمی یا غیر رسمی علاقه مندیم. آموزگار و بعضی از افراد که در اینجا ما با او صحبت کرده‌ایم ابراز داشته‌اند که نخست‌وزیر از حزب متوقع است در گرد آوردن منافع مشترک و راهنمایی تهران در تخصیص منابع فعالیت وسیعتری داشته باشد.

در صحنهٔ حکومت منطقه‌ای و محلی به طوری که ما کسب اطلاع کرده‌ایم شهردار تبریز بالاخره تهدید به کناره‌گیری کرده که این یک بار هم برای او زیاده از حد بوده است، زیرا از او خواسته شد که استعفا بدهد. اطلاعات بیشتر در این باره و در مورد تحولات شهری (شامل فرصتهای تجاری) مطلوب خواهند بود. دوباره باید یادآور شد که تهیهٔ گزارش دربارهٔ شهرداری و استانداری توسط شما، نمودار خوبی خواهد بود تا ادعاهای موافقان و مخالفان سیاست عدم تمرکز امتحان شود.

www.takbook.com



فعالیتهای مقامات شوروی در ناحیهٔ شما بسیار مورد علاقه است. ما پیشنهاد می‌کنیم که در هنگام انجام مقررات گزارش‌نویسی یک یادداشت ملاقات در هر مورد تماس به RSO فرستاده شود. اهمیت خاص به توصیف جزء به جزء عقاید و رفتار شورویهایی که ملاقات می‌کنید، قائل شوید. چنین گزارش‌نویسی باعث کمک بسیار در تشخیص مقامات شوروی که احتمالاً بتوانند اطلاعات جاسوسی چشمگیری فراهم کنند، خواهد بود.

**سیاسی نظامی:**

(توضیح مترجم: این قسمت مانند قسمت سیاسی نظامی برای شهرهای اصفهان و شیراز است، از تکرار آن صرف‌نظر می‌شود).

**اقتصادی:**

بازدید و گزارش از پالایشگاه جدید سودمند خواهد بود. مذاکره قبلی با ریچارد بش مسلماً راهنماییهای مخصوصی را به دست خواهد داد.

در صورت امکان، تجدید سالانهٔ بخش صنعتی بسیار ذیقیمت است. مانند هر بازدید صنعتی دیگر، عناوینی که باید در نظر گرفته شوند عبارتند از:

(توضیح مترجم: باقی بخش اقتصادی این راهنما برای تبریز مشابه بخش اقتصادی راهنمای ش‌نویسی در مورد شیراز و اصفهان است و از تکرار آن صرف‌نظر می‌شود).

www.takbook.com



**سند شماره (۱۱)**

**استفادهٔ محدود اداری** **۱۲ فوریهٔ ۱۹۷۸ـ ۱۳۵۶/۱۱/۲۳**

**سفارت آمریکا ـ تهران**

**یادداشت مذاکرات**

**موضوع: ملاها، فساد، ساواک**

در طول چند سال اخیر پرویز رائین برای سفارت کاملاً شناخته شده است. او تا اندازهٔ محدودی فکر خود را بازگو می‌کند و من احساس می‌کنم که او آدم مطلعی در امور شهر است. به طور کلی گزارشگر مورد اعتمادی به نظر می‌رسد. او موفقیتهایی در رژیم فعلی به دست آورده، اما نقطه‌نظرهای او می‌رساند که تغییر بعضی چیزها لازم است. من چنین دریافته‌ام که او گاه گاهی هم با شاه ملاقات می‌کند.

**ملاها**

رائین عموماً ملاها را گروهی غیر قابل اعتماد، توطئه‌گر و کاملاً خودخواه می‌داند. رائین معتقد است که بسیاری از آنها قلباً هرگز شاه را به خاطر کوتاه کردن دست آنها از قدرت سیاسی و اقتصادی در دهه ۱۹۶۰ نخواهند بخشید و بدون شک اگر فرصت بیابند برای دولت و کشور دردسرهایی تولید خواهند کرد. رائین احساس می‌کند که ملاها در حال به انفجار کشیدن حرکتهای جاری کشور هستند که این خود از پی‌آمدهای آزادیهای سیاسی برای مردم می‌باشد. اما در حقیقت آنها می‌خواهند ایران را به قرن ۱۵ برگردانند و در این مسیر اموال از دست رفتهٔ خود را احیاء کنند. عدم اعتماد ملاها ظاهراً از حادثهٔ خونین میدان سپه در اوائل سال ۱۹۶۰ ریشه می‌گیرد. بر طبق نظر او ملاها تظاهراتی بر ضد شاه ترتیب داده و گروهی از دانش‌آموزان مدارس را سازمان داده تا خود را بر ضد پلیس پیش اندازند. وقتی که پلیس به آنها دستور داد که بایستند، ملاها آنها را تحریک به پیشروی کردند. بالاخره پلیس به دلیل دستوری که اگر تظاهرکنندگان عقب‌گرد نکردند، بر روی آنها آتش بگشایند، تیراندازی کردند و تعدادی از دانش‌آموزان مدارس کشته شدند. رائین این استراتژی را کاملاً قابل سرزنش می‌داند.

رائین از مصاحبهٔ اخیری که توسط سه تن از خبرنگاران خارجی با آیت‌الله خمینی به عنوان مردی آزادیخواه و بزرگ به عمل آمد، ناراحت بود و می‌گفت او چنین مردی نیست.

**فساد**

رائین می‌گوید فساد در ایران بسیار گسترده است و تنها راه کم کردن آن «عمل از بالا» است. به نظر رائین مجرمان اصلی ژنرالها و خانوادهٔ سلطنتی می‌باشند. این دو گروه زمینهای بسیاری در نزدیکی دریای خزر را تقریباً مجانی به خود اختصاص داده‌اند و پس از تقسیم کردن، آنها را با قیمت گزاف فروخته‌اند. این هردو گروه پولهای زیادی از دولت گرفته تا جاده‌هایی منتهی به املاک خود بسازند. این ساختمانها به نفع هیچ کس نیست جز صاحبان آنها.

**ساواک**

رائین می‌گوید البته درست است که زندانیان در ایران شکنجه می‌شوند و تمام ایران این را می‌دانند، اما

www.takbook.com



باید دید شکنجه چیست؟ حتی ۲۴ ساعت در زندان بودن ممکن است برای بعضی، نوعی شکنجه باشد. وی در عین حال که قبول دارد ساواک نقش بسیار مهمی دارد و در مقابل عراق و در تهیهٔ ادامهٔ کار یک دستگاه اطلاعاتی لازم است، اما معتقد است که مقامات بالای ساواک از جمله ژنرال نصیری باید بازنشسته شوند. این اشخاص در ساواک کفایت خود را از دست داده و ایران را بدنام کرده و سبب بدبختی بسیاری از مردم شده‌اند. او دکتر حسین‌زاده (که نام اصلی او عطارپور است) را به عنوان رئیس بازجویی ساواک نام می‌برد که فقط از طریق محکوم کردن مردم از طریق بازجوییهای خود، که آنها را مجرم یا بیگناه معرفی نماید، زندگی می‌کند.

رائین داستان زیر را که منجر به زندانی‌شدنش به مدت چند ساعت شد، تعریف می‌کند: رائین می‌گوید خبری را که دربارهٔ برف سنگینی بود که ارتباط چندین روستا را قطع کرده بود، برای آسوشیتدپرس نیویورک تنظیم می‌کردم، اما سردبیر این خبر را نمک‌زده و با خبر دیگری جور کرد و نوشت: در زمانی که ارتباط ارتباط چندین روستای ایران قطع شده بود و مردم درصدد پاک کردن برف سنگین از راهها بودند، شاه در تپه‌های سنت‌موریتز در حال اسکی بود. رائین می‌گوید ساواک بلافاصله او را دستگیر کرد و به سلول انداخت. در پایان رائین اضافه می‌کند که زاهدی یک تلفن فوری از واشنگتن به شاه زد و تأیید کرد که سطور توهین‌آمیز در نیویورک اضافه شده و رائین از زندان بیرون آمد.

www.takbook.com



## سند شمارهٔ (۱۲)

**محرمانه**

**۱۵ فوریه ۱۹۷۸ ـ ۲۶ بهمن ۱۳۵۶**

**خلاصهٔ مذاکرات هیئت مسایل مملکتی**

سفیر در مورد سفرش به واشنگتن برای شرکت در جلسه در تاریخ بیستم فوریه صحبت کرد. وی همچنین اشاره کرد که سفر اخیر او به مناطق جنوبی ایران بسیار آموزنده بوده است. صنعت نفت بسیار تأثیرپذیر است و قسمتهای IIN نیز تأثیرپذیری بالقوه‌ای دارند. در دنبالهٔ این سفر، سفیر ملاقاتی با شاه داشته است و در مورد مناقشات خاورمیانه و شاخ آفریقا بحث کرده‌اند. شاه همچنین از روابط دوجانبه با بریتانیا ابراز نارضایتی نموده است. شاه تأکید می‌کرد که در مورد محموله‌های نظامی آمریکایی نباید قضیه‌ای به وجود آید و سفیر بیان داشت که ایران نباید خود را درگیر مذاکرات مربوط به نقل و انتقالات سلاحهای عربستان سعودی، مصر و اسرائیل کند. شاه موضوع را خوب درک کرده و موافقت کرد.

سفیر خاطرنشان کرد که به نظر می‌رسد که دستور جلسهٔ کمیسیون مشترک تأیید می‌شود. اگر همهٔ مدعوین در واشنگتن شرکت کنند، گروه زیادی از ایران نیز حضور خواهند داشت (وزیر تذکر داد که تاکنون عده‌ای حذف شده‌اند). کمیتهٔ اجرائی شورای بازرگانی ایران و آمریکا در حال بازدید است و این کمیته مذاکرات بی‌نتیجه‌ای در مورد امنیت اجتماعی، مالیات مضاعف و سهام عادلانه داشته است. آنها گزارشی در خصوص وضع سرمایه‌گذاری در ایران تا ماه «می» تهیه نخواهند کرد.

سفیر تقاضا کرد که هرکس که اطلاعاتی در مورد مسئله دارو (مواد مخدر) و TAS دارد به «پت دویچ» اطلاع دهد. هیئت‌مدیرهٔ USEA چنین تصمیم گرفت که شراب یک متمم غذایی است و لذا باید جیره‌بندی شود.

تصمیم سفیر بر این بود که شراب نباید تأمین‌کننده‌ای برای بازار تهران شود و بنابراین باید علیرغم ارزش غذایی آن جیره‌بندی شود.

سفیر امروز صبح دربارهٔ خط‌مشی استخدامی هیئت برای همسران و فامیل جلسه‌ای خواهد داشت. ژنرال گست اظهار داشت که هیئت مستشاری نظامی طالب دقت بیشتری در مورد دستورات جاری است. آقای بروین در پاسخ سؤالی از طرف سفیر گفت که تلگرامی در مورد موافقتنامهٔ امنیت کره جنوبی به واشنگتن خواهد فرستاد و درخواست دستورالعمل در خصوص عملکرد موافقتنامهٔ دوجانبهٔ ما خواهد نمود.

وزیر گزارشی دربارهٔ دستور جلسات کمیسیون مشترک داده و متذکر شد که کلیه موافقتنامه‌ها احتمالاً تا تنظیم آخرین صورت جلسه تکمیل نخواهد شد.

آقای زیشک اطلاع داد که آهنگساز آمریکایی دیوید آمرام برای اجرای برنامه در IAS و جنوب کشور هفتهٔ آینده به ایران می‌آید. سفیر اشاره می‌کند که آرنود وبور چگریو برای مصاحبه با وی و همچنین ملاقات با شاه خواهد آمد.

ژنرال گست از سفیر پرسید که آیا وی سوابقی در رابطه با مسافرتش به واشنگتن لازم دارد یا خیر؟ از او خواسته شد که اطلاعاتی در مورد نیازمندیهای ساختمانی و برنامه‌های مربوط به F-16 و آواکس و بیشتر F-14 تهیه کند. سفیر گفت که از جانب ما شاه به خاطر مساعی ایرانیان در تلاش جهت یافتن پسربچهٔ

www.takbook.com



مفقود آمریکایی تشکر کرد. ژنرال گست گزارش کاملی راجع به شرایط مربوط به حادثهٔ پیاده‌روی داد.

روز گذشته ژنرال طوفانیان طی تماسی با ژنرال گست در مورد نحوهٔ افزایش قدرت تانکهای M-60 مذاکره نمود. لیکن به وی خاطرنشان شد که این برنامه ممکن است امکان‌پذیر باشد، ولی پرسنل تانک دولت ایران نیاز به آموزش وسیعتری خواهند داشت.

آقای بروین خاطرنشان ساخت که تلگرافی راجع به نزاع شرکت نفت ایران با شارجه دریافت داشته است. این یک اقدام خیلی پیچیده است که شامل شرکت نفت ایران و یک شرکت آمریکایی است که طی آن شرکت نفت ایران برای شرایط مالی فشار می‌آورد که ممکن است منجر به تعطیلی شرکت آمریکایی در شارجه شود. آقای بروین اظهار داشت که شایعاتی در مورد این قضیه شنیده است، مبنی بر اینکه شرکت آمریکایی (LSC) قراردادش را لغو کرده و از مدیر آن خواسته شده که طی ۲۴ ساعت ایران را ترک کند. وی در این مورد بررسی خواهد کرد.

آقای لمبراکیس دربارهٔ رئوس مطالب امروز مطبوعات گزارش داد و گفت مجلس در حال بررسی لایحه‌ای است که در آن هر خارجی که به طور غیرقانونی وارد ایران شده باشد تحت پیگرد قرار می‌دهد. مقاله‌ای در مورد حقوق بشر توسط جهانگیر آموزگار در کیهان اینترنشنال نوشته شده بود.

آقای فری گفت که اولین گروه دامپزشکی آمریکا وارد شده و روی یک برنامهٔ آموزش کمیسیون مشترک کار می‌کند و یک نمایش یک روزه در مورد محصولات غذایی برای نشان دادن مقاطعی از خوراکیها در ۴ آوریل به اجرا گذاشته خواهد شد.

فرمانده هاگ اطلاع داد که کشتیهای USS DAVIS و کشتی USS FURER به بندرعباس وارد نخواهند شد و در عوض در نقطه‌ای از دریای سرخ خواهند ماند.

گولز به معرفی آقای «تیم اسکود» پرداخت و گفت که او به طور موقت در کنسولگری کار خواهد کرد و بعداً به شیراز منتقل خواهد شد.

www.takbook.com



**سند شماره (۱۳)**

**محرمانه**

**تاریخ : ۲۳ فوریه ۱۹۷۸ـ ۱۳۵۶/۱۲/۳**

**خلاصهٔ مذاکرات هیئت مسایل مملکتی:**

وزیر جلسه را با اشاره به اینکه انجمن روزنامه‌نگاران ملی روز گذشته ملاقات خوبی با وزیر یگانه داشته‌اند و برای امروز برنامه پرمحتوایی تدارک دیده‌اند که شامل یک جلسه با نخست‌وزیر است، آغاز کرد. به هنگام مرور اخبار دریافت شده، آقای میکلوس در مورد پیغامی از سوی سفارت خارطوم که گزارشی در مورد موقعیت کشور چاد بود، صحبت کرد. او همچنین توجه افراد را به ازدیاد ملاقاتهای سالیانه از گروه دانشگاه دفاع ملی که امسال تعداد آن نسبتاً کاهش خواهد یافت جلب نمود. ما همچنین تأییدیهٔ ملاقات با مگن کلارک و ژنرال هایزر را دریافت کرده‌ایم. وزیر خاطرنشان ساخت که مصر آن‌گونه که در محافل آنکارا شایع شده به پیمان سنتو نخواهد پیوست.

سفیر نامه‌ای از ویلیام. اچ. کورتنی یکی از همکاران در کنسول روابط خارجی دریافت داشت مبنی بر اینکه او در ماه آوریل از ایران بازدیدی به عمل خواهد آورد. در میان نامه‌های دریافتی نامهٔ جالبی به دست سفیر مربوط به عکسهای «کمیاب» شاه و ملکهٔ الیزابت رسید. آقای گولز که مأمور انجام این کار شده بود، گفت که ممکن است او یک دسته تمبر پستی برای نویسنده بفرستد. آقای جینگلز از امتیازهای استخدامی که نصیب کارمندان بانک ایرانیان گردیده است بسیار متعجب شد. او اضافه کرد که از مقررات سخاوتمندانهٔ قرارداد اطلاع داشته ولی آن را از کارمندان سفارت مخفی نگاه می‌داشته است. عضو دیگر هیئت کشوری عقیده داشت که قرارداد را به عنوان یک نمونه برای مذاکرات آیندهٔ مدیریت ایالات متحده برای AFSA بفرستند.

آقای شلنبرگر گزارش داد که پروفسور آبراهام، از دانشگاه ویرجینیا، در صورت باز بودن دانشگاه، امروز در دانشگاه ملی با اعضای هیئت علمی و دانشجویان ملاقات خواهد نمود. سفیر فروغی به آقای شلنبرگر گفت که گسترش آشوب در تبریز به علت وجود اختلاف اقتصادی در میان طبقهٔ متوسط پایین است. فروغی گفت که «ندارهای» اجتماعی ایران حکایت از وجود رشوه در میان طبقات بالا می‌کند. به عنوان مثال فروغی به گزارش اخیر روزنامه‌های فارسی زبان در مورد یک میهمانی پرخرج که در تهران ترتیب داده شده بود اشاره نمود که در آن به یک رقاص محلی برای انجام یک رقص عریان ۵۰/۰۰۰ دلار داده شده بود. آقای شلنبرگر گفت که واقعاً این کارها مردم را منقلب می‌سازد. تفسیر کوتاه بعدی در مورد بحث و تبادل نظر روی نمایش ماه آینده در شیراز از سیستم خطوط ارتباطی ماکروویو و کنترل ترافیک بود. USIS یک نمایندهٔ اداری در این بازدید خواهد داشت.

ژنرال گست طرحی در مورد تهیهٔ یک تحلیل از حوادث اخیر نیروی هوایی تهیه نموده است. این گروه کار خود را از ۲۷ فوریه آغاز کرده و از پایگاههای هوایی بازدید خواهند نمود. ژنرال گست خاطرنشان ساخت که از طریق سفیر زاهدی، از نمایندهٔ نیروی هوایی در مورد بازدید از ایران از پنجم الی نهم آوریل دعوتی به عمل آمده است. مستشار نظامی در رابطه با سفارت، مسیر بازدید را مشخص خواهد نمود. یک تیم مرکب از سه ژنرال در ۲۵ فوریه برای مذاکراتی در مورد ادارهٔ F-16، آواکس و برنامه‌های هوائی ایران وارد خواهند شد. مستشار نظامی معتقد است که برنامهٔ دفاع هوایی باید زیر پوشش FMS قرار گیرد. ژنرال

www.takbook.com



گست شب گذشته مذاکراتی با هیئت اداری DOD داشت و به نظر می‌رسد که در واشنگتن نظریاتی وجود دارد که درخواست اسلحه در طولانی مدت توسط ایران به منزلهٔ «دوست دارم داشته باشم» است و نه بمنزلهٔ نیازهای اصلی ایران، آقای مارتین گفت که تجهیز ایران در طویل مدت نشان دهندهٔ علاقه نسبت به ایران است. سفیر اظهار تمایل کرد که این نکته برای واشنگتن روشن شود و ژنرال گست گفت که اقدامات لازم را در این مورد به عمل خواهد آورد.

آقای لمبراکیس اشاره به اخبار امروز در مورد تعداد دستگیرشدگان و کشته‌شدگان در شورشهای تبریز نمود. جالب اینجا است که دستگیرشدگان در دادگاههای مدنی محاکمه خواهند شد. هنوز تمام گزارشات در مورد شورش به ما نرسیده است و تئوریهای زیادی وجود دارد، ولی به نظر می‌رسد که بعضی از مقامات مسئول این امر خواهند بود. شایعاتی در مورد وقوع تظاهرات بیشتر در صورت عدم آزاد کردن دستگیرشدگان در تبریز وجود دارد. روزنامه‌های فارسی زبان گزارش می‌دهند که شاه به نـامه‌ای از عرفات پاسخ داده است که مضمون آن فاش نشده است. علیرغم مقالات پوزش‌آمیز مندرج در تهران ژورنال امروز، یک منبع MFA به آقای لمبراکیس گفت که سفارت دولت ایران در نایروبی به حالت تعطیل درآمده است که خود نشان دهندهٔ تیره شدن روابط بین دو کشور است. آقای فری گزارشی در مورد تعدادی از بازدیدکنندگان داد: نمایندهٔ Uncle Ben امروز ایران را ترک می‌کند، یک گروه ضربت آموزشی به زودی خواهد رسید. یک گروه از سران کشاورزی در اواسط ماه مارس وارد خواهد شد.

آقای مارتین گفت که ژنرال ویلیامز، رئیس BHI امروز برای یک مصاحبهٔ عمومی نزد او خواهد آمد.

آقای جینگلز، باب واتسون مقام مدیریت آتی پست ایران را که در حال بازدید از اینجاست به من معرفی نمود. آقای بنرمن گزارش داد که فراری FBI به هواپیمای به مقصد پاریس نرسید و با اقدامات امنیتی به سوی نیویورک بازگردانده شد.

آقای دویچ با موفقیت بازگشت و گزارشی در مورد مسافرت رسمی خود به پاریس و نیس و کمک به فرار رابط ایرانی ناقل مواد مخدر تهیه نموده است. آقای رینو گفت که او نظر محتاطانه‌ای نسبت به گشایش مرکز بازرگانی تهران دارد. در واشنگتن در مورد گشایش تعداد زیادی از این مراکز گفتگو به عمل آمد. آقای میکلوس خاطرنشان ساخت که قبل از تصمیم‌گیری نهایی واشنگتن باید در مورد نقطه‌نظرهای ما تحقیق نماید. آقای رینو به کوششهای خود برای حل مشکل تعهد مشتریان ادامه می‌دهد.

www.takbook.com



## سند شماره (۱۴)

**گزارش وقایع هفتگی : ایران**

**ایران : ۳ مارس ۱۹۷۸ـ ۱۲ اسفند ۱۳۵۶**

ـ ـ جلسهٔ چهارم کمیتهٔ مشترک ایران و آمریکا با صدور بیانیه و مفاد مشترک از طرف وزیر امور خارجه ونس و محمد یگانه، وزیر اقتصاد و دارایی، در واشنگتن در ۲۸ فوریه پایان گرفت. کار رسمی کمیته با پایان کار پنج کمیته مشترک در هفته گذشته آغاز شده بود. این گردهمایی‌ها پیشنهادهای ملموسی را در زمینه همکاری فنی در امور کشاورزی، تربیت نیروی انسانی، و تحقیقات علمی مطرح نمود. شرکت‌کنندگان در کمیسیون خواستار توسعهٔ روابط تجاری که به نظر آنها به میزان قابل توجهی افزایش نیافته بود، شدند. کمیسیون حاضر مفیدترین کمیسیون برگزارشده تا امروز بوده است، طرفین با شناخت کامل از منافع خود به نتیجه‌های خوبی رسیدند. (طبقه‌بندی نشده)

ـ ـ کمیتهٔ فریزر، نمایندهٔ کنگره در تاریخ ۲۸ فوریه به استماع نظرات مربوط به وضع «حقوق بشر» در ایران پرداخت. (البته در روزهای گذشته همین جلسات در رابطه با کشورهای دیگر برگزار گردید). تنها شاهد موجود در جلسهٔ مربوط به ایران برایان روبل بود که ادعا می‌کرد در دادگاههای نظامی ایران به هیچ وجه نمی‌توان انتظار یک محاکمه منصفانه را داشت. قرار است که جلسه شاهدان دیگری را برای روزهای بعد در این باره تهیه نماید. (طبقه‌بندی نشده).

ـ ـ نتایج شورشهای مذهبی تبریز در ۱۸ فوریه حاکی از آن است که دولت ایران باید در انتظار تظاهرات دیگری نیز باشد. ولی در حال حاضر دولت منتظر است تا نتیجهٔ یک بازپرسی خاص معلوم گردد تا به دنبال آن بتواند اقدامی در پیش گیرد. تحقیقات اولیه نشان‌دهندهٔ بی‌توجهی مقامات استانها به خصوص استاندار آذربایجان شرقی است که از خدمت برکنار شده است، شاه، در انظار عموم اعلام کرده است که آزادیهای سیاسی به طور مداوم افزایش خواهد یافت هرچند که گروههای ارتجاعی به سوءاستفاده از آن بپردازند. (محرمانه)

ـ ـ سفارت آمریکا در تهران از طریق سازمان سیا اطلاعاتی مبنی بر کاهش تولید نفت ایران از ۶/۷ میلیون بشکه در روز به ۶/۱ میلیون بشکه در روز دریافت نموده است. سفارت نسبت به این برآورد چندان خوش‌بین نیست، چون بنا به اطلاعات تهیه شده توسط منابع صنعتی تهران ۶/۸ میلیون بشکه نفت در روز تشخیص واقعی‌تری است. (محرمانه)

ام. جانسون
سی. دبلیو. ناس

www.takbook.com



**سند شماره (۱۵)**

**از : CMDT NWC واشنگتن دی. سی.** **تاریخ : ۱۰ مارس ۱۹۷۸ـ ۱۹ اسفند ۱۳۵۶**

**به : سفارت آمریکا در تهران**

**طبقه‌بندی : محرمانه**

**موضوع : NWK-9 سفر تحقیقاتی**

۱ـ از کمک سفارت تشکر می‌کنیم.

۲ـ گروه هشت عضو خواهد داشت، به نامهای کلارک ـ هوارت ـ ناتسون ـ اونیل ـ پاک ستون ـ سندز ـ تایلور ـ تامسون. اونیل ناظر بر کار گروه است و کلارک رهبر گروه.

۳ـ لطفاً چهار اتاق دو تخته در یک هتل متوسط رزرو کنید.

۴ـ مواردی که مورد علاقهٔ گروه است، عبارتند از: منافع امنیتی و سیاست خارجی آمریکا در منطقه خلیج‌فارس، سیاستهای داخلی ایران که مربوط به ثبات و ساخت ملت می‌شود، طرحهای توسعهٔ اقتصادی، درآمدهای نفتی، برداشت ایرانیان از گسترده شد. اقدامات امنیتی و نقش ایران، پیشرفت و آمادگی نظامی.

۵ـ گروه قبلاً از زحماتی که شما در طرح برنامه به خاطر تعطیلات سال جدید کشیده‌اید، تشکر می‌کند و درخواست ملاقات با عالیرتبه‌ترین مقامات را دارد. گروههای قبلی با اعلیحضرت ملاقات کرده‌اند، و این گروه تشکر خواهد کرد اگر زمینهٔ چنین ملاقاتی فراهم شود. مقامات دیگری که مایلیم ملاقات شوند عبارتند از: نخست‌وزیر، وزیر خارجه، وزیر جنگ، وزیر دارایی، وزیر طرح و برنامه، وزیر آموزش و پرورش، و مدیر شرکت نفت ایران، دبیر کل حزب رستاخیز و دانشکده دفاع ملی، که ملاقات با آنها بسیار مثمر ثمر است. گروه همچنین می‌خواهد که ترتیب مرور گزارش ایشان را با تیم کشوری در وهلهٔ اول بدهید، با در نظر گرفتن احتمال با در نظر گرفتن احتمال تأخیر پرواز (گروه در ساعت ۵، ۸ آوریل سوار خواهند شد در نیویورک و وقت ملاقات در وسطهای روز ۱۰ آوریل مناسب است) در صورتی که مقامات به علت تعطیلات حضور نداشتند، در صورت امکان، سفارت ترتیب مسافرت گروه را به اصفهان و دیدار از پایگاه جتهای F-14 در پایگاه خاتمی بدهد. گروه همچنین هزینه مسافرت در کشور را دارد.

www.takbook.com



**سند شماره (۱۶)**

**از : سفارت آمریکا ـ تهران تاریخ : ۱۳ مارس ۱۹۷۸ـ ۲۲ اسفند ۱۳۵۶**

**به : آژانس اطلاعات ایالات متحده واشنگتن دی ـ سی با حق تقدم**

**طبقه‌بندی : استفادهٔ محدود اداری**

**موضوع : دستورات مربوطه به نقشه‌های کشور: مناسبات دوجانبه دربارهٔ ارتباطات**

۱ـ از اواخر قرن گذشته، ایران به عنوان سرپرست ارجح برای معاملات بین‌المللی به ایالات متحده رجوع کرد. ایالات متحده پاسخ مثبت داد و به ویژه پس از جنگ جهانی دوم تعهد مهمی برای حق حاکمیت ایران را پذیرفت. در حالی که جنبهٔ امنیت ملی در مناسبات ایران با ایالات متحده در درجهٔ اول اهمیت قرار دارد. این کشور یکی از ده کشور مهم طرف معامله با ایالات متحده است و یکی از فراهم‌کنندگان نفت به کشورهای دمکراتیک صنعتی است. ایران می‌تواند مدعی داشتن مناسبات ویژه با ایالات متحده باشد و همین کار را هم می‌کند و این رفتار به نحو متقابلی پاسخ داده می‌شود.

۲ـ مناسبات ارتباطی بین ایالات متحده و ایران مناسباتی است که هردو کشور آن را جدی می‌گیرند و در پی توسعهٔ آن هستند.

۳ـ در سطوح برگزیدگان سیاسی ارتباطات بین ایران و آمریکا تسهیل شده است، بدین معنی که این گونه ایرانیان از میان گروه کشورهای خاورمیانه به استثنای احتمالاً اسرائیل و لبنان، از لحاظ آشنایی با زبان بیشترین مهارت را دارند، سفرهای دور و درازی کرده‌اند، دارای تحصیلات عالی هستند (بیشتر در ایالات متحده) علاوه بر این منابع اطلاعاتی دربارهٔ ایالات متحده به سهولت از طریق رسانه‌های گروهی محلی و سایر وسایل در دسترس می‌باشند و هیچ کدام آنها به طور سیستماتیک ایالات متحده آمریکا را آن طوری که نیست جلوه نمی‌دهند یا تحقیر نمی‌کنند. رادیوی زبان انگلیسی و کانالهای تلویزیون به طور عمده وسایلی برای اطلاعات مربوط به آمریکا است و به وسیلهٔ ایرانیان علاقمند تهیه و سرپرستی می‌شود که قابلیت تحمل و مدارای واردات فرهنگی آنها نسبتاً بالا است. تماسهای روبرو با آمریکاییان صاحب نظر و وارد در زمینه‌های مربوط به هدفهای مأموریتی نه‌تنها امکان‌پذیر است، بلکه تحت سرپرستی حکومت ایالات متحده یا دیگران به کرات صورت می‌گیرد.

۴ـ با توجه به اینکه ۶۰ هزار ایرانی در همهٔ سطوح در ایالات متحده تحصیل می‌کنند و کادر حرفه‌ای اینجا با ایالات متحده و طرق آن آشنا است، در پایان هر سال تحصیلی به نحو تصاعدی افزایش می‌یابد. ارتباطات از طریق ازدواج رو به افزایش است. حدود ۵۰ پیوند دانشگاهی بین ایران و ایالات متحده وجود دارد. حدود ۲۵۰ مربی آمریکایی در دانشگاههای مهم ایران (که هفت نفر از آنها از بورس تحصیلی فولبرایت استفاده کرده‌اند) و دهها نفر بیشتر از آنان در نهادهای مختلف آموزشی تدریس می‌کنند. یک جامعهٔ بازرگانی آمریکایی مقیم ایران که از لحاظ تعداد بزرگ و از لحاظ حرفه متنوع است، نیز در ایران فعالیت دارد.

۵ ـ خلاصهٔ گفت و شنود بین ذینفوذهای جهان وطن ایران و همتاهای آمریکایی آنها بسیار فشرده و محکم است و از طریق هر وسیلهٔ قابل تصور دیگری منتقل می‌شود. معذالک قشر برگزیده دارای تعدادی اشخاص است که معلومات انگلیسی آنها ابتدایی است. گفت و شنود با ذینفوذهای کمتر پیچیده به دلایل فرهنگی و زبانی محدود است؛ نبودن این گفتگوها ممکن است یک عامل نامساعد به شمار رود، در

www.takbook.com



صورتی که شرایط حل نشده کنونی در میان کم‌سوادها رو به وخامت برود مسئله‌ای که برای آژانس ارتباطات بین‌المللی (ICA) وجود دارد این است که چگونه این آژانس می‌تواند با تعداد بزرگی از شنوندگان که به طور سنتی از فعالیت ادارهٔ اطلاعات ایالات متحدهٔ آمریکا بدورند راه ارتباط پیدا کند و اینکه آیا می‌تواند چنین راهی وجود داشته باشد یا خیر؟ پخش برنامه‌های به زبان فارسی روی موج متوسط و کوتاه از خارج، اشخاص دارای تمایلات و کنجکاویهای سیاسی را از همهٔ سطوح اجتماعی جلب می‌کند. هرچند این موضوع در هدفهای، میسیون مورد بحث قرار نگرفته، توجه بیشتر آژانس ارتباطات بین‌المللی به آن بسیار بجا است.

۶ ـ یک منبع تشنج ذاتی در مناسبات ارتباطاتی بین ایالات متحده و ایران که در حیطه فعالیت ICA قرار نمی‌گیرد، چیزی است که یک کارشناس آن را «نارضایتی قابل درک در میان حرفه‌ایهای طبقهٔ متوسط از شالودهٔ موروثی سیاست در ایران» توصیف می‌کند. آشنایی با ارزشهای سیاسی آمریکا هرچند غیرقابل انتقاد نیست، بسیاری از ایرانیان را به آن ترغیب می‌کند که از بوالهوسی سیستم خودشان سرخورده و ناراحت بشوند. برای بسیاری از حرفه‌ایهای متفکر که هدف یا آرزوی آنها مهاجرت به ایالات متحدهٔ آمریکا است، گوش دادن به صدای درونی طبیعت ویژه و سنتی ایران توجیه کافی فراهم نمی‌کند.

۷ـ محیط طبیعی ممکن است در مورد ارتباطات رویاروی تأثیر مخالف داشته باشد. در تهران رفت و آمد متراکم و هرج و مرج مانند وسایط نقلیه و آلودگی هوا و تورم و متوقف شدن خدمات عمومی هم و غم آمریکاییهای مقیم و دیدارکننده از ایران (و همچنین تهرانیان) را تشکیل می‌دهد. علاقهٔ آنها به ایران و درک آنها از ایران به طور کلی در حداقل قرار گرفته. در ایالات متحده محیطهای محصور دانشجویان ایرانی که به وسیلهٔ اشخاص غیر واجد شرایط، از لحاظ توانایی زبان و مناسبات فرهنگی پرشده و مورد پشتیبانی ناراضیان آمریکا قرار گرفته،زمینهٔ مناسبی را برای فعالیتهای ضد رژیم و اطلاعات نادرست برای بی‌اعتبار کردن مناسبات ایران و ایالات متحده فراهم می‌کند. به جای اینکه آنها را به موفقیت‌های تحصیلی وادارد، چهرهٔ ایران در میان بعضی از گروههای دانشجوئی در ایالات متحده یک چهرهٔ منفی است. این امر کمیت و کیفیت آمریکاییهایی را که می‌خواهند با ایران ارتباط داشته باشند تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد. ICA در کوتاه مدت می‌تواند در سروکار داشتن با بعضی از این مشکلات از طریق برنامه‌های جهت‌دار، چه در ایران و چه در آمریکا کمک کند.

۸ـ دریچه‌های فرار به خاطر عدم رضایت از اینجا مشهور است. محدودیتها و خویشتن‌داریهای وسایل ارتباط جمعی کمتر شده است. علیرغم بی‌نظمیها، شاه هنوز هم باید تدابیر مربوط به لیبرالیزاسیون را جهت عکس بدهد. سیر تحول تحمیلی بر ایران در راه عدم تمرکز بیشتر در روندهای تصمیم‌گیری باید قابل بهبود باشد. در حالی که ایران مدرنیزه می‌شود، نیروها و گروههای جدیدی به مراکز مهم نفوذ تبدیل می‌شوند. ICA و سفارت در ارزیابی چنین تازه به دورانهایی از لحاظ تولیدات و برنامه‌های ICA همکاری خواهند کرد.

۹ـ نوسازی نظامی، حفظ شتاب اقتصادی، تصمیم‌گیری دربارهٔ قیمت نفت، ابتکارات سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای و امنیت داخلی از انواع هم و غمهایی هستند که به نحو قابل ملاحظه‌ای شامل عدهٔ محدودی از برگزیدگان ایرانی می‌شود، که دستیابی نامحدود و بلافاصله به اطلاعات و شخصیتهای

www.takbook.com



صاحب‌نظر آمریکایی دارند. معذالک یک چنین دستیابی محافل داخلی ایران را دربارهٔ معتبر بودن سیاست ایالات متحده متقاعد نمی‌سازد. سیستم حکومتی ایالات متحده دربارهٔ رسیدگیها و تعادلها که از لحاظ نظری قابل تحسین است روند تصمیم‌گیری را متوقف می‌کند و چهرهٔ ایالات متحده را به عنوان یک متفق قابل اطمینان در مقابله با مسایل حاد بین‌المللی و داخلی (مثلاً شاخ آفریقا یا قانون انرژی) مخدوش می‌کند. محافل داخلی ایران نگرانیهای حقوق بشر حکومت کارتر را با توجه به اینکه اولویت را به رفع نیازهای انسانی می‌دهد، نابجا می‌دانند. بعضی از مسایل مربوط به گفت‌وشنودهای شمال و جنوب با نظر ناهماهنگ تلقی می‌شود زیرا ایران به مفهوم نظام جدید اقتصادی جهان نظر آیینی دارد. پیوند ایران به دلار برای بعضیها ناراحت‌کننده است. روشهای مربوط به نقش رسانه‌های جمعی تفاوت دارد و ایران بیشتر نسبت به این اتهامات همدردی نشان می‌دهد که جهان سوم و جهان چهارم به وسیلهٔ رسانه‌های جمعی غربی به طریقهٔ غلطی معرفی شده است. ICA می‌تواند به بعضی از این نگرانیها از طریق طرحهای مبادله‌ای چندجانبه و سمینارها و اطلاعات زمینه‌ای پاسخ دهد. اینها زمینه‌هایی هستند که مربوط به منافع و نیازهای آمریکا و همچنین ایران می‌باشند و مدارهای متعددی به ویژه در خارج از تهران و در بعضی از نهادهای جدید دانشگاهی برای احتراز از موارد زائد وجود دارد. اینها شامل منابع انرژی متناوب و مسئلهٔ اشاعهٔ نیروهای هسته‌ای و تعالی در تحصیلات و نگرانیهای محیطی و مطالعات آمریکایی و فارسی و ارتباطات در رشد ملی و مشاورت در امور جهت‌گیری دانشجویان و تدریس انگلیسی و پیشبرد بازرگانی و هنرهای زیبا می‌شود.

شلنبرگر

www.takbook.com



## سند شماره (۱۷)

**محرمانه**

**۲۹ مارس ۱۹۷۸ـ ۹ فروردین ۱۳۵۷**

**خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی**

سفیر پرواز خود به جزیرهٔ کیش و مذاکراتش با شاه در آنجا در مورد سفر بگین به ایالات متحده، نارضایی، جنوب لبنان و جنرال موتورز را مرور کرد.

بدنبال یک گفتگوی کوتاه دربارهٔ کلمه اختصاری مناسب برای آژانس ارتباطات جهانی جدید، سفیر از آقای وستلی خواست که در مورد «تحقیق نمودار سرمایه‌گذاری بی واسطهٔ آمریکا در خارج» اطلاعاتی بدهد. شرکتهای آمریکایی باید بدانند که غفلت در پاسخگویی یک خطای قابل تنبیه است.

سفیر گفت که خبر دارد که تیمسار ربیعی به هیئت مستشاری نظامی گفته بود که بوئینگ AMST برای خرید غیرنظامی مورد تأیید قرار گرفته بود. ژنرال گست اظهار داشت که موضوع را از پنتاگون تحقیق کرده بود و خبر یافته بود که اطلاعات ربیعی غلط بودند ـ بنابراین ژنرال گست تیمسار ربیعی را آگاه خواهد نمود.

سفیر چند موضوع امنیتی را مطرح کرد: (۱) نامه‌ای که به سرویس اطلاعات ایالات متحده USIS در کابل داده شده و زمزمه می‌شود که کار چریکها بوده (۲) دستوری که به ما برای تشکیل کمیتهٔ مراقبت هیئت نمایندگی رسیده (۳) تهدید بمب‌گذاری در کلیسای کامیونیتی (۴) دستورالعمل نحوهٔ مقابله با هواپیماربائی، تهدیدات دائر بر هواپیما ربایی و تهدیدات دایر بر خرابکاری (۵) تلگرام در مورد احتمال ایراد خسارت به تأسیسات نفتی.

در موضوع یدک‌کشهایی که به اقیانوس هند می‌روند، سفیر از آقای مارتین خواست که تلگرام کند که ما باید در این مورد خود را در مرخصی فرض کنیم تا بعد اگر لازم شد به امور اقتصادی بپردازیم. سفیر از آقای وستلی خواست که پیش برود و تحقیقی پیرامون احتمال فروش پوشاک پا به ایران به عمل بیاورد هرچند که این کمی شبیه بردن آب به سرچشمه است.

سفیر از آقای فری خواست که به تقاضای پیشاهنگان برای کاشت درخت در اینجا طی گردهمایی سال ۱۹۷۹ رسیدگی کند. آقای فری گفت که این تقریباً یک رویداد فرهنگی بود. سفیر جواب داد که آن یک رویداد کشاورزی بود. امکان استفاده از بیلهای کرمی برای کندن چاله‌ها به اختصار بررسی شد.

سفیر از آقای تیلور خواست که از اجرای توصیه‌هایی که اخیراً در رابطه با مسئله بدرفتاری با کودکان اعلام شده اطمینان حاصل کند و آن را دنبال نماید.

وزیر مختار گفت که فردا در چندین شهر اجتماعاتی برای یادبود چهلم شورشهای تبریز برپا خواهد شد.

آقای شلنبرگر گفت که در رابطه با «تهران ۷۸» با واشنگتن صحبت کرده و آنها کوشش خواهند کرد تا با نلسون راکفلر و نانس هنکز تماس بگیرند. آلمانیها و انگلیسها هرکدام نمایشهای معتدلی ارائه خواهند نمود. خبری که از اصفهان داشتیم این است که دولت حاضر است به عنوان یک ژست سمبلیک مقداری زمین به انجمن ایران و آمریکا اعطاء کند. ژنرال گست گفت که ژنرال هویزر مسرور خواهد شد که با خانوادهٔ سولیوان یک شام خانوادگی صرف کند. وی همچنین گزارش داد که پایگاه هوایی بندرعباس دیروز در جریان یک مأموریت آموزشی یک هواپیمای اف ـ ۴ از دست داد. وی گفت که طبق اطلاعش

www.takbook.com



معاون الکساندر سفر خود به ایران را برای سی روز به تأخیر خواهد انداخت.

آقای وستلی گزارش داد که با نمایندگان شرکت آمریکایی که به دولت ایران برای مترو،لوازم حفاری تونل می‌فروشد، ملاقات داشته است. در رابطه با قناتها و فاضلابها به او گفت که ماشینها محفوظ خواهند بود، اما کارگران به تجهیزات مخصوص هوای بد احتیاج خواهند داشت.

آقای لمبراکیس به اجمال گزارشی دربارهٔ سفرهای خود در منطقهٔ خلیج ارائه داد. آقای فری دربارهٔ سفرهای خود به شوروی گزارش داد.

آقای مارتین گفت که فردی به نام آقای «جی‌ایس» از TRW در رابطه با کوشش TRW برای اینکه مترجم سیستم دفاع هوایی شود بدیدارش آمده بود.

وابستهٔ ارتش به کوتاهی دربارهٔ حضور ایران در ظفار چیزهایی اظهار داشت.

www.takbook.com



## سند شماره (۱۸)

**۵ آوریل ۱۹۷۸ـ ۱۶ فروردین ۱۳۵۷**

**خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی**

سفیر گفت که او و آقای بروین دیروز از وزارت صنایع دیدار کرده بودند تا در مورد سه پروژهٔ سرمایه‌گذاری آمریکایی که هیچ کدام وضعیت خوبی ندارند، صحبت کنند. از طرف دیگر، شرکت اتومبیل‌سازی فورد به نظر می‌رسد که میرود تا یک قرارداد برای یک طرح بزرگ تولید اتومبیل ببندد.

سفیر اواخر روز گذشته به وزارت خارجه خوانده شد تا قسمتهایی از پاسخ دولت ایران به اطلاعیه حقوق بشر آمریکا راکه توسط وزیر خارجه خوانده شد، بشنود. سفیر گفت که وی از دکتر استمپل خواهد خواست تا به MFA رفته و یک کپی از آن را بعد از اینکه حاضر شد، دریافت نماید.

پیغامی مربوط به پذیرش خانم ازهاری به بیمارستان دریایی بتسدا دریافت شده است. کلنل مکنزی اقدامات لازم را برای آگاه کردن وی تا قبل از صبح ۶ آوریل به وقت واشنگتن خواهد کرد.

در رابطه با پیام مربوط به سلسله مراتب پذیرش (قانونی) برای نفت خام جهت ذخیره نفت آمریکا، آقای بروین از آقای بش خواهد خواست تا پاسخ دهد.

یکی از شاهزاده‌های پهلوی برای یک دورهٔ هشت ماهه تعلیم هلیکوپتر عازم آمریکا است.

سفیر پرسید که آیا سازمانهای امنیتی آمریکا مطلع شده‌اند. آقای مارتین از ادارهٔ تحقیقات ویژه خواهد پرسید.

آخرین پیام از سیل پیامهایی که در مورد افزایش پرسنل هستند، امروز صبح وارد شد و در آن درخواست شده بود که از هر منصب اصلی آمریکا و کارکنان محلی سرویس خارجه یک نفر، و از هر منصب برنامه‌ریزی آمریکا و کارکنان محلی سرویس خارجی یک نفر کاسته شود. مک لوکلین وضع ما را بررسی خواهد کرد.

سفیر از آقای بروین از جدیدترین اخبار در مورد موضوع ماهوارهٔ جهانی ارتباطات رادیویی رومانی و از آقای مارتین در مورد هویتزرهای مراکش پرسش نمود. در هر دو موضوع، به نظر می‌رسد که مشکلات نوروز در جهت برقرار نمودن تماس با افراد دولت ایران باعث اشکال و تأخیر شده است.

وزیر مختار شب گذشته با سفیر آلمان شرقی که گزارش داد، که اوضاع جاری در مورد روابط آنها با ایران به نظر بهتر و روشنتر می‌رسد، صحبت کرد. یک نماینده بلندپایه در آیندهٔ نزدیک به تهران خواهد آمد. آقای شلنبرگر گفت که «رولوف بنی» با ما تماس خواهد گرفت تا ترتیب به نمایش درآمدن عکسهای او را در آمریکا بدهیم.

پیرامون اینکه آیا یک چنین نمایشی اگر به توسط دولت ایران از لحاظ مالی پشتیبانی شود، دانشجویان ایرانی آشوب‌طلب و دیگر اینچنین اوباشی را جلب خواهد کرد، بحث و تبادل نظر شد. پرویز عدل، سخنگوی وزارت خارجه، شب گذشته در تلویزیون اعلام داشت که یک گروه جدید از وزارت خارجه تشکیل خواهد شد، تا ایرانیان خارج از کشور را از جریانات واقعی پشت صحنه اغتشاشات اخیر آگاه سازد. ژنرال گست امروز بعد از ظهر برای ملاقات با استتسون عازم شیراز می‌شود. پیرامون موضوعاتی که شاه ممکن است در ملاقاتشان مطرح کند، قدری بحث شد. سفیر پیشنهاد کرد به لیست آقای مارتین که شامل چیزهایی است که کارتر اجازه فروش آنها را داده است نگاهی بیاندازند. او همچنین از ژنرال گست

www.takbook.com



خواست تا به گواهی AMST[1] نگاهی بیندازد. ژنرال گست گفت که او با ربیعی صحبت کرده است. در رابطه با تحقیقات امنیتی، دو پایگاه کامل شده و یکی به زودی به اتمام خواهد رسید. آقای بروین، «رالف باک» را که یک مسئول اقتصادی ـ تجارتی جدید است، به دیگران معرفی نمود. آقای بروین گفت که او شب گذشته با آقای «سوبر» در مورد وام و اجاره صحبت و اجاره صحبت کرده است. مقداری پیرامون مسئله‌ای که آقای گارنیتز از (بخش) تجارت و بازرگانی احتمالاً می‌خواهد در مورد آن ـ در رابطه با آینده «مرکز تجارت» ـ صحبت کند، بحث شد. آقای بروین و آقای رینو برای اتخاذ یک سیاست واحد برای هیئت نمایندگی با سفیر دیدار خواهند کرد.

آقای لمبراکیس پیرامون شایعات اخیر در مورد شلوغیها، بمب‌گذاریها، تظاهرات و رفتارهای عمومی غیراصولی گزارشاتی داد. دولت ایران به وضوح مصمم است که کلیهٔ فعالیتها را به اطلاع عموم برساند، تا بدین وسیله احساسات عمومی را بر علیه اغتشاش و لات‌بازی برانگیزد.

در رضائیه مجیدی ریاست اولین جلسه یک گروه رستاخیز را که به منظور مقابله با آشوبگران تشکیل شده بود بر عهده داشت. سفیر توضیح داد که ساختمان جدید حزب رستاخیز که به سرعت بالا می‌رود، پنجره‌های اندکی دارد (علاوه بر معنای بدیهی جمله این است که به حقایق امور زیاد التفات ندارد ـ مترجم)

آقای فری از سفیر برای شرکت در نمایش غذای شب گذشته تشکر کرد. او گفت که «مرد لوبیا» و «مرد گوشت» خیلی کار کردند. این گفتهٔ آقای مهدوی که ایران بیشتر سرمایه‌گذاری مشترک می‌خواهد تا خرید بیشتر غذای خارجی مورد توجه واقع شد.

---

۱ـ ترابری پیشرفتهٔ پرواز و فرود کوتاه از نوع متوسط آقای مارتین گزارش داد که او امروز صبح بروشور GE که برای تبلیغ ناوچه‌های آلمانی بودند را دریافت داشت. او همچنین در مورد ملاقاتش با نماینده شرکتی که اژدرهای «شماره ۴۸» را تولید می‌کند، صحبت کرد. آنها همچنان این امکان را می‌دهند که بتوانند آنها را احتمالاً به ایران بدهند. برنامهٔ دانشکدهٔ ملی جنگ همچنان به خوبی مستحکمتر و بهتر می‌شود. آقای مک لافلین گزارش داد که جان کانلی از NEA/EX فردا می‌رسد و کار با سرعت در جهت درست کردن یک ساختمان ویزای دانشجویی تا قبل از ماه ژوئن همچنان ادامه دارد.

www.takbook.com



## سند شماره (۱۹)

**محرمانه**

**۱۹ آوریل ۱۹۷۸ـ ۳۰ فروردین ۱۳۵۷**

**خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی**

(سفیر) سولیوان جلسه را با مروری از وقایع هفتهٔ پرکار گذشته آغاز کرد. ایرانیها با ارسال سرباز بیشتر به جنوب لبنان موافقت کرده‌اند؛ دولت ایران رئیس کمیتهٔ پنجم خواهد شد؛ وزرای خارجهٔ سنتو در لندن تشکیل جلسه داده‌اند؛ ژنرال هویزر از تهران دیدن کرد؛ ژنرال گریوز اکنون اینجا (تهران) است؛ رأی کانال پاناما امروز صبح تصویب شد؛ و ونس عازم مسکو می‌باشد.

سفیر از آقای لمبراکیس خواست تا گزارشی در مورد شرکت ایران در جلسهٔ ویژهٔ خلع سلاح در نیویورک بدهد. او از کلنل واندر میر خواست تا یک نسخه از پیام مربوط به سازگاری آواکس ایران و ترکیه بدهد. او از آقای شلنبرگر در مورد برنامهٔ کشوری آژانس ارتباطات جهانی ایالات متحده سؤال نمود.

وزیر مختار از همهٔ کنسولهایی که در حال نوشتن گزارش‌های کارآیی کارمندها هستند، خواست که تا فردا آنها را به اتمام رسانده و به مسئول بررسی برسانند.

آقای شلنبرگر گزارشی در رابطه با فعالیتهای اخیر آژانس ارتباطات بین‌المللی ایالات متحده داد. گروه تأتر لال‌بازی ظرف چند روز آینده در اصفهان و شیراز ظاهر خواهد شد. یک گروه دبیرستانی از آمریکا در شهر است که در جهت بهتر نمودن برنامهٔ تحصیلات سرزمینهای خارجی مشغول به کار می‌باشد. هفتهٔ آینده قاضی هوفستدلر (به اینجا) خواهد رسید.

سفیر گفت که یک گروه خانم، از جمله خانم پاتراستوارت در شهر است. برنامهٔ آنها شامل دیدار با شهبانو فرح و پرنس اشرف می‌باشد. سفیر در مورد گروهی که عکس آنها در حالی که سلام خانم کارتر را به شهبانو می‌رساندند، در روزنامه‌های امروز چاپ شده بود، پرسش کرد. کسی آنها را نمی‌شناخت. (نکته: آنها خانم و آقای کارلتون هیکس و خانم و آقای جیمس بیشاپ دوستان شخصی کارترها بودند).

کلنل واندرمیر گفت که ژنرال گست با ژنرال گریوز در جنوب بسر می‌برند. او از سفیر در مورد ملاقات ۲۹ـ۲۳ آوریل توسط ژنرال استون که به زودی جانشین ژنرال مولر می‌شود، پرسید.

آقای لمبراکیس گزارشی در مورد حملهٔ «ژورنال دو تهران» به سخنگویان رسمی که جملاتی از قبیل «ایران از خطرناکترین زمان در تاریخش عبور می‌کند» اظهار می‌کنند، داد. وی همچنین گزارشی به وسیلهٔ مجیدی، انصاری، عاملی را مطرح و پیرامون آن بحث کرد. جملات عاملی دربارهٔ دخالت خارجی در ایران جالب بودند.

سفیر در مورد تبلیغات یک رستوران که بر روی دیوار سفارت نوشته شده بود، سؤال نمود.

آقای لمبراکیس گفت که او از انگلیسیها شنیده که کمیسیون مشترک ایتالیایی منحل شده است و این پیش‌بینی گزارش داد که انگلیسیها نیز به زودی نوبتشان خواهد شد.

شایع است که دولت آموزگار تصمیم گرفته است که کمیسیونهای مشترک به درد آینده نمی‌خورند.

آقای بویس از ملاقات معاون وزیر حمل و نقل داون پورت، که برای ادامهٔ تجارت (مسایل) کمیسیون مشترک که در واشنگتن پیرامون آنها بحث شده بود، در شهر است، گزارشی داد.

آقای رینو دربارهٔ جلسهٔ مرکز تجارت با نمایندگان بازرگانی و دولت صحبت نمود و آن را «خوب و

www.takbook.com



مفید» توصیف کرد. او از سفیر برای معرفی خوب و ساده‌اش تشکر کرد.

سفیر از آقای ددیچ پرسید که آیا وی در طی ملاقات خانم فالکو در اینجا خواهد بود، آقای ددیچ اظهار داشت که وی اینجا خواهد بود منتهی دکتر استمپل مشغول استراحت و تفریح خواهد بود. آنها پیشنهاد می‌کردند که فالکو برنامهٔ سفر خود را تغییر بدهد تا بتواند با دکتر ملاقات بکند.

آقای بنرمن در مورد کارهای اتمامی تالار جدیدمان صحبت کرد. او تقاضای یک هفته مهلت قبل از شروع انتقادات کرد.

www.takbook.com



**سند شماره (۲۰)**

**تاریخ : ۲۵ آوریل ۱۹۷۸ـ ۵ اردیبهشت ۱۳۵۷**

**از : سفارت تهران**

**به : وزارت خارجه، واشنگتن دی ـ سی**

**طبقه‌بندی : محرمانه**

**موضوع : نقطه‌نظرهای انگلیسیها در مورد وقایع ایران**

۱ـ صحبتهای معاون ساندرز با دستیار معاون FCO «ویر» و آقای وزیر، لوکاس در ۱۸ آوریل، در رابطه با اوضاع ایران برای ما جالب بود. بسیاری از نقطه‌نظرها که توسط مأمورین FCO ارائه شد، مورد موافقت ما است اما اختلافاتی در شیوهٔ کلی داریم که شاید ناشی از تراکم مکالمات نسبتاً کوتاه باشد.

۲ـ شاه به سفیر سولیوان یادآور شده که توجه او برای پیشبرد مراحل برنامه‌های لیبرالیزاسیون داخلی همچنان مورد توجهش می‌باشد. همان طور که انگلیسها اشاره کرده‌اند، این مشکلات بسیاری را ایجاد می‌کند و ما نمی‌توانیم به طور مطمئن نتیجه‌گیری کنیم که شاه مایل به ایجاد نهادهای اصیل سیاسی نیست، زیرا تشخیص کلمهٔ اصیل در فارسی دشوار است و به آسانی نمی‌توان دوره‌ای از تاریخ ایران مدرن را به خاطر آورد که چنین نهادهای سیاسی وجود داشته و نافذ هم باشند.

۳ـ مشکل شاه به نظر ما بیشتر از فشار برای ایجاد نهادهای مدرن است که در عین حال جناح خود را از افراطی‌های راست و چپ و روابط خود را با رهبران محافظه‌کار مذهبی، که اثر زیادی بر مردمش دارند، حفظ می‌کند. یک عامل تصادفی در برخی از همکاریهای جاری بین ناراضیان مذهبی و سایرین (جناح چپ و روشنفکر) وجود دارد، اما مشکل است که عامل اساسی یک تصادف باشد. بلکه آنچه که ما در حال تجزیه و تحلیلش هستیم این است که شکست روابط بین نهاد متجددانهٔ اطراف شاه و محافظه‌کاران مذهبی، می‌تواند جداً به عدم ثبات داخلی منتهی شود که جناح چپ قدیمی و جبههٔ ملی، مخالفان این سلطنت محافظه‌کار، با مخالفان این سلطنت محافظه‌کار، با هشیاری از آن مایه بگیرند.

همان طور که انگلیسها می‌گویند این وضع تا حد معتنابهی به دست خود شاه پیش آمده است، به نظر می‌رسد که در جریان سعی برای دخالت دادن مردم در فعالیتهای سیاسی و ارتباط بیشتر، یک حملهٔ خام و بدون حساب روزنامه‌ای به یک مخالف دینی دست راستی (آیت‌الله خمینی)، طغیان قم را سبب شده باشد.

۴ـ در حالی که ما در این مورد با سفارت انگلستان موافقیم و نیز با FCO در مورد اینکه یک بعد اقتصادی برای نارضایتیها در حال حاضر وجود دارد، ریشه‌های نارضایتی برمی‌گردد به سالها قبل و صف‌بندیهای سیاسی و درگیریها، و ما فکر نمی‌کنیم انگلیسها از ما بیشتر معتقد باشند که درمان در بهبود وضع اقتصادی نهفته است. تکنیک شاه در کنترل ارتش، نیروهای امنیتی، وزراء و سایر مقاومت‌کنندگان بالقوه با سلطنت او بیشتر شبیه ستونهای موازی است تا یک هرم. اما این امر برای خود او خوب کار کرده است. به خصوص وقتی با آنچه در کشورهای مجاور گذشته، مقایسه گردد.

۵ـ در حالی که ناآرامیهای ایران در حدود ۱۵ سال است (از ۶۳ـ ۱۹۶۲)، بدترین حالات را می‌گذراند، اما شیوهٔ شاه در مقابل آنها بسیار پیچیده است. سفارت درصدد تهیه و ارسال یک تجزیه تحلیل مفصل‌تری در مورد وقایع عمدهٔ ایران در سال گذشته است که نظر ما را در مورد اهداف شاه و سیاستهایش و برآورد اینکه جریانات به کجا می‌انجامد. بیان خواهد داشت.

سولیوان

www.takbook.com



## سند شماره (۲۱)

**محرمانه**

**۲۶ آوریل ۱۹۷۸ـ ۶ اردیبهشت ۱۳۵۷**

**خلاصهٔ مذاکرات هیئت مسایل مملکتی**

سفیر سولیوان جلسه را با گزارشی در مورد اینکه ما بالاخره دستور ادامهٔ مذاکرات دوطرفهٔ انرژی اتمی را دریافت داشتیم، آغاز نمود. آقای میکلوس امروز با منصور ملاقات خواهد نمود. طبق گزارشات رسیده از واشنگتن به نظر می‌رسد که در قانون فروش هواپیما به خاورمیانه مشکلی پیش آمده است. کنگره میزان فروش را پایین آورد، ایران نیز تحت تأثیر این جلسه قرار خواهد گرفت.

سفیر تفسیری در مورد میهمانان برجستهٔ ما، رونالد ریگان، جرج بوش و مارگارت تاچر نمود و ادامه داد به نظر می‌رسد که تهران محل تجمع حزب مخالف کنگره خواهد بود.

سفیر در مورد آن نمایندهٔ مجلس که مخالف بمب‌گذاریهای تهران بود از دکتر استمپل سؤال نمود. دکتر استمپل گفت که او همان مزاحمی بود که اخیراً لایحهٔ سانسور دولت در مورد تبریز را ارائه داده است.

سفیر در مورد مفاد درخواست برای تسلیم پاسپورتهای کارکنان شرکت بل به شرکت از آقای گوئلز سؤال نمود. آقای گوئلز گفت که شرکت مزبور صرفاً برای گرفتن اوراق مربوط به کار و غیره به این پاسپورتها نیازمند است. این عمل وقت خیلی زیادی می‌گیرد. ولی پاسپورتها دوباره بازگردانده می‌شود.

آقای میکلوس گفت که دپارتمان رسماً ما را به دلیل عدم وصول به موقع برنامهٔ مالی بر روی برنامهٔ زیان توبیخ نموده است. او گفت PER، بر روی این موضوع حساسیت دارد.

آقای شلنبرگر گزارشی در مورد بازدیدکنندگان فعلی آژانس ارتباط بین‌المللی آمریکا داد. قاضی شرلی هوفستدلر، پروفسور دیوید آبتر، کارشناس انرژی خورشید «جری و نگارتر» و اهالی آمریکا برای شرکت در کنگرهٔ علمی همگی در شهر هستند و یا در راهند. گروه آخر شامل رابی کرف، دخترش، معلم سرخانه‌اش و فرانسیس نایت است.

آقای شلنبرگر گفت که شنیده است که دیروز برخوردی جدی بین گروههای موافق و مخالف رژیم در دانشگاه تهران رخ داده است. کلاسها در سه دانشکده تعطیل شده. او همچنین گفت که در اطراف دانشگاه ملی اعلامیه‌هایی مبنی بر اینکه شاه نوکر کارتر است به چشم می‌خورد. او متذکر شد که این کارها از سوی مخالفین رژیم انجام می‌گیرد. آقای شلنبرگر عده‌ای از دوستداران را دعوت به دیدن فیلمی از سفیر «رینهارت» در مورد سازماندهی جدید در آژانس ارتباط بین‌المللی آمریکا نمود. در جواب سؤالی از طرف آقای بروین، سفیر گفت که او با سفیر برسون دربارهٔ مین‌گذاری دریا صحبت کرده است. انگلیسیها این عقیده را به گوش ایرانیان رسانده‌اند، گرچه نتوانسته‌اند مستقیماً این موضوع را با انصاری در شرکت نفت جنوب در میان بگذارند. دکتر استمپل گزارشی از سوی رستاخیز در مورد تصحیح گفتهٔ شاه که گفته بود تورم به ۱۲/۶٪ رسیده است ابراز داشت. پس از تصحیح اشتباه چاپی، گزارشگر نرخ تورم را ۱۷/۶٪ اعلام می‌کند ولی هنوز معلوم نشده است که چه کسی در حین چاپ ارقام را عوض کرده است.

در گزارش دیگر حزب، عضو مرکزی حزب رستاخیز امروز جهت شرکت در راهپیماییهای مردم به اصفهان عازم است. آقای فری گزارشی جز رفتن به مزرعهٔ مهدوی در طی مسافرت خود نداشت. مهدوی مقداری توت‌فرنگی تازه برای سفیر فرستاد و او آنها را در عوض انگورهای ترش به فرماندار ریگان

www.takbook.com



خواهد داد. فرمانده هاک گزارش داد که هنوز به نظر می‌رسد که هلندیها ۴ تا ۸ بازار فروش کشتیهای تفریحی را در دست دارند. نمایندگان آلمانی دیروز ایران را ترک کردند و بر طبق برنامه در ماه ژوئیه، بر خواهند گشت.

سفیر گفت که بعضی از مقامات آلمان به او گفته‌اند که ایرانیان حدود انتخاب خود را بازگذاشته‌اند تا زمانی که ببینند آیا آمریکا استفاده از یک سری سلاحهای کامل ساخت آمریکا را به تصویب خواهد رساند یا نه.

آقای دویچ گزارشی را در مورد انقضای یک قرارداد جدید اظهار نمود. دکتر آدلر گفت که بر طبق شایعات دانشمندانی که همراه پرزیدنت شیل هستند، باید با دولت ایران در مورد دو نیروگاه اتمی دیگر مذاکره نمایند. او گفت این عمل اضطراب‌آمیز بود، چون با اطلاعات وستینگهاوس در مورد طرح خریدهای ایرانیان مغایرت دارد.

www.takbook.com



## سند شماره (۲۲)

**محرمانه**

**۳ مه ۱۹۷۸ـ ۱۳۵۷/۲/۱۳**

**خلاصهٔ مذاکرات هیئت مسایل مملکتی**

سفیر سولیوان جلسه را افتتاح کرد و گفت که وقایع افغانستان موجب تغییری اساسی در موقعیت استراتژیک منطقه شده است. برای ایرانیها کودتا، کابوسی است که به حقیقت پیوست. ما می‌توانیم انتظار تغییراتی در روش روسها، افغانها و مخالفان ایرانی داشته باشیم. او گفت ما مشغول بررسی شناسایی رژیم جدید هستیم.

ویلیام باتلر از کمیسیون بین‌المللی قضاوت در شهر بود. او شاه را در جنوب دید و نقطه‌نظرهای خود را در مورد تغییرات در سیستم قضائی ارائه داد. شاه ظاهراً نظریات باتلر را پذیرفت. آقای لمبراکیس در این مورد تلگرامی فراهم می‌کند.

سفیر از آقای مارتین در مورد مطلب بمب نوترونی سؤال کرد. آقای مارتین با گودرزنیا آن را به عهده خواهند گرفت.

ما پیامی از نلسون راکفلر در مورد قصهٔ او برای دیدن شاه در جزیرهٔ کیش در روز ۵ می داریم. سرگرد مکنزی وضع ذخائر سوخت را بررسی خواهد کرد.

سفیر اشاره کرد که این آخرین جلسه «هیئت کشوری» آقای میکلوس بود. او پس از ۱۳ سال کار در رابطه با ایران، گفت که دقیقاً وقایع ایران را از موضع جدید خود، تحت نظر خواهد داشت.

آقای میکلوس سپس پیشنهاد ایران را مبنی بر فراهم کردن نیروهای بیشتری برای نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل در لبنان مشروط بر عقب‌نشینی اسرائیل مورد بحث قرار داد. در گزارش آخر خود او اطلاع داد که وزارتخانه تصمیم گرفته که گزارشات قوانین دریایی بسیار مفصل و جزء به جزء بوده و ما از حالا فقط خلاصه‌های هفتگی را دریافت می‌کنیم.

آقای شلنبرگر گزارشی در مورد نمایش «آموزش اخلاق از طریق هنر» که به اقتضای مناسبت توسط شاهدخت اشرف گشایش یافت، داد. هنگامی که آنجا بود با معاون ریاست پروتکل صحبت کرد که می‌گفت مطمئن است که کودتای افغانستان از روسیه دیکته شده است.

ملاقات قاضی «شرلی هوفستدلر» به خوبی برگزار شد و «دیوید آبتر»، دانشمند علوم سیاسی «ییل» آخر این هفته می‌آید.

سفیر خاطرنشان کرد که خاخام کورف را دیروز دیده بود؛ خاخام و اطرافیانش در حال ایجاد یک طرح نسبتاً بزرگی هستند.

دریادار کنلی گزارش داد که مأمورانی که با نمایندهٔ محلی فورد قرارداد منعقد می‌کردند، فهمیدند که سفارشاتی را که به فروشنده می‌دادند را ثبت نمی‌کند. آقای بانرمن تحقیق خواهد کرد.

آقای بروین گزارش آمار جدید ما را از تجارت خارجی ایران در سال مالی گذشته داد. واردات غیر نظامی تا ۳/۴ درصد و صادرات غیر نفتی تا ۷ درصد افزایش یافته است و این هردو تا حد زیادی به تورم مربوطند. آقای لمبراکیس در مورد وقایع متوالی و ملاقاتهای وزرای خارجه ایتالیا و مراکش گفتگو کرد.

آقای فری گزارشی در مورد دیدار پیشنهادی وزیر کشاورزی با وزیر برگلند ارائه داد. سفیر پرسید آیا

www.takbook.com



این مسئله با وزارت خارجهٔ آمریکا مشورت و هماهنگ شده است که پذیرایی مناسبی در بندر ورودی آمریکا به عمل آید؟ آقای فری گفت که بررسی خواهد کرد.

آقای مارتین در مورد تلاش GOULD در مورد فروش موشک‌اندازهای زیردریایی MK-48، گزارش داد. ظاهراً دریادار حبیب‌اللهی به نیروی دریایی آمریکا نوشته و اطلاعاتی در مورد موشک‌انداز زیردریایی خواسته تا ببیند چه وقت تولید می‌شود و اگر تولید شد و به دست رسید آیا برای زیردریاییهای آلمانی مناسب است یا نه؟ دریادار کلنی گفت که زیردریایی احتمالاً هرگز تولید نخواهد شد.

آقای جینگلز گفت که او این شنبه ملاقاتی در رابطه با مسئلهٔ زمین در تبریز خواهد داشت. او خاطرنشان کرد که معامله همچنان در حال پیشرفت است.

آقای بیرنز گزارش داد که بنگاه هوانوردی کشور (FAA) در حال حاضر ۶ نفر از ۹ نفر متخصصین دائم خود را در صحنه دارد. بودجهٔ ۱۸/۵ میلیون دلاری به وزارت جنگ ارائه شده که قسمت اساسی آن برای کالاها و خدمات آمریکا است. امید می‌رود که یکی از اجزای اصلی آن برج جدید مهرآباد باشد.

سفیر در مورد سانحهٔ T-34 سؤال کرد. آقای بیرنز تشریح کرد که هواپیما در حال یک نمایش تمرینی بود.

آقای وستلی که تازه از افغانستان برگشته بود، گزارشی در مورد نقطه‌نظر یک نفر در مورد کودتا داد.

آقای رینو اطلاعیه‌ای از روز بین‌المللی خورشید (International Sun Day) را با گزارش اینکه نیروی خورشیدی احتمالاً بهترین کار مرکز تجارت بود، ارائه داد.

آقای اسنو گزارش نمایش انجمن ایران و آمریکا از ۱۲ هنرمند معاصر آمریکایی را داد. آقای میکلوس در اظهارنظر آخر خود گفت که معمولاً کلمهٔ معاصر به عنوان «دیوانهٔ جهنمی» ترجمه می‌شود.

www.takbook.com



## سند شماره (۲۳)

**محرمانه**

**خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی** **۱۰ مه ۱۹۷۸ـ ۱۳۵۷/۲/۲۳**

کاردار در غیاب سولیوان (سفیر) که در یک کنفرانس مطالعات آمریکایی تحت نظر انجمن ایران و آمریکا (ICA) در شیراز شرکت کرده بود، ریاست جلسه را به عهده داشت. آقای ناس خواست که آقای جینگلز لیستی از کمیسیونهای سفارت تهیه کند و جدولی از جلسات کمیسونها قبل از آمدن بازرس فراهم کند. دیشب آقای ناس شنوندهٔ یک سخنرانی تحت عنوان بی‌اثری سیاست خارجی آمریکا، از آقاشاهی مشاور خارجی پاکستان، که ملاقاتی با وی داشت، بود.

آقای زیشک گزارش داد که تظاهرات در دانشگاه پهلوی بر جلسات کنفرانس مطالعات آمریکایی تأثیری نگذاشت. دیروز انجمن ایران و آمریکا در اصفهان تهدید به بمب‌گذاری در آن شد. ساختمان بلافاصله تخلیه گردید اما بمبی کشف نشد.

ژنرال سیکورد (Secord) گفت که هیئت مستشاری نظامی گزارشاتی مبنی بر تظاهراتی که دیروز در آنجا انجام گرفت، دریافت داشته. آقای بروین گفت که یک هیئت تجارتی بزرگ نروژی در تهران هستند و بخش اقتصادی گزارش نتیجهٔ ملاقات آنها را خواهد داد. یک شرکت آمریکایی «شرکت منازل ملی» نیمی از یک قرارداد جدید برای خانه‌های پیش‌ساخته را دریافت کرد. نیمهٔ دیگر توسط کنسرسیوم سوئیسی دریافت شد که مقداری سهم آمریکایی دارد.

آقای لمبراکیس مروری بر مقالات مطبوعات در مورد تظاهرات در سطح کشور نمود. ظاهراً در شیراز، دکتری به جرم توزیع مطالب تخریبی توسط دادگاه نظامی بازداشت شد، چون دادگاه عادی دستورالعملی در این مورد نداشت.

آقای ناس تذکر داد که مشکل است آمار دقیقی از زندانیان آزاد شده یا بازداشت شده داشته باشیم و خاطرنشان کرد که گزارشات سفارت این امر را در نظر داشته باشند.

آقای فری گزارشی از ملاقات نمایندگان انستیتوی تخم‌مرغ و مرغداری آمریکایی و نمایندگان «برنج عمومی» داد. شرکت اخیر در توزیع تولیدات خود مشکلاتی دارد. فقط ۵۰۰۰ تن از نیم میلیون محمولهٔ آن به فروش رفته است.

آقای مارتین گفت که دیروز توسط معاون نیروی زمینی، الکساندر در معیت ژنرال گست (از نیروی هوایی آمریکا) و با حضور دریادار حبیب‌اللهی از دولت ایران، گزارشی دقیق از (USS Caron (DD-970 به سرتیپ آذری داده شد. در موردی دیگر ما دریافتیم که دولت ایران بعضی از قراردادهای نظامی بلندمدت را عمدتاً مربوطند به لوله‌های آتشبار، کاهش خواهد داد.

آقای جینگلز دو حادثهٔ در شرف وقوع را اطلاع داد، فردا یک فیلم ویدئو از فروش F-14 در کاروانسرا نمایش داده خواهد شد. روز ۱۲ می به خاطر گشایش استخر شنای سفارت یک میهمانی خواهد بود.

آقای گوئلز، ریچاردسون عضو جدید بخش کنسولی را معرفی کرد.

ناس از آقای فالمر خواست که ارقامی از فروش صادرات آمریکا از وزارت بازرگانی، در رابطه با ازدیاد فعالیتهای مرکز بازرگانی تهران (اتاق بازرگانی) کسب کند.

آقای دیش در مورد یک دورهٔ تعلیماتی پلیس تهران در رابطهٔ با مأموران گمرک، همکاری خواهد کرد.

www.takbook.com



او همچنین در مورد دستگیری دو ایرانی در هلند به خاطر مبادلهٔ هروئین گزارش داد.
آقای بنرمن گزارش داد که رستوران لافونتن اصفهان قبل از برنامهٔ شام که برای وزیر الکساندر ترتیب داده شده بود، تهدید به بمب‌گذاری شده بود. میهمانی وزیر را به هتلشان انتقال دادند. به نظر نمی‌رسد تهدید علیه گروه آمریکایی بوده باشد.
آقای کارلتون از گزارشات دریافته است که آلمانیها و فرانسویها ممکن است هریک دو راکتور دیگر اینجا بفروشند شایع است که ژاپنیها هم امکاناتی در این مورد داشته باشند. این گونه معاملات ما را در تنگنا قرار خواهد داد.

www.takbook.com



## سند شماره (۲۴)

**محرمانه**

**خلاصه گزارش هیئت مسایل مملکتی** **۱۷ مه ۱۹۷۸ـ ۱۳۵۷/۲/۲۷**

سفیر جلسه را با ذکر اینکه اوضاع اخیراً به نحوی آرام شده است افتتاح کرد. او گفت مایل است بداند دقیقاً به پلیس چه دستوری در صورت وقوع اغتشاشات داده شده است.

با رأی «سنا» در مورد فروش جت به عربستان سعودی، مصر و اسرائیل، راه اینک برای پیشروی در برخی از فروشهای نظامی ما، باز است. ژنرال گست و آقای مارتین با ایرانیان مشورت خواهند کرد و سپس گزارشی به واشنگتن ارسال خواهند نمود.

سفیر شایعاتی را که در مورد برقراری یک ملاقات سطح بالای ASPEN در تهران وجود دارد، مورد بحث قرار داد. طبق گزارشات ادوارد هیث و شاید هنری کیسینجر در میان هیئت نمایندگی خواهند بود.

سفیر از آقای وستلی در مورد گزارش چگونگی سرمایه‌گذاری پرسید. اولین حواله در دسترس است، اما کارش تا ژوئیه پایان نخواهد یافت. سپس سفیر مسئلهٔ دستورالعمل مربوط به شرکت نفت کرسنت را پیش کشید و گفت که احساس می‌کند آنها باید وکلای خود را اول اینجا بفرستند. آقای ناس گفت که او پیش‌نویس این مطلب را تهیه خواهد کرد.

گفته شد که خانم «استرباولینگ» نخواهد آمد.

هنوز جوابی در مورد تولیدات خشخاش و کمک به پاکستان نرسیده است. دکتر استمپل در مشهد است، اما آقای لمبراکیس با آقای «ددیج» صحبت خواهد کرد.

سفیر گفت که از آقای «بش» خواسته تا ارقام مربوطه به وابستگی آمریکا به نفت خاورمیانه را استخراج کند. شاه و دیگران می‌گفتند ۵۰٪واردات نفت آمریکا از خاورمیانه است، برای آمار، رقم واقعی ۱۷٪ است.

آقای ناس گفت که او با آقای «نوسنزو» صحبت کرده بود و الآن قبل از آنکه منصور را ببیند منتظر یک تلکس است. او گفت به نظر می‌رسد که مقدمات بررسی خوب پیش می‌رود. وی همچنین خواست که رئیس هر بخش از احتیاجات پیش‌بینی شدهٔ بخش خود در سال آینده، یادداشتی تهیه کند تا پول اضافی پیش‌بینی شدهٔ بودجهٔ وزیر مختار بهتر تقسیم شود.

آقای «شلنبرگر» یک ضیافت ناهار جامعهٔ ایران و آمریکا با دانیل لرنر را در آتیه اطلاع داد. موضوع «وسایل ارتباط جمعی و اثر آن بر پیشرفتهای اجتماعی در ایران» خواهد بود. واقعهٔ آتی دیگر شامل کارهای میلتون گلیزر، «پدر هنر گرافیک» خواهد بود.

آقای شلنبرگر از آقای لمبراکیس در مورد مطلب ژورنال دو تهران که راجع به تبریکات برادرانهٔ حزب کمونیست ایتالیا به حزب توده بود سؤال کرد.

آقای لمبراکیس گزارش داد که امروز جز در مورد وقایع دانشگاه به طور کلی آرام بود. پلیس دانشجویان تظاهر کننده را از محوطهٔ دانشگاه با باتوم دور کرد. با بررسی سایر وقایع او نتیجه گرفت که بگومگوها زیاد، عدم اطمینانها فراوان و ناآرامیها بسیار است. اما مسئلهٔ جدی وجود ندارد.

فرمانده هاک گزارش داد که ناو آمریکایی بارنی روز شنبه برای یک دیدار چهار روزه وارد بندرعباس خواهد شد. سفیر از خانم دیرزمن آخرین اخبار مربوط به بخش ۹۱۱ را خواست و جلسه خاتمه یافت.

www.takbook.com



**سند شماره (۲۵)** **محرمانه**

**تاریخ : ۲۰ می ۱۹۷۸ـ ۱۳۵۷/۲/۳۰**

**شرکت‌کنندگان : دایر پانوسیان Diyair Ponossian اسقف ارامنهٔ تبریز، در هوانسیان وارطان، تاجر محلی و نمایندهٔ تبریز به انجمن ملی ارمنیان. میشل. جی. مترینکو، کنسولگری آمریکا، تبریز، ایران.**

**تاریخ و محل: ۲۰ می ۱۹۷۸، محل اقامت اسقف اعظم در تبریز**

**موضوع : نقطه‌نظرات رهبر ارمنی در مورد ثبات سیاسی ایران**

در طول مدت چهار ساعت مباحثه و شام که در محل اقامت اسقف اعظم، پانوسیان برگزار شد، به تفصیل راجع به واهمهٔ او از ثبات سیاسی ایران بحث شد. او ادعا داشت که تقریباً نظریاتش را به کاتولیکهای آمریکایی و انجمن مشاورتی محلی خودش گفته است، و اینکه از زمان حوادث فوریه در تبریز و گسترش رعب و وحشت در سراسر ایران، هم انجمن مشاورتی محلی آذربایجان و انجمن ملی در تهران توجه عمیقی را نسبت به موضوع مبذول داشته‌اند. در ملاقاتهای اخیر با اعضای مقامات بالا در اصفهان و تهران، دستور کار برای عمل در زمان وقوع مشکلات، موضوعات اصلی بحث بودند. اسقف اعظم گفت، سؤال «اگر مشکلی وجود داشته باشد» نیست، بلکه سؤال این است که مشکل واقعاً در چه «زمانی» شروع می‌شود. پانوسیان ادعا می‌کرد که دربارهٔ اوضاع آیندهٔ ایران و مخصوصاً اثری که این موضوع در حیات کنونی و آتی اسقفیش می‌گذارد، شدیداً تحت فشار وجدان قرار گرفته است. او گفت در یک نقطه، اجتماع ارامنه در آذربایجان به ۲۰۰/۰۰۰ می‌رسید، و حالا در نهایت شاید ۷۰/۰۰۰ نفر باقی مانده‌اند. میراث فرهنگی و تاریخی ارامنه در این ناحیه قابل ملاحظه است، حتی تا اندازه‌ای تبریز بوسیلهٔ پادشاه ارمنی ساخته شد و اسمش از زبان ارمنی گرفته شده است. باقیمانده‌های بی‌حسابی از ارامنه در سراسر منطقه، در معابد بی‌مالک، کلیساها، در گورستانهای قدیمی و بقیه جاها پخش شده‌اند، و اسقف اعظم احساس می‌کند که یک مسئولیت شدید را نسبت به این بقایای تاریخی دارد. او گفت که زمانی که او برای اولین بار به تبریز آمد، دستوراتی دریافت می‌کرده است و با پافشاری او بوده است که سعی کرده تا جمعیت ارامنه را در اینجا به عنوان یک جماعت زنده و پایدار نگه دارد. حالا او عقیده‌اش را تغییر داده، ولو اینکه با تأسف زیاد، یک سیاست شخصی برای کمک به پیروانش برای ترک ایران درست کرده است. او هیچ آیندهٔ واقعی را در اینجا برای ارامنه یا مسیحیان نمی‌تواند ببیند، به طور کلی او برای کسب یک حضور مذهبی با ارزش و باستانی در آذربایجان، و یا فکر در مورد امنیت واقعی مردمش، درگیر است. با اشاره کردن به مباحثاتمان که فوراً بعد از شورش فوریه تبریز بود، پانوسیان گفت که او کاملاً افکارش را در مورد ثبات رژیم ایران در آن زمان منظم نکرده است و اینکه او به وسیلهٔ این احساس آسودگی که جماعت او مورد هدف قرار نگرفته‌اند، تحت تأثیر قرار گرفته است. حوادث هم‌چنین فوری‌تر از آن به وقوع پیوستند که مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند، به هرحال، از آن به بعد، او به طور وسیعی در سراسر دایره‌اش سفر کرده است و برای مشاورت، سفری عجولانه به آلپو، دمشق و بیروت کرده است، و ملاقاتهایی با مقامات ارمنی در تهران و اصفهان داشته است. گزارشهایی که او دریافت کرده و بحثهایی که او داشته است همه به مشکلی جدی اشاره می‌کنند، که رژیم پهلوی نمی‌تواند جان سالم از آن بدر برد. پانوسیان فکر می‌کند که ارتش و ژاندارمری قادر به کنترل ایران نخواهند بود. به نظر نمی‌رسد که او درک کند و اینکه او مخصوصاً از انتقال حکومت، با اینکه تاکنون جماعت ارمنی دست نخورده و به وسیلهٔ اعضای فناتیک به خاطر ثروت

www.takbook.com



تصورشده‌اش و غیر مسلم بودنش قبل از اینکه دستور استرداد داده شود، مورد هدف قرار گرفته است، می‌ترسد.

توجه: از وقتی که مقامات بالای روحانی و بیش از یک صد زائر در ژوئیه برای شرکت در مراسم سالانه در «کلیسای سیاه» (قره کلیسا) می‌خواهند بروند، پانوسیان به وسیلهٔ مقامات بالای ارمنی در ایالات متحده مورد تماس قرار گرفته است. او هنوز تصمیم نگرفته است که جوابش باید چه باشد ولی من حدس می‌زنم که اگر او به آنها اطلاع دهد که سفر به خاطر عدم ثبات در اینجا باید به بعد موکول شود، انعکاس مسئله در هر دو کشور ایران و آمریکا جدی خواهد بود. اگر تعداد بسیار زیادی از ارامنهٔ ثروتمند که با ایران تماس دارند، سفر برنامه‌ریزی شدهٔ طولانیشان را متوقف سازند، این به وضوح بدین مفهوم است که این گروه پر نفوذ اعتمادشان را به رژیم در اینجا از دست داده‌اند.

www.takbook.com



**سند شماره (۲۶)**

**از : سفارت آمریکا- تهران** **تاریخ : ۲۱ می ۱۹۷۸- ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۷**

**به : وزارت امور خارجه - واشنگتن**

**طبقه‌بندی : محرمانه**

**گزارشگر : ج. ب. لمبراکیس.**

**موضوع : عکس‌العملهای اجتماعی نسبت به مصاحبه شاه**

۱- طی چند روز گذشته سفیر و دیگر مقامات سفارت عکس‌العملهایی از جانب افراد مختلف، مطلع و کم‌اطلاع در مورد مصاحبهٔ شاه در ۱۳ می دریافت داشته‌اند. قسمت اعظمی از آنها از چیزی که این افراد عدم قاطعیت، عصبی بودن و عدم صراحت در نحوهٔ انجام مصاحبه به وسیلهٔ شاه به نظرشان رسیده بود، حیرت‌زده، مأیوس و شاید کمی ترسیده بودند. آنها به ما می‌گویند که انتظار داشته‌اند که مصاحبهٔ اول با نمایندگان رسانه‌های گروهی ایرانی انجام شود و عمدتاً در امور داخلی صراحت داشته باشد و رهنمودی به دولت و مردم در مقابل تردیدهای مختلف که تقریباً به وسیلهٔ تظاهرات روزانه و خرابکاری در سطح کشور همچنین شایعات نسبتاً خارج از کنترل به وجود آمده باشد.

۲- برخلاف رفتارش در گذشته در چنین نمودهایی، شاه عصبانی و به نظر بعضی حتی کمی متزلزل و ترسیده مشاهده شد. به سئوالاتی که از وی می‌شد جواب نداد. برای مثال یک سؤال مستقیم در مورد علت تظاهرات و اغتشاشات، او مانند گذشته از دادن جواب مورد منازعه خودداری ورزید که مثلاً مداخلهٔ خارجی را سرزنش کرد و یک خط سازش را که امکان دیگری بود، آزمایش نکرد. خیلی از کسانی که از شاه حمایت می‌کنند و روی رهبری او حساب می‌کنند، معتقدند که دو راه در مقابل او هست: سخت‌گیر و راسخ، یا ملایم و سازشکار. در عوض آنها تفسیر گفته‌های او و یا به دست آوردن یک نظریه در مورد مسیری که شاه از آنها می‌خواهد بروند را مشکل می‌بینند.

۳- جالب توجه است که یکی از مرتبطین با سفارت که با دستگاه مذهبیون محافظه‌کار زیاد سروکار دارد می‌گوید که مصاحبه در آن مجامع نسبتاً به خوبی پذیرفته شد. مصاحبه به اندازهٔ کافی مصالحه‌جویان به نظر می‌رسید، که امید نوعی از گفتگو بین رهبران اسلام و شاه را اجازه بدهد.

۴- تفسیر: سفارت این مصاحبه را به عنوان یک نمونه دیگر از تردید شاه در این مرحله از برنامه‌های آزادیهای داخلی او می‌بیند، او قمار بزرگ ناآشنایی را شروع کرده است. سست کردن زمام قدرت و اجازهٔ بیان به مخالفین از بخشهای مختلف، بدون اینکه اجازه دهد یک تهدید معتبر برای سلسله‌اش ایجاد شود. او همچنین امیدوار است که بدین وسیله هواخواهی عمومی بیشتری برای حکومتش و برنامه‌هایش به وجود آورد. تجربهٔ او از قدرت تا به حال با درآوردن قدرت از چنگ مخالفینی که در مقابل از دست دادن آن مقاومت می‌کرده‌اند و بعد استحکام بخشیدن به آن بدون در نظر گرفتن آزادی بیان برای مخالفینش بوده است. در حالی که مهارتهای سیاسی در استحکام بخشیدن به قدرت می‌بایستی که نقش اولیه را بازی کرده باشد، عوامل دیگری مثل استواری و استحکام علیرغم بدبختی و فلاکت، وفاداری کامل مبارزه‌جویی و آمادگی برای مواجههٔ به وسیلهٔ زور تماماً یک نقش مهمتری را ایفا کرد.

۵- در طول ۱۵ سال گذشته، که شاه انقلاب شاه و ملتش را در مقابل مخالفان خود از مذهبی و چپی به جلو می‌برده است، مهارتهای سیاسیش پیشرفت کمی داشته است. او اعتماد به نفس بیشتری پیدا کرده و به

www.takbook.com



تدریج خود را در موقعیتی قرار داده که با تعداد کمتری از اشخاص به منظور کسب راهنمایی مشاوره کند. بسیاری از دستگاهیان این کم شدن گفتگو بین شاه و حامیان نسبتاً نزدیکش را متذکر شده‌اند. در حالی که حکومت او به مقدار زیادی شخصی است و تمام تصمیمات در هر درجه از اهمیت به وسیلهٔ او باید گرفته شود. درک جهتی که او در پیش گرفته برای پیروانش و همچنین مخالفانش اهمیت پیدا می‌کند.

۶ـ با این حال هنوز آزادیخواهی دقیقاً چیزی است که شاه شخصاً با آن کمتر آشنایی دارد. تردیدهای او در استفاده از تاکتیکها برای پیروان او به عنوان عدم اعتماد بنفس معنی شده‌اند. تمایل قابل ستایش او در جهت آزمایش در یک تلاش برای مشارکت عمومی، بیشتر ممکن است به عنوان قادر نبودن او در تصمیم‌گیری تلقی شود. نتیجه‌گیری طبیعی که بسیاری می‌کنند، این است که او قدرتش را از دست می‌دهد. ما مطمئن نیستیم که شاه به اندازهٔ کافی اطلاعات برای تشخیص این تصویری که خودش حداقل در بعضی بخشها طرح می‌ریزد، داشته باشد. بنابراین فاصلهٔ بین شاه و پیروانش با تلاش او در اتخاذ یک سیاست طنزآمیز اینجا است که سابقهٔ معروف خود شاه در داشتن مداومت غیرعادی بر اکثر مسایل (که بعضی آن را سماجت می‌خوانند) در این رابطه علیه او کار می‌کند.

۷ـ ضمناً در اینکه او بتواند تمام وسایل قدرت را در کنترل داشته باشد، ما زیاد تردید نداریم. بدین ترتیب واقعیت با تصویر او تفاوت دارد. شاه آمادگی بیشتری از خیلی از پیروان تندروش برای تغییر تاکتیک دارد. چیزی که به نظر بعضی از آنها عدم اعتماد بنفس و ضعف می‌باشد، احتمالاً به نظر شاه به عنوان حل یک مسئله مشکل می‌آید.

**سولیوان**

www.takbook.com



**سند شماره (۲۷)**

**از : سفارت آمریکا ـ تهران** **تاریخ : ۲۸ می ۱۹۷۸ ـ ۷ خرداد ۱۳۵۷**

**به : وزارت امور خارجه ـ واشنگتن**

**طبقه‌بندی : محرمانه**

**گزارشگر : لمبراکیس**

**موضوع : ایران: چرا سکوت ناگهانی؟**

۱ـ علیرغم وقایع گاه و بیگاه اینجا و آنجا، یک آرامش نسبی جایگزین آشفتگیهای اخیر در جبهه مخالفین داخلی ایران شده است. در حالی که در طول چند ماه گذشته تقریباً روزانه یک واقعه یا بیشتر اتفاق می‌افتاد، شمارهٔ وقایع اخیراً به ۳ یا ۴ در هفته کاهش یافته است. به منظور تشریح علت این موضوع ما طرق زیرین را پیشنهاد می‌کنیم.

۲ـ اعلام سخت‌گیری در مورد تظاهرات خیابانی و خرابکاری به وسیلهٔ دولت و اجرای آن به وسیلهٔ سرویسهای امنیتی از ۱۱ می، احتمالاً یک دلیل آن بوده است. دستگیری چند صد نفر تظاهرکننده، تنها در تهران (فقط تعدادی تا حالا آزاد شده‌اند) احتمالاً تعداد واحدهای قابل اعتماد و فعال را برای آنهایی که در خیابانها دردسر ایجاد می‌کنند، کاهش داده است. احتمالاً این موضوع تظاهرکنندگان معمولی را که ترجیح می‌دهند بزنند و فرار کنند، بدون اینکه دستگیر شوند، ترسانده است. در حالی که رهبری (طرفدار خمینی یا جز این) را مجبور می‌کند که در مورد سهمیه‌بندی واحدهایش در درازمدت فکر کند.

۳ـ دلیل دوم احتمالاً این است که یادبودهای ۴۰ روزه در پایان دوره‌های عزاداری برای تظاهرکنندگان که در برخورد با نیروهای امنیتی کشته شدند، موقعیتهای عالی برای تظاهرات در یک زمینهٔ مطلوب‌تر از دیگر اوقات به وجود می‌آورد. حضور در مساجد در چنین مواقعی به تظاهرکنندگان بعد از این یک (بهانه) منظور مشروع بی‌آلایش می‌دهد که جمع شوند و ادعاهای بی‌گناهیشان را در صورتی که متعاقباً در مقابل یک دادگاه نظامی قرار گرفتند، موجه جلوه گرفتند، موجه جلوه دهند. به همین دلیل، چنین مواقعی کمک می‌کند که اشخاص مذهبی کم علاقه‌تر بیشتری را به حمایت رهبران بسیج کند و اندازهٔ تظاهرات را بزرگتر کند و به نیروهای امنیتی که در تلاش برقراری نظم و قانون هستند، چهرهٔ ستمگرانه‌تری ببخشد.

۴ـ شاید مهمترین علت، تحریک اکثریت رهبران مذهبی در کشور باشد. این محافظه‌کارها این جریان را سودمند و یا لازم یافته‌اند که به افراطیهایی که از طرف آیت‌الله خمینی از تبعیدگاهش در عراق اداره می‌شوند، ولی انگیزهٔ آنها با انگیزهٔ او تفاوت دارد بپیوندند. برعکس خمینی که هدفش را که سرنگونی شاه است پنهان نمی‌کند و سلطنت را شدیداً محکوم می‌کند، این رهبران هدفهای محدودتری در سر دارند. عمدتاً آنها می‌خواهند که توجهات را به شکایتهایشان جلب کنند. تا زمانی که دولت توجه کمی به آنها مبذول می‌داشت آنها دلیلی برای خودداری از حمایت از خمینی نداشتند. حالا نشانه‌هایی وجود دارد که دولت شروع به گوش دادن کرده است. مصاحبهٔ شاه در ۱۳ می با خبرنگاران ایرانی به نظر بعضی از این رهبران به طور معقولی صلح‌جویانه آمد، هرچند که عکس‌العمل افراد نزدیک به شاه باشد یا مخالفین در جبههٔ ملی. ما می‌دانیم که تلاشهای پشت پرده در جریان است که با مذهبیون محافظه‌کار باب مذاکره و گفتگو باز شود و آنها را از خمینی اگر ممکن باشد، جدا کنند. در حالی که خیلی از این رهبران مذهبی

www.takbook.com



سلطنت را به عنوان یک نهاد لازم که اسلام را در مقابل رقابت کمونیستی محفوظ می‌دارد می‌بینند و هیچ راه حلی بجز شاه به نظر کسی نمی‌رسد. آنها احتمالاً آماده‌اند تا یک رفتار معقولانه و جوابگو در مقابل دولت برقرار کنند، بدون اینکه تغییر اساسی در نهادها صورت گیرد. بنابراین آنها برای درک بیشتر قوانین و مقررات و یک شناخت عمومی بیشتر از اهمیت ادامهٔ مذهب در زندگی ایرانی امیدوارند.

۵ ـ البته تاکنون پیشرفت زیادی در زمینهٔ گفتگو صورت نگرفته و فقط تعداد معدودی از رهبران از آن آگاه هستند. احتمالاً در هفته‌های آینده دردسرهایی از طرف مذهبیون وجود خواهد داشت، ولی بزرگی و اهمیت آنها ممکن است کاهش پیدا کند و بین وقایع، دوره‌های طولانی‌تری وجود خواهد داشت. به ما گفته شده (برای مثال) که احتمال آشوبهای جزئی در اطراف ۵ ژوئن وجود دارد.

موردی که برای آن تظاهرات صورت می‌گیرد نامعلوم است، ولی احتمالاً به دوره‌های عزاداری مربوط می‌باشد. همچنین به ما گفته شده که آشوبهای جدی‌تری را در حوالی ۱۹ ژوئن انتظار داشته باشیم که ۴۰ روز پس از کشتن بعضی از دستیاران آیت‌الله شریعتمداری در خانهٔ او در قم به وسیلهٔ پلیس در ۱۰ می صورت می‌گیرد.

۶ـ مقصود ما در تهیهٔ تحلیلهای بالا عمدتاً برای موارد کاهش پیدا کردهٔ آشوب و دردسر در اینجا است، بدون اینکه قصد اشاره به اینکه دولت شاه دیگر در خطر نیست داشته باشیم. تلاشهای اختصاصی از طرف رهبران دولتی از قبیل وزیر، درباره هویدا هنوز مورد نیاز است. قبل از اینکه روند ۵ یا ۶ ماه گذشته بتواند عوض شود، ولی شروعی انجام شده است.

**سولیوان**

www.takbook.com



**سند شماره (۲۸)**

**از : سفارت آمریکا در تهران** **تاریخ : اول ژوئن ۱۹۷۸ـ ۱۱ خرداد ۱۳۵۷**

**به : وزارت امور خارجه ـ واشنگتن دی. سی.**

**رونوشت برای : عمان، آنکارا، آتن....**

**طبقه‌بندی : محرمانه**

**موضوع : ایران در سالهای ۷۸ـ ۱۹۷۷: صحنهٔ داخلی**

خلاصه: سیاست اعطای آزادیها و ابهام، از مشخصات وضع سیاسی داخلی ایران در ۷۸ـ ۱۹۷۷ بوده‌اند. شاه باگشاده‌دستی در حقوق فردی و آزادی بیان، وجههٔ خود را در معرض خطر قرار داده است، او بدان حد در این امر اهتمام ورزید که مخالفینش را به میدان آورده، اما در مورد نحوهٔ رفتار خود با آنها در آینده قدری ابهام را موجب شده است.

عزم وی به ایجاد نهادهای سیاسی آزادتر به دلایل فراوانی قابل تقدیر است، اما نو بودن جریان این عمل، تردیدهایی را در اذهان پیروانش برمی‌انگیزد و سئوالاتی در این مورد که او تا کی خواهد توانست در این جعبهٔ پر از دردسر را جزئی باز نگهدارد، مطرح می‌کند. شاه مایل نیست که زمام قدرت فعلیش در تعیین خط‌مشی را کاملاً واگذار کند. معهذا وی سعی دارد که نظر «اکثریت خاموش» را به مشارکت در حکومت جلب و آنها را به این کار تشویق نماید. حزب رستاخیز و دولت آموزگار تابحال موفقیتشان خیلی محدود بوده و شاه به انواع اقدامات قانونی و فوق قانونی پلیسی تمسک جسته تا فعالیت مخالفین را تحت کنترل نگهدارد. در عین حال رهبری مذهبی محافظه‌کار به عنوان یک ناراضی که طلسم خود را شکسته، وارد عرصهٔ سیاست شده و نظر قابل ملاحظه خود را بر نظر جبههٔ ملی و مخالفین چپ دیگر افزوده است. شاه می‌کوشد که تودهٔ مذهبی را از حیطهٔ نفوذ محرکین مذهبی افراطی به سردمداری آیت‌الله خمینی و همچنین مخالفین چپی دور نگهدارد. ولی اقدام او هنوز حالت آزمایشی دارد. (پایان خلاصه)

ایران هم از نظر اجتماعی و هم اقتصادی در نیست که این قدرت به چه مجرائی کشانده خواهد شد و یا عاقبت چه کسی آن را در دست خواهد گرفت. به هر صورت، سعی خواهد کرد که علل و نتایج آن را تحلیل نماید.

برجسته‌ترین علت وقایع ایران، جریان عظیم ثروت حاصل از چهار برابر کردن قیمت نفت است. این ثروت سبب پیدایش سریع طرحهای اصلی زیربنایی، جریان اجباری صنعتی شدن، موجی از تنعم که حتی به سطوح اجتماعی پایین رسیده، افزایش عظیم تعداد مسافران ایرانی به خارج، تغییر ناگهانی تعداد جوانان ایرانی قادر به تحمل هزینهٔ دانشگاهی، سطوح بسیار بالاتر مصرف اقتصادی شامل بهبود روال تغذیه، تسهیلات پزشکی و مراقبت پزشکی و همچنین سرازیر شدن خارجیان از سراسر جهان که صحنهٔ فرهنگی ایران را رنگین نموده است. همزمان با اینها، ثروت جدید یک تورم با نرخ دو رقمی را موجب گردیده، ارزشهای اصلی را تحریف و مهاجرت داخلی مردم، از مناطق روستایی به شهری را پدید آورده است. همچنین کارگران بیسواد خارجی را از آسیا جذب کرده و میزان تولید کارگران را پایین آورده و باعث آلودگی و تراکم در شهرها شده و موجب از هم پاشیدگی خانوادهٔ اسلامی و نقشهای فرهنگی جامعه و بالا رفتن مصرف کالا به میزان قابل توجهی شده است و به طور کلی توقعات عامه از اقتصاد و اصلاح اجتماعی را به حدی رسانده است که رهبری قادر به تأمین آنها نیست.

www.takbook.com



شاه در مواجهه با این وضع آشوب‌خیز پی می‌برد که پیچیدگیهای این کار بزرگتر از آن است که او بتواند به تنهایی تدبیر و رهبری آن را ادامه دهد. بنابراین او به راستی احساس می‌کند که احتیاج است مقداری از اقتدار امیرانهٔ جاریش را از حال تمرکز در دست خود بدر آورد و به زیردستانش مسئولیتهایی را محول کند. به نظر وی اگر به تدریج یک طبقهٔ متوسط کامیاب ایجاد کند و این گروه خود را سپاسگزار و قرین با پادشاهی احساس کند، موقعیت وی و سلسله‌اش محکم خواهد شد. به این منظور وی وسیعترین امکانات را برای کسب تحصیلات دانشگاهی در اختیار می‌گذارد و سعی دارد با تهیهٔ پاداشهای مادی قابل ملاحظه فارغ‌التحصیلان دانشگاهها را به تأسیسات دولتی و شبه دولتی جذب کند.

موارد «بخشش» و فساد که متأسفانه در سیستم اجتماعی سنتی ایران جاری است، بر این پاداشها باز هم می‌افزاید. بدین ترتیب فارغ‌التحصیلان جوان و تازه‌کار فرصتهایی را که دستیابی به آنها برایشان ممکن است، فوراً می‌پذیرند و به عنوان خدمتکاران سیستم داخل طبقهٔ متوسط می‌شوند. به هر حال آنها از لحاظ سیاسی همچنان برکنار بوده و از لحاظ فردی نیز نسبت به ساخت حکومت خود بدبینند.

بنابراین برای وظیفه‌ای که شاه برای ایشان پیش‌بینی می‌کند نامزدهای قابل تردیدی هستند. این امر که شاه هنوز تصمیم نگرفته جهت تجویز یک میدان سیاسی برای طبقهٔ متوسط جدید چه نهادهای سیاسی را ایجاد کند آتتیسم attentisme آنها را پیچیده‌تر می‌کند. مجلس و سنا مانند حزب رستاخیز که تشکیلات سیاسی یک حزبی است و به طور نظری تمام ایرانیان واجد شرط سنی رأی دادن به آن تعلق دارند، تقریباً آلت دست دولت هستند. به هر حال این حزب (تأسیس در سال ۱۹۷۵) جز به عنوان مفسر بیانات شاه، نسبت به کارهای دیگر بی‌علاقه و تصمیم است.

در عین حال، پادشاه با چیزی که دوست دارد آن را «اعطای آزادیها» بنامد کار خود را ادامه می‌دهد. این به معنای تخفیف معتنابهی در سانسور مطبوعات، تحمل انتقاد سیاسی و اظهارات جزئی عدم رضایت و روش ملایمتر ضبط و ربطهای پلیس در مقایسه با گذشته نه چندان دور است. عواقب این تغییر، خاطر وی را آزرده است و از اینکه منقدین خارجی (غربیها) روشنی فکرش را تمجید نکرده‌اند، مبهوت است. او همچنین دچار سردرگمی است که چگونه با این نوع ناراضیان که در نیمهٔ دوم دههٔ هفتاد به وفور حضور دارند مدارا کند.

در این گزارش ما سعی خواهیم نمود بعضی از وقایعی که در یک سال و نیم یا دو سال گذشته روی داده دنبال نموده و وضع وخیمی را که این وقایع کشور را به سوی آن سوق داده‌اند، بررسی کنیم. تصمیم اصلی شاه به اعطای آزادیها اولین بار در اواسط ۱۹۷۶ ظاهر شد. براهین وی را می‌توان حدس زد. بدون شک شاه می‌خواهد جانشینی ولیعهد را مهیا نماید و می‌داند که جانشینش نمی‌تواند با همان رویه سلطنت مطلقه‌ای که شاه به تدریج طی ۳۶ سال همراه با تجارب مخاطره‌آمیز گاه و بیگاه کسب کرده، حکومت کند. به علاوه، احتمالاً شاه هم پی برده که یک جامعه با بزرگی و بغرنجی که ایران می‌رود احراز کند، نمی‌تواند توسط توسط گروهی به کوچکی سابق اداره شود. در حالی که این یک فکر قدیمی است که گفته می‌شود از سال ۱۹۶۱ در ذهن او جای گرفته که مشکلاتش در هماهنگ کردن دو عنصر «رشد اقتصادی» و «اجتناب از مشکلات اقتصادی» در سال ۱۹۷۶ احتمالاً نیاز به ارتباط دوجانبهٔ بیشتر با تکنسینها و دیگران را به بار آورد تا او در تعیین خط‌مشی از کمک دیگران برخوردار گردد و در اجرای آن موفقیت بیشتری حاصل کند. این نیاز ضمن آنکه مشاورین معتمدتر فوت می‌کردند یا در چاره‌جویی مسایل جامعهٔ

www.takbook.com



فن سالار مدرن کفایت کمتری نشان می‌دادند، هرچه بیشتر احساس می‌شد. احتمالاً این دلیل نیز به نوبهٔ خود وی را متقاعد ساخت که هم برای مهار قدرت افراد در دستگاه بزرگ حکومت و هم به عنوان یک منبع به کارگیری ابتکارات در ایالات ورای تهران، راهی سیاسی برای به حرکت درآوردن عقیدهٔ عمومی ضروری بود. در انتها این احتمال داده نمی‌شود که این نظر از چشم ناظر تیزبینی بر صحنهٔ جهانی چون شاه، پوشیده باشد، که کارتر که در آن زمان نامزد ریاست جمهوری بود، اگر به ریاست جمهوری می‌رسید و مقاصد جدی خود را در زمینهٔ حقوق بشر را به اجرا درمی‌آورد، تا اواسط ۱۹۷۶ انتقادات ایراد شده از جانب کنگره ایالات متحده در خصوص رویهٔ اعمال حقوق بشر در ایران و سایر جاها تقویت می‌گردیدند.

**مرحلهٔ اول:**

علائم اولیهٔ اعطای آزادیها با ترغیب حزب رستاخیز به مشورت عمقی بیشتر با اعضای خود و بحث در مورد مسئلهٔ واجد اهمیت برای مملکت همراه بود. جریان مذکور در بطن این تصور جای داشت که حزب رستاخیز می‌تواند هم در ایالات و هم در استانها جدا از دولت، ولی به عنوان منقد دستگاه حاکمه عمل کند. زمانی که حزب در اواسط سال ۱۹۷۶ تا اواسط ۱۹۷۷ در این مورد خیلی کارآمد نبود، چاره‌ای که اتخاذ شد این بود که در عمل آن را به صورت آلت دیگری برای دولت درآورند. از قرار معلوم این بدان جهت بود که کادرها، آن و مردم آن را جدی‌تر بگیرند.

جنبهٔ دوم اعطای آزادیها ابداع بعضی تغییرات در آیین‌های حقوقی مربوط به بازداشت‌شدگان یا زندانیان سیاسی بود تا دسترسی آنها به وکلای مدنی بیشتر شود و زمینه برای جریان مقتضی بهتر آماده گردد و کلاً غلط‌گیریهایی از قبیل شکنجه تقلیل یابند یا کنار گذاشته شوند. این تغییرات نهایتاً در یک لایحه جمع و به تصویب پارلمان رسید که در نوامبر ۱۹۷۷ رسماً وارد مرحله اجرا گردید. شاه دیداری با ویلیام باتلر رئیس کمیسیون جهانی قضات داشت، که به معرفی بعضی از این اصلاحات حقوقی پرداخت. ارتباط کم‌ثمرتری با مارتین انالز در تهران و لندن ادامه دارد، هرچند که نتیجهٔ آن هنوز به صورتی مستقیم مشاهده نشده است. همچنین صلیب سرخ جهانی دیدارهای بسیار مفیدی از زندانها داشته که حاصل آنها تا اول ماه می ۱۹۷۸ گماشتن یک نمایندهٔ مقیم در تهران از طرف کمیتهٔ جهانی صلیب سرخ است.

جنبهٔ سوم، گشاده‌دستی بیشتر در رابطه با آزادی بیان بود. به جزوه‌هایی که به صورت دستی تکثیر می‌شدند و در آنها به دولت حمله نموده و خواستار رجوع به قانون اساسی و همچنین آزادی بیان بیشتر و اجرای بهتر قوانین قضائی به علاوه خواستهای کوچکتر گوناگون بودند، اجازه نشر داده می‌شد و هرچند که این جزوه‌ها به صورتی غیررسمی و دست به دست پخش می‌شدند، امضاءکنندگان آن دستگیر نمی‌شدند. این افراد اغلب تحصیلکردگان صاحب حرفه از قبیل بازرگانان، معلمان، نویسندگان و حتی قضات و وکلا بودند. آنها خشونت را توصیه نمی‌نمودند اما اکثر افکار خود را از سالهای ۱۹۵۰ اخذ کرده بودند و آن دوره‌ای بود که در خلال آن جبهه ملی به رهبری مصدق علیه شاه جدی‌ترین اعتراض، که تقریباً امکان مرگ وی نیز در آن وجود داشت را پدید آورد. گروههای معتقد به لیبرالیسم قرن نوزدهم با گروههای چپی و کمونیست در مخالفت جبهه ملی با شاه ائتلاف کردند. علیرغم این ماجرای طولانی، نویسندگان این اعلامیه‌ها در سالهای ۷۸ـ ۱۹۷۷ اکثراً صلح‌جو بودند که پیوندهای آشکاری با گروههای تروریستی کوچک صاحب ایدئولوژیهای افراطی اسلامی یا مارکسیست که مدت چندین سال در ایران

www.takbook.com



عمل کرده‌اند، نداشته‌اند. آنها به هر حال در الهام به دانشجویان که جرقه خشونت در این مرحلهٔ اول را ایجاد کردند، مؤثر بودند. در حالی که تظاهرات دانشجویی حتی طی اواخر سالهای ۱۹۶۰ و اوائل ۱۹۷۰ زمانی که علائم نارضایی دیگری (به استثنای وقایع تروریستی گاه و بیگاه) به چشم نمی‌خوردند، در ایران بصورت سنت درآمده‌اند، تظاهراتی که در اواخر سال ۱۹۷۷ اتفاق افتادند به خارج از محوطهٔ دانشگاهها کشیده شدند و اغتشاشاتی را به وجود آوردند که از هر نمونهٔ دیگری از سال ۱۹۶۳ به بعد بزرگتر بودند.

پلیس عاقبت این تظاهرات را مهار کرد و بیشتر موارد آنها را فرو نشاند. اما به موازات آنها یکی دو مورد نیز روی داد که گروههای به اصطلاح «کارگران» در لباسهای معمولی آشکارا به عنوان بازوهای فوق قانونی دولت عمل کردند. یک گروه از این افراد، یک اجتماع بزرگ که روشنفکران جناح چپ جبههٔ ملی قدیم سعی کرده بودند در یک منزل شخصی نزدیک شهر کرج، بیرون تهران برگزار کنند را از هم پاشیدند. دولت از شواهد مبنی بر همکاری تمام گروههای مخالف با یکدیگر چون دانشجویان، تروریستها و از همه بالاتر تودهٔ متدین مردم، مشوش بود.

**واکنش مخالفین:**

واکنش مخالفین در مقابل این اقدامات دولت چندین جنبه داشت. حرکت تروریستی از اجرای اعمال بیشتر دست کشید و رضایت داد که صبر کرده و ببیند نتایج این سیاست اعطای آزادیها چه خواهد بود. خصوصاً اینکه هرکسی تصور می‌نمود شاه تحت فشار ایالات متحده دست به این کار زده است. پاره‌ای از علت این رضایت، ترغیب آنها توسط رهبرانی بود که مورد احترام مخالفین هستند. بعضی از رهبرانی که در اجتماع کرج حضور داشتند به فعالیت زیرزمینی بازگشتند و از گروههای کوچک مختلفی که توزیع اعلامیه‌های انتقاد از دولت را ادامه داده‌اند، یکی دو جبههٔ هماهنگ به وجود آوردند. بقیه یک «کمیسیون حقوق و آزادی بشر» تشکیل دادند و علیرغم اینکه دولت آنها را ثبت نکرده و آنها را به رسمیت نمی‌شناسد، خود را به عنوان یک تشکیلات چشمگیر در مقابل سازمان رسمی دولتی تحت سرپرستی شاهدخت اشرف که نمایندهٔ ایران در مجامع جهانی مرتبط با حقوق بشر است علم کرده است. عده‌ای دیگر از آنها فعالیتهای کانون نویسندگان ایران را تجدید کردند که از زمان تشکیلش در حدود هشت سال، قبل هرگز اجازهٔ ثبت نیافته ولی به طور نسبتاً مؤثری اعتبار تشکل رسمی‌تر و نویسندگان و هنرمندان را که تحت‌الحمایه دولت هستند را تضعیف کرده‌اند. بدون شک روابط با مخالفین مذهبی از جمله مهمترین آنها آیت‌الله خمینی، افزایش یافتند. وی پس از ناآرامیهای سال ۱۹۶۳ که در پی ارائه لایحه اصلاح اراضی، لایحه اعطاء حقوق بیشتر به زنان و دیگر جوانب، «انقلاب سفید» بودند، به عراق تبعید شد. دامنهٔ این روابط به درستی معلوم نیست، اما وجودشان در مرحلهٔ دوم اهمیت یافت.

**مرحلهٔ دوم:**

روابط مخالفین با رهبران مذهبی زمانی چشمگیر شد که در ژانویهٔ ۱۹۷۸ یک تظاهرات مهم علیه دولت در مرکز مذهبی قم در سالگرد انقلاب سفید شاه صورت پذیرفت، گفته می‌شود مهمترین علت آن یک مقالهٔ بی موقع و شاید گمراهانه در حمله به آیت‌الله خمینی بود که یک یا دو روز قبل از آن در روزنامهٔ اطلاعات درج شد. تظاهرکنندگان بیشتر از آنکه مریدان خمینی باشند بیانگر جریحه‌دار شدن احساس

www.takbook.com



مذهبیون محافظه‌کار بودند. یک رهبر مذهبی به نام آیت‌الله شریعتمداری که اعتبارش بیشتر از خمینی بود سخنگوی عمدهٔ ایشان شد. تا آن زمان شریعتمداری با دولت همکاری می‌نمود. مقالهٔ اطلاعات تحت فشار آشکار دولت چاپ شده بود و سخنگویان مذهبیون محافظه‌کار ادعا می‌کنند زمانی که وزیر اطلاعات به تقاضای آنها برای چاپ جوابیه‌ای در همان صفحه ترتیب اثر نداد، به خشم آمدند. خشونت در قم که نزدیک به یک دوجین کشته به بار آورد، آتش سرایت‌کننده‌ای از مخالفت دینی را برپا ساخت که خود را طی ماههای بعد در وقایع کوچک مختلفی در سراسر کشور به طور منظم نشان داد. این جریان اعتبار خمینی را در چشم رهبران دینی همردیفش اعاده نموده است بنحوی که نوارهای صدا و جزوات او یا حامیانش امروزه در ایران از طریق فعالیت زیرزمینی بازار، به طور وسیعی نشر می‌یابند.

یادبود چهلم مرگ «شهدای قم» به یک طغیان در شهر تبریز واقع در شمال کشور منجر شد، که حتی از اولی وخیم‌تر بود. در آنجا گروههای طغیانگر مردم در شهر دست به غارت زده و وسایل بانکها را به علاوه تأسیسات عمومی دیگر بیرون ریختند و تأکید خاصی روی بانک صادرات داشتند که صاحب آن یک بهائی است و چندین سال است که رهبران اسلامی محافظه‌کار نظر خوشی نسبت به وی نداشته‌اند. تبریز یک مرکز فرهنگی ترکمن است (توضیح مترجم: احتمالاً منظور از Turkoman culture فرهنگ ترکی است) آنها مردمانی هستند که دین خود را از دیگران جدی‌تر می‌گیرند و به شریعتمداری به عنوان فرزند آن سرزمین، وفاداری خاص دارند. وخامت این طغیان نیز عموماً به بدرفتاری مقامات دولت انتساب داده می‌شود که مطابق گزارشهای گوناگون یک تن یا بیشتر از رهبران گروههایی را که قصد داشتند در جواب به دعوت شریعتمداری برای برگزاری یادبود چهلم «کشتار» قم برای دعا در مسجد اصلی شهر جمع شوند، مورد اهانت قرار گرفته و یا کشته شده بودند. تصمیم به تعطیل این مساجد و سوءمدیریتهای دیگر به استاندار، رئیس پلیس و نیروهای امنیتی دیگر نسبت داده می‌شد و آنها پس از وقایع ماه فوریه از کار خود برکنار شدند. یکی از واکنشهای دولت، تبعید چندین رهبر مذهبی عالی مقام بود که با جدا کردن آنها از پیروانشان و مجبور کردن آنها به زندگی در نقاط دیگر کشور انجام شده. این اقدام در هیچ یک از وسایل ارتباط جمعی ذکر نگردیده، چراکه دولت از قرار معلوم از ضد واکنشی که این اقدامات در صورت آشکار گردیدن بر عموم و تبلیغ شدند برخواهد انگیخت اطلاع دارد. بمب‌گذاری در منازل چند تن از ناراضیان مشهور (غیرمذهبیون) و کتک زدن شدید دو تن دیگر نمونه‌های دیگر واکنش دولت بودند. دولت، منجمله نخست‌وزیر، ادعا می‌کند مسئولیتی در قبال این تخلفات که توسط یک تشکیلات که خود را «کمیتهٔ زیرزمینی انتقام» می‌نامد اجرا شده ندارد، یا از آنها بی‌اطلاع است. ولی در اذهان عمومی تردید زیادی وجود ندارد که یک بخش از دولت با تصویب شاه در این مورد مسئول است و اکثراً فکر می‌کنند که ساواک سرویس امنیتی مخفی عهده‌دار آن است.

با این حال یک واکنش آزمایشی دولت جمع‌آوری تظاهرکنندگان به وسیلهٔ یک گروه جدید است که در ماه آوریل تحت عنوان «نیروی پایداری» خود را نشان داد. نیروی پایداری که تصور می‌شود به عنوان جانشین یا بازوی «سازمان دفاع غیرنظامی» که چند سال پیش تشکیل شد و در ماه می ۱۹۷۷ نخست‌وزیر هویدا با مقداری نمایشهای متظاهرانه آن را احیا کرد، عمل می‌کند. نیروی پایداری ظاهراً در برگیرندهٔ جوانان قوی هیکلی است که حاضرند دانشجویان و بقیهٔ خاطیان را ربوده و برای دستگیری قانونی تحویل پلیس بدهد. این تشکیلات تحت سرپرستی ژاندارمری قرار دارد، اما شنیده‌ایم که بسیاری

www.takbook.com



از مؤسسات و سازمانهای امنیتی دیگر قوای انسانی و فعالیت آن را تأمین می‌کنند. بزرگترین ابراز وجود آن تا به امروز حمله‌ای بوده که به ۳۰۰ـ ۲۰۰ دانشجو شد و آن زمانی بود که دانشجویان در یک روز جمعهٔ ماه آوریل در تپه‌های بالای دانشگاه ملی جمع شده بودند تا شعارهای ضد دولتی داده و سخنرانیهایی علیه دولت انجام دهند.

افراد «نیروی پایداری» با مقاومت دانشجویان روبرو شدند و آنگاه یک دو جین هلیکوپتر پر از پلیس ضدشورش وارد صحنه شد و پس از کتک زدن دانشجویان تا حد خونریزی بسیاری از ایشان، اکثر آن جمع را دستگیر نمود. از آنجایی که آنها مطابق مقررات جدید به دادگاه مدنی احضار شدند، گزارش شده که دفتر دادستان کل دستور داده تحقیقی صورت پذیرد تا علت جراحات شدیدی که به بسیاری از آنها در جریان دستگیری وارد شده روشن گردد. از این تحقیق چیز دیگری به گوش نخورده و از نیروی پایداری هم در چند هفتهٔ اخیر خبری شنیده نشده است.

**واکنش مخالفین :**

ضد واکنش مخالفین را که در این مرحله می‌توان از آن نام برد، بهره‌برداری از استفادهٔ هرچه بیشتر دولت از سیستم دادگاههای مدنی است. محاکمهٔ تعدادی از دانشجویان دستگیرشده در رابطه با ناآرامیهای ماه دسامبر، برای حدود ۴۳ وکیل مدافع ۱۶ تن از متهمین جولانگاهی به وجود آورد (بسیاری از متهمین به سبب فقدان شواهد آزاد شدند) و بعضی از وکلای عالی رتبه جناح مخالف در دفاع از آزادی بیان، بیانات پر طمطراقی را اظهار داشتند، علیرغم فصاحت دفاعیات اکثر متهمین (۱۱ نفر از مجموع ۱۶ نفر) عاقبت به حبسهای پنج ماهه محکوم شدند. این محاکمه هنوز مورد استیناف قرار دارد و وکلای آن خود را برای محاکمات بیشتر آماده می‌کنند. یک نمونه آن شکایتی است که شش تن از رهبران مخالف که منازلشان بمب‌گذاری شده یا کتک زده شده‌اند (پاراگراف اول در بالا) اقامه کرده‌اند. به هر حال جدی‌ترین ضد واکنش همچنان از جانب عناصر مذهبی محافظه‌کار نشان داده می‌شد، که حامیانش آشکارا از دولت خشمگینند و احتمالاً عامل اکثر وقایع کوچکی هستند که تقریباً هرروزه در گوشه و کنار کشور اتفاق می‌افتند.

بر دامنهٔ قضیه افزوده شده و مخالفان مذهبی و دولت در ارتباط با یکدیگر مشکلاتی دارند. پیش‌بینی خاتمهٔ این ناآرامیهای مکرر مشکل است، مگر آنکه ارتباط بهتری برقرار گردد.[۱]

**پیش‌بینی:**

ما دلیل زیادی در دست نداریم که تصمیم شاه به اعطای آزادیها را که در چندین فرصت علناً آن را بیان کرده و به طور خصوصی برای آمریکاییها و سفرای دیگر در اینجا بر آن تأکید ورزیده مورد تردید قرار دهیم. به هر حال آشکار است که در باز گذاشتن فقط جزئی از درب این صندوقچه پر از دردسر دچار زحمت است. تجربهٔ اولش در تشویق آزادی بیان به حملات سوزانی علیه دولت منجر شد و توقعاتی را برای اصلاحات داخلی به وجود آورد، که از آنچه وی در آغاز در نظر داشت جدی‌تر بودند. (به نظر می‌رسد که دامنهٔ واکنش عمومی وی را وادار به تأمل کرده باشد) اینکه شاه بخواهد یا هیچ گاه بپذیرد در

---

۱ـ (از زمانی که این ورق برای اولین بار تهیه شده یک گفتگوی آزمایشی آغاز شده است).

www.takbook.com



قدرت تعیین خط‌مشی وی تقلیلی رخ دهد، فوق‌العاده مورد تردید است. به همان اندازه این نیز امری بدیهی است که او اجازه نخواهد داد وقایع به حدی رشد کنند که امنیت ملی همان طور که وی معتقد است در خطر افتد. با این حال وقایع رشد کرده‌اند و بخشی از علت آن این است که برای روح ایرانی اعتدال چیزی بیگانه به نظر می‌رسد و بخشی دیگر از علل آن، اعمال خود وی یا خطاها و تردید رأی‌های دستیارانش (ساواک، پلیس، مدیران، مقامات حزب) بوده است. بنابراین وی مجموعه‌ای از اقدامات نامتجانس را اختراع کرده که همیشه هم به خوبی ساخته نشده‌اند و احتمال هم داده نمی‌شود که زیاد پابرجا بمانند. مهمتر از آن او دستورالعملهای واضح عملیاتی جهت نحوهٔ رفتار با ناراضیان برای مدیران و افراد امنیتی خود تهیه نکرده است.

از جمله متدهایی که افکار لیبرالی را چه در ایران و چه در جاهای دیگر برافروخته می‌کند، بمب‌گذاریها و کتک زدن مخالفین مورد احترام است که متخصصین توانایی هستند (از قبیل وکلا، نویسندگان، پزشکان، مهندسان و بازرگانان) و استفاده از دسته‌های قلدر علیه دانشجویان و مخالفین چه تحت عنوان «کارگران خشمگین» و چه «نیروی پایداری» می‌باشد. کوششهای حزب رستاخیز در جهت توجیه این اقدامات ورای قانونی به عنوان خشم تنفرآلود یک اکثریت خاموش، دلگرم‌کننده نیستند و حزب شانسهای کوچکی را که برای تحریک افکار عمومی دارد، اینک از دست می‌دهد.

در همین زمان روشن نیست که شاه چگونه جدیت مخالفین مذهبی محافظه‌کار و خطرهای احتمالی آن را برآورد می‌کند.

در سنجش افکاری که سفارت در بین رهبران مذهبی به عمل آورد، یک ریشهٔ نهفته وفاداری به پادشاهی و استقلال ایران به همان شکل که شاه آن را در نظر دارد مشاهده شد؛ اما ناخرسندی فزاینده‌ای نیز به سبب از بین رفتن روابط بین رهبری مذهبی و شاه وجود داشت. این رهبران خود را ستون اصلی مخالفت با گسترش کمونیسم در ایران و مردمی که حقیقتاً مسئول نجات شاه و تاج و تخت وی و مسئول یک ایران مستقل طی دوران بحران مصدق در سال ۱۹۵۳ می‌دانند (که تا حد زیادی حقیقت دارد البته اگر عمل ارتش را نادیده بگیریم یا آن را در رتبه‌های وظیفهٔ آن، جوابگو به دعوت اسلام علیه مرتدین بدانیم) آنها از این که بسیاری از سران حزب کمونیست تودهٔ سابق در دستگاه دولت ایران پستهای مهمی به دست گرفته‌اند، ناراحت هستند. آنها عنوان می‌کنند که احتمال دارد این سران برای اینکه شاه را از مردمش جدا کنند، دست به توطئه بزنند. آنها طبیعتاً برنامه‌های مختلفی را که برای اختصاص امور به مسایل دنیوی صورت می‌گیرند و شاه به آن برنامه‌ها علاقه‌مند است، مضر به حال خصیصهٔ اسلامی حقیقی ایران می‌دانند.

در عین حال دستورات جدید شاه به مأمورین امنیتی خود از قبیل دستورالعملهایی مبنی بر دست کشیدن از شکنجه، آوردن دستگیرشدگان به محکمه، در مدت کمی پس از دستگیرشدنشان، استفاده از دادگاههای مدنی بجای نظامی، قطع دستگیریهای احتیاطی براساس ظن و گمان، به مسئولین امنیتی گفته می‌شود که در صورت وقوع هرگونه طغیان عمدهٔ جدید (مانند آنها که در تبریز و قم روی دادند) آنها مسئول شناخته خواهند شد. اما در ضمن آنها را از استفاده از متدهای مناسب زمان، مانند بازداشت، حبسهای طولانی و بدرفتاری (و بدتر از آن پیشکش) در مقابله با خطر باز می‌دارند. نیروهای امنیتی در تبریز خیلی کارآمد نبودند و در محافل رسمی این ترس به طور آشکار و قابل ملاحظه وجود دارد که در

www.takbook.com



زمانی که دوباره به مبارزه طلبیده می‌شوند، کارآیی آنها چقدر خواهد بود. پلیس ضد شورش و واحدهای ارتش عادت کرده‌اند به اینکه پلیس عادی را مورد کمک قرار دهند. اما محتمل نشمردن وقوع وقایع جدی‌تر کار احمقانه‌ای است و شاه نیز از طرفی با محذور وفا به قول خود مبنی بر اعطای آزادیها و از طرف دیگر با ضعیف شدند روحیه و تواناییهای نیروهای امنیتی خود روبرو است.

شورشهایی که در تبریز، قم و تهران از هشتم تا یازدهم می رخ داد و موجب شد که دولت اعلامیه‌ای بدین مضمون که تظاهرات خیابانی را سرکوب خواهد کرد، منتشر کند و این احتمالاً اولین قدم از یک سری اقدامات برای دست کشیدن از اعطای آزادیها که شاه ممکن بود متقبل شود، می‌باشد. تجربهٔ چینی بگذاریم «هزار گل شکوفه کنند» و آن گاه همه را از ساقه ببریم متناسب به نظر می‌رسد. این کار حکومتی استوار را به همان ترتیب که پیش از اصلاحات ۷۸ـ ۱۹۷۶ وجود داشت، مستقر خواهد کرد. اما نمایانگر یک عقب‌نشینی از دلایلی که برای شروع اعطای آزادیها داشت (مانند جانشینی، نمایندگی و مشورت بیشتر، بلوغ سیاسی بیشتر مردم) خواهد بود و از وجههٔ وی خواهد کاست. زمانی که این مطلب نوشته می‌شود و برای اظهار نظر قاطعانه در خصوص اینکه شاه چه جهتی را برخواهد گزید خیلی زود است. خود وی بدون شک هنوز در نظر خود پابرجاست. در حال حاضر (۱۱ می) او اعلام کرده که اعطای آزادیها ادامه خواهد یافت.

بنابراین، اگر تخمین ما در اساس صحت داشته باشد، شاه مجبور خواهد شد در آیندهٔ نزدیک تصمیمات سختی را اتخاذ نماید، خصوصاً اگر تابستان خشونت‌آمیز باشد. در حال حاضر سخنگویان دولت هنوز از مخالفت «مارکسیستهای اسلامی» صحبت می‌کنند و مرتجعین «سرخ و سیاه» یا «چپ و راست» را همدست یکدیگر قلمداد می‌کنند. آنها همچنین ادعا می‌کنند که نفوذ کشورهای خارجی پشت پردهٔ این مخالفت قرار دارد و از قرار معلوم این کوششی است، برای حفظ آبروی دولت که جاذبهٔ میهن‌پرستی را در جهت منافع خود استفاده می‌کنند. بعضی از حملات اخیر خود شاه علیه «استعمار قدیم و جدید» را می‌توان به عنوان یک تلاش آگاهانه برای پیچیدن هرچه تنگ‌تر ردای میهن‌پرستی بدور خود و جذب حمایت سیاسی مثبت و همچنین سلب اعتبار از مخالفین تعبیر کرد.

تمام اینها به نفع مخالفین تمام می‌شود. آنها را به جای متفرق ساختن متحد می‌کند. در گذشته شاه با موفقیت، مخالفین خود را متفرق کرده است. ایران قبل از ایستادن در مقابل منافع انگلیسیها، مبارزه علیه تجاوز شوروی در آذربایجان و کردستان را آغاز نمود و از آن موفق از آب درآمد. دفاع شاه علیه عناصر چپی تحت رهبری مصدق، بدان جهت توفیق یافت که اسلام محافظه‌کارانه پشت سر وی بود. زمانی که وی علیه ملاکان و دستگاه اسلامی در سالهای ۱۹۶۲ و ۱۹۶۳ به مقابله برخاست، قوای جناح چپ ضعیف شده بود. به نظر می‌رسد که او تا امروز آن درسها را فراموش کرده باشد ـ اگرچه بعضی از بیانات اخیرش به سفیر (و حداقل یک مقاله در یک روزنامهٔ محلی) به این مسئله اشاره دارند که وی ممکن است شروع به بازگشت به آن استراتژی کرده باشد.

در میان مخالفین تخمهای بسیاری برای رشد تفرقه وجود دارد. مذهبیها خود هیچ مخفی نمی‌کنند که به گروهها و رگه‌های فکری بسیاری متفرق شده‌اند و همهٔ چیزی که باعث ائتلاف آنها شده است، تنفر اغلب ایشان نسبت به رفتار دولت است.

در اینکه شاه فکر خود برای ایجاد یک ایران دنیوی و متحد با غرب دنیوی به جای کشوری اسلامی

www.takbook.com



مانند عربستان سعودی، لیبی و پاکستان را کنار نخواهد گذاشت، زیاد تردیدی وجود ندارد، اما حرکت وی به سوی آن مقصد باید برای تاکتیک تطبیق خود با محافظه‌کاران مذهبی قدرتمند جایی نگهدارد، زیرا طبق آخرین تحلیل اگر بعضی عناصر چپ یا خرابکاری جهانی با حمایت آشکار بیشتری از جانب شوروی شاه را به میدان بخوانند، او هنوز به حد زیادی بر آنها متکی خواهد بود. بنابراین او سعی دارد مجاری ارتباطی بهتری با رهبری مذهبی پیدا کند و بدون شک براساس بعضی از شکایات آنها اقدام خواهد کرد. این کار اگر با مهارت انجام شود، انتظار می‌رود که تا مدت مدیدی آنها را آرام نگهدارد و به فرو شکستن اتحاد مخالفین منجر شود. معهذا خود این به تنهایی شاه را به مقصودش مبنی بر ایـجاد مشارکت سیاسی بیشتر که وی برای مدیریت بهتر سیستم اقتصادی و اجتماعی پیچیده‌اش که جهت هموار کردن راه برای یک جانشین بدان نیاز دارد، نزدیک نمی‌کند. اما مخالفین را به تفرق خواهند کشـاند، روابطش را با متحدین طبیعی محافظه‌کارش ترمیم خواهد نمود و تا حدی نظم و ترتیب را که در آن وی می‌تواند خواستهای اساسیش را تعقیب کند، باز می‌گرداند.

**سولیوان**

www.takbook.com



**سند شماره (۲۹)** **سری**

**کنفرانس مقامات مهم کنسولگری** **تهران ـ ۵ ژوئن ـ ۱۹۷۸ـ ۱۵ خرداد ۱۳۵۷**

**شرکت‌کنندگان:**

| | |
|---|---|
| **تامس داولینگ** | **جوانا مارتین** |
| **جک گریسون** | **دیوید مک‌گافی** |
| **هاوارد هارت** | **مایکل مترینکو** |
| **جیمز هایام** | **چارلز ناس** |
| **میکی کلیبر** | **کنت راجرز** |
| **تامس کوساک** | **جان استمپل** |
| **جورج لمبراکیس** | **کلاید تیلور** |
| **ویکتور تامست** | |

«جورج لمبراکیس» اوضاع سیاسی را در عرض یک سال گذشته با توجه به آغاز لیبرالیزه کردن سیستم ایران توسط شاه مورد بررسی قرار داد. دولت بیانی در مورد اعتقاد به مشارکت سیاسی ابراز داشته و تظاهرات اخیر این سؤال را برانگیخته است که آیا شاه کنترل کامل را دارد یا خیر؟ آیا فرآیندی که تاکنون ادامه داشته غیرقابل برگشت خواهد بود؟ رهبران سیاسی گذشتهٔ جبههٔ ملی با موضع مخالف دوباره ظاهر شده‌اند. افراد مذهبی منجمله چند آیت‌الله، بیشتر در سیاست وارد می‌شوند. این امر در افزایش فعالیت دانشجویی که منعکس‌کنندهٔ کلیهٔ گروهها، و نه اینکه یک نقطه نظر واحد دانشجویی بوده، انعکاس داشته است. ارتش و کارمندان عالیرتبه نگران این جریان شده‌اند و این سؤال مطرح است که آیا ایشان بر علیه لیبرالیزه کردن عکس‌العمل نشان خواهند داد؟

**بحث مربوطه**

تامست تذکر داد که گروههای جبههٔ ملی در جنوب ایران فعال نبوده‌اند لکن در کرمان جبههٔ ملی بهترین عنصر سازمان یافته مخالف بود که بالاخره در ماه می ۱۹۷۸ روآمد. عناصر مذهبی به طور اساسی به دو گروه تقسیم شده‌اند: ۱) آنهایی که مواضع حساب شدهٔ سیاسی دربارهٔ سلطنت و جامعهٔ اسلامی مطرح می‌کنند و ۲) گروه وسیعتری با زمینه‌های روستایی و سنتی که با مدرنیزه کردن مخالفند. رهبری اینها از گروه اول ناشی می‌شود. در شیراز دانشجویان حالت دوگانه‌ای دارند؛ (از یک طرف) با مدرنیزه کردن موافقند و از طرف دیگر بی‌اطمینانی‌هایی در مورد زمینه‌های سنتی ابراز می‌دارند. مک گافی تذکر داد که شاه مطمئناً قدرت انجام آنچه را که می‌خواهد دارد و خط‌مشی خود را تحمیل می‌کند. در اصفهان مردم معتقدند که شاه از وسعت و عمق نارضایتی عمومی آگاه نیست. یک عامل عمدهٔ جدید نیز به وجود آمده است و آن اینکه: کارمندان و مقامات وزارتی می‌ترسند که شاه ممکن است، تسلیم سنت‌گرایان شود و وضع متزلزل متجددین را از بین ببرد. از این جهت از جانب مقامات اداری فشار آورده می‌شود که اقدام قاطعی علیه ناراضیان به عمل آید. آیت‌الله خمینی در بازار اصفهان خیلی نفوذ دارد. بسیاری از رهبران مذهبی اصفهان از او خوششان نمی‌آید، اما احساس می‌کنند که چون وی از حمایت مردمی قوی برخوردار است، باید پذیرای او باشند. همچنین در بین متجددین دیگر نیز نارضایتی وجود دارد، از جمله

www.takbook.com



سرمایه‌داران، کارخانه‌داران و کارگران، سرمایه‌داران احساس می‌کنند که به آنها ترفند زده شده است. تا منافع خود را سرمایه‌گذاری مجدد نمایند و کارگران هم که وعده داده شده بودند که (در سود سهام) شریک باشند می‌بینند که حقوقشان به حسب واقع در سال گذشته کاهش یافته است. «مترینکو» اظهار داشت که تبریز «کشور دیگری است». مردم آنجا فارسی صحبت نمی‌کنند و تاریخ آذربایجان همیشه جدایی‌طلب بوده است. مقامات حکومت شهری عملاً به خاطر تغییر و تعویض دائمی وجود نداشته‌اند ـ بعضی از اوقات در عرض چهار ماه ۲ یا ۳ نفر در یک مقام تغییر یافته‌اند. دانشگاه «آذرآبادگان» فقط چهار هفته از کلاسهای شانزده هفته‌ای خود را داشته است. کشتار دانشجویان در اوائل ماه می کارمندان دانشگاه را بر علیه دولت شورانده است. مذهب در تبریز که شهر مترقی نیست، اقتدار زیادی دارد. عملاً تنها سرگرمی که وجود دارد از طریق مساجد است. ساخت عادی اجتماعی آن تغییر یافته است. باشگاهها و سینماها تعطیل شده است. در تبریز، فرح (که در جاهای دیگر مورد احترام شدید است) حتی توسط منسوبین خود مورد تحقیر است و آنها می‌گویند که خانوادهٔ «دیبا» در تهران دیگر ترک نیستند. اعتقادی وجود دارد مبنی بر این که شاه از گسیختگی تبریز درست مطلع نیست. «مترینکو» متذکر شد که تحمیل مجدد یک اقتدار محکم مشکل به نظر می‌رسد. عقیده بر این است که سربازان اگر بدانند که مردم تبریز به خاطر دلایل مذهبی شورش می‌کنند به روی آنها شلیک نمی‌کنند. در ماه فوریه به سربازان گفته شده بود که کمونیستها درصدد اشغال قدرت هستند. اینک افسران تشخیص می‌دهند که شورش‌کنندگان کمونیست نبودند و احساس فریب‌خوردگی دارند. اما ستاد ارتش فکر می‌کند که هر نوع حادثه‌ای را می‌تواند از عهده برآید. مک گافی اظهار کرد که وقتی پس از کودتای افغانستان به پایگاه هلیکوپتر اصفهان آماده‌باش داده شد. فقط افسران هلی‌کوپترها را پرواز دادند و درجه‌داران به امور کلاس گماشته شدند. بسیاری معتقدند که دولت در مورد تظاهرات دروغ گفته است.

**مذهب و تجدد**

«تامست» تذکر داد که دامنهٔ وسیعی از نارضایتی‌های ناشی از مدرنیزه کردن در حال بروز است. ایرانیان مدعی هستند که مدرنیزه کردن مفهوم هویت را از بین می‌برد. اگر چنین باشد لیبرالیزه کردن سیاسی صرفاً فرآیندی را که برای مدتی ادامه داشته است، ظاهر کرده است.

«مک گافی» توجه داد که افسران جوان نیروی هوایی اصفهان مجذوب تجددند و در مورد لیبرالیزه‌کردنی که منجر به دادن امتیازهای عمده به مخالفین شود، ناراحتند. بسیاری از نخبگان تجددگرا پلیس را یک مشکل و مانع برای مدرنیزه کردن می‌دانند.

«داولینگ» متذکر شد که افسران پلیس که با وی سروکار دارند نسبت به سازمانهای خود متعهد بوده، اما تجددگرایان دولت را حمایت می‌کنند، مخصوصاً اگر بخواهند انتخابی میان دولت تجددگرا و حکومت مذهبی محافظه‌کار به عمل آورند. اما هنوز اکثراً وضعیت را این طور نمی‌بینند.

«ناس» این سؤال را مطرح کرد که آیا اختلافات میان روحانیت شیعه و دولت غیرنظامی چنان اساسی است که نمی‌توان آنها را مصالحه داد؟ آیا دولت ایران نمی‌تواند با روحانیت کنار بیاید بدون اینکه ضعیف تلقی شود؟ مقداری هم تأثیرات ایدئولوژیکی در مورد محافظه‌کاری اسلامی مورد توجه واقع شد. مک گافی فکر می‌کرد که ایدئولوژی در درجه دوم قرار دارد و هر شخص متوجه رفاه و ترقی خویش است.

www.takbook.com



تأکید روی مذهب ناشی از تمایلی است از سوی رهبران مذهبی برای یک بازگشت سیاسی. «داولینگ» گفت که افزایش احساسات مذهبی تعداد اقلیتهایی را که در جستجوی روادید آمریکا هستند به وضوح افزایش داده است. بنابر گزارشی، اسقف ارامنه طرفداران خود را تشویق به ترک ایران کرده است. سازمان حزب توده که به طور فعال روی تبلیغات تمرکز به خرج داده است، آماده می‌شود که از وضع آینده سود ببرد و در صدد جلب نظر ملاها به خود می‌باشد. مک گافی اظهار نمود که در اصفهان نیروی پلیس علیرغم تظاهرات در حال افزایش عمدتاً غیرفعال باقی ماند، ولی وقتی دستور تیراندازی در صورت لزوم داده شد، خوشحال شدند. اعتقاد عمومی ایرانیان این است که «وقتی شاه اعتدال نشان می‌دهد، مخالفانش هرگز چنین کاری نمی‌کنند». و این عقیده بیان شد که نیروهای نظامی تعیین‌کنندهٔ نهائی در توالی بحران خواهند بود. هرچند که مقداری نفوذ مذهبی در قوای نظامی هست، اما اظهار شده است که این قوا به شهبانو و ولیعهد وفادار خواهد ماند. چنانچه تمامی خانوادهٔ سلطنت به قتل برسند، ایران به دست برنده خواهد افتاد.

## وضع اقتصادی

«تیلور» تذکر داد که مکانیسم تصمیم‌گیری نتوانست خود را قادر به رفع مشکلات متزاید صنعتی کردن نشان دهد. در مورد تلاشهای دولت ایران برای عدم تمرکز، فقط در حوزهٔ بودجه ابتکار مؤثرتری وجود داشته است، اما تفویض اختیارات فقط در سطح کابینه یا عالیترین رده‌های تحت کابینه بوده است. یک سیاست کلی برای وضع کارگران وجود ندارد. محرومیت کارگران به خاطر تنزل دستمزدهای واقعی و رکود اقتصادی، مخصوصاً در صنعت ساختمان‌سازی که منبع اصلی اشتغال نیروهای بیسواد، و غیر ماهر بوده است، مشهود است. کسری‌های عظیم بودجه که قبلاً گفته شد از ۱۹۸۱ آغاز خواهد شد، از هم‌اکنون وجود دارد.

تغییری در برنامه‌های اقتصادی به سمت خودکفایی، یعنی تأمین نیازهای اساسی انسانی به جای این اظهارنظر یکسونگرانه که ایران تا سال ۲۰۰۰ یک آلمان غربی خواهد شد، به وجود آمده است. در نتیجه ایران در بخش معادن دچار اشتباهاتی شده است. وقتی که به جای افزایش اکتشافات معدنی، آن را کاهش داده است. یک عامل عمده در توسعهٔ یک استراتژی درست اقتصادی متقاعد کردن شاه برای کم کردن انتظاراتش است. ایران می‌تواند از بحرین بهتر باشد، اما باید توهم «آلمان غربی» را ترک کند. توزیع درآمد بسیار ناجور است و ثروتمندان فاقد تعهد یا اعتمادی هستند که باید حامی سرمایه‌گذاری شود. این امر به ازدیاد نارضایتی سیاسی و رکود اقتصادی کمک می‌کند. مک گافی اشاره نمود که مردم سیر نزولی اقتصاد را تقصیر شاه می‌دانند و در جستجوی یک «ایده بزرگ» جدید هستند که عبارت باشد از برابری عملی در اکتشاف جدید نفت. تامست اظهار داشت که دولت ایران باید تصمیمات خیلی سختی اتخاذ کند؛ به ویژه برای آرام کردن طبقهٔ متوسط که به طور متزایدی خواهان نقشی در تعیین سرنوشت خویش می‌باشند. «ناس» متذکر شد که یکی از مخالفتهای بزرگی که دارد ظهور می‌کند، تقسیم منابع میان مصرف نظامی و توسعهٔ اقتصادی است. این امر مسایل سیاسی خود را مطرح ساخته و موافقت شده است که مقدار قابل توجهی از مخارج نظامی به نفع توسعهٔ غیرنظامی در بعضی از قسمتها محدود بشود، اما نه در بخش وسایل مستعمل. تیلور در پاسخ سؤالی اظهار نمود که راههایی برای خرج کردن پول وجود دارد که ممکن است

www.takbook.com



توسعهٔ بلندمدت را افزایش دهد، بدون اینکه خطر تورم ایجاد کند: یکی آموزش بیشتر در قسمت کارگری تکنیکی، مانند آموزش حرفه‌ای و تعمیر اتومبیل و غیره. دوم خانه‌سازی که با در دست قرار دادن منابع و حذف مصالح از بازار سیاه باعث بهبود خانه‌های کارگری خواهد شد، نه ساختمانهای لوکس. سوم خرج مرحله‌ای برای کشاورزی به جای خریداری محصولات خارجی با پرداخت کمکهای بلاعوض که باعث تشویق بیشتر تولید داخلی خواهد شد.

## مسایلی برای آمریکا

مقامات عمده توافق داشتند در این که آمریکا دارد تا اندازه‌ای سپر بلا برای مشکلات ایران واقع می‌شود. آمریکا از شاه حمایت می‌کند و لذا ایدئولوگهای مذهبی آمریکا را به عنوان حامی حکومت مورد حمله قرار می‌دهند. متجددین معتقدند که حضور آمریکا در ایران باعث بالا رفتن اجاره‌ها و هزینه‌های غذایی شده است. دانشجویان خاک آمریکا را به عنوان جایی که مزایای زیادی عرضه می‌کند دوست دارند. اما نه آنها و نه بزرگترهایشان باور ندارند که آمریکا از نظر فلسفهٔ سیاسی چیزی را برای ایران داشته باشد. در این لحظه قدرت آمریکا مورد تکریم نیست و ما را به عنوان یک کشور ضعیف و غیر مصمم ملاحظه می‌کنند. در حال حاضر چنین نظری اشکالات جدی در حسن نیتی که توسط اکثریت عمده‌ای از ایرانیان ابراز می‌شود، ایجاد نمی‌کند. معهذا موقعیتهایی به وجود می‌آید که طی آن آمریکا ممکن است به سرعت سپر بلای مشکلات ایران شود، متجددین آمریکا را به خاطر شکستهای اقتصادی دولت ایران سرزنش می‌کنند و مخالفان ما را سرزنش می‌کند: که چرا عقیدهٔ آنها را در مورد ترکیب سیاسی به شاه تحمیل نمی‌کنیم.

**امضاء: استمپل، لمبراکیس، تیلور**

www.takbook.com



**سند شماره (۳۰)**

**از : سفارت آمریکا، تاریخ : ۷ ژوئن ۱۹۷۸ـ ۱۷ خرداد ۱۳۵۷**

**تهران برای اقدام به : وزارت امور خارجه، واشنگتن برای اطلاع:**

**سفارت آمریکا در ابوظبی**

**سفارت آمریکا در دوحه**

**سفارت آمریکا در جده**

**سفارت آمریکا در کویت**

**سفارت آمریکا در منامه**

**سفارت آمریکا در مسقط**

**طبقه‌بندی : محرمانه**

**موضوع : مشکلات داخلی ایران، نیاز برای اطلاعات.**

۱ـ منامه، همچنین دوحه، جده، کویت و مسقط در اول ژوئن مطلبی را تحت عنوان «ایران در سالهای ۸ ـ ۱۹۷۷، صحنه داخلی» دریافت داشته‌اند. هدف این تحلیل آن است که ناآرامیهای داخلی از سیاست آگاهانه اعطای آزادی که در ۱۹۷۶ توسط شاه آغاز گردید و هنوز هم ادامه دارد، مشتق می‌شود. در حالی که «برنامه اعطای آزادی» شکوه‌ها و برخی خصومتهای جدی به رژیم را از عمق به سطح آورده، شاه و نهادهای او کنترل کامل اوضاع را در دست دارند. مطالعه فوق چند نوع مخالف را، از جمله به دو گونه گروه مذهبی، سایه‌هایی از رهبران قدیم و جدید جبهه ملی، تروریستها و دانشجویان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

۲ـ سفارتخانه‌های حوزه خلیج را در معرض بازیابی گسترده‌تر قرار خواهیم داد. هرچند که تاکنون توزیع گزارش وضعیت را محدود نگه داشته‌ایم.

وزارت امور خارجه شاید خواستار فرستادن نسخه‌ای از ۸۰ ـ A به دیگر سفارتخانه‌ها در حوزه خلیج که تقاضای کسب اطلاع و تحلیل رویدادهای جاری در ایران را دارند، باشد.

**سولیوان**

www.takbook.com



## سند شماره (۳۱)

**محرمانه**

**خلاصهٔ مذاکرات هیئت مسایل مملکتی ۱۴ ژوئن ۱۹۷۸ـ ۲۴ خرداد ۱۳۵۷**

سفیر جلسه را با شرح ملاقاتش با آقای ناس در مورد نخست‌وزیر آموزگار که دیروز انجام گرفت آغاز کرد. در میان موضوعاتی که مورد بحث قرار گرفت از حزب رستاخیز، رابط انرژی اتمی و کلنل ساندرز می‌توان نام برد. نخست‌وزیر خاطرنشان ساخت که او زیاد تحت تأثیر عقیدهٔ یک جناح سوم برای حزب رستاخیز قرار نگرفت. در مورد انرژی اتمی آموزگار در رابطه با عبارت «زمان‌بندی » و مسئلهٔ MFN برای ایران طرحی سازنده ارائه داد. با تلفن از واشنگتن شنیدیم که بنگاههای درگیر رضایت دارند و می‌روند که لحن بیان دیگری را پیشنهاد کنند. سفیر همچنین یادداشتی به نخست‌وزیر داد که مربوط به مشکلات انتفاع محفوظ (کپی رایت) کلنل ساندرز بود. نخست‌وزیر گفت که برای تبدیل علامات خاطیانهٔ کنتاکی فراید چیکن به «کاشانی فراید چیکن» اقدام خواهد کرد.

در همان جلسه سفیر دربارهٔ بودجهٔ ساختمانی دانشگاه تبریز اطلاعاتی به بایندر داد. هنوز رئیس دانشگاه تعیین نشده و در آینده نزدیک نیز تعیین نخواهد شد. آقای ناس در غیاب سفیر اطلاعات مربوط به این مسئله را فراهم خواهد کرد.

سفیر از آقای لمبراکیس خواست که دربارهٔ اعضای گوناگون مجلس که برای رستاخیز رأی آورده‌اند، یک تحقیق پیرامون زندگی ایشان انجام دهد. از آقای لمبراکیس این هم خواسته شد که ببیند آیا بیانیه ناشی از دیدار امیر بحرین از ایران به تمام واحدهایمان در منطقهٔ خلیج رسیده است یا نه؟

سفیر آلمان به سفیر سولیوان گفت که شنیده است که نیروی دریایی ایالات متحده می‌خواهد که تمام کشتیهای کوچک را تهیه نماید. سفیر توضیح داد که یک گروه متخصص برای آزمایش اینکه چه نوع سلاحهای ساخت آمریکا می‌تواند برای کشتیهای آلمانی به کار روند، رسیده‌است. سفیر در مورد مشکل بینابین آقای بروین و جینگلز سؤال کرد و به آن توصیه کرد، که سعی نماید میلز را دوباره به عنوان نماینده منصوب نمایند.

سفیر دو خبر رسیده در ارتباط با سیاست ما دربارهٔ پناهندگان افغانی به آقای گوئلز ارائه داد. او همچنین سؤال کرد که آیاکسی مایل به شرکت در نمایشنامهٔ کارمن در تالار رودکی هست. پس از مدتی آقای شلنبرگر گفت که او شخصی را برای این کار انتخاب خواهد کرد.

آقای شلن‌برگر توضیحی در مورد مذاکراتش با اندوویتلی از بی‌بی‌سی داد و سپس یک لیست طولانی از شکایات را در مورد موقعیت کارها در ایران قرائت نمود. این لیست به درخواست اعلیحضرت توسط یک گروه از روشنفکران تهیه شده بود.

آقای بروین گزارش داد که او و آقای وستلی چیزهایی در مورد نگرانی مقامات وستینگهاوس از اینکه پروژهٔ مترو به فرانسویها مربوط می‌شود، شنیده است که البته چون قراردادها پنهانی بسته می‌شود، در اینباره اطلاع چندانی ندارد.

آقای لمبراکیس گفت که ۱۹ ژوئن در ۱۸ ژوئن برگزار خواهد شد. مذهبیهای فعال همگی قبول کرده‌اند که بهتر است در خانه بمانند، تا تظاهرات انجام دهند. آقای شلنبرگر گفت که ویتلی احساس می‌کند، اغتشاش بالا خواهد گرفت.

www.takbook.com



آقای فری سپس در رابطه با موضوعات اصلی گزارشی در مورد پیش‌بینی مقدار محصول در سال جدید و دیدار وزیر کشاورزی از استرالیا و ایالات متحده داد. در این گزارش او خاطرنشان ساخت که درخواستی مبنی بر کمک به ایران برای یافتن بازار جهت کندر و مر دریافت داشته است.

آقای آدلر گفت که امروز صبح اطلاع یافته است که آقای سیهویل متخصص ایمنی NRC، دیگر به ایران باز نخواهد گشت. او نمی‌داند که امکان دارد این مخالفت تنها ناراحتی ایران در رابطه با فقدان پیشرفت در زمینهٔ انرژی اتمی باشد. سفیر گفت که آلمانیها به خوبی تحت تأثیر این مخالفت قرار گرفته‌اند، از زمانی که کنترل ایمنی ایالات متحده را برای راکتورهای خود تخمین زده‌اند. آقای آدلر موضوع را با سیروس منصور تعقیب خواهد نمود.

آقای آدلر همچنین گزارشی در مورد حضور خود در جلسهٔ اخیر انجمن «تنظیم و بهداشت خانواده» داد. منظور این است که وزیر بهداری هیچ گونه همکاری به عمل نمی‌آورد. سفیر معتقد بود که آقایان ناس و آدلر بهتر است که شرحی راجع به موضوعات اصلی ملاقاتهای آینده با وزیر بهداری شیخ‌الاسلام‌زاده تهیه نمایند.

آقای بیرن، رابرت پاول را به عنوان مأمور جدید CAAG معرفی کرد. خانم دیرزمن در مورد جلسه‌ای که با کارکنان مالیاتی ایران داشت سخنانی ایراد کرد و گفت که آنها درخواست «مساعدت و دادن اطلاعات از متخصصین کامپیوتر IRS» کرده‌اند.

سفیر درخواست نمود که این امر توسط جان میسی و جک وگان همانند یک برنامهٔ جدید مورد بررسی قرار گیرد.

آقای ددیچ در مورد ملاقاتش با نمایندگان پلیس ملی ایران در رابطه با آموزش افراد پلیس ایرانی در ایران صحبت کرد.

ضمیمه: بدین وسیله نویسنده از آقای مارتین به دلیل عنوان نکردن گزارش ایشان در مورد اینکه در بین نمایندگان وستینگهاوس، شکاف ایجاد شده است پوزش می‌طلبد.

www.takbook.com



**سند شماره (۳۲)**

**به : کنسول آقای گوئلز** **۱۹ ژوئن ۱۹۷۸ـ ۲۹ خرداد ۱۳۵۷**

**از : شیراز ـ ویکتور ال. تامست**

**موضوع : جلسات مقامات عمده**

در عین حال که نمی‌توانم بگویم که از قول همکارانم سخن می‌گویم، اما شخصاً نشست مقامات عمده را دلیل متقاعد کننده‌ای برای مفید بودن برگزاری این گردهماییها به طور مرتب یافتم. همچنان معتقدم که نوعی موضوع خاص در هر جلسه توجه شرکت‌کنندگان را به خود معطوف می‌دارد، و لذا می‌تواند وسیله مفیدی برای به حداکثر رسانیدن آنچه که ممکن است طی این جلسات نسبتاً کوتاه مدت به دست آید، باشد. تصور می‌کنم اولین روز سمینار در مورد سیاست داخلی به خوبی این نکته را ثابت کرد.

برای آینده، نکات ذیل را به عنوان موضوعات احتمالی پیشنهاد می‌کنم:

ـ ـ نظام آموزشی ایران، نقش دانشجویان در جامعه، و تأثیر تحصیل در خارج، فکر می‌کنم که علاوه بر حضور خود مقامات عالی رتبه، مشارکت افرادی از «آژانس ارتباطات بین‌الملل»، «بخش سیاسی» و «کنسولگری» مهم باشد.

ـ ـ توسعه اقتصادی در ایران، چشم‌اندازهای رشد بیشتر، و احتمالات مربوط به ثبات سیاسی آینده. روشن است که اقتصاد نکتهٔ عمده خواهد بود. ولی «مشارکت» وابستهٔ کشاورزی، کنسول، و «بخش سیاسی» نیز مؤثر خواهد بود.

ـ ـ برنامهٔ بازرگانی کشور و نقش پستهای متشکله آن، بیشتر کار با وابسته بازرگانی و مرکز تجارتی است، اما به گمان من تأکید زیادی باید برای ملاحظهٔ تکنیکهای عملی جهت بهبود مشارکت پستهای متشکله در کوشش بیشتر به عمل آید.

ـ ـ نقش نظامی ایران به عنوان عاملی برای تجدد و نیروی سیاسی. چنانچه تعدادی افسر نظامی با تجربه مستشاری می‌توانستند در جوار عناصری از قسمتهای مختلف سفارت و مقامات عالی رتبه شرکت کنند، چنین جلسه‌ای می‌تواند روشنگریهای باارزشی در مورد رفتار یک گروه عمده در این کشور فراهم آورد.

در مورد سازماندهی این جلسات، نکات زیر را توصیه می‌کنم: اول، اینکه زمان کافی لازم است تا هر موضوع به طور کامل تحقیق شود. سه ساعت کافی برای رسیدگی به همهٔ جنبه‌های صحنه سیاست داخلی نبود. شاید اگر به دو جلسه از ۱۰ صبح تا ۱ بعد از ظهر و از ۲ بعد از ظهر تا ۴ بعد از ظهر تقسیم شود، بهتر باشد. دوم، اینکه رئوس مطالبی برای شرکت‌کنندگان عمده قبلاً تهیه شود و این امر کمک به برقراری پارامترهای بحث می‌کند. سوم، اینکه یک رئیس جلسه، بحث را از انحراف نگه دارد. چهارم، اینکه از شرکت‌کنندگان اصلی ممکن است خواسته شود که مسئولیت یک جنبهٔ خاص از موضوع را به عهده بگیرند و بدین طریق با عمق بیشتری موضوع بررسی شود.

در مورد نوع مدیریت و جنبه‌های تشریفاتی کنسولگری، من بحثهای نوع میزگرد را مفید می‌دانم. تنها گلهٔ من در این منطقه این است که ما وقت کافی برای اختصاص دادن به مسایل کنسولگری نداشته‌ایم. شاید یک ساعت بیشتر در جلسه بعدازظهر، مثلاً از ۱ تا ۴، بهتر باشد.

www.takbook.com



**سند شماره (۳۳)**

**از : وزارت امور خارجه آمریکا** **تاریخ : ۲ ژوئیه ۷۸ـ ۵۷/۴/۱۰**

**به : سفارت آمریکا ـ تهران**

**طبقه‌بندی : سری**

**موضوع : گزارش بازسازی ساواک**

گزارش پیشرفتهای مطرح شده در پیام اگر به صورت کامل انجام پذیرد خیلی جالب خواهد بود. لطفاً به این تماسها به طور نزدیکتری ادامه داده و گزارش و نشانه‌هایی را که حاکی از تغییرات در سیاست و یا کار ساواک است گزارش دهید.

(ونس)

www.takbook.com



**سند شماره (۳۴)**

**محرمانه**

**۵ جولای ۱۹۷۸ـ ۱۴ تیرماه ۱۳۵۷**

**خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی**

کاردار درخواست کرد که رئیس هر بخش در اعطای مرخصی برای بعدازظهر روز ۶ جولای جهت شرکت در جشن روز استقلال در «لویزان» آزاد باشد. آقای «ناس» تذکر داد که ممکن است با میهمانان زیادی در آخر هفته روبرو شویم. اولین نفری که وارد خواهد شد، «لونوزنسو» نمایندهٔ معاون وزیر امور خارجه خواهد بود که سعی خواهد کرد که موافقتنامهٔ دوجانبهٔ اتمی را به پیش ببرد. «نیوسام» مدیر کل وزارتخانه نیز که در حال بازدید از آسیای جنوبی، خاورمیانه و اروپا است، برای بحث در مورد وقایع اخیر در منطقه وارد خواهد شد و گفتگویی با شاه خواهد داشت. به علاوه نمایندهٔ دائمی «جیمز لئونارد» نیز در ۸ جولای خواهد آمد تا در مورد موضوعات مربوط به سازمان ملل با مقامات مختلف دولت ایران گفتگو کند.

آقای «لمبراکیس» مروری بر مطالب مطبوعات داخلی داشت و خاطرنشان کرد که بی‌بی‌سی به دنبال گزارش «وایتلی» از افغانستان سر قوز افتاده است. آرامش نسبی در جبههٔ داخلی برقرار است. یک مقام حزب رستاخیز شدیداً از کاندیداهایی که حزب را ترک می‌کنند انتقاد کرده است و این نشان می‌دهد که آنها قادرند به طور مستقل عمل نمایند. هنگام میهمانی چهارم ژوئیه ما، نهاوندی در پاسخ یک سؤال گفت که سازمان او صرفاً یک «جناح سوم» حزب رستاخیز نخواهد بود، بلکه «گروهی» تشکیل خواهد شد.

کاردار به وابسته جدید کشاورزی ما آقای «کوی نیلی» خوش‌آمد گفت.

آقای مارتین گفت که او درخواست سفیر اردن جهت یک گزارش موضعی دربارهٔ انتقال پیشنهادی کشور ثالث برای آموزش موشکهایی که در نیروی هوایی اردن روی هواپیماهای F-5 که از ایران اخذ شده‌اند، استفاده خواهد شد، تعقیب می‌کند. سرهنگ شیفر، وابسته جدید نیروی دریایی ناخدا روی هالینگ ورث را معرفی نمود. وی همچنین بازدید پیشنهادی ژنرال «سادلر» فرماندهٔ پایگاه ۲۱ نیروی هوایی در پادگان «مک کوایر» جهت بازدید از ترمینال فرماندهی هوابرد نظامی را اعلام نمود.

آقای آدلر گزارش داد که میهمانان کمیتهٔ اقتصادی مشترک، نتیجه گرفتند که بازار برای نیروی خورشیدی خیلی امیدبخش است. آنها متوجه شدند که بودجه وزارت انرژی در این منطقه ۵ برابر شده است و احتمال دارد که برای شرکتهای آمریکایی بازار وجود داشته باشد.

آقای «ددیچ» هفتهٔ آینده به خلیج فارس مسافرت خواهد کرد.

آقای «راینو» به دنبال اشارات آقای «آدلر» متذکر شد که مرکز بازرگانی تلگرامهایی چند و یک گزارش در مورد نمایشگاه انرژی خورشیدی فرستاده است. برپاکنندگان نمایشگاه متوجه شدند که یک بازار احتمالی بسیار جالب برای شرکتهای آمریکایی وجود دارد.

ناخدا «هاک» بازدید ناو آمریکایی «بارنی» از بندرعباس را برای مشارکت در تمرینات واحدهای نیروی دریایی اعلام کرد.

کاردار از آقای «بانرمن» به خاطر ایفای خوب وظیفه‌شان در مورد حفظ امنیت میهمانی چهارم ژوئیه که به خوبی برقرار شد، تشکر کرد.

**امضاء: مارتین**

www.takbook.com



## سند شماره (۳۵)

**محرمانه**

**۱۲ جولای ۱۹۷۸ـ ۲۱ تیر ۱۳۵۷**

**خلاصهٔ مذاکرات هیئت مسایل مملکتی**

کاردار جلسه را با خبری از عقد قرارداد دوطرفهٔ انرژی اتمی آغاز کرد. مشکل اساسی استفادهٔ مجدد از مواد زائد اتمی حل شد و از نظریات پنج هفتهٔ پیش سفیر سولیوان به نحو احسن استفاده گردید. کاردار گفت که بازدید معاون نیوسام به خوبی انجام یافت. عامل اصلی در ایران به توافق رسیدن در مورد موقعیت خاور بود. شاه در صورتی که پاکستانیها از کارخانه استفاده مجدد از مواد زائد اتمی صرف‌نظر کنند، شاه با کمک به پاکستان موافقت دارد. اگر آنها به همین نحو پیش روند، آمریکا از نظر قانونی نخواهد توانست به اسلام‌آباد کمک اقتصادی یا سیاسی بنماید.

آقای شلن‌برگر سؤال کرد که آیا قرارداد انرژی اتمی احتیاج به تصویب سنا دارد یا نه؟ کاردار جواب داد که معاهده پس از ۶۰ روز کار به مرحلهٔ اجرا گذاشته خواهد شد، مگر آنکه یکی از کنگره‌ها آن را تصویب نکند.

آقای شلن‌برگر گزارش داد که کارشناس سیاسی ویلیام گریفت در شهر است و با شاه و نخست‌وزیر ملاقات خواهد کرد. اخبار دیگر ICA حاکی از آن است که انجمن ایران و آمریکا در تبریز مدعی است که یک برنامهٔ درخشان علمی را در پیش گرفته است.

کلنل واندرمیر گزارش داده که ژنرال گست همراه گروه فرماندهی و کنترل بود. ژنرال ازهاری ظاهراً خیلی تحت تأثیر قرار گرفته است و اواخر این هفته موضوع را با شاه درمیان خواهد گذاشت.

آقای بروین کفیل ریاست هیئت نمایندگی، گفت که نمایندگان کنسرسیوم نفت هفتهٔ گذشته برای تجدید موافقتنامهٔ ۱۹۷۳ به تهران آمده‌اند. ایرانیان توافق دارند که برای هر بشکه ۲۰ سنت تخفیف بدهند که میزان این تخفیف ۲ سنت کمتر از قرارداد گذشته است، ولی باید توجه داشت که کنسرسیوم ۳/۳ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند.

آقای بروین و مایلز رایزن اقتصادی بعدی با سرپرست ادارهٔ امنیت اجتماعی ایران برای بحث پیرامون امکانات یک موافقتنامه ملاقات کردند. در طول یک هفته یا بیشتر، نمایندگان سفارت با نمایندگان امنیت اجتماعی برای تهیهٔ یک پیش‌نویس جهت ارسال به واشنگتن با یکدیگر ملاقات خواهند نمود. ما می‌خواهیم که این پیش‌نویس کاملاً ساده باشد، ولی ممکن است که واشنگتن بخواهد که طرحهای آلمانی و ایتالیایی در آن گنجانده شود.

آقای بویس خبر روز را برای بخش سیاسی به عرض رساند. بر طبق آخرین شایعات از قسمت سفارتخانه او گزارش داد که گروه جدیدی از حقوقدانان ایرانی به تازگی نام اعضای خود را اعلام نمود و اطلاع داده است که کوششهایی در جهت تماس حاصل کردن با گروههای حقوق بشر ایالات متحده و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به عمل خواهد آورد.

جناح سوم نهاوندی مقاله‌ای مبنی بر انتقاد از خط‌مشی اقتصادی دولت آموزگار انتشار داده است. این مقاله اتاق اصناف را به علت تورم زیاد مورد سرزنش قرار داده است و هم اکنون اتاق اصناف جوابیهٔ آن مقاله را منتشر کرده است. امکان دارد که این عمل اعضای مجلس را که تصمیم به پیوستن به دسته‌بندی

www.takbook.com



نهاوندی را داشتند، تحت تأثیر قرار دهد.

بالاخره شهردار مشهد گفت که هر کارمند شهرداری که مشاهده شود در فساد یا رشوه‌گیری دست داشته است، سر او تراشیده خواهد شد (توسط خانم شهردار) و در یک ماشین روباز شهرداری دور خیابانها گردانده خواهد شد. این خبر باعث مناظرهٔ دائمی در سالن مجلس در مورد حق قانونی شهردار شد.

آقای نیلی گزارش داد که حجم صادرات آمریکا به ایران بالغ بر ۴۲۳ میلیون دلار در سال گذشته بود و به نظر می‌رسید که امسال نیز چیزی نزدیک به همین مقدار باشد. گاوهای آبستن همچنان یک بخش کلی صادراتی را تشکیل می‌دهد. او گفت که در مورد محصول گندم علیرغم خشکسالی اوائل سال جدید، مقدار آن مانند سال گذشته خواهد بود.

آقای مایلز در مورد ساعات جدید (Commissary) تعاونی و فروشگاه 7-11 که در همان ترکیب خواهد ماند گزارشی معروض داشت.

آقای ریچاردسون گزارش داد که آقای گولز امروز صبح تهران را برای یک مرخصی طولانی ۴، ۶، ۸ و یا ۱۰ هفته‌ای ترک خواهد نمود.

آقای بنرمن، TSO جدید پل تابس و RSO جدید دیو مارشال را معرفی کرد.

آقای اسنو گزارش داد که IAS فعالیت جدید خود را برای آشناسازی دانشجویان ایرانی که عازم آمریکا هستند آغاز کرده است.

www.takbook.com



**سند شماره (۳۶)**

**محرمانه**

**۱۹ جولای ۱۹۷۸ـ ۲۸ تیر ۱۳۵۷**

**خلاصهٔ مذاکرات هیئت مسایل مملکتی**

کاردار جلسه را با مطرح کردن این موضوع که مذاکرات نیوسام در کابل و اسلام‌آباد پایان گرفته و پاکستانیها نقطه‌نظرهای سنتی خود که در چند زمینه به این منظور پیشنهاد کرده‌اند، آغاز نمود. ما انتظار داریم که گزارش مختصری در مورد مسافرت نیوسام به دست آورده و آن را در اختیار ایرانیان نیز قرار دهیم. معاون وزیر، کوپر، نیز در هفتهٔ آینده از ایران بازدید خواهد کرد. ژنرال گست گفت که شب گذشته در مورد پیغام کاردار پیرامون برنامهٔ F-4 با ژنرال گریوز گفتگو کرده است. ما پیشنهاد کردیم که یک بار دیگر برنامه بررسی شود تا اینکه سیم کشی گروه A نیز در آن جای بگیرد، این امر موجب خواهد شد که سلاح «Wild Weasel» در موعد دیرتری بر روی F-4 قرار گیرد. البته در صورتی که تصمیم بگیریم که آن موشکها را به ایرانیان بدهیم. بدون سیم‌کشی گروه A، دولت ایران احتمالاً هواپیماها را نخواهد خرید. راجر ا. بروین کفیل ریاست هیئت نمایندگی پس از چهار سال خدمت در راه گسترش روابط ایران و آمریکا از هیئت مسایل مملکتی خداحافظی کرد.

آقای لمبراکیس گزارشی در مورد موقعیت سیاسی داخلی ایران معروض داشت، او گفت مخالفین مجدداً در حال بسیج مردم به منظور برگزاری تظاهرات برای فردا بعد از ظهر در حوالی خیابانهای تخت‌جمشید و بلوار پهلوی هستند. آقای ریچاردسون به کاردار گفت که کنسولگری در روز ۶۰۰ الی ۷۰۰ ویزای غیر مهاجرتی صادر می‌کند.

www.takbook.com



## سند شماره (۳۷)

**محرمانه**

**۲۶ ژوئیه ۱۹۷۸ـ ۴ مرداد ۱۳۵۷**

**خلاصه گزارش هیأت مسایل مملکتی**

کاردار جلسه را با مطرح کردن تلگرامی که شب گذشته فرستاد و گفتگوهایش با تیمسار طوفانیان را وصف می‌نمود، شروع کرد.

تیمسار طوفانیان گفت در صورتی که هواپیماهای F-4 همراه با سیستم مخابراتی گروه A نباشد دولت ایران خواهان آنها نخواهد بود. او گفت پیشنهاد خرید شرایک (Shrickes) او را متحیر کرده است و یادآور شد که شاه و او تصمیم گرفتند که دولت آمریکا باید سعی کند که شرایکها را پیاده نماید. اما در عین حال گفت تصمیم گرفتند چنانچه هواپیماهای F-4 با سیستم مخابراتی گروه A باشد حاضرند شرایکها (Shrickes) را نیز از ما تحویل بگیرند.

دکتر استمپل قرار شد با انگلیسها در مورد مذاکراتشان دربارهٔ نامیبیا صحبت کند. کاردار احتمالاً امروز به وزارت امور خارجه خواهد رفت و دربارهٔ موریتانی و خاورمیانه گفتگو خواهد کرد. کاردار نتیجه بررسی دربارهٔ وضع مدیریت کارکنان سفارت را به آقای میلز داد و قرار شد وی آن را بخشنامه کند.

آقای ژیسکی گفت انجمن ایران و آمریکا برای احداث یک مرکز آموزشی جدید پروانه ساختمان گرفته است.

دکتر استمپل یکی از کارمندان جدید از بخش DEA به نام آقای لاری مکینی را معرفی کرد. سپس دربارهٔ شورشهای امروز مشهد به نقل از روزنامه گزارشی داد. وی یادآور شد که در آخر هفته گذشته در سراسر کشور تظاهرات گسترده‌ای در جریان بوده که به غیر از جهرم در همه جا با آرامش برگزار شده است.

آقای مارتین یادآور شد که دربارهٔ موضوع Wild Weasel با آقای پرشت صحبت کرده است. آقای نیوسام، معاون وزارتخانه، هم اکنون در فعالیت است تا موافقت ترخیص WildWeasel را برای نیروی هوایی ایران بگیرد. این موضوع برمی‌گردد به پس از عکس‌العمل منفی کمیسیون مجلس دربارهٔ پیشنهاد وزارت امور خارجه که در آن توصیه شده بود که به جای تحویل Wild Weasel سیستم مخابراتی گروه A را در هواپیماهای F-4 جانشین کند.

آقای تایلر درباره تغییرات جدید هیئت دولت گزارشی داد و یادآور شد که PBO در طول سال گذشته سه وزیر جدید به خود دیده است. همچنین وی درباره پاره‌ای شایعات که در مهمانی نهار بانکداران درباره بیماری شاه شنیده بود بحث و تبادل نظر کرد.

اس. ا. بویس
۱۹۷۸/۷/۳۰

www.takbook.com



**سند شماره (۳۸)**

**وزارت امور خارجه** **۷ تیر ۱۳۵۷ـ ۲۸ ژوئن ۱۹۷۸**
**واشنگتن دی. سی. شماره پستی ۲۰۵۲۰**
**چارلز ناس**
**کاردار موقت سفارت**
**تهران**
**آقای ناس عزیز:**

نامه پیوست از سفیر (ادوارد) لیتل، خودش گویاست. کارمندان گروه اطلاعات در حال پیگیری تجربه‌ای هستند تا اعتبار اولویتی را که اطلاعات داخلی نیاز دارد، مطالعه نمایند و نیز قوت و تأثیر مطالعه ابتدایی FOCUS را بازبینی نمایند. به وظیفه باید چسبید، می‌دونی!

نظر صریح شما موجب کمال امتنان خواهد بود. آخرین موعد ارسال نظرات وزارت امور خارجه به اد.لیتل یازدهم اوت می‌باشد. چنانچه نظریاتی داشته باشی می‌توانی، یادداشتی برای من بفرستی یا تلگرافی خبر بدهی.

هنگامی که سفیر سولیوان در وزارت بود نامه پیوست را نشانش دادم. او فقره‌ای به لیست اولویتها افزود و موافقت کرد که به مطالعه ادامه دهیم.

**ارادتمند کارول سی‌مور**

ادارهٔ روابط اطلاعاتی
دایرهٔ اطلاعات و تحقیقات

www.takbook.com



**سری**

**مدیر اطلاعات مرکزی**
**کمیته منابع انسانی**

**دفتر رئیس**
**چارلز دبلیوناس**
**کاردار موقت سفارت**
**سفارت آمریکا- تهران**
**آقای ناس عزیز**

نزدیک به سه سال است که کمیتهٔ منابع انسانی برنامه بررسی FOCUS را هدایت نموده است؛ ارزیابی منابع انسانی که در پاسخ به نیازهای امنیت ملی، از مأموریتهای خارج که توسط آمریکا انتخاب می‌شود، گزارش می‌شود. شرکت همه‌جانبه وزارت امور خارجه و آژانسهای اطلاعاتی گوناگون که در تابلو اطلاعات ارائه شده، مغتنم است. دربارهٔ مأموریت در ایران بررسی FOCUS یک سال و نیم قبل انجام گرفت و نتایج آن توسط معاون مدیر اطلاعات مرکزی در ۲۶ ژانویه ۱۹۷۷ برای کاردار جک میکلوس فرستاده شد. لیست اولویت منافع اطلاعات ملی که از روند بررسی FOCUS اخذ شده بود به تاریخ ۱۷ می ۱۹۷۷ برای شما ارسال گردید.

بر پایهٔ آزمایش، منشی کمیته منابع انسانی با همکاری آژانسهای اطلاعاتی و وزارت امور خارجه، در حال انجام برنامه تعقیبی FOCUS انتخابی در دنباله بررسیهای قبلی هستند. این برنامه‌های تعقیبی به منظور بررسی اعتبار اولویت نیازها (یا منافع) اطلاعات ملی می‌باشد و نیز بررسی قوت و تأثیر بررسی FOCUS اولیه بر مبنای گزارشات از کلیه عناصر مأموریت. با در نظر گرفتن منافع روزافزون ملی دربارهٔ گزارش از مأموریت شما و اهمیت آن برای سیاستگزاران واشنگتن، برنامه تعقیبی FOCUS در ایران، برای برنامه جدید یکی از کاندیداهای اولیه می‌باشد.

به عنوان جزء لاینجزای برنامه تعقیبی، تشکرات خود را در مورد دریافت نظرات شما و گروه را دربارهٔ گزارش برنامه جاری مأموریت و مفید بودن بررسی FOCUS قبلی اظهار می‌داریم. هرگونه پیشنهادی که معطوف به نیازها و ارشاد گزارش جاری باشد، برای ما مفید خواهد بود.

برنامه تعقیبی FOCUS با روشی نسبتاً غیر رسمی انجام شده و برای تکمیل به ۶ تا ۸ هفته نیاز دارد. به منظور سهولت، خلاصهٔ کوتاهی از چهارچوب بررسی FOCUS را همراه با نسخه‌هایی از مکاتبات قبلی ضمیمه می‌نمایم. امیدوارم که در این راه ما را مساعدت نماید.

**با احترام**
**سفیر ادوارد اس. لیتل**
**رئیس**

www.takbook.com



**محرمانه**

**تهران ـ ایران** **اول اوت ۱۹۷۸**

**خانم کارول سی. مور**

**ادارهٔ روابط اطلاعاتی**

**دایرهٔ اطلاعات و تحقیقات**

**وزارت امور خارجه ـ واشنگتن دی. سی**

**کارول عزیز:**

عطف به نامه ۲۸ ژوئن، در خصوص روند اعطای آزادیهای سیاسی شاه و آشوبهای سیاسی ناشی از آن در کشور پیشنهاد می‌کنم یک پاراگراف فرعی زیر پاراگراف داخلی، اما براساس زیر تهیه شود. «قدرت، ماهیت، برنامه‌ها و غیره، از عناصر مخالف و دامنهٔ خطر آنها برای رژیم». والا، لیست هماهنگ بوده است.

ارادتمند

چارلز دبلیو. ناس ـ کاردار موقت سفارت

www.takbook.com



## سند شماره (۳۹)

**محرمانه**

**۲ اوت ۱۹۷۸ـ ۱۱ مرداد ۱۳۵۷**

**خلاصهٔ مذاکرات هیئت مسایل مملکتی**

کاردار به اعضای هیئت مسایل مملکتی اطلاع داد که شب گذشته یک بمب دستی از بالای دیوار کنسولگری در اصفهان به داخل پرتاب شد. این حادثه هیچ صدمه و یا خسارت جدی به بار نیاورد. ما گمان می‌کنیم که این یک اتفاق مجزا و منفرد بوده است نه یک حادثه‌ای که ارتباط به یک گروه متخصص تروریستی داشته باشد. آقای ناس همه را متوجه این موضوع کرد که احتیاط امنیتی لازم را به کار برند. خبر مسرت‌بخش این است که دفتر سفیر تعدادی بلیط مسابقه میدان فرح‌آباد را دریافت داشته است و نمایندهٔ مسئول آنها را دریافت خواهد کرد. با توجه به اخبار سلامتی شاه، اخبار مصور او را در حال استراحت و آرامش، برنزه شده و سرحال نشان می‌دهد. اخیراً در تماسی که یکی از کارکنان با او داشته او را سالم تشخیص داده است.

آقای زیشک گزارشی داد که به نظر می‌رسد پیمان پیشنهادی فول برایت به دایرهٔ اول بازگردانده شود. کاردار گفت که او درخواست را مورد بررسی قرار داده و دیده است که احتیاجی به تهیهٔ یک طرح جدید نیست زیرا توافق قبلی اساساً مورد رضایت ماست.

آقای وستلی گفت که معاون رئیس صادرکنندگان جهانی بیمه در جلسهٔ اخیر بازرگانی ایران و آمریکا در کنسولگری لندن شرکت کرده و تحلیلی کوتاه از جلسه نموده است که اعضاء شرکت‌کننده آن را خیلی ثمربخش یافته‌اند.

آقای استمپل مقاله‌ای از روزنامهٔ رستاخیز را که در آن دکتر امینی به خاطر اعلام بی‌موقع در مورد فعالیت سیاسی انتقاد شده بود، خواند.

همچنین روزنامه‌های محلی خبر درخواست کمک سازمان ملل از ایران را، به منظور همکاری با نیروهای حافظ صلح در نامیبیا گزارش کرده بودند. هیئت مستشاران نظامی به ما در مورد احتمال تظاهرات فردا در مسجد اعظم تجریش آماده‌باش داد.

خانم ویلیام وودساید، کارمند کمیتهٔ قضایی سنا، در مورد مواد مخدر گزارش مختصری ارائه داد.او همچنین با آقای ددیج ملاقات خواهد کرد. شوهر ایشان، که رئیس کمپانی آمریکایی کان می‌باشد، با آقای دیوید وستلی راجع به موقعیتهای بازرگانی صحبت خواهد کرد.

آقای توماس گزارش حادثهٔ بمب در اصفهان را به DSI داد و آقای بانرمن برای تحقیق به محل حادثه در اصفهان رفت. کلنل فیلیپس سؤال کرد که آیا سفارت اعتراضی به انتشار یک توصیه‌نامه در مورد تظاهرات فردا که در رابطه با اول ماه رمضان است، دارد. به دنبال یک نظرخواهی از اعضاء هیئت مسایل مملکتی تصمیم گرفته شد که یک توصیه نامهٔ محتاطانه در رابطه با آغاز ماه رمضان انتشار یابد.

آقای کارلتون گفت که وزیر انرژی اظهار تمایل نمود که بر طبق مادهٔ ۶۶۱ بنگاه عمران بین‌المللی (AID) از وجود متخصصین انرژی خورشیدی ایالات متحده استفاده شود. کاردار گفت که بنگاه عمران بین‌المللی همیشه به دنبال پروژه‌های خوب برای کسب این درآمد است و معتقد است که انرژی خورشیدی، آمریکا را از یک موقعیت تجاری خوب در ایران برخوردار خواهد نمود.

www.takbook.com

www.takbook.com

**کتاب دوازدهم (۲)**

# دخالتهای آمریکا در ایران (۳)

www.takbook.com

www.takbook.com

**مقدمه جلد ۲**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

هر چند اسنادی که از لانهٔ جاسوسی بدست آمده، نسبت به کل فعالیت‌های شیطان بزرگ در ایران، بسیار ناچیز است، اما از همین مختصر نیز می‌توان به نقشه‌های شیطانی آمریکا پی برد.
کتاب حاضر که تحت عنوان «دخالت‌های آمریکا در ایران» منتشر می‌شود، حاوی اسنادی تحلیلی است که توسط ایادی شیطان بزرگ در فاصلهٔ زمانی تشکیل دولت نظامی تا پیروزی انقلاب کبیر اسلامی ایران تهیه شده است. این کتاب جلد دوم کتاب شمارهٔ ۱۲ لانهٔ جاسوسی می‌باشد که همزمان با این کتاب منتشر می‌شود.

**«دانشجویان مسلمان پیرو خط امام»**

**سند شمارهٔ ۴۰**

**محرمانه**

**خلاصهٔ مذاکرات مسایل مملکتی**

**نهم اوت ۱۹۷۸ ـ ۱۸ مرداد ۱۳۵۷**

کاردار جلسه را با خوش‌آمدگویی به هری برتن رئیس جدید آغاز نمود. سپس به اجلاسیه کمپ دیوید در ماه آینده پرداخت و گفت که تلاش‌های ما برای دعوت از یک فرد عالیرتبه به ایران به منظور توجیه کردن شاه در مورد این تحول آخر در جریان صلح خاورمیانه بی‌نتیجه مانده است.

کاردار از همهٔ مشاورین و رؤسای بخش‌ها خواست تا با یادداشت‌هایی برای در جریان گذاشتن سفیر که قرار است در آخر ماه باز گردد تهیه کنند. این یادداشتها باید تا ۲۳ ـ ۲۲ اوت به آقای بولیست تحویل داده شود.

ژنرال هایزر معاون فرماندهٔ نیروهای مستقر در اروپا و دریاسالار فولی معاون فرماندهٔ ناوگان هفتم در آیندهٔ نزدیک از ایران دیدار خواهند کرد. آقای زیشک، ریچارد آیکر، کارمند تعلیمی جدید آژانس ارتباط بین‌المللی را معرفی نمود. پس از آن به وقایع شیراز دربارهٔ انجمن ایران و آمریکا پرداخت که در طی آن ۲۰۰ نفر مستقیماً به طرف انجمن به راه افتاده بودند ولی توسط پلیس متفرق شدند. این اولین باری بود که انجمن ایران و آمریکا مورد هدف قرار گرفته بود در حالی که در دفعات پیش بر سر راه اهداف دیگر واقع شده بود.

www.takbook.com



ژنرال گاست، ژنرال جورج کرتز را که جانشین ژنرال مسکورد می‌باشد و در غیاب ژنرال گاست سرپرستی هیئت مستشاری نظامی را به‌عهده خواهد گرفت، معرفی نمود.

ژنرال گاست اخبار مربوط به هواپیماهای اف ـ ۴ و ویلدویزل را گزارش داد. بنا به گزارش، ایرانیها دیگر علاقهٔ چندی به اف ـ ۴ ندارند (بنا به محدودیت در سیم‌کشی گروه الف) برای نیازهای فرسایشی هواپیماهای ۱۶ ـ F که از تکنولوژی برتری برخوردارند را ترجیح می‌دهند.

دربارهٔ کشتی‌ها، دولت ایران تصمیم گرفته است که سیستم آمار تاکتیکی دریایی را خریداری کند که این موضوع نحوهٔ برخورد آلمانی‌ها و هلندی‌ها را در جلسه تیم کشوری مورد بحث قرار داد. نتیجه این شد که آلمانی‌ها از شنیدن اخبار کمی خوشحالتر خواهند شد.

ژنرال ربیعی به ژنرال گاست اظهار داشت که ایران خواستار سیستم لیزری اتلیس ۲ نمی‌باشد، مگر اینکه آمریکا خود بخواهد از آن بهره‌برداری کند.

ژنرال گاست گفت که یک نسخه از مطالب مربوطه به هلیکوپترهای گشتی را روی میز آقای مارتین گذاشته است.

کاردار اعضای تیم کشوری را در مورد انتقاد از فروش تجهیزات نظامی آمریکا مطلع ساخت.

دکتر استمپل اخبار اجتماعی گوشه و کنار شهر و از جمله آخرین گزارش‌های سیاسی را از نظر گذراند؛ پس از آن به مشکلات اساسی بین رهبران مذهبی پرداخته و گفت که این فصل برای شایعه‌پراکنان فصل مناسبی نیست. وی گزارش داد که بعضی از ایرانیان عالی‌رتبه با ما تماس گرفته‌اند و پرسیده‌اند که آمریکا در نظر دارد چه اقداماتی برای یاری ایران در مبارزه با کمونیسم به‌عمل آورد و از اعضای تیم کشوری خواست که به انتظار برخورد با پرسش‌ها و سؤالات و کنکاش‌هایی از این قبیل باشند.

دکتر استمپل در ادامهٔ گزارشات خود گفت که گروه خمینی بخصوص در برابر اقلیت‌ها به رفتار نسبتاً خشونت‌آمیزی دست زده‌اند.

آقای نیلی گزارش داد که احتمالاً ایران بیش از سال گذشته به وارد کردن غلات خواهد پرداخت.

دکتر آدلر گفت که توانسته است یک نسخه از موافقت‌نامه دوجانبهٔ انرژی هسته‌ای به زبان فارسی را تهیه نماید و آن را با مسافری که عازم واشنگتن است به وزارتخانه خواهد فرستاد. منصور به دکتر آدلر گفته است که موافقت‌نامه در ۲۰ اوت امضا خواهد شد.

آقای تیلور تنظیم کار تحقیق بانکی محرمانه خود را خاتمه داده است. همراه با افزایش میزان ارائهٔ (وام) تا حد ۶۴٪ در سال گذشته، بانک‌ها توقعات خود را در مورد وام به ایران بسیار افزایش می‌دادند.

بویس

www.takbook.com



**سند شماره ۴۱**

**تهران: ۱۵ اوت ۱۹۷۸ ـ ۲۴ مرداد ۱۳۵۷**

**جناب آقای امیرعباس هویدا**

**وزیر دربار شاهنشاهی ـ تهران**

**عالیجناب:**

من نامه‌ای برای اعلیحضرت شاهنشاه از پرزیدنت کارتر دربارهٔ ملاقات آینده در کمپ‌دیوید دربارهٔ جریانات صلح خاورمیانه دریافت داشته‌ام. من بسیار قدردانی خواهم کرد که اگر شما این نامه را به اعلیحضرت که آگاه است که قرار است پیامی از رئیس جمهور دریافت کند تقدیم دارید.

با تقدیم احترامات و سلام گرم شخصی

ارادتمند

چارلز. دبلیو. ناس

کاردار موقت

**اعلیحضرت محمدرضا پهلوی آریامهر**

**شاهنشاه ایران**

**اعلیحضرتا:**

در گذشته مکاتبات و گفتگوهای سودمندی که مورد علاقه دو کشورمان بوده است داشته‌ایم. اینجانب اطلاع دارم که شما نیاز به حل‌وفصل واقعی درگیری اعراب و اسرائیل را چقدر جدی می‌دانید، به همین جهت مایل هستم بعضی از مسایل را دربارهٔ جلسه‌ای در شرف وقوع کمپ‌دیوید مربوط به خاورمیانه را با شما در میان بگذارم.

از این که نخست‌وزیر بگین و رئیس جمهور سادات پاسخ مثبت به دعوت اینجانب به‌منظور ایجاد چارچوبی برای صلح در خاورمیانه را پذیرفته‌اند بسیار خوشحال هستم، برنامه از ۶ سپتامبر آغاز خواهد شد و مخصوصاً محدودیت زمانی برای مذاکرات قائل نشده‌ایم تا بتوانیم در مدت زمان کافی تلاش‌هایمان را به ثمر برسانیم. این خود نشانگر جدیت طرفین در برخورد با این مسئله می‌باشد.

این دعوت به این دلیل به عمل آمد که من معتقدم که در تلاش برای صلحی در خاورمیانه ما به نقطه‌ای بحرانی رسیده‌ایم. از آن زمان که رئیس جمهور سادات و نخست‌وزیر بگین در طریق ملاقات‌های تاریخی خود در اورشلیم و اسماعیلیه امکانات جدیدی را برای مذاکره بوجود آوردند، ۹ ماه می‌گذرد. طرفین توانسته‌اند بر سر بعضی از مسایل مورد اختلاف به توافق برسند ولی همان‌طور که خود مطلع هستید در این اواخر به نوعی بن‌بست رسیده‌اند.

من مطمئن هستم که ما باید این مانع را از میان برداریم، زیرا در غیر این صورت مواضع سخت‌تر شده و جو حاکم آن‌قدر تغییر خواهد کرد که این فرصت نیز همانند فرصت‌های تاریخی از دست رفته بر سر این تضاد، از بین خواهد رفت.

اهداف کمپ‌دیوید همان‌هایی است که به وسیلهٔ طرفین در مذاکراتشان در طول همین سال مشخص شده است. یعنی رسیدن به یک چهارچوب براساس قطعنامهٔ ۲۴۲ شورای امنیت که منجر به دست یافتن به یک صلح پایدار، عادلانه و همه‌جانبه بشود. یک چنین چهارچوبی خواه‌ناخواه دیگر طرفین تضاد را نیز

www.takbook.com



در مذاکرات صلح سهیم خواهد نمود.

تجربهٔ ما در تلاش برای تسهیل و بالا بردن مذاکرات در سال گذشته نشان داده است که بدون درگیر شدن سران حکومتی و تبادل‌نظر آنها، مذاکرات را نمی‌توان از حد خاصی فراتر برد. به همین دلیل بود که از این دو رهبر برای ملاقات در کمپ‌دیوید دعوت به‌عمل آوردم. هدف ما این است که در سطح سیاسی به توافق‌هایی برسیم تا ایجادکنندهٔ رهنمودهایی برای مذاکره‌کنندگان بر سر موارد مهم باشد. من قصد دارم با تمام توان به رئیس جمهور سادات و نخست‌وزیر بگین در راه رسیدن به صلحی که خواست همهٔ ما است یاری دهم.

چون دربارهٔ مذاکرات خاورمیانه وارد مرحله‌ای بحرانی شده‌ایم مایل بودم دلایل و افکار خود را دربارهٔ اقدامات و اهداف مورد نظرمان با شما در میان بگذارم. من اطمینان دارم که شما نیز با اهمیت این موضوع که گام بزرگی برخلاف مشکلات موجود است، از نقطه‌نظر من موافق هستید. امیدوارم شما نیز مسئله را درک کرده و از اینجانب در وظیفه‌ای که به‌عهده گرفته‌ام حمایت کامل بنمایید.

شما اخیراً با بعضی از افراد سهیم و ناظران برجسته در مذاکرات ملاقات کرده‌اید و اگر برداشت‌های خود را از این ملاقات‌ها با من در میان بگذارید بسیار سپاسگزار خواهم بود. حمایت ایران در راه رسیدن به صلح بسیار ارزشمند بوده است و ما امیدواریم که در راه رسیدن به یک صلح جهانی دائماً باهم همکاری داشته باشیم.

با صمیمانه‌ترین آرزوها
ارادتمند
جیمی کارتر

www.takbook.com



**سند شمارهٔ ۴۲**

**محرمانه**

**خلاصهٔ مذاکرات مسایل مملکتی**

**۱۶ اوت ۱۹۷۸ ـ ۱۵ مرداد ۱۳۵۷**

کاردار جلسه را با اعلام این موضوع که سفارت یک بولتن هشداردهنده مربوط به اوضاع امنیتی منتشر خواهد کرد، افتتاح نمود. دوران «سوگواری» یعنی ۲۷ ـ ۲۴ اوت و ۳۱ اوت باید زمانی تلقی شود که در آن خوب است شخص در حرکات خود در شهر ساکت و نسبتاً مراقب باشد. رؤسای بخش‌ها به کارمندان خود اطلاع خواهند داد.

کاردار گفت که تفنگداران به سختی توانسته‌اند از محل افسر کشیک مطلع گردند. وی بر مسئولیت جدی افسر کشیک در مورد اعلام موقعیت خودش در تمام اوقات برای تفنگداران تأکید نمود.

کاردار از ملاقات اخیر خود با شاه سخن به میان آورد که به مناسبت دیدار ژنرال هویزر انجام شد. شاه به شدت تأیید می‌کرد که جریان اعطای آزادی ادامه خواهد یافت با این وصف وی بر این امر نیز مصمم است که «خرابکاری‌های احمقانه» باید خاتمه یابند.

دکتر استمپل گزارشی دربارهٔ «دو مورد عجیب» تقدیم نمود. پس از ۶ یا ۷ شب خشونت مداوم در جنوب تهران به نظر می‌رسد که لحن شعارهای تظاهرکنندگان به سبک ضد غربی نزدیک می‌شوند. در یادداشتی در همین زمینه، بخش سیاسی به گزارش بعضی از محاکمات نظامی در تهران خواهد پرداخت. آقای تایلور در مورد اختلاف مطبوعات محلی در گزارش تصویب لایحه کمک‌های خارجی اظهارنظر کرد.

بسته به نوع روزنامه‌ای که می‌خوانید ممکن است کارتر به باد ناسزا گرفته شود و یا آن را یک پیروزی برای وی به حساب بیاورند.

آقای تایلور در ادامهٔ تحلیل خود پیش‌بینی موازنه پرداخت‌های بانک مرکزی را که ۱۷٪ افزایش در پرداخت‌های واردات را نشان می‌دهد ارائه کرد، در طول یک مذاکرهٔ مختصر بر موقعیت قرارداد دوجانبهٔ اتمی، کاردار از آقای کارلتون خواست که گزارشی پیرامون سرمقالهٔ دیروز در مورد قرارداد استرالیایی ارائه دهد.

آقای اسنو طرح‌های جدید ساختمان انجمن ایران و آمریکا را دوباره از نظر گذراند. وی امیدوار است که بتواند قرارداد را امضا کرده، ساختمان را از سه هفته دیگر آغاز نماید.

**بویس**

www.takbook.com



**سند شمارهٔ ۴۳**
**سری ـ غیرقابل رؤیت برای خارجیان**
**تاریخ: ۱۷ اوت ۱۹۷۸ ـ ۲۶ مرداد ۱۳۵۷**
**از: سفارت آمریکا در تهران**
**به: وزارت امورخارجه ـ واشنگتن دی. سی**
**گزارشگر: استمپل**

**موضوع: ایران: ما کجا هستیم و به کجا می‌رویم**

خلاصه: سخنان شاه در روز مشروطیت و برقرار کردن حکومت نظامی در اصفهان نشان می‌دهد که او عزمش بر جریان دادن آزادی‌ها قرار گرفته است ولی دولت ایران در مورد آنها خشونت را بر می‌انگیزند شدت عمل بیشتر به خرج خواهد داد. مسئله اصلی این است که تأثیر این بلوای الهام گرفته از دین به نظام سیاسی ایران و عکس‌العمل دولت چه خواهد بود. خشونت سیاسی به‌طور سنتی در ایران بوده است. شاه بر روی بند باریکی است، او سعی می‌کند در ضمن اینکه آشفتگی‌های سیاسی را به حیطهٔ انتخابات هدایت کند، برخوردهای سیاسی را به حداقل برساند. این موفقیت تا اندازهٔ قابل ملاحظه‌ای به ادامهٔ اعمال خویشتن‌داری به وسیلهٔ ارتش و نیروهای امنیتی بستگی دارد. ما معتقدیم که باید به دقت عمل کند. اگر بخواهد آشفتگی‌ها کاهش یابد، شاید از جمله لازم باشد قدمهایی برای برآوردن تقاضاهای مخالفین برداشته شود، اما باتوجه به ماهیت مخالفین، شاه ممکن است عاقبت متوسل به زور شود. امید اصلی برای اجتناب از این چاره تغییر دادن شکل مواضع مخالفین میانه‌رو و بهبود حساسیت دولت و جریان رسیدن به فعالیت سیاسی بیشتر است. پایان خلاصه

۱ـ با برقراری حکومت نظامی در اصفهان و مستقر کردن واحدهای نظامی بیشتر در مناطق دیگر که به‌طور نزدیکی به دنبال سخنرانی شاه در روز مشروطیت که در آن دوباره بر عزم خود بر اعطای آزادی سیاسی تأکید ورزیده بوده است، به نظر می‌رسد که زمان خوبی باشد برای اینکه ببینیم در کجا هستیم، و یک پیش‌بینی آزمایشی و نظری راجع به این مسئله بدهیم. این یک دورهٔ اضطراب سیاسی قابل توجهی در ایران است که از نظر تئوری می‌توان نتایج متعددی از آن اخذ کرد. بسیاری از مفروضات گذشته نه تنها به وسیلهٔ مخالفان زبانی رژیم بلکه توسط خود شاه نیز مورد سؤال قرار گرفته‌اند.

۲ـ برای ما و اکثریت قاطع ناظران سیاسی اینجا واضح است که شاه در تمایلش به رهبری ایران به‌طرف نهادهای سیاسی آزادی یافته صادق است. سؤالاتی در مغز او در مورد اینکه دقیقاً چه می‌خواهد و اینکه چگونه هدف وسیعش را بدست آورد، وجود دارد و یک سوءظن عمیق در مورد نیات او و ما بین آنهایی که به مدت درازی مخالف وی بوده‌اند وجود دارد. روی هم رفته او هرگز در قبل متمایل نبوده است که بازی دموکراسی را انجام دهد، اما چرا حالا؟ ما معتقدیم که، جواب در اعتقاد واقعی خودش است که پسرش به‌طور موفقیت‌آمیز نمی‌تواند جانشین او شود مگر اینکه انتقال سیاسی ایران به نهادهای دموکراتیک‌تر قبل از به سلطنت رسیدن ولیعهد انجام شود. شاه بیش از سایر سلطنت‌های مدرن بر مشکل موفقیت تأکید می‌کند. او در مورد احتیاج به آماده کردن زمینه‌ای برای پسرش با سفیرکبیر، من و بیشتر خارجیانی که با آنها ملاقات می‌کند، صحبت کرده است. او مشکلاتش را در سالهای اولیه به خاطر آورد و رفته رفته به این نتیجه رسیده که باید برای طبقه متوسط در حال گسترش در جریان تحول سیاسی فضا

www.takbook.com



ایجاد شود. ولی این بدین مفهوم نیست که او آماده شده است که کشور را به آسانی به کسانی تحویل دهد که آنها را غیر میهن‌پرست، مخالف گسترش دانش و کسانی که بدون آشتی‌پذیری به سلطنت دشمنی دارند می‌داند تداوم سلطنت برای شاه بیش از یک تکبر ساده است. او می‌خواهد که سلسلهٔ پهلوی سیاست‌های او را احیا کرده و ادامه دهد. او عمیقاً معتقد است که تاریخ ایران احتیاج به یک پادشاه برای رهبری کردن جامعهٔ مجزا و نامتجانس را اثبات می‌کند. به هر حال او آماده است که یک جریان سیاسی را علی‌رغم شک خود نسبت به بعضی از شرکت‌کنندگان در آن آغاز کند.

۳ـ لکن بسیاری از رهبران جناح به اصطلاح لیبرال مخالف قلباً معتقدند که او باید خودش را فوراً از حکومت کنار بکشد. بسیاری از افرادی که با آنها تماس می‌گیریم و شاه را هم ستایش و حمایت می‌کنند نیز روشن می‌سازند که حضور او در اکثر تصمیمات، وقتی که سیاست‌ها در عمل خوب کار نمی‌کنند، او را هدف مخالفین قرار داده است و می‌گویند که او باید سلطنت کند نه حکومت. اگر نگوییم اکثریت قاطع می‌توان گفت اکثریت عمده‌ای از مردم ایران به هر حال با شاه موافقند که سلطنت برای کشور لازم است ولی آنها مایلند که در اعمال آن جرح و تعدیل صورت پذیرد.

۴ـ آنهایی که با دورهٔ مصدق آشنا هستند (۵۳ ـ ۱۹۴۹) هیچ دلیلی نمی‌بینند که بسیاری از رهبران مخالف رنگ سلطه‌طلبانهٔ خود را علی‌رغم صحبت‌های امروز دربارهٔ اصول قانون اساسی عوض کرده باشند. مخالفین مذهبی همان عنصر خشونت را که از قرن هشتم مشخصهٔ طرز فکر شیعه نسبت به حکومت بوده را حفظ کرده‌اند. البته در رهبری مذهبی انواع رگه‌ها یافت می‌شود، از آنهایی که مطلوبشان حکومت تعدیل یافته قانون اساسی است تا آنهایی که طالب بازگشت به روزهای شاه‌عباس هستند همچنین یک تودهٔ اساساً هرج و مرج‌طلب نیز هست که در حال حاضر چه به صورت تشکیلاتی و چه ایدئولوژیکی بر صحنهٔ ایران حکمفرما هستند خود را مصمم به خشونت و کارشکنی به‌عنوان ابراز کسب قدرت می‌دانند.

آیت‌الله خمینی مخصوصاً برکناری خشونت‌آمیز شاه را خواستار شده و برخی از پیروانش در اصفهان و شیراز آشکارا صدای مرگ بر شاه سر می‌دهند (این تندروی بخشی از سبب هجوم پلیس به ملاهایی که اعتصاب غذا کرده بودند، می‌باشد). میانه‌روهایی مانند آیت‌الله شریعتمداری در این زمان خودشان را برای مخالفت آشکار با خمینی توانا نمی‌بینند. اگرچه به‌طوری که گزارش شده آنها هنوز برای میانه‌روی جنبش مذهبی تلاش می‌کنند و بدون شک از فرصت مشارکت در جریان انتخاباتی که ممکن است آنها را به‌طور کامل تابع خمینی که در خارج از کشور می‌ماند ننماید، استقبال می‌کنند. در اسلام هیچ سلسله مراتب سازمانی وجود ندارد. رهبر مذهبی مقام رفیع خود را به اتفاق آراء منطقهٔ خود به دست می‌آورد و برخی از خشونت‌هایی که ما در اینجا شاهدش هستیم ناشی از رقابت شدید آیت‌الله‌ها جهت اقتدار است. ظاهراً در این دوره میانه‌روها پیروانی در میان کارگران، مغازه‌داران جزء، و صنعتگران ندارند، در ایران بحث متقابل جناح مخالف با سلطنت مرسوم نیست مفاهیم و سنت میانجی‌گری و آشتی‌جویی سیاسی با مزاج و سنت سازگار نیستند.

۵ـ شاه اینک باید برای انجام دادن هر کاری با مبارزه‌طلبی‌های خشونت‌آمیز مخالفین حکومت و بافت اجتماعی ایران رودررو مقابله نماید. اعمال حکومت نظامی در اینجا علامتی است به خشونت‌خواهان، که این نوع فعالیت تحمل نخواهد شد. با کمال تعجب باید گفت که این امر تاکنون برای ایران یک عکس‌العمل خویشتن‌دارانه بوده است. به ارتش دستور داده شده که شلیک خود را نگه دارد و

www.takbook.com



در عمل خویشتن‌داری در برابر استفادهٔ نابهنگام پلیس از اسلحه ادامه دارد. آمادهٔ آتش و سرکوبی در مقابل استفاده از اسلحه برعلیه پلیس باشد. نکته در این است که این خویشتن‌داری قابل تقدیر معایبی نیز دارد: بسیاری از ایرانیان از طبقات متوسط و ثروتمند معتقدند که شاه با قدرت کافی عمل نمی‌کند و او ضعیف و نا مصمم است. بعضی معتقدند که آمریکاییها او را وادار به خویشتن‌داری می‌کنند زیرا نمی‌توانند تصور کنند که او برای نفع خود حاضر به این کار است. خطر فوری این است که خود شاه (یا واحدهای ارتش که حوصله‌شان سر برود) با کوری عکس‌العمل نشان بدهند و کوشش نمایند که مسئله را به جای ورقه رأی با گلوله حل کنند. احتمال ندارد نیروهای ارتش چنین کاری انجام دهند مگر اینکه مخالفین سنگها را به اسلحهٔ گرم تبدیل کنند.

۶ـ بسیاری از ناظران در اینجا امیدوارند که پایان رمضان به نحوی جریان را خاتمه بخشد ولی ما هر چه بیشتر مردد می‌شویم. رهبران مذهبی، حتی میانه‌روها تازه مزه قدرت را می‌چشند. و فکر نمی‌کنیم که بخواهند فشار راکم کنند، مگر اینکه دست‌کم رضایت‌هایی بدست آورند. شاه در حال حاضر روی عصای شکسته تکیه دارد. او تقریباً می‌تواند با موفقیت تقریباً حتمی جنبش مذهبی را در حال حاضر با دستگیریهای دستجمعی و به کمک خونریزی زیاد فرو بنشاند. اما این عمل کار ساده‌ای نیست زیرا برخلاف سال ۱۹۶۳، فعالیت‌های ناراضیان در سطح کشور گسترده است و خرابکاریها معمولاً توسط تعدادی از گروهها در بخش‌های جداگانه، شهرهای کوچک و بزرگ اعمال می‌شود. اگر او این راه را انتخاب کند، نقض غرض وی در دادن آزادی‌ها خواهد بود و انتقادات خارجی مهمی را که نسبت به آنها حساس است به خود وارد خواهد کرد.

۷ـ حالا ما دریافتیم که شاه و افرادی که در اطرافش هستند این مقابله را دست‌کم گرفته بودند. ایران در کل یک کشور محافظه‌کار اسلامی باقی می‌ماند و همین که جریان اعطای آزادیهای سیاسی فضا را باز کند، رهبران مذهبی محلی دوباره مراکز قدرت سیاسی می‌شوند. همان طوری که آنها در زمانی که در ۱۹۶۳ کودتا شد، بودند. (گزارش الف ـ ۸۰ ما برخی از عوامل روانی، اقتصادی، اجتماعی راکه منجر به احساس محرومیت‌ها در اینجا شده است را مورد بحث قرار داده) هم‌چنین از آن زمان ارتباطات در این کشور به‌طور وسیعی گسترش یافته و رهبران مختلف می‌توانند روزانه در تماس با یکدیگر باشند. نه روشنفکران و بوروکراتهای حزب رستاخیز که اعضای قدیمی جبههٔ ملی هستند و نه رهبران گروههای جدید، دارای نفوذ و قدرت سیاسی و عمیق نیستند. در صحنهٔ سیاسی و اجتماعی فعلی دولت نمی‌تواند از برخورد با عناصر مذهبی اجتناب ورزد.

۸ـ تلاش‌های اولیه برای مذاکره با رهبران میانه‌روتر با چندان حرارتی تعقیب نشد و هدف ایجاد شکاف در رهبری مذهبی تاکنون فایده‌ای نبخشیده است. قسمتی از دلیل شکست این مسئله تهدیدات و دردسرآفرینی‌های میانه‌روها به وسیلهٔ متعصبین خمینی است که به خوبی سازمان یافته‌اند. همچنین چنان که قبلاً متذکر شدیم، هیچ آیت‌اللهی مایل نیست که با ملایم نمایاندن خود پیروانش را از دست بدهد. به‌علاوه دولت آموزگار (در نقطهٔ مقابل شاه و دربار) در برخوردش با عناصر مذهبی که صرفاً براساس قبول یا رد است خود را به‌طور اعجاب‌انگیزی فاقد کاردانی نشان داده است.

۹ـ اگر سنجش کلی ما معتبر باشد شاید باید به‌طور جدی راهی را برای معامله با به اصطلاح میانه‌روهای مذهبی (و برخی میانه‌روهای سیاسی) باز کند (این کار برای شاه به خاطر اظهار تنفری که

www.takbook.com



نسبت به روحانیون کرده است بسیار ناگوار است) ما در ابتدا باید تشخیص دهیم که در نهایت این امر غیرممکن باشد به خاطر اینکه تقاضاهای نهایی آنها (در مقابل آنچه که ممکن است به‌عنوان قسمتی از یک طریقهٔ مستمر قبول کند) به معنای کنترل دولت در دست مذهبیون و تنزیل شاه به یک سلطان مشروطه است. شاه هرگز اولی (کنترل دولت توسط مذهبیون) را قبول نمی‌کند و دومی (سلطنت مشروطه) را در صورت واگذاری به پسرش می‌پذیرد. «لیست درخواست‌های» فعلی رهبران مذهبی روشن نیست ولی حدس می‌زنیم که تغییر نخست‌وزیر یا حداقل برخی از اعضای کابینه در صدر لیست قرار دارد. دولت به خاطر شورش‌های هشت ماه گذشته بسیار خشمگین شده است و به هیچ وجه حاضر به قبول جوابگویی به جماعت مذهبی نیست. حتی برخی از چهره‌های دستگاه اکنون به‌طور خصوصی به همین طریق صحبت می‌کنند. اقدام علیه افرادی که به‌طور گسترده‌ای تصور می‌رود به‌طریق نامشروع از جریانات اخیر ایران سوءاستفاده کرده‌اند عمل بعدی است. این عمل بسیار مشکلی است زیرا عموم مردم شاهد بوده‌اند که برنامه‌های مبارزه با فساد طرح شده و نتیجه‌ای عاید نشد و لذا یک تلاش جدید اعتباری نخواهد داشت، مگر اینکه افرادی که به شاه خیلی نزدیکترند حداقل در هر فعالیت دیده می‌شوند. اقدامات کم اهمیت‌تری نیز باید انجام گیرند: مسافرت بیشتری را برای حج اجازه دهند و هواپیمایی ملی ظرفیت فعلی را بهتر تقسیم کند. تبلیغات کمتری برای فیلم‌های سینمایی انجام دهند و از این قبیل امور.

۱۰ـ اعطای تداوم این طریق حداقل میانه‌روها را به جریان سیاسی می‌کشاند و به دولت ایران اجازه می‌دهد که تلاش‌های پلیس و دستگاه امنیتی خود را برعلیه تندروهایی که بدون شک از اعضای حزب منحلهٔ توده و سایر نیروهای خارج، کمک دریافت می‌کنند، جهت دهد. لکن باتوجه به بی‌شکلی زمانی مخالفین که در جهت سخت‌گیری تمایل داشته است تا مصالحه و با توجه به ماهیت زودگذر طغیان‌های عمومی در چند ماه گذشته حتی ممکن است این امر هم کافی نباشد. شاه ممکن است در موقعیتی مجبور شود برای فرونشاندن و حفظ نظم به جای نرم‌خویی با قساوت یک طغیان فرونشاند. ما شکی نداریم که اگر چنین وضعی لازم باشد او چنین خواهد کرد. او با سیاست گروههای دمکراتیک مثل آنچه که ما در غرب راجع به آن می‌دانیم و بازی می‌کنیم برخورد نمی‌کند و او آگاه است که تذبذب و دودلی چه بلایی بر سر بوتو و ایوب‌خان در پاکستان آورد.

۱۱ـ برای آمریکا نیز این یک دورهٔ حساسی است. چنانکه ما در گزارش‌های قبلی تذکر داده‌ایم، عملاً تمام ایرانیان معتقدند که دستهای خارجی در آنچه که اینجا اتفاق می‌افتد، دخالت دارند. هرچه که ما به‌عنوان یک دولت یا به‌عنوان افراد رسمی می‌گوییم یک نفر در اینجا آن را یا به‌عنوان حمایت از شاه یا مخالفت با او سوء تعبیر خواهد کرد. این تصور نفوذ (خارجی) در حقیقت به ما مقداری نفوذ می‌دهد در چند هفتهٔ آینده بعد از بازگشت سفیر ما در مورد نقشمان در اینجا مشاهدات بیشتری خواهیم داشت.

۱۲ـ چنانچه وزارتخانه مایل باشد به مراکز دیپلماتیک دیگر رسانده شود.

ناس

www.takbook.com



**سند شماره ۴۴**
**سری ـ غیرقابل رؤیت برای خارجیان**
**شماره سند: ۷۸۹۰**
**تاریخ: ۱۷ اوت ۱۹۷۸ ـ ۱۳۵۷/۵/۲۶**
**از: سفارت آمریکا در تهران**
**به: وزارت امورخارجه واشنگتن، دی. سی.**
**گزارشگر: استمپل**

**موضوع: افزایش فشار مذهبی بر دولت**

خلاصه: سخنرانی و فعالیت‌های اجتماعی در تهران روبه افزایش است، عوامل مذهبی برای سه روز قتل حضرت علی (ع) در صدد تظاهرات بزرگی هستند، مذاکرات سری دولت ادامه داشته و رهبران مذهبی لزوم تغییرات را بررسی می‌کنند. پایان خلاصه.

۱ـ منبع ایرانی که شاهد عینی بوده ناآرامیهای جزئی متوالی را در جنوب تهران ظرف هفت تا ده روز گذشته گزارش داده است. آیت‌الله‌ها در مساجد بزرگ بیشتر بر ضد دولت و در بعضی موارد ضد خارجی و بخصوص ضد آمریکا شده‌اند. نتیجه‌اش تشکیل گروههای کوچک جوانان تازه بالغ تا بیست و چند ساله شده است که شیشه‌ها را شکسته و در خیابانها اغتشاش به راه می‌اندازند. بدین ترتیب خشونت‌های محدودی رایج گردیده است.

۲ـ اولین نشانه جدی حاکی از اینکه جمعیت‌های مساجد ممکن است حاضر به اجرای تظاهرات باشند به دنبال جلسه دعای اول شب در ۱۵ اوت پدیدار شد. جمعیت بزرگی از مسجد میدان شهناز با اخطار معمولی پلیس متفرق نشده و مقامات را واداشتند تا تخت جمشید و جادهٔ قدیم شمیران (نزدیک سفارت) آنها را دنبال کردند. دولت در آن روز واحدهای نظامی را در نقاط حساس برای احتیاط مستقر نمود.

تا آنجا که ما اطلاع داریم اتفاق بدی نیفتاده ولی پلیس همچنان در اطراف مساجد مستقر است تا پس از اجتماع برای نماز اصلی با سرعت کافی جمعیت متفرق گردد. بازار تهران در روز ۱۶ اوت بسته بود ولی وجود سربازان برای متفرق کردن مردمی که از مسجد بازار بیرون می‌آمدند لازم شد.

۳ـ منابع نزدیک به جامعهٔ روحانیت ما می‌گویند که برای تظاهرات ۲۶ ـ ۲۴ اوت تظاهرات گسترده‌ای برای مراسم سوگواری بسیار احساساتی امام علی طرح‌ریزی شده است. به قرار گفتهٔ یک منبع در بعضی مساجد جنوب تهران لیست‌هایی برای دعوت به تحصن در جادهٔ شاهنشاهی توزیع شده است. به ما خبر داده‌اند که مسجد ارامنه* در نزدیک بازار یک هفته بسته بود.

۴ـ مذاکرات ضمنی میان رهبران مذهبی و دولت در هفته‌های اخیر به سرعت افزایش یافته، آیت‌الله شریعتمداری به خبرگزاری فرانسه گفته که مردمش ضد کمونیسم بوده و شاه بایستی با مردم صحبت کند. شریعتمداری از عملکرد دولت در تظاهرات شیراز نیز با حکومت نظامی در اصفهان مخالفت ورزید. او به نیابت پیروانش قویاً فعالیت‌های خشونت‌آمیز را مردود شمرد اما گفت دولت برای مردم بایستی بیشتر عمل کند.

---

*ـ منظور از مسجد ارامنه به احتمال زیاد، «کلیسا» می‌باشد. مترجم.

www.takbook.com



یک منبع معتبر به ما خبر داد که هویدا وزیر دربار از این مصاحبه خیلی عصبانی بود ولی یکی از ایرانیان عالیرتبه به او گفته بود که «هر چه باشد شریعتمداری کارمند تو نیست.»

۵ـ در جریان روزهای گذشته آیت‌الله خمینی پیامی برای شریعتمداری فرستاده که وی در مورد قانون اساسی و پارلمان صحبتی نکند چون او (خمینی) با تمام آنها مخالف است. منبعی که در مذاکرات دولتی مذهبی شرکت داشته به ما می‌گوید که شریعتمداری در پاسخ خمینی گفته «غلاف کن یا خفه شو» با این مقصود که اگر آن‌قدر قدرت دارد باید به تهران بیاید و رودررو با آیت‌الله‌هایی که در ایران زندگی می‌کنند صحبت کند. شریعتمداری یادآوری کرده که خمینی دور نشسته و از انتقاد از دولت عراق در زمان شدت عمل برعلیه تظاهرکنندگان نجف (دو سال پیش) امتناع کرده بود. شریعتمداری به مشاورین خود گفته که «آرزوی شاه شدن ندارد» ولی خواستار قانون اساسی و مجلس است. متعاقب این امر خمینی اعلامیه‌ای برای ارتش و پلیس ارسال داشته و خواسته تا آتش به روی برادران خود نگشوده و برعلیه دولت عمل کنند. به قولی این اولین باری است که پیام او گوش شنوا نداشته است.

۶ـ یک منبع بسیار حساس در مورد ملاقاتی بین رئیس ساواک مقدم و داماد شریعتمداری، عباسی در شب ۱۵ اوت، به ما خبر داد. مقدم پرسیدهٔ جامعهٔ روحانیت خواستار چیست و عباسی مطالب زیر راگفته:

(الف) دولت جدیدی تشکیل شود، کابینهٔ فعلی جوابگوی مردم نیست و به خاطر کشتارهایی که از ژانویه صورت گرفته مورد اتهام است. (ب) دولت بعدی باید حداقل بعضی افراد مشکوک از نقطه‌نظر فساد مثل علی رضایی، منصور یاسینی و صاحبان صنایع بزرگ لاجوردی و فولادی را به محاکمه بخواند (ج) فعالیت‌های شاهدخت اشرف بر ضد جامعه روحانیت بوده و باید متوقف شود. فعالیت‌های مالی حداقل دو عضو خاندان سلطنتی، غلامرضا و محمودرضا، دست‌کم محدود شود، عباسی خورده‌جویانه به مقدم گفت دوست محمودرضا، مظفری جانداری باید از کار کشت تریاک دست بکشد. (د) مردم بایستی آزادی بیان و عبادت داشته باشند. طرفداران شریعتمداری سخن شاه در روز مشروطیت را بسیار تأیید کردند، و مقدم بایستی این موضوع را به شاه اطلاع دهد و او گفت که همان شب با شاه ملاقات خواهد داشت.

۷ـ در نتیجهٔ مذاکرات فوق، آیات شریعتمداری، گلپایگانی، مرعشی بیانیه‌ای صادر کردند که در عین حال که لحن ضد دولتی دارد مسلمان را دعوت به‌خودداری از برادرکشی و ناآرامی می‌کند. ما از بهترین منبع خود شنیده‌ام که گروههای مذهبی نخست‌وزیر احتمالی را که جانشین آموزگار خواهد شد بررسی کرده‌اند. رهبری روحانیت میانه‌رو معتقد به لزوم سیاستمدار ارشدی است که از اعتماد شاه و مردم برخوردار باشد. منبع ما فکر می‌کند نام دو نفر مطرح بوده، علی امینی و رئیس سنا شریف‌امامی، او از خود مشاورین شاه معینیان و فردوست را افزود.

شریف امامی بهترین کاندیدا است چون هم شدیداً مذهبی است و هم از حمایت محکم سیاسی برخوردار است.

۸ـ منابع مذهبی ما همگی بد بینند که اغتشاش بیشتری صورت نگیرد مگر تغییراتی صورت پذیرد. رهبری جناح تندروی مذهبی که از هر حادثه‌ای استفاده کرده و احساسات و جو را مخصوصاً در تهران تحریک می‌نمایند می‌رود که تظاهرات بیشتری را قبول کند.

ناس

www.takbook.com



**سند شماره ۴۵**
**محرمانه**
**تاریخ: ۲۲ اوت ۱۹۷۸ ـ ۳۱ مرداد ۱۳۵۷**
**از: جان دی استمپل، کفیل بخش سیاسی**
**به: سفیر**
**موضوع: موقعی که شما نبودید... اینجا واقعاً درهم نریخت، اما ممکن است این‌طور به نظر رسیده باشد.**
**صحنهٔ داخلی**

ژوئیه و اوت شاهد افزایش فشار مذهبی بر دولت بودند (تهران ۷۸۹۰ و ۷۳۱۱). در نتیجهٔ فاجعه آبادان ممکن است شکاف بارزی بین دستهٔ خمینی و دستهٔ شریعتمداری هویدا شده باشد. میانه‌روها آتش‌سوزی را تقبیح کردند و هنوز از طرفداران خمینی چیزی شنیده نشده است. در خلال دو سه هفتهٔ اخیر احساسات ضد غربی و ضد آمریکایی به‌طور چشمگیری بالا گرفته است.

نطق روز مشروطیت شاه (تهران ۷۴۵۶) به صورتی علنی ایران را دقیقاً در مسیر اعطای آزادی‌ها قرار داد. همان‌طور که شاه در ۱۷ اوت اشاره کرد (تهران ۷۹۴۹)، اگر خشونت ادامه یابد، این امر ممکن است دچار تغییراتی شود، شایعات عدم سلامتی شاه (تهران ۷۰۴۳) باعث کشمکش‌های زیادی شد، اما الان ظاهراً مسکوت گذارده شده است.

اوایل تابستان تعدادی از سیاستمداران قدیمی‌تر مثل علی امینی شروع به بهره‌گیری از سیاست اعطای آزادیها نمودند و بیاناتی سیاسی ابراز نمودند. تعدادی از افراد که به دنبال کمک یا حمایت ما برای طرح‌های (صد البته) ضد کمونیست خود هستند اقدام به برقراری تماس با ما کردند.

تعویض کابینه در ماه ژوئیه تغییرات عمده‌ای را بوجود نیاورد (تهران ۶۹۷۵).

نخست‌وزیر یک سال از صدارت خود را تمام کرد. برآورد ما (تهران ۷۷۰۲) عنوان نمود که او محتاج مهارت سیاسی بیشتری است.

**امور خارجی**

ایرانیها از معاهدهٔ صلح چین ـ ژاپن شادمان بودند و دیدار آتی صدر هوا احتمالاً اساسی‌ترین رویداد سیاسی سال خواهد بود.

ایران با تهدیدات بالقوه کمونیستی حساس بوده است انتقاد شدید به کاسترو (تهران ۷۱۸۷)؛ نگرانی دربارهٔ کودتای موریتانی؛ تیراندازی به دو هلیکوپتر و فرود آوردن آنها توسط شوروی‌ها (تهران ۶۹۱۲) و از همه جدیدتر، ابراز نگرانی به ما در مورد «روسی کردن» افغانستان (تهران ۷۷۷۰)

**حقوق بشر**

ما در حال پیگیری قضیهٔ ۳۸ زندانی که ادعا شده در دادگاه غیرنظامی محاکمه و آزاد شدند و سپس ساواک آنها را برای محاکمهٔ نظامی بازداشت کرد هستیم.

عفو روز ۲۸ مرداد (روز بازگشت شاه در ۱۹۵۳) برابر ۱۹ اوت، آزادی ۶۲ زندانی ضدرژیم را نیز در میان ۷۱۱ نفر در پی داشت. هنوز هیچ اسمی به دست نیامده است.

www.takbook.com



رهبری جدید جامعهٔ حقوقدانان همچنان فعال است و گروه وکلای مترقی به دفاع از تظاهرکنندگان ادامه می‌دهند، بعضی آزاد می‌شوند. بعضی نه.

**چند روز آینده**

شاید تعطیلات آخر هفته خیلی شلوغ باشد ۲۴ تا ۲۶ اوت اوج عزاداری ماه رمضان است. قبل از تراژدی سینمای آبادان تظاهرات بسیار و حتی شاید یک اعتصاب نشسته در بزرگراه شاهنشاهی انتظار می‌رفت.

آتش‌سوزی شاید سبب عکس‌العمل عمومی علیه خشونت بشود. همچنین اطلاع داریم که دولت ایران اخیراً تعدادی از ملاهای شورشی‌تر را دستگیر کرده است، بنابراین برخورد آینده شاید آنقدر بزرگ که انتظار می‌رفت نباشد. روز ۲۶ اوت که یادبود مرگ واقعی امام علی است، با در نظر گرفتن اینکه تظاهرات دو هفتهٔ گذشته مشخصاً عاطفی و تعصب‌آمیز بوده‌اند، هنوز می‌تواند ۲۴ ساعت مسئله‌ساز باشد.

**۲۲ اوت ۱۹۷۸ استمپل**

**سند شماره ۴۶**

**تهران، ۲۳ اوت ۱۹۷۸ ـ اول شهریور ۱۳۵۷**

**عالیجناب جعفر ندیم**

**معاون در امور اقتصاد و بین‌الملل**

**وزارت امور خارجه، تهران**

**جعفر عزیز:**

در رابطه با گفتگویی که پیرامون کنفرانس جهانی مبارزه با نژادپرستی و تبعیض نژادی داشتیم، فکر می‌کنیم بد نباشد بیانیه‌ای را که توسط کاخ سفید در هیجدهم اوت اعلام شده به نظر شما برسانم.

آن شب شما بیاناتی در این مورد اظهار داشتید که دلگرم‌کننده بود و بابت آنها ممنونم.

«این هفته نمایندگان بسیاری از کشورها در ژنو در کنفرانس جهانی مبارزه با نژادپرستی و تبعیض نژادی ملاقات خواهند نمود.»

تشکیل این کنفرانس در وسط دهه سازمان، برای اقدام به مبارزه علیه نژادپرستی و تبعیض نژادی صورت می‌پذیرد و ایالات متحده آغاز آن را قویاً مورد حمایت خود قرار داد. اما آمریکا قادر به شرکت در این کنفرانس بالقوه پر اهمیت نیست، گرچه بر جلسات آن از نزدیک ناظر خواهیم بود، این عدم شرکت به خاطر این است که با جای دادن صهیونیزم به‌عنوان یکی از اشکال نژادپرستی، تعریف نژادپرستی برای مقاصد سیاسی تحریف گردیده است. مادامی که این دهه به تعریف آشکارا از صهیونیزم به معنای شکلی از نژادپرستی صحه می‌گذارد، ایالات متحده نمی‌تواند خود را با آن همراه بداند.

ولی ماامیدواریم که این کنفرانس به مقصود اصلی این دهه بازگردد تا ما نیز به تلاش بین‌المللی برای از بین بردن نژادپرستی بپیوندیم. ما برای رسیدن به این هدف تلاش خواهیم کرد، چون خطر نژادپرستی را شناخته و بیش از یک قرن است که در تلاش هستیم تا زخم‌های باقیمانده از نژادپرستی را درمان بخشیم. می‌دانیم که به اهدافمان به‌طور کامل نرسیده‌ایم ولی هنوز عمیقاً نسبت به این مسئله احساس مسئولیت

www.takbook.com



می‌کنیم و چه در داخل و چه در خارج، این هدف مشترک را در متن سایر تلاش‌های ناهماهنگ ادامه خواهیم داد.

«از همه ملت‌های جهان می‌خواهیم که به اهداف اصلی دهه سازمان ملل علیه نژادپرستی احترام گذارده و در مقابل هرگونه تلاشی که هدف آن را تحریف و نیروی اخلاقی آن را فرسایش دهد ایستادگی ورزند.»

**با احترامات فائقه**
**ارادتمند چارلز دبلیوناس**
**مشاور وزیر مختار**

**سند شماره ۴۷**
**محرمانه**
**خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی**
**۲۳ اوت ۱۹۷۸ ـ اول شهریور ۱۳۵۷**

وزیرمختار جلسه را با معرفی اعضای جدید هیئت مسایل مملکتی به سفیر سولیوان شروع کرد. سفیر گفت که امروز و فردا صبح را به خواندن و درک مطالب خواهد پرداخت و از فردا بعدازظهر با رؤسای قسمت‌ها دیدار خواهد داشت.

سفیر دو توقف خود در واشنگتن را مرور کرد. او گفت اولین نوبت در ژوئن عمدتاً حول لحن زبان به کار گرفته شده در پیمان دوجانبه هسته‌ای و (تهیه) مقدمات یک جلسه PRC متمرکز بود. دومین دیدار بیشتر در رابطه با حوادث ایران بود او گفت که نگرانی‌های زیادی در واشنگتن و کشورهای همسایه در مورد حوادث اخبار اینجا وجود دارد.

در مرور پیمان دوجانبه هسته‌ای سفیر گزارش داد که کمیسیون تنظیم (امور) هسته‌ای بر سر آن به نسبت ۲ ـ ۲ دچار اختلاف شد که باعث جلب مقداری از توجهات قبل از مطرح شدنش در برابر کنگره خواهد شد سفیر گفت که به عمارت کنگره در واشنگتن (Hill) رفته و با تعدادی از اعضای مقننه که در این رابطه موقعیت حساس دارند درباره پیمان صحبت کرد. جدا از اینکه انتظار می‌رود برای استفاده از این مساله به‌عنوان وسیله ایجاد تبلیغات سوء علیه ایران کوشش شود، هیچ مشکل واقعی پیش‌بینی نمی‌شود.

سفیر دیگر خبرهای واشنگتن را مرور کرد. با تذکر این نکته که کنگره برای یک دوره نیم بند پس از انتخابات باز می‌گردد. دانشجویان ایرانی در آمریکا نیز همچنان فعالند. در واشنگتن در مورد ثبات سیاسی جغرافیایی این منطقه، مخصوصاً در تبع کودتای افغانستان نگرانی مشخصی وجود دارد.

وزیر مختار گزارشی از تغییرات وسیعی که توسط ایرانیان در متن فارسی پیمان هسته‌ای اعمال شده است ارائه داد. با تذکر اینکه دولت ایران امید دارد سند را تا ۱۰ سپتامبر امضا کند.

آقای شلنبرگر درباره سرازیر شدن مطبوعات غربی به ایران پس از فاجعه آبادان صحبت نمود. وی اعلام نموده شهردار بردلی ممکن است تهران بیاید و در برنامه انجمن ایران و آمریکا (IAS) در رابطه با شهرداریها شرکت کند.

ژنرال کرتز درباره فعالیت‌های ولیعهد در آمریکا گزارش داد. سفیر درباره تصمیم دولت ایران به خرید ۳۱ فروند F - 4E سؤال کرد، با یادآوری اینکه امید دارد که آنها دچار توهماتی از قبیل اینکه نهایتاً قادر

www.takbook.com



خواهند بود گروه A را بگنجانند هستند.

آقای وستلی گزارش از دیدار رئیس هیئت مدیره وستینگهاوس ارائه داد. سفیر گفت که با آقایان برگستن و سومولون که نگران قیمت نفت هستند جلسه‌ای طولانی داشته است. وی گفت بلومنتال ممکن است در اکتبر به ایران بیاید. سفیر همچنین به (معاون وزیر) کوپر پیشنهاد کرد که در اواخر امسال برای ریاست بر اجلاسیه دیگری از کمیسیون مشترک ایالات متحده و ایران، به ایران بیاید.

دکتر جان استمپل درباره برداشتهای خبری آتش‌سوزی اخیر سینمای آبادان گزارش داد. وی یادآور شد میانه‌روهایی که قبلاً مایل به انتقاد از آیت‌الله خمینی نبودند. مشغول استفاده از این فرصت برای انجام غیرمستقیم چنین کاری به صورت تقبیح آتش‌افروزی بودند. سفیر آن را «جسارت حقیقی خـمینی» توصیف نمود.

دکتر استمپل اشاره نمود که در کیهان امروز اظهار سناتور نائینی که شاه کاملاً در جریان اوضاع قرار نمی‌گیرد مندرج است.

آقای میلز گزارش داد متصدی پزشکی منطقه از ۲۴ تا ۲۸ اوت در شهر خواهد بود. آنها که مایل به دیدار او هستند باید برای ترتیب قرار با واحد تندرستی تماس بگیرند.

درباره موضوع بنای ساختمان، سفیر گزارش داد آقای جینگلز ۲/۳ میلیون دلار لازم برای ساختمان اداره جدید را تأمین کرده است که در سال مالی ۱۹۸۰ قابل استفاده است. به دنبال مقداری بحث درباره استفاده از محل گالری‌های ایران در جنب خیابان ایرانشهر به‌عنوان مواضع فعالیت موقتی بحث شد.

آقای تیلور گزارش داد ارقامی که اینک برای حسابهای اقتصادی چهار ماه اول سال موجود می‌باشند کسری معادل ۱/۳ میلیارد دلار را نشان می‌دهند. با بودجه ۸ تا ۱۰ میلیون دلار پیش‌بینی شده برای تمام سال، چنین کسری تناسب ندارد.

در عین حال توازن حساب‌های پرداختی برای سه ماهه اول معتدل است اما علائمی از میل به سوی کسری (بودجه) نشان می‌دهد، اما یک کسری یک میلیارد دلاری در سال را انتظار داریم.

یک رهنمود بودجه برای فراهم کردن بودجه سال ۲۵۳۸ به وزارتخانه‌ها صادر شده است که حکایت می‌کند ممکن است امسال به موقع آماده گردد.

آقای اسنو گزارش داد، جدا از راهنمایی دانشجویان، انجمن ایران و آمریکا برنامه دیگری طی رمضان ندارد. مرکز پلیس اضافی برای خود نیاورده است، اما اگر لازم باشد تعداد بیشتری در دسترس هست.

آقای راینو آخرین اخبار مرکز بازرگانی را ارائه کرد. وی اعلام داشت که نمایشگاه بازرگانی در ۱۹ سپتامبر باز خواهد شد، با این امید که آمریکا بهترین ارائه را در تاریخ داشته باشد.

www.takbook.com



**سند شماره ۴۸**
**محرمانه**
**تهران ـ ۶ سپتامبر ۱۹۷۸ ـ ۱۵ شهریور ۱۳۵۷**
**اداری ـ غیر رسمی***
**جناب دیوید مک‌گافی (ویکتور تامست ـ مایکل مترینکو)**
**کنسول آمریکا**
**کنسولگری آمریکا**
**اصفهان، ایران (شیراز ـ تبریز)**
**دیوید عزیز (ویک عزیز ـ مایک عزیز):**

در هفته‌های اخیر سفیر و من از چند مقام عالی‌رتبه تلویحاً این اتهام را دریافت کردیم که آمریکا به نحوی در تظاهرات وارد شده است و از مخالفت‌ها حمایت می‌کند. سفیر اکیداً این اتهامات را رد کرد و پیشنهاد کرد که هر وقت لازم است، برای بازدید یا تجزیه و تحلیل هر مدرکی که آنها فکر می‌کنند بر نیرنگ آمریکا دلالت می‌کند، ملاقات داشته باشد. اگر لازم باشد شما هم باید محکم باشید.

در ماههای آینده ایرانیان از هر جنبه سیاسی در پی نشانه‌هایی از نظریات آمریکا در مورد مسایل داخلی خواهند بود و این موقعیت‌های دشوار و حساسی را برای ما بوجود خواهد آورد که می‌تواند به آسانی منجر به سوءتفاهماتی شود. بنابراین من مطمئن هستم که شما خیلی محتاط خواهید بود و نکات زیر را در هر جا که مقتضی باشد در بحث‌های خود اعلام خواهید کرد:

۱. روابط ایران و آمریکا عالی است و براساس علائق دو جانبهٔ محکم و استواری پایه‌ریزی شده است.
۲. از زمان جنگ جهانی دوم، هم رئیس جمهوری‌های دمکرات و هم جمهوریخواه آمریکا برای ایران اهمیت خاصی قائل شده‌اند، در دسامبر ۱۹۷۷ پرزیدنت کارتر: «قدرت ما، قدرت ایران است و قدرت ایران، قدرت ما است.»
۳. آرزوهای آمریکا این است که ایران از لحاظ اقتصادی و نظامی قوی باشد و ثبات سیاسی داشته باشد.
۴. آمریکا از «خط‌مشی دمکراتیک کردن» شاه که قصد دارد طی مدتی یک سیستم سیاسی دمکراتیک را توسعه دهد استقبال کرده است. ما به صداقت او در این عمل شک نداریم.
۵. پادشاهی یک نهاد بسیار مهم در ایران است و به نظر ما شاه مناسب‌ترین فرد برای رهبری مردم ایران به سوی سیستم دمکراتیک‌تر است.
۶. به‌طور قابل ملاحظه‌ای این نکته اهمیت دارد که چهره‌های سیاسی مسئول در داخل سیستمی کار می‌کنند که به موازات پیشرفت آن شاه و دولتش را در این تلاش یاری دهند.
۷. خشونت فقط علیه رسیدن به یک سیستم دمکراتیک مفید خواهد بود و بازیچه نیروهای چپ و راست افراطی خواهد شد که نمی‌خواهند ایران پیشرفت کند. عین این رونوشت را برای همکاران شما در سایر کنسولگریها خواهم نوشت.

با تقدیم احترام چارلز. دبلیو. ناس
کاردار

*ـ این نامه برای سه کنسولگری آمریکا در اصفهان و شیراز و تبریز فرستاده شده بود.

www.takbook.com



**سند شماره ۴۹**

**محرمانه**

**خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی**

**۶ سپتامبر ۱۹۷۸ ـ شهریور ۱۳۵۷**

سفیر مذاکره را با بحث درباره تظاهرات بزرگ اما بدون خشونت روز ۵ سپتامبر در تهران شروع کرد. وی گفت معلوم نیست که آیا طرح جدیدی با خصیصه آرام این تظاهرات پدیدار شده یا خیر؟ اما در هر حال یک تاکتیک دوجانبه است که احتمالاً به منظور سست کردن نیروهای امنیتی از اقدام قاطع در آینده است. سفیر در ملاقاتش با وزیر کشور نظرش را در مورد دورنمای آینده جویا خواهد شد. فردا روز بستن هفتم کشته‌شدگان تظاهرات قبلی است بازار تعطیل اعلام شده، مغازه‌ها نیز همین‌طور. آقای بنر من گفت به مغازه‌دارها گفته شده است که فردا باید تعطیل کنند. دکتر استمپل گفت که فردا روز آرامی خواهد بود که یک... عمومی واقعی تلقی نمی‌شود.

سفیر... گفتگو با کسانی که سعی دارند شاه را با راههای مسالمت‌آمیز.... کنند، ادامه دارد. یکی از این افراد که هوشنگ رام است، این شایعه را که روحانیون می‌خواهند هویدا را دستگیر کنند تأیید نمود. با اینکه هویدا خودش یک مسلمان مؤمن است، اما چون پدرش مرتبط به بهائیها بوده مورد سرزنش قرار می‌گیرد. همچنین شایعه دیگری که به شدت قوت گرفته این است که زاهدی که به ایران آمده جانشین هویدا خواهد شد.

سفیر گفت که شب گذشته با تعدادی از اسرائیلیان که با نگرانی اظهار می‌دارند که یهودیها گروه دومی هستند که بعد از بهائیها مورد حمله مسلمانان متعصب قرار خواهند گرفت، تماس گرفت. اما اسرائیلی‌ها فکر نمی‌کنند که این امر بر روی رابطه آیندهٔ ایران و اسرائیل تأثیر بگذارد. وی خواستار ارسال تلگرامی شد که در آن تحلیل اسرائیلی‌ها در این مورد داده شود.

سفیر از استمپل خواسته است که از برنامه رفتن شاه به رومانی و آلمان شرقی یک تلگراف بفرستد. وی درخواست گزارشی از برلن را که ستاد حزب توده می‌باشد، نموده است.

سفیر گفت کنفرانس بین‌المللی زنان در تهران خواهد بود. وی تقاضا کرد که یک تلگراف برای پشتیبانی امور زنان فرستاده شود. اکنون که وزارت امور زنان از بین رفته است لازم است شخصی با خانم افخمی تماس بگیرد. شاید خانم لوری تریس بتواند این مأموریت را پس از ورودش انجام دهد.

سولیوان از وستلی تقاضا کرد که توسط آقای بش، سازمان سیا در مورد پروژه تولید نفت در ایران به بررسی بپردازد. این بررسی یک افت شدید را در تولید پیش‌بینی می‌کند.

سفیر از سرهنگ فاین هوت خواست تا در مورد کیف گمشده و شرکت سلطنتی ماشین ایران تحقیق کند.

سفیر اعلام کرد که سفیر آمریکا در پاکستان از تهران دیدن خواهد کرد. آقای شلنبرگر گفتگوهایش را با مفسر رادیو تلویزیون ایران بازگو کرد، وی گفته بود که برنامه‌های بین‌المللی تلویزیون کمتر از برنامه‌های فارسی خواهد بود. مفسر تلویزیون همچنین گفت که روابط بین کارمندان بخش فارسی و بین‌المللی خوب نیست. آقای شلنبرگر گفت که با کسی که در آبادان بوده است صحبت کرده و او گفته است که در مقایسه با تهران، تدابیر امنیتی آنجا خیلی شدیدتر می‌باشند. وی همچنین گفت که شایعاتی مبنی بر

www.takbook.com



اینکه دستورالعمل تخلیه افراد را صادر کرده، وجود دارد. سفیر اشاره کرد که فقط نصف جمعیت آبادان عرب است و این می‌تواند در موارد امنیتی تأثیر گذاشته باشد.

آقای شلنبرگر گفت که انتظار دارد امروز لیست ۱۶ رئیس دانشگاه را دریافت دارد. همه آنها دفعه اولشان نیست که چنین شغلی می‌گیرند.

سرهنگ فاین‌هاوت گفت که امروز روز LOA است ولی فقط چهار مورد صادر شد. سفیر گفت که این به خاطر مشکلات بودجه بوده است.

سرهنگ فاین هاوت گزارش داد که یک پادگان پلیس ایرانی که در مسایل مربوط به حمل و نقل تحت‌نظر او شریک بود، امروز مورد حمله واقع شد و یک محافظه کشته شد. یک ماشین سیتروئن را هم آنجا گذاشتند تا منفجر شود ولی این اتفاق نیفتاد. این اتفاق در ساعت پنج و نیم بامداد بود.

آقای وستلی اظهار داشت که «گلن واتس» از اتحادیه کارگری آمریکا به تهران خواهد آمد. او ترتیب سفرش را خودش داده است و سفیر از آقای وستلی خواست که رزرو هتل او را تأیید نماید.

آقای وستلی گفت که با رئیس پخش پپسی صحبت کرده و او افشاء کرد که چهار سال پیش مبلغی به شریعتمداری داده شده بود تا فروش پپسی را افزایش دهد. آقای وستلی گفت که اتاق بازرگانی آمریکا از سفیر دعوت کرده تا در مجلس ناهاری در ماه نوامبر شرکت کند.

سفیر در کل پذیرفت مسئله مورد بحث این بود که آیا بلومنتال می‌تواند برای اتاق بازرگانی سخنرانی نماید یا نه. او باید صبح این کار را انجام دهد چون برنامه‌اش خیلی فشرده است.

دکتر استمپل گزارش داد که نماینده مجلس «نژاد» فرد شماره ۲ سازمان کارگران اعلام کرده که می‌خواهد عضو جبهه مخالفین شود. دکتر استمپل گفت که دانشگاه آریامهر امسال باز خواهد ماند. او گزارش داد که ۱۳۴ استاد دانشگاه تهران تا استخدام افرادی که مجبور به بازنشستگی شده‌اند حاضر به تدریس نخواهند شد. او در مورد یک راهپیمایی آرام در مسجد ژاله صحبت کرد. راهپیمایان به نیروهای امنیتی پول می‌دهند و می‌گویند که حقوق آنها برای این کار کم است.

آقای نیلی گفت که وضع زراعت شمال خوب است و جاده جنوب کوهستان به مشهد خیلی خراب است و برای مسافرت باید راه دیگری انتخاب کرد.

سفیر پرسید که آیا دلیل خاصی وجود دارد که در ایلام این‌قدر دردسر وجود دارد؟ آقای گرین گفت که با توجه به مقاله روزنامه ارتش ایران از مسلسل‌های آمریکایی استفاده نمی‌کند. البته ژاندارمری از تفنگهای ام یک که خیلی قبل دریافت کرده بود استفاده می‌کند.

آقای بورتن گفت «منیری» از ایران خارج شده، او می‌خواهد که رئیس بعدی شرکت هواپیمایی ایران باشد ولی کسی از او حمایت نمی‌کند.

آقای ددیج گزارش داد که چندین قاچاقچی آسیایی در آمستردام دستگیر شده‌اند. شواهد نشان می‌دهد که ارتباطی میان قاچاقچیان آسیایی و ایرانی وجود دارد. دیروز دو تن حشیش در نزدیکی ماکو بدست آمد که برای اروپا فرستاده شده بود. هیچ شواهدی مبنی براینکه افغانستان کار قاچاق نمی‌کند نداریم.

آقای آدلر گزارش داد که یک منبع غیردولتی ایران گفته که ایران قدرت هسته‌ای را ارزیابی می‌کند. بنا به گفته این منبع هیچ واحد اضافی علاوه بر ۹۰۰۰ مگاوات فعلی خریداری نخواهد شد. این اولین نشانه

www.takbook.com



حرکت تندی است در جهت تقلیل. سفیر گفت که شنیده است که فرانسه می‌خواهد تلافی محدودیت در پاکستان را در ایران در بیاورد. سرهنگ شیفر گفت که هلیکوپتر پلیس که احتمالاً متعلق به نیروی هوایی بوده، سقوط کرده و خلبان آن در دم کشته شده است.

آقای بانرمن وضع امنیتی فردا را تشریح کرد. ما فکر می‌کنیم مغازه‌های تمام شهر تعطیل باشند و تظاهرات آرامی صورت می‌گیرد. او اعلام کرد برای آنکه سیاست یکنواختی در پیش بگیریم هر امر برنامه‌ریزی شده مطابق برنامه‌اش صورت پذیرد. برنامه‌های سفارت به روال عادی پیش روند. سفیر ایان را پذیرفت و افزود که از طریق دیگر توصیه هم نخواهد کرد که یک برنامه گردش در بازار از طرف باشگاه بانوان انجام شود.

آقای اسنو گفت که انجمن ایران و آمریکا ثبت نام معمولی برای کلاس‌های انگلیسی میان ۸ تا ۱۲ را برای فردا در برنامه دارد. وی گزارش داد که نیروی پلیس در خیابان وزرا دو برابر شد اما به نظر می‌آید که افراد پلیس چندان متراکم نیستند. آقای بانرمن گفت همین‌طور است اما بعد از ماه رمضان یک نیروی فعال پلیس ذخیره به کار خواهد افتاد.

آقای اسنو تذکر داد که یک سخنرانی راجع به باستانشناسی برای فردا شب تدارک دیده شده است. این برنامه طبق قرار قبلی انجام خواهد شد.

www.takbook.com



**سند شماره ۵۰**

**محرمانه**

**یادداشت برای پرونده‌ها**

**از: کفیل بخش سیاسی، جان دی استمپل**

**تاریخ: ۷ سپتامبر ۱۹۷۸ ـ ۱۶ شهریور ۱۳۵۷**

بعدازظهر سوم سپتامبر من از طرف معاون مخصوص نخست‌وزیر، داریوش بایندر، برای مهمانی کوکتل به کلوپ وزارتخانه دعوت شدم. بایندر می‌خواست با من درباره حوادث اخیر در ایران و نظرات من درباره آنها صحبت کند.

من تذکر دادم که آمریکا با علاقه و تأیید، کوشش‌های شاه و نخست‌وزیر را برای دمکراتیک کردن سیستم سیاسی و فرونشاندن خشم رهبران مذهبی، مورد توجه قرار می‌دهد.

در رابطه با یک سؤال از طرف بایندر، من دوباره تأیید کردم که ایالات متحده احساس می‌کند که پادشاهی یک نهاد مهم در ایران است و در جریان اعطای آزادی‌ها شاه بر چهره‌ای اساسی است. در پایان من اظهار امیدواری کردم که هیئت‌های مسئول سیاسی تمام نواحی، در این سیستم کار کنند.

ما درباره خط سرسخت مخالف که نسبت به امتیازات حکومت در قلمرو سیاسی اتخاذ شده، بحث کردیم. بایندر تأیید کرد که دولت قصد دارد همچنان به‌طور قابل ملاحظه‌ای دمکراتیک کردن جو سیاسی را ادامه دهد. او گفت به هر حال نخست‌وزیر و دیگران از اینکه هیچ حس سازشی در میان مخالفین وجود ندارد نگران بودند و اینکه دستجات مذهبی و دیگران احساس می‌کنند که نبض (جریان) حکومت را در دست دارند و آن را برای اخذ اختیار یا تقاضای تغییراتی که غیرممکن می‌باشد در فشار می‌گذارند، ناراحت هستند. او اضافه کرد که امکان دارد که خشونت ادامه یابد و این امر دو سؤال اساسی بوجود می‌آورد، (۱) اگر موقعیت خطر پیش بیاید چه اتفاقی می‌افتد؟ و نظر دولت آمریکا به برقراری دوباره نظم به وسیله زور چه خواهد بود؟ (۲) آیا در ایران دمکراسی مفید خواهد بود؟ آیا به اندازه کافی رهبران مناسب و چهره‌های سیاسی متجدد وجود دارند تا از سیر قهقرایی حکومت کشور به طرف مذهبیون مرتجع جلوگیری کنند؟

باتوجه به نظرات آمریکا نسبت به حفظ نظم عمومی، من خاطر نشان کردم که به اصطلاح تأکید آمریکا بر حقوق بشر، برعکس نظرات بسیاری به جای نظم عمومی از هرج‌ومرج حمایت نکرده بود. به‌عنوان نظر شخصی فکر می‌کنم که دولت ایالات متحده با تلاش‌هایی که نظم عمومی را برقرار سازد و آن نظم عمومی در زمینه سیستمی باشد که فرصت‌های کافی برای دخالت در امور سیاسی عرضه کند، همدردی می‌نماید. سفارت متوجه است که نخست‌وزیر در عمل از روی یک موقعیت مشکل سرپوش را برداشته است. ما امیدوار بودیم که حکومت به خاطر حفظ نظم، آنچه را که برای محدود کردن نیروی کنترل نشده لازم است، انجام خواهد داد. هر قدر وضعیت سیاسی برای اعمال زور مناسب‌تر باشد، دوستان ایران در اروپا و آمریکا از آن راحت‌تر دفاع می‌کنند.

باتوجه به این سؤال که آیا ایران می‌تواند دمکراسی را حفظ کند، من پاسخ دادم به‌نظر می‌رسد که خود ایرانیان باید به این سؤال پاسخ بدهند، بایندر پاسخ داد به رهبری بیشتری احتیاج می‌باشد و عقیده شخصیش را بیان کرد که حکومت باید بیشتر کار کند. حامیان حکومت باید خودشان را بیشتر سازمان

www.takbook.com



دهند. او با تردید بیان کرد که نخست‌وزیر خودش مایل بود که این کار را انجام دهد و نسبت به گروههایی که تاکنون در امور سیاست وارد شده‌اند خوشبین نبود.

در پایان برای یک نتیجه موفقیت‌آمیز در مرحله دادن آزادی‌های سیاسی اظهار امیدواری کردیم. بایندر که یک مقام حرفه‌ای خدمات خارجی است، گفت که از او خواسته شده به‌عنوان کارمند نخست‌وزیری باقی بماند که البته این کار را خواهد کرد. به هر حال او شخصاً امیدوار است ظرف دو تا سه ماه به امورخارجه برگردد. زیرا «ده ماه طول می‌کشد تا نخست‌وزیری پرورش یابد و این سومین شغل من خواهد بود!»

اظهار نظر: من باور نمی‌کنم بایندر مخصوصاً توسط رئیسش، به خاطر سؤال کردن از عکس‌العمل آمریکا برای تأیید اقدامات علیه هرج و مرج راهنمایی شده باشد. اما شک ندارم که پاسخ اساسی من به سؤالات بایندر به مقامات بالا در ادارات نخست‌وزیری خواهد رسید.

**جان. دی. استمپل**

www.takbook.com



**سند شماره ۵۱**
**استفاده محدود اداری**
**تاریخ: ۷ سپتامبر ۱۹۷۸ ـ ۵۷/۶/۱۶**
**از: مأمور سفارت جان استمپل**
**به: تمام مقامات بلندپایه**

**موضوع: نقطه‌نظرهای آمریکا نسبت به دولت ایران**

در ملاقاتی که در سوم سپتامبر با شرکت مقامات بلندپایه انجام گرفت، سفیر در زمینه لزوم روشن نمودن موضع دولت آمریکا در قبال تغییراتی که در حال حاضر در ایران به چشم می‌خورد صحبت کرد. در آن صحبت سفیر مطالب زیر را پذیرفته که شما در موقع تماس با مقامات ایرانی از آنها استفاده کنید.

روابط ایران و آمریکا بسیار عالی و پایدار است و بر روی منافع پایدار متقابل استوار می‌باشد. ایران از زمان جنگ جهانی دوم به این طرف چه در موقع رئیس جمهورهای دمکرات و چه در موقع رئیس جمهوریخواه از اهمیت خاصی برای آمریکا برخوردار بوده است و در دسامبر ۱۹۷۷ آقای کارتر گفت «قدرت ما قدرت ایران است و قدرت ایران قدرت ماست.»

دولت آمریکا آرزومند است که ایران از لحاظ اقتصادی و نظامی قوی و از لحاظ سیاسی با ثبات باشد. آمریکا از سیاست آزادیخواهانه شاه که به ایجاد یک سیستم سیاسی دموکراتیک کمک خواهد کرد استقبال کرده است. و ما هیچ شکی نسبت به حسن نیت ایشان در این مراحل نداریم.

حکومت پادشاهی یکی از مهم‌ترین و عمیق‌ترین نهادهای ایران می‌باشد و شاه در نظر ما مناسب‌ترین فرد برای رهبری ملت ایران به سوی یک سیستم دموکراتیک است.

خیلی اهمیت دارد که چهره‌های مسئول سیاسی در ضمن آنکه سیستم توسعه پیدا می‌کند در محدوده آن کار کنند تا به شاه و دولتش در این جهت کمک کنند.

خشونت فقط علیه دستیابی به یک سیستم دموکراتیک نتیجه خواهد داد و به نفع گروههای افراطی راست و چپ که نمی‌خواهند ایران شکوفایی پیدا کند، می‌باشد.

www.takbook.com



**سند شماره ۵۲**
**محرمانه**
**شماره سند: ۸۶۱۴**
**تاریخ: ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۸ ـ ۵۷/۶/۱۹**
**از: سفارت آمریکا در تهران**
**به: وزارت امورخارجه واشنگتن دی. سی. مهم**
**گزارشگر: سولیوان**

**موضوع: اوضاع ایران**

۱ـ در خلال سه روز گذشته با اشرف وزیر امورخارجه و نهاوندی وزیر علوم (رهبر بزرگترین گروه در دولت فعلی) و تعدادی افسران ارشد ارتش ملاقات کردم و در حدود بیش از یک ساعت به حضور شاه رسیدم. ممکن است دانستن بعضی از نکات این مذاکرات برای وزارت‌خانه و مخاطبین رونوشت مفید باشد.

۲ـ در ۸ سپتامبر مدت کوتاهی بعد از اعلام خبر حکومت نظامی با وزیر امورخارجه ملاقات کردم، در این ملاقات او بیشتر در مورد معرفی و توجیه حکومت نظامی صحبت کرد. چون ملاقات به درخواست او بود او خودش مرا آماده کرده بود و نسخه‌هایی از اعلامیه‌های مخالفین و لیست شعارهایی که در راهپیمایی ۷ سپتامبر نوشته شده بود آماده کرده بود و توجهاتی هم برای اعمال دولت داشت. او حاضر نبود قبول کند که کوتاهی‌هایی نیز از جانب شاه و دولت بوده و تأکید داشت که شلوغی‌ها از خارج هدایت می‌شوند او به مرگ افرادی که در زدوخوردهای صبح صورت گرفته بود اهمیتی نداد و اصرار داشت که بیش از ۱۰ نفر کشته نشده‌اند (او بعد به من در منزل تلفن کرد و گفت در حدود ۱۰۰ نفر بودند) او به نظر رسید که مشتاق عکس‌العمل رسمی دولت آمریکا نسبت به وقایع بود و پرسید که آیا در مورد قدم‌های بعدی که ایران می‌توانست اتخاذ کند نظریات مرا جویا شد.

۳ـ وزیر علوم نهاوندی، برعکس نگرانی زیادی در مورد عواقب حکومت نظامی اظهار داشت، طی ملاقات ۹ سپتامبر (که به درخواست من بود) او دائماً گزارشات تلفنی مبنی بر شلوغی در قسمت‌های مختلف شهر دریافت می‌کرد. او گفت جلسه کابینه در شب ۷ سپتامبر که در آن تصمیم حکومت نظامی گرفته شد جلسه احساساتی بوده و به خاطر اصرار ارتشیان تشکیل شده بود او گفت خودش و گروهش حاضر نشدند این فرضیه را که خارجیان باعث تمام ناآرامی‌های اخیر شده‌اند را بپذیرند و پیشنهاد اصلاحات عمیق کرده بود، (پاکسازی کامل) او مسلماً معتقد است که نظریاتش به‌طور کافی پذیرفته نشده‌اند و اطلاعیه عمومی داده است مبنی براینکه اصلاحات باید در پی حکومت نظامی می‌باشند.

۴ـ سپس او یک نظریه‌ای داد، گفت که دولت آمریکا می‌تواند نقش اساسی در وضع فعلی داشته باشد. شاید اما بیشتر از دولت می‌توانستیم بر شاه تأثیر بگذاریم ما باید کاری کنیم که از این نفوذ استفاده شود. «سریع»

۵ـ در صحبتی که با افسران ارشد ارتش داشتیم ظاهراً رضایت زیادی با اعلام حکومت نظامی ابراز می‌کردند. آنها مانند وزیر امورخارجه توضیحاتی طولانی در مورد مقاصد شوم تظاهرکنندگان و خطری که برای کشور دارند می‌دادند. در طول صحبت‌هایی که داشتیم ناراحتی زیادی در مورد آینده ابراز

www.takbook.com



می‌داشتند. آنها انتظار تروریسم، خرابکاری و اعتصاب‌های صنعتی را دارند، خیلی مشهود بود که آنان از اندازه و تشکیلات تظاهرکنندگان به شگفت آمده بودند، مخصوصاً ۷ سپتامبر.

۶ـ در مورد شاه که من در ۱۰ سپتامبر او را ملاقات کردم، او خسته و ناراحت بود ولی روحیه بهتری از هفته گذشته داشت، او در مقایسه با وزیر امورخارجه حساسیت بیشتری نسبت به مرگ افراد نشان می‌داد. او اصرار دارد که بگوید دست شوروی را در تمام تظاهرات و شلوغی‌ها می‌بیند در همان حال او می‌گوید که اشتباهات گذشته باید تصحیح شوند و این به زودی اعلام خواهد شد. به روستاها کمک بیشتری خواهد شد. برنامه آزادیها ادامه خواهد شد. لایحه آزادی اجتماعات و مطبوعات به مجلس داده خواهد شد و انتخاباتی به‌عنوان انتخابات آزاد در ماه ژوئن برگزار خواهد شد.

۷ـ او خواهان ابراز حمایت آمریکا برای خودش، رژیم حاکم و طرح‌هایش می‌باشد، او طرح‌های جامع‌تری از قبل دارد و کاملاً نوع نظری مبنی بر کنار رفتن و فرار کردن را رد می‌کند، از طرف دیگر مشکلات رودررو را کم نمی‌بیند و می‌داند که حکومت نظامی ممکن است فعالیت مخالفین را زیرزمینی کند و آنها را به تروریسم و خرابکاری وادار کند. او نگران است از اینکه ممکن است موجی از اعتصابات صنعتی آغاز شوند و قبول دارد که حکومت نظامی ممکن است از نظر بین‌المللی برای خیلی‌ها اهانت‌آمیز باشد منجمله آمریکا.

۸ـ بینش کلی که از این چند ملاقات بدست آوردم این است که وقایع اخیر منجر به خراب شدن تشکیلات ایران شده‌اند. هنوز عنصر قوی نه تنها در ارتش بلکه در کابینه هم وجود دارد که خواستار عکس‌العمل خشن برای سرکوبی مخالفین می‌باشد. در همان حال گروه قابل توجهی در رهبری وجود دارد که معتقد است اعمال سرکوبگرانه مؤثر نیستند و نیز معتقد است وقت انجام اعمالی که پاسخگوی ناراحتی‌های سطحی باشند گذشته است. شاه در هفته‌های گذشته نقش هاملت را بازی کرده و نفوذ خودش را در هیچ جهت تحمیل نکرده. امروز او ظاهراً مقداری از اعتماد خودش را بازیافته و کنترل اعمال دولت را بدست آورده. او متقاعد شده که با کسانی که خواستار اصلاحات هستند کنار بیاید و ما می‌توانیم از شاه انتظار داشته باشیم که آن تغییرات را انجام دهد.

۹ـ هنوز خیلی زود است که بتوانیم تخمین بزنیم که آیا او می‌تواند آنچه را می‌خواهد بگوید انجام دهد در حالی که سوار زینی است که بر جمعیتی عصبانی از حکومت نظامی است.

سولیوان

www.takbook.com



**سند شماره ۵۳**

**محرمانه**

**یادداشت**

**تاریخ: ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۸ ـ ۲۱ شهریور ۱۳۵۷**

**از: ویکتور. ال. تامست ـ شیراز**

**به: وزیر مختار، آقای ناس**

**موضوع: امنیت آمریکاییان ساکن در جنوب تهران**

قبل از اول سپتامبر کنسولگری در بحث‌هایش با اعضای جامعهٔ آمریکایی مقیم جنوب ایران، هم با افراد وهم با گروهها، بر این نظر بود که هر چند رشته ناآرامی داخلی در اینجا یک کشش نهفته ضد خارجی داشته است، اما به سوی خارجیان به‌طور کل و آمریکاییان بخصوص جهت داده نشده است. در چنین شرایطی ما توصیه کردیم مادامی که آمریکاییان از حوادث و اتفاقات مربوطه که ممکن است در آنها ایشان را به‌طور اتفاقی یا به‌عنوان طعمه‌ای بادآورده دستگیر کنند، دوری جویند. احتمال ندارد که خطری جدی آنها را تهدید کند. گفتگوهای اخیر اعضای کنسولگری و همسرانشان در شیراز، اهواز، خرمشهر و آبادان با ایرانیانی که از مقاطع مختلف (جامعه) بودند، دلالت بر عوض شدن عقیده آنها می‌کند که ممکن است تشخیص پیشین ما را از اعتبار بیندازد.

در هنگامی که دیدگاهها متفاوت هستند، ظهور سریع احساسات ضد آمریکایی تقریباً در تمام موارد روزهای اخیر را می‌توان ناشی از گسترش نارضایتی از رژیم، ادامه کم قدرتی مخالفان در ایجاد تغییرات اساسی اوضاع (باتوجه به اینکه اکثریت قاطع، تعیین دولت شریف‌امامی را چیزی بیش از یک تغییر سطحی نمی‌بیند) و یک عقیده مشترک گسترده که ایالات متحده توانایی برای بنابراین یک فرد می‌تواند هم به خاطر ناآرامی (اجرای سیاست حقوق بشر) و هم به خاطر توانایی رژیم برای ماندن بر سر قدرت (حمایت و فروش‌های تجهیزات نظامی)، ما را سرزنش کند.

تظاهر احساسات ضد آمریکایی (صرفنظر از شعارها و پوسترهای «آمریکایی برو خانه‌ات» که قبل از وضع حکومت نظامی بوجود آمده) برای بسیاری این فرم را گرفته است که «ما غرض خاصی نسبت به شما نداریم ،اما ایرانیان از آمریکاییان متنفرند، زیرا که (۱) شما شاه را بر سر قدرت نگهداشته‌اید (۲) اسلحه‌های آمریکایی مردم را می‌کشد (۳) شما اثر بداخلاقی روی فرزندان ماگذاشته‌اید (۴) شما به اسلام احترام نمی‌گذارید (۵) شما باعث تورم، کمبود و غیره هستید» عده‌ای برای آمریکاییهایی که شخصاً می‌شناسند نگرانند، نصیحت کرده‌اند که به سرعت ایران را ترک کنند تا مبادا که برایشان اتفاقی بیفتد. این ممکن است اغراق باشد اما حاکی از وضعی است که آنها بدون تردید به خود راه دادن آن را برای آمریکاییها غیردوستانه می‌بینند.

آمریکاییانی که در جنوب ایران زندگی می‌کنند نسبت به این احساسات بی‌اطلاع نیستند. همسایگان و همکاران مراقب این وضع هستند. شاید آنها نسبت به آمریکاییانی که در تهران هستند، بیشتر احساس تنهایی می‌کنند، به نظر می‌رسد که درباره وضع امنیتی خود فوق‌العاده نگران بوده و مرتباً برای ضمانت امنیت خویش به کنسولگری مراجعه می‌کنند.

با وجودی که براساس ارزیابی ما از وضعیت، ضرورتی ندارد که آمریکاییان چمدان‌های خویش را

www.takbook.com



ببندند، اما امکان بوجود آمدن مشکلاتی در رابطه با آمریکاییان، در روزهای اخیر به نظر می‌رسد که به طور قابل توجهی افزایش یافته است. انتقال این نظر به جامعه آمریکایی باعث تشدید ترسی می‌شود که شاید قبلاً در میان بسیاری از اعضای آن بوجود آمده است، اما اگر زیاد هم اهمیت ندهیم، این خطر وجود دارد که در برابر آنها اعتبار خویش را از دست بدهیم. قبلاً حرفهایی بوده درباره این برخورد که دولت آمریکا به روابط خود با شاه بیش از شهروندان خود اهمیت می‌دهد. در حالی که این قیاس در جزییاتش واهی و نادرست است. اما قضیه ویتنام به‌عنوان نمونه فدا کردن ایمنی اتباع آمریکایی به بهای یک توهم نقل می‌شود.

با وجود چنین وضعی در اینجا، ما معتقدیم در حال حاضر باید موضع ذیل را در مواقعی که از طرف آمریکاییان در مورد وضع امنیت‌شان مورد سؤال واقع می‌شویم اتخاذ کنیم. شرایط جوری نیست که ایجاد کند که افراد آمریکایی چه به صورت انتخابی و چه به صورت دسته جمعی بتوانند به‌طور سازمان یافته ایران را ترک کنند. در حقیقت اعمال حکومت نظامی در چندین شهر در سراسر کشور تا آنجایی که به ناآرامی داخلی مربوط می‌شود، کلاً اثری سودمند داشته است. به هر حال به نظر می‌رسد احساس ضد آمریکایی در قسمت‌های معینی از مردم ایران، اخیراً افزایش یافته است. ضرورت ایجاد می‌کند که آمریکاییان ساکن در جنوب ایران محتاط باشند تا از موقعیت‌هایی که بالقوه می‌توانند برای آنها خطرناک باشند، دوری جویند. اگر اقدامات احتیاطی رعایت شود، به‌علاوه خود مقررات حکومت نظامی ناچاراً موجب محدودیت آزادی به ویژه برای خانواده‌شان هستند یا نه. در حالی که چنین توصیه‌ای ممکن است منجر به این شود که بعضی از افراد وابستگان خود را به آمریکا بفرستند و استخدام را برای شرکت‌ها و سازمانها در ایران نسبتاً مشکل‌تر کنند.

ما فکر می‌کنیم که در کل این امر بدون این که به هراس بی‌جهت منجر شود، جامعه آمریکایی را مطمئن می‌سازد که ما به خیر آنها اهمیت می‌دهیم. به هر حال تعداد وابستگان در حال افت کردن است و آنچه که در مطبوعات ایالات متحده درج شود، بیش از آنچه که ما در اینجا می‌گوییم بر روی استخدام تأثیر خواهد داشت. بنابراین ما عملاً در تغییر خط‌مشی پیشگام نخواهیم بود بلکه در عوض یک جنبه منطقی به روندهایی که هم‌اکنون در جریان است می‌دهیم روی هم رفته شاید حضور کمتر (آمریکاییان) چندان بد نباشد.

www.takbook.com



**سند شماره ۵۴**

**محرمانه**

**خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی**

**تاریخ: ۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸ ـ ۱۳۵۷/۶/۲۲**

سفیر جلسه را با گزارشی از وقایع هفته گذشته آغاز کرد. او گفت که تظاهرات روز پنجشنبه نگرانی زیادی را در رابطه با وسعت و تشکل آشکار آن در میان دولت بوجود آورده است. او کشتار جمعه میدان ژاله را یک نمایش ناموفق توصیف کرد که نشاندهنده ماهیت قانون جنگی بود. سربازان مجهز به کلیه وسایل جنگی بودند و به جای سلاح‌های کنترل‌کننده جمعیت از سلاح‌های جنگی استفاده می‌کردند. او گفت که وظیفه فعلی دولت جدا کردن عوامل حرف شنو مخالفین از عوامل مخرب آنها است. او بر اهمیت رعایت مقررات حکومت نظامی توسط مقامات رسمی سفارت تأکید کرد. او دستور داد که گزارش هیئت اعزامی در حال حاضر باید بیشتر به جای اینکه تحلیل بدهد، روی حقایق تکیه کند. «نیوسام» معاون وزارت خارجه به خاطر گزارش وقایع اخیر از سفارت تجلیل کرده است.

ضمن بر شمردن مقداری از وقایع و اتفاقات، سفیر گفت که شکایاتی از آمریکاییان بخش تجاری بدست رسیده که از دیر کرد پرداخت اجرت خدمات انجام شده، از سوی ایرانیان حکایت می‌کنند. این امر متناسب با نگرانی فزاینده ما در مورد اشکال بودجه است. یک چنین موقعیتی می‌تواند به سبب فلجی که با وزرای جدید حاصل شده یا ترس از دادن پرداخت‌هایی که فساد از آنها می‌آید باشد. هرکس در این مورد چیزی شنیده آن را به جان میلز گزارش دهد.

در رابطه با موضوع رشوه و فساد ممکن است چیزی نمانده باشد که ما تعدادی از رابطین و دوستان را از دست بدهیم به‌عنوان مثال به اعتماد و منصور دستور داده شده است که به علت بازجویی از آنها کشور را ترک نکنند. سفیر در ورد پیغامی که از نماینده «رید» معاون وزارتخانه دریافت داشته است سخن گفت. این پیغام حرفهایی را در مورد بودجه سال مالی ۱۹۸۰ بازگو می‌کند. وزارت خارجه قصد کاهش ۵۵ میلیون دلار و ۴۶۱ پست را دارد که بیشتر آنها در کشورهای بیگانه خواهد بود. یکی از پیشنهاداتی که باید به آن توجه شود این است که مناصب خالی ویزاهای غیر مهاجرتی در کشورهایی که کمتر مرتکب تـقلب می‌شوند از بین برود. آقای گوئلز با طنز درباره این ایده می‌گوید که در این صورت پستهای زیادی را حذف نمی‌کند.

بلومنتال (وزیر دارایی) اواخر امسال از ایران دیدن خواهد کرد. آقای ناس و مایلز باهم تهیه یک برنامه را آغاز کرده‌اند. از آقای وزیر دعوت خواهد شد که در محل اقامت کاردار بماند.

رئیس کنسرسیوم در همان زمان که سفیر یک مهمانی برای جان مایلز ترتیب می‌دهد، یک مهمانی مشروب خواهد داد.

سفیر مایل است که زمانی با اعضای کنسرسیوم ملاقاتی داشته باشد ولی این دعوت را رد خواهد کرد. آقای شلنبرگر درباره پخش برنامه‌های زنده از مجلس در تلویزیون صحبت کرد و گفت که این برنامه‌ها تأثیر قابل توجهی دارد و مانند یک نوع سوپاپ اطمینان برای خارج کردن بخار است.

یک نوار ویدئو یک ساعته از واشنگتن دریافت کرده است که در آن گروهی از دانشجویان ایرانی تجارب خود را در میان می‌گذراند. این فیلم در مرکز مشاوره دانشجویی در دسترس قرار خواهد گرفت.

www.takbook.com



آقای مایلز در مورد تأثیر وقایع اخیر بر روی اقتصاد صحبت کرد و گفت که واقعاً به نظر می‌رسد که تقدمات بودجه از دفاع به کشاورزی تغییر یافته باشند.

در اخبار سیاسی، نوری که امروز دستگیر شد همان ملایی است که خط ضد یهودی را جلو می‌برده، او همچنین در وقایع میدان ژاله دست داشت. سرهنگ شیفر گزارش داد که ویلیام «Your Man» برانیگان با اداره وابسته دفاعی تماس گرفت و در مورد گزارش نادرست خود در مورد استفاده سربازان شورشی ایرانی از تفنگهای آمریکایی اظهار تأسف کرد.

آقای بزمن گزارشی در مورد جلسه امنیت که ۱۸۷ شرکت در آن حضور داشتند داد. آقای گوئلز گزارشی در مورد خبر نه چندان غیر منتظره افزایش سریع درخواست‌های مربوط به ویزاهای آمریکایی دارد. آقای رینو گفت که نمایشگاه کالای بازرگانی بر طبق برنامه در ۱۹ سپتامبر گشایش خواهد یافت.

www.takbook.com



**سند شماره ۵۵**
**محرمانه**
**شماره سند: ۸۷۹۴**
**تاریخ: ۱۴ سپتامبر ۱۹۷۸ ـ ۱۳۵۷/۶/۲۳**
**از: سفارت آمریکا در تهران**
**به: وزارت امورخارجه واشنگتن دی. سی.**
**گزارشگر: سولیوان**

**موضوع: لزوم وسایل و تجهیزات برای کنترل ازدحام در ایران**

۱ـ یکی از مشکلات اخیر در وضع حکومت نظامی ایران فقدان واحدهای نظامی ارتش آموزش دیده جهت کنترل ازدحام جمعیت بدون تلفات جانی می‌باشد. هفته گذشته زمانی که سربازان برای جایگزینی افراد شهربانی به تهران انتقال یافتند به‌طور کامل مجهز به لباس جنگی و تفنگ‌های ژ ـ ۳ بی سر نیزه بودند.

۲ـ به دنبال آن وقتی که یک جمعیت سنگ‌انداز و چماقدار در میدان ژاله به این سربازان حمله نمودند آنها هیچ سلاحی غیر از تفنگ برای عکس‌العمل نداشتند. آنها کلاه خود را بر سر داشتند ولی سپر نداشتند.

موقعی که تیراندازی هوایی برای جلوگیری و پیشروی جمعیت مؤثر واقع نشد نتیجتاً خونریزی و کشت و کشتار غیرقابل اجتناب بود.

۳ـ با توپ‌های عظیم‌الجثه و لوله‌های بلند آنها به صورتی برجسته در نقاط پراکنده شهر مستقر به همان ترتیب فاقد تناسب است. مشکل می‌توان تصور کرد که چگونه از آنها برای کنترل ازدحام مردم باید استفاده کرد مگر اینکه خرابی زیادی بدنبال داشته باشد و بیشتر از مقدار لازم صدمه بزند.

۴ـ ناسازگاری و عدم هماهنگی سیستم تجهیزات نظامی در ایران برای جریان فعلی را با تشریح این حقیقت که ایران در خلال ۱۵ سال اخیر که آشوب و اضطراب در دیگر نقاط جهان به چشم می‌خورد هرگز این پدیده را در خود تا چند ماه اخیر تجربه نکرده است، می‌توان ذکر کرد. در گذشته معمولاً گردهمایی‌های عمومی قبل از اینکه شروع به کاری کنند با مراقبت ساواک عقیم می‌ماند.

۵ـ در چند ماهه اخیر به خاطر اینکه مقامات ایرانی کنترل ساواک را کاهش داده‌اند برنامه گردهمایی عمومی رونق گرفت و ایران ناچار شد که مقدار محدودی وسایل حفاظتی از قبیل کلاه خود، گاز اشک‌آور برای پرسنل شهربانی خود تهیه نماید. به هر حال به خاطر فقدان آموزش‌های حرفه‌ای برای این نیروها، شهربانی در قبال مسئولیت جدید، خود را به‌طور آشکاری خام دست نشان داد.

۶ـ نتیجه تمام این جریانات و وقایع اخیر وضعیت نامطمئنی است که در آن هرگونه طغیان جدید تشنج و عمومی می‌تواند به کشتار مجدد منجر شود. آگاهی از این حقیقت امکان دارد که در ترساندن نیروهای تظاهرکننده مؤثر واقع شود و در واقع تعدادی از سران عالی مقام ارتشی فکر می‌کنند مسئله حکومت نظامی به همین دلیل موفق خواهد شد.

۷ـ از طرف دیگر تصمیم اعلان شده شاه و مقامات است که تجمع عمومی و آزادی بیان در آینده نزدیک را اجازه می‌دهد. تحولات زندگی عمومی ایرانیان در آینده نزدیک لزوم تجدیدنظر مقامات رسمی ایران در مورد مسئله کنترل ازدحام مردم را به همراه خواهد داشت.

۸ـ من در ملاقات‌هایم در روزهای اخیر با شاه، تیمسار ازهاری رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران و وزیر

www.takbook.com



کشور درباره این مشکل و در مورد مشاهداتم از تظاهرات گسترده توکیو که به مراتب عظیم‌تر و تحریکات آن نیز بسیار بیشتر بود صحبت کردم و گفتم که چطور این جمعیت بدون اینکه حتی یک نفر هم کشته شود پراکنده می‌شد. تمام آنها در مورد این مطلب که ایران باید در رابطه با کنترل هرج و مرج و ناامنی نقش خود را عوض کند موافق بودند. (تیمسار ازهاری جریانی را که برای او اتفاق افتاده بود به صورتی روشن برای من تشریح کرد و آن بدین قرار است که یک شب که اولین شب حکومت نظامی بود یک سرباز او را از اتومبیل پیاده و سرنشینان اتومبیل را به مدت ده دقیقه زیر تفنگ نگهداشته تا اینکه یک مأمور شهربانی «به آرامی» آمده تا هویت افراد را بازرسی کند.)

۹ـ به نظر می‌رسد که نتیجه نهایی یک تلاش فشرده وزارت جنگ برای دستیابی به وسایل غیرکشنده کنترل ازدحام باشد. در حال حاضر تأکید بر روی وسایل انگلیسی و آلمانی است و علاقه فزاینده‌ای هم نسبت به وسایل ژاپنی وجود دارد. من حدس می‌زنم که درخواست معمول برای گاز اشک‌آور «پارت دریان» از آمریکا ادامه یابد.

**سولیوان**

www.takbook.com



**سند شماره ۵۶**
**سری: غیرقابل رؤیت برای افراد خارجی**
**تاریخ: ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۸ ـ ۲۷ شهریور ۱۳۵۷**
**جورج عزیز:**

از دعوت شما در جلسه روز هفتم سپتامبر متشکرم. همانطور که قول دادم نظرات خود را دربارهٔ مسایل مطرح شده در روز فوق تقدیم می‌کنم.

**شخصیت ایرانی ـ رهبران متفاوت**

در جلسه براساس فریضه‌های منفی درباره خصلت فرد ایرانی و فقدان قابلیت تغییر آن نتایجی اتخاذ شد. این حقیقت دارد که در شخصیت فرد ایرانی صفات منفی مشهوری چون بدبینی، حساسیت به خود و خودپسندی قدیمی وجود دارد که از لحاظ فردی و اجتماعی منفی محسوب می‌شود. مفسرین امور ایران مکرراً این صفات را عنوان کرده‌اند و در کتاب «برگزیدگان سیاسی ایران» به قلم زونیس نامبرده شده‌اند. (من امیدوارم در صورتی که قبلاً این کتاب را نخوانده باشی، فصل آخر آن که فقط یازده صفحه است را بتوانی به زودی بخوانی) بعضی از سخنرانان در آن جلسه به نظر می‌رسید فکر می‌کند که تنها نتیجه این صفات، این است که شاه را قدرت می‌بخشد. به هر حال این بخشی از مطلب است که از اهمیت آن به سرعت کاسته می‌شود. ایرانیان همیشه به‌طور کامل و بدون شرمندگی از این عیوب خویش آگاه بوده‌اند و اکنون از راهی که روش حکومتی شاه این عیوب را تقویت می‌کند، خشمگینند، این موضوع چه در آثار استاندارد تحقیقی درباره سیاست ایران (بیل زونیس، کوتام، بیندر، جاکوبز) و چه در صحبت عمومی خود ایرانیان مکرراً ذکر می‌شود که سیستم حکومت و کنترل شاه از نقاط ضعف شخصیت ایرانی استفاده کرده و بدین وسیله آنها را تقویت می‌کند. خود شاه در کتاب مأموریت برای وطنم به این موارد اعتراف دارد. این طریقه حکومت شاه را در اذهان ایرانیان با آنچه که آنها در خود بیش از همه بیزاری می‌جویند قرین می‌کند و دائماً تنفر عمیق و مستمر نسبت به او ایجاد می‌نماید. این موضوع باعث شده است که به میزان خیلی زیادی (آن‌طور که شاه آرزو داشت نزد مردمش باشد) از اینکه شاه به‌عنوان یک ابرناسیونالیست پذیرفته شود، جلوگیری کند.

علاوه براین بسیاری از ایرانیان معتقدند که عیوب فوق که شاه روی آنها سرمایه‌گذاری سیاسی کرده، همچنین به‌طور جدی و شدیدی توسعه اقتصادی، آموزشی، قابلیت احترام اجتماعی و رشد آگاهی جدید راکند کرده است. آگاهی آنها از این فسادها و طریقی که شاه از آنها سوءاستفاده می‌کند، مستمراً احساسی بین ایرانیان آگاه بوجود آورده است که رژیم شاه به‌طور غیرعادی در جستجوی طرح اجباری یا تحمیلی مدرنیزه کردن اقتصاد از طریق روش‌های حکومتی ارتجاعی است که از لحاظ سیاسی، آینده مملکت را به‌عنوان یک جامعه به خطر می‌اندازد.

این احساس خصوصاً در میان گروههایی چون اهل تجارت و حرفه‌ها که می‌توانند رهبران آینده قوی باشند، قوی است. براساس عقل انتظار نمی‌رود که چنین رهبرانی پیدا شوند، چون آنهایی که ممکن بود رهبر شوند یا همکاری کرده‌اند یا به خاطر سوءاستفاده دقیق شاه از شخصیت ایرانی، خنثی هستند. فقط قسمتی از این درست است. ایران مانند هر کشور دیگر به اندازه طبیعی (یعنی محدود) از افراد مسئول، آگاه

www.takbook.com



و شجاع بهره برده است. بعضی از این افراد راههایی برای زندگی کردن در ایران پیدا کرده‌اند و نسبتاً خوب زندگی می‌کنند و بدون اینکه حس راستی و احترام به خویشتن را از دست بدهند از خارج ولی کاملاً نزدیک متوجه اقدامات حکومتی هستند. همچنین کسانی مثل امضاکنندگان پیمان ۳۲ هستند که مطابق اصول دینی، سیاسی حرفه‌ای یا به دلایل دیگر، آشکارا در اقداماتی که مستلزم قابل توجهی است، بدون التفات به نوع انگیزه‌ها با شاه مخالفت می‌کنند.

**بعد از شاه چه می‌شود؟**

احساس دیگری که اساس مخالفت فعلی است این است که دوران شاه در تاریخ که برای ایران دورانی اساسی و خطیر بوده است، اکنون بسر آمده است. بدین لحاظ سیستم حکومتی وی که در جمع کردن مردم پراکنده و حفاظت از استقلال آنها، لازم و مهم بوده، اکنون به صورت مانعی بر سر راه آرزوهای ایران و پیشرفت آتی کلیه جنبه‌های مهم زندگی درآمده است. این امر ممکن است که بدیهی به نظر بنماید اما از اهمیت دوجانبه‌ای برخوردار است. اولاً یک ریشه اصلی حس متزلزل ایرانیان درباره رژیم شاه است که بعضی از افراد هم در جلسه گفتند، حس اینکه «سلطنت شاه تا آخر عمر من که طول نمی‌کشد.» ثانیاً این احساس در بسیاری از طبقات مردم ایران است که در دولت هیچ چیزی به جز شاه وجود ندارد. این بنوبه خود از این نظر سرچشمه می‌گیرد که نه فقط شاه ترکیب حکومتی که توارث‌پذیر باشد برقرار نکرده، بلکه سلطنت با آن تصوری که او از آن دارد، وقتی از سرکار برود برای بیشتر ایرانیان قابل قبول نبوده و حکومت قدرت‌طلب دیگری هم که سعی در حکمرانی به روش او داشته باشد نیز برای ایرانیان پذیرفته نیست. (به همین دلیل است که من فکر می‌کنم در دست گرفتن قدرت توسط نظامیان برای جانشینی شاه، شانس زیادی در پایداری و ثبات خویش ندارد).

به همین دلیل است که علاوه بر مسئله روشن و مبرم حقوق بشر و پیشرفت معقول در ایران، ادامه آزادی دادن برای ما و بسیاری از ایرانیان، مهم است. نوع صحیح دادن آزادی می‌تواند یک چهار چوب ثابتی برای زندگی سیاسی ایرانیان و استفاده کردن از آن به بار آورد، در غیر این صورت هرکسی که جانشین شاه شود مجبور خواهد شد در مرکز گردباد ترسهای داخلی، احساسات آزاد شده و فشارهای بیرونی، سیاست و حکومت ایران را دوباره سازماندهی کند.

**تشیع**

آن جلسه ممکن است این فکر را ایجاد کند که شیعه و روحانیت شیعی به‌طور کل و ذاتاً مرتجع هستند. در حقیقت بی‌تفاوتی‌های رسمی شیعه درباره سیاست، این را برای پیروانش ممکن می‌سازد که از شکل‌های گوناگون حکومتی حمایت کند. شیعه در اصل ملی‌گرا است چرا که آن نمایانگر تطبیق اسلام با خواست ایرانیان به داشتن مذهبی از آن خود بود که تحت تسلط اعراب نباشد. علاوه براین مذهب شیعه بالقوه با حکومت‌ها و موقعیت‌های جدید بیشتر سازگار است تا مذهب سنی چرا که معتقد است که باب اجتهاد هنوز گشوده است، اگرچه تشیع به‌طور نظری اجتهادات دین‌شناسی را که در قرآن یا در تعالیم رسول یافت نمی‌شود، منع می‌کند. اختناق دینی شاه در ایران باعث شده است که گروههای عمده و اصلی شیعه، در راه دفاع از خویشتن دگماتیک و محافظه‌کاران عمل کنند. درست آن‌طور که مذهب کاتولیک

www.takbook.com



رومی در کشورهای کمونیستی شده است. من شیعه را از لحاظ اجتماعی محافظه‌کار ولی از لحاظ سیاسی، دارای کشش ذاتی ضد استبدادی می‌بینم به خاطر این مطلب، در ایرانی که در آن آزادی برای مذهب و تشکیلات مذهبی و احکام مذهب و آزادی ابراز عقاید مذهبی در زمینه سیاسی وجود دارد. من انتظار دارم مثل ترکیه و اسرائیل، یک حزب وفادار به مقام‌های محافظه‌کار مذهبی، خصوصاً در مسایل اجتماعی و هم‌چنین تعدادی دیگر در عرض طیف سیاسی وجود داشته باشد که اشخاص معتقد، بدون اینکه زیاد احساس تخطی از عقاید مذهبی خود بکنند یا مورد مخالفت رهبران مذهبیشان واقع شوند، به آن تعلق داشته باشند.

**اقدامات بعدی**

نتیجه آنچه در این نامه تشریح شد این است که ایران کشوری است با توسعه اقتصادی قابل ملاحظه که شدیداً از نظر سیاسی عقب افتاده است. ایرانیان به‌طور کامل و با تحمل رنج از این موضوع آگاهی دارند. این بدان معنی است که ما فقط دو امکان واقع‌بینانه داریم که از میانشان یکی را انتخاب کنیم. این امکانات آشفتگی کشوری است که با توانمندی در تلاش تدبیر شکل دولت دائمی‌اش می‌باشد و یا آشفتگی مردمی می‌باشد که در کشمکش با رژیم‌هایی هستند که مراحل آزمون و خطا برای دستیابی به یک شکل حکومتی پایدار را نمی‌فهمند و یا به‌طور آگاهانه آن را رد می‌کنند. اگر شاه بتواند خودش را متقاعد به تحمل آشفتگی در جستجو برای بنای دائمی دولت و ظهور اینچنین دولتی که قدرت خودش را خواهد داشت بنماید. (دو چیزی که او هرگز در گذشته قادر به انجام دادنش نبوده است) در آن هنگام پیشرفت می‌توان در حالی که هنوز دولت در قدرت است شروع شود. بنابراین تأکید کارتر در تلفن اخیرش به شاه مورد ادامه اعطای آزادی، درست سوی هدف نشانه شده بود. ما باید مصراً به شاه در مورد اعطای آزادی فشار بیاوریم، در این صورت ایرانیانی که این را می‌بینند حداقل اعتماد پیدا خواهند کرد که این منظور ما است و ما به طور مشابه به نسبت به رژیم‌های آینده استوار خواهیم بود. اگر شاه واقعاً در جهت انتخابات آزاد، احزاب سیاسی، یک مجلس آزادتر و آزادی بیان سیاسی حرکت کند، او شروع خواهد کرد که مملکتش را از عقب افتادگی کامل سیاسی نجات دهد و به یک آینده معقولانه با ثبات پس از خودش امید داشته باشد. حاصل این کار می‌تواند تا حدی حمایت یکسره ما را از شاه در گذشته جبران کند و به ایران بهترین شانس درازمدت را بدهد که یک ملت، قادر و متمایل به ایفای نقشی در خاورمیانه که برایش آرزومندیم باشد. بدبختانه صورت پذیرفتن سرکوبی متناوب خیلی بیشتر محتمل فرض می‌شود که در نتیجه کاملاً امکان این را فراهم خواهد کرد که ظرف دهۀ آینده شاه با ترور، کودتا و یا فشار غیرقابل مقاومت مردم از جا برداشته شود. بهترین دولت ممکن در آینده در این شرایط برای ما دولتی خواهد بود که اتحادی میان غیرنظامیان و افسران جوان ارتش بر آن حاکم باشد. بدترین رژیم، رژیمی خواهد بود که افسران ارشد ارتش بر آن تسلط داشته باشند. به هر حال این دولتی خواهد بود که در ابتدا خواهیم داشت، هر چند من فکر می‌کنم که امکان جهش مستقیم در جهت یک دولت غیرنظامی که شانس خوبی برای موفقیت خواهد داشت، وجود دارد.

اگر یک افسر نظامی از افسران مسن‌تر ظهور پیدا کند در ابتدا فشارهای قوی عمومی و خصوصی استقبال کنیم. در مقابل این فشارها باید به شدت مقاومت شود. یک چنین دولتی پایدار نخواهد بود. این

www.takbook.com



دولت به وسیله نفاق داخلی از هم گسیخته خواهد شد. و به شدت به وسیله غیرنظامیان و افسران جوان مورد مخالفت قرار خواهد گرفت. رهبران آن نمی‌دانند که به جز سرکوبی به چه شکل می‌توان حکومت کرد احتمال زیادی وجود دارد که افسران جوان و سربازان وظیفه برای نگهداشتن ژنرال‌های مرتجع در قدرت به طرف هموطنانشان تیراندازی نکنند. از همه مهم‌تر اکثریت بزرگی از ایرانیان چنین رژیمی را یقیناً بدتر از رژیم شاه می‌دانند. این خیلی اهمیت دارد که هرگز دیده نشود که ما مشوق چنین رژیمی باشیم، مهم نیست که شاه خود را در چه تنگناهایی می‌بیند و یا اینکه در آغاز چه آشوب‌هایی پس از او پدید خواهد آمد.

در این احوال ما باید از زمان حاضر استفاده کنیم (حتی اگر شاه در مقابل آن ایستادگی کند) و آن را در میان خودمان به‌طور استوار بنیان نهیم که احتیاج ما به دانستن و فهمیدن تحولات سیاسی ایران هم‌اکنون از هر زیانی که به وسیله نمایاندن خود حین انجام ارزیابی‌های مستقلمان در مورد آن سیاست‌ها ممکن است به شاه یا به روابطمان با او وارد کنیم، مهمتر است. در حقیقت آگاهی او از اینکه ما در حال انجام این کار هستیم ممکن است به خوبی بر اعتبار تشویق‌های ما در مورد اعطای مستمر آزادی اضافه کند. به‌طور همزمان ارادت ما به شاه خصوصاً از طریق وقایع عمومی از قبیل فروش تسلیحات و یا اظهارات عمومی باید به‌طور محتاطانه‌ای تقلیل پیدا کند تا جایی که توهم این را که او را به سادگی رها می‌کنیم ایجاد نشود. نهایتاً بعضی از امکانات زیر معتقد است هنوز شروع نشده باشد. اگر چنین است فکر می‌کنم که آنها فوراً باید آغاز شوند.

الف ـ در سازمان سیا و سفارت ارجحیت گزارش به وقایع داخلی و سیاست داخلی در ایران باید داده شود. شما بهتر از من می‌دانید که چه چیز در اینجا مورد احتیاج است و ما هر دو مشکلات مشقت‌بار انجام این مهم را می‌دانیم. قابل ذکر است که به کنسولگری‌ها باید اختیار و منابع لازم برای درگیر شدن در این کار داده شود. وسیله دسترسی در خارج تهران آسانتر است و خیلی از فعالیت‌های مهم در جایی که کنسولگریها هستند جریان دارد.

ب ـ باید مشاوره سیستماتیک و مرتب با جامعه دانشگاهی وجود داشته باشد. خیلی از دانشگاهیان در مورد مسایل سیاسی ایران خیلی صریح‌تر و مستقیم‌تر بوده‌اند. منابع مصرف نشده زیادی برای استفاده در اینجا وجود دارند. و این مردان و زنان باید بدانند که نظرات آنها مورد نیاز می‌باشد. این مشاوره که ICA را که باید عمیقاً شرکت دهد، چنین باید متضمن نظارت مرتب بر انتشارات باشد. مطالبی که مورد پوشش قرار می‌گیرند باید شامل رساله‌های دکترا نیز باشند. خیلی از مطالبی که در مورد ایران در نشریه انجمن علوم سیاسی آمریکا می‌آید، به نظر می‌رسد که موضوعاتی را مورد پوشش قرار می‌دهند که ما خصوصاً نادیده می‌گیریم. انجمن خاورمیانه باید به‌طور مرتب به خاطر تخصص آن مورد بهره‌برداری قرار گیرد و باید تشویق شود که منابع بیشتری به مطالعات ایران اختصاص دهد. انستیتوی آمریکایی برای مطالعات ایران که در دانشگاه پنسیلوانیا قرار دارد و ظاهراً از طرف ما ندیده گرفته می‌شده است، یک منبع خیلی مهم است. با دانشگاهیانی که در ایران در زمینه‌های دیگر کار کرده‌اند (مثل مرکز ایرانی هاروارد برای مطالعات مدیریت) باید به‌طور مرتب مشاوره شود.

ج ـ یا از طریق دانشگاهیان و یا به‌طور مستقیم باید تماس محتاطانه‌ای با تبعیدیهای ایرانی و سازمانهایشان در ایالات متحده گرفته شود. برای مثال، راجع به کمیته جدیدالتأسیس برای حقوق بشر در

www.takbook.com



ایران که ظاهراً بازوی آمریکایی منشور ۳۲ گروه است چه می‌دانیم.

د ـ از وزارت بازرگانی باید خواسته شود که در تماس با بازرگانان آمریکایی همکاری کند. خیلی از آنها به‌طور قابل توجهی باهوش و حساس هستند و مکرراً وسایل دسترسی غیر معمولی دارند. من خوشحال خواهم شد که درباره اینکه چگونه می‌شود این مشاوره‌ها را سازمان داد با شما صحبت کنم. آسان نخواهد بود که بر سوءظن در مورد ما در میان گروه‌های خصوصی آمریکایی که در مورد ایران ذیعلاقه می‌باشند (بخصوص دانشگاهیان) غلبه نمود.

این یک نامه طولانی بوده است. امیدوارم سودمند باشد. لطفاً به هر طریق که می‌خواهید از آن استفاده کنید. هم‌چنین هر وقت، طریق دیگری هست که می‌توانم سودمند واقع شوم مطلعم نمایید. موفق باشند.

ارادتمند: جان‌واش برن

www.takbook.com



**سند شماره ۵۷**
**تاریخ: ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۸ ـ ۲۷ شهریور ۱۳۵۷**
**طبقه‌بندی: محرمانه**
**از: وزارت امورخارجه ـ واشنگتن**
**به : اداره مأموریتی ناتو، فوری**
**جهت اطلاع به: سفارت تهران ۶۶۴۳**
**موضوع: تقاضای مشاوران سیاسی برای مبادلهٔ افکار در اوضاع ایران**

۱ـ هیئت می‌تواند از بیانیه‌های ۳۴، ۳۵، ۳۶ برای مبادلهٔ افکار در اوضاع ایران در تاریخ ۱۹ سپتامبر در جلسه مشاوران سیاسی، چنین نتیجه بگیرد که می‌توان پاراگراف آخر بیانیه ۳۴ را می‌توان حذف کرد.

۲ـ به‌علاوه مطالب زیر تا تاریخ فعلی برای هدف مشابه آماده شده است. اوضاع کلی امنیت در ایران پس از ۱۸ سپتامبر بهتر شده است.

مقررات منع عبورومرور در تهران از ۱۱ شب تا ۴/۵ صبح تقلیل یافته است. دولت ایران گفت که در تبریز تروریستها در لباس مبدل سربازی به یک گشت ارتشی حمله کردند و ۹ نفر راکشتند. در اکثر شهرها مغازه‌ها، پس از یک هفته مقاومت در مقابل حکومت نظامی باز می‌شوند.

۳ـ دولت شریف‌امامی در یک جلسهٔ فوق‌العادهٔ مجلس رأی اعتماد گرفت، اما تعداد زیادی (در حدود ۷۴ نفر) در این جلسه غایب بودند. دولت خاطرنشان ساخت که به محض اینکه اوضاع اجازه دهد، حکومت نظامی لغو خواهد شد و مفسدین تحت پیگرد فوری قانونی قرار خواهند گرفت.

رهبر مذهبی شریعتمداری نفوذ مارکسیستی را در بعضی از گروههای مذهبی تصدیق کرده است. در مجلس دولت فهرستی از تحریک کمونیست‌ها در آشوب‌های ایران را بیان کرد. تاکنون ما هیچ‌گونه گزارش یا مدرکی مبنی بر دخالت خارجیان در آشوب‌های اخیر ایران که توسط دولت ایران ادعا شده است، نداشتیم. نشانه‌هایی وجود دارد که ممکن است برخی از گروههای مذهبی آمادهٔ مذاکره با دولت باشند.

زمین لرزهٔ اخیر، حادثهٔ بسیار ناگواری که ۱۵ هزار کشته به جای گذاشته است، توجه و توانایی هر دو طرف یعنی دولت و ملت را در جهت این مشکل فوری جلب خواهد کرد. عوارض سیاسی بر ما روشن نیست، اما اگر عملیات تسکینی دولت ایران بی‌اثر تلقی شود، یک مسئلهٔ جدی به بار خواهد آمد.

**ونس**

www.takbook.com



**سند شماره ۵۸**
**تاریخ: ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۸ ـ ۳۰ شهریور ۱۳۵۷**
**شماره سند: ۹۱۵۷**
**طبقه‌بندی: محرمانه**
**از: سفارت آمریکا در تهران**
**به : وزارت امورخارجه ـ واشنگتن**

**موضوع: ایران و شاه، راه سنگلاخی در پیش**

۱ـ در خلال چند روز گذشته و در سایه زمین لرزه شرق ایران دولت جدید ایران رأی اعتماد پارلمانی و تأیید شش ماهه حکومت نظامی را دریافت کرد. به جز حوادث کوچک از تخلفات قانونی، آرامشی در شهرها حاصل شده است اما شاه و دولت در آینده مواجه با وضع بغرنجی هستند.

۲ـ دولت مواجه با مشکل استقرار رهبری، احساس موجودیت و ایجاد مقداری اعتماد به‌نفس در خود دولت و جلب آرای مردم برای خط‌مشی خویش است، بدین منظور دولت باید به طرز معقولی در جهت اعطای آزادی و توسعه پایگاه خود حرکت کند تا گروههای سیاسی مسئولی که بلندپروازیهای دمکراتیک دارند بتوانند در جریان حکومتی کاری برعهده بگیرند. در ضمن باید عده زیادی را که تبعیت از رهبری را پذیرفته‌اند که خواستار سرنگونی رژیم فعلی شده است با خود همراه سازد. در صورت عدم موفقیت در این امر امکان دارد که برداشتن حکومت نظامی و تجدید روند آزادیخواهی مجدداً منجر به ناآرامی‌های گذشته و بازگشت اسفبار سرکوبی نظامی می‌گردد. نتایج حاصله می‌توانند برای شاه و سلطنت شوم باشند.

۳ـ شاه در جریان دو سال گذشته برنامه آزادیخواهانه را عمدتاً براساس خاصی رهبری کرده است. اتفاقات خود معلوم کرده‌اند که دو مسئله قانون اساسی مجدداً مفتوح می‌شود. ۱ـ استقلال هیئت دولت و مسئولین در برابر مجلس ۲ـ نیروی روحانیت اسلامی شیعه به صورت پاسداران سنتی حقوق مردم و بازگوکننده شکایات آنها. این هر دو موضوع در گذشته به نفع شاه برگزار شده‌اند. یکی با سرکوبی مصدق و کنار زدن دنباله‌روهای او در دهه ۱۹۵۰ و دیگری سرکوبی توده طرفدار آیت‌الله خمینی در سال ۶۳ می‌باشد. تابستان گذشته شاه تظاهر کرد که به عنوان بخشی از سیاست اعطای آزادیهای خود در جهت برگزاری انتخابات آزاد در ژوئن مایل است مقداری از قدرت را به نخست‌وزیر و پارلمان واگذارد. او و دولت آموزگار توجه کمتری به تفاهم با روحانیت شیعه یا شناسایی نقاط نارضایتی که آن روحانیت می‌توانست بهره‌برداری نماید بودند.

۴ـ نتیجتاً روحانیت اقدام به روش‌های قدیمی جمع کردن توده‌ها نمودند. هر دو گروه روحانیت محافظه‌کار و افراطی، به رهبری آیت‌الله شریعتمداری ـ قم (که با جبهه ملی و دیگر سیاسیون طالب قانون اساسی طبقه متوسطه که آگاهترند ولی وجد عمومی ندارند در ارتباط است) و آیت‌الله خمینی رهبر مسلمانان متعصب در عراق (که از سوی برخی تروریست‌ها، کمونیست‌های نهانی و عناصر چپ افراطی حمایت شده) توجه شدیدی به بخش‌های بزرگ جامعه که بی‌بهره از مزایای اقتصادی هستند و پروندهٔ کلی گرفتاریهای سیاسی و اجتماعی هستند، نمودند. این دردسرها به قدر قابل ملاحظه‌ای در اثر محرومیت‌ها، عدم مساوات، فساد بالا رفتن توقعات به علت برنامه توسعهٔ اقتصادی شاه و اصلاحات اجتماعی غربی از سال ۱۹۶۳ بوجود آمده است. چون این مردم ناراحتی آن را ندارند که چیزی از دست بدهند و از آنجایی

www.takbook.com



که روحانیت میانه‌رو چیز قابلی به آنها ارائه نداده‌اند، به سمت رهبری رادیکال خمینی که طالب سرنگونی شاه و انهدام سیستم موجود است، رو آوردند.

۵ـ مسایلی که باعث تحرک مخالفین افراطی گردید اشتراک وسیعی دارد با نظرات بسیاری از سیاسیون مردم دیگری که از شاه حمایت کرده و از هرج و مرج ناشی از سقوط سلطنت واهمه دارند. معهذا رهبران میانه‌رو با افراطیون همکاری کردند تا امتیازات بیشتری از شاه بگیرند. روحانیت شریعتمداری جرأت نکرد که از جناح چپ خارج نشده و انبوه طرفداران افراطی را از دست بدهند. تنها نتیجه اتحاد آشکار تمام شعبات مخالفین به صورت یک تندباد آتشین عظیم علیه شاه بود.

۶ـ در عمل چنانکه در بندهای بالا روشن گردید مخالفین از نظر ماهیت آن‌قدر که ظاهراً به نظر می‌آید، وحدت ندارند و به‌علاوه برخورد با آن آنطور که بعضی‌ها خیال می‌کنند چندان ساده نیست. فی‌المثل عده‌ای در دولت ایران، بخصوص در ارتش هستند که به اعتقادشان مواجهه با این شکل به صورت حبس سیاسیون مخالف و ملاهای بین ایشان که رهبری ناراضیان را دارند، تحت عنوان خرابکاران می‌باشد. تلقی افراد آگاهتر مثل شاه چنین بود که رهبران بزرگ مذهبی مثل خمینی و شریعتمداری در وضع کنونی غیرقابل توقیف بوده و به هر حال دیگر رهبران جای آنها را خواهند گرفت. برای حل مشکل باید به منابع نارضایتی توجه شود و ضمن آن، زمان برای پیاده کردن برنامه‌های دولتی کسب شود.

۷ـ به‌عنوان بخشی از این عمل مسکن و آرام‌کننده ناراضیان، شاه دستور مبارزه برعلیه فساد چهره‌ها و توقیف وزرای پیشین و دیگران را می‌دهد. نتیجه نهایی این توقیف‌ها که از سوی ساواک تحت قوانین حکومت نظامی اعمال می‌گردد، هر چند به نظر نمی‌رسد دلیل محکمی برای محاکمه عده زیادی از آنها در دادگاههای قانونی وجود داشته باشد، احتمال دارد که نتیجه معکوس هم بدهد. در میان حامیان شاه همانند مخالفین او کسانی هستند که اقدام وی در طعمه گرگ کردن زیردستان سابق برای مصلحت شخصی را انتقاد می‌کنند چرا که خود او را مسئول تمام سیاست‌های اصلی تمام دولت‌های پانزده گذشته یا بیشتر می‌دانند.

۸ـ موضوع جدی قابل بحث این است که آیا در زمان کوتاه ۶ ماهه‌ای که دولت برای خاتمه حکومت نظامی و قانونگذاری آزادمنانه وعده داده است می‌تواند عامه مردم ایران را قانع کند که صمیمانه عوامل نارضایتی را رفع کرده کرده و ناراضیان را آرام کرده یا منزوی نموده و یا مانع شود که درگیری عملی مردم که دوباره باعث تهدید تمام بنیان بنا خواهد گردید صورت بگیرد. شاه و دیوانسالاری او باید چنان ذهنیت ظریفی به خرج دهد که برای درک موقعیت خود را به‌طور موفقیت‌آمیز جانشین ناراضیان قرار دهند.

۹ـ ضمناً رهبران سیاسی که حامی یا مخالف دولت هستند آرزوی یک تغییر تطورآمیز آزاد را دارند که می‌خواند که درجه تشکل سیاسی لازم برای احراز موفقیت در آن نوع انتخابات آزادی که شاه مقرر نموده را داشته باشند باید به‌طور چشمگیری بر خود فشار آورند. در حال حاضر اکثر آنها ظروف سیاسی نشئت‌داری در منازعه انتخاباتی دارند لذا در معرض غرق شدن در تنها نیروی سیاسی آشکار موجود در ایران که نیروی مخالف افراطیون سیاسی مذهبی باشد، قرار دارند.

۱۰ـ این مسایلی است که شاه و دولت جدیدش در آتیه نزدیک با آن مواجه می‌باشند. چهارچوب اصلی کشور دست نخورده مانده، ولی اغتشاشات اخیر مثل زمین لرزه‌های مداوم ایالات شرقی علائمی

www.takbook.com



است از نوعی بی‌قراری که به‌طور بالقوه می‌تواند بر جامعه فائق آید.

سفارت در پیام‌های بعدی سعی خواهد کرد که قدرت نیروهای مختلف درگیر را ارزیابی کند و مسیر اقدامات احتمالی را زیر نظر بگیرد و نقش میانی خود را طبق پیش‌بینی به انجام برساند.

**سولیوان**

**سند شماره ۵۹**

**تاریخ: ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۸ (۳۱ شهریور ۱۳۵۷)**

**طبقه‌بندی: محرمانه**

**گزارشگر: تامست**

**از: کنسولگری آمریکا در شیراز**

**به: وزارت امورخارجه ـ واشنگتن**

**رونوشت جهت کنسولگریهای آمریکا در اصفهان و تبریز**

**موضوع: رفتار دیوانسالاری در ایران**

۱ـ به‌طور کلی خارجیان در ایران از لحاظ سروکار داشتن با بوروکراسی محلی زندگی در امانی دارند، بیشتر این خارجیان جنبه گذرا دارند و به همین جهت خدمات مورد احتیاج آنها محدود است.

به جز مسایل مهاجرتی و پروانه کار و شاید اموری مانند گواهینامه رانندگی و ترخیص کالا از گمرک، آنها فرصت کمتری دارند تا بتوانند شاهد طرز کار بوروکراسی ایران باشد. حتی در زمینه‌هایی که آنها با سازمان‌های دولتی ایران سروکار دارند این اثر با فراهم کردن مؤسسات میانجی از سوی کمپانی یا سازمان سرپرست که کار آن گذشتن و گذراندن از میان کاغذبازیهای بوروکراتیک است، غالباً سبک‌تر می‌شود. با وجود این یک نفر خارجی پس از چند روز اقامت در اینجا آن چیزی را کشف می‌کند که رهبران ملی ایران تنها به دنبال هشت ماه ناآرامی و دهها تلفات آموخته‌اند و آن این است که نخوت و خودکامگی بوروکراتیک و اغلب روندهای خودکامانه و غیر معقولانه در این کشور به خودی خود یک رسوایی ملی و یک منبع عدم رضایت عمومی به شمار می‌رود.

۲ـ برای عدم پاسخ‌گویی بوروکراتهای ایران و خدمات ناچیزی که آنها را فراهم می‌کنند ظاهراً چند دلیل باید وجود داشته باشد. که از آن جمله: (۱) کارمندان غیر واجد شرایط و با آموزش نارسا. (۲) ساخت بی‌ثبات انتخاب کارمند (۳) نبودن سنت خدمات عمومی (۴) یک تعصب سازمانی که خطوط عمودی ارتباطات را ترجیح می‌دهند (۵) درجه فوق‌العاده تمرکز بنگاهها (۶) بزدلی در سطوح پایین و متوسط و سوءظن در مراحل بالا (۷) دریافت‌های عمومی از طرز کار بوروکراسی و ماهیت رفتار عمومی که از آن ناشی می‌شود. این جنبه‌ها در زیر مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳ـ کمتر نهادهای بوروکراتیک ایران طرز استخدام کارمندان و برنامه‌های آموزشی خود را به یک سیستم واحد در آورده‌اند. اغلب کار استخدام برای بنگاههای دولتی به جای اینکه از طریق جلب این کارمندان از یک مجتمعی از نامزدهایی که آنها قبلاً در امتحانات مختلف غربال شده‌اند، انجام شود. از طریق قرار دادن آگهی در روزنامه‌ها و سایر نشریات صورت می‌گیرد. آگهی‌ها به طور ساده شرایط مورد لزوم را برای هر سمتی که از طرف سازمان امور استخدامی کشور تعیین شده مشخص می‌کند. معمولاً به

www.takbook.com



گواهینامه تحصیلی بیشتر از معلومات عملی نشان داده شده یا مهارت فنی، اهمیت داده می‌شود. بدین ترتیب که مثلاً ممکن است داشتن یک درجه مهندسی از یک فرد خواسته شود ولی صلاحیت خدمات دولتی حیطه انحصاری اعضای خانواده‌های برجسته اجتماعی ایرانی است روابط خانوادگی و پارتی‌بازی ظاهراً در استخدام اهمیت پیدا می‌کند و اغلب بر عوامل عینی دیگر می‌چربد.

۴ـ آموزش حرفه‌ای در بوروکراسی ایران به‌طور کلی محدود به نوع اشخاص دست‌اندرکار است. شرایط آموزشی که به وسیله سازمان امور استخدامی کشور مشخص شده معمولاً در برگیرنده معلومات کلی مربوط به یک تقاضاکننده کار برای سمتی که او در پی آن است می‌باشد و پس از آن انتظار می‌رود که او معلومات تخصصی با مهارت حرفه‌ای مورد لزوم را با تجربه کاری بدست آورد. برنامه‌های رسمی پرورش حرفه‌ای تقریباً بالکل وجود ندارد. در حالی که اندکی صلاحیت حرفه‌ای معمولاً برای پیشرفت لازم است. این امر تنها عامل نیست و حتی مهم‌ترین عامل هم نمی‌باشد. همان‌طوری که هنگام استخدام معمولاً رفتار می‌شود، پارتی‌بازی اغلب از سوی خود بوروکراتها به‌عنوان یک شرط ضروری برای یک زندگی حرفه‌ای دولتی موفق تلقی می‌شود. کارمندان دولتی ایران خیلی به ندرت آموزش اختصاصی می‌بینند بالنتیجه حتی بوروکراتهای ارشد، اغلب دارای معلومات ابتدایی درباره قوانین و مقرراتی هستند که بر کار آنها حاکم است و آنها بدین ترتیب تمایل دارند تا براساس اقتضا تا اندازه‌ای که سابقه اجازه دهد تصمیم بگیرند. نتیجه گریزناپذیر این امر ناهماهنگی و بنابراین تأثیر پردامنه خودکامگی بوروکراتیک است.

۵ـ همه بنگاههای دولتی ایران دارای یک چهارچوب کلی سازمانی هستند (مثلاً یک وزارتخانه به چند اداره و شعبه و دفاتر استانی و غیرمستقیم می‌شود) ولی قرار دادن کارمندان در یک بنگاه در عمل اغلب وظیفه روابط قدرتی است که در داخل یک بنگاه پایین چند بنگاه صورت می‌گیرد، تا اینکه براساس نیروی انسانی مورد احتیاج و عقلایی باشد. اگر یک وزیر بخصوصی چهره مسلطی در کابینه باشد او و زیر دستانش ممکن است بکوشند از این واقعیت استفاده کرده و امپراطوری‌هایی برای خود بسازند در نتیجه کارمندان دولتی حرفه‌ای ممکن است روزی خود را از اعضای یک هیئت وسیع کارمندی به حساب آورند که در راه مسئولیت‌های مشخص شده، کمتر قرار گرفته‌اند و یک کارمند که ممکن است تنها فرد دفتر باشد، چندین کلاه بر سر داشته و همه آنها را متکی به اقبال رو به پیشرفت یار و به زوال سازمان مادری و رهبری آن می‌دانند. چیزی که این اوضاع بی‌ثبات را در داخل ساخت پرسنل بوروکراسی ایران شدیدتر می‌کند تمایل کارمندان ارشد دولتی و اصرار بر داشتن اشخاص از خود در مواضع کلیدی در اطراف خود است. تغییری در سلسله مراتب بالا معمولاً معنای تغییرهای متعدد پرسنل در سلسله مراتب پایین است هیچ کدام از آنها برای کارمندان دولتی آمریکا که پستی بلندیهای حکومت‌های متغیر و وزیران کابینه را احساس کرده‌اند ناآشنا نیست ولی درجه شدت این پدیده در ایران بسیار شدیدتر است تا در کشورهایی که دارای بوروکراسی‌های نسبتاً با ثبات هستند. عدم امنیت ناشی از این امر در میان بوروکراتهای ایران یک نوع گرایش در میان آنها بوجود می‌آورد تا نسبت به منافع عموم برله منافع شخصی، سهل‌انگاری نشان بدهند.

۶ـ ایران مانند بیشتر جوامع کهنه و قدیمی هیچ‌گونه سنتی از خدمات عمومی ندارد. سابقاً انتظار می‌رفت که کارمندان دولت از طریق تحمیل اخاذی بر روی عوام‌الناس طبق اراده خود امرارمعاش کنند.

www.takbook.com



روش‌هایی که چنین نظامی به بار می‌آورد هنوز هم غالباً در داخل حکومت ایران مشاهده می‌شود هر چند اعضای آن اکنون مدتهاست از خزانه دولت حقوق می‌گیرند، بیشتر کارمندان دولت مناسبات خود را با عموم مردم به‌عنوان مناسبات ارباب و متقاضی تلقی می‌کنند. آنها خودشان را به عنوان کسانی می‌بینند که به مردمی که حق استفاده از خدمت‌هایی را که دریافت می‌کنند ندارند، نعمت‌هایی ارزانی می‌دارند. چنین درکی یک نوع احساس برتری در میان آنها بوجود آورده که اغلب چیزی جز نخوت نیست. روندها نیز در درجه اول به‌عنوان طریقه‌ای برای فراهم کردن خدمات نیست. بلکه در درجه اول به‌عنوان وسیله اعمال قدرت حکومت در نظر گرفته می‌شود. این مفهوم که یک شهروند حقی نسبت به خدمات ویژه دارد معمولاً در میان بوروکراتهای ایران بیگانه است. هر چند آنها ممکن است حاضر باشند تا زمانی که کنترل‌های شایسته حفظ شود، این خدمات را فراهم کنند. در این چنین اوضاع و احوالی به مقتضیات شهروند توجهی نمی‌شود زیرا نگرانیهای اداری همیشه در اولویت قرار دارد.

۷ـ بنگاههای دولتی ایران ظاهراً در ارتباط داشتن با یکدیگر در سطوح پایین‌تر از سطوح بالا دشواریهایی دارند. یکی از نمونه‌های نشان‌دهنده این پدیده همانا مدیران کل در سطح استانی هستند که اغلب می‌توانند به‌طور رسمی با یکدیگر از طریق وزارتخانه‌های مربوط خود در تهران صحبت کنند. به همان میزان که جامعه در ایران بغرنج‌تر می‌شود، این گرایش عمودی بوروکراسی را چنان وانمود می‌سازد که نسبت به نیازهای عمومی پاسخگویی ندارد. مثلاً صنایع برای بدست آوردن ترخیص‌های لازم جهت توسعه کارخانجات از بنگاههای مختلف دولتی مربوطه که دارای خطوط ارتباطی افقی کمتری هستند، مواجه با تأخیرات طولانی می‌شوند.

۸ـ این اوضاع در ماهیت فوق‌العاده تمرکز یافته بیشتر بنگاههای دولتی ایران منعکس شده و تشدید می‌شود. کمتر اداره‌ای خارج از تهران دارای اختیارات مهم تصمیم‌گیری است و حتی امور بسیار عادی باید اغلب به پایتخت ارجاع شود که در آنجا بار کار فزاینده، تأخیر را بیشتر و بیشتر طولانی می‌سازد. برنامه خروج از تمرکز برای سبک‌تر کردن همین مشکل است ولی اجرای آن دشوارتر از ابداع آن شده است. کوشش‌ها برای سهیم شدن در قدرت برخلاف قوانین اساسی با ماهیت بوروکراتیک است و تمامی نظام دارای رخوت فوق‌العاده درون ساخته است. علاوه بر این گروههای ذینفع با نفوذ از جمله عناصری از خود مردم که از عواقب مراکز قدرت پخش شده بیم دارند همیشه در مقابل کوشش‌های خارج از تمرکز قرار دادن بوروکراسی مقاومت نشان داده‌اند.

۹ـ اجتماع ایران و همچنین کارمندان دولت آن در معرض رخنهٔ میل نیرومندی برای اجتناب از مسئولیت شخصی برای هر نوع اقدامی که ممکن است بعداً مورد انتقاد قرار گیرند و هم‌چنین از لحاظ اعتقاد به اینکه دنیا به طور اساسی یک محل خصمانه‌ای است، قرار گرفته‌اند.

این روش‌ها در ترسویی بوروکراتیک فوق‌العاده در سطوح پایین و متوسط و سوءظن نزدیک به بیماری روحی در سطوح بالا منعکس شده است. بوروکراتهای سطح پایین و متوسط در ترس دائمی از این واقعیت بسر می‌برند که هرگونه اقدامی که آنها به عمل می‌آورند ممکن است باعث فرو ریختن خشم یک فرد قدرتمندی بر سر آنها باشد. عاقبت چنین ترسی این است که تصمیم به یک سطح بالاتری ارجاع می‌شود این عارضه به روشنی منعکس‌کننده بسیاری از نگرانی‌های بوروکراتهای ارشد است.

آنها می‌خواهند بر اقدامات مادونهای خود کنترل نهایی داشته باشند که مبادا موقعیت آنها توسط این

www.takbook.com



مادونها متزلزل شود. این خصوصیت بوروکراسی ایران سایر جنبه‌ها را تقویت می‌کند از قبیل درجه عالی تمرکز که منجر به تأخیر می‌شود و باعث شده است که شهرت بوروکراسی برای عدم پاسخ‌گویی افزایش یابد.

۱۰ـ بالاخره خود مردم ایران نیز به خاطر دریافت خدمات نامناسب از بوروکراتهای خود از این لحاظ قابل سرزنش هستند که هر سازمانی به‌طور نهایی منعکس‌کننده ماهیت جامعه‌ای است که آن را بوجود آورده است. از این لحاظ یک خصوصیت رفتار ایرانی حائز اهمیت به نظر می‌رسد. چنین به نظر می‌رسد که کمتر فرد ایرانی اهمیت روندهای معقول را که در قوانین و مقررات تعریف شده است مورد قدردانی قرار می‌دهد. همان‌طوری که یک کارمند دولت تربیت یافته در غرب گفته است بیشتر ایرانیان معتقدند که می‌توانند همواره راه خودشان را پیش ببرند اگر به اندازه و به مدت کافی زوزه بکشند. اگر تقاضاکنندگان روادید نمونه‌های نماینده معقول جامعه ایران به حساب آینده این یک نظریه‌ای است که مأمورین کنسولگری در اینجا می‌توانند روی آن صحه بگذارند. اغلب مردم در اینجا ظاهراً این اعتقاد را دارند که با کشیدن نخ صحیح یا با از بدر بردن فرد صحیح برای آنکه شخصاً مراجعه کنند یا به‌طور ساده شخصاً با شور و هیجان تقاضای کاری کنند هر چیزی را که از بوروکراسی ناشی می‌شود می‌توانند بدست بیاورند. مایه تعجب نیست که کارمندان دولت ایران به همان اندازه مأموران کنسولگری در معرض وسوسه توسل به بدعنقی در مقابل بی‌انضباطی عموم قرار گیرند و از پذیرفتن جواب‌هایی را که نمی‌خواهند بشنوند خودداری کنند.

۱۱ـ در چنین اوضاع و احوالی علیرغم وعده اخیر منوچهر آزمون وزیر مشاور درباره اینکه «پس از سالها بدبختی و ناخرسندی (مردم ایران) می‌توانند در انتظار بر طرف شدن صحیح بدبختی باشند» بهبود پرمعنا در بوروکراسی ایران یک شبه حاصل نخواهد شد. نه تنها خود بوروکراتها باید روش‌های ریشه‌ای متفاوتی از آنچه که تاکنون به آنها تعلق داشت برای خود بپرورانند، بلکه مردم ایران نیز باید مقدار زیادی درباره هدف قوانین و مقررات و محدودیت‌هایی که این قوانین و مقررات چه بر بوروکراتهایی که آنها را به مورد اجرا می‌گذارد و چه عموم که در معرض آن قرار گرفته تحمیل می‌کند، بیاموزند.

در ضمن عدم پاسخگویی بوروکراتیک احتمالاً به‌عنوان منبع عدم رضایت عمومی همچنان ادامه خواهد داشت و بنابراین در بافت اجتماعی و سیاسی ایران یک نقطه ضعف خواهد بود.

**تامست**

www.takbook.com



**سند شماره ۶۰**
**تاریخ: ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۸ ـ اول مهر ۱۳۵۷**
**طبقه‌بندی: محرمانه**
**از: کنسولگری آمریکا در شیراز**
**به: وزارت امورخارجه**

**موضوع: روش‌ها و موضع‌های سیاسی در جنوب ایران**

**خلاصه و مقدمه:** گفتگوهای اخیر با عده مختلفی از مردم در جنوب ایران یک صدایی قابل ملاحظه‌ای را مورد نفرت نسبت به رژیم که در رأس آن شاه قرار گرفته آشکار ساخته است ولی در مورد مسایل دیگر از جمله مقام اسلام، وحدت کمتری نشان داده شده است. عدم رضایت بدون شک عمیق است ولی به غیر از دانشجویان رادیکال چپ و متعصبین مذهبی رادیکال راست که از سرنگونی شاه و برقراری یک حکومت سخن می‌گویند، کمتر مردمی می‌توانند درباره یک راه سازنده دیگر برای حکومتی که ظرف ۱۵ سال گذشته بر سر کار بوده است با یکدیگر توافق کنند. اغلب برای انتخاباتی که آزاد از دست‌کاریها بوده و هر چه زودتر انجام شود تقاضا می‌شود. معذالک ایرانیان فکور حتی آنهایی که از رژیم کنونی شدیداً متنفرند اذعان می‌دارند که در غیاب فشار درباره اینکه چه کسی و تحت چه شرایطی باید انتخابات را انجام دهد، و اینکه انتخابات احتمالاً مجلسی بوجود خواهد آورد که اعضای آن قادر نخواهند بود درباره هر مسئله‌ای به جز تظلمات خود از حکومت‌های گذشته وحدت ایجاد کنند. باتوجه به چنین اوضاع و احوالی به نظر می‌رسد که شاه ناگزیر است که علیرغم فقدان شوق برای رهبریش به‌عنوان فیصله‌دهنده نهایی ایران همچنان به کار ادامه دهد.

**پایان خلاصه و مقدمه**

۱ـ در روزهای اخیر در جنوب ایران پیدا کردن شخصی که کلمه خوبی برای شاه داشته باشد بسیار دشوار است. نمای جمعیت ایران نشان می‌دهد که چرا، تقریباً نیمی از همه ایرانیان از سال ۱۹۶۳ به بعد بدنیا آمده‌اند و این آخرین باری بود که کشور با یک بحران سیاسی و اقتصادی مهم روبرو شده بود. تقریباً[۲] جمعیت ایران از سال ۱۹۵۳ به بعد به دنیا آمده‌اند و این آخرین زمانی بود که ناچاراً حکومت شاه به‌طور[۳] جدی یک چیز امکان‌پذیر بود. کمتر کسی از میان این گروه از مقایسه آن زمان و این زمان تحت تأثیر قرار می‌گیرد در حالی که این مقایسه برای کسی که شاهد این تحول ایران از یک کشور فقر زده که حاکمیت آن از سوی کشورهای ثروتمند و با نفوذتر نادیده گرفته شده بود و نقش کلیدی را در آن تحول داشتند، بوده است، معنی عمیقی دارد. به نسلی که بعد از سال ۱۹۵۳ بدنیا آمد وعده هزاره داده شده است و مقایسه آن با این معیارها صورت می‌گیرد.

۲ـ حتی آنهایی که سنشان می‌رسد که آن روزگار بد سالهای ۱۹۵۳ و قبل از آن را به یاد داشته باشند، تظلماتی نسبت به رژیم دارند. این تظلمات از غیر مذهبی کردن دولت تا رخوت کارمندان عالیرتبه دولت و فرو ریختن بازار مستغلات و فساد و ادامه (و رشد) نابرابریها در جامعه ایران، دامنه دارد. شاه و مشاورینش از منابع عدم رضایت از آن نوعی که در فوق بر شمرده شد بی‌اطلاع نبودند و معمولاً نسبت به آنها واکنش نشان می‌دادند. معذالک اقداماتی که برای رفع فشار در یک زمینه به‌عمل می‌آمد، مانند کنترلها

www.takbook.com



بر احتکار و بورس بازی معاملات ملکی که برای کاهش دادن تعداد میلیونرهای یکشنبه و مسدود کردن شکاف بین ثروتمند و فقیر، زمینه‌هایی جدی برای سرخوردگی بوجود آورده است (یعنی در میان مالکان که البته نه همه آنها دارایی خود را از لحاظ مالکیت بر تعداد روستاها بر می‌شمارند و امیدوارند که املاک خود را در مقابل پول کافی بفروشند تا بتوانند فرزندان خود را به دانشگاه بفرستند و یا اندوخته‌ای برای بازنشستگی خود داشته باشند) در زمانهای دیگر اراده به نوسازی ایران منجر به تصمیماتی شده است (مثلاً دادن حق رأی به زنان) که معلوم بود در معرض مخالفت قرار می‌گیرد (یعنی از سوی محافظه‌کاران مذهبی).

۳ـ دگرگونی، همواره منافع موجود واگذار شده را در معرض تهدید قرار می‌دهد ولی از این نمی‌توان نتیجه گرفت که تغییراتی که شاه انجام داده است، از قبل تعیین شده بود که درجه‌ای از مخالفین را نسبت به فرمانروایی او که اکنون در میان جمعیت‌های ایرانی آشکار است بوجود خواهد آورد. بلکه بیشتر چنین به نظر می‌رسد که طرز اعمال این تغییرات اغلب بیش از خود این تغییرات یک عامل اساسی‌تر در واکنش نسبت به آنها بوده است، ایرانیان ظاهراً در اینکه عملاً از همه تصمیمات سیاسی ۱۵ سال اخیر خارج از میدان گذاشته شده‌اند شدیداً اظهار انزجار می‌نمایند. همان‌طوری که یک ایرانی میانسال، که می‌گفت خوب یاد دارد اوضاع در دوران مصدق چگونه بود، اظهار داشته این که حکومت یک عوارض خروجی بر ایرانیانی که قصد ترک کشور را دارند تحمیل کرده است، کمتر باعث دردسر من است تا اینکه داریوش همایون وزیر اطلاعات سابق بدون اینکه زحمت مشورت با مجلس را که اعضای آن طبق قانون اساسی باید حافظ منافع من باشند، به خود بدهد، آن تصمیم را اعلام کند. یک ایرانی دیگر که بازرگانان است ضمن اشاره به مداخله حکومت در ساعات بازو بسته بودن مغازه‌ها گفت: «ما ایرانی‌ها اغلب دارای این روحیه هستیم که (امروز کار کنیم و امروز هم بخوریم) و این میراث زمانی است که ایران هنوز یک کشور فقیر بود، دکانداران کوچک بدین ترتیب تمایل دارند که ساعت‌های مناسب برای کدبانوها که عادات آنها تابع شرایط حافظه یک روز قبل است که ممکن است هنگام ظهر برای خرید نان ناهار، ندانند پولی را که برای خرید مواد لازم برای شام مورد احتیاج است از کجا خواهد آمد، به کار مشغول شوند. در عمل ما ممکن است همان هفته‌ای چهل ساعت را که در غرب متداول است کار کنیم ولی ما خوشمان نمی‌آید که از بوروکراتهای فارغ‌التحصیل دانشگاه هاروارد که فکر می‌کنند بهتر از ما می‌دانند بشنویم که چه چیزی برای ما بهترین است و چگونه و چه هنگامی باید کار کنیم.»

۴ـ ایرانیان در جنوب ایران علاوه بر عدم رضایت‌های مشترکی که آنها از حکومت خود دارند در مورد بیشتر مسایل دیگر، دارای نظریات مختلفی هستند. مثلاً روستاییان در حالی که عمیقاً مذهبی هستند به‌طور کلی در شور و هیجانی که برای بازگشت آیت‌الله خمینی که در اغلب مناطق شهری روی داده است به‌طور کلی بی‌علاقه هستند آنها متمایل هستند که این مسئله را به نگرانی‌های اصلی خودشان از قبیل هوا و قابل دسترس بودن آب و قیمت گندم و غیره نامربوط بدانند از سوی دیگر و علیرغم مواضع فکری خویشاوندان روستایی اشخاصی که اخیراً از روستاها به شهرهایی وارد می‌شوند که در آنجا التهابات مذهبی روی داده اغلب در این‌گونه فعالیت‌ها چهره برجسته‌ای نشان داده‌اند. توضیح این تضاد ظاهری چنین به نظر می‌رسد که نتیجه بیمارگونه‌ای باشد که این روستاییان در کوشش برای هماهنگ کردن خود با زندگی شهری دستخوش آن می‌شوند. اغلب مذهب آنها تنها نهادی است که در محیط جدید آنها، برای آنها

www.takbook.com



آشنا است و آنها بدین ترتیب بشدت تحت تأثیر عوامل مذهبی قرار می‌گیرند که آرمانی مانند آرمان خمینی را در برگرفته است.

۵ـ جامعه بازرگانان نیز درباره مسئله مذهب دچار تفرقه است. آنهایی که حرارت بیشتری از خود نشان می‌دهند، در اعتراض به حکومت و در عزای مرگ شهدا داوطلبانه مغازه‌های خود را می‌بندد که اغلب باعث خسارات مالی فراوان آنها می‌شود. دیگران نیز معمولاً مغازه‌های خود را می‌بندند، ولی بیشتر از ترس عملیات تلافی‌جویانه به خاطر نبستن است نه اینکه به خاطر همدردی با آرمانهایی که علما در پیش گرفته‌اند. آنها ممکن است مذهب را بسیار جدی بگیرند و از رژیم به همان اندازه متعصبین بدشان بیاید.ولی آنها همچنین نگران کار و کسب خود نیز هستند و از برهم خوردگی‌هایی که تعطیل کار و کسب بوجود می‌آورد منزجرند.

۶ـ در میان اغلب اعضای نوگرای جامعه در جنوب ایران، نفرت نسبت به بنیادگرایان اسلامی شاید عمیق‌تر از مخالفت با رژیم باشد یک بانکدار اهوازی آنهایی را که در تظاهرات مذهبی شرکت کرده‌اند (و همچنین عده‌ای از پس‌مانده‌های بانک) را در آن شهر قلمداد که به عقل خود تحت نفوذ رهبران مذهبی که کمتر از خودشان سواد دارند حکم مرخصی داده‌اند، قلمداد کرد. یک افسر ارشد نظامی در شیراز روحانیون را به طور کلی بدترین عنصر در جامعه ایران معرفی کرد و بدست و پاهای تنبل که تنها به خاطر اجتناب از نظام‌وظیفه وارد مدارس مذهبی شده‌اند معرفی کرد، یک مهندس تربیت شده در آمریکا در صنایع الکترونیک ایران در شیراز در مقایسه رضاشاه (که او را تحسین می‌کند) با آتاتورک یک رهبر بزرگتری بود برای این که او از همه علما در ترکیه خلاص شده است در حالی که رضاشاه مرتکب این اشتباه شده است که بعضی از آنها را زنده گذاشته است. البته تسلط او بر واقعیات تاریخی ممکن است بسیار متزلزل باشد ولی او شکی باقی نگذارده است که در مورد مسایل مذهبی در چه موقعیتی قرار گرفته است.

۷ـ عدم اتفاق آراء درباره موقعیت و مقام اسلام به موازات عدم اتفاق در مورد مسایل سیاسی غیر مذهبی قرار گرفته است. به جز آنهایی که خواستار بیرون راندن شاه و برقراری یک جمهوری بوده‌اند (و این نظریه‌ای است که هنوز محدود به عده کوچکی از اقلیت‌ها در گروههای چپ افراطی و راست افراطی در جنوب ایران است). ایرانیان کمتری به نظر می‌رسد که راه دیگری نسبت به رهبری شاه در نظر داشته باشند.

انتقادات معمولاً محدود به نکاتی است که شاه در مورد آنها شکست خورده است و کمتر توجهی به این موضع کرده است که چگونه نارسایی‌های گذشته باید اصلاح شود. به‌طور کلی یک اجماع آراء وجود دارد که مجلس کنونی و آنهایی که ظرف ۱۵ سال اخیر در خدمت دولت بوده‌اند بی‌اعتبار هستند و بنابراین انتخابات هر چه زودتر، آزاد از دستکاری‌های دولت، اغلب مورد تقاضا است.

۸ـ معذالک ایرانیان فکور اذعان دارند که هنوز انضباط مورد لزوم برای انتخابات با نظم در کشور کمتر وجود دارد اغلب احزاب و گروه‌بندیهای سیاسی که در هفته‌های اخیر بوجود آمده‌اند تنها در سایهٔ شخصیت رهبران آنها به یکدیگر چسبانده شده‌اند. باتوجه به این اوضاع و احوال این ایرانیان اذعان دارند که انتخابات بدون محدودیت‌ها درباره اینکه چه کسی می‌تواند در انتخابات شرکت کند و اندازه احزابی که می‌توانند نامزدهای قابلی به مجلس بفرستند کدام خواهد بود احتمالاً مجلسی بوجود می‌آید که اعضای آن مجموعه‌ای از احزاب کوچک و ناتوان به وحدت بخشیدن درباره هرگونه مسئله‌ای غیر از بی‌کفایتی

www.takbook.com



حکومت‌های گذشته می‌توان گفت که این راه دیگری به جای شاه است.

۹ـ خلاصه، ایران با یک دو راهی دشواری مواجه شده است. اگر جنوب ایران به‌عنوان نماینده بقیه کشور به‌عنوان نمونه فرض شود اغلب ایرانیان از ماهیت رهبری که آنها دارند ناراضیند ولی آنها نمی‌توانند درباره آنچه که می‌خواهند به جای آن باشد با یکدیگر به توافق برسند. علاوه بر این به جز راه یک انقلاب خشونت‌بار و تحمیل رژیمی که به احتمال قوی به همان اندازه رژیم شاه خودکامه خواهد بود ایرانیان به نظر نمی‌رسد که در چنین لحظه‌ای انضباط شخصی کافی برای پیدا کردن راه چاره‌ای از وضع کنونی خودشان داشته باشند. بدین ترتیب چنین به نظر می‌رسد که باتوجه به این کمبود شاه همچنان داور نهایی آینده سیاسی ایران خواهد بود.

www.takbook.com



**سند شماره ۱ سند شماره ۶۱**

**محرمانه**

**خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی**

**۴ اکتبر ۱۹۷۸ ـ ۱۲ مهر ۱۳۵۷**

سفیر با دادن دیدگاههای خودش از صحنه سیاسی داخلی جلسه را شروع کرد، این هفته به خاطر ۳ حادثه بزرگ، دولت با یک جو سیاسی متشنج روبرو شد. عکس‌العمل‌هایی در قبال محاصره خانه خمینی در عراق، افزایش اخیر اعتصابات صنعتی و تظاهرات در مناطقی که در آن حکومت نظامی نبود. سفیر در این هفته دو بار نخست‌وزیر را دیده و در این دیدارها این حوادث مورد بحث بوده‌اند. سفیر، سولیوان پیش‌بینی می‌کند که موقعیت‌هایی برای ناآرامیهای بیشتر در هفته آینده وجود دارد، زیرا مجلس روز جمعه باز می‌شود و کلاس‌های دانشگاهها به‌طور آزمایشی دوباره شروع می‌شود. سفیر با هر دو نفر آقایان انصاری و هویدا ملاقات خواهد کرد و جویای نظریات آنها در مورد سیاست‌های جاری ایران خواهد شد. سپس سفیر چند نتیجه از ارتباطات اخیر را عنوان کرد.

... وزیر امورخارجه ونس ملاقات خوبی با وزیر امورخارجه ایران افشار، داشت. آقای افشار در نیویورک با عراقی‌ها صحبت کرده و به نظر می‌آید که روابط ایران با عراق به‌طور قابل توجهی مسالمت‌آمیز شده.

... سفیر شنیده که نروژیها از معامله گاز خارج شده‌اند، بخش اقتصادی در این مورد تحقیق خواهد کرد.

... سفیر تا حدی در مورد قوانین ما در مورد فروش ماشین‌های خصوصی نگران است. اداره شما را در جریان قوانین موجود علیه سودجویی در فروش ماشین‌های خصوصی قرار خواهد داد.

... تعداد زیادی از ملاقات‌کنندگان ما با ندادن توضیحات کافی در مورد سفرشان و برنامه‌ریزیشان ما را همچنان در بلاتکلیفی نگه می‌دارند. سپس رؤسای بخش‌ها خبرهای خود را در مورد عملیاتشان گزارش دادند.

آقای شلنبرگر گفت که ثبت نام برای کلاسهای زبان IAS بیشتر از حدی بود که حتی آنها می‌توانستند خوابش را ببینند (یا خواب وحشتناک!). در نتیجه مشکل کمبود معلم بدتر شده، نمایشگاه هنری تهران ۷۸ و نمایشگاه دکونتیک منتفی شده‌اند.

ژنرال گست، ژنرال استون رئیس جدید ارتش را معرفی کرد. ژنرال گست گزارشی داد که مشمولین وظیفه در گارد شاهنشاهی خدمت نمی‌کنند، ولی ممکن است در تیپ لجستیکی خدمت کنند.

... آقای جان میلز درباره اعتصابات اخیر گزارش داد، بانک ملی و شرکت تلفن آرام و مستقر شده‌اند. ولی هنوز به شرکت ملی نفت ایران اطمینانی نیست، آقای میلز این‌طور پیش‌بینی کرد که آرام کردن اعتصابات با وعده‌های مالی گرانقیمت مطمئناً نتایج بسیار بد اقتصادی به دنبال خواهد داشت زیرا که منافع حقوق‌های جدید به تمام کارمندان دولت اضافه می‌شود.

آقای رینو اشاره کرد که رقم‌های تقریبی نهایی در نمایشگاه کالاهای تجارتی کاملاً رضایتبخش است. اکثر شرکت‌کنندگان امریکایی در نمایشگاه کالاهای تجارتی متوجه شده‌اند که شرکت‌شان سودآور بوده.

www.takbook.com



آقای لمبراکیس در مورد وضعیت سیاسی بحث نمود. او اشاره کرد که تعداد زیادی احزاب جدید سیاسی تشکیل شده‌اند. یک ناشر جدید در روزنامه فارسی زبان کیهان سرکار آمده. به نظر می‌آید که ناشر قبلی به خاطر طرز برخورد و اهمیتی که کیهان به وضعیت خمینی در عراق داده از کارش برکنار شده.

آقای نیلی گزارش داد که نگرانی‌ها و بحث‌های زیادی در حوزه‌های کشاورزی، در مورد افزایش قیمت‌های مواد غذایی وجود دارد.

آقای آلدر اظهار داشت که قصد دارد با یک تیم کمک‌های عمومی دولت ایالات متحده سفری به منطقه طبس بنمایند. گروهی سعی دارد که یک هلیکوپتر تأمین کند تا قدرت نظاره کردن بر زلزله را داشته باشد.

www.takbook.com



**سند شماره ۶۲**
**وزارت امورخارجه**
**محرمانه**
**تاریخ: ۴ اکتبر ۱۹۷۸ ـ ۱۲ مهر ۱۳۵۷**
**یادداشت**
**از: تئودور. اچ. موردن (مشاور هیئت برنامه‌ریزی سیاسی)**
**به: آقای پاول کریسبرگ**
**آقای آرنولد رافل**
**آقای پتر ویلسون**
**آقای فیلیپ کاپلان**

**موضوع: بدبینی در مورد ثبات ایران**

**خلاصه:** یک مقام جوان و... ایرانی (رجوع شود به ورقه جدا شده) که اخیراً از تهران بازگشت تصویر شومی از عدم ثبات در این کشور به دنبال تصویب حکومت نظامی و آتش‌سوزی سینما ترسیم کرده است. این مرد که معمولاً رو به ترقی به نظر می‌رسید، به‌طور روشنی از شکننده بودن رژیم تکان خورده بود در زیر ملاحظات و تجزیه و تحلیل او از اینکه چه نوع سیاست‌هایی برای برقراری ثبات در میان مدت، لازم است ارائه می‌شود.

۱ـ شکننده بودن رژیم در ایران در مطبوعات غربی و از سوی مقامات ارشد آمـریکایی بـه‌طور چشمگیری... گرفته شده است (نمونه‌ها ذکر شده است) نیاز غرب به شاه نیروی آمریکاییها را در مقابل این واقعیت که سیستم ایران با وزارتخانه عریض و طویل و تسلیحات مدرن و صنایع نمایشی یک صدف توخالی است، نابینا کرده است.

۲ـ در پایان ماه اوت و دو هفته... ماه سپتامبر بلندمرتبه‌ترین اعضای حکومت ایران (در سطح کابینه و بالاتر از آن) کاملاً فلج شده و در پشت پنجره‌های کرکره‌دار قدم می‌زدند، گویی مانند اعیان و اشراف در انتظار احضار یک روبسپیر ناشناس برای رفتن به سوی گیوتین بودند.

۳ـ همه اشخاص در تهران به حالت عصبی از یک کودتای ارتشی صحبت می‌کنند. معذالک خطر فوری از یک فرقه تازه به دوران رسیده در دستگاه ارتش نیست بلکه از، از دست رفتن مشروعیت تمامی رژیم سرچشمه می‌گیرد که سربازان وفادار به آن از شلیک به سوی مردم عادی که در حال تظاهرات آیاتی از قرآن را تلاوت می‌کنند خودداری می‌کنند و یا قاطعانه علیه چنین دستوری عمل می‌کنند. این امر نفوذ و اعتبار شاه را با قاطعیت بیشتری از توطئه‌های سرهنگ‌ها، از میان می‌برد و (برخلاف سرهنگ‌ها) حفاظی برابر خود ندارد و در مقابل آن نمی‌توان نقشه‌ای طرح کرد.

۴ـ فشارهایی که ایران دچار آن است ناشی از تکان شدید فرهنگی نوسازی و انتظارات غلوآمیز درباره رشد اقتصادی و واقعیت زیربنای ناچیز اجتماعی است، نزدیک‌ترین علت آشوب‌های ایران، ناشی از هجوم سیل‌وار مهاجرین از دهات به حومه‌های پر جمعیت شهرها است.

۵ـ طریقه کوتاه مدت پاسخگویی به شکوه‌های مردم این بوده است که وعده‌های بیشتری بدهند (مثلاً وزیر آموزش و پرورش و عده ۱۸۰۰۰ خانه برای معلمین داده است). این بدترین نتیجه قابل تصور

www.takbook.com



می‌باشد زیرا (الف) برای تحقق امکان‌پذیر نیست و (ب) خواست‌های دیگران را باشکوه بر می‌انگیزد.

۶ـ هرگونه برنامه واقعی دراز مدت جهت ثبات در ایران باید خودخواهی‌ها و ساخت قدرت اسلام سنتی را تسکین دهد زیرا اسلام سنتی به خواستهای واقعی (غربی) جهت فاضلاب و راهها و خانه‌ها و خدمات پاسخ می‌گوید و همچنین جریان هجوم سیل‌آسای مهاجرین به شهرها را مهار کند (محدودیت اخیر مالیات بر تولیدات کشاورزی گامی در جهت درست بود) و همچنین باید یک حزب سیاسی برای پشتیبانی از سوی گروههای طبقه متوسط پایین‌تر که از برنامه‌های دولت سود می‌برند ایجاد کند. در حال حاضر آن‌طوری که اوضاع و احوال نشان می‌دهد اشخاصی که از شاه پشتیبانی می‌کنند به هیچ‌وجه قادر به اقدام نیستند. در واقع نگاهی به گذشته نشان می‌دهد که شکست در سرو صورت دادن به حزب رستاخیز بزرگترین شکست شاه به شمار می‌رود.

۷ـ ناپدید شدن شاه فاجعه بزرگی خواهد بود، نه تنها بدان علت که یک نفر مانند قذافی ممکن است قدرت را بدست گرفته و یک حکومت رادیکال منسجم سازمان دهد، بلکه بدان علت که رهبر دیگری با نیروی جاذبه یا قدرت سبع حیوان‌صفتانه که بتواند ایران را به نحو منسجمی اداره کند وجود نخواهد داشت. ایران بدون شاه شاید شاهد کودتا پس از کودتا باشد و امواج ناآرامی، نیروی کشور را به زوال بکشاند و ظرفیت کشو را برای هرگونه منطقه‌ای از میان ببرد.

www.takbook.com



**سند شماره ۶۳**
**تاریخ: ۱۶ اکتبر ۱۹۷۸ ـ ۲۴ مهر ۱۳۵۷**
**شماره: ۱۰۰۶۱**
**طبقه‌بندی: محرمانه**
**از: سفارت آمریکا در تهران**
**به: وزارت امورخارجه ـ واشنگتن**

**موضوع: دولت شریف امامی، تحلیل و طرح**

**خلاصه:** این اولین برگ از سری تلگرافهایی است که عوامل مهم مرتبط با وضع داخلی ایران را تحلیل می‌کند. دولت آشتی شریف‌امامی با مواجه با محذور حکومت نظامی کار خود شروع کرد و هنوز در تقلای حل مشکلات ناآرامی‌های داخلی است که با هدایت رهبران مذهبی ایران و همکاری گروه گسترده‌ای از شاکیان سیاسی ـ اقتصادی جریان دارد. این دولت با تهیه پیش‌نویس قوانین آزادی مطبوعات، اداره دانشگاهها و اجتماع که بلافاصله با انتقاد شدید روبرو گشت که این قوانین از قوانین مشمول اصلاح قبل بدتر هستند، بدجوری ضربه خورد. معهذا، دولت می‌خواهد پایداری کند و امتیازاتی به رهبران مذهبی که (فعلاً سعی در مذاکره با ایشان دارد) داده است، افزایش دستمزد را برای آرامش کارکنان داخلی و دولتی تأیید نموده، فشار مبارز ضد فساد را براساس درخواست مجلس و مردم برای تنبیه سودجویان به‌عمل آورده است.

شکست مذاکرات با رهبران مذهبی محققاً به سقوط زودرس دولت می‌انجامد و حتی وصول توافقی در این مورد تضمینی برای ادامه حکومت نیست. ضعف آشکار شده دولت ایران در آینده‌نگری به اضافه مسایل خدمت به یک آقای سخت‌گیر به صورت شاه و هماهنگ کردن خود با مدیریت جداگانه حکومت نظامی باعث ایجاد مسایل فرعی زیادی گردیده است. ادامه وضع منجر به تولید ناآرامی که در حد کنترل رهبران مذهبی نیست می‌گردد. هرگونه تلاش که به درگیریهای خونین بیانجامد، امکان دارد رهبران مذهبی را وادار به نقض مصالح نماید. پایان خلاصه

۱ـ در مواجهه با اعتراضات به مقیاس وسیع به رهبری محافظه‌کاران مذهبی، شاه دولت تکنوکرات آموزگار را برکنار کرد (۲۷ اوت) و دولت جدید شریف امامی تشکیل شد. مأموریتش آرام کردن و همکاری با مذهبیون و عوامل دیگر مردمی که در تظاهرات وسیع دست دارند بود. کابینه جدید ترکیبی از مهارت و تجربه است. سن متوسط هیئت دولت نسبت به قبل بیشتر بوده و کمتر تحصیل کرده آمریکا هستند.

برخی سابقه عضویت حزب توده دارند. شریف امامی قبلاً خود نخست‌وزیر بوده و شش تن از وزیرانش در زمینه اقتصادی از کابینه قبلی منتقل شده‌اند. دیگران سیاستمداران مسن‌تری هستند که به مسایل مردم بیشتر توجه دارند. به‌عنوان یک برخورد سمبلیک وزیر امور زنان حذف شده. سازمان اوقاف تحت ریاست کنی که بین عناصر مذهبی خیلی شناخته شده است، به سطح وزارت ارتقاء داده شده است.

شریف امامی خود از خانواده‌ای مذهبی بوده و همانند آزمون وزیر امور اجرایی وابستگی مذهبی دارد. آنها با تمام احوال به شاه وفادار بوده و نخست‌وزیر شخصاً تقرب خاصی به شاه دارد. هر چند اعتبار مذهبی شریف امامی و آزمون بین مجامع روحانیت مبارز مورد سؤال بوده و معتقدند که رفتار غیر مذهبی

www.takbook.com



و حتی شهرت فساد آنها وجهه مذهبی آنها را خدشه‌دار کرده است.

۲ـ در مراسم معرفی دولت به شاه گفته شد که اختیارات بیشتری درخواست و حاصل شده و احتمال انتقال کابینه به دولت قوی‌تر وجود دارد. او واقعاً اقدام به خنثی کردن انفجار آمیزترین مسئله نمود و در زمینه مذهبی امتیازاتی داد. تقویم هجری به جای تقویم شاهنشاهی پهلوی (که تازه معرفی شده بود) به کار گرفته شد، کازینوهای قمار بسته شد، اعضای کمی از بهائیها و دیگر عناصر مشکوک مرتبط به آنها مورد تنفر شیعه اصولی (مثل هویدا) کنار گذاشته شدند. و خواهر تنی اشرف که شکایات فراوانی از او شده از اخبار حذف شد.

در واقع اکثر وابستگان خاندان سلطنتی (که متهم به فساد بودند) کشور را ترک کرند. فقط شهبانو در مراسم عمومی با شاه حضور یافت.

۳ـ متأسفانه روحیه شریف‌امامی در اثر تظاهرات وسیع تهران در آخر رمضان که ارتش، دولت و شاه را تا حد برقراری حکومت نظامی در ۱۱ شهر (علاوه بر اصفهان) ترساند، شدیداً ضربه خورد. اولین برخورد ارتش با تظاهرات در میدان ژاله تهران (۱۸ سپتامبر) منجر به قتل تعداد کثیری گردید. این «قتل‌عام» رهبران مذهبی محافظه‌کار را نیز برعلیه شریف امامی برانگیخت و او نتوانسته از این ضربه بهبود پیدا کند.

۴ـ برنامه اساسی دیگر شریف‌امامی مبارزه با فساد است، وزیر پیشین بهداری (دولت‌های هویدا و آموزگار) متهم گردیده و برعلیه کارمندان عالیرتبه دیگری نیز اقدام گردید. هدفهای بعدی، بـازپرسی تاجران بزرگ بود (از یکی از نمایندگان سلب مصونیت گردید) و سخن از لیست هزار نفری برای بازجویی و صدها نفر که حق خروج از کشور ندارند است. وزیر دادگستری باهری (عضو حزب توده در جوانی) اعلام کرده که اقدامات قانونی وقت‌گیر بوده و اثبات اعمال خطا در اغلب مسایل مشکل است. موضوع اقامه دعوی علیه ارتشبد نصیری رئیس ساواک به دادگاه نظامی محول شد. وزیر دربار جدید اردلان (به جای هویدا) با جنجال فراوان اعلام کرد که شاه خاندانش را از مشارکت در معاملات تجاری محروم کرده است. تمام این قضایا با تردید از نظر عمومی مردم و پارلمان می‌گذشت که اغلب نمایندگان محافظه‌کار وفادار به دستگاه شروع به حمله به دولت سابق در زمینه فساد و عدم کفایت اداری کرد.

۵ـ در زمینه سیاسی دولت شریف‌امامی جدی ولی ناشیانه بر خورد کرده است. دولت با تأنی سقوط تنها حزب حاکم (رستاخیز) را باعث گردید و جایگزینی گروههای متعدد و احزاب را در جهت انتخابات آزادی که شاه قول داده در ژوئن آینده صورت پذیرد تشویق کرده است. مطبوعات پس از سالها اختناق و سانسور شدید آشکار و نهان به‌طور شگفت‌انگیزی آزاد شده‌اند. برنامه‌های زنده رادیو تلویزیونی ضد دولتی از پارلمان پخش شد. چند روز سانسور حکومت نظامی (۱۲ ـ ۱۴ اکتبر) منجر به قول آزادی‌های تضمین شده مطبوعات از سوی شریف‌امامی گردید. دولت لایحه سه قانون دولتی، آزادی مطبوعات، استقلال دانشگاهها و آزادی اجتماعات را با قید فوریت به مجلس داده، متأسفانه دو قلم اینها از سوی دولت قبلی تهیه شده بود و هیچ‌یک به نظر موکلین مشمول آن قوانین نرسیده بودند، به همین جهت اعتراض مطبوعات، ادارات دانشگاهی و وکلا، اعضای مجلس متفقاً در اعتراض به محدودیت بیشتر این قوانین به جای آزادی بیشتر بلند شد که در اثر این انتقادات و علیرغم فوائد احتمالی آنها، هر سه قانون در پارلمان با زحمت روبرو شده و برای مطالعه و بحث بیشتر و اصلاح اعاده گردید. این موضوع اعتبار شکننده دولت جدید را در هم ریخت.

www.takbook.com



۶ـ کوشش‌های دولت برای اجتناب از برخورد اقتصادی به‌علت ایجاد اعتصابات کارکنان دولت، مناطق نفتی، و دیگر کارگران صنعتی بدفرجام بود و با روحیه اصلاح‌طلبانه‌ای، دولت به سرعت خواسته‌های اقتصادی را به صورت مضاعف کردن دستمزد کارگران انجام داد که منجر به اعتصاب کارکنان بخش خصوصی برای خواسته‌های مشابهی گردید. این عمل نیز احتمالاً منتهی به افزایش حقوق کارکنان شرکت‌های شخصی خواهد گردید و بدین ترتیب علیرغم نتیجه‌ای که دولت از تقلیل بودجه دفاعی و دست زدن به برنامه‌های اقتصادی وسیع مانند توقف خریدهای آتی راکتورهای اتمی برای کاستن بخشی از تورم دارد، یک دور تورم‌آمیز آغاز شده است.

۷ـ تمام این پس رفتن‌ها و خطاها همراه با انتقاد پارلمان و مردم طبعاً باعث درگیری در کابینه که خود یک مجمع فاقد امید شده است، علیرغم ناخشنودی مسئولین وزارتخانه‌های اقتصادی و دیگر خصومت‌های شخصی فقط دو استعفا انجام شده، یکی وزیر بهداری که بلافاصله تعویض شد، و دیگر وزیر علوم و آموزش عالی (که استعفا او هنوز بر ملا نشده) امکان استعفاهای دیگر را نمی‌توان نفی کرد.

خصوصاً باتوجه به انتقادات پراکنده پارلمانی و دیگران که اتهامات ایراد شده آنها مبنی بر بی‌کفایتی و فساد می‌تواند به مصادر حاضر امر نیز مانند بسیاری از اسلاف آنها نسبت پیدا کند. ولی شاه مصمم به تغییراتی در نخست‌وزیر نبوده و ما در انتظار کوشش‌های جدی برای مسکوت گذاردن درگیریهای کابینه هستیم.

۸ـ مشکل جدی دولت اینک در اواسط اکتبر خاتمه دادن به بی‌نظمی توسعه یافته در شهرها و دهات ایران است که باعث تلفاتی از متظاهرین و نیروی پلیس شده است. یک عامل مهم ناآرامی گسترده دانشجویان که اغلب حمایت اعضای دانشکده‌ها را نیز با خود دارد و اخیراً به دبیرستانها و معلمین سرایت کرده است. خط‌مشی دولت مذاکره آرام با رهبران مذهبی و سیاسیون مخالف در عین حال و کنترل نمودن اغتشاش بوده و به این امید که باعث انزوای اخلالگران که وابسته به گروههای افراطی هستند بشود. کوشش‌هایی غیرمستقیم برای قانع کردن خمینی صورت می‌پذیرد. در صورت موفقیت این کوشش‌ها راه درازی را برای تفاهم با مشکلات مشابه دولت با دانشگاهها و گروههای دانشجویی وجود دارد. واضح است که هدف دولت اجتناب از گسترش حکومت نظامی و در واقع پایان دادن هر چه زودتر آن قبل از انتخابات تابستان سال آینده است.

۹ـ پس از گذشت دو ماه از تصدی امر در دوران اغتشاشات ناگهانی، دولت شریف‌امامی عملکرد اشتباهی ارائه داده و گرچه ظاهراً می‌خواهد او را برای آینده نزدیک بر سر کار نگهدارد ولی هنوز به صورت عامل انتقالی مختصری به آن نگاه می‌کند. ملت در ماههای گذشته از ریشه تکان خورد و هیچ دولت دوره جدید خاطره‌ای از مشکلات چنین پیچیده و انفجاری نداشته است، به‌علاوه نخست‌وزیر مجبور بوده که در داخل دستگاه خود با یک شاه خودنگر، دور از وقایع و اغلب خود رأی و همچنین فرماندهی عالی نظامی خشمگین، بی‌قرار و گاهگاه خشن وفق دهد. محدودیت حوزه عمل او در وضعیت کنونی بسیار آشکار است.

۱۰ـ اگر شریف‌امامی به حصول تفاهم با رهبران مذهبی در جریان مذاکرات نایل شود، یک قدم بزرگ در جهت سکون سیاسی برداشته است. واضح است که این کوشش می‌بایست برای او در درجه اول قرار گیرد. ولی دولت او با قصور در توجه به عواقب اقدامات شتابزده و ناگهانیش خود را انگشت‌نما کرده است.

www.takbook.com



باکوشش در جهت جلب رضایت اقشار گوناگون مردم توسط رشدهای سریع (از قبیل بالا بردن فوق‌العاده دستمزدها، ارائه مواد نامناسب به مقننه و غیره)
دولت ایران سهواً به ایجاد عکس‌العمل‌های خشمگینانه دیگر مدد رسانه است. این اعمال به مشکل بزرگ دولت در هماهنگ کردن خود با احوال شاه و اقدامات ارتش افزوده می‌شوند و می‌توانند به تضعیف اثر موفقیت‌های احتمالی دولت در مذاکراتش با رهبران مذهبی کمک نمایند.

۱۱ـ سؤال دیگر این است که آیا رهبران مذهبی قادر به کنترل مهار یا اداره کامل بی‌نظمی‌های گسترده هستند؟ ایشان امسال رهبری ناآرامی‌ها را داشتند و باید دید که آیا باتوجه به عناصر متعدد مستقل جمعیت که اینک در پی منافع خود آشوب ایجاد می‌کنند آنها می‌توانند جهت جریان را دگرگون سازند. اگر رهبران مذهبی نتوانند در این جهات کاملاً مؤثر واقع شوند، دولت مجبور خواهد شد که با اغتشاشات مقابله کند و سرکوب شدید آنها می‌تواند باعث خونریزی شود و لذا رهبران مذهبی را دوباره به خاطر حفظ وجهه‌شان در میان مردم به میدان جنگ بکشاند.

سولیوان

www.takbook.com



**سند شماره ۶۴**

**طبقه بندی: سری**

**ارزیابی اطلاعاتی درباره ایران**

**فهرست مطالب**

۱ـ زمینه نا آرامی کنونی
ناهنجاری‌های اجتماعی
دشواریهای اقتصادی
بن‌بست سیاسی.
۲ـ چشم‌انداز کوتاه‌مدت
تحمیل حکومت نظامی
آرام کردن مخالفین
اثر بر روی سیاست خارجی و دفاعی
۳ـ مشکلات دراز مدت
اقتصاد و نفت
تشنجات داخلی
نقش منطقه‌ای
جهت‌گیری بین‌الملل
۴ـ چشم‌انداز تا آخر سال ۱۹۸۵
فرمانروایی پهلوی
حکومت نظامی
کنترل غیر نظامی

**سری ـ غیر قابل دسترسی برای خارجیان**

**بحث**

**۱ـ زمینه ناآرامی کنونی**

ایران در سال ۱۹۷۸ دچار آشوب سیاسی و ناآرامی‌های داخلی جدی‌تری از هر زمانی در دوران سلطنت ۳۷ ساله محمد رضاشاه پهلوی است. آنچه طنزآمیز به نظر می‌رسد این است که ناآرامی که موقعیت شاه را تهدید می‌کند به اندازه زیادی ناشی از موفقیت او در پیشبرد تغییرات اجتماعی و رشد اقتصادی در جامعه سنت‌گرای ایران بوده است.

این تغییر به اندازه‌ای سریع بود، که از توانایی نهادهای اجتماعی اقتصادی و سیاسی کشور برای انطباق خود با آن پیشی جسته است. اثر جمیع مشکلات جدی ناشی از هر یک از این زمینه‌ها بوده است که تصاعد تظاهرات خیابانی را که منجر به اعلام حکومت نظامی در سپتامبر ۱۹۷۸ تسریع کرده و می‌توان گفت که یک تحول ناهنجار که مخالف میل مردم بوده باعث بوجود آمدن آن شده است. علیرغم حکومت نظامی ناآرامی عمومی ادامه یافته و در واقع مشکل‌های جدیدی از قبیل متوقف شدن وسیع کار و

www.takbook.com



تحریم‌های دانشجویی و دانش‌آموزی به خود گرفته است.

**بدبختی‌های اجتماعی**

مدرنیزه شدن سریع جامعه ایران در ۱۵ سال اخیر منافع قابل ملاحظه‌ای برای جمعیت ایران آورده است چه در زمینه تعلیم و تربیت و چه در خدمات پزشکی ولی در عین حال باعث شده است که اختلال‌هایی جدی بوجود آورد که به‌طور مستقیم به ناآرامی‌های داخلی کمک کرده‌اند. انقلاب سفید شاه که رسماً از سال ۱۹۶۳ آغاز شد و بعداً نام انقلاب شاه و ملت را گرفت تغییرات اساسی ولی ناقص در قشرهای پایه‌ای جامعه ایران ایجاد کرد که از جمله آنها مالکیت زمین، رشد زندگی روستایی و توزیع آب و سیستم دادگاهها و تعلیم و تربیت و خدمات پزشکی و نقش روحانیون و زنان بوده است. اثرات اجتماعی صنعتی کردن سریع و در واقع اجباری و ظهور تسریع شده یک طبقه متوسط مدرن و جریان فزاینده سریع شهرنشینی را باید به اثرات بر هم زننده این اصلاحات افزود.

آنهایی که اکنون شاه را به مبارزه طلبیده و درپی آنند تا نظام سیای ایران را اصلاح یا جایگزین کنند از گروهی برخاستند که از دگرگونی جامعه و به ویژه تعداد فزاینده جوانان تحصیلکرده سود برده‌اند و همچنین از میان گروهایی که فاقد هرگونه امتیازی بوده و به ویژه مهاجرین بدون مهارت به مناطق شهری تشکیل شده‌اند. هر دو مقوله حتی اگر به نظر بگیریم که تنها در معرض تأثیر رسانه‌های گروهی قرار گرفته‌اند تا اندازه‌ای اندیشه‌ها و ارزش‌های مدرن و غیر مذهبی را از آن خود کرده‌اند و این امر آنها را برای زندگی در یک محیط خشن غیر مشخص شهری عاجز ساخته است و آنها را برآن داشته است تا هرگونه حاکمیت و اعتباری را از جمله حاکمیت شاه یا اسلام سنتی را به مبارزه بطلبند این تحول اخیر وسیله‌ای بوده است تا تمایل نیرومند رهبران با نفوذ مذهبی را برای مخالفت با نوسازی تقویت کند.

**دشواریهای اقتصادی**

تا اواخر رشد مداوم و سریع، اقتصاد ایران ظاهراً قادر به نظر می‌رسید تا پیشرفت مادی کافی را برای غلبه بر اثرات سوء مشکلات فزاینده اجتماعی تأمین کند. ولی اکنون حکومت و مردم ایران آگاهند که منافع بدست آورده اقتصادی به خوبی توزیع نشده است و این که سودهای آینده به این آسانی سرازیر نخواهند شد و اینکه کیفیت همگانی زندگی ممکن است بهبود نیابد و حتی در زمینه‌هایی که اقتصاد سیار سریع رشد کرده است. به دلیل اینکه آرزوهای واقعی همه طبقات از امتیازات مادی که بدست آورده‌اند فراتر رفته است و علاوه بر این اثرات سیاسی اوضاع اقتصادی بیش از خود واقعیت اقتصادی که عبارت از این است که این واقعیت که یک نفر ایرانی نمونه اکنون از یک سطح زندگی بالاتری از هر زمانی درگذشت برخوردار است، آشوب‌انگیزتر است. موارد گله‌ها درباره تورم، فساد و توزیع فزاینده نابرابر ثروت و هم‌چنین نیازهای مشخصی مانند مسکن، غذا، حمل و نقل، کار و خدمات اساسی عمومی دور می‌زند. دشواریهای اقتصادی که به ناآرامی کنونی کمک کرده است در درجه اول ناشی از طرح‌های جاه‌طلبانه صنعتی کردن کشور در اوایل و اواسط دهه ۱۹۷۰ بوده است. مثلاً برنامهٔ سرمایه‌گذاری ۵ ساله سالهای ۷۸ ـ ۱۹۷۳ که براساس درآمدهای پیش‌بینش شده نفتی تنظیم شده بود( باتوجه به این که در سالهای ۷۴ ـ ۱۹۷۳ قیمت‌های نفت چهار برابر شده بود) شامل ۷۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در طرح‌های رشد

www.takbook.com



اقتصادی بوده است. در دوران ۷۶ ـ ۱۹۷۰ ایران از نرخ رشد تولید ناخالصی ملی سالیانه ۱۰٪ برخوردار بود ولی در عین حال دچار مشکلات مربوط به آن نیز شده بود که عبارتند از کمبود کارگر ماهر و بعضی کالاها، انبارها، بنادر و تأسیسات توزیع داخل پیش از اندازه انباشته شده و تأخیرهای جدی ناشی از دیوانسالاری و تورم فزاینده (۲۴ درصد در سال ۱۹۷۷) و غفلت نسبی در زمینه کشاورزی و بخش خصوصی. این موج فراوانی در سال ۱۹۷۷ متوقف شد و در آن هنگام نرخ رشد متوسط تولید ناخالص ملی به کمتر از ۳٪ رسید و هدف‌های محقرانه‌تری در نظر گرفته شد ولی زیان سیاسی به ویژه در میان کارگران شهری و پیشه‌وران خرده پا و صنعتگران کار خود را کرده بود.

**بن‌بست سیاسی**

نظام سیاسی ایران نتوانسته است بنحو مؤثری به هجوم تقاضاهایی که ناشی از مشکلات متعدد اجتماعی و اقتصادی کشور بود، پاسخ مثبتی بدهد. آنچه موجب تضادهای ضد و نقیض می‌شود این است که شاه و حکومت اکنون دستخوش عواقب فرمانروایی درازمدت خودکامانهٔ او شده‌اند که کمتر فرصت برای مشارکت عموم داده است و همچنین شاه دستخوش لیبرالیزه کردن سیاسی شده است که تظلمات بیان شود و این امر به ناآرامی‌های جدی منجر شده است، برنامه لیبرالیزه کردنی که شاه در سال گذشته آغاز کرده در واقع به مطبوعات آزادی قابل ملاحظه‌ای داده است و اجازه تشکیل احزاب سیاسی را غیر از حزب رسمی رستاخیز و وعده انتخابات آزاد در سال ۱۹۷۹ داده است.

علاوه براین این برنامه همراه با کاهش محسوسی در بکار بردن روش‌های پلیسی ساواک و سایر بنگاهها برای خبرگیری و کنترل فعالیت‌های سیاسی بوده است. در نتیجه این برچیده شدن مهارها و محدودیت‌ها، بیان سیاسی از سوی گروههای وسیعی از مردم اعم از وفادار یا مخالف مانند قارچ روئیده و بطوری که ورای توانایی نهادهای رسمی تضعیف شده کشور و برای مقابله با آن شده است. نه دولت هنوز آن آمادگی را که برای پذیرفتن وظایف و مسئولیت‌های یک نظام سیاسی دمکراتیک لازم است، ندارند.

حزب رستاخیز عملاً در میان این آشوب از هم متلاشی شده است و مجلس هر چند به‌عنوان یک تریبون بحث در اطراف مشکلات کشور بیشتر از هر زمانی از سالهای ۱۹۵۰ فعال‌تر بوده است و بنابراین به‌عنوان یک سوپاپ اطمینان مورد استفاده قرار گرفته، نتوانسته است راه‌حل‌های مؤثری برای رهایی از این بلاتکلیفی سیاسی یا رهبری در مقابله با آن فراهم کند بنابراین بار سنگین تماماً بر روی شاه (و بر روی حکومت جدید و به‌طور کلی ضعیف، جعفر شریف‌امامی نخست‌وزیر) برای متعادل کردن لزوم نظم عمومی با ضرورت یک راه‌حل سیاسی افتاده است. رهبران ارشد نظامی برای شق‌اول اصرار دارند در حالی که مخالفین غیرنظامی خواستار شق اخیر هستند.

مخالفین غیرنظامی که علم مبارزه را بر افراشته‌اند دارای دو عنصر اساسی هستند یعنی جانشینان دست چپی جبهه ملی سالهای ۱۹۵۰ که اکنون تا میزان محدودی تحت نام نهضت آزادی ایران فعالیت می‌کنند و جامعه محافظه‌کار مذهبی شیعه میلیون نیروی خود را از روشنفکران طبقه متوسط طبقه بالای شهرها کسب می‌کنند و به‌طور کلی با حکومت خودکامه مخالفند. در حالی که مخالفان مذهبی از طبقات پایین و پایین متوسط برخوردارند و در درجه اول با سیاست‌های اصلاح‌طلبانه شاه که وضع مذهب را در کشور تهدید می‌کند مخالفند، علاوه اینها مخالفین سازمان یافته شامل مجاهدین خلق که عضویت خود را

www.takbook.com



از میان مخالفان مذهبی تکمیل می‌کند و چریک‌های فدایی خلق که دارای گرایش چپ است و از میان دانشجویان دانشگاه سربازگیری می‌کند و همچنین حزب توده (کمونیست). رهبران مذهبی، به ویژه چهره‌هایی مانند آیت‌الله روح‌الله خمینی تبعید شده و آیت‌الله شریعتمداری از شهر قم نفوذ بزرگی بر روی توده‌ها دارند و به سرعت می‌توانند آنها را بسیج کنند ولی در گذشته آنها توانایی محدودی برای سازمان دادن خود و پیروان خویش نشان داده‌اند. احزاب چپ‌گرا و گروههای تروریستی بهتر سازمان یافته‌اند ولی پیروان کمتری دارند. رهبران چندین گروه مخالف لزوم تشریک مساعی با یکدیگر را احساس می‌کنند ولی تاکتیک‌ها و اهداف متفاوت آنها که در زیر درباره آنها بحث خواهد شد همکاری مؤثر را غیرممکن ساخته است.

**۲ـ چشم‌انداز کوتاه مدت**

دورانی که به اواسط سال ۱۹۷۹ ختم می‌شود احتمالاً، در تعیین توانایی شاه به حفظ قدرت و اختیارات سلسله پهلوی و نظام موجود سیاسی ایران، در یک شکل تضعیف شده که بتواند مانند گذشته انجام‌وظیفه کنند، دوران بحرانی خواهد بود شاه در این چهارچوب زمانی، ضرورتاً باید قدرت تصمیم و توانایی خود را برای حفظ نظم کشور نشان دهد زیرا هرچند حکومت نظامی را می‌توان به ماورای تاریخ انقضای آن در مارس ۱۹۷۹ تمدید کرد چنین کاری موضع شاه را باز هم بیشتر تضعیف خواهد کرد و این منزله آن خواهد بود که شاه به‌طور ضمنی به ناتوانی خود برای برقراری مجدد ثبات و اعتماد اعتراف کرده است. علاوه بر این شاه وعده داده است که انتخابات چهار ساله مجلس که تاریخ آن تابستان ۱۹۷۹ است انجام خواهد گرفت و آزاد خواهد بود، وفا کردن به این تعهد مستلزم دادن امتیازات بی‌سابقه‌ای چه از جانب شاه و چه از جانب مخالفین عمده او خواهد بود. اگر شاه بتواند پاسخگوی این... مبارزه‌جویی باشد مهلتی برای خویش بدست خواهد آورد ولی اگر موفق نشود موقعیت او به تدریج و بنحو متصاعدی متزلزل خواهد شد.

**تحمیل حکومت نظامی**

شاه و حکومت در کوشش برای حفظ نظم مدنی در ماههای آینده حتی در شرایط حکومت نظامی با دشواریهای بزرگی مواجه خواهد شد، هر چند ثبات نسبی از ماه سپتامبر در تهران و یازده شهر دیگری که حکومت نظامی در آن برقرار شده به چشم می‌خورد، معذالک آشوب‌های داخلی و حوادث تروریستی در سراسر کشور توسعه یافته و دست کشیدن از کار باعث تعطیل شدن مؤسسات متعدد دولتی و بعضی از مؤسسات شخصی شده است و تحریم کلاس‌ها از سوی دانشجویان، گشایش بیشتر دانشگاهها را به تأخیر انداخته است. آنچه مضحک به نظر می‌رسد این است که موقعیت حکومت در برقراری مجدد نظم در این اوضاع و احوال بنحو فزاینده‌ای در ادامه آمادگی مخالفان اعتدالی‌تر اثر خواهد گذاشت تا به هم‌مذهبان و هم‌مسلکان سیاسی خود توصیه خویشتن‌داری کنند.

نمایندگان حکومت سرگرم مشورت با رهبران مذهبی برگزیده و سیاست‌مداران غیرمذهبی هستند و با اندکی موفقیت می‌کوشند تا بر علاقه آنها در اجتناب از هرج و مرج و تأمین تغییرات کنترل شده و ثبات اساسی مداوم فائق شوند. این تاکتیک باعث خاتمه آشوب‌ها نخواهد شد و انتقادکنندگان را خرسند

www.takbook.com



نخواهد ساخت ولی ممکن است باعث دفع وقت شده و مانع تحکیم بیشتر مخالفان شود در حالی که بی‌نظمی‌های جدی‌تری تکرار شود انحصار قدرت در دست نیروهای مسلح و امنیتی ایران از لحاظ نظر و تئوریکی به آنها قدرت کافی می‌دهد تا مانع آن شوند که آشوب‌ها از کنترل آنها خارج شود یا در آینده بسیار نزدیک یا در سال ۱۹۷۹ اگر تمدید حکومت نظامی ضرورت پیدا کند این نیروها هر چند برای کنترل اغتشاشات خوب آموزش ندیده‌اند معذالک دارای تجهیزات ویژه و آموزش محدود اضافی هستند و قادر خواهند بود رژیم را تحت حمایت خود بگیرند ولی تا زمانی که وفادار باقی بمانند و عزم وفادار بودن را داشته باشند. نظامیان در حال حاضر از رژیم حمایت می‌کنند و حاضرند از آن با قوه قهریه دفاع کنند ولی واضح است که در میان پرسنل آنها درجات مختلفی از وفاداری و پشتیبانی وجود دارد.
افسران ارشد همه چیز خود را از این رژیم دارند و از لحاظ سیاسی از همه محافظه‌کارترند و تمایل به حداکثر وفاداری نسبت به شاه را دارند. این افسران ارشد بودند که شاه را متقاعد ساختند تا حکومت نظامی را اعلان کند معذالک این افسران بیش از همه در اوضاع و احوال افراطی برآن خواهند بود تا سرخوردگیهای خود را با ناآرامی مداوم جبران کرده و با آشوب‌های حکومت کشوری خواستار حکومت نظامی یا کودتا گردند، ما اطلاعات کمتری درباره روش و موضع افسران جزء و سربازان وظیفه داریم ولی این افسران و سربازان به ویژه مانند خود تظاهرکنندگان، به‌طور عمده از طبقات محرومتر شهرها و از طبقات پایین و متوسط پایین تغذیه می‌شوند، بنابراین اگر امنیت عمومی در هم بریزد کمتر یقین حاصل است که این عناصر از میان نظامیان به دستور مافوق‌های خود برای شلیک به طرف تظاهرکنندگان صرفاً به خاطر حمایت از شاه و حکومتی که از طرف وی منسوب شده اطاعت کنند. از میان چندین واحد نظامی که برای تحمیل حکومت نظامی در دسترس است گارد شاهنشاهی که اکنون در تهران مستقر شده و تیپ نیروهای ویژه و سربازان هوابرد از طرف حکومت ایران بیش از همه قابل اتکاء تلقی می‌شوند.

**آرام کردن مخالفان**

اوضاع امنیتی سرانجام به آرامی ولی تنها پس از اینکه امتیازات مهمی از سوی شاه و حکومت علاوه بر آنچه تاکنون پیشنهاد کرده‌اند داده شود. این امتیازات در همه زمینه‌ها لازم خواهند بود اعم از اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، معذالک حتی امتیازات بسیار وسیعی نیز ادامه آرامش را تأمین نخواهد کرد زیرا در میان ایرانیان و یقیناً در میان مخالفان سیاسی و مذهبی یک گرایش عمومی و همگانی وجود دارد که هرگونه امتیاز را نشانه‌ای از ضعف می‌دانند که بایستی مورد بهره‌برداری قرار گیرد و آن را عناصر مثبت یک راه‌حل سیاسی نمی‌دانند بنابراین شاه و حکومت لازم است امتیازات به موقع را که به خوبی تشریح شده است با اعمال عاقلانه حاکمیت کافی و نیروی قهریه توأم نمایند تا آنهایی را که ارفاق را با ضعف یکسان می‌دانند و بازهم بیشتر رژیم را به مبارزه خواهند طلبید بترسانند. تقاضاهایی که از طرف چندین گروه مخالفین عنوان می‌شود از لحاظ محتوا و روح عنوان شدن و احتمال پذیرفته شدن به وسیله رژیم بسیار متفاوت است. روحانیون شیعه که مؤثرترین گروه مخالفان را تشکیل می‌دهند همچنین در میان خود با یکدیگر متفاوتند. بانفوذترین رهبر آنها آیت‌الله خمینی که سالها تبعید شده خواستار سرنگون کردن شاه و برقراری یک حکومت الهی بوده است. و بنابراین عملاً هیچ شانسی نیست که شاه یا هرگونه حکومت غیر مذهبی با او به یک راه‌حلی برسد. چهره‌های مترقی‌تر مذهبی در ایران از جمله آیت‌الله شریعتمداری

www.takbook.com



روحانی سرشناس خواستار نقش کاهش یافته‌تری برای شاه و اجرای نظارت بر قوانین از سوی یک کمیته روحانیون هستند که تطبیق قوانین را با تعالیم اسلامی تشخیص دهد. این ماده در قانون اساسی وجود دارد ولی تاکنون اجرا نشده است. هر چند شانسی نیست که یک چنین هیاتی اجازه حق وتو داشته باشد معذالک شاید فرجه‌ای برای یک راه‌حل آشتی بین طرفین وجود داشته باشد. رهبران مذهبی شیعه صرفنظر از رقابت‌های شخصی و اختلاف بر سر هدف‌های نهایی در تقاضاهای خود مبنی بر اینکه شاه برنامه‌های نوسازی اجتماعی خود را متوقف سازد با یکدیگر وحدت دارند و آنها معتقدند که این برنامه‌ها اثرات فاسدکننده و دنیوی‌کننده‌ای بر روی جامعه سنتی اسلامی داشته است.

سیاستمداران و به ویژه آنهایی که با جبهه ملی وابستگی دارند و همچنین آنهایی که رهبری احزاب کوچک مستقل را که به پیش‌بینی انتخابات سال ۱۹۷۹ تشکیل شده است، به‌عهده دارند، اکثراً تقاضا دارند که نقش شاه بنحو محسوسی کاسته شود و یک سلطنت مشروطه با یک نخست‌وزیر مستقل از شاه برقرار شود. این سیاستمداران که گرایش به چپ دارند خواستار حقوق وسیع‌تر مدنی و پایان دادن به فساد و امتیازات و یک سیاست خارجی مستقل از جمله شل‌تر شدن پیوندهای ایران با ایالات متحده امریکا هستند. این گروه از سوی بخش مهمی از طبقه متوسط مدرن پشتیبانی می‌شود ولی از داشتن پیروان وسیع متعصب ملاها برخوردار نیست این ملغمه از مخالفان غیرنظامی از لحاظ اصولی با برنامه شاه درباره مدرنیزه کردن جامعه و اقتصاد ایران مخالفتی ندارد و از هرگونه توسعه آزادیهای سیاسی بیشتری استفاده را می‌برد بنابراین شاه و حکومت شانس بهتری از سازش با این گروه را دارد تا با هرگونه عنصر دیگری از مخالفان هیچ‌گونه احتمالی نیست که رژیم کنونی بتواند زمینه مشترکی با دو گروه تروریستی کشور یا با حزب توده پیدا کند همه اینها می‌خواهند شاه را سرنگون کنند. کمونیست‌ها و چریک‌های فدایی خلق یک حکومت غیرمذهبی مارکسیستی برقرار می‌کردند (اگر پیروز می‌شدند) و مجاهدین خلق ظاهراً از حکومت الهی که مورد تقاضای رهبران شیعه محافظه‌کار ریشه‌ای است پشتیبانی می‌کنند. دستگاههای امنیتی ایران ظرف سالهای گذشته مؤثر بودن این گروههای رادیکال را بنحو محسوسی محدود کرده است و نتیجه این شده است که آنها نتوانسته‌اند یک حمله هماهنگی علیه رژیم برپا دارند حتی هر چند که آنها با یکدیگر در تماسند و عضویت بعضی از آنها درهم آمیخته است. این گروهها سازمانهای مخفی و زیرزمینی دارند که ممکن است آنها را قادر سازد که در آینده نقش مؤثرتری در بی‌نظمی داخلی به ویژه از طریق کاربرد تروریسم داشته باشند. شاه تاکنون در کوشش خود برای پایان دادن به ناآرامی داخلی و اعلام تحمل رهبران میانه‌رو مذهبی و سیاسی یک سلسله امتیازاتی داده است. در زمینه جامعه و مذهب نخست‌وزیری (شریف امامی) منصوب کرده است که دارای روابط حسنه با رهبران شیعه است و بعضی از کارمندان دولت را که اعضای فرقه بهایی بوده‌اند و از طرف شیعیان جزو گروه بدعت‌گذاران به شمار می‌آیند از کار برکنار کرده و پست وزارتی امور زنان را در کابینه حذف کرده و مسئولیت اداره اوقاف را به سطح وزارت رسانده و کازینوهای قمار را تعطیل کرده و از تقویم به اصطلاح پهلوی به تقویم اسلامی رجعت کرده و مذاکرات خصوصی را با رهبران مذهبی آغاز کرده است برای رفع تقاضاهای اقتصادی حکومت کوشیده است تا اعتصابات متعدد را در بخش مؤسسات دولت با شرایط سخاوت‌مندانه از قبیل اضافه دستمزد، هزینه مسکن، حق بازنشستگی و غیره حل‌وفصل کند و قصد خود را برای کاهش هزینه‌های هسته‌ای به نفع طرح‌هایی که مستقیماً در زندگی توده‌های مردم تأثیر دارد از جمله درباره

www.takbook.com



مسکن، کشاورزی، حمل و نقل و بهداشت ابراز داشته است.

در زمینه سیاسی رژیم متعهد شده است که برنامه آزادسازی شاه ادامه خواهد یافت و وعده کرده است که همه زندانیان سیاسی آزاد خواهند شد و همچنین فعالیت‌های اعضای خاندان سلطنتی را محدود کرده و یک برنامه پر شدت ضد فساد به راه انداخته و آزادی مطبوعات و حق مردم برای اجتماع و استقلال دانشگاهها را اعلام داشته است. شاه همچنین مجال بیشتری به حکومت شریف‌امامی داده است به‌طوری که حکومت وی از فرصت ای بیشتری از حکومت‌های سلف اخیر خود برخوردار شده است.

هنگامی که این تدابیر نتوانستند خشونت‌ها را متوقف کنند یک دولت نظامی بر روی کار آورده شد. هیچ‌کدام از مشکلات اساسی ایران ظرف چند ماهی که تا انتخابات سال ۱۹۷۹ باقی مانده است حل نخواهد شد معذالک در همین زمان است که شاه به‌طور مبرمی نیازمند حمایت از یک نوع نظم عمومی و اعتماد سیاسی است. ما معتقدیم که او هنوز مجالی برای چنین کار و برای تصویب و ترغیب شرکت در انتخابات برای مخالفین اعتدالی دارد ولی مشروط براینکه حکومت امتیازات قابل ملاحظه‌ای بدهد این امتیازات شامل شواهد مشخص بیشتری درباره قصد حکومت برای بهبود دادن وضع اقتصادی مـردم عادی و حمایت و توسعه امتیازات ملاها و نقش اسلام و برچیده شدن حکومت نظامی طبق برنامه و دادن اجازه به فعالیت‌های سیاسی بدون هرگونه قید و بندی در دوران قبل از انتخابات و احتمالاً تعویض حکومت کنونی با حکومت دیگری که مستقل از شاه باشد خواهد بود.

**اثر بر روی سیاست خارجی و دفاعی**

ناآرامی در ایران ـ در جریان سال ۱۹۷۸ هیچ‌گونه اثری در مناسبات سیاسی کشور با همسایگان خویش از جمله مهم‌ترین همسایه (ایران) شمالی آن اتحاد شوروی نداشته است مقامات ایران گاه‌بگاه مدعی شده‌اند که اتحاد جماهیر شوروی بنحو فعالی از گروههای ناراضی در ایران پشتیبانی کرده است ولی ما هیچ‌گونه مدرک مستقلی برای تأیید این امر نداریم و دستگاههای امنیتی ایران، به‌طور خصوصی اذعان داشته‌اند که اغتشاشات در داخل رشد کرده است. شوروی‌ها شاه را به‌عنوان یک مخالف که قدرت سیاسی مالی و نظامی برای برهم زدن هدف‌های منطقه‌ای شوروی به کار می‌برد تلقی می‌کنند. ولی آنها تمایل نداشته‌اند تا به طور مستقیم در حوادث ایران درگیر شوند مبادا چنین درگیری مناسبات دوجانبه اقتصادی پیوندهای قابل قبول سیاسی کنونی که بین (تهران) و مسکو وجود دارد دچار مخاطره گردد. منافع شوروی احتمالاً دچار یک نوع ناکامی کوتاه‌مدت خواهند شد اگر شاه سرنگون شده و یک دولت ارتجاعی نظامی یا مذهبی جای آن را بگیرد ولی یک چنین تحولی هم‌چنین دورانی از بی‌ثباتی را بوجود خواهد آورد که به مرور زمان توسعه نفوذ شوروی را در ایران و در منطقه خلیج فارس تسهیل خواهد کرد. شاه که از مشکلات داخلی ایران نگران است، احتمالاً در آینده نزدیک توجه زیاد خواهد داشت که در مناسبات خود با شوروی‌ها از هرگونه تغییرات یا دشواریهایی اجتناب کند.

این دل مشغولی نسبت به تحولات داخلی همچنین ایران را برآن خواهد داشت تا در پی مناسبات مداوم و صحیح و مرتب با اولی‌ترین حریف منطقه‌ای خود عراق و همچنین افغانستان باشد. سازشی که با عراق در سال ۱۹۷۵ حاصل شده به خوبی دوام یافته است و عراقی‌ها به هر صورت احتمال نمی‌رود در پی آن باشند تا از دشواریهای کنونی ایران استفاده کنند. هر چند رژیم عراق از لحاظ ایدئولوژیک بر ضد شاه

www.takbook.com



قرار گرفته ترس آن از فعالیت‌های شوروی در منطقه و نگرانی درباره روشها و رفتارهای نصف جمعیت عراق که شیعیان هستند بغداد را متمایل می‌سازد تا ترجیح دهد نقش شاه ادامه یابد به جای اینکه بلاتکلیفی‌ها و هرج‌ومرج سیاسی در ایران ایجاد شود یا اینکه یک دولت ارتجاعی مذهبی یا نظامی در ایران بر سر کار آید. از سوی دیگر رژیم چپگرای پرزیدنت تره‌کی در افغانستان نیز که فاقد هرگونه ظرفیتی برای نفوذ در حوادث ایران است و سرگرم تحکیم قدرت خود می‌باشد نیز احتمال نمی‌رود در آینده نزدیک مشکلاتی برای ایران ایجاد کند.

ظرفیت نظامی ایران لااقل در کمترین حد در نتیجه تقاضاهای تحمیل و اداره حکومت نظامی مشمول تأثیر واقع شده است. گارد شاهنشاهی و نیروهای ویژه و بعضی از سربازان هوابرد در تهران مستقر شده‌اند. و عملاً همه واحدها در سراسر کشور برای گرفتن سرباز و تجهیزات طرف استفاده قرار گرفته تا تکمیل‌کننده نیروهای پلیس محلی باشد. این تغییر جهت، چه از لحاظ روانی و چه از لحاظ جسمی به احتمال قریب به یقین اثر زیانباری بر روی سطح آمادگی و روحیه داشته است و ممکن است اثر محدودی بر روی توانایی‌های رزمی نیز داشته باشد معذالک این مشکلات در آینده نزدیک احتمال نمی‌رود به نحو محسوسی برتری کلی نظامی ایران را بر عراق یا در خلیج فارس کاهش دهد. و همچنین احتمال نمی‌رود تا تجدیدنظر در سیاست امنیتی ایران را در این مناطق برانگیزد. تصمیم به عقب انداختن به مدت نامحدود و یا فسخ قراردادهای مربوط به خریدهای آینده تجهیزات پیچیده نظامی به ویژه تعداد زیادی هواپیماهای F-14 , F-16 و مقادیر متنهابهی تجهیزات نیروهای زمینی که بنا به ملاحظات اقتصادی صورت بگیرد اثریی در توانایی‌های رزمی کلی لااقل تا اوایل ۱۹۸۰ نخواهند داشت ولی از اواسط ۱۹۸۰ توانایی‌های رزمی ایران نسبت به عراق و اتحاد جماهیر شوروی کاهش خواهد یافت.

ایران در واقع در نتیجه دشواریهای اقتصادی ناشی از ناآرامیهای جاری، خریدهای تجهیزات نظامی و صنعتی را از ایالات متحده کاهش خواهد داد یا به تأخیر خواهد انداخت ولی این امر احتمالاً یک عقب‌کشی مجدد خواهد بود که به خودی خود اثری در مناسبات وسیع بین دو کشور نخواهد داشت دشواریهای اقتصادی احتمالاً ایران را متمایل خواهد ساخت تا در راه بالا بردن متعدل قیمت‌های نفت بکوشد ولی سیاست قیمت‌گذاری احتمال نمی‌رود به نحو مستقیم وابسته به تحولات سیاسی کوتاه مدت باشد مقامات رسمی ایران به رغم سوءظن‌های همیشگی خود درباره اینکه ایالات متحده در همه امور داخلی ایران دست دارد معتقدند که رابطه نزدیک مداوم با ایالات متحده و پشتیبانی آمریکا از شاه در یک دوران بلاتکلیفی سیاسی ضروری است. اگر شاه بتواند با نقشه جاری خود به دنبال کردن اجرای برنامه‌های لیبرالیزه کردن ادامه دهد مشکلات جدی بر سر حقوق بشر و سایر مسایل سیاسی دوجانبه احتمالاً از میان خواهد رفت.

### ۳ـ مشکلات درازمدت

ایران صرف‌نظر از سرنوشت شاه، حکومت کنونی مواجه با چند مشکل اساسی است که فشارهای مهمی بر اختیار راههای مختلف در دراز مدت در سیاست داخلی و خارجی اعمال خواهد کرد. جهتی که ایران سالهای دهه ۱۹۸۰ طی خواهد کرد در واقع در نتیجه واقعیت‌های مداومی که از چهار زمینه اشکالات اصلی سرچشمه می‌گیرد تعیین خواهد شد که عبارتند از:

www.takbook.com



ـ رشد اقتصادی و کاهش تولید نفت
ـ تشنجات داخلی بین نوسازی و سنت‌گرایی و بین لیبرال‌سازی و خودکامگی
ـ نقش ایران در خلیج فارس و ماوراء آن
ـ جهت‌گرایی بین‌المللی و اتکاء به ایالات متحده

**اقتصاد و نفت**

مشکل اساسی اقتصادی ایران این است که ظرفیت تولیدی نفت خام ایران به مرحلهٔ اوج خود نزدیک می‌شود و به احتمال از اوایل دهه ۱۹۸۰ به انحطاط آغاز خواهد کرد. در عین حال مبالغ بیشتر، بیشتری لازم خواهد بود تا تنوع بخشیدن مداوم به اقتصاد را تأمین مالی کرده و حتی برنامه‌های کاهش یافته نظامی و هسته‌ای را تحمل کند. فراتر از اینها هزینه‌های جدید قابل ملاحظه‌ای یقیناً پیش خواهد آمد زیرا حکومت در پی رفع تقاضاهای فزاینده مردم برای بهره‌وری اقتصاد است. ظرفیت تولیدی نفت خام ایران ممکن است ۶/۸ میلیون بشکه در سال ۱۹۷۸ است. ظرفیت قابل تحمل ممکن است در سال ۱۹۸۰ به ۷ میلیون بشکه در روز برسد ولی بعد از آن روبه کاهش خواهد رفت و به احتمال قریب به یقین به ۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید و شاید تا سال ۱۹۸۵ به مقیاس قابل ملاحظه‌ای کمتر از آن باشد. نرخ کاهش بستگی به موفقیت یک برنامه وسیع و پر خرج مبنی بر تزریق گاز دارد که قرار است برای حفظ فشار مخازن به کار رود تا تولید نفت خام را در میدان‌های نفتی عمده تسهیل کند. ما معتقدیم که تمام حجم ۴۳ میلیارد بشکه ذخایر ایران را می‌توان به مرور زمان با قرار دادن وسیع دستگاههای نمک‌زدایی در میدان‌های نفتی و در نتیجه یک برنامه وسیع حفاظت چاهها و تجهیزات بهره‌برداری کرد.

با استفاده از طریقه تزریق گاز طبیعی ۱۷ میلیارد بشکه دیگر از ذخایر نفتی قابل بدست آوردن است هر چند این امر مستلزم هزینه هنگفتی است. در حالی که تولید نفت رو به انحطاط می‌رود هر حکومت ایران تحت فشار فزاینده افزایش قیمت‌های نفت قرار خواهد گرفت تا بتواند برنامه‌های جاری را تأمین مالی کند و واردات فزاینده را بپوشاند. اگر تا سال ۱۹۸۰ قیمت‌های نفت بالا نرود حساب جاری ایران در آن سال دچار کسری خواهد بود در اوضاع و احوالی که قیمت‌های نفت به همان نرخ قیمت‌های وارداتی ایران بالا رود و تولید نفت ایران به تدریج تا سال ۱۹۸۵ به ۵/۵ میلیون بشکه در روز برسد حساب جاری ایران در سال ۱۹۸۲ دارای کسری قابل ملاحظه‌ای خواهد بود. از سوی دیگر اگر قیمت‌های واقعی نفت سالیانه به‌طور متوسط تا چند سال دیگر ۵٪ بالا رود ایران شاید قادر باشد تا پایان سال ۱۹۸۵ مازادی برحساب جاری داشته باشد.

ذخایر رسمی ارز ایران به مبلغ ۱۳ میلیارد دلار و دارایی‌های غیر ارزی آن به میزان ۶ میلیارد دلار به ایران امکان خواهند داد تا وام گیرندگی ایران بنحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد. معذالک ایران راه‌حل آماده شده دیگری برای پرداخت‌های فزاینده خارجی خود در اواسط دهه ۱۹۸۰ ندارد. تولید گاز طبیعی (از ذخایر ۵۰۰ تا ۶۰۰ تریلیون فوت مکعبی ایران که بعد از اتحاد شوروی در درجه دوم قرار دارد) در چند سال آینده بنحو قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت ولی نخواهد توانست جای نفت را به‌عنوان یک عامل کسب ارز خارجی بگیرد. یک برنامه فعال برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی موفقیت‌های محدودی داشته است ولی این برنامه دچار برهم خوردگی خواهد شد مگر اینکه ثبات سیاسی دوباره

www.takbook.com



برقرار شود.

در نتیجه این دشواریها تولید ناخالص ملی ظرف چند سال آینده احتمالاً نرخ رشد محقرانه‌ای بین ۴ تا ۷ درصد در سال خواهد داشت و برای تجدید ساختار اقتصادی پیشرفت ناچیزی در انتظار است به رغم تأکید کنونی بر روی نیاز به متنوع کردن صنایع این رشته در سال ۱۹۸۵ سهم اندک بیشتری از سهم آن در سال ۱۹۷۷ خواهد داشت.

فشارهای جدی داخلی در نتیجه زیربنای نارسا همچنان مداومت خواهد داشت و کمبود کـارگر متخصص و پرسنل فنی و فقدان قدرت تولیدی در بخش خصوصی و کشاورزی و تورمی که در نتیجه امتیازات اقتصادی که اکنون برای ناآرامی‌های عمومی داده می‌شود بازهم بیشتر تشدید خواهد شد.

در چند سال آینده سیاست‌سازان ایران منابع خود را از برنامه‌های مطلوب اخیر نظامی و هسته‌ای به نیازهای اساسی مانند حمل و نقل و کشاورزی تغییر خواهند داد. در صورتی که چنین تغییرات مهمی در اولویت‌ها در نظر گرفته نشود سهم مواد غذایی تولید شده در داخل ایران از ۷۵٪ کنونی به ۶۰٪ تنزل خواهد کرد و بدین ترتیب افزایش چند برابر در پرداخت‌ها برای واردات مواد غذا و سوبسید قیمت‌ها لازم خواهد شد در جنبه سیاسی برای پیشگیری ناآرامی‌های بیشتر به موازات کاهش انتظارات مردم براثر رشد اقتصادی کاهش یافته جهت‌گیری مجدد لازم خواهد بود، بنابراین در دوران آینده انحطاط تولید نفت این امر مستلزم کاهش ۲۸٪ هزینه‌های بودجه‌ای خواهد بود که اکنون به مصرف دفاع می‌رسد یک چنین کاهشی هنوز ایران را قادر خواهد ساخت تأمین مالی سلاح‌های خود را به‌عهده بگیرد ولیکن نه به مقیاس سالهای دهه ۱۹۷۰

**تشنجات داخلی**

برهم خوردن نظام سیاسی و اجتماعی ایران که مشکلات عظیم را برای شاه در کوتاه مدت بوجود آورده است به زودی ترمیم نخواهد شد. تشنج تا چندین سال مداومت خواهد داشت تحت هر حکومتی که باشد اعم از اینکه شاه باشد یا خیر و و این تشنج بین نیروهای نوسازی و نیروهای سنت‌گرا است و بین نیروهای لیبرالیزه ساختن و نیروهای خودکامگی این دو کشمکش درهم پیچیده است ولی در عین حال از یکدیگر مجزا است یا مثلاً بر سر این که آیا تعهد شدید او برای نوسازی می‌تواند به بهترین وجه از طریق سیاست‌های خودکامانه یا سیاست‌های لیبرال دنبال شود در عذاب است.

در تاریخ ایران حوادثی برای این که هم فرمانروا و هم آنهایی که تحت فرمانروایی قرار گرفته‌اند را متمایل کند که رفتار خودکامانه اعمال کنند و انتظار چنین رفتاری را داشته باشند بسیار فراوان وجود دارد. هر چند نخستین شاهنشاه ایران بیش از ۲۵۰۰ سال پیش تأسیس شد معذالک هیچ‌گونه تجربه واقعی با شکل‌های دموکراتیک وجود نداشته است و هم‌چنین احساس ملیت‌گرایی ایرانی نیز بسیار کم وجود دارد اندیشه جدید یک ملت به‌عنوان یک کشور و دولت در ایران دیر ظاهر شد و آن هم وارداتی از اروپا بود و برای الهام سیاستمداران ایران در اینکه سجایای مشترک استقلال و خود بزرگ‌گرایی را به نفع رفاه عموم بالاتر از همه چیز قرار دهند چندان تأثیری نداشته است. این بی میلی هم‌چنین در نتیجه تنوع وسیع فیزیکی و فرهنگی کشور و در نتیجه توالی فرمانروایان بیگانه از لحاظ تاریخی تقویت شد.

از سوی دیگر در ایران یک سنت برقرار شده درباره یک فرمانروای نیرومند در رأس یک حکومت

www.takbook.com



خودکامه و فرمانبرداری عمومی از هر گامی که اراده خود را با قوه قهریه متظاهر می‌کند وجود دارد مثلاً تجربه شاه کنونی از لحاظ سطحی چنین القا می‌کند که ثبات سیاسی در ایران به بهترین وجه به وسیله حکومت خودکامه تأمین می‌شود و دوران‌های ناآرامی‌های بزرگ سیاسی زمانی پیش می‌آید که فرمانروا به هر دلیلی که باشد قدرت و مقام خود را با دیگران سهیم می‌کند.

از قبیل دوران مصدق در سالهای ۵۳ ـ ۱۹۵۱ یا کوشش‌هایی برای وارد کردن آزادیهای بیشتر از قبیل برنامه لیبرالیزه کردن اواسط سال‌های ۱۹۷۰. در واقع هرچند رفتار سیاسی ایرانیان تنها به کندی تغییر خواهد کرد اشتهای عمومی برای مشارکت در حکومت در نتیجه عواملی نظیر در معرض رسانه‌های جمعی و ارزش‌های غربی و تعلیم و تربیت و زندگی شهرنشینی به اندازه کافی برانگیخته شـده است به‌طوری که هیچ حکومتی این توانایی را نخواهد داشت تا بنحو دائمی به عقب باز گردد.

این کشمکش بین خودکامگی و لیبرال‌سازی آن‌قدر اساسی است که تقریباً حتمی است که ظرف چند سال آینده باعث بی‌ثباتی مداوم خواهد شد و بنابراین مشکلات بزرگی برای شاه یا یک رژیم نظامی یا کشوری که جای آن را ممکن است بگیرد پیش خواهد آورد. دوگانگی فرهنگی که باعث خواهد شد بی‌نظمی در جامعه ایران ادامه یابد تشنجی است که بین نوسازی و سنت‌گرایی بوجود آمده است شاه از پیش‌برندگان اصلی نوسازی سریع بوده است ولی هدف‌های برنامه همچنین مورد پشتیبانی اکثر سران نظامی و سیاستمداران غیر مذهبی است که بسیاری از آنها از مخالفین شاه هستند. نوسازی جامعه آن طوری که شاه آن را پیش می‌برد متمرکز در اصلاحات ارضی و اقتصادی و حقوق زنان و آموزش و پرورش و بهداشت و عمران روستایی بوده است با پیشرفتی در این زمینه‌ها با این حال تغییرات اساسی دیگری نیز بوجود آمده است به ویژه از لحاظ گسترش سریع شهرنشینی و تغییرات در ساخت سنتی طبقاتی و در عین حال غیرمذهبی شدن عمومی جامعه که شاید دیگر برگشت‌پذیر نباشد. اینها همه از لحاظ اجتماعی و سیاسی عوامل برهم زننده بوده‌اند. ناتوانی جامعه ایران در سازش دادن خود به‌طور موفقیت‌آمیز با این تغییرات اجتماعی تا اندازه زیادی ناشی از نفوذ همه‌جانبه مذهب و رهبران مذهبی است. ایران از سایر کشورهای عمده اسلامی به این صورت متمایز می‌شود که جمعیت آن اکثراً تابع فرقه شیعه در اسلام است که یک فرقه مخالف با معتقدات اکثر مسلمانان است. هر چند فرقه شیعه (که در برگیرنده هشت درصد از همه مسلمانان است) برای وحدت دادن به دو گروه بزرگ فرهنگی در ایران یعنی فارس‌ها و آذربایجانی‌ها عامل مؤثری است در عین حال این فرقه مؤمنان را به یک جمود فکری و یک رهبری که بنحو متعصبانه‌ای با هرگونه نوسازی مخالف است وادار می‌کند. اسلام شیعه نه تنها یک مذهب است بلکه همچنین یک نظام همه‌گیر مذهبی، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی و فکری است که همه جنبه‌های زندگی را تحت کنترل خود دارد و رهبران فرقه برخلاف همتاهای خود در اسلام سنی معتقدند که آنها تجلیات خدا را بر روی زمین تکمیل می‌کنند. دهها هزار ملای شیعه هر چند از لحاظ سیاسی خوب سازمان نیافته‌اند تماس مستقیم‌تر و منظم‌تری با توده‌های ایران دارند تا حکومت یا مقامات حزبی. نظریه اینکه ملاها سالها شاهد حذف شدن امتیازات اقتصادی، قضایی، اداری و اجتماعی بوسیله حکومت‌ها و نیروهای نوگرا بوده‌اند به همین جهت آنها اکنون نفوذ خود را برای مهار کردن این گرایش به کار می‌برند. آنها اکنون شاه را به مبارزه طلبیده‌اند ولی تا چند سال بعد آنها نیروی کافی خواهند داشت تا تقاضاهای مشابهی از هر رژیم نظامی یا کشوری که در آنها زیاد مشارکت ندارند بکنند. ما پیش‌بینی نمی‌کنیم که

www.takbook.com



چنان اوضاعی پیش آید که یک حکومت تحت کنترل رهبران مذهبی روی کار آید هر چند احزابی که شالوده‌های مذهبی دارند ممکن است بوجود آید. اگر انتخابات معناداری در سال ۱۹۷۹ یا بعد از آن انجام گیرد سیاست‌مداران برای جلب حمایت روحانیون از فرصت استفاده خواهند کرد.

**نقش منطقه‌ای**

جغرافیا و تاریخ به اتفاق هم‌چنین مقدر ساخته‌اند که ایران برای آینده نامحدودی در روابط خود با همسایگان منطقه‌ای با فشارهایی مواجه خواهد شد. عوامل استراتژیک اقتصادی، سیاسی و فرهنگی همه اینها منافع ایران را از منافع رقابت‌گرایانه اعراب در غرب و افغانی‌ها و پاکستانی‌ها در شرق متمایز می‌سازد. رهبران ایران از هر گرایشی، متوجه می‌شوند که اختیارات آنها در سیاست خارجی و دفاعی منطقه بوسیله نیاز به حمایت از تمامیت ارضی کشور و مسیرهای نفتی و بوسیله علاقه آنها برای متعادل کردن دیدگاه و سیاست‌های ضد ایرانی کشورهای همسایه محدود می‌شود.

نگرانی بلافاصله ایران در سیاست خارجی این است که برتری ایران را در خلیج فارس تأمین کند و این هدفی است که بیم از رادیکالیسم عرب و آسیب‌پذیر بودن میدان‌های نفتی ایران و مسیرهای کشتی آن را بوجود آورده است. در تعقیب این هدف ایران در پی آن بوده است که روابط دوجانبه صحیحی با کشورهایی که به نظر ایران بیشتر احتمال می‌رود این برتری را تهدید کنند از قبیل اتحاد جماهیر شوروی، عراق و عربستان سعودی برقرار کند و ایران کوشیده است که کشورهای عربی خلیج عرب را (مقصود خلیج فارس است ـ م) به یک پیمان منطقه‌ای امنیت دستجمعی علاقه‌مند کنند. عدم اعتماد ریشه دوانده اعراب نسبت به جاه‌طلبی‌های ایران مانع تحقق یک چنینی موافقتنامه چند جانبه شده است و به احتمال قریب به یقین درآینده نیز این چنین خواهد بود، هر چند کشورهای عربی به‌طور انفرادی آمادگی برای عادی ساختن روابط خود با ایران داشته‌اند.

ایران و عراق با نهایت دلسوزی مواد پیمان الجزایر در سال ۱۹۷۵ را که باعث پایان یافتن دخالت ایران در قیام کردها شد و مرز مشترک دو کشور را تعیین کرد، رعایت کرده‌اند و مناسبات دوجانبه احتمالاً برای چند سال آینده ثابت خواهد بود. این ثبات در درجه اول نتیجه بیم رهبران عراق از قدرت نظامی و نفوذ سیاسی ایران و نگرانی آنها درباره فعالیت شورویها در منطقه است ایران به نوبه خود سپاسگزار است از اینکه عراق در حال حاضر نه در مشکلات داخلی ایران مداخله می‌کند و نه اینکه فعالانه می‌کوشد تا به اقدامات براندازی علیه رژیم‌های محافظه‌کار کوچکتر عربی در خلیج بپردازد.

تصمیم عربستان‌سعودی در حفظ منطقه نفوذ خود در قسمت عربی خلیج و سیاست محافظه‌کارانه‌تر آن درباره قیمت‌های نفت و بیم و هراس آن از تحولات داخلی ایران و سیاست یک حکومت احتمالی بعد از شاه نسبت به عربستان سعودی احتمالاً مانع از این خواهد شد که عربستان سعودی مناسبات نزدیکتری با ایران داشته باشد. معذالک نگرانی مشترک هر دو کشور درباره تهدیدهای درک شده از جانب شوروی و اعراب رادیکال احتمالاً آنها را برآن خواهد داشت تا وجوه اختلاف در روابط دوجانبه را به حداقل کاهش دهند.

سیاست دفاعی ایران در منطقه خلیج فارس هدفش ایجاد یک نیروی هوایی آن دارد که از هواپیماهای باکیفیت عالی و آموزش بهتر خلبانی و توانایی بزرگتری در ECM هوابرد و مهماتی از قبیل

www.takbook.com



بمب‌های هدایت‌شونده بوسیله لیزر و موشک‌های هدایت‌شونده بوسیله تلویزیون که در دسترس عراق نیست برخوردار است. نیروی دریایی ایران نیز به مراتب برتر از نیروی دریایی عراق است و می‌تواند به آسانی خلیج فارس را برای کشتیرانی عراق ببندد و می‌تواند بکوشد در عملیات آب خشکی به مقیاس کوچک شرکت داشته باشد. نیروهای زمینی دو کشور بیشتر نسبت به یکدیگر تعادل دارند و هریک از طرفین دارای امتیازات گوناگونی از لحاظ تجهیزات بوده و قادر است به سرزمین دیگری رخنه کند.

آرایش نیروهای زمینی و قابلیت بیشتر تحرک نیروهای عراق می‌تواند در واقع به بغداد یک برتری و امتیاز از لحاظ تعداد در امتداد مرز در مراحل اولیه یک حمله بدهد.

برنامه توسعه نیروی دریایی که در شرف اجرا است اگر تا سالهای دهه ۱۹۸۰ ادامه یابد توانایی ایران را برای ارائه نیروهای خود فراتر از خلیج فارس و به سوی اقیانوس هند و به طرف شبه جزیره عربستان تقویت می‌کند. معذلک علیرغم این افزایش قدرت نظامی، ما معتقدیم که ایران بر طبق سیاست کنونی خود بنحو خویشتندارانه‌ای عمل خواهد کرد. ایران احتمالاً تحت هر حکومت آینده قابل پیش‌بینی، برای کنترل مشکلات امنیتی در میان کشورهای کوچکتر شبه جزیره عربستان تنها در صورتی مداخله خواهد کرد که از آن دعوت شده باشد که چنین کند یا اینکه این مداخله به وسیله کشورهای محافظه‌کار عربی به ویژه عربستان سعودی بدون سروصدا مورد تصویب قرار گیرد کما اینکه ایران در جنگ ظفار در عمان در اواسط دهه ۱۹۷۰ شرکت کرد. همچنین ایران تنها در پاسخ به تهدید مستقیم به امنیت خویش برای بدست گرفتن و کنترل مسیرهای کشتیرانی اقدام خواهد کرد.

عدم اعتمادی که مشخص‌کننده مناسبات بین ایران و افغانستان است عملاً و یقیناً ظرف چند سال آینده در نتیجه آن چیزی که ایران تلقی می‌کند که تره‌کی رئیس جمهور افغانستان با حرکت مداوم به سوی مناسبات نزدیکتری با اتحاد جماهیر شوروی پیش می‌رود عمیق‌تر خواهد شد. یا شاه و یا یک دولت نظامی برای گروههای مخالف افغان پشتیبانی مخفیانه‌ای فراهم خواهند کرد، اگر آنها به این نتیجه برسند که فرصتی برای برهم زدن حکومت چپگرا در افغانستان پیش آمده است ولی به علت مشکلات داخلی ایران و بیم از عکس‌العمل احتمالی شوروی احتمال نمی‌رود که ایران بطور آشکار یا مستقیم دست به مداخله بزند. در سطح دیپلماتیک تهران در پی روابط صحیح با کابل خواهد بود به این امید که رشد نفوذ شوروی را در افغانستان مهار کند. معذالک ایران برای اینکه خود را در مقابل وخیم‌تر شدن دراز مدت اوضاع در افغانستان یا پاکستان مصون بدارد در چند سال آینده خواهد کوشید تا موقع نظامی خود را در منطقه مرزهای شرقی بهبود بخشد. نیروهای محدود ایران در شرق در حال حاضر برای دفاع از هرگونه تهدید نظامی کافی است ولی این نیروها توانایی بیشتری برای فراتر رفتن از مرزهای ایران ندارند.

### جهت‌گیری بین‌المللی

به استثنای رادیکال‌ترین چپ‌گراها و یا تروریست‌ها، رهبران همه گروههای ایران درباره موقعیت ژئوپلتیک ایران بیم دارند. آنها چنین می‌بینند که ایران به وسیله کشورهای اساساً غیردوست و غیرقابل اتکا محاصره شده است و علاوه براین در محاصره یک ابر قدرت که روسیه باشد قرار گرفته است که مصمم است در درازمدت نفوذ منطقه‌ای ایران و ثبات داخلی آن را برهم زند. در نتیجه این درک و پیوندهای وسیع که ایران به همین جهت با ایالات متحده برقرار کرده است هیچ‌گونه جهت‌گرایی محسوس در

www.takbook.com



سیاست ایران نسبت به ابرقدرتها احتمال نمی‌رود که در اواسط دهه ۱۹۸۰ پیش آید.

تمایل ضد کمونیستی شدید شاه و اغلب رهبران سیاسی و نظامی از اشغال ایران در جریان جنگ جهانی دوم و بعد از آن و سالهای اولیه دشوار سلطنت شاه منشأ می‌گیرد. یعنی شورویها به‌عنوان تهدید اصلی به نقش شاه و تمامیت ارضی کشور تلقی می‌شدند. ترس از مقاصد مسکو در سالهای بعد در نتیجه درک ایران از علاقه روسیه به دسترسی به بنادر آبهای گرم در این منطقه و در سالهای بعد از آن نیز براثر نشانه‌های کمبود آینده نفت در اتحاد شوروی همچنان حفظ شد. ایران در اواخر دهه ۱۹۷۰ نگـران فعالیت‌های شوروی در آفریقا و جمهوری دمکراتیک خلق یمن و افغانستان است و از آن بیم دارد که این «محاصره» ایران با کوشش‌هایی برای برهم زدن امنیت پاکستان، همسایهٔ ایران و یا خود ایران ادامه خواهد یافت.

ایران در چند سال آینده اقداماتی در حد امکان برای مقابله با نفوذ شوروی در این منطقه به عمل خواهد آورد ولی برای آنکه منافع خود را نیز حفظ کند در پی آن خواهد بود تا مناسبات عادی هر چند محتاطانه دوجانبه با اتحاد شوروی ادامه یابد. شاه هم‌اکنون نیز با توسعه دادوستد و خرید اسلحه از اتحاد شوروی و با ادامه مبادلات سیاسی در سطح بالا مشوق‌های نیرومندی برای همکاری با اتحاد شوروی فراهم کرده است. معذالک برای متعادل ساختن این مناسبات، ایران همچنین خواهد کوشید تا مناسبات حسنه دوجانبهٔ خود را با چین حفظ کند. ایران در سال ۱۹۷۱ حکومت پکن را به رسمیت شناخت.

شاه و رهبران نظامی ایران اتحاد جماهیر شوروی را بزرگترین تهدید نظامی درازمدت برای ایران می‌دانند هر چند نه آنها و نه ما اوضاع و احوالی را پیش‌بینی نمی‌کنیم که در آن خصومتی بین ایران و شوروی روی دهد. جهت‌گیری تنها یکی از هفت لشکر ایران به سوی مرز شوروی بیان‌کننده این موضوع است که رهبران ایران پی برده‌اند که نیروهای ایران نمی‌توانند بدون مساعدت خارجی، هم‌اکنون یا در آینده حمله شوروی را مهار کنند. یک دفاع قابل اعتماد ایران مستلزم آن خواهد بود که نیروهای زمینی ایران مورد یک تجدید آرایش به سوی شمال قرار گیرند و این ابتکاری است که برای عملی کردن آن چندین هفته وقت لازم خواهد بود و توانایی ایران را در مقابل عراق از بین خواهد برد. در چنین اوضاع و احوالی استراتژی ایران عبارت خواهد بود از استراتژی بازدارندگی، ایران در پی آن است که نیروهای کافی آرایش دهد. برای این منظور که هرگونه اقدام نظامی شوروی را به اندازه غیرقابل قبولی پرخرج سازد و پیوندهای نزدیک خود با ایالات متحده را حفظ کند تا احتمال پاسخ عملی و شدید غرب افزایش یابد.

تمایل شاه به مناسبات نزدیک به ایالات متحده در درجه اول ناشی از پشتیبانی آمریکا در سالهای اولیه سلطنت او و نگرانی‌های امنیتی در مورد اتحاد جماهیر شوروی است. معذالک بر مبنای همین عوامل شبکه‌ای از پیوندها که شامل مطالبی فراتر از فروش تجهیزات نظامی یا سازمان پیمان مرکزی است ایجاد شده است. مثلاً بیشتر تکنولوژی و کالاهای سرمایه‌ای و قسمت بزرگی از واردات مواد غذایی و مساعدت از لحاظ نیروی انسانی، از کشورهای صنعتی غرب و در درجه اول ایالات متحده تأمین می‌شود. علاوه براین تعداد زیادی از ایرانیان در ایالات متحده آمریکا تحصیل کرده و یک نوع نزدیکی فرهنگی نسبت به غرب احساس می‌کنند. غرب به نوبه خود خریدار قسمت اعظم نفت ایران است. هر چند بسیاری از رهبران مخالف غیرنظامی در ایران هواخواه یک سیاست خارجی متعادلتر هستند اهمیت اساسی این

www.takbook.com



مناسبات به احتمال قوی به غیر از یک حکومت رادیکال چپ‌گرا همه حکومت‌های دیگر را از اعمال تغییرات ناگهانی مناسبات ایران و آمریکا منصرف خواهد کرد.

منافع ایالات متحده ظرف چند سال آینده بدون شک در نتیجه کوشش‌های ایران برای بدست آوردن قیمت‌های بالاتر واقعی نفت تحت تأثیر خواهد گرفت. باتوجه به پایین‌تر رفتن سطح تولید در سالهای ۱۹۸۰ هر حکومتی به درآمدهای بیشتر ناشی از قیمت‌های بالاتر نفت نیاز خواهد داشت. معذالک در نتیجه آگاهی ایران در مورد پیوندهای وسیع این کشور با کشورهای صنعتی در همه زمینه‌ها و در نتیجه سیاست‌های معتدلتر بعضی از اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) این هدف با شدت محدودی دنبال خواهد شد. این عوامل پیچیده‌ترکننده ممکن است در ایران یک نوع پذیرش نسبت به میانه‌روی در افزایش قیمت نفت ایجاد کند به ویژه اگر رکود و انحطاط جدی در اقتصاد غرب احتمالی به نظر رسد.

ایالات متحده همچنان فراهم‌کننده عمده تجهیزات پیچیده نظامی و نیروی انسانی آموزش دیده برای ایران برای چند سال بعد باقی خواهد ماند مگر اینکه تغییرات انقلابی و غیر محتمل در جهت‌گیری کشور نسبت به ابرقدرتها پیش آید. ایالات متحده مدتی است عرضه‌کننده عمده اسلحه برای ایران است و باتوجه به اینکه معادل چندین میلیارد تجهیزات هنوز باقی مانده که باید تحویل شود ایالات متحده در سراسر دوران اواسط دهه ۱۹۸۰ عرضه‌کننده عمده اسلحه به ایران باقی خواهد ماند به ویژه برنامه‌های نیروی هوایی و دفاع هوایی تقریباً تماماً متکی به ایالات متحده است و در اواسط سال ۱۹۷۸ تقریباً ۹۵۰۰ آمریکایی در ایران در بخش دفاعی کار می‌کردند. اتکای نظامی ایران به ایالات متحده در واقع به اندازه‌ای حساس است که اگر پشتیبانی ایالات متحده پس گرفته شود نیروهای مسلح ایران احتمالاً قادر نخواهند بود در مقابل عملیات خصمانه تمام عیار بیش از دو هفته دوام بیاورند.

ایران می‌کوشد از طریق متنوع کردن منابع تهیه اسلحه از اتکای خود به ایالات متحده بکاهد و به تولید سلاح‌ها در داخل کشور توسعه بخشد و برای فراهم کردن نیروی انسانی ماهر برنامه‌های جاه‌طلبانه آموزشی به راه بیندازند. هر چند در همه این زمینه‌ها پیشرفت‌هایی حاصل می‌شود، پیچیده‌تر شدن فزاینده سلاح‌های مدرن و تقاضای سریعاً رشد یابنده‌ای برای نیروی انسانی در اقتصاد و امور نظامی باعث خواهد شد که این مشکلات لااقل تا چند سال دیگر هم و غم عمده ایران را در تنظیم سیاست دفاعی و خارجی تشکیل دهند. معذالک نقش ایالات متحده در امور نظامی و اقتصادی ایران ممکن است سریعتر از نقش سیاست خارجی آن به‌طور کلی رو به انحطاط برود و این در نتیجه تعیین حداکثر فروش اسلحه از سوی ایالات متحده و کوشش‌های حکومت ایران برای کاهش دادن یک مسئله جذاب سیاسی برای مخالفان خواهد بود.

### ۴ـ چشم‌انداز برای سالهای ۱۹۸۰

اگرچه رهبران ایران ظرف چند سال آینده با مشکلاتی مواجه خواهند شد که توسط فشار داخلی و خارجی بر روی ایران اعمال می‌شود و این مشکلات بوجودآورنده حدودی کلی خواهند بود که سیاست‌های ایران باید در داخل آن تدوین شود، اما در مورد نوع رژیمی که ممکن است به قدرت برسد و همچنین در مورد پاسخ‌گویی‌های احتمالی آنها نسبت به مشکلات ایران اختلاف‌هایی وجود دارد. اگر شاه

www.takbook.com



و جانشینان منتخب او باقی بمانند ما شاهد یک نظام سیاسی خواهیم بود که در نتیجه حوادث سال ۱۹۷۸ تزکیه شده و تغییر یافته ولی در جهت همان هدف‌های اساسی علیرغم سرعت کاهش یافته آن، باتوجه بیشتر نسبت به مشکلات سر رسنده و تقاضاهای عموم و خلق کار می‌کنند. اگر شاه بر مسند قدرت باقی نماند ما شاهد یک یا چند رژیم دیگر خواهیم بود که به احتمال قوی یک هیئت حاکمه نظامی دست راستی ولی شاید همچنین یک حکومت غیرنظامی با تسلط رهبران مذهبی شیعه یا چپ‌گرایان میانه‌رو غیرمذهبی خواهیم بود. ما تصور می‌کنیم که یک رژیم رادیکال چپ‌گرا کمتر احتمال دارد. هرچند همه این رژیم‌ها ممکن است احتمالاً بکوشند تا پیوندهای ایران را با ایالات متحده به نفع، مقتضیات سیاسی ملی‌گرایانه ایران شل‌تر کنند معذالک تنوع وسیعی در سیاست‌های داخلی و اولویت‌های خارجی آنها وجود خواهد داشت.

**فرمانروایی پهلوی**

ما کمتر احتمال آن را می‌بینیم که شاه داوطلبانه قبل از اواسط سال ۱۹۸۰ استعفا دهد. نظر به اینکه او سالهای سال سرنوشت خود را با سرنوشت ایران یکی قلمداد کرده است، بی‌ثباتی سیاسی کنونی احتمالاً تصمیم شاه را برای برقراری مجدد نظم و کار در راه جانشینی منظم به پسرش رضا ولیعهد ۱۸ ساله تقویت خواهد کرده ولی شاه نرمش‌ناپذیر نیست او آمادگی برای دادن امتیاز به مخالفین با مسئولیت نشان داده است و ممکن است به این نتیجه برسد که نقش خود او و همچنین نقش پسرش بایستی کاهش یابد. برنامه لیبرالیزه کردن سیاسی در واقع از سوی شاه بیشتر به‌عنوان وسیله‌ای برای مشارکت وسیع‌تر (مردم) در فراگرد سیاسی ابداع شده است و او چنین گامی را برای تأمین ثبات در دوران بعد از جانشینی‌اش لازم تشخیص داده است.

اگر شاه و وارثان منصوب او (ترتیبات کنونی نشان می‌دهد که یک شورای نیابت تحت ریاست شهبانو فرح در صورتی که خود او که در نهایت سلامتی است، قبل از سال ۱۹۸۰ هنگامی که ولیعهد ۲۰ ساله باشد بمیرد، تعیین می‌شود) بر مسند قدرت باقی بمانند ما پیش‌بینی می‌کنیم که آنها در چند سال آینده در پی ثبات سیاسی از طریق موازنه امتیازات محدود از لحاظ برنامه لیبرالیزه کردن و نیروی قهریه از جمله حکومت نظامی اگر لازم باشد خواهند بود. علاوه بر این اگر خاندان سلطنتی بر مسند قدرت باقی بماند ما پیش‌بینی می‌کنیم که عناصر اصلی سیاست‌های کنونی شاه درباره نوسازی اجتماعی و عمران و رشد اقتصادی ادامه یابد. این سیاست‌ها معذالک با شدت و سرعت کمتری از گذشته تعقیب خواهند شد و این در نتیجه مشکلات سیاسی و اقتصادی است که در سال ۱۹۷۸ ظاهر شده‌اند. شاه‌رضا یا یک شورای نیابت تحت ریاست فرح به احتمال قوی خواهد کوشید تا یک چهره لیبرال‌تری از شاه کنونی برای خود بسازد و حساسیت آنها در مقابل حملاتی به روش فرمانروایی شاه آنها را وادار خواهد کرد تا کمتر خودکامه بوده و نسبت به نگرانی‌های عمومی پاسخگویی بیشتری داشته باشند. ما کمتر احتمال می‌دهیم که تحت فرمانروایی پهلوی سیاست داخلی در خط تبلیغ شده بوسیله رهبران مذهبی شیعه تغییر جهت دهد.

عناصر اساسی سیاست خارجی و دفاعی ایران نیز بنحو اساسی تحت رژیم سلسله پهلوی تغییر نیافته خواهد ماند. خاندان سلطنتی و ساختار قدرت که از آن حمایت می‌کند از قبیل اشخاص متنفذ در کابینه

www.takbook.com



پارلمان، دیوانسالاری، نیروهای امنیتی و جامعه بازرگانان همگی درباره جهان و منافع ایران یک نظر مشترک دارند این نظر متوجه لزوم تقویت برتری ایران در خلیج فارس بدست آوردن حداکثر درآمد از نفت، مقابله با نفوذ رادیکالهای عرب و شوروی در منطقه به حداقل رساندن بی‌ثباتی در شبه قاره هند و حمایت از مناسبات ایران با ایالات متحده است. معذالک ممکن است بین شاه و وارثان او درباره اجرای سیاست، اختلاف مهمی وجود داشته باشد.

وارثان او یقیناً در ابتدا اعتماد شاه و تجربه او را نخواهند داشت و آنها احتمالاً گستاخی کمتری در پیشنهاد کردن ابتکارات خارجی خواهند داشت و تمایل بیشتر خواهند داشت تا نظریات مشاوران کشوری و لشکری خود و وزارت امور خارجه و مجلس را سبک و سنگین کنند. این فراگرد احتمالاً منجر به اقدام کندتر و قاطعیت کمتر خواهد شد.

**دولت نظامی**

ناآرامی سیاسی که در جریان سال ۱۹۷۸ رخ داده برای نخستین بار بعد از سالها این امکان را بوجود آورده است که شاه ممکن است در زمانی قبل از اینکه به نفع پسر خود کناره‌گیری کند، قدرتش را از دست بدهد. همچنین بلاتکلیفیهای جدید احتمال آن را که در صورت مرگ شاه جانشینی طبق برنامه صورت خواهد گرفت کاهش داده است. جانشینان به نحو گریزناپذیری ضعیف‌تر از خود او خواهند بود و در ابتدا اگر چهره‌های با نفوذ سیاسی و نظامی آغاز به مانور برای رسیدن به قدرت در نتیجه کوتاهی‌های رژیم جدید در تحکیم سریع مواضع قدرت خود بنمایند آنگاه خطر فراخواهد رسید. اگر ولیعهد رضا با شهبانو نتوانند کنترل خود را برقرار کنند سلسله پهلوی به پایان خواهد رسید. علی پسر دوم شاه که ۱۲ ساله است پایگاه مستقل قدرت ندارد هر چند ممکن است دیگران برای اینکه بدست گرفتن قدرت خود را قانونی جلوه‌دهنده از او استفاده کنند. اگر سلسله پهلوی در معرض فشار قرار گیرد تا در قدرت با دیگران سهیم باشد یا اینکه از مسند قدرت کنار گذاشته شود تنها احتمال منحصر به فرد این خواهد بود که نظامیان کنترل را بدست خواهند گرفت هر چند در حال حاضر معلوم نیست که عناصری در میان نظامیان علیه شاه توطئه می‌چینند. افسران ارشد در سپتامبر ۱۹۷۸ انگیزه تصمیم برای تحمیل حکومت نظامی بوده‌اند و ما معتقدیم که در اوضاع و احوال دشوارتر آنها خواهان یک دولت نظامی شده یا در به راه انداختن یک کودتا خواهند کوشید. اگر یک دولت نظامی در دوران بقای شاه ادامه یابد چنین دولتی یقیناً در همه زمینه‌ها به وسیله افسران ارشد با نظریاتی مشابه نظریات شاه رهبری خواهد شد. اگر نظامیان کودتای موفقی به راه بیندازند (و ما در این باره اساس درستی در دست نداریم که برآن مبنا پیشگویی کنیم که کدام واحدها یا افراد ممکن است چنین کوشش بنمایند) امکان دارد که افسران جوانتر با نظریاتی که کمتر قابل پیش‌بینی است به قدرت خواهند رسید.

بیشتر افسران ارشد متوسط ظاهراً بر روی هدف‌های کلی برنامه‌های رشد اقتصادی و نوسازی اجتماعی شاه و همچنین کوشش‌های او برای توسعه و بهبود نیروهای مسلح صحه می‌گذارند. در مورد مسایل داخلی یک رژیم نظامی از دادن امتیازات سیاسی و غیره که مورد تقاضای رهبران مذهبی است، خودداری خواهد کرد. دیدگاه سیاسی نظامیان که عموماً محافظه‌کارانه است و درباره لیبرالیزه کردن سیاسی، شوقی از خود نشان نداده است، باعث خواهد شد که با گروههای مخالف چپگرا سازش نکند. به

www.takbook.com



احتمال قوی بیشتر دولت‌های نظامی بیش از شاه برای سرکوبی ناآرامی‌هایی مانند ناآرامی‌های سال ۱۹۷۸ از قوه قهریه استفاده خواهند کرد و ممکن است بار دیگر کنترل‌های سرکوب‌گرایانه از نوعی که قبل از برنامه لیبرالیزه کردن از سوی شاه و برطرف کردن محسوس‌ترین نقض حقوق بشر، به مورد اجرا گذاشته می‌شد، اجرا شود.

یک رژیم نظامی در چند سال آینده احتمالاً همان هدف‌های شاه را در سیاست خارجی و دفاعی دنبال خواهد کرد ولی باتوجه به آن که فاقد تجربه او است و نسبت به شاه در اواسط دهه ۱۹۷۰، از منابع مالی کمتری برخوردار است با احتیاط بیشتر و سرعتی کمتر عمل خواهد کرد. این امر در یک برنامه محدودتر مانند توسعه نیروی دریایی به سوی اقیانوس هند تجلی خواهد کرد. به قدرت رسیدن رهبران نظامی ممکن است همچنین باعث سؤظن متقابل بیشتری در روابط بین عراق و ایران و اتحاد شوروی و عربستان سعودی بشود. روابط حسنه ایران با این کشورها به‌طور عمده بستگی به تفاهم مساعد رهبران دیگر درباره رهبری شخصی و هدف‌های شاه داشته است و هریک از آنها از روی کار آمدن یک دولت نظامی در تهران بیمناک خواهند بود.

آگاهی در میان نظامیان ایران درباره آسیب‌پذیری ژئوپلتیک کشور و مناسبات نظامی گذشته آن با ایالات متحده شاید حفاظی در مقابل چرخش اساسی در مناسبات با ایالات متحده باشد. علاوه بر این به‌علت اینکه یک رژیم نظامی در درجه اول مورد سوءظن بیشتر همسایگان ایران قرار خواهد گرفت احتمالاً اگر به قدرت برسد در پی داشتن پیوندهای رضایت‌بخش با ایالات متحده خواهد بود. سیاست قیمت‌گذاری نفت یک رژیم نظامی تابع همان ملاحظاتی خواهد بود که شاه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هیچ‌گونه تغییر مهمی در این زمینه احتمال نخواهد داشت. معذالک ممکن است مشکلاتی بین ایالات متحده و یک رژیم نظامی در مورد حقوق بشر پیش آید.

ما کمتر احتمال می‌دهیم که یک افسر نظامی دست چپی افراطی یا ناسیونالیست یا یک گروه مشابهی بخواهد ظرف چند سال آینده کودتای موفقی به راه بیندازد. معذالک اگر چنین رویدادی پیش آید نتیجه اجرای یک سیاست خارجی خواهد بود که در درجهٔ اول بی‌طرف یا ضد بیگانه خواهد بود ولی منجر به فرسودگی تدریجی پیوندهای نزدیک و همکاری با ایالات متحده و غرب می‌شود. رهبران یک چنین رژیمی به احتمال قویتر از میان عناصر جوان افسران ارتش برخواهند خواست و پیوندهایی با گروههای مخالف غیرنظامی از جمله افراطیون خواهند داشت. سازش با چنین گروههایی غیر محتمل به نظر نمی‌رسد ولی ماهیت یک چنین مناسباتی و دامنهٔ مشارکت این گروهها در دولت تماماً وظیفهٔ ایدئولوژی و شخصیت یک رهبر جوان خواهد بود.

### کنترل غیر نظامی

رهبران برگزیدهٔ غیرنظامی کنونی یعنی سیاستمداران دیوانسالاران، بازرگانان و روحانیون و سایر اهل حرفه‌ها موقعیت خوبی برای بدست گرفتن قدرت ندارند مگر اینکه آنها از پشتیبانی شاه یا نظامیان برخوردار باشند. کوشش‌های گذشته برای پیشبرد فعالیت سیاسی با مسئولیت، از سوی حکومت یا مخالفان موفق از آب در نیامده است و نتیجه آن شده است که هیچ حزب سیاسی که خوب سازمان یافته باشد و بتواند رهبری واجد شرایط یا خلقی را به‌عنوان راه دیگری در برابر شاه و نظامیان تشکیل دهد،

www.takbook.com



بوجود نیامده است. جامعهٔ مذهبی یک رهبری بهتر شناخته شده و بیشتر مورد قبول دارد ولی اندیشهٔ به قدرت رسیدن آن بنحو شدیدی مورد مخالفت عملاً همهٔ گروههای نیرومند است. جبهه ملی نزدیکترین چیزی است که در ایران معاصر به یک حزب سیاسی شباهت دارد ولی به سختی می تواند گفت که این جبهه به‌عنوان یک موجودیت سازمان یافته وجود دارد. جبههٔ ملی در درجهٔ اول مرکب از گروهی از پشتیبانی‌های پا به سن گذاشتهٔ مصدق نخست‌وزیر پیشین می‌باشد که سرشناس‌ترین آنها در اواخر دههٔ ۱۹۷۰ کریم سنجابی و مهدی بازرگان بوده‌اند. معذالک اگر این گروه خود را احیا کند و در ظرف چند سال آینده به قدرت برسد احتمالاً در پی اجرای تقاضاهای دائمی خویش برای اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و اداری در داخل و یک سیاست مستقل خارجی با پیوندهای ضعیف‌تری با ایالات متحده خواهد بود. سایر سیاستمداران مستقل از این هم پیروان کمتر و سازمان ضعیف‌تری دارند ولی این سیاستمداران مستقل با اعضای جبههٔ ملی نظرگاههای مشترک دست‌چپی دارند. ما هیچ‌گونه شواهدی از اینکه هر یک از این سیاستمداران غیرنظامی قادر باشند ظرف چند سال آینده یک رهبری جایگزین نیرومند مؤثر داشته باشند در دست نداریم. عنصر رهبری غیرنظامی که دارای وسیع‌ترین پیروان خلقی است و بیش از همه مورد سؤظن سایر رهبران است تا چند سال دیگر روحانیون شیعه خواهند بود. چهره‌هایی مانند آیت‌الله خمینی و شریعتمداری هم‌اکنون نفوذ نیرومندی را بر دولت اعمال می‌کنند و هرکس دیگری که بر مسند قدرت باشد برآنها نیز اعمال خواهند کرد، ولی آنها کمتر شانس آن را دارند که پیروان وسیع خود برای بدست گرفتن کنترل دولت برای خودشان بهره‌گیری کنند. با وجود این نفوذ نیرومند آنها برای مدت زیادی بر جهت‌گیری سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که حکومت‌های غیرمذهبی یا غیرنظامی یا نظامی از آن پیروی می‌کنند ادامه خواهد یافت.

توضیح: نسخهٔ پاکنویس شدهٔ این سند در لانهٔ جاسوسی بدست نیامده است و این ترجمه از روی پیش‌نویس سند به زبان انگلیسی ترجمه شده است.

www.takbook.com



**سند شماره ۶۵**

**تاریخ : ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸ ـ ۲۵ مهر ۱۳۵۷**
**شماره سند: ۱۴۹۵۰**
**طبقه‌بندی : محرمانه**
**از : وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی** **محرمانه**
**به : سفارت آمریکا در تهران ـ فوری**

**موضوع : گردهمایی پیش‌آهنگی.**

۱ـ نمایندگان برجسته پیشاهنگان آمریکا با ادارهٔ امنیت وزارت خارجه و بخش خاور نزدیک ایران ملاقات و موضوع گردهم‌آیی در نیشابور را بررسی کردند. طبق برنامه ۲۵۰۰ پیش‌آهنگ آمریکایی قصد شرکت دارند، گرچه به دلیل مخارج زیاد و عدم ثبات وضع ایران، نیمی ثبت‌نام نکرده و پیش‌آهنگی آمریکا نیز معتقد نیست که می‌تواند به اهداف خود برسد.

۲ـ شورای پیش‌آهنگی آمریکا در مورد مشارکت آمریکا در گردهم‌آیی بحث کرده بود در صورت عدم شرکت آمریکا، گردهمایی احتمالاً تشکیل نمی‌شود. شورای پیش‌آهنگی آمریکا نگران وضع داخلی ایران در آن موقع بوده و کمی هم انتقادهای گروه‌های حقوق بشر و مشکل ترتیب اجازه هواپیما را مد نظر دارد (ناس ـ وزیر مختار آشنایی دارد) شورای پیش‌آهنگی آمریکا برای ترتیبات سفر باید ظرف چند هفته تعهداتی را برعهده بگیرد و در صورت بطلان گردهمایی ۲۰۰ هزار دلار از دست رفته، که از هیچ شرکت بین‌المللی بیمه ابطال را نخواهد توانست بدست آورد.

۳ـ مأمور وزارتی در مورد سوالات خلاصه اوضاع سیاسی ایران حوادث مهم آتی مثل: محرم، پایان حکومت نظامی و انتخابات را بیان کرد. بنظر او پیش‌آهنگان آمریکایی با وضع امنیتی خطرناک مواجه نخواهند شد و عناصر مخالف حتی تروریستها، گروههای ضربه‌پذیری مثل پیشاهنگان آمریکایی را هدف قرار نداده بودند. بعلاوه دولت ایران مطمئناً برای تهیه ترتیبات مؤثر محکم همه‌گونه کوشش را بعمل خواهد آورد. معهذا وزارت تضمین صددرصدی در مورد ابطال گردهمایی در آینده از سوی دولت ایران یا اجرای مراسم بدون مشکلاتی را نمی‌دهد. به نظر ما این کار مثل جشن هنر شیراز نیست.

۴ـ در خاتمه قرار شد سنجشها و توصیه‌های احتمالی سفارت خواسته و براساس آنها اقدام شود. قرار شد سفارت با دکتر حسین بنایی مسئول گردهمایی از سوی ایران برای کسب نظراتش تماس بگیرد و نمایندگان شورای پیش‌آهنگی آمریکا از ما خواستند از طریقه توصیه به انجمن بین‌المللی پیش‌آهنگی نسبت به تعویق آن به سال ۸۳ عمل شود تا دولت ایران بتواند بدون آبروریزی خود پیشقدم برای تعویق گردهمایی شود. گردهمایی می‌تواند سال آینده در سوئد تشکیل و با این شرایط سفارت با بنایی تماس نگیرد تا تصور فشار آمریکا پیش نیاید. قول تماس داده شد و متأسفانه به علت کمی وقت مجبور به نصیحت شورای پیش‌آهنگی آمریکا پیش اطلاعات ۱۹ اکتبر شده‌ایم.

کریستوفر

www.takbook.com



**سند شماره (الف) ۶۵**

**تاریخ : ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸ ـ ۲۵ مهر ۱۳۵۷**

**طبقه‌بندی : محرمانه**

**شماره سند : ۱۰۱۰۱**

**از : وزارت امور خارجه واشنگتن. دی. سی.**

**به : سفارت آمریکا در تهران ـ فوری**

**موضوع : گردهمایی پیش‌آهنگی.**

۱ـ ایران وارد یک مرحلهٔ ناآرامی سیاسی و امنیتی قابل ملاحظه گردیده که محتملاً تا ژوئن آینده که وعدهٔ انتخابات پارلمانی داده شده ادامه دارد. در این وضع ممکن است تغییراتی حاصل بشود یا عوامل جدیدی وارد صحنه شوند ولی به هر حال مشکل بتوان وضع داخلی سیاسی امنیتی را در جولای ۷۹ پیش‌بینی نمود. برگزاری گردهمایی پیش‌آهنگی برای اولین بار در ایران نیاز به پول و انرژی به مقادیر زیادی دارد و احتمال به مخاطره افتادن آن در آخرین لحظات برای مسایل امنیتی و غیره را نمی‌توانیم ندیده بگیریم. بنابراین سفارت نمی‌تواند پیش‌بینی کند. که اوضاع برای برگزاری گردهمایی رضایت‌بخش است.

۲ـ بدیهی است این تصمیم بستگی به پیش‌آهنگی آمریکا دارد، بنظر ما عاقلانه است با نمایندگان دولت ایران صحبت کرده و نه تنها با دکتر حسین بنائی، بلکه با هر شخص مسئولی که در امور تدارکات اداری، فنی و امنیتی برگزاری گردهمایی مؤثر است، صحبت شود. بی‌پرده بگوییم، بنظر ما با اوضاعی که پیش‌بینی می‌کنیم از اکنون تا ژوئیه آینده در ایران حادث شود، این طرح فوق‌العاده بلندپروازانه است. و با امکان تغییرات پرسنلی وزارتی و دولتی، ممکن است تکمیل به موقع تدارکات اداری در خود آنها مشکل باشد. فشارها و تأکیدها به مصادر امر ممکن است دولت را از نیمه راه فعالیتش به انصراف رأی وادارد. معهذا سفارت یا دولت آمریکا نباید تصمیم‌گیرنده برای پیش‌آهنگی آمریکا و ایران باشند. مطالب یادشده بیانگر بهترین سنجش وضعیت توسط مقامات سفارت است.

**سولیوان**

www.takbook.com



## سند شماره ۶۶

**تاریخ : ۱۸ اکتبر ۱۹۷۸ ـ ۲۶ مهر ۱۳۵۷** **طبقه‌بندی : محرمانه**

**از : سفارت آمریکا در تهران**

**به : وزارت امور خارجه ـ واشنگتن**

**موضوع : گزارش سیاسی ـ امنیتی، تاریخ ۱۸ اکتبر ۱۹۷۸**

خلاصه: یک نمایندهٔ مخالف در ۹ مورد از دولت شریف‌امامی شدیداً انتقاد کرد. نخست‌وزیر در جلسه غیرعلنی مجلس از سیاستهای دولت دفاع خواهد کرد. سنجابی رهبر جبهه ملی اظهار داشت که رژیم سلطنتی اگر مطابق قانون اساسی باشد مورد مخالفت نیست. خمینی از کارتر به خاطر بی‌اعتنایی به زیرپا گذاشتن حقوق بشر در ایران انتقاد کرد. ۳۴۰ استاد ایرانی از رئیس جمهور فرانسه درخواست کردند که محدودیتها را برای خمینی حذف کند. نصیری، رئیس پیشین ساواک برای پاسخگویی به موارد اتهام فساد و سوءاستفاده از مقام، به تهران بازگشت. مقامهای دولت ایران اعلام کردند که اکثر زندانیان سیاسی در دو هفته آینده آزاد خواهند شد. انجمن قلم آمریکا از روزنامه‌نگاران ایرانی به خاطر اعتصاباتشان حمایت کرد. آیت‌الله دستغیب پس از دو ماه بازداشت در شیراز آزاد شد. هیچگونه گزارش جدیدی از برخورد بین نیروهای امنیتی و تظاهرکنندگان نیست. دو دانش‌آموز آمریکایی که به طور اتفاقی با تظاهراتی در اصفهان برخورد کردند ترسانیده شدند و به طرف یکی سنگی پرتاب شد. مجموع کشته‌شدگان از تاریخ ۱۶ اکتبر تاکنون ۱۲ نفر هستند. (پایان خلاصه).

۱ـ نمایندهٔ مجلس عباس اخباری ـ دیروز سیاستهای دولت را به باد انتقاد گرفت، و یک هفته برای پاسخگویی به دولت فرصت داد. مجلس در تاریخ ۲۲ اکتبر جلسه‌ای غیرعلنی تشکیل خواهد داد و به دیگر سوالات و مخالفت‌های مطرح شده توسط نمایندگان مجلس رسیدگی خواهد کرد. هنوز معلوم نیست که چه موقع مجلس در مورد انتقادات اقدام خواهد کرد. اخباری در ۹ مادهٔ قطعنامه‌اش، به خاطر متوقف نکردن کشتار در ایران و زیرپا گذاشتن امنیت رهبران مذهبی، به دولت حمله کرد. وی سوال کرد، چرا مسئولینی که خمینی را به تبعید فرستاده‌اند، هنوز به مجازات نرسیده‌اند، و در گزارشش اظهار داشت که دولت ایران بر عراق، کویت و فرانسه فشار وارد آورده است که آزادی را از خمینی سلب کنند. دولت اجازه داده است که درآمد نفت، در نتیجه تنزل دلار کاهش یابد، دولت اجازه داده است که کنسرسیوم نفت ثروت ملی را به یغما ببرد، و درآمد نفت را در جریان پروژه‌هایی چون جزیرهٔ کیش از بین برده است. از مواردی که وی به عنوان نقطه ضعف دولت، به آن حمله می‌کرد، از جمله آزادی تشکیل اجتماعات، آزادی مطبوعات و استقلال دانشگاهها بود. دولت فعلی نمی‌تواند ملت را آرام کند به دلیل اینکه عوامل زیادی از وابستگان دولت ظالم قبلی وجود دارند، برای مثال ـ دولت موفق نشده هویدا را تحت تعقیب قرار دهد ـ زیرا هویدا در زمان فساد و تباهی کشور، رئیس دولت بوده است، بالاخره دولت سعی کرده است اشتباهات دولت قبلی را با افزایش بیش از حد معمول حقوق‌ها جبران کند. که این موضوع فقط به تورم می‌افزاید.

۲ـ کریم سنجابی ـ رهبر جبهه ملی در مصاحبهٔ خود متذکر شد که وی هیچگونه مخالفتی با رژیم سلطنتی که مطابق با قانون اساسی باشد ندارد. همچنین وی گفت دولت مجبور است که بین دموکراسی حقیقی و حکومت نظامی، یکی را انتخاب کند. موقعیتی دیگر وجود ندارد.

www.takbook.com



۳ـ آیت‌الله خمینی ـ در مصاحبه‌ای که در تاریخ ۲۱ سپتامبر با خبرنگار فرانسه انجام داد و در تاریخ ۱۷ اکتبر روزنامه لوموند آن را منتشر کرد. وی از کارتر به خاطر زیرپاگذاشتن حقوق بشر در ایران انتقاد کرد، و افزود کارتر به سیاست شوروی اعتراض کرد، اما شاه را پس از کشتار ۸ سپتامبر (۱۷ شهریور) مورد حمایت قرار داد. مطبوعات گزارش دادند که ۳۴۰ تن از استادان ایرانی از ژیسکاردستن رئیس جمهور فرانسه تقاضای لغو مقررات دست و پاگیر برای خمینی کردند.

۴ـ نصیری، رئیس پیشین ساواک ـ در تاریخ ۱۷ اکتبر به تهران بازگشت، انتظار می‌رود که وی برای پاسخگویی به موارد اتهام فساد و زیرپاگذاشتن حقوق بشر به ایران آمده باشد. نصیری با خبرنگاران و نیز دست‌اندرکاران در باب این مسایلی که تقریباً واضح و روش نیستند، صحبتی نکرده است.

۵ـ مقامهای دولتی دیروز اعلام کردند که قسمت اعظمی از زندانیان سیاسی در دو هفته آینده آزاد خواهند شد. دولت زندانیان سیاسی را به دو گروه تقسیم کرده است. آنهایی که به خاطر عقاید سیاسی و فعالیتهای سیاسی به زندان افتاده‌اند و یا آنهایی که به خاطر عملیات تروریستی دستگیر شده‌اند، اولین گروه ممکن است که آزاد شود. آزمون، وزیر کشور در امور اجرایی گفت، تروریست‌ها بخشوده نخواهند شد، اما بعضی از گزارشات دلالت می‌کند که حکم صادره ممکن است شامل فرجام‌خواهی بشود. آزمون گفت ـ همه کسانی که عمل آنها مطابق با قانون اساسی بوده است، آزاد خواهند شد. مطبوعات گزارشات پراکنده‌ای از اعتصاب غذا ـ بین زندانیان سیاسی ـ نقل کرده‌اند. ظاهراً در چند روز گذشته زندانیان شیراز و تبریز نیز دست به اعتصاب غذا زده‌اند و به دیگر اعتصابیون و زندان قصر و کرج تهران پیوسته‌اند، یکی از قضات دادگاه تهران نیز دست به اعتصاب غذا زده است، که این امر به علت اعتراض به بازداشت موقت و غیرقانونی سه تن از قضات است که آنها را روز یکشنبه در حال خارج شدن از وزارت دادگستری دستگیر کردند.

۶ـ مطبوعات گزارش می‌دهند که انجمن قلم آمریکا که شامل ۱۶۰۰ نویسنده است از روزنامه‌نگاران ایرانی به خاطر اعتصابات اخیرشان حمایت کردند.

۷ـ آیت‌الله حاج سیدجواد دستغیب در تاریخ ۱۷ اکتبر از بازداشت آزاد شد، وی دو ماه پیش در شیراز دستگیر شده بود.

۸ـ هیچگونه گزارش جدیدی از تظاهرات خشونت‌آمیز نیست، مجموع کشته‌شدگان از تاریخ ۱۶ اکتبر تاکنون ۱۲ نفر هستند، کرمان کشته‌های بیشتری از آنچه که گزارش شده بود داشت، ولی درگیری‌های آنجا از همه جا چشم‌گیرتر بود. گزارش می‌شود که جمعیتی در حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر به شبستان مسجد در حین اجرای مراسم حمله کردند، و موتورسیکلت‌ها را به آتش کشیدند، و عکسهای خمینی را سوزاندند، و به مسجد خساراتی وارد کردند و به نمازگزاران حمله‌ور شدند.

۹ـ در صبح روز ۱۸ اکتبر در اصفهان حادثهٔ جزیی ضدآمریکایی اتفاق افتاد، دو دختر دبیرستانی آمریکایی که به مدرسه می‌رفتند، در بین راه به طور اتفاقی، در سر راه گروهی از تظاهرکنندگان که در حدود ۴۰ ـ ۵۰ نفر بودند، قرار گرفتند، موقعی که جمعیت شروع به فریاد کشیدن کردند، آنها دویدند، یکی از آنها مورد اصابت سنگ از میان جمعیت قرار گرفت، و جمعیت به راه خود ادامه داد. بدون اینکه آنان را تعقیب کند. این حادثه دخترها را وحشت‌زده کرد، اما جمعیت بجز شخص پرتاب‌کنندهٔ سنگ بیشتر به فکر ادامه راه‌پیمایی خود بودند تا دنبال کردن و مجروح نمودن آمریکایی‌ها.

www.takbook.com



**سند شماره ۶۷**

**تاریخ : ۱۹ اکتبر ۱۹۷۸ ـ ۲۷ مهر ۱۳۵۷**
**طبقه‌بندی : محرمانه**
**از : سفارت آمریکا در تهران**
**به : وزارت امور خارجه ـ واشنگتن**

**موضوع : نظری به پیش**

۱ـ خلاصه، در حالی که هنوز بسیار زود است که پیش‌گویی‌های مشخصی بشود، نشانه‌های تشویق‌کننده‌ای در دست است مبنی بر اینکه بحران ایران از مرحله تب‌آلود گذشته و چشم‌اندازهایی برای راه‌حل سازنده گشوده است معذالک تعدادی از نقاط خطرناک دیگر بین حال حاضر و انتخابات عمومی که برای ماه ژوئن آینده پیش‌بینی شده است در پیش است. (پایان خلاصه).

۲ـ با گذشت بدون حادثه روز عزاداری جهت قربانیان حکومت نظامی در ۱۶ اکتبر و حل اختلافات کارگری اخیر و تبعید آیت‌الله خمینی به پاریس و نشانه‌های تحکیم حکومت شریف‌امامی اوضاع سیاسی در ایران اندکی تسکین یافته است. معذالک با توجه به اینکه حکومت نظامی کنترل همه مراکز بزرگ جمعیتی را در دست دارد قرائت و کشف رمز عمق این حالت آسودگی واقعاً ممکن نیست.

۳ـ چهره‌های سیاسی در میان مخالفین که کوشیدند بر امواج نارضایی عمومی به رهبری آیت‌الله خمینی و ملاها سوار شوند اندکی از جاه‌طلبی‌های خود کاسته‌اند در حالی که دو یا سه هفته قبل بیشتر این سیاستمداران علناً خواستار برکناری شاه بوده‌اند و بیشتر آنها اکنون اعلام می‌دارند که لزوم ادامه رهبری شاه را می‌پذیرند هرچند در چهارچوب یک جامعه دمکراتیک طبق قانون اساسی باشد. همین چهره‌ها همچنین به نحو بی‌سروصدایی آغاز کرده‌اند که تا خود را از خمینی کنار بکشند و خواستار خویشتنداری از ملاها بشوند.

۴ـ این تغییر موضع تااندازه‌ای ممکن است جنبه تاکتیکی داشته باشد و منعکس‌کنندهٔ کمبود شوق و حرارت در رویارویی با حکومت نظامی باشد. معذالک آنچه اساسی‌تر است این است که این تغییر وضع ممکن است انعکاس این درک باشد که در صورتی که اوضاع متلاطم فروکش نکند و چشم‌انداز یک حکومت لیبرال‌شده «جبهه ملی» در اوضاع و احوال کنونی از بوجود آمدن یک رژیم نظامی سرکوبگر کمتر متحمل است. در این انعکاس این مسئله که تنها شاه می‌تواند از تحمیل یک دولت نظامی جلوگیری کند و این که حیثیت و اعتبار مداوم او برای خویشتنداری ضروری است، کاملاً ثابت است.

۵ـ بنابراین همین رهبران در حال حاضر در جستجوی راهی برای شرکت در ساخت حکومتی هستند و آنچه ایده‌آل است اینکه آنها مایلند مأموریت دولتی به آنها داده شود و کابینه را به دست بگیرند. مثلاً مردانی نظیر علی امینی که قبلاً «خواستار بود» که سمت نخست‌وزیری به او با اختیار تام بر نظامیان داده شود اکنون می‌گویند که با کنترل حکومت بدون اختیارتر نظامیان راضی هستند و رهبری نظامیان را مستقیماً به عهدهٔ شاه واگذار خواهند کرد. مخالفان متواضع‌تر و واقع‌گرای دیگر صحبت از «حکومت ائتلافی» می‌کنند.

۶ـ به احتمال نزدیک به یقین کمتر شانسی وجود دارد که شاه سیاستمداران جبهه ملی را وارد کابینه کنونی کند مگر اینکه این سیاستمداران نشان بدهند که آنها به طور اصیلی از پشتیبانی سیاسی مردم از

www.takbook.com



طریق محک یک انتخابات آزاد برخوردارند. شاه خاطرنشان ساخته است که ترجیح می‌دهد شریف‌امامی را حفظ کند و شاید جزیی تغییراتی در کابینه بدهد تا زمانی که انتخابات ماه ژوئن فرا رسد. مبارزه‌طلبی او در مقابل مخالفان این است که در این انتخابات به رقابت بپردازند. و نشان بدهند که آیا می‌توانند شایسته به عهده گرفتن مأموریت یک حکومت یا شرکت در ائتلاف یا حتی مشارکت جزیی در حکومت باشند یا خیر.

۷ـ البته مخالفان این موضع را پیش کشیده‌اند که انتخابات آزاد نخواهد بود و اینکه اگر هدفهای خود را به تعویق بیندازند و تا ماه ژوئن آینده صبر کنند جاه‌طلبی‌های آنها از میان خواهد رفت. از سوی دیگر شاه اطمینان خود را درباره انتخابات آزاد تکرار می‌کند و این اندیشه را القا می‌کند که مخالفان در جستجوی آنند تا از نمایش ضعف خودشان اجتناب کنند. اخیراً نشانه‌هایی به دست آمده که گفت‌وشنودهایی آزمایشی و موقتی و غیرمستقیم درباره انتخابات بین مخالفان و وفاداران شکل می‌گیرد. یکی از مخالفان برجسته به سفیر گفته است که او حاضر است برای تهیه یک «منشور انتخاباتی» با حکومت همکاری کند و حدود انتخابات آزاد را مشخص کند و زمینه را برای ناظران بین‌المللی و تضمین‌های مشابه فراهم کند.

۸ـ در ضمن ستارهٔ خمینی ظاهراً رو به افول است. اظهارات علنی خمینی در فرانسه ماهیت مبهم و قدیمی مفهوم‌های سیاسی او را نشان داده است. این واقعیت که خمینی از صحنه بسیار دور است و در یک کشور مسیحی واقع شده است ممکن است نفوذ او را در اینجا به فرسایش رساند. آیت‌الله‌های قم ظاهراً دارای احساس اعتماد به نفس بیشتری هستند و در مرحلهٔ مذاکره و تفاهم با حکومت قرار گرفته‌اند که منجر به وفاداری آنها به شاه خواهد شد.

۹ـ ترتیبات تهیه شده بین حکومت و مطبوعات منتج به برقراری یک مطبوعات آزاد شده است که ممکن است آن را اصالتاً مستقل نامید. اگر مطبوعات در چنین اوضاع و احوالی مسئولانه رفتار کنند، کار بزرگی را برای نیشتر زدن و بار کردن جوشهای سوءظن عمومی که از شایعات ناهنجار سرچشمه گرفته است، انجام خواهند داد. اگر مطبوعات در آینده آزاد و مسئولیت‌دار باشند، چنین اکاذیبی، که تقریباً همه آن را می‌پذیرفتند مبنی بر این که سربازان اسرائیلی مسئول حوادث قتل‌عام میدان ژاله بوده‌اند، نباید متداول شود.

۱۰ـ معذالک مشکلات دردسرداری در پیش است حل مسئله اعتصابات مستلزم هزینه‌های فوق‌العاده‌ای بوده است که با در نظر گرفتن دستمزد و مزایا مبلغ ۳/۵ تا ۴/۳ میلیارد دلار برای دوران ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۸ تا ۲۰ مارس ۱۹۷۹ آغاز می‌شود هم‌اکنون نیز با ۱۰/۵ درصد اضافه دستمزد سنگین شده است که مبلغ ۳ میلیارد دلار در همان سال اضافه پرداخت خواهند داشت هزینه‌های دستمزدی مشابهی در بخش خصوصی یقیناً مارپیچ تورمی سالهای ۷۷ـ۱۹۷۶ را مجدداً برقرار خواهد کرد. اگر تا اوایل سال ۱۹۷۹ کالا برای ارضای این تقاضای قدرت خرید در دسترس نباشد، هنگامی که طبق برنامه، حکومت نظامی قرار است برچیده شود مشکلات جدیدی برخواهد خاست.

۱۱ـ مسئله دانشگاهها هنوز لاینحل مانده است وزیر آموزش عالی استعفا داده و لایحهٔ خودمختاری دانشگاه «برای مطالعه بیشتر» پس گرفته شده است. یافتن شخصی که حاضر باشد پست وزارت آموزش عالی را به عهده بگیرد بسیار مشکل است و در مورد این که کسی پیدا شود که به اندازهٔ کافی برای دانشگاهها قابل قبول بوده و گشایش مجدد آنها را تأمین کند تردید فراوانی وجود دارد. این تااندازه‌ای

www.takbook.com



بدان جهت است که تقاضای دانشگاهیان درهم و برهم است. از یکسو ملیون مذهبی قرار دارند و از سوی دیگر مارکسیستها و علاوه بر این هستند اشخاصی که خواهان خودمختاری دانشگاه بوده و همچنین هیئت مدرسین دانشگاه که خواستار بهبودهایی در حقوق و دسترنج خود هستند.

۱۲ـ نظامیان پیچیدگی ویژه‌ای را از خود نشان می‌دهند. هرچند رهبران آنها وفاداری خود را به شاه حفظ کرده‌اند معذالک این واقعیت را پنهان نمی‌دارند که به عقیدهٔ آنها شاه «گذشتهای» بیش از اندازه‌ای را از خود قائل می‌شود. آنها ترجیح می‌دهند یک مشی خشن‌تری مانند دستگیری «ناراضیان» و پافشاری بر احترام بیشتر به «نظم و قانون» در پیش گرفته شود. نظامیان این نقطه‌نظر را به طور مداوم با شاه در میان می‌گذارند و تا مدتی بر نظریات شاه به علت اطلاعاتی که مورد توجه شاه قرار می‌دهند، نفوذ خواهند داشت. نظامیان به ویژه هنگامی که تقلیل بودجهٔ دولت بر خرید اسلحه اثر سنگینی داشته باشد سخت ناراحت خواهند شد. در مرحلهٔ کنونی هنوز نشانه‌ای از آغاز عدم وفاداری یا آثار جزیی از احتمال یک کودتا وجود ندارد ولی شاه در حالی که به سوی پیش گام برمی‌دارد روشن است که باید به ناراحتی‌های نظامیان توجه ویژه مبذول دارد.

۱۳ـ علاوه بر این مشکلات کم و بیش اساسی، خطرات احتمالی عاطفی نیز که از جانب مذهبیون برمی‌خیزد همچنان حضور دارد ایام محرم که روزهای عزای شیعیان است مصادف خواهد بود با نیمهٔ اول ماه دسامبر این دوران پرتشنج سنتی ممکن است فرصتهایی برای زدوخوردها بین مسلمانان مبارزه‌جو و نظامیان پیش آورد.

۱۴ـ سرانجام، مشکلات روانی و جسمی که در ذات فراگرد «کاهش فشار» از یک دوران حکومت نظامی باشد نیز وجود دارد. هر چند حکومت تقاضای مجوز برای ۶ ماه حکومت نظامی از پارلمان کرده و چنین مجوزی دریافت کرده است معذالک همهٔ آنها جداً امید دارند که در حدود پایان ماه دسامبر اگر اوضاع آرام بماند می‌توانند بساط این حکومت نظامی را شاید شهر به شهر برچینند تا در اوایل سال ۱۹۷۹ به حکومت غیرنظامی بازگرداند. اگر این فراگرد منجر به دور جدیدی از آشوبها و بی‌قانونی‌ها شود تمامی برنامه لیبرالیزه کردن در معرض خطر جدی قرار خواهد گرفت.

۱۵ـ بدین ترتیب هشت ماهی که بین حال حاضر و انتخابات وجود دارد دوران بسیار پیچیده‌ای برای شاه و حکومت او برای مذاکرات موفقیت‌آمیز خواهد بود. رسیدن به روح همکاری دمکراتیک در آستانه انتخابات که باید آمادهٔ انجام انتخابات ملی با حسن نیت و نزاکت باشد، شاید در چنین محله‌ای از تحول سیاسی ایران تقاضای بیش از اندازه باشد. میل به چنین مرحله‌ای در شرایط صلح و آرامش داخلی نیاز به پیشگیری‌های بیشتر از آنی خواهد داشت که ظرف هفتاد سال اخیر نشان داده شده است. بنابراین حتی اگر هم آشوبهای جاری فروکش کند نباید چنین تصور کرد که این هدف بدست آمده است. معذالک هدف مزبور یک هدف لایق برای نیل به آن است و هنوز هم از دیدگاه محو نشده است.

**سولیوان**

www.takbook.com



## سند شماره ۶۸

**شماره سند : ۱۰۴۲۱**
**از : سفارت آمریکا در تهران**
**به : وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.**
**طبقه‌بندی : محرمانه**
**تاریخ : ۲۵ اکتبر ۷۸ ـ ۳ آبان ۱۳۵۷**

**موضوع : سیاستهای سنتی ایران علاجی برای آینده**

**خلاصه : بازگشت به سیاست سنتی شانس خوبی برای رژیم فعلی در جهت بسیج حمایت لازم بین مردم است.**

۱ـ امیر طاهری سردبیر روزنامه کیهان بهترین مفسر روزنامه‌نگاری در صحنهٔ امروز ایران است. در ملاقاتی تحلیل جالبی از وضع و راه‌حل آن ارائه داد که به طور خلاصه اعتقاد به عدم وجود یک ریشه کلی در مخالفتها داشته و نارضایی عمومی را در اثر شکایات گوناگون و گرفتاری‌ها می‌داند. نتیجتاً دولت باید بسیج منابع انسانی خود را برای جلب حمایت در میان سازمان‌های ایرانی که در هر محلی مسئول هستند با مشکلات ملی شروع کند. دست‌اندرکاران دولت بایستی به مسایل سنتی سیاسی ایران آشنا شده و با سیاسیون سنتی ارتباط برقرار کند. هویدا این مطلب را درک کرده و کنترل می‌کرد. آموزگار نتوانست و قطع کمک و دیگر اقدامات اقتصادی او هیچ کمکی به مشکل فعلی نکرد.

۲ـ طاهری می‌خواست به اعضای دولت پیام دهد ولی اعضای دولت شریف‌امامی را نمی‌شناخت، هرچند اردشیر زاهدی را در سفر اخیرش دیده بود ولی فرصت صحبت نیافته است. زاهدی یک سیاستمدار اساساً فعالی است که به دلیل معلومات عمومی نامتناسب با تحصیلات رسمی‌اش امکان برقراری ارتباط به شیوهٔ سنتی با ایرانیان را بنا به گفته طاهری دارد. طاهری گفته که با وجود شهرها و ایالات دست‌نخورده‌ای که از سوی مخالفین فتح نشده است، بایستی شروع کرد. حوادث کوچکی که منجر به قتل مردم در اثر ناآرامی شده و به نفع مخالفین تمام شده است. افراد خوب اعضاء مجلس، استانداران، فعالین حزب رستاخیز، و دیگران که وفادار به شاه هستند، و تقاضای ادامه کاری را دارند. دولت باید با آنها تماس گرفته و پس از متمرکز کردن آرامش در تهران و استفاده از شبکهٔ وکلای مجلس (حدود صد یا ۱۱۰ نفرشان نفوذ محلی داشته و در انتخابات آزاد قابل انتخابند) و رؤسای مختلف، به شیوهٔ سنتی ایران عمل کند. شاه در سالهای ۶۲ ـ ۶۳ فعالیتهای سیاسی را منع کرده و احزاب سیاسی را ممنوع کرد، تا موفق به شکستن سازمان بازار گردد و غیره ...

۳ـ ضمن تماس تصادفی با یکی از دوستان مورد اعتماد شریف‌امامی، سناتوری با روابط سیاسی طولانی در تهران که بدون رضایت پس از ۱۵ ـ ۱۸ سال فعالیت سیاسی بازنشست شده او نصیری، هویدا، و علم را به خاطر حصارکشی دور شاه و قطع ارتباطش سرزنش کرد. نصیری ۱۵ سال پیش به او گفته بود که افراد زیادی دوروبر خانهٔ او پرسه زده، ایجاد خطر کرده و بایستی از این کار جلوگیری کند. ایشان از بازنشستگی خارج و از کار در کابینه سرباز زده و در پشت صحنه فعالیت دارد. او گفت طرح جاری شناسایی مردم (فقیر، ستمدیده) جنوب تهران و نام‌نویسی آنها جهت توصیه ملاقات با نخست‌وزیری است. به نظر او و نخست‌وزیر استفاده از اعضا مجلس برای بسیج حمایت میسر است. به گفته طاهری او

www.takbook.com



نیاز به بسیج ایالات منجمله تهران را برای رهبری، راه مناسبی تشخیص داده است.

۴ـنظریه: تحلیل و راه‌حل طاهری احتمالاً همان است که در ذهن هویدا طی مذاکراتش با سفیر بوده و سیاستمداران سنتی ستون فقرات حمایت سیاسی از شاه بوده‌اند (مثل سال ۱۹۵۰). در حالی که رجعت کلیه سیاسیون پیر را (که شاه آنها را سد راه انقلاب سفید تلقی می‌کرد) انتظار نداریم تعدادی از آنها به انضمام رهبران جدید سیاسی (و شاید جوان) احتمالاً شانس بهتری برای بسیج اکثریت ساکت در این کشور دارد. تا کوشش‌هایی برای ایجاد احزاب سیاسی شبه غربی بزرگ جدید بعمل آید.

سولیوان

www.takbook.com



**سند شماره ۶۹**

**تاریخ : ۲۵ اکتبر ۷۸ ـ ۳ آبان ۱۳۵۷**
**طبقه‌بندی : استفادهٔ محدود اداری**
**از : وزیر امور خارجه**
**به : سفارت آمریکا در تهران**
**موضوع : تفسیر ترنر در مورد ایران (رئیس سیا در آن وقت ـ م)**

مطالب زیر عیناً تفسیر آدمیرال ترنر دربارهٔ ایران است :

سؤال: به اندازهٔ کافی خبر از ایران که یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان نفت ما است به این کشور می‌رسد. مشکلات زیادی وجود دارد و درگیری‌های زیادی اتفاق افتاده است. تصور می‌کنم که اولین سؤالی که باید پرسیده شود این است که آیا C.I.A، اثری از روسها را در پشت این جریانات کشف کرده است؛ هرگونه حرکت از سوی شوروی به منظور داخل شدن و سوءاستفاده از موقعیت و یا چیزی در آن زمینه؟

(جواب) رئیس ترنر : خوب، من فکر می‌کنم موقعیتی که شاه اکنون در آن قرار گرفته موقعیتی بسیار مشکل است. وی به طور خالصانه‌ای سعی داشته است در مدت زمان طولانی کشور را به سوی آزادیخواهی و مدرنیزه شدن راهنمایی کند. در ماههای اخیر وی با مقاومت قابل ملاحظه‌ای از طرف نیروهای راستگرای محافظه‌کار در کشورش روبرو شده است. به هر حال، در نتیجهٔ این اوضاع هستهٔ کوچکی از کمونیستهای چپ‌گرا سعی کرده‌اند از این موضوع امتیازاتی بدست آورند و از این آشفتگی راستگرایان به نفع خود استفاده کنند. من مطمئن هستم که تا هر درجه‌ای باشد، کم‌وبیش تأثیر شوروی‌ها در پشت این جریان وجود دارد. اما من فکر می‌کنم فرصت‌طلبان می‌خواهند از اختلافات و نارضایتی داخلی کشور در جهتی که شاه می‌رود سوءاستفاده کنند. اما من ...

سؤال: آیا شما به طور مشخص هیچ روسی می‌بینید، پول تازهٔ شوروی و حرکت جاسوسان تازه شوروی به داخل کشور برای گسترده کردن و استفاده کردن از موقعیت؟

(جواب) ترنر : نه، من آن را ندیده‌ام، من بسیار راضی هستم که شاه به تلاش آزادسازی خود ادامه می‌دهد و همان‌طوری که شما می‌دانید، حادثهٔ بزرگ طبق قولی که او داده است ـ ژوئن آینده خواهد بود ـــ و وی در قول خود همچنان پابرجا است که برای مجلس خود انتخابات آزاد داشته باشد. لحظات بسیار مهمی برای او، و برای ما است.

پایان مطلب

ونس

www.takbook.com



## سند شماره ۷۰

**استفادهٔ محدود اداری**

**آژانس ارتباطات بین‌المللی، تهران، ایران**

**یادداشت مکالمه**

**شرکت‌کنندگان : فریبرز عطاپور، نویسندهٔ تهران ژورنال**

**علیرضا فرهمند، دبیر سرویس خارجی روزنامهٔ کیهان**

**رابرت کرن، مدیر آژانس ارتباطات جهانی امور خاور نزدیک، واشنگتن دی. سی**

**جک شلنبرگر، آژانس ارتباطات جهانی ایالات متحده و کارمند روابط عمومی**

**زمان و مکان : محل سکونت کارمند روابط عمومی، ۲۵ اکتبر ۱۹۷۸**

**موضوع : بحران سیاسی ایران**

در شامی که در رابطه با کار ما و به افتخار کن ترتیب داده شده بود، عطاپور و فرهمند روزنامه‌نگاران ایرانی نظریات خود را دربارهٔ بحران ایران ابراز داشتند. این دو نفر قبلاً با یکدیگر آشنا نبودند و از لحاظ وضع اجتماعی با یکدیگر بسیار تفاوت دارند (عطاپور یک مفسر تلویزیونی سرشناس ـ اگر نگوییم انگشت‌نما ـ است و همچنین مقاله‌نویس مورد توجهی است. فرهمند بیشتر یک سردبیر است و در خارج از حرفهٔ خودش چندان شهرتی ندارد) این دو نفر در مورد اوضاع به طور قابل ملاحظه‌ای نظرات یکسانی داشتند. نکات اصلی نظریات آنها از این قرار است :

۱ـ خمینی یک عامل اساسی و حساس است و بیشتر از شاه بر روی توده‌ها نفوذ دارد.

۲ـ دستورالعمل خمینی در مورد ایران نه مبهم و غیرمنطقی است، در حالی که شخصاً از پیروان او نیستم، معتقدیم که به هیچ‌وجه او را نمی‌توان دیوانه یا آلت دست منافع بیگانه قلمداد کرد. طرز فکر او نمایندهٔ آن چیزی است که بیشتر ایرانیان معتقدند، این دو جمله به هیچ‌وجه یکدیگر را نفی نمی‌کنند.

۳ـ ایالات متحدهٔ آمریکا در یک موقعیت غیر برنده قرار گرفته است. مخالفان رژیم، ایالات متحدهٔ آمریکا را تنها تکیه‌گاه شاه می‌دانند. هواداران رژیم همچنان احساس می‌کنند که ایالات متحده برای تأمین دسترسی خود به نفت و فروش تجهیزات نظامی، با هر کس هر نوع معامله‌ای انجام خواهد داد. اظهارات کارتر، به ویژه پیام تلفنی او از کمپ دیوید در مورد تعادل کمکی نکرده است، زیرا با این اظهارات، شایعات مبنی بر اینکه ایالات متحده مغز متفکر همهٔ جریانات بوده است، تأیید می‌شود. ولی این اظهارات بسیار کمتر از اشارات دیوید اون دربارهٔ ضروری بودن شاه فاحش و زمخت بوده است.

۴ـ مبارزه حقوق بشر آمریکا در میزان سرعت حوادث در اینجا تأثیر بسزایی گذاشته است و همه چیز را به مراتب بیش از قدرت هر کسی برای کنترل آن تسریع کرده است.

۵ـ نفرت از بیگانگان در حال رشد است. گرچه این نفرت در حال سکون قرنها وجود داشته است. فشارهای فزاینده‌ای برای لغو قراردادهای بیهوده مشاورین غربی در همهٔ زمینه‌ها صورت خواهد گرفت. نظری که اکنون حتی در محافل برگزیدگان شایع است این است که مستشاران خارجی ارزش پولی را که برای آنها خرج می‌شود ندارند و انگیزه‌های آنها مشکوک است و توصیه‌های آنها غیرصمیمی است و با فرهنگ و سنتهای ایران در حال خصومت است.

۶ـ دیدکلی : برقراری یک دولت اسلامی با تضمین نظامیان طبق الگوی ضیاء (منظور حاکم پاکستان

www.takbook.com



است ـ م) با تغییراتی همراه آن در نهادهای سیاسی و که برای رهبران مذهبی رضایتبخش است. هیچ کدام از ما چنین چیزی را نمی‌خواهد ولی اوضاع فراتر از آن پیش رفته است که یک انتقال منظم در راه یک دولت دمکراتیک صورت گیرد.

اظهارنظر: این ارزیابی‌های نسبتاً بی‌روح حاصل فکر عطاپور است. فرهمند کمتر لفاظی می‌کند و در قضاوت‌های خود بیشتر تحلیل‌گر است، میهمان دیگری به نام ایرج ایمان مدیر مؤسسهٔ ملی روانشناسی (که یک سازمان پژوهش نظرسنجی است) کوشید تا استدلال کند که مردم به نهاد سلطنت احترام می‌گذارند و از اصلاحات متعددی که در سطح زندگی در ظرف ۲۵ سال اخیر شده است به خوبی آگاهند و هم از ملاها و هم مارکسیستها احتیاط می‌کنند و نظریات ایمان به عنوان «طرز فکر نیاوران» مطرود شناخته شد.

**سند شماره ۷۱**

**تاریخ: ۲۸ اکتبر ۱۹۷۸ ـ ۶ آبان ۱۳۵۷**

**طبقه‌بندی: محرمانه**

**از: وزیر امور خارجه ـ واشنگتن**

**به: سفارت آمریکا در تهران**

**موضوع: آینده‌نگری**

۱ـ نظرات خارجی با نفوذی مبنی بر اینکه سیاست شاه در مورد دادن امتیازات سیاسی اشتباه بوده است و باید در جهت سرکوبی مخالفان تغییر وضع دهد، در اینجا به گوش می‌رسد. وقت آن رسیده و بیسار مفید و لازم خواهد بود، اگر بدون در نظر گرفتن این پیام، شما بهترین تجزیه و تحلیل خود را در مورد عواقب و نتایج کوتاه‌مدت و درازمدت یک سیاست استفاده از زور برای بازگرداندن اعتصابیون به سر کارهایشان و تظاهرکنندگان از خیابانها، برای ما بفرستید.

می‌توان گفت در کنار چنین سیاستی در بندکشیدن (کنترل) مطبوعات و دانشگاهها و دستگیری تعداد زیادی از روحانیون و مخالفین مذهبی لازم است (ما از مأمورین امنیتی شنیدیم که با دستگیری ۴۰۰ مخالف اصلی مخالفتها فروکش می‌کند) ـ لطفاً در تجزیه و تحلیل خود تخمینی از وفاداری ارتش و سایر نیروهای مسلح، تحت شرایط سخت کنترل در مدت زمانی طولانی و واکنش احتمالی گروههایی سیاسی داخل ایران و همچنین واکنش عمومی در اثر عقب انداختن احتمالی انتخابات را نیز در نظر داشته باشید.

۲ـ با در نظر گرفتن اینکه شما نقطه‌نظرات خودتان و پاسخ به این سؤالات را در پیامهای مختلف برای ما فرستاده‌اید، اگر همه را یک جا گرد آورده و در یک پیام توزیع عادی انتشار انحصاری برایمان بفرستید، بسیار مفید خواهد بود.

ونس

www.takbook.com



**سند شماره ۷۲**

**۳۰ اکتبر ۷۸ ـ ۸ آبان ۱۳۵۷**

**سری**

**شخصی جهت ژنرال هویزر از سرلشکر گاست**

**موضوع : امنیت پرسنل امریکایی در ایران**

۱ـ طی چند هفتهٔ گذشته وضعیت ایمنی پرسنل امریکایی در ایران تغییر عمده‌ای کرده است. تا قبل از این زمان، تلاشهای ما مصروف خنثی کردن گروههای تروریستی سرسخت بود. در عین حال که این فعالیت بدون شک ادامه خواهد داشت، اما اینک عواملی وجود دارد که ما نمی‌توانیم کاملاً از عهده‌اش برآئیم، لکن، باید دانست که به وضوح شکل‌گیری این عوامل و انگیزه‌اش تفاوت اساسی با تروریستهای سرسخت دارد. فعالیتهای انجام شده در تهران، اصفهان و سایر شهرها بنظر می‌آید که شامل دانشجویان دبیرستانها و دانشگاهها، و گروههای مذهبی و چپ باشد. صرفنظر از ترکیب، میزان تشکیلاتی آنـها نامشخص است، اما الگوهایی در حال بروز است. جهت‌گیری آنها بنظر می‌آید که هم ضددولتی و هم تا اندازه‌ای ضدخارجی و مخصوصاً ضدامریکایی باشد.

۲ـ وضعیت موجود شامل عواملی از بی‌نظمی غیرنظامی توسط گروههای متعدد است که احتمالاً با هدفها و تکنیکهای مختلف کار می‌کنند و سبب اضطراب و ناراحتی برای امریکاییان می‌شوند. چندین مورد وجود داشته که هم پرسنل دولتی و هم پرسنل شرکتهای امریکایی مورد خشونت قرار رفته و هنگام مسافرتشان با سنگ، و در یک مورد به وسیلهٔ بمب لوله‌ای (سه‌راهی)، مورد حمله واقع شدند. مواردی هم بوده است که منازل امریکایی‌های غیردولتی به آتش کشیده شد و تهدیدهای دیگر وجود داشت که منجر به آسیب جدی نگردید.

۳ـ هیئت نمایندگی امریکا درصدد گسترش اقداماتی برای خنثی کردن وضعیت تاحد ممکن هستند، ما در نظر داریم کمیته‌های هماهنگ‌کننده، مرکب از هیئت نمایندگی و عوامل دولت ایران تشکیل دهیم، قصد ما این است که نمایندگانی از مؤسسات مختلف ایران بخواهیم. یک سری اقدامات انفعالی و مثبت انجام خواهیم داد که کمک کند تا افراد ما با ایمنی بر سر کار بروند و خارج از وقت کار هم حتی‌المقدور وضع را عادی بگذرانند. فکر می‌کنیم که با هماهنگی در این تلاش می‌توانیم به خنثی کردن وضعیت جاری کمک بنمائیم. بدیهی است که راهنمایی‌های ما باید شامل نوعی از اقدامات باشد که نه تنها امنیت بیشتری را فراهم کند بلکه همچنین روحیهٔ امریکایی‌ها را حفظ کرده و اعتماد ببخشد که سیستمی کار می‌کند که اطلاعات، مشورتها، و تکنیکها و عملیات لازم را انجام می‌دهند.

۴ـ محدودیتهایی در مورد آنچه که مأموران امریکایی مجاز به انجامش هستند وجود دارد و قطعاً در مورد نوع وظایف پرسنل دفاعی نیز محدودیتهایی هست. تصور می‌کنیم که از میزان این محدودیتها آگاه باشیم. همچنین گمان ما بر این است که می‌توانیم در محدودهٔ آنها عملیات انجام دهیم و خدمت شایسته‌ای برای جماعت امریکایی اجرا کنیم.

۵ـ مقامات دولت ایران با هماهنگی تمام با هیئت نمایندگی همکاری خواهند کرد و موافقت نموده‌اند که یک سری کمیته‌های هماهنگ‌کننده راه بیندازند. نقشهٔ ما این است که به طور کامل به عنوان بخشی از هیئت بررسی مسایل کشوری و در محدودهٔ رهنمودهای تهیه شده به وسیله سفارت امریکا عملیات انجام

www.takbook.com



دهیم. قصد ما این است که خط‌مشی‌های مقتضی برای روبرو شدن با این وضعیت جدید فراهم کنیم و آماده: اجرای رویه‌هایی با تغییرات وضعیت باشیم و همچنین راهی برای کمک به پیمانکاران آمریکایی تهیه ببینیم. فکر می‌کنیم که بتوانیم به پیمانکاران کمک کنیم که سیستم (حفاظتی) برای خود بوجود آورند و در نظر است که اطلاعات را در صورت مقتضی بودن با آنها در میان بگذاریم. تصور می‌کنیم که از طریق این روش هم می‌توانیم از محدودیتها عدول نکنیم، و هم خدمت مفیدی انجام دهیم.

۶ـ درخواست کمک به صورت مهارت و تخصص‌هایی که در بخش دفاعی امریکا در ایران نیست را داریم. در عین حال که «دایرهٔ بازرسی ویژه» (از نیروی هوایی امریکا) در زمینهٔ عملیات ضدتروریستی بسیار تواناست، اما ارزیابی ما بر این است که آنها نه آموزش کافی و نه تجهیزات مناسب برای مقابله با اغتشاشات غیرنظامی و انعکاس آنها در داخل جماعت امریکایی اینجا داشته باشند. «دایرهٔ بازرسی ویژه» نقش خود را با شایستگی انجام داده و در وضعیت جدید نیز هم چنان انجام می‌دهد، لکن اعتقاد ما بر این است که احتیاجاتی برای توانایی‌های اضافی زیر وجود دارد :

الف ـ تخصص در تشخیص روندها و مفهوم بعضی از روندها که به هنگام وقوع اغتشاشات غیرنظامی بر جماعت امریکایی اثر می‌گذارند.

ب ـ تخصص و معلومات برای برقراری یک زیربنا و سازمان جهت بهبود وضعیت امریکایی‌ها.

ج ـ توانایی برای طرح‌ریزی پیشاپیش و پیش‌بینی تغییرات در وضعیت

دـ تخصص در برقراری یک مرکز عملیات برای اتخاذ اقدام مقتضی و در جریان قراردادن پرسنل از وضعیت جاری.

هـ ـ همچنین احتیاج به پرسنلی که معلومات و تجربه‌ای در برآورد تأثیرات حاصله بر جماعت امریکایی داشته باشد، به شرح زیر، داریم ک

(۱) ـ تأثیر اقدامات انجام شده به وسیلهٔ گروه‌های ناراضی؛

(۲) ـ ارزیابی وضعیت شرایط روحی جماعت امریکایی؛

(۳) ـ نیازهای ایجاد شده برای این جماعت ؛

(۴) ـ برآورد هر نوع عملی که ممکن است ما انجام دهیم و اینکه این عملیات به وسیله جماعت امریکایی چگونه تعبیر می‌شود.

۷ـ وضعیت هنوز خطرناک نیست و قابل کنترل می‌باشد. گمان می‌کنیم موضوعات مورد بحث در این نامه آغاز مناسبی باشد. درخواست ۶ تا ۸ نفر را داریم که دارای مهارت‌ها و تخصص‌های فهرست شده در بند ۶ باشند. این پرسنل را هر چه زودتر برای یک ماه بفرستید و اختیار تمدید مأموریت مورد لزوم آنها را به ما بدهید.

www.takbook.com



**سند شماره ۷۳**

**تاریخ سند : ۳۰ اکتبر ۱۹۷۸ ـ ۸ آبان ۱۳۵۷**
**شماره سند : ۱۰۵۵۸**
**گزارشگر : استمپل**
**طبقه‌بندی : محرمانه**
**از : سفارت امریکا تهران**
**به : وزارت دفاع واشنگتن**

**موضوع : امنیت کارمندان، میزان تهدیدات**

خلاصه : آخر هفته به آرامی سپری شد با وجود شایعات فعالیت بر علیه خارجی‌ها، سفارت معتقد است تهدیدات تروریستی بر جای خود باقی است. افزایش تظاهرات در خیابانها همراه جو ضدخارجی احتمال حوادثی در رابطه با آمریکاییها و سایر خارجی‌ها را افزایش داده است.
پایان خلاصه.

۱ـ جریان شایعات بیانگر این است که آخر هفتهٔ گذشته به احتمال قوی، زمانی برای خشونت عمومی و حوادث ضدخارجی بود. تلگرام از مرجع (B) پاسخی مبنی بر وقایع قبل از پایان هفته داد. آنچه در ذیل می‌آید آخرین اخبار در مورد میزان تهدیدات است که مبنی بر وقایع ۵ روز اخیر می‌باشد.

۲ـ حوادث واقعی در آخر هفته گذشته محدود بود به سنگ‌اندازی به اتوبوسهای هیئت مستشاری در روز ۲۸ اکتبر، هنگامی که پایگاه هوایی دوشان‌تپه را ترک می‌کردند (مرجع C، ذکر کرده)، و آتش زدن اتوبوس انگلیسی در اصفهان و موضوعات جزیی دیگری که در مرجع «()» ذکر شده است. کم بودن حوادث، نگرانی‌ها را در جمع خارجیان کاهش نداده است و دریافت تهدیدات کتبی متعدد در روزهای اخیر، شامل بمب‌گذاری (که هیچ‌یک کشف نشد)، احساس عدم آسایش در میان خارجیان را کم نکرده است.

۳ـ با افزایش تعداد تظاهرات در خیابانها جو تاحدی در خلال هفته اخیر تغییر کرده است. در برخی موارد اتوبوسهای مدرسه برای پرهیز از جمعیت تغییر مسیر داده‌اند، اما بسیاری از آمریکاییها و دیگران تظاهرات خیابانی را در بسیاری از مناطق، بخصوص نزدیک مدارس ایرانی جایی که معلمان اعتصابات دانش‌آموزی را از دبیرستان گرفته تا سالهای بالای ابتدایی، تشویق کرده‌اند، دیده‌اند، دردسر این تظاهرات به مقدار قابل توجهی کم بوده است، حتی در مواردی که پلیس و ارتش وارد جریان شده‌اند. (مرجع‌های C و D را برای موارد اخیر، مطالعه کنید). به آمریکاییها اخطار شده که رفت‌وآمد خود را محدود کنند و از محلهای تظاهرات علنی مردم دور باشند (سفارت به علت گفته‌های نادرستی که همه آمریکاییها را مجبور به اقامت در خانه کرده است، در این مورد گزارشی نداده است.

۴ـ ما معتقدیم تهدیدات تروریستی ذاتاً تغییری نکرده‌اند، گزارش و یا شواهدی در دست نیست که گروههای متخصص مثل مجاهدین و یا چریکها، علیه افراد خارجی فعال‌تر شده باشند. همزمانی وقایع ماههای اخیر نشانگر این است که تهدیدات از طرف گروههایی که ماهیت واقعی آنها معلوم نیست افزایش یافته که آنها احتمالاً افراد یا گروههای هوادار اسلام هستند، که آنها هم قدرت حمله به هدفهای داخلی را دارند. در حالی که اغلب فعالیتهای این گروهها یا افراد علیه هدفهای محلی (داخلی) متمرکز شده، تعداد

www.takbook.com



کمی هم در واقع علیه آمریکاییها متمرکز شده است. به هر حال، تهدید از این سو به مراتب بیشتر قابل توجه به نظر می‌رسد تا محدودهٔ تروریسم که ما در گذشته با آن درگیر بودیم. (بمب‌گذاری اتوبوس انگلیسها در اصفهان به عنوان مثال.) رشد تظاهرات و احساسات مردمی از عقاید ضدخارجی که قبلاً ساکت شده بود، این احتمال را نشان می‌دهد که ممکن است حوادث بیشتری در رابطه با آمریکاییها و همچنان سایر ملتها، رخ دهد.

دوستان فرانسوی، انگلیسی و ایتالیایی ما از همان حملات گاه و بیگاه کوچک علیه ملتهاشان گزارش می‌دهند، که ما هم با آن مواجه بوده‌ایم و همچنین هم‌عقیده‌ایم که امکان بالقوه برای وقایع بیشتری، افزایش یافته است. ظهور سرکشی‌ها، حالت ضدآمریکایی بیشتری گرفته، بیشتر به خاطر آنکه تعداد ما بیشتر است و قابل رویت‌ترین گروه در اینجا هستیم.

تابحال این محدود به توهین‌های گاه و بیگاه و سنگ‌پراکنی‌ها، با تعداد محدودی، طرح آتش زدن ماشینها یا بمب‌گذاری، بوده است. گزارش یا شاهدی نیست که عملیات و طرحهای جنگی خاصی علیه آمریکا، طرح‌ریزی شده باشد تا به آمریکایی‌ها به خاطر آمریکایی بودنشان حمله کنند. بسیاری ایرانیان جو را این گونه تشریح می‌کنند که این یکی از بزرگترین هیجانات عمومی است که برای مدتی بوجود آمده است اما تا به حال به خاطر ترس آمیخته با نزاکت، عقب نگهداشته شده است.

۵ـ فعالیت‌های بیشتر سیاسی در خیابانها احتمال درگیری شهروندان آمریکایی را در حوادث ناگوار یا خطرناک افزایش داده است. این احتمال خطر فزاینده، شامل همهٔ افراد هم خارجی و هم ایرانیان در خلال جو متشنج فعلی می‌شود. کمیتهٔ مراقبت امنیتی جهت بحث پیرامون ارزیابی بالا در ۲۲ و ۲۵ اکتبر جلسه داشت.

۶ـ کمیتهٔ مراقبت امنیتی همچنین مسئلهٔ روحیه آمریکایی را که بیشتر متوجه مشکلات خودشان هستند بررسی کرد. مأموران هیئت تلاش خصوصی کرده‌اند تا دریابند که اختلافات جزیی در محیط، توسط ماموران اصلی هیئت و افراد، بیشتر درک شود. اظهارنظر خلاصه‌شده «جو ضدامریکایی افزایش می‌یابد» پیچیدگی واقعیت را نادیده می‌گیرد که جو برای همه متشنج‌تر شده نه فقط امریکاییها. احتمالاً شرایط نامعین باقی می‌ماند تا عوامل سیاسی داخلی، اعتصابیون، تظاهرکنندگان و غیره، به وضوح تغییر کنند یا بهتر یا بدتر.

۷ـ سفارت به یادداشت خلاصهٔ اوضاع ادامه می‌دهد و هر تغییری در ارزیابی بالا را به وزارتخانه گزارش می‌دهد.

سولیوان

www.takbook.com



**سند شماره ۷۴**

**تاریخ : ۳۱ اکتبر ۱۹۷۸ ـ ۹ آبان ۱۳۵۷**
**طبقه‌بندی : محرمانه**
**شماره : ۰۶۲۱**
**از : سفارت امریکا در تهران**
**به : وزارت امور خارجه ـ واشنگتن**

**موضوع : چشم‌انداز تغییرات افکار عمومی ایرانیان**

خلاصه: حوادث ماه گذشت، بخصوص هفتهٔ پیش ناظر تغییر مواضع گروههای متعددی از مردم نسبت به شاه و دولت است. این تغییرات در کوتاه‌مدت با اهمیت هستند، چون آنها پیش‌درآمد طرز تفکر و اعتقاد در ایران دربارهٔ سیاست را تشکیل می‌دهند. مهمترین جریانات از این قبیل هستند.

الف ـ سؤالات تجدیدشده‌ای دربارهٔ مؤثر بودن و مشروح بودن شاه، بخصوص از سوی گروههایی که تاکنون لااقل به طور خاموشی نسبت به شاه و حکومت وفاداری نشان داده‌اند (و حتی پیش از آن).

ب ـ رشد این عقیده در بخشهایی از جامعه که مستقیماً در دولت دخالتی ندارند مبنی بر این که رژیم شریف‌امامی بار سنگین‌تری را از گذشته بر دوش دارد تا بتواند با موفقیت نظم را مجدداً برقرار کند و یا زمینهٔ انتقال به دولتی با انتخاب آزاد را فراهم کند.

ج ـ درک متجددین طبقه متوسط مبنی بر اینکه نیروهای مذهبی و کمونیستها ظرفیت سازماندهی بیشتری از آنچه خیلی‌ها تصور می‌کردند، دارند.

د ـ احساس گسترش یابندهٔ سریع مبنی بر اینکه حکومت کنونی نخواهد توانست با رهبران مذهبی کنار بیاید و اینکه راه دیگری که در پیش است احتمالاً حکومت نظامی است که هر چه زودتر در پیش است (این عقیده چه در میان حامیان و چه در میان مخالفان شاه شایع شده است). علیرغم تمایل ایرانیان به دوره‌هایی از جنون و افسردگی سیاسی، تغییر در تصورات اساسی که تاکنون بر رفتار اغلب مردم حاکم بوده، باعث انحطاط ثبات در افکار عمومی مردم ایران خواهد شد. عوامل مخالف و موافق شاه بر این عقیده‌اند که شاه اگر قرار باشد حوادث را طبق ارادهٔ خود شکل دهد و مرکزیت سیاست ایران را احیا کند، باید رهبری و تصمیم‌گیری بهتری نشان دهد. پایان خلاصه.

۱ـ در ده روز اخیر مأمورین سفارت تغییرات اساسی در روحیه طبقات و افراد مختلف مشاهده کردند. آنچه در زیر می‌آید جمع‌بندی و تحلیل اولیه بعضی از تغییرات است که لزوماً در مفاهیم اساسی سیاست و حکومت در ایران تأثیر خواهد گذاشت. در حالی که این مفاهیم بدون شک در کوتاه مدت اثر خود را خواهد داشت، شاید اهمیت بیشتر آنها حاکی از تغییر در طرز تفکر درباره سیاست باشد که در درازمدت شکل سیاسی کشور را تغییر خواهد داد.

۲ـ مهمترین این مفاهیم عبارت است از بدبینی توسعه یافته و تقریباً همگانی در میان عملاً همه گروهها در بخش نوین جامعه درباره آینده کشور و حکومت. خودداری علنی آیت‌الله خمینی از سازش با دولت ایران و انعکاس نظریات آیت‌الله شریعتمداری (تهران ۱۰۴۹۹) در مورد امکان خاتمه دادن سریع ناآرامی و بحران سیاسی در آینده‌ای بسیار نزدیک. حامیان شاه در طبقات بالا از جمله بعضی از (مأمورین عالیرتبه) تجار. به انضمام تعداد قابل ملاحظه‌ای از افراد میانه‌رو در دانشگاه‌ها، اعتقاد دارند که «پایان»بازی

www.takbook.com



سیاسی کنونی احتمالاً حکومت نظامیان خواهد بود. افراد فکور ایرانی با یکدیگر هم‌عقیده هستند که شاه رهبری مؤثری اعمال نکرده است. وی حتی از فرصت آشکار برای مخاطب قرار دادن مردم از تلویزیون و بحث در مورد مسایل با آنان استفاده نکرده است. او ظاهراً هنوز هم تصور می‌کند که مردم برای توضیحات جدی بلوغ کافی ندارند، به موازات آن از سوی تعداد زیادی که از شاه به نحو پیگیری به عنوان بهترین امید برای آینده یاد می‌کنند، یک نوع تمایل برای پرسش این مطلب که آیا شاه باید بماند بوجود آمده است. آنها نمی‌خواهند به شاه صدمه‌ای بزنند ولی دربارهٔ متوقف کردن دور تظاهرات در اوضاع و احوال کنونی امیدی ندارند، بعضی از آنها حتی شانسی برای سلطنت ولیعهد نمی‌بینند و برای اولین بار درباره «موضوع فکر نکردنی» مشغول تفکرند.

۳ـ عنصر اساسی در این الگو، این درک وسیع از سوی گروههای مذکور در فوق است به اضافه کارمندان دولت و حتی بعضی از نظامیان، مبنی بر این که حکومت شریف‌امامی به دنبال حوادث کشیده می‌شود.

مسئولین وزارتی در سطح بالا متوجه شده‌اند که چگونه جمعیتهای انبوهی به داخل وزارتخانه‌ها هجوم برده و اوضاع وزارتخانه‌ها را در چهار یا پنج روز اخیر برهم زده و فعالیت وزارتخانه‌ها را متوقف کرده‌اند.

به نظر می‌رسد بر سیاسیون میانه‌رو که در حال حاضر گروههای متمایل به مرکز را تشکیل می‌دهند (که «لااقل تا رسیدن انتخابات» از نخست‌وزیر پشتیبانی می‌کنند) گرفته تا هواخواهان جبهه ملی که خواست حکومت بیطرف را پیش کشیده‌اند این عقیده حکمفرما است که تغییر حکومت باید حادث شود.

حتی سیاستمداران نزدیک به صحنه از روی بی‌میلی به طور خصوصی نتیجه می‌گیرند که احتمالاً روزهای حکومت‌های اشخاص دست‌چین شده شاه، برای ابد سپری شده است.

عدم توانایی دولت در استقرار مجدد نظم عمومی، بیش از هرگونه اعلامیه‌ای درباره لیبرالیسم سیاسی، ایران نوین را به یک دولتی که همه در آن دخالت دارند تبدیل کرده است. (اظهارنظر: مشکل این برداشت آن است که عده زیادی از مردم به ویژه آنهایی که سابقاً از امور سیاسی بیگانه یا فرصت‌طلب بوده‌اند و همچنین اشخاصی که وابسته به دستگاه هستند، از قبیل کارمندان دولت، اقدام سیاسی مؤثر را در حال حاضر در اعتصابها و تظاهرات می‌بینند و نه در مشارکت منظم در انتخابات مأمورین دولتی).

۴ـ مفهوم دیگری که به عنوان یک واقعیت ناخوشایند غافلگیرکننده‌ای برای حکومت و مخالفان غیرمذهبی و نوآوران از هر نوع پیدا شده است، درک این موضوع است که رهبران مذهبی و به ویژه پشتیبان‌های سابق حزب توده سازمان‌دهندگان بهتری از هر کس دیگری که تصور می‌رفت هستند. عملاً همه دانشگاهیان در این عقیده موافقت دارند که هیئت‌های عمده دانشجویان دانشگاههای ایران به نسبت هفتاد و سی بین دانشجویان وابسته به سازمانهای اسلامی و سازمانهای کمونیستی به ترتیب قطبی می‌شوند. سازمانهای زیرزمینی توده ظرف هفته گذشته عملاً در همه دانشگاهها (از جمله در مدرسه عالی دماوند برای دختران که توسط آمریکایی‌ها تأسیس شده و تا قبل از سال جاری هرگز تظاهراتی نداشته است) علنی شده و خواستار اصلاحات دانشگاهی و استقلال کامل از حکومت ایران شده است. عده‌ای از منابع دانشگاهی ما ابراز عقیده کرده‌اند که گروه میانه در محوطه‌های دانشگاه از میان رفته است و دانشجویان به یکی از دو قطب کشانیده می‌شوند و هیچ‌کدام از این دو قطب نمی‌خواهد تحت رهبری

www.takbook.com



حکومت کنونی مسایلش حل شود. این امر به طور واضحی بسیاری را افسرده کرده است و در موارد متعددی عکس‌العمل‌های درونی علیه آنچه که به عقیده آنها سیاست غیرعادلانه حقوق بشری آمریکا است که ایران را به اوضاع کنونی وارد کرده است، بوجود آورده است. بعضی دیگر ایالات متحدهٔ آمریکا را خائن به مردم ایران تلقی کرده و معتقدند که ایالات متحده نتوانسته است مبارزه برای حقوق بشر را به ایران بکشاند و بدین ترتیب کشور را به وضع نابسامان کنونی کشانده است. به طور روشنی می‌توان گفت که یکی از قربانیان ناآرامی‌های کنونی در ایران عبارت بوده است از تجزیه و تحلیل عینی و مبرا از بار عاطفی به وسیلهٔ گروهی از استادان که ممکن بود بتواند رهبری تثبیت‌کننده تحت اوضاع و احوال دیگری فراهم کند.

۵ـ اگر مردم درک کنند که رهبری مذهبی قادر است مردم را برخلاف ارادهٔ حکومت در خیابانها نگهدارد، راه دیگری که در مقابل آن قرار گرفته از طرف مردم همانا راه دولت نظامی است. مخالفان ترجیح می‌دهند که شاه برود ولی سوءظن دارند از اینکه این امر داوطلبانه صورت بگیرد. پشتیبانان شاه نخستین نیاز ایران از نظم اجتماعی می‌دانند، هر دو اکنون به اجتناب‌ناپذیر بودن دولت نظامی با احتمال قاطع اینکه چنین حکومتی یک سیاست خشنی را دنبال خواهد کرد و لیبرالیسم سیاسی داخلی را به پایان خواهد رساند و فعالیتهای بیشتر تروریستی سازمان یافته را برخواهد انگیخت معتقد شده‌اند. سلطنت‌طلبان این دولت نظامی را یک ضرورت قابل تأسف برای حفظ ساخت اجتماعی و اقتصادی مدرن تلقی می‌کنند، در حالی که مخالفان آن را به عنوان یک فاجعه برای کشور و یک فاشیسم واپسگرا تلقی می‌کنند که راه را برای تروریسم خواهد گشود.

۶ـ بسیاری از کارمندان دولت و بخش صنایع به ویژه بانکداران و برنامه‌ریزان اقتصادی موج کنونی اعتصابها را به عنوان یک عامل اختناق تدریجی کشور تلقی می‌کند که «راه رهایی» ندارد. بسیاری از آنها به طور خصوصی می‌گویند سیاست شریف‌امامی در اجازه دادن به انبوه جمعیتها برای ابراز احساسات خود به مرحله‌ای رسیده است که امیدواری به موفقیت را، به برهم زدن اقتصاد و بافت اجتماعی تبدیل کرده است. تولید نفت کاهش یافته، کارخانه‌ها عاطل و باطل مانده و طرحهای زیربنایی مانند مجتمع قندوشکر خوزستان پس از یک ماه و اندی سهل‌انگاری به خرابه تبدیل خواهد شد. بسیاری احساس می‌کنند (و اکنون حاضرند با دوستان خود در آن باره بحث کنند) که یک نوع دگرگونی اساسی ضروری است. این عده در حالی که شاید هنوز حاضر به خواست یک حکومت یا رژیم جدید نیستند، به تجزیه و تحلیل مخالفان که ۶ ماه قبل به صورت سخنان پوچ و بی‌معنی جلوه‌گر می‌شد گوش فرا می‌دهند.

۷ـ آنهایی که صحنه‌های ایران را از نزدیک دنبال می‌کنند و به ماهیت جنونی و افسردگی‌آمیز افکار سیاسی ایران عادت دارند ممکن است این گونه خصوصیات راکه در بالا توصیف شده است نسبت به هم به مردمی که به لفاظی‌های دمکراتیک و مسایل مربوط به مشارکت مردم عادت نداشته و معیارهایی برای آن بسازند. معذالک تغییرات در روشها عمیق‌تر از آن است تا در مورد سوال قرار دادن این فرضیهٔ اساسی در ۱۵ سال گذشته که شاه رهبری خشن و بلامنازع است که در عمل رهبر کشور محسوب می‌شود. احساس اینکه نیروهای سیاسی به بن‌بست رسیده‌اند یک نوع سرخوردگی بوجود آورده که ممکن است بالمآل زیانبارتر به ثبات افکار عمومی ایران باشد. تا واقعیت صرف ناآرامی‌های کنونی.

۸ـ بخش قطعاً بزرگی از ایرانیان از هر طبقه و حتی مخالفان شاه ظاهراً در انتظار آن هستند که شاه کاری انجام دهد. عادت انتظار برای این که آنهایی که در مافوق قرار گرفته‌اند اقدام کنند عادتی است که

www.takbook.com



ریشه‌کن کردن آن سخت است. بعضی از ناظران دقیق ایران متوجه شده‌اند که چهره‌های متعلق به دستگاه حاکمه ظاهراً در انتظار آنند که شاه به گروهی یا گروههایی «اشاره کند» که از جانب او در صحنه سیاسی اقدام کنند. اثر این روش «انتظار برای انجام کاری» این است که میلیونها حزب جدیدالاحداث فاقد هرگونه قدرت اثری می‌باشند. تقریباً هر کس و به ویژه اکثریت زیادی از آنهایی که ممکن است جزیی از میانه‌روهای دست‌راستی باشند، به یک دستگاه رهبری چشم دوخته‌اند که امید بیشتر آن از جانب تاج و تخت سلطنتی است. حتی مخالفان احساس می‌کنند که آنها باید چیزی داشته باشند که با آن مخالفت کنند و این چیز همانا شاه و سیاستهای او است و نه حکومت. چه به دلایل نمادی و چه به علل عملی سهل‌انگاری شاه در اقدام قاطعانه (طبق معیار ایرانی) و یا اینکه وی در پردهٔ تلویزیون ظاهر شده و ملت خود را مخاطب قرار دهد، مردم را به پرسشهای بیشتری واداشته است و این امر باعث شده است که در میان تقریباً همه بخش‌های افکار عمومی یک نوع روش ناامنی بوجود آمده است.

۹ـ حتی اگر هم به زودی نظم بدون حرکتی برای دولت نظامی اعاده شود، بیشتر ایرانیان احساس می‌کنند که شاه برای حفظ بقای خود باید کار بهتری انجام دهد. برای نخستین بار در ۲۰ سال گذشته افکار عمومی در قهوه‌خانه‌ها به چاره‌های دیگر می‌اندیشند فقدان عمل مستقیم تاکنون از سوی آنهایی که با شاه مخالفت نمی‌کنند و از سوی آنهایی که به طورکلی با شاه مخالفت می‌کنند، منعکس‌کنندهٔ یک فرضیه است که از قدیم‌الایام باقیمانده و آن این است که راه قابل دوام دیگری جز شاه وجود ندارد. به همین دلیل حتی اغلب مخالفان تاکنون حاضر شده‌اند با وجود شاه زندگی کنند و آن را به عنوان یک شری که کوچکتر از شر بزرگتری است تلقی می‌کنند، معذالک این فرضیه نیز اکنون در معرض منازعه فزاینده قرار می‌گیرد.

**سولیوان**

www.takbook.com

www.takbook.com

# فهرست اعلام

www.takbook.com

www.takbook.com


آ ـ الف

آبـادان / ۶۷۶، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۸۳

آبتر، دیوید (پروفسور) / ۷۱۶، ۷۱۸

آبراهام (پروفسور) / ۷۰۲

آبنوسی، حسین / ۱۷۲

آتاتورک، کمال / ۶۸۵، ۸۰۳

آتاشه نظامی (زمینی، دریایی، هوایی) / ۶۱۳

آتکینسن (سرلشگر) / ۱۸۴

آتن / ۴۴، ۴۷۳، ۴۷۷، ۷۲۹

آجر، دان / ۳۱۴

آدلر (دکتر) / ۳۰۵، ۷۱۷، ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۶۰، ۷۷۶

آدلسیک / ۵۶۷، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۸۲، ۵۸۴

آدمیت، فریدون / ۶۸۱

آدیس‌آبابا / ۶۳۷

آذربایجان / ۲۴۶، ۳۵۲، ۵۲۱، ۷۲۳، ۷۳۶، ۷۳۹

آذربایجان شرقی / ۲۳۰، ۷۰۴

آذرپژوه، علی / ۱۶۹، ۱۷۴

آذرجوی اصلی، خدیجه / ۱۷۳

آذری (سرتیپ) / ۷۲۰

آذری قمی (آیت‌الله) / ۲۳۱

آرتور، مک / ۳۸۰

آرتونیانس، مائیس / ۱۷۴

آرژانتین / ۳۰۹، ۶۱۱، ۶۲۰

آریانا، بهرام / ۲۵۲

آرین، عبدالله / ۱۷۷

آریوگرانده بخش سن لوئیز آبیسپو / ۳۱۳

آزادمنش، غلامرضا / ۱۷۴

آزمایشگاه ابن سینا / ۱۶۵

آزمون، منوچهر / ۶۹۴، ۸۰۰، ۸۰۹، ۸۳۵

آژانس ارتباطات بـین‌المـللی آمـریکا در ایـران (USICA) / ۶۲، ۶۸، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۲۰۲، ۲۱۲، ۲۲۶، ۲۲۷، ۵۲۳، ۷۰۷، ۷۱۳، ۷۴۵، ۷۵۹، ۸۴۲

آژانس ارتباطات جهانی امور خـاور نـزدیک / ۸۴۲

www.takbook.com



آژانس یهود / ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۲، ۶۰۳
آسوان / ۶۷۵
آسیا / ۶۱۰
آسیای جنوبی / ۱۳۸، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۳۴، ۴۴۷، ۷۴۷
آسیای شرقی / ۶۲۰
آشتیانی / ۲۴۵
آفریقا / ۲۴، ۵۱، ۲۷۰، ۳۵۰، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۴، ۶۲۹، ۶۷۰
آفریقای جنوبی / ۲۵، ۲۷۰، ۴۳۹، ۴۵۰، ۵۸۹، ۶۲۰، ۶۷۳
آفریقای مرکزی / ۶۲۰
آقاشاهی / ۷۲۰
آقامحمد، خانم رفیقه / ۱۷۲
آقایان، فلیکس / ۲۴۸
آکادمی نیروی دریایی / ۵۴۱
آگاه / ۳۱۹
آگر / ۳۱۴
آلپو / ۷۲۳
آلدر / ۸۰۶
آلمان / ۱۸۲
آلمان شرقی / ۲۶۹، ۳۶۶، ۶۱۱، ۶۸۰، ۷۱۱
آلمان غربی / ۱۶۵، ۲۰۵، ۲۰۶، ۶۱۹، ۷۴۰
آلنده، سالوادر (دکتر) / ۳۵
آلون / ۶۴۲
آمرام، دیوید / ۷۰۰
آمریکا / اکثر صفحات
آمریکای شمالی / ۶۱۴
آمریکای لاتین / ۱۴۰، ۵۸۹، ۶۱۱، ۶۲۰
آمستردام / ۷۷۶
آمنجیان، همایک / ۱۷۳
آموزگار، جمشید / ۲۲، ۲۵، ۸۹، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۷۴، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۷، ۳۱۵، ۳۷۶، ۶۶۰، ۶۶۵، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۷۲، ۶۷۵، ۶۹۰، ۶۹۴، ۶۹۶، ۷۰۱، ۷۱۳، ۷۲۹، ۷۴۳، ۷۴۸، ۷۶۶، ۷۶۹، ۷۹۵، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۳۹
آموزگار شهیدی، پروین / ۱۷۳
آناتوش شیرآباد، هلن / ۱۷۳
آنتک / ۴۷۷، ۴۷۸
آنتورپ / ۴۴
آنکارا / ۱۴۳، ۲۱۵، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۹، ۳۳۹، ۷۰۲، ۷۲۹
آواکس / ۱۴، ۹۱، ۲۰۶، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۹، ۷۰۰، ۷۰۲ / ۷۱۳
آهرن، تام / ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۸، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۸۷، ۵۴۵، ۵۷۴
آهسته رو، س.د. / ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴
آهنچی، احمد / ۱۶۹، ۱۷۳
آیپک / ۱۸۳
آی تک (ITeek) / ۱۴
آیروفلوت (خطوط هواپیمایی روسیه) / ۲۶۱
آیشمن، آدولف / ۶۲۰

www.takbook.com



آیکر، ریچارد / ۷۵۹
ابان، آبا / ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۵۲
ابتهاج، عبدالحسین / ۳۸۰
ابراهیم‌زاده، سیروس / ۴۸۲
ابراهیمی / ۲۴۳، ۲۴۵
ابراهیمی اصفهانی مقدم، حسین / ۱۷۰
ابراهیمیان، هراند / ۱۷۶
ابریشم‌چی، محمدمهدی / ۱۷۳
ابوترابی زارچی، سکینه / ۱۷۴
ابوظبی / ۲۲۹، ۷۴۲
ابوموسی / ۲۶۸، ۴۱۶
اتاق بازرگانی ایران ـ آمریکا / ۶۶، ۱۲۹، ۶۷۵
اتاق ۲۲۵ ساختمان مرکزی سفارت / ۲۶
اتحادیه بانکداران ایرانی / ۲۲۰
اتحادیه کرافت ورک / ۲۰۶
اتحادیه معلمین ایران / ۷۶
اتحادیه ملی کردی طالبانی / ۴۳۸
اترتون / ۳۰۳
اتکینسون (سرلشگر) / ۱۸۵
احدیان، فرج‌الله / ۱۷۵
احزاب کمونیست اروپا / ۶۰۶
احمدیان، جلیل / ۱۷۳
اخباری، عباس / ۸۳۴
اداره اطلاعات آمریکا / ۳۳۷، ۳۵۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۰۲، ۴۰۶، ۴۰۷
اداره اقامت اتباع بیگانگان / ۱۰
اداره عملیات سیاسی و روابط وابسته / ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۲
اداره مبارزه با مواد مخدر / ۳۳۷، ۳۹۰
اداره مرکزی موساد / ۶۱۸
اراک / ۳۱۱، ۵۰۲
ارامنه / ۷۲۴
ارجمندی سیسیان، عزیز / ۱۷۳
اردلان آشتیانی / ۲۴۳، ۲۴۵
اردلان، علیقلی / ۳۰۳
اردن / ۲۶۸، ۵۸۸، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۵۱، ۷۴۷
ارسنجانی، حسن / ۲۷۲، ۲۸۳
ارشاد ملی / ۱۱۲، ۵۸۳
ارم، منوچهر / ۱۶۶
اروپا / ۲۰۴، ۳۳۴، ۳۴۲، ۳۹۸، ۵۵۳، ۵۷۲، ۶۰۵، ۶۷۹، ۶۹۲، ۷۷۶
اروپای شرقی / ۵۸۹، ۵۹۹، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۴، ۶۱۶، ۶۲۱، ۶۲۲
اروپای غربی / ۲۲۴، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۹۴، ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۳۶، ۳۵۹، ۳۶۶، ۳۸۲، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۵۰، ۵۹۷، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۱۷
اروگوئه / ۶۲۰
ازبتر، سای جمز / ۲۰۱
ازهاری (خانم) / ۷۱۱
ازهاری، غلامرضا (ژنرال) / ۱۲۱، ۲۱۸، ۲۵۲، ۲۷۴، ۷۱۱، ۷۴۸، ۷۸۷، ۷۸۸
اسبکس / ۵۶۸
اسپانیا / ۴۴، ۴۷، ۳۱۳، ۵۶۵، ۶۱۲، ۶۱۹

www.takbook.com



اسپایزر / ۲۲۱
استادیوم امجدیه / ۳۱۱
استان بلوچستان / ۲۹۵
استانبول / ۱۶۴، ۱۸۱، ۱۸۳، ۲۲۲، ۲۲۹
استان خوزستان / ۳۷۰
استان فارس / ۳۷۰
استتسون / ۷۱۱
استراس، می‌تر / ۲۰۱
استرالیا، ۶۳۸ / ۷۴۴
استرباولینگ (خانم) / ۷۲۲
استکهلم / ۸۰، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۳۴، ۵۳۷، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۶۴، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲
استمپل، جان دی / ۴۹، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۸۰، ۱۹۴، ۲۶۵، ۲۷۲، ۲۷۹، ۴۵۴، ۴۹۷، ۵۰۰، ۵۰۲، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۱۳، ۵۱۷، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۴۱، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۶۳۴، ۶۳۵، ۷۱۱، ۷۱۴، ۷۱۶، ۷۲۲، ۷۳۸، ۷۴۱، ۷۵۱، ۷۵۵، ۷۶۰، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۸، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۳، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۸۴۶
استوارت، پاتر / ۷۱۳
استوشیتز، کارور / ۴۷۸
استون (ژنرال) / ۷۱۳، ۸۰۵
استیونس، تد / ۲۹۹، ۶۷۵
اسدی تبار، فرهنگ / ۱۷۴
اسرائیل / ۲۴، ۲۵، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۲، ۷۴، ۱۰۷، ۱۳۲، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۵۹، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۵۵، ۲۶۸، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۶، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۹، ۳۸۵، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۸، ۴۲۶، ۴۳۱، ۴۳۴، ۴۳۹، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۲، ۵۶۳، ۵۷۰، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۶۶، ۶۶۹، ۶۷۵، ۷۰۰، ۷۰۶، ۷۱۸، ۷۲۲
اسفندیاری، ثریا / ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۶۰، ۳۶۹
اسقف ارامنه / ۷۲۳، ۷۴۰
اسکات، چارلز دبیلو (سرهنگ) / ۱۵، ۱۰۱، ۳۰۸، ۳۰۹
اسکات، چارلز سی (سرهنگ) / ۱۰۰
اسکات، دیوید. د. / ۳۰۹
اسکاندیناوی / ۵۳۳، ۵۳۷، ۵۴۰، ۵۴۲
اسکوایر، دوگلاس هگ / ۱۸۹، ۳۵۶
اسکوایر، ولوگانگ لهمن / ۳۵۶
اسکواین، جان. اچ راوس / ۳۵۶
اسکود، تیم / ۷۰۱
اسلام‌آباد / ۲۱۵، ۵۷۳، ۵۷۴، ۷۴۸، ۷۵۰
اسلو / ۵۵۶، ۵۶۸

www.takbook.com



اسماعیلیه / ۷۶۱
اسمیت، ران / ۵۷۰، ۵۶۲
اسمیت، میکی / ۱۲۷
اسنو / ۷۱۹، ۷۴۹، ۷۶۳، ۷۷۳، ۷۷۷
اسنوا / ۴۶
اشتوتگارت / ۲۷۳
اشراقی (دکتر) / ۷۶
اشکول، لوی (Levi Eshkol) / ۵۹۸، ۶۳۲، ۶۳۷
اشگلون (Ashgelon) / ۶۲۲
اشیندمن، هارولد / ۲۰۱
اصفهان / ۶۴، ۶۶، ۸۳، ۸۶، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۲۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۹، ۱۵۳، ۲۰۷، ۲۱۲، ۲۱۹، ۲۲۶، ۲۵۰، ۲۹۷، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۰۲، ۴۰۶، ۴۱۹، ۵۱۰، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۷، ۷۰۵، ۷۰۹، ۷۱۳، ۷۱۶، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۳، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۵۵، ۷۶۵، ۷۶۸، ۸۳۵، ۸۴۷
اصلاحات ارضی / ۲۸۳، ۲۹۲، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۶۵، ۳۶۹، ۴۱۵، ۴۵۵، ۶۷۷، ۶۸۲
اصمدی گادجین، ادریس Edriss-Asmdigadjin / ۱۶
اعتصام / ۳۲۷
اعتماد حائری، موسی / ۱۶۸
اعتماد (دکتر) / ۲۳
اعتمادزاده، محمود (به‌آذین) / ۵۰۳
اعظمی، احمد / ۱۷۷
اعلم، جمشید / ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۸
اف بی آی (FBI) / ۲۷۲
افتخاری، منوچهر / ۱۷۰
افخری، احمد / ۱۶۵
افخمی، مهناز / ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۸۴، ۷۷۵
افسران وابسته دفاعی نیروی دریائی در اروپا / ۱۰۰
افشار / ۸۰۵
افشار، امیراصلان / ۲۹۹، ۳۰۰
افشار حسینی، محمود / ۱۷۴
افضل، محمدباقر / ۱۷۲
افغانستان / ۲۳، ۲۴، ۶۵، ۶۶، ۲۱۲، ۲۲۲، ۲۷۰، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۰۳، ۳۸۷، ۳۸۸، ۴۱۶، ۴۲۲، ۴۲۶، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۵، ۵۲۷، ۵۷۰، ۶۶۵، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۳، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۳۹، ۷۴۷، ۷۷۰، ۷۷۲، ۷۷۶، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۵، ۸۲۶
اقبال، ایران / ۲۸۶
اقبال، منصور / ۱۰۶، ۳۱۱، ۳۱۲
اقبال، منوچهر (دکتر) / ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۵۸، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۸۶، ۳۷۶
اقیانوس آرام / ۳۱۳، ۴۱۲
اقیانوس هند / ۲۶۸، ۳۸۶، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۶، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۳۴، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۱، ۴۴۷، ۴۵۱، ۶۷۱، ۶۷۳، ۷۰۹
اقیانوسیه / ۶۱۰
اکوادور / ۶۲۰
اکوبیانتر، لئون / ۱۷۳
اگاف مودین (اطلاعات نظامی) / ۵۹۶

www.takbook.com



الجزایر / ۸۰، ۲۶۸، ۵۶۵
الجزیره / ۸۱، ۵۶۵
ال عال (ELAL) (شرکت هواپیمایی اسرائیل) / ۶۰۱، ۶۱۵، ۶۲۲، ۶۲۳
الفتح / ۶۴۵
الکساندر / ۷۱۰، ۷۲۱
الهی خوانساری، احمد / ۱۷۵
الهی خوانساری، محمد / ۱۶۸
الیاسیان، اسغیک / ۱۷۲
الیاسی، خسرو / ۱۷۵
امام حسین (ع) / ۲۵۲، ۲۵۳
امام خمینی (ره) / ۳، ۴، ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۴۱، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۸۷، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۵۴، ۲۵۶، ۳۰۳، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۳۸، ۳۶۳، ۴۶۳، ۴۷۱، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۹۱، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۲۰، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۷، ۵۳۵، ۵۴۳، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۸، ۵۶۱، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۸۷، ۶۵۷، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۷۸، ۶۸۲، ۶۸۵، ۶۸۸، ۶۹۸، ۷۱۵، ۷۲۷، ۷۲۹، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۸، ۷۶۰، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۳، ۷۹۵، ۷۹۶، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۱۱، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۳۱، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۴۲، ۸۴۸
امامی اسفندیاری / ۲۴۳
امامی، حسن / ۲۴۸، ۲۴۹
امامی خوئی / ۲۴۳، ۲۴۵
امتیاز تنباکو / ۶۸۷
امتیاز تنباکوی بلژیک / ۳۶۳
امیرانتظام، عباس / ۶۵، ۶۶، ۷۷، ۸۰، ۸۱، ۱۳۶، ۱۸۷، ۱۹۶، ۲۱۹، ۳۲۲، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۹، ۵۷۵، ۵۸۰، ۵۸۳
امیرسلیمانی، توران / ۲۶۱
امیرکاشانی، منیر / ۱۷۲
امین‌ثابت، کامیل (Kamil Amin Thabet) / ۶۱۱

www.takbook.com



امین صادقیه، منوچهر / ۱۷۲
امینی، رضا(دکتر) / ۱۰۴، ۱۱۸، ۱۷۲، ۵۲۳، ۵۲۶
امینی، علی / ۱۱۸، ۱۱۹، ۲۱۹، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۸۳، ۴۹۳، ۴۹۶، ۵۰۴، ۵۲۳، ۵۲۶، ۵۲۷، ۶۸۱، ۷۵۵، ۷۶۹، ۷۷۰، ۸۳۶
امینی، هوشنگ / ۱۷۲
ان اس ای (NSE) / ۲۷۲
انالز، مارتین / ۷۳۱
انتبه / ۶۰۴
انتظار، فتح‌الله / ۱۶۶
انتظام، نصرالله / ۲۸۴
انتلیجنت سرویس / ۱۸۰
انجمن ایران و آمریکا / ۶۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۳، ۲۰۰، ۲۱۲، ۲۲۶، ۳۳۶، ۳۳۷، ۴۱۹، ۵۲۴، ۷۰۹، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۴۸، ۷۵۱، ۷۵۹، ۷۶۳، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۷
انجمن بین‌المللی پیش‌آهنگی / ۸۳۲
انجمن تنظیم و بهداشت خانواده / ۷۴۴
انجمن فرهنگی ایران و آمریکا (TAS) / ۵۲۵
انجمن قلم آمریکا / ۸۳۴، ۸۳۵
اندونزی / ۶۱۰، ۶۲۰، ۶۲۱
انرژی اتمی / ۶۶۵، ۶۶۹، ۶۷۲، ۷۱۶، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۸
انصاری، هوشنگ / ۱۱۹، ۲۴۸، ۲۶۵، ۲۷۴، ۲۸۷، ۳۰۶، ۳۱۵، ۳۸۶، ۷۱۳، ۷۱۶
انقلاب اسلامی ایران / ۶، ۸، ۱۳، ۲۲، ۲۴
انقلاب سفید / ۷۳۲
انگلستان / ۲۸، ۲۶۸، ۲۷۴، ۳۵۹، ۵۳۱، ۵۷۱، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۰، ۶۰۷، ۶۱۹، ۶۵۳، ۷۱۵
انگلیس / ۹۵، ۲۰۵، ۳۳۱، ۵۷۱، ۵۷۷، ۵۸۷، ۶۱۰، ۶۳۸، ۶۸۷
انگی بگیان (بگنازاریان)، آراکس / ۱۶۶
انورسادات، محمد / ۳۰۱، ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۷۵، ۷۶۱
اوپک / ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۶۸، ۲۷۴، ۳۸۴، ۳۸۹، ۳۹۰، ۴۰۰، ۴۱۷، ۴۳۰، ۴۴۹، ۴۵۰، ۶۶۷، ۶۷۲
اورشلیم / ۱۵۸، ۳۸۵، ۵۹۵، ۶۱۳، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۶، ۶۳۴، ۶۳۷، ۶۴۲، ۶۴۷، ۶۵۲، ۷۶۱
اورشلیم پست / ۶۴۲
اورنج، جان / ۳۰۵
اوریس، لئون / ۶۵۲
اوکان / ۲۲۱
اوگاندا / ۶۳۷
اون (دکتر) / ۳۰۶
اونیل / ۷۰۵
اویسی، غلامعلی (تیمسار) / ۲۵۲، ۲۷۳، ۳۱۵، ۴۹۳، ۴۹۶، ۵۰۹
اهایرابتیان، باریک / ۱۷۲
اهدوت، یعقوب / ۱۷۳
اهواز / ۵۲۷، ۶۷۶، ۶۷۷، ۷۸۳
ایادی، عبدالکریم (دکتر) / ۲۴۸، ۳۶۴
ایالات متحده / ۵۹۷
ایتالیا / ۲۰۵، ۲۰۷، ۳۵۸، ۶۱۹، ۷۱۳، ۷۱۸، ۷۲۲

www.takbook.com



ایتان، سیروس (Eatan Cyrus) / ۶۱۶
ایران / (اکثر صفحات)
ایرانپور، جمشید / ۶۴، ۸۳، ۸۶
ایرگون (Irgun) / ۵۹۵
ایزدپناه، علیرضا / ۳۴
ایزدپناه، مریم / ۳۴
ایزدی، علی‌محمد (دکتر) / ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳
ایسلند / ۵۳۹
ای سیستم (E-System) / ۱۴
ایگال / ۶۵۲
ایگناتیان، مانوک / ۱۶۷
ایگناتیان، وان / ۱۶۷
ایلام / ۷۷۶
ایلخانی، حسین / ۱۷۷
ایلکمن، الیس / ۲۰۱
ایلیاوی / ۲۳۱
ایمانیان، اصغر (تیمسار) / ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰
اینکلمن / ۹۴
ایوب‌خان / ۷۶۷

ب

باتلر، ویلیام / ۷۱۸، ۷۳۱
بارزانی، ملامصطفی / ۳۶۸، ۳۶۹، ۶۲۹
بازرگان، مهدی / ۹، ۴۹، ۵۰، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۱، ۷۳، ۸۱، ۸۹، ۹۷، ۹۸، ۱۰۵، ۱۲۹، ۱۳۸، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۹، ۲۵۶، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۷، ۴۷۹، ۵۰۰، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۸، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۳۲، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۴۲، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۹، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۸، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۵، ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۸۰، ۵۸۲، ۶۸۱
بازرگان، ابوالفضل / ۵۴۹
باسو، مایکل.ف. / ۳۹۴
باش، ریچارد / ۳۰۵
باغدار سریانی، آندرانیک / ۱۶۹
باغداسرگریگوریان، نیکلا / ۱۶۶
باک، رالف / ۷۱۲
بانرمن / ۷۱۸، ۷۴۷، ۷۵۵، ۷۷۷
بانک ایرانیان / ۱۷۰، ۷۰۲
بانک جهانی / ۶۷۲
بانک رهنی / ۱۶۹
بانک صادرات / ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۱
بانک عمران / ۸۴، ۸۵، ۱۷۱
بانک مرکزی / ۸۴، ۱۷۰
بانک ملی / ۸۴، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۳
باهنر، محمدجواد (دکتر) / ۵۰۵
بایندر / ۷۴۳، ۷۷۸، ۷۷۹
بحرین / ۲۶۸، ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۳۸، ۵۷۳، ۵۸۲، ۷۴۰، ۷۴۳
بختیار، تیمور (ژنرال) / ۳۶۷، ۳۶۹
بختیار، شاهپور / ۲۹، ۷۲، ۷۳، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۸، ۱۳۸، ۱۵۱، ۱۹۸،

www.takbook.com



۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۳۹، ۳۱۰، ۳۱۱،
۴۹۳، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵،
۵۰۶، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۷،
۵۴۷، ۵۴۹، ۶۸۰
بختیاری / ۲۴۳، ۲۴۵
بختیاری اسفندیاری، ثریا / ۳۶۹
بختیاری، صلاح‌الدین / ۱۷۴
بخشاینده، یوسف / ۱۷۴
بخش تحقیقات (RD) / ۵۹۵
بخشنده، فرهاد / ۱۷۴
بخش وظایف ویژه (STD) / ۵۹۷
بخش (I.V) / ۱۶۲، ۱۶۳
برادران جوادی، منصور / ۱۶۷
برادی، جان جی / ۳۰۰
براسل / ۴۴
برانیگان، ویلیام / ۷۸۶
براون / ۳۰۳
بردس، جرج آر / ۳۰۰
بردلی / ۷۷۲
برزیل / ۶۲۰
برژینسکی (دکتر) / ۷۱، ۸۰، ۸۱، ۹۷، ۱۱۶، ۵۶۵
برسون / ۷۱۶
برکلی / ۵۳۲، ۵۴۲
برگ / ۶۴۷
برگستن / ۷۷۳
برگلند / ۷۱۸
برمر سرم، رال پل / ۱۸۹
برن، جان واش / ۶۱۲، ۷۹۳
بروسی / ۱۵۸
بروک، هربرت جی / ۳۰۰
برومفیلد، ویلیام اس / ۳۰۰
برومندان، مهشید / ۱۶۷
بروندی / ۶۳۷
بروین (Brewin) / ۴۲۰، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۱۱، ۷۱۲،
۷۱۶، ۷۱۸، ۷۲۰، ۷۴۳، ۷۴۸، ۷۵۰
بریتانیا / ۱۱۶، ۳۵۸، ۶۳۱، ۶۷۳، ۶۸۳، ۷۰۰
بریتیش لیلاند / ۲۰۷
بریدی، توماس اف / ۳۴۶
بزمن / ۷۸۶
بش، ریچارد / ۶۹۷، ۷۱۱، ۷۲۲، ۷۷۵
بغداد / ۲۱۵، ۵۳۱، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۷۳، ۶۲۹، ۶۴۶
بغیری، محمد / ۱۶۹
بقایی، مظفر (دکتر) / ۶۸۱
بگین، مناخم / ۱۳۲، ۳۰۱، ۶۳۶، ۶۳۹، ۶۴۰،
۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۷ / ۷۰۹، ۷۶۱
بلاتی ترکمن، علی / ۱۶۵، ۱۷۶
بلژیک / ۴۴، ۶۱۹
بلغارستان / ۲۶۹، ۳۵۵، ۳۶۶، ۶۲۱
بل کهن، سیروس / ۱۷۵
بلندیهای جولان / ۶۴۲، ۶۴۷، ۶۴۹، ۶۵۱
بلوچستان / ۲۷۷، ۵۵۰
بلوشارک / ۳۴۵
بلوکر / ۵۲۸
بلومنتال / ۷۷۳، ۷۷۶، ۷۸۵

www.takbook.com



بلی، دیوید. اچ. / ۴۳۳، ۴۳۷
بُن (آلمان) / ۲۱۵، ۴۷۴، ۴۷۶
بنان، پرویز / ۱۷۷
بنایی، حسین / ۸۳۲
بن جدید / ۵۶۵
بندر باکو / ۳۵۵
بندر پهلوی / ۳۵۵
بندرعباس / ۷۰۱، ۷۰۹، ۷۲۲، ۷۴۷
بنرمن / ۷۰۳، ۷۱۴، ۷۲۱، ۷۴۹، ۷۷۵
بنگاه عمران بین‌المللی (AID) / ۷۵۵
بنی‌احمد، احمد / ۷۶، ۷۸، ۲۱۸
بنیاد پهلوی / ۱۴۵، ۱۷۲، ۳۰۳
بنیاد جانسون / ۲۰۰
بنیاد، خلیل / ۱۷۴
بنیاد خیریه / ۲۷۷
بنیادی، ساموئل / ۱۷۵
بنی‌اسدی / ۵۵۵
بن یحیی / ۵۶۵
بنی، رولوف / ۷۱۱
بنی‌صدر، ابوالحسن (دکتر) / ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۵، ۴۸۷، ۵۴۹، ۶۸۰
بنی فیس، رودلف / ۵۱
بن‌یوحنان، آمون / ۵۹۰، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲
بوتو، ذوالفقار علی / ۲۷۰، ۷۶۷
بوداغیان میرزائیان، دیکرانوهی / ۱۶۷
بوداغی، علی‌محمد / ۱۶۹
بورتن / ۷۷۶
بوزاسیان، ماکروهی / ۱۶۷
بوش، جرج / ۷۱۶
بوشهری، مهدی / ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۶۰
بویس، اس. ا. / ۷۱۳، ۷۴۸، ۷۵۱، ۷۶۰، ۷۶۳
بهادری، کریم پاشا / ۲۷۷
بهارمست، سیروس (سروان) / ۱۸۴، ۱۸۶
بهرامی، محمدعلی / ۱۷۴
بهروان / ۱۶۹
بهرینگ / ۵۲۴
بهشت زهرا / ۵۱۵
بهشتی، سیدمحمدحسین (دکتر) / ۵۴، ۱۹۷، ۳۲۶، ۴۹۳، ۴۹۷، ۵۰۸، ۵۱۱، ۵۱۵، ۵۲۳، ۵۴۹
بهشهر / ۵۱۸
بهنام، شکرالله / ۱۶۹
بهوی، جعفر / ۲۶۵
بهی‌راد، امین آقا / ۱۶۹
بیات / ۲۴۳، ۲۴۵
بیات، مصطفی / ۲۵۸
بیان، مرتضی / ۲۵۸
بیانیه کمیته ژنو ـ ایران / ۲۶۹
بیت‌المقدس / ۵۸۸
بیرن / ۷۴۴
بیرنز / ۷۱۹
بیروت / ۲۱۵، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۶، ۷۲۳
بیشاپ، جیمس / ۷۱۳
بی‌غم غازانی، یوسف / ۱۷۰
بیکاف (سناتور) / ۶۷۵

www.takbook.com



بیگلری (سرتیپ) / ۱۰
بیمارستان تاج پهلوی / ۱۷۲
بیمارستان دریایی بتسدا / ۷۱۱
بیمارستان نیویورک / ۳۲۵
بینگهام، جاناتان بی / ۲۹۹

پ

پاتریک (سرهنگ) / ۴۳۳
پادگان «مک کوایر» / ۷۴۷
پادگان نیروی هوایی ایران در کپکان / ۵۱۸
پارسی، فرخ / ۹۲، ۹۳، ۴۵۴
پاریس / ۷۷، ۸۳، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۵۱، ۱۶۴، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۷۳، ۲۹۷، ۳۲۷، ۴۶۳، ۴۶۶، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۷، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۱۱، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۴۳، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۶، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۷۱، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۶۱۲، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۳، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۸۰، ۷۰۳، ۸۳۶
پاسگاه گارد مرزی اسرائیل / ۵۹۵
پاکستان / ۲۳، ۲۴، ۱۱۵، ۱۳۲، ۲۰۰، ۲۵۳، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۴، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۸۷، ۳۸۸، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۶، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۵، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۸، ۶۶۶، ۶۶۹، ۶۷۰، ۷۲۰، ۷۲۲، ۷۳۷، ۷۴۸، ۷۶۷، ۷۷۵، ۷۷۷
پاک ستون / ۷۰۵
پالایشگاه اصفهان / ۶۶، ۱۲۹
پالماچ (گروه حملهٔ هاگانه، سازمان زیرزمینی یهودی) / ۵۹۶، ۶۵۲، ۶۵۴
پالیزبان (تیمسار) / ۲۵۲
پاناما / ۲۱۵، ۲۲۹، ۶۲۰
پانوسیان، دایر / ۷۲۳، ۷۲۴
پاول، رابرت / ۷۴۴
پایگاه الکترونیکی کبکان خراسان / ۱۵
پایگاه دریایی حیفا / ۶۳۸
پایگاه سابق بریتانیا (جزیرهٔ (GAN) گن) / ۴۳۹
پترسون (سرتیپ) / ۲۲۸، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۹
پتیس، شرلی ان / ۳۰۰
پراپس، هربرت / ۴۱۹
پرتغال / ۴۴، ۴۷
پرتوی علوی، عبدالعلی / ۶۸۰
پرخت (Precht) / ۵۴
پرز، شیمون / ۶۵۱
پرشت، هنری / ۳، ۵۰، ۶۶، ۸۳، ۸۵، ۸۷، ۱۳۰، ۳۰۲، ۳۱۴، ۳۲۲، ۳۲۶، ۵۵۲، ۵۷۹، ۵۸۰، ۷۵۱
پرفت، هاری / ۲۰۱
پرو / ۶۲۰
پروتاریا / ۲۱۵
پروتکتسیا / ۶۰۷
پزشکپور، محسن / ۲۱۸
پست، جرالد ام. / ۳۰۲
پطروسیان / ۲۶۵

www.takbook.com



پگویین / ۴۷۵، ۴۷۷، ۵۶۹، ۵۷۴، ۵۷۶
پلیس ملی (اسرائیل) / ۵۹۶
پلیس ملی ایران / ۷۴۴
پلیس مهرآباد / ۱۰
پناهی / ۲۴۳، ۲۴۵
پنتاگون / ۱۵، ۳۴۴، ۷۰۹
پنیاس / ۶۳۲
پورت، داون / ۷۱۳
پهلوی، اشرف / ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۷، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۸۴، ۲۸۹، ۳۱۵، ۳۱۶، ۷۱۳، ۷۱۸، ۷۳۲، ۷۶۹
پهلوی، رضا / ۲۵۹، ۲۷۵، ۲۹۳، ۳۲۱، ۷۶۱، ۸۲۹
پهلوی، شمس / ۲۶۰، ۲۶۱
پهلوی، شهناز / ۲۷۴
پهلوی، عبدالرضا / ۲۶۱، ۲۷۵، ۲۷۷
پهلوی، علی / ۸۲۹
پهلوی، غلامرضا / ۲۷۵، ۷۶۹
پهلوی، فرح / ۹، ۲۴۷، ۲۵۸، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۹، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۱۶، ۷۴۰
پهلوی، محمدرضا / ۳۱، ۳۲، ۱۷۹، ۱۸۴، ۲۴۶، ۲۵۹، ۲۹۳
پهلوی، محمودرضا / ۷۶۹
پهلوی، منصور / ۲۴۳
پهلوی‌نیا، شهرام / ۲۴۷، ۲۶۱، ۲۷۵
پهلوی‌نیا، شهریار / ۲۷۴، ۲۷۵
پیامبر اکرم (ص) / ۶۳، ۴۹۱
پیرنیا / ۲۴۳، ۲۴۵
پیز، دانالد جی / ۲۹۹
پیشه‌وری، جعفر / ۱۴۵
پیلزبوری، فیلیپ / ۲۹۷
پیمان سنتو / ۲۰، ۲۶۹، ۲۷۰، ۳۴۸، ۳۵۲، ۳۵۵، ۴۱۸، ۴۲۲، ۴۲۵، ۴۳۸، ۴۴۶، ۷۰۲، ۷۱۳
پیمان مصر و اسرائیل / ۶۴۱
پیمان وین / ۳۳۲

**ت، ث**

تابس، پل / ۷۴۹
تاج‌الملوک / ۲۶۰
تاجداد، حسین (دکتر) / ۲۸۴
تاچ راس (Touch - Russ) / ۱۴
تاچر، مارگارت / ۷۱۶
تاچر، مود / ۳۳۹
تاریخ انقیاد و خواری ملی در تاریخ اسلامی ایران (کتاب) / ۳۷۵
تالار رودکی / ۲۱۸، ۷۴۳
تال (سرلشکر) / ۶۴۹
تامست، ویکتور ال. / ۱۴۳، ۱۹۲، ۲۱۷، ۳۲۴، ۵۲۷، ۵۳۱، ۵۴۵، ۶۸۹، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۵، ۷۷۴، ۷۸۳، ۷۹۷، ۸۰۰
تامسون / ۷۰۵
تامیر / ۶۴۴
تایلر / ۷۵۱
تایلند / ۶۲۰

www.takbook.com



تأسیسات ال‌عال و زیم (ZIM) / ۶۲۲، ۶۲۳
تبریز / ۸۸، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۹۴، ۲۱۹، ۲۳۱، ۳۹۵، ۴۰۲، ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۹۸، ۵۰۲، ۶۵۹، ۶۸۹، ۶۹۱، ۶۹۶، ۶۹۷، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۹، ۷۱۶، ۷۱۹، ۷۲۳، ۷۳۳، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۸
تپه‌های سنت‌موریتز / ۶۹۹
تجارهنگامی، حسین / ۱۶۶
تجهیزات (FMS) نظامی / ۵۵۹
تجهیزات نیروی دریایی آمریکا / ۹۴
تحقیقات سالت (Salt) / ۶۶، ۷۱
ترابی تهرانچی، امیرهوشنگ / ۱۷۶
تربتی مقدم، هادی / ۱۶۹، ۱۷۲
ترکیه / ۱۳۲، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۷۰، ۲۹۵، ۳۳۴، ۳۴۳، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۶۸، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۴۰، ۴۴۵، ۴۴۷، ۵۲۱، ۵۷۲، ۵۸۹، ۶۱۱، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۸۵، ۷۱۳، ۷۹۱، ۸۰۳
ترمینال فرماندهی هوابرد نظامی / ۷۴۷
ترنر، آدمیرال (سرهنگ) / ۲۵۷، ۸۴۱
تره‌کی / ۲۲۲
تریپولی / ۲۱۵، ۵۲۸، ۵۶۵
تریس، لوری / ۷۷۵
تشکیلات پلیس ملی اسرائیل / ۵۹۵
تشکیلات سرویسهای اطلاعات و امنیت اسرائیل / ۵۹۵
تفضلی، مسعود / ۱۷۳
تکریتی، هردان (ژنرال) / ۶۲۹
تک، کاظم / ۱۶۵، ۱۷۱
تکنیکون حیفا (Haifa) / ۶۰۶
تگزاس / ۵۲۴، ۶۵۳
تل‌آویو / ۲۱۵، ۵۷۳، ۵۷۶، ۶۰۶، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۳، ۶۱۸، ۶۲۲، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۳۳، ۶۳۸، ۶۴۵، ۶۴۹
تلویزیون ملی ایران / ۱۱۴، ۱۴۰، ۱۴۲، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۳۲۶
تنگه هرمز / ۱۳۲، ۴۳۸
توتونچی، محمد / ۱۷۸
توحیدی، محمدعلی / ۱۶۵، ۱۷۲
تورگمن، دیوید / ۶۲۸
تورین / ۲۹۷
توسانیت، دوناد آر. / ۶۲۹، ۶۳۰
توسلی / ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۹
توسلی، سیدمحمود / ۱۷۲
توفیقیان، منوچهر / ۱۶۵
توکلی، جهانگیر / ۱۶۵
توکیو / ۲۰۷، ۲۱۵، ۲۷۴، ۶۳۸
توماس / ۷۵۵
تونس / ۲۱۵
تهران (اکثر صفحات)
تهرانچی، مهدی / ۱۶۵
تهرانی / ۴۹۷
تیگ (ژنرال) / ۱۸۶
تیلور، کلاید / ۱۳۰، ۳۰۵، ۷۰۵، ۷۰۹، ۷۳۸، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۶۰، ۷۶۳، ۷۷۳

www.takbook.com



تیمورتاش، عبدالحسین / ۲۵۸
تیموریان، اسماعیل / ۱۷۲
ثابت، حبیب / ۲۶۱
ثابتی، پرویز / ۲۴۸
ثقفی (سرهنگ) / ۱۰

ج
جاده قدیم شمیران / ۷۶۸
جافا (Jaffa) / ۶۰۶
جاکارتا / ۶۲۱
جاکوبس، نورمن / ۳۷۵
جامعه اطلاعاتی اسرائیل / ۵۹۶
جامعه ایرانیان در لندن / ۵۷۱
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم / ۱، ۱۳
جامعه مهاجران عرب / ۶۱۱
جامعه یهودیان / ۶۳۳
جامعی، ناصر / ۱۶۹، ۱۷۰
جاموتی / ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰
جان دریو، چارلز / ۱۲۷
جانسون، جورج / ۴۷۴، ۴۷۶
جانسون، راچ، اف / ۵۱۹
جانسون (سازمان خیریه ـ م.) / ۱۱۵
جانسون، مارک / ۶، ۱۹۱، ۱۲۵، ۱۲۷، ۷۰۴
جانکا، لس / ۳۱۴
جانوس، س. د. / ۵۷۱
جاویتس، جاکوب ک / ۲۹۹
جاوید، جهانگیر / ۱۶۷
جاوید، نهضت / ۱۷۱
جبهه آزادیبخش ملی / ۶۸۰
جبهه خلق برای آزادی فلسطین / ۶۴۵
جبهه دمکراتیک ملی / ۷۴، ۱۹۳، ۲۲۹، ۵۴۹
جبهه مجاهدت خلق / ۶۴۵
جبهه ملی / ۷۸، ۱۸۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۳۱، ۲۵۶، ۲۷۰، ۲۸۳، ۲۹۱، ۳۳۷، ۳۶۵، ۳۶۷، ۴۱۵، ۴۵۵، ۴۵۷، ۵۰۳، ۵۴۹، ۶۵۹، ۶۶۱، ۶۸۰، ۶۸۱، ۷۱۵، ۷۲۷، ۷۲۹، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۸، ۷۴۲، ۷۶۶، ۷۹۵، ۸۱۵، ۸۱۸، ۸۳۱، ۸۳۴، ۸۳۶، ۸۴۹
جدّه / ۲۱۵، ۲۲۹، ۵۷۳، ۷۴۲
جزیره ابوموسی / ۲۶۸
جزیره بحرین / ۵۸۲
جزیره تنب / ۲۶۸، ۴۴۱
جزیره رودز / ۶۵۲
جزیره کیش / ۷۰۹، ۷۱۸، ۸۳۴
جشن هجرت در ایالات متحده / ۲۱
جعفرزاد، حسن / ۱۷۷
جعفریان، محمود / ۱۰۴
جکسون، جسی / ۱۱۴، ۱۴۲، ۳۱۶، ۳۲۷
جکسون، ویلیام / ۳۱۶
جلالی‌پور، ماکوی علی / ۱۷۰
جلّود، عبدالسلام / ۵۲۸
جمعیتهای مختلف مسیحی، دروز (Druze) / ۶۰۸
جم، فریدون / ۲۵۲
جمهوری خلق چین / ۲۶۷

www.takbook.com



جمهوری دومینیکن / ۶۲۰
جمهوری متحده عربی / ۶۲۹، ۶۳۰
جنبش آزادی (FM) / ۵۹۵
جنبش رادیکال / ۵۴، ۷۴، ۸۱
جنبش کارگری یهودیان / ۶۵۴
جنبش کشورهای غیر متعهد / ۵۹
جنبش مقاومت / ۵۵۵
جنت‌پور، ناصرالسادات / ۱۷۷
جنرال موتورز / ۷۰۹
جنگ ۱۹۴۸ (اعراب و اسرائیل) / ۶۵۲
جنگ اکتبر ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل / ۶۵۱
جنگ ایران و روس / ۲۵۳
جنگ جهانی دوم / ۴۳، ۲۰۹، ۲۶۷، ۲۶۸، ۳۵۸، ۴۴۶، ۴۵۳، ۵۹۷، ۶۰۵، ۶۵۲، ۶۸۵، ۷۰۶
جنگ شش روزه ۱۹۶۷ (اعراب و اسرائیل) / ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۵۰، ۶۵۳، ۶۷۳
جنگل ملی لوس پدرس / ۳۱۳
جنگ ویتنام / ۶۵۸
جنگ هند و پاکستان / ۳۷۰
جنگ یوم کیپور / ۵۹۸، ۶۰۵
جوادی، نصرت‌الله / ۱۷۷
جودا / ۶۴۰
جورج متسیان، الکساندر / ۱۷۷
جونز (فرمانده) / ۹۴، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲
جونیور، تئودور ل. الیوت / ۶۲۸
جونیور، لاری وین / ۳۰۰
جهانبانی / ۲۴۳، ۲۴۵
جه‌ته (حومه براسل) / ۴۴
جیلمن، بنجامین ای / ۳۰۰
جینگلز / ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۴۳، ۷۷۳

## چ

چالمرز، آلیس / ۲۳۹، ۳۰۸، ۳۰۹
چاه‌بهار / ۳۰۳
چایکونسکی (ژنرال) / ۳۴۶
چرنات، هوارد.ل. / ۳۹۴
چریکهای فدایی خلق / ۱۸۷، ۸۴۶
چکسلواکی / ۲۶۹، ۳۵۵، ۶۰۶
چمران، مصطفی (دکتر) / ۲، ۱۴۵، ۲۲۹، ۵۴۹، ۵۵۵، ۵۵۸، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۷۰
چین / ۲۶۷، ۲۷۷

## ح

حاج سید جوادی، صدر / ۱۹۵
حاج سید جوادی، علی‌اصغر / ۲۲۹، ۶۸۰
حاج محمدرضا، قمر / ۱۷۰
حاج میرصادقی، صادق / ۱۷۰
حاجیان بهمنی، محمد / ۱۶۶، ۱۷۰
حاجی وزیری، غلامحسین / ۱۷۷
حادثه آهرون کوهن / ۶۰۶
حادثه «کوهن» و «لوثر» / ۶۱۰
حبش، جرج / ۲۷۰، ۵۲۷، ۵۵۰، ۶۴۵
حبیب‌اللهی، کمال (دریاسالار) / ۱۶، ۲۶، ۷۱۹، ۷۲۰

www.takbook.com



حبیبی / ۵۵۵
حجازی (دکتر) / ۳۱۱
حجازی، عبدالحسین / ۲۵۲
حداد / ۶۴۰
حدادی، حسن اسماعیل / ۱۶۸، ۱۷۵
حزب آزادی / ۵۵۵
حزب اتحاد برای آزادی / ۷۶، ۷۸
حزب ایران / ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۶۸۱
حزب ایران نوین / ۲۵۰، ۲۶۶، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۳
حزب پان ایرانیست / ۲۱۸
حزب توده / ۶۵، ۱۰۴، ۱۳۸، ۲۳۱، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۹۱، ۲۹۸، ۳۳۷، ۳۵۵، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۹، ۴۴۱، ۴۵۵، ۴۹۸، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۱۳، ۵۴۶، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۵، ۶۸۷، ۷۲۲، ۷۳۵، ۷۴۰، ۷۶۷، ۷۷۵، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۶، ۸۱۸، ۸۴۹
حزب ته‌ایار / ۶۴۷
حزب جمهوری اسلامی / ۱۵۱، ۱۵۵، ۲۳۱، ۳۲۴، ۵۴۹
حزب چپ (Maki) / ۶۲۵
حزب چپ (Mapam) / ۶۲۵
حزب خلق مسلمان / ۲۲۹، ۲۳۰
حزب دست‌راستی هروت (Herut) / ۶۲۵
حزب رادیکال / ۶۸۱
حزب رستاخیز / ۱۰۴، ۱۶۹، ۲۵۰، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۳، ۴۴۱، ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۵۸، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۹۶، ۷۰۵، ۷۱۲، ۷۱۶، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۵، ۷۴۳، ۷۴۷، ۷۶۶، ۸۰۸، ۸۱۰، ۸۱۵، ۸۳۹
حزب زحمتکشان / ۶۸۱
حزب کار اسرائیل (ILP) / ۵۹۵، ۶۰۶
حزب کارگران اسرائیل Mapai (IWP) / ۵۹۵، ۶۴۲، ۶۴۷، ۶۵۰
حزب کارگران متحد Mapam (UWP) / ۵۹۶، ۶۰۶، ۶۵۰
حزب کمونیست اسرائیل Maki (ICP) / ۵۹۵، ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۲۶
حزب لیبرال / ۶۵۰
حزب لیکود / ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۴۷، ۶۵۰، ۶۵۴
حزب مذهبی ملی و آگودت اسرائیل / ۶۴۴
حزب ملت ایران / ۵۵۵
حزب نازی / ۲۷۴
حسیبی، کاظم (مهندس) / ۶۸۱
حسینی (سرهنگ) / ۵۲۰
حسینیه ارشاد / ۶۷۷، ۶۸۲
حضرت ابراهیم (ع) / ۵۸۸
حضرت علی (ع) / ۷۶۸
حقوقی، منصور / ۱۷۰
حکمت‌نژاد، ناصر / ۱۶۶
حکیم تناغو، امین / ۱۶۵
حکیم معانی، ناصر / ۱۷۱
حکیمی، اقبال / ۲۴۳، ۲۴۵

www.takbook.com



حلویاتی، جهانگیر / ۱۷۰
حمزوی تهرانی، ناصر / ۱۷۶
حمله انتبه (Entebbe) / ۶۰۴، ۶۱۹
حمیدی نرمن، محمدحسین / ۱۷۰
حیفا / ۶۰۶، ۶۲۲، ۶۳۸

خ

خاتمی، اکبر / ۱۷۱
خاتمی، محمدامیر (تیمسار) / ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۷۴
خاچی، پلی‌یوس / ۱۷۱
خاچیکیان، مارتا / ۱۶۷
خازنی، خسرو / ۱۷۱
خازنی‌راد، مهدی / ۱۷۷
خامنه‌ای، سیدعلی (آیت‌الله) / ۵۴۹
خاور دور / ۵۸۹، ۶۱۱، ۶۱۴
خاورمیانه / ۲۴، ۵۱، ۱۳۲، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۹۱، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۲۶، ۲۴۵، ۲۶۷، ۲۹۵، ۳۳۸، ۳۴۸، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۷، ۴۱۱، ۴۱۶، ۴۱۹، ۴۲۵، ۴۳۳، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۲، ۴۴۷، ۵۸۸، ۵۹۸، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۹، ۶۳۷، ۶۶۴، ۶۶۶، ۶۶۹، ۶۷۱، ۶۷۳، ۶۷۵، ۷۰۰، ۷۰۶، ۷۱۶، ۷۲۲، ۷۴۷، ۷۵۱
خاور نزدیک / ۵۶۸، ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۷۸
خبرگزاری آسوشیتدپرس / ۲۱۷، ۶۴۰، ۶۹۹
خبرگزاری پارس / ۵۶۰، ۶۷۷
خبرگزاری خاورمیانه مصر / ۶۴۰
خبرگزاری فرانسه / ۷۶۸
خراسانی، محمدتقی / ۱۷۱
خرسندی باقرزاده، بهرام / ۱۶۹
خرسندی باقرزاده، بهرام / ۱۷۴
خرطوم / ۲۱۵
خرمشهر / ۳۹۶، ۴۰۲، ۴۰۵، ۶۷۶، ۷۸۳
خسروداد / ۴۹۳
خسرویانی (سرهنگ) / ۱۰
خشایار، محمدحسن / ۱۷۸
خط کشتیرانی ملی، زیم (ZIM) / ۶۰۱
خطوط هواپیمایی ملی، ال آل / ۶۰۱
خلدانی، آصف / ۱۶۸
خلدانی، آصف / ۱۶۸
خلعتبری، عباسعلی / ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۷۲
خلیج فارس / ۲۴، ۶۵، ۷۰، ۲۰۴، ۲۶۸، ۲۷۳، ۲۹۵، ۳۳۴، ۳۴۰، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۸۴، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۶، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۶، ۴۳۱، ۴۳۴، ۴۳۸، ۴۴۱، ۴۴۵، ۴۴۷، ۵۲۷، ۵۳۷، ۵۵۰، ۶۶۴، ۶۶۶، ۶۷۰، ۷۰۵، ۷۴۷، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۹
خلیلی بروجنی، مهین‌تاج / ۱۶۷
خمینی، مصطفی / ۳۲۴
خندان تبریزی، مهدی / ۱۶۷
خواجه‌ئیان، سیامک / ۱۷۷
خواجه خلیلی، علی / ۱۶۸
خواجه خلیلی، علی / ۱۷۰
خواجه‌نوری / ۲۴۳، ۲۴۵

www.takbook.com



خوانساری، مسعود / ۱۶۸
خوزستان / ۲، ۲۲۲، ۳۱۸، ۳۶۸، ۴۳۸، ۵۰۲، ۵۲۷، ۵۴۹، ۶۷۷
خوشخو (سرهنگ) / ۱۰
خیابان آریامهر سابق (دکتر فاطمی) / ۴۷۴
خیابان امیرآباد سابق (کارگر) / ۴۷۴
خیابان ایرانشهر / ۷۷۳
خیابان تخت جمشید (طالقانی) / ۱۷۹
خیابان شاه عباس / ۴۹۳
خیابان ششم بهمن / ۵۰۵
خیابان کشاورز (بلوار الیزابت دوم سابق) / ۴۷۵
خیابان مین ـ موروبای ـ کالیفرنیا / ۳۱۳
خیام، مرتضی / ۱۷۱
دادگاه‌های انقلاب اسلامی / ۵۶، ۶۱، ۶۴، ۶۵، ۷۴، ۸۷، ۸۹، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۳۸، ۱۴۷، ۲۱۰، ۲۳۱، ۳۱۸، ۵۳۵

د ـ ذ

دارالترجمه شهاب / ۱۷۹
دارتی، ویلیام / ۳۵
داروخانه سعادت (مشهد) / ۱۷۵
داریوش بایندر / ۷۷۸
دامغانی، منوچهر / ۱۶۹، ۱۷۵
دانشجویان مسلمان پیرو خط امام / ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۲۰، ۲۱، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۴۱، ۴۷، ۵۲، ۵۵، ۵۶، ۱۳۴، ۱۶۲، ۲۳۶، ۲۳۹، ۳۳۸، ۵۹۲، ۶۶۲، ۷۵۹
دانشکده دفاع ملی / ۷۰۵
دانشگاه «آذرآبادگان / ۷۳۹
دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو / ۵۵۴
دانشگاه برکلی کالیفرنیا / ۵۵۰
دانشگاه پاریس / ۵۳۲
دانشگاه پهلوی / ۲۸۴، ۶۹۴، ۷۲۰
دانشگاه تبریز / ۱۷۲، ۷۴۳
دانشگاه تهران / ۷۹، ۱۱۳، ۱۴۱، ۲۱۸، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۷۴، ۲۸۷، ۳۰۶، ۳۲۴، ۳۲۶، ۵۰۳، ۵۱۵، ۵۳۲، ۵۵۰، ۵۵۵، ۶۸۱، ۶۹۴، ۷۱۶، ۷۷۶
دانشگاه دفاع ملی / ۷۰۲
دانشگاه صنعتی آریامهر / ۶۷۶
دانشگاه کالیفرنیا / ۴۸۲، ۵۳۲
دانشگاه لندن / ۶۳۷
دانشگاه ملی / ۳۰۳، ۷۰۲، ۷۱۶، ۷۳۴
دانشگاه نبراسکا / ۱۱۵، ۲۰۰
دانشگاه نیروی دریایی گمبورن / ۲۹۸
دانشگاه واشنگتن / ۲۷۴
دانشگاه ویرجینیا / ۷۰۲
دانشگاه هاروارد / ۳۳۶، ۸۰۲
دانشگاه هیبرو / ۶۵۳
دانمارک / ۵۳۹، ۶۱۹
دانون، ادیا / ۶۳۳
دانیل‌پور / ۵۳۵
داودی / ۷۶
داورفرا، محمدتقی / ۱۷۵
داورهانیان، جمیل / ۱۶۷

www.takbook.com



داوری، فاطمه / ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶
داولینگ، تامس / ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰
داویدیان، وارژان / ۱۷۵
دایان، موشه (ژنرال) / ۶۳۲، ۶۳۹، ۶۴۷
دایره اطلاعات و تحقیقات / ۷۵۲، ۷۵۴
دبیریان، عبدالعلی / ۱۷۰
دجرمان، ویلیام / ۹۲
دد، کریستوفر / ۳۰۰
ددیـــچ / ۳۰۴، ۷۰۰، ۷۰۳، ۷۱۴، ۷۱۷، ۷۲۲، ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۵۵، ۷۷۶
درخشانی، بهاالدین / ۱۷۰
درخشش، محمد / ۲۸، ۷۳، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۸
درمیناسیان حاجی‌آبادی، پروانه / ۱۶۹، ۱۷۵
درهوانسیان، وارطان / ۷۲۳
دریاچه رضاییه (ارومیه) / ۳۷۰
دریاچه لوپز / ۳۱۳
دریای خزر / ۳۵۵، ۶۹۸
دزفول / ۵۰۲، ۵۱۰، ۶۷۶
دستغیب، حاج سیدجواد (آیت‌الله) / ۸۳۴، ۸۳۵
دستمالچی، حسن / ۱۶۷
دستن، ژیسکار / ۲۶۹، ۸۳۵
دشتی، محمد علی / ۲۸۶
دفاتر زیم (ZIM) / ۶۱۵
دفتر ارتباطات مطبوعات / ۵۳۲
دفتر انتشارات اسلامی / ۱، ۱۳
دفتر انتشارات جامعهٔ مدرسین / ۱، ۱۳
دفتر دفاعی آمریکا / ۱۵
دفتر مخصوص شاه / ۲۴۸
دفتر مخصوص شهبانو / ۲۴۷
دفتر مرکزی اطلاعات جاسوسی / ۲۴۱
دفتر همکاری‌های بین‌المللی آمریکا / ۵۶
دمشق / ۱۸۳، ۵۹۵، ۶۱۱، ۶۴۶، ۷۲۳
دوبی / ۲۱۵
دوپرتگ / ۴۷۶
دوپونت / ۲۹۰، ۳۰۵، ۵۳۵
دوحه / ۷۴۲
دولت جمهوری چین (ملی) / ۶۲۰
دولتشاهی / ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۶۲
دولت موقت ایران / ۴، ۱۹، ۲۱، ۴۹، ۵۶، ۵۸، ۶۰، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۲۳، ۱۳۸، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۱، ۱۸۸، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۲۶، ۳۰۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۶، ۳۲۷، ۴۷۲، ۵۲۷، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۷، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۶۴، ۵۶۸، ۵۷۷، ۵۸۲
دولو، امیرهوشنگ / ۲۴۸
دونکن / ۳۰۵
دهلی نو / ۴۴، ۲۱۵، ۴۷۷، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۶
دهه ۱۹۶۰ 1960's (کتاب) / ۳۷۵
دهه ۱۹۵۰ 1950's (کتاب) / ۳۷۵
دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ 1920's and 30 (کتاب) / ۳۷۵
دیباجی، مهدی / ۱۷۰

www.takbook.com



دیبا، فرح / ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۷۵، ۴۹۳، ۷۱۳، ۷۳۹، ۷۵۵، ۸۲۸
دی، رابرت / ۶
دیرتک / ۴۷۴، ۴۷۷
دیرزمن (خانم) / ۳۰۵، ۳۰۶، ۷۲۲، ۷۴۴
دیرمینا، غلامحسین / ۱۶۷، ۱۷۰
دیگومیانس، آلفرد / ۱۷۵
ذاکری، علی / ۱۷۲
ذبیحی‌مقدم، فرزانه / ۱۷۲
ذره‌بین ایرانی، خسرو / ۱۷۵
ذره‌پرور، عنایت‌الله / ۱۷۸
ذوالفقاری / ۲۴۵
ذوب‌آهن / ۶۹۲

ر

رائین، پرویز / ۶۹۸، ۶۹۹
رابین، آویوا / ۶۵۴
رابین، اسحاق / ۵۹۱، ۶۴۲، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴
رابین، دالیا / ۶۵۴
رابین، راشل / ۶۵۴
رابین، نهیمیا / ۶۵۴
رابین، یوال / ۶۵۴
راترفورد، گای دبلیو / ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۷، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶
راجرز، کنت / ۷۳۸
رادیو اورشلیم / ۶۴۰، ۶۴۲، ۶۴۶، ۶۴۷
رادیو بغداد / ۳۶۸، ۶۲۹
رادیو بی‌بی‌سی / ۱۱۶، ۱۱۷، ۷۴۳، ۷۴۷
رادیو پیک ایران / ۳۵۵، ۴۵۷
رادیو تلویزیون ملی ایران (NIRT) / ۱۰۴، ۳۲۴، ۳۲۶
رادیو صدای آمریکا (VOA) / ۶۲، ۷۱، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷ / ۱۴۲، ۱۵۴، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۲
رادیو عربی ایران / ۵۳۱
رادیو مسکو / ۳۵۵
رادیو نیروهای دفاعی اسرائیل / ۶۴۳
رادیوی صدای ملی ایران در باکو / ۳۵۵
راس، کلاود. جی. / ۳۹۰، ۳۹۴
رافل، آرنولد / ۳۱۶، ۸۰۷
راکفلر، نلسون / ۷۰۹، ۷۱۸
رام، هوشنگ / ۸۴، ۸۵
راولپندی / ۳۳۹
رایان، دان / ۱۲۷
رایان، لئو جی / ۲۹۹
راینو / ۷۴۷
رباط / ۲۱۵، ۵۶۵
ربیعی، امیرحسین (تیمسار) / ۳۰۳، ۴۹۳، ۷۰۹، ۷۱۲، ۷۶۰
ربیکوف، آبراهام / ۲۹۹
رزم‌آرا، علی (تیمسار) / ۲۵۱
رژیم اشغالگر قدس / ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۱

www.takbook.com



رستوران فرانچسکوتورینو / ۲۹۷
رستوران گرانادا (تهران) / ۶۳۵
رستوران هتل پالاس تهران / ۶۲۸
رسنز، آندریو.دی. / ۱۹۱
رشت / ۳۶۶
رشیدی / ۲۷۷
رضائیه (ارومیه) / ۷۱۲
رضاشاه / ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۸، ۲۷۸، ۳۳۳، ۳۶۲، ۳۶۹، ۶۹۵، ۸۰۳، ۸۱۳
رضایی، علی ۲۷۷، ۷۶۹
رفیعی، احمد / ۲۸۶
رم / ۲۱۵، ۶۳۸
رنکو، آریوگرانده / ۳۱۳
روابط عمومی سفارت آمریکا (ایران) / ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۱۱
رواندا / ۶۳۷
روبل، برایان / ۷۰۴
روت / ۳۰۳
رودنی ماطاووسیان، هایقاس / ۱۷۶
روزن / ۱۲۳
روزنامه آزادی / ۲۲۹، ۲۳۱
روزنامه آهنگر / ۲۲۹
روزنامه آیندگان / ۲۲۹
روزنامه اطلاعات / ۲۳۰، ۲۳۱، ۶۷۸، ۷۳۲
روزنامه انقلاب اسلامی / ۴۶۴، ۴۸۰
روزنامه بامداد / ۲۳۰
روزنامه تهران تایمز / ۲۳۱، ۳۲۴
روزنامه تهران ژورنال / ۸۴۲
روزنامه جمهوری اسلامی / ۲۳۱، ۳۲۶، ۵۷۳
روزنامه ژورنال دو تهران / ۷۱۳، ۷۲۲
روزنامه کیهان / ۲۳۰، ۴۵۶، ۷۷۳، ۸۰۶، ۸۳۹، ۸۴۲
روزنامه کیهان اینترنشنال / ۷۰۱
روزنامه لوموند / ۸۳۵
روزنامه مردم / ۲۳۱
روزنامه واشنگتن پست / ۳۴۶، ۶۷۷
روزنامه هاآرتز / ۶۴۰، ۶۴۵، ۶۴۷
روزنوالد، کفار (Kefar Rosenwald) / ۵۹۵
روسیه / ۵۸، ۶۵، ۲۰۴، ۲۱۵، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۵۷، ۲۶۷، ۲۹۵، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۵۸، ۳۶۴، ۳۶۶، ۴۲۳، ۴۲۵، ۵۴۶، ۵۶۸، ۵۷۰، ۵۹۵، ۶۱۶، ۶۵۴، ۶۶۳، ۶۸۳، ۷۱۸
روغنی، مهدی، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۶۴، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۱۰۶
رومانی / ۱۴۳، ۲۶۹، ۳۴۵، ۳۵۵، ۶۲۱، ۷۱۱
ریاحی (ژنرال) / ۵۲۴
ریاض / ۶۷۵
رید / ۷۸۵
ریگان، رونالد / ۷۱۶
رینو / ۲۹۷، ۷۰۳، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۹، ۷۸۶، ۸۰۵
رینهارت / ۷۱۶

www.takbook.com



ز

زئیر / ۴۵۰، ۶۲۰

زابلوکی، کلمت جی / ۲۹۹، ۳۰۰

زاگر، نادر / ۵۱۹

زاهدی، اردشیر / ۸۵، ۲۷۴، ۳۰۸، ۸۳۹

زاهدی، ستاره / ۲۷۴

زاهدی، فضل‌الله (تیمسار) / ۲۵۱، ۲۷۴

زرافشار، محمدکاظم / ۱۷۲

زرکوب، منوچهر / ۱۷۲

زریت (Zarit) / ۵۹۵

زکی‌زاده (دری)، حسن (محمدمهدی) / ۱۷۸

زلالی (تیمسار) / ۵۱۸

زنجان / ۶۷۶

زند / ۲۴۵

زندان قصر / ۸۳۵

زندان کرج / ۸۳۵

زنگنه / ۲۴۵

زوریخ (سوئیس) / ۳۰۴، ۵۹۶، ۶۱۲

زومالان، سرکیس / ۱۷۲

زونیس، ماروین / ۳۷۵

زیبایی، هوشنگ / ۱۷۵

زیشک / ۷۰۰، ۷۲۰، ۷۵۵، ۷۵۹

زیمبابوه / ۵۹، ۲۱۶

زینلی، فیض‌الله / ۱۶۸، ۱۷۵

زیوی، رهاوم (ارتشبد) (Rahavam Zeevi) / ۵۹۹

ژ

ژاپن / ۱۳۲، ۲۰۵، ۲۰۷، ۵۸۹، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۹۲

ژاندارمری شاهنشاهی ایران / ۹۶، ۲۷۱، ۷۲۳، ۷۳۳

ژنو / ۱۰۰، ۲۶۹، ۲۷۳، ۳۸۵، ۷۷۱

ژیسکی / ۷۵۱

س

سابرا / ۶۵۱

ساپیر، پینچاز / ۶۵۰

سادلر (ژنرال) / ۷۴۷

سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO) / ۱۱، ۵۹، ۶۲، ۱۹۶، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۶، ۳۱۴، ۴۴۰، ۶۴۴، ۶۴۵

سازمان ارتباطات و الکترونیک ارتش آمریکا (C.E.O) / ۱۴

سازمان ارتش ملی (NMO) / ۵۹۵

سازمان اطلاعات و امنیت ایران (ساواک) / ۲۴۹، ۶۱۹

سازمان اطلاعات وزارت دفاع (DIA) / ۴۳۸، ۵۹۳

سازمان امنیت ملی (NSA) / ۴۳۸

سازمان انرژی اتمی ایران / ۲۳، ۱۷۲، ۶۶۵، ۶۶۹

سازمان بازرسی شاهنشاهی / ۴۵۶

سازمان بین‌المللی کار / ۳۷۹

سازمان توریستی ایران / ۱۶۵

سازمان جاسوسی امریکا (CIA) / ۱۴، ۱۵، ۲۷،

www.takbook.com



۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۳، ۴۸، ۵۲، ۵۶، ۶۳، ۶۶، ۷۶، ۸۰، ۸۱، ۸۴، ۸۵، ۱۰۱، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۴۷، ۲۰۴، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۷۲، ۳۰۲، ۴۳۲، ۴۴۲، ۴۴۵، ۴۹۲، ۵۰۴، ۵۴۵، ۵۶۰، ۵۶۳، ۵۷۰، ۵۸۳، ۵۹۳، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۵۹، ۶۸۷، ۷۰۴
سازمان جاسوسی انگلیس / ۵۷۱، ۵۷۷
سازمان جبهه توده / ۶۸۰
سازمان جمع‌آوری (اطلاعات) / ۶۳۸
سازمان حفاظت محیط زیست / ۵۵۰
سازمان خبرگزاری پارس / ۱۰۴
سازمان خبرگزاری خاورمیانه مصر / ۶۴۵
سازمان دامپروری نرس / ۱۷۲
سازمان دفاعی (DO) / ۵۹۵
سازمان زنان / ۲۸۴
سازمان کنفرانس اسلامی / ۶۴۰
سازمان مجاهدین خلق / ۱۸۷، ۱۹۶، ۲۳۷، ۲۴۲، ۲۵۶، ۲۷۰، ۴۵۵، ۶۸۰، ۶۸۳، ۸۱۵، ۸۱۸، ۸۴۶
سازمان مرکزی اطلاعات جاسوسی (CIA) / ۲۴۰، ۴۳۲، ۴۳۸، ۵۹۳
سازمان ملل متحد / ۳۲، ۲۶۹، ۲۷۷، ۳۸۲، ۳۸۹، ۳۹۷، ۴۰۷، ۴۱۵، ۴۵۰، ۵۸۹، ۶۰۹، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۳۹، ۶۴۴، ۶۵۱، ۶۸۰، ۶۹۶، ۷۱۸، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۵۵
سازمان ملی اطلاعات ناتو / ۶۱۷
سازمان مهاجرت یهودیان / ۶۳۵
سازمان هواپیمایی کشوری / ۳۴
ساعدی، غلامحسین (دکتر) / ۴۵۷، ۶۸۱
ساماریا / ۶۴۰
سامی، کاظم / ۶۸۱
ساندرز، هارولد اچ / ۵۷، ۵۸، ۶۱، ۶۲، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۸۹، ۹۴، ۹۷، ۹۸، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۴۲، ۱۵۳، ۱۹۹، ۳۰۳، ۳۱۵، ۳۱۶، ۷۱۵، ۷۴۳
سانفرانسیسکو / ۵۳۲
ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت شاه) / ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۵۳، ۵۷۱، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۳۴، ۶۸۲، ۶۸۶، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۳۳، ۷۳۵، ۷۴۶
سایتس، پرسی / ۳۷۵
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / ۲، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۵۶، ۵۷، ۶۳، ۶۴، ۱۵۱، ۲۳۱، ۵۴۹
سپاه دانش / ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴
سپاه صلح / ۲۶۶، ۲۶۹، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۹۰، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۰۲، ۴۰۷، ۴۱۹
سپاهیان دانش، بهداشت و ترویج / ۲۶۶
سپیرز / ۲۲۳
سحابی، عزت‌الله / ۵۵۵
سحابی، یدالله (دکتر) / ۵۰۰، ۵۰۵، ۵۱۵، ۵۵۵
سد ارس / ۳۵۵
سرمدی / ۵۱۹
سرویس اخبار (اطلاعات) (IS) / ۵۹۶، ۶۰۵
سرویس اطلاعات سری / ۵۹۴، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۸
سرویس اطلاعات سیاسی / ۵۹۷
سرویس اطلاعات نظامی / ۶۱۳

www.takbook.com



سرویس اطلاعات نظامی غنا / ۶۲۰
سرویس اطلاعات و امنیت دریایی / ۵۹۷
سرویس امنیت داخلی و ضدجاسوسی (CISS) / ۵۹۶
سرویس امنیت ملی ترکیه (TNSS) / ۵۸۹، ۶۱۹
سرویس امنیت و اطلاعات دریایی (ISS) / ۵۹۶
سرویس امنیت و پلیس لیبریا / ۶۲۰
سرویس مخفی آلمان / ۶۴۸
سرویس مخفی آمریکا / ۱۶۴، ۱۸۲، ۱۸۳
سرویسهای اطلاعات و امنیت آفریقای جنوبی / ۵۸۹، ۶۲۰
سرویسهای اطلاعات و امنیت اسرائیل / ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۵، ۶۱۱، ۶۱۹
سرویسهای امنیت و اطلاعات خارجی اسرائیل / ۵۹۳، ۵۹۸،
سعید بنونی، شالم / ۱۶۹
سفارت آمریکا (ابوظبی) / ۷۴۲
سفارت آمریکا (تریپولی) / ۵۲۸
سفارت آمریکا (تهران) / اکثر صفحات
سفارت آمریکا (جده) / ۷۴۲
سفارت آمریکا (دوحه) / ۷۴۲
سفارت آمریکا (کویت) / ۷۴۲
سفارت آمریکا (مسقط) / ۷۴۲
سفارت آمریکا (منامه) / ۷۴۲
سفارت اسرائیل (برن) / ۶۱۲
سفارت انگلیس / ۲۱۹
سفارت ایران (واشنگتن) / ۵۲۳، ۵۳۵
سفارتخانه آمریکا (رم) / ۳۳
سفارتخانه آمریکا (فرانکفورت) / ۳۳
سفارت شوروی (تهران) / ۲۵۷
سفری، رحیم / ۷۸
سلطنت‌آباد / ۱۱
سمیعی / ۲۴۵
سمیعی، عباس / ۵۵۰
سنجابی، کریم (دکتر) / ۵۹، ۷۷، ۷۸، ۱۸۷، ۱۹۵، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۹، ۴۹۳، ۵۰۳، ۶۸۰، ۶۸۱، ۸۳۱، ۸۳۴
سنز، آ.دی / ۱۹۲
سنس، اندی / ۱۲۳
سنگاپور / ۶۲۰، ۶۲۱
سنگاکروز، دوناتو / ۱۶۷
سنندج / ۵۱۳
سوئد / ۲۶۹، ۲۷۴، ۵۲۹، ۵۳۲، ۵۳۶، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۸، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۷۵، ۶۱۹، ۸۳۲
سوئیس / ۲۴۶، ۲۶۰، ۲۶۹، ۲۷۳، ۲۷۸، ۳۶۷، ۵۹۶، ۶۱۲، ۶۱۹
سوئیفت، الیزابت / ۹۳
سوبر / ۷۱۲
سوداگران، محمود / ۱۷۳
سوریه / ۱۸۳، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۳۴، ۶۴۶، ۶۴۸، ۶۵۲
سولارز، کودل / ۳۰۵
سولیوان، ویلیام اچ / ۲۹، ۵۲، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۷،

www.takbook.com



۷۸، ۷۹، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۸۵، ۲۰۳، ۲۰۹، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۳۹، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۳، ۴۴۵، ۴۵۹، ۴۹۶، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۱، ۵۰۴، ۵۰۷، ۵۱۲، ۵۱۴، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۱، ۵۳۷، ۶۳۹، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۷۰، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۸، ۶۸۸، ۷۰۹، ۷۱۳، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۸، ۷۲۰، ۷۲۶، ۷۲۸، ۷۳۷، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۸، ۷۵۲، ۷۷۲، ۷۷۵، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۹۷، ۸۰۵، ۸۱۲، ۸۳۸، ۸۴۰، ۸۵۱

سومالی / ۳۰۳

سومولون / ۷۷۳

سون، ریچارد / ۷۲۰، ۷۴۹، ۷۵۰

سویس / ۱۸۳

سهرابی انارکی، علی / ۱۷۳

سیاسی، علی‌اکبر / ۲۵۸

سیدصادق کمالی، خسروکمالی / ۱۷۰

سیدنی / ۶۳۸

سیروس، رضا / ۲۶۲

سیستان و بلوچستان / ۳۷۰

سیستم بلوشارک / ۳۴۸

سیکورد (ژنرال) / ۷۲۰

سیلتچ (Syltech) / ۱۴

سی.مور، کارول / ۷۵۲، ۷۵۴

سینمای آبادان (رکس) / ۷۷۱، ۷۷۳

سیورتس / ۳۱۶

سیهویل / ۷۴۴

ش

شارت / ۶۳۷

شارجه / ۷۰۱

شارن (SHARON) / ۱۸۹

شاستر، مورگان / ۳۷۵

شافکی / ۱۶۴، ۱۸۱، ۱۸۲

شانی، یورام / ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷

شاه حسین / ۶۳۰

شاهراه بازرگان ـ تبریز ـ تهران / ۱۴۳

شاه‌کاوسی، منیژه / ۱۶۷

شایان / ۲۶۰

شایگان، سیدعلی / ۶۸۰

شبکه پسران کهنه‌کار (Network old Boy) / ۶۰۷

شرایدن / ۳۴۵

شرکت بل / ۶۶، ۱۲۹، ۷۱۶

شرکت پان‌آم (PANAM) / ۱۴

شرکت پیکان (کالیفرنیا) / ۱۷۴

شرکت تجارتی هریوم / ۱۷۴

شرکت حمل‌ونقل / ۱۷۳

شرکت راک ول (Rockwell) / ۱۴

شرکت سی لاین ترانس / ۱۷۳

شرکت سیماره / ۱۷۳

شرکت شکر پارس / ۱۷۱

شرکت شیشه‌سازی / ۱۷۵

شرکت صنعتی اسرائیل / ۶۳۷

شرکت طبیب / ۱۷۳

شرکت فراماتوم / ۲۰۸

www.takbook.com



شرکت فورد / ۱۴، ۵۲، ۸۳، ۸۵
شرکت فورد کمپانی (لندن) / ۵۱
شرکت قادران / ۱۶۸، ۱۷۵
شرکت کشتیرانی بین‌المللی نفت ایران / ۱۷۳
شرکت کوست (Quest) / ۱۴
شرکت کوماکیدام / ۱۷۲ شرکت مشاورتی دان میدز / ۴۷۸
شرکت ملی نفت ایران / ۳۸، ۵۱، ۸۵، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۹، ۲۲۱، ۲۴۸، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۸۶، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۲۶، ۳۷۶، ۳۸۰، ۴۱۵، ۴۳۶، ۴۴۵، ۵۵۶، ۵۶۳، ۶۸۱، ۷۰۱، ۷۰۵، ۷۱۶
شرکت نفت کرسنت / ۷۲۲
شرکت هواپیمایی پارس ایرلاین / ۲۶۰
شرلی (قاضی) / ۷۱۶
شرم‌الشیخ / ۶۵۱
شری، جیمز الکساندر / ۱۰۴
شریعتمداری، سیدکاظم (آیت‌الله) / ۵۴، ۷۴، ۷۷، ۸۱، ۸۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۴۴، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۳۰، ۳۱۱، ۴۹۵، ۴۹۶، ۵۰۰، ۵۰۶، ۵۰۸، ۶۵۹، ۶۶۱، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۸۲، ۷۲۸، ۷۳۳، ۷۶۵، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۶، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۳۱، ۸۴۸
شریعتی، علی (دکتر) / ۲۲۸، ۲۳۰
شریف امامی، جعفر / ۲۸، ۷۸، ۲۱۸، ۲۴۸، ۲۷۴، ۲۷۷، ۳۰۶، ۳۰۷، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۷۶۹، ۷۸۳، ۷۹۴، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۵، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۳۴، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۹، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰
شط العرب / ۲۶۸
شعاع آذر، ایرج / ۱۷۸
شفر، توماس (سرهنگ) / ۱۸۶
شفیعی امین، محمد / ۲۵۸
شفیق، احمد / ۲۶۰
شلاسبرگ، لیه / ۶۵۴
شلنبرگر / ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۶، ۷۰۲، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۱، ۷۱۳، ۷۱۶، ۷۱۸، ۷۲۲، ۷۴۳، ۷۴۸، ۷۷۲، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۸۵، ۸۰۵، ۸۴۲
شمعون دانپور، نعیم / ۱۶۷
شمیران / ۱۷۸
شندر / ۴۸۲، ۴۸۳
شورای امنیت سازمان ملل متحد / ۳۲
شورای امنیت ملی (NSC) / ۱۴۲، ۲۷۲، ۴۳۸، ۵۹۳
شورای انقلاب / ۱۰، ۲۱، ۶۳، ۷۹، ۲۲۹، ۴۶۴، ۴۶۷، ۴۷۹، ۴۸۴، ۴۸۵، ۵۰۰، ۵۰۳، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۱۷، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۳۵، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۷۵
شورای سلطنت / ۷۷، ۷۹، ۲۷۸، ۲۸۰، ۳۱۰، ۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۰، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۰۹
شوروی / ۱۴، ۱۵، ۵۹، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۹۱، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۶، ۱۸۸، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۲۲، ۲۳۱، ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱،

www.takbook.com



۳۵۳، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۶، ۴۰۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۵، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۵۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۵۲۲، ۵۳۵، ۵۳۷، ۵۴۲، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۶، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۷۰، ۵۸۹، ۵۹۹، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۶، ۶۳۱، ۶۵۲، ۶۶۴، ۶۹۶، ۶۹۷، ۷۱۰، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۷۰، ۷۸۲، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۵، ۸۴۱

شوشتر / ۶۷۶

شومر، سلیمان / ۱۷۳

شهابی / ۱۷۹

شهابی‌پور، سعید / ۱۷۹

شهیدی / ۵۵۵

شیبانی / ۱۰۴

شیخ‌الاسلام‌زاده / ۷۴۴

شیراز / ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۹۴، ۲۱۲، ۲۱۹، ۲۲۶، ۲۶۰، ۳۶۹، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۰۲، ۴۰۶، ۴۱۹، ۴۹۸، ۶۸۹، ۶۹۱، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۷، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۱۱، ۷۱۳، ۷۲۰، ۷۳۸، ۷۴۵، ۷۵۹، ۷۶۵، ۷۸۳، ۸۰۳، ۸۳۴، ۸۳۵

شیطانه (مقدم)، سرودی / ۱۷۶

شیفر، تی. اکی (سرهنگ) / ۴۰، ۴۱، ۸۹، ۹۰، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۲۵۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۷۴۷، ۷۷۷، ۷۸۶

شیلات دریای خزر / ۳۵۵

شیلوا، ریوون (Reuven Shiloah) / ۵۹۷، ۵۹۸

شیلی / ۳۵، ۶۲۰

شین بث (شروت بیتاچون کلالی، سرویس امنیت داخلی و ضدجاسوسی اسرائیل) / ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷

ص

صالح، علی عبدالله (پرزیدنت) / ۶۴۸

صباغیان، هاشم / ۱۸۷، ۵۵۹، ۵۶۰

صدام حسین / ۳۳۸، ۵۶۳، ۵۷۳، ۵۸۲

صدا و سیما / ۵۳۱، ۵۳۵، ۵۳۷، ۵۴۹

صدای ایران / ۵۵۶

صدر، امام موسی / ۵۲۸

صدر، رضا / ۱۲۷

صدر، فضل‌الله / ۲۸۶

صفاری / ۲۴۵

صفاری، رحیم / ۷۶

صفازاده (ستوان) / ۵۱۸

صفویان، عباس / ۲۵۸

صلح‌جو، محمدحسین / ۱۷۶

صمدیانپور، صمد / ۲۷۱

صمغ‌آبادی / ۶۸۱

صنایع الکترونیک ایران (شیراز) / ۸۰۳

صنایع کور (KOOR) / ۶۳۷

www.takbook.com



صنایع هواپیماسازی آمریکا / ۲۰۵
صنعا / ۶۴۰، ۶۴۸

ض

ضد اطلاعات ستاد مشترک / ۲۵۲
ضرغامی، عزت‌الله / ۲۵۲
ضرغامی، کریم / ۱۷۲
ضیائی، حسن / ۲۵۸
ضیائی (سناتور) / ۱۲۱

ط، ظ

طالبانی، جلال / ۳۶۹
طالبی، مصطفی / ۱۷۱
طالع، احمد / ۱۷۶
طالقانی، سیدمحمود (آیت‌الله) / ۷۴، ۱۱۸، ۱۸۷، ۱۹۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۵۶، ۵۰۳، ۵۱۱، ۵۴۹، ۶۷۷، ۶۸۲
طاهرآبادی، احمد / ۱۷۶
طاهرپور، هوشنگ / ۱۷۳
طاهری / ۸۳۹، ۸۴۰
طاهری، امیر / ۸۳۹
طاهری شبستری، جاوید / ۱۷۶
طباطبائی، صادق / ۲۲۹، ۵۳۵، ۵۳۷، ۵۴۹، ۵۶۰
طباطبایی‌پور، سیدهادی / ۱۷۳
طباطبایی قمی / حاج حسن (آیت‌الله)، ۱۰۷
طبس / ۳۰۵، ۸۰۶
طبیب‌زاده، بهروز هومن / ۱۷۳
طرح امنیتی (IBEX) (آی بکس) / ۱۴
طرح بازرگانی ـ کشاورزی FY 80 CAP FOR IRAN / ۶
طرح فولبرایت / ۱۱۵، ۲۲۵
طوفانیان، حسن (ارتشبد) / ۲۶۵، ۲۷۳، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۴۲، ۳۴۶، ۶۷۵، ۷۰۱، ۷۵۱
طوماریان، ابوالفضل / ۱۷۸
طوماسیان، آرام / ۱۶۵
طوماسیان، آرمن / ۱۷۲
طوماسیان، تامار / ۱۶۵
طوماسیان، لیزا / ۱۶۵
طهماسبی قره‌شیران، داریوش / ۱۷۸
ظفار / ۲۶۸، ۷۱۰
ظهوری، بهبود / ۱۷۶

ع

عاملی / ۷۱۳
عاملی تهرانی، محمدرضا / ۱۱۸
عباس آباد / ۳۰۴
عباسی / ۷۶۹
عبدالناصر، جمال / ۳۴۱، ۳۴۳، ۳۷۰، ۶۵۲
عدل / ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۵۸
عدل، پرویز / ۷۱۱
عدنانی فرقانی، میرفتاح / ۱۷۷
عراق / ۲۴، ۵۸، ۶۲، ۶۵، ۶۶، ۱۳۲، ۲۲۲، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۹۵، ۳۰۳، ۳۴۱، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹،

www.takbook.com



۳۷۰، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۷، ۳۹۶، ۴۰۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۳۰، ۴۳۴، ۴۳۸، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۵، ۴۴۷، ۴۵۱، ۵۲۷، ۵۳۱، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۴۶، ۵۶۳، ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۸۲، ۵۸۸، ۶۲۰، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۴۱، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۸، ۶۵۹، ۶۷۰، ۶۸۲، ۶۹۶، ۶۹۹، ۷۲۷، ۷۳۲، ۷۶۹، ۷۹۵، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۳۰، ۸۳۴

عرب‌زاده، سیدعزیزالله / ۱۶۹

عربستان سعودی / ۲۴، ۵۸، ۶۲، ۱۳۲، ۱۴۸، ۱۶۵، ۲۰۹، ۲۶۸، ۳۱۰، ۳۵۳، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۶، ۴۰۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۸، ۴۳۴، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۵، ۴۵۸، ۵۸۸، ۵۹۰، ۶۳۹، ۶۶۶، ۶۶۹، ۷۰۰، ۷۲۲، ۷۳۷، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۳۰

عرفات، یاسر / ۵۲۰، ۵۶۰، ۷۰۳

عزبزاده، سیدعزیزالله / ۱۷۳

عزری، مئیر / ۶۳۱

عصار، ناصر / ۶۳۶

عطاپور، فریبرز / ۶۳۴، ۸۴۲، ۸۴۳

عطارپور (دکتر حسین‌زاده) / ۶۹۹

عظیم‌زاده صدری، هوشنگ / ۱۷۱

عظیمی، رضا / ۲۵۲

عکا / ۲۴۹

علائی احمدآبادی، محمدعلی / ۱۶۹، ۱۷۴

علم، امیراسدالله / ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۷۳، ۲۷۷، ۲۸۷، ۲۸۹، ۳۴۷، ۳۴۸، ۸۳۹

علوی، بزرگ / ۶۸۰

علوی کیا، تقی / ۲۴۴

علی‌آباد / ۱۱

علی‌آبادی، محمد / ۱۷۴

علیزاده، احمد / ۲۳۰

عمادی، داود / ۱۷۴

عمان / ۲۴، ۱۱۶، ۱۵۸، ۱۵۹، ۲۰۲، ۲۱۵، ۲۶۸، ۲۹۵، ۳۸۷، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۳۲، ۴۳۸، ۴۴۱، ۴۴۶، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۶، ۶۶۹، ۷۲۹

عنایتی کاشانی، همایون / ۱۷۰

عید پسه / ۶۳۳

عید قربان / ۱۵۶، ۱۵۹

غ

غالی، پطروس / ۶۴۵

غزه / ۶۴۰، ۶۴۳

غنا / ۵۸۹

ف

فارسیان، مهدی / ۱۷۵

فاستر، ویلیام، ا / ۴۶۶، ۴۷۴، ۴۸۷

فاسل، دانته بی / ۲۹۹

فالاچی، اوریانا / ۳۱، ۱۵۱

فالکو (خانم) / ۷۱۴

فالمر / ۷۲۰

فتح‌الاند / ۶۴۶

فتحعلیشاه قاجار / ۶۸۶

فتح، محمد / ۱۶۶

www.takbook.com



فخرشفایی، منوچهر / ۱۶۶
فدائیان اسلام / ۲۵۶
فدائیان خلق / ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۱۴، ۱۴۲، ۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۳۷، ۲۴۲، ۲۷۰، ۵۴۹، ۶۸۳، ۸۱۶، ۸۱۸
فدراسیون جدید کیبوتز / ۶۴۲
فدراسیون عمومی کار در اسرائیل (GFLI) / ۵۹۵
فرازداغی، مهدی / ۱۷۰
فرامرزی، بهنام / ۱۶۶
فرانتک / ۴۷۴، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۸۱
فرانسه / ۱۰۳، ۱۸۲، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۲۸، ۲۴۲، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۹۸، ۳۱۰، ۴۳۵، ۴۷۴، ۴۸۷، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۶۵، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۱، ۶۵۲، ۶۸۱، ۷۶۸، ۷۷۷، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۷
فرانکفورت / ۱۶، ۳۳، ۳۰۴، ۴۶۸، ۴۸۱، ۵۵۲
فرخ‌نیا (سپهبد) / ۲۵۲
فرخی، محمد / ۱۶۶
فرد نعلبندیان، الکساندر / ۱۷۶
فردوست، حسین (تیمسار) / ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۷۳، ۲۸۵
فرزین خو (غفاری)، فاطمه / ۱۷۰
فرستنده الیاهوبن شائول کوهن / ۵۹۵
فرماندهی پلیس ملی اسرائیل / ۵۹۵
فرمانفرماییان / ۲۴۳، ۲۴۵
فرمانفرماییان، خداداد / ۳۸۰
فرندلی، الفرد / ۳۴۶
فروتن، عبدالرحیم / ۱۷۵
فرودگاه بین‌المللی تهران (مهرآباد) / ۱۰، ۲۶، ۴۵، ۹۹، ۱۷۲، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۶۹، ۶۴۱، ۷۱۹
فرودگاه دالاس / ۵۲۴، ۵۲۵
فروغی / ۷۰۲
فروغی ابری، ناصر / ۱۶۶
فروهر، داریوش / ۲۲۹، ۲۳۲، ۵۵۵، ۶۸۰، ۶۸۱
فرهمند، علیرضا / ۸۴۲، ۸۴۳
فرهنگ ترکی / ۷۳۳
فری / ۷۰۳، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۶، ۷۱۹
فرید، عبدالغفور / ۱۶۶، ۱۷۵
فرید، عبدالغفور / ۱۷۵
فشاری، معصومه / ۱۶۶
فکری، محمدتقی / ۱۷۱
فلاحی / ۱۰۴
فلسطین / ۱۱، ۵۹، ۶۲، ۶۶، ۱۰۷، ۱۵۱، ۱۹۶، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۶، ۴۳۹، ۴۴۰، ۵۲۷، ۵۸۷، ۵۹۱، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۰، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۵۲، ۶۵۴
فنلاند / ۴۴، ۴۷، ۵۳۹
فولادی / ۷۶۹
فولبرایت / ۷۰۶، ۷۵۵
فولی (دریاسالار) / ۷۵۹
فیلادلفیا / ۴۷۲
فیلیپس (کلنل) / ۷۵۵
فیندلی، پائول / ۳۰۰

www.takbook.com



ق

قابیل / ۵۸۸

قادری تفرشی، فرنگیس / ۱۶۸، ۱۷۵

قاراخانیان، خسرو / ۱۷۰

قاسمی، مهدی / ۲۸۴

قافاقیان، آرمین / ۱۷۵

قانعیان فسائی، خدیجه / ۱۶۶

قاهره / ۱۵۸، ۱۵۹، ۲۱۵، ۳۱۱، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۹۵، ۶۱۱، ۶۳۹

قایقران، فرانکو / ۱۶۶

قبادی، هرمز / ۱۷۷

قدک، محمدحسین / ۱۷۰

قذافی / ۵۶۵

قرائتی، کریم / ۱۶۶

قرارداد دوجانبهٔ سال ۱۹۷۵ الجزیره / ۲۶۸

قراضی بهمنیر، ابراهیم / ۱۷۱

قرن نوزدهم / ۳۷۵

قره‌باغی، عباس‌کریم (تیمسار) / ۲۷۱، ۵۰۸، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۱۷

قره‌گزلو / ۲۴۳، ۲۴۵

قریب، محمد / ۲۵۸

قریشی، احمد (دکتر) / ۲۸۵

قزوین / ۱۴۳

قشقایی / ۲۴۳، ۲۴۵

قطب‌زاده، صادق / ۲۲۹، ۴۷۰، ۵۰۹، ۵۳۱، ۵۳۵، ۵۴۹، ۶۸۰

قطر / ۲۱۵

قطعنامه ژنو / ۱۰۰

قم / ۴۹، ۸۹، ۴۹۶، ۵۰۹، ۶۷۶، ۶۸۲، ۷۳۳، ۷۳۵، ۷۳۶

قمی، حسن (آیت‌الله) / ۱۰۷

قمیشی، میرزاحسین / ۱۷۴

قمیشی، میرزامحمد / ۱۶۸

قوام / ۲۴۵

قوام‌الملوک / ۲۶۰

قوام، زریندخت / ۲۵۸

قوام، علی / ۲۶۰

قوام، کاظم / ۱۷۰

قوانلو، انعد / ۱۶۶

قهرمانی، امیرقلی / ۱۷۰

قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ / ۱۹۲

قیام نوزده دی‌ماه قم / ۲۴، ۶۵۸

ک

کابل / ۲۱۵، ۲۲۹، ۴۳۸، ۷۰۹، ۷۵۰

کابینه علم / ۲۸

کاپر، دیک / ۱۲۳

کاپلان، فیلیپ / ۸۰۷

کاپنیک، هاروی / ۱۲۱

کاپیتولاسیون / ۳۳۱، ۳۳۲، ۴۵۳

کات، ریچارد / ۵۴۷

کاتز / ۶۴۷

کاتلر / ۳۷، ۸۷، ۲۲۲، ۳۲۰، ۵۲۹

کاتم، ریچارد / ۵۵، ۴۹۳، ۴۹۵

www.takbook.com



کاخ سعدآباد / ۲۷۸
کاخ سفید / ۲۵، ۳۰۱، ۴۳۱، ۵۴۷، ۷۷۱
کاخ سنا / ۱۵۹
کارپنتر، دیوید. جی. / ۴۴۴
کارتر، جیمی / ۳۱، ۳۲، ۳۸، ۴۳، ۹۷، ۱۱۶، ۱۴۷، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۹، ۲۲۲، ۲۶۷، ۳۰۶، ۳۲۴، ۳۳۷، ۴۰۵، ۴۴۷، ۴۹۶، ۵۰۷، ۶۴۳، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۹، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۸۳، ۶۹۰، ۷۰۸، ۷۱۱، ۷۱۳، ۷۱۶، ۷۳۱، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۷۴، ۷۸۰، ۷۹۱، ۸۱۷، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۴۲
کارخانه ذوب آهن / ۶۹۲
کارخانه سیمان آبیک / ۱۴۳
کارخانه فورد / ۵۱، ۸۳
کارخانه وستینگهاوس / ۷۷۳
کاردار (CHRON CHG) / ۵۳۷
کارگران چپ‌گرای اسرائیل RAFI(IWL) / ۵۹۶
کارگر، شهیندخت / ۱۶۷
کارلتون / ۷۱۳، ۷۲۱، ۷۵۵، ۷۶۳
کاسئلون / ۴۸۷
کاستاریکا / ۶۲۰
کاسترو / ۲۶۹، ۷۷۰
کاست (ژنرال) / ۳۰۶
کاسین، ورنون / ۴۷۴
کاشانیان، فرخ / ۱۶۷، ۱۷۷
کاظمیان، رسول / ۱۶۴، ۱۸۱، ۱۸۳
کاظمیان، مجید / ۱۶۷
کاظمیان، محمدجواد / ۱۶۷
کالپ، مالکوم / ۳۵
کالج کادوری / ۶۵۲
کالج کمبریج / ۶۵۳
کالیفرنیا / ۱۷۹، ۳۱۳، ۵۵۴
کانادا / ۶۱۹
کانال پاناما / ۷۱۳
کانسلر، پل / ۷۳، ۷۶
کانن، هاوارد / ۲۹۹
کانون معلمین / ۲۸
کانون نویسندگان ایران / ۷۳، ۶۸۱، ۷۳۲
کاوانف، جان بی / ۳۰۰
کاویان، حسین / ۱۶۹
کاویان، حسین / ۱۷۱
کاهن، رزا / ۶۵۴
کاید چهارمحال، حیدرعلی / ۱۷۷
کپکان / ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰
کتابخانه ابراهام لینکلن / ۱۱۸
کتابی شوشتری، محمدعلی / ۱۷۰
کتانی (کتابی) شوشتری، محمدعلی / ۱۶۷
کراچی / ۵۷۳، ۵۷۶
کراچی، محمدباقر / ۱۶۷، ۱۷۷
کراس، اس جی تی (S.G.T. KRAUST) / ۵۱
کرایسلر / ۲۰۷
کرتز، جورج (ژنرال) / ۷۶۰، ۷۷۲
کرج / ۷۳۲
کردستان / ۲، ۵۴، ۹۹، ۲۳۱، ۲۵۸، ۲۷۳، ۲۷۷، ۳۶۸، ۴۳۸، ۵۲۲، ۵۵۰، ۵۵۳، ۵۵۹، ۵۶۲، ۵۶۳،

www.takbook.com



۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۹۱، ۶۲۹، ۷۳۶
کردهای عراق / ۵۹۰
کرف، رابی / ۷۱۶
کرمان / ۷۳۸، ۸۳۵
کرنسکی (KERENSKY) / ۱۸۹
کروپ / ۲۰۶
کرومپ، جان ای. / ۶۳۳
کره‌جنوبی / ۶۲۰، ۷۰۰
کریسبرگ، پاول / ۸۰۷
کریستوفر / ۳۰۱، ۳۲۱، ۳۲۶، ۵۴۴، ۵۵۲، ۸۳۲
کریمیان، رضا / ۱۷۰
کریمیان، علی‌اکبر / ۱۷۰
کریو، جان / ۵۷
کلارک، رمزی / ۵۵، ۵۴۷، ۷۰۲، ۷۰۵
کلارک، مگن / ۷۰۲
کلمبیا / ۶۲۰
کلمپرر، امانوئل (سروان) / ۶۳۸
کلمنت / ۳۰۵
کلوپ معلمین / ۷۶
کلیبر، میکی / ۷۳۸
کلیتون امس، رابرت / ۵۵۲
کلیسای سیاه (قره کلیسا) / ۷۲۴
کلیم تناغو، انیس / ۱۷۱
کلیمی یادگار، موسی / ۱۷۵
کلین، رابرت.م. / ۳۹۴
کمالی زنوزی، عباس / ۱۷۷
کمالی، هوشنگ / ۱۷۷
کمپانی اقتصادی بارباراشل (ECON/COM, B L SCHELL) / ۳۰۹
کمپانی بیمه تجارت خارجی فرانسه / ۲۰۸
کمپانی دوپونت / ۵۳۵
کمپانی کان / ۷۵۵
کمپانی لین گرابهورن / ۳۱۳
کمپانی نفت ایران و انگلیس / ۲۵۴
کمپانی‌های (Pars) / ۱۱
کمپ دیوید / ۲۲۶، ۲۴۷، ۳۰۳، ۶۴۰، ۶۴۷، ۷۵۹، ۷۶۱، ۷۶۲، ۸۴۲
کمن، منصوربن / ۱۶۹
کمونه (آل‌کمونه)، کمال (سیدمحمدحسن / ۱۷۷
کمونیستهای جدید چپ‌گرا (NCL) Rakah / ۵۹۶، ۶۲۲، ۶۲۶
کمیته آزادی ملی / ۱۰۲
کمیته ارزیابی تهدیدات نیروهای مسلح دولت ایران / ۵۲۴
کمیته امام / ۱۰، ۴۹، ۵۰، ۵۷
کمیته امورات دفاعی و خارجه مجلس اسرائیل کنست (Knesset) / کنست / ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۱۲، ۶۲۴، ۶۲۶، ۶۲۷
کمیته انقلاب اسلامی اصفهان / ۶۴
کمیته حقوق بشر / ۶۸۱
کمیته داخل دولت آمریکا (آسیا) / ۲۱
کمیته داخل دولت آمریکا (واشنگتن D.C) / ۶۳
کمیته روابط بین‌المللی / ۳۰۰
کمیته سران سرویسها (CHS) / ۵۹۶

www.takbook.com



کمیته فرعی ارزشیابی (FOCUS) / ۴۳۲
کمیته مرکزی اصفهان / ۸۶
کمیته مرکزی انقلاب اسلامی / ۱۱
کمیته مرکزی حزب توده / ۲۸۴
کمیته مرکزی نهضت آزادی / ۵۰۰
کمیته منابع انسانی / ۷۵۳
کمیته انقلاب اسلامی / ۶۴
کمیسیون آگرانت (Agranat) / ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۵
کمیسیون ارتباط ایران و آمریکا / ۲۳
کمیسیون انرژی اتمی آمریکا / ۳۸۶
کمیسیون حقوق و آزادی بشر / ۷۳۲
کمیلی، عظیمه / ۳۴
کن / ۸۴۲
کنتاکی فراید چیکن / ۷۴۳
کندی، رابرت / ۵۵۲، ۵۵۴، ۵۵۶
کندی، رادنی / ۵۳۹
کنستایل، می‌تر / ۲۰۱
کنسرسیوم نفت / ۳۵۵، ۷۴۸
کنسولگری آمریکا (اصفهان) / ۷۵۵
کنسولگری آمریکا (تبریز) / ۴۰۲
کنسولگری اسرائیل (ریودوژانیرو) / ۶۲۰
کنسولگری شوروی / ۶۹۱
کنسول Poliucol / ۷۶
کنفدراسیون آلمان / ۲۱۹
کنفدراسیون دانشجویان ایرانی (CIS) / ۳۶۷
کنفرانس بین‌المللی زنان در تهران / ۷۷۵
کنفرانس جهانی مبارزه با نژادپرستی و تبعیض نژادی / ۷۷۱
کنفرانس ژنو / ۳۸۵
کنفرانس منطقه‌ای (قاهره) / ۳۰۴
کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی / ۶۴۰
کنگره آمریکا، ۴، ۵، ۲۷۴، ۳۱۴، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۷، ۴۰۰، ۴۲۰، ۴۲۴، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۳۶، ۴۴۳، ۵۳۵، ۶۶۷، ۷۰۴، ۷۱۶
کنگره حزب رستاخیز / ۲۸۴
کنگره زابلوکی / ۲۹۹
کنگرهٔ صهیونیستها / ۵۹۶
کنلی (دریادار) / ۷۱۸
کوئین / ۱۸۰
کوبا / ۵۹، ۱۴۰، ۲۱۶، ۲۳۰، ۲۶۹، ۴۴۰
کوپر / ۲۹۷، ۳۰۵، ۳۰۶، ۵۵۱، ۷۵۰، ۷۷۳
کودتای ۲۸ مرداد / ۶۵۷
کوران، ار. تی / ۵۷، ۵۸، ۶۳، ۶۵، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۹۹، ۱۵۳، ۳۰۵
کوران، تد / ۵۷، ۵۸، ۶۵، ۱۳۸
کورتنی، ویلیام. اچ. / ۷۰۲
کورف (خاخام) / ۷۱۸
کوساک، تامس / ۷۳۸
کوفنگ، هوا (رهبر چین) / ۷۷۰
کوهن، الیاهوبن / ۳۰۵، ۵۹۵، ۶۰۶، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲
کویت / ۲۱۵، ۲۲۹، ۴۳۸، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۶،

www.takbook.com



۶۴۳، ۶۴۸، ۷۴۲، ۸۳۴
کهن، جاوید / ۱۷۰
کهولی‌زاده، نجات‌اله / ۱۶۷
کهیاری، ضیاءالملوک / ۱۷۸
کهیاری، غلامعلی / ۱۷۸
کیا، پارسا / ۳۲۷
کیایی، ناصر / ۱۶۸
کیسینجر، هنری الف / ۱۱۹، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۷۲۲
کیگالی، ۶۳۷
کی‌نژاد، ایرج / ۱۱، ۸۶
کیو (Cave)، جرج / ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۵۱، ۵۶۴، ۵۶۹، ۵۷۸، ۵۸۰، ۵۸۱

گ

گاتی، جیوب / ۲۹۷، ۲۹۸
گارپت، هوگاس / ۱۷۵
گارد امنیتی آمریکایی / ۵
گارد شاهنشاهی / ۲۷۳
گارنیتز / ۷۱۲
گاست (ژنرال) / ۷۶۰ / ۸۴۴
گامین، ال ، پی / ۴۷۴، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸
گرانده، رانکوآریو / ۳۱۳
گراهام، راستی / ۶
گردان هاواک / ۳۴۵
گرزسر، فتح‌الله / ۱۶۶
گروه تروریستی فرقان / ۱۹۳
گریسون، جک / ۷۳۸
گریفت، ویلیام / ۷۴۸
گریفین / ۲۸، ۷۷، ۳۰۵
گرین، توماس / ۵۱، ۸۴، ۳۰۳، ۶۲۸، ۷۷۶
گریوز، جان (ژنرال) / ۶۲، ۶۵، ۷۲، ۱۴۲، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۷۱۳، ۷۵۰
گست (ژنرال) / ۱۴، ۱۰۱، ۳۰۳، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۹، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۲۰، ۷۲۲، ۷۴۸، ۷۵۰، ۸۰۵
گلاب تونکار، جلال / ۱۶۶
گلاوس، دل / ۳۰۰
گلپایگانی، سیدمحمدرضا (آیت‌الله) / ۷۶۹
گلدن، جان / ۲۰۳
گلگروف / ۴۷۰
گلیزر، میلتون / ۷۲۲
گنجی، کاظم / ۱۷۰
گوئلز / ۷۱۶، ۷۲۰، ۷۴۳، ۷۴۵، ۷۸۵، ۷۸۶
گوارگیس وزیرا، یوخان / ۱۷۲
گودرزنیا / ۷۱۸
گودرزیان / ۳۵۳
گورین، بن / ۶۳۷
گوستاو، کارل / ۵۵۳
گولز / ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۴۹
گوهری، فیروز / ۱۷۷
گیتسبورگ / ۳۰۱
گیلان / ۵۰۲

www.takbook.com




ل

لئونارد، جیمز / ۷۴۷

لابراتوارهای بل / ۵۵۵

لاجوردی / ۷۶۹

لازاری کاراپتیان، هایراپت / ۱۶۷

لاسپنر / ۲۹۸

لال بهین، مدن / ۱۷۴

لامبراکیس / ۳۰۳، ۳۰۶، ۷۱۰، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۲۲، ۷۲۵ / ۷۲۷، ۸۰۶

لاهیجی، عبدالکریم / ۷۶

لایپزیک / ۳۶۶

لبنان / ۱۰۷، ۱۹۶، ۲۵۳، ۲۷۳، ۳۱۱، ۳۶۷، ۵۸۸، ۵۹۰، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۴۰، ۶۵۲، ۷۰۶، ۷۰۹، ۷۱۳، ۷۱۸

لرنر، دانیل / ۷۲۲

لژ گراند اورینت (خاور بزرگ) / ۲۶۲

لس‌آنجلس / ۳۰۵

لفلدت / ۶۷۵

لمبراکیس، جورج / ۷۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۲۶۵، ۳۰۳، ۳۰۶، ۵۲۳، ۶۸۵، ۷۰۱، ۷۰۳، ۷۱۰، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۸، ۷۲۰، ۷۲۲، ۷۲۵، ۷۲۷، ۷۳۸، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۷، ۷۵۰، ۸۰۶

لمبرت، لین / ۶

لندن / ۱۲، ۵۱، ۸۳، ۲۱۵، ۲۲۹، ۲۷۳، ۳۲۶، ۳۳۹، ۴۸۱، ۵۷۱، ۵۷۷، ۵۷۸، ۶۳۷، ۷۱۳، ۷۳۱، ۷۵۵

لوبرانی، اوریل / ۶۳۷

لوثر، یوهان ولفگانک (معروف به زیوگوزاریه) / ۵۹۵، ۶۱۱

لور، س ، د (اسم رمز بنی‌صدر در اسناد سیا) / ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۴، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۴، ۴۸۵

لوس‌آنجلس / ۱۷۹

لوفت هانزا (خطوط هواپیمایی آلمان) / ۴۸۱

لوکزامبورک / ۶۱۹

لوکلین، مک / ۷۱۱

لونز، آبراهام / ۶۳۸

لونز (لونتز)، آکارمی / ۶۳۸

لویزان / ۷۴۷

لوی، موشه موسی (سرگرد) / ۶۳۸

لوین، آریه / ۶۳۷

لوینسون، پولیم / ۶۴۲

لهستان / ۲۶۹، ۳۵۵، ۶۲۱

لیبی / ۵۹، ۲۱۶، ۲۶۹، ۲۷۰، ۴۴۰، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۶۵، ۷۳۷

لیتل، ادوارد اس. / ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۴۵، ۷۵۲، ۷۵۳

لیسبون / ۴۴

لیما / ۷۵

لیمبرت / ۱۹۲، ۲۲۹

لینک / ۳۰۶

لینگن، ال بروس / ۳، ۲۱، ۳۱، ۳۳، ۵۱، ۶۳، ۶۶، ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۸۱، ۸۶، ۹۰، ۹۳، ۹۷، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۵، ۱۸۲، ۲۳۲، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۲۵،

www.takbook.com



۳۲۶، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۷، ۵۴۰، ۵۴۳، ۵۴۶، ۵۴۸،
۵۵۲، ۵۵۶، ۵۵۷

م

مآریو، ۶۴۰ / ۶۴۵
ماخانی، دانیال / ۱۷۱
مادرید / ۴۴، ۵۶۵، ۶۱۲
مارتیروس مارتین، ویکتور / ۱۷۵
مارتین / ۷۰۳، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۸،
۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۲، ۷۳۸، ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۵۱، ۷۶۰
مارتین، جونا / ۲۶۵
مارشال، دیو / ۷۴۹
مازندران / ۵۵۰
ماشازرهارطونیان، گریگور / ۱۷۷
مافیا / ۱۸۰
ماکو / ۷۷۶
مانوسی، علی‌اصغر / ۱۷۱
ماهواره جهانی ارتباطات رادیویی رومانی / ۷۱۱
مایر، آرمین اچ. / ۳۴۹، ۳۵۱، ۶۲۸، ۶۵۰
مایر، گلدا / ۶۵۰
مایلز / ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۸۵، ۷۸۶
مأموریت (SRF) / ۳۵
مترینکو، مایکل / ۸۸، ۶۸۹، ۶۹۶، ۷۲۳، ۷۳۸،
۷۳۹، ۷۷۴
متقیان، حسین / ۱۷۶
متقی، غلامرضا / ۱۷۸
متین‌دفتری، هدایت‌الله، ۷۶، ۱۳۸، ۱۸۷، ۲۲۹،
۲۳۲، ۶۸۱
مجارستان / ۳۵۵
مجتمع پتروشیمی بندر شاهپور (امام خمینی) /
۲۰۷
مجلس اسرائیل / ۶۰۸
مجلس خبرگان / ۴، ۵۴، ۸۱، ۱۱۲، ۱۴۰، ۱۹۰،
۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۳۱۸، ۴۶۴، ۴۷۹، ۴۸۴، ۵۴۸
مجلس سنا / ۱۵۸، ۲۲۲، ۲۴۸، ۲۷۴، ۶۷۲،
۷۲۲، ۷۳۰، ۷۵۵، ۷۶۹
مجلس سنای آمریکا / ۳۷، ۶۱، ۸۷، ۲۱۰
مجلس شورای ملی / ۷۳۰
مجله پلی‌بوی / ۲۵۷
مجله پنت هاوس / ۲۵۷
مجله پیک ایران / ۳۵۵، ۴۵۷
مجله تایم / ۲۳۵
مجله نیوزویک / ۶۳۳
مجله نیویورک تایمز / ۳۴۶
مجله هفتگی درخشش / ۷۶
مجله هفتگی LESI NOUVEL LES / ۲۲۸
مجیدی / ۷۱۲، ۷۱۳
محبوبی (سرهنگ) / ۱۰
محبی، وجیه‌الله / ۱۷۶
محسن، زهیر / ۶۴۵
محمدبیگی، اصغر / ۱۶۹
محمدی (سروان) / ۵۱۸
مختار معصومی، عبدالرضا / ۱۶۸
مدارس میسیون پروتستان ایالات متحده / ۶۳۷

www.takbook.com



مدحت، ایرج / ۱۷۶
مدرسه آمریکاییهای بیروت / ۲۷۴
مدرسه بازرگانی هاروارد / ۳۷۹
مدرسه بین‌المللی شیراز / ۱۱۲
مدرسه عالی دماوند / ۸۴۹
مدنی، حسین / ۱۷۳
مدیریت عملیات ضد اطلاعاتی (DOCS) / ۵۹۳
مذاکرات اقیانوس هند / ۶۷۱
مذاکرات سالت / ۶۷۱
مراکش / ۳۱۱، ۳۱۴، ۳۴۵، ۴۱۷، ۵۶۵، ۶۴۰، ۷۱۱، ۷۱۸
مرتضایی‌فرد، مجید / ۱۷۶
مرعشی / ۷۶۹
مرکز ایرانی هاروارد برای مطالعات مدیریت / ۷۹۲
مرکز پزشکی آندرسون / ۳۲۳
مرکز پزشکی کترینک / ۳۲۳
مرکز تحقیقات کشاورزی دانشگاه پهلوی (شیراز) / ۱۶۳
مرکز «تحقیقات و طرح‌ریزی سیاسی» وزارت امور خارجه / ۵۹۹
مرکز مذهبی قم / ۷۳۲
مرکز مطالعات مدیریت ایران / ۳۳۶، ۳۷۹
مزارعی، عدنان (دکتر) / ۷۹
مزینی، حسین / ۱۷۱
مستقیمی، منوچهر / ۱۷۱
مستوفی / ۲۴۴
مسجد اعظم تجریش / ۷۵۵
مسجد جامع جاده شمیران / ۶۸۲
مسجد ژاله / ۷۷۶
مسجد میدان شهناز / ۷۶۸
مسعودی، عزیز / ۱۷۱
مسعودی، علی‌اصغر / ۶۸۱
مسعودی، محمدعلی / ۲۸
مسقط / ۲۲۹
مسکو / ۲۱۵، ۲۲۹، ۳۳۹، ۴۹۳، ۵۴۲، ۶۱۵، ۶۲۵، ۶۲۷، ۷۱۳، ۸۱۹
مسیح دباغیان، دکران / ۱۶۷
مشهد / ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۲۶۳، ۳۶۳، ۴۵۸، ۵۱۰، ۵۲۰، ۶۷۶، ۷۲۲، ۷۴۹، ۷۵۱
مصدق، محمد (دکتر) / ۳۵، ۷۸، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۴۶، ۲۵۶، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۶، ۳۳۱، ۳۵۲، ۳۶۵، ۳۶۹، ۳۷۵، ۳۷۶، ۴۵۷، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۷، ۷۳۱، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۶۵، ۷۹۵، ۸۰۲، ۸۲۳، ۸۳۱
مصر / ۲۶۸، ۳۰۳، ۳۱۴، ۳۲۷، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۴۰، ۶۴۳، ۷۰۲
مطلق‌لوایی، سرور / ۱۷۱
مطهرنیا، احمد / ۱۷۱
مظفریان، محمد / ۱۷۶
مظفری جانداری / ۷۶۹
معاهده صلح چین ـ ژاپن / ۷۷۰
معلم‌زاده حقیقی، جعفر / ۱۷۷
معین‌فر، علی‌اکبر (مهندس) / ۵۰۵، ۵۷۵

www.takbook.com



معینیان، نصرت‌الله / ۲۴۸، ۲۷۴
مقدم مراغه‌ای، رحمت‌الله / ۵۳، ۵۴، ۷۴، ۸۰، ۸۱، ۸۸، ۲۲۰، ۲۳۰، ۶۸۰، ۶۸۱
مقدم، ناصر (تیمسار) / ۲۷۱، ۵۰۸، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۱۷
مک‌آفی (خانم) / ۱۱۴
مکاری، ملوک / ۱۶۸
مکزیک / ۹، ۳۱۶، ۳۲۷، ۶۲۰
مکزیکوسیتی / ۳۲۱
مک‌گافی، دیوید / ۱۰۷، ۳۰۶، ۶۹۶، ۶۸۹، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۷۴
مکلا / ۳۲۴
مک نامارا / ۳۴۴
مکنزی (کلنل) / ۷۱۱
مکی، علی محمد / ۱۷۱
مکینی، لاری / ۷۵۱
مگ، آرمیش / ۱۷، ۵۹، ۹۱، ۱۰۰، ۳۵۵
ملک خالد / ۶۷۵
ملکه الیزابت / ۷۰۲
ملکی، محمدحسین / ۶۸۱
ملول (مهندس) / ۳۱۱
ملیزاده، جهانگیر / ۱۷۲
مناطق اشغالی ساحل غربی / ۶۳۳
مناطق نفتی آلما / ۶۴۳
منامه / ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۶، ۷۴۲
منتخب، نقی / ۱۷۱
منتصری، هوشنگ / ۲۵۸
منتظری، حسین‌علی (آیت‌الله) / ۵۰۰، ۵۰۳، ۵۰۶، ۶۸۲
منصور، حسنعلی / ۲۴۵، ۲۵۰، ۲۷۳
منصور، سیروس / ۷۴۴
منصوری، مولود / ۱۶۸
منطقه آسکودار (استانبول) / ۱۸۳
منطقه امنیتی (MOV) / ۵۶۲
منطقه سینا / ۶۲۲
منطقه غزه / ۶۲۲
منیری / ۷۷۶
موترویا / ۵۶۵
موثقی، شاهپور / ۱۷۶
موجدی، ضیاءالله / ۱۷۱
موحد بروجردی، افتخارالسادات / ۱۷۰
موحدی، شریک محسن / ۱۷۱
موردن، تئودور. اچ. / ۸۰۷
مورفیلد (سرکنسول آمریکا در تهران) / ۴۰، ۹۰
موریتانی / ۷۵۱
موریر، جیمز / ۳۷۵
موساد لتافکدیم میوچادیم (سرویس اطلاعات سری) / ۲۷، ۱۸۰، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۳، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۳، ۶۲۴
موسوی خوئینی‌ها، سیدمحمد (حجت‌الاسلام) / ۴۶۴
موسوی زنجانی، حاج سیدابوالفضل

www.takbook.com



(حجت‌الاسلام) / ۶۸۱، ۶۸۲
موسوی، میرحسین / ۵۴۹
مولر (ژنرال) / ۷۱۳
مولوتف / ۳۵۵
مومن، مریم (پدر) / ۱۷۱
موند (Mond) / ۹۳
مون، ر.بارتلت. / ۳۹۴
مهدوی / ۲۴۳، ۲۴۵، ۷۱۲، ۷۱۶
مهدوی، فریدون / ۲۷۷
مهدوی کنی، محمدرضا (آیت‌الله) / ۵۴۹
مهران، محمدطاهر / ۱۷۱
مهر (رئیس دانشگاه پهلوی) / ۶۹۴
مهر، فرهنگ / ۲۸۴
مهیاری، زهرا / ۱۷۱
میدان ژاله / ۱۹۶، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۸۱۰، ۸۳۷
میدان سپه / ۶۹۸
میدان شهیاد (آزادی) / ۵۱۵، ۶۶۷
میدان قزوین / ۵۰۵
میدز، دان / ۴۷۲
میرپنج، باقرخان / ۲۶۰
میرزایی بوئینک، ایوب / ۱۷۱
میرزایی، نادر / ۱۶۸، ۱۷۸
میرطباطبایی، باقر / ۱۷۳
میرغفوری، محمدعلی / ۱۷۸
میرمطهری، منوچهر / ۱۷۸
میرهاشمی، ایرج / ۱۷۱
میسی، جان / ۷۴۴
میشکانیان، ملوک / ۱۷۶
میشیگان (MICHIGAN) / ۱۸۹
میکشانیان، ملوک / ۱۶۸
میکلاس، مک / ۴۳۲
میکلوس، جک سی / ۲۸۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۵، ۳۵۶، ۳۷۳، ۴۳۲، ۴۴۵، ۶۳۹، ۶۶۷، ۶۸۹، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۱۶، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۵۳
میلانی، سیدمحمدهادی (آیت‌الله) / ۱۰۴، ۱۰۶
میلز، جان / ۳۰۵، ۶۳۳، ۷۴۳، ۷۵۱، ۷۷۳، ۷۸۵، ۸۰۵
میلز، هاوتورن / ۶۳۳
میناچی، ناصر (دکتر) / ۷۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۴۹۶، ۵۰۰، ۵۰۳، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۸۳، ۶۸۲
مین‌باشیان، فتح‌الله / ۲۵۲
مینر، هلن اس / ۲۹۹
مؤسسه بین‌المللی عمران آمریکا / ۳۵۲
مؤمنی / ۷۶

ن

ناتانسون / ۷۵
ناتسون / ۷۰۵
ناتو / ۷۹۴
ناس، چارلز دبلیو / ۳۸، ۵۰، ۵۸، ۶۰، ۸۳، ۸۴، ۸۸، ۱۰۶، ۱۳۰، ۱۹۸، ۲۱۶، ۵۲۲، ۵۲۷، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۳، ۵۳۷، ۷۰۴، ۷۲۰، ۷۲۲، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۶۱،

www.takbook.com



۷۶۷، ۷۶۹، ۷۷۲، ۷۸۳، ۷۸۵، ۸۳۲
ناصرالدین شاه / ۲۵۳
ناطق، هما (دکتر) / ۶۸۱
ناو آمریکایی بارنی / ۷۲۲، ۷۴۷
نایت، ال، پی / ۴۷۷
نبی‌زاده، پیرم / ۱۷۱
نخست، احمد / ۱۷۱
ندیم، جعفر / ۷۷۱
نروژ / ۵۳۹، ۶۱۲، ۶۱۹، ۷۲۰
نزیه / ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۵۲، ۲۲۹، ۲۳۲، ۴۹۳، ۵۵۶، ۵۶۳
نسترین (داودکلیمی)، منوچهر / ۱۷۶
نسل موسوی، طوسی / ۱۷۱
نصیری، نعمت‌الله (تیمسار) / ۸۰، ۱۳۷، ۱۹۴، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۷، ۶۹۹، ۸۱۰، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۹
نظری (مسعودی)، صغری حسین / ۱۶۹
نعیبی‌زار، نسیم / ۱۷۶
نعیمی اکبر، ایرج / ۱۶۹
نعیمی اکبر، ایرج / ۱۷۳
نگارتر / ۷۱۶
نمایشگاه ادی گونینگ / ۳۰۳
نمایشگاه تجارت بین‌المللی تهران / ۳۰۳
نمایشگاه دکوننیک / ۸۰۵
نمایشنامه، کارمن / ۷۴۳
نمایندگی ویلیامز ـ استیونس / ۶۷۵
نمرود / ۵۸۸
نواب احتشام رضوی، حسینعلی / ۱۷۶
نوچ، ای. اچ. / ۴۳۲
نوری (آیت‌الله) / ۲۳۰، ۷۸۶
نوسنزو / ۷۲۲
نوشهر / ۱۱۹
نوین فرحبخش، حسین / ۱۶۶
نهاوندی، هوشنگ / ۱۰۲، ۱۰۳، ۲۸۷، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۸۱
نهضت آزادی / ۷۷، ۸۲، ۲۱۸، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۴۷، ۵۵۵، ۶۸۰
نهضت رادیکال ایران / ۵۴، ۲۳۰، ۶۸۱
نهضت مقاومت ملی ایران / ۵۵۳
نیروگاه هسته‌ای در بوشهر / ۲۰۶
نیروهای ارتش اسرائیل (IDF) / ۵۹۵، ۶۰۲
نیروهای حافظ صلح در نامیبیا / ۷۵۵
نیروهای دفاعی اسرائیل / ۶۳۸
نیروی پایداری / ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵
نیروی دریایی آمریکا / ۱۶، ۲۴، ۹۴، ۱۰۱، ۷۴۳
نیروی دریایی اسرائیل / ۶۳۸
نیروی دریایی انگلستان / ۶۳۸
نیروی دریایی ایران / ۱۰۱، ۱۰۲
نیروی زمینی ایران / ۲۷۳
نیروی هوایی آمریکا / ۴۰، ۱۰۱، ۳۷۲، ۵۱۹، ۷۲۰
نیروی هوایی اصفهان / ۷۳۹

www.takbook.com



نیروی هوایی ایالات متحده / ۱۸۶
نیروی هوایی ایران / ۴۱، ۹۴، ۲۴۴، ۲۴۸، ۵۱۸، ۵۲۵ / ۷۵۱
نیس / ۷۰۳
نیشابور / ۸۳۲
نیکاراگویه / ۶۲۰
نیکسون، ریچارد / ۲۶۷، ۳۸۸، ۴۱۶، ۶۵۲
نی لوی، سارا / ۶۳۷
نیلی، کوی / ۷۴۷، ۷۴۹، ۷۶۰
نیوسام، دیوید پ. / ۳، ۳۱، ۶۱، ۶۲، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۸۹، ۹۷، ۹۸، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۳۰، ۲۰۲، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۲، ۵۶۴، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۵۰، ۷۵۱
نیویورک / ۱۵۶، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۲۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۶۲، ۵۸۰، ۶۰۲، ۶۱۷، ۶۳۸، ۶۴۴، ۶۹۹، ۷۰۳، ۷۰۵، ۷۱۳

و

وآوا، فرهنگ / ۳۲۵
واتسون، باب / ۷۰۳
واتیکان / ۶۰۹
واحد اطلاعات هوایی / ۵۹۷
واحد جدید «تحقیقات و ارزیابی» / ۵۹۹
وارترسیانس، هارتیون / ۱۶۵
وارسته، ۴۹۷
واشنگتن / (اکثر صفحات)
واشیورن، جان.ال. / ۳۳۶، ۳۸۳
واقعه سیاهکل / ۳۶۶
واقعی، مصطفی / ۱۶۵
واندرمیر (کلنل) / ۷۱۳، ۷۴۸
وانر، وان / ۳۰۹
وایتلی / ۷۴۷
وایزمن، عزر (سرلشکر) / ۶۵۰، ۶۵۳
وبور چگریو، آرنود / ۷۰۰
وتامارطوماسیان، آرام / ۱۷۲
وثوق / ۲۴۵
وجدانی، مجید / ۱۷۶
وحدت، خانم محترم / ۱۷۲
وخشرپور، سیاوش / ۱۷۶
ورث، هالینگ / ۱۸
وزارت امور خارجه آمریکا / اکثر صفحات
وزارت پست و تلگراف و تلفن، ۵۳۴
وسایل ارتباط جمعی سوئد / ۵۵۳
وستلی، دیوید / ۳۰۳، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۹، ۷۲۲، ۷۴۳، ۷۵۵، ۷۷۳، ۷۷۵، ۷۷۶
وستینگهاوس / ۷۱۷، ۷۴۳، ۷۴۴
وفی، هوشنگ / ۱۷۲
وکیلی / ۲۴۵
وکیلی، نجیبه / ۱۷۵
وگان، جک / ۷۴۴
ول، راک / ۶۳۵
وعدت Va adat راشه‌ای‌ها شروتیم (کمیتهٔ سران سرویسهای اسرائیل) / ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۱

www.takbook.com



ولف / ۶۶۷
ولوک / ۴۶
ونچر، پرو / ۴۲۱
ونزوئلا / ۶۲۰
ونس، سایروس / ۹، ۱۴، ۱۶، ۳۱، ۴۱، ۵۰، ۱۲۳، ۱۲۸، ۱۲۹، ۲۰۲، ۲۰۹، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۶، ۳۱۹، ۵۳۴، ۵۴۱، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۵۰، ۵۶۲، ۶۳۵، ۷۰۴، ۷۱۳، ۷۴۶، ۷۹۴، ۸۰۵، ۸۴۱، ۸۴۳
وودساید، ویلیام / ۷۵۵
ویتلی، اندو / ۷۴۳
ویتنام / ۱۳۲، ۱۴۸، ۳۴۶، ۳۴۹، ۳۵۲، ۴۴۶، ۶۴۸
ویتوگرادوف، ولادیمیر / ۲۶۷
ویر / ۷۱۵
ویرجینیا / ۱۶
ویزای (NIV) / ۱۶
ویک، آدا / ۶۳۸
ویک، ساوث / ۶۳۸
ویلسون، پتر / ۸۰۷
ویلیامز، هاریسون ای (ژنرال) / ۲۹۹، ۶۷۵، ۷۰۳
وینر، دان. سی (سرهنگ) / ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶

ه

هاچینز، هاری / ۳۰۳
هادوی / ۲۳۱
هادینگ / ۵۰۷
هارپر (خانم) / ۳۱۶
هارتمن / ۱۸۳
هارت، هاوارد / ۲۶۵، ۷۳۸
هاردینگ، کنت / ۳۰۰
هارل، ایزر (Isser Harel) / ۵۹۸
هاروارد / ۳۷۹
هاری، جوزف / ۶
هاشمیان، جواد / ۱۶۶
هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر (حجةالاسلام) / ۵۰۶، ۵۱۵، ۵۴۹
هاشمی، عبدالله / ۱۶۸
هاک (فرمانده) / ۷۰۱، ۷۲۲، ۷۴۷
هاکوپیان، هوسپ / ۱۷۰
هاگانا (نیروی مقاومت زیرزمینی) / ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۵، ۶۳۷، ۶۵۴
هالینگز، ارنست اف / ۲۹۹
هالینگ ورث، روی / ۷۴۷
هامبارسیون سرکیسیان، سیروارت / ۱۷۰
هام، جیمز / ۲۶۵
هانوکائی، ابراهیم / ۱۶۶
هاوانا / ۱۴۰، ۵۷۳، ۵۸۲
هاوت، فاین (سرهنگ) / ۷۷۶
هایام، جیمز / ۷۳۸
هایراپتیان، یقیش / ۱۷۷
هایزر (ژنرال) / ۷۰۲، ۷۰۹، ۷۱۳، ۷۵۹، ۷۶۳، ۸۴۴
هتل اینترکنتینانتال / ۱۷۲، ۴۷۴
هتل هما (شرایتون) / ۱۷۹

www.takbook.com



هدایت / ۲۴۳، ۲۴۵
هدایت، امیرساسان / ۱۶۶
هرکبی، یهوشافت (سرتیپ) (Yehoshafat) / ۵۹۹
هرمنینگ، کوین / ۱۸۰
هروت (Herut) / ۵۹۵، ۶۴۰
هفده شهریور / ۶۶۰، ۶۶۲
هک، ال. دوگلاس / ۳۷۳، ۶۳۰
هک، دوگ / ۳۵۶
هلسینکی / ۴۴، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۶۸، ۶۳۰
هلمز، ریچارد / ۱۱۸، ۲۷۳، ۲۸۰، ۲۹۳، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۷۴، ۳۸۶، ۴۱۹، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴
هلند / ۲۶۹، ۶۱۹، ۶۸۱، ۷۱۷، ۷۲۱
همامی، سیداحمد / ۱۶۶
همایون‌پور، محمدعلی / ۱۷۷
همایون (سرهنگ) / ۵۲۰
هندوستان / ۲۴، ۴۷، ۲۷۰، ۲۷۷، ۳۳۹، ۳۸۷، ۳۸۸، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۶۶، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۷، ۵۴۸، ۶۷۰
هندی آزاد، امریک / ۱۶۶
هنکز، نانس / ۷۰۹
هواپیماهای رادار پرنده (آواکس) / ۱۴، ۹۱
هواپیمایی بریتانیا (بریتیش ایرویز) / ۲۰۷
هوارت / ۷۰۵
هوارتیز / ۶۴۷
هوت، فاین / ۷۷۵
هوستون / ۱۲۷، ۳۲۳، ۶۸۰
هوفستدلر، شرلی / ۷۱۳، ۷۱۶
هولیس / ۱۶۴، ۱۸۱
هویدا، امیرعباس / ۲۹، ۶۴، ۷۳، ۸۰، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۳۷، ۱۹۴، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۱، ۳۴۲، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۷۳، ۳۸۲، ۳۸۳، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۹، ۵۵۸، ۶۳۹، ۷۲۸، ۷۳۳، ۷۶۱، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۵، ۸۰۵، ۸۱۰، ۸۳۴، ۸۳۹، ۸۴۰
هیئت مستشاری نظامی (ARMISH - MAGG) / ۱۵، ۳۳۷
هیأت پترسون / ۳۴۵
هیتز / ۵۶۵
هیث، اداوارد / ۷۲۲
هیستادروت Histadrut / ۵۹۵
هیکس، کارلتون / ۷۱۳
هیگبی، جری (فرمانده) / ۱۰۱
هینس / ۸۱
هینک، وای (ژنرال) / ۱۰۱

ی

یادین، ۶۴۴ / ۶۴۷
یازاریانی تبریز، ثریا اسماعیل / ۱۷۵
یاسینی، منصور / ۷۶۹
یاشار، موسی / ۱۶۹
یاشار، موسی / ۱۷۲
یانگ، جیس آندرو / ۱۴۲، ۱۰۶، ۱۱۴، ۵۶۳
یحیایی، حسن / ۱۷۲
یزدان‌پناه (تیمسار) / ۲۸۹

www.takbook.com



یزدی، ابراهیم (دکتر) / ۳۱، ۳۷، ۵۹، ۶۶، ۸۰، ۸۷، ۹۳، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۸۷، ۱۹۶، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۹، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۲۷، ۴۷۰، ۵۰۹، ۵۱۴، ۵۲۳، ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۳۴، ۵۳۷، ۵۴۵، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۸۰، ۵۸۲

یزید / ۲۵۳

یگانه / ۳۰۶

یمن / ۳۴۳، ۶۴۸

یمن جنوبی / ۲۶۸

یوتوات (Milatt) (کلنل) / ۶۳۸

یوتوات (یوتواث)، الیزر / ۶۳۸

یوحنان، بن / ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۲

یوسف‌زاده کهنه‌شهر، پاول / ۱۶۸

یوسفیان، روح‌الله / ۱۷۵

یوسفی، عزیزالله / ۱۷۸

یوفه، آبراهام / ۶۵۴

یوگسلاوی / ۳۴۵

یونان / ۴۴، ۴۷، ۲۵۵، ۳۴۳

یونان‌پور، سلیمان / ۱۷۲

یونسه، فرانسیس / ۶۴۱

یونیون تئولوژیکان (دین‌شناسی) / ۲۲۵

Major - Gonra / ۱۸

Pro Quo liasion - QUID / ۲۳

(FGI) اطلاعات دولت بیگانه / ۵۹۳

(FMS/Logestios) (مشاور و پیشنهاد قطعات لجستیکی) / ۱۰۲

FOCUS / ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۵، ۷۵۲، ۷۵۳

FY 80 CAPFOR IRAN / ۷

(G77) / ۴۵۰

(IBEX) / ۱۴، ۱۵، ۱۸

(IBRD) بانک توسعه بین‌المللی / ۲۲

(IFAD) / ۴۵۰

Magor - Gonro / ۹۱

(NO) NFIBONLY فقط برای ادارات (NFIB) / ۵۹۳

(NC) NOCONTRACT غیرقابل رؤیت / ۵۹۳

(OPEC) / ۵۹

(OC) ORCON حق اقتباس / ۵۹۳

Ossoms - Fi,Dr.R.COSSEMANS / ۴۶

(PP) PROPIN احتیاط / ۵۹۳

Perett / ۷۹

Plof / ۵۰

Proquoliasionquid / ۸۹

R.A.Engdan / ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲

Roavis / ۹۳

(SDPLOD)(حروف رمزی است از طرف سازمان سیا برای معرفی امیرانتظام در اسناد به کار می‌رفت) / ۴۹۲

SDTRAMP/1 / ۵۶۶

(SRF) / ۳۶، ۲۸۳، ۲۸۴، ۳۰۲، ۳۳۵، ۳۷۴، ۴۰۴، ۵۰۴